



مجموعہ مثنوی فارسی

زیر نظر

احسان یار شاہ

شاہنامہ

بکوشش

جلال خالصی مطلق

دقت چہارم

شاهنامه خوانی با خوانش و تفسیر استاد زاگرس و دکتر محبوب

کتاب صوتی شاهنامه و شاهنامه خوانی با صدای استاد قائم مقامی

دانلود کتاب صوتی شاهنامه - شاهنامه خوانی با صدای استاد کزازی

شاهنامه خوانی و شرح و تفسیر اشعار شاهنامه توسط استاد حیجونی

کتاب صوتی شاهنامه فردوسی با صدای استاد قادرپناه

داستان های صوتی شاهنامه به زبان ساده

کتاب صوتی شاهنامه به نثر نوشته محبوبه زمانی

کتاب صوتی شاهنامه برای نوجوانان

شاهنامه خوانی کودکان صوتی

ابوالقاسم فردوسی
شاهنام

بگوشش:
جلال خالقی مطلق

دقرہام

طبع انتقادی شاهنامه فردوسی

بکوشش : جلال خالقی مطلق

زیر نظر : احسان یار شاطر

ناشر : بنیاد میراث ایران

پخش کننده : انتشارات مزدا

محل نشر : کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا

کلیه حقوق متن برای دکتر جلال خالقی مطلق و حق چاپ برای ناشر در سراسر جهان محفوظ است.

شماره استاندارد بین المللی کتاب : ISBN:1-56859-018-0

فهرست مطالب دفتر چهارم

دستنویس اساس تصحیح این دفتر
مأخذ دیگر
برخی از نشانه‌ها
دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

کیخسرو

داستان رزم بازده رخ

آغاز داستان

گفتار اندر آگاهی یافتن کیخسرو از آمدن لشکر افراسیاب

پنج

- ۱۲ گفتار اندر رسیدن گودرز کشوادگان به کنارزید
- ۱۹ گفتار اندر بازگشتن گیو از پیش پیران و یسه
- ۲۵ گفتار اندر آمدن بیژن بنزدیک پدر و جنگِ ترکان خواستن
- ۲۸ گفتار اندر رفتن هومان بنزدیک پیران و جنگِ ایرانیان خواستن
- ۳۰ گفتار اندر آمدن هومان و یسه از لشکرگاه خود به لشکرگاه ایرانیان
- ۳۹ گفتار اندر آمدن بیژن بنزدیک گودرز و خواستنِ جنگِ هومان
- ۴۸ گفتار اندر رزم بیژن گیو با هومان و یسه
- ۵۶ گفتار اندر شبیخون بردنِ نستیهن برادر پیران و یسه
- ۶۰ گفتار اندر نامه فرستادنِ گودرز بنزدیک شاه کیخسرو
- ۶۳ گفتار اندر پاسخ نامه‌ی گودرز از شاه کیخسرو
- ۷۰ گفتار اندر نامه فرستادنِ پیران و یسه بنزدیک گودرز کشوادگان
- ۷۷ گفتار اندر پاسخ نبشتنِ گودرز نامه‌ی پیران و یسه را
- ۸۵ گفتار اندر پیغام فرستادنِ پیران و یسه به افراسیاب
- ۸۹ گفتار اندر پاسخ فرستادنِ افراسیاب پیغام‌های پیران و یسه را
- ۹۴ گفتار اندر جنگِ ایرانیان و تورانیان به انبوه
- ۱۱۳ گفتار اندر رسیدنِ گودرز و پیران بهم
- ۱۱۵ گفتار اندر نام زد کردنِ گردان توران و ایران بهم
- ۱۱۸ گفتار اندر نبرد فربرز کاوس با گلباد و یسه
- ۱۱۸ گفتار اندر نبرد گیو گودرز با گروهی زره
- ۱۱۹ گفتار اندر نبرد گرازه با سیامک
- ۱۲۰ گفتار اندر نبرد فروهل با زنگله
- ۱۲۱ گفتار اندر نبرد رُهام گودرز با بارمان
- ۱۲۲ گفتار اندر نبرد بیژن گیو با رویین پیران
- ۱۲۳ گفتار اندر نبرد هجیر گودرز با سپهرم
- ۱۲۴ گفتار اندر نبرد زنگه‌ی شاوران با اخواشت
- ۱۲۵ گفتار اندر نبرد گرگین میلاد با آندریمان
- ۱۲۶ گفتار اندر نبرد برنه با کُهرم

- ۱۲۸ گفتار اندر نبردِ گودرزِ کشواد با پیرانِ ویسه
 ۱۳۴ گفتار اندر آگهی دادنِ دیدبانِ ایرانیان از آمدنِ کیخسرو
 ۱۴۰ گفتار اندر گریختنِ لهاک و فرشیدورد برادرانِ پیرانِ ویسه
 ۱۴۶ گفتار اندر رفتنِ بیژنِ گیویسِ گُستهم
 ۱۵۰ گفتار اندر رسیدنِ بیژنِ گیو به بالینِ گُستهم
 ۱۵۴ گفتار اندر رسیدنِ شاه کیخسرو بنزدیکِ گودرز و لشکر ایران
 ۱۵۹ گفتار اندر زنهار خواستنِ لشکر ترکان از شاه کیخسرو
 ۱۶۲ گفتار اندر رسیدنِ بیژن و گُستهم بنزدیکِ کیخسرو

داستانِ جنگِ بزرگِ کیخسرو

- ۱۷۶ آغاز داستان
 ۱۸۳ گفتار اندر آگهی یافتنِ افراسیاب از کشتنِ پیرانِ ویسه
 ۱۹۲ گفتار اندر آگهی یافتنِ کیخسرو از گذشتنِ افراسیاب از رود جیحون
 ۱۹۷ گفتار اندر پیغام فرستادنِ افراسیاب به شاه کیخسرو
 ۲۰۶ گفتار اندر پاسخ دادنِ شاه کیخسرو پیغام‌های افراسیاب
 ۲۰۸ گفتار اندر آمدنِ شیده به جنگِ شاه کیخسرو
 ۲۱۶ گفتار اندر رزمِ دومِ کیخسرو با افراسیاب
 ۲۲۳ گفتار اندر پیروز شدنِ شاه کیخسرو بر افراسیاب
 ۲۲۵ گفتار اندر نامه فرستادنِ شاه کیخسرو بنزدیکِ کیکاوس
 ۲۳۱ گفتار اندر آگاهی یافتنِ افراسیاب از آمدنِ کیخسرو
 ۲۴۰ گفتار اندر رسیدنِ کیخسرو به گنگ بهشت
 ۲۴۳ گفتار اندر پیغام فرستادنِ افراسیاب به کیخسرو
 ۲۴۷ گفتار اندر پاسخ دادنِ شاه کیخسرو افراسیاب را
 ۲۵۱ گفتار اندر رسیدنِ جَهَن پیشِ پدر
 ۲۶۴ گفتار اندر نامه‌ی شاه کیخسرو به کاوس شاه
 ۲۶۹ گفتار اندر پیغام فرستادنِ افراسیاب به کیخسرو
 ۲۷۳ گفتار اندر شبیخون کردنِ افراسیاب بر کیخسرو

- ۲۸۳ گفتار اندر فرستادنِ کیخسرو مرگیورا پیش شاه کاوس
- ۲۸۷ گفتار اندر پاسخ نامه‌ی کیخسرو از نزد کاوس شاه
- ۲۹۳ گفتار اندر رزم شاه کیخسرو با شاه مُکران
- ۳۰۰ گفتار اندر رسیدنِ کیخسرو به گنگ دز
- ۳۰۷ گفتار اندر بازگشتنِ کیخسرو از ترکستان به ایران
- ۳۱۲ گفتار اندر گرفتار شدنِ افراسیاب بر دستِ هوم
- ۳۱۶ گفتار اندر رسیدنِ گودرز بنزدیکِ هوم
- ۳۲۱ گفتار اندر کشتنِ شاهِ کیخسرو افراسیاب و کرسیوز را
- ۳۲۵ گفتار اندر سپری شدنِ روزگار کاوس
- ۳۲۷ گفتار اندر سیر شدنِ کیخسرو از پادشاهی
- ۳۲۹ گفتار اندر خواهش کردنِ ایرانیان از کیخسرو
- ۳۳۲ گفتار اندر رفتنِ گیو به زاولستان به آگاه کردنِ زال ورستم از کارِ شاه
- ۳۳۶ گفتار اندر خواب دیدنِ شاه کیخسرو سرورش را
- ۳۳۷ گفتار اندر آمدنِ زال ورستم به ایران و پند دادنِ زال کیخسرو را
- ۳۴۰ گفتار اندر پاسخ دادنِ کیخسرو زال را
- ۳۴۱ گفتار اندر پند دادنِ زال کیخسرو را
- ۳۴۴ گفتار اندر پاسخ دادنِ کیخسرو زال را
- ۳۴۷ گفتار اندر پوزش خواستنِ زال از کیخسرو
- ۳۴۹ گفتار اندر پند دادنِ کیخسرو ایرانیان را
- ۳۵۱ گفتار اندر وصی کردنِ کیخسرو گودرز گشواد را
- ۳۵۳ گفتار اندر خواهش کردنِ ایرانیان از کیخسرو
- ۳۵۵ گفتار اندر منشور دادنِ کیخسرو رستم زال را
- ۳۵۵ گفتار اندر منشور دادنِ کیخسرو گودرز و گیورا
- ۳۵۷ گفتار اندر منشور دادنِ کیخسرو طوسِ نودر را
- ۳۵۸ گفتار اندر پادشاهی دادنِ کیخسرو لهراسپ را
- ۳۶۱ گفتار اندر اندرز کردنِ کیخسرو ایرانیان را
- ۳۶۷ گفتار اندر ناپدید شدنِ شاه کیخسرو از ایرانیان

۳۶۹ گفتار اندر مردن طوس و فریبرز و گیو و بیژن و گشتهم در برف
۳۷۱ گفتار اندر عهد بستن لهراسپ با ایرانیان

فهرست‌ها

۳۷۹ فهرست نام کسان
۳۹۱ فهرست نام جای‌ها

دستنویس های اساس تصحیح این دفتر

الف - دستنویس های اصلی

- ۱- ف دستنویس کتابخانه ملی فلورانس، به نشان Ms. Cl. III. 24 (G.F.3)، مورخ ۱۲۱۷ / ۶۱۴
- ۲- ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add, 21. 103، مورخ ۱۲۷۶ / ۶۷۵
- ۳- س دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1479، مورخ ۱۳۳۰ / ۷۳۱
- ۴- ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶س، مورخ ۱۳۴۱ / ۷۴۱
- ۵- ل^۲ دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add. 18 188، مورخ ۱۴۸۶ / ۸۹۱
- ۶- س^۲ دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1510، مورخ ۱۴۹۸ / ۹۰۳

ب - دستنویس های غیر اصلی

- ۱- لن دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کاتالک دُرُن، شماره ۳۱۶ - ۳۱۷، مورخ ۱۳۳۳ / ۷۳۳
- ۲- ق^۲ دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۹۴ / ۷۹۶
- ۳- لی دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن، به نشان Or. 494، مورخ ۱۴۳۷ / ۸۴۰
- ۴- ل^۲ دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Or. 1403، مورخ ۱۴۳۸ / ۸۴۱
- ۵- پ دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 493، مورخ ۱۴۴۱ / ۸۴۴
- ۶- و دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان، به نشان Ms. Pers. 118، مورخ ۱۴۴۴ / ۸۴۸
- ۷- لن^۲ دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 1654، مورخ ۱۴۴۵ / ۸۴۹
- ۸- آ دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Pers. C. 4، مورخ ۱۴۴۸ / ۸۵۲
- ۹- ب دستنویس کتابخانه دولتی برلین، به نشان Or. 2° 4255، مورخ ۱۴۸۹ / ۸۹۴

مآخذ دیگر

- ۱ - بنداری ترجمه شاهنامه به عربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰ - ۶۲۱ / ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴، به کوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰
- ۲ - لغت فرس اسدی طوسی، لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶
- ۳ - لغت دری ابومنصور احمد بن علی اسدی طوسی، لغت فرس (لغت دری)، به تصحیح فتح الله مجتبائی - علی اشرف صادقی، تهران ۱۳۶۵
- ۴ - معجم شاهنامه محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، معجم شاهنامه، به تصحیح حسین خدیوجم، تهران ۱۳۵۳
- ۵ - لغت شهنامه شیخ عبدالقادر بغدادی، گزیده لغت شهنامه، به تصحیح کارلوس زالمان، سن پترزبورگ ۱۸۹۵
- ۶ - راوندی محمد بن علی بن سلیمان الراوندی، راحة الصدور و آية السرور، به تصحیح محمد اقبال، لندن ۱۹۲۱

برخی از نشانه‌های دیگر

- (!) در جلوی هر واژه یا بیتی که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوک یا نامفهوم یا ناسد است
- (?) گویا ضبط درست نیست، ولی شاید هم درست و با راهبر به صورت درست باشد
- [] در متن هر بیتی که به گمان مصحح بر آن ظن الحاقی بودن میرود و یا در جای خود نیست، در چنگک دو گوشه نشانه شده است. همچنین در پی نویس ها گاه‌گاه صورت فرضی افتادگی های ناشی از سهو کاتب در میان همین نشانه ثبت شده‌اند
- < > هر حرف یا واژه‌ای که در پی نویس ها در جلوی نشانه دستنویسی در چنگک يك گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستنویس نیست و یا افتاده است (از دفتر سوم بجای آن نشانه پیشین بکار رفته است)
- = برابر است با
- آ لت یکم بیت
- ب لت دوم بیت

پ بی نویس (اگر شماره پیش از این حرف آید شماره بیت است و اگر پس از آن آید شماره بی نویس است. مثال: ۱۲ پ،

یعنی بی نویس بیت ۱۲، ولی: ۱۲ پ، یعنی بی نویس شماره ۱۲)

متن ← نگاه کنید به: متن در شماره سپین

← نگاه کنید به، نشانه برگشت

→ نشانه گشگی ضبطی از ضبط دیگر

دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

- ۱ - دستنویس بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی، بی تاریخ (افتادگی دارد)
- ۲ - دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 110، مورخ ۷۴۱ / ۱۳۴۱ (ناقص)
- ۳ - دستنویس موزه ملی کراچی، به نشان N.M. 1957-913/3، مورخ ۷۵۲ / ۱۳۵۱ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۴ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1511، مورخ ۷۷۲ / ۱۳۷۱
- ۵ - دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۱۸ تاریخ فارسی، مورخ ۷۷۳ / ۱۳۷۲ یا ۷۲۳ / ۱۳۲۳ (هر دو تاریخ مشکوک است)
- ۶ - دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 114، بی تاریخ (ناقص)
- ۷ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1515، مورخ ۸۰۳ / ۱۴۰۰
- ۸ - دستنویس کتابخانه دانشگاه کمبریج، به نشان Or. 420، مورخ ۸۴۱ / ۱۴۳۸ (نیمه نخستین شاهنامه)
- ۹ - دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 494، مورخ ۸۴۸ / ۱۴۴۴
- ۱۰ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1496، مورخ ۸۶۸ / ۱۴۶۴
- ۱۱ - دستنویس انجمن آسیائی بنگال در کلکته، به نشان No. 69، مورخ ۸۸۲ / ۱۴۷۸
- ۱۲ - دستنویس کتابخانه ملی اطریش در وین، به نشان Mxl. 378، مورخ ۸۸۲ / ۱۴۷۸
- ۱۳ - دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 157، مورخ ۸۸۵ / ۱۴۸۰
- ۱۴ - دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 158، مورخ ۸۸۵ / ۱۴۸۰
- ۱۵ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1489، مورخ ۸۸۷ / ۱۴۸۲
- ۱۶ - دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1056، مورخ ۸۹۱ / ۱۴۸۶

- ۱۷- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Pers. 228، مورخ ۸۹۵ / ۱۴۹۰
- ۱۸- دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Eliol, 325، مورخ ۸۹۹ / ۱۴۹۴
- ۲۰- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1406، مورخ ۸۹۹ / ۱۴۹۴ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۲۱- دستنویس موزه فریتس ویلیام در کمبریج، به نشان Ms. 22 - 1948، بی تاریخ (سی و چند برگ)
- ۲۲- دستنویس انستیتیوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 822، بی تاریخ
- ۲۳- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1405، بی تاریخ
- ۲۴- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1549، بی تاریخ
- ۲۵- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1507، مورخ ۹۰۰ / ۱۴۹۵
- ۲۶- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1542، مورخ ۹۰۰ / ۱۴۹۵
- ۲۷- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1491، مورخ ۹۰۱ / ۱۴۹۶
- ۲۸- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان A. 3065، مورخ ۹۰۱ / ۱۴۹۶ (؟)
- ۲۹- دستنویس کتابخانه کاخ پادشاهی مادرید در اسپانیا، به نشان 3.218-II، مورخ ۹۰۱ / ۱۴۹۶
- ۳۰- دستنویس کتابخانه دولتی باویر در مونیخ، به نشان Pers. 8، مورخ ۹۰۲ / ۱۴۹۷
- ۳۱- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1508، مورخ ۹۰۲ / ۱۴۹۷
- (برای معرفی این دستنویسها نگاه کنید به: *ایران نامه*، سال سوم، ۱۳۶۴/۳، ص ۳۷۸ - ۴۰۶؛ سال چهارم، ۱۳۶۴/۱، ص ۱۶ - ۴۷؛
 ۱۳۶۴/۲، ص ۲۲۵ - ۲۵۵؛ سال هفتم، ۱۳۶۷/۱، ص ۶۳ - ۹۴)

کپخسرو

داستانِ رزمِ یازده رُخ^۱

جهان چون برآری برآید^۲ همی
 چو بستی کمر بر در راهِ آز
 به یک روی جُستنِ بلندی سزاست^۵
 و دیگر که^۶ گیتی ندارد درنگ
 پرستنده^۷ آز و جویای کین
 چو سرو سهی کوز^۸ گردد به باغ
 کند برگ پژمرده و بیخ سست
 بروید ز خاک و شود باز خاک
 سر مایه‌ی مردِ سنگ و خرد

بد و نیک روزی^۳ سرآیده‌می
 شود کار گیتیت یکسر دراز^۴
 اگر در میانِ دمِ آژدهاست
 سرای سپنجی چه پهن و چه تنگ
 به گیتی ز کس نشنود آفرین
 بدو بر^۹ شود تیره روشن چراغ،
 سرش سوی پستی گراید درست^{۱۰}
 همه جای ترس ست و تیمار و باک^{۱۱}
 ز گیتی بی‌آزاری اندر خورد^{۱۲}

۱- ف: گفتار اندر داستان رزم یازده رخ و نبرد پیران و گودرز و کشته شدن ترکان و پهلوانان بدست ایرانیان؛ ل: گفتار اندر رزم دوازده رخ؛ س: داستان گودرز و پیران و این را رزم دوازده رخ گویند؛ ق (نیز و لن): گفتار اندر (ق: در) داستان دوازده رخان؛ س: گفتار اندر رزم یازده رخان؛ س: رزم یازده رخ؛ (لن: داستان گودرز با پیران؛ ق: در جنگ دوازده رخان؛ ل: داستان یازده رخ؛ پ، ب: داستان دوازده رخان؛ آ: داستان رزم دوازده رخان؛ بنداری: ذکر الوقعة المعروفة بیاذه رخ)؛ لن از بیت ۱۲۸۵ تا ۱۴۷۵ افتادگی دارد ۲- س: برآرد ۳- س، ل: گیتی؛ متن = ف، ل، ق، س؛ بنداری بیت های ۱-۱۵ را ندارد ۴- درس پس از این بیت، بیت ۶ آمده است ۵- س، س: س: رواست؛ متن = ف، ل، ق، ل؛ ق این بیت را ندارد ۶- س، ق: دگر آنک؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ف پس از بیت ۴، ل پس از بیت ۹، ق پس از بیت ۲ و آ پس از بیت ۳ افزوده اند:

ازو دانشی (ل: در دانش و) وانگهی (ق: همه نیکویی گیر و بس؛ آ: ره دانشی جوی وهم) راستی

گزینند نگیرد بسی (ل: گزین دونیایی روان؛ ق: آ: گزین دونگیرد کسی) کاستی

این بیت در یازده دستنویس دیگر نیست ۷- س، ق: کمر بسته؛ متن = ف، ل، ل، س؛ در س این بیت پس از بیت ۲ آمده است ۸- ل (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب): کوز؛ (لن، پ، لن): کژ؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۹- س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ- ب): بروبر؛ متن = ف، ل (نیز ل) ۱۰- ل، ق (نیز لن- پ، لن، آ، ب): نخست؛ متن = ف، ل، س (نیز و؛ - داستان جنگ مازندران، بیت ۲)؛ س این بیت را ندارد ۱۱- س: جز از وی ندارد همی ترس و باک؛ ق: چرا پس توداری همی ترس و باک؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۲- س: بکزی و ناراستی ننگرد؛ در ف این بیت دوبار آمده است؛ در ل این بیت پس از بیت ۴ آمده است

- ۱۰ اگر^۱ خود بمانی به گیتی^۲ دراز
یکی^۴ ژرف دریاست بُن ناپدید
ازو^۷ چند یابی، فزون بایدت
سه چیزت بیاید کزو^{۱۰} چاره نیست
خوری گر^{۱۲} بپوشی و گر^{۱۳} گستری؛
کزین^{۱۴} سه گذشتی همه رنج^{۱۵} از
- ز رنج تن آید^۲ به رفتن نیاز
در گنج^۵ رازش نیابد^۶ کلید
همان خورده^۸ یک روز^۹ بگزایدت
وژان نیز بر سرت پیغاره^{۱۱} نیست:
سزد گر به دیگر سخن ننگری
چه در آرز پیچی، چه اندر نیاز

آغاز داستان^{۱۶}

- دل شاه ترکان چنان کم شنود
از آن پس که^{۱۹} برگشت از آن^{۲۰} رزمگاه
بشد تازنان^{۲۱} تا به خلج^{۲۲} رسید
به کاخ اندر آمد پُر آزار دل
چو پیران و گرسوز^{۲۴} رهنمون
بریشان همه داستان برگشاد
- همیشه به رنج^{۱۷} از پی آرز^{۱۸} بود
که رستم برو کرد گیتی سیاه،
به ننگ از گیان شد سرش ناپدید
ابا^{۲۳} کاردانان هشیاردل
قراخان و چون شیده و گرسیون^{۲۵}
گذشته^{۲۶} سخن ها همه کرد یاد،

۱- س: وگر ۲- س، ق: بگیتی بمانی ۳- ل: اندر (!) ۴- ل: اگر ۵- ق: گنج و ۶- ل- س: (نیزق، ل، آ، و، ب): ندارد؛ (ل: نیایی؛ ل: بدآید)؛ متن = ف ۷- ل (نیزلن، ل، ل، آ، پ، آ): اگر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزو، ب) ۸- س: خورد ۹- س: خورده خویش ۱۰- ل- س: (نیزق، ل، ل، آ، پ، آ، ب): کزان؛ متن = ف (نیزلن، ل، آ) ۱۱- ل- س، ق: (نیزل، ب): وزان (ل: وزو) بر سرت نیز (س، ق، ب: هیچ) بیغاره (س، ب: پشاره)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، آ، ل، پ، ل: (نیزو) ۱۲- ف، ل: (نیزلن، ل، ل، پ- ب): یا؛ س: و؛ متن = ل، ق، س: (نیزق، آ، ل) ۱۳- ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ، ب): یا؛ متن = ل (نیزل، آ) ۱۴- ل: چوزین؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن- ب) ۱۵- ل، ق، س: (نیزق، آ، ل، پ، و، ل، آ، ب): رنج و؛ س: درد؛ (ل، آ: راه؛ ب: درد و)؛ متن = ف، ل، آ، ف، ل، س: (نیزق، آ، ل) پس از بیت ۱۵ افزوده اند:

چودانی که بر تو نماند جهان

چه پیچی (ق، ل، آ، ل: رنجانی) تو از آرز جان و روان (ل: چه پیچی

نوزان جای نوشین روان؛ س: چه رنجایش تو ز جان و روان)

که از آرز کاهد همی (س، ق، آ، ل: هم) آبروی

بخور آنچه (ق، ل، آ، ل: آنچه) داری و بیشی بجوی

لن، پ، ل: پس از بیت ۱۵ افزوده اند:

چنین است این گنبد نیز گرد گهی شادمانی دهد گاه درد

۱۶- ق: آغاز داستان محاربه گودرز و پیران و به ۱۷- ف، ل: (نیزق، آ، ل): بدر؛ متن = ف، س، ق: (نیزلن، ل، پ- ب) ۱۸- ل: اندر آزار؛ س: پر از درد و آزار ۱۹- ق: چو ۲۰- ل: زان؛ س: پس از بیت ۱۷ افزوده است:

کجا بیژن از چاه او رسته شد از اندوه دختر دلش خسته شد

۲۱- درل، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، و) حرف چهارم نقطه ندارد ۲۲- بنداری: خلج ۲۳- ف: خود و؛ متن = ل- س: (نیزلن- ب) ۲۴- (و، ل: کرشیزو) ۲۵- ل: کرسون؛ س، ل: (نیزب): کرسون (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ق: کرشون؛ ل: کریون)؛ و: کرشون (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل: (کرسون)؛ متن = ف، ق، س: (نیزلن، ل، پ، آ)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

چو لساک و فرشبیدورد دلیر چو روین و کلباد و هومان شیر

۲۶- س، ق: شنیده

که تا بر نهادم به شاهی^۱ کلاه
 مرا بود بر مهتران دسترس
 ز هنگام رزم^۲ منوچهر باز
 شیخون کنند تا^۳ در خان من
 ۲۵ دلاور شد آن^۴ مردم نادیر^۵
 [کبوتر گرفته ست دنبال باز
 برین^{۱۱} کینه گر^{۱۲} کار سازم زود
 سزد گر کنون گرد این^{۱۵} کشورم^{۱۶}
 ۳۰ ز ترکان و از^{۱۷} چین هزاران هزار
 گمارم بر^{۱۸} گرد ایران سپاه
 همه موبدان رای هشیار خویش^{۲۱}
 که ما را ز جیحون بیاید گذشت
 بدآموی^{۲۵} لشکرگهی ساختن
 ۳۵ که آن جای جنگست و خون ریختن
 سرافرازگردان گیرنده^{۲۷} شهر!
 نهادند با^{۲۲} گفت سالار خویش
 زدن کوس خسرو^{۲۳} بر آن^{۲۴} پهن دشت
 شب و روز ناسودن از تاختن
 چه با گیو و با رستم آویختن^{۲۶}،
 نهنگان جنگ^{۲۸} آب داده به زهر^{۲۹}!
 چو افراسیاب آن سخنها شنود
 برافراخت از تخت^{۳۱} و شادی نمود

۱-س: بجدی ۲-س: همدون ز گاه؛ متن = ف-ل (نیز لن-ب)؛ بنداری: این من عهد منوچهر ۳-ف، ل: کند تا؛ س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن-ب، ل، آ، ب)؛ کنون تا؛ (و: کنند نیز)؛ متن تصحیح قیاسی است (←و)؛ حرف در در قطع انداخته است ← منوچهر، بیت ۲۱۲؛ کیفاده، بیت ۱؛ کاموس کشانی، بیت ۳۲۰ و ۸۰۸؛ بیژن و منیژه، بیت ۲۰۷) ۴-س، ل، آ، س: ز ۵-ف، ق (نیز لن): سازند (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل، س، س: آ: ببارند؛ ل: ببارید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، ب، پ: بیارند؛ و: سازند (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ متن = (ق^۲) ۶-س: شده ۷-ق: نا امید ۸-ف (نیز ل): کنون؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۹-ق: شهاب اندر آید ببالین شید ۱۰-ل-س^۱ (نیز لن-ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف ۱۱-ل: بدین ۱۲-س: بر همه؛ ق: گر همه ۱۳-ل: بر آید ۱۴-ل: زین ۱۵-ف: ازین؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن-ب) ۱۶-ق: لشکر ۱۷-ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = ف، س ۱۸-ل-س^۱ (نیز ل، آ، ب)؛ بیارم بر؛ (لن، ب، ل، آ، س: بیارم همه؛ ل: بیارم ابر)؛ متن = ف ۱۹-ل، س، ق (نیز ل، آ، ب)؛ هر سو یکی؛ س: بر گرد او؛ (لن، ب، ل، آ، س: برگردان)؛ متن = ف، ل (نیز ل، آ، ب) ۲۰-س (نیز لن، ب، ل، آ، ب)؛ کینه گاه ۲۱-ف: کیش (؟)؛ (لن: پیش)؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن-و، آ، ب) ۲۲-ل (نیز ل، و)؛ بر؛ (لن، ب، ل، آ، ب)؛ در؛ متن = ف، ل، س، ق، س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب) ۲۳-ل (نیز لن، ل، آ، ب، ل، آ، ب)؛ شاهی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب) ۲۴-ق، ل، آ، ب: بدان ۲۵-ف، ل، س، ق (نیز لن، ب، ل، آ، ب)؛ بآموی؛ س^۱؛ بدان روی؛ (ق: آ: بدان مرز؛ ل: بانبوه؛ و: بر آموی)؛ متن = ل ۲۶-س، ل: ورستم بر آویختن؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ ۲۷-ف (نیز ب): کردند (؟)؛ متن = ل-س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۸-ف: پرنده آور؛ ل: همه تیغ کین؛ (لن: نهنگ آنک جنگ → نهنگان جنگ؛ ق: آ: به پیکان جنگ → نهنگان جنگ؛ ل: آ: هنگام جنگ → نهنگان جنگ)؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل، آ، ب، و، ب) ۲۹-ل، آ: نهنگان جنگی و دارند بر (آ: دهر) ۳۰-س: این ۳۱-ل: گردن

۱۰ ابا پهلوانان و با^۲ موبدان
نیسندهی^۴ نامه را پیش خواند
فرستادگان خواست از انجمن
فرستاد نامه به هر کشوری
سپه خواست کاندیشه‌ی جنگ داشت
دو^{۱۲} هفته برآمد ز^{۱۳} چین و ختن
چو دریای جوشان زمین بردمید
گله هر چه^{۱۷} بودش از^{۱۸} اسپان یله
همان گنج‌ها کز گه تور^{۱۹} باز
سر بدره‌ها^{۲۰} را گشادن گرفت
چو لشکر سراسر شد آراسته
ز گردان گزین کرد پنجه‌هزار
به شیده که بودش نبرده‌پسر
چنین^{۲۳} گفت کین^{۲۴} لشکر رزم‌ساز^{۲۵}
نگهبان آن مرز^{۲۶} خوارزم باش!
دگر پنجه از نامداران چین
بدو گفت: تا شهر ایران برو!
در آشتی هیچ‌گونه مجوی!

۱۵
۵۰
۵۵

بکرد آفرینی به رسم ردان^۳
سخن هر چه^۵ بایست با او^۶ براند
بنزدیک فغفور و^۷ شاه ختن^۸
به هر نامداری و^۹ هر مهتری
زبیرن^{۱۰} برآن^{۱۱} گونه دل تنگ داشت
به^{۱۴} اطراف ترکان ز هر^{۱۵} انجمن
چنان شد که کس روز روشن^{۱۶} ندید
به شهر اندرآورد یکسر گله
پدر بر پسر هر همی‌داشت راز،
شب و روز دینار دادن گرفت
بدان بی‌نیازی شد از^{۲۱} خواسته،
همه رزم‌جویان سازنده‌کار
ز شیران^{۲۲} جنگی برآورده سر،
سپردم ترا، راه خوارزم ساز!
همیشه کمر بسته‌ی رزم باش!
بفرمود تا کرد پیران گزین
مان بخت و مه تخت^{۲۷} سالار نو!
سخن جز به جنگ و به کینه مگوی!

۱- ف: بر آن؛ ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): ابر؛ متن = س^۱ ۲- ف: و آن؛ ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): و بر؛ متن = س^۲ ۳- ف (نیز لن): کیان (?); متن = ل - س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۴- ف، ل، س، ق، س^۱ (نیز لن - ل، و - ب): نویسنده؛ متن = ل (نیز لن) پ (ب) ۵- س (نیز ب): آنچه؛ متن ← ۶- ل: سخن‌های بایسته چندی؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز لن - آ) ۷- ق، ل (نیز لن، لی، ب - ب): [و]؛ متن = ل، س، س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب) ۸- ف: فرستاد نزد شهان تن به تن؛ بنداری: فأحضر الکاتب و کتب الی بغبور ملک الصین یستجده، و کذلک الی سائر ملوک الأطراف ۹- ف: شهر یاری و؛ متن = ل - س^۱ (نیز لن، لی - ب؛ لن: نامداران)؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۰- ق: زایران؛ (ق: همیشه) ۱۱- ل، ق: بدان ۱۲- س: چو ۱۳- س: به ۱۴- ل، س، ق، س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب): ز؛ متن = ف، ل، آ، ب) ۱۵- ق (نیز ق، ل، آ، ب): شدند؛ (ل: پهر)؛ ل: هر کشوری شد سپاه؛ س: ترکان فراوان شدند؛ متن = ف، ل، آ، س: اطراف (ج:؟)؛ لن، لی، ب، لن این بیت را ندارند ۱۶- س: روی هامون ۱۷- ل، س: هرچ ۱۸- ل، س، ق، س^۱: ز ۱۹- ل: توز ۲۰- س: گنج‌ها ۲۱- (ل: و آن)؛ ف: شده بی‌نیاز از بسی؛ (ق: همه بی‌نیاز از بی؛ ب: همه بی‌نیاز آمد از)؛ متن = ل - س^۱ (نیز لن، لی، و لن، آ، ب) ۲۲- ل (نیز ل): گردان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۳- ف، ل (نیز لی، و): بدو؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ف، ق، ل: کز؛ متن = ل، س، س^۱ (نیز لن - ب) ۲۵- ل: سرفراز؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن - ب) ۲۶- س: رزم ۲۷- ل، س (نیز و، آ): نخت و مه نخت (حرف یکم واژه نخستین و پسین نقطه ندارد)؛ ق (نیز ب): نخت و مه (ب: نه) نخت؛ ل: نخت... (پاک شده است)؛ س: نخت و مه تاج (حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ (لن، ب، لن: رخت و مه نخت؛ لی: نخت و مه نیز؛ ل: نخت شاه و نه)؛ متن =

کسی کو برد آب و آتش بهم
 دو پُرمایه بیدار^۳ دو پهلوان
 برفتند با پند افراسیاب
 ابا زنگ^۷ زرین و گوبال^۸ و تیغ
 ابر^۱ هر دو بر^۲ کرده باشد ستم
 یکی هوش ور پیر^۴ و دیگر جوان
 بد آرام^۵ پیر و جوان پُرشتاب^۶
 خروشان بکردار غرنده میغ

گفتار اندر آگاهی یافتن کیخسرو از آمدن لشکر افراسیاب^۱

۶۰ پس آگاهی آمد به پیروز شاه
 جفا پیشه بدگوهر افراسیاب
 بر آورد خواهد همی سر ز ننگ^{۱۲}
 همی زهر ساید به نوک سنان
 سواران جنگی^{۱۵} چو سیصد هزار
 سپاهی که هنگام ننگ و نبرد
 دلیران به درگاه افراسیاب
 و ز آوای^{۱۸} شیپور و زخم درای
 گر آید به ایران به جنگ آن^{۲۱} سپاه
 سر مرز توران به پیران سپرد
 سوی شهر خوارزم پنجه هزار
 سپهدار آن^{۲۵} شیده‌ی شیردل

که آمد ز توران بدایران^{۱۰} سپاه
 ز کینه نیابد شب آرام و^{۱۱} خواب
 ز^{۱۳} هر سو فرستاد لشکر به جنگ^{۱۴}
 که تابد مگر سوی ایران عینان
 به جیحون همی کرد خواهد گذار^{۱۶}
 ز جیحون به گردون برآرند^{۱۷} گرد
 ز بانگ تبیره نیابد خواب
 تو گفتی^{۱۹} برآید^{۲۰} همی دل ز جای
 هزبر دلاور نیاید به^{۲۲} راه
 سپاهی فرستاد با او^{۲۳} نه خرد
 کمر بسته^{۲۴} رفت از در کارزار
 کز^{۲۶} آتش ستاند به شمشیر دل

۱- س: بران؛ (لن، ق، ل، ن: برین؛ پ: بوی) ۲- ل، س، ق (نیز، و، ب): دوان؛ متن = ف، ل (نیز، لن، پ، آ)؛ س: این بیت را ندارد ۳- ل، س: بیدار و ۴- ل، س، ق (نیز، آ، ب): یکی پیر (ل: پیرو) باهوش؛ س: (نیز، ق، آ): یکی پیر سر بود؛ (ل: آ): یکی مایه ور پیر؛ و: یکی پر خرد پیر؛ متن = ف، ل (نیز، لن، لی، پ، ل، ن: آ) ۵- ل، س: (نیز، ق، و): بآرام؛ ل (نیز، لن، پ، ل، ن: آ): بر آرام؛ متن = ف ۶- س: باشتاب؛ س، ق (نیز، ب): ز (ق: به) جیحون گذشتند و از رود (ق: و آنگه ز) آب؛ س پس از این بیت افزوده است:

همه جنگجوی و همه سر بچنگ همه پرستیز و همه با درنگ

۷- ل: ترگ؛ (ق: کوس) ۸- درپ، و، لن: با سه نقطه ۹- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه کیخسرو از فرستادن افراسیاب پیران و یسه را بچنگ ایران فرستادن (!)؛ س: آگاهی یافتن شاه کیخسرو از کار افراسیاب؛ ق، ل: آگاهی یافتن کیخسرو از آمدن لشکر (ل: لشکر) افراسیاب؛ س: رفتن لشکر ایران بتوران؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = ق، ل ۱۰- ل، س: بایران؛ متن = ف ۱۱- ل، س، ق (نیز، لی، آ، ب): شب و روز؛ (لن، پ، ل، ن: شب تبیره)؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ق، ل، و): درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- ف، س: (نیز، ب): سر به (پ: ز) جنگ؛ (لن: شور جنگ؛ لن: سوز و جنگ)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز، ق، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۳- ل: که ۱۴- س: (نیز، لن، ق، آ، ل، پ، لن): فراز آمد از هر سوی جنگ تنگ (ق: ساز جنگ)؛ متن = ف، ل (نیز، لی، و، آ، ب) ۱۵- س، ق: ترکان ۱۶- ل: گزار؛ س، ق: همی کرد خواهد بچگون گذار ۱۷- ل: بر آورد ۱۸- ل: [و] ز آوای؛ س، ل، س: و ز آواز؛ ق: از آواز؛ متن = ف ۱۹- ف، ل، ل، س: (نیز، ق، ل، آ، ب): گویی؛ متن = س، ق (نیز، لن، لی، پ، و، لن، آ) ۲۰- (پ، لن، آ، ب: برآمد) ۲۱- س: [آن] ۲۲- ل: باید به (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س: نیابد؛ ق: نباید به؛ متن = ف، ل، س: ۲۳- ف، س، ل (نیز، لی، آ، ب): وی؛ متن = ل، ق، س: (نیز، لن، ق، آ، ل، پ، و، لن) ۲۴- س: کمر بست و ۲۵- ل، ل (نیز، لن، ق، آ، ل، پ، و، لن): سپهدارشان؛ س، ق (نیز، لی، آ، ب): نگهدارشان؛ متن = ف، س: ۲۶- س: که ز

سپاهش^۱ بکردارِ پیلان^۲ مست که با جنگ ایشان شود^۳ کوه پست

۷۵ چو بشنید گفتار کارآگهان
به کارآگهان گفت کای^۴ بخردان
که چون ماه ترکان برآید بلند

سیه‌مار کو را سر آید^۵ بکوب
چو خسرو به بیداد کارد درخت
همه موبدان را سویی^۶ خویش خواند
نشستند با شاه ایران به راز

۸۰ چو دستان ورستم^۷، چو گودرز و گیو
دگر بیژن گیو با^۸ گزدهم^۹
جزین نامداران لشکر همه
ابا پهلوانان چنین گفت شاه
چو دشمن^{۱۰} سپه کرد و شد تیز جنگ

۸۵ بفرمود تا بر درش^{۱۱} گاودم
دمیدند^{۱۲} و بستند روینه^{۱۳} خم

۱- ل (نیز لن، ق، پ، لن): سپاهی؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لی، ل، آ، ب) ۲- س، ل، س (نیز ب): شیران؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن - آ) ۳- س: بود ۴- ف، ق: ای؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن - ب) ۵- س: این را ۶- ل: ابر آتش (چو ایرانش) ۷- (ل): سر آرد؛ آ: سر آمد؛ لن، پ، و، لن: چون سر بر آرد؛ لی: چون سر در آرد؛ متن = ف، س (نیز ق، ب) ۸- (لن): بر چون؛ پ، لن: پر خون) ۹- ل، س (نیز لن، ق، ل، لی، پ، ب): سوی چوب (حرف یکم واژه پسین در ل نقطه ندارد و در دیگر دستنویس‌ها یک نقطه در زیر دارد)؛ (ل): سوی خوب؛ متن = ف ۱۰- س، ق، ل: بدو؛ متن = ف، ل، س ۱۱- ل، س (نیز و، آ): سخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق، ل، لی، ل، آ، ب): تحت؛ متن = ف ۱۲- ل، س، ق (نیز ق، لی، ل، آ، ب): بر؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل، س، ل: فرزانه و؛ متن = ف، ق، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): دستان سام و؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، و، بنداری) ۱۴- ف، ل، س (نیز و): بهرام (؟)؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر، بنداری)؛ ل، س، ق، س (نیز ق، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو طوس و چو رستم یل (آ: جهان) پهلوان (ق): چو طوس سرافراز نوذرتراد)

فریبرز و شاپور شیر (س، ب: گرد) دمان (ق): فریبرز کاوس و فرخ قباد)

ف، ل (نیز لن، لی، ل، پ، و، لن) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۶- (لن، پ، لن): بیژن و اشکش و) ۱۷- ل، س (نیز لن - آ): گتسم؛ متن = ف (نیز ب)؛ حرف دوم در ف بی نقطه و در ب یک نقطه دارد) ۱۸- ل، س (نیز ق، ل، پ، و، لن): کزدهم؛ س، ق، ل (نیز لن): کزدهم؛ متن = ف (نیز ب)؛ بنداری (۷۹-۸۱): فاستحضر أعیان الحضرة و أركان الدولة مثل دستان و رستم و جودرز و جیو و شیدوش و فرهاد و رهام و بیژن و کزدهم و گتسم و جرجین و زنکه بن شاوران؛ درس بیت‌های ۹۱ و ۹۲ هم پس از بیت ۸۱ و هم در جای خود آمده‌اند ۱۹- ف، ل، س (توران (؟)؛ متن = ل، ق (نیز لن - آ) ۲۰- س (نیز ب): که ای پهلوان و کیان (ب): کوان) سپاه (= ۹۰ ب) ۲۱- س: رستم ۲۲- ل: تابوق با؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن - آ) ۲۳- ف: سزدند (؟)؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، آ)

از ایوان به میدان خرامید شاه
 بزد مهره در^۲ جام بر پشت^۳ پیل
 هوا نیلگون شد، زمین پیل‌رنگ^۵
 به چنگ اندرون گرز و دل پُر ز کین
 خروشی برآمد^۸ ز درگاه شاه
 کسی کو بساید عنان و رکیب^{۱۰}
 بفرمود کز روم و ز هندوان
 دلیران گردنکش از تازیان
 کمرسته خواهند^{۱۳} سیصد هزار
 هر آن کو چهل روز را پیش^{۱۵} شاه
 پراکنده^{۱۷} بر گیرد کشور^{۱۸} سوار
 دو^{۲۰} هفته برآمد به فرمان^{۲۱} شاه
 ز لشکر همه کشور آمد به جوش
 به شبگیر گاه خروش خروس
 بزرگان هر کشوری با سپاه
 سر^{۲۵} گنج‌های کهن باز کرد

بیاراستند از بر پیل گاه
 زمین را تو گفتی براندود^۴ نیل
 دلیران لشکر بسان پلنگ^۶
 چو دریای جوشان ز گردان^۷ زمین
 که ای پهلوان و گوان سپاه^۹،
 نباید که یابد به خانه شکیب
 سواران جنگ و مبارز^{۱۱} گوان
 بسیچیده‌ی جنگ^{۱۲} شیر زیان
 ز دشت سواران نیزه‌گزار^{۱۴}
 نباشد، نباید به^{۱۶} سر بر کلاه
 فرستاد^{۱۹} با نامه‌ی شهریار
 بجنید در پادشاهی سپاه
 ز گیتی برآمد سراسر خروش
 ز هر سو همی‌خاست^{۲۲} آوای^{۲۳} کوس
 کشیدند صف پیش^{۲۴} درگاه شاه
 سپه را درم دادن آغاز کرد

۱- ف، س، ق، ل، آ، س: ز؛ متن = ل ۲- س: در ۳- ل، آ: و برست؛ س: بر بست (جبرپشت) ۴- ق: دراندود ۵- ف، س: (نیز ق، آ، و): نیل رنگ؛ ل (نیز ل، ل): رنگ رنگ؛ ق: آنسوس؛ متن = ل (ج بیت ۲۹۷) ۶- ق: از ایران با برآمد آوای کوس ۷- ل: ز گردان چو دریای جوشان ۸- س: در آمد ۹- ل (نیز ق، آ، ل، و، آ): پهلوانان ایران سپاه؛ ق، ل: پهلوانان کوان سپاه؛ س: که توران همی تخت جویند و گاه (= ۸۳ ب)؛ متن = ف، س: ر کاب (بساوند ندارد) ۱۱- ل: جنگی گزیده؛ س (نیز ل، ل، آ): جنگی مبارز؛ (ق: جنگاوران و)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب) ۱۲- ف، ل: (نیز ل، آ): جنگ و؛ (ل، پ، ل، آ): هر یک چو؛ ق: بر جنگ؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز ل، و، ب) ۱۳- ل: خواهید ۱۴- ف، ل: گذار؛ متن = س: ۱۵- ل: روزه را نزد؛ س (نیز و): روزه در پیش؛ (ل: روز را نزد؛ ب: روزه نزدیک)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ل، ل، ل، پ، ل، آ) ۱۶- ل (نیز ق): نیاید نه بیند به؛ س: ساسد ساند به (نقطه ندارد)؛ ل: نباشد بیاید به؛ (ل، پ: نیاید نیاید به؛ ل، آ: نیاید نباشدش بر؛ ل: بیاشد بیاید به؛ و: نباشد نیاید به؛ ل: بیاید بیاید به؛ ب: نباشد نیایش بر)؛ متن = ف، س: ق این بیت را ندارد؛ بنداری: من لم یحضر بعد أربعین یوماً باب سراق المملک لم یر إلا ما یرکه ۱۷- ف، س، س: (نیز ق، و): پرا کند؛ متن = ل، ق، ل: (نیز ل، ل، ل، آ، پ، ل، آ) ۱۸- ف، س، ق، ل: (نیز و): لشکر؛ (ل، پ، ل، آ): کردند هر سو؛ متن = ل، س: (نیز ق، ل، ل، آ) ۱۹- ل، س: (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ): فرستاده؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز ل، آ) ۲۰- ق: سه ۲۱- ل، آ، س: بفرمود ۲۲- (ق، ل، آ): آمد؛ ل، س (نیز ب): سوی برخاست؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ) ۲۳- س: آواز ۲۴- ل، ل، آ: نهادند سرسوی؛ متن = ف، س، ق، س: (نیز ل، ق، آ، ل، ب)؛ در ل این بیت دوبار آمده است و بار دوم دارد: کشیدند صفی به؛ س پس از این بیت افزوده است:

گوان وردان و مهان سپاه

نهادند بر سر ز آهن کلاه

۲۵- ل (نیز ق، آ، و): در؛ س: همه؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب)؛ بنداری: ففتح أبواب الخزان

همه لشکر از گنج^۱ دینار شاه
 به برگشتوان و به جوشن چو کوه
 چو شد کار لشکر همه ساخته
 نخستین از آن^۲ لشکر نامدار
 ۱۰۵ گزین کرد خسرو به رستم سپرد
 ره سیستان^۳ گیر و برکش پگاه^۴
 ز غزنین^۵ برو تا به رای^۶ برین
 چو آن پادشاهی شود یکسره
 فرامرز را ده کلاه و نگین
 ۱۱۰ بزن کوس زرین و شیپور و نای
 که ما را سر^۷ از جنگ افراسیاب
 آلمان و غزدز^۸ به هراسپ داد
 برو با سپاهی بکردار کوه
 سواران شایسته^۹ کارزار^{۱۰}
 ۱۱۵ به آشکش^{۱۱} بفرمود تا سی هزار
 برد سوی خوارزم و^{۱۲} کوس^{۱۳} بزرگ
 زند بر در شهر خوارزم گاه
 نهاده به سریر ز گوهر^{۱۴} کلاه
 شدند آهنین^{۱۵} لشکری همگروه
 و زیشان دل شاه پرداخته،
 سواران شمشیرزن سی هزار،
 بدو گفت کای نامبردار^{۱۶} گرد،
 به هندوستان اندر آور سپاه^{۱۷}
 چو گردد ترا تاج و تخت و نگین،
 به آبشخور آید پلنگ^{۱۸} و بره،
 کسی کو بخواهد ز لشکر گزین^{۱۹}،
 به کشمیر و کاول^{۲۰} فزون زین مپای
 نیابد^{۲۱} همی خورد و^{۲۲} آرام و خواب
 بدو گفت کای گرد خسرونژاد،
 گزین کن ز گردان لشکر گروه
 بر تا بر آری ز توران^{۲۳} دمار
 دمنده هیزبران^{۲۴} نیزه گزار^{۲۵}،
 سپاهی بکردار^{۲۶} غرته^{۲۷} گرگ،
 که با شیده^{۲۸} تیغزن رزم خواه^{۲۹}!

۱- ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، ب): گنج و؛ متن = ف، ل، س، س (نیزل^۲) ۲- ل، س، ق (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب): بسر بر نهادند زرین (ل: گوهر؛ ل، ن، آ: گردان)؛ ل، آ، س (نیزق، ل، ل، و، آ): نهادند بر سر ز گوهر (ل: گردان)؛ متن = ف، ل: انجمن؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۴- ل، آ: ازین ۵- ل: نامبردارو ۶- ق: ایلمان ۷- س، ق، س، آ: سپاه (س آ پساوند ندارد) ۸- س: زراه؛ ق: برهه ۹- ق: غزنی ۱۰- ل، ق (نیزلی، ل، و، آ، ب): برهه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، آ، پ، ل، ن، آ) ۱۱- س: آید گرگ؛ ف این بیت را ندارد ۱۲- ف، ق (نیزب) این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۱۰-۱۰۵): فجعل رستم علی ثلاثین ألفا، وأمره أن یسلک طریق سجستان، ویتموغل بلاد الهند الی غزنة فیفتحها، ویرتب ابنه فرامرز فیها ۱۳- ف، ل، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، آ): کابل؛ (لی: زابل)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ق (نیزب) این بیت را ندارند ۱۴- س، ل، آ، س، آ: بس؛ متن = ف، ل، ق ۱۵- س: نیارد؛ ل: نیاید؛ س: نیاید؛ متن = ف، ل ۱۶- ق: نیابد به خورد و به ۱۷- ل (نیزق، آ): غزدز؛ س: عرجه؛ ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، ن، آ، ب): عرجه؛ (لی: مرعز؛ ل: غزدز؛ و: عرجه؛ آ: غزرا)؛ متن = ف (ل، ق، آ، ل)؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر فرستادن شاه کیخسرو لشکر را بهر گوشه بچنگ ترکان و فرستادن گودرز بچنگ پیران و بیه ۱۸- س: گزین کن بسی نامدار ۱۹- ل، س، ق (نیزلی، آ، ب): دشمن؛ (ل، ن، ل، آ، پ، ل، ن، آ: ترکان؛ ق: گردان)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزو)؛ بنداری (۱۱۲-۱۱۵): وأعطی لهراسب ممالک آلان، وأمره أن یجمع عساکرها، ویدخل من ذلک الطریق الی توران ۲۰- س: اسکس؛ ق (نیزو، ل، آ، بنداری): اسکس ۲۱- ف، ل، س، س، آ (نیزلن): نیزه گذار؛ ل: لشکر گذار؛ متن = ق (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۲- ل، س، ل، آ، س، آ: [و]؛ متن = ف، ق ۲۳- ق: کوه ۲۴- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ، ب): درنده؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، ل، ل، پ، و، ل، ن، آ) ۲۵- (ق: کینه خواه)؛ ل، آ، س: رزم زن رزم خواه؛ (لی، آ: آنجا درون بد سپاه)؛ ل، ق (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ): ابا شیده رزم زن کینه خواه (ل، ن، پ، ل، ن، آ: پورشاه؛ و: رزم خواه)؛ س: ابا شیده گردد همی رزم خواه؛ متن = ف؛ بنداری (۱۱۶-۱۱۸): وجعل أشکس علی ثلاثین ألفا آخرین، وسیرهم تحت رایته الی خوارزم ملاقاته شیده بن افراسیاب

سپاه چهارم به گودرز داد
 که رو با بزرگان ایران بهم
 ۱۲۰ زواره فربرز و فرهاد^۳ و گيو
 بفرمود بستن کمرشان^۵ به جنگ
 چه مایه وُرا پند و اندرز داد
 چو گرگین و چون زنگه^۱ و گسسته^۲
 گرازه سپهدار و رُهام^۴ نیو
 سُوی رزم^۶ توران شدن بی درنگ

سپهدار گودرزِ کشوادگان
 نشستند بر زین به فرمان شاه
 ۱۲۵ به گودرز فرمود پس شهریار
 نگر تا نیازی^۱ به بیداد^{۱۱} دست
 کسی کو نبندد به جنگت^{۱۳} میان
 که نپسندد از ما بدی دادگر^{۱۵}
 چو لشکر سُوی مرز توران بری
 ۱۳۰ نگر تا نجوشی^{۲۰} بکردار طوس
 جهان دیده یی سوی پیران فرست
 به پند فراوانش بگشای گوش
 به هر کار با هر کسی داد کن
 چُنین گفت سالار لشکر به شاه^{۲۳}
 ۱۳۵ بدانسان^{۲۵} روم که م تو فرمان دهی

برآمد خروش از درِ پهلوان
 ز بانگ تیره جهان^{۲۷} شد نوان

۱- ل، س: کوزه ۲- ل: کزدهم ۳- ق (نیزب): فرامرز و فرهاد؛ (ل): فرامرز و رهام؛ ل، پ، ل: چوشیدوش و فرهاد و خرداد؛ ق: فربرز کاوس و فرهاد؛ ل، آ: فربرز و شاپور و فرهاد؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزو) ۴- (ق): شاپور؛ ل، ب: فرهاد؛ س این بیت را ندارد؛ بنادوی (۱۱۹-۱۲۲): و جعل علی القسم الرابع جودرز ابن کشواد و ضم إليه أعظم العساكر مع جماعة كثيرة من الاصبیة، و هم جرجین و زنکه بن شاوران و کسهم و زواره و فری برزین کیکاوس و فرهاد و جیو و براز و رُهام ۵- ق، س: کمرها ۶- س: شهر ۷- ل: [و] ۸- ل: چورفتی؛ س: که رفتی؛ (ق، ب: برفتن)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن، ل-آ) ۹- س، ق، ل: نیاری؛ متن = ف، ل، س ۱۰- ل: به بیکار ۱۱- ف، س، ل، س (نیزل، و): ایران (!)؛ متن = ل، ق (نیزلن، ل، پ، ل، آ، ب)؛ بنداری: و اوصی جودرز بالأ يتحامل علی من لا يتصدى لقتاله، ولا يتعرض بمكره ۱۲- ق: بیداد ۱۳- ل، س: بجنگت نبندد ۱۴- ل: چنان ساز کش از تواناید؛ ل، س (نیزق): چنان ساز کش نباید از تو؛ س (نیزلن، ل، پ، ل، آ): چنان ساز کز توانیابد؛ متن = ف (نیزو)؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- س: کردگار ۱۶- ف: او (!)؛ متن = ل، س (نیزلسن، ب) ۱۷- س: سرگذار ۱۸- (ق): (گرم) ۱۹- س: دل باآتش سرسری (!)؛ ق: همین پیردل را بسوران بری (!)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلسن، ل، ب) ۲۰- س: نجویی ۲۱- ق: و بر بست ۲۲- ق: برور همی (وزن ندارد) ۲۳- س: لشکر پناه ۲۴- س، س: چرخ؛ ق: که فرمانت برترز خورشید؛ متن = ف، ل، ل ۲۵- س، ل، س: برانسان؛ ق: برانسو؛ متن = ف، ل ۲۶- ل، س (نیزل، و، آ): به پشت؛ ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ب): نوشاه جهاننداری و من (ق): جهاندار و من چون؛ متن = ف ۲۷- ل، ق (نیزآ، ب): زمین؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، آ)

به لشکرگه آمد دمام سپاه
 ز پیش سپاه اندرون پیل شست^۲
 و زان زنده پیلان^۴ جنگی چهار
 نهادند بر پشتشان تحت زر
 ۱۴۰ به گودرز فرمود تا برنشست
 برانگیخت پیلان^۵ و^۶ برخاست گرد
 که از خان^{۱۱} پیران برآرم دود
 جهان شد ز گرد سواران سیاه
 جهان پست گشته ز پیلان^۳ مست
 بیاراستند^۵ از در شهریار
 نشستن گه شاه با تاج^۷ و فر
 بر آن تحت زر از بر^۷ پیل مست
 و زان گرد^۹ نیک اختری یاد^{۱۰} کرد:
 برینسان^{۱۲} که گرد پی پیل^{۱۳} بود

گفتار اندر رسیدن گودرز کشاورگان به کنارزید^{۱۴}

بی آزار لشکر به فرمان شاه
 چو گودرز نزدیک زید^{۱۶} رسید
 هزار از دلیران نیزه گزار^{۱۸}
 از^{۲۰} ایرانیان نامور ده^{۲۱} سوار^{۲۲}
 سپهدار پس گیو را پیش خواند
 بدو گفت کای پور سالار سر^{۲۴}
 ۱۴۵ گزین کردم اندر خورت^{۲۶} لشکری
 همی رفت منزل به منزل به راه^{۱۵}
 سران را ز لشکر همه^{۱۷} برگزید
 ز گردان هشیار لشکر هزار^{۱۹}
 سخن گوی و اندر خور کارزار
 همه گفته ی شاه با او^{۲۳} براند
 برافراخته سر ز بسیار سر^{۲۵}
 که شایند سالار هر مهتری^{۲۷}

۱- ل، س، ق (نیز، لن، ب): به؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۲- س (نیز، لن، پ، ل، ن): شست (لن، پ: شصت) پیل ۳- س (نیز، لن، پ، ل، ن): که از بانگ (س: رنگ) ایشان زمین شد چونیل؛ در ف پس از این بیت، بیت ۱۳۶ دوباره آمده است ۴- ف، س: رند پیلان ۵- ل: بیاراسته ۶- ل (نیز، ب): زیب؛ ق: زور؛ متن = ف، س، س، س (نیز، آ، آ): ل^۲ این بیت را ندارد ۷- س: زرین وبر؛ (لن، ل): زرین بر؛ و: زرین ابر؛ بنداری (۱۳۹-۱۴۱): فامر الملك بنصب أربعة تحت من الذهب على ظهور أربعة أفيال. وأمر جودرز بالجلوس على واحد منها ۸- ق: بر تخت سالار (!) ۹- ل: مر آنرا به؛ ق: مرو را به؛ (ل: و زان پیل)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۰- س: راه ۱۱- ل، س (نیز، لن، ق، ل، ل، پ، ل، آ، ب): جان؛ متن = ف (نیز، آ، و) ۱۲- ل، ق: برانسان؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۳- ل: نیل (!) ۱۴- ف: گفتار اندر رسیدن گودرز کشاورگان بکنار زید (حرف دوم نقطه ندارد) و فرستادن گیو را بر سول بنزد پیران و یسه و دادن پیغامها؛ ل: رفتن گودرز بجنگ تورانیان؛ ق: رفتن گیو بر سالت نزد پیران از پیش پدرش گودرز؛ ل: فرستادن گودرز گیو را نزد پیران به پیغام؛ متن = آغاز ف ۱۵- ل، س (نیز، ل، آ، ب، ل، آ، ب): سپاه؛ متن = ف (نیز، ق، آ، و) ۱۶- ف، س: زید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، س: زید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق: توران؛ آ: رید؛ متن = (ل، لن، آ، بنداری) ۱۷- ل، ق (نیز، لن، آ، ب): همی؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز، ق، ل، ل، آ، و، آ) ۱۸- ف، س، س، س (نیز، ل، لن): نیزه گذار؛ ل: خنجر گزار؛ متن = ق (نیز، ق، آ، آ) ۱۹- ل: لشکر دلاور سوار؛ س: لشکر فزون از هزار؛ ق: لشکر گزیده سوار؛ (لن، پ، لن): لشکر همیدون هزار؛ ق: لشکر همه نامدار؛ ل: لشکر هشیوار کار؛ آ: لشکر سواری هزار؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز، ل، و، ب) این بیت را ندارند ۲۰- ق: وز ۲۱- ف: نام برده؛ (ق: آزموده)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز، ل، ب) ۲۲- ل (نیز، ل): هزار؛ س (نیز، لن، و، لن، آ) این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۴۵-۱۴۷): ولما وصل الی زبید من نواحی بلخ أرسل ولده جیوا الی بیران مع عشرة من أمراء ایران، فی ألف فارس ۲۳- ف، س (نیز، ق، آ، ب): وی؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز، لن، ل، آ) ۲۴- ق: سالار شیر ۲۵- ق: سرتوگرد دلیر ۲۶- س: کرده ام در خورت ۲۷- س، ل، آ، س (نیز، ق، ل، ل، آ، و، ب): کشوری؛ ل (نیز، لن، پ، ل، ن): که هشتاد سالار هر کشوری؛ ق (نیز، آ): که سالار شایند هر (آ: بر) کشوری؛ متن = ف

بدان تا بنزدیک پیران شوی
 بگویی به پیران که من با سپاه
 شناسی تو گفتار و کردار خویش
 همه شهر توران^۱ بدی را میان
 ۱۵۵ فریدون فرخ که با داغ و درد^۲
 پُر از درد ایران، پُر از^۳ داغ شاه
 ز ترکان به تنها تو بر انجمن^۴
 دروغ ست بر تو همین^۵ نام مهر^۶
 همانست کان شاه آرم جوی
 ۱۶۰ بدان کو به گاه سیاوخش^۷ رد
 بنزد منش دستگاهست نیز
 گناهی که تا این زمان کرده‌یی
 همه^۸ شاه بگذارد از تو همی^۹
 نباید که بر دست ما^{۱۰} بر تباه
 ۱۶۵ دگر^{۱۱} کز پی جنگ افراسیاب
 بزرگان ایران و فرزید من
 سخن هر چه^{۱۲} دانی بدیشان بگویی

بگویی و گفتار او بشنوی
 به زبید^۱ رسیدم به فرمان شاه
 بی آزاری و رنج و آزار^۲ خویش^۳
 بیستند با نامداره^۴ گیان
 ز گیتی بشد دیده پُر آب زرد^۵
 که با سوگ ایرج نتابید ماه
 ستایی^۶ به مهر و^۷ وفا خویشتن
 نبینم به دلت اندر^۸ آرام مهر^۹
 مرا گفت: با او^{۱۰} همه^{۱۱} نرم^{۱۲} گوی،
 نیفکند یک روز^{۱۳} بنیاد بد
 ز خون پدر بی‌گناهست نیز
 ز شاهان کسی را بیازرده‌یی^{۱۴}،
 بدی نیکی انگارد از تو همی^{۱۵}
 شوی بر گذشته فراوان^{۱۶} گناه
 زمانه همی بر تو گیرد^{۱۷} شتاب
 بخوانند بر تو همه پند من^{۱۸}
 و زیشان همیدون^{۱۹} سخن بازجوی

۱- ل: بزید (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ س: بزید (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل: بزید؛ س: بزید (حرف سوم نقطه ندارد)؛ (لن، آ: برید؛ ق: بتوران؛ ل: ز ایران)؛ متن = ق (نیز، و، لن، ب)؛ ف این بیت را ندارد ۲- ل، ق (نیز، و، آ، ب)؛ تیمار: (ق: بسیار)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، لن، آ) ۳- ق: بیش ۴- ف (نیز، و)؛ ترکان؛ س: ایران؛ متن = ل، س، ل (نیز، ق، ل، آ، ب) ۵- ل، س (نیز، ل، ق، ل، و، لن، ب)؛ نامداران؛ متن = ف، ل، س؛ ق بیت های ۱۵۴-۱۵۶ را ندارد ۶- س: باداد کرد ۷- س: کرد؛ س: بداد و دهنش گیتی آباد کرد؛ متن = ف، ل، ل ۸- س: ایران و بر؛ س: پس از این بیت افزوده است:

ز تور و ز سلم آمد این باد و دم که بر ایرج آمد از ایشان ستم

۹- (ق: از انجمن؛ ل: با انجمن)؛ ل (نیز، لن، ب)؛ توتنها از آن (پ، لن، آ: ایر، ب: وبا) انجمن؛ س: توتنها تن خویشتن (پساوند ندارد)؛ ق: توتنها بی از انجمن؛ (ل: توشه را ازین انجمن)؛ متن = ف، ل، س (نیز، و) ۱۰- ل، س، س (نیز، و، لن، آ)؛ شناسی؛ متن = ف، ق، ل (نیز، ل، ب) ۱۱- ل، س، ق (نیز، ل، و) [و] ۱۲- ق، س: همی؛ ل: همه؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل: تو ۱۴- س: نبینمت بر دلت ۱۵- ل: ببینم بدل دردت آرام تو (!)؛ س: ببینم دلت اندر آرام و مهر (!)؛ متن = ف، ل، ق ۱۶- ف، ق، ل، س: او؛ متن = ل، س ۱۷- س: همی ۱۸- س: گرم ۱۹- (ل: سیاوش)؛ ل، ق (نیز، ب): از آن کو بکار سیاوش؛ س (نیز، ب، لن، آ): بدان جایگاه سیاوش (س: سیاوش؛ پ: سیاوش)؛ س (نیز، آ): بگوگان (آ: از آن کو) بگاه سیاوش؛ متن = ف، ل (نیز، و) ۲۰- س: به رسو نیفکند ۲۱- ف: بیازرده‌یی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: نیاززده؛ (ق: ل، آ: که آزرده)؛ ل، س، ق (نیز، آ): گیتی که آزرده‌یی؛ ل: گیتی نیاززده؛ (پ، ب: گیتی بیازرده؛ و: یکی را بیازرده)؛ متن = (لن، لن، آ) ۲۲- ل، ق (نیز، ب): همی؛ متن ← ۲۳- ل، ق (نیز، آ، ب): همه؛ ل (نیز، و): آن از تو هم؛ متن = ف، س، س (نیز، ق، آ، ب، لن، آ) ۲۴- س: من ۲۵- س، ل، س (نیز، و): فراوان گذشته؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ل، ل، آ، ب) ۲۶- ل، س: مگر ۲۷- س: گیرد از تو ۲۸- س این بیت را ندارد ۲۹- ل: هرچ ۳۰- س: همیدون از ایشان

- گرت چیره^۱ گردد بریشان^۲ زبان
 بروبوم^۴ خوشانت آباد گشت
 ۱۷۰ گر از تو پدیدار نایده^۵ گناه
 نجوم برین^۸ کینه آرام و خواب
 کزو شاه ما را به کین^{۱۰} خواستن
 ور ایدونک سوی تو گردد گناه
 مگر^{۱۲} پند من سرسر بشنوی
 ۱۷۵ نخستین کسی کو بی افگند کین
 به خون سیاوخش یازید^{۱۴} دست
 بسان سگان^{۱۶} شان از آن انجمن
 بدان تا فرستیمشان نزد^{۱۷} شاه
 همه نامهاشان^{۱۸} به دیوان من
 ۱۸۰ تو نشیدی آن^{۲۱} داستان بزرگ
 که هر کوبه خون گیان دست یاخت^{۲۲}
 دگر هر چه^{۲۵} از گنج نزدیک تُست
 ز اسپان پُرمایه و گوهران
 ز شمشیر و از ترگ^{۲۸} و برگستان
 ۱۸۵ همه آلت لشکر و سیم و زر
- گذشتی ز تیمار^۳ و رستی به جان
 ز تیغ منت گردن آزاد گشت
 بماند^۶ به تو مهر و تخت^۷ و کلاه
 من و گرز و میدان و^۹ افراسیاب
 نباید بسی لشکر آراستن
 نباشی به جان این از دست شاه^{۱۱}
 به گفتار هُشیار^{۱۳} من بگروی:
 به خون ریختن برنوشت آستین،
 جهانی^{۱۵} به بیدادبر کرد پست،
 بیندی فرستی بنزدیک من
 چه شان سر ستاند، چه بخشد کلاه
 نبشته ست^{۱۹} فرخ^{۲۰} جهانبان من
 که شیر ژیان آورد پیش گرگ؟
 زمانه جز از^{۲۳} خاک جایش نساخت^{۲۴}
 - همه دشمن جانِ تاریک تُست :-
 ز دینار و دیبا^{۲۶} و از^{۲۷} افسران،
 ز خفتان و از^{۲۹} خنجر هندوان،
 فرستی بنزدیک ما سرسر^{۳۰}

۱- ل، ل، س: خیره (چیره)؛ متن ← ۲- س (نیزلن): بدیشان؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ): اگر راست باشد دلت با؛ متن = ف (نیزق، آ، پ، و، ل، ل، س: توستی زپیمان ۴- ل، ل، س: بوم و؛ س (نیزلن، پ، ل، ن): تن و بوم و (ل، ن): [و]؛ متن = ف، ق، ل (نیزل، آ، ب) ۵- ل، ق (نیزل): وراز تو پدیدار آید؛ متن ← ۶- ل، ق (نیزل): نماند؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزلن، ق، آ، پ، و، ل، ن) ۷- س (نیزلن، پ، ل، ن): تخت و مهر؛ ق (نیزق، آ، ل): تاج و تخت؛ متن = ف، ل، ل، ل، س: (نیزو) ۸- ق: بدین ۹- ل، س، س: (نیزلن، ل، پ، ب): [و]؛ متن = ف، ق، ل (نیزق) ۱۰- س: بخون؛ درس پس از این بیت، بیت های ۱۷۳-۱۷۵ دوباره آمده اند ۱۱- ل، ق (نیزلی، ل، آ) این بیت را ندارند ۱۲- ق: اگر ۱۳- ق: ما ۱۴- ل، ق (نیزق، ل، آ): سیاوش یازید؛ س، ل، س: (نیزلن، ل، پ، ل، ن): سیاوش (پ: سیاوش) یازید؛ (ب: سیاوش بتازید)؛ متن = ف (نیزو) ۱۵- ل، ف، ل (نیزل، ل، و): جهان را؛ متن = ل، س، ق، س: (نیزلن، ق، آ، ب) ۱۶- ل، س، ق، س: (نیزلن، ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): سگانش؛ متن = ف (نیزو)؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ن، ب): فرستم بنزدیک؛ متن = ف، س: (نیزق، و)؛ ل (نیزلی، آ) این بیت را ندارند ۱۸- س (نیزلن، پ، ل، ن): نام ایشان؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیزق، و، آ) ۱۹- س، س: (نیزلن، و، ل، ن): نوشتت؛ متن = ف، ل (نیزق، آ، پ، آ) ۲۰- س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): شاه؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیزو)؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۱- س: این؛ ق این بیت را ندارد ۲۲- ل (نیزلن، ق، آ، ل، و): آخت؛ س: برد؛ ل، س: (نیزلن): تاخت (یاخت)؛ (لی: یافت) یاخت؛ آ: یاخت یاخت؛ ب: ناخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف (نیزب) ۲۳- ف، ل، ل، س: (نیزلی، ل، و): بجز؛ متن = س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۴- س: نبرد (پساوند ندارد)؛ (لی، آ: نیافت (پساوند ندارند))؛ ق این بیت را ندارد ۲۵- ل: هرچ ۲۶- ل، س، ق: دیبا و دینار ۲۷- ل، ق، ل، و: وز ۲۸- ف، ق، ل، س: وز ترگ؛ ل: ز ترگ و ز شمشیر؛ متن = س ۲۹- ل، ق، ل، س: وز ۳۰- س: دریدر

۲۰۵ که با آنک باید بسیچید^۱ جنگ
به ترکان غنم من از تخت بهر^۴
کزین^۶ بگذری گربه جنگت هوست
بسیچیده^۸ جنگ^۸ خیز ایدر آی^۹
چو صف برکشند^{۱۱} از دو رویه سپاه
گر این گفت‌های مرا نشنوی
پشیمانی آنگه ندارد^{۱۲} سود

۲۱۰ بگفت این گو^{۱۵} پهلوان با پسر
ز پیش پدر گیو شد تا به بلخ
فرود آمد و کس فرستاد زود
همان شب سپاه اندرآورد گرد
که پیران بدان شهر بُد با سپاه
فرستاده چون سوی پیران رسید
۲۱۵ بگفتش که آمد^{۲۱} سوی بلخ گیو
چو بشنید پیران برافراخت گوش^{۲۳}
بزد نای روین و بر بست کوس

که برخوان به^{۱۶} پیران همه سر بسر^{۱۷}
گرفته به یاد آن سخن‌های تلخ
برآنان^{۱۸} که گودرز فرموده بود
برفت از در بلخ تا ویشگرد^{۱۹}
که دیهم ایران همی‌جست و گاه
سپهدار پیران سپه را^{۲۰} بدید،
ابا ویرگان سپهدار^{۲۲} نیو
برآمد ز گردان لشکر خروش^{۲۴}
شد از سم اسپان زمین آبوس

۱- (ق: بسیجم؛ ل: بسیجم به؛ ل: بسیجد به)؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب): اگر (ق، ل، ب: وگر) تو (ل: خود) بخوای بسیجد؛ س (نیز و): که با او (وزهر) که باید بسیجد؛ متن = ف، ل، س (نیز لن) ۲- ف، ل، س (نیز و): جنگ؛ ل (نیز ق، ل، آ): زور؛ س (نیز لن، ل، آ): دل چو؛ ق (نیز ل، ب): فر؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- ق (نیز ل، ب): زور؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، و، ل، آ) ۴- س (نیز ل، ب): میر (؟)؛ ل: آن تخت و بهر ۵- س (نیز ل، ب): ازین ۶- ق (نیز ب): رواست؛ س (نیز لن، ل، آ): سرت پرزبیراهی و کیمیاست؛ (ق: کز ایران همی جنگ جویی رواست)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، و، آ)؛ ل (نیز ل) این بیت را ندارند ۸- س: رزم ۹- ق: بردار پای ۱۰- ق: رای ۱۱- ل، س، ق، س: برکشند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ ل: برکشید؛ متن = ف ۱۲- ق: شود ۱۳- ل: بیت‌های ۲۰۷-۲۰۹ را ندارد ۱۴- ل، ق: ربود (ق در بالا افزوده است: درود)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ب) ۱۵- ل، س، ق (نیز لن، ب، ل، س، آ، ب): سخن؛ متن = ف، س (نیز و) ۱۶- س: برخواند ۱۷- ل، س، ق (نیز ق، ل، آ، ب): دریدر؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، آ، ب، و)؛ س، ل در اینجا سرنویس دارند، س: رفتن گیو برسولی بنزد پیران از نزد گودرز کشوادگان؛ ل: آمدن گیو نزد پیران و پیغام دادن ۱۸- س، ق: بدانسان ۱۹- ل، س (نیز لن، ب): ویه کرد؛ بنداری. و اشجرد؛ متن = ف: ویش کرد ۲۰- س (نیز لن، ق، ل، آ، ب): ترکان سپه را؛ (ل، آ: پیران مر او را؛ ب: ترکان مر او را)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز و، ب) ۲۱- ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ل، آ): بگفتند کامد؛ (ل، آ: بدو گفت کامد)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ل، و، ب) ۲۲- س (نیز لن، ق، ل، ب، ل، آ): ابا او بزرگان و گردان (ق: مردان)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ل، ل، آ، و، آ) ۲۳- ل، ق (نیز ل): کوس؛ متن ← ۲۴- ل، ق (نیز ل): شد از سم اسپان زمین آبوس (۲۱۵ ب و ۲۱۶ آ را انداخته و از ۲۱۵ آ و ۲۱۶ ب یک بیت ساخته‌اند)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب)؛ س (نیز ق، ل، آ) پس از بیت ۲۱۵ افزوده‌اند (بیت ۲۳۴):

بگفت از سواران ترکان کنون
برم من سوی شهر ایران کنون (ق: برم شهر ایران کم جوی خون)

- ۲۲۰ صد و ده هزارش ز لشکر سوار
ازیشان دو بهره همانجا بماند
بیامد چو نزدیک جیحون رسید
به جیحون بر^۴ از نیزه دیوار کرد
دو هفته شد اندر سَخُنشان درنگ
ز هرگونه گفتند و پیران شنید
بزرگان ایران زبان یافتند
۲۲۵ برافگند پیران هم اندر شتاب
که گودرز کشوادگان با سپاه
فرستاده آمد بنزدیک من
مرا گوش و دل سوی^۱ فرمان تُست
سَخُن^{۱۱} چون به^{۱۲} سالارترکان رسید^{۱۳}
۲۳۰ فرستاد نزدیک پیران^{۱۴} سوار
بدو گفت: بردار شمشیر کین
نه گودرز باید که ماند نه گویو
که بر ما سپاه آمد از چارسوی^{۱۵}
بیارم سواران ترکان کنون
۲۳۵ به رای هُشیوار و مردانِ مرد
- فراز آمد اندرخور^۲ کارزار
برفت و جهاندیدگان^۳ را بخواند
به گِرد لبِ آب لشکر کشید
چو با گویو گودرز دیدار کرد
بدان تا نباشد به بیداد جنگ
گنہکاری آمد ز ترکان پدید
وُزیشان^۵ به گفتار بشتافتند
سُوری^۶ بنزدیک افراسیاب
نهاد از^۷ بر تختِ ایران^۸ کلاه
گزین پور او مهتر انجمن
به پیمان زوانم^{۱۰} گروگان تُست
سپاهی ز جنگاوران برگزید
۱۵ گردان شمشیرزن سی هزار^{۱۶}
وُزیشان پرداز روی زمین
نه فرهاد و گرگین، نه^{۱۷} رُهام^{۱۸} نیو
همی^{۲۰} تخت^{۲۱} ایران^{۲۲} کنند آرزوی^{۲۳}
همه شهر ایران کم جوی^{۲۴} خون
برآرم ز کیخسرو این بار^{۲۵} گرد

۱- ل، ق (نیز ل، ب): ده و دو؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- س: فرود آمدند از در؛ ق: فراز آورد از در؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۳- ل: جهاندیده گان ۴- ق: همه؛ (ل: پراز) ۵- ل، ق (نیز ق، و، آ، ب): بریشان؛ س (نیز ل، ب): بایشان؛ (ل، ل، ل، ن: بدیشان)؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۶- ل: نوندی؛ (ل: هیونی)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیز ل، و، آ، ب) ۷- س: نهادند ۸- ل: گردان؛ ق (نیز ب): ترکان؛ متن = ف، س، ل، ل، س^۱ (نیز ل، آ) ۹- ق: زیر؛ (ق: یکر؛ ب: در زیر) ۱۰- ف، ل، س، س^۱ (نیز ل، ق، ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): روانم؛ ل (نیز ب، آ): زبام؛ ق: زبام به پیمان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- س: خبر ۱۲- ق: ز ۱۳- ق: شنید ۱۴- ل: توران ۱۵- س: که ۱۶- ق (نیز ل): چهل هزار؛ (ب: صد هزار)؛ بنداری: اربعین ألف ۱۷- س، س^۱ (نیز ق، و): و ۱۸- ف، س^۱ (نیز و): بهرام (؟): (ق: فرهاد؛ ل: گردان)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ل، ل، ب، آ، ب) ۱۹- س، س^۱: سو ۲۰- ل، ل، س^۱: همه ۲۱- ل: گاه ۲۲- ل، ق، س^۱ (نیز ل، ل، ل، ب، ل، آ، ب): توران؛ س، ل (ترکان؛ متن = ف (نیز ل، و)) ۲۳- س^۱: آرزو؛ س: کند آرزو؛ در ل، س^۱ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۴- (ق، ل، ل، آ، رود)؛ س: بود جوی؛ س^۱: کم شهر ایران چو دریای؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، ب، و، ل، ب)؛ ل بیت ۲۳۴ و ق بیت های ۲۳۴-۲۳۸ را ندارند؛ ل بجای بیت ۲۳۴ افزوده است:

جفاییشه گشم ازین پس بچنگ

نجوم بخون ریختن بر درنگ

چو پیران بدید آن سپاه بزرگ
برآشفت از آن پس که نیرو^۱ گرفت
جفایشه گشت آن دل نیک خوی^۲
به گيو آنگهی گفت: برخیز و رَو
بگوش که از من تو چیزی مجوی^۳ ۲۴۰
یکی آنک از^۴ نامداران گوان^{۱۰}
و دیگر که گویی سلیح و سپاه^{۱۲}
برادر که روشن جهان^{۱۴} منست
همی گویی از خویشان دور کن
مرا مرگ باید بدان^{۱۷} زندگی ۲۴۵
یکی داستان زد برین بر پلنگ
به نام ار^{۲۰} بریزی ز من^{۲۱} - گفت - خون
و دیگر که^{۲۳} پیغام شاه آمدهست

چو^{۲۴} پاسخ چنين یافت^{۲۵} برگشت^{۲۶} گيو
سپهدار چون گيو برگشت ازوی ۲۵۰
بیامد چو^{۲۹} پیش گنابند^{۳۰} رسید

ابا لشکر و نامداران^{۲۷} نیو
خروشان سوی جنگ بنهاد روی^{۲۸}
برآن^{۳۱} دامن کوه لشکر کشید

۱- ل: کینه؛ س: از آن کار و نیرو ۲- س: (نیز ب): بشب؛ (لن: بهشت؛ ل: بشد) ۳- ل: نشستن ز سینه (!) ۴- ل: از دل نیکخو؛ س: از دل آن نیکخوی ۵- ل: آرزو؛ س: در اینجا سرنویس دارد: باز آمدن گردان پیش پیران و سه ۶- س: سپهدار نو ۷- ق: غواه ۸- ق: ندیدند راه ۹- ل: آن ۱۰- ل، ل: نامدار کوان؛ س: (نیز لن: نامدار کیان؛ (لن: نامداران کیان؛ ل: نامدار و کوان)؛ متن = ف، ق، س: (نیز ل، و، آ، ب) ۱۱- ف: بکردار تو ای سران کی توان (!)؛ ل، ق: (نیز ل، ب): گروگان همی خواهی این کی توان؛ س: (نیز لن، ل): بر تو فرستاد (س: فرستاده) شاید توان؛ (ل، آ: فرستاد نزدیک تو کی توان)؛ متن = ل، س: (نیز و) ۱۲- ف: سلیح کوان (پس او ندارد)؛ س: (نیز ل، و، ل): سلاح و سپاه؛ ق: (نیز ب): دگر آنک گفתי سلاح (ب: سلیح) و سپاه؛ متن = ل، ل، ل، س: (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۱۳- ل- س: (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ل): تخت؛ (ب: تیغ)؛ متن = ف: (نیز و) ۱۴- ق: روان ۱۵- س: (نیز لن، و، ل، آ): سرو؛ ل: سر؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۶- س: (نیز لن، لن): که بخرد (لن، ل: دانا) چنین خام داند ۱۷- ل، ق: (نیز و): بهتر از آن؛ س: (نیز لن، ل): باد اندر آن؛ (ق: خوشتر بران؛ ل: بهتر بدان؛ ل: باشد بدین؛ آ: بهتر بران؛ ب: بهتر از این)؛ متن = ف، ل، س: ۱۸- ل، س: (نیز لن، ق، ل، آ، ب): چو؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز ل) ۱۹- س: (نیز لن، ل): جنگی بر آمد بجنگ؛ ق: نژش همی خاست جنگ؛ (آ: درنده شد تیز جنگ)؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز ق، ل، ل، و، ب) ۲۰- ف پاک شده است ۲۱- ل، ق: مرا؛ متن = ف، س، ل، س: ۲۲- ف: زندگی؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۲۳- ق: دگر آنک؛ ل: این بیت را ندارد ۲۴- ف پاک شده است ۲۵- ق: گفت ۲۶- س: برجست ۲۷- ل: لشکری نامبردار و؛ س، ل: (نیز ق، ل): لشکر نامبردار؛ ق: (نیز آ): لشکری نامبردار؛ متن = ف، س: (نیز لن، ل، و، لن) ۲۸- ق: این بیت را ندارد؛ در ل پس از این بیت، بیت ۲۶۶ آمده است ۲۹- س: چو آمده به ۳۰- ل: کیابد؛ س: (نیز و): کساید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ بنداری: کیابد؛ متن = ف، ل، س، ق: (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب) ۳۱- س، ق، ل: بدان

۲۷۰ چو دانست گودرز کامد سپاه
 ز کوه اندرآمد به هامون گذشت
 به دشت اندرآورد لشکر^۳ گروه
 چو پیران سپاه از گنابده^۵ براند
 سواران^۶ جوشن و ران صد هزار
 برفتند^۸ بسته کمرهای^۱ جنگ
 بکردار کوه از دو رویه سپاه
 برآمد خروشیدن گره‌نای^{۱۲}
 ۲۷۵ ز زبید^{۱۴} زمین^{۱۵} تا گنابده^{۱۶} سپاه
 ز گرد سپه روز روشن نماند
 از^{۱۹} آوای^{۲۰} اسپان و گرد سپاه
 ستاره سینان بود و خورشید تیغ
 بتوفید از^{۲۳} آوای^{۲۴} گردان زمین
 ۲۸۰ چو گودرز توران^{۲۵} سپه را بدید
 درفش از درفش و گروه از گروه
 چو شب تیره شد پیل پیش سپاه
 برافروختند آتش از هر دو روی

بزد کوس و آمد ز زبید^۱ به راه
 کشیدند لشکر برآن^۲ پهن دشت
 به هامون سپاه از پس^۴ پشت کوه
 به روز اندرون روشنایی نماند
 ز ترکان میان^۷ بسته‌ی کارزار
 همه نیزه و تیغ هندی به چنگ
 به سر بر نهادند^{۱۰} از آهن کلاه^{۱۱}
 بجنبده‌می کوه گفتی ز جای^{۱۳}
 در و دشت ازیشان^{۱۷} کبود و سیاه^{۱۸}
 ز نیزه هوا جز به جوشن نماند
 بشد روشنایی ز خورشید و ماه
 از^{۲۱} آهن زمین بود و از^{۲۲} گرز میغ
 ز ترگ و سینان آسمان آهنین
 که برسان دریا زمین بردمید،
 گسته نشد، شب برآمد^{۲۶} ز کوه
 فرازآوردند و بستند راه
 از^{۲۷} آوای^{۲۸} گردان پرخاشجوی،

۱- ل: زسد (حرف‌های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل: ریند؛ س: (نیز لن): رید؛ متن = س، ق (نیز لی، پ، و، ل، آ) ۲- س، ق، ل، ل، س (نیز لن، لی، ل، آ، پ، آ، ب): بدان؛ متن = ل (نیز ق، و، لن) ۳- ق (نیز لی، آ، ب): یکسر؛ متن ← ۴- ق (نیز لی، آ، ب): آمد از؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، و)؛ ل (نیز لن، پ، لن) این بیت را ندارند ۵- س، س، س (نیز و): کسابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: کیابد؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۶- س: سواران و ۷- ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، لن): کمر؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز لی، و، آ، ب) ۸- س: برفتند و ۹- ل، س (نیز لن، پ، لن): کمرها به؛ ق: یکسر همه دل به؛ متن = ف، ل، س (نیز لی، و)؛ در ل پس از این بیت، بیت‌های ۲۶۷ و ۲۶۸ آمده‌اند ۱۰- ل، س: بر نهاده؛ متن ← ۱۱- ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن): ز آهن بر نهاده کلاه؛ س: از آهن بر نهاده بر کلاه؛ ق (نیز ل): بشد روشنایی ز خورشید و ماه (۲۷۳ ب- ۲۷۷ آ را انداخته و از ۲۷۳ آ و ۲۷۷ ب یک بیت ساخته‌اند)؛ متن = ف (نیز و)؛ س در اینجا سرنویس دارد؛ لشکر کشیدن پیران بر جنگ گودرز ۱۲- ف، ل، س: کرتای ۱۳- در ل لت دوم این بیت پاک شده است ۱۴- ف، س: زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زسد (حرف‌های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل: زیند؛ لن: ریند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق: ریند؛ آ: رید؛ متن = س (نیز لی، پ، و، لن) ۱۵- ل: همی؛ س (نیز لن، پ، لن): دمان؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، و، آ) ۱۶- س (نیز و): کسابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: کیابد؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ) ۱۷- ل: از ایران ۱۸- س: بشد روشنایی ز خورشید و ماه (۲۷۵ ب- ۲۷۷ آ را انداخته و از ۲۷۵ آ و ۲۷۷ ب یک بیت ساخته است) ۱۹- ل، س: ز ۲۰- ل، ل: آواز؛ متن = ف، س ۲۱- ف، ل، س: ز؛ متن = ل، س، ق ۲۲- ف، ل، ق، ل، س: وز؛ متن = س ۲۳- ل: ز ۲۴- ل، ل، ق، ل: آواز؛ متن = ف، س؛ س این بیت را ندارد ۲۵- ق: پیران ۲۶- ق: تا شب آمد؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز لس، ق، ل، ب)؛ س این بیت‌های ۲۸۱ و ۲۸۲ را ندارد ۲۷- ق: وز ۲۸- ل، س، ق، ل: آواز؛ متن = ف، س

<p>۲۸۵ جهان سرسر گفתי آهرمن ست^۱ ز بانگ تبیره به سنگ اندرون سپیده برآمد ز کوه سیاه بدآسوده^۲ اسپ اندرآورد پای سپه را سوی میمنه کوه بود^۳ سوی میسر رود و^۴ آب روان پیاده که بُد درخور^۵ کارزار صنی برکشیدند نیزه و روان همیدون پیاده بسی^۶ نیزه دار کمانها فگنده به بازو درون پس پشت ایشان سواران جنگ پس پشت لشکر ز پیلان گروه^۷ درفش خجسته میان سپاه ز پیلان زمین سرسر پیلگون^۸ درفشیدن^۹ تیغهای بنفش تو گفתי که اندر^{۱۰} شب تیره چهر بیاراست لشکر بسان بهشت فریبرز را داد پس^{۱۱} میمنه</p>	<p>به دامن بر از راستی^۱ دشمن ست^۲ بدرید دل در^۳ شب قیرگون^۴ سپهدار ایران^۵ به پیش سپاه، یلان را ز^۶ هر سو همی ساخت^۷ جای ز جنگ دلیران بی اندوه^۸ بود چنان^۹ درخور آمد چو تن را روان^{۱۰} بفرمود تا پیش روی سوار^{۱۱}، سپردار و بر^{۱۲} باد پایان سران^{۱۳} ابا^{۱۴} ترکش و تیر جوشن گذار^{۱۵} همی از جگرشان بجوشید^{۱۶} خون کز آتش به خنجر بردند^{۱۷} رنگ زمین از پی پیل گشته ستوه ز گوهر درفشان بگردار ماه، ز گرد سواران هوا نیلگون^{۱۸}، از آن^{۱۹} سایه ی کاویانی درفش^{۲۰}، ستاره همی برفشانند^{۲۱} سپهر به باغ وفا^{۲۲} سرو کینه بکشت پس پشت لشکر حصار و بُنه^{۲۳}</p>
---	--

۱- ل (نیزلی، آ، ب): از آنست؛ (ق، آ، و: اهرمنست)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل، آ، پ، لن، آ، آ): براز آستین (؟)؛ س (نیزلی): براز آستی (؟)؛ ق: برو آستی (؟)؛ ل: براز آشتی (ج- آستی)؛ س: ترا راستی؛ (و: سراز روشنی (!))؛ ب: بر آستین)؛ متن = ف (؟) ۳- (و: جوشنت؛ ل: ویا ازدها خفته در جوشنت) ۴- ل: بدرد دل اندر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن- ب) ۵- س: تیره گون ۶- ق: پیران ۷- ل- س^۱ (نیزلن- ل، آ، و- ب): باسوده؛ (پ: برآسوده)؛ متن = ف ۸- ل، س: به؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ ۹- س: جت ۱۰- ق: سپهد سوی میمنه کرده بود (!) ۱۱- ف: بدانبوه (؟)؛ (ل: بی انبوه)؛ متن = ل- س^۱ (نیزهشت دستویس دیگر) ۱۲- ق، ل، آ، س: [و] ۱۳- ق: چو جان ۱۴- س: سپردار و ز باد پایان سران (۲۸۹ ب- ۲۹۱ آ را انداخته و از ۲۸۹ آ و ۲۹۱ ب یک بیت ساخته است) ۱۵- ل (نیز ق، آ، ل، ب): که اندر خور؛ ق: چو اندر خور؛ ل: کند (ج- کبد = که بد)؛ (آ: که بود از در)؛ متن = ف، س، آ (نیزلی، و) ۱۶- ق: پیش روده هزار ۱۷- ف، س، آ (نیز آ): سپردار بر؛ س: سپردار و ز؛ (ق، آ، ل: سپردار با)؛ متن = ل (نیز و) ۱۸- ل، ق (نیز ب): ابا گرزداران و (ل: [و]) کنداوران ۱۹- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب): پس؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، و) ۲۰- ل: چه با؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن- ب) ۲۱- س: نیز نیزه گذار ۲۲- ل، آ، س: بیارید ۲۳- ل: ببرد؛ در س^۱ پس از این بیت، بیت ۲۹۷ آمده است ۲۴- س: چو کوه ۲۵- ل، س، ل (نیز و): نیلگون (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ق، س^۱ (نیزلن- ب، لن، آ، ب): نیلگون (س، آ، ب) پساوند ندارند)؛ متن = ف (نیز آ) ۲۶- ق: تیره گون؛ ل (نیز ق، آ): نیلگون؛ (لن، پ، لن، آ): جوش خون؛ ل: نیلگون؛ ل: قیرگون؛ متن = ف، ل، س، آ (نیز و، آ، ب) ۲۷- ل: درخشیدن ۲۸- ف: وزان (!)؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن- ب) ۲۹- بنداری: درفش جاویان ۳۰- س: همی از ۳۱- ق: یاره (!) همی سرفشانند؛ س^۱ این بیت را ندارد ۳۲- ق: جهان ۳۳- ق: داشت بر ۳۴- ق: پس لشکرا و حصارته؛ ف پس از این بیت افزوده است: بگفتش که توجای خود گوش دار شب و روز جان و روان هوش دار

گرازه^۱ سر تخمه‌ی گیوگان
 به یاری^۲ فریبرز برخاستند
 به رُهام فرمود پس پهلوان
 برو با سواران سوی میسره
 ۳۰۵
 بیفروز لشکرگه^۷ از فر خویش
 بدان آبگون خنجر نیوسوز

ز گردان لشکر یکی گسْتَهَم^{۱۲}،
 فروهیل که بگذاشت از چرخ^{۱۴} تیر
 برفتند برگشتوان^{۱۵} و سوار
 که بُد جای گردان پرخاشجوی
 چو گرگین و چون زنگه‌ی شاوران
 نگهبان لشکر سوی رودبار
 درفش و سیصد ز گردان گروه^{۱۸}
 برآمد، برآورد از انبوه سر^{۲۱}
 از آن^{۲۲} دیدگه^{۲۳} دیدبان^{۲۴} ساخته
 پی مور دیدی نهاده به راه
 بگفتی و گودرز^{۲۶} برخاستی

- ۱- بنداری: برازه ۲- ل (نیز ل): نگهدار؛ ل بیت‌های ۳۰۲ و ۳۰۳ را ندارد ۳- ل: بسیار؛ متن = ف، س، ق، س^۱ (نیز لن- ب) ۴- س (نیز لن، پ، ل، ن): ز ۵- س، ق، ل، س^۱ (نیز ل، آ): [و]؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، و، ب) ۶- ل: هور و بره؛ پ: و هور و بره؛ ل (نیز ق): نگهدار چنگال گرگ از بره؛ ق (نیز ل، آ، ب): نگهدار از یوز آهوره؛ (ل: نگهدار شیران و آهوره)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز و، لن) ۷- س: لشکر تو ۸- س: پیش (پساوند ندارد) ۹- س: از ۱۰- ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیز لن، ل، پ، لن، آ): رزم توز؛ س (نیز و): رزم توز (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ق: سازتوز؛ ل: کینه توز؛ ب: جنگ یوز)؛ متن تصحیح قیاسی است (= ب؛ لغت دری، ص ۱۱۵؛ لغت شهنامه، شماره ۲۷۶۵) ۱۱- ق: ابا (!) ۱۲- س: کردهم ۱۳- ف (نیز لن): کردهم؛ س: کسْتَهَم؛ ق، ل^۱ (نیز ب، بنداری): کردهم؛ متن = ل، س^۱ (نیز لن- آ) ۱۴- ل، ق: بگذارد از سنگ؛ س (نیز لن، ل، پ، لن): بگذارد از چرخ؛ (ق: از چرخ بگذاشت؛ ب: از سنگ بگذاشت)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ل، و، آ) ۱۵- ل (نیز لن): با گیوتا؛ س: با گیوتا (حرف‌های یکم و ششم نقطه ندارند)؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز لن- و، آ، ب) ۱۶- ف، ق، ل^۱ (نیز ل): ده هزار؛ متن = ل، س، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ب)؛ بنداری: و آمر جیوا بأن یحفظ ظهر العکر مع جرجین و زنکه فی أثنی فارس ۱۷- ق: پانصد؛ بنداری: ثلثمائة فارس ۱۸- ق: این بیت را ندارد ۱۹- ل، ق، ل، س^۱ (نیز لن- ب): دیده بان؛ متن = ف، س (نیز بنداری) ۲۰- ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ): کوهسار؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز ل، و، ب) ۲۱- ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ): نگهبان روز و (ق: لشکر) ستاره شمر (= ۳۴۹)؛ (ل: برآمد برافراز آن کوه سر؛ و: برآورد از آنجا در انبوه سر)؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز ب)؛ در ل، آ این بیت یکبار هم برابر ضبط متن آمده است ۲۲- س: وزان ۲۳- ل، ق، ل، س^۱ (نیز لن، ل، ب): دیده گه؛ متن = ف، س ۲۴- ل، ق، ل، س^۱ (نیز لن- آ): دیده بان؛ متن = ف، س (نیز ب) ۲۵- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ق، ل، و): بجستی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: نجستی؛ متن = ف (نیز ل، پ، لن، آ، ب) ۲۶- ل، س، ق (نیز ق، ل، ل، آ): بگفتی بگودرز؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب)

- برآنسان^۱ بیاراست آن رزمگاه
 ۳۲۰ چو سالار شایسته باشد به جنگ
 وُزآن^۵ پس بیامد به سالارگاه
 درفش دل افروز بر پای کرد
 سران را^۷ همه خواند نزدیک خویش
 به دست چپش رزم دیده هُجیر
 ۳۲۵ بستند از^{۱۰} آهن به گِردش سرای^{۱۱}
 سپهدار گودرزشان در میان
 همی بستند از ماه و خورشید^{۱۴} نور؛
 بدان ساز^{۱۵} و آن لشکر آراستن
 در و دشت و کوه و بیابان سنان
 ۳۳۰ سپهدار ترکان^{۱۹} غمی گشت سخت
 وُزآن^{۲۱} پس نگه کرد جای سپاه
 نه آورد که دید و نه جای صف
 برآنسان که آمد^{۲۴} بایست ساخت
 پس از نامداران و گردان خویش^{۲۶}
- که رزم آرزو^۲ کرد خورشید و ماه^۳
 نترسد سپاه از دلاورهننگ^۴
 که دارد سپه را ز دشمن نگاه
 یلان^۶ را به قلب اندرون جای کرد
 پس پشت شیدوش و فرهاد^۸ پیش
 سوی راست گتَماره^۹ شیرگیر
 پس پشت پیلان^{۱۲} جنگی به پای^{۱۳}
 درفش از برش^{۱۴} سایه ی کاویان،
 نگه کرد پیران به لشکر ز دور،
 دل از زنگ^{۱۶} و تیمار پیراستن^{۱۷}،
 عنان بافته سرسِر در^{۱۸} عنان،
 برآشفت با تیره خورشید و^{۲۰} بخت
 نیامدش بر آرزو^{۲۲} رزمگاه
 همی برزد از خشم کف را به کف^{۲۳}
 چو سوی یلان جنگ بایست یاخت^{۲۵}
 کسی کو گند^{۲۷} جنگ را دست پیش^{۲۸}،

۱- ل، ق: بدانسان ۲- ل: آرزوی ۳- س: یکم سپاه ۴- ق: پلنگ ۵- ل، ل، س: از آن؛ متن = ف، س،
 ق ۶- ل، س (نیز لن، ل، پ، لن): سپه؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز ق، ل، و، آ، ب) ۷- ق: سواران ۸- ق: رهام و
 شیدوش؛ بنداری: و اوقف قدامه فرهاد، و وراء ظهره شیدوش ۹- ف، ل (نیز ق، ل، آ): کتَماره (حرف دوم نقطه ندارد)؛
 ل (نیز لن): کتَماره؛ (ل: کرازه)؛ متن = (لن، پ، و، بنداری؛ بیت ۱۷۱۴)؛ ق، س: این بیت را ندارند ۱۰- ف، ل، ق: ز؛ متن =
 س، ل ۱۱- ق: سوار؛ ل: بجای؛ متن = ف، ل، س (نیز لن - آ)؛ بنداری: فصار کانه فی حصن من الحدید ۱۲- ق: هزار؛ س: این
 بیت را ندارد ۱۳- ل: سرش؛ س: بیت های ۳۲۶-۳۲۸ را ندارد ۱۴- ف: خورشید و ۱۵- ل: برآنسان؛ س:
 بران ساز ۱۶- ف، ل: رنگ؛ ل، ق (نیز ب): ننگ؛ (لن، ق، پ، لن: رنج؛ و گرم)؛ متن = س: (نیز ل، آ) ۱۷- ل (نیز ب):
 برداشتن؛ ق: برگاشتن؛ (لن، پ، لن: برکاستن)؛ متن = ف، ل، س: (نیز ق، ل، آ) ۱۸- ل، ق (نیز ل، ب): با؛ متن = ف، س، ل،
 س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹- ل، ق (نیز لن، ب): پیران؛ (پ، لن: توران)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز ق، ل، آ، و،
 آ) ۲۰- س، ق، ل (نیز ل، ل، پ، لن: آ)؛ [و]؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، ق، و، ب) ۲۱- ل: از آن ۲۲- ل: آرزوی؛
 س: نیامد بکامش ورا؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر دیدن پیران که گودرز چون ترتیب مصاف گاه داد و ترتیب دادن اولشکر را
 برابر او بر کوه و دشت ۲۳- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل - س: (نیز لن - ب) ۲۴- ل: برآنگونه کامد؛ ق (نیز لن - پ، لن، آ):
 بدانسان که آمد؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز و، ب) ۲۵- ف، ل (نیز ق، ل، آ): جنگ بایست ساخت (پساوند ندارند)؛ ل، ق (نیز
 ب): جنگ بایست آخت؛ س (نیز لن، لن): اسب بایست تاخت؛ س: دست بایست تاخت (حرف یکم واژه پسین نقطه ندارد)؛ (ل: جنگ
 بایست سخت (!)؛ ب: جنگ بایست تاخت؛ و: بنا کام لشکر گهی بر فراخت)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶- ل: نامداران
 افراسیاب (= ۱۳۳۴ + ۱۳۳۵) ۲۷- س: نهد؛ متن ← ۲۸- ل: دست را جنگ پیش؛ (لن): جنگ را پای پیش؛ آ: رزم را دست
 پیش)؛ ل: کسی کشر سراز کینه گیرد شتاب (= ۳۳۵ ب)؛ ق (نیز ل، ب): بیورد از ایشان بنزدیک خویش؛ متن = ف، س: (نیز لن، ق،
 ل، پ، و)

<p>کسی که ش بر آن^۱ کینه گیرد شتاب، که بودند شایسته‌ی کارزار سپاهی برینسان همه^۲ رزم خواه نهاد سپه را و برداشت^۳ را ابا سی هزار از دلیران گرد ابا سی هزار از دلیران مرد^۴ جهان سرسبر گشت^۵ از آهن سیاه سپهرم که بُد روز فریاد را به پشت سواران خنجرگزار^۶ ابا ده هزار از یلان ختن^۷ کمینگه کند با یلان دلیر، سپهدار ایران شود زو^۸ ستوه، بجنبد ابر^۹ خویشتن بیشتر، پس پشت او اندر آید^{۱۰} دلیر نگهبان روز و ستاره شمار^{۱۱}،</p>	<p>۳۳۵ وژان جنگ سازان افراسیاب گزین کرد شمشیرزن سی هزار به هومان سپرد آن زمان قلبگاه بخواند آندریمان و اخواشت^۳ را چپ رزمگاهش^۵ بدیشان^۶ سپرد چو لَهَاک جنگی و فرشیدورد گرفتند بر میمنه جایگاه چو زنگاله و گرد^{۱۰} گلباد را فرستاد^{۱۱} با نیزه‌ور ده هزار برون رفت رویین رویسه‌تن^{۱۳} بدان تا بدان بیشه او همچو^{۱۵} شیر طلایه فرستد به رود و به^{۱۶} کوه از آن^{۱۸} رزمگه پی نهد پیشتر سپهدار^{۲۰} رویین بکردار شیر همان دیدبان^{۲۲} بر سر کوهسار^{۲۳}</p>
---	--

۱- ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب): سر از؛ س (نیزلن، پ، ل، ن): بدن؛ ل، آ، س: برآز (بران)؛ متن = ف (نیزق، و) ۲- ل (نیزق): هزبر
اوژن و؛ س (نیزلن، پ، ل، ن، آ): هزبرافکن؛ ق (نیزب): بدینسان همه؛ س: برانسان همه؛ (لی: هزبرافکن؛ ل: بدینسان چو)؛ متن = ف، ل
(نیزو) ۳- ل، ق: اوخواست؛ س: اخواشت؛ (لن، پ، ل، ن، آ، ب: اخواشت؛ لی: اوخواست؛ بنداری: اخواشت)؛ متن = ف،
س ل^۱ (نیزق، و، آ) ۴- س (نیزلن، ل، ن): و برکاست؛ ل: بدو داشت؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، پ، ب): نهاد (لی، ب: نهاده؛ ل: نهادند) چپ
لشکر و (ل، آ، ب: [و]) راست؛ س: نهاده سپه را و برداش؛ متن = ف (نیزق، و، آ) ۵- ل، ل، آ، س: (نیزق، پ): لشکرش را؛ متن =
ف، س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، و، ل، ن) ۶- ف، س (نیزلن، ل، ن): بایشان؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیزق، و، آ، ب) ۷- س: یلان
نبرد ۸- س: بسته ۹- ل، ل، آ، س: ز؛ متن = ف، ق؛ س بیت‌های ۳۴۱-۳۴۳ را ندارند ۱۰- ف: زنگاله و گرد؛ ل (نیز
ل): زنگوله گرد و؛ ق: زنگوله کرد و؛ ل (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن): زنگاله گرد و؛ س: زنگاله و گرد و؛ (ب: زنگوله و گرد)؛ متن =
(آ، ب، ف): بنداری: زنگاله ۱۱- ل، ق (نیزلن، ق، ل، لی، پ، ل، ن، آ، ب): برفتند؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزو) ۱۲- ف (نیزلن):
خنجرگذار ۱۳- ف: رویسه‌تن ۱۴- س، ق (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب): انجمن؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزو) ۱۵- ل: تا در
آن بیشه اندر چو؛ س (نیزلن): تا در بیشه را همچو؛ ق: تا بدان بیشه باشد [چو]؛ (ق: تا بدان جای در همچو؛ لی، پ، و، آ: تا در آن (و: بران) بیشه
او (پ، و: بر) همچو)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیزب)؛ در ل، آ، س: پس از این بیت، بیت ۳۴۹ آمده است ۱۶- ل: فرستاد بر سوی؛ ل، آ،
س: (نیزلن، ق، ل، لی، پ، و، ل، ن، آ): فرستاد (پ، ل، ن، آ: فرستد) بر (آ: سوی) رود و؛ متن = ف، س ۱۷- ل، آ، س: (نیزلی، و): بشد زان؛
متن = ف، ل، س (نیزق، ل، پ، ل، ن، آ)؛ ق (نیزل، ب) بیت‌های ۳۴۶-۳۴۸ را ندارند ۱۸- ل، س (نیزلن، پ): گراز؛ ل، آ، س: (نیزلی):
که زان؛ (و، ل، ن: کزان)؛ متن = ف ۱۹- ف: بجنبد ابر؛ ل: و گرجنبد از؛ س، ل، آ، س: (نیزق، و): بجنبد ابر (حرف یکم نقطه ندارد)؛
(ل، لی: بجنبد بر (حرف یکم نقطه ندارد))؛ متن = (پ، ل، ن، آ) ۲۰- ف: سپه دیده (؟)؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیزلن، ق، ل، لی، پ، و،
ل، ن، آ) ۲۱- س، ل، آ، س: (نیزق، ل، لی، ل، ن، آ): اندر آمد؛ متن = ف، ل (نیزلن، پ، و)؛ بنداری (۳۴۴-۳۴۸): و آمرروئین آن یکن مع
عشرة آلاف آخرین، و فرق الطلائع علی جانبی الجبل والماء. فرأی جودرز من الرأی ألا یزایل ذلک الموقف ولا بقدر خطوة. لأنه لو تحرك من ذلک
المکان لأتاهه روئین بأصحابه من وراء ظهورهم ۲۲- ل، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ب): دیده بان؛ متن = ف، س ۲۳- ل: کوه کرد؛ ل (نیزو): کرد
(و: کرده) بر کوهسار؛ متن = ف، س، ق، س: (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۴- ل: که جنگ سواران بی اندوه کرد؛ (ق: نگهبان بدو هم
ستاره شمار؛ ل: نگه کرد روز ستاره شمار)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن، لی، پ، ب)؛ در ل، آ، س: این بیت پس از بیت ۳۴۵ آمده است

<p>۳۵۰</p> <p>ازا ایرانیان گر سُواری ز دور نگهبان دیده گرفتی خروش</p>	<p>عینان تافتی سوی سالاراً تور، همه رزمگاه^۳ آمدی زو به^۴ جوش</p>
<p>۳۵۵</p> <p>دو لشکر به روی اندرآورده^۵ روی چُنین ایستاده سه روز و سه شب همی گفت گودرز: گر پشت^۷ خویش سپاه اندرآید^۸ پس پشیت من</p>	<p>همه نامدارانِ پَرَخاشجوی، تو گفتی یکی را^۶ نجیبید لب سپارم بدیشان، نهم پای پیش، نماند جزا^۹ باد در مشیت من همی جُست نیک اختر هور و ماه کدامست و جنبش کجا بهترست^{۱۱} که چشم سواران پیوشد به^{۱۳} گرد بگردار باد اندرآرم سپاه که گودرز را دل بجوشد^{۱۹} ز^{۲۰} خشم کمین اندرآرد^{۲۲} ز پیشش به راه^{۲۳}</p>
<p>۳۶۰</p> <p>کجا بردمد بادِ روز نبرد بریشان^{۱۴} بیابم^{۱۵} مگر^{۱۶} دستگاه و^{۱۷} پیران نهاده همیدون^{۱۸} دو چشم کند پشت پردخت^{۲۱} و راند سپاه</p>	

گفتار اندر آمدن بیژن بنزدیک پدر و جنگ ترکان خواستن^{۲۴}

<p>به روز چهارم ز پشت^{۲۵} سپاه به پیش پدر شد همه جامه چاک همی^{۲۶} گفت کای^{۲۷} باب کار آزمای^{۲۸}</p>	<p>بشد بیژن گویو تا قلبگاه همی با آسمان برپراگند خاک چه دانی برین خیره بودن به پای^{۲۹}؟</p>
---	--

۱- ل، ل، ز ۲- ل، ق (نیزلی، ل، ب): پیکار؛ متن = ف، س، ل، س، ا (نیزلسن، ق، ا، ب، و، لسن، آ) ۳- س، ق، ل، ل: رزمگاه ۴- ق: پرز؛ بنداری (۳۴۹-۳۵۱): و کان الیدیدبان کلما رأی فارسا من الایرانیین فارق مکانه من الصف رفع صوته فیفطن لذلک جوذرز فینهی ۵- ل: آورد ۶- ل، س (نیزلن، ق، ا، ب، ل، ن): یکی را بگفتن؛ (آ: یکی را تو گفتی)؛ متن = ف، ق، ل، ل، س، ا (نیزلی، ل، و، ب) ۷- س، ل: جای؛ متن = ف، ل، ق، س، ا ۸- س: اندرآمد ۹- ق، س، ا: بجز ۱۰- ق: همه ۱۱- س: بنیک اخترش؛ ل، ق (نیزلی، ل، ب): که روزی که آن روز نیک اخترست؛ متن = ف، ل، س، ا (نیزلن، ق، ا، ب، و، ل، ن، آ) ۱۲- ل (نیزلی، ل، ب): که را بهترست؛ (لن: کجا درخورست؛ ق، ا، ب، ل، ن، آ: که را درخورست)؛ س: و جستن که را درخورش؛ ق: که جستن مرا بهترست؛ ل، س، ا (نیزو): و جنگش کجا بهترست؛ متن = ف ۱۳- ل: ز ۱۴- ق: پس آنگه ۱۵- س: نایبم ۱۶- ل، س، ا: یکی ۱۷- ق (نیزلن، ق، ا، ل، ب): چو؛ س، ا (نیزلی): به؛ متن = ف، ل، ا (نیزب، ل، ن، آ) ۱۸- س، س، ا (نیزلی، ب): پیران همیدون نهاده؛ (پ، لن: پیران نهاده بمیدان)؛ متن = ف، ق، ل، ا (نیزلن، ق، ا، ل، آ): ل: نهاده سپهدار پیران؛ (و: سپهدار ترکان همیدون) ۱۹- س: بجنبید ۲۰- ق: به ۲۱- ل، ق (نیزآ): بردشت؛ (لن، پ، ل، ن، ا: بر رخت؛ لی: بر بخت؛ ب: بر تخت)؛ متن = ف، س، ل، س، ا (نیزو) ۲۲- س: ز کین اندرآمد ۲۳- ل: سپاه اندرآرد به پشت سپاه (بساوند ندارد)؛ ق (نیزلی، ل، ب): بشد بیژن گویو در قلبگاه ۳۶۱ ب و ۳۶۲ آ را انداخته و از ۳۶۱ آ و ۳۶۲ ب یک بیت ساخته اند)؛ متن = ف، ل، س، ا ۲۴- س: آمدن بیژن گویو بنزد پدر و نبرد هومان خواستن؛ ل، ق، ل، س، ا: سرنویس ندارند؛ متن = ف ۲۵- ل: پیش؛ متن = ف، س، ل، س، ا (نیزلن، ق، ا، ب، و، لن، آ):؛ درس لت های ابن بیت پس و پیش شده اند ۲۶- ل: بدو ۲۷- س: ابا ۲۸- ل: آزما ۲۹- ل: خیره ایدون بیای؛ ل، ق (نیزآ): چه داری چنین خیره مارا بیای (ل: بپا)؛ س: چرا بیم بوده هم ایدر بیای؛ س، ا (نیزلی، ل، و، ب): چه دانی (لی: باشی؛ ل، ب: داری) بدین (و: چنین) خیره بودن بیای؛ (لن، پ، ل، ن، ا: چرایی چنین بودن (ب: بوده) ایدر بیای؛ ق: چرایی برین خیره بودن بیای)؛ متن = ف

<p>گزین من اندر خور کارزار سر افشان کنیم از بر ماهشان بسی آفرین خواند^۲ بر پور نیو تو دادی مرا پور نیکی شناس شناسای هر کار و جویای کین^۴ چنان چون بود بجهی پهلوان که فرزند ما^۶ گر نباشد دلیر، پدرش^۸ آب دریا بود، مام خاک زبان بر نیابر^{۱۲} گشاده مکن! برین^{۱۳} لشکر نامور مهترست نباید به هر کارش آموزگار نه ترکان به رنگ و نگار اندراند^{۱۵} همه دیده پُر آب و پُر خون جگر^{۱۷} که ترکان به جنگ اندر آرند پای، برد لشکر کینه ور همگروه^{۲۰} که چون برنوردده می مرز را همی گردش چرخ را بشمرد کند روی گیتی ز دشمن^{۲۳} تهی</p>	<p>به من داد باید سواری^۱ هزار برآرم گرد از کمینگاهشان ز گفتار بیژن بخندید گیو به دادار گفت: از تو دارم سپاس همش زور دادی، همش فر و دین^۳ به من بازگشت این دلاور جوان چنین گفت مر جفت^۵ را نره شیر بترم^۷ ازو مهر و پیوند پاک ولیکن^۹ تو ای پور چیره^{۱۰} سخن^{۱۱} که او کار دیده ست و داناترست کسی کو بود سوده ی روزگار^{۱۴} سواران ما گر به بار اندراند همه شور بخت اند و برگشته سر^{۱۶} همی خواهد این^{۱۸} پیر کار آزمای پس پشتشان دور ماند^{۱۹} ز کوه بینی تو گوپال^{۲۱} گودرز را و دیگر که او زاختر^{۲۲} نیک و بد چو پیش آید آن روزگار بهی</p>
--	--

چنین گفت بیژن به فرخ^{۲۴} پدر که ای پهلوان جهان سربسر،

۱- در ف به زیر یکم ۲- ل، ق: کرد؛ متن = ف، س، ل، س، س ۳- س: هوش و فر؛ (لن، پ، لن): هوش تیز؛ ق، ل: هوش و دین؛ ل، ق (نیز آ، ب): هوش دادی و هم (ق، آ: همش) زور و دین (ل: زور کین)؛ متن = ف، ل، س، س (نیز و) ۴- ل: دین؛ س: و پر خاشخه؛ (لن، پ، لن): شناسا هر کار و جویای چین؛ متن = ف، ق، ل، س، س (نیز ق، ل، و، آ، ب) ۵- س: بجه ۶- ق: تو ۷- ل: بیزه ۸- ق: پدر ۹- ق: میدون ۱۰- ل (نیز ق، ل، آ): خیره ۱۱- ف: زبان (پساوند ندارد)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۱۲- ف: بر نیاید (ج- بر نیابر)؛ (لن: برنسا را؛ ق: زیانت برینسان)؛ متن = ل- س (نیز لی- ب)؛ در ق لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۳- س، ق، ل: بدین؛ متن = ف، ل، س ۱۴- ل، ق: کارزار؛ (ق: دیده روزگار؛ ب: ندیده بود روزگار)؛ متن = ف، س، ل، س، س (نیز لن، لی- آ) ۱۵- در ق بیت ۳۹۴ با بیت ۳۹۶ پس و پیش شده اند ۱۶- س: بخت ۱۷- ق (نیز ق، ل): و خسته جگر؛ ل: پر خون و خسته جگر؛ س: پر آب زیر درخت (!)؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، لی- ب) ۱۸- ل، ق: آن؛ س: ای؛ متن = ف، ل، س، س ۱۹- س: گردد ۲۰- ل: همچو کوه (پساوند ندارد)؛ ق: لشکر و کینه هر دو گروه (!) ۲۱- در پ- ب با سه نقطه ۲۲- ل: کجا اختر؛ س، ق (نیز ل، پ، لن): که از اختر؛ ل، س (نیز ق): که او اختر؛ (لن: که آن اختر؛ لی، ب: کزو اختر)؛ متن = ف (نیز و، آ) ۲۳- ل، س، ق (نیز لن، ق، پ، لن): که از اختر؛ ل: لشکر؛ متن = ف، س (نیز لی، و، آ، ب) ۲۴- ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، لن): به پیش؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز لی، و، آ، ب)

خجسته‌نیا را گر اینست رای
شوم جوشن و خود بیرون کنم
چُنْ^۲ آیم جهان‌پهلوان را به کار
سَزْد گر ندارم رومی^۱ قبای
به می روی پژمرده گلگون کنم
بیایم کمریسته‌ی کارزار

گفتار اندر رفتن هومان بنزدیک پیران و جنگ ایرانیان خواستن^۳

۴۰۵ وُزَان لشکر ترک هومان دِلیر^۴
که ای پهلوانِ ردافراسیاب
به هفتم^۷ فراآمد این روزگار
از آهن میان سوده و دل ز کین
چه داری به روی اندرآورده روی؟
گرت رایی جنگست، جنگ آزمای!
۴۱۰ که ننگست ازین بر تو ای^{۱۱} پهلوان
همان^{۱۳} لشکرست این که از ما به جنگ
ازیشان^{۱۴} همه رزمگه کُشته بود
نه زین نامداران سُواری کم‌ست^{۱۸}
گرت آرزو نیست خون ریختن
۴۱۵ ز جنگاوران بهره‌ی^{۲۰} برگزین

چو بشنید پیران ز هومان سَخُن
بدان ای برادر که این رزم‌خواه^{۲۳}
بدو گفت: مشتاب و تندی مکن!
که آمد چُنین پیش ما^{۲۴} با سپاه،

۱- س: از آهن؛ ق: روی (→ رومی) ۲- ل- س: (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۳- ق: محادئ هومان با برادرش پیران وبه؛ ل، س، ل، س: س^۱ سرنویس ندارند؛ متن = ف پس از تصحیح خواستن ایرانیان به ایرانیان خواستن ۴- ق: شیر ۵- ل، س: آ: بیامد به پیش برادر ۶- ق: دلیر ۷- ق، س: (نیز ل، ل، ل، آ، ب): هشتم؛ متن = ف، ل، س، ل: (نیز لن، ق، آ، پ، و)؛ بنداری: سبعة ایام ۸- ف: جنگ و؛ ل: در جنگ؛ (و: بر جنگ)؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن- پ، لن، آ، ب) ۹- ف، س، ل: گرت؛ ق: (نیز لن- پ، لن، آ، ب): وگر؛ متن = ل، س: (نیز و) ۱۰- ل، ل، ق، ل، س: (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب): ایدر؛ س: (نیز لن، پ، لن): رفتن بایدر؛ متن = ف (نیز ل)؛ بنداری: فإن كنت علی عزم القتال فدونك فأقدم، وإن كنت همت بالانخذال فأحجم ۱۱- س، ق: ننگست بر تو (ق: ما) ابا ۱۲- ل، س، ق: (نیز ل، ل): بدین؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، ق، آ، پ- ب) ۱۳- ل، س: هین ۱۴- ل، ق: (نیز ل، ل، آ، ب): کزیشان؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن) ۱۵- ل- س: (نیز لن- ب): زمین؛ متن = ف ۱۶- ل: (نیز ق): رود؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ل، ل، آ، ب) ۱۷- (و: چون گل آغشته) ۱۸- ق: یکی کم شدست (پساوند ندارد) ۱۹- س: نخواهی سپه را برانگیختن ۲۰- ل، س: (نیز لن، ق، آ، پ، لن): لشکری؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز ل، ل، آ، ب) ۲۱- ف: (نیز و): توبنگردین (و: برین) دشت کین؛ ل، س، ق: (نیز لن- پ، لن، آ، ب): توبنگردین (س، لن، پ، لن): گه؛ ق، ل، ل: (س، ل، ل، آ، ب): همه) رزم و (ق: دشت) کین؛ (آ: نگه کن برین دشت کین)؛ متن = ل، س: ۲۲- ق: تو کین ۲۳- ل، س: کینه خواه ۲۴- س: که آمد بر من چنین

۴۲۰ گزین بزرگان کیخسروست
 یکی آنک کیخسرو از شاه من
 و دیگر که^۲ از پهلوانان شاه
 به گردن‌فرازی و مردانگی
 سدیگر که^۵ پُرداغ دارد جگر
 که از تن سرانشان جدا مانده‌یم^۸
 ۴۲۵ کنون تا به تئش‌اندرون جان بود
 چهارم که لشکر میان دو کوه
 ز^{۱۲} هر سو که پویی^{۱۳} بدوراه نیست
 بکوشید باید بدان تا مگر
 مگر مانده گردند^{۱۶} و مُستی^{۱۷} کنند
 ۴۳۰ چُن^{۱۸} از کوه بیرون کشد^{۱۹} لشکرش
 چو دیوار گرد اندر آیمشان
 بریشان بگردد همه کام^{۲۱} ما
 تو پشت سپاهی و سالار شاه
 کسی کو به نام بلندش نیاز
 ۴۳۵ و دیگر که^{۲۳} از نامداران به^{۲۴} جنگ
 ز گردان^{۲۶} کسی را که بی‌نام‌تر
 ز لشکر فرستد به پشت به کین
 سر نامداران آن^۱ پهلوست
 همی سر برآرد ز هر^۲ انجمن
 ندانم^۴ چو گودرز کس را به جاه،
 به رای هُشیوار و فرزانیگی
 از آن کین و آن درد^۶ چندان پسر^۷،
 زمین را به خون گرد بنشانده‌یم^۸
 برین^۹ کینه چون مار پیمان^{۱۰} بود
 فرود آوریده‌ست گرد^{۱۱} گروه
 براندیش کین رنج کوتاه^{۱۴} نیست
 از آن کوه‌باره^{۱۵} برآزند سر
 به جنگ‌اندرون پیش‌دستی کنند
 یکی تیرباران کنم بر سرش^{۲۰}
 چو شیر ژیان در بر آیمشان
 برآید به خورشیدبر نام^{۲۱} ما
 برآورده از چرخ گردان^{۲۲} کلاه
 نباشد، چه گردد همی گرد آر؟
 نیاید کسی پیش غران پلنگ^{۲۵}
 ز^{۲۷} جنگ سواران^{۲۸} بی‌آرام‌تر،
 اگر برنوردی بروبر زمین^{۲۹}،

۱- ف (نیز پ): این؛ ل: هر؛ ل: و آن؛ ق (نیز ل، ب): پهلوانان آن؛ متن = س، س، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ) ۲- ق، س، س (نیز ل، ب): پسر؛ ل، س، ل (نیز لن، ل، پ، لن، آ): همی (ل: بدو) سرفراز پسر؛ (ق، آ: همی سربرافراز از)؛ متن = ف (نیز و) ۳- ق: دگر آنک ۴- س: ندانم ۵- ل (نیز ق، ل، و، آ): سه دیگر که؛ س (نیز لن): دگر آنک؛ (پ، لن، آ: دگر آنکه)؛ متن = ف، ق، ل، س، س (نیز ل، ب) ۶- ل، س، ق (نیز لن، پ، لن، آ، ب): پراز خون (ق، ل، ل، ب: کین) دل از درد؛ (و: از آن کین و از مرگ)؛ متن = ف، ل، س، س ۷- س: خسته جگر (پساوند ندارد) ۸- ل (نیز ل، آ): ام؛ دیگر دستویسها: -ایم ۹- س: بدین ۱۰- س: پراز خون دل و چشم گریان ۱۱- س، ل، س، ل (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ): و کرده؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ب) ۱۲- ق: به ۱۳- س: جویی ۱۴- ق: رای را گاه ۱۵- ف، ل، ق، ل، س، ل (نیز ق، ل، ل، آ، ب): کوه پایه؛ متن = (و)؛ س (نیز لن، پ، لن، آ) این بیت را ندارند ۱۶- ق: و گر مانده مانند ۱۷- (ل، آ، ب: سستی)؛ متن = ف- س (نیز ق، ل، لن، آ) ۱۸- ل- س (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۱۹- ل، س، ق: کند؛ متن = ف، ل، س، آ ۲۰- س: کنند از برش ۲۱- ق: کار (پساوند ندارد)؛ ل: کام (پساوند ندارد) ۲۲- س: و کیوان؛ ق (نیز ل، ب) بیت‌های ۲۳ و ۲۴ را ندارند ۲۳- ق: دگر آنک از ۲۴- ل، س، ق، س (نیز ل، ل، و، آ، ب): [به]؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ) ۲۵- ق (نیز ل، ب): شرزه پلنگ؛ (ل: شیرو پلنگ)؛ ل: نیاید کسی نزد ما بی‌درنگ؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): نیاید به پشت گزازان ننگ؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز ق، و، آ) ۲۶- ق: دگر آن؛ ل، س، آ: مگر آن؛ متن = ف، ل، س ۲۷- س، ل، س، ل (نیز لن، ل، آ): به؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۸- (لن، لن، آ: دلیران) ۲۹- ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند

ترا نام از آن^۱ برنیاید بلند
وگر^۳ بر تویر دست یابد^۴ به خون

۴۴۰ نکه کرد هومان به گفتار اوی^۶
چنین داد پاسخ کز ایران سوار
ترا خود همین^{۱۱} مهربانی ست خوی^{۱۲}
دگر که ت^{۱۴} به کین جستن آهنگ^{۱۵} نیست
شوم چرمه ی گامزن زین کنم

گفتار اندر آمدن هومان و بسه از لشکر گاه خود به لشکر گاه ایرانیان^{۱۷}

۴۴۵ چُن^{۱۸} آمد به لشکر گاه خویش باز
نشست از بر زین سپیده دمان
بیامد بنزدیک ایران سپاه^{۲۰}
چو پیران بدانست کوشد به جنگ
بجوشیدش از درد هومان جگر
که دانا به هر کار سازد درنگ
۴۵۰ سبکسار تندی نماید نخست
زبانی که اندر سرش مغز نیست

همی سود دندان بسان گراز
چو شیر ژیان با یکی ترجمان^{۱۹}،
پُر از جنگ دل، سر^{۲۱} پُر از کین شاه
بروبر جهان گشت از اندوه^{۲۲} تنگ
یکی داستان یاد کرد از پدر^{۲۳}،
سر اندر نیارد به پرگار تنگ^{۲۴}
به فرجام کار انده آرد درست^{۲۵}
اگر در بار^{۲۶} همان نغز نیست

۱- ف: زان؛ (ب: ازو)؛ متن = ل- س^۱ (نیز لن- آ) ۲- س^۲ (نیزو): ز کشتن نیاید؛ (ل، ل^۳، ب: بکشتن نیاید)؛ ل، س (نیز لن، لن): به (لن، لن: بر) ایرانیان نیز نیاید؛ ق: ز ایران بکشتن نیاید؛ (ق: کسی را ز کشتن نیاید)؛ متن = ف، ل^۲ (نیز آ) ۳- س: اگر ۴- س: یازد ۵- س: نگون ۶- ل، س، ق، ل^۲ او ۷- ل، س، ق: همه؛ متن = ف، ل^۲ ۸- ق: پنداشت ۹- س: کردار؛ ق: گفتار (پساوند ندارد)؛ س: این بیت را ندارد ۱۰- ل (نیز ل، ل^۲، ب): نباشد؛ ق: که باشد؛ ل^۲ (نیز لن): نیاید؛ (ق، آ: ندانم)؛ متن = ف، س^۱ (نیز لن، پ، و) ۱۱- ق: همچنین ۱۲- ل، ل^۲، س: آ: خو ۱۳- ل، ل^۲، س: آ: آرزو ۱۴- ق: دلت گر ۱۵- س: دلت گریب کین اندرون تنگ؛ متن = ف، ل، ل^۲، س^۲ ۱۶- س: بجانست اندرون؛ ل پس از این بیت افزوده است:

کم آنچه باید بدین رزمگاه

نمایم هزها به ایران سپاه

۱۷- ف (چند بیت پایین تر): گفتار اندر آمدن هومان و بسه از لشکر گاه خود بلشکر گاه ایرانیان و نبرد خواستن از سپاه ایرانیان؛ ل: رفتن هومان بجنگ ایرانیان؛ س: آمدن هومان بلشکر گاه گودرز و نبرد خواستن؛ ل^۲ (چند بیت پایین تر): آمدن هومان و بسه بجنگ ایرانیان؛ متن = آغاز ف ۱۸- س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، ل^۲، ب): چو؛ متن = ف؛ ل (نیز ل) این بیت را ندارند ۱۹- ل^۲: یکی داستان یاد کرد اندر آن (۴۴۹ ب) ۲۰- ف، ل^۲: بنزدیکی آن سپاه (؟)؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیز لن- آ) ۲۱- س، ق: سردل ۲۲- ف، ل، ق: زانده؛ ل^۲: از انبوه (!)؛ س: شد پر آزار و؛ متن = س^۲ ۲۳- ق: بیت های ۴۴۹ و ۴۵۰ را ندارد ۲۴- ل: بییکار و ننگ؛ (ق، ل، ل^۲، و، آ، ب): بییکار تنگ؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ ۲۵- س، س: اندر آید درست (!)؛ ق: انده آید بشت (پساوند ندارد)؛ ل^۲: کارش نیاید درست؛ متن = ف، ل (نیز لن، و، لن، آ) ۲۶- س: دیو سازد (!)؛ س: در بیارد؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲

- چو هومان بدین رزم تندی نمود
جهان داورش باد فریادرس
- ندام چه آرد به فرجام^۱ سود
جز اویش نبینم همی یار کس
- ۴۵۵ چو هومان ویسه بدان رزمگاه
بیامد که خواهد^۲ ز گردان نبرد
طلایه بیامد بر^۳ ترجمان
پرسید کین مرد پرخاشجوی
کجا رفت خواهد همی چون نوند
به ایرانیان گفت پس ترجمان
- ۴۶۰ که این شیردل نامبردارمرد
سر ویسگانست، هومان به نام
چو دیدند ایرانیان گرز اوی^۴
همه دست نیزه گزاران^{۱۱} ز کار
همه یکسره بازگشتند ازوی
که رو پیش هومان بجنبان^{۱۴} زبان
که ما را به جنگ تو آهنگ نیست
اگر جنگ جویی^{۱۷} گشاده ست راه
- ۴۶۵ کمر بستن و^۸ خسروی^۹ بُرز اوی^{۱۰}،
فروماند^{۱۲} از فر^{۱۳} آن نامدار
سوی ترجمانش نهادند روی،
همه گفته ی^{۱۵} ما بروبر^{۱۶} بخوان،
ز گودرز دستوری جنگ نیست
سوی نامور بهلوان^{۱۷} سپاه
- ز سالار^{۱۸} گردان^{۱۹} گردنکشان
که کهتر^{۲۰} کجایند^{۲۱} و مهتر^{۲۲} کجاست
- ۴۷۰ به هومان بدادند هر یک^{۱۹} نشان،
که دارد چپ لشکر و دست راست

۱-س: فرجام کارش چه؛ ق: چه یابد فرجام؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۱ ۲-ل، ق (نیزلن، ل، پ، ل، ن، ب): جوید؛ متن = ف، س، ل، ل، س^۱ (نیزق، ل، و، آ) ۳-ق: موی ۴-ق، س^۱ (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن): آورده؛ متن = ف، ل، س، ل^۱ (نیزل، ب) ۵-س (نیزو): تیر و کمان؛ ل^۱ (نیزپ، ل، ن، آ): گرز گران؛ ل، ق (نیزق، ل، ل، ل، پ، ب): گرز و تیر و کمان؛ س^۱: گرز و تیغ گران؛ متن = ف (نیزلن) ۶-ل^۱: زی ۷-ل، ل، س، ل، ل، س^۱: او؛ متن = ف، ق ۸-ل، ل، س^۱: [و] ۹-س: قامت ۱۰-ل، ل، س، ل، ل، س^۱: او؛ متن = ف؛ ق: بگفتند خیره مبر آب روی ۱۱-ف، ل^۱ (نیزل، ب): گذاران؛ متن = ل، س^۱ (نیزلی، پ، و، آ) ۱۲-ف: مانده؛ متن = ل، ل، ل، س^۱ (نیزلی، ل، پ، و، آ، ب) ۱۳-ل^۱: هول؛ س (نیزلن، ق، ل، ن): بیست ۱۴-وق بیست های ۴۶۴-۴۶۶ را ندارند ۱۴-ل، س (نیزلن، پ، و): بترکی؛ (ق): بتوری؛ ل^۱: ترکی؛ آ: بتوران؛ متن = ف، ل، س^۱ ۱۵-ل، ل، س^۱: قصه ۱۶-ف: بدوبر؛ متن = ل، س، ل، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن، آ) ۱۷-س: جوید ۱۸-ل، ل، س^۱ (نیزلی، ل، ب): گردان و؛ س: ز گردان و سالار؛ ق (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ): ز سالار و گردان و (ل^۱: [و])؛ متن = ف، ل^۱ (نیزق) ۱۹-ل، ل، س، ق (نیزلن، ل، ب): یک یک؛ (ق): یکسر؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۲۰-ل، ل، س، ق (نیزلن، پ، ل، ن، آ): گردان؛ (ب): لشکر؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ (نیزو) ۲۱-ل، ل، ل، س^۱ (نیزلی، ب): کجایند؛ س (نیزلن، پ، ل، ن): کدام اند؛ (و): کجا است؛ متن = ف، ق (نیزق، ل، ل، آ) ۲۲-س (نیزلن، پ، ل، ن): لشکر

۱- س، ق: هیون ۲- ل، ق (نیزلی، ل، ب): دمان؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، پ، و، ل، آ) ۳- س: نوند ۴- س: اندرآمد ببند؛ ق: اندرآمد بچنگ؛ متن = ف، ل، ل، س^۱؛ س^۱ در اینجا سرنویس دارد: آمدن هومان و جنگ خواستن از ایرانیان ۵- ل: ز نزد ۶- س: ز پیش سواران چو هومان ۷- ق: همی سوی ۸- ل: سالارو ۹- س: هشیار بخت ۱۰- ق، ل، س: تویی؛ متن = ف، ل، س ۱۱- س: نگهبان و؛ درس این بیت بما بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- ل، س، ق، ل: (نیزلن - ب): باورد؛ س^۱: برآورد؛ متن = ف ۱۳- ل، س، ق، س^۱ (نیزق، ل، پ، آ، ب): سوی؛ متن = ف، ل^۱ (نیزلن، ل، و، ل، آ)؛ ل^۱ در اینجا سرنویس دارد: خواستن جنگ از گردان ایران ۱۴- ل، س (نیزق، آ): جنگاوران؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیزلسن، ل، ل، ب) ۱۵- ف (نیزلی): بدو برنورد؛ (لن، ل، پ، ل، ن: بدو درنورد)؛ متن = ل، س، ق، ل^۱ (نیزق، و، آ، ب)؛ س^۱ این بیت را ندارد ۱۶- ل، س، ق (نیزق، ل، پ، ل، ب): وگر؛ متن = ف، ل^۱ (نیزلن، و، آ) ۱۷- ف، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ق، پ، ب): جنگ؛ ل، س (نیزلی، و، ل، آ): جنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س^۱: هرآنکس که آید به پیشم بچنگ (= ۱۴۸۰ + آ ۱۴۸۱) ۱۸- ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن، ل، پ - ب): چرم؛ متن = ف، س^۱ (نیزق) ۱۹- س^۱ (نیزلی): هتیت پنداشتم؛ (ب: هتی تو پنداشتم)؛ ل، ق (نیزل، و): ازینسان (و: جز این را) که هتی پنداشتم؛ س (نیزلن، پ، ل، ن): جز آن (س: جزین) گونه هتی که پنداشتم؛ (ق: بجز زین که هتیت پنداشتم)؛ متن = ف، ل^۱ ۲۰- س، ق (نیزلن، ل، ل، ب): بدانی؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ (نیزق، ل، پ، و، آ) ۲۱- ل، س (نیزلسن، ق، پ، و، ل، ن): چون؛ متن = ف، ل، س^۱ ۲۲- ق (نیزلی، ل، آ): نبندد کمر (ق: نبیند مگر) نیز چون تو سوار ۲۳- (ق، ل، پ، و، آ، ب: وام؛ ل: دام)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیزل، آ)؛ س (نیزلن، ل، ن) این بیت را ندارند

۱۷۵ چپ لشکر و چنگ شیران توی^{۱۰} بجنبان عینان اندرین رزمگاه بدآورد^{۱۲} با من بیایدت گشت وگر تو نیایی، مگر گُستهم^{۱۱} که جوید نبردم ز گنداوران^{۱۴} هر آنکس که پیش من آید به کین اگر^{۱۶} تیغ ما را ببیند به چنگ^{۱۷}

طلایه برافکنند زی پهلوان،
سوی پهلوان آمد ایدر به جنگ^۴
بیامد بنزدیک^۷ رُهام تفت
که ای پور سالار^۸ بیدار بخت^{۱۰}،
نگهبان^{۱۱} سالار ایران توی^{۱۰}،
میان دو صف برکشیده سپاه
سوی رود خواهی و گر کوه و^{۱۳} دشت
بیاید دمان با فروهل^{۱۵} بهم
به تیغ و سنان و به گرز گران؟
زمانه برو برنورد^{۱۵} زمین
بدرد دل شیر و چنگ^{۱۸} پلنگ

چنین داد رُهام پاسخ بدوی
ز ترکان ترا بخرد انگاشتم
که تنها بدین رزمگاه آمدی
بر آتی^{۲۰} که اندر جهان تیغ دار
یکی داستان از گیان یاد کن

که ای نامورگرد پرخاشجوی،
جزین سان که هستست پنداشتم^{۱۹}
دلاور به پیش سپاه آمدی
نبندد کمر جز^{۲۱} تو دیگر سوار^{۲۲}؟
ز فام^{۲۳} خرد گردن آزاد کن

که هر کوبه جنگ اندرآمد^۱ نخست
 ازین هر^۲ که تو نام بردی به جنگ
 ولیکن چو فرمانِ سالارِ شاه
 اگر جنگ گردان^۳ بجویی^۴ همی ۴۹۰
 ز گودرز دستوری جنگ خواه
 ره بازگشتن نبایدش^۵ جست
 همه جنگ را تیر^۶ دارند^۷ چنگ
 نباشد، نسازد کسی رزمگاه^۸
 سوی پهلوان چون نبویی^۹ همی؟
 پس از ما به جنگ اندر آهنگ^{۱۰} خواه

بدو گفت هومان که خیره مگوی
 تو این نیزه را جای سندان^{۱۱} گزین

۴۹۵
 و ز آنجا به قلب سپه برگذشت^{۱۲}
 بنزد فریبرز با ترهان
 یکی برخروشید کای بدنشان
 سواران و پیلان و^{۱۳} زرینه کفش
 به ترکان سپردی به روز نبرد
 چو سالار باشی شوی^{۱۴} زبردست
 سیاوخش^{۱۵} رد را برادر توی^{۱۶} ۵۰۰
 تو باشی سزاوار کین^{۱۷} خواستن
 من از تخمهی تور توران شهم
 یکی با من اکنون بدآوردگاه^{۱۸}

دمان تا بدان^{۱۹} سوی لشکر گذشت
 بیامد بکردار پیل دمان^{۲۰}
 فروبرده گردن ز گردنکشان،
 ترا بود با کاویانی درفش
 یلانت بدایران^{۲۱} نخوانند مرد
 میان^{۲۲} بندگی را بیایدت بست^{۲۳}
 به گوهر ز سالار برتر توی^{۲۴}
 به کینه ترا^{۲۵} باید آراستن
 به گوهر مگر با تو خود هرهم^{۲۶}
 بیایدت گشتن به پیش سپاه

۱- ل، ق، ل (نیز، ل، ل، و، ل، ب): آید؛ متن = ف، س، س (نیز، آ) ۲- ل: نشایدش ۳- ل، ق (نیز، پ، آ): ازین‌ها؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز، ل، ل، و، ل، ب) ۴- س: تبیح ۵- س: کردند؛ درق این بیت پس از بیت ۴۹۱ آمده است ۶- س، ق (نیز، ل، ل، ل، ب) این بیت را ندارند ۷- س: کردند؛ ق: وگر جنگ کردن؛ متن = ف، ل، س، ل، آ ۸- س: نجوید ۹- س: نجوید ۱۰- س: آورد (پساوند ندارد)؛ درق پس از این بیت، بیت ۴۸۸ آمده است ۱۱- ل، س، ل، آ (نیز، ق، آ، ب): بدین؛ متن = ف، ق، س (نیز، ل) ۱۲- س: ما ۱۳- ل، ل، س: میدان؛ ل، ق (نیز، ل، آ، ب): رزم را جای مردان (آ: میدان)؛ س (نیز، ل، ل، ب): تو آن (س: بدین) نیزه را جای میدان؛ ق: تو این دشت را جای میدان؛ و: تو ای تیره رو جای میدان؛ متن = ف ۱۴- ل: سواران گذشت (پساوند ندارد) ۱۵- س: بران ۱۶- ل، ق (نیز، ل، آ، ب): باد دمان؛ ق: تیر از کمان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز، ل، و، ل، ب) ۱۷- ل، ف، ل (نیز، و، آ): [و]؛ س (نیز، ل، ل، و، آ): سرافراز سالار؛ (لن: سرافراز سالار و؛ ق: سواران و مردان)؛ متن = ل، ق، س (نیز، ل، ل، ب) ۱۸- ل، س، ق (نیز، ل، ل، ل، ل، آ، ب): بایران؛ ل: بدانرا (ب: بدایران)؛ س: ز ایران (و: بتوران)؛ متن = ف ۱۹- ف: سوی (ب: شوی)؛ س (نیز، ل، ب): شدی؛ ق: بوی؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز، ل، و، آ) ۲۰- ل، س (نیز، ل، ل، ب): کمر؛ ق: بدین؛ متن = ف، ل، س (نیز، ل، و، آ، ب) ۲۱- ق: بیایدت بست ۲۲- ل، س، ق (نیز، ل، ل، و، ب) ۲۳- س، ق، ل، س: تویی؛ متن = ف، ل ۲۴- س: خون ۲۵- ل: بکین دل ۲۶- ل، ق (نیز، ل، ب) این بیت را ندارند ۲۷- ل، ل، آ، س (نیز، ل، ل، و، ل، آ): باوردگاه؛ ق: بدین رزمگاه؛ متن = ف؛ س: بیت‌های ۵۰۳-۵۰۵ و ق (نیز، ل، ب) بیت‌های ۵۰۳ و ۵۰۴ را ندارند

<p>که^۱ پیش من اندرگذاری^۲ تو گام زواره، گرازه نگر^۳ تا کجاست که باشد از^۴ ایرانیان نامدار</p> <p>که با شیرِ درنده کینه مساز^۵! یکی شاد و پیروز و دیگر به درد^۶ که یکسان نگردد سپهر بلند بدان داد پیلان و لشکر که خواست کسی کو کلاه مِهی^۷ برنهاد، سپهدار گودرزِ کشواد کرد پدر بر پدر نیو و سالار^۸ شاه سراید^۹ به سالارتان بر زمان بدو بازگردد همه^{۱۰} نام و ننگ دلم را پُر از داغ^{۱۱} درمان دهد^{۱۲} بشوم که پای^{۱۳} اندرآرم به جنگ^{۱۴}</p> <p>به گفتار بینم ترا دسترس گیا بُر^{۱۵} که از جنگ خود رسته‌یی</p>	<p>به خورشید تابان برآیدت نام اگر^۱ تو نیایی به جنگم رواست کسی را ز گردان به پیش من آر</p> <p>چنین داد پاسخ فریرز باز چنینست فرجام روز نبرد^۲ به پیروزی اندر بترس از گزند درفش ار ز من شاه بستد رواست به کین گیان از پس^۳ کیقباد کمر بست تا گیتی آباد کرد، همیشه به پیش گیان^۴ کینه خواه و دیگر که از^۵ گرز او بی گمان سپه را بدویست فرجام^۶ جنگ اگر با توام جنگ^۷ فرمان دهد بینی که من سر چگونه ز ننگ</p> <p>چنین داد پاسخ^۸ هومان که بس^۹ بدین تیغ کاندر کمر^{۱۰} بسته‌یی</p>
---	---

۱- ل، آ، س^۱ (نیز لسن، ل، پ، لسن، آ): چو؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ) ۲- ل (نیز لسن، ق، آ، پ، لسن، آ): گزاری ۳- ل: وگر ۴- ق: بگو ۵- ل، ق، ل، آ، س: زا؛ متن = ف، س ۶- ف، ل، آ: درنده کینه ساز(؟)؛ س: آ: درنده را کینه ساز(!)؛ س (نیز ق، ل، آ): که ای شیر درنده رزمساز (ق، آ: کینه ساز)؛ متن = ل، ق (نیز ل، ل، پ، و، ل، ب) ۷- ل: بلند(!) ۸- ل: نژند؛ در ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل، ل، و، ب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۹- س: از گه؛ (لن، پ، ل، آ: از سر؛ و: از پی)؛ ل، ق (نیز ل، ب): بکین سیاوش پس از؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، آ) ۱۰- س: کیسی ۱۱- س (نیز ل، پ، ل، آ): سپه؛ س: پدر؛ ق (نیز ل، آ): همو پیش گردان همو؛ متن = ف، ل، ل، آ (نیز ق، ل، و، آ) ۱۲- س: سالار و ۱۳- ف، ل، آ: آن (از)؛ متن = ل، س، س^۱ (نیز ل، ل، ب) ۱۴- س: آمد؛ ل، آ، س: آرد؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، ب)؛ ق (نیز آ) این بیت را ندارند ۱۵- ل، س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ): فرمان؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیز ق، و) ۱۶- ق: همی؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۷- س: با، تومان رزم ۱۸- ل (نیز ل، ل، آ): دلم پر ز دردست؛ س (نیز ل، پ، ل، آ): دلی را پر از (س: بر آن) داغ؛ ل، آ، س^۱ (نیز و): دلم را بدین (س: بدان) داغ (و: درد)؛ متن = ف ۱۹- ق: سرآید بسالارتان بر دهد (= ۵۱۴ ب + ۵۱۶ ب) ۲۰- ل، ق (نیز ق، ل، آ): برآرم چوپای (ل، ق: پا)؛ متن ← ۲۱- س (نیز ل، پ، ل، آ): بگردون برآرم بمیدان جنگ؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۲۲- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ): پاسخش داد؛ س (نیز ل، پ، ل، آ): پاسخ آورد؛ (ل: داد پاسخ به)؛ متن = ف، س^۱ (نیز ب) ۲۳- ل: داد پاسخ بدو گفت بس ۲۴- ل، س (نیز ل، پ، ل، آ): میان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، آ، و، ب) ۲۵- س: همانا؛ ل، آ، س^۱ (نیز ل، و): گمانم؛ (ل، پ، ل، آ): که مانی → گمانی؛ ق: که یابی؛ آ: گمانی؛ متن = ف، ل، ق

- ۵۲۰ بدین گرز با چوب کن^۱ کارزار که بر ترگ و جوشن نیاید به کار
- ۵۲۵ وُزآجا بدین خیرگی بازگشت کمر بسته ی کین آزادگان بیامد، یکی بانگ برزد بلند شنیدم همه هر چه^۴ گفتی به شاه همه هدیه ی شاه و^۶ پیمان تو فرستاده کامد^۸ به توران سپاه وُزان پس که سوگند خوردی به شاه^۹ که گر چشم من درگه کارزار چو شیر ژیان لشکر آراستی کون از پس کوه چون مستمند^{۵۳۰} چنانی که نخچیر از شرزه^{۱۴} شیر گزیند به بیشه ندرون^{۱۶} جای^{۱۷} تنگ یکی لشکرت را به هامون گذار چُنین بود^{۲۱} پیمانت با شهریار
- ۵۳۵ بدو گفت گودرز کاندیشه کن که باشد سزا^{۲۲} با تو گفتن^{۲۳} سخن

۱- ل، ق: جویی همی؛ س^۱ (نیز ق، ل، ن)؛ ناخوب کن؛ (ل)؛ چوپین کنی؛ ل^۲: گویی همی؛ آ: با خرس کن؛ ب: جویی همه؛ متن = ف، س، ل^۳ (نیز لن، پ) ۲- ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ تو؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن) ۳- ف: بُرمش (= پرمش)؛ ل^۴: پرهز؛ (ل، آ، پ، و، لن، ب: پرمش)؛ متن = ل، ق، س، س^۱ (نیز لن، ق، آ، ل، آ) ۴- ل، س، ق: هرچ ۵- ق: سپه را کشیدن؛ ل^۵: سپه را کشیدی ۶- (و، آ، ب: [و])؛ ل: چنین بود با شاه؛ س، ق (نیز لن، ل، آ، پ، لن)؛ همان هدیه شاه و (ل: [و])؛ متن = ف، ل، س^۱ ۷- ل (نیز و): [و]؛ س (نیز لن، پ، لن)؛ پیمان سالار و (پ، لن)؛ [و]؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ل، آ، ب) ۸- س: آمد ۹- ل، س (نیز لن، ل، آ): ماه؛ ق: بگناه؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ب) ۱۰- س (نیز لن، پ): بخورشید و تخت و به تاج و کلاه؛ (لن)؛ بخورشید و تاج و به تخت و کلاه؛ آ: به تاج و به تخت و بخورشید و گناه؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ، و) ۱۱- ل، آ، س^۱: برافتد به پیران ۱۲- ل: همه ۱۳- ل: بارزوی ۱۴- ل: کز شرزه؛ ل: بکردار نخچیر کز شرزه؛ س (نیز لن، پ، لن، ب): چنان همچو نخچیر کز (ب: از) نزه (لن، لن)؛ شرزه؛ (ق)؛ چنان هم که نخچیر از بیم؛ و: چنانی چو نخچیر کز شرزه؛ آ: چنان چون که نخچیر از نزه؛ متن = ف، ق، س^۱ ۱۵- ق: شیرش ۱۶- ف، ل^۱ (نیز ل، و): به بیشه درون؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب): گزیدی به بیشه درون؛ س: که ربد زمین را کنی (!)؛ س^۱: گزیده به بیش (بیشه) اندرون؛ (لن، پ، لن)؛ کرو (لن)؛ گراو) بیندش بیش را (!)؛ متن = (ق)؛ به بیشه اندرون (س)؛ بیت ۵۳۹؛ ضحاک، بیت ۱۰) ۱۷- ل: حسک (?) ۱۸- ق: نجویی ۱۹- س: نجوید همان جای بی (!) ۲۰- س: سپه از ۲۱- ف (نیز لن، ق، آ، پ، لن)؛ جزین بود (?)؛ ق (نیز ل، آ، ب): چنین است؛ (آ: نه این بود)؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیز ل، و) ۲۲- س: مرا؛ متن ← ۲۳- س: سزاوار با تو؛ ق: زبخرد چنین خام باشد؛ متن = ف، ل، ل^۱ (نیز لن - ب)

چو پاسخ نیابی کنون^۱ زانجمن
تو بشناس کز شاه فرمان من
کنون آمدم با سپاهی^۲ گران
شها هم بکردارِ روباهِ پیر
همی^۳ چاره سازید و دستان و بند
دلیری مکن، جنگ ما را نخواه!
۵۴۰

چو هومان ز گودرز پاسخ شنید
به گودرز گفت: ار نیابی^۴ به جنگ
کز آن^۵ پس که جنگ پشَن دیده‌یی
به لاون^۶ به جنگ آزمودی مرا
۵۴۵
وَر^۷ ایدونک هست اینک^۸ گویی^۹ همی
یکی برگزین از میان سپاه
که من با^{۱۰} فریبرز و زهام جنگ
بگشتم سراسر همه انجمن
۵۵۰
به گودرز بُد پند و پیگارشان^{۱۱}
تو آئی که گویی به روز نبرد

به بی‌دانشی برنهی این به من^۱
همین بود و^۲ سوگند و پیمان من
از ه ایران گزیده دلاور^۳ سران
به بیشه^۴ ندر^۵ از بیم^۶ نخچیرگیر
گریزان ز گرز و سِنان^۷ و کمند
که دل‌خسته‌ی^۸ شیر ناید به راه^۹
۱۲

چو شیر اندر آن رزمگه بردمید
تو با من، نه زآنست کایدت^{۱۰} ننگ،
سر از رزم ترکان بیچیده‌یی
به آوردگه بر ستودی^{۱۱} مرا
وُزین گفته^{۱۲} کردار جویی^{۱۳} همی،
که با من بگردد به آوردگاه
بجُستم بسان دلاور^{۱۴} ننگ^{۱۵}
نیامد ز گردان کسی^{۱۶} پیش من
شنیدن^{۱۷} نه ارزید^{۱۸} گفتارشان
به خنجر کم لاله بر کوه زرد

۱- ق: چوتنها کنون آمدی ۲- س، ل، آ، س: آن بمن؛ ق: نام من؛ (لن: آن زمن؛ پ: این زمن؛ لن: آن من)؛ ل: برنهد آن بمن؛ (ق: برنهد این بمن؛ ل: این نهی بر بمن؛ آ: برنهم بر تو من؛ ب: کسی نهم بر تو من)؛ متن = ف (نیز ل، و) ۳- ل، ق، س: (نیز لن، ق، ل، آ، ب): [و]؛ س (نیز ل): همان بود؛ ل: همی بود؛ (لن: چنین بود)؛ متن = ف (نیز پ) ۴- ف (نیز پ، لن): سپاه؛ متن = ل- س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۵- ق، ل، آ، س: ز؛ متن = ف، ل، س ۶- ل: فراوان؛ ق: توران دلاور گزیده ۷- ل- س: (نیز لن، ل- ب): به بیشه در؛ متن = ف (نیز ق): به بیشه اندر ۸- ق: آید ۹- س: همان ۱۰- ق: ز تیغ وز گرز ۱۱- ل، ق: (نیز ق، ل، آ، ب): که روباه با؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ل، آ، پ، لن) ۱۲- ل: بگاه ۱۳- ف: نیازی (؟)؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۴- ق: (نیز ل، ل، ب): نه آنست کایدت؛ س: بر آنست کایدت؛ س (نیز لن، پ، لن): نه زانست با من که داری تو؛ (ق: تو با من که آید ترا نیز)؛ متن = ف، ل، ل، آ (نیز و، آ) ۱۵- ل، س، ق: (نیز لن، ق، و، لن، آ): از آن؛ (ل، آ، ب: وزان)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ل، ب) ۱۶- س: باول (ح- بلاون) ۱۷- ل- س: (نیز ل، ل، و، آ، ب): بودی؛ (لن، پ، لن): در ستودی؛ متن = ف (نیز ق)؛ در ل: لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۸- ل: ار؛ (ب: گر) ۱۹- س، ق، ل: این که؛ س: آنک؛ متن = ف، ل ۲۰- ق: گفتی ۲۱- ل، س: کینه؛ ق: (نیز ب): کرده؛ متن = ف، ل: (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۲۲- ق: (نیز ل، ب): گفتار جویی (ق: جستی)؛ (ق: کردار جویم)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: (نیز ل، و، آ)؛ س (نیز لن، پ، لن): باوردگه هم بجویی ۲۳- ل، ق: (نیز ل، ل، آ): از؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، و، لن) ۲۴- ل: (نیز ق): پلنگ؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ل- ب) ۲۵- س: یکی ۲۶- ف، ل، س، ل: (نیز لن، ل، آ، لن، آ): بند و بیکارشان؛ ق: (نیز ل، ب، ب): بند بیکارشان؛ س: بند و پیوندشان؛ (و: بند بیکاره‌شان) ۲۷- س: شنیده ۲۸- س، ق: (نیز ل، ل، و، آ، ب): نیرزید؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: (نیز لن، پ، لن)

یکی با من اکنون^۱ برین^۲ کینه‌گاه^۳
 فراوان پسر داری و^۴ نامور
 یکی را به پیش من آور^۵ به جنگ
 بگرد و به گرز گران کینه خواه
 همه بسته بر جنگ ما بر کمر
 اگر جنگ جویی، چه جویی درنگ؟

۵۵۵ پس اندیشه کرد اندر آن پهلوان
 گر از^۷ نامداران هزبری^۸ دمان
 شود کشته هومان برین^{۱۰} کینه‌گاه^{۱۱}،
 دل پهلوانان بیچد^{۱۳} ز^{۱۴} درد
 سپاهش به کوه گنابد^{۱۶} شود
 ۵۶۰ و^{۱۷} از نامداران این انجمن
 شکسته شود دل گوان را به جنگ
 همان به که با او^{۲۲} نسازیم کین
 مگر خیره^{۲۳} گردد، بجویند^{۲۴} جنگ

چنین داد پاسخ به هومان که رو^{۲۶}
 ۵۶۵ چو در پیش من برگشادی زبان
 به گفتار تندی و در کار نو
 بدانستم از آشکار و^{۲۷} نهان،

۱- س: آیی ۲۰- ل- س: (نیز لن- ب): بدین؛ متن = ف ۳- ل (نیز ق: پ): رزمگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هفت
 دستنویس دیگر) ۴- ل، ق (نیز لن- ب، لن، آ، ب): ای؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز و) ۵- ل (نیز ق:): فرستی بر من؛ متن =
 ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ل- ب) ۶- ق: که آرم بجنگ از؛ (لن، ب، لن): که آید کسی از؛ گرانید برزم از؛ ل، ب: که دارد
 بجنگ از؛ ل: که آرد بجنگ از؛ س: که پیش من آید کسی از؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز و، آ) ۷- ف: کزان (ج- گزان)؛ ق (نیز ل،
 ل، لن، ب): که از؛ متن = ل، س، ل، س: (نیز لن، ق، آ، ب، و، آ) ۸- (ل: هزبری؛ ب: هزبر) ۹- ل: آن ۱۰- س، ق،
 ل، س: (نیز لن- ب): بدین؛ متن = ف، ل ۱۱- ل (نیز ل، آ، ب، و): رزمگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ق، ل، لن، آ،
 ب) ۱۲- ل: یکی ۱۳- ل (نیز لن، ب، لن، آ): پهلوانش بیچد؛ ق: پهلوانانش بیچد؛ (و: پهلوان را بیچد)؛ متن = ف، ل، س: (نیز
 ق: ل، ل) ۱۴- ل، ق: به؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن- آ) ۱۵- ل، ق (نیز ق:): از آن؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، ل، ل، ل-
 آ)؛ س بیت‌های ۵۵۸-۵۶۱ را ندارد ۱۶- ل: کیابد؛ س: (نیز و): کیابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (ق: کیابد؛ ل: کرابد)؛ متن =
 ف، ل (نیز لن، ل، ب، آ، ب)؛ ق بیت‌های ۵۵۹-۵۶۳ را ندارد ۱۷- ف (نیز ل، آ، ب): کزان (ج- گزان)؛ متن = ل، ل، س: (نیز ق،
 ل، و) ۱۸- ل (نیز ل، ل، آ، ب): یکی؛ متن = ف، ل، س: (نیز ق، و) ۱۹- ل، س: نیبازند ۲۰- ل: زان ۲۱-
 ل: بجایی درنگ؛ ل: بهر کار جنگ؛ س: بهنگام جنگ؛ (لن: بهامون درنگ؛ و: بهر کار ننگ)؛ متن = ف (نیز ق، ل، ل، آ،
 ب) ۲۲- ف، ل، س: (نیز آ، ب): وی؛ متن = ل، س (نیز لن- ب، لن، آ) ۲۳- (لن: چیره) ۲۴- ل (نیز ل): کردند جویند؛
 س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب): کردند و جویند؛ ل، س: کردند و سازند؛ متن = ف ۲۵- س (نیز ب): ازین؛ ل، ل، س: (نیز لن،
 ل، لن، ب): اندر آرد ازین (ل: زان؛ ل، ب: از آن)؛ (ل: اندر آید زان؛ آ: اندر آید از آن؛ ق: بدشت اندر آید از آن)؛ متن = ف؛ بنداری
 (۵۵۵-۵۶۳): فقال جودرزی نفسه: لو أمرت أحدا بمبارزته لم يخل من أحد أمرين: إما أن يقتل هومان فيضع قلبه بيران فيتأخر من مكانه و
 يتحصن بالجبل فيصعب علينا عند ذلك قتاله و يطول بنا الأمر، أو يقتله هومان فيكسر بذلك قلوب عسكرنا ۲۶- ف: هومان گو؛ متن = ل-
 س: (نیز لن- ب) ۲۷- ل (نیز ق:): آشکارت؛ س، ق (نیز لن، ل- ب): بدانستم (آ: ندانستم) آشکار و؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، ل- ب)

که کس را ز ترکان نباشد خرد
ندانی که شیر ژیان روز جنگ
وُدیگر دو لشکر چُنین ساخته
به کینه دو تن پیش سازند^۲ جنگ
سپه را همه پیش باید شدن^۳ ۵۷۰
تو اکنون سُوی^۴ لشکرت باز شو
کز ایرانیان چند جُسم نبرد
بدان^۵ رزمگه برشود نام تو

بدو گفت هومان به بانگ بلند
یکی داستان زد^۶ جهاندارشاه ۵۷۵
که تخت کسان^۷ جُست خواهی، مجوی!
ترا آرزو^۸ جنگ^۹ و پیگار نیست
نداری از^{۱۰} ایران^{۱۱} یکی شیرمرد
به چاره همی بازگردانیم
همه نامداران پَرخاشجوی ۵۸۰
که^{۱۲} از ما یکی را بدآوردگاه^{۱۳}
چُنین گفت گودرز کامروز^{۱۴} روی

چو هومان ز گفتار برگشت سیر^{۱۵}
برآشت برسان شیرِ دلیر

۱-س: بکین تاخته ۲-س (نیزلن): مازند (حرف یکم نقطه ندارد): (پ: تازند؛ لن: تازد بد) ۳-س: شاید بدن ۴-ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب، پ): بانبوه؛ متن = ف ۵-ق: بر ۶-ق: شو (پساوند ندارد) ۷-س: بران؛ ل: در آن ۸-ق (نیزلن، ل، پ، لن، ب): گفتار؛ ل (نیزق): که بی کردن کافر گفتار؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلی، و، آ) ۹-ف، ل: [زد]؛ س: از؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، ب) ۱۰-س (نیزلن): آوریدم بدین؛ ق، ل، س (نیزل، ب): آوریم اندرین؛ (لن، پ: آوریدم درین؛ لی، و: آورم من بدین): متن = ف، ل (نیزق، آ) ۱۱-ل، ق (نیزل): کینه گاه؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب) ۱۲-ل، س، ق، س (نیزلی، ل، پ، و، آ، ب): کیان (کسان؟): متن = ف، ل (نیزلن، ق، ل، لن): کسان (کیان؟) ۱۳-س (نیزلن، پ، لن، ب): وگرنه؛ س: چو جستی ۱۴-ف، ق، ل: از؛ متن = ل، س، س، س ۱۵-س: مبرآب روی ۱۶-ل: آرزوی ۱۷-ل: ترا از جنگست (!) ۱۸-ل، س، ق (نیزلن، لی، ل، ب، لن، آ): وگرنه؛ متن = ف، ل، س (نیزق، و) ۱۹-ف: بر (= پیر): (و: جز): متن = ل، س (نیزلن، پ، لن، آ، ب) ۲۰-ل، ل، ل: از؛ متن = ف، س، ق، س ۲۱-س: لشکر ۲۲-ل (نیزب): اگر دانیم؛ (ق: فریب از تو تا دانسیم): متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، لی، آ) ۲۳-س، س: کاین نیست؛ ل: کانیست؛ متن = ف، ل، ق ۲۴-س: گر ۲۵-ل، س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): باورد گاه؛ متن = ف ۲۶-ق: این ۲۷-ل: چنن داد پاسخ که امروز؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، پ، لن، آ، ب) ۲۸-س: پیش او جنگجوی ۲۹-ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب): ز گودرز برگشت چیر؛ ل: ز بر کار برگشت سیر: (و: ز گفتار برگشت سیر): متن = ف، س، س (نیزلن، ق، ل، پ، لن)

برآمد ^۲ ، ز گردنکشان کینه خواست	ز ^۱ هر سوچپ لشکر و دست راست
برآن ^۳ دیزه‌ی پیلتن روز کین ^۴ سبک تنگ برآخت ^۵ شبرنگ را سَخُن گفت با او ^۶ ز بهر نیا بگفتم ترا من ^۷ همه در بدر، به آیین ^۸ نینی که دیگر ^۹ شده‌ست؟ ز تیمار و ز درد چندان پسر ^{۱۰} ، همه رزمگه سربسر گشته بود ^{۱۱} میان دلیران بکردار شیر، همی برخروشید برسان ^{۱۲} مست سُواری نبود از درِ کارزار، چو بر باب‌زن مرغ بر ساختی ^{۱۳} دو کتفم ^{۱۴} به درع سیاوش بپوش کنم، تا برآرم ^{۱۵} ز مردیش گرد	بفرمود تا بر نهادند زین پوشید رومی زره ^{۱۶} جنگ را به پیش پدر شد پُر از کیمیا چُنین گفت مر گیو را کای ^{۱۷} پدر که گودرز را هوش کمتر شده‌ست دلش پُر نهیبست و پُر خون جگر که از تن سرانشان جدا گشته بود ^{۱۸} نشان آنک ^{۱۹} ترکی بیامد ^{۲۰} دلیر به پیش نیا رفت نیزه به دست چُنان ^{۲۱} بُد کزین لشکر نامدار که او را ^{۲۲} به نیزه برافراختی تو ای باب با مهر و بسیار ^{۲۳} هوش نشاید جزاز ^{۲۴} من که با او ^{۲۵} نبرد
به گفتار من سربسر ^{۲۶} گوش دار! ز گودرز بر بد ^{۲۷} مگردان سَخُن	بدو گفت گیو: ای پسر هوش دار! ترا گفته بودم که تیزی ^{۲۸} مکن

۱- ق: به ۲- س، ق (نیزلن، لی-ب): بیامد؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزق^۲)؛ ل این بیت را ندارد ۳- س، ق: بدان ۴- (آ: همچنین)؛ ل: پیل تن دیزه دوربین؛ (لن، پ، ل، ن: باره پیلتن روز کین؛ ب: دیزه پیلگون روز کین)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیزق^۲، لی، ل، ل، و، لغت شهنامه، شماره ۱۰۴۵) ۵- ف، س: رزه ۶- س^۲ (نیزلی، و، آ): بریست؛ ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، ب): یکی تنگ بریست؛ متن = ف، ل، ل ۷- ف، ل، س^۲: وی؛ متن = ل، س، ق (نیزلن-ب) ۸- ق: ای ۹- س (نیزق^۲، لی، پ، آ): این؛ (لن، لن: آن)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۲ (نیزل^۲، و، ب) ۱۰- (ق: همیدون) ۱۱- ق: بدتر ۱۲- دل، س^۲ لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۳- ق: کرده‌اند؛ (لن، ق، آ، پ: شد؛ لن: است)؛ ل (نیزلی، آ): جدا کرده دید؛ س: جدا کرده شد؛ متن ← ۱۴- س (نیزلن، ق، آ، پ): شد؛ (لن: است)؛ ل، ق (نیزلی، آ): بدان (لی، آ: بدین) رزمگه جمله افکنده دید (ق: افکنده‌اند)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزو) ۱۵- ل: آنکه ۱۶- ف: امروز ترکی؛ متن = ل-س^۲ (نیزلن-ب) ۱۷- س، ق (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): چون پیل؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن) ۱۸- س^۲: چنین ۱۹- ق: که با او ۲۰- ل: بنداختی؛ س^۲: برتاختی (جبرساختی) ۲۱- ف: هشیار(!)؛ ل، س^۲: [و] بسیار؛ ل، س، ق (نیزلن-ب، لن، آ، ب): توای (لی: تویی) مهربان باب (ب: گیو) بسیار؛ متن = ف پس از تصحیح هشیار به بسیار و یا = ل، س^۲ پس از افزودن حرف و ۲۲- (آ: کفتم) ۲۳- ق: بجز ۲۴- ل، س^۲ (نیزلی، آ): وی؛ ل: که سازم؛ (ل: آبا او)؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، پ، و، لن، ب) ۲۵- ل: بدان تا برآرم؛ س (نیزق^۲): کند تا برآرد؛ (پ، و: کند تا برآرم)؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیزلن، لی، ل، لن، آ، ب) ۲۶- ل: ای پسر ۲۷- ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب): تنیدی؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن) ۲۸- ق: برتر

- ۶۱۵ که او کار دیده‌ست و داناترست
سواران جنگیش^۲ پیش اندرند
نفرمود با او^۱ کسی را نبرد
که گردن برینسان^۵ برافراختی
نیم من بدین کار همداستان
- ۶۲۰ بدو گفت بیژن که گر کام من
شوم پیش سالار بسته‌کمر
- ۶۲۵ وُرآنجا بزد اسپ و برگاشت روی
ستایش‌کنان پیش او شد به درد
که ای پهلوان جهاندارشاه
شگفتی همی‌ینم از تو یکی
کزین رزمگه بوستان ساختی
به هشتم^{۱۱} فراز آمد این روزگار
که خورشید شمشیر گردان ندید
شگفتی‌تر آن کز^{۱۳} میان سپاه
بیامد که یزدان نیکی‌دهش
بیاوردش از پیش توران‌سپاه
به دام آمده‌گرگ^{۱۵}، برگاشتی^{۱۶}
- برین^۱ لشکر نامور مهترست
همه کینه‌ی پیل را درخورند^۲
جوانی مگر مر ترا خیره کرد،
بدین آرزو پیش من تاختی؟
مزن نیز پیشم چنین^۶ داستان
- نجویی، نخواهی مگر^۷ نام من،
زمن دست بر جنگ هومان به بر
- بنزدیک گودرز شد پوی‌پوی^۸
همین^۹ داستان سرسرا^۱ یاد کرد،
شناسای هر کار و زیبای گاه،
وگر چند هستم به هوش اندکی،
دل از کین ترکان برداختی
شب و روز آسایش آموزگار
نه گردی به روی هوا بردمید^{۱۲}
یکی ترک بدبخت گم کرده راه،
همی بد سیگالید با بدگنیش^{۱۴}،
بدان تا به دست تو گردد تباہ،
ندام کزین بد^{۱۷} چه پنداشتی

۱- ل، س، ق (نیز لن، لی، ل، پ، لن، ب): بدین؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، و) ۲- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب): جنگی به؛ س (نیز لن، ب، لن): جنگش به؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، و) ۳- ل، ق (نیز ق، لی، آ، ب): که بر (لی، آ، ب): در) کینه‌گه (ق): کینه؛ لی، آ: رزمگه) پیل را بشکرند (ق، ق، آ، ب: درخورند)؛ (ل): که با پیل جنگی همی درخورند)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ب، و، لن) ۴- ف، ل، س، آ: وی؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ب) ۵- ل، س (نیز لن، لی، ب، و، آ، ب): بدینسان؛ ق (نیز ل): از ایشان؛ ل: برایشان؛ متن = ف، س (نیز ق، لن) ۶- (ب، لن): ازین؛ ب: بدین؛ لن: پیش من (آن)؛ س (نیز ق): مزن پیش من بر (ق): این) چنین؛ ق (نیز ل): وزین بیش (ل): پیشم مزن؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز لی، و، آ) ۷- س: همی ۸- ق: بنهاد روی (پساوند ندارد) ۹- ق: همه ۱۰- س، ل، س (نیز و): یک بیک؛ (ل، آ، ب: پیش او)؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ق، لی، ب، لن، آ) ۱۱- ف، ل، س (نیز لی، و، آ): بهفتم؛ (ب: چنینم)؛ متن = س (نیز ق): ل، ق (نیز لن، ل، آ، ب) این بیت را ندارند (بیت ۳۶۵ و ۴۰۷) ۱۲- ل، ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند (بیت ۳۶۶) ۱۳- ل، ل، آ، س (نیز لن، ل): آنک از؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، ب، و، لن) ۱۴- ل (نیز لن، ب، لن): بدنتش؛ ل، س (نیز ق): بر (ق): ابا) بدگنیش؛ س: سگالیده بد برتنش؛ متن = ف (نیز لی، ل، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- (ق، لی، آ: گور) ۱۶- س (نیز لن، ب، لن): بگداشتی؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ق، لی، ل، آ، و، ب) ۱۷- ل: خود؛ ل، س (نیز و): در؛ (ل، ب: بر)؛ متن = ف، س، ق (نیز لی، ل، و، آ)

بر آئی^۱ که گر خون او بی‌درنگ
 میندار^۲! کو کینه بیش آورد
 من اینک به خون چنگ را شسته‌ام
 چو دستور باشد مرا پهلوان
 ۶۳۵
 بفرماید اکنون سپهبد به^۶ گویو
 دهد مرما ترگ^۱ و رومی زره

چو بشنید گودرز گفتار اوی^{۱۲}
 ز شادی برو آفرین کرد سخت
 تو تا برنشستی به زین پلنگ
 ۶۴۰
 به هر کارزار اندر آیی دلیر
 نگه کن که با او بدآوردگاه^{۱۷}
 که هومان یکی بدگنش ریمنست
 جوانی و ناگشته بر سر سپهر
 ۶۴۵
 بمان تا یکی رزم دیده هیزبر
 برو تیرباران کند چون تگرگ

بدو گفت بیژن که ای پهلوان
 مرا گر ندیدی به رزم^{۲۴} فرود
 به جنگ پشن برنوشتم زمین

هنرمند باشد^{۲۳} دلیر و جوان
 ز سر باز باید کنون آزمود
 نبیند کسی پشت من روز کین^{۲۵}

۱- ل (نیز پ): تودانی؛ س، ق (نیز لن، ق، ل، ن، ب): ندانی؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، ل، و، آ) ۲- س (نیز لن، پ، ل، ن): میندیش؛
 ق (سپهدار)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ل، و، آ، ب) ۳- ل، ل، س: برین؛ س: بدان؛ متن = ف، ق (نیز لن، ق، ل، پ، ل، ن، آ، ب)
 ۴- ق این بیت را ندارد ۵- ف: هزبری دوان؛ (لن، ل): هزبر ژیان؛ ل: هزبر ژیان؛ ب: هزبر دمان؛ متن = ل، س (نیز
 ق، ل، پ، و، آ) ۶- ق: سپهدار ۷- س، س: سلاح ۸- ل، ق (نیز لن، ل، ن): سیاوش؛ (ل، پ: سیاوش)؛ متن =
 ف، س، ل، س (نیز ق، و، آ، ب) ۹- ل (نیز ق): خود؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل، ب) ۱۰- ف، س (نیز ل):
 زره ۱۱- س (نیز لن، پ، ل، ن): زبندش گشاید یکایک ۱۲- ل، س، ل: او ۱۳- ق: بیدار ۱۴- ق (نیز ل):
 مبراد ۱۵- در همه دستویس‌ها: جنگ (یا: جنگ)؛ ق (نیز ل، ب) بیت‌های ۶۴۰ و ۶۴۱ را ندارند ۱۶- س (نیز لن، پ، ل، ن):
 کار ۱۷- ل، س (نیز لن، ب): باورد گاه؛ متن = ف ۱۸- ل: ز؛ س: رو؛ (و: تو)؛ ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، ل، ن، آ): توانی
 شدن زانپس؛ ق (نیز ل، ب): توانی تو با او پس؛ متن = ف (ل، س، و) ۱۹- ل: باورد جنگ او چواهرمنت؛ س (نیز پ، ل، ن):
 بدان یعنی خویش اهرمنت؛ ق (نیز ل، ل، آ، ب): باورد چون (ق: باورد گه) کوه در جوشنت؛ (ق: باورد چون پیل و از آهنست؛ و:
 باورد گه همچو اهرمنت)؛ متن = ف، ل، س: یک (در؟؛ بیت ۷۱۷) ۲۰- ل: دل (!) ۲۱- ل، ق (نیز لن، پ، ل، ن، آ):
 بکردار؛ (و: ابرسان)؛ متن = ف، س، ل، س: ۲۲- س (نیز لن، پ، ل، ن): بدوزد به پیکان ورا یال و ترگ؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز
 ل، ل، و، آ، ب) ۲۳- ل: باش و ۲۴- ق: جنگ ۲۵- ق این بیت را ندارد

۶۵۰ مرا زندگانی نه اندر خورست
وگر بازداری مرا زین سخن
بنام من از پهلوان پیش شاه
گر از دیگرانم هنر کمترست^۱
بدان^۲ روی کاهنگ^۳ هومان مکن،
نخواهم کمر زآن^۴ سپس با^۵ کلاه

۶۵۵ بخندید گودرز ازو^۶ شاد شد
بدو گفت: نیک اختر و بخت گیو
وژان روز فرخ مرا یاد باد
تو تا چنگ را باز کردی به چنگ^۸
ترا دادم این رزم هومان کنون
به نام جهاندار یزدان ما
که این^{۱۴} آهرمن را به دست تو هوش
بگویم کنون گیو را کان زره
۶۶۰ ار^{۱۵} ایدونک^{۱۶} پیروز باشی براوی^{۱۷}
ز فرهاد^{۱۸} و گیوت برآرم به جاه^{۱۹}
بسان یکی سرو آزاد شد
که فرزند بیندهمی چون تو نیو
که از مادر پاک بیژن بزاد^۷
فراز آمد^۱ از^۱ جنگ چنگ^{۱۱} پلنگ
مگر بخت نیکت بود^{۱۲} رهنمون
به پیروزی شاه و گردان ما^{۱۳}،
برآید به فرمان یزدان، بکوش!
که بیژن همی خواهد او را بده
ترا بیشتر نزد من آب روی
به گنج و سپاه و به تخت و کلاه

۶۶۵ بگفت این سخن با نیره نیا
پیاده شد از اسپ و روی زمین
بخواند آن زمان گیو را پهلوان
وژان خسروانی زره^{۲۳} یاد کرد
چنین داد پاسخ پدر را پسر
مرا هوش و جان و جهان این یکیست
بدو گفت گودرز کای مهربان
نیره پُر از بند و پُر کیمیا،
ببوسید و بر باب کرد آفرین
سخن گفت^{۲۰} با او^{۲۱} ز بهر جوان^{۲۲}
کجا خواست بیژن ز بهر نبرد
که ای پهلوان جهان سربسر،
به چشم چنین جان او خوار نیست
جزین برد باید بروبر^{۲۴} گمان

۱- ف، ل؛ دیگران هم دیگرست (ل: کمترست)؛ متن = ل، س، ق، س؛ (نیز لن - ب) ۲- س؛ بران ۳- ق: که آهنگ آورد؛
س این بیت را ندارد ۴- س (نیز لن، پ، و، لن)؛ زین ۵- ل (نیز لی، ل، آ)؛ نه؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ (نیز لن، ق، ل، ی، پ،
و، لن، ب) ۶- ل: وزو؛ س: از آن؛ ل، س؛ وزان؛ متن = ف ۷- ل، ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند ۸- ق: جنگ را
باز کردی دو چنگ ۹- ل (نیز لی، آ): فروماند؛ متن = ف، ق، ل، س؛ (نیز ل، و، ب) ۱۰- ل: ان (ج-از) ۱۱- س؛
جنگی؛ س (نیز لن، ق، پ، لن) این بیت را ندارند ۱۲- ق: شود ۱۳- ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند؛ در ل این بیت با بیت
سپین پس و پیش شده است ۱۴- ل، س؛ (نیز لی، و، آ): گر؛ ق (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب): و؛ متن = ف، ل، س؛ (نیز لن، پ، و،
لن) ۱۵- ل، س (نیز لی، و، آ): گر؛ ق (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب): و؛ متن = ف، ل، س؛ (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۱۶- س؛ ایدونکه ۱۷- س،
ق، ل (نیز لی، پ، لن، ب): بدوی؛ متن = ف، ل، س؛ (نیز لن، ق، آ) ۱۸- ق: رهام ۱۹- ل: چاه (!) ۲۰- ل، س؛
راند ۲۱- ف، ل، س؛ وی؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ی، و، آ، ب) ۲۲- س (نیز لن، پ، لن)؛ ز بیژن سخن رفت و کنداوران
(پ: نام آوران) ۲۳- س، س؛ رزه ۲۴- ف، ل، س؛ بن بر (؟)؛ ل، ق: بوی بر؛ (ل: بدو در؛ ل، پ: بدو بر؛ ب: سوی او)؛
متن = س (نیز لن، ق، و، لن، آ)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رفتن بیژن از بی هومان و به ورزه خواستی

۶۷۰ که هر چند بیژن جوانست و نو
 و دیگر که^۱ این جای کین جستنست
 به کین سیاوخش و^۲ فرمان شاه
 و گرا^۳ بارد از میغ پولاد^۴ تیغ
 نباید شکستن دلش را به جنگ
 ۶۷۵ که چون کاهلی پیشه گیرد جوان

چو پاسخ چُنین یافت چاره نبود
 مگر بازگرداندش سر^{۱۳} ز جنگ
 به گودرز گفت: ای جهان^{۱۵} پهلوان
 نه فرزند باید، نه گنج و سپاه^{۱۶}
 ۶۸۰ مرا خود شب و روز کارست^{۱۷} پیش
 اگر جنگ^{۱۹} اجوید^{۲۰} سلیحش^{۲۱} کجاست؟
 چُنین گفت پیش پدر جنگ ساز^{۲۳}
 بر آنی^{۲۴} که اندر جهان سربسر
 چو درع سیاوش نباشد به جنگ

۶۸۵ برانگیخت اسپ از میان سپاه
 که آید ز لشکر بدآوردگاه^{۲۵}

۱- ق: دگر آنک ۲- ل، ق، س: ز؛ متن = ف، س، ل ۳- ف، ق (نیز لن): سیاوش و؛ ل (نیز ل، ب): سیاوش به؛ (لن، ب): سیاوش و؛ (متن = ل، س: نیزی، و آ) ۴- س: دگر؛ ل: مگر ۵- (ل، آ: پولاد و؛ ل (نیز و): از ابر پولاد؛ س (نیز لن، ب، لن): بار دارم پولاد و؛ متن = ف، ل، س: نیزی، ق، ب) ۶- ل، س، ق (نیز لن- ب، لن، آ، ب): نشاید؛ متن = ف، ل، س: نیزی (و) ۷- ف، ل، س: دارد ازو جان؛ ل، ق (نیز ل، ل، آ): دارم ما جان؛ (لن، ب، لن): دارم ازین جان؛ ق، ب: دارم جان را؛ متن = س (نیز و) ۸- ف، ل، س، ل، س: نیزی، ق): بیوشید (در زیر دو حرف نخستین تنها یک نقطه)؛ (ب، و، لن، ب: بیوشید)؛ متن تصحیح قیاسی است ۹- س، ل (نیز لن، ق، ب، و، لن، ب): برو؛ متن = ف، ل، س: ۱۰- ق: که همچون مشعبد برآورد رنگ (۶۷۴ ب- ۶۷۷ آ را انداخته و از ۶۷۴ آ و ۶۷۷ ب یک بیت ساخته است)؛ (ل، آ: نگه کرد باید به نام و به ننگ) ۱۱- س: بگردد ۱۲- ف (نیز ل، لن، ب): بند؛ ل: بند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = س، ل، س: نیزی، ق، ل، ب، آ) ۱۳- س (نیز لن، ب، لن): باز گردد (ب: دارد) سرش را؛ متن = ف، ل، س: نیزی، ق، ل، ب، و، آ، ب) ۱۴- ق (نیز ل، ل، آ): که همچون؛ متن = ف، س، ل، س: نیزی، ق، ب، و، لن، ب؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- ق: گو؛ ل: بیت های ۶۷۸- ۶۸۰ را ندارد ۱۶- ق: مانند تخت و کلاه؛ درل، ق (نیز ب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۷- ق: جنگست؛ ل، آ: پیکار؛ س (نیز لن، ب، لن): مرا روزگار درشتست (ب، لن: درشتیست)؛ متن = ف، ل، ق، س: نیزی، و، ب) ۱۸- س (نیز لن، ب): بدو؛ س: نیزی، ق، آ): همی؛ (لن: برو)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ل، و) ۱۹- س: رزم ۲۰- ل: جویی ۲۱- ف: سلاحم (!)؛ س: سلاحش؛ ل: سلاح؛ متن = ل، ق، س: رزه ۲۲- ف: رزه ۲۳- ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، ب): رزمساز؛ متن = ف، ل، س: نیزی، ق، ب، و، لن) ۲۴- س (نیز لن، ب): بدانی؛ (لن، ب: ندانی) ۲۵- ل، س، ل، س: نیزی، ق، ل، ب، و، لن، آ): باوردگاه؛ متن = ف؛ ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند

چُن^۱ از پیش گودرز شد^۲ ناپدید
 پشیمان شد از درد دل^۳ خون گریست
 یکی^۴ با آسمان برفرازید سر
 به دادار گفت: ار جهان داوری
 نسوزی تو از جان بیژن^۵ دلم
 به من بازبخشش تو ای کردگار

بیامد پُراندیشه دل پهلوان
 به دل گفت: خیره بیازردمش
 گر او را ز هومان بد آید به سر
 بمانم پُر از درد و اندوه^۶ و خشم

وَرانجا دمان هم بکردار گرد
 همی^۷ گفت ما را چه داری به ننگ
 سیه مار چندان دمد روز جنگ
 درفشیدن ماه چندان بود
 کنون سوی هومان شتابی همی
 چُنین برگزینی^۸ همی رای خویش

بدو گفت بیژن که ای نیو^۹ باب
 نه هومان ز روی و نه از^{۱۰} آهنست
 یکی مرد جنگست و من جنگجوی

دل گیو از اندوه او بردمید
 - نگر تا غم و مهر^{۱۱} فرزند چیست!
 پُر از خون دل از درد و^{۱۲} خسته جگر
 به نامت بدین^{۱۳} خسته دل بنگری
 کز آب مژه تا دل اندر^{۱۴} گلم
 بگردان ز جانش بید روزگار

پُر از خون دل از بهر رفته^{۱۵} جوان
 چرا خواسته پیش ناوردمش^{۱۶}؟
 چه باید مرا درع و تیغ و کمر؟
 پُر از آرزو دل^{۱۷}، پُر از آب چشم

به پیش پسر شد به جای نبرد
 همی تیزی آری به گاه^{۱۸} درنگ
 که از ژرف دریا برآید^{۱۹} نهنگ
 که خورشید تابنده پنهان بود
 ز فرمان من سر بتابی همی
 ندانی^{۲۰} که چون آیدت کار پیش

دل من^{۲۱} ز کین سیاوش متاب!
 نه پیل ژیان و نه^{۲۲} آهنمست
 ازو برنتابم به بخت تو روی

۱- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): چو؛ متن = ف، س^۱ ۲- س: لشکر بشد ۳- س: از گفت خود ۴- ق (نیز ق، آ، ب): درد ۵- س (نیز لن، ل، ن): همی ۶- ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، و، آ): [و]؛ ق: دل و زار؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، ل، ن) ۷- ف، ل، آ: کزین (؟)؛ س^۲: برین؛ ل، ق (نیز ل، آ، آ، ب): یکی سوی این؛ (ق: سزد گریبدین)؛ متن = س (نیز لن، ل، ن) ۸- ق: نوای پاک یزدان ۹- ق: پای اندر؛ ل: تا بدل در ۱۰- س: پور ۱۱- ق بیت های ۶۹۳-۶۹۵ (ول، آ، ب بیت های ۶۹۴ و ۶۹۵) را ندارند ۱۲- ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ): پر از (ق: آبا) حسرت و درد؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۱۳- ل: آرزوی دل؛ ل: پر آزار دل بر (!) ۱۴- ل، س: بدو؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز لن - ب) ۱۵- ل، س (نیز لن - ب): بجای؛ متن = ف ۱۶- ل: برآرد؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ق: برگزیدی ۱۸- ق: ندانم ۱۹- ق: نیک ۲۰- ق: دلم را ۲۱- س (نیز لن، ب، و، لن): ز روی است وز (لن، و، از)؛ ل، ق (نیز ل، آ، آ، ب): که هومان نه از روی وز (لی، ب: و از؛ ل، آ: و نه ز)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، آ) ۲۲- س، ق: ژیانست و

- ۷۰۵ نَبشته^۱ مگر بر سرم^۲ دیگرست
اگر بودنی بود، دل را به غم
زمانه به دست^۳ جهان داورست
سزد گر نداری، نباشی دُرم
- ۷۱۰ چو بشنید گفتار پور دلیر
فرود آمد از شیده^۵ راه جوی
بدو گفت: گر کارزارت هواست
برین^۸ باره ی گام زن برنشین
سلیح^۹ همیدون به کار آیدت
میان بسته ی جنگ^۴ برسان شیر،
سپرد اسپ و درع^۶ سیاوش بدوی
چنین بر خرد کام^۷ تو پادشاست،
که زیر تو اندر نوردد زمین
چو با اهرمن^{۱۰} کارزار آیدت
- ۷۱۵ چُن^{۱۱} اسپ پدر دید بر پای پیش
بر آن باره ی خسروی برنشست
یکی ترجمان را^{۱۲} ز لشکر بجُست
بیامد بسان هیزبر^{۱۳} ژیان
چو بیژن بنزدیک هومان رسید
ز جوشن همه دشت روشن شده
وژان^{۱۷} پس بفرمود تا^{۱۸} ترجمان
که گر جنگ جویی یکی^{۲۰} بازگرد
همی گوید: ای رزم دیده سوار
کز افراسیاب اندر آیدت بد^{۲۳}
- ۷۲۰ چو باد اندر آمد ز رهوار^{۱۱} خویش
کمر بست و بگرفت گرزش به دست
که گفتار ترکان بداند درست
به کین سیاوخش بسته^{۱۴} میان
یکی آهین کوه جوشنده^{۱۵} دید
یکی پیل بمیان جوشن^{۱۶} شده
یکی بانگ برزد بدان^{۱۹} بدگمان
که بیژن همی با تو جوید^{۲۱} نبرد
چه پویانی^{۲۲} اسپ اندرین مرغزار،
ز توران^{۲۴} زمین بر تو نفرین سزد

۱- ل، س (نیز پ، و، لن، ۲): نوشته؛ متن = ف، ق، ل، ۳، س (نیز لن، ق، ل، ل، ل، آ، ب) ۲- ق: بربر مگر ۳- ل، ۳، س: برای؛ (و: بجمک) ۴- س: رزم ۵- ل، س، ق (نیز ق، ل، ل، ل، ل، آ): دیزه؛ (لن، پ، و، لن، ۲: باره)؛ متن = ف، ل، ۳، س (نیز آ، ب) ۶- ل: سپر داد و اسب؛ ق (نیز ل، ل، آ، ب): سپر داد و درع؛ متن = ف، س، ل، ۳، س (نیز لن، پ، و، لن، ۲) ۷- ف: کار؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لن، ب) ۸- ل (نیز ل): بدین ۹- س، س، ۲: سلاح ۱۰- ل، ل، س، ق، ل (نیز لن، ب): چو؛ متن = ف، س، ۲ ۱۱- ل: ز بالای؛ س (نیز ل): برهوار؛ متن = ف، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۱۲- س: ترجمانی؛ درس پس از این بیت، بیت ۷۱۶ آمده است ۱۳- (ب: هیزر) ۱۴- ل، ق (نیز ل، آ): سیاوش بسته؛ س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ۲): سیاوش کمر بر؛ متن = ف، س، ۲ (نیز لن، ل، و، ب)؛ ل بیتهای ۷۱۵-۷۱۷ را ندارد؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: رسیدن بیژن و هومان بهمديگر و مناظره ایشان؛ ق: محاربت بیژن و هومان و کشته شدن هومان ۱۵- ل، ق (نیز ل، ل، آ): پوشیده؛ (ق: بر باره؛ ب: بر اسب)؛ متن = ف، س، ۲ (نیز لن، پ، و، لن، ۲)؛ درس این بیت پس از بیت ۷۱۴ آمده است ۱۶- ل، ق (نیز ل، ل، پ، آ، ب): در زیر جوشن؛ س: نامیان (حرف یکم نقطه ندارد) جوشن؛ س (نیز لن، لن، ۲) میان (لن، لن، ۲: میانه) یکی پیل جوشن (!)؛ متن = ف، ل، ۱۷- ل، س، ق: از آن ۱۸- س، ۲: با (ج-تا) ۱۹- ل، س، ۲ (نیز ق، ل، پ، و، لن، ۲): بران؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ل، ل، آ) ۲۰- ف، ق، ل، ۳، س، ۲ (نیز ل، ل، ب): همی؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ل) ۲۱- س: جوید از نو ۲۲- س (نیز لن، پ، لن، ۲): تازی تو؛ ق بیت های ۷۲۰-۷۲۲ را ندارد ۲۳- ف، س، ل، ۳، س، ۲ (نیز لن، ب): گر (ف: کز؛ و، لن، ۲: که) افراسیاب اندر آید (ف، س، ۲: اندر آیی؛ ف: از تو آمد) بید؛ متن = ل ۲۴- ف: تو [ران]

- ۷۵۰ به شیده^۱ شباهنگ برسته تنگ^۲
 زره تیره کرده بر پهلوی^۴
 به هومان چُنین گفت کای بادیسار
 امیدستم^۷ اکنون که این^۸ تیغ من
 که بر^{۱۰} خاک خیزد ز خون تو یگل
 که با آهوان گفت غم ژیان
 ز دامی که پای من آزاد گشت
 چُنین^{۱۲} گفت هومان^{۱۳} که امروز گیو
 به کوه گنابده^{۱۵} کنم^{۱۶} کارزار؟
 که فریادرسمان نباشد ز دور
 بدو گفت بیژن که تا کی سخن؟
- ۷۵۵
 چو جنگی پلنگان^۳ گرازان به جنگ
 درفشان سر از میغفر خسروی^۵
 بردی ز من دوش سر یاد دار^۶!
 سرت را چنان^۹ بگسلاند ز تن،
 یکی داستان اندر آری به دل،
 که گر دشت گردد همه پرنیان،
 نیوم بر آن سو، ترا باد^{۱۱} دشت!
 بماند جگر خسته^{۱۴} پور نیو
 وگر^{۱۷} سوی زبیده^{۱۸}؟ بر آرای کار،
 نه زایران^{۱۹} کس آید به یاری^{۲۰}، نه تور
 کجا خواهی، آهنگ آورد کن!
- ۷۶۰ برانگیختند^{۲۱} اسپ و برخاست گرد
 دو خونی^{۲۲} برافراخته سر^{۲۳} به ماه
 ز کوه گنابده^{۲۵} برون تاختند
 به دشتی رسیدند کاندرا^{۲۸} زمی
 نه بر آسمان کرگسان را گذر
 به زه بر نهاده کمان نبرد
 چنان کینه ور گشته از کین^{۲۴} شاه
 سران^{۲۶} سوی هامون برافراختند^{۲۷}
 ندیدند جایی پی آدمی
 نه خاکش سپرده پی شیر^{۲۹} نر

۱- ل: پشت؛ س: که شیر؛ (لن: بشیر؛ ق: بشیدیز؛ پ، لن: چو شیر؛ و: بدیزه)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، آ، ب) ۲- س: بر سخته جنگ (!) ۳- ل (نیزو، ب): پلنگی؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): پلنگ و؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی)؛ ق (نیزل)؛ بیت‌های ۷۴۹ و ۷۵۰ را ندارند ۴- س: ابر پهلوان؛ (آ: بر پهلوان)؛ ل: زره با گره بر بر پهلوی؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ب) ۵- س (نیز آ): خسروان ۶- س، ل، آ، س (نیزلن، آ، ب): یادگار؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، آ، ب، آ) ۷- ق: امیدست ۸- ل (نیزلن، ق، آ، ب، لن، آ): امروز کین؛ س: امروز کنز؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزل، ب) ۹- ل: زین ۱۰- ل (نیزق، آ، ب، لن، آ): از؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۱- ل: برانسوی آباد؛ س، ق: بدان سوترا باد؛ ل: برانسان آباد، س (نیز آ، راوندی، ص ۳۴۷، س ۲): برانسو بر آباد؛ (لی: بدانسان آباد؛ پ: بدانسو مرا یاد؛ و: از آنسو آباد؛ پ: برانسان آباد)؛ متن = ف (نیز لن) ۱۲- ل: چنان ۱۳- ل: داد پاسخ؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن - ب) ۱۴- ل (نیزق، آ): جگر خسته بر؛ س، ق (نیز ل، آ): جگر خسته از؛ (آ: جگر خسته بی)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، لی، ب، و، لن، آ، ب)؛ درل پس از این بیت، بیت‌های ۷۳۲ و ۷۳۳ و سپس بیت ۷۵۹ آمده است ۱۵- ل: کیابد؛ (لن: کیابد)؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیزلن - و، آ، ب) ۱۶- ل، س، ق (نیزلن - ب): کینی؛ متن = ف، ل، آ، س (اگر ۱۷- ل: اگر ۱۸- ف، س (نیزو): زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل (نیزلن): زبید (حرف‌های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل: زبید؛ (آ: رسید)؛ متن = ق، س (نیزق، آ، لی، ل، آ، لن) ۱۹- ل، س، ل، آ: نه ایران؛ متن = ف، ق، س (نیزلن - ب) ۲۰- ل، س: گراید بسیاری؛ ق (نیزلی، ل، آ): گزینیم یارو؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۱- ل: برانگیخت او ۲۲- ق: گردد؛ ل، آ، س (نیزو، ب): جنگی؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، آ، و، لن) ۲۳- ق: سرافراخته تا ۲۴- ق: از بهر ۲۵- ل: کیابد؛ س: کساید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن - ب) ۲۶- ل، ق (نیزق، آ، ل): سراز؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، لی، ب - ب) ۲۷- س: سرافراختند؛ س این بیت را ندارد ۲۸- ل، ق (نیزلی، ل): برفتند چندانک اندر؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزهفت دستویس دیگر) ۲۹- ق بیت‌های ۷۶۴ و ۷۶۵ را ندارد

<p>۷۸۵ عمود از پس تیغ^{۱۰} برداشتند از آن^{۱۳} پس بر آن^{۱۴} بر نهادند کار بر آن^{۱۶} گونه جستند ننگ و نبرد کمر بند گیرد که را زور بیش ز نیروی گردان دوال رکیب^{۱۱} همیدون نگشتند از^{۲۱} اسپان جدا پس از اسپ هر دو فرود آمدند گرفته به دست اسپشان ترجمان بر آن^{۲۶} ماندگی باز برخاستند ز شبگیر تا سایه گسترد شید همی رزم جستند یک با دگر^{۲۹}</p>	<p>همی آتش افروخت از هر دو تیغ^۲ نیامد به زخم اندرون تاب داره^۵، فرورخت از دست گنداوران^۶ نشد^۷ سیرشان دل^۸ از^۹ آویختن از^{۱۱} اندازه^{۱۲} پیگار بگذاشتند که زور آزمایشند با^{۱۵} کارزار که از پشت اسپ^{۱۷} اندر آرند مرد رباید ز اسپ، افگند خوار پیش^{۱۸} گست اندر آوردگاه از^{۲۰} نهیب نبودند یک بر دگر^{۲۲} پادشا ز پیگار یکباره^{۲۳} دم برزدند دو جنگی بکردار شیر^{۲۴} دمان^{۲۵} به گستی^{۲۷} گرفتن بیاراستند دو خونی برآسان^{۲۸} به بیم و امید یکی را ز کینه نبرگشت سر^{۳۰}</p>
---	---

۱- ل، ق (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، لن، ق): درخشان (ل، ق: درفشان) که از تیره؛ س: درفشان که آید ز؛ ل، آ، س: درفشنده از تیره؛ متن = ف (نیز ل، آ، ب) ۲- س (نیز ق، ل، ل، آ، پ، و، لن، ق): از گرز (لی: تیر) و تیغ؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، پ، ب) ۳- ل: ز ۴- ل، ق، ل (نیز لی، ل، آ، ب): بدان؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ق) ۵- ل، ق، ل (نیز لن، ل، آ، ب): پایدار؛ متن = ف، ل، س، س (نیز ق، ل، ل، آ، پ، و) ۶- ل: گرز گران؛ س (نیز لن، پ، و، لن، ق): از جنگ کنداوران؛ ق: از برز تیغ گران؛ (ق: از اسب کنداوران؛ ل: آتش ز گرز گران؛ آ: از دست گرز گران)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لی، ب): بنداری (۷۷۷-۷۸۳): واستراحا ساعة ثم تناولوا الدرق وتضاربا بالسيوف، ولم يزالا يتضاربان حتى تكسرت سيوفها ۷- ل: بشد (!) ۸- ل، س، ق (نیز لن، ب): سیر دلشان؛ متن = ف، ل، آ، س ۹- ل، ق، ل: ز؛ متن = ف، س، س، س ۱۰- س (نیز ق، ل): نیزه (!) ۱۱- ق: وز ۱۲- ف (نیز لن، ل): اندوه (جاندازه) ۱۳- س، ق: وزان ۱۴- ق: بدان ۱۵- ل، س (نیز ق، ل، ب): در؛ متن = ف (نیز لن، ل، ق) ۱۶- ل، ق (نیز ل، آ، ب): بدین؛ (لی: بدان)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، ب) ۱۷- ل، س (نیز ل، آ، ب): زین؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۱۸- ل: زیر خویش؛ ق این بیت را ندارد ۱۹- س: رکاب (پساوند ندارد) ۲۰- ل، ق (نیز ل، آ، ب): [از]؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب) ۲۱- ل، ق: ز ۲۲- ل، س، ق (نیز لن، پ، ل، آ، ب): بر یکدگر؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و، ب) ۲۳- ف، ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، پ، ل، آ، ب): یکبار؛ ل (نیز ب): یک لحظه؛ (ق: زمانی ز پیکار)؛ متن = س (نیز لن) ۲۴- (و: پیل) ۲۵- ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب، ل، آ، ب): زبان؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، و) ۲۶- ل، س، ق (نیز لن، آ): بدان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ب) ۲۷- ل، س (نیز لن، ل، آ، ب): کشتی؛ متن = ف (نیز آ)؛ ل در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر کشتی گرفتن بیژن و هامان (!) ۲۸- ل: ازینسان؛ س (نیز لن، ق، آ، لی، پ): بدانسان؛ ق: از اسپان؛ (ل: بدینسان؛ آ: از آسان)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و، ل، آ، ب) ۲۹- س، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، ل، پ، ل، آ، ب): با یکدگر؛ (ل: از یکدگر)؛ متن = ف، ل (نیز و) ۳۰- ق (نیز لی، ل، آ): برفتند پویان سوی آبخور (۷۹۵-ب ۷۹۷-آ را انداخته و از ۷۹۵-آ و ۷۹۷-ب یک بیت ساخته اند)؛ بنداری (۷۹۶-۷۹۷): فکادا یغرقان فی العرق و یحترقان من العطش. فتوافقا علی أن ینصرفا الی الماء و یردا غلیل عطشها

دهان^۱ خشک و غرقه شده تن در^۲ آب
 وُزآجا^۴ به دستوری یکدگر
 بخوردند^۶ و برخاست بیژن به درد
 تن از درد لرزان^۷ چُن^۸ از باد بید
 به یزدان چُنین گفت کای کردگار ۸۰۰
 اگر داد بینی همی جنگ ما
 ز من مگسل امروز توش^{۱۰} مرا
 جگرخسته هومان بیامد چو^{۱۲} زاغ
 بدان خستگی باز جنگ آمدند
 همی زور کرد این بر آن، آن برین^{۱۷} ۸۰۵
 ز بیژن فزون بود هومان به زور
 ز هرگونه زور آزمودند و بند
 بزد دست بیژن بسان پلنگ
 گرفتش^{۲۳} به چپ گردن و راست ران
 برآوردش از جای و بنهاد پست ۸۱۰
 فروبرد و سر کردش^{۲۴} از تن جدا
 بغلتید^{۲۵} هومان به خاک اندرون
 نگه کرد بیژن بدان^{۲۶} پیلتن
 شکفت آمدش سخت و برگشت ازوی^{۲۷}
 که ای برتر از جایگاه و زمان^{۲۸} ۸۱۵
 توی^{۳۰} تو که جز تو جهاندار نیست

ز رنج و ز^۳ تابیدن آفتاب
 برفتند پویان^۵ سوی آبخور
 ز دادار نیکی دهش یاد کرد
 دل از جان شیرین شده ناامید
 تو دانی نهان من و آشکار
 برین^۹ کینه جستن بر آهنگ ما،
 نگهدار بیدارهوش^{۱۱} مرا
 سیه گشته^{۱۳} از درد و^۴ ارخ چون چراغ^{۱۵}
 گرازان بسان پلنگ آمدند^{۱۶}
 گه آن را بسودی گه این^{۱۸} را زمین^{۱۹}
 هنر عیب گردد چو برگشت هور^{۲۰}
 فراز آمد آن بند^{۲۱} چرخ بلند:
 ز سر تا به پایش^{۲۲} بیازید چنگ
 خم آورد پشت هیون گران
 سوی خنجر آورد چون باد دست
 فگندش بسان یکی آژدها
 همه دشت شد سرسبز جوی خون
 فکنده چو سرو سهی بر چمن
 سوی کردگار جهان کرد روی
 ز جان سخن گوی و روشن گمان^{۲۹}،
 خرد را برین^{۳۱} جای^{۳۲} پیگار نیست

۱- ل (نیزق، و، آ): دهن ۲- ل: ز؛ (لن: به) ۳- ل (نیزق): از آن رنج و ۴- ل: وزانپس ۵- س: هر دو؛ س در
 اینجا سرنویس دارد: رزم بیژن با هومان و کشته شدن هومان ۶- ل، ق (نیزلن-ب): بخورد آب؛ متن = ف، س، ل، س، س ۷- ق:
 تنش لرزلرزان ۸- ل- س (نیزلن-لن، ب): چو؛ متن = ف (نیزآ) ۹- س: وزین؛ ق: بدین ۱۰- س: هوش ۱۱-
 س: توش ۱۲- س: سیه گشته هومان ابرسان ۱۳- س: جگر خسته ۱۴- ل، ق، س (نیزق، ل، آ): [و] ۱۵- ق (نیز
 ق، ل): همچون کلاغ ۱۶- درق پس از این بیت، بیت ۸۰۷ آمده است ۱۷- ل: این بدان آن بدین ۱۸- ل، ق، س: این
 را بسودی گه آن ۱۹- س: سپردی زمین و گه این (پساوند ندارد)؛ (ق: خروشان بهم همچو شیر غرین) ۲۰- ل (نیزلن، پ، لن):
 بر بخت شور ۲۱- ق، س: راز؛ (ل: رای؛ پ: زور)؛ ل این بیت را ندارد؛ درق این بیت پس از بیت ۸۰۴ آمده است ۲۲- ل،
 ق (نیزلن، ب): میانش؛ متن = ف، س، ل، س، س (نیزق، ل، پ، و، لن، آ) ۲۳- ف: گرفت و؛ متن = ل- س (نیزلن-ب) ۲۴-
 ل (نیزق، ل، پ): کردش سر ۲۵- س (نیزلی): بغلطید ۲۶- س: بران ۲۷- س (نیزلن، پ، لن): زان برویال
 اوی ۲۸- ل، س (نیزب): مکان (!)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، آ) ۲۹- ل، س، س، س: (نیزلی، و، لن، آ،
 آ): [و] روشن روان؛ ق (نیزلن، ق، پ، ب): و روشن روان؛ متن = ف، ل، آ ۳۰- ق، ل، س: تویی ۳۱- ل- س (نیزلن، ق، ل،
 لن، آ، ب): بدین؛ متن = ف (نیزب) ۳۲- ل، س (نیزلن، پ، لن): کار؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزق، آ، ب)

۸۲۰ مرا زین هنر سرسَر بهره نیست
به کین سیاوش^۱ بریدمش سر
روانش روان مرا^۲ بنده^۳ باد!
سرش را به فِراک شیده بیست^۴
گشاده سیلیح و گسته کمر

زمانه سراسر^۸ فریبست و بس
جهان را نمایش چو کردار نیست

۸۲۵ چو شد کار هومانِ ویسه تباه
ستایش‌کنان پیش بیژن شدند
چو بیژن نگه کرد از آن^{۱۲} رزمگاه
بترسید از انبوه مردم‌گشان^{۱۳}
به جنگ اندرآیند برسان^{۱۴} کوه
برآهیخت^{۱۵} درع سیاوش به سر^{۱۶}
بر آن چرمه‌ی پیل‌پیکر نشست
برفتند و بر دشت کرد^{۲۲} آفرین
بترسید ازو یار هومان چو دید

دوان ترجمانان هر دو سپاه،
چو پیش بت چین برهن^{۱۱} شدند
نبودش گذر جز به توران‌سپاه
که یابند ازین^{۱۴} کار ایشان^{۱۵} نشان
بسند^{۱۷} نباشد مگر با^{۱۸} گروه
پوشید خفتانِ هومان ز بر^{۲۱}
درفش سر نامداران به دست
بر آن بختِ بیدار و قرخ‌زمین
کزو مهترش را^{۲۳} چنان بد رسید

۱- ف، ل: برادر(!)؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز لن - ب)؛ بنده‌اری: قد تشفیت لسیاوخش و لسبعین نفسا من اعمامی ۲- ل: ورا ۳- ف: زنده(؟)؛ متن = ل - س: (نیز لن - ب) ۴- س: (نیز لن، پ، ل:): بیژن ۵- ل: (نیز لی، و، آ): تنش(؟)؛ ق: بکین؛ (ق: ل: دلش)؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، پ، ل:، ب)؛ ل: (نیز و): دیزه بیست؛ (ق: شبدیز بیست؛ ل: زین بر بیست)؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز آ، ب) ۷- س: (نیز لن، پ، ل:): این بیت را ندارند ۸- س، ق: سراسر زمانه ۹- س: نباشد بختیش؛ (لن، پ، ل:): نباشد بختیت ۱۰- ل: سپردن بدو دل؛ (و: برود دل نهادن)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ق، ل، ب، ل:، آ، ب)؛ درل پس از این بیت، بیت ۸۳۲ آمده است ۱۱- س: (نیز لن، پ، ل:): زمین بوسه دادن برهن (نیز: دادند و ایمن)؛ درل پس از این بیت، بیت‌های ۸۳۳-۸۳۵ آمده‌اند ۱۲- ل: زان ۱۳- س: گردنکشان ۱۴- ل: زان؛ ل، آ، س: از؛ متن = ف، س، ق ۱۵- ل، ق: (نیز لی، ل، آ): یکسر؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، ق، ل، ب، و، ل:، آ، ب) ۱۶- ق: (نیز ل:): یکسر چو ۱۷- ل: (نیز لی، ل، آ، ب): پسند(!) ۱۸- ق: نباشم میان ۱۹- ف، ل، س، ق، س: (نیز لن، ل، ب): برآهخت (برخی را برآهخت هم میتوان خواند)؛ ل: برهخت(!)؛ (ق: برانگیخت(!))؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۰- ل، ق، س: (نیز ق، ل، آ، و، ل:): زسر؛ (لی، آ، ب): زیر (پساوند ندارند)؛ متن = ف، س، ل: (نیز لن، پ) ۲۱- ل: پیر؛ ل، س، ق: (نیز لن - پ، ل:، آ): بخفتان هومان پوشید بر؛ متن = ف، س: (نیز و، ب) ۲۲- ل، س، ق: (نیز لی، ل:): برفت و بر آن (لی: بدان) دشت کرد؛ (لن، پ، ل:): برفت و بر آن جای کرد؛ ق: برفت و بر او بر بکرد؛ و: برفتند بر دشت و کرد؛ متن = ف، ل، آ، س: ۲۳- ل، ق: (نیز ق، ل:): که بر مهتر او؛ س: (نیز لن، ل، ب، و، ل:): که بر مهترش بر (لی، و، آن)؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ب)؛ درل بیت ۸۳۲ پس از بیت ۸۲۳ و بیت‌های ۸۳۳-۸۳۵ پس از بیت ۸۲۵ آمده‌اند؛ پشایی بیت‌های متن = چهارده دستویس دیگر

بدو گفت بیژن: مترس از گزند
 تو اکنون سُوی لشکر خویش پوی
 بشد ترجمان، بیژن آمد دمان
 ۸۳۵ چُن آن دیدبانان^۵ ترکان^۶ ز دور
 بدیدند، از آن^۱ دیده برخاستند
 طلایه هیونی برافگند زود
 که هومان به پیروزی شهریار
 ۸۴۰ درفش سپهدار ایران نگون
 همه لشکرش برگرفته خروش
 چه^{۱۳} دردی^{۱۴} که نومیدی آرد به^{۱۵} مرگ
 چو بیژن میان دو رویه سپاه
 به توران رسید آن زمان ترجمان
 همانگه به پیران رسید آگهی
 ۸۴۵ سبک بیژن اندر میان سپاه
 غریبیدن آمد ز توران سپاه
 جهان تیره شد^{۲۱}، روشنایی نبود^{۲۲}
 که پیمان همانست، نگشادا^۱ بند
 ز من هرچه^۲ دیدی بدیشان بگوی
 به کوه گنابند^۳ به زهبر کمان
 درفش و نشان^۷ سپهدار^۸ تور،
 به شادی خروشیدن آراستند
 بنزدیک پیران بکردار دود
 دوان^{۱۰} آمد از مرکز کارزار
 تنش نیز^{۱۱} در خاک غرقه به خون^{۱۲}
 به هومان نهاده سپهدار گوش
 از آتش^{۱۶} ببارد به سر بر تگرگ
 رسید اندر آن سایه ی تخت شاه^{۱۷}،
 بگفت آنک^{۱۸} دید از بد بدگمان
 که شد تیره آن فر شاهنشهی:
 نگوسار^{۱۹} کرد آن درفش سیاه
 ز سر برگرفتند گردان^{۲۰} کلاه
 که از تیرگی چشم خیره نمود^{۲۳}

۱- ل: نگشاد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز آ)؛ و نگست؛ ق (نیز لن)؛ و نگشاد؛ ل: بگشاد؛ س: و نگشاد (حرف دوم نقطه ندارد)؛
 (ق: و آیین و؛ ل: مگشای؛ پ، ل: و بگشاد؛ و: و مگشای)؛ متن = ف ۲- ل: هرچ؛ ق (نیز ل)؛ بینهای ۸۳۴ و ۸۳۵ را
 ندارند ۳- ل: کبابد؛ س: کبابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (لن: کیابد)؛ متن = ف ۴- ل: س (نیز لن، ل: ب)؛ چو؛ متن = ف ۵- ل، ق، ل، س: دیده بانان؛ س دیدند گردان؛ متن = ف ۶- ل: لشکر؛ ق: [ترکان] (وزن
 ندارد)؛ (و: توران)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۷- ل، ق (نیز ل، پ، و، آ): سنان (نشان)؛ س:
 درخشان درفش؛ (ل: بدیدند زخم)؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، ل، ل، آ، ب) ۸- ل (نیز ل، ب): سرافراز؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز
 لن، ل، آ) ۹- ل: زان؛ س: وز؛ س: از؛ متن = ف، ق، ل، آ ۱۰- س (نیز و): دمان؛ ق: روان ۱۱- (لن، پ، ل، آ، ب): س (نیز
 متن ← ۱۲- ل، ق (نیز ل، ل، آ): تنش غرقه (ق: کشته) مانده (ل: گشته) بخاک اندرون؛ س: همی بینم از دور بس واژگون؛ (ق:
 تنش پر ز خاک و سرش پر ز خون)؛ متن = ف، ل، س: (نیز و، ب) ۱۳- (ب: که) ۱۴- (ق: کردی؛ ل، آ: شادی)؛ متن = ف،
 س، ل، س: (نیز لن، پ، و، ل، آ، ب) ۱۵- ف: آید به؛ (ق: آرد ز)؛ متن = س، ل، س: (نیز لن، ل، پ، ب) ۱۶- س: از آنپس؛
 متن = ف، ل، س: (نیز لن، ق، ل، پ، ب)؛ ل، ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۱۷- ل: تاج و گاه؛ (ق: چتر شاه؛ ل: و جایگاه؛ و:
 تختگاه؛ لن: بخت شاه)؛ س: نگوسار کرد آن درفش سیاه (۸۴۳ ب و ۸۴۶ آ را انداخته و از ۸۴۳ آ و ۸۴۶ ب یک بیت ساخته است)؛ متن =
 ف، ق، ل، س: (نیز لن، ل، پ، آ، ب) ۱۸- ل، س: (نیز لن، ق: آنج)؛ ق، ل (نیز ل، ب): آنچه؛ متن = ف؛ س این بیت را
 ندارد ۱۹- ل، س: (نیز لن، ب): نگوسار؛ متن = ف؛ ل در اینجا سرنویس دارد: آگاهی یافتن پیران از کشتن هومان ۲۰- س (نیز
 ب): یکسر؛ (ق: ترکان)؛ متن = ف، س: (نیز لن، ل، ل، پ، ل، آ)؛ ل، ق، ل (نیز و) این بیت را ندارند ۲۱- س (نیز لن، پ، ل، آ):
 تیره و؛ (ل، آ، ب: تیره بد)؛ متن = ف (نیز ق) ۲۲- (ق: نماند) ۲۳- (لن: کبود؛ ل: نبود)؛ س (نیز لن، پ، ل، آ، ب): نیامد
 (پ: نیاید؛ لن: ب: بیامد) بدان خیره دیدار سود؛ (ق: شب از روز گفتی جدایی نماند)؛ متن = ف (نیز آ)؛ ل، ق، ل، س: (نیز ل، و) این بیت
 را ندارند؛ ق: پس از این بیت افزوده است: ←

<p>نگون یافتند آن درفش سیاه وُزآن دیدگه^۴ نعره برداشتند^۵ طلایه سوی پهلوان برفگند درفش سیه را سر آورد^۶ زیر به هر کس^۷ خروشان و هر سودوان^۸ همی ماتم آورد هتنگام سور دمان سوی^{۱۱} فرزند نهاد روی از^{۱۲} اسپ اندرآمد چنان که ام شنید^{۱۳} همی آفرین خواند بر دادگر^{۱۷} جوان و دلیر و^{۱۱} خردمند را ستایش کنان برگرفتند راه نیبره فرود آمد از اسپ و پور^{۲۰} سر گردهومان به فتراک بر^{۲۲} همه یاد کرد آن کجا رفته بود^{۲۳} به پیش سپهدار^{۲۵} گودرز برد که^{۲۶} گفتی برافشانده خواهد روان بر آن^{۲۷} اختر و بخت بیدار بر که تاج آر با جامه‌ی خسروان درفشان چو خورشید تاج و کمر پری روی^{۳۱} زرین کمر ده غلام</p>	<p>پس^۱ آن^۲ دیدبانان^۳ ایران سپاه سوی پهلوان روی برگاشتند ۸۵۰ وُزآنجا هیونی بسان نوند که بیژن به پیروزی آمد چو شیر چو دیوانگان گیو گشته نوان همی آگهی جست از آن^۹ نیوپور چُن^{۱۰} آگاهی آمد ز بیژن بدوی ۸۵۵ چو چشمش به روی گرامی رسید بغلتید^{۱۴} و بنهاد بر خاک^{۱۵} سر^{۱۶} گرفتش به بر باز^{۱۸} فرزند را وُزآنجا دمان سوی سالار شاه چو دیدند مر پهلوان را ز دور ۸۶۰ پُر از خون سیلیح^{۲۱} و پُر از خاک سر به پیش نیا رفت بیژن چو دود سیلیح^{۲۴} و سر و اسپ هومان گُرد ز بیژن چنان شاد شد پهلوان گرفت آفرین پس به دادار بر ۸۶۵ به گنجور فرمود پس پهلوان گوهر بافته پیکر^{۲۸} و بوم^{۲۹} زر ده اسپ آوردند^{۳۰} زرین لگام</p>
---	---

۱- ل (نیزب): چو ۲- ق: از (جان) ۳- ل، ق، س: دیده بانان؛ ل (نیزل، و لن، و لن) این بیت را ندارند ۴- ل، س: دیده گه ۵- ف: بگذاشتند (؟)؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۶- ل- س: (نیزلن، ل، ق، پ، لن، آ): آورده؛ متن = ف (نیز ب) ۷- ل (نیزق): سو ۸- ل: زهر سوگوان ۹- ل: زان؛ س: از ۱۰- ل، س، ق (نیزق، ل، ل، و، آ): چو؛ ل، س (نیزلن، لن، ب): پس؛ متن = ف ۱۱- ل: پیش ۱۲- ل، س، ق، ل: ز؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل- س: (نیزلن، و لن، آ، ب): چون سزید؛ متن = ف (نیزق) ۱۴- (ل: بغلطید) ۱۵- ق، س: (نیزلن، ق): بر خاک و بنهاد ۱۶- س: روی ۱۷- س: برفراوی ۱۸- ق: پاک ۱۹- ل: دلیر و جوان؛ س (نیزق، و لن، ب): جوان دلیر؛ ق (نیزل): جوان و دلیر؛ ل: جوان دلیر و؛ متن = ف، س (نیزلن، آ) ۲۰- ل: اسب تور؛ ل، س (نیزل): اسب پور؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، ق، و لن، آ، ب)؛ ل: در اینجا سرنویس دارد: آمدن بیژن بنزد گودرز و آوردن سر هومان ۲۱- س، س: سلاح ۲۲- ل، س: همی آفرین خواند بر دادگر (= ۸۵۷ ب)؛ در س، ل: پس از این بیت، بیت ۸۵۳ دوباره آمده است ۲۳- س: این بیت را ندارد ۲۴- س: سلاح ۲۵- ل، ل، س: بنزدیک سالار ۲۶- س: تو ۲۷- س: بدان؛ س: پراز (بران) ۲۸- س: گوهر (!) ۲۹- ل: بوم و (!) ۳۰- (لن، لن): آوریدش به ۳۱- س: پری روی و
 چنان روشنایی و تیره نمود
 کزان روشنی بودشان تیسرگی
 نیامد بدان خیره دیدار سود
 گرفته همه چشمشان خیرگی

<p>بدان تاختن گردن افراختن^۲ بیاورد نزدیک^۵ ایران سپاه، که^۷ از دیدگاه^۸ دیدبانش^۹ بدید سبک سوی^{۱۰} گودرز بشتافتند بنزدیک سالار ایران سپاه^{۱۱} که^{۱۴} گویی ندارند گویازبان، سپهدار داند که آن چون بود^{۱۶}! که بیدار باشید و روشن روان که تا کی بیاید ز لشکر نشان^{۱۷}] — همان^{۱۸} تیغزن لشکر نیو را — شکسته دل دشمنان^{۱۹} نام تو ازین نامداران و مردان من سپهر^{۲۱} اندر آور به^{۲۲} مردی به زیر!</p>	<p>گرفتند گردان^۱ همه تاختن^۲ چو نستیهن آن^۴ لشکر کینه خواه سپیده دمان را^۶ بدانجا رسید چو کارآگهان آگهی یافتند نوندی براند از سر دیدگاه که آمد سپاهی چُن^{۱۲} آب^{۱۳} روان برانسان^{۱۵} که رسم شیخون بود، به لشکر بفرمود پس پهلوان [همه گوش دارید آوازشان بخواند آن زمان بیژن گبو را بدو گفت: نیک اختر و کام تو بر هر که^{۲۰} باید ز گردان من پذیره شو این تاختن را چو شیر</p>	<p>۸۸۵ ۸۹۰ ۸۹۵</p>
<p>دلیران و^{۲۳} پرخاشجویان هزار دو لشکر پُر از کینه و^{۲۴} رزم ساز یکی ابر بست از بر تیره خاک ببوشید دیدار^{۲۷} توران سپاه کزو لشکر تور^{۲۹} شد ناپدید،</p>	<p>گزین کرد بیژن ز لشکر سوار رسیدند پس یک به دیگر فراز همه گزرها برکشیدند پاک فرود^{۲۵} آمد از ابر گردی^{۲۶} سیاه سپهد چُن آن^{۲۸} گرد تیره بدید</p>	<p>۹۰۰</p>

۱- ل (نیزو): ترکان؛ متن ← ۲- س: سواران سبک ره همه ساخته؛ ق (نیزلی، آ): گرفتند از آن پس سپه تاختن؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز
 لن، ق، پ، ل، ن، ب) ۳- س: افراخته ۱۴- ل: از (جان) ۵- س: بر جنگ ۶- ل، ق: تا؛ (لی: او؛ آ: سپیده
 دمانی)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، ق، پ، و، ل، ن، ب) ۷- ل، ق (نیزلی، آ): چو؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، پ، و، ل، ن، ب)
 ۸- ف، س: دیده گه ۹- ل، ق، ل: دیده بان؛ س: دیده بان را؛ س این بیت را ندارد ۱۰- س: نزد ۱۱- ل،
 س، ق (نیزل) این بیت را ندارند؛ بنداری: فلما شارفوهم وقت السحر احس بهم الديدان فأنذرهم ۱۲- ل، س (نیزلن، ب): چو؛ متن =
 ف ۱۳- ل: کوه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب) ۱۴- س (نیزلن، پ، ل، ن، آ): تو ۱۵- س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، پ،
 ب): بدانسان؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیزق، و، ل، ن، آ) ۱۶- ق: زمین از دلیران پر از خون بود ۱۷- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ، پ،
 ل، ن، ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزق، لی، و، آ) ۱۸- ل، س، ق (نیزق، ل، آ، و، ب): ابا؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن،
 لی، پ، ل، ن، آ) ۱۹- ل، ق (نیزلی، ل، آ، آ): دشمن از؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن، ب) ۲۰- ل:
 هرک ۲۱- ل، س، ق (نیزل، و): سپاه؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، پ، ل، ن، ب) ۲۲- ق: ز ۲۳- ل: [و] ۲۴-
 (ل: یاراسته)؛ متن = ل، س (نیزهشت دستویس دیگر)؛ ف این بیت را ندارد؛ بنداری: ولما التقوا أمر بیژن أصحابه... ۲۵- س:
 فراز ۲۶- س، ق (نیزق، ل، آ، ل، ن، آ): گردد؛ ل: از کوه ابری؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ، و، ل، ن، آ) ۲۷- ف: دیده ز؛ (ل:
 دیوار → دیدار)؛ متن = ل، س (نیزهشت دستویس دیگر) ۲۸- س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ب): چو آن؛ ل: سپهدار چون؛ متن = ف:
 چنان ۲۹- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، لی، ل، آ، ل، ن، آ، ب): ترک؛ (پ: گش)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزو)

کمان‌ها بفرمود کردن به زه
 چو بیژن به نستیه‌ن اندر رسید
 هوا سرسر گشت^۲ زنگارگون^۳
 ز ترکان دو بهره فتاده^۵ نگون^۶
 یکی تیر بر اسپ نستیه‌نا ۹۰۵
 ز درد^۱ اندر آمد نگاور به روی
 عمودی بزد کان^{۱۱} سر ترگ‌دار
 چُنین گفت بیژن بدایرانیان^{۱۴}
 بجز گرز و شمشیر گیرد به دست،
 که ترکان به دیدن پری‌چهره‌اند ۹۱۰
 دلیران که بودند و^{۱۹} گنداوران
 چو پیلان همه دشت بر یکدگر
 از آن^{۲۴} رزمگه تا به توران‌سپاه
 چو پیران ندید^{۲۶} آن زمان با سپاه
 به کار آگهان گفت: ازین^{۲۸} رزمگاه ۹۱۵
 نشانی بیارد^{۳۰} ز نستیه‌نم

برآمد خروش از میهان و ز که^۱
 درفش سر ویسگان را بدید
 زمین شد بکردار دریای خون^۴
 به زیر پی اسپ و دل پر ز خون^۷
 رسید از گشاد^۸ بر بیژنا
 رسید اندرو بیژن رزمجوی^{۱۰}
 تهی ماند^{۱۲} از مغز و^{۱۳} برگشت کار
 که هر کو^{۱۵} ببندد^{۱۶} کمر بر میان،
 کمان بر سرش بر^{۱۷} کم پاک پست،
 به جنگ از هنز^{۱۸} پاک بی‌بهره‌اند
 کشیدند یکسر^{۲۰} پرنده‌آوران
 فگندند^{۲۱} تن‌ها^{۲۲}، جدا کرده^{۲۳} سر
 دمان از^{۲۵} پس اندر گرفتند راه
 برادر، برو^{۲۷} گشت گیتی سیاه
 هیونی که تازد بدایران‌سپاه^{۲۹}،
 وگر نه دو دیده ز بُن^{۳۱} برکم^{۳۲}

۱- س، ل، س، س (نیز لن، ق، پ، ل، آ): کهان وزمه؛ متن = ف، ل (نیز ب)؛ ق (نیز لی، ل) بیت‌های ۹۰۱ و ۹۰۲ را ندارند؛ ل در اینجا سرنویس دارد: رسیدن بیژن به نستیه‌ن و کشته شدن ۲- ل، ق، ل: گشته ۳- ف: زنگارگون ۴- ق: بزیر پی اسپ و دل پر ز خون (۹۰۳ و ۹۰۴ را انداخته و از ۹۰۳ و ۹۰۴ ب یک بیت ساخته است) ۵- ل: فتاده دو بهره ۶- س: بخون ۷- ل (نیز پ) اسپ غرقه بخون؛ س: اسپ گشته نگون؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، ل، آ، ب)؛ ل، و، ل، آ این بیت را ندارند؛ در ل این بیت پس از بیت ۹۰۶ آمده است ۸- ف، س (نیز لن، ل، آ): گشاد و؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز لی، پ، و، لن، ب) ۹- س: ز پای ۱۰- ل، س (نیز و): جنگجوی؛ (لن، پ، ل، آ): ناججوی؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، ل، لی، آ، ب)؛ در ل پس از این بیت، بیت ۹۰۴ آمده است ۱۱- ل، س، ق (نیز ق، ل، ل، آ، ب): بر؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، و، لن) ۱۲- س: گشت ۱۳- ل، س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، ب): ازو مغز و؛ ل: وزبخت؛ متن = ف، س (نیز ق، پ، و، آ) ۱۴- ل، س (نیز لن - ب): بایرانیان؛ متن = ف ۱۵- ل: هرگز (هرکو) ۱۶- س: نبندد ۱۷- ق (نیز لی، آ): کمانش بر سر؛ ل: کمان در سرش در ۱۸- س: اندرون ۱۹- ل: [و]؛ ل: دلیری گرفتند و؛ س، ق (نیز لن - ب): دلیری گرفتند؛ متن = ف، س ۲۰- س: لشکر؛ (ب: یک یک) ۲۱- ل، س، ق (نیز لن - ب): فکنده ز؛ متن = ف، ل، س ۲۲- ل: یکسر ۲۳- ل، س (نیز ق): مانده؛ ق: گشته؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، لی - ب) ۲۴- س: این ۲۵- س: دمان و ۲۶- ل، س: بدید (!) ۲۷- ل، س (نیز لن): بدو؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز پ، و، لن، آ، ب) ۲۸- ل: زین ۲۹- ل (نیز پ، لن، آ، ب): بایران سپاه؛ ل: بتازد باوردگاه؛ س: بتازند تا آن سپاه؛ س: که یارد بر ایران‌سپاه؛ (لن: که بازد بایران‌سپاه؛ ق: که تازد بنزد سپاه)؛ متن = ف؛ ق (نیز لی، ل، آ) بجای این بیت افزوده‌اند:

بگفتا سوارى بتازید زود بدان جایگه بر (ل): رزمگه هم بکردار دود
 ۳۰- ل، ق (نیز لی، ل، آ): که آرد نشانی؛ س: بیارد نشانی؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، پ، و، لن، ب) ۳۱- ل، س، ق (نیز و، ب): سر؛ س (نیز لی، آ): تن (ب: س)؛ (لن، ق): ن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف (نیز ل، پ، لن) ۳۲- ل: بزین ترکم (ب: زین برکم)

هیونی برون تاختند آن زمان^۱ که نستیهن آنک بر آن^۲ رزمگاه بریده سر، افکنده برسان پیل
 ۹۲۰ چو بشنید پیران برآمد به جوش^۶ همی کند موی و همی ریخت آب^۷ بزد دست و بدرید رومی قبای
 همی گفت کای^{۱۱} کردگار جهان که بگستی^{۱۲} از تن دل و^{۱۳} زور من
 ۹۲۵ دروغ آن هزبرافگن گردگیر برادر گرامی تر از جان^{۱۶} من چو نستیهن آن شیر شرز به جنگ
 که را یابم اکنون بدین^{۱۸} رزمگاه؟

برفت و بدید و بیامد دمان^۲ ابا نامداران^۴ توران سپاه، تن از گرز^۵ خسته بکردار نیل
 نماند آن زمان با سپهدار هوش ازو^۸ دور شد خورد و آرام و خواب^۹ برآمد خروشدن و^{۱۰} های های
 همانا که با تو بدستم نیهان، چنین تیره گشت^{۱۴} اختر و هور من جوان و دلیر و سوار و^{۱۵} هزیر
 سر ویسگان گردهومان من که روباه بودی به جنگش^{۱۷} پلنگ، به جنگ اندرآورد باید سپاه

بزد نای روین و بر بست کوس ز کوه گنابند^{۲۰} برون شد سپاه
 ۹۳۰ سپهدار ایران بزد گره نای^{۲۱} میان سپه کاویانی درفش همه نامداران پرخاشجوی^{۲۲}
 سپیده دمان اندرآمد سپاه

هوا نیلگون شد، زمین^{۱۹} آنوس بشد روشنایی ز خورشید و ماه
 سپاه اندرآورد و بگرفت جای به پیش اندرون تیغهای بنفش
 ابا نیزه و گرزهی گاوری^{۲۳} به یکبار تا گشت^{۲۴} گیتی سپاه

۱- س: از سپاه؛ ق: تاخت اندر زمان ۱- س: پگاه ۳- ل، س، ق (نیز لن، لی، پ، آ، ب): بدان؛ (و: در آن)؛ متن = ف، ل، س^۱ ۴- ل: نامداران و ۵- س (نیز ق): درد؛ در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر آگه شدن پیران از کشته شدن نستیهن (!) و زاری کردن ۶- س: برآمد خروش؛ (لن، ل، پ، لن، آ، ب: برآورد جوش؛ ق: نزدیک خروش)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز لی، و، آ) ۷- س: خاک ۸- س: وزو ۹- س: آرام پاک؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۰- ل، ق (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ): [و]؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب) ۱۱- ق: ای ۱۲- (لن، لن، آ: بشکستی) ۱۳- ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): از بازوان؛ ق: از بازو این؛ (لی، آ: از من دل و؛ آ: آن تاب و آن)؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۱۴- ل، س، ق (نیز لن، ب): شد؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۱۵- ق: [و]؛ ل: جوان دلاور سوار؛ س: دلبر و جوان و سوار و؛ ل: جوان و سوار و دلیر و؛ متن = ف، س^۱ ۱۶- ل، س، ق (نیز لن، لی، آ): گرامی برادر جهانبان؛ (ق: گرامی جهانبان و جانان؛ ب: گرامی برادر نگهبان)؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۱۷- ق: به پیشش ۱۸- س: برین ۱۹- ق: تیره گون شد سپهر؛ س: بیت های ۹۲۹ و ۹۳۰ را ندارد ۲۰- ل، آ: کیابد ۲۱- ف، ل، س: کرتای؛ متن = ق، ل، آ، س^۱ ۲۲- ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ): پرخاشخر؛ متن ← ۲۳- ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ): گاوسر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل) ۲۴- ق (نیز لی، ل، آ): برگشت؛ ل پس از این بیت افزوده است:

برفتند زان پس به بنگاه خویش

بخیمه شد این، آن بخرگاه خویش

۹۳۵ سپهدار ایران به زبید^۱ رسید
همی‌گفت کامروز رزمی گران
گمانی برم من که^۳ پیران کنون
وُزو یار خواهد به جنگ^۵ سپاه

از اندیشه کردن دلش نارمید^۲
بکردیم و گُشتیم ازیشان سران
دواند سَوی شاه توران^۴ هیون
رسانم کنون^۶ آگهی من^۷ به شاه

گفتار اندر نامه فرستادن گودرز بنزدیک شاه کیخسرو^۸

۹۴۰ نیبسنده^۱ نامه را خواند و گفت:
اگر برگشایی تو لب^{۱۰} را ز بند
یکی نامه فرمود نزدیک شاه
به خسرو نمود آن کجا رفته بود
فرستادن گیو و پیونده^{۱۵} و مهر
ز پاسخ که آورده بُد^{۱۶} گیو را
۹۴۵ وُزان^{۱۸} لشکری کز پیش چون پلنگ
وُزان^{۲۰} پس کجا رزمگه ساختند
ز هومان و نستیهَن جنگ جوی
ز کردار بیژن که^{۲۳} روز نبرد
سَخُن سرسَر چون همه گفته شد^{۲۶}

برآورد خواهم نهان از نهفت
زبان آورد بر سرت بر^{۱۱} گزند
بدآگاه^{۱۲} کردن ز کار^{۱۳} سپاه
سَخُن هرچه^{۱۴} پیران بدو گفته بود:
نمودن بدو کار گردان سپهر،
بزرگانِ فرزانه و^{۱۷} نیو راه،
بیاورد سوی گنابند^{۱۹} به جنگ،
از آزر^{۲۱} دلها^{۲۲} پرداختند،
سراسر همه یاد کرد اندروی،
بدان^{۲۴} گرزدارانِ توران^{۲۵} چه کرد
ز پیگار چندان کجا^{۲۷} رفته شد^{۲۶}،

۱- در ف، س، ق حرف دوم، در ل حرفهای دوم و سوم و در لن، ب حرفهای یکم و دوم و سوم نقطه ندارند؛ ل، س، ز: زبید؛ (ق): لشکر؛ آ: رسید؛ متن = (ل، پ، لن) ۲- ل، ق (نیز ل): بردمید؛ متن = ف، س، ل، س، ز (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ب) ۳- ل: برم زانک ۴- ل، ق: ترکان ۵- س: بجنگش؛ ق (نیز و): بجنگ و؛ (ق، ل، ل، آ، ب: بجنگم)؛ متن = ف، ل، ل، س، ز (نیز لن، پ، لن) ۶- س: ازین ۷- ل، س، ز: نزد ۸- ف: گفتار اندر نامه فرستادن گودرز بنزدیک شاه کیخسرو و آگاهی دادن او را از کشتن هومان و نستیهَن و آمدن افراسیاب؛ س: نامه گودرز بنزد کیخسرو و باز نمودن از حال لشکر؛ ق: اخبار نامه گودرز به کیخسرو و از حال لشکرها؛ ل: نامه گودرز نزدیک کیخسرو؛ س: نامه کیخسرو از گودرز؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۹- ل، س، ق، ل، ز (نیز لن، ل، و، ب): نویسنده؛ متن = ف، س، ز (نیز پ) ۱۰- س (نیز لن، و، لن، ب): دولب؛ (ق): زبان؛ متن = ف، ل، ق، ل، س، ز (نیز ل، ل، آ) ۱۱- ق: سرتو؛ س: سرت بی (!) ۱۲- ل، س، ق، ل، ز (نیز لن، ب): باگاه؛ س: برآگاه؛ متن = ف ۱۳- ق (نیز ل): حال؛ ف پس از این بیت افزوده است: پس از نام دادار جان آفرین بسی کرد بر پهلوان آفرین این بیت در چهارده دستویس دیگر نیست و در ترجمه بنداری هم نیامده است: فأمر الکاتب فکتب الی الملک کیخسرو کتابا یذکر فیہ إنفاده جیوا بالرسالة الی بیران... ۱۴- ل: هرچ ۱۵- ق (نیز ل، آ): و از کین ۱۶- ل: که دادند مر؛ س (نیز لن، پ، و، لن، ب): که او داده بد؛ (ل): که آورد مر؛ متن = ف، ق، ل، س، ز (نیز ق، ل، آ) ۱۷- س، ق: [و]؛ ل: بزرگان و فرزانه؛ س: بزرگان و فرزانه و؛ متن = ف، س، ز ۱۸- س: از آن ۱۹- در س، ل، س، ز حرف دوم نقطه ندارد؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ب) ۲۰- ل: از آن ۲۱- ف، ل، ق (نیز لن، ب): وزان (لن، پ، لن): از آن؛ ل، آ، ب: در آن رزم (؟)؛ متن = س، ل، ز ۲۲- ل: دل را؛ س: زمین را ز ترکان ۲۳- س: به ۲۴- س: که با؛ س: بران ۲۵- ف (نیز ق، و): ترکان؛ متن = ل، س، ز (نیز لن، ل، ل، پ، لن، آ) ۲۶- ل، ق (نیز لن، ل، پ، و، لن، آ): بود؛ متن = ف، س، ل، س، ز (نیز ب) ۲۷- ل، س (نیز ل، و، آ): و جنگ آنکجا؛ (لن، پ، لن): و جنگ آن چنان؛ متن = ف، ق، ل، س، ز (نیز ل، ب)

۹۵۰ پپردخت از آن^۱ پس بدافراسیاب^۲
 گر او از لب رود جیحون سپاه^۳
 تو دانی که با او^۵ ندارم پای
 مگر خسرو آید به پشت سپاه
 و رایدونک پیران کند دست پیش
 به خسرو رسد زان^{۱۰} حدیث^{۱۱} آگهی
 ۹۵۵ دیگر آنک^{۱۴} از رستم دیوبند
 ز کردار ایشان به کهتر^{۱۷} خبر

چو نامه به مهر اندر آورد و بند
 نشستگه^{۱۹} خسروی ساختند
 ۹۶۰ بفرمود تا رفت پیشش هُجیر
 بگفت این^{۲۱} سَخُن سربس پهلوان
 چُنین^{۲۲} گفت کای پور هشیاردل
 اگر هرگزت^{۲۴} نزد من دستگاه
 چو^{۲۵} بستانی این نامه اندر^{۲۶} زمان
 ۹۶۵ شب و روز ماسای و^{۲۸} سر بر بخار

بفرمود تا بر ستور نوند،
 فراوان تگاور برون تاختند
 جوانی بکردار هُشیار پیر^{۲۰}
 به پیش هُشیوار پور جوان
 یکی تیز گردان بدین^{۲۳} کار دل
 همی جست باید، کنونست گاه
 برو^{۲۷} هم بکردار بادِ دمان
 بر نامه‌ی من بر شهریار

۱- ل، س: زان ۲- ل، ق، ل، س: (نیز ل، ق، ل، پ، ب): بافراسیاب؛ متن = ف؛ س این بیت را ندارد ۳- ق: زتنگ (!)؛
 ل: گر او ز آب جیحون باوردگاه؛ س: (نیز ق): گر او ز آب (ق: همان آب) جیحون فراوان سپاه؛ (ب: گر او آرد از آب جیحون سپاه)؛ متن =
 ف، ل، س (نیز ل، ل، آ) ۴- ل: بایران گذارد سپه را براه؛ ق: بایران گذارد سپه را بجنگ؛ ل: فراوان گذارد بایران سپاه؛ س: (نیز ق):
 گذارد بر (ق: به) ایران بد آورد گاه (ق: باوردگاه)؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، ب: جزف دیگر دستنویسها: بایران) ۵- ف (نیز
 ق): وی؛ متن = ل- س: (نیز ل، ل، ب) ۶- س (نیز ل، پ، ل، ن): ابا شاه ایران؛ (ق: ایا پی خجسته؛ و: ایا پهلوان)؛ متن = ف، ل،
 ق، ل، س: (نیز ل، ل، ل، آ، ب) ۷- س (نیز ل، پ، ل، ن): برنهد مر (س: بر) گوان را کلاه؛ ق (نیز ل): زایران گراید بدین رزمگاه؛
 متن = ف، ل، ل، س: (نیز ل، ق، و، آ، ب) ۸- ف، ل، س، ق (نیز ل، ل، و، آ، ل، ب) برای دو حرف نخستین تنها یک نقطه در بالا
 دارند؛ ل: (نیز ق، ل، ب): بخواهد؛ متن = س: ۹- ل، ل، س: سپاه او خود؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ل، ب) ۱۰- س، ل، س: زین
 ۱۱- ل، ق (نیز ق، ب): سپس؛ س (نیز ل، ل، و، آ): سخن؛ (ب: زمان)؛ متن = ف، ل، س: (نیز ل، ن): حدیث (؟)؛ بیت
 (۱۲۹۵) ۱۲- ف، ل، س: (نیز ل، ل، آ، ب): وی؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ق، پ، و، ل، ن) ۱۳- ل، س، ق (نیز و، آ): بخت؛
 (ل، ق، ل، ل، ل، ن، ب: بخت)؛ متن = ف، ل، س: (نیز ب) ۱۴- ل، س: (نیز ق، ل، ل، آ، ب): و دیگر که؛ (ل، پ، ل، ن): ور
 ایسدونک (!)؛ متن = ف ۱۵- ف، س، ق، ل، س: وز؛ متن = ل ۱۶- (ق، آ، ب، بنداری: اشکس) ۱۷- ق (نیز آ):
 بچاکر ۱۸- س: رهاند (!) ۱۹- س، ل: (نیز ل، ق، ل، ل، ن، ب): نشستگهی؛ متن = ف، ل، س: (نیز ب، آ): ق (نیز ل، و)
 این بیت را ندارند ۲۰- ل: هشیار و پیر؛ ل: هشیار تیر (!)؛ (ل، ل، ن، آ: و هشیار پیر؛ ق: بگفتار و هشیار پیر)؛ متن = ف، س، ق، س: (نیز ل، ل، و، پ، ب) ۲۱- ل: آن ۲۲- ل (نیز ل، و): بدو ۲۳- ل، س: برین ۲۴- ل، ق (نیز ل، ل، آ): مرترا؛
 متن = ف، س، ل، س: (نیز ل، ق، پ، و، ل، ب) ۲۵- ق: تو ۲۶- ل (نیز ب): هم در ۲۷- ق (نیز ل، آ): روی؛ (ق: ب)
 ۲۸- س: [و]؛ ق: ماسا و

به پدروود کردن گرفتش به بر
 ز لشکر ز خویشان دو تن را بخواند^۱
 برون شد ز پرده سرای پدر
 خور و خواب و آرامشان بر ستور
 برآن^۲ گونه پویان به راه آمدند ۹۷۰
 چُن^۳ از راه ایران برآمد^۴ سوار^۵
 پذیره فرستاد شَمَاح^۶ را
 پرسید چون دید روی هُجیر
 درودست^۷ باری که بس^۸ ناگهان
 بفرمود تا پرده برداشتند ۹۷۵
 هُجیر اندرآمد، چو خسرو بدوی^۹
 پرسید بسیار و بنشاندش^{۱۰}
 ز گودرز و ز مهتران سپاه
 درود بزرگان به خسرو بداد^{۱۱}
 بدو داد پس نامه‌ی پهلوان ۹۸۰
 نبیسنده^{۱۲} را پیش بنشاندند^{۱۳}
 چو برخواند نامه به خسرو دبیر

برون آمد از پیشِ فرخ‌پدر
 سبکشان بر^{۱۴} اسپِ تگاور نشانند
 به هر منزلی بر هیونی دگر
 چه تاریکی شب^{۱۵}، چه تابنده هور
 که هفتم بنزدیک^{۱۶} شاه آمدند
 کس آمد بر خسرو نامدار^{۱۷}
 چه مایه دلیران گستاخ را
 که ای پهلوان زاده‌ی شیرگیر،
 رسیدی بنزدیک^{۱۸} شاه جهان
 بر^{۱۹} اسپش ز درگاه بگذاشتند
 نگه کرد^{۲۰}، پیشش بمالید^{۲۱} روی
 هزاران هُجیر^{۲۲} آفرین خواندش^{۲۳}
 ز هریک^{۲۴} یکایک^{۲۵} پرسید شاه
 همه کار لشکر برو^{۲۶} کرد یاد^{۲۷}
 جوان^{۲۸} خردمند و^{۲۹} روشن روان
 بفرمود تا نامه برخواندند^{۳۰}
 ز یاقوت رخشان دهان هُجیر^{۳۱}،

۱- ل، ق (نیز ل، و)؛ ز لشکر دو تن را بر خویش خواند؛ (ق)؛ ز خویشان ز لشکر دو تن را بخواند؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب)؛ بنداری؛ فرکب و توجه نحو الحضرة فی جماعه من خواصه ۲- ل (نیز ل)؛ به ۳- س (نیز ل، ب، ل، ن)؛ تاریک شب را؛ (ل، آ، تاریک شب ها؛ ل؛ تاریک شب بد)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ق، و، ب) ۴- س؛ بدین ۵- ل؛ بیک هفته نزدیک؛ (ل، ل، ب، ل، ن)؛ پنجم بنزدیک؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ق، ل، و، آ، ب)؛ بنداری؛ بعد سبعة ایام ۶- ل، ل، س، ق، ل، ن (نیز ل، ق، ل، ب، پ)؛ چو؛ (ل؛ هم)؛ متن = ف، س، ۷- ل، ق، ل، س (نیز ل)؛ بیامد؛ متن = ف، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۸- ل، ل، س؛ براه ۹- ل، ل، س؛ پادشاه ۱۰- (ل؛ ستاخ) ۱۱- ف؛ درویش (درویش)؛ س؛ چه بودست؛ ل، س (نیز ب)؛ چه رویست؛ (ل؛ درستست)؛ متن = ل، ق (نیز ل، و، ل، آ) ۱۲- (ق)؛ درو دشت چونین که از؛ ل؛ درو دشت تازی که بس؛ پ؛ درو دشت چونین که از) ۱۳- س (نیز ل، ب، ل، آ، ب)؛ بدرگاه ۱۴- ل (نیز ل، و)؛ به؛ (ل)؛ ز) ۱۵- س؛ بر اوی؛ ل؛ بدرگاه اوی؛ س؛ بنزدیک اوی ۱۶- ل، ل، س؛ کرد و ۱۷- س (نیز ل، ب، ل، ن)؛ مالید بر خاک ۱۸- (ق، ل؛ بنواختش) ۱۹- ق؛ هجیر دلیر؛ (ل؛ بسی بر هجیر؛ و؛ فراوان هجیر) ۲۰- (ق، ل؛ ساختش)؛ س (نیز ل، ب، ل، ن)؛ این بیت را ندارند؛ ل پس از این بیت افزوده است؛ ز گوهر یکی تاج پیروزه شاه بزرگوارش چو رخشنده ماه ۲۱- (ل، ب، ل، ن؛ کس) ۲۲- س (نیز ق، و)؛ فراوان ۲۳- س (نیز ل، ب، ل، ن)؛ بخواند ۲۴- ق؛ بدو ۲۵- س (نیز ل، ب)؛ بر براند؛ (ل؛ باز راند) ۲۶- س، ل؛ جوان و ۲۷- ل، ق، س؛ [و] ۲۸- ل، ق، ل، س (نیز ل، ق، ل، و، ل، آ، ب)؛ نویسنده؛ س؛ پسندیده (!)؛ (ل؛ فرستاده)؛ متن = ف (نیز ب) ۲۹- (ق)؛ بنشاند شاه؛ ف، ل، س (نیز ب)؛ نامه را پیش خواند؛ متن ← ۳۰- ف، ل، س (نیز ب)؛ بروی بخواند (بخواند)؛ (ق)؛ خواند بشاه؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، آ) ۳۱- ل؛ هزیر (!)

<p>که دینار و دیبا بیار از نَهفت همی ریخت تا شد سرش ناپدید بیاورد با تاج گوهرنگار^۱ ابا زین زرین ده اسپ هُزیره^۵ درم داد و دینار و هرگونه^۶ چیز نشستگه می بیاراستند گرفتند^۸ یکسر همه می به دست همی رای زد خسرو از بیش و کم^۱ به پیش جهان داور آمد نخست دو دیده چُن^{۱۱} ابری به بارندگی همی آفرین خواند بر دادگر بدو^{۱۳} جُست دیهم و تخت مهی^{۱۴} به درد از دو دیده فروریخت آب نشست از بر گاه با فرهی^{۱۶}</p>	<p>بیاگند، از آن^۱ پس به گنجور گفت بیاورد بدره چو فرمان شنید پس از^۲ دست زرجامه‌ی شهریار^۳ همیدون بردند پیش هُجیر به یارانش بر خجعت افگند نیز از آن تخت با شاه^۷ برخاستند هُجیر و بزرگان خسروپرست نشستند یک روز و یک شب بهم^{۹۹۰} به شبگیر خسرو سر و تن بشت پوشید نو^{۱۰} جامه‌ی بندگی دو تا کرد پشت و فرورد سر^{۱۲} از خواست پیروزی و فرهی به یزدان بنالید از^{۱۵} افراسیاب و زآنجا بیامد چو سرو سهی</p>
--	---

گفتار اندر پاسخ نامه‌ی گودرز از شاه کیخسرو^{۱۷}

<p>دبیر خردمند را پیش خواند چُن آن^{۱۹} نامه را باز^{۲۰} پاسخ نبشت^{۲۱}</p>	<p>سَخُن‌های بایسته با او^{۱۸} براند پدید آورد اندرو خوب و زشت</p>
---	--

۱- ل، ق، ل، س، آ: وزان؛ متن = ف، س ۲- س (نیز، ل، ن): یکی؛ متن ← ۳- ل: بیاورد پس جامه‌ی زرنگار؛ ق: پس از دست آن جامه‌ی شاهوار؛ (ل، آ: قبا و کلاه گزین شهریار؛ پ: یکی دست [زر] جامه‌ی شهریار؛ و: پس آنگه یکی جامه‌ی شاهوار؛ ب: پس از دست و از جامه‌ی شهریار)؛ متن = ف، ل، س، آ (نیز ل؟)؛ س، ق، ل، ن، پ، ل، ن، ب) ۴- ل: چنان چون بود از در شهریار؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیز، ل، ب) ۵- ل: هجیر(!) ۶- س: و بسیار؛ ل: و دیبا و بسیار ۷- ل (نیز ل): از آن پس چو از جای؛ ق: وزان پس چو زان جای؛ ل، س، آ (نیز ق، ب): وزان جای با (ق: جا ابا) شاه؛ متن = ف، س (نیز، ل، پ، و، ل، ن) ۸- ل: برفتند؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیز، ل، ب) ۹- س (نیز، ل، پ، ل، ن): این بیت را ندارند ۱۰- ق: آن ۱۱- ل- س (نیز، ل، ب): چو؛ متن = ف ۱۲- ل، س، ق (نیز، ل، آ، پ، و، ل، ن): دوتایی (ق: ناهی) شدش (ل، ل، آ، و: شده) پشت و بنهاد سر؛ (ق: دوتایی شد و روی بنهاد و سر)؛ متن = ف، ل، س، آ (نیز، آ، ب) ۱۳- س، ق (نیز، آ، پ، ل، ن): از او؛ (ل، ل، ن، ب، آ، پ، و: و زو)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، آ (نیز ق) ۱۴- س (نیز، ل، ل، ل): دیهم شاهنشهی ۱۵- ل: ز ۱۶- ل (نیز، آ، ل): گاه (ق: تخت) شاهنشهی؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیز، ل، ب) ۱۷- ف: گفتار اندر پاسخ نامه‌ی گودرز از شاه کیخسرو و آگاهی دادن او را از کار سپاه ایران و ستایش کردن بر پهلوانان؛ ل: پاسخ نامه‌ی گودرز از پیش شاه کیخسرو؛ ق، ل: پاسخ نامه‌ی گودرز از کیخسرو (ق: از شاه و بازگشت هجیر؛ س: پاسخ نامه‌ی کیخسرو بگودرز؛ متن = آغاز ف ۱۸- ف، ل، س، آ (نیز، ب): با وی؛ (ق، آ، ل): چندی؛ متن = ل، س، ق (نیز، ل، ب، و، ل، آ) ۱۹- ل، س، ل (نیز، ل، ق، آ، پ، ل، ن): چو آن؛ ق (نیز، ل، آ، و، آ): مرآن؛ س، آ (نیز، ب): چنان؛ متن = ف ۲۰- ل، ق (نیز، ل، آ): زود؛ (و: شاه)؛ متن = ف، س، ل، س، آ (نیز، ل، ق، آ، پ، ل، ن) ۲۱- ل، س، آ (نیز، ل، ق، آ، ل، و، ل، ن، ب): نوشت؛ متن = ف، ق (نیز، پ، آ)؛ ل، ق (نیز، ق، ل، ل، آ، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

نخست آفرین کرد بر کردگار (ق: دادگر) کز و دید نیک و بد روزگار (ق: خداوند پیروزی و زور و فر)

نخست ^۱ آفرین کرد بر پهلوان	
خجسته سپهدار بسیارهوش	۱۰۰۰
خداوند گوبال ^۲ و تیغ بنفش	
سپاس از جهانداریزدان ما	
از اختر ترا روشنایی نمود	
نخست آنک گفتی که ^۳ مر گیو را	
بنزدیک پیران فرستاده ام ^۴	۱۰۰۵
نپذیرفت ^۵ بدگوشش ^۶ پند من ^۷	
سپهد یکی داستان زد برین ^۸	
که هر مهتری ^۹ کوروان کاسته ست ^{۱۰}	
مرا زان سخن پیش بود آگهی	
ولیکن از آن ^{۱۱} خوب کردار اوی ^{۱۲}	۱۰۱۰
کنون آشکارا نمود این ^{۱۳} سپهر	
نبیند جهان جز به ^{۱۴} افراسیاب	
گر او ^{۱۵} بر خرد برگزیند هوا ^{۱۶}	
تو با ^{۱۷} دشمن ار خوب گفتی ^{۱۸} رواست	
که جاوید بادی و روشن روان	
همت رای و دانش، همت جنگ و جوش ^{۱۹}	
فروزنده ی کاویانی درفش	
که پیروز بودند گردان ما	
ز دشمن برآورد ناگاه ^{۲۰} دود	
بزرگان ^{۲۱} فرزانه ی ^{۲۲} نیو را،	
چه مایه ورا پندها داده ام ^{۲۳} ،	
نجست اندر آن ^{۲۴} کار پیوند من ^{۲۵}	
که ^{۲۶} دستور پیشش ^{۲۷} برآورد کین ^{۲۸} ،	
ز نیکی بیچیدن آراسته ست ^{۲۹}	
که پیران دل از کین ندارد تهی ^{۳۰}	
نجستم ^{۳۱} همی ژرف پیگار اوی ^{۳۲}	
که پیران به توران گراید به مهر	
دلش را تو از مهر او برمتاب ^{۳۳} !	
به کوشش نروید ^{۳۴} ز خارا گیا ^{۳۵}	
کر ^{۳۶} آزادگان خوب گفتن سزاست	

۱- ل، ق (نیزق، ل، آ): دگر؛ (ل: وزو)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، پ، و، ل، ب) ۲- ل، س (نیزق، ب): هم (ق: همش) رای و دانش هم (ق: همش) جنگ و جوش؛ ق: هم رای در دانش و جنگ و جوش؛ ل، س: هم رای دانش هم جنگ جوش؛ متن = ف (نیز ل، ل، آ) ۳- در پ، ل، ب با سه نقطه ۴- ف: ز؛ س: که؛ متن = ل، ق، ل، س ۵- س: برآورد ناگاه ز دشمن ۶- س: آنگهی گفت (!)؛ ق: آنچه گفتی که؛ ل: آنکه گفتی که؛ متن = ل، س ۷- ل: بزرگان و ۸- ل: فرزانه و ۹- ف، ل، س (نیزب): فرستاده یی؛ متن ← ۱۰- ف، ل، س (نیزب): داده یی؛ متن = ل، س، ق (نیزلن - آ) ۱۱- ف: نپذیرفته؛ متن = ل، س (نیزلن - ب) ۱۲- ل، ق: از آن پس خود او؛ (ق: خود زان سپس؛ ل: کوشش همی؛ ل: پیران زمن)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، پ - ب) ۱۳- ق (نیزب): تو ۱۴- ل: اندرین ۱۵- (ل، ل، ب: بدین) ۱۶- ل، ق (نیزل): چو؛ متن ← ۱۷- ل، ق (نیزو، ب): پیشین؛ متن ← ۱۸- (ل: برآورده کین؛ ل: برآرد بکین؛ ب: باورد کین؛ ق: به پیش بزرگان با داد و دین)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، پ، ل، آ) ۱۹- (ل، ق، ل، ب، و، ل، آ: کهرتی)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیزب) ۲۰- س (نیزلن، پ، ل، آ): کان (لن: کو) بدی خواستست؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزق، ل، و، آ، ب) ۲۱- ل: بیخت بد آراستست؛ س (نیزلن، پ، و، ل، آ): بیچد روان کاستست؛ (ق: بیچیدن آراستست)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، آ، ب)؛ ق: بیتهای ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ را ندارد ۲۲- ل: بهی؛ ل: نخواهد تهی؛ س (نیزلن، پ، ل، آ): زکینه نگردد تهی؛ (ل، آ: ندارد دل از کین تهی)؛ متن = ف، س (نیزق، ل، و، ب) ۲۳- س: مرا ۲۴- ل، س: او؛ متن = ف ۲۵- ل، آ: از؛ (ل، پ، ل، آ: آن)؛ س: نمودت؛ متن = ف، ل (نیزق، و، ب)؛ ق (نیزل، ل) این بیت را ندارند ۲۶- (ب: بر)؛ ل، ق: کنون چون نه بیند جز؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۷- ق: مهر دیگر متاب ۲۸- ق: که گر؛ ل، س: که او؛ متن = ف، ل، س ۲۹- س: گناه ۳۰- ف: نجوید؛ ل: نجوید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ل، پ: بروید؛ و: نیارد؛ ب: بجوید)؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن، ق، ل، آ) ۳۱- س: گیاه ۳۲- (ق: ابا) ۳۳- ل، ل، س (نیزو): گوئی؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، ل، ب، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب): از؛ (ل: ز)؛ متن = ف، ل، س (نیزل، و، آ، ب)؛ ق (نیزل) این بیت را ندارند

۱۰۱۵ وُدیگر^۱ ز پیگار جنگاوران
 ز نیک اختر و گردش هور و ماه
 مرا این درستست کز کارکرد
 تو زور و دلیری ز یزدان^۶ شناس
 سدیگر^۸ که گفتی که افراسیاب
 ۱۰۲۰ ز پیران فرستاده شد نزد او
 همین بست^{۱۱} یکسر که گفتی سخن
 بدان ای پُراندیشه هشیار^{۱۳} من
 که^{۱۵} او بر لب رود جیحون درنگ
 که خاقان برو لشکر آرد ز چین^{۱۸}
 ۱۰۲۵ وُدیگر کز آن^{۲۱} لشکرانِ گران
 چو هراسپ و^{۲۴} چون آشکش^{۲۵} تیزچنگ
 برو^{۲۷} دشمن آمد^{۲۸} ز هر سو پدید
 چهارم^{۳۱} سخن کاگهی خواستی
 کجا یاد کردی به گرز گران
 ز کوشش نمودن^۲ بر آن^۳ رزمگاه،
 نمائی تو، مانند، روز^۵ نبرد
 چُنین ست و زو دار یکسر سپاس^۷
 سپه را همی بگذرانند بر^۹ آب
 سپهبد به پیران^{۱۰} نهاده ست روی
 کنون باز پاسخ فگندیم^{۱۲} بُن:
 به هر کار شایسته سالار^{۱۴} من،
 نه زان کرد کاید^{۱۶} سوی^{۱۷} ما به جنگ،
 فراز آمدش^{۱۹} بر^{۲۰} دو رویه کمین
 پراگنده^{۲۲} بر گرد توران سران^{۲۳}،
 چو رستم سپهبد دمنده نهنگ^{۲۶}،
 از آن بر لب رود^{۲۹} لشکر^{۳۰} کشید
 به مهر گوان دل بیاراستی،

۱- ف: سدیگر؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن-ب) ۲- (ق: وزان جنگ بیژن) ۳- س، ق (نیز لن، ق، ل، آ-ب): بدان؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ ۴- س: در ۵- ف: مانید روز؛ (ل، آ: ماننده روز)؛ ل، ق (نیز ل^۳): تو پیروز باشی بروز؛ س: بمانی تو در روزگار؛ (لن، پ، لن: نمائی بود روزگار؛ و: نمائی بمانند روز)؛ متن = ل، س^۱ (نیز ب)؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ل، ق (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند: نبیره کجا چون تو دارد نیا / ز شیران چه زاید (آ: نزیاید) مگر نزه شیر / به بیداد بر نیست این کارتو
 ۶- ل، س^۱: از یزد ۷- ف، س^۲: وزود آر (و-زودار) یکسر سپاس؛ ل: ازو داری یکسر سپاس؛ ل (نیز ق، آ، ب): ازو (ق: و زو) دار تا زنده باشی سپاس؛ س (نیز لن، ل-آ): چنین دان و زودار (لن: دان) یکسر سپاس (لن، ل: هراس)؛ متن = ف، س^۱ پس از تصحیح زود آره زودار، یا = ل^۱ پس از تصحیح ازوبه وزو؛ ق این بیت را ندارد ۸- ف: چهارم؛ (ق، ل، آ: سه دیگر)؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، ب) ۹- ل، س، ق (نیز لن-و، آ، ب)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز لن) ۱۰- ل، ق (نیز ل، آ) سپاهش بایران؛ (ب: به پیران سپهدار)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، و، لن، آ، ب) ۱۱- ل: هم آنست؛ ق: چنانست؛ متن = ف، س، ل، س^۱ ۱۲- ف: فکندی ز؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن، ق، ل، پ-ب) ۱۳- ل، ق (نیز ق، ل، و، آ): سالار؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، پ، لن، ب) ۱۴- ف، ل، س^۱: بایسته (؟) سالار؛ ل، ق (نیز ل، آ): شایسته کار؛ (ق: شایسته هشیار؛ و: شایسته و یار)؛ متن = س (نیز لن، پ، لن، ب) ۱۵- س: گر ۱۶- ق: نگیرد نیاید ۱۷- ل، ق (نیز ل^۳): بر؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- س (نیز لن، پ، و، لن): کجا لشکر آورد از سوی چین ۱۹- ق، ل، س^۱: آیدش ۲۰- ل، ق (نیز ل، آ، و، آ، ب): از؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، آ، ب) ۲۱- ف: دگر آنک از؛ ل: و دیگر که از؛ متن = س، ق، ل، س^۱ (نیز لن-ب) ۲۲- ف (نیز لن، ل، پ، لن، آ): پراکنند ۲۳- ق: تورانیان ۲۴- ف، ق، ل (نیز ل): [و] ۲۵- ق، س^۱ (نیز ق، و، آ، بنداری): اشکس ۲۶- س (نیز لن، پ، لن): پناه یلان روز (لن: شیر) جنگ؛ درل، ق، ل بیت ۱۰۲۶ پس از بیت ۱۰۲۸ و درل، آپس از بیت ۱۰۲۹ آمده است؛ بیایی بیت های متن = ده دستنویس دیگر و بنداری (۱۰۱۹-۱۰۲۷): و ذکر فیه آن قرب افراسیاب من جیحون لیس مما توهته بل لانه استمعر من عسا کرنا اللاتة التي نغذناها للتوغل علیه من اطراف مملکت ۲۷- ل، ق: بدو ۲۸- ق: آید ۲۹- ل، س^۱ (نیز ق، و): آب ۳۰- ل، ق: جیحون؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن-ب) ۳۱- ف، ل، س، ل، س^۱ (نیز لن-ب): به پنجه (!)؛ متن = ق

<p>بدان ای سپهدار و آگاه باش ۱۰۳۰ کز آن سو که شد رستم شیرمرد و زان سو که رفت آشکش^۴ تیزهوش به رزم اندرون شیده برگشت ازوی و زان سو که لهراسپ شد با سپاه آلانان و غز گشت^۷ پرداخته ۱۰۳۵ گر افراسیاب اندرآید به راه بگیرند گردنکشان^{۱۰} پشت اوی^{۱۱} تو بشناس کو شهر^{۱۳} آباد خویش به گفتار پیران نماند به جای نخبانند او - داستان را - دو لب ۱۰۴۰ بر آن^{۱۷} روز هرگز مبادا درود به ما بر کند پیش دستی به جنگ بفرمایم اکنون که بر پیل^{۲۱} کوس دهستان^{۲۲} و گرگان^{۲۳} و آن شهر و بر^{۲۴} من اندر پی طوس با پیل و گاه ۱۰۴۵ تو از جنگ پیران^{۲۶} مبرتاب روی</p>	<p>به هر کار با بخت همراه باش، ز کشمیر و کاول^۲ برآورد^۳ گرد برآمد ز خوارزم یکسر خروش سوی شهر گرگانج بنهاد^۵ روی همه مهتران برگشادند راه^۶ شد آن پادشایی^۸ همه ساخته ز جیحون بدین سو گذارد^۹ سپاه، نماند مگر^{۱۲} باد در مشت اوی^{۱۱} بروبوم و فرخنده بنیاد خویش، به دشمن سپارد، نهد پیش پای^{۱۴} که ناید خبر^{۱۵} زو به من روز و شب^{۱۶} که او بگذراند سپه را ز^{۱۸} رود، نیند کس این^{۱۹} روز تاریک و^{۲۰} تنگ! ببندد دمنده سپهدار طوس بگیرد، برآرد به خورشید سر بیایم به یاری^{۲۵} به پشت سپاه سپه را بیارای، پس^{۲۷} کینه جوی</p>
---	---

۱.. س: از آن؛ ل، آ، س: که زان؛ متن = ف، ل، ق ۲- ف، ل، ق، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ، ب، بنداری): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- س (نیز ل، پ، ل، ن): برآمد ز هند و ز کشمیر ۴- ق (نیز ق، ل، آ، بنداری): اشکس ۵- ل: گرگان نهادست؛ س: (نیز ل، و): کرکاج بنهاد؛ ق: خلخ نهادست؛ پ: بسوی شهر کاج بنهاد؛ متن = ف، ل، آ، بنداری؛ س، ق (نیز ل، ل، ن): این بیت را ندارند ۶- ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۷- ل: عرگشت؛ س، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن، ب): عرگشت؛ ل: عرگشت؛ و: غرچه ست؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۸- ل- س: (نیز ل- ب): پادشاهی؛ متن = ف؛ بنداری (۱۰۲۸-۱۰۳۴): و اما ما تشوقت انیه من الوقوف علی أحوالهم فاعلم أن رستم قد استولى علی جمیع ممالک کشمیر و کابل و غیرها. و اما اشکس فانه هزم شیده بن افراسیاب و کسره، و تغلب علی خوارزم و تلک الأطراف. و اما لهراسب فقد اطاعه جمیع أهل آلان الی أقصى الحزر، واستوسقت له تلک النواحی ۹- ل: سپارد ۱۰- ل، ق (نیز ل): گردان پس؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۱- ل، س: او ۱۲- ل، س، ق (نیز ل، ل، ب): بجز؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق) ۱۳- ف، ل، آ، س: (نیز ب): بوم (?); متن = ل، س، ق (نیز ل- آ) ۱۴- ق این بیت را ندارد ۱۵- ف: هنز (!); متن = ل، س، ل، آ، س: (نیز ل، ق، ل، ب- ب) ۱۶- س: زو بروز و بشب؛ ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۱۷- ل، س، ق (نیز ل، ل، ن، آ، ب): بدان؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ، پ، و، آ) ۱۸- ف: به (?); متن = ل- س: (نیز ل- ب) ۱۹- س، ل، آ، آن ۲۰- ق: [و] ۲۱- ف (نیز ب): پیل و (!); س: بند؛ آ: که تا پیل و؛ متن = ل، س، ق، ل، (نیز ل- ل، ن، آ) ۲۲- ق: قهستان) ۲۳- ل: گردان (ج- گرگان); ل: جرجان) ۲۴- ل، س (نیز ل- آ): بوم و بر؛ ق، س: شهر بر؛ ب: دشت و بر؛ متن = ف، ل، آ، س: بیاری بیایم؛ س: بیارم بیاری؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۲۶- س، ق (نیز ل، ل، آ، پ، و، ل، ن): ترکان؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز ق، ل، آ، ب): بنداری: فلا تشقاعد عن قتال پیران ۲۷- ل: وزو؛ ق، ل، آ، س: (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): و پس؛ ق: فراز آرو بس؛ متن = ف، س (نیز و)

- چو هومان و نستیهن از پشت اوی^۱
گر از نامداران ایران نبرد
چو پیران نبرد تو جوید دلیر
به پیگار مندیش از^۲ افراسیاب
چُن^۸ آمد^۱ به جنگ اندرون جنگ جوی
بریشان تو پیروز باشی به جنگ
چنینست اومید از کردگار^{۱۳}
همیدون گمانم که من چون ز راه^{۱۵}
بریشان^{۱۸} شما رانده باشید کام
- ۱۰۵۰
- ز طوس و ز کاوس^{۲۰} نزد سپاه
بر آن نامه بنهاد خسرو نگین
- ۱۰۵۵
- چُن^{۲۱} از پیش خسرو برون شد هجیر
ز بس مهربانی که بُد بر سپاه
همی گفت: اگر^{۲۳} لشکر افراسیاب
سپاه مرا بگسلاند ز جای
همانگه شه نوزدان را بخواند
- ۱۰۶۰
- جدا شد غم انگار^۲ در مشت اوی^۱
بخواهد، بفرمای و زو^۳ برمگرد
مکن بددلی، پیش^۴ او رو^۵ چو شیر
به جای آر دل، روی ازو^۷ برمتاب
نساید که برتابی^{۱۰} از پیل^{۱۱} روی
نگر دل نداری بدین^{۱۲} کار تنگ
دهد شادمانی مرا روزگار^{۱۴}
به تنگ^{۱۶} سپاه اندرآرم سپاه^{۱۷}،
به خورشید تابان^{۱۹} برآورده نام
- درد فراوان فرستاد شاه
فرستاده را داد و کرد آفرین
- سپهد همی رای زد با وزیر^{۲۲}
سراسر همه رزم بُد رای شاه
بجانباند از جای و بگذارد آب،
مرا رفت باید، همینست رای!
بفرمود تا تیز لشکر براند

۱- ف، ل، س، ق: او؛ متن = ل، س، آ ۲- ل، ق، ل، س، آ (نیز ل، ب): جدا ماند (ل، س، آ، ب: هم) باد؛ (ق): جدا ماند با دست؛ و:
که آمد غم انگار؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، ب، ل، ن، آ) ۳- ل: بفرما و زان؛ س (نیز ل، ب، و، ل، ن): ز فرمان او؛ متن = ف، ق، ل، آ،
س (نیز ق، ل، آ، ب) ۴- ق: سوی ۵- ل، س (نیز ل، ب): شو؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز هفت دستویس دیگر) ۶-
ل: ز ۷- س: بیاری لشکر تو رو ۸- ل، ق، ل، آ: چو؛ متن = ف، س، آ ۹- ل، ق: آید ۱۰- ق: برتابد ۱۱- ل (نیز
ق، ل، و، آ): جنگ؛ ق: سنگ (!)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ب): س (نیز ل، ب، ل، ن، آ) این بیت را ندارند؛ (ل) ۱۰۵۰-۱۰۷۱ را
ندارد) ۱۲- ف: برین؛ (و: ازین)؛ متن = ل- س (نیز ل، ق، ل، ب، ل، ن، آ، ب) ۱۳- ف: کز کردگار؛ س (نیز ل، ب، ل، ن، آ):
امیدم از (ب: که از) روزگار؛ (ق، آ: امید کز کردگار؛ ل: امیدم از کردگار)؛ ل (نیز و): چنین دارم اومید از (و: امید کز) کردگار؛ ق، ل، آ،
س (نیز ب): چنین استم امید کز (ق: از س، آ: بر) کردگار (ب: روزگار)؛ متن = ف پس از تصحیح کز به از، یا = ل پس از تصحیح دارم به
است ۱۴- س (نیز ل، ب، ل، ن، آ، ب): کردگار؛ ل، ق: که پیروز باشی تو در کارزار؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، و، آ) ۱۵- ف،
ل: من خود (→ چون؟) بگناه (= بگناه؟)؛ س: من خود (→ چون؟) سپاه؛ (ب: فردا بگناه)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ق، ل، ب، و، ل، ن، آ،
آ) ۱۶- ف، ل، آ، س: بنیرو؛ ل: بیشت؛ متن = س، ق (نیز ل، ق، ل، ب، ب) ۱۷- ف، ل: ز راه؛ س: آیم ز راه؛ متن = ل،
س، ق (نیز ل، ق، ل، ب، ب) ۱۸- ل (نیز ل): بدیشان ۱۹- ل، آ، س (نیز ب): رخشان؛ بنداری؛ و أرجوان تظفر به و تفرغ مه
قبل وصولنا ۲۰- ل: ز کاوس و ز طوس؛ س (نیز ل، ب، ل، ن، آ): ز نزدیک کاوس؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، و، آ، ب): بنداری؛
ثم ختم الکتاب بالسلام علیه عن الملک کیکاوس و عن طوس ۲۱- ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ب، ب): چو؛ متن = ف،
س، آ ۲۲- س (نیز ل، ب، و، ل، ن، آ): دیر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، ب، آ، ب) ۲۳- ل، آ، س: گز

<p>ابا زنگ زَرین و پیلان و^۱ کوس بگفت آنچه^۲ دید از شه خسروان همی گفت و آزادی^۳ و پند او^۴ چگونه ز پیغام بگشاد چهر به گودرز داد و^۵ درود مهان بمالید بر^۶ نامه بر چشم و روی سخن ها برو کرد خواننده یاد به فرمان بیوسید روی زمین به شبگیر بنشست و بگشاد در^۷ برفتند بر سر نهاده کلاه^۸ بیاورد و بنهاد پیش دبیر ز نامه همی خواند پیش سپاه به دیوان دینار دادن نشانند به لشکرگه آورد یکسر گروه همان مایه ورجوشن و خود زر، چُن^۹ آمد گه نام^{۱۰} جستن پدید سوار و پیاده شد آراسته زمین از پی^{۱۱} بادپایان ستوه همه غرقه در آهن و زر و سیم دل و گوش^{۱۲} دادن به کین آختن^{۱۳}</p>	<p>بیاراست لشکر چو چشم خروس چُن^{۱۴} آمد بر نامورپهلوان نوازیدن شاه و پیوند او^{۱۵} که چون بر سپه بر گزیده ست^{۱۶} مهر پس آن نامه ی شهریار جهان نوازیدن شاه بشنید ازوی چو بگشاد مهرش، به خواننده داد سپهدار بر شاه کرد آفرین بود آن شب و رای زد با پسر همه نامداران لشکر پگاه پس آن نامه ی شاه فرخ هجیر دبیر آن زمان پند و فرمان شاه سپهدار روزی دهان را بخواند از^{۱۷} اسپان گله هرچه^{۱۸} بودش به کوه در گنج دینار و تیغ و کمر به روزی دهان داد یکسر کلید برافشانند بر لشکر آن^{۱۹} خواسته یکی لشکری گشت^{۲۰} برسان کوه دل^{۲۱} نزه شیران ازیشان^{۲۲} به بیم بفرمودشان جنگ را ساختن^{۲۳}</p>
---	---

۱- ل: [و] ۲- ل، س، ق، ل: (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف، س^۱ ۳- ق، ل: آنچه ۴- ل، س، ل: او؛ متن = ف، ق، س^۱ ۵- ل: [و] از آزادی؛ س، ق، س: (نیز لن- و، آ، ب): [و] آزادی؛ ل: از آزادی؛ متن = ف؛ ل: در اینجا سرنویس دارد: پاسخ نامه کیخسرو نزد گودرز بدست هجیر ۶- ل، س: (نیز لن، ق، پ، و، ب): گستریدست؛ ق: (نیز آ): برفکنندست؛ متن = ف، ل، س: ۷- س: دادش ۸- ل: پس؛ س: بیت های ۱۰۸۳-۱۰۸۵ را ندارد ۹- س: سر؛ ق: بر (در بالا افزوده است: در) ۱۰- ف: بیت های ۱۰۸۷-۱۰۸۹، ق: بیت ۱۰۸۸، ق: بیت های ۱۰۸۸-۱۰۹۰ و ل: بیت ۱۰۸۸ را ندارند؛ بنداری (۱۰۸۲-۱۰۸۹): و لما وصل کتاب الملک الی جودرز فرج به و ابتهج فأحضر الأمراء والأکابر و أمر ففرق علیهم ۱۱- س، ل: همه ۱۲- ف، ل، ق، ل، س: ز؛ متن = س ۱۳- ل: هرچ ۱۴- ل- س: (نیز لن، ق، پ، و، لن، ب): چو؛ متن = ف ۱۵- س: (نیز لن، پ، و، لن): کینه؛ متن = ف، ل، ق، ل، س: (نیز ق، ل، ب) ۱۶- ق: (نیز ل): لشکرش ۱۷- (ق، ب: گشن) ۱۸- ق: سم ۱۹- س: دگر (دل) ۲۰- ل، ل، ل، س: (نیز ق): شیر غزان ازیشان؛ س: (نیز لن، پ، لن): شیر مردان ازیشان؛ (ل، آ: شیر غرنده زیشان؛ و: شیر از آهنگ ایشان)؛ متن = ف، ق: (نیز ل، ب) ۲۱- س: (نیز لن، پ، لن): بفرمود (ب: برفتند) تا جنگ را ساختند؛ متن = ف، ل، ق، ل، س: (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۲- ل: هوش؛ متن ← ۲۳- (ل، ل: خواستن)؛ س: (نیز لن، پ، لن): گوش و دیده بکین آختند (س: برداختند)؛ ق: جان نهادن بکین خواستن؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز ق، و، آ، ب)

برفتند پیش سپهبد گروه
 بدیشان^۲ نگه کرد سالارمرد
 چُنین گفت کز گاه جمّ برین^۴ ۱۱۰۰
 بداسپ^۶ و سلیح^۷ و به سیم و به زر
 اگر یار باشد جهان آفرین
 چو بنشست^۹ فرزنانگان را بخواند^{۱۰}
 همی خورد شادی کنان دل به جای

به پیران رسید آگهی زین سخن ۱۱۰۵
 از آن آگهی شد دلش پُر نهب
 ز دستور فرخنده رای آنگهی

گفتار اندر نامه فرستادن پیران و یسه بنزدیک گودرز کشاورگان^{۱۵}

یکی نامه فرمود پس تا دیر
 سر نامه کرد آفرین بزرگ^{۱۸}
 دگر گفت کز کردگار جهان ۱۱۱۰
 مگر کز میان دو رویه سپاه

۱- (ل، ل، و، لن، آ، به) ۲- ل، س، ق، ل؛ بریشان؛ (و: درایشان)؛ متن = ف، س^۱ (نیز لن، ل، ل، پ، لن، آ، ب) ۳- ف، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ل، لن، آ، ب)؛ لاجورد؛ متن = ل، س^۲ (نیز لن، پ، و) ۴- ل، ق؛ رزم پشین (!)؛ (ق^۱، ل)؛ جمّ گزین؛ ل^۲؛ جمشید کین؛ لن^۲؛ جم تا برین؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیز لن، پ، و، آ، ب)؛ بنداری؛ لم یرمن عهد جمشید مثل هذا الجمع هذه الزینة وهذه الهيئة ۵- ل، س، ق (نیز لن، ل، پ، و، لن، آ)؛ کس رزمگاهی چنین؛ (ل^۲؛ یک رزمگه همچین؛ ق^۲؛ ندیده کسی رزمگاهی چنین)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ب) ۶- ل- س^۱ (نیز لن- ب)؛ باسب؛ متن = ف ۷- س؛ سلاح ۸- س (نیز لن، پ، لن)؛ بیبچم (پ: نیبچم) عنان را از ایدر؛ (و: از ایدر نیبچم عنان تا)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۱، ل، ل، آ، ب؛ ب: بیبچم)؛ بنداری؛ وسأ بلغ بهم بقوة الله وسعادة الملك الى أقصى الصين ۹- ل: بنشت و ۱۰- ق: چو بنشیند پیران یلان را بخواند ۱۱- ق: همان نامداران جنگی بهم برنشانند (وزن ندارد) ۱۲- ل، آ، س^۱ (نیز ق^۱، ل، آ، ب)؛ ساخت؛ ف بیت ۱۱۰۴ و ق بیت های ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵ را ندارند ۱۳- ل (نیز ق^۱، ل، ل، آ)؛ اندران ۱۴- س (نیز لن، پ، لن)؛ جستن کین؛ ل، آ، س^۱ (نیز ب)؛ رزم جستن؛ (ق^۲؛ چاره جستن)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، و، آ)؛ س (نیز لن، پ، لن) پس از این بیت افزوده اند:

بسی رای گفتند و (س: جستن) فرجام کار بدان ختم (س: مهر) کردند کان روزگار

۱۵- ف: گفتار اندر نامه فرستادن پیران و یسه بدست فرزند خویش روین بنزدیک گودرز کشاورگان و صلح خواستن؛ ل: نامه نوشتن پیران و یسه بگودرز؛ س: نامه فرستادن پیران بگودرز و فرستادن روین بر سولی؛ ق: گفتار در نامه پیران و یسه بگودرز کشاور؛ ل: نامه پیران نزد گودرز و احوال آن؛ س^۲: نامه پیران و یسه بگودرز؛ متن ← ف ۱۶- ل- س^۲ (نیز لن، ل- ب)؛ نویسد؛ (ق^۲؛ بنشتش)؛ متن = ف ۱۷- ل: دلپذیر؛ (ق^۱؛ هژیر)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل- ب)؛ بنداری؛ کتاب استعطاف ۱۸- ف، ق (نیز ل)؛ خدای؛ متن ← ۱۹- ف، ق (نیز ل)؛ ز (ق، ل، آ؛ به) هردو سرای؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ فکتب الیه یستدرجه مفتحا کتابه بحمد الله والثناء والاستعاذة من الشيطان المارد ۲۰- ل: آن کینه خواه؛ بنداری؛ یرفع العداوة

نگون بخت گرا گیتی افروز کیست؟ برین ^۶ رزمگه با من آویختن، همی ^۹ از پی شهر ^۱ ایران کنی، نوندی فرستم بدافراسیاب ^{۱۲} ، بیخشم و پس برنوردم ^{۱۳} کین به بخشش همی داشت گیتی نگاه، بگو تا کنیمش ز ترکان ^{۱۵} تهی که فرمود کیخسرو دادگر، در غرچگان از برویوه تست ^{۱۹} همیدون رو از ^{۲۲} بلخ تا اندراب ^{۲۳} در ^{۲۵} مرز ایران و جای کیان نهاده ست نامش جهان کدخدای ^{۲۶} همینست ازین پادشاهی نشان که با شهر ختلان درآید برم ^{۲۹}	و زآنپس ^۱ که داند که پیروز کیست؟ ار ^۳ ایدونک ^۴ پیگار و ^۵ خون ریختن، کزینسان ^۷ همی جنگ ^۸ شیران کنی، بگو تا من اکنون هم اندر ^{۱۱} شتاب بدان تا بفرمایدم تا زمین چنان چون به گاه منوچهرشاه هر آن شهر کز مرز ^{۱۴} ایران نهی ز آباد و بیران و هر ^{۱۶} بوم و بر از ^{۱۷} ایران به کوه اندرآیم ^{۱۸} نخست دگر طالقان شهر تا ^{۲۰} پاریاب ^{۲۱} دگر پنجهیر آید و ^{۲۴} بامیان دگر گوزگانان فرخنده جای دگر مولتان آید و بدخشان ^{۲۷} فروتر دگر دشت ^{۲۸} آموی و زم	۱۱۳۰ ۱۱۳۵ ۱۱۴۰
---	---	----------------------

۱- ل: از آنپس ۲- ف، س، ق، ل، س (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ، ب): یا (س نخست گرد داشته است): (لن: ار: ب: اگر: لن: از): متن =
 ل ۳- ل، ل، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، و، ب، لن، ب): ور: س (نیز ل): گر: متن = ف (نیز آ) ۴- س: ایدونک ۵- ف، ق،
 ل: [و]: متن = ل، س، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، ب) ۶- ل- ل- س (نیز لن- ب، لن، آ، ب): بدین: (و: درین): متن = ف ۷-
 ق: بدینسان ۸- س: رزم ۹- س (نیز لن، ب، لن، آ): همان: (ل، و، آ: همه): متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۰-
 ل، س (نیز ب): بوم: (و: مهر) ۱۱- س: نگوئی (!) که تا من کنون در ۱۲- ل- ل- س (نیز لن- ب): بدافراسیاب: متن =
 ف ۱۳- س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، لن): درنوردم: متن = ف، ل (نیز ل، ب) ۱۴- لن، لن: شهر: ل، آ: بوم کز شهر: (نیز
 ب): مرز کز شهر: متن = ف، ل، س، ق، س (نیز ق، ل، ب، و) ۱۵- ل: کنیم آن ز ترکان: ل: ز ترکان کنیم: متن = ف، س، ق،
 س (نیز لن- لن، ب) ۱۶- س (نیز ل): ویران همه: ل (نیز ق): و ز آباد و (ل: [و]) ویران همه: ق: ز آباد ویران هر آن: (لن، ب، و، لن،
 ز آباد و ویران و هر: ب: از آباد و ویران سر): متن = ف، ل، س (نیز ل، س، و: ز) ۱۷- ف، س: ز ۱۸- ل، س، ق (نیز لن، ل،
 ب، و، لن): آید: ل: آره: متن = ف، س (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۹- ل: از برویوه بست (حرف یکم واژه پسین نقطه ندارد): س (نیز لن،
 ب): تا (ب: از) در بوم و رست: ق، ل: آن (ل: نا) برویوه تست (ل: بست): (لن: تا در بوم بست: ل، ل، ب، و، آ: از (ل: وان: ب: یا:
 آ: آن) برویوه و رست): متن = ف، س (نیز ق) ۲۰- ق (نیز ب): با ۲۱- ل، ق، س (نیز ل، ب، و، آ): فاریاب: س (نیز لن):
 باریاب: ل: باریاب (حرف یکم نقطه ندارد): متن = ف (نیز لن، ب) ۲۲- ل (نیز ب): دره: ق: چه از: س: روان (ح: روان):
 متن ← ۲۳- ق: رودآب: س (نیز لن، لن): همیدون بیخش اندرآید بآب (لن: بتاب): متن = ف، ل (نیز ل، آ، ب) ۲۴- ل:
 پنجهیر و دره: س (نیز ب): پنجهیرند و: (لن: پنجهیرند و: هم: و: پنجهیرند تا: لن: پنجمین اند با): متن = ل، س (نیز آ، ب) ۲۵- ل:
 سر: ف، ق، (نیز ق، ل) این بیت را ندارند ۲۶- ف (نیز ل، آ) این بیت را ندارند ۲۷- ل (نیز ب): دگر مولتان (ل: مولتان) تا در
 بدخشان: س (نیز لن، لن): دگر از در بلخ تا بدخشان: ق (نیز ل): دگر مولیانست (ل: مولتانست) جای مهان: (ل: دگر مولتا باد و هم
 بدخشان): متن = ف، ل، س (نیز ق، آ، ب: ب: مولیان) ۲۸- س: فروتر از او دشت: ل، س: بخارا قرب نیز و: (لن، ب، لن): فروتر
 که از دشت: ق، ل، آ: قرب برد کردست و: ب: قرب یزد کردست و: متن = ف، ل، ق (نیز ل) ۲۹- ف، ل، س: که تا خرتلان
 (ل، آ، س: خرتلان) اندرآید دیم (ل: بدم: س: برم): ل (نیز ق، ل، آ): که با (ق: تا) شهر ختلان (در ل حرف دوه نقطه ندارد) درآید برم
 (ل، آ: بیه): س (نیز لن، ب، لن): همیدون بخیلان (س نقطه ندارد) درآید بیه (س: برم): ق (نیز ل، ب): که با بلخیان (ل: بلخیان: ب:
 جنیدان) اندرآید برم (ل: برم): متن ← ل، ق

چو شکنان و چون ترمذ و ویسه گرد^۱
همیدون برو تا در سُغد نیز
از آن^۲ سو^۳ که شد رستم نیوسوز^۴
ز کوه و ز هامون بخوادم^۵ سپاه
پردازم این تا در هندوان ۱۱۴۵
ز کشمیر و ز کاول^۶ و قندهار
و ز آن سو که لهراسب شد جنگ جوی^۷
ازین^۸ مرز پیوسته تا کوه قاف
و ز آن سو که آشکش^۹ بشد^{۱۰} همچین
و ز آن پس که این کرده باشم همه ۱۱۵۰
به سوگند پیمان کم پیش تو
بدانی^{۱۱} که ما راستی خواستیم
سوی شاه ترکان^{۱۲} فرستم خبر
همیدون تو نزدیک^{۱۳} خسرو به مهر
چنین از ره مهر پیگار^{۱۴} من ۱۱۵۵
چو پیمان همه کرده باشی تو^{۱۵} راست
فرستم همه سربسر نزد شاه

بخارا^{۱۶} و شهری که هشتش به گرد
نجوید کس آن پادشاهی بنیز^{۱۷}
سپارم بدو کشور نیمروز
سوی باختر برگشایم راه
نداریم تاریک ازین پس^{۱۸} روان
روارو^{۱۹} سوی هند هم^{۲۰} زین شمار
آنان و غرزدز^{۲۱} سپارم بدوی
به خسرو سپاریم بی^{۲۲} جنگ و لاف
پردازم اکنون سراسر زمین
ز هر سو بر خویش خوانم رمه
کز آن^{۲۳} پس نباشم بداندیش تو
به مهر و وفا دل بیاراستیم
که ما را ز کینه بیچید سر^{۲۴}
یکی نامه بنییس^{۲۵} و بنمای چهر
ز خون ریختن با تو گفتار^{۲۶} من
ز من خواسته هر چه^{۲۷} خسرو بخواست^{۲۸}
در کین ببندد مگر بر سپاه

۱- ل: چه سکنان و ترمذ و ویسه کرد؛ س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل، ل، پ، ل، آ، پ): چوشکنان (س: سنکان؛ پ: شکنان؛ ل، آ، س، ل، آ، ب: سنگان) و چون ترمذ و ویسه (لن: ویس) کرد؛ (ق: سنگان و ترمذ ابا ویسه کرد؛ و چوشکنان و چون شهر پیروز کرد)؛ متن = پ (س، ق، ل، آ، ل، ل، ل، آ) ۲- ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، ب): سرفند؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، آ)؛ ف این بیت را ندارد ۳- (لن، ل، آ، پ، ل، آ، ب: بچین)؛ ف: از آن پادشاهی نجویم چیز؛ س: نجوید کس از پادشاهی چیز (دو واژه پسین ناخواناست)؛ ق: نجوید کسی پادشاهی نه چیز؛ (و: نجوید کس از پادشاهی پیش)؛ متن = ل، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، پ، ل، آ، ب) ۴- ل، س، ق: وزان ۵- ق: رو ۶- ل: گردسوز؛ در ل^۱ پس از این بیت، بیت ۱۱۴۷ آمده است ۷- س (نیز لن، پ، ل، آ): ز نزدیک او بازخواهم؛ (و: زمین کورسان برانم)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب) ۸- ل، آ، س^۱: ازینسان ۹- ق: [و] تا ۱۰- ف- س^۱ (نیز لن- ب): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- ل: دوان رو؛ س^۱: وزان دو ۱۲- س (نیز لن، ب): سند هم؛ ل، ق: شایا را بود آن همه؛ (ب: وزانسوی فتوح هم)؛ متن = ف (نیز لن، ل، آ، ل، آ، ل، آ، ب، و، آ، ب) ۱۳- ف: آن دز؛ ل، ق (نیز پ): غردر؛ ل: دز خود؛ س^۱ (نیز و، ب): آن در؛ (ق: غردز؛ ل: عزرا؛ ل، آ، غزرا)؛ متن تصحیح قیاسی (بیت ۱۱۳، ۱۱۳۴)؛ در ل^۲ این بیت پس از بیت ۱۱۴۳ آمده است؛ س، لن، ل^۱ بیت های ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ را ندارند، ولی درس آنها را به خطی دیگر در میان ستون ها افزوده اند ۱۴- ل، آ، س^۱: وزین ۱۵- ل، آ، س^۱ (نیز ل، ب): سپارم ابی ۱۶- (ق، آ، و، آ، بنداری: اشکس) ۱۷- ل، آ، س^۱: شده ۱۸- س، ق: کزین ۱۹- س: ندانی ۲۰- ل، آ، س^۱: توران ۲۱- س، ل، آ، س^۱ (نیز ب): چه آمد بسر؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن- آ) ۲۲- س، ل، آ، س^۱: بنزدیک ۲۳- ف- س^۱ (نیز لن- ب): بنویس؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴- ل، س، ق، س^۱ (نیز لن، ل، ل، آ، ل، آ، ب، ل، آ، ب): مهر و پیکار؛ (و: مهر گفتار)؛ متن = ف، ل (نیز آ) ۲۵- (و: باز پیکار) ۲۶- ل، س (نیز لن، ل، ل، آ، ل، آ، و، آ): باشم؛ ل، آ، س^۱ (نیز ق، آ، ب): چو این (س: چنین) بکسره کرده باشم؛ متن = ف، ق؛ بنداری: و ادا فرغت من ذلک عاهدتک ۲۷- ل: هرچ ۲۸- ق (نیز ل): خواهی رواست

۱۱۶۰ وُزآنپس^۱ که این کرده باشیم نیز
 بیوندم^۲ از مهر و آیین و^۳ دین
 که بگسست هنگام^۴ شاه بزرگ
 فریدون که از درد سرگشته شد^۵
 ز من هرچه^{۱۱} باید ز نیکی^{۱۲} بخواه
 نباید کزین چرب^{۱۵} گفتار من
 که من جز به^{۱۷} مهر این^{۱۸} نگویم همی
 ۱۱۶۵ مرا گنج و هم کام^{۲۰} از آن تو بیش
 ولیکن بدین کینه انگیختن
 بسوزدهمی بر سپه بر^{۲۲} دلم
 و دیگر که^{۲۳} از کردگار جهان
 که نپسندد از ما بدی کردگار^{۲۴}
 ۱۱۷۰ اگر^{۲۶} سر بیچی ز گفتار^{۲۷} من،
 گنهکار داری^{۳۰} مرا بی گناه،
 کجا داد و بیداد از تو^{۳۲} یکیست
 گزین کن ز گردان ایران سران

گروگان فرستاده و داده^۲ چین
 بدوزم به دست وفا چشم کین
 ز بدگوهر^۷ تور و سلم^۸ سترگ
 کجا ایرج نامور گشته شد^{۱۰}
 وُزآنپس^{۱۳} برین^{۱۱} نامه کن نزد شاه
 گمانی به سستی برد^{۱۴} انجمن
 سرانجام نیکی بجویم^{۱۹} همی
 به مردانگی نام^{۲۱} از آن تو بیش
 به بیداد هر جای خون ریختن،
 بکوشم که کین از میان بگسلم
 بترسم همی آشکار و نهان،
 گزافه نبرد ارد این روزگار^{۲۵}!
 بجویی^{۲۸} همی ژرف پیگار^{۲۹} من،
 نخواهی به گفتار کردن^{۳۱} نگاه،
 جز از^{۳۳} کینه گسردنت رای^{۳۴} نیست،
 کسی کو گراید به گرز گران

۱- ل، ق: از انپس ۲- ل، ل، س^۱ (نیز ق، پ، ب): فرستیم و بسیار ۳- س (نیز لن، پ، ل، ن): بیندیم ۴- ل: این ۵- ل، ق: [و] ۶- ل، س: که بشکست هنگام؛ ل، س: نه نیگست هنگام؛ (ق، پ: ندیدی هنگام؛ ل، ب: که ننگست هنگام)؛ متن = ف (نیز لن، ل، آ) ۷- ل، ل، س^۱ (نیز ق، پ، و، آ، ب): بدگوهری؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، ن) ۸- س، ل، ل، س: سلم و تور؛ ق (نیز ل) بیتهای ۱۱۶۰ و ۱۱۶۱ را ندارند ۹- س (نیز لن، پ، ل، ن): فریدون که کهنتر پسر گشته دید ۱۰- س (نیز لن، پ، ل، ن): سر ایرج نامور گشته (س: خسته) دید ۱۱- ل: هرچ ۱۲- ل، س، ق، س^۱ (نیز لن - پ، ل، آ، ب): نیکی؛ (و: بخونی)؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: از انپس ۱۴- ق: یکی؛ ل، س^۱ (نیز ل، آ، ب): بدین؛ (ق: زمین؛ ل: بدان)؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، پ، و، ل، ن) ۱۵- ل، س (نیز لن - پ، ل، آ): خوب؛ متن = ف، ق، ل (نیز و، ب) ۱۶- س (نیز لن، ل، پ، ب): برند؛ ل: سستی گمانی برند؛ متن = ف، ق، ل (نیز ق، ل)؛ س^۱ این بیت را ندارد ۱۷- س: ز ۱۸- س: آن ۱۹- ف: نجویم (!) ۲۰- ل - س^۱ (نیز لن، ل، ن، ب): مردان (پساوند ندارند، مگر اینکه بیش دوم را پیش بخوانیم، ولی بیت ۱۳۰۴): (ل، ل، آ: لشکر (پساوند ندارند))؛ متن = ف (نیز ق، پ، و)؛ بنداری: فانه غیر خاف آنی اکثر منک رجالا، وأوفر أموالا، وأشجع قلبا وأرحب صدرا ۲۱- (ل: هم) ۲۲- ق: این ۲۳- ل: سه دیگر که؛ ق (نیز ل): دگر آنک؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز هشت دستویس دیگر) ۲۴- ل، ق: داد گری؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، پ، ب) ۲۵- ل، ق: نه بردارد (ل: سردازم (دو حرف نخستین نقطه ندارند)) این شور و شر؛ س، ل، س^۱ (نیز آ): سپردازد این (س، آ: از) روزگار؛ (ق: به نیکی گرایم پس روزگار)؛ متن = ف (نیز لن، ل، پ، و، ل، ب) ۲۶- ق: وگر ۲۷- س (نیز لن، پ، ل، ن): فرمان؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۸- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، آ): بجویی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لن، پ، و، ل، ن: نجویی)؛ متن = ف، س^۱ (نیز ل، ب) ۲۹- ل (نیز ق، و): کردار؛ س (نیز لن، پ، ل، ن): پیمان؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز ل، آ، ب) ۳۰- ل، س: دانی؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، پ، ب) ۳۱- س: کردان ۳۲- ل، ق (نیز ل، ل، آ): نزدیک؛ س، س^۱ (نیز و، ب): زری تو؛ (لن، پ، ل، ن: پشت؛ ق: بر تو)؛ ل^۱ پاک شده است؛ متن = ف ۳۳- ق: بجز ۳۴- ق (نیز ل): کار؛ س: جستنت خود راه؛ ل، ل، س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ، ب): جستن ترا (ق: دگر) کار؛ متن = ف، ل (نیز لن، پ، و، ل، ن)

- همیدون من از لشکر خویش مرد
 همه یک به دیگر فراآوریم ۱۱۷۵
- همیدون من و تو به آوردگاه
 مگر بی‌گناهان ز خون ریختن
 کسی که ش گنهار داری^۵ همی
 به پیش تو آرم^۶ به روز نبرد
 که بر^۸ ما تو گر دست یابی به خون ۱۱۸۰
- نیازاری از بُن سپاه مرا
 گذرشان دهی تا به توران شوند^{۱۰}
 وگر من بوم^{۱۳} بر تو پیروزگر
 نسازم بدایرانیان^{۱۴} بر کمین
 سُوی شهر ایران دهم راهشان ۱۱۸۵
- ازیشان نگرده یکی کاسته
 وَر ایدونک زینسان^{۱۸} نجویی نبرد
 بر انبوه^{۱۹} جویی همی^{۲۰} کارزار
 هر آن خون که آید به کین^{۲۱} ریخته
- بیست از بر^{۲۳} نامه مر^{۲۴} بند را
 پسر بُد مرو را^{۲۵} سر انجمن^{۲۶} ۱۱۹۰
- بخواند آن گرانمایه فرزند را
 یکی^{۲۷} نام روین^{۲۸} روینهن

۱- ل، ل، س (نیزلی، آ، ب): جنگ (ب: کار) باز؛ ل: سرانسان سوی کارساز؛ س (نیزلن، پ، و، لن): سرانرا ز سر (و: همه) سوی گاز؛ متن = ف، ق (نیزل) (؟) ۲- س: بی سپاه؛ ل: بایکد گری سپاه ۳- ل- س (نیزلن، ل- ب): باسایش؛ متن = ف ۴- ل: ز؛ س: و ۵- ف (نیزو): دانی؛ (ب: بار نخست دانی و بار دوم داری دارد)؛ متن = ل- س (نیزلن، ل، ل، پ، لن، آ) ۶- ف، ق، ل، س (نیزلی، آ): در؛ متن = ل، س (نیزلن، ل، پ، و، لن، ب) ۷- س: آرمت من ۸- س: با ۹- ق: توران؛ س، ل، س: ترکان توران؛ متن = ف، ل ۱۰- س: روند ۱۱- (پ: بکین شان) ۱۲- س، ق (نیزلن، ل، پ، و، لن): گزند؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزب) ۱۳- ل، ق (نیزق، ل، ل، آ): شوم؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، پ، و، لن، ب) ۱۴- ل، ل، ل (نیزلی، پ): بایرانیان؛ س، ق، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب): بر ایرانیان؛ متن = ف ۱۵- (ل: نگیریم کین)؛ س (نیزلن، پ، لن): نجویم خشم و نگیریم (س: نسازیم) کین؛ (ل: نه آورد جویم نه پیکار و کین)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیزق، و، ب) ۱۶- ل، ل، س: یکایک گذارم ۱۷- ل، ق، ل، س: وزه متن = ف، س ۱۸- ل: ازینسان؛ ق، س: ورایدون کزینسان ۱۹- ل- س (نیزلی، ل، آ، ب): بانبوه؛ متن = ف (نیزلن، ق، پ، و، لن) ۲۰- ق: گرمی کنی ۲۱- (ق: که ایدر شود)؛ ق (نیزب): هر آنکس که باشدش خون ۲۲- ل: خون سر؛ س: زان سر ۲۳- س (نیزلن، پ): پس؛ (ل: بن) ۲۴- ل، ل، ل، س (نیزق، ل، ل، و، آ): بر؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، پ، لن، ب) ۲۵- ل، ل، س (نیزب): ورا آن؛ متن = ۲۶- (لن، پ، لن): یکی ز انجمن؛ س: بود او را یکی ز انجمن؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، ل، و، آ) ۲۷- س (نیزلن، پ، لن): که بد ۲۸- ل (نیزل، پ): روین و

بخواندش که^۱ نزدیک گودرز شو سخن گوی هُشیار^۲ و پاسخ شنو

۱۱۹۵ چو رویین برفت از درِ نامور^۳
 بیامد خردمندِ روشن روان
 چو رویینِ پیران به درگه رسید
 فرستاده را خواند پس پهلوان
 بیامد، چو گودرز را دید، دست
 سپهدار برجست و او را چو دود
 ز پیران پرسید و از^{۱۲} لشکرش
 خردمند رویین سبک^{۱۴} نامه پیش
 ۱۲۰۰ دبیر آمد و نامه برخواند زود^{۱۵}
 چو نامه به گودرز برخواندند^{۱۸}
 زبس چرب^{۲۰} گفتار و ز^{۲۱} پندِ خوب
 خردمند پیران که در نامه یاد
 به رویین چُنین گفت پس پهلوان
 ۱۲۰۵ تو مهمان ما بود باید نخست

سرپرده‌یی نو بپرداختند نشستن گهی^{۲۶} خسروی ساختند

۱- ل: بدو گفت ۲- ق (نیزق، ل، ب): بسیار ۳- س (نیزلی): نامدار؛ ق (نیزب): پهلوان ۴- ل: خردمند؛
 متن ← ۵- س (نیزلی): فرستاد با او دگر (لی: با نامور) ده سواره؛ ق: دمان از پس پرده آمد جوان؛ (ب: همی چون نبرده درآمد جوان)؛
 متن = ف، ل، س^۲ (نیزلن، ق، ل، آ-۲): درق، ب بیتهای ۱۱۹۳-۱۱۹۶ درهه ریخته اند: ۱۱۹۳+آ ۱۱۹۶، ب، ۱۱۹۶+آ ۱۱۹۶، ۱۱۹۵،
 ۱۱۹۴+آ ۱۱۹۳ ب (ق ۱۱۹۴ و ۱۱۹۶ آ را ندارد) ۶- س^۲ (نیزق): دوان ۷- ف: تا پس پرده پهلوان؛ متن = ل، س، ل، س^۲
 (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، آ)؛ ق (نیزب): فرستاده با ده سوار جوان ۸- ق (نیزب): سپه برکشید؛ ل: سپه کش کشید؛ س: سپه کس
 کشید؛ س (نیزلن، پ، و، لن) بیتهای ۱۱۹۵ و ۱۱۹۶ را ندارند ۹- ل (نیزب): دمان از پس پرده آمد جوان؛ س: همان خوب زاده درآمد
 دوان؛ متن = ف، ل^۲ (نیزق، ل، آ) ۱۰- ق: کرده در ۱۱- ل، س، ل، س^۲ (نیزلن-ب): باغوش؛ متن = ف؛ ق بیتهای ۱۱۹۸ و
 ۱۱۹۹ را ندارد ۱۲- ف، ل، ل، س^۲ (نیزل، ب، لن): وز؛ متن = س (نیزلن، ق، ل، و، آ، ب) ۱۳- ل، ل، ل، س^۲ (نیزل، ب،
 لن): وز؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، ل، و، آ، ب) ۱۴- ل: خردمند پیران (!) پس آن؛ س، ل، س^۲ (نیزلن، و، لن): نزد (وز سبک)
 دست رویین سبک (لن، و، لن): پس آن؛ متن = ف، ق (نیزق، ل، ل، ب، آ، ب) ۱۵- ق (نیزب): برخواندند ۱۶- ل:
 آنچه ۱۷- ق (نیزب): همه نامداران فروماندند (= ۱۲۰۲ ب): س (نیزلن، لن) بیتهای ۱۲۰۱ و ۱۲۰۲ را ندارند ۱۸- ق (نیزب):
 بگودرز گفت آنچه در نامه بود (= ۱۲۰۱ ب) ۱۹- ف: غمی ماندند؛ ل، س^۲ (نیزق، ب، و): عجب ماندند؛ ق (نیزب): چونامه
 بگودرز برخوانده بود (ب: برخواند زود)؛ (ل، آ: همه پهلوانان فروماندند)؛ متن = ل ۲۰- ف، س، ل^۲ (نیزلن، ل، و، لن، ب): خوب؛
 متن = ل، ق (نیزق، ل، ب، آ) ۲۱- س: و بس ۲۲- ق: نموده ۲۳- ق (نیزل) این بیت را ندارند ۲۴- ل، س (نیزلن،
 لن، آ، ب): سالار و؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیزق، ل، ل، ب، و) ۲۵- ل: آن ۲۶- ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، ب): نشستن گه؛
 متن = ف (نیزلی-لن)

۱۲۱۰ به دیبای رومی بیاراستند
 به یک هفته گودرز با رود و می
 ز بالا چو^۳ خورشید گیتی فروز
 می و رود و مجلس بیاراستی
 چو یک هفته بگذاشت^۵، هشتم پگاه
 بفرمود تا نامه پاسخ نبشت^۷
 خورشها و رامشگران خواستند^۱
 همی نامه را پاسخ افگند پی
 بگشتی، سپهد گه نیمروز،
 فرستاده را پیش درخواستی^۴
 نبیسنده^۶ را خواند سالار شاه
 درختی ز کینه به نوی^۸ بکشت

گفتار اندر پاسخ نبشتن گودرز نامه‌ی پیران و بیه را^۱

۱۲۱۵ سر نامه کرد آفرین از نخست^۱
 که^{۱۳} برخواندم این نامه را سر بر سر
 رسانید رویین بر ما^{۱۵} پیام
 ولیکن شگفت آید از^{۱۷} کار تو
 دلت با زبان هیچ همسایه نیست
 به هر جای^{۲۰} چربی^{۲۱} به کار آوری
 کسی را که از بُن نباشد^{۲۳} خرد
 چو^{۲۴} شوره زمینی که از دور آب
 ولیکن نه گاه^{۲۶} فریست و بند
 دگر پاسخ آورد یک یک^{۱۱} درست^{۱۲}
 شنیدیم^{۱۴} گفتار تو در بدر
 یکایک همه هرچه^{۱۶} بردی تو نام
 مرا^{۱۸} زین چنین چرب^{۱۹} گفتار تو
 روان ترا از خرد مایه نیست
 چنین بر سخن بر نگار^{۲۲} آوری
 گمان بر تو بر مهربانی برد
 نماید، چو تابد برو^{۲۵} آفتاب
 که^{۲۷} هنگام گرز و سنان^{۲۸} و کمند

۱- ل (نیز ل، ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

پیران دیشبه گشته دل بههلوان
 همی پاسخ نامه آراستند

- ۲- س: دگر؛ (لن، ق، آ، پ، و، لن: یکی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، ب) ۳- ق: زبالای ۴- ل: س (نیز لن - ب): خود خواستی؛ متن = ف ۵- ل: س (نیز لن - ب): بگذشت؛ متن = ف ۶- ل، س، ق، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): نویسنده؛ متن = ف، ل (نیز ب) ۷- ل، س، س (نیز لن، ل، لن، آ، ب): نوشت؛ متن = ف، ق، ل (نیز ق، آ) ۸- ل: بنوی بکینه؛ ق (نیز ق، و): بنوی ز کینه؛ (ل، آ: بکینه ز نوی)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) پس از تصحیح نوی به نوی ۹- ف: گفتار اندر پاسخ نبشتن گودرز نامه پیران و بیه و خلعت دادن رویین و گسی کردن او را بنزدیک پدر و انجمن ساختن؛ ل، ق، ل، آ، س: پاسخ نامه پیران (ل: پیران و بیه) از گودرز (ق: و مراجعت رویین؛ ل: بدست رویین)؛ متن = آغاز ف ۱۰- (ق: آفرین خدای) ۱۱- ل: بکسر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن - ب) ۱۲- (ق: بجای) ۱۳- س: چو ۱۴- س: شنیدیم ز ۱۵- ل: بمابر ۱۶- ل، س: هرچ ۱۷- ل (نیز ق): آیدم ۱۸- ل: همی ۱۹- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن - ب، لن): خوب؛ متن = ل (نیز آ، ب) ۲۰- س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): کار؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، و، آ) ۲۱- س، ق (نیز ق، ل، و): خوبی؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۲- ل: تو سخن بر نگار (نقطه ندارد)؛ ق: در سخن بر نگار؛ س (نیز لن، پ، لن): سخنها چنین بر نگار (پ: بر نگار؛ لن: پر بکار؛ س نقطه ندارد)؛ (و: سخنها همچون نگار)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، و، آ) ۲۳- ق: کسی را بکو کوندارد (!) ۲۴- ل: ز ۲۵- ق: بدو ۲۶- ف (نیز لن، ل، لن، آ، ب): کار؛ ق: وقت؛ متن = ل، س (نخست کار داشته است)، ل، آ، س (نیز ق، ل، پ، و) ۲۷- ف، س، ق (نیز ل، ل، آ): نه؛ (لن، ق: نقطه ندارد؛ ل، پ، ب: به)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز و) ۲۸- ل: گرزست و تیغ؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن - ب)

مرا با تو جز کین و پیگار نیست
 نگر تا چه سان گردد اکنون^۲ سپهر،
 که را^۳ داد خواهد جهاندار زور^۴،
 ۱۲۲۵ ولیکن برین^۵ گفته پاسخ شنو
 نخست آنک^۶ گفتی: من^۷ از مهر تیز^۸
 نخواهم^۹ که آید مرا^{۱۰} پیش^{۱۱} جنگ
 دلت با زبان آشنایی نداشت
 که گر داد بودی به دلت اندرون
 ۱۲۳۰ کز آغاز^{۱۲} کار اندر آمد نخست
 نخستین که آمد به پیش تو گویو
 بازیده مر جنگ را لشکری
 تو کردی همه جنگ را دست پیش
 ۱۲۳۵ خرد کز^{۱۳} پس آمد ز^{۱۴} پیش آمدی
 ولیکن سرشت بد و خوی بد
 بدی خود بدین^{۱۵} تخمه در گوهرست
 شنیدی که بر ایرج نیک بخت

که پاسخ و روزا گفتار نیست
 - نه جای فریست و پیوند و مهر،
 که را بردهد بخت پیروز هور^۵،
 خرد یار^۶ کن، بخت را پیشرو!
 ز یزدان^۷ و از^۸ گردش رستخیز^۹،
 دلم گشت ازین کار بیداد^{۱۰} تنگ
 بدانکه که^{۱۱} این گفته بر لب^{۱۲} گماشت^{۱۳}
 ترا پیش دستی نبودی به خون
 نبودی به خون ریختن هیچ سست^{۱۴}
 از^{۱۵} ایران هشیوار گردان^{۱۶} نیو
 ز کشور دمان^{۱۷} تا در^{۱۸} کشوری
 سپه را تو برگندی^{۱۹} از جای خویش
 به فرجامت^{۲۰} آرام بیش^{۲۱} آمدی
 ترا بگذراند ز^{۲۲} راه خرد
 به مهر بد این گوهر^{۲۳} اندر خورست
 چه آمد ز تور از پی تاج و تخت

۱- ق (نیز ب): که پاسخ شنیدی و ۲- ق: بین تا چه سان گردد امر ۳- س: اگر ۴- ق: روز ۵- ف، ل (نیز ق): بخت پیروز و هور؛ س (نیز لن): بخت بیدار هور؛ ق: بخت نیکی فروز؛ (لن، پ: بخت بیدار و هور)؛ متن = لن، س (نیز ل، و، آ، ب) ۶- ل، ق (نیز ق، ل، و، آ، ب): بدین؛ س (نیز لن، پ، لن): ازین؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، پ، و) ۷- ل: آنکه ۸- ل: که؛ ق: تو ۹- ل: سر (نقطه ندارد)؛ ق (نیز ل، ل، و، لن، آ): نیز؛ (ل: از کردگار)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ق، پ، ب) ۱۰- ل: (لن: گردان) ۱۱- ف، ل، ق، ل، س: وز؛ متن = س ۱۲- (ل: روزگار) ۱۳- س: نخواهد ۱۴- ق: ترا ۱۵- ق: که باشد مرا نیز ۱۶- س (نیز ق): بیکار؛ (لن، پ، لن: تاریک)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ل، و، آ، ب) ۱۷- (ل، آ، ب: کت) ۱۸- ل، س، ق (نیز لن، ل، ب): دل؛ متن = ف، ل، س (نیز ق): گذاشت؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز لن، ل، ب) ۱۹- ل: که ز آغاز ۲۰- ق: ایچ سست؛ ل: دست شست)؛ ف، ل، س: تو کردی بخون ریختن (ل: برین کینه بر) پیش دست (پساوند ندارند)؛ متن = ل (نیز آ: ق، ل): س، ق (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب) این بیت را ندارند ۲۱- ف: ز؛ ل، س: وز؛ متن = ل ۲۲- ل (نیز ق): مردان؛ س: گردان هشیوار؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، و، آ، ب): س (نیز لن، پ، لن): بزرگان هشیوار و گردان؛ ق: بیتهای ۱۲۳۲ و ۱۲۳۳ را ندارد ۲۳- س: دوان ۲۴- ل، س، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): دگر؛ متن = ف، ل (نیز ل، آ) ۲۵- س (نیز لن): بر کردی؛ ل: بیتهای ۱۲۳۴-۱۲۳۶ را ندارد ۲۶- ل: از؛ ق (نیز لن، ل، و، لن): گر؛ متن = ف، س، س (نیز پ، ب) ۲۷- ل، ق (نیز ل، لن): تو؛ (ب: چو؛ و: آمدت)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، پ)؛ (ق، ل، آ: خرد گرت فرجام) ۲۸- ل، ق، س (نیز لن، ل، و): فرجام؛ (ل، آ: سرانجام؛ و: فرجام و)؛ متن = ف، س (نیز ق، پ، لن، ب) ۲۹- ق (نیز ل، و): خویش ۳۰- ل، ق (نیز ل، و): به؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۳۱- ل، س (نیز ق): بدان؛ ق: در آن؛ (لن، پ، ب: درین؛ ل، آ: از آن)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، و، لن) ۳۲- س: آن گوهر؛ ل: آن تخمه؛ ل، ق (نیز ق): بید کردن آن تخمه (ق: دوده)؛ متن = ف (نیز لن، ل، ب)

۱۲۴۰ چُن^۱ از تور و سلم اندرآمد^۲ زمین
فریدون که از درد دل روز و شب
به یاری دادار نیکی دهش
بدافراسیاب^۵ آمد آن^۶ مهر^۷ بد
ز سر با^۸ منوچهر نو کین نهاد
به کاوس خود کرد نیز آنک^۹ کرد
۱۲۴۵ و زآنپس^{۱۰} به خون^{۱۱} سیاوخش^{۱۲} باز
نیامد بدانگه ترا داد یاد
چه مایه بزرگان که از تخت و گاه^{۱۵}
و دیگر که^{۱۷} گفتی که با^{۱۸} پیرسر
بدان ای جهان‌دیده‌ی پُرفریب
۱۲۵۰ که یزدان مرا زندگانی دراز
که بر شهر توران^{۲۲} به روز نبرد
بترسم همی زآنک^{۲۳} یزدان من

سراسر بگسترده بیداد و کین
گشادی بریشان به نفرین^۳ دو لب
همش مهر دل بود و هم پرورش^۴
از آن نامداران اندک‌خرد
همیدون ابا نوذر و کیقباد
برآورد از ایران آباد گرد
فگند این چُنین کینه‌ی نو دراز^{۱۳}
که بر^{۱۴} بی‌گنه جان شیرین بداد
از ایران شدند اندرین کین تباه^{۱۶}
به خون‌ریختن کس نبندد^{۱۹} کمر
به هر کار دیده فراز و نشیب،
بدان داد با^{۲۱} بخت^{۲۱} گردن‌فراز،
ز کینه برآرم به خورشید گرد
ز تن^{۲۴} بگسلاند مگر^{۲۵} جان من،

۱- ل، س، ل، ا (نیز ق، و)؛ چو؛ ق؛ چه؛ (لن، پ، ل، ن؛ بد؛ ب؛ که)؛ متن = ف، س، ا ۲- ق (نیز لن، پ، ل، ن)؛ آمد اندر؛ ل، ا، س (نیز ب)؛ اندر ایران؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، و) ۳- ل (نیز ل، آ)؛ گشادی (ل، آ؛ گشودی) بنفرین ایشان؛ س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ بنفرین گشادی بر ایشان؛ (ل، ا، ب)؛ گشادی بنفرین بر ایشان؛ و؛ گشادی بدشنام و نفرین؛ متن = ف، ق، ل، ا، س (نیز ق، ل، و) ۴- ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، ا، پ، و، لن) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ متن = ف، ل، ا، س (نیز ل، آ، ب)؛ بنداری (۱۲۳۷-۱۲۴۵)؛ و لیس بمستنکر منک ذلک فانکم جبلتم علی طبع الشر من عهد تورین افریدون القاطع رحم اخیه ایرج. وقد ظهرت آثار تلک الطبیعة علی افراسیاب من ایام نوذرین منوچهر فانه اباح دمه. ثم ارتکب ق ایام کیقباد من العظام ما ارتکب، و هلم جرا الی ایام الملک کیکوس التي تعاطی فیها ما عرف واشهر من تخرب البلاد الایرانیة، و قتل رجالها، واستباحة أموالها، و ما ختم به آخر الأمر من قتل سیاوخش الذی أورث هذا الخطب العظیم ۵- ل، س، ق (نیز لن، پ، ل، ن؛ آ، ب)؛ بافراسیاب؛ س (نیز و)؛ بر افراسیاب؛ متن = ف، ل، ا ۶- ف: اندر از (!)؛ س، ل (نیز ل، پ، و)؛ آمد این؛ (لن، ا، ب)؛ آمد از)؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ق، ل، آ) ۷- س، ق؛ خوی؛ (ل، آ؛ نام)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ا، ب) ۸- ف (نیز ق، ل، ی، ب)؛ تا؛ ل، ل، ا، س؛ ما (نقطه ندارد)؛ س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ پس؛ متن = ق (نیز و، آ) ۹- (و؛ آنچه)؛ س؛ او آنچه؛ ق؛ همچنان کار؛ ل، س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ بکاوس کی کرد خود آنچه (پ، لن؛ آنچه)؛ ل (نیز ب)؛ بکاوس بر (ب؛ بد) کرد نیز آنچه؛ (ق، ل، آ)؛ بکاوس کی نیز کرد آنچه)؛ متن = ف ۱۰- ل، ق؛ از آنپس ۱۱- ل (نیز ب)؛ کین ۱۲- ل، س، ق (نیز ل، ل، ن)؛ سیاوش؛ (لن، ل، ی، ب)؛ سیاوش)؛ متن = ف، ل، ا، س (نیز ق، و، آ، ب، بنداری) ۱۳- ل، ا، س؛ فراز؛ (و؛ کینه دیرباز)؛ ف؛ چنین نو در کین و آرز؛ س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ فکندی چنین کینه بر (س؛ بس) دراز؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ی، ل، آ، ب) ۱۴- ف، ل (نیز ق، ل، ی، ل، آ)؛ که او؛ ل؛ که این؛ س (نیز ب)؛ که آن؛ متن = س (نیز لن، پ، و، لن)؛ ق این بیت را ندارند ۱۵- س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ بزرگان با تاج و تخت ۱۶- ق؛ برین کینه بر شد تباه؛ س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ کز ایران شدند اندرین کین ز (س؛ شدندی نگویند) بخت ۱۷- ق؛ همان نیز ۱۸- س؛ ابا ۱۹- س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ چند بندی ۲۰- ف، ق (نیز ب)؛ تا؛ س، س؛ ما (نقطه ندارد)؛ متن = ل، ل (نیز لن، پ، ل، ن، آ) ۲۱- ل؛ اسب (!)؛ س؛ تاج (!) ۲۲- ل، س، ل، ا، س (نیز ق، ب)؛ که از شهر توران (ل؛ ترکان)؛ ق (نیز ل، آ)؛ که تا گاه کینه؛ (ل؛ که تا من ز توران)؛ متن = ف (نیز لن، پ، ل، ن) ۲۳- س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ من ز (ب؛ که) ۲۴- ل، ا، س؛ من ۲۵- ل، ا، س (نیز ل، آ، ب)؛ همی

<p>بروبومشان ناسپرده به پای^۱ نبیم به دلت اندرون^۲ ترس^۳ و باک، گرفتار گرده به فرجام تن اگر بازگردم ز پیگار تو، پرسد ازین گردش روزگار، ترا دادم و زور و فرزانیگی، نبستی چرا پیش^۴ ایرانیان؟ پرسد ز من داور دادگر، چه گویم چرا بازگشتم ز کین؟ که افگندی ای پیر سالار^۵ بن^۶، نشاید ستد زنده را^۷ جان پاک به دل در^۸ ز هرگونه آزارها^۹، چه مایه کیان را^{۱۰} بیازده اید، همیشه به سوی بدی تاختن^{۱۱}، که نیکی سراسر بدی گاشتی^{۱۲}؟ ز توران سران را گروگان کنم، ببندیم بر خویشتن راه رنج که فرمان جزین ست^{۱۳} ما را ز شاه به کین سیاوخش^{۱۴} خون ریختن^{۱۵}</p>	<p>من این کینه را ناوریده به جای سدیگر که گفתי: ز^{۱۶} یزدان پاک ندانی کزین خیره خون ریختن من اکنون بدین چرب^{۱۷} گفتار تو به هنگام پرسش ز من کردگار که^{۱۸} سالاری و گنج^{۱۹} و مردانگی به کین سیاوش کمر بر میان به هفتاد خون گرامی پسر ز^{۲۰} پاسخ به پیش جهان آفرین ز کار سیاوش چهارم^{۲۱} سخن که^{۲۲} گفתי: ز بهر تنی گشته خاک تو بشناس کین زشت^{۲۳} کردارها که با شهر ایران شما کرده اید چه پیمان شکستن، چه کین ساختن^{۲۴} چو یاد آید آن^{۲۵}، چون کنم^{۲۶} آشتی به پنجم که گفתי که پیمان کنم بنزدیک خسرو فرستیم گنج بدان ای نگهدار^{۲۷} توران سپاه مرا جنگ فرمود و آویختن^{۲۸}</p>
--	--

۱- س بیتهای ۱۲۵۳، ۱۲۵۶-۱۲۵۸ را ندارد، ولی آنها را به خطی دیگر در میان ستون‌ها افزوده‌اند ۲- ل (نیز ب): که ۳- س (نیز ل، پ، ل، ن): بجات درون؛ ل، س: بدن اندرون؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۴- ل: نیم ۵- ل: کردی ۶- ل، ل، س: (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب): خوب؛ متن = ف، ق ۷- س: ز ۸- (ل، ن، پ، ل، ن): زور ۹- ل: [و]: (ل، ن، پ، ل، ن): گنج (و) ۱۰- ل، ل، س: بستی و برخون ۱۱- ق، ل، ل، س: (نیز ق، ل، ل، و، آ): به؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۲- (ق: سیاوخش چارم) ۱۳- س (نیز ل، پ، ل، ن): که ای پیر سالار کردی تو بن ۱۴- س (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب): تو ۱۵- س: ز زنده ستد ۱۶- س: کان بندو ۱۷- ل، ل، س، ل، س، ل، س: (نیز ل، ل، آ، ب): بر؛ (ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب): متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۱۸- (ل، ن، پ، ل، ن): بازارها؛ ل، آ: گفتارها؛ متن = ف، س: (نیز ل، آ) ۱۹- ق: ز ایران؛ ل: بزرگان؛ متن = ل، س، س، ل، س: (نیز ل، ب): ف این بیت را ندارد ۲۰- ل، ل، س: (نیز و، ل، ن، آ، ب): آختن؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ل، ل، پ، آ) ۲۱- ق، س، ل، س: آختن (س: سیاوش ندارد) ۲۲- ل: آورم؛ ل، س: (نیز ق، ل، ل): آیدم؛ (آ: آید این؛ ب: آمدم)؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، ن، آ) ۲۳- ف (نیز ب): کنیم؛ متن = ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۴- (ل، ن، پ، و، ل، ن، آ، ب): داشتی؛ ق، ل، ل، آ: بد انگاشتی؛ ل: که یکسر بدی نیکی انگاشتی؛ متن = ف، س: کاشتی ۲۵- ل، س (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): نگه‌بان؛ (ل، آ: سپهدار)؛ متن = ف، ق، ل، ل، س: (نیز ل، آ) ۲۶- س (نیز ل، ق، آ، ب، ل، ن، آ): چنین است؛ (ل، ل، آ: جزین نیست)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، س: (نیز و، آ، ب) ۲۷- س: و خون ریختن ۲۸- ل، س: (نیز ل، ل، ن): سیاوش؛ (ل، ل، پ: سیاوش)؛ متن = ف (نیز ق، و، آ، ب) ۲۹- س: بر آویختن

۱۲۷۵ چو فرمان خسرو نیارم به جای
 وراومید^۲ داری که خسرو به^۳ مهر
 گروگان و این^۴ خواسته هرچه^۵ هست^۶
 گسی کن به زودی^۱ بنزدیک شاه
 ششم شهر ایران^{۱۱} که کردی تو یادی^{۱۲}
 سپارم گفתי به خسرو همه
 ترا کرد یزدان ازین^{۱۵} بی نیاز
 سوی باختر تا به مرز خزر
 ۱۲۸۰ سوی نیمروز اندرون تا به سَند
 تَهَم نیورستم ابا^{۱۹} تیغ تیز
 سر هندوان با درفش سیاه
 دهستان و خوارزم و آن بوم و بر^{۲۱}
 بیابان ازیشان برداختند
 ۱۲۸۵ ببارید بر شیده آشکش^{۲۳} تگرگ
 اسیران و از^{۲۴} خواسته چند چیز
 و زین سو^{۲۶} من و توبه جنگ اندرم
 روان شرم دارد ز گیتی خدای^۱
 گشاید برین^۴ گفت های^۵ تو چهره،
 چو لَهاک و رویین خسرو پرست^۱،
 سوی شهر ایران گشاده ست راه
 برو بوم آباد و فرخ نهاد^{۱۳}،
 بر خویش خوانم یکایک^{۱۴} رمه
 گر آگه شوی^{۱۶} تا گشایم^{۱۷} راز:
 همه گشت هراسپ را سر بر
 جهان^{۱۸} شد بگردار رومی پرتند
 بر آورد ازیشان دم^{۲۰} رستخیز
 فرستاد رستم بنزدیک شاه
 که ترکان بر آورده بودند سر،
 کزان سو همی^{۲۲} تاختن ساختند
 فراز آوردش بنزدیک مرگ
 فرستاد نزدیک خسرو بنیر^{۲۵}
 بدین^{۲۷} مرکز^{۲۸} نام و ننگ اندرم

۱- ل (نیزلی، ل، و، آ): بدیگر سرای؛ س (نیزلن، ق، پ، ل، ن): ز کیهان خدای؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزب) ۲- س، ق، ل، س، آ (نیزلن، ب): امید؛ متن = ف، ل ۳- ق: ز ۴- س، ق (نیزلن، ل، ب): بدین؛ متن = ف، ل، س (نیزق) ۵- ل (نیزق):
 گفتا بر؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ب): گفت های (= گفته های؟) ۶- س، ق: و آن ۷- ل: هرچ ۸-
 س: کرد (نخست بود داشته است) ۹- س: چورویین و لهاک و فرشیدورد ۱۰- ل، س: چو گفתי؛ س: کسی کوفستی (ح-گسی
 کن...); متن = ف، ل، ق (نیزلن، ب) ۱۱- س (نیزلن، پ، ل، ن): شهرهای؛ (ق: شنیدم از ایران)؛ متن ← ۱۲- ل، س: ششم
 آنک کردی ز ایران تو یادی؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، و، آ، ب): بنداری؛ و ما ذکر ت من تسلیم البلاد والإفراج عنها لعبد الملك فقد أراحك
 الله من ذلك ۱۳- س (نیزلی، ل، پ، و، آ، ب): آباد فرخ نهاد؛ ق: آزاد فرخ نژاد؛ ل: آباد خسرو نهاد؛ ل: بروم آباد فرخ نژاد؛ متن = ف،
 س (نیزلن، ق، ل، ن) ۱۴- (ل: سراسر؛ ل، آ: زهر سو؛ و: خوانم یک یک)؛ ل: زهر سو بر خویش خوانم؛ (ب: بخوانم بر خویش
 یک یک)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ق، پ، ل، ن) ۱۵- ل: از آن ۱۶- ل، س (نیزلن، ب): نه؛ متن = ف ۱۷-
 ل، س (نیزلی، آ، ب): تا گشایمت؛ (و: ما گشایم)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن) ۱۸- ل: همی؛ س:
 همه ۱۹- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ): همان (س، ل، ن، پ، و، ل، ن: تهم) رستم نیوبا (ل: از)؛ ل، س (نیزق، ب): گرفتست رستم بدان؛
 متن = ف ۲۰- ل، س: همه ۲۱- ل: بوم بر؛ ف پس از بیت ۱۲۸۳ (بجای بیت ۱۲۸۵) افزوده است:

ز شیده به تیغ اشکش تیزهوش
 ببرد آن زمین گیتی آمد بجوش

۲۲- ل: سوی باختر؛ س (نیزلن، پ، و، ل، ن، ب): که از هر سوی؛ (ق: کزان سر همی؛ ل: کزانسان همی)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزل، آ،
 آ) ۲۳- س، ق (نیزق، و، بنداری): اشکس؛ (آ: اسکس)؛ ف این بیت را ندارد و بجای آن بیت ۱۲۸۳ پ را افزوده
 است؛ در ل ن از بیت ۱۲۸۵ تا ۱۴۷۵ افتاده است؛ بنداری: و آن اشکس کسر شیده بن افراسیاب حتی لم یفلت منه إلا بجُرعة الذق،
 وأنه تغلب علی خوارزم و دهستان و ما والاها ۲۴- ف، ل، ق، ل، س: و ز؛ متن = س ۲۵- (ل: مزیز(ا)؛ ب:
 خسروش نیز)؛ ل: خسرو او نیز (!)؛ س (نیزب، ل، ن): فرستاد و آن خواسته جمله نیز؛ متن = ف، ل، س (نیزق، ل، و، آ)؛ ق این بیت را
 ندارد ۲۶- ق: پس ۲۷- ل، س (نیزق، ب): بدین؛ متن = ف ۲۸- (ل، ب: مرزبا)

<p>ازین^۳ نامداران و شیران^۴ گرد رهانم ترا زین همه گفت و گوی^۶ به خون غرقه گردانم این رزمگاه نگه کن بدین^۷ گردش هور و ماه سر بختِ ترکان به گاز آمده ست چه آرد جهان آفرین بر سرت مکافات بد را بد آمد^{۱۰} پدید^{۱۰} حدیث از^{۱۲} خردمند مردم نیوش سواران شمشیرزن صد هزار، بدافسون^{۱۵} نگردند ازین^{۱۶} رزمگاه فگندن^{۱۸} وفا را به سوگند بُن خرد را روانت خریدار نیست وفا را به فرجام هم بشکنی^{۲۰} به گفتار کس بر تو^{۲۱} ایمن مباد! چه مایه به سختی ترا یاد کرد از آن تو بیشتر و^{۲۳} مردی و بخت، ولیکن دلم را ز مهرست رنج به جنگ آزمودی مرا بی گمان تو دانی کنون، بازم از نو^{۲۵} بین!</p>	<p>به یک چند^۱ دیدی مگر^۲ دستبرد اره ایدونک روی اندر آری به روی به نیروی یزدان و فرمان شاه ۱۲۹۰ تو ای نامور پهلوان سپاه که بند سپهری فراز آمده ست نگر تا ز^۸ کردار بدگوهرت زمانه ز بد دامن اندر کشید تو بندیش هشیار^{۱۱} و بگشای گوش ۱۲۹۵ بدان کین چُنین^{۱۳} لشکر نامدار^{۱۴} همه نام جوی و همه کینه خواه زمانه بر آمد^{۱۷} - به هفتم سخن - به پیمان مرا با تو گفتار نیست ازیرا که با هر که^{۱۹} پیمان کنی ۱۳۰۰ به سوگند تو شد سیاوش به باد نبودیش فریادرس روز درد به هشتم که گفتی: مرا^{۲۲} تاج و تخت همیدون فروزم به مردان^{۲۴} و گنج ۱۳۰۵ من ایدون گمانم که تا این زمان گرم بی هنر یافتی روز کین</p>
---	--

۱- ل (نیزلی، ل^۲): جنگ؛ (آ: رزم)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزق، پ، ل، ب) ۲- ل (نیزلی، آ): همه؛ س (نیزل، پ، ل، ن): زمین؛
متن = ف، ل، س^۱ (نیزق، ب) ۳- س: وزین ۴- ل (نیزلی، ل^۲): مردان؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزق، پ، ل، ن، ب)؛ ق
بیتهای ۱۲۸۸-۱۲۹۰ را ندارد ۵- ل، س، ل، س^۱ (نیزق، ل، ل^۲): ور؛ (پ، و، ل، ن): گسر؛ متن = ف ۶- ل:
گفت گوی ۷- س: برین ۸- ل: به ۹- ل: آید ۱۰- س (نیزلی): کلید ۱۱- س (نیزپ، ل، ن): بسیار؛ ق: توبش
هشیوار؛ (ق): بیندیش هشیار؛ ل^۲: براندیش هشیار؛ و: براندیش و بشتاب؛ ب: توبندیش و بشتاب؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ (نیزلی،
آ) ۱۲- س، ل، س^۱ (نیزو): حدیث (؟)؛ (پ، ل، ن): سخن (از)؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، ل^۲): حدیث از (؟)؛ بیت
(۹۵۵) ۱۳- س: بدانگه که این ۱۴- ل، س^۱: بیشمار ۱۵- ل، س^۱ (نیزق، ب): بافسون؛ متن = ف ۱۶- س:
زین ۱۷- (ق): ز ما خود برآمد؛ ل^۲: دگر آنک گفتی) ۱۸- ل، ل، س^۱ (نیزق، ب): فکندم؛ س (نیزلی، ل^۲): فکندی؛
ق: فکندم؛ متن = ف (نیزو) ۱۹- ل: ازیراک با هرک؛ س (نیزپ): از ایران (حازایرا) توبا هرک؛ متن = ف، ق،
ل، س^۱ (نیزق، ل، ل^۲): و، ل، ن، آ، ب) ۲۰- س (نیزپ، ل، ن): ویران کنی؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیزق، ل، ل^۲):
و، آ، ب) ۲۱- ل (نیزل، آ): بر تو کس؛ س، ق (نیزپ، و، ل، ن): تو بر کس؛ (ل: تو خود کس)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز
ق، ب) ۲۲- س: سرو ۲۳- ل، س، ق، ل: [و]؛ متن = ف، س^۱ ۲۴- س، س (نیزلی، ل^۲): بردی؛
(ق): نمودی؛ و: به تیمار؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۵- ل، ق: از پس؛ س، ل (نیزق، آ): از سر؛ س: باز از سر؛ (ب: دگر
بارم از سر)؛ متن = ف

تی چند بگزین ز بهر^۳ نبرد،
 بیارم سواران مردم گشان^۴،
 نخواهم که بیداد و^۵ کین گسرم
 که دانی^۶ نهان دل و رای^۷ خویش
 که^۸ از یکدگر^۹ بگسلاّم سپاه
 که با من بگردد برین^{۱۰} دشت کین
 پُرآزار^{۱۱} ازیشان دلِ انجمن،
 کزیشان بگردم بدین داستان
 بیاید زدن سربسر^{۱۲} همگروه
 گر ایدونک پیروزی آید^{۱۳} پدید،
 بیارم و سازیم^{۱۴} جای نبرد
 من از گفته‌ی خود نیم دلگسیل
 بسنده^{۱۵} نخواهی بُدن با سپاه،
 به ژرفی نگهدار پیگار^{۱۶} خویش
 ز خویشان نزدیک و^{۱۷} پیوستگان،
 زمان جُستن اکنون بدین کار تُست
 وگر جنگ خواهی^{۱۸}، زمان و درنگ

به فرجام^۱ گفتی: ز^۲ مردانِ مرد
 من^۳ از لشکر ترک هم زین نشان^۴
 که از مهربانی که بر لشکر
 تو با مهربانان^۵ نهی پای پیش
 ۱۳۱۰ بیازارد از من جهاندارشاه
 و دیگر که^۶ گفتی: مبارز گزین
 یکی لشکری^۷ پُرگنه^۸ پیش^۹ من
 نباشد ز من شاه همدستان
 ۱۳۱۵ نخستین^{۱۰} بدانبوه^{۱۱} زخی چو کوه
 میان دو لشکر دو صف برکشید
 و گرنه همین^{۱۲} نامدارانِ مرد
 ازین گفته گر بگسلی باز دل
 و ر ایدونک با من بدآوردگاه^{۱۳}
 ۱۳۲۰ سپه خواه و یاور ز سالار خویش
 پراکنده از لشکرت خستگان
 بدان^{۱۴} تا شوند از^{۱۵} بزشکان^{۱۶} درست
 ترا، چند خواهی^{۱۷}، زمان و درنگ

۱- (ل: نه آنچه) ۲- ق: که ۳- س، ل: (نیز، ل: ب): به (ب: تو) روز ۴- س: هم ۵- س: شمار ۶- س: گه کارزار؛ ل: س: (نیز، ل: ب): گردنکشان؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ل: آ) [و؛ ل: (نیز ب): به بیداد؛ متن = ف، ق (نیز، ل: آ)؛ درق: این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- س، س: (نیز، ل: ی، و؛ ل: آ، ب): مهربانی؛ (ب: گر مهربانی)؛ متن = ف، ل، ق، ل: (نیز، ل: آ) ۹- (ق: نمایی)؛ متن ← ۱۰- س: راز؛ ل، ق: که دانی دل و رای بیسای (ق: و بنیاد)؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ل: ب) ۱۱- ل (نیز، ل: پ، و؛ آ): گر؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز، ل: ل، ب) ۱۲- س (نیز، ل: ل): همدگر ۱۳- ل (نیز، ل: آ): نه آنک؛ ق: ابا آنک؛ (ل: دهم آنک)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز، ل: پ، و؛ ل: ل، ب) ۱۴- س، ق (نیز، ل: آ): بدین ۱۵- ف، س: (نیز، ل: ب): لشکر؛ متن = ل، س، ل: (نیز، ل: ی، ل: ل، ل، آ) ۱۶- ل، ل، س: (نیز، ل: آ، ب): بی گنه؛ (و: که این لشکر گشن) ۱۷- س: کار ۱۸- س (نیز، ل: ل): پراز درده؛ ل، س: (نیز، ل: بی آزار؛ ق: بیتهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ را ندارد ۱۹- ق (نیز، ل: آ): همدون ۲۰- ل- س: (نیز، ل: ب): بانبوه؛ متن = ف ۲۱- ق: بر سر ۲۲- س: بیرون برآید (!) ۲۳- س (نیز، ل: ل): هم از ۲۴- ل، ل، س: (نیز، ل: ب): بیارم بسازیم؛ ق بیتهای ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ را ندارد ۲۵- ل- س: (نیز، ل: ب): باوردگاه؛ متن = ف ۲۶- (ل، ل، ل، آ، ب: بسنده) ۲۷- س (نیز، ل: ل): پرگار؛ ق: تیمار؛ ل، س: ننگه کن به پیکار؛ (و: ننگه کن تو در کار)؛ متن = ف، ل (نیز، ل: ی، ل، آ، ب)؛ در ل، س: (نیز ب) پس از این بیت، بیت ۱۳۲۳ آمده است ۲۸- س: ز خویش و نسیره ز؛ (ب: ز خویشان و پیوند و؛ ل: ز خویش و زیبوند و) ۲۹- ق: بدان ۳۰- ل، س، ق (نیز، ل: آ): تا کندشان؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ل: ل: بزرگان (!) ۳۱- ل: بزرگان (!) ۳۲- ل، ق (نیز، ل: آ): اگر خواهی از من (ل: آ، ما)؛ ل، س: (نیز، ل: ب): تسو (ل: ز) هر (ق: ار) چند خواهی؛ متن = ف، س (نیز، ل: ل) ۳۳- ق (نیز، ل: آ): جویی؛ ل، س: (نیز، ل: ب): بدادم و گرنه؛ متن = ف، ل، س (نیز، ل: ی، ل، پ، ل: ل)؛ در ل، س: (نیز، ل: ب) این بیت پس از بیت ۱۳۲۰ آمده است

۱۳۲۵ بدان گفتم این تا به ^۱ روز نبرد که ناگاه با ما ^۲ به جنگ آمدی من این کین اگر تا به صد ^۵ سالیان ازین کینه برگشتن اومید ^۷ نیست	به ما بر بهانه ^۲ نباید ^۳ کرد، کمین کردی و بی درنگ آمدی بخواهم همانست و اکنون ^۶ همان شب و روز بی دیدگان را یکیست ^۸
۱۳۳۰ چُن ^۱ این ^{۱۱} پاسخ نامه گشت اسپری کمر بر میان بر ^{۱۱} ستور نوند فرود آمد از اسپ ^{۱۴} روین گرد سپهدار فرمود ^{۱۶} تا موبدان بزودی سُو پهلوان آمدند پس آن ^{۱۷} پاسخ نامه پیش گوان بزرگان کز آن نامه ^{۱۹} دلپذیر هُش و رای پیران تُنک داشتند به گودرز بر ^{۲۱} آفرین خواندند پس آن نامه را مُهر کرد و بداد چُن ^{۲۲} از پیش گودرز برخاستند چه ^{۲۳} اسپان تازی به زرین ستام ببخشید یارانش را سیم و زر برفت از در پهلوان با سپاه ^{۲۵}	فرستاده آمد بسان پری سواران ^{۱۲} به گرداندرش نیز ^{۱۳} چند گوان را همه پیش گودرز ^{۱۵} برد ز لشکر همه نامور بخردان، خردمند و روشن روان آمدند بفرمود برخواندن ^{۱۸} پهلوان شنیدند ^{۲۰} گفتار فرخ دبیر، همه پند او را سَبک داشتند وُرا پهلوانِ زمین خواندند به روین پیرانِ ویسه نژاد بفرمود تا خلعت آراستند چه افسر، چه شمشیر ^{۲۴} زرین نیام که را درخور آمد: کلاه و کمر سُو لشکرش برگرفتند راه ^{۲۶}

۱-ق: که ۲-ل: بهانه بن بر ۳-س (نیز، لن): نیاری تو؛ س: نباید ۴-ف: گنهار با ما؛ س (نیز، لن): که ناگه بر ما؛ ق: که با من بناگه؛ و: که ناگاه مان خود؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز، ل، آ، ب) ۵-ل (نیزو): ناصد (= تا بصد؟ یا نصد؟)؛ ق: پانصد؛ (لی، آ: پنج صد)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۶-س: و دیگر ۷-ل-س (نیز، ب): انید؛ متن = ف ۸-ف: بی دیدبان حید نیست (؟)؛ س (نیز، لن): با گاه و ساعت یکیست؛ (لی: بی دیدگان یکیست؛ ل: بی دیدگان شید نیست (؟)؛ پ: و هم گاه و بیگه یکیست؛ و: خود بندگان رایکیست)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز، آ، ب) ۹-ل-س (نیز، ب): چو؛ متن = ف ۱۰-ل: آن ۱۱-ل، ق (نیز، آ): با ۱۲-ل، ق: زمردان ۱۳-س: بای (!) ۱۴-ل: باره ۱۵-س (نیز، لن): سالار ۱۶-ل (نیز، آ): سپهدار بفرمود ۱۷-ل: این؛ س (نیز، لن): چو آن؛ (پ: همان)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز، ل، لی، آ، ب) ۱۸-ل، ق: خواندن همی؛ (لی، آ: برخواندن آن)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب) ۱۹-ف: گرانمایه (حکزان نامه)؛ ل، ق (نیز، ل، ب، لن): که آن نامه؛ س: که این نامه؛ ل (نیز، و، آ، ب): چو آن (و: چنان) نامه؛ متن = س (نیز، ل) ۲۰-ق (نیز، ب): شنیدند و ۲۱-ل: پس ۲۲-ل، س، ق، ل (نیز، ب): چو؛ متن = ف، س، آ؛ برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند، س: بازگشتن روین پیران از نزد گودرز کشواد؛ ل: باز آمدن روین از نزد گودرز و پاسخ آوردن ۲۳-ل، ق، س (نیز، لن): ز؛ س: از؛ متن = ف، ل (نیز، ل، لی، آ، و، آ، ب) ۲۴-س، ل، س (نیز، و): چه (س: ز) شمشیر هندی؛ به؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۵-ل، آ: با کلاه؛ س (نیز، ب، لن): برفتند روین و آن ده سپاه (س: درس در بالا به خطی دیگر برابر ضبط متن تصحیح کرده اند)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز، ل، آ، و، ب) ۲۶-ل، ق (نیز، ل، آ): لشکر خویش بگرفت راه؛ س: لشکرش زود آزادوار (در بالا به خطی دیگر برابر ضبط متن تصحیح کرده اند)؛ متن = ف، ل (نیز، ل، ب، و، لن، آ، ب)

چو رویین بنزدیک پیران رسید
 بنزدیک تختش فرورد سر
 چو بگزارد پیغام سالار شاه
 پس آن نامه برخواند^۲ پیشش^۳ دبیر
 دلش گشت پُردرد و جان پُرنبیب
 شکیبایی و خامشی برگزید
 وُزآپس^۷ چُنین گفت پیش سپاه
 از آن خون هفتاد پور گزین
 گر ایدونک او^{۱۱} بر گذشته^{۱۲} سخن
 چرا من به کین برادر کمر
 برآن^{۱۸} خوِی نهصد تن^{۱۹} نامدار
 که اندر^{۲۱} برویوم^{۲۲} ترکان^{۲۳} دگر
 چو نستین آن سرو سایه فگن
 بیاید کنون بست ما را کمر
 به نیروی یزدان و شمشیر تیر^{۲۸}

به پیش پدر شد چنان چون سزید
 جهان دیده پیران گرفتش به بر
 بگفت آنچه^۱ دید اندر آن رزمگاه
 یکایک رخ پهلوان^۴ شد چو قیر
 بدانست کامد به تنگی نشیب
 نکرده آن سخن بر سپه بر پدید^۶
 که گودرز را دل نیاید^۸ به راه
 نیارامدش یک زمان دل^{۱۰} ز کین
 به نوی^{۱۳} همی کینه سازد ز^{۱۴} بن،
 نبندم^{۱۵}، بخارم^{۱۶} برین^{۱۷} کینه سر
 که از سر^۲ جدا شد گه کارزار
 سواری نبندد چو هومان^{۲۴} کمر
 که شد ناگهان ناپدید از چمن^{۲۵}
 نمائیم^{۲۶} بایرانیان بوم و بر^{۲۷}
 برآرم^{۲۱} از آن انجمن رستخیز^۳

گفتار اندر پیغام فرستادن پیران و یسه به افراسیاب^{۳۱}

۱- ل: آنچه ۲- (ق، پ، ل: نامه را خواند) ۳- س، ل: (نیزلی، ب): پیش ۴- ل (نیزق): رخ پهلوان سپه: متن = ف، س، ل: س: (نیز ل، پ، ل: ب) ۵- ل: نکرد (نقطه ندارد): ق: بکرد: متن = ف، س، ل: س: (نیزق: ب) ۶- ل، ق: ناپدید: (ل: سخن را بترکان پدید): متن = ف، س، ل: س: (نیزق: ل، پ، و، ل: آ): بنداری: فلما آناه و دفع الیه الکتاب و قرأه عظم علیه جواب جودرز، و لم یطلع علیه أحدا ۷- ل، س: از آن ۸- ل- س: (نیزلی- ب): نیامد: متن = ف (نیزق: آ) ۹- س: وزان ۱۰- س (نیزپ، ل: دل زمانی ۱۱- ف: این (؟): متن = ل- س: (نیزق: ب) ۱۲- س: برگزشتی (!) ۱۳- ل- س: (نیزق: ب): نویی: متن = ف ۱۴- ق: به ۱۵- (ق، ل: نبندم) ۱۶- ف، ل، ق، ل: (نیزو، آ): بخارم (حرف یکم نقطه ندارد): س: بخارم (!): (پ، ل: ب: بخارم): متن = س (نیزلی) ۱۷- ل، ق (نیزلی، آ): ازین: س (نیزپ): بدین: متن = ف، ل: (نیزق، و، ل: ب) ۱۸- ل، ق: هم از: س: از آن: س: بر از خون: (ق: بدان: ل، آ: همان): متن = ف، ل: (نیز ل، پ، و، ب) ۱۹- (ق، ل، پ، ل: ب: سر): متن = ف- س: (نیزلی، و، آ) ۲۰- ف (نیزق: ل، ل، پ، ل: آ، ب): تن: س (نیزو): کشان سر: متن = ل، ق، ل: س: ۲۱- ل: کراشد (نقطه ندارد): ق: کراید: (آ: کز ایدر): متن = ف، س، ل: س: (نیزق: ل، ب) ۲۲- ل: بروم ۲۳- س، ل: (نیزپ، و، ل: ب): توران: متن = ف، ل، ق، س: (نیزق: ل، ل، آ) ۲۴- ل، س، ل: (نیزق: ل): چو هومان نبندد: متن = ف، ق، س: (نیز ل- ب) ۲۵- ل، ق (نیزلی، ل، آ): که شد ناپدید از همه (ل، آ: اندر آن: ل: انجمن: متن = ف، س، ل: س: (نیزق: ل، ب، ل: ب) ۲۶- ل، ق، س: (نیزلی، ل، ل، آ): نمائیم (س: نمائند) به (ل: آ: بر) ایرانیان: س: نمائیم از ایرانیان: متن = ۲۷- ل: (نیزق: ب): نمائند (ق: نمائند: ب: نمائند) بایران برویوم و بر (!): (پ: نمائیم بایران زمین بوم و بر): متن = ف ۲۸- س: یزدان پیروزگر ۲۹- ل، ق (نیزق: ل، ل، پ، ل: آ، ب): برآرم: متن = ف، ل: س: (نیزو) ۳۰- س: نمائیم از آن انجمن بوم و بر ۳۱- ف: گفتار اندر پیغام فرستادن پیران و یسه بشاه افراسیاب و آگهی دادن او را از کشتن هومان و نستین: س: پیغام فرستادن پیران: بنزد افراسیاب: ق: آگهی دادن پیران افراسیاب را از حال لشکر و خبر آمدن کیخسرو: ل، س: پیغام پیران نزد (س: نزدیک) افراسیاب: ل سرنویس ندارد: متن = آغاز ف

ازا اسپان گله هرچه^۲ شایسته^۳ بود
 پیاده همه کرد یکسر سوار
 سر^۴ گنج‌های کهن برگشاد^۵
 چن^۶ این کرده^{۱۰} شد نزد افراسیاب
 فرستاده‌یی باهش و رای و بیر^{۱۱}
 که رو^{۱۳} شاه توران سپه را بگوی
 کز آنکه که چرخ سپهر بلند
 چو تو شاه بر گاه نشست^{۱۶} نیز
 نه زیبا بود جز^{۱۸} تو مر تخت را
 از آن سر برآرد^{۲۰} جهاندار گرد
 یکی بنده‌ام من گنهکار تو
 به کیخسرو^{۲۳} از من بیازرد شاه
 که آن^{۲۵} ایزدی^{۲۶} بود و^{۲۷} بود آنچه^{۲۸} بود
 اگر شاه^{۳۰} بیند، مرا زین گناه^{۳۱}
 ۱۳۶۰
 ۱۳۶۵
 ۱۳۷۰

ز هر سو به لشکرگه آورد زود^۴
 دواسپه سوار ازدر^۵ کارزار
 به دینار دادن در اندرگشاد^۸
 نوندی برافگند هنگام خواب
 سخن‌گوی و گرد و سوار و دبیر^{۱۲}،
 که ای دادگر خسرو نام‌جوی^{۱۴}،
 بگشت از بر تیره‌خاک^{۱۵} نژند،
 به کس نام شاهی نیوست^{۱۷} نیز
 کلاه و کمرستن و بخت^{۱۹} را
 که پیش تو آید به^{۲۱} روز نبرد
 کشیده سر از رای^{۲۲} بیدار تو
 و زان^{۲۴} خویشان را ندانم گناه،
 نیاید ز^{۲۹} گفتار بسیار سود
 کند گردن آزاد و آرد به راه^{۳۲}

۱- ف، ق، ل، س: ز؛ متن = ل، س ۲- ل: هرچ ۳- س: شایسته ۴- ف (نیزب): آورده بود (در ب در بالا به همان خط به ضبط متن تصحیح شده است)؛ متن = ل، س (نیزق: آ) ۵- ف: سواران در (سوار از در)؛ ل: سوار از پس؛ (و: گزید از پی)؛ متن = س، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد ۶- س (نیزلی، پ، لن): در ۷- (ب: باز کرد) ۸- ل، ق (نیزق: ق)؛ دل (ق: در) اندر نهاد؛ (ب: سپه را درم دادن آغاز کرد)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلی-آ) ۹- ل-س (نیزق: ب): چو؛ متن = ف ۱۰- ف، ل، س (نیزل: ق): گفته (؟)؛ متن = ل، س، ق (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۱- ل، ق: رای ویر؛ س (نیزلی، ل، آ): رای و ویر (ل: به رای بر تصحیح کرده است)؛ ل، س (نیزق: پ، لن، ب): رای بیر (= بیر؟ پیر؟)؛ (و: جوانی فرستاد با رای پیر)؛ متن = ف (سبیزن و منزه، بست ۸۳) ۱۲- ق، س (نیزلی، ل، لن، آ، ب): دلیر؛ (ق: خردمند و گیرنده و یادگیر)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزب، و) ۱۳- س: شو ۱۴- س (نیزب، لن): شاه دیهم جوی ۱۵- س: خاک تیره ۱۶- ل، ق: نشست بر گاه؛ متن ← ۱۷- ل، ق: شاهی پیرشاه؛ متن = ف، س، ل، س (نیزق: ب) ۱۸- ق: چون ۱۹- س: رخت؛ ل: کمرستن و افسرو بخت ۲۰- ل، ق (نیزق: لی، ل، آ، ب): کس برآرد؛ ل: سروان؛ متن = ف، س (نیزب، لن): این بیت را ندارند ۲۱- ل (نیزل: ب، و، آ، ب): جان؛ ق: حکم؛ (لی: بند و آ: پند)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزق: پ، لن): ۲۳- ف: یکی خسرو (بکی خسرو = به کیخسرو)؛ ل، ق (نیزو): ز کیخسرو؛ متن = س، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۴- ل، ق (نیزل، ل، آ، ب): جزین: س: که این؛ (و: از آن؛ لن: جز آن)؛ متن = ف، ل، س (نیزق: پ) ۲۵- ل: این ۲۶- ل: بودنی ۲۷- ل: [و] ۲۸- س: آنچه ۲۹- ل (نیزق: ق): ندارد ز؛ س (نیزب، لن): ندارد به؛ (ل: نیارد ز؛ و: نباشد به)؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، آ، ب): ق بینهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ را ندارد ۳۰- ل: نیز؛ متن ← ۳۱- (ل، ب: بی گناه)؛ س (نیزب، لن): اگر زانک بیند مرا نیکخواه (پ، لن): نیک شاه؛ در س در بالا ضبط متن را افزوده است)؛ متن = ف، ل، س (نیزق: لی، و، آ) ۳۲- ل (نیزلی): و آید براه؛ س (نیزب، لن): و بخشد گناه؛ (در س در بالا ضبط متن را افزوده است)؛ (ل: آرد پناه)؛ متن = ف، ل، س (نیزق: و، آ، ب)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

سیاست مرا او را بدست سپاه
 که آوردشان او به میدان بزیار

و دیگر به بیژن که فرمود شاه
 چو هومان و نستین آن دو دلیر

من از درد دل برکشیدم سپاه
 یکی رزم، تا شب برآمد ز کوه،
 ۱۳۹۰ چو نهصد^۳ شد از نامداران تباه^۴
 دو بهره ز گردان این انجمن
 به مابر شده چیره ایرانیان
 بترسم همی زآنک گردان سپهر
 وُزآنپس شنیدم یکی بدخبر
 ۱۳۹۵ که کیخسرو آیدهمی با سپاه
 گر ایدونک گردد درست این خبر
 سپهدار^{۱۳} داند که من با سپاه^{۱۴}
 مگر شاه با لشکری^{۱۶} جنگ جوی^{۱۷}
 بگرداند این بد ز تورانیان
 ۱۴۰۰ که گر جان^{۲۱} ما را از ایران سپاه

غریوان برفتم بدآوردگاه^۱
 بکردیم یک با دگر^۲ همگروه
 سر از تن بریده^۵ برآن^۶ رزمگاه
 دل از درد خسته، به^۷ شمشیر تن
 به کینه همه پاک بسته میان
 بخواهد گستن^۸ ز ما پاک مهر
 وُزآن^۹ نیز برگشتم آسیمه سر^{۱۰}،
 به پشت سپهبد بدین^{۱۱} رزمگاه
 که خسرو کند سوی مابر گذر^{۱۲}،
 نیارم شدن پیش او^{۱۵} کینه خواه
 نهد سوی ایران بدین^{۱۸} کینه^{۱۹} روی
 بیند ز^{۲۰} کینه کمر بر میان
 بد آید^{۲۲}، نباشد کسی کینه خواه

فرستاده چون گفت پیران شنید
 نشست از بر بادپایی نوند^{۲۳}
 بشد تا بنزدیک افراسیاب
 بنزدیک شاه اندرآمد چو باد

بکردار باد دمان بردمید
 بکردار آتش هیونی^{۲۴} بلند
 نه دم زد^{۲۵} به رهبر، نه آرام و خواب
 بیوسید تخت و پیامش بداد

۱- ل-س^۱ (نیزق^۱-ب): به (س: بر) آوردگاه؛ متن = ف ۲- ل، س: بگشتم بایکدگر ۳- ل، س: (نیزلن^۱، ب): پانصد ۴- ل، ق (نیزق^۱، ل، و): تن از نامداران شاه (ل گویا تخت تباه داشته است)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز ل، پ، لن، آ، ب) ۵- ل: جدا شد ۶- ل: برین؛ ق، س: (نیزل، ل، لن، آ، ب): بدان؛ (ق، و: در آن)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزب) ۷- ل، س: (نیزلن^۱، ب): ز ۸- ل، ل، ل^۱ (نیزل^۲): بریدن ۹- ل (نیزل): کزان؛ (ب، لن: از آن: آ: از این) ۱۰- س، ق: که خسرو کند سوی مابر گذر؛ و بیت ۱۳۹۴ را ندارد و س، ق ۱۳۹۴ ب- ۱۳۹۶ آ را انداخته و از ۱۳۹۴ آ و ۱۳۹۶ ب یک بیت ساخته‌اند، ولی در س بیت ۱۳۹۶ را پس از بیت ۱۳۹۷ افزوده‌اند ۱۱- ل: برین؛ س، ق این بیت را ندارند ۱۲- ل، س: (نیزل، آ) این بیت را ندارند ۱۳- ل (نیزق^۱): جهاندار؛ متن = ف، س، ق (نیزل^۱، و، لن، ب) ۱۴- س (نیزو، لن^۱): نزد (و: پیش) شاه ۱۵- س: نزد آن؛ (و: با سپه: لن: نزد او)؛ ل، س: (نیزل، پ، آ) این بیت را ندارند ۱۶- ف (نیزآ): لشکر؛ متن = س، ل، س: (نیزق^۱-لن، ب) ۱۷- س (نیزق^۱، پ، لن^۱): کینه جوی ۱۸- ل^۱ (نیزق^۱): برین ۱۹- س: رزم؛ (ب، لن: جنگ)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۲۰- س، ل، س: (نیزق^۱، ل، پ، و، لن، آ): به؛ متن = ف (نیزل^۲)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۲۱- س: که گردان ۲۲- ل: نداند؛ س: نماند؛ ل، س، ق (نیزب) این بیت را ندارند؛ ولی در س آنرا به خطی دیگر در میان ستون‌ها افزوده‌اند؛ بنداری (۱۳۹۴-۱۴۰۰): و أن الخبر قد أتاه بأن الملك كيخسرو عزم على إمدادهم بنفسه. و ذكر أنه إن طلعت عليه راياته فلا طاقة له بالوقوف بين يديه إلا أن يطلع الملك أفراسياب في عساكره، ويباشر الأمر بنفسه ۲۳- ل، ق (نیزل، آ): سمند؛ (و: بلند؛ ل: تازی اسبی سمند)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزق^۱، پ، لن، ب) ۲۴- س (نیزب، لن^۱): هیون ۲۵- ق: نزد دم

۱۴۰۵ چو بشنید گفتار پیران به درد
 شد از کار آن خستگان^۳ خسته دل^۴
 و زان نیز کز دشمنان لشکرش
 ز هر سو پلنگ اندر آورده جنگ^۵
 چو گفتار پیران از آنسان^۶ شنید
 برو آفرین کرد و شادی نمود
 ۱۴۱۰
 دلش گشت پُر خون^۱ و رخساره زرد^۲
 بر آن^۳ درد^۴ بنهاد پیوسته دل
 گریزان و، پیران^۵ شده کشورش
 بروبر جهان گشته از جنگ^۶ تنگ
 سپه را همه پای بر جای دید^۷،
 به دلش اندرون روشنایی فرود^۸

گفتار اندر پاسخ فرستادن افراسیاب پیغام های پیران و یسه را^{۱۳}

فرستاده را در بر خویش جای^{۱۴}
 به شبگیر چون تاج بر سر نهاد
 بفرمود تا بازگردد به جای
 سخن^{۱۸} - پاسخ آورد - کو^{۱۹} را بگوی
 تو تا زادی از مادر پاک تن
 ۱۴۱۵
 ترا بیشتر نزد من دستگاه^{۲۲}
 بسازید و آن شب همی کرد رای^{۱۵}
 همانگه فرستاده را در گشاد^{۱۶}
 سُوی نامور بنده ی کدخدای^{۱۷}
 که ای مهربان نیک دل راست گوی^{۲۰}،
 سرافراز بودی به هر انجمن^{۲۱}
 توی^{۲۳} برتر از پهلوانان به جاه^{۲۴}

۱- س: درد؛ ق: کین ۲- (ب: ورخ لاجورد) ۳- ل، س^۱ (نیزق، ل، و، ب): کشتگان؛ ق: کار و احوال او؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، آ) ۴- ل (نیزق، ل، آ): تنگدل ۵- ل (نیزق، ب): بدان ۶- ل، س^۲ (نیزق، آ): کار؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، و، ب)؛ س (نیزق، ل، ن) این بیت را ندارند، ولی در س آنرا به خطی دیگر در میان ستون ها افزوده اند ۷- ل (نیزق، ل، و): [و] ویران؛ س، ل، س^۲ (نیزق، ل، ب): و ویران؛ متن = ف؛ ق: بیتهای ۱۴۰۷-۱۴۱۱ را ندارد ۸- ل، س^۲: اندر آید بجنگ؛ س (نیزق، ب، ل، ن، آ، ب): بتنگ اندر آورده جنگ؛ (ل): سپاه اندر آمد بتنگ؛ و: بجنگ اندر آورده (تنگ)؛ متن = ف، ل (نیزق) ۹- ل: تاریک و؛ س (نیزق، ل، ن): از درد؛ (ل): گشت از اندوه؛ ل، س^۲: بروشن (س^۲: بروشد) جهان گشته بر چشم؛ متن = ف (نیزق، ل، و، آ، ب) ۱۰- ف، ل، س^۲: از (ف: ز) ایران؛ س (نیزق، ل): بدانسان؛ (ب، ل، ن، آ، بر آنسان)؛ متن = ل (نیزق، ل، و) ۱۱- ل: پای پیران شنید (!) ۱۲- ل، ق، ل (نیزق، ل) این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، س^۲ (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۳- ف: گفتار اندر پاسخ فرستادن افراسیاب پیغامهای پیران و یسه را و دلجویی دادن او را و تعزیت دادن همگ برادران؛ س (چهل بیتی پایین تر): پاسخ پیغام پیران از نزد افراسیاب؛ ق: پاسخ افراسیاب به پیران و یسه؛ ل: پاسخ نامه پیران از افراسیاب؛ س: پاسخ پیران و یسه از افراسیاب؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۱۴- س (نیزق، ل، ن): خواند ۱۵- س (نیزق، ل، ن): رای (ل، ن: باز) راند؛ ل، ق: این بیت را ندارند ۱۶- (ق، ل، آ: بار داد) ۱۷- س (نیزق، ل، ن): نیک بی کدخدای؛ (ق): پهلوان کدخدای؛ ل: پهلورهنمای؛ ل، آ: نیکدل نامور کدخدای؛ و: پهلوان جهان کدخدای؛ متن = ف، ل، ل، س^۲ (نیزق)؛ ق: بجای این بیت (و ل^۲ پس از آن) افزوده اند:

فرستاده او بر خویش خواند

وزان در (ل: پس) فراوان سخنا برانند (← ۱۴۱۱)

۱۸- ل، س، ق (نیزق، آ): چنین؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزق، ب) ۱۹- ق: داد پاسخ که او ۲۰- س، ل (نیزق، و، ل، ن): راهجوی؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق، ل، و، آ) ۲۱- س (نیزق، ل، ن): سپر کرده پیش من خوشتن (در س در بالا به خطی دیگر ضبط متن را افزوده اند) ۲۲- س: آبروی (در بالا به خطی دیگر ضبط متن را افزوده اند)؛ (ق): ترا هست نزدیک من دستگاه ۲۳- س، ق، ل، س^۲ (نیزق، و، ل، ن، آ، ب): تسویس؛ متن = ف، ل ۲۴- س: بخوی (در بالا به خطی دیگر ضبط متن را افزوده اند)؛ س: بهتر از پهلوانان بگاه؛ (ق): بسی برتر از جهن و شیده بجاه)؛ ل، ل، آ: این بیت را ندارند و در ق با بیت ۱۴۱۷ پس و پیش شده است

همیشه یکی جوشنی^۱ پیش من
 همیدون^۲ به هر کار با گنج خوش
 تو بردی ز چین تا بدایران^۵ سپاه
 ز تور و پشنگ^۷ ار درآید، به مهر^۸ ۱۴۲۰
 نبیند سپه چون تو سالار نیز
 نخست آنک گفتی: من^{۱۱} از انجمن
 که کیخسرو آمد ز توران زمین^{۱۴}
 بدین من که شاهم نیازده ام
 نباید که باشی بدین تنگ دل ۱۴۲۵
 کجا بودنی باشد^{۱۸} از کردگار
 که^{۲۰} کیخسرو از من نگیرد فروغ
 نباشم من او را به دو جهان نیا^{۲۱}
 بدین^{۲۲} کار او کس گنهکار نیست
 سپر کرده جان و فدی^۲ کرده تن
 گزیده ز بهر مرا^۱ رنج خوش
 تو کردی دل و بخت دشمن تباه^۶
 چو تو پهلوان نیز نارد سپهر^۱
 نبندد کمر^۱ چون تو هشیار نیز
 گنهکار دارم^{۱۲} همی^{۱۳} خوشتن،
 بدایران^{۱۵} و با^{۱۶} ما بگسترده کین
 به دل هرگز این یاد ناورده ام
 ز تیمار گردد پُر آژنگ^{۱۷} دل
 نبایدش نیز از^{۱۹} کس آموزگار
 نیره محواتش که باشد دروغ
 نجوم همی زین سخن^{۱۱} کیمیا
 مرا با جهاندار پیگار نیست

۱- ق: یکی خود تویی؛ (ل: سپر بوده؛ و، ب: تویی خوشتن)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س (نیز ق) ۲ - س (نیز ق، و): فدا؛ ق: سپرده دل و جان فدا؛ متن = ف، ل، ل (نیز ب)؛ س (نیز ل، پ، ل، آ) این بیت را ندارند، ولی درس آنرا به خطی دیگر در بالا افزوده اند ۳- س (نیز و): همیشه ۴- ل، ق: منی؛ (پ، ل، ن: من این)؛ س: گزیدنی زهر من این؛ ل: گزیدستی از بهر من؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، و، آ، ب)؛ درس^۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۵- ل- س (نیز ق- ب): بایران؛ متن = ف ۶- ل- س (نیز ق- ب): سیاه؛ متن = ف؛ س (نیز ب، ل، ن) پس از این بیت افزوده اند:

تویی سرور و پهلوان زمین

که باذا بجانست هزار آفرین

۷- ف، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل): بشنگ؛ ل، س: بشنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (پ، و، ل، ن، آ) ۸- ف: اندر آمد بمهر (؟)؛ س، ل، س (نیز ل، پ، آ): اندر آید بمهر؛ (ق، و): اندر آیی بمهر؛ ل: اندر آید سپهر؛ ب: پشنگم فروزی بمهر؛ متن = ل، ق ۹- س (نیز ب): بر ندارد سپهر؛ ل، س: پیش نارد سپهر؛ (و): بر نیارد سپهر؛ ل: بر نیاید بمهر؛ ب: نیست زیر سپهر؛ ق: پهلوانی ندارد سپهر؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، آ)؛ در ل، ق، ل (نیز ل، آ) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۰- س: نبیند همی ۱۱- ق (نیز ق): که ۱۲- س (نیز ل، و، آ، ب): دائم؛ ق: دانی؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ق، پ، ل، ن) ۱۳- س (نیز ق): تن؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ل- ب): همی (حتن؟) ۱۴- ل (نیز ل، ب): به توران زمین؛ (ل، و): بایران زمین؛ ل، س: چو کیخسرو آید به ایران زمین؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، پ، آ) ۱۵- ل، س (نیز ب): از (ل: ز) ایران؛ س، ق، ل (نیز ق، ل، پ، و، ل، ن، آ): بایران؛ (ل، و: توران)؛ متن = ف ۱۶- س، ق، ل (نیز ل- ب): بر؛ متن = ف، ل، س (نیز ق) ۱۷- ل- س (نیز ق، ل، و، آ، ب): گیرد (ل: یابد) ترا زنگ؛ (ل): گردد ترا زنگ (حرف یکم ترا یک نقطه هم در زیر دارد)؛ ل: گیرد پُر آژنگ؛ متن = ف (نیز ب) ۱۸- ل، ق (نیز ل، آ): که آن (ل: این) بودنی بود؛ متن = ف، ل، س (نیز ب) ۱۹- ف: تیزاز (؟)؛ ل (نیز ل، آ): نیامد بدین (ل، آ: درین) بد؛ ق: نیامد برین بر؛ (ب: نبایدت تیزاز)؛ متن = ل، س (ف، ب)؛ س (نیز ق، پ، و، ل، ن) این بیت را ندارند ۲۰- ل، س (نیز ل، ل، ن، ب): چو؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ق، ل، پ، و، آ) ۲۱- ل (نیز ق، ل): نباشم همیدون (ق: بگیتی) من (ل: همی نیز) او را نیا؛ ق: نباشم بدو جهان مرو را نیا؛ ل: نباشم من اندر جهان او نیا؛ (ل، آ): همیدون من او را نباشم نیا؛ و، ل: نباشم من او را بگیتی نیا؛ متن = ف، س، س (نیز ب، ب: ق: داستان سیاوش، بیت ۲۸، ب، ۱۸۵، آ، ۱۲۷۹، آ: داستان کاموس کشانی، بیت ۶۰۱، ب: داستان رزم یازده رخ، بیت ۷۱۷، ب) ۲۲- ق: بدان

۱۴۳۰	چنین خواست ^۱ و این ^۲ بودنی کار بود	۱- ل: بود؛ (ب: داد)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ؛ س ^۱ (نیزق ^۱ ، ل-آ) ۲- ل: (نیزب، و)؛ وین؛ س ^۱ : زین ۳- ل: (نیزل ^۱ ، آ)؛ از تو
	دگر آنک ^۵ گفتی ز ^۶ کار سپاه	در دل؛ س (نیزو)؛ از تو بردل؛ ل: از تو بدل بر؛ (ق، ل، پ، ل: بر دل از تو)؛ متن = ف، س ^۱ (نیزب) ۴- ق: مرا از تونه آزارست و دود
	همیشه ^۸ چنین ست کار نبرد	(وزن ندارد) ۵- ل، س، ق (نیزق ^۱ -ب): و دیگر که؛ متن = ف، ل، س ^۱ ۶- س: به ۷- ل، ل، س ^۱ : به ۸- (ب: نوشته؛
	گاهی ^{۱۱} برکشد تا به خورشید بر ^{۱۲}	لن: نیشته) ۹- ف: دگر (؟)؛ متن = ل-س ^۱ (نیزق ^۱ -ب) ۱۰- ف، ل، س، ق (نیزل ^۱ ، پ، و، لن، ب): تیره گرد (؟)؛ متن =
	به یکسان نگردد سپهر بلند	ل، س ^۱ (نیزق ^۱ ، لی، آ) ۱۱- س (نیزب، و، لن، آ)؛ همی ۱۲- ل، ق (نیزب): سر؛ متن = ف، س، ل، س ^۱ (نیزق ^۱ -آ، واوندی، ص
۱۴۳۵	گاهی با می و رود و رامشگران	۱۲۸، ۹) ۱۳- ل، ق، س ^۱ (نیزل ^۱ ، ب، واوندی): گهی؛ متن = ف، س، ل، س ^۱ (نیزق ^۱ ، لی، پ-آ) ۱۴- ل، ق (نیزب): بر؛
	تو دل را بدین درد خسته مدار	(و: فر؛ ل: سوی خاک سر؛ ق: را بیندازد از چرخ سر)؛ متن = ف، س، ل، س ^۱ (نیزلی، پ، لن، آ) ۱۵- ل: (نیزلی، آ)؛ وبا
	سخن گفتن کشتگان ^{۱۸} گشت خواب	اندهان (پساوند نادرست است)؛ ق: درد براندهان (پساوند نادرست است)؛ (ل، ب: درد و رنج گران)؛ متن = ف، ل، س ^۱ ؛ س (نیزق ^۱ ، پ،
	دلی کو ^{۱۹} ز درد برادر شخود	و، لن (؟) این بیت را ندارند ۱۶- ل، س، ق (نیزق ^۱ ، ل): کار؛ ل: (نیزو)؛ درد؛ متن = ف، س ^۱ (نیزلی، پ، لن، آ، ب) ۱۷- س: غمگین
	سدیگر ^{۲۳} که گفتی که خسروز گاه ^{۲۴}	(در بالا ضبط متن را افزوده است) ۱۸- س: ما بدین؛ ل، س ^۱ : از کشتگان ۱۹- س: کان ۲۰- (ب: دوی)؛ متن = ف-س ^۱ (ق، لی، و، لن، آ، ب؛ لغت شهنامه، شماره ۱۶۷۷؛ واوندی، ص ۱۰۲، س ۱۶) ۲۱- س (نیزب): بزرگان ۲۲- س
	جز آنست کامد ترا آگهی	(نیزب، لن): بدو نیست ۲۳- ل: سه دیگر ۲۴- ل، س ^۱ (نیزلن ^۱ ، ب): پگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س ^۱ (نیزق ^۱ ، لی، ل، آ، پ، و،
	که طوس سپهبد بُد آن ^{۲۶} با سپاه	آ) ۲۵- س: به پشت رهی؛ ق، ل، س ^۱ : ز شاهنشهی؛ متن = ف (نیزق ^۱ -ب)؛ ل بیت های ۱۴۴۰ و ۱۴۴۱ را ندارد؛ بنداری
	میناد هرگز ^{۲۹} کس آن ^{۳۰} روزگار	(۱۴۴۱-۱۴۴۱): و اما الخبر عن مقدم کبخسرو بنفسه فهو ارجاف بلا حقیقه، وإنما نفذ طوسا علی طریق دهستان ۲۶- ف، ل (نیزق ^۱ ،
	که من خود برآم ^{۳۱} که زاید ^{۳۲} پگاه ^{۳۳}	لن، آ): بدان؛ ق (نیزل ^۱ ، و)؛ همی؛ متن = س، س ^۱ (نیزلی، ب) ۲۷- ق: بسوی ۲۸- س، ل، س ^۱ (نیزق ^۱ ، لی، ل، آ، پ، ب): ز راه؛
	نه گودرز مانم، نه خسرو، نه طوس	(و: پیامد براه)؛ متن = ف، ق (نیزلن ^۱) ۲۹- ل: چشم ۳۰- ف: این؛ (ق: چنین)؛ متن = ل-س ^۱ (نیزلی-ب) ۳۱- س (نیزب): بدام ۳۲- ل، ق، ل، س ^۱ (نیزلی-ب): کز ایدر؛ س: که ایدر؛ (ق: از ایدر)؛ متن = ف ۳۳- ل، ل (نیزق ^۱): سپاه؛

متن = ف، س، ق، ل، آ؛ س^۱ (نیزق^۱، ل-آ) ۲- ل: (نیزب، و)؛ وین؛ س^۱: زین ۳- ل: (نیزل^۱، آ)؛ از تو در دل؛ س (نیزو)؛ از تو بردل؛ ل: از تو بدل بر؛ (ق، ل، پ، ل: بر دل از تو)؛ متن = ف، س^۱ (نیزب) ۴- ق: مرا از تونه آزارست و دود (وزن ندارد) ۵- ل، س، ق (نیزق^۱-ب): و دیگر که؛ متن = ف، ل، س^۱ ۶- س: به ۷- ل، ل، س^۱: به ۸- (ب: نوشته؛ لن: نیشته) ۹- ف: دگر (؟)؛ متن = ل-س^۱ (نیزق^۱-ب) ۱۰- ف، ل، س، ق (نیزل^۱، پ، و، لن، ب): تیره گرد (؟)؛ متن = ل، س^۱ (نیزق^۱، لی، آ) ۱۱- س (نیزب، و، لن، آ)؛ همی ۱۲- ل، ق (نیزب): سر؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزق^۱-آ، واوندی، ص ۱۲۸، ۹) ۱۳- ل، ق، س^۱ (نیزل^۱، ب، واوندی): گهی؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزق^۱، لی، پ-آ) ۱۴- ل، ق (نیزب): بر؛ (و: فر؛ ل: سوی خاک سر؛ ق: را بیندازد از چرخ سر)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلی، پ، لن، آ) ۱۵- ل: (نیزلی، آ)؛ وبا اندهان (پساوند نادرست است)؛ ق: درد براندهان (پساوند نادرست است)؛ (ل، ب: درد و رنج گران)؛ متن = ف، ل، س^۱؛ س (نیزق^۱، پ، و، لن (؟) این بیت را ندارند ۱۶- ل، س، ق (نیزق^۱، ل): کار؛ ل: (نیزو)؛ درد؛ متن = ف، س^۱ (نیزلی، پ، لن، آ، ب) ۱۷- س: غمگین (در بالا ضبط متن را افزوده است) ۱۸- س: ما بدین؛ ل، س^۱: از کشتگان ۱۹- س: کان ۲۰- (ب: دوی)؛ متن = ف-س^۱ (ق، لی، و، لن، آ، ب؛ لغت شهنامه، شماره ۱۶۷۷؛ واوندی، ص ۱۰۲، س ۱۶) ۲۱- س (نیزب): بزرگان ۲۲- س (نیزب، لن): بدو نیست ۲۳- ل: سه دیگر ۲۴- ل، س^۱ (نیزلن^۱، ب): پگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س^۱ (نیزق^۱، لی، ل، آ، پ، و، آ) ۲۵- س: به پشت رهی؛ ق، ل، س^۱: ز شاهنشهی؛ متن = ف (نیزق^۱-ب)؛ ل بیت های ۱۴۴۰ و ۱۴۴۱ را ندارد؛ بنداری (۱۴۴۱-۱۴۴۱): و اما الخبر عن مقدم کبخسرو بنفسه فهو ارجاف بلا حقیقه، وإنما نفذ طوسا علی طریق دهستان ۲۶- ف، ل (نیزق^۱، لن، آ): بدان؛ ق (نیزل^۱، و)؛ همی؛ متن = س، س^۱ (نیزلی، ب) ۲۷- ق: بسوی ۲۸- س، ل، س^۱ (نیزق^۱، لی، ل، آ، پ، ب): ز راه؛ (و: پیامد براه)؛ متن = ف، ق (نیزلن^۱) ۲۹- ل: چشم ۳۰- ف: این؛ (ق: چنین)؛ متن = ل-س^۱ (نیزلی-ب) ۳۱- س (نیزب): بدام ۳۲- ل، ق، ل، س^۱ (نیزلی-ب): کز ایدر؛ س: که ایدر؛ (ق: از ایدر)؛ متن = ف ۳۳- ل، ل (نیزق^۱): سپاه؛ متن = ف، س، ق، س^۱ (نیزلی-ب) ۳۴- ل: از آن؛ ل، س^۱ (نیزل^۱): بسان؛ متن = ف، س، ق (نیزق^۱، لی، ل، پ-ب) ۳۵- س: سپارم ۳۶- ل (نیزق^۱): براه؛ ل: بر آب (پساوند ندارد)؛ متن = ف، س، ق، س^۱ (نیزلی-ب) ۳۷- ل، ق: نه بوق و؛ س: نه لشکر نه تاج و؛ ل، س^۱: نه تخت و نه لشکر نه گاه و؛ متن = ف

۱۴۴۵	بدایران ^۱ برآن ^۲ گونه رانم سپاه	کز آن ^۳ پس نبیند کسی تخت و گاه ^۴
	به کیخسرو از بُن نمانم جهان	به سربر فرود ^۵ آرمش ^۶ ناگهان
	به خنجر برآنسان ^۷ بپرم سرش	که گرید برو زار موبه‌گرش ^۸
	مگر کاسمانی دگرگونه کار	فرازآید از ^۹ گردش روزگار
	ترا ای جهان‌دیده‌ی سرفراز	نکرده‌ست ^{۱۰} یزدان به چیزی نیاز
۱۴۵۰	ز ^{۱۱} مردان و از ^{۱۲} گنج و نیروی دست	همه ایزدی هرچه ^{۱۳} بآیدت هست ^{۱۴}
	یکی نامور لشکری ^{۱۵} ده‌هزار	دلیر و خردمند و گرد و سوار،
	فرستادم اینک بنزدیک تو	که روشن شود ^{۱۶} جان تاریک تو
	کز ^{۱۷} ایرانیان ده ^{۱۸} و زیشان ^{۱۹} یکی	به چشم یکی ده ^{۱۸} سوار اندکی
	چو لشکر بنزد تو آید ^{۲۰} مپای	سر و ^{۲۱} تاج گودرز بگیل ز جای
۱۴۵۵	همان ^{۲۲} کوه کو کرده دارد ^{۲۳} حصار	به اسپان ^{۲۴} جنگی به پای ^{۲۵} اندرآر
	مکش دست ازیشان به خون‌ریختن	تو ^{۲۶} پیروز باشی بدآویختن ^{۲۷}
	فرستاده بشنید پیغام شاه	بیامد بر پهلوان سپاه ^{۲۸}
	به پیش اندرآمد بسان ^{۲۹} شمن ^{۳۰}	خمیده ^{۳۱} چُن ^{۳۲} از باد ^{۳۳} شاخ سمن ^{۳۴}

۱- ل-س (نیزقی-ب): بایران؛ متن = ف ۲- ل (نیزل، و): از آن؛ ل، س (نیزقی، لی، آ، ب): بدان؛ متن = ف، س، ق (نیزب، لن) ۳- ل: کزین ۴- ل، ق (نیزلی، آ): تاج و گاه؛ س: نیزشاه؛ (پ، لن): تخت شاه؛ و: تختگاه؛ متن = ف، ل، س (نیزقی، ل، ب) ۵- س: سرفراز ۶- ل، ل، س، ل، س (نیزقی، لی، و، آ، ب): آیش؛ ق (نیزلن): آورم؛ متن = ف (نیزل، ب) ۷- ل، ق: از آنسان؛ (لی، ل، پ، لن، آ: بدانسان)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزقی) ۸- ل، ق (نیزقی، ل): بدو (ق: برو) لشکر و کشورش (ل: مغفرش)؛ س (نیزلی، پ، لن، آ): بدو زار خود (لی، آ: جاودان) مادرش؛ متن = ف، ل، س ۹- س، ل، س (نیزلی، آ): فراز آرد از؛ (ب: فراز آردش)؛ متن = ف، ل، ق (نیزقی، ل، آ، پ، و، لن) ۱۰- ل، س: ندادست ۱۱- س: به ۱۲- ف، ل، ق، ل، س: وز؛ متن = س ۱۳- ل: هرچ؛ ل، س: آنچه ۱۴- س (نیزب، لن): همه هرچه خواهی ترا دست هست ۱۵- س، ل، س: لشکری نامور ۱۶- ل، س، ق (نیزقی، ل، پ، لن): کند؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، و، آ، ب) ۱۷- ل، ق، ل، س (نیزقی، لن): از؛ س (نیزو): کر (= گر؟ کز؟)؛ متن = ف (نیزلی، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۸- (و: صد): بنداری: عشره ۱۹- ل: وزینها؛ ق: وزاینان؛ (ل: ازیشان)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزقی، لی، پ-ب) ۲۰- س (نیزب، لن): چونزدبکت آیند روزی ۲۱- ل: [و] ۲۲- س: دگر؛ (ق: مران؛ لی: بدان؛ آ: برآن) ۲۳- س: آنجا ۲۴- س: پیلان ۲۵- ل: زیبا؛ ق: ز پای ۲۶- س، ل، س (نیزب، لن): چو؛ (لی، ل، آ): که؛ متن = ف، ل، ق (نیزقی، و، ب) ۲۷- ل-س (نیزقی، پ، و، لن): باویختن؛ (ل، آ، ب: زآویختن)؛ متن = ف؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

ممان زنده زیشان بگیتی کسی

که نزد تو آید ازیشان (لی، آ: گر آیند نزد تو زیشان) بسی

۲۸- س: بدان نامداران جنگی سپاه (= ۱۴۵۹ ب) ۲۹- ف: پیش (!)؛ متن = ل-س (نیزقی، ل، پ، و، لن) ۳۰- ق (نیزقی، لن): سمن؛ (پ: چمن) ۳۱- ق: چمید او ۳۲- ل، س، ق، ل (نیزقی، ل، پ، و، لن): چو؛ متن = ف، س ۳۳- ل، س (نیزقی): از باره؛ (ل، و: درباغ)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزب، لن) ۳۴- ق (نیزقی): چمن؛ لی، آ، ب این بیت را ندارند

۱۴۶۰ به پیران رسانید پیغام شاه
 چو بشنید پیران سپه را بخواند
 سپه را همه سربره داد دل
 نهانی روانش پُر از درد بود
 که از هر سوی^۸ لشکر شهریار^۱
 هم از شاه ایران^{۱۱} دلش بود تنگ^{۱۲}
 ۱۴۶۵ به یزدان چنین گفت کای کردگار
 که را برکشیدی تو افکنده نیست
 ز خسرو، نگر تا جز از روزگار^{۱۵}
 نگه کن^{۱۷} بدین کار^{۱۸} گردنده دهر
 برآرد گل تازه^{۲۱} از خار^{۲۲} خشک
 ۱۴۷۰ شگفتی تر آنک از پی آژ مرد^{۲۵}
 میان نیا و نبیره دو شاه
 دو شاه دو کشور چنین کینه جوی^{۲۷}
 چه گویی^{۲۸} سرانجام این کارزار^{۲۹}
 پس آنکه به یزدان بنالید زار
 وُزآن^۱ نامبردار^۲ جنگی سپاه^۳
 فرستاده از^۴ این^۵ سخن بازارند
 شدند از غمان یکسر^۷ آزاددل
 پُر از خون دل و بخت پُرگرد بود
 همه گاشته پشت بر کارزار^{۱۰}
 بترسید کاید زناگه به جنگ^{۱۳}
 چه مایه شگفت اندرین روزگار^{۱۴}
 جز از تو جهاندار دارنده نیست
 که دانست کاید^{۱۶} یکی شهریار
 هر^{۱۹} آن را که از خوشتن کرد بهر^{۲۰}
 شود خاک^{۲۳} با بخت بیدار مشک^{۲۴}
 همیشه دل خویش دارد به درد^{۲۶}
 ندانم چرا باید این کینه‌گاه
 دو لشکر به روی اندرآورده روی
 که را برکشد گردش روزگار^{۳۰}؟
 که ای روشن و^{۳۱} دادگر کردگار،

۱- س، ل، آ، س (نیزب، لن): بدان؛ (ب: بدین)؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، ل، و، آ) ۲- ل، ق، ل، آ، س (نیزلی-ب): نامداران؛ س: نامداران و؛ متن = ف (نیزق) ۳- (ق: چندان سپاه) ۴- ل، ق (نیزل): چون؛ س (نیزلی، پ، لن، ب): را؛ ل، آ، س: هم؛ (ق: پیش؛ و: نیز)؛ متن = ف (نیزآ) ۵- ق (نیزو): آن؛ ل، آ، س: زین ۶- ل، ق (نیزلی، ل، و، آ): سراسر همه؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق، پ، لن، ب) ۷- س: پاک؛ ف: که گشت از غمان یکسر؛ ل، ق (نیزل): که از غم باشید؛ متن = ل، آ، س (نیزق، ل، پ-ب) ۸- س، ل، آ، س: سوی ۹- س: لشکری سرفراز ۱۰- ل، ق: همه کاسته دید (ق: میدید) در کارزار؛ س: سر رزمسازان سوی رزمساز؛ (ق: همه داده پشت از بر کارزار؛ پ، لن: همه رزمسازان سوی کارزار؛ آ: همه بود برگشته از کارزار)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزو) ۱۱- ل: شاه خسرو ۱۲- س: تنگ بود ۱۳- ل، ق (نیزق-آ): یکایک (لی، آ: بزودی) جنگ؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۴- س (نیزو): کارزار؛ ق: که دانست کاید یکی شهریار (۱۴۶۵-ب-۱۴۶۷ آرا انداخته و از ۱۴۶۵ و ۱۴۶۷ ب یک بیت ساخته است) ۱۵- س: مانند آن روزگار؛ (ق: تابچه روزگار؛ پ، لن، ب: تا بدان روزگار؛ و: نادر آن روزگار)؛ ل: بخسرو نگر تا جز از کردگار؛ (لی، آ: ز خسرو که دانست کز روزگار)؛ متن = ف، ل، آ، س (ل: بخسرو) ۱۶- (لی، آ: بیاید بدینسان)؛ در ف پس از این بیت، بیت ۱۴۶۶ دوباره آمده است ۱۷- س: همه کس ۱۸- ل، آ، س: کرد ۱۹- ل (نیزق، لی، پ، آ): مر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزل، و، لن، ب) ۲۰- س: دید زهر (!)؛ (پ، لن: یافت بهر) ۲۱- س (نیزب، لن): برآورده تازه گل ۲۲- ف (نیزق): خاک؛ متن = ل-س (نیزلی-ب: راوندی، ص ۱۶۵، س ۲؛ ص ۲۸۵، س ۱۶) ۲۳- (لی، ل، آ: خار) ۲۴- (ق: ز خاک سیه آورد بوی مشک) ۲۵- ل: از پی رادمرد؛ س (نیزلن): آن کس (لن: کن) که آزادمرد؛ (نیزب): آن کز پی رادمرد؛ (لی: از کار آزادمرد؛ ل: از این دو آزادمرد؛ آ: از کار پرآزمرد؛ ب: آنک اندر ایام مرد)؛ متن = ل، آ، س (نیزق، و) ۲۶- (ل: داده بدر؛ آ: که همواره دارد دل خود بدر)؛ ف این بیت را ندارد ۲۷- ل، س، ق (نیزق، لی، آ): جنگجوی؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزل، پ، لن، ب) ۲۸- س (نیزب، و): گویم ۲۹- ق (نیزق): روزگار ۳۰- (ق: کارزار)؛ ق: چرخ ناسازگار ۳۱- ل، س، ل، آ، س (نیزق-آ): [و]؛ متن = ف، ق

۱۴۷۵ ابا نامدارانِ توران سپاه، سر بخت ما گشته خواهد شدن، بدو بازگردد سراسر زمین، برآرد روان کردگار از تنم گرفته کسی راه و آیین من ورا مرگ با زندگانی ^۵ یکيست نه گودرزِ کشواد شه را به یاد ^۶	گر افراسیاب اندرین کینگاه ^۱ بدین رزمگه گشته خواهد شدن چو کیخسرو آید از ^۲ ایران به کین روا باشد ار خسته در جوشنم میناد هرگز جهان بین من که را ^۳ گردش روز با کام ^۴ نیست از آن پس نه پیران سپه را به یاد ^۶
--	--

گفتار اندر جنگ ایرانیان و تورانیان به انبوه^۷

۱۴۸۵ دو رویه ز لشکر برآمد ^۸ خروش سپاه اندرآمد ز هر سو ^۹ گروه دو سالار، هر دو بسان پلنگ بکردار باران از ^{۱۰} ابر سیاه جهان چون شب بهم ^{۱۱} از تیره ^{۱۲} میغ زمین آهین کرده اسپان به نعل ز بس خسته تن کاند ^{۱۳} آن رزمگاه بر آوردگه جای گشتن نماند	زمین آمد از نعل اسپان به جوش بپوشید جوشن همه دشت و کوه فرازآوردند لشکر به جنگ بیارید تیر اندر آن رزمگاه چُن ابری ^{۱۳} که باران او تیر ^{۱۴} و تیغ برودست گردان به خون گشته ^{۱۵} لعل بریده سرانشان، فگنده به راه پی اسپ را برگزشتن نماند
--	--

۱- ل: رزمگاه ۲- ل، س، ل، س: ز؛ متن = ف، ق ۳- س: کس از ۴- ل: (نیز لن): ناکام ۵- ل، ق: (نیز ل):
 ورا زندگانی و مرگش؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، آ، ب) ۶- ف: پیای (?): متن = (لن، و، ب): ل، س، ق، ل، س،
 س، ق، ل، ل، آ: بجای بیت ۱۴۸۱ افزوده اند:

ل، ق، ل، آ: وزان پس ز ایران سپه کز نای	برآمد دم بوق و هندی درای
س: مرا مرگ بهتر ازین زندگی	که سالار باشم کم بندگی (= ۲۴۵)
ل، س: از آن پس سران سپه را (س: سپه را سراسر) ببرد	
ق: وزان پس بیاورد لشکر ز جای	تو گفتی که دارد تن خاک پای
ل: وزان پس برآمد دو لشکر ز جای	تسیره برآمد ز هر دو سرای

پ، لن: هیچیک از این بیتها را ندارند ۷- ل: رزم انبوه گودرز و پیران با یکدیگر؛ س: جنگ ایرانیان و تورانیان و گودرز و پیران بانبوه؛
 ق: محاربت گودرز کشواد با پیران و سپه؛ ل: جنگ دوم از یازده رخ؛ س: جنگ دوم ایرانیان با تورانیان؛ ف: سرنویس ندارد؛ متن =
 س: برآمد ز لشکر ۸- س: (نیز لن، ق، ل، ل، آ): هر دو؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز پ، و، لن): ۱۰- ل، ق، ل، ل، س:
 س: ز؛ متن = ف، س ۱۱- ل، ق: (نیز لن): تیره؛ (ل): پهن - بهمین؛ پ: قبر؛ لن: جهان شد سپه رنگ؛ ل، آ: جهان گشت همچون
 شب؛ ب: جهان شد شبه رنگ؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز ق، و) ۱۲- ق: گرد ۱۳- ل، ق: (نیز لن، ل، ل، آ، ب): چو ابری؛ ل، س:
 س: (نیز ق، ل، لن): چه ابری؛ (پ، و: چه میضی)؛ متن = ف ۱۴- ل، ل، س: (نیز لن، ق، آ، ب): بارانش زوبین؛ متن = ف، ل، ق
 (نیز ل - آ)؛ س این بیت را ندارد ۱۵- ق: کرده ۱۶- ل، ق: ترک اندر؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ،
 ب)

- ۱۴۹۰ زَمی^۱ لاله گون^۲ شد، هوا نیلگون^۳
 دو سالار گفتند: اگر^۴ هیچین
 شب تیره را کس نماند به جای
 چو پیران چنان^۵ دید جای نبرد
 که چندان کجا با شا لشکرست
 سواران^۶ ببخشید تا بر سه روی
 ۱۴۹۵ وُزیشان^۷ گروهی که بیدارتر
 بدیشان^۸ سپارید پشت سپاه
 به لَهاک فرمود تا سوی کوه
 هیدون سُوی رود فرشیدورد
- ۱۵۰۰ چُن آن^۹ نامدارانِ توران سپاه
 نوندی برافگند پس^{۱۰} دیدبان^{۱۱}
 نگهبان^{۱۲} گودرز خود با سپاه
 دو رویه چو لَهاک و فرشیدورد
 سواران ایران برآویختند^{۱۳}
- برآمدهمی موج^{۱۴} دریای خون
 بدارند^{۱۵} گردان برین^{۱۶} دشت کین،
 جز از چرخ گردان و گیهان خدای^{۱۷}
 به لَهاک فرمود و فرشیدورد،
 کسی کو بدین^{۱۸} رزمگه درخورست،
 بوند^{۱۹} اندرین رزمگه^{۲۰} چاره جوی^{۲۱}
 سپه را ز دشمن نگهدارتر،
 شما بر دو رویه بگیرید راه^{۲۲}
 برد لشکر خوش را همگروه
 رود^{۲۳} تا برآرد به خورشید گرد^{۲۴}
- کشیدند^{۲۵} از آن^{۲۶} لشکر کینه خواه^{۲۷}،
 از آن دیدگه^{۲۸} تا در^{۲۹} پهلوان
 همی داشت هر سوز دشمن نگاه^{۳۰}
 ز راه کمین برگشادند^{۳۱} گرد،
 همی خاک با خون برآمیختند

۱- ل-س^۱ (نیزلن-ق^۱): زمین؛ متن = ف-۲-ف: میردی (؟)؛ س (نیزلن، پ، لن، ب): تیره گون؛ ق: لعل گون؛ ل، س^۱ (نیزو): آهنین؛ متن = ل (نیزق^۱، لی، ل، آ، آ) ۳-ق: لاله گون ۴-س: چرخ (موج) ۵-س (نیزلن، ق^۱، ب): گر ۶-ل، ق (نیزپ): بدارم؛ س: برآرند؛ س: ندارند؛ ل، آ، و: بمانند؛ متن = ف، ل^۱ (نیزلن، ق^۱، لی، لن، آ، ب) ۷-ق، س^۱ (نیزلی، آ): بدین؛ ل، آ: بران) ۸-ق: گیتی خدای ۹-س (نیزپ): چنین ۱۰-س (نیزب): درین؛ ل، ق: کاندرین؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیزلن-آ) ۱۱-ل: سرانرا؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیزلن-ب) ۱۲-س (نیزل، آ، پ، لن، آ): شوند؛ ق: روند؛ ل، س^۱: بوم؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق^۱، لی، و، آ، ب) ۱۳-ق: کینه گه ۱۴-ل (نیزلی، آ): کینه جوی؛ ق: رزمجوی؛ (ق^۱، و: جنگجوی)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، ل، آ، پ، لن، ب)؛ در ل^۱ این بیت یکبار هم پس از بیت ۱۴۹۲ آمده است ۱۵-ق: وز آنها ۱۶-ق: بایشان ۱۷-س: کشیدند از آن لشکر کینه خواه (۱۴۹۷-ب-۱۵۰۰ آ را انداخته و از ۱۴۹۷ آ و ۱۵۰۰ ب یک بیت ساخته است) ۱۸-ل: شود ۱۹-ق (نیزل، آ، و): ز راه کمین برگشایند (ل^۱): برکشیدند) گرد (= ۱۵۰۳ ب) ۲۰-ف (نیزل^۱): چنان؛ ل، ق، ل^۱ (نیزلن، لی، و، لن، ب، آ): چو آن؛ س^۱: چن از؛ (ق^۱، پ: چو این) ۲۱-ل (نیزو): گشند ۲۲-ل: زان؛ ق، ل^۱ (نیزپ، لن، آ): [از] آن؛ (و: از)؛ متن = ف، س (نیزلن، ق^۱، ب) ۲۳-س^۱ (نیزل^۱): همی داشت هر سوز دشمن نگاه (= ۱۵۰۲ ب) ۲۴-ل، ق: بر؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن-ب) ۲۵-ل-س^۱ (نیزلن، ق^۱، پ، و، لن، ب): دیده بان ۲۶-ل-س^۱ (نیزلن، ق^۱، پ، و، لن، آ، ب): دیده گه ۲۷-ق، ل^۱ (نیزلن، ق^۱، پ، لن، آ، ب): بر؛ ل^۱ (سوی)؛ متن = ف، ل، س، س^۱ (نیزو) ۲۸-ف: نگه کرد؛ متن = ل-س^۱ (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۹-س: ز لشکر نگاه؛ ق: زهر سومی داشت دشمن نگاه؛ س^۱: کشیدند از آن لشکر کینه خواه (= ۱۵۰۰ ب)؛ متن = ف، ل، ل^۱ (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب)؛ ق^۱، لی، ل^۱ این بیت را ندارند ۳۰-ف، س^۱: برکشیدند؛ ل^۱: برگشودند؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۳۱-س:

۱۵۲۰ کتون برد ^۱ باید بریشان سپاه ^۲ که پشت سپه‌شان بهم برشکست کتون شیرمردی به کار آیدت به تو ^۷ دارد او مید ^۸ ایران سپاه ازیشان نپرهیز و تن پیش‌دار از ایدر برو تا به قلب سپاه ۱۵۲۵ که پشت همه شهر توران بدوست اگر دست یابی برو ^{۱۳} کار بود بیاساید ^{۱۵} از رنج و سختی سپاه شکسته شود پشتِ افراسیاب ۱۵۳۰ بگفت این سخن پهلوان با پسر سواران پس از میمنه ^{۱۸} ، میسره، گرازه برون آمد و گستم از آنجا ^{۲۰} سوی قلب توران سپاه	کتون رفت باید بدان کینه‌گاه ^۳ دل پهلوان‌شان ^۴ شد از جنگ ^۵ پست که ^۶ با دشمنان کارزار آیدت هنر کن پدید اندرین رزمگاه ^۹ که آمد گه کینه و ^{۱۰} کارزار ز پیران بدان جایگه کینه خواه ^{۱۱} چو روی تو بیند بدرژدش ^{۱۲} پوست جهاندار و ^{۱۴} نیک اخترت یار بود، شود شادمانه جهاندارشاه پُر از خون کند دل، دو دیده پُر آب ^{۱۶} پسر جنگ را تنگ بسته ^{۱۷} کمر بفرمود خواندن همه یکسره هجیر ^{۱۹} سپهدار و بیژن بهم گرانمایگان برگرفتند راه
--	---

۱- (لن، ل، ب: کرد) ۲- ق، س، ل (نیز لن، ل، ب): بدیشان سپاه؛ ل، س: کتون رفت باید بر آن (س: بدان) رزمگاه؛ (ق: ببردن نزدیک پیران سپاه)؛ متن = ف، ل (نیز و) ۳- (لن، ق، ل، آ: رزمگاه؛ ب، لن: بدین رزمگاه)؛ ل: جهان کرد باید بریشان سپاه؛ س: از ایشان پرهیز و تن پیش دار (= ۱۵۲۴)؛ در میان ستون‌ها افزوده است: یکایک کشیدن بدیشان سپاه)؛ ق: همی گشت باید بدین کینه گاه؛ ل، س: هنر کن پدید اندرین رزمگاه (= ۱۵۲۳)؛ متن = ف (نیز ل، و، ب) ۴- ل، س (نیز ق، ل): پهلوانان؛ متن = ف (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب) ۵- ل: درد؛ (و: رنج)؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

به بیژن چنین گفت کسای شیرمرد تویی شیر درکنده روز نبرد

بیت‌های ۱۵۲۱-۱۵۲۶ در دست‌نویسها درهم ریخته‌اند، ل: ۱۵۲۱، ۱۵۲۱ پ، ۱۵۲۲، ۱۵۲۵، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶ (۱۵۲۳ را ندارد)؛ ق: ۱۵۲۱، ۱۵۲۱ پ، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶ (۱۵۲۵ و ۱۵۲۶ را ندارد)؛ ل: ۱۵۲۱، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶ (۱۵۲۱ را ندارد)؛ پ: ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶ (۱۵۲۱ را ندارد)؛ و: ۱۵۲۱، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۱ (۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴ را ندارد)؛ لن: ۱۵۲۱، ۱۵۲۳، ۱۵۲۲، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۴ (۱۵۲۱ را ندارد)؛ پای‌بیت‌های متن = ف، س، لن، ق، ل، آ، ب ۶- ق (نیز ل، آ): چو ۷- س (نیز لن، ب): ترا ۸- س، ق، ل، س (نیز لن - ب، ل، آ، ب): امید؛ متن = ف ۹- ق: ز پیران بدین‌جایگه کینه خواه (= ۱۵۲۵)؛ ل، س: کتون رفت باید بدان کینه گاه (= ۱۵۲۰)؛ متن = ف، س (نیز لن - ب، ل، آ، ب)؛ ل (نیز و) این بیت را ندارند ۱۰- ل، ق: در؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن - ب، ل، آ، ب) ۱۱- ل: کتون رفت باید بدان کینه گاه (= ۱۵۲۰)؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- س: بلرزدش (بدردش)؛ ق این بیت را ندارد ۱۳- س، ق، ل: بدو ۱۴- ق: [و] ۱۵- س: برآساید؛ ف، ل، س (نیز ب، لن) پس از این بیت افزوده‌اند:

بیابای بسی گنج و بس خوامنه شود کارهای تو آراسته

۱۶- ل، ق: پر از دیده آب (!)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ل، آ) ۱۷- س: سخت کرده؛ ق: بند بست از؛ (لن، ب: سخت بسته) ۱۸- س (نیز لن): میمن و؛ (ب: میمنه و)؛ ل (نیز ب): که بودند بر؛ ق (نیز ل، آ): جنگی پس از؛ (ق: سوارانش از میمنه؛ ل: سران را هم از میمنه و)؛ متن = ف، س، ل (نیز و، لن) ۱۹- س: هجیر و ۲۰- ل، س، ق: وزانجا

برآن ^۲ بادپایان هِخته ^۳ زهار	بکردار گرگان ^۱ به روز شکار
ز کینه همی ^۴ دل پیرداختند ^۵	۱۵۳۵ میان سپاه اندرون تاختند
پراگنده گشته گه کارزار	همه دشت بَرگِستَوان ور ^۶ سوار
کفن جوشن و سینه‌ی شیر گور ^۷	چه مایه فتاده به پای ستور
بدید آن تکاپوی و ^۸ گرد سپاه،	چو رویین پیران ز پشت سپاه
ابا نامداران بکردار گرگ	بیامد ز ^۹ پشت سپاه بزرگ
بکوشید و هم برنیامد به جنگ	۱۵۴۰ برآویخت برسان شرزه ^{۱۰} پلنگ
به نومیدی از جنگ بنمود پشت	بیفگند شمشیر هندی ز مشت
بماند آن زمان خیره بر جای خوش ^{۱۳}	سپهدار پیران و ^{۱۱} کس های ^{۱۲} خوش
عنان سوی ^{۱۵} او جنگ را برکشید ^{۱۶}	چو گیو آنگهی ^{۱۴} روی پیران بدید
به نیزه ز اسپ اندر آورد ^{۱۸} خوار	از آن مهتران پیش پیران ^{۱۷} چهار
همی تیر بارید بر بدگمان	۱۵۴۵ به زه ^{۱۹} کرد پیران و بیه کمان
به نیزه ندر آمد ^{۲۱} بکردار گرگ ^{۲۲}	سپر بر سر آورد گیو سترگ ^{۲۰}
که با وی به نیزه بجوید نبرد ^{۲۵} ،	چُن ^{۲۳} آهنگ پیران سالار ^{۲۴} کرد
کز آن جای پی پیش نهاد و پای ^{۲۶}	فروماند اسپش همیدون به جای
بزد خشم را نامبردار گو	یکی تازیانه بدان ^{۲۷} تیزرؤ
به نفرین دُرْخِیم ^{۲۸} دیو نژند	۱۵۵۰ بجوشید و بگشاد لب را ز بند

۱- س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ، ب): شبران؛ (ل): گردان → گرگان؛ و: ترکان → گرگان؛ س: نگه دار گردان (ج) بکردار گرگان؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، ق، ل، ل، س، ل، ل: بدان ۳- ل، ق (نیزلن، ق، ل، آ، ب): اخته؛ (ب): بخته؛ لن: نخته → بخته؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلی، و، آ: لغت شهنامه، شماره ۲۷۵۱ و شماره ۲۷۵۰) ۴- ل، ل، س (نیزلن، ل، ب، لن، آ، ب): همه؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزق، ل، و) ۵- درف، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، ب، آ) حرف بک نقطه ندارد؛ متن = ل، س (نیزل، ل، لن، آ، ب) ۶- ق: برگستوان و ۷- س این بیت را ندارد ۸- ل: [و] ۹- ل (نیزل، آ، ب، لن، آ) به ۱۰- ل: شرزه ۱۱- س (نیزب): ز ۱۲- ل: مردان؛ متن ← ۱۳- ل: بجنگ اندرون پای نهاد پیش؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیزلن - ب، لن، آ، ب): ق (نیزو) این بیت را ندارند ۱۴- ل: آنزمان؛ (و): از زمان؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیزلن - ب، لن، آ، ب) ۱۵- س (نیزلن، ب): پیش؛ متن ← ۱۶- ل (نیزلی، ل، آ): عنان را سوی جنگ او برکشید (ل): پیران کشید؛ (ب): عنان جنگ را سوی او برکشید؛ متن = ف، ق، ل، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، لن) ۱۷- ق: نامداران توران ۱۸- ل، ق (نیزق، ل، ل، لن، آ): اندرافکنه؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیزلن، ق، ب، و، آ، ب) ۱۹- س: نگه؛ ق: بیتهای ۱۵۴۵ و ۱۵۴۶ و ل: بیتهای ۱۵۴۵-۱۵۴۷ را ندارند ۲۰- س: دلیر ۲۱- ل، س، س (نیزلن - ب): به نیزه درآمد؛ متن = ف: به نیزه اندرآمد ۲۲- س: شیر ۲۳- ل، س، ق، س (نیزلن - ب): چو؛ متن = ف ۲۴- ق: آهنگ سالار و پیکار ۲۵- ل: که جوید باورد با او نبرد؛ (ق، ل، آ): که با او بجوید به نیزه نبرد؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلن، ق، ب - ب: س، ل، ب، او) ۲۶- س: نهاد پای؛ ل، ق (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ، ب): از (ق): کز آنجا که بد پیش نهاد پای؛ س: از آنجاییکه تیز نهاد پای؛ ل: کز آنجای پیش نهاد پای (!)؛ (ل، و، آ): از آنجاییکه پیش نهاد پای؛ متن = ف (س) ۲۷- ل، ل، ل، س (نیزلن، ق، ب): بران؛ متن = ف، س، ق (نیزلی، ل، ب، لن، آ) ۲۸- ق: بدزخیم

بیفگند^۱ نیزه کمان برگرفت
 کمان را به زه کرد و بگشاد بر
 بزد بر سرش چارچوبه خدنگ
 همیدون سه چوبه^۸ بر اسپ سوار
 ۱۵۵۵ نشد اسپ خسته، نه پیران نیو
 چو پیران چُنین دید برگشت^{۱۰} زود
 بنزدیک گیو آمد آنکه پسر
 من ایدون شنیده‌ستم از شهریار
 ز جنگ بسی^{۱۳} تیزچنگ آژدها
 ۱۵۶۰ سرانجام بر دستِ گودرز هوش
 گر^{۱۶} او را زمانه نیامد^{۱۷} فراز
 پس اندر رسیدند یارانِ گیو
 چو پیران چنان دید برگشت ازوی^{۲۰}
 خروشان پُر از درد و رخساره زرد
 ۱۵۶۵ بیامد، که ای^{۲۲} نامدارانِ من
 یکی درقه‌ی گرگ^۲ بر^۳ سر گرفت
 که با دستِ پیران بدوزد جگر^۴
 بُنده کارگر تیر بر^۶ کوه گنگ^۷
 بزد گیو پیکانِ جوشن گذار^۸
 بدانجا رسیدند یارانِ گیو
 برفت از پی ش^{۱۱} گیو تازان^{۱۲} چو دود
 که ای نامبردار فرخ‌پدر،
 که پیران فراوان کند کارزار
 مرو را بود روز سختی رها
 برآرد، تو^{۱۴} ای باب چندین مکوش^{۱۵}!
 چه پیچی تو او را به سختی و آژ^{۱۸}؟
 پُر از خشم و کینه سواران^{۱۹} نیو
 سُوی لشکر خوش بنهاد^{۲۱} روی
 بنزدیک لَهاک و فرشیدورد،
 دلیران و خنجر گزاران^{۲۳} من

۱- س: فروماند بیفکند (وزن ندارد) ۲- ل: کک (!): س: کیل (ج-گیل): (لن: رود: ق: ترک: ل: ورته کرک: ب: درقه زود): متن = ف، ل، س، ق (نیز، ل) ۳- (ل، آ: یکی کرک درقه ابر) ۴- ل، ق: سپر: س: که تا دست یابد بر او بر مگر: (لن، پ، لن: که تا دست یابد بدوزد جگر: ق: که با پشت پیران بدوزد جگر: ل: که تا دست پیران بدوزد بر): متن = ف، ل، س: (نیز، ل، آ) ۵- ق: نشد ۶- ق: در ۷- ل، ق (نیز، ل، و، آ، ب): سنگ: متن = ف، س، ل، س: (نیز، ل، پ، لن: ۸- ق: همیدون چار دیگر (وزن ندارد) ۹- ل، س (نیز، ل، و، ب): آهن گذار: متن = ف، ق، ل، س: (نیز، ل، ل، پ، لن، آ): ل در اینجا سرنویس دارد: جنگ گیو با پیران و گرجختن وی از گیو ۱۰- (و: برگاشت) ۱۱- ل (نیز، ل، پ، و، آ): پیش: ل، س: (نیز، لن: ق: بیامد بر): متن = ف (نیز، ل) ۱۲- ف: گیو و یاران: س: گیو و یاران (حرفهای یکم و سوم واژه پسین نقطه ندارند): (ل، و، آ: گیو برسان): متن = ل، ل، ل (نیز، ل، ل، پ، لن: س: ق (نیز، ل، ب) این بیت را ندارند: ل، س: پس از این بیت دو بیت، ف تنها بیت یکم و ق: تنها بیت دوم را افزوده اند:

سوی لشکر خوشتن تاختند همه بند را کیمیا ساختند
 بدان تا کند خسته مرگیورا شکسته کند لشکر نیورا

۱۳- ف: بر (ج-بسی): متن = ل- س: (نیز، ل- ب) ۱۴- ل، س: (نیز، ل، آ): برآید تو: س (نیز، پ): برآیدش: متن = ف، ق، ل: (نیز، ل، و، ب) ۱۵- س: بسیار کوش: (لن، ب: زین بیش با او مکوش) ۱۶- ق، س: (نیز، ل، آ): که: متن = ف، ل: (نیز، پ) ۱۷- ل: نیاید ۱۸- ق: نیچید روزش سختی و آژ: (ل، آ: چه پیچی همی برره دور (ج-درد) و آن): متن = ف، ل، س: (نیز، پ): ل، س (نیز، ل، و، لن، ب) این بیت را ندارند ۱۹- ف، ل: دلیران (پساوند نادرست است): (پ: نامداران): متن = ل، ق (نیز، ل، آ): س، س: (نیز، ل، و، لن، ب) این بیت را ندارند ۲۰- ل (نیز، ل): زوی: س (نیز، ل، پ، لن، ب): برگاشت روی (س، لن، ل، آ): ب (پساوند ندارند): متن = ف، ق، ل (نیز، ل، آ): س: (نیز، ل، و، لن، ب) این بیت را ندارند ۲۱- (پ: بگذاشت) ۲۲- س (نیز، لن): برآمد که ای: ل، س: (نیز، ل، ل، پ، و، لن): چنین گفت کای: متن = ف، ل، ق (نیز، ل، ب) ۲۳- ف: خنجر گزاران: متن = ل- س: (نیز، ل- ب)

شما را ز بهر چُنین روزگار
 کتون چون به جنگ^۱ اندرآمد سپاه
 نینم^۲ کسی کز پی نام و ننگ
 چُن^۵ آوای^۶ پیران بدیشان رسید
 ۱۵۷۰ برفتند و گفتند اگر^۷ جانِ پاک
 بیندیم^۱ دامن یک اندر دگر
 سُوی گیو لَهاک و فرشیدورد
 بیامد^{۱۳} بر گیو لَهاک نیو
 همی خواست کو را رباید ز زین
 به نیزه زره^{۱۷} بردرید از نیب
 ۱۵۷۵ بزد نیزه پس گیو^{۱۹} بر اسپ او
 پیاده شد از اسپ^{۲۱} لَهاک مرد
 ابر^{۲۲} نیزه ی گیو تیغی چو باد
 چو گیو اندر آن زخم او^{۲۴} بنگرید
 ۱۵۸۰ بزد چون یکی^{۲۵} تیزدم آژدها
 سبک دیگری زد به گردنش بر
 بجوشید خون از دهان و جگرش^{۲۸}

همی پرورانیدم اندر کنار
 جهان شد ز دشمن به ما بر^۲ سیاه،
 ز^۴ پیش سپاه اندرآید به جنگ
 دل نامداران ز کین بردمید
 نباشد به تن نیست با ننگ باک^۸
 نشاید گشادن برین^{۱۰} کین کمر^{۱۱}
 برفتند و جُستند با او^{۱۲} نبرد
 یکی نیزه زد بر کمرگاه^{۱۴} گیو
 نگو سار^{۱۵} از اسپ^{۱۶} افگند بر زمین
 نیامد برون پای گیو از رکیب^{۱۸}
 ز درد اندرآمد تگاور به روی^{۲۰}
 فرازآمد از دور فرشیدورد
 بزد، کرد نیزه به دو نیم ساد^{۲۳}
 عمود گران از میان برکشید
 که از دست او خنجر آمد^{۲۶} رها
 که آتش بیارید بر تنش^{۲۷} بر
 تنش سست تر گشت^{۲۹} و شد خیره سرش^{۳۰}

۱-س (نیزلن، و، ب): چرا چون بچنگ؛ ق: کنوم بچنگ؛ (ق: که چون خود به تنگ)؛ متن = ف، ل، ل، ل، آ، س^۱ (نیزلی، ل، آ، پ، ل، ن، آ)
 ۲- ل، ق (نیزلی، و، آ): به ما بر دشمن؛ (ق: ز دشمن من بر)؛ س (نیزلن، ب): گشت بر ما ز دشمن؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ (نیزل، آ، پ، ل، ن)
 ۳- س (نیزب، و، ل، ن): ندیدیم ۴- ل- ل- س^۱ (نیزلن- ب): به؛ متن = ف ۵- ل- ل- س^۱ (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۶- ل- ل- س^۱ (نیزق^۱- ب): آواز؛ متن = ف (نیزلن) ۷- ل، س، ق (نیزلن، آ، ب): گر؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ (نیزق^۱، ل، آ، پ، ل، ن)
 ۸- ل، ل، س، ل، س، ل، س^۱ (نیزق^۱، پ، ل، ن، آ): نیتمان ترس (ل: بیج؛ س: ننگ؛ ق: درد) و باک؛ ق: درهمی نیست باک؛ (ل: ن: در ندارم باک)؛ متن = ف (نیزل، آ) ۹- س^۱: بینید ۱۰- ق: بدین ۱۱- س: فشاندن به پیش اندرین کار سر؛ ل، س^۱: نشاید ازین کین گشادن کمر؛ متن = ف، ل ۱۲- ف، ق: وی ۱۳- ق: در آمد ۱۴- س، ل، آ، س^۱ (نیزلی، پ، ل، ن): کمریند ۱۵- ل- ل- س^۱ (نیزلن- ب): نگو سار؛ متن = ف ۱۶- ف، ل، ق: زاسب؛ متن = س، ل، آ، س^۱ ۱۷- ف: رزه ۱۸- س: رکاب (پساوند نادرست است) ۱۹- س (نیزق^۱، ل، ل، و، آ): نیزه گیو؛ ق: گیو پس نیزه؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۱ (نیزلن، پ، ل، ن، ب) ۲۰- س (نیزب، ل، ن، آ، ب): تکاور ز درد اندرآمد بروی ۲۱- ل: باره؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن- ب) ۲۲- ف، ل، آ، س^۱ (نیزب، ل، ن، آ): برآن؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، و، آ، ب) ۲۳- ف (نیزلن، ق، آ، و): شاد؛ س، ل، آ، س^۱ (نیزل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): نیمه شاد؛ ل، ق: بزد نیزه برید و برگشت (ق: او گشت) شاد؛ متن تصحیح قیاسی است (— داستان بیژن و منیژه، بیت ۵۸) ۲۴- ف: وی؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۱؛ ق: بیتهای ۱۵۷۹-۱۵۸۲ را ندارد ۲۵- ف، ل، آ، س^۱: بغرید چون؛ متن = ل، س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن، ب) ۲۶- س: او شد سراسر ۲۷- س: گفتی بسر ۲۸- س (نیزلن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب): تا جگر؛ (ل: بر جگرش؛ آ: با جگرش)؛ ل: خون بر دهانش از جگر؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۲۹- ل، ل، ل، آ، س^۱ (نیزلی، ل، ن، آ، ب): سست برگشت؛ (ل، ن، ق): سست سرگشت (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ پ: پست برگشت؛ متن = ف ۳۰- س (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب): سر؛ ل (نیزق^۱): وآسیمه سر؛ (ل، آ): وآسیمه سرش؛ متن = ف، ل، آ، س^۱؛ ل^۱ در اینجا سرنویس دارد: جنگ کردن لهاک و فرشیدورد با گیو

نشت از بر بادپایی چو دود بر گئو رفتند هر دو دلیر بروبر بیارید گرز گران ستوهی نیامدش از کارزار چنان پایداری ^۶ از آن شیرمرد، که ما را چه ^۸ آمد از ^۹ اختر ^{۱۰} به سر ندرد برو پوست جز شیر کس ^{۱۱} همی گشت هر سو ^{۱۳} چپ و دست راست ^{۱۴} یکی را نیامد ^{۱۷} سر اندر نشیب مرا زین ^{۱۹} دلیران پرخاشجوی که دیوانی مازندران آمدند گرازه به پرخاش ^{۲۱} فرشیدورد به زیر اندرون ^{۲۴} دیزه‌یی ^{۲۵} چون هیون به زین برشد آن ترک پولادبست ^{۲۷}	چو گئو اندرین بود لَهّاک زود ابا گرز و با نیزه برسان شیر چه مایه ز چنگ ^۱ دلاور ^۲ سران به زین خدنگ ^۴ اندرون بُد سوار چو دیدند لَهّاک و فرشیدورد ز بس خشه، گفتند یک با دگر ^۷ برین زین همانا که پیل‌ست و بس ^{۱۱} ز یارانش گئو آنگهی نیزه خواست بریشان ^{۱۵} نهاد از دو رویه زهب ^{۱۶} به دل گفت: کاری نو ^{۱۸} آمد به روی نه از شهر توران ^۲ سران آمدند سوی راست گئو اندر آمد چو گرد ز پولاد ^{۲۲} در چنگ رومی ^{۲۳} ستون گرازه چو بگشاد از باد دست ^{۲۶}	۱۵۸۵ ۱۵۹۰ ۱۵۹۵
--	--	--

۱- ق: یاره هیجو ۲- ف. ق. ل. آ. س. (نیزن. ل. آ. ل. آ. ب): چنگ: ل (نیزل): چنگ: (ق: زخه): متن = (پ) ۳- س: ز جنگوران و ۴- س. ق. ل. آ. س. (نیزل. ق. آ. ل. ل. آ. ب): پلنگ: متن = (نیزب) ۵- ل. آ. س. (نیزل. ل. آ. ب): از آن: (ل. آ. زان): متن = (نیزل. ق. آ. ل. آ. ب) ۶- س. ق. ل. آ. س. (نیزب): نامداری: (ل: ن: نابیداری) ۷- س. ق. ل. آ. س. (نیزل. ب. ل. آ. ب): بیا بکدگر: متن = (نیزآ) ۸- ل. آ. س. (نیزل. ب. ل. آ. آ): بید ۹- ل. ل. آ. س. آ: ۱۰- ق: از اختر بد آمد ۱۱- ف (نیزل): پلست بس: ل (نیزب): کوهست و پوست: س (نیزل. ل. آ. ب): برین زین تو گویی (ل: گفتی) که مغزش (ل: آهن) دروست (س: زروست): ق: برین بر همانا که کوهست و پوست: متن = ل. آ. س. (نیزق. ل. آ. ب. ل. آ) ۱۲- ل: بروبر ندرد جز از شیر پوست: س (نیزل. ب. ل. آ. ب): بیز (س: بیز) در ندارد جز از شیر پوست: ق: برین بر ندرد مگر نیزه پوست: (ل: ندرد بدو پوست چون شیر کس): متن = (نیزق. ل. آ. ب) ۱۳- ل: هر سوی: متن = ۱۴- ل. آ. س. هر سو برو چپ و راست: (و: بر هر سوی چپ و راست): متن = (نیزل. ب. ل. آ. ب): ۱۵- ل: بدیشان ۱۶- ل: رکیب ۱۷- ل (نیز ل. آ. ب): نیامد یکی را ۱۸- ف: بید: متن = ل. آ. س. (نیزل. ب) ۱۹- ل. آ. س. آ: ۲۰- ل. ق (نیزو. آ): ترکان ۲۱- ف. ل. آ. س. که آید (س: آمد) پیرخاش: ق: بزد بر سرترگ: (ل. آ. ب: گرازه به پیکار: ل: گرانان به پیکار): متن = ل. آ. س. (نیزق. ل. آ. ب. و. ل. آ) ۲۲- ف: وهاک: (ل. آ: چو هاک): متن = ل. آ. س. (نیزل. ق. ل. آ. ب. ل. آ. ب) ۲۳- ل: سیمین: ق: بد وزن سیمین: ل. آ. س. (نیزب. ل. آ. ب): در دست رومی: متن = (نیزل. ق. ل. آ. ب. ل. آ. ب) ۲۴- ق (نیزق. ل. آ. ب): اندرش ۲۵- ل. آ. س. (نیزل. ب): یاره: ق: تازی: متن = (نیزل. ب. ل. آ. ب) پس از این بیت افزوده اند:

یک کی نگرگ رومی نهاده بر

سر لشکر تور وزیر وزیر (ل: بسته کمر را بزین کمر)

ل. س. ق (نیزل. ق. آ. ل. و. آ. ب) این بیت را ندارند ۲۶- ق: از پای دست: (ق. ل. آ. ب: بگرازه از یاد دست: ل. آ. ب: بر گرز بنهاد دست): ف: چو بر تیغ بر گئو بنهاد دست: متن = (نیزل. ب. ل. آ. ب) ۲۷- ف (نیزل. ل. آ. ب): بیدار بست (?): (پ. ب: بیدار بست (?))؛ س: برین در شد آن ترک بیدار بست (?): (ق: بر زین بماننده پیل مست: ل: برین اندرون گشت لhak بست): متن = (ل. ق: ل. آ. س. (نیزو) این بیت را ندارند)

زره ^۲ بود ^۳ ، نگست پیوند اوی ^۱	بزد نیزه‌یی بر کمر بند اوی ^۱
به پشت گراز اندر آمد ^۷ دلیر	یکی تیغ ^۴ دره چنگ ^۶ بیژن چو شیر
زمی ^۱ را بدرید ترگ ^{۱۰} از نبرد	بزد بر سر ترگی ^۸ فرشیدورد
به ^{۱۲} اسپ اندر آمد، نبود آنچه ^{۱۳} خواست	همی کرد بر تارکش ^{۱۱} دست راست
ابا نامداران ایران بهم،	پس بیژن اندر دمان گشته ^{۱۰}
خلیده دل و کینه خواه ^{۱۴} آمدند	بنزدیک توران سپاه آمدند
بیامد دمان ^{۱۵} تا به جای نبرد	ز توران سپاه اندر میان چو گرد
که تا بگسلاند میانش ^{۱۶} ز هم	عمودی فروهشت بر گشته ^{۱۰}
دل گشته ^{۱۷} زو ^{۱۹} پُر از بیم گشت ^{۱۸}	به تیغش بر آمد ^{۱۷} به دو نیم گشت ^{۱۸}
ابر اندر میان بیارید تیر	به پشت یلان اندر آمد هجیر
بزد، ماند بیگانه اسپ از روان ^{۲۱}	خدنگیش بر زین و ^{۲۰} برگستوان
سپر بر سر آورد و برخاست خوار ^{۲۳}	پیاده شد از اسپ ^{۲۲} مرد سوار
سواران برفتند برسان دیو	ز ترکان بر آمد سراسر غریو
کشیدند از آن پیش روی سپاه ^{۲۵}	مرو را به چاره از ^{۲۴} آوردگاه
سواران ایران و توران گروه ^{۲۷} ،	ز ^{۲۶} شبگیر تا شب بر آمد ز کوه
همی خاک با خون برآمیختند	همی گرد کینه برانگیختند

۱- ل، س: او ۲- ف (نیزلن، ب): رزه ۳- ل: بود و ۴- ف: سیر(?)؛ متن = ل- س: (نیزلن، ق، ل، ب) ۵- س: بر ۶- س، ق (نیزلن، آ، ب): مشت؛ ل، س: (نیزق، ل، ب، ل، ن): دست؛ متن = ف، ل (نیزو) ۷- ل، س، ل، س: (نیز ل، ن، پ، و، آ، ب): گرازه در آمد؛ (ق: برادر در آمد؛ ل، پ، ل، ن: بیامد (ل: در آمد) به پشت گرازه)؛ متن = ف، ق: گراز اندر آمد → گرازه اندر آمد = گرازه ندر آمد؟ ۸- ق: گرازه بپرخاش (← ۱۵۹۴ ب) ۹- ل، س، ق، ل: زمین؛ متن = ف، س: ۱۰- ق: تنگ ۱۱- ل: بارگی؛ (ق: بارکش)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن، ل، ب) ۱۲- ل، س: ز ۱۳- ل: آنچه؛ ق: نشد آنچه؛ س: بدل در ندید آنچه بایست ۱۴- س، ل: نیکخواه ۱۵- ف: نوان: (لی، آ: دوان)؛ متن = ل- س: (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ب) ۱۶- س: روانش ۱۷- ق: در آمد ۱۸- س: شد ۱۹- ق: زان ۲۰- ل: خدنگش بدرید؛ س (نیزلن، ب): خدنگی بزد نیزه؛ ق: خدنگش بشد تا به: (ق، ل: خدنگی ابر زین و: ل، و، آ: خدنگش بر آمد به)؛ متن = ف، ل: (نیزب، ل، ن) ۲۱- ق (نیزب، ل، ن): یکباره (ب، ل، ن: ناگاه) اسپ از روان؛ ل: بماند آن زمان بزگی بی روان؛ س (نیزلن، ب) برید و بماند (ب: ببریید و بماند) اسپ ناگاه ز جان؛ (ل: فروماید پیکان بر اسپ نوان؛ و: همی اسپ بیگانه مانند از روان؛ آ: بزد مانند پیکان و اسپان روان)؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، ب، و، ل، ن): س: بیتهای ۱۶۰۷-۱۶۰۹ را ندارد ۲۲- ل: باره ۲۳- ف: برخاست کاره؛ ل، ق (نیزق، ل، ب، و، آ): بر ساخت کاره؛ (ل، ن، ب: در کارزار)؛ متن = س، ل (نیزب، ل، ن) ۲۴- ل، ق: ز ۲۵- ل، ق (نیزق، ل، ب): از پیش روی سپاه؛ ل: از روی پیش سپاه؛ س: بیاورد... (ناخواناست) قلب سپاه؛ (ل، ب: ببردند از آنجا بقلب سپاه؛ ل، آ: کشیدندش از پیش روی سپاه)؛ متن = ف، س: (نیزب، ل، ن): ل (نیزل، ل، ب، آ) پس از این بیت افزوده اند:

سپهدار پیران ز سالار گاه

بیامد بیاراست (ل: دمان تا به) قلب سپاه

۲۶- س: به ۲۷- ق: سواران و مردان هر دو گروه

<p>دهان بازمانده، نشسته خروش^۳ برآمد ز هر دو^۵ سپه بوق و کوس از آن رزمگه بازگشته دنان^۶ که شب بازگردیم ازین رزمگاه^۷ که از ژرف دریا برآند گرد یکایک به روی اندرآرم^۹ روی نریزند خون سر بی گناه^{۱۰} گرفتند کوتاه کار^{۱۱} دراز همی روی برگاشتند از نبرد یکی سوی زبید^{۱۴} خرامید^{۱۵} تفت فرستاد گودرز سالار شاه^{۱۷} به^{۱۹} خون دست و تیغ و برآلوده^{۲۰} بود گشادند مر بندها را گره خروش و هنر چند بنموده^{۲۵} گشت^{۲۴}، برفتند بیدار پیر و جوان چه آمد مرا از شِگفتی به سر،</p>	<p>از^۱ اسپان و مردان همه رفته^۲ هوش چو روی زمین^۴ شد به رنگ آبوس ابر پشت پیلان تبیره زنان بر آن برنهادند هر دو سپاه گزینیم^۸ شبگیر مردانِ مرد همه نامداران پَرخاشجوی ز پیگار یابد رهایی سپاه بکردند پیمان و گشتند باز دو سالار هر دو ز^{۱۲} کینه به درد یکی سوی کوه گنابند^{۱۳} برفت همانگه طلایه ز لشکر به راه^{۱۶} ز جوشن و ران هر که^{۱۸} فرسوده بود همه جوشن و خود و ترگ و^{۲۱} زره چُن^{۲۲} از بار آهن تن^{۲۳} آسوده گشت^{۲۴} به تدبیر کردن سُوئی^{۲۶} پهلوان به گودرز پس گیو گفت^{۲۷}: ای پدر</p>
--	--

۱- ف، ق، ل، آ، س: ز؛ متن = ل، س ۲- ل، ق: رفت ۳- ل، آ، س: زبانیگ و خروش؛ ل، ق (نیز، لی، آ): دهن خشک و رفته زتن زور و توش (ق: دور هوش؛ لی: هوش و توش؛ آ: نیز هوش)؛ (پ، لن: ز: دهن بازمانده زبانیگ و خروش)؛ متن = ف، س (نیز، لن، ق، آ، ب) ۴- س: زمی ۵- ل، آ، س: بیامد زهر سو؛ ق: بیتهای ۱۶۱۵ و ۱۶۱۶ را ندارد ۶- س (نیز، لن، ق، آ، ل، و، لن، آ، ب): دمان؛ ل: بازگشت آن زمان؛ ل: بازگشتند دمان؛ متن = ف، س (نیز، پ، آ) ۷- (لن: از رزمگاه)؛ ل: بازگردند ز آوردگاه؛ ق (نیز، لی، آ): بازگردند از (لی، آ: از آن) رزمگاه؛ س (نیز، لن، ب): نریزند خون سر بی گناه (= ۱۶۱۹ ب)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، ل، آ، پ، و)؛ درس، لن، ب پس از این بیت، بیت ۱۶۲۰ آمده است ۸- ل، ق (نیز، لن، لی، آ، ب): گزینند؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن) ۹- ل، س (نیز، لی، پ، آ): اندر آورده؛ (لن، ق، آ، لن، آ، ب: اندر آزند)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، و)؛ ق: بیتهای ۱۶۱۸ و ۱۶۱۹ را ندارد ۱۰- س (نیز، لن، ب): به شب بازگردند ازین (لن، ب: همه بازگشتند از آن) رزمگاه (= ۱۶۱۹ ب) ۱۱- ل: رزم؛ س، ق، ل، آ، س (نیز، لن، لی، ب): راه؛ متن = ف (نیز، ق، آ)؛ درس (نیز، لن، ب) این بیت پس از بیت ۱۶۱۶ آمده و در ق با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- ق: به ۱۳- س (نیز، لن): کابد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، آ، س: کابد؛ (لن: کابد)؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ق، آ، و، آ، ب) ۱۴- ف، س، س (نیز، ق، آ): زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زسد (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ (آ: ریبد)؛ متن = ق، ل، آ (نیز، لن، لی، ل، آ، ب) ۱۵- ل، س (نیز، لی، ل، آ، ب): خرامید و ۱۶- س: ز لشکر طلایه برفت ۱۷- س: نفت ۱۸- ل: هرک؛ س (نیز، لن، پ، ل، آ، ب): ز جوشن سر (لن، ب: تن) از (پ: سرو) ترگ ۱۹- ل، س، ق (نیز، لن، ق، آ، ل، و، آ، ب): ز؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، پ، لن، آ) ۲۰- ل، ق (نیز، لی، ل، آ، و، آ): تیغش بیالوده (ق: بیازرده؛ ل: برآلوده)؛ س (نیز، پ، لن، آ): خون تیغ با دست آلوده؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، لن، ق، آ، ب) ۲۱- ق: و بسند ۲۲- ل- س (نیز، لن- ب): چو؛ متن = ف ۲۳- ل، س، ق (نیز، و): بر؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، آ، ب) ۲۴- ل، س، ق (نیز، لن، ق، آ، لی، و، آ، ب): شد؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، پ، لن، آ) ۲۵- ل (نیز، آ): خورش جست و می چند (نیز: پیموده؛ س (نیز، لن، پ، ل، آ، ب): چوروشن می چند پیموده (ب: نوشیده)؛ لی: خورش جست بی جست بنموده (!)؛ و: خورش می و رود پیموده)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز، ق، آ: خورش هنر) ۲۶- س، ق (نیز، لن، و، ب): بر ۲۷- ل: گفت گیو

- چو من حمله بردم به توران سپاه
 به پیران رسیدم، نوندم به جای
 چنانم شتاب آمد از کار خویش
 پس آن گفته‌ی شاه بیژن به یاد^۵
 که^۷ پیران به دست تو گردد تباه
 بدو گفت گودرز کو را زمان
 ازو^{۱۲} کین هفتاد پور گزین
 وزان^{۱۳} پس به روی سپه بنگرید
 ز رنج نبرد و ز خون ریختن
 دل پهلوان گشت از آن^{۱۶} پُر ز درد
 بفرمودشان بازگشتن به جای
 بدان تا تن رنج بردارشان
 برفتند و شبگیر بازآمدند
 به سالار برخواندند آفرین
 شبت^{۱۹} خواب چون بود و چون خاستی؟
 بدیشان چنین گفت پس پهلوان
 سزد گر شا بر^{۲۲} جهان آفرین
 که تا این زمان هر چه^{۲۳} رفت^{۲۴} از نبرد
 فراوان شگفتی رسیدم به سر
- ۱۶۳۰
 ۱۶۳۵
 ۱۶۴۰
 ۱۶۴۵
- دریدم صف و برگشادند^۱ راه،
 فروماند و نهاد در^۲ پیش پای^۳
 که گفتم بیرم من از جان و کیش^۴
 همی داشت و بند مرا برگشاد^۶،
 از^۸ اختر همین^۱ بود^۱ گفتار شاه
 به دست منست این زمان^{۱۱} بی گمان
 بخواهم به زور جهان آفرین
 سران را همه گونه^{۱۴} پُر مرده دید
 به^{۱۵} هر جای با دشمن آویختن
 که رخسار آزادگان دید زرد
 سپهدار نیک اختر^{۱۷} رهنمای،
 برآساید از شب ز کردارشان^{۱۸}
 پُر از کینه و رزمساز آمدند
 که ای نامور پهلوان زمین،
 ز پیکار ترکان^{۲۰} چه آراستی؟
 که ای نامداران و^{۲۱} فرخ گوان،
 بخوانید روز و شبان آفرین،
 به کام دل ما همه^{۲۵} گشت گرد^{۲۶}
 جهان را ندیدم مگر بر گذر

۱- ق: برگشوند ۲- ل (نیز، ق): از؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، پ-ب) ۳- ق: فروماند نهاد یکپای جای (!) ۴- ل، ق: نباشم دگریار خویش؛ س: بیرد مگر جان زیش؛ (لن، ب: بیرم زبیکار خویش؛ ل، آ: بیرد ز من جان و کیش؛ ل: بیرم مگر جان خویش؛ پ: بیرم سراز بار خویش؛ و: زمانم درآمد به پیش)؛ ل، س (نیز، ل): که گفتم بیرم من از یار (س: جان؛ ل: بار) خویش؛ (ق): که گفتم نیزد مگر جان و کیش)؛ متن = ف ۵- ق: چو باد ۶- ل: و آن دم مرا یاد داد؛ س، ل: و آنرا بمن برگشاد؛ س (نیز، پ، لن): و آن راز بر من گشاد؛ (لن، آ، ب: و آن در مرا برگشاد؛ ق، و: زان در مرا کرد یاد؛ ل: و آن در دم برگشاد)؛ ق: همی داد و آن در مرا برگشاد؛ (ل): بگفت و از آن در مرا کرد شاد)؛ متن = ف ۷- س: چو ۸- ف، ق: ز ۹- (لن، ل): همی؛ پ، و، لن، ب: چنین)؛ متن = ف- س (نیز، ل، آ) ۱۰- ل: بُد ز؛ ق: بُد به؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ل-ب) ۱۱- ل، س، ق (نیز، لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): ای پسر؛ ل: من آید بدان؛ متن = ف (نیز، ل، آ)؛ س: بیتهای ۱۶۳۴-۱۶۳۶ را ندارد ۱۲- ل: کزو ۱۳- ل: از آن ۱۴- س (نیز، لن، ب): روی؛ ق: رنگ؛ (ق): زهرگونه)؛ متن = ف، ل، ل (نیز، ل-آ) ۱۵- س: ز ۱۶- ل: زان ۱۷- ل، س: نیک اختر و ۱۸- ل، س (نیز، لن، ق، ل، پ-ب): از رنج (ل، پ، لن): جنگ؛ ق: رزم) و پیکارشان؛ ق، ل، س: آن (جاز) شب ز کردارشان؛ متن = ف (نیز، ل، س)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رای زدن گودرز با ایرانیان و رفتن بچنگ ۱۹- س (نیز، لن، پ، لن، ب): بشب؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز، ل، ل، و، آ) ۲۰- س (نیز، پ، لن): بردل؛ ق: بیتهای ۱۶۴۳ و ۱۶۴۴ را ندارد ۲۱- ل: نیک مردان و؛ س (نیز، لن، ب): نامیردار؛ (ل): نامداران)؛ متن = ف، ل، س (نیز، ل، ل، پ، و، لن، آ)؛ دل (نیز، پ، لن) پس از این بیت، بیتهای ۱۶۴۸ و ۱۶۴۹ آمده‌اند ۲۲- س: با ۲۳- ل: هرچ ۲۴- ق: بود ۲۵- ل، س (نیز، لن، ق، ل، ل، آ، ب): همی؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز، پ، و، لن) ۲۶- ق: راست کرد؛ (لن: کارکرد)

ز بیداد و داد آنچه آید ز شاه
 چو ما چرخ گردان فراوان سرشت
 نخستین که^۵ ضحاک بیدادگر
 ۱۶۵۰ جهان را به سختی چه مایه بداشت^۷
 بداد آنک آورد^{۱۱} پیدا ستم
 برآمد برآن^{۱۴} کار او چند سال
 چو بیداد او دادگر برنداشت
 فریدون^{۱۶۵۵} فتح، شه دادگر
 همه بند آفرمتی برگشاد
 ز^{۱۸} ضحاک بدگوهر^{۱۹} بدکنش^{۲۰}
 بدافراسیاب^{۲۲} آمد آن^{۲۳} بدخوی^{۲۴}
 که در شهر ایران بگسترده کین
 ۱۶۶۰ سیاوش^{۲۸} رد را^{۲۸} به فرجام کار
 و زان پس کجا گیو از ایران^{۳۰} براند
 نهالیش^{۳۲} خاک و بالینش^{۳۳} سنگ
 همی رفت^{۳۴} گم بوده چون بی‌شان

بد و نیک را هم بدویست راه
 درود آن کجا بارزوی^۳ خود بکشت^۴
 ز گیتی به شاهی برآورد^۶ سر،
 جهان آفرین زو^۸ همه^۹ درگذاشت^{۱۰}
 ز^{۱۲} باد آمده پادشاهی به دم^{۱۳}
 بد انداخت یزدان برآن^{۱۵} بدسیگال
 یکی دادگر را برو^{۱۶} برگماشت
 بیست اندرین^{۱۷} پادشاهی کمر
 بیاراست گیتی سراسر به داد
 که کردند شاهان بدو^{۲۱} سرزنش،
 همه^{۲۵} غارت و کشتن و جادوی^{۲۶}
 بگشت از ره داد و آیین^{۲۷} دین
 بکشت و برآورد از ایران^{۲۹} دمار
 چه مایه به سختی به توران^{۳۱} بماند
 خورش گوشت^{۳۲} نخچیر و پوشش پلنگ
 که یابد ز کیخسرو آجا^{۳۵} نشان

۱- ل: آنچه ۲- ل: آمده به؛ س: نایب به؛ (لن، پ، ل، آ، ب: آید به)؛ متن = ف، ق، ل، س، (نیز ق، ل، و، آ)؛ در ل: (نیز پ، ل، ن)؛
 بیتهای ۱۶۴۸ و ۱۶۴۹ پس از بیت ۱۶۴۴ آمده‌اند ۳- ل: بارزوی؛ (لن: آرزو)؛ متن ← ۴- ق: داد و نیکی بکشت؛ (لی: نخم
 نیکی برست؛ لن: آرزو خود بکشت؛ آ: نخم نیکی بکشت؛ و: درود آنک جز نخم نیکی نکشت)؛ متن = ف، ل، س، (نیز ق، ل، آ، پ، ب، ل،
 لن)؛ س (نیز لن، ب) این بیت را ندارند ۵- س: ز ۶- س: بگیتی بشاهی برآورده ۷- ق: چه مایه بسختی گذاشت ۸-
 (پ: را) ۹- (لن، پ، ل، آ، ب: همی)؛ متن = ل (نیز ق، ل، و، آ) ۱۰- ف، س، ق، ل، س، آ: یکی دادگر را برو (ف: بدو)
 برگماشت (۱۶۵۱ ب- ۱۶۵۴ آ را انداخته و از ۱۶۵۱ آ و ۱۶۵۴ ب یک بیت ساخته‌اند) ۱۱- (لی، آ: اندر آورد؛ ل: او کرد؛ پ، لن: آ:
 آنکه)؛ متن = ل (نیز لن، ق، و، ب) ۱۲- (ق: به) ۱۳- ل: آمد آن پادشاهی بدم؛ (لی، آ: آمده باد شد هم بدم؛ پ، لن: آمده
 بازگردد بدم؛ و: آمد و باز شد سوی دم)؛ متن = (لن، ق، ل، آ، ب)؛ ف، س، ق، ل، س، آ این بیت را ندارند ۱۴- ق: بدان؛ (ق: برین؛
 لی: بدین) ۱۵- ق (نیز لی، ل، آ، ب، آ، ب): بدان؛ ف، س، ل، س، آ این بیت را ندارند؛ در ل (نیز آ) این بیت با بیت سپین پس و پیش
 شده است ۱۶- ف (نیز لی، ب): بدو؛ ← ۱۶۵۱ پ ۱۷- ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، آ، ب): اندر آن؛ متن = ف، ل، س، آ (نیز
 ل) ۱۸- ل (نیز لن): چو ۱۹- ف: بدگوهر؛ متن = ل، س، ل، س، آ (نیز ق، ل، آ، ب، و، لن، ب) ۲۰- ل (نیز ل، آ، پ،
 لن، آ، ب): بدمنش؛ متن = ف، س، ل، س، آ (نیز ق، ل، و) ۲۱- س (نیز ق، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب): برو؛ متن = ف، ل، آ، س، آ (نیز ل، آ، ب)؛ ق (نیز
 لن، لی، آ) این بیت را ندارند؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۲- ل، ل، ل (نیز لی، آ): ز افراسیاب؛ س، ق (نیز لن،
 ق، آ، پ، و، لن): با افراسیاب؛ س: بر افراسیاب؛ متن = ف ۲۳- ل: آ این ۲۴- س، ل، آ، س، آ: بدخوی؛ متن = ف، ل،
 ق ۲۵- ل، س، ق: همان؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۶- ل، ق: بدگوی؛ س، ل، آ، س، آ: جادویی؛ متن = ف ۲۷- ل، ل، آ، س، آ (نیز
 لن، پ، لن، آ، ب): آیین و؛ متن = ف، س (نیز و)؛ ق این بیت را ندارد ۲۸- ل: سیاوش را هم؛ س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ):
 سیاوش (پ: سیاوش) رد را؛ متن = ف، ل، آ، س، آ (نیز ق، ل، و، ب) ۲۹- ق: از ما؛ ل (نیز لن، ل، آ، ب): از شان؛ (لی، پ: زیشان)؛
 متن = ف، ل، س، س، آ (نیز ق، ل، و) ۳۰- ل: ز ایران ۳۱- س: بتوران بسختی ۳۲- س، ق (نیز لن، پ، لن، آ، ب): از؛ متن =
 ف، ل، ل، آ، س، آ (نیز ق، ل، و) ۳۳- ق (نیز لن): بالین ز ۳۴- ق: گشت ۳۵- ق: ز خسرو بجایی

۱۶۶۵ یکایک بنزدیک ^۱ خسرو رسید وُزانیس بدایران ^۲ نهادند روی سبک با سپاه اندرآمد به ^۵ راه بکرد آنک ^۷ بودش ز بد دسترس وُزان ^۹ پس به کین سیاوش سپاه ز ترکان بیاورد جوقی گشن ^{۱۱} که چندان پسر پیش من کشته شد کنون با سپاهی چُنین کینه جوی ^{۱۴} چو با ما بسنده ^{۱۶} نخواهد ^{۱۷} بُدن همی چاره سازد بدان تا ^{۱۹} سپاه سران را همی خواهد ^{۲۱} اکنون به جنگ که گر ما بدین کار سستی کنیم بهانه کند بازگردد ز جنگ ار ^{۲۴} ایدونک ^{۲۵} باشید با من یکی از آن نامداران برآریم گرد وَر ایدونک ^{۲۷} پیران ازین گفت ^{۲۸} خوش	ز دورا ^۲ آفرین کرد کو را بدید خبر شد به پیران پرخاشجوی ^۴ که هر دو کُنْدشان به ره بر ^۶ تباه جهاندارشان بُد نگهدار و ^۸ بس سُوی کاسه رود اندرآمد ز راه ^{۱۰} شبیخون سیگالیده اندر پَشَن ^{۱۲} دل ^{۱۳} نامداران همه گشته شد بیامد به روی اندرآورده ^{۱۵} روی همی داستان‌ها نشاید ^{۱۸} زدن ز توران بیاید ^{۲۰} بدین رزمگاه یکایک بیاید شدن تیزچنگ ^{۲۲} بدین جنگ جز ^{۲۳} پیشدستی کنیم، بیچد سر از کینه و نام و ننگ — ازیشان فراوان و ما اندکی — بدانگه که سازند با ما ^{۲۶} نبرد نگردد ^{۲۹} ، نهد جنگ ^{۳۰} را پای ^{۳۱} پیش،
--	---

۱- ل. س. ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): چونزدیک: متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، و) ۲- ل. س (نیز لن، ب، و، لن، ب): برو؛ (لی: زره): متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، ل، آ) ۳- ل. س (نیز لن - ب): بایران: متن = ف ۴- ق: پک-نرجوی ۵- س. ق: ز ۶- س (نیز لن، ب): کُنْدشان مگر خود بره بر: (ق): که هر دو بره‌شان کُنْدبر: لی: کجا تا کُنْدشه بره بر: ل، آ، بدان (آ: همان) تا کُنْدشان بره بر: ب، لن: بره بر کُنْدشان مگر خود): متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز و) ۷- ل. س (نیز لن، ق، آ، ب): آنچه: ل، س (نیز لی، ل، پ، لن): آنچه: متن = ف (نیز و: ← کاموس کشانی، بیت ۱۳۸) ۸- ل: [و]: س: جهاندار بدشان نگهدار و: ق: بیتهای ۱۶۶۷ و ۱۶۶۸ را ندارد ۹- ل: از آن ۱۰- ل. س. س (نیز لن، ل، و، آ): بره: (لی، لن، ب: سپاه): متن = ف، ل (نیز ق، ب) ۱۱- ل. س. ق (نیز لن - ب): بلاون که آمد سپاهی (ل، ق، ل، و، سپاه) گشن (ق: بشن): متن = ف، ل، س ۱۲- ل. س (نیز لن - ب): شبیخون پیران (س: ایران؛ ل: ترکان؛ لن: از ایران؛ ب، لن، ب: بایران) به (ل، س، ق، و، و) جنگ (ق: راه) بشن (ل - ب: پشن): متن = ف: بشن ۱۳- ق: سر ۱۴- س، ق: جنگجوی ۱۵- ل. ق، ل (نیز ب، و، لن، آ): اندرآورد: متن = ف، س، س (نیز لن، ق، لی، ل، ب) ۱۶- (لی، لن، آ، ب: بسنده) ۱۷- س: نخواهی ۱۸- ل. س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، ب): بخواهد: ق، ل (نیز لی، آ: بیاید): (و: بخوایم): متن = ف، س ۱۹- س: سازید با آن ۲۰- ق: درآرد ۲۱- س: خواند ۲۲- س (نیز لن، لی، ل، آ، ب): بی درنگ: ق: بیاید شدن جنگ را تیزچنگ: متن = ف، ل، ل، س (نیز ق، ب، و، لن) ۲۳- س: خود: ل، س (نیز لی، ب، لن، آ): چون: (لن، و، نه: ق: هه): ل: وگرنه بدین: (ل: بدین رزمگه): متن = ف: ق: بیتهای ۱۶۷۵ و ۱۶۷۶ را ندارد ۲۴- س (نیز لن، ب): ور: (ق، ل، و، گر): متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز لی، آ) ۲۵- ق، ل: ایدونکه: در س بیتهای ۱۶۷۷ و ۱۶۷۸ دوبار آمده‌اند ۲۶- ف: من: ق: جای: ل: سازد همی او: متن = س، ل، س (نیز لن - ب): ق: پس از این بیت افزوده است:

وز ایدونک پیران ازین رزمگاه
 نگردد نهد پای بر جایگاه
 ۲۷- س: ایدونکه ۲۸- ل: رای: ق: اگر باز نیاید ز گفتار ۲۹- ف، س، س (نیز ل، ب، لن، آ، ب): بگردد (ق): ل: بگردد
 (حرف یکم نقطه ندارد): متن = ق، ل (نیز لن، ق، لی، و) ۳۰- ل: رزم ۳۱- س (نیز لن): کند جنگ را دست

<p>که من پیش بندم^۲ برین^۳ کین کمر به گشتن دهم پیش ایران سپاه^۵ یکایک بسازیم مردان^۷ نیو به^۸ گیتی به ما^۹ جز فسانه نماند که^{۱۰} مرگ افگند سوی ما بر^{۱۱} کمند وفا با سپهر روان اندکیست^{۱۲} ابا نیزه و^{۱۳} تیغ مردمکشان^{۱۴}، هر آنکس که هست از شا نامور^{۱۵} کنون کرد باید برین کین نهیب^{۱۷} که با بیژن گیو رزم آزمود بریده سرش، تنش غلتان به خون^{۱۹} نشاید کشیدن ز پیگار چنگ بدانبوه^{۲۳} لشکر بیارد چو گرد، بیاید شدن پیش او همگروه^{۲۶}، به تیمار بر بسته^{۲۸} پیوسته دل، کزیشان^{۲۹} برآرم گرد سیاه به پیش جهان دیده فرخ گوان^{۳۰}</p>	<p>۱۶۸۰ پذیرفتم اندر شا سربسرا ابا پیرسر تن^۴ بدین رزمگاه من و گردپیران و رویین^۶ و گیو که کس در جهان جاودانه نماند همان نام بهتر که ماند بلند زمانه به مرگ و به کشتن یکیست ۱۶۸۵ شا نیز باید که هم زین نشان به کینه بندید یکسر کمر که دولت گرفته ست ازیشان نشیب^{۱۶} به توران چو هومان سواری نبود چو سرگشته شد بخت او شد نگون^{۱۸} ۱۶۹۰ نباید شکوهید^{۲۰} ازیشان^{۲۱} به جنگ ور ایدونک پیران نخواهد^{۲۲} نبرد همیدون بدانبوه^{۲۴} ما را چو کوه^{۲۵} که چندان دلیران^{۲۷} همه خسته دل برآتم که ما را بود دستگاه ۱۶۹۵ بگفت این سخن سربسر پهلوان</p>
--	---

۱- ق: در بدر ۲- س (نیزلن، ب): که پیشش بندم ۳- ل، س، ق (نیزق، ل، ل، پ، آ، ب): بدین؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزلن، و، لن) ۴- ف، ل، ل، س (نیزو): من؛ متن = س، ق (نیزلن، ق، ل، پ، ل، آ، ب) ۵- ل، ق: تن به پیش سپاه؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیزلن - ب) ۶- س: رویین و پیران ۷- س: گردان ۸- ق، س (نیزق): ز ۹- س (نیزلن، ل، ل، پ، لن، آ، ب): ز ما؛ (و: مرا)؛ متن = ل، ق، ل، ل، س (نیزق)؛ ف این بیت را ندارد ۱۰- ل، س (نیزلن، ق، ل، و، آ، ب): چو؛ (ل): چه؛ متن = ف، ق، ل (نیزپ، لن) ۱۱- ل، ل، س (نیزپ، لن): هم ۱۲- ف این بیت را ندارد ۱۳- ق: تیر و با ۱۴- س: گردنکشان ۱۵- س (نیزلن، ب): کینه ور ۱۶- ف: نهیب؛ متن = ل، س (نیزلن، ل، ب) ۱۷- ف: نشیب؛ ل: بکین بر نهیب؛ س، ق، ل (نیزل، ل، پ، آ، ب): بدین کین نهیب؛ متن = س (نیزلن، و، لن) ۱۸- (ل): سرنگون؛ ق: شد بار و بختش نگون؛ پ، لن، آ، ب: بدبخت او شد نگون؛ ل: چو برگشته بخت او شد نگون؛ (ل، آ): چو برگشته شد بخت و او (آ: بخت او) شد نگون؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیزلن، و) ۱۹- ل (نیزل، آ): بریدش سر از تن بسان هیون؛ س (نیزپ، لن، آ، ب): بریده سرش زار و غلتان بخون؛ ل، ل، س (نیزق، آ، و): بریده سر و تنش غلتان بخون؛ (لن): بریده سرانشان و غلتان بخون؛ ل: بریده سر از تنش غلتان بخون؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ق: بترسید؛ (ل): شکوهی ۲۱- ل: زیشان؛ ف این بیت را ندارد ۲۲- ل، ق، ل (نیزق): نخواهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ب): بخواید؛ پ: نجوید؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ل، آ، و، لن، آ) ۲۳- ل، س، ق (نیزلن - ب): بانبوه؛ س: برانبوه؛ متن = ف، ل ۲۴- ل، س، ق (نیزلن - ب): بانبوه؛ س: برانبوه؛ متن = ف، ل ۲۵- ل: ما همچو کوه؛ ق: ما همگروه ۲۶- ق: سوی او همچو کوه ۲۷- س: که بودند از ایشان؛ (لن): پسندد که گردان؛ ق: که هست این دلیران؛ پ، لن: که هستند ایشان؛ ب: که هستند گردان؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزل، ل، و، آ) ۲۸- ل (نیزق): ز (ق): به تیمار و اندوه؛ س: شا بر نشسته به؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزلن، ل، پ، و، لن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۹- ل (نیزق): ازیشان؛ س، ق (نیزپ، لن): و زایشان؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزلن، ل، ل، و، آ، ب) ۳۰- س: جوان

چو سالارشان مهربانی نمود
 برو سربسر خواندند آفرین
 از آنکه که یزدان جهان آفرید
 پرستنده چون تو فریدون نداشت
 ۱۷۰۰
 ستون سپاهی و سالار شاه
 فدای کرده‌یی جان و فرزند و چیز
 همه هرچه^۸ شاه از فربرز جست
 همه سربسر مر ترا^{۱۰} بنده‌ییم
 ۱۷۰۵
 گر ایدونک^{۱۲} پیران ز توران سپاه
 ز ما ده مبارز، و زیشان هزار
 و ایدونک لشکر همه همگروه
 ز کینه همه پاک دل خسته‌ییم
 فدای^{۱۶} تو بادا همه جان ما
 ۱۷۱۰
 چو گودرز پاسخ بدینسان^{۱۸} شنود^{۱۹}
 بر آن^{۲۱} نامداران گرفت آفرین
 سپه را بفرمود تا برنشست^{۲۳}
 همه پاک بر پای جستند زود
 که ای پاک و نیک اختر و پاک‌دین^۱،
 چو تو پهلوان بر زمین^۳ کس ندید
 که گیتی سراسر به شاهی گذاشت
 برآورده‌ی^۴ تاج و گاه^۵ و کلاه
 ز سالار شاهان چه جویند^۷ نیز؟
 ز طوس، آن کنون از تو آید نخست^۹
 همه دل به مهر تو آگنده‌ییم^{۱۱}
 سران آورد پیش ما کینه‌خواه،
 نگر تا که^{۱۳} پیچد سر از کارزار!
 به جنگ اندرآرد بکردار^{۱۴} کوه،
 کمر بر میان جنگ را بسته‌ییم^{۱۵}
 سراسر بر اینست^{۱۷} پیمان ما
 به دلش اندرون شادمانی فرود^{۲۰}
 که ای گرزداران شاه زمین^{۲۲}!
 به کینه کمر بر میان بر^{۲۴} بست

۱- ل: که چون تو کسی نیست بر داد و دین؛ س (نیز لن، پ، ل، ن، ب): که ای نیک دل (لن: پی) مهتر بافرین (لن: نیک دین؛ ب: پاک‌دین)؛ ق (نیز ل، آ): که ای مرد نیک اختر پاک‌دین؛ (ق: که ای نامور پهلوان زمین؛ ل: که ای نامور مهتر پاک‌دین؛ و: که ای پاک‌دل پهلوی پاک‌دین)؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۲- س (نیز لن، پ، ل، ن، ب): کز ۳- س، ق (نیز لن): جهان؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، پ - ب)؛ ل این بیت را ندارد ۴- ل (نیز ق، آ، پ، ل، آ): فرازنده؛ (لن، و: برآورنده)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز پ، ل، ن، ب) ۵- س، ل: گاه و تاج ۶- س، ق، س: فدا ۷- س (نیز لن، پ، ل، ن، ب): خواهند ۸- ل: هرچ ۹- (و: درست)؛ ل (نیز آ، ب): بند درست؛ س: آمد درست؛ ق: از [تو] آمد درست؛ (پ، ل، ن): بند از تو درست؛ لن: کنون آن همه از تو بند درست؛ ل: هم از طوس آن از تو بند درست؛ ل: و از طوس از تو بیامد درست)؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (دستان میاوخش، بیت ۱۵۸۹)؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن ایرانیان گودرز کشواد را ۱۰- س (نیز ب): پیش تو ۱۱- ل: بفرمان و رایت سرافکنده‌ایم ۱۲- س: ایدونک ۱۳- س: چه؛ (ق: نه) ۱۴- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، و): اندرآید بکردار؛ س: اندرآیند یکسر چو؛ (پ، ل، ن): اندرآرد بدشت (و به)؛ متن = ف (نیز لن، آ، ب) ۱۵- ل، آ، س^۲ (نیز لن، و، ب): کمر جنگ را بر میان بسته‌ایم؛ س این بیت را ندارد ۱۶- ف: فدای ۱۷- ق: همینست؛ س: بدینست ۱۸- ل، س^۲ (نیز ق، آ): برینسان؛ س (نیز پ، ل، ن): برانسان؛ ل: ازیشان)؛ متن = ف، ل، آ (نیز ل، و، آ، ب) ۱۹- ل، آ، س^۲ (نیز ل، پ، ل، ن، آ): شنید؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، آ، و، ب) ۲۰- س (نیز لن، ق، ل، آ، و، ب): روشنایی فرود؛ (ل، آ: شادی آمد پدید)؛ ل، آ، س^۲ (نیز پ، ل، ن): شد اندر دلش روشنایی پدید؛ متن = ف، ل؛ ق بیتهای ۱۷۱۰ و ۱۷۱۱ را ندارد ۲۱- ل: بدان ۲۲- ل: نره شیران ایران زمین؛ س (نیز پ، ل، ن): پهلوانان شاه زمین؛ (ل، ن، ب): گرد شیران شاه زمین؛ ل، آ: گرزداران روی زمین؛ ل: نامداران شاه زمین؛ ق: که آباد بادا بگردان زمین)؛ متن = ف، ل، آ، س^۲ (نیز و)؛ ق، ل، آ، س از این بیت افزوده‌اند:

ق: همیشه تن و جانسان شاد باد
 ل: آ: بکوشید یکبار دیگر بکین
 ۲۳- (و: باید یکایک همه برنشست) ۲۴- س (نیز ب): میان‌ها؛ ل: همیدون میان را بکینه؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن - آ)
 دل شاه گیتی پراز داد بباد
 که تا پاک گردد ازیشان زمین

به فرهاد ^۳ خورشیدپیکر ^۴ سپرد	چپ لشکرش جای ^۱ رُهام ^۲ گرد	
به گتماره‌ی قارنان ^۶ داد زود ^۷	سوی راست جای فربرز بود ^۵	
به هر کار شایسته دستور من،	به شیدوش فرمود کای پور من	۱۷۱۵
برو پشت لشکر تو باش و پناه	تو با کاویانی درفش و ^۸ سپاه	
سپه را تو باش این زمان پیشرو	بفرمود پس گتتهم را که شو ^۹	
نگهبان و هشیار و پشت و پناه ^{۱۰}	ترا بود باید به سالارگاه	
نگر ناورید اندکی پای پیش	سپه را بفرمود کز جای خویش	
شب و روز باشید بر پشت زین	همه گتتهم را کنید آفرین	۱۷۲۰
گرفتند زاری برآن ^{۱۱} رزمگاه ^{۱۲}	برآمد خروش از میان سپاه	
همه خاک را بر سر انداختند ^{۱۳}	همه سربسر پیش او تاختند	
کمر بست و شد سوی آوردگاه ^{۱۴}	که با پیرسر پهلوان سپاه	
بسی پند و اندرز با او ^{۱۵} براند	سپهدار چون گتتهم را بخواند	
سپه را ز دشمن نگهدار باش!	بدو گفت: زنهار بیدار باش!	۱۷۲۵
نگر تا گشاده ندارید ^{۱۶} روی	شب و روز در جوشن کینه جوی	
بود خواب را بر تو بر تاختن ^{۲۰}	چُن آغازی ^{۱۸} از رنج ^{۱۹} پرداختن	
ز ناخفتگان بر تو آید نهیب	همان چون سر آری به سوی نشیب	
سپه را ز دشمن بی‌اندوه دار ^{۲۳}	یکی دیدبان ^{۲۱} بر سر کوه دار ^{۲۲}	
شی ناگهان تاختن گر ^{۲۶} کمین،	ار ^{۲۴} ایدونک آید ^{۲۵} ز توران زمین	۱۷۳۰

۱- ل، ل، س (نیزب، لن): بود؛ (ق، و: را به) ۲- س (نیزب): بهرام (!) ۳- (ل: خرداد) ۴- ق: خورشید لشکر ۵- ق: گرد ۶- ف، س (نیزو): بکشماره و بارمان؛ ل: بکشماره قارن آن؛ ل، س: بکشماره بارمان؛ (لی، آ، ب: بکشماره قارنان؛ ب: بکشماره طوریان؛ لن: بکشماره تازیان)؛ متن تصحیح قیاسی است (بیت ۳۲۴) ۷- ق: جناح سپه را بارمان سپرد؛ (لن: که با دانش و رای و با برز بود؛ ق: که با لشکر و پیل و بارز بود) ۸- ق: [و] ۹- س: رو؛ ف: بفرمود گتتهم را گفت شو؛ متن = ل، ق، س (نیزب) لن، ق، پ- ب؛ ل (نیزلی) بیهای ۱۷۱۷ و ۱۷۱۸ را ندارند ۱۰- س: پشت سپاه؛ ل، ق (نیزلن، ق، ل، ل- ب): نگهدار هشیار (ل: بیدار؛ آ، ب: نگهدار و هشیار) پشت سپاه؛ متن = ف، س ۱۱- (ق، ل، لی، ل، پ، لن: بدان؛ آ: در آن)؛ متن = ل، ل، ل، س (نیزلن، ب) ۱۲- ف (نیزو): کمر بسته (و: بست و) شد سوی آوردگاه (= ۱۷۲۳ ب)؛ س، ق: کمر بست و شد سوی آوردگاه (۱۷۲۱ ب- ۱۷۲۳ آ را انداخته و از ۱۷۲۱ آ و ۱۷۲۳ ب) یک بیت ساخته اند ۱۳- ل (نیزل، و): همه خاک بر سر بر انداختند؛ (لی، آ: همه خاک ره بر سر انداختند)؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، لن، ب)؛ س، ق این بیت را ندارند ۱۴- (لن: پیش آوردگاه)؛ ل، ل، س: کمر بست (س: کمر بسته) او شد سوی رزمگاه؛ (ق: چه بندی کمر را بدین رزمگاه؛ لی، آ: کمر بسته سوی آوردگاه؛ پ، لن: کمر بست باید سوی رزمگاه؛ و: شود در میان بلان کینه خواه)؛ متن = ف، ل (نیزب) ۱۵- ف، ل، ل، س: وی ۱۶- ق: نداری تو ۱۷- ل- ل، س (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۱۸- (لن، ب: برگردی) ۱۹- ل، س (نیزلی، پ، لن، آ، ب): جنگ؛ ق (نیزلن): جنگ و؛ (ل: رنج و)؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزق، و) ۲۰- ف، ل (نیزل): برداختن (!)؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن، ق، ل، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۱- ل، ق، ل: دیده بان ۲۲- س: که نشان ۲۳- س: که آید نشان؛ در ل؛ س: پس از این بیت، بیت ۱۷۳۲ آمده است ۲۴- ل، ق، س: و؛ متن = ف ۲۵- ل: که آید بر ما ۲۶- ل: تاختن ناگهان؛ س بیهای ۱۷۳۰ و ۱۷۳۱ را ندارد؛ در س ۱۷۳۰ آ و ۱۷۳۱ آ را در میان ستون‌ها آورده است

تو باید که پیگار مردان کنی
 و رایدونک از ما^۱ بدین رزمگاه^۲
 که ما را بدآوردگه^۳ بر گشند^۴
 سپه را نگر تا^۵ نیاری به جنگ
 چهارم خود^۶ آید به پشت سپاه
 ۱۷۳۵
 چو گفتار گودرز از آنسان^{۱۲} شنید
 پذیرفت سرتاسر آن^{۱۳} پند او^{۱۴}
 به سالار گفت: آنچه^{۱۵} فرمان دهی

پس از جنگ پیشین^{۱۶} که آمد شکست
 ۱۷۴۰
 خروشان پدر بر پسر روی زرد
 همه سربسر سوگوار و نژند
 چو پیران چنان دید و^{۱۹} لشکر همه
 سران را ز لشکر سراسر بخواند^{۲۲}
 چنین گفت کای کاردیده گوان^{۲۴}
 ۱۷۴۵
 شما را بنزدیک افراسیاب

۱- ف، ق، ل، س، ن (نیزلن - ب): یا؛ متن = ل؛ س: مانند ۲- ف: برین روزگار (پساوند ندارد)؛ متن = ل - س، ن (نیزلن - ب)؛ در ل، س (نیزو) این بیت پس از بیت ۱۷۲۹ آمده است و در اینجا بجای آن افزوده اند:

ورایدونک ما را (ل: از ما) بد (و: بدین) روزگار
 به پیش آید از دشمن و (و: دشمنان) کارزار
 ۳- ف، س، ن: برآوردگه؛ ل، س، ق (نیزلن - ب): باوردگه؛ متن = ل، س، ن (نیزلن - ب) ۴- ف: کشید؛ متن = ل - س، ن (نیزلن - ب) ۵- ل: تن بی سران را؛ س، ق (نیزلن، ق، ل، ب): سربسرها؛ (ل: سربسرها)؛ متن = ل، س، ن (نیزلن، ق، ل، ب) ۶- س: بابران؛ ل: بره بر ۷- ف: کشید؛ س، ق (نیزلن، آ): برند؛ متن = ل، س، ن (نیزلن، ق، ل، ب) ۸- ل: نگر تا سپه را ۹- ل (نیزلن، آ): کرد ۱۰- س: چو ۱۱- ل: با پیل و گاه؛ ل: باورد گاه؛ (ق: با تاج و گاه؛ ل: با فرو و جاه)؛ ق: شه شهریاران با فرو و جاه؛ متن = ف، س، ن (نیزلن، ل، ب) ۱۲- ل، ل: زانسان؛ س: ازینسان؛ متن = ف، س، ق ۱۳- ل، ل، س، ن (نیزلن، ق، ل، ب): سرتاسر؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، و، آ، ب) ۱۴- ل، ل، س: او ۱۵- ق، ل، س، ن: آنچه؛ س (نیزلن، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدین (برین) رزم هومان سخن ساختم (ساختیم)
 به پیران سالار پرداختم (ق: به پیران و گودرز پرداختیم)
 ۱۶- س: بیژن ۱۷- ف: به ترکان بر آن درد بر بود بست (؟)؛ ل، س، ل، س، ن (نیزلن - ب): به توران (ل، س، ن: که ترکان؛ س: به هومان؛ ق: ز توران؛ و: به ایران؛ آ: ز ترکان) بدان (ل، ن: بران؛ ل، س، ق، ل: پر از؛ و: از آن) درد بودند (و: بودم) بست (ل، ل، و، ب: بست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: دست؛ پ، ل: پست)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ق بیت های ۱۷۳۹-۱۷۴۱ را ندارد ۱۸- ل: از گشت چرخ؛ س (نیزلن، ل، ب): گردان سپهر؛ (ق: از کار چرخ؛ ل: از درد چرخ؛ آ: از دور چرخ)؛ متن = ف، ل، س، ن (نیزلن، ب، و)؛ س، س، ن در اینجا سرنویس دارند: رای زدن پیران با لشکر (س: با ترکان و رفتن بجنگ) ۱۹- ل - س، ن (نیزلن - ب): [و]؛ متن = ف ۲۰- ل - س، ن (نیزلن - ب): چو؛ متن = ف ۲۱- ل، ل، س، ق (نیزلن، ب): جسته؛ (ل، و: جسته)؛ متن = ف، ل، س، ن (نیزلن، ق، ل، ب، آ) ۲۲- ل: همه پیش خواند؛ س: سراسر سران را ز لشکر بخواند ۲۳- (ق، ل، آ: از آن رزم چندی سخنها براند) ۲۴- س: سران ۲۵- ف: سرده (سوده)؛ متن = ل - س، ن (نیزلن - ب)

به پیروزی و فزخی^۱ نامتان^۲ به گیتی پراگنده بُد^۳ کامتان^۴
 به یک ره که آمده شها^۵ را شکست کشیدی همه یکسر از جنگ دست^۷
 بدانید یکسر کزین رزمگاه اگر بازگردد به مُستی^۸ سپاه،
 پس اندر از^۹ ایران دلاورسران بیایند با گرزهای گران،
 یکی را ز ما زنده اندر جهان ۱۷۵۰ نیند کس از^{۱۰} آشکار و نهان^{۱۱}
 برون کرد باید ز دلها نهیب چنیدن مرین^{۱۲} غمگان را شکیب^{۱۳}
 چنیدن داستان زد شه^{۱۴} موبدان که پیروز یزدان بود جاودان
 جهان سربس با^{۱۵} فراز و نشیب چنیدن ستمان رفتن اندر وُریب^{۱۶}
 همان لشکرست این که از^{۱۷} جنگ ما^{۱۸} بیچید سر کرده^{۱۹} آهنگ ما^{۲۰}
 کنون از بروبوم و فرزند خویش ۱۷۵۵ که اندیشد و^{۲۱} جان^{۲۲} و پیوند خویش،
 برین^{۲۳} رزمگه بست باید میان به کینه شدن پیش^{۲۴} ایرانیان
 چنیدن کرد گودرز پیمان که من سران برگزینم ازین^{۲۵} انجمن
 یکایک به روی اندرآریم روی دو لشکر برآساید از گفت و گوی^{۲۶}
 گر ایدونک^{۲۷} پیمان به جای آورد^{۲۸} سران را ز لشکر به پای آورد^{۲۹}

۱- ل، س (نیزلن، پ، و، ل، ن، ب): فرهی؛ متن = ف، ق، ل، س، ا (نیزق، ل، ل، آ) ۲- ل، ق، ل، س (نیزب): کامتان؛ متن = ف، س، س (نیزلن - ب) ۳- ل، ل، ل (نیزو): شد؛ س: بر؛ متن = ف، س، ق (نیزلن - پ، ل، آ، ب) ۴- ل، ق، ل، س: نامتان؛ متن = ف، س، س، س (نیزلن - ب) ۵- ل (نیزق، ل، ل، پ - ب): بیک رزم کامد؛ س: یکی رزم آمد؛ ق (نیزل): بیک روز کامد؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزلن) ۶- س: سپه ۷- ل، ق (نیزب، و): کشیدید یکسر (و: ازینسان) زپیکار (ق: از این کار) دست؛ س، ل، س (نیزلن، ل، ن): کشیدید (لن: کشیدیت) یکسر هم (س: همه) از جنگ دست؛ ق: کشیدید جمله سر از جنگ دست؛ ل: بجمله کشیدند از جنگ دست؛ ب: کشیدن همه لشکر از جنگ دست؛ متن = ف (نیزل، آ) ۸- ل، ق (نیزلن، ل، آ، ب): به سستی؛ س (نیزو): به پستی؛ س (نیزب، ل، ن): به سستی (پ، ل، ن): سستی اگر باز گردد؛ متن = ف، ل، ل (نیزق) ۹- ل، س، ق، س: ز ۱۰- ق، س (نیزلن) ۱۱- ل (نیزلن): مهتران و کهان؛ س (نیزل، آ، پ، و): کهتران و مهان؛ (ب: کهان و مهان)؛ متن = ف، ق، ل، س، ل (نیزلن، ق، ل، آ) ۱۲- ق: کزیدر مرین؛ که زبید مران؛ پ، ل، ب: گرازیدن؛ متن ← ۱۳- س: گزیدن بدل همگنانرا نشیب؛ ل: وگرنه بیاید بدین غم شکیب؛ و: گزیده بر این غمگاران شکیب)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیزلن) ۱۴- س (نیزلن، آ، ب): آمد از ۱۵- س (نیزب، ل، ن، ب): در؛ (ل، آ: بر)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، آ) ۱۶- س (نیزلن): فریب؛ (ق، ل، پ، آ: نهیب)؛ ف، ل: رفتن از راه ریب؛ ل، ق (نیزل): چنیدن است با (ل: و ما) رفتن اندر (ل: ایدر) نهیب؛ س (نیزلن، آ، ب): چنیدن است رفتن همه در فریب؛ (لن: چنیدن است و ناگه دهلمان نهیب)؛ متن تصحیح قیاسی است (رفتن گیوه ترکستان، بیت ۶۹۶؛ نیزه - راوندی، ص ۱۴۹، س ۲) ۱۷- س: همین لشکرست آنک در ۱۸- س (نیزآ): که آمد (آ: از ما) بچنگ ۱۹- ل، ق (نیزق، ل، ل، پ، ل، ن، ب): بیچید و بس (ل، آ، ب: سر؛ پ: پس) کرد؛ س: بیچید سرها ز؛ متن = ف، ل (نیزلن، و) ۲۰- س (نیزآ): برفتند و رفته ز روی آب و رنگ؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ل، و، ل، آ، ب): از؛ (ل: همان از بی)؛ متن = ف (نیزب) ۲۲- ل: جاه؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- ل، ق، س: بدین؛ متن = ف، س، ل، ل ۲۴- س: نزد ۲۵- س: از آن؛ ق: گزینیم زین ۲۶- ل، ق: گفت گوی ۲۷- س: ایدونکه ۲۸- ف، ل، س (نیزل): پای آورد (؟)؛ ل: بجای آورید؛ ق: بجای آورد؛ متن ← ۲۹- ف، ل، س (نیزل): بجای آورد (؟)؛ ل: پای آورید؛ ق: پای آورند؛ متن = س (نیزهشت دستنویس دیگر)

- ۱۷۶۰ وُگر همگروه اندرآید به جنگ^۱
 اگر سر همه سوی خنجر بریم
 وُگر نه سرانشان برآرم^۵ به دار
 اگر^۶ دل^۸ بیچد کس^۹ از گفت من^{۱۰}
 گرفتند گردان به پاسخ شتاب
 تو از دیرگه باز با^{۱۳} گنج خوش
 ۱۷۶۵ میان بسته‌یی^{۱۴} پیش ما چون رهی
 چرا سر بیچیم^{۱۵}؟ ما خود که یم؟
 بگفتند و از^{۱۷} پیش برخاستند
 همه شب همی ساختند آن^{۱۸} سخن^{۱۹}
 به شبگیر آوای^{۲۱} شیپور و^{۲۲} نای
 ۱۷۷۰ نشستند بر زین سپیده‌دمان
 که از نعل اسپان تو گفتی^{۲۶} زمین
 سپهبد به آهاک و فرشیدورد
 شما را نگهبان توران سپاه
 یکی دیدبان^{۲۹} بر سر کوهسار
 ۱۷۷۵ ار^{۳۰} ایدونک^{۳۱} ما را ز گردان سپهر
 شما جنگ را کس^{۳۲} مپایید، زود^{۳۳}
- نباید کشیدن ز پیگار چنگ^۲
 — که^۳ روزی بزادیم^۴ و روزی یریم —
 دو^۶ رویه بود گردش روزگار
 بفرماییش سر بریدن ز تن^{۱۱}
 که ای پهلوانِ ردافراسیاب^{۱۲}
 گزیده‌ستی از بهر ما رنج خوش
 پسر با برادر به گشتن‌دهی
 چنین بنده‌ی تو^{۱۶} ز بهر چه یم؟
 به پیگار یکسر بیاراستند
 که افگند سالارِ بیدار بُن^{۲۰}
 ز پرده^{۲۳} برآمد ز هر دو سرای^{۲۴}
 همه نامداران به بازو^{۲۵} کمان
 بپوشده‌می^{۲۷} چادرِ آهنین
 چنین گفت کای نامدارانِ مرد،
 همی‌بود باید بدین^{۲۸} رزمگاه
 نگهبان روز و ستاره‌شمار
 بدآید، ببرد ز ما پاک مهر،
 به توران شتابید برسان دود^{۳۴}

۱- س: بجای؛ س: همگروها کشیدن درنگ (!) ۲- س: پای ۳- ل، س، ق (نیزلی، پ، لن، آ): به؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، ب) ۴- س (نیزل، و): بزایم؛ درس بیتهای ۱۷۶۱ و ۱۷۶۳ پس و پیش شده‌اند ۵- ل (نیزق، ب): برآرم سرشان ۶- ق: چه ۷- س: کرا ۸- ل، س (نیزلن، پ، لن): سر؛ متن = ف، س (نیزق، ل، و، آ، ب) ۹- ل: کرا کر به بیچد سر (!) ۱۰- ق: وگر خود بیچد سر از گفتگوی ۱۱- ق: بجوی؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن لهاک و فرشیدورد و ترکان پیران را ۱۲- ق: شه افراسیاب ۱۳- (پ، لن): دیرگاهست تا) ۱۴- ل: بسته بر ۱۵- س، س (نیز ب): بیچیم و ۱۶- ل، ق: شه؛ ل (نیزق، ب): بودن؛ (ل: پروریده)؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ل، لن، آ، ب) ۱۷- ف- ل: وز؛ متن = س ۱۸- ل، ق: این؛ ل: زان؛ متن = ف، س ۱۹- س: ساخت (حرف یکم نقطه ندارد) با انجمن ۲۰- ل (نیزلی، آ): که سالار بیدار افکنند بس ۲۱- س، ق، ل، س (نیزق، ب): آواز؛ متن = ف، ل (نیزلن) ۲۲- ل، س، ل: [و] ۲۳- (ق: دمام) ۲۴- س (نیزپ، لن، ب): برآمد ز دهل‌ز پرده‌سرای ۲۵- ل: بیازوی؛ س: بگرزو؛ (ب، لن): بتر (و): متن = ف، ق، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۶- (پ، لن): تو گفتی ز ستم ستوران) ۲۷- ق، ل: همه؛ ف این بیت را ندارد ۲۸- ل: برین ۲۹- ل، ق، ل، س: دیده‌بان؛ متن = ف، س ۳۰- ل، ق، ل (نیزق): گر؛ س (نیزلن، ل، ب): و؛ متن = ف، س ۳۱- س: ایدونکه ۳۲- س: را خود؛ ل: کس را؛ (لی، آ): کین را؛ لن: خود را؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ب، و، ب) ۳۳- ل: متازید زود؛ (ق: مسازید دست؛ ل: مسازید زود؛ پ: میازید دست)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ل، و، لن، آ، ب) ۳۴- (ق، ب: مست)؛ س (نیزلن، ب): شتابید از ایدر (س: ایران) بتوران چو دود؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیزلن، ل، و، آ)

کزین^۱ تخمهی ویسگان بس^۲ نماند
گرفتند مر یکدگر را کنار
بگفتند و پس^۵ روی برگاشتند
همه کشته شد جز شما کس^۳ نماند
به درد جگر برگرستند^۴ زار
غریبیدن و بانگ برداشتند

گفتار اندر رسیدن گودرز و پیران بهم^۶

پُر از^۷ کینه سالار توران سپاه
چو گودرز کشوادگان را بدید
بدو گفت کای پُر خرد پهلوان
روان سیاوخش^۸ را زآن چه سود
بدان گیتی^{۱۱} او جای نیکان گزید
دو لشکر برین خاک^{۱۲} بر^{۱۳} یکدگر
سپاه دو کشور چُنین^{۱۵} شد تباه
جهان سربسر پاک بی مرد گشت
چرا گشت باید همی بیگناه؟
ار^{۲۱} ایدونک هستی چُنین کینه دار
تو از لشکر خویش بیرون خرام

خروشان بیامد به آوردگاه
سَخُن گفت بسیار و پاسخ شنید
به رنج اندرون چند پیچی روان؟
که از شهر^{۱۰} توران^{۱۱} برآری تو دود؟
نگیری تو آرام کو آرمید
فگنده چو پیلان، ز تن دور سر^{۱۴}
گه آمد که برداری^{۱۶} این^{۱۷} کینه گاه
برین^{۱۸} کینه پیگار^{۱۹} ما سرد گشت
سَخُن بر نهادم کنون^{۲۰} بر دو راه:
از آن کوه باره^{۲۲} سپاه اندر آر
مگر خود برآیدت ازین کینه کام^{۲۳}

۱- ل: که از ۲- ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، پ، لن): کس؛ متن = ق، ل، س^۱ (نیز ل، و، آ، ب) ۳- ل، س (نیز لن، ی، پ، لن): پس؛ متن = ق، ل، س^۲ (نیز ق^۱ (پساوند ندارد)، ل، و، آ، ب)؛ در ف این بیت پس از بیت ۲۱۱۰ آمده است؛ ل، س^۲ (نیز لن، ق، ل، ی، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:

چه دانیم کردن ابا روزگار
کز اول همو (و: کز آغازش او) باشد آموزگار

۴- س: برکشیدند؛ ل: پس گرستند؛ س: برگزشتند؛ (لی: می گرستند)؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، ق، ل، ب) ۵- ل، ق: برفتند و پس؛ (لی: چو گفتند پس؛ پ، لن: وزان پس زهم)؛ متن = س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، و، آ، ب)؛ ف این بیت را ندارد ۶- ف: گفتار اندر جنگ سوم گودرز با پیران و وداع کردن پیران و پسه برادران را لهاک و فرشیدورد و آمدن بچنگ گاه؛ ل: ساز کردن رزم دوازده رخ؛ س: رسیدن گودرز و پیران بهم و مناظره ایشان؛ ق: لشکر کشیدن گودرز و پیران و محاوره ایشان با همدگر؛ س: سپردن پیران لشکر بلهاک و فرشیدورد؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = س ۷- ق: از آن ۸- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ل، ل، آ): سیاوش؛ (پ: سیاوش)؛ متن = س^۱ (نیز ق، ل، و، ب) ۹- (ل: بوم) ۱۰- ل (نیز ل^۲): ترکان؛ (و: ایران)؛ متن = س، ق، ل، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ف این بیت را ندارد ۱۱- (لن: ندانی که)؛ ف این بیت را ندارد ۱۲- ف: بدین حال؛ ل، س (نیز ق^۱ - ب): چنین پاک؛ ق: چنین تند؛ ل: بدان حال؛ متن = س^۱ (نیز لن) ۱۳- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، ی، و، آ، ب): با؛ (پ: از)؛ متن = ف، س^۱ (نیز لن) ۱۴- س: جدا کرده سر؛ ل: ز کینه چو پیلان جدا کرده سر؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز لن - ب) ۱۵- ل، س، ق (نیز لی، ل، پ، لن، آ، ب): همه؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز لن، ق، و) ۱۶- ق: برگیری ۱۷- ل: آن ۱۸- س، س: بدین ۱۹- ل: کینه بر کار؛ ق: بیتهای ۱۷۸۸-۱۷۹۱ را ندارد ۲۰- (لن: همی)؛ ل: کنون بر نهادم سخن؛ متن = ف، س^۱ (نیز ق، ل، ی، و، آ)؛ ل، س، ق (نیز ل، پ، لن) این بیت را ندارند ۲۱- ل، س^۱ (نیز ق، و): گر؛ س (نیز ل، پ، لن، آ، ب): ور؛ متن = ف، ل^۲ (نیز لن، ل، آ) ۲۲- ف، ل، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ی، و، آ، ب): کوه پایه؛ س (نیز پ، لن): پایه گه؛ متن تصحیح قیاسی است (بیت ۴۲۸، ۲۰۲۸؛ داستان کاموس کشانی، بیت ۳۱۲) ۲۳- س: مگر کشته براند ازین کار کام (!)

به تنها من و تو برین^۱ دشت کین
 ز ما هر که^۲ او هست پیروزبخت
 اگر من به دست تو گردم تباه
 به پیش تو آیند و فرمان کنند
 ۱۷۹۵ وگر تو شوی گشته بر دست من
 مرا با سپاه تو پیگار نیست
 چو گودرز گفتار پیران شنید
 نخست آفرین کرد بر کردگار
 به پیران چنین گفت کای نامور
 ۱۸۰۰ ز خون سیاوش بدافراسیاب^{۱۳}
 که چون گوسپندانش برید^{۱۵} سر
 و زان^{۱۶} پس برآورد از ایران خروش
 سیاوش به سوگند تو سر^{۱۹} بداد
 ۱۸۰۵ و زان^{۲۱} پس که نزد تو فرزند من
 شتابیدی^{۲۳} و جنگ را ساختی
 مرا حاجت^{۲۴} از کردگار جهان
 که روزی تو پیش من آیی به جنگ

بگردیم و کین آوران همچنین
 رسد خود به کام و^۲ نشیند به تخت
 نجویند^۴ کینه به توران سپاه^{۱۵}
 به پیمان سرانشان^۶ گروگان کنند
 ابا نامداران آن انجمن^۷،
 بریشان ز من نیز تیمار^۸ نیست
 از^۹ اختر همه بخت^{۱۰} او تیره دید^{۱۱}
 دگر یاد کرد از شه نامدار
 شنیدیم گفتار تو سربر^{۱۲}
 چه سودست؟ از داد^{۱۴} سر برمتاب
 پُر از خون دل از درد خسته جگر
 زبس کشتن و غارت^{۱۷} و جنگ و جوش^{۱۸}
 تو دادی مرو را به خیره^{۲۰} به باد
 بیامد، بگشتت^{۲۲} سر از پند من
 بکردار آتش همی تاختی
 برین^{۲۵} گونه بود آشکار و نهان،
 کنون کامدی^{۲۶}، نیست جای^{۲۷} درنگ!

۱- س، ل، آ: درین؛ ق: بدین؛ متن = ف، ل، س، ۱-۲: ل: هرک ۳- ل، آ: او ۴- ف: بجویند (!)؛ س: بجویند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: (نیز ل، و): بجویند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۵- س، ق: (نیز ق، ل، پ- ب): ز توران سپاه؛ س، ۱: از ایران سپاه؛ (لن: در آورد گاه)؛ متن = ف، ل، ل، آ (نیز ل، آ) ۶- ل: روان را؛ س: (نیز ل، آ): سران را؛ ق: سران سر؛ س، ۲: همان نیز ایشان (ج- پیمان سرانشان)؛ (لن، ق، آ: سرانشان به پیمان)؛ متن = ف، ل، آ (نیز ل، پ، و، لن، ب) ۷- ف، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ل، آ): من و (ق: من از؛ ل، آ: هم این) نامداران آن (ف، لن، آ: این) انجمن؛ ل: کسی را نیازم از انجمن؛ س: بزهار یزدان کزین انجمن؛ متن = (ق، ل، آ، پ، و، لن، ب) ۸- س: درد و تیمار؛ (ق، ل، پ- ب: ترس و تیمار؛ ل، آ: نیز آزار)؛ ق: بریشان مرا راه دیدار؛ ل، آ: بریشان مرز من تیمار (!)؛ متن = ف، ل، س، ۱ ۹- ف، ق، ل، آ: نزد متن = ل، س، س، ۱ ۱۰- ف: تخت (!)؛ س: (نیز پ، لن، آ، ب): کار؛ ل، آ (نیز و): سخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، س، ۱ (نیز لن، ل، آ) ۱۱- ل: (نیز ل، آ): همی (آ: ورا) بخت وارونه دید ۱۲- ق: (نیز ق، ل، آ): دریدر ۱۳- ل، س، س، ۱ (نیز لن، ق، ل، پ- ب): بافراسیاب؛ ق، ل، آ (نیز ل، آ): بافراسیاب؛ متن = ف ۱۴- س: (نیز پ، لن، آ، ب): برگوی و؛ ق: ازین داد؛ (ق: از راه؛ آ: از درد)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، ۱ (نیز لن، ل، آ، و) ۱۵- ل، س، ۱: گوسفندانش برید؛ س: (نیز ل، پ، لن، آ، ب): گوسفندش (س: گوسپندش) بریدند؛ ق: (نیز ل، آ): گوسفندان (آ: گوسپندان) بریدیش؛ ل، آ: گوسفندش برید؛ (لن: گوسپندش برید؛ ق: گوسفندان برید؛ و: گوسفندانش برید)؛ متن = ف ۱۶- ل: از آن ۱۷- س، ل، آ: غارت و کشتن ۱۸- ل: جنگجوش ۱۹- س، ۱: جان ۲۰- ل، ق، ل، آ (نیز ل، لن، آ، ب): بخیره مرو را؛ متن = ف، س، س، ۱ (نیز ق، آ) ۲۱- ل: از آن ۲۲- ل، س، ق، ل، آ (نیز ق، ل، آ، پ، لن، آ، ب): کشیدی؛ متن = ف، س، ۱ (نیز لن، ل، آ) ۲۳- س: (نیز پ، لن، آ، ب): بتابیدی؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س، ۱ (نیز لن، ق، ل، آ، و، آ) ۲۴- (ل، آ: خواهش؛ پ: خواست)؛ متن = ف- س، ۱ (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن، آ، ب) ۲۵- ق: بدین ۲۶- ف، ل، ق، ل، آ، س، ۱ (نیز لن، ق، ل، آ، و): آمدی؛ متن = س: (نیز ل، پ، لن، آ، آ، ب) ۲۷- س: روز

۱۸۱۰ به پیران سر اکنون بدآوردگاه^۱ بگردیم یک با دگر^۲ بی سپاه
 کنون نامزد کن ز توران^۳ سپاه که پیش دلیران من کینه خواه^۴،
 بیایند رزم آزموده سران به تیغ و سینان و به گرز گران^۵

گفتار اندر نامزد کردن گردان توران و ایران بهم^۶

سپهدار^۷ توران بیاراست^۸ کار ز لشکر گزید آن زمان ده سوار
 [همانگه از^۹ ایران سپه پهلوان بخواند آن زمان ده سوار جوان]
 برون تاختند از میان سپاه برفتند تا جای^{۱۰} آوردگاه
 ۱۸۱۵ که دیدار دیده بدیشان^{۱۱} نبود دو سالار ازین^{۱۲} گونه جنگ^{۱۳} آزمود:
 ابا هر سواری ز توران سپاه^{۱۴} از ایران یکی شد به آوردگاه^{۱۵}
 نهادند پس گیو را با گروی که هم زور بودند^{۱۶} و پرخاشجوی
 که بگرفت ریش سیاوش به دست سرش را برید از تن پاک^{۱۷} پست
 دگر با فربرزکاوس تفت چو گلبادویسه بدآورد^{۱۸} رفت

۱- ل، س، ق، س (نیز لن - ب): باوردگاه؛ متن = ف، ل^۱ ۲- (ق، ل، و، ل: با یکدگر) ۳- س (نیز پ، ل: سراسره؛ ب): سران) ۴- س (نیز پ، ل: رزخواه؛ ل بیتهای ۱۸۱۰ و ۱۸۱۱ را ندارد ۵- ف، ق، ل، س (نیز لن، ل، و، آ) پس از این بیت سه بیت و پ، ل: تنها بیت سوم را افزوده اند:

چنین (ق، ل، آ: بدو) گفت پیران که دارم سپاس

ببرون آم از لشکر هم (ل، آ: بی؛ ل: زمین) قیاس

لی، و: برون آورم (و: گزیم ازین) لشکر بقیاس

بیارم (ق: بیاور) باورد (ف، ل: بدآورد) ایرانیان

چنان چون نباید دلاور سران (ق: بشایند همان گوان)

توار (ق: که گرز، س، ل، پ، ل: نواز؛ ل، آ: تو هم؛ ل: مرا؛ و: تو گرز) هر چه گفتم بجای آوری

ازین عهد و پیمان ما (ق: خود؛ س، ل، و: من؛ ل: تو) نگذری

ل، س، ق، ل، ب این سه بیت را و پ، ل: دو بیت نخستین را ندارند ۶- ف: گفتار اندر نامزد کردن گردان توران و ایران بهم و نبرد کردن یک یک جداگانه بیرون از مصاف گاه؛ س: نامزد کردن پهلوانان ایران و توران با یکدیگر؛ ل: نامزد کردن پهلوانان با یکدیگر؛ ل، ق، س: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف ۷- ل: سپه راز (سپهدار) ۸- ل، ق (نیز لن - ب، ل: آ): برآراست: متن = ف، س، ل، س (نیز و، ب)؛ ف، ل، ق، ل، س (نیز لن، ل، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ابا اسب و ساز و سلیح (لن، و: سلاح) تمام همه شیر مرد و همه نیک نام

س (نیز ق، ل، پ، ل، ب) این بیت را ندارند ۹- ل، ق، س (نیز ل، آ): همانگه ز؛ ل (نیز لن): همانگه از؛ (ق، و: همان نیز از)؛ متن = ف؛ س (نیز پ، ل، ب) این بیت را ندارند ۱۰- ل: یکسره؛ (ق، ب: جایی به؛ آ: پویان به)؛ ق (نیز و): از ایران می (و: یکی) شد به؛ (ل: بچستند پس جای)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، پ، ل: آ) ۱۱- ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ل، پ، ل: آ): بریشان؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۱۲- ل: زمین ۱۳- ل، ق، س (نیز لن، ل، آ): رزم؛ متن = ف، س، ل (نیز ق، ل، پ، ل، آ، ب) ۱۴- ل: ایران سپاه ۱۵- ق: همی رزخواه؛ ل: ز توران یکی شد و راز رزخواه؛ (ل، آ: از ایران میدون همه رزخواه)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، ل، ب) ۱۶- ق: هم رزم او بود ۱۷- ل، ف، ل: تنش پاک؛ (پ: تن و کرد؛ ل: بخنجر بیزید)؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، ل، و، ل، آ، ب)؛ س این بیت را ندارد ۱۸- ل، س، ق، س (نیز ق - ب): باورد؛ ل: برآورد؛ متن = ف

<p>۱۸۲۰ چو زُهامِ گودرز با بارمان گرازه بشد با سیامک به جنگ چو گرگین کارآزموده دِلیر^۱ ابا بیژن گِوه رویِ گرد چُن^۷ اخواشت^۸ با زنگه‌ی شاوران ۱۸۲۵ و^{۱۲} دیگر فُروهل ابا^{۱۳} زنگه هُجیر و سِپهرِم بکردار دیو^{۱۴} چو گودرزکشواد و پیران بهم به خون تشنه^{۱۷} هر دو سپهد^{۱۸} به کین بخوردند سوگند یک با دگر^{۲۰} ۱۸۳۰ بدان تا که را گردد امروز کار^{۲۱} دو بالا بُد اندر دو روی^{۲۳} سپاه یکی سوی ایران، یکی^{۲۵} سوی تور به زیر اندرون^{۲۸} بود هامون و^{۲۹} دشت</p>	<p>برفتند یک بر دگر^۱ بدگمان چو شیر ژبان با دمنده‌ننگ ابا^۲ آندریمان برون شد چو شیر^۴ به جنگ از جهان روشنایی برده^۶ دگر برنه^۹ با کُهرَم^{۱۰} از یاوران^{۱۱} برون‌تاختند از میان گله از آن رزمگه برکشیده غریبو^{۱۵} همه ساخته دور کرده ستم^{۱۶} (!) چه از پادشاهی^{۱۹}، چه از بهر دین که کس برنگرداند از کینه سر که پیروز گردد ازین روزگار^{۲۲} که شایست کردن به^{۲۴} هر سونگاه که دیدار بودی به^{۲۶} لشکر ز دور^{۲۷} که بدبخت و بخت‌آور آنجا گذشت^{۳۰}</p>
---	---

۱- ل، ق، س^۱ (نیز لن، لی، آ): یک بادگر؛ س (نیز ل، پ، لن): با یکدگر؛ (و: بر یکدگر)؛ متن = ف، ل^۱ (نیز ق، ب) ۲- ل، ق (نیز ل^۲): سوار؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، لی، پ-ب) ۳- ل، س، ق (نیز ل، ب): که بسا؛ متن = ف، ل، ل^۱، س^۱ (نیز هفت دستویس دیگر) ۴- ل، ق (نیز ل^۲): کند کارزار؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، لی، پ-ب) ۵- ف: دگر بیژن گِوه؛ (پ، لن^۱: چو با بیژن گِوه)؛ متن = ل، س، ق، ل، س^۱ (نیز هفت دستویس دیگر) ۶- ف: نمودند با یکدگر دست برد؛ متن = ل-س^۱ (نیز لن-ب)؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۸۲۵ آمده است؛ پایایی بیتهای متن = ل-س^۱ (نیز لن-ب) ۷- ل-س^۱ (نیز لن-ب): چو؛ متن = ف ۸- ل، ق، ل^۲: اوخواست؛ س^۱ (نیز لن، ق، لی، پ، و، لن، آ، ب): اوخواست؛ (لی: اوخواست؛ ل^۲: اوخواست)؛ متن = ف، س (نیز آ؛ ← بیت ۳۳۸ و ۱۹۴۰) ۹- ل، ق، ل^۲ (نیز لن-ب): برته؛ س: برته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س^۱: بویه؛ متن = ف ۱۰- در ف به پیش سوم ۱۱- ل: ناوران؛ ق: مهتران؛ س^۱: باوران؛ (ق^۲: یک کران؛ ب: سروران)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، آ) ۱۲- ل، ق: چو ۱۳- ف، ل^۲: که با؛ ل (نیز پ، لن^۱) بُد؛ متن = س، ق، س^۱ (نیز هفت دستویس دیگر)؛ در ف پس از این بیت، بیت ۱۸۲۳ آمده است ۱۴- ل، ق: شیر؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن-ب) ۱۵- ل، ق: بدان رزمگاه اندر آمد دلیر؛ (لی، آ): کشیدند در (بر) رزمگه بر غریبو)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۶- ل، ق: دل بدرد و ستم؛ س: رزم و کین و ستم؛ ل^۲: زور و کین و ستم؛ (ل^۲: روی کرده دژم؛ پ: رزم و کرده ستم؛ و: دور و کرده ستم؛ لن^۱: دود و کرده ستم؛ لی، آ: دل هر دو از درد بر هم ستم)؛ متن = ف، س^۱ (نیز لن، ق، آ، ب) ۱۷- ل، ق (نیز لی، آ): میان بسته؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۸- س^۱: بودند هر دو ۱۹- س (نیز ب): پیرشاهی ۲۰- ف، س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، ب): با یکدگر؛ متن = ل، س^۱ (نیز ق^۱) ۲۱- س، ق (نیز لن، لی، ب): آموزگار؛ س^۱: آمرزگار؛ متن = ف، ل، ل^۱ (نیز ق^۱) ۲۲- ق: از آن کارزار؛ ل^۱: درین کارزار؛ (ق^۱: بدین کارزار؛ لی، لن، آ: ازین کارزار)؛ ل، س (نیز لن، و، ب): برگردد از کارزار؛ متن = ف، س^۱ (نیز ل، ب) ۲۳- ق (نیز لن، ق، و): دورویه؛ ل^۱ (نیز لی، پ، لن، آ): میان؛ س^۱: بیاید دورویه؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، ب) ۲۴- ق: ز ۲۵- ل، ق، س^۱ (نیز ق^۱، لی، ل، آ): دگر؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۶- س: و؛ ق (نیز لن، لی، آ، ب): ز؛ ل^۱ (نیز ل، پ، و، لن^۱): دو؛ متن = ف، ل (نیز ق^۱) ۲۷- س، ق (نیز آ، ب): بدور؛ س^۱: بودند هر دو ز دور ۲۸- ف (نیز لن): بسیر اندرون(؟)؛ ل، ق (نیز لی، آ): پیش اندرون؛ ل^۱: که زیر اندرون؛ س^۱: بسیر اندرون(؟)؛ (پ، لن^۱: پس پششان)؛ متن = (ق، آ، و) ۲۹- س^۱: بود و هامون ۳۰- ل، س^۱ (نیز ق^۱، پ، لن^۱): بگشت؛ ل، ق (نیز لی، آ): که تا زنده شایست (لی: بایست) بروی گذشت؛ (و: که بخت بد و نیک آنجا گذشت)؛ متن = ف؛ س (نیز ل، ب) این بیت را ندارند

<p>که هر کوز گردان مردم‌کشان^۱، درفشش به بالا برآرید زوده^۵ به بالای دیگر همین^۶ کرد یاد به خون‌ریختن سخت بسته^۸ کمر همی‌آزمودند هر گونه بند ابا^{۱۱} گرز و تیر و^{۱۲} پرنده‌آوران نبودی بدان^{۱۴} پست^{۱۵} کردن درنگ در روز یزدان بریشان بیست که بسیار بیداد خون ریختند تو گفتی که با دست بسته‌ست پای^{۱۹} که برگشت روز و نجوشید^{۲۰} خون که گفتی^{۲۲} گرفت آن گوان را زمین برآویختند از بی تخت^{۲۴} خویش بدادند پاک^{۲۵} از بی نام و ننگ ابر^{۲۹} یکدگر تاخته^{۳۰} کینه‌خواه</p>	<p>سپهدارگودرز کردش نشان^۱ به زیر آورد دشمنش^۲ را چو دود^۴ سپهدار پیران نشانی نهاد و زآن پس^۷ به هامون نهادند سر به تیغ و به تیر و به گرز^۹ و کمند دلیران توران^{۱۱} و گنده‌آوران اگر^{۱۳} کوه پیش آمدی روز جنگ همه دستاشان فروماند^{۱۶} پست^{۱۷} به دام بلا اندرآویختند فروماند^{۱۸} اسپان جنگی به جای بریشان همه راستی شد نگون چنان بود خواست جهان‌آفرین^{۲۱} ز مردان^{۲۳} که بودند با بخت خویش سران از بی پادشاهی به جنگ دمان^{۲۶} آمده تا^{۲۷} بدآوردگاه^{۲۸}</p>
--	---

۱- ل، س: کرد آن نشان؛ س، ق: و گردن‌کشان؛ ل: گردن‌کشان؛ ق، آ: با سرکشان؛ و: گردان‌کشان؛ ل، پ، ن: چنین گفت گودرز با سرکشان؛ متن = ف (نیز، ل، ب) ۲- ل: گردن‌کشان؛ س (نیز، ل، پ، و، ب): و مردم‌کشان؛ (ل، ن): و گردن‌کشان؛ ل، ز: مردان مردم‌کشان؛ ق: بگردند یک بادگر این نشان؛ ل، آ: بگردند با یکدگر پس نشان؛ ق: بگفتا که هر کوز مردان مردم‌کشان (وزن ندارد)؛ متن = ف، ل، س: (س، ل، پ، و، ب) ۳- ل، س، ق (نیز، ل، و، ب): دشمنی؛ ل، آ: مردمش؛ س: مردنش؛ متن = ف ۴- س (نیز، ل، ب): زتوره؛ متن = ف، ل، ق، ل، س: (نیز، ل، و، آ) ۵- ل: برآرید زوده؛ س: برآرند زوده؛ ل، ق (نیز، ل): درفش به (ل، ز) بالا برآرند زوده؛ س (نیز، ب): درفش برآرد بالا ز دوره؛ (ل، ن): درفشش بالا برآرد ز دوره؛ ل، آ: درفش برآرند بر کوه زوده؛ و: درفش بالا برآرید زوده؛ ل، ن: درفشش بالا برآرد ز دوره؛ متن = ف (نیز، ل) ۶- ق: بجای دگر همین ۷- ل: از آن پس؛ ق: وزانوس ۸- ل (نیز، ل، و): بسته گردان؛ ق: تنگ بسته؛ (ل، آ: بسته هر یک)؛ س: بخون بسته گردان کیانی؛ (ل، ن): از ایران و توران بسته؛ ب: بخون بسته بودند گردان؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ل) ۹- ل (نیز، ل، آ): بگرز و بتیر ۱۰- ل، ق: دلیران و گردان؛ (ل، آ: دلیران ترکان) ۱۱- ف (نیز، ل): که با؛ س، ل (نیز، ل، پ، ل، ن): چه با؛ (ب: چو با)؛ متن = ل، ق، س: (نیز، ل، و، آ) ۱۲- ل: تیغ ۱۳- ل، س، ق (نیز، ل، پ، و، ل، ن): که گره؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ل، و، آ) ۱۴- ل، س (نیز، ل، پ، ل، ن، ب): بران؛ (و: در آن)؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ل، و، آ) ۱۵- ف، ق (نیز، و): بست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: رزم؛ س: بسته (بسته؟)؛ ل، س: (نیز، ل، ن): پشت؛ (ل، ن، ل، آ، ب: بست؛ ل: دشت)؛ متن = (پ) ۱۶- ق: فروربرد؛ ل: فروسته ۱۷- ل: دست ۱۸- ف، ل (نیز، ل، آ): فرومانده؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز، ل، و، ب) ۱۹- س: که بستندشان دست و پای ۲۰- ف، ل، س: (نیز، ل، و، آ): نجوشید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ب: نجوشید)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ س، ق: بیتهای ۱۸۴۴-۱۸۴۶ و پ، ل، ن: بیتهای ۱۸۴۴ و ۱۸۴۵ را ندارند ۲۱- ل (نیز، و): بد مراد جهان‌آفرین؛ س: (نیز، ل، ب): بود رای (ب: حکم) جهان‌آفرین؛ ل (نیز، ل، آ): چنان خواست یزدان جان‌آفرین؛ متن = ف (نیز، ل، ق) ۲۲- ف: گفتم ۲۳- ل، ل، س: (نیز، ل، و، ب): مردی؛ متن = ف (نیز، ب) ۲۴- (ق: رخت) ۲۵- ل (نیز، ل، ق، ل، و): جان؛ س (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): و نیز؛ ق: سر؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ل، و، ل، ن، ب): دوان (؟)؛ (پ: روان)؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۷- ل: آمدند اندر؛ ق: اندرون در؛ (ل، آ: اندر آمد؛ و: آمدند تا)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز، ل، پ، ل، ن، آ)

گفتار اندر نبرد فریبرز کاوس با گلباد و یسه^۱

نخستین فریبرز نیو دلیر
 ۱۸۵۰ بنزدیک گلباد و یسه دمان
 همی گشت و تیرش نیامد^۲ چو خواست
 برآورد و زد تیغ بر گردنش
 فرود آمد از اسپ و بگشاد بند
 بیست از بر^۳ زینش^۴ گلباد را
 ۱۸۵۵ به بالا برآمد به پیروز^۵ نام
 که سالار ما باد^۶ پیروزگر
 ز لشکر برون تاخت برسان شیر^۷
 بیامد، به زه بر نهاده کمان
 کشید آن پرنده آور از دست راست
 به دو نیم^۸ شد تا^۹ کمرگه تنش
 ز فتراک خویش آن کیانی کمند
 گشاد از برش بند پولاد را
 خروشی برآورد و بگذارد^{۱۰} گام
 همه دشمن شاه خسته جگر

گفتار اندر نبرد گیو گودرز با گروی زره^{۱۱}

و دیگر گروی زره دیو^{۱۲} نیو
 به نیزه فراوان برآویختند
 برون رفت با پور^{۱۳} گودرز گیو
 همی زهر با خون برآمیختند

۱- ف: گفتار اندر نبرد فریبرز کاوس با کلباد و یسه و کشتن او را؛ س، ل، آ، س: نبرد فریبرز با کلباد و یسه (س: و کشته شدن کلباد)؛ ق: کشته شدن کلباد و یسه بر دست فریبرز؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۲- لن، لی، ل، آ، و این بیت را ندارند ۳- ق: تیغش برآمد ۴- س، ق، ل، آ، س: نیمه؛ متن = ف، ل ۵- ق: از ۶- س: سر ۷- ل: باره؛ س، ل، آ، س: (نیز ق، آ، و ب)؛ اسب؛ (ب: زین)؛ متن = ف، ق (نیز لن، لی، ل، آ، لن، آ) ۸- ق: فریبرز ۹- ف، ل، ق، س: (نیز لن - و، آ، ب)؛ بگزارد؛ س، ل: بگشاد؛ متن = (لن) ۱۰- ل: (نیز لی، و)؛ بود ۱۱- ف: گفتار اندر نبرد بیژن (!) گیو با گروی زره و گرفتن او را زنده؛ س: رزم گیو گودرز با گروی زره؛ ق: گرفتار شدن گروی زره بر دست گیو گودرز؛ ل: نبرد گیو با گروی زره و کیفیت آن؛ س: رزم گروی زره با گیو؛ ل سرنویس ندارد ۱۲- ل: زره دار ۱۳- ل: تور (پور)؛ درس (نیز ب) بیتهای ۱۸۵۷-۱۸۸۳ پس از بیت ۱۹۳۸ آمده اند

→

ب) ۲۸- ل- س: (نیز لن، لی- ب)؛ باورد گاه؛ متن = ف ۲۹- ف، ل، آ، س: (نیز لن، پ، لن)؛ بر (ق)؛ ل، ق (نیز لی، ل، آ)؛ ابا؛ متن = س (نیز و ب) ۳۰- ل، ق (نیز لی، ل، آ)؛ ساخته؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب)؛ س (نیز لن، پ، لن، آ، ب) پس از بیت ۱۸۴۸ افزوده اند:

سپهدار پیران بدانست راز
 چنین گفت کای داور کردگار
 مگر باز بیم بر رویوم را
 چنین است کار سپهر بلند (لن: کردار این چرخ پیر)

ازو شادمانی وزو مستمند (لن: گهی چون کمانست و گاهی چوتیر)
 5 همی دید پیران شمار سپهر
 بدانست کزوی بیزید مهر
 بجز جنگ درمان و چاره ندید
 ستم بر ستمکاره آمد پدید
 رسیدند گودرز و پیران بهم
 سخن رفت هرگونه از (لن: بسیار بر) بیش و کم
 فرار آمد آن روز گوار دژم
 از ایران به ترکان رسید آن ستم

ف، ل، آ، س: (نیز ق، لی، ل، آ، و) پس از بیت ۱۸۴۸ و پ، لن پس از بیت های بالا افزوده اند:

ازین (س: از آن؛ لی: ابی؛ ل، آ، و: نخست) نامداران ایران سپاه
 برون شد فریبرز کاوس شاه
 ل، س، ق (نیز لن، آ، ب) این بیت را ندارند

<p>۱۸۷۵ چو شیران جنگی برآشوفتند^۱ زبان‌شان شد از تشنگی لخت لخت پیاده شدند و برآویختند گرازه بزد دست برسان شیر چنان سخت زد بر زمین کاستخوانش^۵ گرازه^۸ همان‌گه بیستش^۱ بر^{۱۰} اسپ گرفت آن‌گه اسپ^{۱۲} سیامک به دست درفش خجسته به دست اندرون خروشان و جوشان و نعره‌زنان</p>	<p>همی بر سر یک‌دگر کوفتند^۲ به تنگی فراآمد آن^۳ کار سخت همی^۴ گرد کینه برانگیختند مرو را چو باد اندرآورد زیر بریزید^۶ و هم در زمان داد جانش^۷ نشست از بر زین چُن^{۱۱} آذرگشپ به بالا برآمد^{۱۳} بکردار^{۱۴} مست گرازان و شادان^{۱۵} و دشمن نگون دلیران بر آن خون شیران دنان^{۱۶}</p>
--	---

گفتار اندر نبرد فروهل با زنگله^{۱۷}

<p>۱۸۸۵ چهارم^{۱۸} فروهل بُد و زنگله بدایران^{۱۹} نبرده به تیر و کمان چُن آورد^{۲۱} تُرک دُرم‌روی دید بر آورد از آن^{۲۲} تیرهای خدنگ ابر زنگله تیرباران گرفت خدنگی به رانش برآمد چو^{۲۴} باد به روی اندرآمد تگاور ز درد</p>	<p>دو جنگی بکردار شیر یله نُبد چون فروهل دگر^{۲۰} بی‌گمان کمان را به زه کرد و اندرکشید گرفته کمان نبردی^{۲۳} به چنگ به هر سو کمین سواران گرفت که بگذشت بر مرد و بر اسپ^{۲۵} شاد^{۲۶} جدا گشت ازو زنگله روی زرد</p>
---	--

۱- ق: برآویختند ۲- ق: هم گرد کینه برانگیختند (۱۸۷۵ ب- ۱۸۷۷ آ را انداخته و از ۱۸۷۵ آ و ۱۸۷۷ ب یک بیت ساخته است) ۳- ل، ل، س: این؛ س (نیزب) این بیت را ندارند ۴- س: یکی ۵- س، ق، س: (نیزلن، ل، پ، ل، ن): کاستخوان؛ متن = ف، ل، ل، (نیزق، ل، و، آ، ب) ۶- ل، ق (نیزق، ل، آ): شکست؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزلن، ل، پ، و، ل، ن، ب) ۷- س، س: (نیزلن، ل، پ، ل، ن): جان؛ ل، ق (نیزل، آ): و برآمد زتن نیز جانش (ق: جان)؛ متن = ف (نیزق، و، ب) ۸- بنداری: برازه ۹- س: پیشتر هم آن‌گه ۱۰- ل، ل، ل (نیزل، ب): به؛ متن = ف، س، س: (نیزلن، ق، ل، آ) ۱۱- ل، س، ل، س: (نیزلن - ب): چو؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- س: گرفتار پس آن‌گه ۱۳- ل: درآمد ۱۴- س: خروشان بکردار پیلان؛ (ق: خروشان و جوشان بکردار) ۱۵- س (نیزب): نازان؛ (ل، آ: نازان) ۱۶- ل: ابر پهلوان آفرین برکنان؛ س (نیزلن، ل، پ - ب): دلیران ایران چو شیر زیان؛ س: دلیران برانسان چو شیر دمان؛ متن = ف، ل، ل؛ ق (نیزق، ل، ن) این بیت را ندارند ۱۷- ف: گفتار اندر جنگ فروهل با زنگله و کشته شدن زنگله؛ س، ل، س: نبرد (س: رزم) فروهل با زنگله (س: و کشته شدن زنگله)؛ ق: کشته شدن زنگله بر دست فروهل؛ ل سرنویس ندارد ۱۸- س (نیزب): و دیگر؛ بنداری: و المبارز الرابع ۱۹- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، آ - ل، ن، ب): بایران؛ س: (نیزل، آ): در ایران؛ متن = ف ۲۰- ق: یکی ۲۱- ل، س، ق، س: (نیزل، ب، آ): چو از دور؛ ل: چو او روی؛ (لن، ق، ل، و، ب: چو آورد؛ لن: فروهل چو)؛ متن = ف ۲۲- ل: زان ۲۳- ل، ق (نیزل، آ): گرفته (ل، آ: بتیر و) کمان رفت پیش؛ ل: کمان نبردی گرفته؛ متن = ف، س: (نیزلن، و)؛ س (نیزق، ل، پ، ل، ن، ب) این بیت را ندارند ۲۴- ق (نیزل، آ): بر (ل: به) اسپش بزد همچو ۲۵- س، ل: براسب و بر مرد ۲۶- ق: همانرا (!) که جز روز بد را نژاد (۱۸۸۹ ب- ۱۸۹۱ آ را انداخته و از ۱۸۸۹ آ و ۱۸۹۱ ب یک بیت ساخته است)

فرود آمد از اسپ ^۱ و کرد آفرین	
به کین ^۳ سیاوش کشیدش نگون	۱۹۰۵
به زین اندر آهخت ^۴ و بستش چو ^۵ سنگ	
نشست ^۶ از بر زین و اسپش ^۷ کشان	
به بالا برآمد شده شاددل	
به پیروزی شاه و بخت ^۸ بلند	
بکرد آفرین بر جهاندارشاه ^{۱۲}	۱۹۱۰
ز دادار بر بخت شاه ^۲ زمین	
ز کینه بمالید بر روی خون	
سر آویخته، پای‌ها زیر تنگ	
بیامد دمان ^۸ تا به جای نشان	
ز درد و غمان گشته آزاد دل	
به کام آمده زیر تخت ^{۱۱} بلند	
بر آن تخمهی ^{۱۳} خسرو نیک‌خواه ^{۱۴}	

گفتار اندر نبرد بیژن گیو با روین پیران^{۱۵}

ششم ^{۱۶} بیژن گیو و روین دمان	
چپ و راست گشتند یک با دگر ^{۱۷}	
به رومی ^{۱۹} عمود آنکهی پور گیو	
بر ^{۲۰} آورد گه بر برو دست یافت	
زد از باد بر سرش رومی ستون ^{۲۲}	۱۹۱۵
به زه بر نهادند هر دو کمان	
نبد تیرشان از کمان کارگر ^{۱۸}	
همی گشت با گردروین نیو	
زمی ^{۲۱} را بدزید و اندر شافت	
فروریخت از ترگ با مغز خون ^{۲۳}	

۱- ل: باره ۲- ل، س، س: (نیزو): بخت شاه (حرف یکم نقطه ندارد): ق (نیز، ل، آ، آ): شهریار: ل (نیزب): تخت شاه؛ متن = ف (نیز، ل، ق) ۳- ق: بخون ۴- س (نیز، ل، ل، ب): اندر آورد؛ (ل، آ: اندر افکند): متن = ف، ل، ق، س: (نیز، ل، و) ۵- ل: اندر آمد بستش چو: (ق: اندر انداختش همچو) ۶- س، ق: بست ۷- س (نیز، ل، ب): و اورا ۸- ل: دوان ۹- ل، س (نیزو): بخت (حرف یکم نقطه ندارد): ل، آ، س: (نیز، ل، آ): تخت؛ متن = ف، ق (نیز، ق، پ، ل، آ، ب) ۱۰- ل، س: بخت (حرف یکم نقطه ندارد): ل، آ، س: (نیز، ل): بخت؛ متن = ف، ق (نیز، ل، آ، ب) ۱۱- (ق: تن دشمن آورده در زیر بند؛ ل: بیامد بشادی بکوه بلند؛ و: بکام دل آمد چنان ارجند) ۱۲- ل، ق (نیز، ل، آ): همی آفرین خواند سالار شاه (ق: بر شهریار): متن = ف، ل، س: (نیز، ل، و) ۱۳- س: قرة ۱۴- ل، ق (نیز، ل، آ): ابر شاه کیخسرو و تخت (ل: تاج) و گاه؛ (ق: بدان دشت خرم بدان کارزار؛ ل: بران فرو آن خسروانی کلاه): متن = ف، ل، آ (نیز، ل، و): س (نیز، ل، ب) این بیت را ندارند؛ در ق: این بیت یکبار هم برابر ضبط متن پس از بیت ۱۹۱۱ آمده است؛ ل، ق، پ، ل، پس از این بیت افزوده اند:

ل: که پیروز گرشاه پیروز باد
ق: شده شادمان زان دلاور سران
پ، ل: فرود آمد از اسپ و کرد آفرین
۱۵- ف: گفتار اندر نبرد بیژن گیو با روین و کشته شدن روین؛ س، ق، ل: رزم (ل: نبرد) بیژن گیو با روین پیران (ق: و بستگ آمدن روین)؛ س: رزم بیژن با روین و یسه؛ ل: سرنویس ندارد ۱۶- س (نیز، ل): دگر؛ بنداری: السادس ۱۷- س، ق (نیز، ل، ل، آ، پ، ل، آ، ب): با یکدگر؛ ل: هر دو بهم؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ل، و) ۱۸- ل: چو شیر زیان یا چوپیل دژ ۱۹- س، ل: (نیز، ق، ل، پ، ل، آ): بروین؛ متن = ف، ل، س: (نیز، و، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:
بگشتند بیبار و آمد دمان

ببندیدیک روین پیران دمان

۲۰- س: در؛ ق، ل: (نیز، ل، آ، پ، و، ل، ب): به؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز، ل، آ) ۲۱- ل، س: (نیز، ل، ب): زمین؛ متن = ف ۲۲- س: بزد بر سر و ترگ روین ستون؛ ق: بزد مرد را یک عمودی بسر: (ب: بزد بر سر از باد رومی ستون): متن = ف، ل، آ، س: (نیز، ل، آ) ۲۳- ل: از ترگ او مغز و خون؛ س (نیز، ل، آ): از تارکش (س: بارکش) مغز و خون؛ (ل: از سرش با مغز خون؛ ل: از مغزش جوی خون)؛ ق: بدیده در آمدش خون جگر؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز، ل، و، آ، ب)

به زین پلنگ^۱ اندرون جان بداد
 پس آنکه ز اسپ اندرآمد^۴ نگون
 برقت از بی سود، مایه بداد^۷
 چُنین ست گِهانِ آسیب سبب^۹
 ۱۹۲۰ از^{۱۱} اسپ اندرآمد سبک^{۱۱} بیژنا
 کمند اندرافگند و بر زین کشید
 بر اسپش بکردار پیلان بیست^{۱۲}
 عِنانِ هیونِ تگاور بتافت
 به چنگ اندرون^{۱۵} شیر پیکر^{۱۶} درفش
 ۱۹۲۵ همی گفت پیروزگر باد شاه
 ز پیرانِ ویسه همی کرد^۲ یاد^۳
 همه بره بره آهن، دهان پُر ز خون
 هنوز از جوانیش نابوده شاد^۸
 پس هر فرازی نهاده نشیب
 مرو را بکردار آهَرَمنا،
 بُد کس که تیمار رویین کشید
 گرفت آن زمان^{۱۳} پالهنکش به دست
 وُز آنجایگه^{۱۴} سوی بالا شتافت
 بر از غَیبه^{۱۷} زنگ خورده^{۱۸} بنفش
 همیشه سر پهلوان با کلاه^{۱۹}

گفتار اندر نبرد هجیر گودرز با سپهرم^{۲۰}

برون تاخت هفتم^{۲۱} ز گردان هجیر یلی نامدار و سواری^{۲۲} هژیر^{۲۳}

۱- س: خدنگ ۲- ل: بسی ۳- ل: (نیز، ل: آ): هنوز از جوانیش نابوده شاد (۱۹۱۶ ب- ۱۹۱۸ آ را انداخته و از ۱۹۱۶ آ و ۱۹۱۸ ب یک بیت ساخته اند)؛ س (نیز ب) بیتهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ را ندارند ۴- ل: پس از پشت باره درآمد ۵- ل، ق، س: (نیز ق، ل: و)؛ تن: متن = ف (نیز پ، ل: ن) ۶- (پ، ل: ن: پر) ۷- ق: مایه چوباد؛ س: دریغ آنچنان گرد فترخ نژاد ۸- س (نیز ب): بُد از جوانیش یک روز شاد؛ در ل، س، پ، و، ل: ن: ب بیت ۱۹۱۸ پس از بیت ۱۹۲۱، در ق بیتهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ پس از بیت ۱۹۲۴، در س بیتهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ پس از بیت ۱۹۲۱ و در ق بیتهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ پس از بیت ۱۹۲۲ آمده اند؛ پیایی بیت های متن = ف، ل: ل، ل: آ ۹- ل: بر آسیب و سبب؛ ل: آ: آسیب شیب؛ (راوندی، ص ۱۴۲، س ۱۸: آسیب و سبب)؛ ل: ق: چنین است کار جهان فریب؛ متن = ف، س: (نیز ل، ق: لغت شهنشاه، شماره ۱۳۵۱؛ بیت ۷۴۳)؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۹۲۴ آمده است؛ س (نیز پ، و، ل: ب) این بیت را ندارند ۱۰- ف، ل، ق، ل: س: ز: متن = س ۱۱- ق: گزین؛ ل: (نیز پ، ل: ن) پس از این بیت افزوده اند:

بشمیر کسردش جدا سرزتن نیابد همی کشنه گورو کفن

۱۲- ل، ق (نیز ل، ل: آ): پیل بیست؛ (پ، ل: ن: شیران بیست)؛ متن = ف، ل: س: (نیز ل، ق: و) ۱۳- ل (نیز ل، آ): آنگهی؛ متن = ف، ق، ل: س: (نیز ل، ق: ل، آ، پ، و، ل: ن)؛ س (نیز ب) این بیت را ندارند ۱۴- ف: وز آنجا یکی؛ متن = ل- س: (نیز ل- ب) ۱۵- ق، س: بدست اندرون؛ ل: بدست اندرش ۱۶- ق (نیز ل، ل: ن): پیل پیکر ۱۷- ف: بر از عیبه؛ ل (نیز ل: ن): میان دیبه و؛ س (نیز ب): بر آن عسه (واژه پسین نقطه ندارد)؛ ق: میان دیبه؛ ل: بر آن عینه؛ س: بر آن کینه؛ (ل، پ، ل: ن: بر آن عیبه؛ ق: سراز کینه؛ ل: بدان دیبه ار؛ و: بر آن غیبه؛ آ: بر از دیه آن)؛ متن = ف ۱۸- ل، س: رنگ خورده (دو حرف نخستین نقطه ندارند)؛ س، ق، ل: (نیز ل، ل، آ): رنگ خورده؛ متن = ف (نیز ل، پ، و، ل: ن: ب)؛ در ل پس از این بیت، بیت های ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ دوباره آمده اند؛ ل، ق (نیز ل، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند: وز آنجایگه شد بجای نشان بنزدیک آن نامور سرکشان
 ۱۹- (ل: ن: با سپاه؛ ق: بماناد با تاج در پیش گاه)؛ متن = ف، ل، ق، ل: س: (نیز ل، ل، پ- ب)؛ س این بیت را ندارد؛ ل (نیز ل، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

جهان پیش شاه جهان بنده باد همیشه دل پهلوان باد شاد

۲۰- ف: گفتار اندر نبرد هجیر با سپهرم و کشته شدن سپهرم؛ س: رزم هجیر گودرز با سپهرم؛ ق: کشته شدن سپهرم بر دست هجیر گودرز؛ ل: س: نبرد (س: رزم) هجیر با سپهرم (س: سپهرم)؛ ل: سرنویس ندارد ۲۱- س (نیز ب): پنجم؛ بنداری: السابع ۲۲- ف: سوار؛ ل، س، ق: یکی (ق: ابا) نامداری سواری (س: سوار)؛ ل: گونامدار و سوار؛ س: دگر نامدار آن سوار؛ متن = ف پس از تصحیح سواره سواری ۲۳- ف، ق، س: (نیز ل): هزیر؛ ل: هجیر؛ (ل، ل: دلیر؛ و: جوشیر)؛ متن = ل، س (نیز پ، ل، آ، ب)

یکی ^۱ نامور ^۲ بود با جاه و آب	سپهر ^۱ ز خویشان افراسیاب
که چون او ز ^۳ لشکر سواری نبود	ابا پور گودرز رزم آزمود
برآمد ^۴ از ^۵ آوردگه تیره‌گرد	برفتند هر دو به جای نبرد
همی ز آهن آتش فرور بختند ^۶	به شمشیر هر دو برآویختند
به روی سپهر ^۱ درآمد دلیر	هجر ^۱ دلاور بکردار شیر
به بخت جهانجوی نو شهریار ^۷	به نام جهان‌آفرین کردگار
که آمد هم اندر زمان مرگ اوی ^۸	یکی تیغ زد بر سر و ^۸ ترگ اوی ^۸
به خواری و زاری و غرقه به خون ^{۱۲}	از ^{۱۱} اسپ اندرافتاد آنگه ^{۱۱} نگون
مر او را بیست از بر زین ^{۱۵} هزیر ^{۱۶}	فرود آمد از اسپ ^{۱۳} فرخ ^{۱۴} هجر
گرفته عنان، اندر آورد ^{۱۸} روی	نشست از بر اسپ و زان ^{۱۷} اسپ اوی
بر آن اختر نیک و فرخ‌زمین	برآمد به بالا و کرد آفرین
و زو گردش ^{۲۰} بخت ^{۲۱} بیدار دید	همه ^{۱۹} زور و بخت از جهاندار دید

گفتار اندر نبرد زنگه‌ی شاوران با اخواشت^{۲۲}

بشد ساخته زنگه‌ی شاوران	به هشتم ز گردان و ^{۲۳} ناماوران
که از جنگ کس سر نه برگاشت ^{۲۶} بود	که هم رزمش از بخت ^{۲۴} اخواشت ^{۲۵} بود
چُن ^{۲۷} اخواشت ^{۲۸} با زنگه‌ی شاوران	گرفتند هر دو عمود گران

۱- ل: گوی ۲- س: پهلوان ۳- ل- س: (نیز لن- ب): به؛ متن = ف ۴- ق: برآورد ۵- ف، س: س: ز؛ متن = ل، ق، ل: ۶- س: یکی گرد تیره برانگیختند ۷- ل (نیز لن، ق، پ، و، لن): جهاندار ما شهریار؛ س: جهاندار نو شهریار؛ س: (نیز لن): جهانبان شه نامدار؛ (ب: جهانداور شهریار)؛ ق: بنام جهاندار پروردگار؛ متن = ف، ل: (نیز لن، آ) ۸- ل، ق: [و] ۹- ل، س: او ۱۰- ل: ز ۱۱- ل (نیز لن، آ): درافتاد (لی، آ: درافکنند) ز اسبش هم آنگه؛ متن = ف، ل: س: (نیز لن، ل، پ، لن) ۱۲- ل: بزاری و خواری دهن پرز خون؛ س: (نیز لن): بزاری و خواری و غرقه بخون؛ متن = ف، ل: (نیز لن، پ، لن، آ)؛ س: ق (نیز لن، ق، و، ب) این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۹۳۲-۱۹۳۴): ثم إن هجر ذکر الملك کیخسرو و سماه، و حمل بسعاده علیه فأصابه بضربة وقع منها الى الأرض صریحا للیدین و للقم ۱۳- ل: باره ۱۴- س: آنگه ۱۵- س: ق: اسب ۱۶- ل (نیز ق، ل، و، آ): چو شیر؛ ق: شیر؛ س: (نیز لن): هزیر؛ متن = ف، س، ل: (نیز پ، لن، ب) ۱۷- ل- س: (نیز لن، ق، ل، آ، ب): وان؛ متن = ف ۱۸- ل، ق: و درآورده؛ س، ل: س: (نیز لن، پ، لن، آ): انسدرآورده؛ متن = ف (نیز ل، و، ب) ۱۹- ل (نیز لن، پ، لن، آ، ب): همی ۲۰- ل (نیز لن، و، آ): وزان گردش؛ س (نیز پ، لن، ب): و (پ، لن، آ: چو) پیروزی از؛ ق: وزان گردش و؛ متن = ف، ل: س: (نیز لن، ق، ل، آ) ۲۱- س: چرخ؛ درس (نیز ب) پس از این بیت، بیت‌های ۱۸۵۷-۱۸۸۳ آمده‌اند ۲۲- ف: گفتار اندر جنگ زنگه شاوران و اخواشت و کشته شدن اخواشت؛ س، ق، ل: س: رزم (ل: نبرد) زنگه شاوران با اخواشت (س: اخواشت؛ ق: اوخاست و کشتن اوخاست)؛ ل سرنویس ندارد ۲۳- ل، ق: [و]؛ در ق از بیت ۱۹۳۹ تا ۲۰۰۵ افتاده است ۲۴- ل: تخم؛ متن = ف، س، ق، ل: س: (نیز لن، لی- ب) ۲۵- ل: اوخاست؛ ق (نیز لن): اوخاست؛ س: (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب، بنداری): اوخاست؛ متن = ف، س، ل: (نیز و؛ بیت ۳۳۸) ۲۶- ل: س: (نیز لن، پ، لن، آ، ب): برکاست (در ل: پساوند نادرست است)؛ ل، ق: هرگز نه برکاست؛ (لی: او شیر برکاست؛ ل: هرگز نپرداخت؛ و: او کس نبرگاشت؛ آ: او سر نه برکاست)؛ متن = ف، س (و) ۲۷- ل، س، ق، ل: (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): چو؛ متن = ف ۲۸- ل: اوخاست؛ س، ل: (نیز لن، پ، لن، آ، ب): اوخاست؛ ق (نیز لن): اوخاست؛ متن = ف (نیز و)؛ س: این بیت را ندارند

<p>ز بس کوفتن گشت پیگار تنگ^۲ که گفتی به نشان نجبید رگ بکردار آهن بتفسید^۴ دشت، تو^۷ گفتی که نهند یک^۸ پای پیش که اکنون ز گرمی و درد^۹ جگر، پس آنکه سوی جنگ باز آمدن^{۱۰} فراز آوریدند و شستند روی^{۱۱} به پیگار و^{۱۲} کینه بیاراستند همی گشت بر^{۱۳} مرکز^{۱۴} کارزار سنان سوی او تافت^{۱۵} و اندر شافت کراسپش نگون کرد و برزد به روی^{۱۶} که گفتی بدرید دشت نبرد^{۱۷} بر آن خاک تفته^{۱۸} کشیدش به روی^{۱۹} نگونش برافگند^{۲۰} بر پشت زین به ترکان چه آمد ز بخت ای شکفت! یکی گرگ پیکردرفشی به دست ابر شاه و بر پهلوان زمین</p>	<p>بگشتند از^۱ اندازه بیرون به جنگ فروماند اسپان جنگی ز^۲ نگ چو خورشید تابان ز گنبد بگشت چنان تشنه^۳ گشتند کز^۴ جای خویش زبان برگشادند یک با دگر بیاسود باید^۵، و دم برزدن^۶ برفتند و اسپان جنگی به جوی^۷ به آسودگی باز برخاستند بکردار آتش^۸ به^۹ نیزه سوار بدانگه^{۱۰} که زنگه برو^{۱۱} دست یافت یکی نیزه زد بر کمرگاه اوی چو رعید خروشان یکی ویله کرد فرود آمد از اسپ^{۱۲} و^{۱۳} شد نزد اوی^{۱۴} مرو را به چاره ز روی زمین نشست از بر اسپ و بالا گرفت بر آن کوه فرخ برآمد ز پست بزد^{۱۵} پیش^{۱۶} یاران و کرد آفرین</p>	<p>۱۹۴۵ ۱۹۵۰ ۱۹۵۵</p>
---	---	---

گفتار اندر نبرد گرگین میلاد با اندریمان^{۳۲}

۱- ل، ق: ز ۲- س (نیزو): بیگار جنگ ۳- ل: تازی به؛ س (نیزب، لن، ب) این بیت را ندارند ۴- ق، س: (نیزل): بتوفید ۵- ل (نیزل): بسته؛ (پ، لن: خسته)؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیزل، ل، و آ) ۶- ق: بر ۷- ق: که ۸- ق: کس؛ س: (نیزو، آ): نهد یکی؛ ل (نیزب): نجبید و نهاد کس؛ متن = ف، ل، (نیزل، ل، و آ)؛ س (نیزب) بیتهای ۱۹۴۵-۱۹۴۹ را ندارند ۹- ل، ق (نیزل): بسوزد؛ ل، س: بدرزد؛ (ل، آ: بگرمی ز درد)؛ متن = ف (نیزل، پ، لن) ۱۰- ل، س: (نیزل، و آ): بیاید برآسود؛ ق، ل (نیزل): بیاید بیاسود؛ (لن: بیاسود لختی)؛ متن = ف ۱۱- ل: برزدند ۱۲- ل: باز آمدند ۱۳- ل، ق، ل، س: (نیزل، پ، لن): بجای؛ متن ← ۱۴- ل، ق، ل، س: (نیزل، پ، لن): و بستند پای؛ متن = ف (نیزل، ل، و آ)؛ بنداری (۱۹۴۲-۱۹۴۸): فتضاربا زمانا طویلا حتی وقتت بها دوا بهها من کثرة القراع و شدة المصاع، و غلبها العطش حتی استکف کل واحد منها صاحبه ریثا بنقع غلته بشره ماء ۱۵- ل: [و] ۱۶- س: آهن ۱۷- ل: ز ۱۸- ق (نیزل): فرود آمد از ۱۹- س: گرد آن ۲۰- ل: پس آنکه ۲۱- س، ق، ل: بدو ۲۲- ل، ق، س: (نیزل، ل، و آ): کرد؛ س (نیزب، لن، ب): زمین را بدرید؛ ل: سنان را پیچید؛ متن = ف ۲۳- ف (نیزآ): بر آن خاک تفته (آ: تیره) کشیدش بروی ۱۹۵۲-ب ۱۹۵۴-آ را انداخته و از ۱۹۵۲-آ و ۱۹۵۴-ب یک بیت ساخته اند؛ (ل، ل): که (ل: ز) اسپش نگون اندرآمد بروی؛ متن = ل- س: (نیزل، پ، و لن، ب) ۲۴- ف، س: (نیزآ) این بیت را ندارند ۲۵- ل: باره ۲۶- ق: او ۲۷- ق (نیزل-آ): تیره؛ متن = ف، ل، ل (نیزل) ۲۸- ق: رو؛ س، س: (نیزب) این بیت را و ف (نیزآ) لت یکم آنرا ندارند (پ ۲۳) ۲۹- ل (نیزو): نگون اندر افکند؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزل، ل-ب)؛ ق این بیت را ندارد ۳۰- ل، ق (نیزل، ل، آ): بشد؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزل، پ، و لن، آ، ب) ۳۱- ق: نزد ۳۲- ف: گفتار اندر جنگ گرگین میلاد با اندریمان و کشته شدن اندریمان؛ س، ل، س: رزم (ل: نبرد) گرگین میلاد با اندریمان؛ ق: کشته شدن اندریمان در نبرد گرگین میلاد؛ ل سرنویس ندارد

ابا اندریمان ز توران سپاه برفتند و جُستند جای نبرد کمان‌ها گرفتند هر دو به دست به روی اندرآورده گرگ اسپران ^۶ ابر ^۷ اسپر گرگ و بر خود ^۸ و ترگ که با ترگ و با گرگ بردوخت سرش ^{۱۱} یکی تیر ^{۱۳} دیگر بزد نامدار، ز چشمش برون آمد از درد خون سر اندریمان ز تن دور کرد عنان ^{۱۷} سوار نبرده به دست ^{۱۸} همیدون به بازو ^{۲۰} به زه بر کمان به پیروزبخت جهاندارشاه درفش دل افروز بر پای کرد	برون ^۱ رفت گرگین نهم ^۲ کینه خواه جهان دیده و کارکرده ^۳ دو مرد به نیزه بگشتند و بشکست ^۴ پست ببارید تیر از کمان سران همی تیر بارید همچون تگرگ یکی تیر ^۹ گرگین بزد بر سپرش ^{۱۰} بلرزید بر زین ز سختی ^{۱۲} سوار به پهلوی و، ترک ^{۱۴} اندرآمد نگون فرود ^{۱۵} آمد از اسپ ^{۱۶} گرگین چو گرد به فتراک بر بست و خود برنشست بر آن تندبالا برآمد دمان ^{۱۹} به نیروی یزدان که او بُد پناه چو پیروز برگشت مرد از نبرد
--	---

گفتار اندر نبرد برنه با کهرم^{۲۱}

دو خونی و هر دو سر انجمن
گرفتند پس تیغ هندی به چنگ^{۲۵}

دهم^{۲۲} برنه^{۲۳} با کهرم^{۲۴} تیغ زن
همی آزمودند هر گونه جنگ

۱- س (نیزب): دگر؛ س^۲: نهم ۲- س^۲: که بد؛ بنداری: التاسع ۳- ل^۱: کار دیده ۴- ق: کردند ۵- ل: کمان
برگرفتند؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل-ب)؛ س بیتهای ۱۹۶۱-۱۹۶۳ را ندارد ۶- ق (نیزلی، ل، آ، ل^۱): گرز گران؛ (پ): گرز
اسپران؛ ب: هم اسپران؛ و: سپردار با گرزهای گران؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۱ (نیزلن) ۷- ل، ق، س^۱ (نیزلی، ل، آ): بران؛ متن = ف،
ل^۱ (نیزلن) ۸- ل: ترک؛ (لی): اسپر کوی و بر خود؛ ل^۲: اسب رخشان بران خود؛ متن = ف، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، آ): س (نیزب، و، ل^۱،
ب) این بیت را ندارند ۹- س: نیزه ۱۰- ل، س، ل^۱ (نیزلن، لی، ل، آ، پ، ل^۱، ب): سرش؛ ق، س^۱ (نیزو): برش؛ متن = ف (نیز
آ) ۱۱- ل، ق (نیزل^۲): که بردوخت با (ق: بر) ترگ رومی برش (ق: سرش)؛ س، ل^۱ (نیزو، ل^۱، ب): که با ترگ بردوخت ناگه
(ل، ل^۱: فرق؛ و: مغز؛ ب: پردخت شد آن) سرش؛ س^۱: که با کرگ و با ترگ بردوخت سرش؛ (ل^۱): که با ترگ بردوخت رومی برش؛ ل:
که با ترگ بردوختش آن سرش؛ پ: که با فرق بردوخت ترک از برش؛ متن = ف (نیزآ: س^۱) ۱۲- س (نیزب): بلرزید و برزین
نگون شد ۱۳- س: نیزه ۱۴- ف: بپهلوی و ترک؛ ل: هم آنگاه ترک؛ س (نیزب): بپهلوش بر؛ ق: بازوی ترک؛ س^۱: بپهلوش و
ترک؛ (ل^۱، ل^۲، پ، ل^۱، آ: بپهلوی ترک؛ و: بپهلوش تنگ)؛ متن = ل^۱ (نیزلی: ف، س، ل^۱) ۱۵- ف: فرو ۱۶- ل: باره؛ س
بیتهای ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ را ندارد ۱۷- ل، س^۱ (نیزل^۲، ب): نوند؛ متن = ف، ل^۱ (نیزلن، پ، و، ل^۱) ۱۸- ق: سوار فکنده مانده
پست ۱۹- ل: دوان ۲۰- ل: بازوی ۲۱- ف: گفتار اندر جنگ برنه با کهرم و کشته شدن کهرم؛ س، ق، ل، آ، س^۱: رزم
(ق، ل^۱: نبرد) برته با کهرم (س، ق: و کشته شدن کهرم)؛ ل سرنویس ندارد ۲۲- س (نیزب): دگر؛ بنداری: والعاشر ۲۳- ل،
س، ق، ل^۱ (نیزلن، ل^۲، ب): برته (درلن^۱ به زیر یکم و سوم)؛ س^۱: بوته؛ متن = ف (نیزلی، بنداری) ۲۴- درف به پیش سوم، در س به
زیر یکم و سوم و بنداری به پیش یکم ۲۵- ل، س^۱ (نیزو) پس از این بیت افزوده اند (بیت ۱۹۷۸):

درفش همایون بدست اندرون
تو گفتی بجنبید گه بیستون (س^۱): فکنده بر آن اسب
کهرم نگون؛ و: فکندن همی کرد هرکس بخون

- یکی تیغ زد بر سر^۲ ترگ اوی^۳
 ز دشمن دل^۴ برنه^۵ بی بیم^۶ گشت^۷
 برآن زین^۸ توری^۹ و خود برنشست
 خروشان یکی تیغ هندی به چنگ^{۱۰}
 فگنده برآن اسپ^{۱۱} کهرم^{۱۲} نگون
 همیشه کلاهش به خورشیدبر
- یکیک پیچید ازو برنه روی^۱
 که تا سینه کهرم^۲ به دو نیم گشت^۳
 فرود آمد از اسپ و او را بیست
 برآمد به بالا^۴ چو شرزه پلنگ^۵
 درفش همایون به دست اندرون
 همی گفت: شاهست پیروزگر
- ۱۹۷۵
- ز ترکان بُد کس برآن^{۱۷} پهن دشت
 جهان را تو گفتی^{۱۸} نیامد^{۱۹} دریغ
 برآید^{۲۰} برو روزگار^{۲۱} دراز،
 برآن سو^{۲۲} که خواهد بتابدش روی^{۲۳}
 همی داد خوانیم^{۲۴} و^{۲۵} پیدا ستم
 بدآورد کردند آهنگ^{۲۶} بوم^{۲۷}
 سُواری ندید اندر آوردگاه^{۲۸}
- چُن^{۱۴} از روز نه ساعت اندرگذشت
 روانها گسته ز نشان به تیغ^{۱۵}
 کسی را کجا پروراند^{۱۶} به ناز
 شیخون کند گاه شادی بر اوی^{۱۷}
 ز باد اندرآرد دهدمان^{۱۸} به دم
 به تورانیان بر بُد^{۱۹} آن جنگ شوم
 چنان شد^{۲۰} که پیران ز توران سپاه
- ۱۹۸۰
- ۱۹۸۵

۱- ف: ازوی نژند؛ ل- س^۲ (نیزلن، ل- ب): ازو برته (س: ازبویه) روی؛ متن = (ل) ۲- س، س: س^۳ سرو ۳- ف: ترک بند؛ متن = ل- س^۴ (نیزلن، ل- ب) ۴- درف به پیش سوم ۵- ق: شد ۶- س (نیزپ، و، ل: ل): دل دشمن از؛ (لن: ز کهرم دل؛ ل: ز خشمش دل؛ آ: ز چشمش دل)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۷ (نیزل، ب) ۷- ل، س، ق، ل^۸ (نیزلن، ل- ب): برته (درلن: به زبر یکم و سوم)؛ س: بویه؛ متن = ف (نیزلی، بنداری) ۸- س (نیزلن، ل، پ، و، ل: ب): پریم؛ (ل: بایم)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س^۹ (نیزآ) ۹- ل: اسپ ۱۰- (ل: و، توزی) ۱۱- ق: به بالا برآمد ۱۲- س (نیزب): چوسرو بلند ۱۳- س (نیزب): خروشان و دشمن بسته به بند ۱۴- ل: باره ۱۵- درف به پیش سوم ۱۶- ل- س^{۱۷} (نیزلن، ل- ب): چو؛ متن = ف ۱۷- ق، ل^{۱۸} (نیزپ، ل: ل): درآن؛ ف پس از این بیت افزوده است:
 سرآورده بود آسمان روزشان

تنبه کرده رای دل افروزشان

۱۸- ل: به نشان ز تیغ؛ س (نیزپ، ل: ب): روانهای ترکان گسته به تیغ؛ (ل): روانها گذشته ز تنها به تیغ؛ و: روانها ز نشان گسته به تیغ)؛ متن = ف، ل، ق، س^{۱۹} (نیزلن، آ) ۱۹- س: شگفتی ۲۰- ل: نیاید؛ درل، ق این بیت پس از بیت ۱۹۸۶ آمده است ۲۱- ف، ل^{۲۲} (نیزلن): کجا کش بدارد (ق)؛ س: چنان پروراند؛ ق (نیزلی، آ): کجا هر کسی پروراند؛ متن = ل، س^{۲۳} (نیزل، پ، و، ل: ب) ۲۲- س، س^{۲۴} (نیزلی، ل، پ، ل: ب): برآرد؛ (ل: براند)؛ متن = ف، ل، ق، ل^{۲۵} (نیزو) ۲۳- س: روزگاری ۲۴- س: بدوی؛ ل: شیخون گهی بازسازد بر اوی ۲۵- ل: برانسان؛ (ب: بدانسان)؛ متن = ۲۶- ل، ق (نیزل، ل: آ): همی (ق: همه) خواری و سختی آرد (ق: آید) بروی؛ س (نیزپ، ل: ل): بدانسان که خواهد گشایدش (پ، ل: آ): ازو گشت) روی؛ (و: بدانسان که باشد نتابد بروی)؛ متن = ف، س^{۲۷} (نیزلن؛ ل: ب) ۲۷- س (نیزب): دهدشان؛ س: بردمان ۲۸- ق: [و]؛ نیز = راوندی، ص ۱۱۲، س ۲۱ ۲۹- ل: تدبُد؛ س: بُد بر؛ متن = ف، ل، آ، س^{۳۰} (نیزلن، پ، و، ب) ۳۰- ف: بداوردگه کردن آهنگ بوم (واژه پسین نقطه ندارد)؛ ل (نیزپ، و، ب): به (پ: بر) آوردگه کردن (و: رفتن) آهنگ شوم؛ س: برآورد کین در بر آهنگ شوم (!)؛ ل، س^{۳۱} (نیزلن): برآورد کردند (س: کردن بد) آهنگ شوم (ل: بوم)؛ متن = ل پس از تصحیح برآورد به بدآورد؛ ق (نیزلی، ل، آ، ل: آ) این بیت را ندارند ۳۱- ق (نیزلی، ل، آ): بد ۳۲- ل^{۳۳} (نیزلی، پ): اندر آن رزمگاه؛ درل، ق پس از این بیت، بیت ۱۹۸۱ آمده است؛ ف پس از بیت ۱۹۸۶ افزوده است:

بناچار آهنگ آورد کرد همی تافت چون شید روز نبرد

بدانست کامد زمانه فراز
 ز گودرز بگریخت و شد سوی کوه
 همی شد بر آن^۳ کوه سربر دوان
 نگه کرد گودرز و^۵ بگریست زار
 ۲۰۰۵ بدانست کهش نیست با کس وفا
 فغان کرد کای نامور پهلوان
 بکردار نخچیر در^۱ پیش من؟
 نیاید^{۱۳} ز لشکر ترا یار کس
 کجاست آن همه زور و مردانگی
 ۲۰۱۰ ستون گوان، پشت^{۱۶} افراسیاب
 زمانه ز تو پاک برگاشت^{۱۸} روی
 چو کارت چنین گشت^{۲۱} زهارخواه
 و آن روز تیره نیابد جواز
 غمی شد ز درد اندر آمد^۲ ستوه
 کزو بازگردد مگر^۱ پهلوان
 بترسید از آن^۶ گردش روزگار
 میان بسته دارد ز بهر جفا
 چه بودت که ایدون^۷ پیاده^۸ دوان^۱،
 کجاست آن سپاه^{۱۱} ای^{۱۲} سرانجمن؟
 و زیشان نینمت فریادرس
 سیلج^{۱۴} و دل^{۱۵} و گنج و فرزاندگی؟
 کون شاه را تیره گشت آفتاب^{۱۷}
 نه^{۱۹} هنگام کین ست، چاره مجوی^{۲۰}!
 به جان^{۲۲}، تات زنده برم نزد شاه

۱- ف این بیت را ندارد ۲- ل، س، ا (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب): ز درد دویدن؛ س (نیز آ): ز درد و دویدن؛ ق: ز درد دونده؛ ل: دل و ز دو دیده؛ (ی: ز درد دو دیده غمین شد)؛ متن = ف ۳- ق: بدان ۴- ل: مگر بازگردد ازو؛ س این بیت را ندارد ۵- س، ق: [و] ۶- ل، ق (نیز لی، ل، آ): از [آن]؛ متن = ف، س، ل، ا، س (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۷- س: هستی؛ (آ: ای بدر)؛ متن ← ۸- س: ز پیش؛ متن ← ۹- ف: خردمند و بینا و روشن روان؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن - لن، ب؛ س، س، آ)؛ ف پس از بیت ۲۰۰۶ افزوده است:

سپهدار و سالار توران سپاه
 چه بودت که ایدون پیاده دوان (= ۲۰۰۶ ب)
 ۱۰- ق: از ۱۱- ف: روان گشته بی؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۱۲- س، ل، ا، و؛ ف پس از بیت ۲۰۰۷ افزوده است:
 کجاست آن بزرگی و اورنگ و جاه
 کجاست آن بی اندازه خیل و سپاه
 ۱۳- ل، ق، ل (نیز لن، لی، ل، آ، ب): نیامد؛ متن = ف، س، ا (نیز ق، و)؛ س (نیز پ، لن، ا) این بیت را ندارند؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن = ل، ق، ل، س، ا (نیز لن، ق، ا، لی، ل، و، آ، ب)؛ ف پس از بیت ۲۰۰۸ افزوده است:
 کجاست آن بزرگان خسرو برست
 که کردند گه را بکوبال پست

۱۴- س: سلاح ۱۵- ق: دز ۱۶- ف: توبودی توی پشت؛ س (نیز ل): توبودی سرافراز؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۷- ف: کون تیره شد شاه را جاه و آب؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۱۸- ف: پاک برداشت؛ ل (نیز ل): زود برگاشت؛ ل، س، ا (نیز لن، ق، ا، لی، و، لن، ا): پشت برگاشت و (آ، ب: پشت برگاشت)؛ متن = ف با تصحیح برداشت به برگاشت ۱۹- (ق: که)؛ متن ← ۲۰- ف: مجوی (؟)؛ ل (نیز لی، آ): هنگام کینه تو چاره مجوی؛ (ل، ا، ب: نه جای فریست چاره مجوی)؛ متن = ل، س، ا (نیز لن، ل، و)؛ س، ق (نیز پ) این بیت را ندارند ۲۱- ف، ل، ا، س: است؛ متن = ل، س، ق (نیز لن - ب) ۲۲- ل، س، ق، ل (نیز لن، لی، آ): بدان؛ (ل: بیا)؛ متن = ف، س، ا (نیز ق، پ، و، لن، ب)؛ ل، ق، ل (نیز ق، ا، لی، ل، آ، ب؛ لن، آ) پس از بیت ۲۰۱۲ افزوده اند:

بیخاید از (ل، پ، لن، ا: این؛ ق: بیخاید از؛ ق: بیخاید) دل همی بر تو بر

که هستی چو من (ل: جهان؛ ل: چو توبوده) پهلوان سر بر (آ: بر سر)

ل، پ، لن، ا: که پیری چنین پهلوان (ل: پهلوی) جنگ سر

ق: که چون برف بسیم تراریش و سر

ف، س، س، ا (نیز لن، و، ب) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست (۲۰۰۶-۲۰۱۲): فصاح به و قال: ایها الپهلوان المذکور! مالک نفر بین بدی راجلا؟ أما زعمت أنك لا تری لنفسک مساجلا؟ این ذلک الفیلق الجزائر؟ ما بالک لا یفشک منهم أحد؟ این عدتک و شوکتک و این

<p>بدو گفت پیران که این خود مباد! کزین پس مرا زندگانی بود چُن^۱ اندر جهان مرگ را زاده‌ام^۲ شنیده‌ستم این داستان از میهان سرانجام مرگست، ازو^۶ چاره نیست</p>	<p>۲۰۱۵</p>
<p>به فرجام بر من چُنین بد مباد! به زهاررفتن گمانی بود بدین کار گردن ترا داده‌ام^۳ که هر چند باشی^۴ به خرم^۵ جهان، به من بر بدین^۷ جای^۸ پیغاره نیست</p>	<p>۲۰۲۰</p>
<p>همی‌گشت گودرز بر گرد^۹ کوه پیاده بود و سپر برگرفت گرفته سپرپیش و ژوپین^{۱۵} به دست همی‌دید پیران مرو را ز دور بینداخت خنجر^{۱۷} بکردار تیر چو گودرز شد خسته بردست او^{۱۹} بینداخت ژوپین^{۲۱} به پیران رسید ز پشت اندرآمد به راه جگرش^{۲۵} برآمدش خون از جگر تا^{۲۹} دهان چو شیر ژیان اندرآمد به سر</p>	<p>۲۰۲۵</p>
<p>نبودش برو^{۱۰} راه^{۱۱}، آمد ستوه چو نخچیرگانان^{۱۲} ره^{۱۳} اندرگرفت^{۱۴} به بالا نهاده سر از جای پست بخت از بر^{۱۶} سنگ سالار تور برآمد^{۱۸} به بازوی سالار پیر ز کینه به خشم اندرآورد روی^{۲۰} زره بر^{۲۲} برش^{۲۳} سربر^{۲۴} بردرید بغزید^{۲۶} و آسیمه برگشت^{۲۷} سرش^{۲۸} روانش نبرگشت از آن همرازان^{۳۰} به^{۳۱} ژوپین^{۳۲} پولاد خسته جگر^{۳۳}</p>	<p>۲۰۲۵</p>

۱- ل: خود؛ س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن - ب، ل، آ، ب): من؛ (و: هم): متن = ف ۲- ل (نیز و): زاده ایم ۳- ل: داده ایم؛ س^۲ (نیز لن): بدو داده ایم؛ س (نیز و): بناگاه گردن و را داده ام (و: داده ایم): متن = ف، ق، ل^۱ (نیز ق، ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۴- س: مانم؛ (ب: مانی) ۵- ف: خیره (؟): متن = ل - س^۱ (نیز لن - ب) ۶- ل (نیز آ): زو؛ س، ل^۱ (نیز ل^۳): وزان؛ ق، س^۱ (نیز لن، ب، ب): وزو؛ (ل: زین)؛ متن = ف (نیز ق، و، ل، ل^۱) ۷- س: چنین ۸- ق: راه ۹- ق: سرسوی ۱۰- ل، س، ق، س^۱ (نیز لن، ل، ل، آ، و، آ): بدو؛ متن = ف، ل^۱ (نیز ق، ل، ل، ل، آ، ب) ۱۱- ل - س^۱ (نیز لن، ق، ل، ل، ل، آ، ب): راه و؛ متن = ف (نیز ل، و) ۱۲- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ل، ب): نخچیربازان؛ (و: نخچیربازان؛ ب: نخچیرداران)؛ متن = ف، ل (نیز لن^۱) ۱۳- ل - س^۱ (نیز ق، ل، ل، پ، و، لن، آ، ب): گه؛ متن = ف (نیز لن) ۱۴- (ل، آ): همرفت و مانده ز گردون شگفت) ۱۵- همه جا؛ ژوپین ۱۶- س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل، ل، آ، س): سر؛ (پ، و، ب: پس؛ ق: فروجست از)؛ ق: نشست از بر؛ متن = ف، ل (نیز ل^۳) ۱۷- ق، س^۱ (نیز ل^۳): ژوپین ۱۸- ل، ق (نیز ل، پ): بیامد؛ (ق: درآمد)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب) ۱۹- ق: از دست او ۲۰- ق: رو ۲۱- همه جا؛ ژوپین ۲۲- س (نیز ل، ل، آ، ب، ل، ل^۱): در ۲۳- ل (نیز و): تنش ۲۴- (ق: یک بیک)؛ س^۱ (نیز ب): زره سربر بر تنش ۲۵- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ل، ل، پ، و، لن، آ، ب): جگر؛ متن = ف، س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ) ۲۶- س (نیز ب، لن، آ، ب): بغلتید؛ ق: بلرزید؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ل، ل، و، آ) ۲۷- (و: برگاشت) ۲۸- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ل، ل، پ، و، لن، آ، ب): سر؛ متن = ف، س^۱ (نیز ل، آ) ۲۹- ل^۱ (نیز ل، ب، لن، آ): بر؛ ل: خون جگر بر؛ س: ز خونش برآمد جگر تا؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۳۰- ل: روانش برآمد هم اندر زمان؛ ق (نیز ل، ل، آ): روانش ز تن رفت هم در زمان؛ (ق: چنین است آیین و رسم جهان)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز ب، و، لن، آ، ب) ۳۱- س: ز ۳۲- همه جا؛ ژوپین ۳۳- ل (نیز ب): بنالید با داور دادگر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س^۱ (نیز ق، ل، ل، ل، و، لن، آ، ب)

→ بطشک و قوتک؟ لقد أدبرت السعادة عنك، وانكسفت شمس أفراسياب بمأحدث بك. وادا بنقز بك الحال الى هذا فينبغي لك أن تسأل الأمان حتى أهلك حيا الى الملك كيخسرو فانك مثل أشيب الرأس، وقد رق قلبي عليك، ولست أريد قتلك

برآن ^۱ کوه باره ^۲ زمانی تپید ^۳	سر ^۴ از کین ^۵ و آوردگاه ^۶ آرمید
زمانه به زهر آب داده ست چنگ	بدرت دل شیر و چنگ ^۷ پلنگ
۲۰۳۰ چُنین ست خود گردش روزگار	نگیرد ^۸ همی پند آموزگار
چو گودرز برشد برآن کوهسار	بیدش برآن ^۹ کوه ^{۱۰} افکنده خوار،
شکسته ^{۱۱} دل ^{۱۲} و دست و پُر خاک سر	دریده ^{۱۳} سلیح ^{۱۴} و گسته کمر،
چُنین گفت گودرز کای نره شیر	سر پهلوانان و گرد ^{۱۵} دلیر،
جهان چون من و چون تو بسیار دید	نخواهد همی با کسی آرمید ^{۱۶}
۲۰۳۵ فروبرد چنگال و خون برگرفت	بخورد و بیالود روی، ای شگفت!
ز خون سیاوش خروشید ^{۱۷} زار	نیایش ^{۱۸} همی کرد بر کردگار
ز هفتاد خون گرامی پسر	بنالید ^{۱۹} با ^{۲۰} داور دادگر
سرش را همی خواست از تن برید	چُنان بدگنش خویشتن را ندید
درفشی به بالیش بر ^{۲۱} پای کرد	سرش را بدان سایه در ^{۲۲} جای کرد
۲۰۴۰ سُوی لشکر خویش بنهاد روی	چکان خون ز بازوش چون آب ^{۲۳} جوی
همه کینه جویان ^{۲۴} پَرخاشجوی ^{۲۵}	ز بالا به لشکر نهادند روی ^{۲۶}
ابا گشتگان، بسته بر پشت زین	بریشان سرآورده ^{۲۷} آیین و کین ^{۲۸}
چو با کینه جویان بُد پهلوان	خروشی برآمد ز پیر و جوان

۱-س: بدن ۲-ف، س، ل، س: کوه ساده (باره؟)؛ ل، ق (نیز، ل، آ): کوه خارا؛ (لن): کوه ساران؛ ق: کوه ساراو؛ ل: کوه سربر؛ پ: کوه ساره (باره؟؛ و: کوه پایه)؛ متن = (لن، ب: بیت ۱۷۹۱) ۳-همه جا: طپید ۴-ل، س، ق، س: (نیز، ل، ب: ب): پس؛ متن = ف، ل (نیز، ل) ۵-س: جنگ ۶-ق (نیز، ل، آ): آوردگاه ۷-ل، س، ق، س: (نیز، ل، ب، ل، س، ب): چره؛ متن = ف، ل (نیز، ل، و، آ)؛ درلی از بیت ۲۰۳۰ تا ۲۱۱۳ افتاده است ۸-ل: نیبنی ۹-س، ق: بدن ۱۰-ل، ق (نیز، ل، ب، ل، آ، ب): گونه؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز، ل، ب) ۱۱-ل، ق: دریده؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز، ل، ق، ل، ب) ۱۲-ق: بر ۱۳-ل، ق: شکسته؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز، ل، ق، ل، ب) ۱۴-س (نیز، ل، و): سلاح ۱۵-ل، ل، س: [و] ۱۶-ل، ق (نیز، ب) پس از این بیت افزوده اند:

چو گودرز دیدش چنان مرده خوار
بخاک و بخون بر (در) طپیده بزار

۱۷-ق: بنالید ۱۸-س: ستایش ۱۹-س (نیز، ل، ب: ب): بر؛ متن = ف، ل، ق، ل، س: (نیز، ل، ب) ۲۰-س، ق (نیز، ب، ل، س): درفش بیالین ابر؛ س: درفش ابا بالین ابر (وزن ندارد)؛ (ب): درفش بیالینش بر؛ متن = ف، ل، ل (نیز، ل، ق، ل، و، آ)؛ بنداری: و غرز علمه عند رأسه لیجمی وجهه عن حرّ الشمس ۲۱-س (نیز، ل، ق، ل، آ، ب): بر ۲۲-ل: برسان ۲۳-س: رزمسازان ۲۴-س: (نیز، ل): پرخاشخ ۲۵-س: (نیز، ل): سر؛ درف، ل: لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ پایی بیت های متن = ل، س، ق، س: (نیز، ل، ق، ل، ب، ل، آ، ب) ۲۶-س: برآن سان برآورده ۲۷-ل، ق (نیز، آ): پرخاش و کین؛ س، ل، س: (نیز، ل، ب، پ): آیین و کین؛ متن = ف (نیز، ل، ل، ن)

که گودرز بر دست پیران مگر	
همی زار بگریست لشکر همه	۲۰۴۵
[همه با غم و درد آن پهلوان	
درفشی پدید آمد ^۳ از تیره‌گرد	
برآمد ز لشکرگه آوای ^۵ کوس	
بزرگان بر پهلوان آمدند	
چنین گفت لشکر: مگر ^۸ پهلوان	۲۰۵۰
که پیران یکی شیردل‌مرد بود	
سخن ^{۱۳} یاد کرد آن زمان پهلوان	
بدانگشت ^{۱۵} بنمود جای نبرد	
به رُهام فرمود تا برنشست	
بدو گفت کوه ^{۱۸} را به زین بر بند	۲۰۵۵
درفش و ^{۲۰} سلیحش ^{۲۱} چنان هم که هست	
برین ^{۲۳} گونه چون پهلوان کرد یاد ^{۲۴}	
کشید از بر زین تن روشنش ^{۲۶}	
چنان هم بیستش به بند ^{۲۸} کمند	
به ^۱ پیری به خون اندرآورد سر	
ز نادیدن پهلوان ^۲ رمه	
پُر از بیم بودند کز ناگهان ^۲]	
گرازان و شادان ز ^۴ دشت نبرد	
همی ^۶ گرد بر آسمان داد بوس	
پُر از خنده و شادمان آمدند ^۷	
ازو ^{۱۰} بازگشته‌ست ^{۱۰} تیره‌روان ^{۱۱}	
همه ساله ^{۱۲} جویای آورد بود	
سپرده بدو گوش پیر و جوان ^{۱۴}	
بگفت آنک با او ^{۱۶} زمانه چه کرد	
بدآوردن ^{۱۷} او میان را بیست	
بر یار با خویشتن با کمند ^{۱۹}	
به بند و میانش ^{۲۲} مبر هیچ دست!	
برون‌تاخت رُهام چون تندباد ^{۲۵}	
به خون‌اندرون غرقه با ^{۲۷} جوشنش	
فرود آوریدش ز کوه بلند	

۱- ل، س (نیزق^۱، پ، لن، ب): ز؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ل، آ)؛ درل^۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲- ل، س، ق، س^۱ (نیزق^۱ - ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل (نیزلن) ۳- س (نیزپ، لن، ب): بدیدند ۴- ل، ق: تازان به (ق: ز) ۵- س، ل، آواز ۶- ف: همه؛ متن = ل - س (نیزلن - ب)؛ ل^۲ پس از این بیت (و آ پس از بیت ۲۰۵۰) افزوده‌اند: چو گودرز از آن گرد بیدار گشت (آ: دیدار کرد)

دل آن گزینان بی آزار گشت (آ: کرد)

۷- درس^۱ این بیت پس از بیت ۲۰۵۱ آمده است ۸- س^۱ (نیزو، ب): کزو؛ (لن: همه روی کرده سوی؛ پ، لن: بدیشان چنین گفت)؛ متن = ف - ل (نیزق^۱، ل، آ) ۹- ق: کزو؛ س^۱ (نیزپ، و، لن، ب): مگر؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، ق، ل، آ) ۱۰- ل، ق، ل، س^۱ (نیزق^۱، ل، آ): باز گردید؛ متن = ف (نیزلن) ۱۱- س: بدان انجمن آشکار و نهان (درس ۲۰۵۰ و ۲۰۵۲ ب پس و پیش شده‌اند) ۱۲- س: آ: روزه ۱۳- ل، ق: چنین؛ (آ: همه)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، آ، پ، و، لن، ب) ۱۴- س: ز پیران گریزان شدست این زمان؛ (لن، پ، لن، ب: بدان انجمن آشکار و نهان)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیزق^۱، ل، آ، و، آ) ۱۵- ل - س^۱ (نیزلن، ق، ل، آ): بانگشت؛ متن = ف ۱۶- ق: آنچه با وی ۱۷- ل - س^۱ (نیزلن، ق، ل، آ): به (لن: بر) آوردن؛ متن = ف ۱۸- س، ل، آ: او ۱۹- س: نیز چند؛ ل، ل، س^۱ (نیزق^۱، ل، آ): بیاور چنان تازان (ل: تازان) با کمند (ل: بر نوند؛ ل: مستمند)؛ (پ، لن، آ: فرود آرش از کوه‌سار بلند؛ و: بریار با خویش و خام کمند)؛ متن = ف (نیزلن، ب)؛ ق: بیتهای ۲۰۵۵ و ۲۰۵۶ را ندارد ۲۰- ل: [و] ۲۱- س (نیزو): سلاحش ۲۲- ف (نیزلن): بیندش میان و؛ ل: بدرج و میانش؛ (ق: بروی و میانش؛ و: بیاور بآنها)؛ متن = س، ل، س^۱ (نیزل، پ، لن، آ) ۲۳- ل، ق: بران؛ س، ل: بدین؛ متن = ف، س^۱ ۲۴- س (نیز ل، پ، لن، آ، ب): یاد کرد؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ق، آ، و) ۲۵- س (نیزپ، لن، ب): آزادمرد؛ (لن: تیره‌باد؛ آ: تند گرد؛ ق: برسان باد؛ ل: برسان گرد؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیزو) ۲۶- ل: اسب روشن تنش؛ ق (نیزل): زین بخواری تنش؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، پ - ب) ۲۷- ل، س، ق، ل (نیزل، آ، ب): بُد؛ متن = ف، س^۱ (نیزلن، پ، لن، آ) ۲۸- ل، ق، س^۱ (نیزلن، ق، ل، آ، و، آ، ب): ختم؛ متن = ف، س، ل (نیزپ، لن، آ)

۲۰۶۰ درفشش چُنْ از جایگاه نشان
 همی خواندند آفرین سربسر
 که ای نامور پهلوان سپاه^۷
 فدای^{۱۰} سپه کرده‌یی جان و تن^{۱۱}
 چُنْین گفت گودرز با^{۱۳} مهتران^{۱۴}
 ۲۰۶۵ مرا در دل آمد^{۱۷} که افراسیاب
 یکی^{۲۰} هوشمندی فرستاده‌ام
 که گر شاه ترکان بیارد سپاه
 گمانم^{۲۳} چنانست کو با سپاه
 مرین کشتگان را بدین^{۲۶} دشت کین^{۲۷}
 بدیدند^۲ گردان^۳ گردنکشان،
 ابر^۵ پهلوان زمین در بدر،
 پرستنده‌ی تخت^۸ تو باد ماه^۹
 به پیروزی و روزگار شکن^{۱۲}
 که چون^{۱۵} رزم ما گشت ازینسان^{۱۶} گران،
 سپه را گذارد^{۱۸} بدین روی آب^{۱۹}
 بسی شاه را پندها داده‌ام
 نداریم^{۲۱} پای^{۲۲} اندرین رزمگاه
 به یاری^{۲۴} بیاید بدین^{۲۵} رزمگاه
 چُنْین هم بدارند^{۲۸} بر پشت زین^{۲۹}

۱- ل-س (نیز لن-ب): چو؛ متن = ف ۲- ل: ندیدند (!) ۳- س، ق، ل (لن، پ-ب): گردان و؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل) ۴- ف، ل، س (نیز آ، ب): همه؛ متن = ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن) ۵- ف، ل (نیز لن): بر آن؛ ق: بر؛ متن = ل، س، س (نیز ق، ل، ب) ۶- س: برهنه ۷- ل، ق، ل (نیز ق، ل، و، آ): پشت ایران سپاه؛ س (نیز پ، لن، ب): پشت ایرانیان؛ متن = ف، س (نیز لن) ۸- ف، س: بخت (۹)؛ ل، س، ق (نیز لن، ق، و): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل (نیز ل، ب) ۹- س (نیز ب): شاه جهان؛ (ب، لن): پرستنده تاج و تخت کیان؛ آ: نبیند چو تو پهلوان سال و ماه) ۱۰- ف، ل: فدی ۱۱- س (نیز پ، لن، ب): جان خوش ۱۲- ل، ق (نیز ل، آ): به پیری زمان روزگار شکن (ل: کهن)؛ س (نیز پ، لن، ب): به پیروزی روزگاران پیش (س: خوش)؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، و) ۱۳- ف (نیز لن): گای؛ متن = ل-س (نیز ق، ل، ب) ۱۴- ق: بخردان ۱۵- س: که این ۱۶- ل، ق: زینسان ۱۷- ل، ق، س (نیز ق، ل، پ، و، آ): آید؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۱۸- ل، ق (نیز ل، آ): سپه بگذراند؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ب، و، لن، ب) ۱۹- س، ق (نیز و، لن، ب): برین (ق، و: ازین) روی آب؛ ل (نیز ق): برین (ق: ازین) کین بر آب؛ (لن: برین سوی آب؛ ل: ازین سوی آب)؛ متن = ف، ل، س (نیز پ، آ)؛ ق، ل پس از بیت ۲۰۶۵ چهاربیت و ل، آنها سه بیت نخستین را افزوده اند:

سپاه وی آسوده از رنج و تباب
 و لیکن چنین دارم امید من
 بی‌فروزد این رزمگه را بفر
 بیاری بیاید بدین رزمگه
 بمانده سپاهم چنین در شتاب
 که آید جهاندار خورشید من
 بیارد سپاهی بنو کینه و ر (ق: بنوی سپاهی دگر)
 اگر شاه توران بیارد سپاه (= ۲۰۶۷ + ۲۰۶۵ ب)

ل پس از بیت ۲۰۶۵ افزوده است:

شاه کشتگان را برین دشت کین
 گر این کشتگان را غمست از روان
 چنین هم بدارید بر پشت زین (= ۲۰۶۹)
 سیاوش را خرمست از روان

۲۰- ق: بدین ۲۱- ف: ندارند؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز لن، و، آ) ۲۲- ل: پا؛ س (نیز ق، ب، لن، ب) این بیت را ندارند؛ ف پس از این بیت افزوده است: نه من پای دارم، نه مانند من مگر خسرو ای در رسد خوبش ۲۳- س (نیز ب): گمانی ۲۴- س (نیز پ، لن، ب): بزودی ۲۵- س: برین؛ ق، ل (نیز ل) این بیت را ندارند و درس ۲ چنین آمده است:

من ای‌دون گمانم که شاه جهان
 بیاید بدین رزمگه ناگهان
 ۲۶- ل، س، س (نیز ق، ل، ب): برین؛ ق: ابر؛ متن = ف ۲۷- ل: کنون کشتگان را همه همچین ۲۸- ل، س: بدارند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ ق، س (نیز پ، و، ب): بدارید؛ (ق، آ: بداریم)؛ متن = ف (نیز ل، لن) ۲۹- ل: بداریم و نیمشان بر زمین؛ ل، ق (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

کزین کشتگان جان ما بی (آ: دشمنان را) غمست
 روان سیاوش ازین (ل: زین) خرمست (ل: خورمست)

۲۰۷۰ اگر همچین نزد شاه آوریم
 که آشوب ترکان و ایرانیان
 همه یکسره خواندند آفرین
 همه سودمندی ز گفتار توست
 برفتند با گشتگان همگان^۶
 شود شاد و زین پایگاه آوریم
 ازین بد^۲ کجا گم شد اندر میان^۳
 که بی تو مبادا زمان و زمین^۴
 خور و ماه روشن ز دیداره توست
 گروی زره را پیاده دنان^۷

گفتار اندر آگهی دادن دیدبان ایرانیان از آمدن کیخسرو^۸

۲۰۷۵ هم^۹ اندر زمان از لب دیدبان^{۱۰}
 که از گرد شد دشت چون تیره شب^{۱۳}
 خروشیدن کوس با گزّه نای^{۱۴}
 همان^{۱۶} تخت پیروزه بر پشت پیل
 هوا^{۱۸} شد بسان پرنده^{۱۹} بنفش
 ۲۰۸۰ درفشی به بالای^{۲۱} سرو سهی
 به گوش آمد از کوه زبید^{۱۱} چنان^{۱۲}
 شگفتی برآمد ز هر سو جَلَب
 بجنبدهمی دشت گویی^{۱۵} ز جای
 درخشان^{۱۷} بکردار دریای نیل
 ز تابیدن پرنیانی^{۲۰} درفش
 پدید آمد از دور با فرهی

۱-س^۱ (نیزآ): بر ۲- (پ: پس) ۳- (ق: شدند از میان)؛ س: ازین بود و گشتند کم زین میان ۴- (و: کلاه و نگین) ۵- ل: بدیداره؛ س (نیز پ، لن، آ، ب): بکرداره؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، آ، و، آ)؛ ق: بیتهای ۲۰۷۳ و ۲۰۷۴ را ندارد ۶- ل، س، ل^۱ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): همچنان؛ متن = ف، س^۱ (نیز آ) ۷- ل (نیز لن، ق، ل، آ، ب): دوان؛ س، ل^۲: کشان؛ س^۱: دمان؛ متن = ف؛ ل، ل، آ، پس از این بیت و ق پس از بیت ۲۰۷۲ چهار بیت و ل تنها بیتهای یکم و سوم را افزوده اند: چون نزدیک بنگاه و لشکر شدند

پذیره سپهد سپاه آمدند (ل: سپاه و سپهد پیاده بدید)
 به (ق: ز) پیش سپه بود گتیم شیر

بیامد بر پهلوان دلیر
 زمین را ببوسید و کرد (ل: برو بر خواندند زود) آفرین

سپاهت بی آزار گفتا بین (ل: بگفتند لشکری آزارین)

چنان چون سپردی سپردم هم درین (ل: چنین) بود گودرز با گتیم

۸- س: خبر یافتن لهاک و فرشیدورد از کشته شدن پیران و سران لشکر؛ ق: آگهی یافتن تورانیان از نکت پیران و پهلوانان؛ و: گریختن لهاک و فرشیدورد؛ ل^۲: آگاهی یافتن لهاک و فرشیدورد از پیران؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = ف ۹- ل، ق (نیز ل^۲): که؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، آ، پ- ب) ۱۰- ل، ق، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، آ- ب): دیده بان؛ متن = ف، س (نیز بنداری) ۱۱- ف، س^۱: زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زبید (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل^۲: بانگ و؛ (لن، آ: رسید)؛ متن = س، ق (نیز ق، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب) ۱۲- ل- س^۱ (نیز لن، ق، ل، آ- ب): فغان؛ متن = ف ۱۳- ل، س^۱: تیره چو شب ۱۴- ف، ل، س: کزنای ۱۵- (ق، ل^۲: گتیم؛ لن، آ: کوه گتیم)؛ ل: بجنباند آن دشت گویی؛ س: بجنبید گتیم زمین را؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز پ، و، لن، آ، ب)؛ س^۱ پس از این بیت افزوده است:

هم از دشت برخاست فریاد کرد برآمد شگفتی زهرسونبدر

۱۶- ل: یکی ۱۷- ل، س^۱ (نیز ق، آ، پ، و): درفشان؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ل، آ، ب) ۱۸- ل^۲ (نیز ق، آ):

جهان ۱۹- (لن: آسمان؛ پ، و، آ، ب: پرنده؛ لن: پرنده)؛ س: شد پرنده و زمین شد؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ (نیز ق، ل، آ) ۲۰- ل (نیز لن، ل، آ): کاویانی؛ (ق: گونه گونه؛ پ: پرنیان)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز و، لن، آ، ب)؛ ق: این بیت را ندارد ۲۱- س (نیز لن، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): بکرداره؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیز ق، آ، و، آ)

به گردش سواران^۱ جوشنوران
 زمین شد بنفش از کران تا کران^۲

ز کوه گنابد^۳ همان دیدبان^۴
 چنین گفت: گر چشمن تیره^۵ نیست
 ز ترکان برآورد یزدان^۶ هلاک^۷
 سپاه اندرآمد ز بالا به^۸ پست ۲۰۸۵
 درفش سپهدارپیران^۹ نگون
 دلیران ما گشته در^{۱۰} دشت کین
 همان ده دلاور کز ایدر برفت
 همی بینم از دورشان سر نگون
 و زان سوی زبید^{۱۱} یکی تیره گرد ۲۰۹۰
 میان سپه کاویانی درفش
 درفش شهنشاه با بوق و کوس
 برفتند^{۱۲} لهاک^{۱۳} و فرشیدورد

بدید آن شیگفتی و آمد دوان^۵
 گر از دیده^۸ دیدار من خیره^۹ نیست،
 همه رنج ما^{۱۲} سربسر گشت خاک^{۱۳}
 خروشان و هر یک درفشی به دست
 همی بینم و تنش^{۱۶} غرقه به خون
 به راه کسان بسته بر^{۱۸} پشت زمین^{۱۹}
 ابا گردپیران به آورد تفت،
 فگنده بر اسپان و تن پُر ز خون^{۲۰}
 بدید آمد و دشت شد لاژورد^{۲۲}
 به پیش اندرون تیغهای بنفش
 بدید آمد و شد زمین آبنوس
 برآن^{۲۵} دیدگه^{۲۶} بر ز دشت نبرد^{۲۷}

۱- س، ق، ل، آ، س: سواران و ۲- س: بنفش و برآمد دوان؛ ل، ل، آ، پ، آ پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت یکم را افزوده اند:
 پس هر درفشی درفشی بپای
 اگر همچین تیزرانی کنند
 ۳- ل، آ: کبابد ۴- ل، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ق، ل، آ- ب): دیده بان؛ متن = ف، س (نیز بنداری) ۵- (ل، ق، آ، پ، ل، آ: دمان)؛
 درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ل، آ پس از این بیت افزوده است:
 بنزدیک لهاک و فرشیدورد

به پیش سپهد همی یاد کرد

۶- س، ق: اگر ۷- ق، س: خیره ۸- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و): وز (ق: از؛ و: ز) اندوه؛ س (نیز پ، ل، آ، ب): از اندازه؛ متن =
 ف، ل، آ، س (نیز ل) ۹- ق: تیره ۱۰- ل، ق (نیز ل): ایزد ۱۱- ل: دمار ۱۲- ل، ق (نیز ل): رنجشان؛ س، ل، آ (نیز
 ق، آ، پ، و، ل، آ، ب): رنجها؛ متن = ف، س (نیز ل، آ) ۱۳- ل: خوار؛ ق، س، آ (نیز ل): گشت یکسر چو خاک؛ متن = ف، س، ل، آ (نیز
 ق، آ، پ، و، ل، آ، ب) ۱۴- ل: بالای ۱۵- ل، س (نیز ل، پ): توران؛ س (نیز ق، آ، و): ترکان؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیز ل، آ، ب)
 (ب) ۱۶- ل: بیم از پیش؛ س (نیز پ، ل، آ): بیم از دور؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب) ۱۷- س، ل، آ (نیز ق، ل، آ، ب،
 ل، آ، ب): در؛ (ل: دلیرانش کشته ابر)؛ متن = ف، ق، س، آ ۱۸- س، ل، آ: بزاری کسان کشته بر؛ ق: بزاری فکنده ابر؛ س، آ:
 بره برکشان بسته بر؛ (ل: بره کشتگان بسته بر؛ ق: بزاری کشان کرده بر؛ ل: بزاری فکنند بر؛ پ، ل، آ، ب: بزاری کشان (پ: همی) بسته
 بر؛ آ: سواران کشان کشته بر)؛ متن = ف ۱۹- س: دشت کین؛ ل (نیز و) این بیت را ندارند ۲۰- ق: همه تن بخون؛ ل، ق (نیز ل، آ،
 پ، آ) پس از این بیت افزوده اند:

دلیران ایران گرازان (ق) و گردان ایران؛ ل، آ، پ: گرازان از ایران) هم

رسیدند یکسر (ق: با هم؛ ل، آ، آنک؛ پ: اینک) بر گسهم

۲۱- ف، س: زبید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: زبد (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل، آ: زبند؛ (ل: ایران؛ آ: رید)؛ متن = س، ق (نیز
 ق، آ، و، ل، آ، ب) ۲۲- ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ل، آ، ب): لاچورد؛ متن = ل (نیز پ، و) ۲۳- ف: بدیدند؛ متن = ل
 - س (نیز ل، ق، آ، ل، آ- ب) ۲۴- (ل: کمال) ۲۵- س، ل (نیز ق، آ، و): بدان ۲۶- ف (نیز ل، ق، آ، پ- ب): دیده گه؛
 متن = س، ل، آ، س ۲۷- ل، ق (نیز ل): بدانجا که بُد جایگاه نبرد

سپهدبرادر جهاندار خویش	بدیدند گشته به دیدار خویش	
ز ترکان دلیران و جنگاوران ^۳	ابا ده سوارا گزیده سران	۲۰۹۵
ز خون برادر خروشان شدند ^۷	برآن دیده بره زار ^۶ جوشان شدند ^۷	
سپهدار توران ^۱ ، سوار دلیر،	همی ^۸ زار گفتند کای نره شیر	
چورقتن ^{۱۱} ز گیتی چنین ^{۱۲} خواستی؟	چه بایست آن رادی و ^{۱۰} راستی	
به بد بر تو گیتی سرآمد همه	کنون کام دشمن برآمد همه	
که گیرد کنون راه و آیین تو؟	که جوید کنون در ^{۱۳} جهان کین تو؟	۲۱۰۰
بد آمد که ^{۱۶} گردد سراسر خراب ^{۱۷} !	ابر ^{۱۴} شهر ترکان ^{۱۵} و افراسیاب	
به خون غرقه کردن ^{۱۸} بر و تیغ و دست ^{۱۹}	بباید بریدن سر خویش پست	
نرفتند ^{۲۱} بر خیره ^{۲۲} گفتار خویش	چُن ^{۲۰} اندرز پیران نهادند پیش	
چنین گفت با گردفرشیدورد ^{۲۳}	ز گودرز چون خواست پیران نبرد	
شما کس ماباشید ^{۲۴} پیش سپاه	که گر من شوم گشته بر کینه‌گاه	۲۱۰۵
شود تنگ بر نامداران زمین	اگر من نباشم ^{۲۵} برین ^{۲۶} دشت کین	
که اندر سرش مغز باشد بسی	نه از تخمهی ویسه ماند کسی	

۱- ل، ق، س (نیز لن، و): سوار از؛ س: هزار از؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۲- ل، ق، س (نیز ق، ل، ب): [و] ۳- ق: کنداوران ۴- س: چنان؛ ل (نیز ق، ل، پ، لن، آ، ب): بدان ۵- س: دیدگه ۶- ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب): زار و؛ متن = ف (نیز پ، و، آ) ۷- ق: بندند ۸- ق: همه ۹- ل، ق (نیز ل، پ، و، لن، آ، ب): پیران؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ) ۱۰- ل: آن داد و آن؛ (پ: آزادی و؛ آ: آن زادی و؛ ب: از آزادی و؛ ق: چنان بودی از رادی و) ۱۱- (ق، ل، پ: رفتی) ۱۲- ل: همی ۱۳- ف، س: کس اندر(؟): ق (نیز ل): همی زمین؛ (ق، و: کسی در؛ پ، لن: همی در)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، آ، ب) ۱۴- ل (نیز ل): ازین ۱۵- س (نیز لن، ق، آ، پ- ب): توران؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ل) ۱۶- س: بدانگه که؛ ل: بد افتاد و؛ (آ: گه آمد که): متن ← ۱۷- ل (نیز ل): بد آمد سرانجامت ای نیک باب؛ س: سر آمد همی خورد و آرام و خواب؛ (لن: که گردد سراسر برین سان خراب؛ ق: بد آمد چو بخت اندر آمد بخواب): متن = ف (نیز پ- ب): ق این بیت را ندارد ۱۸- س: کرده ۱۹- ف، ق، س: تن و تیغ و دست؛ ل: بر و یال و دست؛ س: بر و روی پست؛ (پ، ب: بر و روی و دست)؛ متن = ل (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب): س پس از این بیت افزوده است:

دریغا سپهدار پیران ما	که ویران شد از کشتش خان ما
دریغا سپهدار مهر آزمای	کزین رزم ناگه درآمد زیبای
دریغا همه مهر تو بر گله	گله گشت از کشتن تو بر گله
دریغا چه گویم به افراسیاب	که پیران بدین رزم بر شد بخواب
۵ چونوحه بکردند و بگریستند	بر آن شور بختی همی زیستند
پس آنگاه گفتند یک با دگر	که این رزم ما آمد اکنون پسر

۲۰- ل، س (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۲۱- ف، ق، س (نیز ق، ل، پ، لن، آ، ب): برفتند (؟)؛ ل، س (نیز لن، پ): برفتند (حرف) یکم نقطه ندارد)؛ (در و حرف یکم هم در بالا نقطه دارد و هم در زیر)؛ متن = ل ۲۲- ق: از خیره؛ س: خیره به ۲۳- ق: بیتهای ۲۱۰۴-۲۱۱۰ را ندارد ۲۴- س (نیز و، ب): مپایید؛ (ل: ممانید؛ پ: مرانید؛ لن: بس مپایید)؛ متن = ف- ل (نیز لن، ق، آ) ۲۵- س: نیام؛ ل (نیز پ، آ): اگر کشته گردم؛ ل (نیز ل): که گر (ل: چون) من نباشد؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، ب) ۲۶- س (نیز ل، پ، آ): بدین

۲۱۱۰ همه^۵ راه سوی بیابان برید
 که بر کینه‌گه بر چو^۱ ما را گشند،
 ز گودرز خواهد سپه^۳ زینهار
 چو سرهای ما را بدایران^۲ گشند،
 مگر کز بد دشمنان جان برید

۲۱۱۵ به لشکرگه خوش رفتند باز
 بدانست لشکر سراسر همه
 همه سربسز زار و گریان شدند
 بنزدیک آتاک و فرشیدورد
 که اکنون چه سازیم ازین^{۱۲} رزمگاه
 که را دل دهد نیز بستن کمر
 چنین گفت آتاک و فرشیدورد
 چنین راند^{۱۷} بر سر و^{۱۸} روزگار
 به شمشیر کرده جدا جان^{۲۰} ز تن
 به هر جای گشته^{۲۳} گشان دشمنش
 کنون بودنی بود و پیران گذشت
 ستون سپه بود^{۲۶} تا زنده بود
 همه دیده پُر خون و دل پُر^۷ گداز
 که شد بی‌شبان آن^۸ گرازان رمه
 چو بر آتش تیز بریان شدند
 برفتند لب‌ها^{۱۰} پُر از بادِ سرد^{۱۱}
 چو شد پهلُو^{۱۳} و پشت توران سپاه؟
 از^{۱۴} آهن کُله برنهادن^{۱۵} به سر؟
 که از خواست^{۱۶} یزدان کرانه که کرد؟
 که بر کینه‌گه گشته شد^{۱۹} زار و خوار
 نیابدهمی^{۲۱} گشته گور و کفن^{۲۲}
 پُر از خون سر و درع و خسته تنش^{۲۴}
 همه کار و کردار او^{۲۵} باد گشت
 به مهر سپه دلش^{۲۷} آگنده بود

۱- ل: چونک؛ (پ: چونکه)؛ س: چو بر کینه‌گه بر که؛ (لن، ل: ابر کینه‌گه بر چو: آ: چو بر کینه‌خوش)؛ متن = ف، ق، ل: (نیز لن، ب)
 ۲- ل: بایران؛ ل: (نیز ل: س: سوی ایران؛ س: (نیز لن، پ، لن، آ، ب): سرب‌تنان مان بایران؛ متن = ف؛ س: (نیز ق، و) این بیت را ندارند و س بجای آن افزوده است:
 ۳- س: همان ۴- س: بخوانید ۵- س: (نیز لن، ب): شما؛ در ف، ل، س: (نیز ل: پس از این بیت، بیت ۱۷۷۸ آمده است
 ۶- س: در ۷- س: (نیز ب): تن در؛ (لن: دل در؛ پ، لن: تن پر) ۸- ل، س: (نیز ل، ب): از (ج-آن) ۹- س: ابر ۱۰- ل، ق، س: (نیز ق، ل، پ): با دل؛ س: (نیز و لن، ب): با لب؛ متن = ف (نیز لن، ل، آ) ۱۱- (ق): پر از داغ و درد؛ ل: که از خواست یزدان کرانه که کرد (۲۱۱۴ ب- ۲۱۱۷ آ را انداخته و از ۲۱۱۴ آ و ۲۱۱۷ ب یک بیت ساخته است؛ س: نیز نخست مانند ل است، ولی سپس از بیت ۲۱۱۴ دوباره آغاز کرده است) ۱۲- ل: زین ۱۳- ل، س: (نیز لن، و لن، ب): پهلوان؛ (پ: پهلوشاه)؛ س: که شد پهلوان؛ (ق، ل، ل، آ: که از ما بشد)؛ متن = ف، ق، ل: این بیت را ندارند؛ ل، پ پس از این بیت و ل، آ: پس از بیت سپین پس و پیش شده‌اند:

چنین گفت هرکس (ل: یک) که پیران گرد

جز از نام نیکو (ل: آ: نیکنامی) ز کیهان نبرد

۱۴- ل: ز ۱۵- س: برنهاده؛ ف، ق، ل: این بیت را ندارند ۱۶- (ب: حکم)؛ ف، ق، ل: این بیت را ندارند ۱۷- س: بود ۱۸- ق: (نیز ل، آ): نبشته چنین بر سرش ۱۹- ل، ق، س: (نیز پ، و): کینه کشته شود؛ س: کشته گه کشته شد؛ متن = ف (نیز لن، ل، آ، ب): ل: این بیت را ندارد ۲۰- ل، س: (نیز ق، پ، لن، ب): سر؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، ل، آ، ب): همان (نیز ب، لن): نیابد جز از جوشن خود کفن؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- س: جایگاهی ۲۴- (لن، ب: و هم جوشنش)؛ س: برو ترگ و هم جوشنش؛ (ل، آ: سرو روی و خسته تنش؛ پ، لن: سرو جامه و جوشنش)؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز ق، و؛ س: ق: برو)؛ ق: (نیز ل) این بیت را ندارند ۲۵- ق: ها؛ (ل، آ: ما) ۲۶- س: (نیز لن، ل، ب): سوی شاه ترکان (لن، ل: توران) که ۲۷- ل، س، س: (نیز ق، ل، پ، لن، آ): جانش؛ متن = ف، ق، ل: (نیز لن، ب)

سپه را ز دشمن نگهدار بود بدان گیتی افتاد نیک و بدیش ^۲ ۲۱۲۵ پس از زیستن ^۵ خویش ^۶ تیمارخورد که گر ^۷ من شوم کشته در ^۸ کینه‌گاه گذرشان دهی ^{۱۰} تا به توران شوند ز پیمان نگردند ایرانیان سه کارست پیش آمده ناگزیر ۲۱۳۰ اگر تان به زهار باید شدن وگر بازگشتن به خرگاه ^{۱۵} خوش وگر جنگ را گرد کرده عنان گر ایدونک تان دل گراید ^{۱۷} به جنگ که پیران ز مهر سپه خواسته‌ست ۲۱۳۵ زمان تا زمان لشکر آید پدید ز هر گونه رانیم یکسر سَحُن ورایدونک تان ^{۲۶} رای شهرست و گاه وگر تان به زهار شاهست رای دل هر کسی بر متش ^{۲۹} پادشاست	پسر با برادر برو ^۱ خوار بود همانا که نیکست کار ایزدیش ^۴ ز گودرز پیمان سِتد در نبرد نجویی تو کین زآن سپس با سپاه ^۹ کمین را نسازی بریشان کمند ^{۱۱} ازین ^{۱۲} در کنون نیست بیم ^{۱۳} زیان همه گوش دارید برنا و پیر کنون تان همی ^{۱۴} رای باید زدن سپردن به نیک و به بد راه خوش یکایک به خون آب ^{۱۶} داده سِنان برین ^{۱۸} رزمگه کرد باید درنگ سپهد یکی لشکر آراسته‌ست ^{۱۹} همه ^{۲۰} کین ازیشان ^{۲۱} بیاید ^{۲۲} کشید جز از ^{۲۳} خواست ^{۲۴} یزدان نباشد زُبُن ^{۲۵} همانا که بر ما نگیرند ^{۲۷} راه بیاید بسیچید و رفتن ز ^{۲۸} جای اگر تان ^{۳۰} همه سوی ^{۳۱} ایران هواست
---	---

۱- ل، ق، ل (نیز، لی، ب): برش؛ س (نیز، لن، ل، ب): سرنامدارش (س: نامداران) برو: متن = ف، س (نیز، ق) ۲- (لن): نام)
 ۳- ل، س، ق (نیز، لن - ب، لن، آ، ب): بدش؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز، ب) ۴- ل، ق: با ایزدش؛ ل: با ایزدیش؛ (ق): ابا ایزدش؛ ل، ب: کار ایزدش؛ س (نیز، ب، لن): نکوکار کرد ایزدش؛ (لی، ل، آ): که نیکست با ایزدش؛ متن = ف، س (نیز، ب) ۵- ل، ق (نیز، لی، آ): لشکر؛ س (نیز، لن، ب، و، ب): کشتن؛ ل (نیز، ل، آ): رفتن؛ (لن): دشمن؛ متن = ف، ل (نیز، ق) ۶- ل: نیز ۷- س: اگر ۸- ل (نیز، لی، آ): بر ۹- س (نیز، لن، ل): تو کشته (لن): کینه؛ لن: همی کین) ز توران سپاه ۱۰- س: گذر تان شوی (!)؛ (لن): که رهشان دهی ۱۱- ق (نیز، لن، لی، ل، آ): گزند؛ س (نیز، ب، لن): نسازی برایشان کمین و گزند (س: کمند)؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز، ق، و، ب) ۱۲- ق: وزین ۱۳- ل: بیم و؛ ق، ل (نیز، لی، آ، ب): ما را؛ متن = ف، س، س (نیز، لن، ق، و، آ، ب) ۱۴- ق: همه؛ س، س (نیز، لن، ب، و، لن، آ، ب): بدین (وز درین؛ لن، آ، ب: برین) کار تان؛ ل: برین مان همی؛ متن = ف، ل (نیز، لی، لی، ل، آ، ب) ۱۵- س (نیز، لن، ق، آ، ل، ب، و، لن، آ، ب): بنگاه؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز، لی، آ) ۱۶- ق: تاب ۱۷- س (نیز، لن، ل، ب): رای باشد؛ ل، س: ایدون کتان دل گراید؛ ق، ل (نیز، لی، آ، ب، آ): ایدونک دلتان گراید؛ متن = ف (نیز، ق، و) ۱۸- ل، س، ق، س (نیز، ق، لی، ل، آ، ب): بدین؛ متن = ف، ل (نیز، لن، و، لن، آ، ب) ۱۹- ق این بیت را ندارد ۲۰- ق: همی؛ (ق، ل، آ): همان؛ و: همین) ۲۱- ل، س (نیز، لی، ل، آ، ب): کینه زیشان؛ متن = ف، ق، ل (نیز، لن، ق، لی، ب، و، آ) ۲۲- ق: نشاید؛ س این بیت را ندارد ۲۳- ف: چن آن (جز از)؛ (لی: بجز؛ لن: چوازه - جز از)؛ متن = ل، ل، س (نیز، لن، ق، لی، ل، آ، ب، و، آ، ب) ۲۴- (لن، ب: حکم) ۲۵- س: نشاید بدن؛ س، ق این بیت را ندارند ۲۶- ل، س (نیز، لی، ب، آ): ایدون کتان ۲۷- ل (نیز، لی، آ): بگیرند ۲۸- س، س (نیز، لی، آ، و، آ): به ۲۹- ل (نیز، لی، لی، ل، آ): تنش؛ (ب: که با گوهر و پرمش)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، لن، و، لن، آ، ب) ۳۰- ل، س (نیز، لی، ب، و، لن، آ، ب): وگرتان ۳۱- ل (نیز، لی، آ): سوی شهر؛ س (نیز، لی، و، لن): همی سوی؛ س (نیز، ب): سوی شاه؛ متن = ف، ل (نیز، لن، ق، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ در ل (نیز، ل، ب، و، آ) ل ت های این بیت پس و پیش شده اند

- ۲۱۴۰ ز ما دو برادر^۱ مدارید چشم
که هرگز نشویم سرها^۲ ز خشم^۳
ازین^۴ تخمهی ویسگان کس نبود
که بند کمر بر میانش نسود^۵
بداندرز^۶ سالارپیران^۷ رویم^۸
ز راه بیابان به توران^۹ رویم^۸
ار^۱ ایدونک بر ما بگیرند راه
بکوشیم تا هستان دستگاه
- ۲۱۴۵ چو ترکان شنیدند ازیشان^{۱۱} سخن
که سالار با ده یل نامدار^{۱۴}
وُزان روی کیخسرو آمد پدید
نه اسپ و سلیح^{۱۸} و نه پای و نه پر
نه نیروی جنگ^{۲۰} و نه راه گریز
اگر بازگردیم گودرز و شاه
رهایبی نیابیم یک یک^{۲۲} به جان^{۲۳}
۲۱۵۰ ز^{۲۵} زهار بر ما کتون عار نیست
ازین^{۲۶} پس خود از شاه ترکان چه باک
چرا همچن این^{۲۸} شاه ایران نبود
که بر لشکرش مهربانی نمود^{۲۹}

۱- ل، س، س (نیز ق، آ، لی، پ، آ): زما آمدن را (ل: تا) متن = ف، ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، ب) ۲- ل (نیز ل): دل را؛ س، ل، س، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ل، آ، ب): دها؛ متن = ف (نیز و) ۳- ق: اشک از دو چشم (پساوند ندارد) ۴- ل (نیز لن، ل، آ، ب، و): کزین؛ س، س، س (نیز لن، آ، ب): وزین؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، لی، آ) ۵- س، س: که داند زبان بر نیایش براند (!)؛ ق این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

که او را ز یزدان در فشی نتافت ز پیوند او هر کمی سود یافت

۶- ل، ق، س، س (نیز ق، آ، لی، پ، آ): بر اندرز؛ س (نیز پ، لن، آ، ب): بنزدیک؛ ل (نیز ل): باندرز؛ متن = ف ۷- س (نیز پ، لن، آ، ب): توران ۸- ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، و، آ): شویم؛ متن = ف، ل، س، آ (نیز لن، آ، ب) ۹- س: بجیحون (پساوند ندارد) ۱۰- س، ق، س، س (نیز لن، لی، ب): ورا؛ (ق: گر)؛ متن = ف، ل، ل ۱۱- ل: زیشان؛ س: از آسان؛ ل: ازین در ۱۲- ل: یکی نیک؛ س (نیز و، لن، آ، ب): یکی داد؛ (لن: یکی تازه؛ ق، آ، ب: یکی رای)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، آ) ۱۳- ق: افکند پاسخ بین ۱۴- ق: که سالارمان با سر نامدار ۱۵- ل، س، س (نیز پ): کشیدند؛ (لن: بکشتند و؛ لن: گذشتند)؛ متن ← ۱۶- س، آ: کینه خواه؛ س: گذشته برین گونه بر خوار خوار؛ ق (نیز ل): فکندند و کشتند و کردند خوار؛ (ق): کشیدند کشته بر آن دشت خوار؛ و: کشیدند کشته بر آن خاک خوار؛ متن = ف، ل (نیز آ، ب) ۱۷- س، ق، ل، آ، س، س (نیز ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): رزمگه؛ متن = ف، ل (نیز لن، لی، آ) ۱۸- س (نیز لی، و، لن، آ): سلاح ۱۹- س (نیز پ، لن، آ، ب): بوم وبر ۲۰- ق: نیرو نه جنگ ۲۱- ل، س، ق (نیز ل، آ، پ، لن، آ): چه؛ متن = ف، ل، س، س (نیز لن، ق، آ، و، ب) ۲۲- ل، س، ق، س، ق، س، س (نیز لن، و، آ، ب): یک تن؛ متن = ف، ل (نیز لن، آ) ۲۳- س: بجای (بجان) ۲۴- ل، ق، س، س (نیز ل، آ، ب، و، آ، ب): دودمان؛ (لن: دیده بان)؛ س: بیم نه پرده سرای؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، آ) ۲۵- ل، ق (نیز ل، آ): به؛ متن = ف، س، ل، آ، س، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۲۶- ل (نیز ل، آ): از آن؛ س (نیز ل، پ، لن، آ): وزان؛ ق، س، س (نیز آ، ب): وزین؛ متن = ف، ل (لن، ق، آ، و) ۲۷- ل: [و] ۲۸- ف (نیز لن، پ، لن، آ، ب): همچین؛ س (نیز و): همچو این؛ ل، آ، س، س (نیز ل): همچنان؛ (ق): نیز چون؛ ل، آ: همچین؛ متن ← ف، س، ل، آ ۲۹- س، س: نبود؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ بنداری: فانه لو کان له شفقة علیا لأغاث بنفسه کما أغاث کیخسرو أصحابه

گفتار اندر گریختن لَهَاک و فرشیدورد برادران پیرانِ وِسه^۱

<p>دو پُرمایه از جای برخاستند که‌شان نیست هنگام ننگ و نبرد تبه‌گردد از بی‌شبانی رمه بیابان گرفتند و راه دراز پُر از درد دل، دیدگان^۲ پُر ز خون دلیران و شایسته‌ی کارزار نگهبان ره^۳ نامداران بُدند طلایه بیفشارد^۴ بر جای پای که از خون^۵ زمین گشت با کوه^۶ راست دلیران و شیران روز نبرد^۷ ز دست طلایه کسی^۸ جان نبرد به راه بیابان بگردار شیر که ای سرفرازان و گردانِ نو، برون رفت با نامور ده سوار که با خاک خون را برآمیختند^{۱۸}</p>	<p>چو لشکر چُنین پاسخ آراستند بدانست لَهَاک و فرشیدورد همی راست گویند لشکر همه به پدرود کردن گرفتند ساز درفشی گرفته به دست‌اندرون برفتند با نامور ده سوار به رهبر از^۳ ایران سواران بُدند برانگیختند اسپ ترکان ز جای یکی ناسگالیده‌شان جنگ خاست از ایرانیان کشته شد^۸ هشت^۹ مرد ز ترکان جز آن^{۱۱} دو سرفراز‌گرد از آنجا^{۱۳} برفتند هر دو دلیر پس از دیدگه^{۱۴} دیدبان^{۱۵} کرد عو^{۱۶} ازین^{۱۷} لشکر ترک دو نامدار چنان با طلایه برآمیختند</p>
--	---

۱- ف (چند بیت پایین‌تر): گفتار اندر گریختن لَهَاک و فرشیدورد برادران پیران وِسه بجانب ترکستان و رفتن گسَتم نوذر از پس ایشان؛ ل: رزم گسَتم با لَهَاک و فرشیدورد؛ س، س: ۲: گریختن لَهَاک و فرشیدورد (س: از پیش ایرانیان)؛ ل: ۲: رفتن گسَتم از پس لَهَاک و فرشیدورد؛ متن = آغاز ف ۲- ل: دیده‌گان؛ س (نیز پ، ل، آ، ب) بیتهای ۲۱۵۸ و ۲۱۵۹ را ندارند؛ بنداری: فاخترًا عشرة من أعيان الفرسان ۳- ل، س، ق، ل: ۲؛ ز؛ متن = ف، س ۴- ل، ق (نیز ل، ل، پ، آ): آن؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، و، ب) ۵- س، س: ۱ (نیز ق، ل، ل، پ، ل، آ، ب): بیفشرد؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز ل، ل، و) ۶- ق: که خون از ۷- س (نیز ل): چون لاله؛ (ق): با خاک؛ پ، ل: ۲: چون رود؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پایی بیت‌های متن = ل- س (نیز ل- ب) ۸- ل: بکشتند ایرانیان؛ ق (نیز ق، ل، آ): ز تورانیان کشته شد؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ، ب) ۹- (ل): هفت؛ بنداری: سبعة) ۱۰- ق: بماندند لَهَاک و فرشیدورد ۱۱- ل: جزین ۱۲- ل (نیز ل): دگر؛ ق (نیز ل): یکی؛ (و: همی)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق، ل، پ)؛ س (نیز ل، ل، آ، ب) این بیت را ندارند؛ در ل، ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در س ۲ بیت‌های ۲۱۶۴ و ۲۱۶۵ پس از بیت ۲۱۶۷ آمده‌اند ۱۳- ل، س، ق، س: ۲: وز آنجا؛ بنداری (۲۱۵۹-۲۱۶۵): فاخترًا عشرة من أعيان الفرسان، وسارا فیهم قاصدین حضرة أفراسیاب، فصادفوا فی طریقهم جماعة من طلائع الإیرانیین، فاعترضوه و جرى بینهم قتال عظیم قتل سبعة أنفس من الإیرانیین والعشرة الذین كانوا معها من الترك، وخلصا وحدهما وأخذوا فی طریق توران ۱۴- ل، ل، آ، س: ۲: دیده‌گه ۱۵- ل، ل، آ، س: ۲: دیده‌بان ۱۶- (ق): عو؛ پ: دیده برداشت عو؛ س (نیز پ): پس آن دیدبان کرد از دیده عو (ب: عو)؛ ق بجای بیت‌های ۲۱۶۶ و ۲۱۶۷ افزوده است: خبر شد بگودرز کز توریان یکی رزم برخاست اندر نهان ۱۷- ل: ۲: از آن؛ س بیت‌های ۲۱۶۷-۲۱۶۹ را ندارد؛ بنداری (۲۱۶۶-۲۱۷۲): فرأها الیدیدبان فأعلم جودرز بأن فارس قد رکبا طریق توران یُعذّان السیر طردا و رکضا. فقال جودرز: إنها لا یكونان إلا لَهَاک و فرشید یریدان اللحاق بأفراسیاب. ومتی سلما حتی یصلا الی توران تضررنا بذلک ۱۸- ق: بیامیختند

تی چند^۱ کشتند از^۲ ایرانیان
 ۲۱۷۰ چو بشنید گودرز گفت: آن^۵ دو مرد
 برفتند^۷ با گردن افراختن
 گر ایشان از ایران^۹ به توران شوند^{۱۰}
 که جوید کنون نام نزدیک شاه؟
 همه مانده بودند^{۱۳} ایرانیان
 ۲۱۷۵ ندادند پاسخ جز از گسسته^{۱۴}
 به سالار گفت: ای سزاوار گاه^{۱۷}
 سپردی مرا کوس و پرده سرای
 دلیران همه نام جستند و ننگ
 کنون من بدین کار نام آورم
 ۲۱۸۰ بخندید گودرز و زو^{۲۱} شاد گشت^{۲۲}
 بدو گفت: نیک اختر تو ز هور^{۲۴}
 برو کافریننده یار تو باد!

همیدون برفتند^۲ بسته میان^۴
 بُد جز که^۶ لَهَاک و فرشیدورد
 شکسته نشدشان^۸ دل از تاختن
 برین^{۱۱} لشکر آید همانا گزند
 بیوشد سرش را به رومی کلاه^{۱۲}
 شده سست^{۱۴} و سوده^{۱۵} ز آهن میان^{۱۶}
 که بود اندر آورد شیر دژم
 چو رفتی بد آورد^{۱۸} توران سپاه،
 به پیش سپه نیز بودم^{۱۹} به پای
 مرا بهره نامد به هنگام جنگ
 شومشان یکایک^{۲۰} به دام آورم
 رخس تازه، وز غم دل^{۲۳} آزاد گشت^{۲۲}
 که^{۲۵} شیری و نخچیر تو نره گور^{۲۶}
 چو لَهَاک سیصد شکار تو باد^{۲۷}!

۱- ل، ق (نیز پ، و، ل، ن، ب)؛ هشت؛ (ل: هفت)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، ق، ل، آ) ۲- ل: [از] ۳- ل، ق: دوتن نیز رفتند؛ متن = ف، ل (نیز ل، ب) ۴- س: وزان رزم بسیار سوده میان (۲۱۶۹-۲۱۷۴) آرا انداخته و از ۲۱۶۹ و ۲۱۷۴ ب یک بیت ساخته است) ۵- س: این ۶- ل: بود گردد؛ س (نیز ق، پ، و، ل، ن، ب)؛ جز از گردد؛ ق: جز از (وزن ندارد)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، ل، آ) ۷- (ق: که رفتند؛ پ: نرفتند؛ و، ب: نباشد؛ آ: برقتن ابا) ۸- ق (نیز ل، آ، آ): نشدشان بیری ۹- ل، ق (نیز آ): از اینجا؛ (ل، ل، آ از آنجا)؛ متن = ف، س، ل (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، ن، ب)؛ از ایران (جاز ایدر؟) ۱۰- ق: رسند ۱۱- س: از آن؛ ق: بدین؛ در ل: لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ل پس از این بیت افزوده است:

هم اندر زمان گفت با سرکشان
 که ای نامداران دشمن کشان
 ۱۲- ل (نیز ق، و) پس از بیت ۲۱۷۳ افزوده اند:

شود نزد لهاک و فرشیدورد
 برآرد ز هردو به شمشیر گرد
 لن پس از بیت ۲۱۷۳ افزوده است:

رود هر دورا سر ببرد ز تن
 زیاده تنانشان به پیش سپاه
 ز خاک سپه شان بیوشد کفن
 بیابد بسی خلعت از گنج شاه

۱۳- ل: بودند از ۱۴- ق: همه خسته ۱۵- س (نیز ل، و، ب)؛ و فرسوده ۱۶- س: اهرمان (!) ۱۷- ل: سرافراز شاه؛ (ل، ن، پ: سرافراز گاه)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب) ۱۸- ل- س: (نیز ل- ب)؛ باورد؛ متن = ف ۱۹- س: (نیز ل، و، آ): بودن؛ ل، س (نیز پ، ل، ن، ب)؛ سپه بر (ب: در) بیودن؛ (ق: سپه کرده بودی؛ ل: سپه بودن اندر)؛ متن = ف، ق، ل (نیز ل)؛ در ل: این بیت دوبار آمده است ۲۰- ل: شویم یک بیکشان ۲۱- س، ق: ازو ۲۲- ل: شد ۲۳- ل، س، ق، س (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب)؛ تازه و زغم؛ (ق: تازه گشت از غم؛ ل: تازه پشت از غم؛ و: تازه و از غم)؛ متن = ف، ل (نیز ل) ۲۴- ق: تو چو هور؛ (ل: بور هور؛ ل: همچو هور)؛ س (نیز ل، ن، ب)؛ نیک اختر و روز (ل: زور) هور؛ ل (نیز ل، ق، آ، پ)؛ نیک اختر تو ز هور؛ س: نیک اختر ای بور هور؛ متن = ف، ل (نیز آ) ۲۵- ق: چو ۲۶- (ل: زنده گور)؛ ل، ق (نیز ل)؛ بدخواه تو همچو گور؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ل، ق، ل، ب، آ، ب) ۲۷- س (نیز ل، ن، ب)؛ به پیروزی اندر مکن ترس یاد (۲۱۸۲ و ۲۱۸۳) آرا انداخته و از ۲۱۸۲ و ۲۱۸۳ ب یک بیت ساخته است

به پیروزی اندر مکن ترس یاد! ^۱ ز گردان که را دید پدرو کرد به جنگ دو ترک سرافراز رفت که گُستهم را زین بد آید به سر ^۲ همی رفت برسان کشتی بر آب، چو نزدیک دشت دغوی ^۳ آمدند، نبرد دلیران برآن ^۴ گونه گشت خروشان برفتند نزدیک شاه ز لشکر به آورد لَهاک ^۵ تفت چو تنگ اندرآید به دشت دغوی ^۶ ، شود گُستهم زبر خاکِ نبرد ^۷ بنزدیک گودرز بنهاد روی خروشید و چندی سَخُن کرد یاد: که هر نامداری که فرمان برد، بهانه به چرخ روان ^۸ برهنی برفتند ازآسان ^۹ دلاور به راه، به گوهر بزرگان ^{۱۰} آن کشورند، نباید که آید بروبر شکن	چو ما را در شادمانی گشاد ببوشید گُستهم دَرع نبرد برون تاخت از ^۱ لشکر خویش تفت همی گفت ^۲ لشکر همه سربسر یکی لشکر از نزد افراسیاب به یاری همی ^۳ جنگ جوی ^۴ آمدند خبر شد بدیشان ^۵ که پیران گذشت همه بازگشتند یکسر ^۶ ز راه خبر شد به ^۷ بیژن که گُستهم رفت گمانی چنان برد بیژن که اوی ^۸ بیابند ^۹ لَهاک و فرشیدورد نشست از بر دیزه ^{۱۰} راه جوی چو چشمش به روی نیا برفتاد نه خوب ^{۱۱} آید ای پهلوان از ^{۱۲} خرد مرو را به خیره به کشتن ^{۱۳} دهی دو تن ^{۱۴} نامدارانِ توران سپاه ز هومان و پیران ^{۱۵} دلاورترند کنون گسَته شد به جنگ ^{۱۶} دو تن ۲۱۸۵ ۲۱۹۰ ۲۱۹۵ ۲۲۰۰
---	--

۱- (ق: بمانی تو شاد)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز لن، ل، پ، و، آ)؛ ل، ق (نیز ل^۲) این بیت را ندارند (۲۱۸۲ پ) ۲- ل: رفت و از؛ ق (نیز ل، آ)؛ همی تاخت وز؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ب) ۳- س: غمی گشت ۴- ق (نیز ل^۲): که گسَته با دو نتابد مگر ۵- ل، س، ق، ل: همه ۶- ل: جنگجو ۷- ل: دعوی؛ س (نیز ب)؛ دعوی؛ ق، س^۱ (نیز لن، ل، ن^۲)؛ دغوی؛ (ل^۲): رعوی؛ پ: رعوی؛ متن = ف، ل^۲ (نیز ق، و) ۸- س: بایران؛ ق (نیز ق، ل، ب)؛ بایشان؛ ل^۲ (نیز لن، ل، ن^۲)؛ بایشان؛ (و: از ایران)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ل، پ) ۹- ل (نیز لن): دگر؛ س: بدین؛ ق (نیز ل^۲): بدان؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ق، پ، و، لن، ب)؛ ل: ل^۲ (نیز ل^۲): لشکر ۱۱- ل: چوبشید؛ ل: بپرسید؛ متن = ف، س، ق، س^۱ (نیز لن - ب) ۱۲- س: فرهاد (!)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رفتن گسَته از پس لَهاک و فرشیدورد ۱۳- ل، س: او ۱۴- ل: دعوی؛ س: دغوی؛ ق، س^۱ (نیز لن، ل، ن^۲)؛ دغوی؛ ل^۲ (نیز و، آ، ب)؛ دعوی؛ (ل^۲، پ: رعوی)؛ متن = ف (نیز ق^۲) ۱۵- ل، ق (نیز ق، ل، آ)؛ نباید که؛ س: بتازند؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز پ، و، لن، ب) ۱۶- ل، ق، س^۱ (نیز ل^۲): برآرند ازو خاک (س^۱، ل^۲: گرد) روز نبرد؛ (ق^۱): برآرند از جان گسَته گرد؛ آ: کشتند آن چنان شیر روز نبرد؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۱۷- ف، ل^۲ (نیز لفت شهنامه، شماره ۱۶۷۴)؛ شیده؛ (ل^۲): باره)؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیز لن، ق، ل، پ، و، آ)؛ بیت ۵۹۹ و ۷۰۸؛ س (نیز لن، ب) این بیت را ندارند ۱۸- س: که خوار؛ (ل، ل^۲، آ: که خوب) ۱۹- ق: کز؛ س: [از] ۲۰- ق: بدشمن (در بالا ضبط متن را افزوده است) ۲۱- ل، س^۱ (نیز ق، ل، ل^۲، پ، آ)؛ چرخ فلک؛ ق: چرخ و فلک؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز و، لن، ب) ۲۲- س: یل ۲۳- ل: زینسان؛ س: از آنسو؛ س^۱: از ایشان؛ متن = ف، ل^۲؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- س: ز پیران و هومان ۲۵- س: ز شیران ۲۶- ل: که گسَته تنهاست و ایشان؛ در ل^۲ ت های این بیت پس و پیش شده اند

همه کام ما بازگردد به درد
 چو بشنید گودرز گفتار اوی^۳
 پُراندیشه گشت^۵ اندر آن یک زمان:
 به گردان چُنین گفت سالار شاه
 ۲۲۰۵ پس گسْتَهَم رفت باید دمان
 ندادند پاسخ کس از انجمن
 به گودرز پس گفت بیژن که کس
 که آید ز گردان بدین کار پیش؟
 مرا رفت باید که از کار اوی
 ۲۲۱۰ بدو گفت گودرز کای تیزمرد^{۱۴}
 نبینی که ماییم پیروزگر؟
 بریشان^{۱۶} بود گسْتَهَم چیره‌بخت^{۱۷}
 بمان تا کنون از پس گسْتَهَم
 که با او^{۱۹} بود یار گاه^{۲۰} نبرد
 ۲۲۱۵ بدو گفت بیژن که ای پهلوان
 کنون یار باید که زنده‌ست مرد
 چو شد گسْتَهَم^{۲۴} گشته در کارزار:

که^۱ کم گردد از لشکر آن زادمرد^۲
 کشیدن بدان^۴ کار تیمار اوی^۳،
 همان بُد کجا بُرد^۶ بیژن گمان
 که هر کس که جویدهمی نام وجاه^۷،
 مرو را بدان^۸ یار با بدگمان^۹
 نه غمخواره بُد کس، نه آسوده‌تن
 جز از^{۱۱} من نباشدش فریادرس
 به سیری نیامد کس از جان خوش^{۱۱}
 جگر^{۱۲} پُر ز دردست و پُر آب روی^{۱۳}
 نه گرم آزموده ز گیتی نه سرد،
 بدین کار مشتاب تند ای پسر^{۱۵}!
 و زیشان ستاند سر و تاج و تخت^{۱۸}
 سواری فرستم چو شیر دژم
 سر دشمنان اندر آرد به گرد
 خردمند و هُشیار^{۲۱} و روشن‌روان،
 نه آنگه کجا زو^{۲۲} برآرند گرد^{۲۳}
 سرآمد برو روز و برگشت کار^{۲۵}!

۱- ل، س، ق (نیز ل، پ، و، لن، آ، ب)؛ چو؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ل) ۲- ل، ق، س (نیز ل، آ)؛ رادمرد؛ (ل)؛ کم خرد؛ لن؛ شیرمرد؛ س؛ کم گشت ازین لشکر آن شیرمرد؛ متن = ف، ل (نیز لن، و، آ، ب) ۳- ل، س؛ او ۴- ل؛ بران ۵- ل؛ شد؛ ل، س، س (نیز ق، ل، ل، پ، لن، آ، ب)؛ پس (س)؛ چو اندیشه کرد؛ متن = ف (نیز لن) ۶- (ل، ل، آ)؛ که می‌برد؛ ل؛ هم از بد که می‌برد؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۷- ل، ق، ل (نیز ق، ل، آ)؛ گاه؛ س؛ نام شاه (پساوند ندارد)؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۸- ل، ل، س (نیز لن، ل، پ-ب)؛ بدن؛ (ق، ل، آ)؛ بود؛ متن = ف، س، ق؛ بدان-بُدن؟ ۹- ل؛ بر بدگمان؛ ق؛ کار باید همان (!) ۱۰- س (نیز لن)؛ بجز ۱۱- ق بیت‌های ۲۲۰۸ و ۲۲۰۹ را ندارد ۱۲- س، س (نیز پ، و، لن، آ، ب)؛ دلم؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، ل، آ) ۱۳- (ق)؛ دلم گشت پردرد از آزار اوی ۱۴- ل، س، ق (نیز ل، ل، پ، لن، آ)؛ شیرمرد؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، و، ب) ۱۵- س؛ وانده مبر؛ (ق)؛ نیک ای پسر؛ پ؛ و باش ای پسر؛ ب؛ جان پدر ۱۶- ل؛ بدیشان؛ س؛ از ایشان ۱۷- س (نیز ل، پ، لن، آ)؛ چیره‌دست؛ (ق)؛ پیش‌دست؛ متن ← ۱۸- س؛ وزایشان بود نیز نیرو و بست (!)؛ (ق، ل، آ)؛ کند جان ایشان به شمشیر پست؛ پ، لن؛ به خنجر ببرد سر هر دو پست؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز لن، ل، و، ب) ۱۹- ف، ل (نیز لن)؛ وی ۲۰- ف، ل؛ وقت؛ (لن)؛ روز؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ق، ل، ب)؛ ق (نیز ل)؛ پس از این بیت افزوده‌اند:

چنین پاسخ آورد بیژن دگر کای پهلوان جهان سربسر

۲۱- ل، س (نیز لن، ق)؛ بیدار؛ (ل)؛ همیشه بزی شاد؛ متن = ف، س، ل (نیز و، لن، آ، ب)؛ ق بیت‌های ۲۲۱۵ و ۲۲۱۶ را ندارد ۲۲- ف، ل (نیز لن)؛ بدانگه (حده آنگه) کجا زو؛ س (نیز پ، لن، آ، ب)؛ نه آنگه که از وی؛ ل، س (نیز ل)؛ نه آنگه کش (ل)؛ که از جان؛ متن = (ق، و) ۲۳- (ل)؛ نه آنگه کزو خاست گرد نبرد ۲۴- ل (نیز ل، آ)؛ گسْتَهَم شد ۲۵- ل؛ بندم کمر تنگ بر کارزار؛ ل، س، ف، ل، لن، آ، پس از این بیت افزوده‌اند: ←

- بفرمای تا من زای تیمار^۲ اوی^۳ ۲۲۲۰
 ورا ایدونک^۵ گویی: مرو، تا^۶ سرم
 که من زندگانی پس از مرگ اوی^۱
 بدو گفت گودرز: بشتاب پیش^{۱۲}!
 نیایی همی سیری^{۱۵} از کارزار
 نسوزد همانا دلت بر پدر
 برآری همی از سر خویش خاک^{۱۸}
 ۲۲۲۵
 چو بشنید بیژن^{۲۰} فروبرد سر
 کمر بست و^{۲۱} بر ساخت^{۲۲} مر جنگ را
 به گیو آگهی^{۲۳} شد که بیژن چه کرد^{۲۴}
 پس گستم تازنان^{۲۵} شد به راه
 هم اندر زمان گیو برجست^{۲۶} زود
 بیامد به ره بر چُن^{۲۸} او را بدید
 ۲۲۳۰
 بدو گفت: چندین زدم داستان
 کمر بست بر جنگ فرشیدورد،
 به جنگ سواران توران سپاه
 نشست از بر تازی اسپی^{۲۷} چو دود
 به تندی عنانش به یکسو کشید
 نخواهی همی بود همدستان،

۱- ق، س: به ۲- س: پیکار ۳- ل، س: او ۴- ق، س: در؛ ل این بیت را ندارد ۵- س: ایدونکه ۶- ل، ق، س: (نیز ق، ل، آ، آ): من؛ (لن: این)؛ متن = ف، س، ل (نیز پ، و، لن، ب) ۷- س: برین ۸- ق: همیدون بدین ۹- ق: او ۱۰- س (نیز لن): باشم ۱۱- ق: مجو ۱۲- س: زود ۱۳- ل: با؛ ق: نیست مهتر ابا؛ س: (نیز ل): نیست مهتر (ل: بر) ۱۴- س: عنان را بیچان بگردار دود؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، ل، پ- ب) ۱۵- ق: نیایی همی سیر ۱۶- ف: هر زمان (هر زمان؟ یا هر زمان؟)؛ س (نیز پ، و، لن): هر دم؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۱۷- س، ق، ل، س: (نیز ق، ل، آ، پ، و): بسوزی مرو را؛ (لن: بسوزد مرو را؛ آ: بسوزد زرد)؛ متن = ف، ل (نیز لن، ل) ۱۸- (ق، ل، پ، لن، ب): کوه خاک؛ و: همی کردن از تیره خاک؛ ل (نیز ل): برآرم همی گفت از کوه (ل: ازین تیره) خاک؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ل، آ) ۱۹- ل (نیز ل): زو؛ س، س: (نیز پ، و، لن، ب): زین؛ (لن: نیست)؛ متن = ف، ل (نیز ل، آ)؛ ق این بیت را ندارد؛ در ل (نیز ل) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰- ق: چو بیژن شنید آن ۲۱- (ق: چو بشنید) ۲۲- ف، س، ل (نیز ل، پ، و، لن، ب): برخاست؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ق، ل، آ) ۲۳- ل: آنگهی ۲۴- ل: چو گرد؛ (ق: آنگهی گفت بیژن چو گرد)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ل- ب)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رفتن بیژن ازین گستم و مناظره او با پدر ۲۵- ل، س (نیز لن، ق): تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل (نیز پ، لن، آ): تازیان؛ س: تازه نان (تازنان)؛ متن = ف (نیز و، ب)؛ ق (نیز ل، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۶- ق: برگشت ۲۷- س (نیز لن): بادپایی ۲۸- ل، ق، س: (نیز ق، ل، آ، و، ب): چو؛ (پ، لن، مر): س: براه و مر؛ متن = ف، ل (نیز آ)

→

کنون دار گرد داشت خواهی نگاه
 نماند (لن: نیاید) بجز کشته پر خون سرش (لن: برش)
 که شد کار بر جان او بر دراز
 وزان هریکی نامور مهتری

ل: کجا سود دارد مرو را سپاه
 س، لن: چه سود افرستی سواری برش
 ق: چه باید بکار آنگهی سرفراز
 ل، آ: چه سود افرستی برش لشکری

که باشم ز^۱ تو شادمان یک زمان^۲
 به هر کار دردِ دلِ من^۳ مجوی!
 جز از تو به گیتیم^۴ فرزند نیست
 بدین^۵ ده^۶ شبانروز بر پشتِ زین
 بسودی به خفتان و خود^۷ اندرون
 چو نیکی دهش بختِ پیروز^۸ داد
 به پیش زمانه چه تازی سرت^۹؟
 کسی کو مجوید^{۱۰} سرانجام خویش
 تو چندین به گرد^{۱۱} زمانه میوی
 ز بهر مرا^{۱۲} زین سخن بازگرد^{۱۳}
 بدو گفت بیژن که ای پرخرد
 که^{۱۴} کار گذشته نیاری به یاد
 بدان ای پدر کین سخن داد نیست^{۱۵}
 که با من چه کرد اندر آن گشته^{۱۶}
 ار^{۱۷} ایدون کجا گردش ایزدی
 نبشته^{۱۸} نگردد به پرهیز باز
 کجا رفت خواهی برینسان^{۱۹} دمان؟
 به پیران سر از من چه خواهی^{۲۰} بگوی!
 روانم به درد تو خرسند نیست
 کشیده به بدخواه بر تیغ کین،
 نخواهی همی سیر گشتن ز خون؟
 نباید نشستن بر آرام^{۲۱} و^{۲۲} شاد
 بس این شده سستی بدین خنجرت^{۲۳}؟
 نیابد^{۲۴} ز گیتی بسی نام^{۲۵} خویش
 که او خود سویی ما نهاده ست روی
 نشاید که داری دلِ من^{۲۶} به درد
 جزین^{۲۷} بر تو مردم^{۲۸} گمانی برد
 بیچی^{۲۹} به خیره همی سر ز داد
 مگر جنگِ لاوَن ترا یاد نیست^{۳۰}،
 غم و شادمانیم با او به^{۳۱}
 فرازاید و^{۳۲} روزگار بدی^{۳۳}،
 نباید کشید این سخن را^{۳۴} دراز!

۱- ل، ق (نیزلی، ل، آ): به؛ متن ← ۲- ق (نیزق، ل، آ، آ): یکزمان شادمان؛ س: که باشد ز تو یکزمان شادمان؛ متن = ف، ل، ل، ل
 (نیزلن، پ، و، لن، ب) ۳- ل، س، ق، ل (نیزلی، ل، آ، لن، آ، ب): بدینسان؛ متن = ف، س (نیزلن، ق)؛ درس لت های این بیت پس
 و پیش شده اند ۴- ل، ق، س (نیزلن - پ، آ): دل را؛ متن = ف، س، ل (نیزو، لن، ب) ۵- ل: باید ۶- س: بگیتی مرا جز
 تو؛ ق این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:

ببخشای بر مام و باب ای پسر مسوزان دل مام و این کین مخور

۷- ل، ق، س (نیزل، ب): بدی؛ س: برین؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ) ۸- س (نیزق، پ، لن، ب): نه ۹-
 ق: تیغ ۱۰- ل: فیروز ۱۱- ل، ل (نیزلن، ق، ل، لن): بارام و؛ س، س (نیزلی، ل، پ، و، آ، ب): بارام؛ ق: نباید ز گیتی همی
 بود؛ متن = ف ۱۲- س: سرش ۱۳- س: خنجرش؛ ق (نیزل) بیت های ۲۲۳۸ و ۲۲۳۹ را ندارند ۱۴- ف، ل، س: محوید
 (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل: نگویید؛ س: نخواهد؛ (و، لن، ب: نجوید)؛ متن = (پ، آ) ۱۵- ف: نباید (حرف دوم نقطه
 ندارد)؛ ل: محوید (نقطه ندارد)؛ س: مابد (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل: نیاید؛ (لن: مابد (نقطه ندارد)؛ ق، پ، آ: بیابد)؛ متن =
 (و، لن، ب) ۱۶- س (نیزق، پ، لن، ب): کام؛ ل: چنین کام؛ (آ: همه کام)؛ متن = ف، ل (نیزلن، و)؛ س: ز گیتی نباید همی
 کام ۱۷- س، س (نیزپ، لن، ب): به پیش؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزلن، ق، ل، آ، و، آ) ۱۸- (ل، و، ب: دل؛ پ، لن):
 پدر ۱۹- س: ز بهرام ازین سخن یاد کرد (!) ۲۰- س: دل را ۲۱- ق: چنین ۲۲- س: هرکس ۲۳- س: ز:
 ق: تو ۲۴- س (نیزپ، لن، ب): چه بیچی؛ ل: بیچی ۲۵- س: نیست داد ۲۶- س: نیست یاد ۲۷- ل، س، ق
 (نیزلن، ق، ل، پ، ب): شادمانیش با من (س، و، آ: ما) به؛ س: شادمانی ابا من به؛ (ل: شادیش بود با من به)؛ متن = ف،
 ل ۲۸- ل، س، ق، س (نیزق، ل، پ، و، لن، ب): ورا؛ ل: از (ج: ار)؛ (ل، آ: گر) متن = ف (نیزلن) ۲۹- ل (نیزق):
 آورد؛ س (نیزپ، لن، آ): آید از؛ (لن: آمد از؛ ب: آرد آن)؛ متن ← ۳۰- س: گردش بخردی؛ ق (نیزل): آید از من نگردد بدی؛ متن =
 ف، ل، س (نیزلی، و، آ) ۳۱- ل، س (نیزو، لن، آ): نوشته؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن - پ، آ، ب) ۳۲- (ل، و، آ: سخن ها)؛
 س (نیزل، پ، لن، ب): کشید سخن؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیزلن، ق)

زا پیگار سر برمگردان که من
بدو گفت گیو: از نگردي تو باز
تو بی من نکوی^۵ به روز^۶ نبرد
بدو گفت بیژن که این خود مباد
سه گرد از پس^۷ بیم خورده^۸ دو تور
به جان و^۹ سر شاه روشن روان
به کین^{۱۰} سیاوش کزین رزمگاه
خواهم بدین^{۱۱} کار فرمانت کرد
چو بشنید گیو این سخن^{۱۲} بازگشت
که پیروز رفتی^{۱۳} و شاد آمدی!

همی تاخت بیژن پس گسَتهَم که ناید ز توران^{۱۴} بروبر^{۱۵} ستم

گفتار اندر رفتن بیژن گیو پس گسَتهَم^{۱۶}

چُن^{۱۷} آن روز^{۱۸} لهاک و فرشیدورد
گذشتند پویان بگردار^{۱۹} گرد^{۲۰}

۱-س: به ۲-س، ل، آ، س (نیز ل-آ): فدا؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ق، آ، ب) ۳-ق: دل و جان و؛ و: درین جان و؛ ب: برین جان و) ۴-س: کو ۵-ل (نیز ل، پ، ل، آ، ب): نپویی؛ س: نبود؛ (و: نگردي)؛ ل: تو با من بگویی (ج-بکوی)؛ س: نکوی تو بی من؛ ق: بکوی تو با من؛ ل: تو با من پیویی؛ متن = ف، ق (نیز ل) ۶-س: بدشت؛ ل: که روز؛ (آ: براه) ۷-س: که با؛ ق: کزین ۸-س: پهلونژاد ۹-ل، ق (نیز ل، ل، آ، و، آ): از پی؛ س: سه خورده از(!)؛ متن = ف، س، ل (نیز ل، پ، ل، آ، ب) ۱۰-ف، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ): نیم خورده (درف، س، ل، حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، س: نیم خورده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، آ: نیم مرده؛ ل، آ: نیم خورد)؛ متن = (پ، و، ب) ۱۱-ل: بشازند؛ س: بتابند؛ (ل: بشازیم؛ ب: برانند)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ل، ق، ل، آ-آ) ۱۲-ل: برین؛ س: پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت اکنون زره بازگرد
چنین گفت بیژن که این نیست داد
نشسته بزین نامداران بزم
چه گویند بیژن بدین دشت رزم

۱۳-ل: [و] ۱۴-ق: بخون ۱۵-ل، س (نیز ل، پ): بزین؛ (و: درین)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ل، آ، ل، آ، ب) ۱۶-س: آنگهی ۱۷-ل: برو ۱۸-ل، ق: بادی؛ (ل: باشی؛ ل: گشتی)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ل، آ-ب) ۱۹-س (نیز ل، پ، ل، آ): دست بدی؛ ل، ق (نیز ل، آ): میناد چشم تو هرگز بدی؛ متن = ف، س، ل (نیز ب) ۲۰-س: ترکان ۲۱-ل، ق: برو بر ز توران؛ ل، ق (نیز ل، پ) پس از این بیت افزوده اند:

پس گسَتهَم تا ز نان شد براه
بجنگ سواران توران سپاه

۲۲-ف: گفتار اندر رفتن بیژن گیو پس گسَتهَم و رسیدن گسَتهَم بلهاک و فرشیدورد و جنگ کردن با هر دو و کشته شدن لهاک و فرشیدورد؛ ق: رفتن بیژن در عقب گسَتهَم و نبرد گسَتهَم با ترکان و کشته شدن ترکان و رسیدن زخم بگسَتهَم و خسته گشتن و رسیدن بیژن بوی و آوردن او را بلشکرگاه؛ ل: رفتن بیژن از دنیا به گسَتهَم و رسیدن لهاک؛ س: رفتن بیژن از پی گسَتهَم؛ متن = آغاز ف ۲۳-ل، س (نیز ل، ب): چو؛ متن = ف ۲۴-ف، ل، ق، س (نیز ل، پ، و): از دور (؟)؛ (ق: از پی؛ ل، آ: از آب؛ ل، س، آ، ب: از رود)؛ متن = س، ل، ل، ل، س، ق (نیز ل، ل، و): ز (س، ل، ل، به) دشت نبرد؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، پ، ل، آ، ب)

<p>۲۲۶۰ به یک ساعت از^۱ هفت فرسنگ راه یکی بیشه دیدند و آب روان به بیشه نذر^۵ مرغ و نخچیر و شیر به نخچیر کردن فرود آمدند چو ز آب^۱ اندر آمد، ببايست نان بگشتند بر گرد آن مرغزار ز پیکان تیز آتش افروختند بر آتش فگندند چندی کباب^{۱۳} بود^{۱۶} روزگار دلیران دژم فروخت لَهَاک و فرشیدورد بر آمد، چو شب^{۲۰} تیره شد، ماهتاب رسید اندر آن جایگه گسهم نوند اسپ او^{۲۲} بوی اسپان شنید سبک اسپ لَهَاک هم زین^{۲۴} نشان دوان^{۲۵} سوی لَهَاک و^{۲۶} فرشیدورد</p>	<p>برفتند این^۲ از^۲ ایران سپاه بدوی^۳ اندرون سایه گاه^۴ کیان^۴ درخت از بر و^۶ سبزه و آب زیر از آن^۷ تشنگی سوی رود^۸ آمدند بدانده^{۱۱} و شادی نبندد دهان! فگندند بسیار مایه شکار^{۱۱} برو^{۱۲} خشک هیزم همی سوختند بخوردند و کردند^{۱۴} سر سوی آب^{۱۵} گجا چیره باشد^{۱۷} بریشان^{۱۸} ستم به سر بر همی پاسبانش کرد^{۱۹} دو غمگین سر اندر نهاده به خواب که بودند یاران^{۲۱} توران بهم خروشی بر آورد و اندر مید^{۲۳} خروشی بر آورد چون بی هُشان، ز خواب خوش آمدش بیدار^{۲۷} کرد</p>
---	---

۱- س (نیزق، ل، آ): آن؛ (پ: باندک زمان) ۲- ل، ق: ز؛ س: گزشتند برتر از ۳- ل، ق، ل، س (نیزق، ل، آ، و، ل، آ، آ، ب): بدو؛ س (نیزب): بدان؛ متن = ف (نیزلن) ۴- س (نیزق، ل، پ، ل، ن، ب): گوان؛ ل (نیزل): سایه کاروان؛ ق: سایه ناروان؛ (لن: آهوان را دوان؛ و: سایه داری جوان؛ آ: سایه کاویان)؛ متن = ف، س، ل ۵- ل- س (نیزلن- ب): به بیشه درون؛ متن = ف: به بیشه اندرون ۶- ل، ق، س (نیزلن، ل، ل، ن، آ): [و]؛ متن = ف، س، ل (نیزق، ل، پ، و، ب) ۷- ل، ق، س، آ: وزان ۸- ق: نیمه برود (!) ۹- ل، ق (نیزق، ل، ل، ن، آ، ب): چو آب؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، آ) ۱۰- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، ل، و، ل، آ، ب): باندوه؛ س (نیزق، پ): از اندوه؛ متن = ف ۱۱- س این بیت را ندارد ۱۲- س: سرو (نقطه ندارد)؛ ل (نیزلن، و): ترو؛ متن = ف؛ ل، ق، س (نیزق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب) این بیت را ندارند ۱۳- ل، س، ق، س (نیزق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): برافروختند آتش و زان (س: وزو؛ ق: وآن؛ ق، ل، آ: واز) کباب؛ متن = ف، ل (نیزلن، و) ۱۴- ل، آ: دادند ۱۵- ل- س (نیزلن، ل، ل، پ، و، آ، ب): خواب؛ (ق: سرها بخواب)؛ متن = ف (نیزلن)؛ بنداری: فتام أحدهما علی حافة الماء، وقعد الآخر ينظر ۱۶- ل: چوبد؛ س (نیزق، ل، پ، ل، ن، ب): چو شد؛ (و: بید)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن، ل، آ) ۱۷- ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، آ، ب): خیره باشد(؟)؛ ل، ق: خواب سازد؛ (ل: جای سازد و: چیره گردد)؛ متن = (ل) ۱۸- ق (نیزلن، ب): بدیشان ۱۹- ق: همی گشت اسب نبرد ۲۰- س: برآمد شب و؛ س (نیزلن، ب): برآمد شب؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزلن- و، آ) ۲۱- س (نیزب، ل، ن، ب): گردان؛ س: شیران؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزلن، ق، ل، و، آ) ۲۲- ف: وی؛ س: حون؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن، ب) ۲۳- ق (نیزلن، ل، ن، ب): و اندر دوید؛ ل: و دم درکشید؛ متن = ف، ل، س، س (نیزق، و، آ، ب) ۲۴- ل (نیزو): زان؛ متن = ل، ق، س، س (نیزلن، ق، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۵- ف (نیزلن): روان؛ ل، ق، س (نیزلن): دمان؛ متن = س، ل (نیزق، ل، ل، ب) ۲۶- ل، س، ق (نیزلن، ل، پ): [و] ۲۷- س (نیزب): خوشش زود بیدار؛ س (نیزل): بیامد وزان خواب بیدار؛ (لن، ل، آ: بشد زودش از خواب بیدار؛ پ، ل، ن: شد او را ز خواب خوش آگاه؛ و: ز خوش خوابشان زود بیدار)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزق، آ)؛ این بیت در ل پس از بیت ۲۲۷۸ و در ق پس از بیت ۲۲۷۷ آمده است؛ بنداری (۲۲۷۵-۲۲۷۱): فوصل کسهم الی ذلک المکان، وأحس فرسه بحاسة الشم بفرسها فسهل فجابه فرس لهاک، فأحس بالشر، وأیظ أخاه، و قال له: عجل فقد لحقنا الطلب

- ۲۲۷۵ بدو گفت: برخیز ازین^۱ خواب خوش!
که دانا زد این داستان بزرگ
نباید که گرگ از پش درکشد^۵
چه مایه پبویید^۷ و چندی شتافت^۸
هلا زود^{۱۱} بشتاب کامد سپاه
- ۲۲۸۰ نشستند بر اسپ^{۱۳} هر دو سوار
ز بیشه به بالا^{۱۶} نهادند روی
به هامون نهادند^{۱۹} هر دو سوار
پدید آمد از دور پس^{۲۲} گشتهم
دلیران چو سرها^{۲۵} برافراختند
گرفتند یک با دگر^{۲۸} گفت و گوی^{۲۹}
جز از^{۳۲} گشتهم نیست کامد به جنگ
گریزان ببايد شد از پیش اوی
نیابد رهایی ز ما گشتهم
- به مردی سر^۲ بخت^۳ بد را بگش!
که شیری که بگریزد از جنگ^۴ گرگ،
که او را همان بخت بد خود کُشد^۶
کس از روز^{۱۰} بد هم^{۱۱} رهایی نیافت!
از^{۱۲} ایران و، بر ما گرفتند راه
- کشیدند پویان از آن^{۱۴} مرغزار^{۱۵}
دو خونی^{۱۷} دلاور^{۱۸}، دو پرخاشجوی
دو دیده که^{۲۰} تا چون بسیچند کار^{۲۱}
ندیدند با وی^{۲۳} سواران^{۲۴} بهم
مرو را بدیدند و^{۲۶} بشناختند^{۲۷}
که یک تن^{۳۰} سوی^{۳۱} ما نهاده ست روی
درفش دلیران گرفته به جنگ
مگر کاندراآرد^{۳۳} بدین دشت روی
مگر بخت بد کرد خواهد ستم^{۳۴}

۱- ل: زین ۲- ق: سرو؛ س: سراز ۳- ل، س، ق (نیزلی، ل، پ، لن، ب): خود؛ متن = ف، ل، س، س (نیزلن، ق، آ، و آ) ۴- ف (نیزلن): جنگ؛ ل، س (نیزلن، و، آ): جنگ؛ متن = ق، ل، س، س (نیزق، ل، پ، ب) ۵- س (نیزل): برکشد؛ (و: سرکشد)؛ ق: که گرگان پش برکشد؛ (ق: که در راه دم برکشد)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ل، پ، ب، آ، ب) ۶- س (نیز لن): بد را کشد؛ س (نیزق، ب): بد در (پ: بر) کشد؛ ل، ق (نیزل، و): بخت خود در (ل، ل، ب): کشد؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، لن، آ، ب)؛ درق پس از این بیت، بیت ۲۲۷۴ آمده است ۷- س: بسودند؛ (و: بتوفید) ۸- (ب: بتافت)؛ ل: بیود و پس اندرشتافت ۹- س: بخت ۱۰- (ق، ب: خود؛ ل، را)؛ درل پس از این بیت، بیت ۲۲۷۴ آمده است؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به لَهَاک رد گفت فرشیدورد که ای نامبردارمرد نبرد

۱۱- ل، ق (نیزل): بدو گفت؛ (لی، آ: هلا خیزو)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب) ۱۲- ف، ق، ل: ز ۱۳- ل: باره ۱۴- س: بدان ۱۵- ق: دو دیده چنان وقت ابرهبار؛ س (نیزل، و، آ): دو دیده (س: دونده) که تا چون بسیچند کار (۲۲۸۰) ۱۶- آرا انداخته و از ۲۲۸۰ و ۲۲۸۲ ب یک بیت ساخته اند؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ س در اینجا سرنویس دارد: رزم گشتم با لهاک و فرشیدورد و کشته شدن لهاک و فرشیدورد ۱۶- س (نیزپ، لن، ب): بهامون ۱۷- (پ، لن): دو گرد؛ ب: دوشیر ۱۸- س: دو جنگی؛ ق، س (نیزل، و، آ) این بیت را ندارند ۱۹- ل، ل (نیزپ): کشیدند؛ متن = ف، س (نیزلی، لن، ب) ۲۰- ل (نیزپ): پراندیشه؛ (لن: دونده که)؛ متن = ف، س (نیزلی، ب؛ پ ۱۲) ۲۱- ل: کشیدند پویان از آن مرغزار (= ۲۲۸۰) ۲۲- س: تا؛ (پ: در؛ و: هم) ۲۳- ل، س، س (نیزق، ل، پ، لن، آ، ب): او؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ل، و) ۲۴- ل، س، ق، س (نیزلن، ل، پ، و، لن، ب): سواری؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، آ) ۲۵- ل: سررا ۲۶- ل، ق (نیزلی، ل، آ): چو دیدند؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب) ۲۷- درف، ل، س، س، آ، و حرف یکم نقطه ندارد ۲۸- س، ل، س (نیزلی، و، لن، ب): با یکدگر؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، ق، ل، آ) ۲۹- ل، ق: گفت گوی ۳۰- س: که تنها ۳۱- ق: بر؛ درل پس از این بیت، بیت ۲۲۸۸ آمده است ۳۲- س: بجز؛ ق (نیزل) این بیت را ندارند ۳۳- ف: آید؛ متن = ل، س، ل، س (نیزلن، آ، ب)؛ ق (نیزلی، ل، و، آ) این بیت را ندارند ۳۴- درل این بیت پس از بیت ۲۲۸۵ آمده است

۲۲۹۰ وُزآنجا به هامون نهادند روی
 بیامد، چو نزدیک ایشان رسید
 بریشان بیارید تیر خدنگ
 یکی تیر^۲ زد بر سرش گُستهم
 نگون گشت و هم در زمان جان بداد
 چو لَهَاک روی برادر بدید
 ۲۲۹۵ بلرزید از^۱ درد او خیره شد
 ز روشن^۶ روانش به سیری^۷ رسید
 بینداخت تیری سَوی گُستهم
 شدند آن زمان خسته هر دو^{۱۰} سوار
 یکایک برو گسَتم دست یافت
 ۲۳۰۰ به گردنش برزد یکی تیغ تیز
 سرش زیر پای اندرآمد چو گوی

چنین ست کردار گردان سپهر
 چو سر جویش، پای یابی نخست^{۱۷}
 ببرد ز پرورده‌ی خویش مهر
 و گر پای جویی^{۱۸}، سرش سوی^{۱۹} تست

۱- ق پس از این بیت افزوده است (پ نیزبتهای دوم و سوم را دارد):

برو بر بشمشیر بگشاد دست
 چو لَهَاک دید آنک فرشیدورد
 بگزرز گران دست بگشاد زود
 چو فرشیدورد اندرآمد بستنگ

۲- س (نیزپ، لن، ب): تیغ؛ ق ل^۲ (نیزو): نیزه؛ متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ (نیزلن، ق، ل، ل، آ): بنداری؛ نشاب؛ ل^۲ در اینجا سرنویس دارد؛
 اندر کشته شدن لَهَاک و فرشیدورد بدست گسَتم ۳- س: بشد ۴- ف- ل: وز؛ متن = س^۲ ۵- س: اندرون ۶- س: س:
 شیرین؛ (لن: انده) ۷- س: بربر ۸- ق، س: کمانش ۹- ل، س، ق، س^۲ (نیزلن، ل، ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف،
 ل^۲ (نیزق، ل، پ، و، لن، آ): ل، ل، ل، پ، و، لن^۲ پس از این بیت و س^۲، ق^۲ پس از بیت سپین افزوده‌اند:

درانداخت آن و درانداخت این
 نیفتاد تیریکی بر زمین

ف، ل، س، ق، لن، ل، آ این بیت را ندارند ۱۰- ق: بشد آن زمان خسته مرد ۱۱- ل (نیزل^۲): برخسته؛ س: برخسته شد؛ ق:
 برخسته از؛ ل^۲: جستند پس؛ س^۲ (نیزپ، لن): کردند پس؛ (ق: برخاسته؛ و: برخاستان؛ آ: بر ساخته)؛ متن = (لن، ل، ب) ۱۲- ف:
 کشیدند شمشیر زهرآب دار؛ در فلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ س پس از این بیت افزوده است:

کشیدند بریکدگر هر دو ان
 بکردند رزمی چو شیر و پلنگ
 سلاح نبردی و گرز گوان
 سرافراز گردان چو جنگی نهنگ

۱۳- س: عنان را پیچید و ۱۴- س، ق، س: ناگه ۱۵- ل: زو ۱۶- ل (نیزل^۲): بدوی؛ ف، س^۲ (نیزق، و): سرآمد همی
 (س: بران؛ ق: همان) زخم چوگان بروی (ق: او)؛ س (نیزلن، پ، ب): سرآمد هم رزم و (ب: زخم) پیکار اوی (لن: پرخاشجوی)؛ ل:
 سرآمد هم رزم ترکان بدوی؛ متن = ق (نیزآ) ۱۷- س: درست ۱۸- س: خواهی ۱۹- ل، س، س^۲ (نیزلن- و، آ، ب):
 پیش؛ متن = ف؛ ق، ل^۲ (نیزلن^۲) این بیت را ندارند

به زین بر چنان خسته بُدا گُستهم
 بیامد^۲ خمیده^۴ به زین اندرون ۲۳۰۵
 و زانجاہ سوی چشمه ساری^۶ رسید
 فرود آمد و اسپ را بر درخت
 بخورد آب و بسیار^۱ کرد آفرین
 بیچید و گردید بر تیره^{۱۱} خاک
 ۲۳۱۰ همی گفت کای^{۱۲} روشن^{۱۳} کردگار
 به دلسوزگی بیژن گیو را
 که گر^{۱۷} مرده گر^{۱۸} زنده^{۱۹} زین جایگاه
 سر نامداران^{۲۱} توران سپاه
 بدان تا^{۲۴} بداند که من جز به نام

که بگست خواهد تو گفتی^۲ ز هم
 همی راند اسپ و همی ریخت خون
 هم آب روان دید و هم سایه دید
 بیست و به آبشخور^۷ آمد ز بخت^۸
 بیستش تو گفتی یکایک^{۱۰} زمین
 سراسر همه تن به شمشیر چاک
 برانگیر^{۱۴} از آن^{۱۵} لشکر شهریار^{۱۶}،
 و گرنه دلاور یکی نیو را،
 کشد مر^{۲۰} مرا سوی ایران سپاه
 ببرد برد پیش^{۲۲} بیدار شاه^{۲۳}
 مردم، ز^{۲۵} گیتی همین ست کام^{۲۶}!

گفتار اندر رسیدن بیژن گیو به بالین گُستهم^{۲۷}

همه شب بنالید تا روز پاک ۲۳۱۵
 چو گیتی ز خورشید شد روشنا
 پُر از درد^{۲۸}، چون مار غلطان^{۲۹} به خاک
 بیامد بدان سایه گه^{۳۰} بیژنا

۱- ق، س: شد ۲- ل: گویی؛ س: گفتی که خواهد ۳- س: بیستش؛ (ل: بدانسان؛ آ: برانسان؛ ب: نشست) ۴- ف: سخنده (؟)؛ ل، س (نیز آ): خنده؛ ق: جنده؛ ل: سخوده (؟)؛ (لن: سختی؛ ل: خمیده؛ پ: خنده؛ ب: خمیده)؛ متن = س: (نیز ق، ل، و، لن: بنداری؛ و بق کستم علی ظهر فرسه مشخنا بالجراحات ۵- س: از آنجا؛ (لن: از آن ده)؛ متن ← ۶- ل: (نیز لن، ل، آ): چاهساری؛ (ق، ل: جویباری)؛ س (نیز ب): چنان هم بدان مرغزاران (ب: مرغزاری)؛ (پ، لن: بنزدیکی چاهساری؛ و: چنین تا بر چاهساری)؛ متن = ف، ل، ق ۷- ل- س: (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب): باب اندر؛ (پ: بید اندر)؛ متن = ۸- ف- س: (نیز لن، و، لن): سخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق: باب اندر ریخت سخت) ۹- ل، س: (نیز لن- پ، لن، آ، ب): آب بسیار؛ متن = ف، س، ل: (نیز و) ۱۰- ل (نیز ق، ل، و، لن، آ): سراسر؛ س، س: (نیز و): یکایک تو گفتی؛ متن = ف، ل: (نیز لن، پ، لن، آ، ب)؛ ق بیت های ۲۳۰۸ و ۲۳۰۹ را ندارد ۱۱- ف: گردید بر زیر و (بر تیره؟)؛ ل (نیز لن، پ، و، ب): غلید بر تیره؛ س، ل، س: (نیز ق، ل، لن، آ): غلید بر گرم؛ متن = (ل:؟) ← ف) ۱۲- ق: ای ۱۳- س (نیز ب): داور ۱۴- ف: بشگیر (ج: برانگیر)؛ ل: پدید آرد؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن- ل، و، ب) ۱۵- ل: زان ۱۶- ل، ق (نیز ق، ل، و، آ): نامدار؛ س: بی شمار؛ متن = ف، س، ل: (نیز لن، ل، ب) ۱۷- ف، س، ل: (نیز لن، پ، ب)؛ یا؛ (لن: تا)؛ متن = ل، ق، س: (نیز ق، ل، و، آ) ۱۸- ف، س، ل، س: (نیز لن- ب)؛ یا؛ متن = ل، ق ۱۹- س (نیز ب، لن، آ، ب): زنده یا مرده ۲۰- ل، ق (نیز ل، آ): برد مرده؛ ل: کشند؛ متن = ف، س، س: (نیز لن، ق، ل، ب) ۲۱- ل: سران بزرگان؛ (پ: سر این بزرگان) ۲۲- س: نزد؛ س: سوی ۲۳- س: هشیار شاه؛ ل: کشد مرا پیش ایران سپاه (= ۲۳۱۲ ب)؛ ق، و، لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: و یحمل رهوس الفار سین الی حضرة الملک ۲۴- س: که تا خود؛ ل: همان تا ۲۵- ل، س (نیز ل، پ، لن، آ، ب): به؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، ق، ل، آ، و) ۲۶- (ل، ل، آ: جز این نیست کام)؛ ق: مردم مراد همینست و کام ۲۷- ف: گفتار اندر رسیدن بیژن گیو بالین گُستهم در آن مرغزار؛ س: رسیدن بیژن بنزد گُستهم و لهاک و فرشیدورد؛ ل: رسیدن بیژن بتوران بطلب گُستهم؛ س: رسیدن بیژن بر گُستهم؛ متن = آغاز ف ۲۸- ق: درد؛ و؛ س (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب): بدان درد؛ (ل: آ: بران درد؛ و: از آن درد)؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز ق، ل، پ) ۲۹- ل، س (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب): بیجان؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز ق، ل، و، آ) ۳۰- ل، ق، س: (نیز ق، ل، آ): جایگاه؛ س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): رسید اندر آن جایگاه (س، ب: سایه گه)؛ (ل: پدید آمد آنجایگاه)؛ متن = ف، ل: (نیز و)؛ بنداری: و لا أصبح وصل بیژن الی ذلک المكان

همی گشت بر گرد آن مرغزار
 پدید آمد از دور اسپ سمند
 چمان و چران^۲ چون پلنگان به کام
 همه^۴ آلت زین^۵ بروبر^۶ نگون
 ۲۳۲۰
 چو بیژن بدید آن، ازو رفت هوش
 همی گفت کای^۱ مهربان نیک یار
 که پشتم شکستی و خسنی دلم
 بشد بر پی اسپ تا خانسار^{۱۲}
 ۲۳۲۵
 همه^{۱۴} جوشن و ترگ پُر خاک و خون
 فروجست بیژن ز شبرنگ زود
 برون کرد رومی قبا از برش
 تنش را نگه کرد از آن خستگی

که یابد نشانی ز گم بوده یار
 بدان مرغزار اندرون چون^۱ نوند
 نگون کرده^۳ زین و گسته لگام
 رکیب^۷ و کمند و جنا پُر ز خون^۸
 بر آورد چون شیر شرز خروش
 کجایی فکنده برین^{۱۰} مرغزار
 کنون جان روشن^{۱۱} ز تن بگسلم
 مرو را بدید^{۱۳} اندر آن مرغزار
 فتاده بر آن خستگی بر نگون^{۱۵}
 گرفتش بد آغوش^{۱۶} در^{۱۷} تنگ زود
 برهنه شد^{۱۸} از ترگ رومی^{۱۹} سرش^{۲۰}
 تبه^{۲۱} دید خسته^{۲۲} ز نابستگی

۱-س: مرغزاران همچون ۲-ف: دمان؛ متن = ل، س، ق، س (نیز لن-ب) ۳-ل، ق (نیز لی، ل، و، آ): گشته؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ق، پ، ل، ز، ب)؛ ل این بیت را ندارد ۴-ل: همان ۵-س (نیز لن، ب): همی گشت و (لن: دید) زینی ۶-ف: بدویر؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۷-س، س (نیز لن): رکاب ۸-ل، ق، ل (نیز و، آ): حنا پرزخون؛ س: جناش بخون؛ (ق): جناش بخون؛ ل: برش پرزخون؛ پ: عنان پرزخون؛ ب: جناش بخون؛ لن: برو سینه اش پرزخون؛ لن: کمندش همه پرزخون؛ متن = ف، س (نیز ل، ل) ۹-س: ای ۱۰-ل، ق (نیز لی، ل، و، آ): درین؛ س، س (نیز ق، پ، ب): بدین؛ ل: بران؛ متن = ف (نیز لن، لن) ۱۱-ل، س، ق، ل (نیز ل، آ): شیرین؛ متن = ف، س (نیز پ، و) ۱۲-ل، ق (نیز ل، ب، آ): بر چشمه سار؛ س: خسته سوار؛ س (نیز و): نا چاهسار؛ متن = ف ۱۳-س: ندید؛ س پس از بیت ۲۳۲۴ و ب بجای بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۴ افزوده اند:

چوبیک ساعت از روز اندر گذشت
 بدیدش فکننده بدان پهن دشت

ل بجای بیت های ۲۳۲۴-۲۳۲۵ و ق بجای بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۵ افزوده اند:

همه جوشن و ترگ پر خون و خاک
 رسید اندر آن جایگه بیژن
 ل: سر نامجویان چون آنجا رسید
 ق: چو دیدش بر آورد بیژن خروش

لن بجای بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۵ افزوده است:

وزان پس بر آبگیری رسید
 فکننده بر آب گتیم دید

لن بجای بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۴ و پ پس از بیت ۲۳۲۳ تنها بیت یکم را افزوده اند:

چگونم کجا جوم اکنون ترا
 چو نزدیک آن سایه اندر رسید
 چه بازی نمودست گردون ترا
 بدانسان فتاده مرو را بدید

لی نیز بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۴ را ندارد ۱۴-س: همی ۱۵-ل، ق (نیز لی، ل، و، آ) بدان (و از آن) خستگی سرنگون؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ب) ۱۶-ل، س، ق (نیز لن، ق، پ، و، لن، ب): باغوش؛ ل، س: بر آغوش؛ (ل): در آغوش؛ متن = ف ۱۷-ل (نیز لن، ب): بر ۱۸-س (نیز لن، ب): بد ۱۹-ل، س، ق، س (نیز ل، ب، و، لن، ب): خسته؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، ل، لی، آ) ۲۰-س: تنش (!) ۲۱-ف، ل: تنی؛ متن = س، ق، س (نیز لن-ب) ۲۲-ق: گشته؛ ب: جمله؛ ل این بیت را ندارد

<p>روان^۲ پُر ز تیمار و دل^۳ پُر ز درد همی بود زاری‌کنان پیش اوی تو رفتی و برگشت پرگار^۴ من رسیدن بر تو به جای^۵ نبرد چو با آهرمن ساختی کارزار^۶ برآورد سر^۷ هر چه خود خواست^۸ کرد بجنید^۹ و برزد یکی تیزدم مکن خویشتن پیش من در تباه، بنه بر سر خسته بر ترگ من^{۱۰}، توانی رسانید نزدیک^{۱۱} شاه که بینم یکی چهره‌ی شهریار مرا خود نهالی^{۱۲} جز از^{۱۳} خاک نیست بمیرد، بیابد سرانجام خویش که بردست من کرد یزدان^{۱۴} هلاک،</p>	<p>ز بس خون‌دویدن تنش بود زرد^۱ برآن خستگی‌هاش بنهاد روی همی گفت کای^۲ نیک‌دل^۳ یار من پژوهش مرا پیش^۴ بایست کرد مگر بودمی گاه سختیت یار کنون کام دشمن همه راست کرد بگفت این سخن بیژن و گسهم به بیژن چنین گفت کای نیک‌خواه مرا درد تو بتر^{۱۳} از مرگ من^{۱۴}؛ بدان^{۱۵} چاره کن تا ازین^{۱۶} جایگاه مرا داد^{۱۸} چندان پس از^{۱۹} روزگار و زان^{۲۰} پس چو مرگ آیدم باک نیست نمرده‌ست هر کس که با کام خویش دگر آن^{۲۳} دو بدخواه با ترس و باک</p>
---	---

- ۱- ف، س (نیز لن، و، ب): ز بس خون‌دویدن (ف: دوان) از تنش آب زرد (؟)؛ (پ، ل، ن): روان همچو رود از تنش آب زرد؛ متن = ل، ق، ل، س، ل، س، ل (نیز ق، ل، ل، ل، ل)؛ بنداری: فرای بدنه قد اصفر من نرف الدم ۲- ل، س، ل (نیز ق، ل، ل، ل، پ): دلش؛ ق: تش؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ل، ل، ل، ب) ۳- ل (نیز پ): جان؛ س، ل (نیز ل): تن؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ل، ل، ل، ب) ۴- ق: ای ۵- (ق: پرهز) ۶- ل (نیز لن): پیکار؛ س، ل: این کار؛ ل: و این بود پیکار؛ (ق، و): و برگشته شد کار؛ ل: و تا چونست پیکار؛ آ: و اینست پرگار؛ س (نیز پ، ل، ب): چو با اهرمن ساخته کار (← ۲۳۳۳)؛ (ل): نبرد در جهان جز تو غمخوار؛ متن = ف، ق ۷- ل: شتاب کنون بیش؛ ق: برفتن مرا یار؛ (ل، آ): برفتن تم بیش؛ ل: برفتی مرا بیش؛ و: شتاب اندرین بیش؛ متن = ف، س، ل، س، ل (نیز لن، ق، ل، پ، ل، ب) ۸- س (نیز پ، ل، ب): رسیدی بجایی که بودی (پ، ل، ن: بودت)؛ ق: که یارت همی بودمی در؛ س، ل: رسیدن همی بر تو جای؛ (ل): که می بودمی با تو اندر؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، ق، ل، ل، آ) ۹- س بیست‌های ۲۳۳۳-۲۳۳۵ را ندارد ۱۰- ف: بس؛ (ل، و): از؛ متن = ل، ق، ل، ل، س، ل (نیز ق، ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۱۱- ل، ق (نیز ل، ل، آ): هر چه (ل: هرچ) میخواست؛ متن = ف، ل، ل، س، ل (نیز ق، ل، پ، و، ل، ل، ب) ۱۲- ق: بخندید؛ ل (نیز ل، آ): بپیچید؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز لن، ق، ل، ل، ب) ۱۳- ق: بدتر؛ س، ل (نیز ق، ل، ل، آ): سختتر؛ (ل: برتر) ۱۴- ل، ق، س، ل (نیز ل، ب): خویش؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب) ۱۵- ل (نیز ل، پ، ل، ن): یکی؛ ق: مگر؛ متن = ف، س، ل، س، ل (نیز لن، ق، ل، و، آ، ب) ۱۶- س: از آن؛ س، ل: بدین ۱۷- ل، ق (نیز لن، ق، ل، ل، و، آ، ب): رسانیدم نزد؛ ل: رسانیدم پیش؛ (پ، ل، ن): مرا برد نزدیک؛ س، ل: توانم رفتن بنزدیک؛ متن = ف، س (نیز ق، ل) ۱۸- ل (نیز ق، ل، آ): بساد؛ س (نیز لن، ب): عمر؛ س، ل (نیز ل): کام؛ (و: مایه)؛ متن = ف، ق، ل (نیز پ، ل، ن) ۱۹- ل (نیز ل، آ): همی؛ (پ، ل، ن): امان؛ ل: اینست کز؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س، ل (نیز ل، ق، و، ب) ۲۰- ل: از آن ۲۱- س، ل (نیز لن، ب): نهالی مرا خود؛ (پ، و، ل، ن): که ما را نهالی؛ متن = ف، ل، ق، س، ل (نیز ق، ل، ل، آ) ۲۲- ل، س، ل (نیز ل، پ، و، ل، ن): بجز؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۲۳- ل، س، ل (نیز ق، ل، آ): و دیگر؛ ق: ولیکن؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۲۴- ق: ایزد

مگرشان به زین بر توانی کشید
سلیح^۱ و سر نامبردارشان
۲۳۴۵ کنی^۲ نزد شاه جهاندار یاد
بسودم به هر جای با بخت چنگ^۳
و گرنه سرانشان ز تنها برید
بری^۴ تا بدانند پیگارشان^۵
که من سر به خیره ندادم^۶ به باد
هم از^۷ نام جستن نبودم به ننگ^۸

به بیژن نمود آنگهی^۹ کان^{۱۰} دو تور
بگفت این و سستی گرفتش^{۱۱} روان^{۱۲}
از آن^{۱۳} جایگه اسپ او بی درنگ
۲۳۵۰ ندرین به زیر تن خسته^{۱۴} مرد
همه دامن گزته^{۱۵} بدرید^{۱۶} چاک
و ز آنجایگه سوی بالا دوان
سواران ترکان پراکنده دید
ز بالا چو برق^{۱۷} اندر آمد به شیب^{۱۸}
از آن^{۱۹} بیم دیده^{۲۰} سواران دو تن^{۲۱} ۲۳۵۵

کجایند^{۲۲} گشته فکنده ز^{۲۳} دور
همی بود بیژن به سر بر^{۲۴} نوان
بیاورد و بگشاد بر بند و^{۲۵} تنگ
ببفگند و نالید چندی به درد
بر آن^{۲۶} خستگپاش بر بست پاک
بیامد^{۲۷}، ز غم تیره کرده روان
که آمد ز راه بیابان پدید
دل از مردن^{۲۸} گشته^{۲۹} پرنیب^{۳۰}
به شمشیر کم کرد از آن^{۳۱} انجمن^{۳۲}

۱- س (نیزلی، و، لن)؛ سلاح ۲- ل، س، ق (نیزلن-ب)؛ پیر؛ متن = ف، ل، س، ۳- (ل، آ: کردارشان) ۴- س: بود؛ (ل: یکی) ۵- ل: بدادم؛ ق، س (نیزق، ل، ل، آ): ندادم (آ: بدادم) بخیره ۶- س: بسورد بهرجا که باشد بچنگ (!) ۷- ف: همین (؟)؛ ل، س (نیزق، پ، ل، ب): هم از؛ س: که در؛ (لن: که بر؛ ل، آ: بدین؛ و: که تا)؛ متن = ل (س- ف) ۸- ل (نیزو)؛ فرمودم به ننگ؛ س (نیزلن، ب، پ): نکردم درنگ؛ (لن: نمودم نه ننگ؛ ل: جسم میدون نه ننگ)؛ متن = ف، ل، س (نیزق، آ)؛ ق (نیزل) این بیت را ندارند ۹- (ق: آن زمان) ۱۰- ف (نیزل)؛ آن؛ ل، ق (نیزلی، آ)؛ هر؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، پ، و، لن، ب) ۱۱- ف: که خوارند؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ): که بودند؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، پ، و، لن، ب) ۱۲- ل، س: به؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن-ب)؛ بنداری؛ و اشاره الی الموضع الذی قتلها فيه، و آراه مصرعها ۱۳- (ق: نمودش) ۱۴- روان-زوان؛ بنداری؛ و لما فرغ من ذلك اعتقل لسانه ۱۵- (لن: بروبر)؛ بنداری؛ فاضطرب بیژن علی رأسه ساعة ۱۶- ل، ق، س: وزان ۱۷- ف: [و]؛ ل: از باره؛ س (نیزلن، ل، پ، و، لن، ب)؛ از او بندو؛ ق (نیزلی، آ)؛ از اسب؛ (ق: از بند)؛ متن = س (ف، بنداری)؛ بنداری؛ و حل حزامه و لبیه؛ ل بیت های ۲۳۴۹ و ۲۳۵۰ را ندارد ۱۸- ل: خفته ۱۹- ف، ل، ق، ل، س (نیزلی، ل، ل، آ): قرطه؛ س (نیزو)؛ جامه؛ (لن: فرطه؛ ق: خود)؛ متن = (پ، ب)؛ فرود، بیت (۱۰۶۳)؛ بنداری؛ و مزق اذیال قرطه ۲۰- ل، ق، س (نیزب)؛ را کرد؛ (ل: بپرید)؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، ل، آ، و، لن، آ) ۲۱- ل (نیزق)؛ ابر؛ ق: همان؛ (ل: بدان؛ ل، آ: همه)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، پ، و، لن، ب) ۲۲- ق: برآمد ۲۳- س (نیزل)؛ نوان؛ (ق: جوان؛ ل: برف) ۲۴- ل (نیزلن، لن)؛ نشیب ۲۵- ل: رفتن ۲۶- ل: با نیب؛ حرف یکم در پ، لن با سه نقطه و در دیگر دستویسها با یک نقطه ۲۷- ق، س: وزان ۲۸- س: نیرزیده؛ (ق: نیم دیده؛ پ: بیم خورده)؛ بیت (۲۲۵۲) ۲۹- س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ب)؛ سواران تور؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، و، آ) ۳۰- ل: زان ۳۱- س، ل، س (نیزلن، ل، پ، لن)؛ دلاور زتن خواست گشتن نفور؛ (ق: تنی چند دید اندر آن جای دور)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، و، آ)؛ ل هر دو ضبط را دارد؛ س، ل (نیزق، ب، لن، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بدشت اندرون داشت آن (ل، ل، لن: تاخت آن؛ ق: بیژن) شیر مرد

سواری ز ترکان (ق: همی تاخت و ترکی) بدو باز خورد

ز توران^۲ یکی را به گردن فگند
 از^۳ اسپ اندرآورد و زنهارداد^۴
 و زآنجا بیامد بکردار گرد
 بدید آن سران سپه را نگون
 به سرشان بر^۶ اسپان^۷ جنگی به پای^۸ ۲۳۶۰
 چو بیژن چنان دید کرد آفرین
 بفرمود تا ترک زنهارخواه
 بیستندشان دست و پای^{۱۳} و میان
 و زآنجا سوی گشتهم^{۱۵} تازنان
 فرود آمد از اسپ و او را چو باد ۲۳۶۵
 بدان ترک فرمود تا برنشست
 سمنید^{۱۹} نوندش همی راند نرم^{۲۰}
 مگر زنده او را بر شهریار

گفتار اندر رسیدن شاه کیخسرو بنزدیک گودرز و لشکر ایران^{۲۳}

چُن از روزه^{۲۵} ساعت اندر گذشت خور از گنبد چرخ گردان بگشت،

۱- ل (نیز ل، آ): زان پس؛ ق (نیز لن، ق، ل، پ، لن): بیجان؛ متن = ف، س، ل، س (نیز و، ب) ۲- ل، س (نیز لن، پ، لن، ب):
 ترکان؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۳- ف، ل، ل: ز؛ متن = س، ق، س (نیز ل): خواست ۴- ق (نیز ل):
 س، ق (نیز لن، ق، ل، پ، لن): [و]؛ متن = ف، ل، س (نیز ل) ۵- ل، ل: دو ۶- ل: دو ۷- ق: آن اسب ۸- س: نگون؛ (لن، پ، ب):
 چران؛ آ: پیا ۹- ف، س: سازنده (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل: سازید؛ ق، ق، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): سازنده؛ (ل، آ):
 اسپان؛ متن = ل ۱۰- ل (نیز ل): چرای؛ س: بردشت خون؛ ق: بر سبز جای؛ ل: پیش سرای؛ (لن، پ، لن، ب): پیش سران؛ ق: بر
 دشت جای؛ ل، آ: بدوبس گیای (آ: گیا)؛ متن = ف، س (نیز و) ۱۱- ل، ق، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): برکشید؛ متن =
 ف، س، ل (نیز ل، آ) ۱۲- ق (نیز ق، ل، و): سران سپاه؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۳- ق: پای
 و دست ۱۴- ف: اسپان کشان؛ ل: اسپان کیان (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد)؛ ق (نیز ل، آ): بر زین نشست کیان؛ س: بیامد
 بدان پلنگ دمان (۲۳۶۳-۲۳۶۴) را انداخته و از ۲۳۶۳ و ۲۳۶۴ ب یک بیت ساخته است؛ متن = ل، س (نیز هفت دستویس
 دیگر) ۱۵- ل، س، ق، ل (نیز لن، ل، و، آ): تازمان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ق، ل، پ، لن: تازمان)؛ متن = ف، س (نیز ل،
 ب) ۱۶- ق: پلنگی؛ (و: بکردار شیر) ۱۷- ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب): دمان (دنان؟)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ل،
 ل، و، آ) ۱۸- ل- س (نیز لن- ب): باغوش؛ متن = ف ۱۹- (لن: سپهبد) ۲۰- س: گرم؛ ق: راندند ۲۱- س: گرم؛ ق: خواندند ۲۲- ل (نیز ق، ل، آ): [آن]؛ ق، ل، س: رسانیدن از؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ل، پ- ب)؛ ل، ق (نیز ل) پس از این
 بیت افزوده اند:

همی راند بیژن بر آن (ق: پراز) درد و غم

روانش بر اندر غم (ق، ل): پسراننده (از گتبه)

۲۳- ف: گفتار اندر رسیدن شاه کیخسرو بنزدیک گودرز و لشکر ایران و دیدن پیران و کشتگان را و گریستن بر پیران؛ ل، س، ق: رسیدن شاه
 کیخسرو بنزد (س: بنزدیک؛ ق: به) ایرانیان؛ ل: رسیدن کیخسرو بیاری ایرانیان؛ س: رسیدن کیخسرو بپیران سپاه؛ متن = آغاز ف ۲۴-
 ل- س (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۲۵- ل، س، ق (نیز لن، ل، پ- ب): نه؛ (ق: شش)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل)

<p>بیامد برآن^۲ دشت^۳ آوردگاه^۳ همه نامداران^۵ و جنگاوران^۶ که ای شهریار و سر موبدان، به دست^۸ ابر بهمین، به دل رود نیل بدان تا بدیدند^۹ رویش سپاه^{۱۰} که آباد بادا به گردان زمین! همی رفت گودرز خود با^{۱۱} گروه برآورده بودند گرد سپاه^{۱۳}، سلیح^{۱۵} و تن و جامه ها پُرز خون^{۱۶}، ابر^{۱۷} شهریار آفرین خواندند پیاده شد از دور کو^{۱۸} را بدید بیامد بغلتید بر پیش^{۱۹} شاه بگفتش که^{۲۰} هرزم هر کس که بود دوان^{۲۱} با سپهدار پیران نیو همی آفرین خواند^{۲۳} بر کردگار:</p>	<p>۲۳۷۰ جهاندار خسرو بنزد^۱ سپاه پذیره شدندش پیاده^۴ سران برو خواندند آفرین بخردان به تن زنده پیل^۷، به جان جبرئیل چنان هم همی بود، بر اسپ شاه ۲۳۷۵ بریشان همی خواند شاه آفرین به آیین پس پشت لشکر چو کوه همان^{۱۲} ده مبارز کز آوردگاه سر کشتگان را^{۱۴} فگنده نگون پس لشکر اندر همی راندند ۲۳۸۰ چو گودرز نزدیک خسرو رسید ستایش کنان پهلوان سپاه همه کشتگان را به خسرو نمود گروی زره را بیاورد گیو از^{۲۲} اسپ اندر آمد سبک شهریار</p>
--	---

۱- س: ز نزد ۲- ل-س (نیز لن-پ، آ، ب): بدان؛ (و: رسید اندر آن)؛ متن = ف (نیز لن^۲) ۳- س، ل (نیز لن، ل، پ، لن، ب): با فرو جاه؛ س: با فرو گاه؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، و، آ) ۴- ل (نیز و): سراسر ۵- ل، ق، ل (نیز ل): [و] ۶- ق (نیز ل، آ): جوشن و ران ۷- ق، س (نیز ق، ل، پ، لن، آ): پیل و؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، و، ب) ۸- س، س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، ب): بکف؛ (ل: بتن)؛ متن = ف (نیز آ؛ ← دیباچه، بیت ۱۹۵): ل (نیز ل^۲) این بیت را ندارند ۹- ل، ق: بینند؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن-ب) ۱۰- س (نیز لن، ب): براه ۱۱- ل: با آن؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن-ب): ق این بیت را ندارد؛ در ل پس از این بیت، بیت ۲۳۷۸ آمده است؛ بنداری (۲۳۷۶-۲۳۷۹): فجاء جودرز من بعد و معه المیزانون العشرة الذين ذكروا قصته. فلما دنا من الملك نزل وسجد له ثم رفع رأسه ودعا وأثنى عليه. فأراه القتلى المذكورين. ونسب كل واحد منهم إلى قاتله ۱۲- (ق: میان) ۱۳- ل، ق (نیز ل، ل، آ): بیاورده بودند گردان شاه (ل: نزد سپاه)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، ب): در ف پس از این بیت، بیت ۲۳۷۵ دوباره آمده است ۱۴- س: مران کشتگان نشان؛ س (نیز ق^۲): سر سرکشانرا ۱۵- س (نیز ل، و): سلاح ۱۶- ل: جامه اشان بخون؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن-ب): ق این بیت را ندارد؛ در ل این بیت پس از بیت ۲۳۷۶ آمده است ۱۷- ف، س، ل (نیز لن، لن، ب): بر آن؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، ل، ل، پ، و، آ) ۱۸- ل: و او؛ ف پس از این بیت افزوده است: بر آن شهریار آفرین خواندند (= ۲۳۷۹ ب)

سپاه از پس اندر همی راندند (= ۲۳۷۹ آ)

۱۹- ل، س، ق، س (نیز لن، ق، ل، و، آ، ب): در پیش؛ (ب، لن: بنزدیکی تخت)؛ متن = ف، ل ۲۰- س (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب): بگفت آنک (آنکه)؛ س: همی گفت؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز ق، ل) ۲۱- ل، ق (نیز ق، ل، ل، آ): دمان؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، پ، و، لن، ب): س (نیز لن، ل، پ، لن، ب) پس از این بیت افزوده اند:

چو خسرو گروی زره را بدید

یکی باد سرد از جگر برکشید (لن: برو کرد نفرین که نفرین سزید)

۲۲- ف-ل: ز؛ متن = س ۲۳- س (نیز ب): کرد؛ ل: نیایش همی کرد؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن-آ)

<p>که او داد^۳ پیروزی و دستگاه ز سر برگرفته^۴ کیانی کلاه همی خواند و^۵ بر لشکرش همچنین شما آتش و دشمنان پاک^۶ فی، چه خواهی تو از باد و آتش زمان^۷؟ دم از شهر توران برآورده اند^۸ نباید^۹ دریغ از شما دست^{۱۰} راست چو روی سپهدار ببران بدید، که کردار نیکی همی^{۱۱} یاد کرد که^{۱۲} گفتی یکی^{۱۳} آتشی بفروخت — به خون دو^{۱۴} دیده بیالود^{۱۵} روی — به دام آورد شیر شرز به دم^{۱۶} چنین آمد این تیزچنگ^{۱۷} آژدها میان بسته بودی به پیگار^{۱۸} من بدان کار^{۱۹} کس زو^{۲۰} نیاز زد^{۲۱} بود^{۲۲}</p>	<p>ز یزدان^۱ سپاس و بدویم پناه^۲ ۲۳۸۵ نیایش همی کرد بر پائی شاه ز دادار بر پهلوان آفرین که ای نامداران فرخنده پی سپهدار گودرز باد دمان^۳ همه جان و تنها فدی^۴ کرده اند^۵ ۲۳۹۰ کنون گنج و شاهی مرا با شماست و زان^۶ پس بدان کشتگان بنگرید فروریخت آب از دو دیده چو گرد^۷ به پیرانش بر دل بدانسان^۸ بسوخت یکی داستان زد پس از مرگ او که بخت بدست آژدهای دژم به مردی نیابد^۹ کسی زو رها کشیدی همه ساله تیمار من ز خون سیاوش پُر از درد بود ۲۳۹۵</p>
--	--

۱- س (نیزلن، لی، لن، ب)؛ که یزدان؛ س؛ کز ایزد؛ متن ← ۲- ف: سپاس از تو دارم که هستی پناه؛ متن = ل، س، ل (نیزق، ل، پ، و، آ) ۳- ف: که دادیم؛ متن = ل، س، ل، س (نیزلن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۴- س (نیزق - آ)؛ برگرفت آن؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ب)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۵- س (نیزلن، لی، پ، لن، ب)؛ [و] ۶- ل (نیزلی، آ)؛ خشک؛ (ل)؛ همچو؛ و؛ برگ)؛ س؛ دشمنانان چو؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ق، آ، پ، لن، ب) ۷- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، آ، ب)؛ با دودمان (اگر باد و دمان بخوانیم ل، س، ل، لن، ق، آ، پ، پساوند ندارند)؛ (لن)؛ بار و دمان؛ متن = ف (نیزو) ۸- (و؛ همان)؛ ل: ز بهر دل من چو آتش دمان؛ س (نیزلن، پ، لن، ب)؛ چه باشد به از آب و آتش دمان (ب: وزان)؛ ل: چه خواهی به از باد و آتش دمان؛ س؛ نخواهد از باد و آتش زمان؛ (ق)؛ نخواهد با داد و دانش دمان (!)؛ لی: پماناد خرم دل و شادمان)؛ متن = ف (نیزآ)؛ ق (نیزل) بیت های ۲۳۸۹ و ۲۳۹۰ را ندارند ۹- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، لی، پ - ب)؛ فدا؛ متن = ف ۱۰- ل (نیزلی، و)؛ اید ۱۱- ل، س، ل، س (نیزلن - ب)؛ ندارم؛ ق: نباشد؛ متن = ف ۱۲- (ق: چشم) ۱۳- ل: از آن ۱۴- ل - س (نیزلن - ب)؛ بدرد؛ متن = ف (۹) ۱۵- (لن، پ: همه)؛ س: نیکی دهش؛ ل (نیزب)؛ نیکش همی؛ س؛ نیکش همه؛ (لی: نیکش بسی)؛ ق (نیزو)؛ ز کردار نیکش همی؛ (ق)؛ چو کردار نیکش را؛ ل: ز دادار نیکی دهش؛ آ: ز کردار نیکی ورا)؛ متن = ف، ل (نیزلن) ۱۶- ل، ق، س؛ از آنسان؛ س، ل: برانسان؛ متن = ف ۱۷- ل: تو ۱۸- ل، ق، س (نیزل)؛ بدلتش؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، ب) ۱۹- س، ل (نیزلن، پ، لن، ب)؛ که (س: چو) از خون؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، لی، ل، و، آ) ۲۰- (ل، لن، آ: بیالود؛ ب: برآلود) ۲۱- س پس از این بیت افزوده است:

بگبیرد همی شیر شرز ز کسوه همه نامداران شده زان ستوه

۲۲- ف: نیاید؛ س: نیاید (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلن - ب) ۲۳- ل: این جنگ نر ۲۴- (پ، لن، ب: بهر کار؛ و: به تیمار)؛ ل: بودیش بر کار؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیزلن، ق، لی، ل، آ) ۲۵- س: بران کار؛ (پ: بدین کار)؛ متن ← ۲۶- ل (نیزلی، آ)؛ زو کس؛ (لن: کس را)؛ ل (نیزل)؛ بدانگه کسی را؛ ق: بدانگه بسی را؛ س: بدانگه کسی زو؛ (ق)؛ بدانگه ازو کس؛ و: بدانگه که کس زو)؛ متن = ف (نیزلن، ب) ۲۷- س: نیاز زده ۲۸- ل: زود

<p>۲۴۰۰ چنان مهربان^۱ بود، بدخیم^۳ گشت^۴ مرو را ببرد آهرمن دل ز جای فراوان همی خیره دادمش پند از^۶ افراسیابش بنگاشت^۷ سر مکافات^{۱۰} او ما جزین خواستیم^{۱۱} ۲۴۰۵ از اندیشه‌ی ما سخن برگذشت^{۱۵} به دل بر^{۱۶} جفا کشت^{۱۷} بر جای مهر^{۱۸} که آمد به جنگ شما با سپاه کنون پند گودرز و فرمان من تبه کرد مهر دل پاک را ۲۴۱۰ ز توران بسیجید^{۲۵} آمد دمان پسر با برادر، کلاه و کمر بداد از بی کین^{۲۹} افراسیاب</p>	<p>و زو شهر ایران پُر از بیم گشت^۴ دگرگونه پیش اندرآورد پای^۵ نیامدش گفتار من سودمند کنون شهریارش^۸ چنین داد بر^۹ همی^{۱۲} گاه^{۱۳} و دیهمش آراستیم^{۱۴} فلک بر سرش بر دگرگونه گشت بدین^{۱۹} سر دگرگونه بنمود چهر^{۲۰} که چندان از^{۲۱} ایرانیان شد^{۲۲} تباه بیفکند و گفتار مردان^{۲۳} من به زهر اندرآمیخت تریاک را^{۲۴} که ژوپین^{۲۶} گودرز بودش زمان سلیح^{۲۷} و سپاه و سر و بوم و بر^{۲۸}، زمانه برو^{۳۰} کرد چندین^{۳۱} شتاب</p>
<p>بفرمود پس^{۳۲} مشک و کافور^{۳۳} ناب تنش را بیالود از آن^{۳۵} سربر</p>	<p>به قیر اندرآمیختن^{۳۴} با گلاب به کافور و مُشکش بیاگند^{۳۶} سر^{۳۷}</p>

۱-س: همزیان ۲-س، ل، ل، س: بود و ۳-ل (نیزلن-ب، آ): درخیم؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیزلن، ب) ۴-ل: شد ۵-س: رای؛ ق این بیت را ندارد ۶-ق: ز ۷-ف-ل (نیزلن-ب): نه برگشت؛ متن = س ۸-ل: روزگارش؛ پ: شاخ مهرش) ۹-ق: از آن شهریاری چنان بادر ۱۰-ق: (سزاوار) ۱۱-ل، ق، س: ساختیم؛ متن = ف، س، ل (نیزلن-ب) ۱۲-س (نیزلن، ل): همه ۱۳-س (نیزلن، ب): تحت؛ (پ، ل، ن): سرتخت) ۱۴-ل، س: انداختیم؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن-ب) ۱۵-ل، س (نیزلن، ل-آ): درگذشت؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزق، ب) ۱۶-س: در ۱۷-ل (نیزل، ل، آ): کرد؛ متن = س، ق، س (نیزلن، ق، پ، و، ل، ن) (به زیر یکم، ب) ۱۸-ف، ل: بدل مهربان گشت (ل: گشت و) بر جان و چهر ۱۹-س: بدان ۲۰-ف، ل: مهر؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن، ق، ل، ی، پ-ب)؛ (ل: دگرگونه بد رای گردان سپهر) ۲۱-ل: ز ۲۲-ل: شد از شهر ایران؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ی، پ-ب)؛ ق (نیزق، ل) این بیت را ندارند؛ در ل این بیت پس از بیت ۲۴۰۹ آمده است ۲۳-س، س (نیزلن، ب): گردان؛ ل: بزدان؛ ل، ق (نیزل، آ): بیفکند گفتار و فرمان؛ متن = ف (نیزق، آ)؛ در ق (نیزل، آ) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۴-در ل پس از این بیت، بیت ۲۴۰۷ آمده است ۲۵-س (نیزق، و): بسیجیده ۲۶-در همه دستنویسها: ژوپین ۲۷-س (نیزلن، ل، ی، پ، و): سلاح ۲۸-ل، ق، س (نیزق، ل، ل، آ): همه بود و بر؛ س (نیزلن، و، ل، ب): بر (و: زر) و بوم و بر (!)؛ ل: بروم و سر؛ متن = ف (نیزب: ل) ۲۹-ل، ق (نیزل، ل، آ): مهر؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ی، پ، و، ل، ن، ب) ۳۰-ق (نیزق، ل، ی، پ، ل، ن): بدو ۳۱-س، س (نیزق، ل، ن): چندی؛ ق (نیزل): چونین؛ (ل، آ: تختی)؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، پ، و، ب) ۳۲-ل (نیزو): تا ۳۳-ف: کافور و ۳۴-ق (ل، آ، و: آمیخته)؛ ل (نیزب): بعبربرآمیخته؛ س (نیزب): بی اندرآمیختن؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن، ل، ل، آ) ۳۵-ل: زان ۳۶-س، ق (نیزل، پ): بیالود؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۳۷-ق (نیزق، ل، ل، پ، و، ل، ن): بر؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیزلن، ل، آ، ب)

۲۴۱۵	به دیبای رومی تنِ پاکِ اوی یکی دخیه فرمود خسرو ز ^۲ مهر نهاده درو ^۴ تخت‌های سران ^۵ نهادند مر پهلوان را به گاه	پوشید از آن خاکِ ناپاکِ اوی ^۱ برآورد سر ^۳ تا به گردان‌سپهر چنان‌چون بود درخور مهتران کمر بر میان و به سربر ^۶ کلاه
۲۴۲۰	چنین‌ست کردار این پُرفریب خرمند را دل ز کردار ^۸ اوی ^۱	چه مایه فرازست و چندی ^۷ نشیب بماند ^{۱۰} همی خیره در ^{۱۱} کار اوی ^۱
۲۴۲۵	وُزان ^{۱۲} پس گروی زره را بدید نگه کرد خیره ^{۱۴} بدان زشت‌روی همی‌گفت کای کردگار جهان همانا که کاوس بد کرده بود که دیوی چُنین بر سیاوش گماشت ولیکن به نیروی گیتی‌خدای ^{۱۱} که کین ^{۲۳} سیاوش از ^{۲۴} افراسیاب گروی زره را گره تا گره	یکی بادِ سرد از جگر برکشید ^{۱۳} چو دیوان ^{۱۵} به سربر ^{۱۶} فروهشته موی تو دانی همی آشکار و نهان به پاداش تا باز کین آزمود ^{۱۷} ندانم جزین نیز کینه چه ^{۱۸} داشت جهاندارو ^{۲۰} نیکی ده ^{۲۱} و ^{۲۲} رهنمای، بخوادم، برین ^{۲۵} کار ^{۲۶} گیرم ^{۲۷} شتاب بفرمود تا برکشیدند زه

۱- ل: آن جان ناپاک او؛ س (نیز لن، پ، لن، ب): با رانی ناپاک (لن، ب: ناپاک) او؛ ق: آن جسم بر ساک (حرف سوّم نقطه ندارد) اوی؛
س^۲ (نیز ل): آن شاه آزاده خوی؛ (ق: و بسترد از خاک اوی)؛ ل: بی‌سجید از آن جای ناپاک اوی؛ متن = ف (نیز ل، آ، ف، ل:
ناپاک) ۲- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): به: متن = ف، س^۳ ۳- ل، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ل، ب): برآورده سر: (ب: برآورده):
متن = ف، س، س^۴ (نیز ل، پ، و، آ) ۴- ف (نیز لن، پ، و، لن، ب): نهاده درو؛ س: نهاده برو؛ ق (نیز ل، آ): نهاد اندر آن؛ متن = ل،
ل، س^۵ (نیز ق) ۵- ل، ق، س^۶ (نیز ق، ل، ل، آ): گران؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۶- ف، ل (نیز لن، پ،
لن، ب): میان نه نه بر سر؛ (و: میان بسته بر سر)؛ متن = ل، س، ق، س^۷ (نیز ق، ل، ل، آ) ۷- س (نیز پ، ب): چندین؛ ل:
جای ۸- ل (نیز ل، آ): گفتار؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۹ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ب) ۹- ل، س: او ۱۰- س:
ماند ۱۱- ل: از: متن = ف، س، ق، ل، س^{۱۲} (نیز لن - ب) ۱۲- ل: از آن ۱۳- (لن، پ، لن، ب): برو (بدو) کرد نفرین که
نفرین سزید؛ س بیت‌های ۲۴۲۱-۲۴۲۳ را ندارد ۱۴- ل، ق (نیز ق، ل، ب، لن): خسرو؛ متن = ف، ل، س^{۱۵} (نیز لن، ل، و، آ،
ب) ۱۵- ل، ق (نیز ل، آ): دیوی؛ متن = ف، ل، س^{۱۶} (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ب) ۱۶- س: برخ بر ۱۷- ل: از زهر
و کین آزمود؛ س: آن این همه آزمود؛ ق: او کین و زهر آزمود؛ (لن: بایار کین آزمود؛ ل: او زهر کین آزمود)؛ س: زمانه ز کردارش آزرده بود؛
(ق: همانا ابا خوشتن کرده بود؛ ل، پ، آ: دل هرکس از وی (پ: هرکسی را) بیازرده بود؛ و: کزین گونه پیکار و کین آزمود؛ لن: بیارانش بر
کین همی آزمود)؛ متن = ف، ل (نیز ب) ۱۸- ل (نیز ل، پ): جزین کینه بر (ل: در) دل چه؛ س: جزین کینه هرگز که؛ ق (نیز ل،
آ): کزین (ل: کزو) کینه در دل چه؛ (ق: که این نیز کینه چه)؛ متن = ف، ل، س^{۱۹} (نیز لن، و، لن، ب) ۱۹- س^{۲۰} (نیز و): کیهان
خدای؛ ل، ق (نیز ق، ل، ل، آ): به پیروزی یک خدای؛ س: به پیروز کیهان خدای؛ متن = ف، ل (نیز لن، پ، لن، ب) ۲۰- ل، س، ق،
س: [و] ۲۱- (ق: روزی ده) ۲۲- س، ق: [و] ۲۳- ل، ق (نیز ل): خون ۲۴- ل، س: ز ۲۵- ل، ق، ل:
بدین ۲۶- ل (نیز ل): کینه ۲۷- ق: کین گرفته

جو بندش جدا شد سراسر^۱ ز بند
 ۲۴۳۰ [بفرمود از آن پس فگندن^۳ به^۴ آب
 سرش را بریدند چون گوسپند^۲
 بگفتا: چُنین باید^۵ افراسیاب!]

بُید شاه چندی^۶ برآن^۷ رزمگاه
 دهد پادشایی^۸ که را درخورست
 به گودرز داد آن زمان^۹ اصفهان
 بداندازه^{۱۰} اندرخور کارشان^{۱۱}
 بدان تا کند ساز^{۱۲} کار سپاه
 کسی کز در خِلمت و افسرست
 کلاه بزرگی و تخت^{۱۳} میهان
 بیاراست خِلمت سزاوارشان

گفتار اندر زهار خواستن لشکر ترکان از شاه کیخسرو^{۱۴}

۲۴۳۵ فرستاده آمد بنزدیک شاه^{۱۵}
 خردمند گردی^{۱۶} ز توران سپاه^{۱۷}
 که ما شاه را بنده و چاکرم
 کس از خواست یزدان نیابد رها
 سپهبد شناسد^{۱۸} که ما خود که بیم
 بُدمان به کار سیاوش گناه^{۱۹}
 ۲۴۴۰ یکی بادیارست و^{۲۰} ناپاک رای
 خردمند گردی^{۱۶} ز توران سپاه^{۱۷}
 زمین جز به فرمان او نسپرم
 اگر چه شود^{۱۸} در دم آژدها
 میان تنگ بسته ز بهر چه بیم
 ببرد آهرمن شاه را دل ز راه^{۱۹}
 نه شرم از بزرگان، نه ترس از خدای

۱- ل: سرش را؛ (لن، پ: سراسر جدا شد)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزق، ل، ل، ل، و، آ) ۲- س (نیزق، و، آ): گوسپند؛ ل: بیزند چون گوسپند؛ ل: بریدند همچون سر گوسپند؛ متن = ف، ق، س (نیزلن، ب) ۳- ل (نیزل، ق): او (ل: کو) را فگندن؛ ل: آنگه فگندن؛ (ل، آ: تا افکنندش)؛ متن = س (نیزلن، پ، ب) ۴- (لن، پ: بر، ل، آ: در) ۵- ل (نیزل، پ): بیم؛ (ل، آ: خواهیم)؛ متن = س، ل (نیزلن، ب)؛ ف، ق، س (نیزق، و، ل، ن) این بیت را ندارند، ولی بنداری آنرا داشته است: ثم أمر فخلعوا مفاصله ثم قطعوا رأسه و رموه الى الماء ۶- ف: چندان؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۷- س، ق، س (نیزق، ل، ل، پ، آ، ب): بدان؛ (و: بدین)؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، لن) ۸- (لن، پ، لن: راست) ۹- ل، س، ق، س (نیزق، و، آ): پادشاهی؛ متن = ف، ل (نیزلن، لن، ب) این بیت را ندارند ۱۰- س (نیزب): آنگهی ۱۱- ق (نیزل، ق): نهاد بزرگان و جای ۱۲- ل- س (نیزل، ل، و، آ): باندازه؛ (لن، ق، ل، پ، لن، ب: بر اندازه)؛ متن = ف ۱۳- ف: گاهشان (پساوند ندارد)؛ متن = ل- س (نیزلن- ب)؛ بنداری (۲۴۳۱-۲۴۳۴): و بقی الملك ایاما فی ذلك المكان یدبر أمر العسکر فخلع علی الأمراء، علی اختلاف مراتبهم، وأحسن الیه علی تفاوت طبقاتهم. ووهب لجودرز ممالک أصفهان، وأعطاه بها تحت السلطنة و تاجها ۱۴- ف: گفتار اندر زهار خواستن لشکر ترکان از شاه کیخسرو و نواختن ایشان را؛ س، ق، ل، س (نیزل، ل، س: زهار خواستن ترکان (ق، س: تورانیان) از شاه (ل، س: [شاه]) کیخسرو؛ متن = آغاز ف ۱۵- ق (نیزل، ل، و، آ): ز توران سپاه؛ متن = پ ۱۶- ل، ق (نیزل، ل، و، آ): مردی؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، لن، ب) ۱۷- ق (نیزل، ل، و، آ): بنزدیک شاه؛ (و: نماینده راه)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، لن، ب)؛ ل پیش از این بیت و س، ق، ل (نیزلن، ل، ل، پ، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

از آنها که (ق: آنجا که؛ ل: آنانک؛ ل، پ، لن، ب: آنان که) بودند (س: از آن ماندگانی که) مانده بجای

که پیرانشان بد سرو کدخدای (ل: بود بر سر بیای؛ س، لن، ل، ب: که پیران بدیشان بر سر بیای)

ف، س، ق، ل، و این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: وأرسل عسکر بمران الى الملك کیخسرو رسولا یدکرأنهم یطلبون الأمان ۱۸- ق (نیزل، ل، و، آ): بود ۱۹- ل، ق (نیزل، ل، و، آ): جهاندار داند؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، ب) ۲۰- س: سیاوشش رای ۲۱- س: جای ۲۲- س: [و]؛ (ب، و، لن: پادشاهت)؛ ل، ق بیت های ۲۴۴۰ و ۲۴۴۱ و ل بیت ۲۴۴۱ را ندارند

از آن روز تا این زمان خسته‌یم
 به توران همه^۴ دودمان پُرغمست^۵
 نه بر آرزو^۷ کینه‌خواه^۸ آمدیم
 ازین جنگ^۹ ما را بد آمد بسر
 به جان گر دهد شاهمان^{۱۱} زینهار
 ۲۴۴۵ همی^{۱۴} خود به کام نهنگ آمدیم^{۱۵}
 بدین لشکر اندر بسی مهترست^{۱۷}
 گنهار اویم^{۲۰} و او پادشاست
 سران سربسر پیش اوی^{۲۲} آورم
 گر از ما به دلش اندرون^{۲۴} کین بود
 ۲۴۵۰ ورایدونک^{۲۵} بخشایش آرد رواست^{۲۶}
 ز ا درد دل از دیده رخ^۳ شسته‌یم^۳
 زن و کودک خرد را^۶ ماتمست
 ز بهر بروبوم و گاه آمدیم
 پسر بی پدر شد، پدر بی پسر^۱
 بیندیم پیشش^{۱۲} کمر^{۱۳} بنده‌وار
 که با لشکر او^{۱۶} به جنگ آمدیم^{۱۵}
 کجا^{۱۸} بندگی شاه را درخورست^{۱۹}
 ازو هر چه^{۲۱} آید به ما بر رواست
 نه با کین و با گفت و گوی^{۲۳} آورم
 بریدن سر دشمن آیین بود
 همان^{۲۷} کرد باید که او^{۲۸} را هواست^{۲۹}

چو بشنید گفتار ایشان به درد
 بفرمود تا پیش اوی^{۳۰} آمدند
 همه بر نهادند سر بر زمین
 بیخودشان شاه آزادمرد
 پُر از بیم و زو چاره‌جوی^{۳۱} آمدند
 پُر از خون دل و دیده پُر آب کین^{۳۲}

۱- س: به ۲- (لن، پ، لن: خون) ۳- (ق، ل، آ: زدل درد با دیده پیوسته‌ایم؛ و: زرد آب با دیده پیوسته‌ایم) ۴- ل: همان ۵- س: (نیزلی، و، آ): دیدگان پرغمست؛ (لن: دودمان‌ها غمست)؛ ل، ق (نیزق، ل، آ، پ): که (ق: به) توران ز ایران همه بر (ل، پ: پر) غمست؛ متن = ف، س، ل: (نیزلن، ب): بر غمست ۶- ل، ق (نیزلی، و، آ): در؛ س: بر؛ (ل: پر)؛ متن = ف، ل، س: (نیزلن، ق، ل، پ، لن، ب) ۷- ل: آرزوی ۸- س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): رزخواه ۹- (لن، پ، لن، آ، ب): کار ۱۰- ل: (نیزق، ل، پ، لن، آ): پدری پسر شد پسر بی پدر؛ ف بیت ۲۴۴۴، س بیت‌های ۲۴۴۴-۲۴۴۶، و بیت‌های ۲۴۴۴-۲۴۴۷ را ندارند ۱۱- ل: دهیمان همه؛ (لن، پ، لن، آ، ب: دهیمان همی)؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، ل، آ، ب) ۱۲- ل: (نیزلن، پ، لن، آ، ب): بیشت؛ س: بکسر؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، آ، ب) ۱۳- ل، ق (نیزق، ل، آ، ب): میان؛ متن = ف، ل، س: (نیزلن، پ، لن، آ، ب)؛ درس: این بیت پس از بیت ۲۴۴۷ آمده است ۱۴- ل، س: (نیزلن، ق، ل، آ، ب): همه؛ متن = ف ۱۵- (ل، لن، آ: اندری) ۱۶- ل: (نیزلن، پ، لن، آ، ب): تو؛ متن = ف، س: (نیزق، ل، آ، ب): س، ق (نیزل، و) این بیت را ندارند ۱۷- س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): مهترند ۱۸- ف: که با؛ متن = ل- س: (نیزلن، ق، ل، آ، ب) ۱۹- س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): درخورند؛ ل، و این بیت را ندارند ۲۰- س، ل: (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب): ماییم؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، ل، آ، ب) ۲۱- ل: هرچ؛ درس: این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۲- ق (نیزق، ل، آ، ب): شاه؛ ل، س: (نیزلن، و، لن، آ): او؛ ل: نزد شاه؛ س: سران سر سوی رای او؛ متن = ف (نیز، ب) ۲۳- ل: (نیزو): گفت و گو؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب): بسی (ل: همه) پوزش اندر گناه؛ (ق: تن خسته را برگناه)؛ متن = ف، س، س: (نیزلن، پ، لن، آ، ب) ۲۴- ق: گرش درد دل از ما همی ۲۵- س: ایدونکه ۲۶- س: از داورست ۲۷- ق (نیزلی، آ): چنان ۲۸- (لن، پ، لن، آ، ب): شه ۲۹- س: سرست؛ (ل: سزاست) ۳۰- ل، ق، ل، س: (نیزلن، ل، لن، آ، ب): او؛ متن = ف، س (نیزق، ل، پ، و، ب) ۳۱- س (نیزلن): و از چاره‌جوی؛ ل: بران آرزوی چاره‌جوی؛ ق (نیزلی، ل، آ، ب): بدان آرزو چاره‌جو (ل: جوی)؛ س: نه بر آرزو چاره‌جو؛ (ق: پر از درد دل چاره‌جوی؛ پ: پر از بیم دل چاره‌جوی؛ لن: نه با کین و با گفت و گوی)؛ متن = ف، ل: (نیزو، ب) ۳۲- (ب: و لب پر از آفرین)؛ ق: خون دو دیده پر از آب کین

<p>۲۴۵۵ سپهبد سوی آسمان کرد سرا همان لشکرست این که سر پُر ز کین^۳ که زهر گزاینده^۵ بپراگند چنین^۷ کردشان این زمان^۸ دادگر بدو دست یازم که او یار بس برین^{۱۱} داستان زد یکی نیک رای^{۱۲} که این باره رخشنده تخت منست برین^{۱۴} کین اگر^{۱۵} تخت و تاج آورم^{۱۶} وگر نه به چنگ پلنگ اندرم کنون بر شا گشت^{۱۹} کردار بد نیم من به خون شا شسته چنگ همه یکسره در پناه منید هر آنکس که خواهد که باشد^{۲۲} رواست هر آنکس که خواهد که زی شاه خویش^{۲۴}</p>	<p>که ای دادگر چاره ی چاره گر^۲ همی خاک جستند از^۴ ایران زمین سر کشتگان اندرو آگند^۶ نه رای و نه دانش، نه پای و نه پر^۹ ز گیتی نخواهم به فریاد کس^{۱۰} — که از کین به زین اندر آورد پای^{۱۳} — کنون کار بیدار بخت منست وگر رسم تابوت^{۱۷} ساج آورم^{۱۶} خور کرگسانست^{۱۸} مغز سرم شناسد هر آنکس که دارد خرد نگیرم^{۲۰} چنین کار دشخوار و^{۲۱} تنگ وگر چند بدخواه گاه منید برین گاه ناید فروزی^{۲۳}، نه کاست گذارد^{۲۵}، نگیرم برو راه خویش^{۲۶}</p>
---	---

- ۱- س، س، س^۱ (نیز ق، و): روی؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲ (نیز هفت دست نویس دیگر) ۲- س^۱ (نیز ق، و): چاره چاره جوی؛ (لن، ل، ب، لن، ب، آ: داور چاره گر؛ و: داور چاره جوی): س: همی گفت ای داور چاره جوی؛ متن = ف، ل، ق، ل^۲: چاره چاره گر(?) ۳- ف، ق: که کس (ق: سر) بر زمین (پساوند نداشتند): متن = ل، س، ل، س^۱ (نیز لن - ب) ۴- ف: نخستند مگر شاه؛ متن = ل - س^۱ (نیز لن - ب؛ ل، ل: ز) ۵- س، ل^۱ (نیز لن، ب، ل^۱، آ، ب): پراکنده؛ متن = ف (نیز ل، و) ۶- س (نیز لن، ل^۱، ب): اندر آن افکنند؛ ل^۱: اندر آب افکنند؛ (ل: را درون آکنند؛ ب: اندر آن آکنند؛ آ: را برون آکنند)؛ متن = ف (نیز و؛ ل، ق، س، س^۱ (نیز ق، ل، آ): این بیت را نداشتند؛ س، آ، ق^۲ بجای این بیت افزوده اند: که دزها (ق: گذرها) همه جمله ویران کنند سر سرکشان را ز تن برکنند (ق: کام شیران کنند)
- ۷- س^۱: چنان ۸- ل، ق، س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ): ایزد؛ س (نیز لن): آن زمان؛ متن = ف، ل^۱ (نیز لن، ب، و، ب) ۹- (لن، ق، آ، ب، لن، ب: نه سر)؛ س: نه بوم و نه بر؛ ق: نه رای و نه بر؛ س^۱: که نه رای دارند و نه پای و پر؛ متن = ف، ل، ل^۱ (نیز ل، آ، آ) ۱۰- (ل: بفریادرس)؛ ل (نیز لن): نخواهم فریادرس؛ ق: نخواهم بفریاد کس؛ (ق، ل^۱: نخواهم جز او یار کس؛ لن^۱: جز او را نخواهم فریادرس)؛ متن = ف، س، ل^۱، س^۱ (نیز ب، و، آ، ب) ۱۱- ل، س، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ل، ل، ب، ل^۱، آ، ب): بسدین؛ متن = ف، س^۱ (نیز ق، آ، و) ۱۲- ل: شاه رای؛ متن = ف، س، ق، ل^۱، س^۱ (نیز لن - ب) ۱۳- ل^۱: رای ۱۴- ل، ق (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ): بسدین؛ متن = ف، س، ل^۱، س^۱ (نیز لن، ب، لن، آ، ب) ۱۵- ل، س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ): کینه گر؛ (و: کارگر)؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ب، لن، آ، ب) ۱۶- ل - س^۱ (نیز لن - آ): آورم؛ متن = ف (نیز ب) ۱۷- س^۱ (نیز لن، ب، و، لن، آ): تابوت و؛ (ق: یا قوت و)؛ متن = ف - ل^۱ (نیز ل، آ، ب) ۱۸- س^۱: خورش کرکسان راست ۱۹- (ق: زین شمارست) ۲۰- ل، ق، س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ): که گیرم؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز لن، ب، و، لن، آ، ب) ۲۱- ل - س^۱ (نیز لن، ق، ل، ب - ب): دشوار؛ (ل: دشخوار)؛ متن = ف ۲۲- ل، ق: نباشد؛ متن = ف، س، ل^۱، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب) ۲۳- ل: بدین گفته افزایش آمد؛ س: برین بر فروزی ناید؛ ق: بدین بارگه برنیزاید (وزن ندارد)؛ س^۱ (نیز ق، ل، ل، آ): بدین کین نه افزایش آید؛ (ب: بدین کار باید فروزی؛ لن^۱: برین [گاه] باید فروزی)؛ متن = ف، ل^۱ (نیز لن، ب)؛ ل^۱: و این بیت را نداشتند؛ بنداری (۲۴۶۷-۲۴۶۸): من أراد منکم أن یقیم فی خدمتنا فلیقیم، و من أراد أن یلحق بأفادیساب فلیلحق ۲۴- ل (نیز و): سوی (و: بر) شاه خویش؛ س: براند زیش؛ متن = ف، ل^۱، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، آ، ب) ۲۵- س: گذاره؛ ل^۱: کرآرد(!) ۲۶- ل، س، ل^۱، س^۱ (نیز لن، ق، ل، ب - ب): بیش؛ متن = ف؛ ق (نیز ل) بیت های ۲۴۶۸ و ۲۴۶۹ را نداشتند

ز بیشی و کتی^۱ و از^۲ رنج^۳ از به نیروی یزدان شدم بی نیاز

۲۴۷۰ چو ترکان شنیدند گفتار شاه
به پیروزی شاه خستوه شدند
ز برگشتوان و ز رومی کلاه
به گردآندرش زرد و سرخ^۱ و بنفش
بخوردند سوگندهای گران
همه شاه را چاگر و بنده بیم
چُن^{۱۳} این کرده بودند بیدار شاه
ز همشان ازآپس^{۱۵} پراگنده کرد

۲۴۷۵

ز سر برگرفتند گریان^۴ کلاه
پلنگان جنگی چُن^۶ آهو شدند
یکی توده کردند^۷ تا چرخ ماه^۸
زدند آن^{۱۰} سرافرازترکان^{۱۱} درفش
که تا زنده بیم از کران تا کران،
همه دل به مهر وی آگنده بیم^{۱۲}
ببخشید یکسر همه بر^{۱۴} سپاه
همه بوم از آن مردم آگنده^{۱۶} کرد

گفتار اندر رسیدن بیژن و گستم بنزدیک کیخسرو^{۱۷}

۲۴۸۰ همه نامداران ایران سپاه
همی بینم از دور با یک^{۲۲} سوار
که گرد سواران برآمد ز راه
نهادند چشم از شگفتی به راه

۲۴۸۰

وُزان^{۱۸} پس خروش آمد از دیدگاه^{۱۹}
سه^{۲۰} اسپ و سه^{۲۱} گشته برویسته زار

۱- ل: ز کمی و بیشی ۲- ف، ل، س: و؛ متن = س، ل ۳- ف، ل، ل، س: (نیزق، ل، ب، و): رنج؛ متن = س (نیزلن، ل، آ، ب) ۴- ل، ق، س: (نیزلی، ل، و، آ): یکسر؛ س (نیزق، ل، پ، ل، ب): گردان؛ متن = ف، ل (نیزلن) ۵- (لی، ل، ل، ل، ل، ل، ب: خستو) ۶- ل- س: (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، ل، ل، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:
بفرمود شاه جهان تا (ق): تا هر که دارد) سلیح

بیارند تیغ و سنان (س): پیش ز تیغ؛ ق: یکسر ز گرز) و رمح
ف، س، ل: (نیزلن، پ، و، ل، ب) این بیت را ندارند ۷- ق: توده کرد ۸- ل، ق (نیزلی، ل، آ): نزدیک شاه؛ س: بر چرخ ماه؛
ل: با چرخ ماه؛ س: (نیزلن، پ، ل، ن): تا (لن: با؛ لن: با) چرخ و ماه؛ متن = ف (نیزق، و، ب) ۹- ل، ق، س: سرخ و
زرد ۱۰- ف: از (حآن؟)؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیزلن، ل، ب) ۱۱- ل: (نیزلن، ل، ب): گردان؛ ق: زده گرد آن
گونه گونه؛ س این بیت را ندارد ۱۲- ل: افکنده ایم؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن- ب) ۱۳- ل- س: (نیزلن- ب): چو؛
متن = ف ۱۴- س (نیزلن، ل، پ، ل، ب): گناه؛ ق: ببخشود آن خواسته بر؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیزق، ل، و) ۱۵- ل (نیز
لی، آ): پس آنگه؛ ق (نیزل): هم آنگه؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب) ۱۶- ل: بومش از مردم آگنده؛ ق: بوم آن
مرز آگنده؛ ق: بومشان مردم آگنده؛ ل: بوم آن مرز را کنده؛ و: حوشن (!) از مردم آگنده؛ ل: بوم از آن مرد آگنده؛ متن = ف، س، ل،
س: (نیزلن، ل، پ، آ، ب): بنداری؛ ففرقههه فی أطراف ممالکه، و نفذ کل طائفة الی ناحیه منها ۱۷- ف: گفتار اندر رسیدن بیژن و گستم
بنزدیک کیخسرو و آوردن لهاک و فرشیدورد؛ س، ق، ل: آوردن بیژن گستم را بنزدیک کیخسرو (ل: شاه؛ ق: و بردن نزد شاه)؛ س: رسیدن
بیژن و آوردن گستم و لهاک و فرشیدورد؛ متن = آغاز ف ۱۸- ل (نیزق، و): از آن ۱۹- ل، س، ق، ل: (نیزلن- ب): دیده گاه؛
متن = ف، س: ۲۰- ق (نیزلی، ل، آ): دو؛ متن = ف، ل، س، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب) ۲۱- ل (نیزلی، ل، آ): دو؛
متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب) ۲۲- س: باده؛ ل (نیزآ): بانگ (ح- با یک)؛ (لن، ق، ل، پ، ل، ب): با دو؛
ل: (گرد)؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزل، و)؛ بنداری: ثم إن الدیدبان أخبر بطلوع فارسین مع ثلاثة أفراس و علیها ثلاث جث

که تا کیست این مرد از ایران زمین^۱ که یارد گذشتن برین^۲ دشت کین^۳؟
 هم اندر زمان بیژن آمد دمان
 بر اسپان چو لَهاک و فرشیدورد
 بر اسپ^۷ دگر بر پُر از درد و غم
 ۲۴۸۵ چو بیژن بنزدیک خسرو رسید
 ببوسید^{۱۰} و بر خاک بنهاد روی
 بپرسید و گفتش که ای شیرمرد
 ز گُستهم بیژن سَخُن یاد کرد
 ۲۴۹۰ و زان زاری و خستگی^{۱۵} گُستهم
 کنون آرزو^{۱۹} گُستهم را یکیست
 به دیدار شاه آمده ستش هوا
 بفرمود پس شاه آزرم جوی^{۲۴}
 چنان تنگ دل گشت^{۲۷} ازو^{۲۸} شهریار
 که بردند^{۲۵} گُستهم را پیش اوی^{۲۶}
 که از دیده^{۲۹} مژگانش آمد به بار

۱- ف، ل: ایران چنین (؟)؛ (لن، ب: ایران و چین؛ و: ایران سپاه؛ لی: ز ایران زمین)؛ ل، ق (نیز ق، ل: از مرز توران زمین)؛ متن = س، س: س (نیز ب، لن، آ) ۲- ق، س: (نیز ق، لی، پ، و، آ): بدین؛ (ل: ازین)؛ متن = ف، ل، س، ل: (نیز لن، ل، ب) ۳- ق: مرز کین؛ (ل: سوبکین؛ و: کینه گاه) ۴- ل (نیز ل): بیازو بزه بر فکنده؛ (ق: بزه بر نهاده بیازو) ۵- ل، ق، ل، س: (نیز لن - ب): نگوئسار؛ متن = ف ۶- ق: درد؛ س: همه بوم از آن مردم آکنده کرد (= ۲۴۷۷ ب) ۷- ل، ق (نیز لی، ل، آ): اسپ؛ متن = ف، س، ل، س: س (نیز لن، ق، ب، و، لن، ب) ۸- ل، س، ق، س: (نیز لن - ب): به (ق: در) آغوش؛ متن = ف، ل ۹- ف، ق، ل، س: (نیز لن - ب، لن، ب): سرو؛ متن = ل، س (نیز و، آ) ۱۰- ف: بپرسید (= ۱۲۴۸۷ آ)؛ متن = ل - س: (نیز لن - ب) ۱۱- ل، ق: بشد؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن - ب): بنداری؛ وادا بیژن قد طلع علی ایهیة التي سبق ذکرها فسجد للملک ۱۲- ل (نیز ب، و): ز ۱۳- ق: چه کردی به لهاک و فرشیدورد؛ بنداری (۲۴۸۷-۲۴۸۹): فایله عن حاله فأخبره بحال گُستهم و قتلہ لفرشید و لهاک ۱۴- س: فکنده نگوئسار پرخون و گرد (= ۲۴۸۳ ب) ۱۵- ل، ق: خسته و زاری؛ (ل: زاری و سختی)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، لی، ب، لن، آ، ب) ۱۶- ف: حرب؛ (لی: رزد)؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۷- ل (نیز ل): و از ق: وزه؛ (لی: همان)؛ متن = ف، س، ل: (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب) ۱۸- (ب: چه بیش و چه کم)؛ س: که گفتی همی بر نیایدش ده (= ۲۴۹۴ ب)؛ و این بیت را ندارد: س پس از این بیت افزوده است:

که چون بود و آن کار و کردار چون ابدا ترک بدخواه آن کار چون
 همه یک بیک بیژن نامدار سخن راند در پیش آن شهریار
 دگر گفت کای خسرو پرهیز همیشه هر جای پیروز گز

۱۹- ل: آرزوی ۲۰- س، ل: (نیز ب، ب): ایمن ۲۱- ل - س: (نیز ق، لی، و، آ): دشوار؛ متن = ف (نیز لن، ل، ب، ب) ۲۲- ف: نردنش (؟)؛ (و: نردنش)؛ متن = ق، س: (نیز لی، ل) ۲۳- ل: اگر میرد او را روا؛ (ق: بمیرد نباشد جفا)؛ س، ل: (نیز ب، لن، ب): و اگر مرگ (ب، لن: جان) از آن پس گذارد (س: که دارد) روا ۲۴- ل: جو ۲۵- س: (نیز لن، لی، و، لن، آ): که آرند؛ متن = ف - ل: (نیز ق، ل، ب، ب) ۲۶- ل: او ۲۷- س: شد ۲۸- س: از آن ۲۹- ل، ق (نیز ل): گریه؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز ق، لی، ب، و، آ)؛ لن، ل، ب: این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۴۹۲-۲۴۹۳): فأمر بإحضاره، فأحضر، فتوجع له الملک و عظم علیه ما نزل به

<p>که^۱ گفتی همی برنیامدش^۲ دم بیچید و دیده سویی او شتافت^۵ سپهبد پُر از آب و خون^۸ کرد چهر چو بر آتش تیز^{۱۱} بریان شدند که سندان کین بُد^{۱۱} سرش زیرترگ یکی مهره بُد خستگان را امید^{۱۵} به بازویش بر داشتی^{۱۶} سال و ماه^{۱۷} گشاد آن گرانمایه از دستِ راست بمالید بر خستگیاش دست چه از شهر بغداد^{۲۳} و ایران زمین، ز بهر چُنین روزگاران بداشت^{۲۶}، ز هر گونه افسون بروبر^{۲۸} بخواند بسی با جهان آفرین گفت راز بیبوست و برخاست آزار و درد^{۳۰}</p>	<p>چنان بُد ز بس خستگی گُستهم به دل^۳ بوی مهر^۴ شهنشاه یافت بیارید^۶ از دیدگان^۷ آب مهر بزرگان برو زار و گریان شدند دریغ آمد او را سپهبد به مرگ زهوشنگ^{۱۲} و طهمورت^{۱۳} و جمشید^{۱۴} رسیده به میراث نزدیک شاه چو مهر دلش گُستهم را بخواست^{۱۸} ابر^{۱۹} بازوی گستم بر^{۲۰} بیست بزشکان^{۲۱} که از هند و از روم و چین^{۲۲} همی شان به گرد جهان در^{۲۴} بگاشت^{۲۵} به بالین گُستهم شان برنشاند^{۲۷} و ز آنجا^{۲۹} بیامد به جای نماز دو هفته برآمد بر آن خسته مرد</p>
--	--

۱- ف، ل (نیزق)؛ توه؛ متن = ل، س، ق، س (نیزلن، ل-ب) ۲- ف، س، ق، س (نیزلن)؛ برنیامدش (درس، س) حرف ششم نقطه ندارد؛ متن = ل، ل (نیزق، ل-ب) ۳- ف: دل (میتوان هم گل خواند، ولی حرف یکم سرکش ندارد)؛ ل، ق (نیزل، و، آ)؛ یکی؛ س، ل (نیزلن، ل، ب، لن، ب)؛ دلش؛ متن = (ق؟؛ ف) ۴- س: دلاورچوبوی ۵- (ق: بتافت)؛ بنداری؛ فلها تنم ریح قرب الملك فکانه أحسن بأدنی إفاقة ۶- ل، س (نیزلن، ب، لن، آ، ب)؛ بیاریدش؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزق، ل، ل، و) ۷- ل: دیدهگان ۸- ف: خاک و خون (؟)؛ ل (نیزل، آ)؛ آب خون؛ س: مهر و خون؛ متن = س، ق، ل (نیزهفت دستنویس دیگر) ۹- ق: [و]؛ س (نیزلن، ب، لن، ب)؛ که بودند ۱۰- ف: مهر؛ (لن، ب: درد)؛ متن = ل-س (نیزق-آ) ۱۱- س: که چون شد ازین کین ۱۲- بنداری؛ اوشهنج ۱۳- ق، ل (نیزق، ل، و، لن، آ، ب، بنداری)؛ طهمورت؛ (لن: طهمورت)؛ متن = ف، ل، س، س (نیزب) ۱۴- س: جَم و شید؛ (لی: جام شید؛ ب: جَم شید؛ بنداری: جَم) ۱۵- ق: نوید ۱۶- (لن، ب، لن: بودی همی؛ و: بسته هم) ۱۷- ق: چوشاه اندرو کرد لختی نگاه (= ۲۵۰۸ ب)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

کسی چون زردی ستم یافتی بدان مهره اش درد کم یافتی
۱۸- ل: بخاست ۱۹- ف: بیچ؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۲۰- ق (نیزلی، ل، آ)؛ آن؛ س: را؛ بنداری؛ فشدھا علی عضد کستهم، ومسح مواضع جرحه بیده المبارکة ۲۱- س: بزرگان ۲۲- ل، س، ل (نیزلن، ل، ب)؛ که (و: چه) از روم و ز (و: از) هندو؛ ق (نیزق)؛ که از روم و هندوز؛ متن = ف، س ۲۳- (ب، لن: توران؛ ق: یونان)؛ بنداری؛ ورتب عنده الأطباء الذین کانوا فی صحبته من بغداد الی الروم و الهند و سائر البلاد ۲۴- س، ل (نیزلن، ل، ب)؛ بر؛ متن = ف، س ۲۵- ق: همیشه بگرد جهانشان بگاشت؛ (ق)؛ ز هر جایگه شان بدو برگماشت ۲۶- س: روزشان بر بداشت؛ ق، س (نیزل)؛ روزگاری بداشت؛ ل: روزهاشان بداشت؛ (لن: روزشان پای داشت؛ ق: روز خسرو بداشت؛ ل، آ: روزگاران داشت؛ ب، لن: روزشان بازداشت؛ ب: روزها بر بداشت)؛ متن = ف (نیزو)؛ ل این بیت را ندارد ۲۷- (لی: درنشاند)؛ ق: گستم چندی نشاند ۲۸- ف: بدوبر؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۲۹- ق: پس آنگه ۳۰- س: و کرد (!)؛ ف: بیبوست (حرف یکم نقطه ندارد) با خسته آزار و درد؛ ل: سرآمد همه رنج سختی و درد؛ س: بوشید (حرف دوم نقطه ندارد) و برخاست از آب گرد (!)؛ ق: نبوست (حرف سوم نقطه ندارد) و برخاست آزاد مرد (پساوند ندارد)؛ (ق)؛ به بیوستگی رست از آزار و درد؛ ل، آ: بیبوست و (ل: بنیروی) برجست آن زاد (لی: راد) مرد؛ و: چه راحت بیبوست و شد رنج و درد)؛ متن = ل (نیز

←

بر اسپش بردندا نزدیک شاه
 به ایرانیان گفت کز کردگار
 ۲۵۱۰ ولیکن شیگفتست ازین کار^۴ من
 به پیروزی اندر غم گُستهم^۵
 همه مهر پروردگارست^۶ و بس
 بخواند آن زمان بیژن گیو را
 که تو نیکبختی ز^۷ یزدان شناس
 ۲۵۱۵ که اویست جاوید و^۸ فریادرس
 اگر زنده گردد تن مرده مرد
 به گُستهم گفتا که تیماردار^۹
 گر او رنج بر ناز نگزیندی^{۱۰}

چو شاه اندرو کرد لحتی^۱ نگاه،
 بود هر کسی شاد و به روزگار^۲
 بدین راستی راند پرگاره^۳ من
 نکرد این دل شادمان را^۴ دژم
 نه دانش پژوهست و نه مهر کس^۵
 بدو داد دستِ گو نیو را
 مدار از تن خویش هرگز سپاس^۶
 به^۷ سختی نگیرد جز او دست کس
 جهاندار گُستهم را زنده کرد
 چو بیژن ندیدم کس از^۸ روزگار^۹
 ستایش برین^{۱۰} گونه کی بیندی^{۱۱}؟

۱- ف: بیاورد؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن- ب) ۲- ق (نیزق^۲): چندی؛ س، ل^۲ (نیزلن، پ، لن، آ، ب): شاه جهان کرد بروی (لن، ب): روزی؛ لن^۱: دروی؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیزلی، ل، آ، و، آ) ۳- ق^۲: خسته روزگار؛ س: کسی را یاد این دو کار؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیزلن، لی- ب) ۴- ل، س، س^۱ (نیزلی، پ، آ): این کار؛ ق^۲: کردار؛ ل^۲: این کام؛ و: از کار؛ ل^۲: شگفت آنکه بازار؛ متن = ف ۵- ل (نیزل^۲): برشده بار (ل^۲: نام)؛ ل^۲: راندن کار؛ (لی، و، آ: رای و کردار)؛ متن = ف، س، س^۱ (نیزق^۲، پ)؛ ق (نیزلن، لن، ب) این بیت را ندارند ۶- ف: شادمانم؛ ل^۲: بکردند دل شاد را زان؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیزلن- ب) ۷- ف: بر روزگارست (→ پروردگارست)؛ متن = ل- س^۱ (نیزق^۲- و، آ، ب) ۸- ف: نه دانش پژوهد نه مردی ز کس؛ ق^۲: ندانم بگیتی جز او هیچکس؛ و: نه دانش نه دیگر بود مهر کس)؛ متن = ل- س^۱ (نیزلی، ل، آ، پ، آ، ب)؛ لن، لن^۱ این بیت را ندارند؛ درل این بیت پس از بیت ۲۵۱۴ آمده است؛ بنداری (۲۵۰۹-۲۵۱۲): و قال: إن الله تعالى أجرى أموري على السداد، وقضى لي بحصول المراد، ولم يترق على موارد نعمة هذا الظفر بموت كسهم. وليس هذا كله إلا من فضله الواسع ولطفه الشامل ۹- ل، س^۱ (نیزلی، ل، آ، و): متن = ف، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، پ، و، لن^۱) ۱۰- ل، ل^۲ (نیزلی، ل، آ): هراس؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیزلن، ق، پ، و، لن، آ)؛ درل پس از این بیت، بیت ۲۵۱۲ آمده است ۱۱- ل- س^۱ (نیزق^۲- و): [و]؛ متن = ف (نیزلن، لن، آ) ۱۲- ق (نیزلی، ل، آ): ز ۱۳- س (نیزلن، لن، آ، ب): گفتش که زنهاردار؛ ل^۲: گفتش که تیماردار؛ ل، ق (نیزل^۲): پس آنکه (ل: بدانگه) بدو گفت تیماردار؛ متن = ف، س^۱ (نیزق^۲، لی، پ، و، آ) ۱۴- ل، س^۱ (نیزلی، ل، آ، و، آ): نیند کس از؛ ق (نیزق^۲، پ): نیینی (ق^۲: نییم) کس از؛ س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب): ندیدم چو بیژن درین (س، ل^۲: بدین)؛ متن = ف ۱۵- ق^۲: دوستدار)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بماناد این دوستی تان به جای
 به تیمار یکدیگران کرده رای
 وزانپس چنین گفت پیش سپاه
 سرسرفرازان جهاندارشاه
 که یزدان ز گودرز خشنود باد
 دل بدسگالش پراز دود باد

این بیت‌ها در هیچیک از دستنویس‌های دیگر نیست ۱۶- س، ل، س^۱ (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): بر مهر نگزیندی؛ (ل^۲: بر مهر بگزینده؛ و: مهر بر رنج نگزیندی)؛ ل: کزو رنج بر مهر بگزینده‌یی؛ ق: گرو رنج بر مهر برنگزیندی (!)؛ ق^۲: گرو مهر و رنج تنش بیندی)؛ متن = ف ۱۷- ل، ق (نیزلن، لی، ل، آ، و، آ): بدین؛ ل^۲: زهره؛ (و: ازین)؛ متن = ف، س، س^۱ (نیزق^۲، پ، لن، آ، ب) ۱۸- ل (نیزل^۲): نشیده‌یی؛ ق: نشیدیی؛ ق^۲: چون چندی)؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، لی، پ- ب)؛ س پس از این بیت افزوده است:
 دگر گفت کین بس شگفتی مدار
 که از خسته سر آن بود هم شکار (!)

→

لن، پ، لن، آ، ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است: بیامد نوان طوس نوذر دژم ز درد برادر دلش پر ز غم
 ل- س^۱ (نیزلن- ب) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: فبراً کسهم بعد أسبوعین، فجاءوا به الی حضرة الملك ففرح بعافيته، و حمد الله واثی علیه

به زبید بُدا^۱ شاه یک هفته^۲ نیز
 فرستاد هر سو فرستادگان
 ۲۵۲۰

چو^۴ از کین^۵ پیران شدی^۶ بی نیاز
 یکی رزم کیخسرو اکنون بساز

۱- س، ل^۱ (نیز لن، لن، ب): بود او بر؛ (ق^۲: برینسان بید)؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ل، پ، آ) ۲- (و: بید شاه بکفته آنجای)؛ ف این بیت را ندارد ۳- ل: [و]؛ ل، آپس از بیت ۲۵۲۰ افزوده اند:

که آیند هر سو بنزدیک شاه بدین بیشه آیند از آن رزمگاه

لی پس از بیت بالا و س، ل، س، ل، پ، لن، پ، لن، ب پس از بیت ۲۵۲۰ افزوده اند:

که زی درگه آید (آیند) با ساز جنگ که دارم آهنگ زی (با) شاه کنگ (لی: دارند آهنگ رزم پلنگ)

پ پس از بیت بالا ۱۰۵ بیت دیگر هم افزوده است؛ س پس از بیت بالا دو بیت دیگر هم افزوده است:

فرستاده نزد افراسیاب بشد در زمان با هزاران شتاب

که کیخسرو شاه آمد همی وز افراسیاب این بگوید همی

ف، ل، ق، ق، ل، ق، و هیچیک از این بیت ها را ندارند ۴- ل: که ۵- ل- س^۲ (نیز لن، لی، ل، لن، ب): جنگ؛ (آ: رزم)؛

متن = ف (نیز ق، پ، و) ۶- ل: شدم؛ پس از بیت ۲۵۲۱ س پنج بیت، ل، س، ل، لن، لن، ب بیت های سوم و چهارم، لی، پ بیت های

سوم و چهارم و پنجم و ل، ق، ل، آنها بیت پنجم را افزوده اند:

همه نام من باد بریاد تو وزیر پس مبیناد فریاد تو

گذشتم ازین رزم ناماوران به پیروزی شهریار جوان

پس از کینه اندر سخن های نغز بیارای اکنون به پاکیزه مغز

که چون خواست کینه از افراسیاب به رنج فراوان شه زودیاب (تاب)

همی خور به پیروزی و کام دل که ناچار خواهی شدن زیر گل

5

پس از بیت های بالا لی دو بیت و پ سه بیت دیگر هم افزوده اند؛ ف، ق، و هیچیک از این بیت ها را ندارند؛ بنداری بیت های ۲۵۱۳-۲۵۲۱

را ندارد

داستانِ جنگِ بزرگِ کیخسرو^۱

ز یزدان برآن شاه باد آفرین که نازد بدو^۲ تخت و تاج^۳ و نگین
 خداوندِ ناز^۴ و خداوندِ گنج^۵ خداوندِ شمشیر و خفتان^۶ و رنج^۷
 که گنجش ز بخشش^۸ بنالدهمی بزرگی ز نامش^۹ بیالدهمی
 ز دریا به دریا سپاه ویست جهان زیرِ قر^{۱۰} کلاه ویست

۱- ف: گفتار اندر رزم بزرگ که رزم شاه کیخسرو با افراسیاب بود و ستایش سلطان غازی محمود بن سبکتکین
 رحمة الله؛ ل: در مدح سلطان محمود گوید؛ س: رزم کیخسرو با افراسیاب و این را جنگ بزرگ خوانند؛ ق: گفتار در
 رزم کیخسرو و افراسیاب؛ ل: گفتار اندر جنگ کیخسرو و افراسیاب و این را جنگ بزرگ خوانند؛ س: در ستایش
 سلطان محمود؛ بنداری مدح- سلطان محمود را زده و بجای آن مدح سلطان ابی بکر بن ایوب را افزوده است؛ در ف از بیت ۱۰۹۰
 تا پایان دستنویس (برگ ۲۴۸-۲۶۴ ب) به خطی دیگر، ولی نزدیک به خط اصلی است و همچنین از بیت ۲۰۳۶
 تا ۲۷۵۶ را ندارد (پس از برگ ۲۵۹ ب هشت یا نه برگ از این دستنویس افتاده است) ۲- س: برو ۳-
 ل، س، ل، س^۲ (نیز لن- ب): تاج و تخت؛ متن = ف، ق ۴- ل، ق (نیز ل، آ): نام؛ س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ،
 ب): تاج؛ متن = ف: ناز (؟) ۵- (لن: تخت) ۶- س: خفتان و شمشیر ۷- ل: گنج (پسوند ندارد)؛ (لن: بخت)؛
 در ل این بیت پس از بیت ۴ آمده است ۸- ق: زرنجش؛ ف: که تختش ز بختش؛ متن = ل، س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ی، ل، آ،
 و، لن، آ) ۹- س، ق (نیز ل، آ): ز تاجش؛ ل^۲ (نیز لن، لن^۲): و تاجش؛ (ق^۲): و بختش؛ و: ز حانش (!)؛
 متن = ف، ل، س؛ آ، پ، ب این بیت را ندارند ۱۰- ف، ق، س^۲ (نیز لن): بر؛ ل^۲ (نیز ل، آ، ب): بر؛ (لن: ترک)؛ متن =
 ل، س (نیز ل، و)؛ در س لست های این بیت پس و پیش شده اند؛ در ل پس از این بیت، بیت ۲ آمده
 است

- د زا گیتی به کان اندرون زر نماند
 به بزده اندرون گنج پیراگند^۱
 چنو^۷ مرز گیرد به شمشیر تیز
 ز دشمن ستاند رساند^۹ به دوست
 از آن^{۱۰} تیغ ز دست گوهر نشان
 که در بزده دریاش خواند سپهر
 گواهی دهد در جهان^{۱۲} خاک و آب
 که چون او^{۱۳} ندیده ست^{۱۱} شاهی به جنگ
 اگر مهر با کین نیامیزی^{۱۶}
 همی^{۱۹} باز خواهد ز هر مهتری
 تنش زورمندست و چندان سپاه
 پس لشکرش هفتصد زنانه پیل^{۲۱}
 اگر باز ندهند کشور دهند
 که یارد گذشتن ز پیمان اوی^{۲۵}
 همه بزده^{۲۶} گیتی بدو روشنست
 ابوالقاسم^{۲۷} آن شهریار دلیر
- ۱۰
۱۵
۲۰
- که منشور بخشش ورا^۲ برخواند
 چو رزم آیدش گنج بیش آگند^۳
 برانگیزد از گنج ها^۵ رستخیز
 خداوند پیروزگر یار اوست
 ز گیتی نجویده می جز نشان^{۱۱}
 به رزم اندرون شیر خورشیدچهر
 همان بر فلک چشمه ی آفتاب،
 نه در بخشش و کوشش و^{۱۵} نام و ننگ
 ستاره ز خشمش^{۱۷} پرهیزی^{۱۸}
 ز هر نامداری و^{۲۰} هر کشوری
 که اندر میان باد را نیست راه
 خدای جهان یار با^{۲۲} جبرئیل^{۲۳}
 همان گنج و هم تخت^{۲۴} و افسر دهند
 وگر سر کشیدن ز فرمان اوی^{۲۵}
 به رزم اندرون کوه در جوشنست
 کجا گور بستاند از چنگ شیر

۱- س، ل، آ، س (نیز لن، لی، لن، آ، ب)؛ مین = ف، ل، ق (نیز ل، ب) ۲- ل: جود و راه، س، م: سخت و راه (ل، آ: تخت و راه؛ ل: بخشش و راه؛ ب: بخشش را)؛ مین = ف، ق (نیز لن، لن، ب)؛ در س، ل، آ، لن، ب، لن، آ، ب پس از این بست، بست ۸ آمده است ۳- س: رزم ۴- ل (نیز ل): پیدا کند؛ مین = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، ب) ۵- س: بزده ۶- ل (نیز ل، ب): پنج پیل (ل: پیل) کند؛ س: زورمندست؛ مین = ف، ل، ق، ب (نیز لن، لی، ب)؛ و باز گنج آگند؛ س: (نیز ل، آ): جویش آیدش رزم (لی: رنج) گنج آگند؛ مین = ف (نیز ب: س، ق، ل، آ): در ل، ق، لی، ل، آ، ب، آ پس از بست های ۲۸ و ۲۹ آمده اند ۷- ل، ل: جواو ۸- ل، ق، س: (نیز ل، لی، ل، آ، و، آ): اندر جهان؛ مین = ف، س، ل، آ (نیز لن، لن، ب) ۹- ل، ق (نیز ق، لی، لی، و، آ): بیخشد؛ مین = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ب، لن، آ، ب)؛ در س، ل، آ، لن، ب، لن، آ، ب این بست پس از بست ۵ آمده است ۱۰- ل (نیز ب): بدان (لن: ازین) ۱۱- ف: بخون (!) است همواره جویین (یا: خونین) نشان (۹)؛ مین = چهارده دستنویس دیگر (ق، س، آ، ق، لی، ل، آ، و، آ: بگیتی) ۱۲- ل (نیز ب): بر زمین ۱۳- ق: تو ۱۴- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ب): نبودست؛ مین = ف، ل ۱۵- ل: [و]: ل، آ، س: کوشش و بخشش و ۱۶- ل (نیز لی، ل، آ، ب): برآمیزی؛ س (نیز لن، ق): نیامیزی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: نیامیزی؛ ل: اگر مهربان کین نیامیزی؛ مین = ف، ق (نیز ب، و، لن، آ) ۱۷- س (نیز ل، آ): چشمش ۱۸- س، ل، آ: فروریزدی؛ (لن، ب، لن، ب: ستایش برین (بایدین) گونه کی خیزی) ۱۹- س: همان ۲۰- ل، آ: به؛ بست های ۱۴-۱۷ در دستنویس ها درهم ریخته اند، ل، ق، لی، ل، آ، ب، آ: ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴ را ندارند)؛ لن بست های ۱۴-۱۶ را ندارند؛ پس این بست های مین = ف، س، ل، ق، و ۲۱- س: زندیل ۲۲- ل، ق (نیز لی، ل، آ): یارش و؛ س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب، و، لن، ب): یاور و؛ مین = ف ۲۳- ل، ق، ل، آ، س (نیز ب): جبرئیل (حرف چهارده نقطه یا همزه ندارد)؛ مین = ف، س (نیز ق، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب) ۲۴- س: گنج با تخت؛ ل، آ، س: تخت و هم گنج؛ مین = ف، ل، ق ۲۵- ل، س، ل، آ، و ۲۶- ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، آ): که در بزده؛ س (نیز ب): گه بزده؛ (ق: سر تخت)؛ مین = ف ۲۷- ف، س (نیز لن): ابوالقاسم

جهاندار محمود کاندر نبرد
 همی^۱ تا جهان باشد او شاه باد
 که آرایش چرخ گردنده^۲ اوست
 خرد هست و هم^۴ نیک نامی و داد
 سپاه و دل^۶ و دست^۷ و گنجور^۸ هست ۲۵
 یکی فرش گسترده شد در جهان
 کجا فرش را^{۱۱} مرقد و مندست^{۱۲}
 که آرام^{۱۵} این پادشاهی^{۱۶} بدوست
 بُد خسروان را چُنو^{۱۸} کدخدای
 گشاده زبان و دل و پاک دست ۳۰
 ز دستور فرزانه و^{۲۱} دادگر
 پیوستم^{۲۴} این نامه‌ی باستان
 که تا روز پیری^{۲۶} مرا بر دهد
 ندیدم^{۲۷} جهاندار^{۲۸} بخشنده‌ی
 همی داشتم تا کی آید پدید ۳۵

سر سرکشان اندرآرد به گرد
 بلند اخترش افسر ماه باد^۲
 به بزم اندرون ابر بخشنده اوست
 جهان بی سر و افسر او مباد^۵
 همان بزم و رزم و می و^۱ سور هست
 که هرگز نشانش نگردد^۱ نهان
 نشستن گه فضل^{۱۳} بن احمدست^{۱۴}
 خرد در^{۱۷} سر نامداران نکوست
 به پرهیز و^{۱۹} دین و به رادی و رای^{۲۰}
 پرستنده‌ی شاه یزدان پرست
 پراکنده رنج من آید^{۲۲} به بر^{۲۳}
 پسندیده^{۲۵} از دفتر راستان
 بزرگی و دینار و افسر دهد
 بلند اختری راد و رخشنده‌ی^{۲۹}
 جوادی که^{۳۰} جودش نخواهد گلید^{۳۱}

۱- ل، ق، ل، س (نیز ل، ل، ل، ب، و، آ، ب): جهان؛ متن = ف، س (نیز ق) ۲- س: را بر سر کلاه ۳- س: که آرامش چرخ
 رخشنده؛ ف، س این بیت را ندارند؛ در ل، ل، ب این بیت پس از بیت ۳۵ آمده است ۴- ل (نیز ب): هشت و؛ متن = س، ق، ل، س
 س (نیز هشت دستویس دیگر) ۵- ق (نیز ل، آ): جهان را این افسر او (ق: این او سر افسر) مباد؛ متن = ل، س، ل، س (نیز ق، ل، ب، و، ل، ب): ف این بیت را ندارد ۶- ق (نیز ل، آ): دز ۷- ل، س، ق، ل (نیز ل، ب): گنج؛ متن = ف، س (نیز ل، ب، و، ل، ب): ۸- ل، س، ل، س (نیز ب): دستور؛ متن = ف، ق (نیز ل، ق، ل، ل، ل) ۹- ل: همان؛ ل، ق، س (نیز ل، ل، و):
 رزم و بزم و می و؛ س: بزم و هم رزم و هم؛ (ق، ل، ب، ل، ب): رزم و بزم و همان؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۰- س، ل (نیز ل، ب):
 نماند ۱۱- س (نیز ل، و، ل، ل): او ۱۲- ف: مطرد و مندست؛ ل، ق، س (نیز ل، ل، ب، و، ل، آ): مند و مرقدست؛ (ل):
 بخت او منبرست؛ متن = س، ل (نیز ق، ب) ۱۳- ف، ل، س (نیز ب): نصر؛ متن = س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، و، ل، آ، آ،
 ب) ۱۴- (ل): نشستن بر آن تخت او درخورست ۱۵- ل: آیین؛ متن = ۱۶- ل: که این گونه آرام شاهی؛ متن = ف، س،
 ق، س (نیز ل، ب) ۱۷- س، ل (نیز ل، ب): بر؛ در س، ل، ل، ل، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۸- س:
 بجز؛ ل: جز او ۱۹- ل: او ۲۰- (ل، ق، و، ب، د، و، ب، ل، آ: نژاد و برای؛ ل، آ: نژاد و برای): س، ل (نیز ب، ل، ب): پرهیز و رادی (ل):
 داد و) بدین و برای؛ متن = ف، ل (پ ۱۹)، ق، س (نیز ل) ۲۱- س، ق، ل، س (نیز ل، ب): فرزانه؛ (ق: داننده)؛ متن = ف،
 ل ۲۲- ل، س، ل، س (نیز ق، ل، ب): آمد؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۲۳- س: بسر ۲۴- س: نوشته من ۲۵-
 س: پراکنده ۲۶- س: نیرو (!)؛ در س: امت دوم این بیت پاک شده است ۲۷- ف: بدیدم (?)؛ ل، س: بدیدم (حرف یکم نقطه
 ندارد)؛ متن = ق، ل، س (نیز ل، ب) ۲۸- ل، س: جهاندار و ۲۹- ق، ل (نیز ل، ق، ل، ل، آ): یا درخشنده؛ س: را
 درخشنده؛ ل، س (نیز ب، و، ل، ب): بگاه (ل: بتخت؛ ب: بکان) کسان (و: کسی) بر درخشنده؛ متن = ف؛ در س، ق این بیت با بیت
 سپین پس و پیش شده است و در میان آنها (در ق پس از آنها) افزوده اند:

همی این سخن بر دل آسان نبود / جز از خواهشی هیچ دروان نبود

۳۰- ل: ز ۳۱- س: که از این چرخ جوید کلبه (!)؛ (ق: بزرگی که دادش نخواهد کلبه)؛ در ل، ل، ب پس از این بیت، بیت ۲۳
 آمده است

نگهبان دین و نگهبان تاج
 به رزم دلیران توانا بود
 به بار آورد شاخ دین و خرد
 به^۲ اندیشه از بی‌گزندان بود
 ۴۰ چنین سال بگذاشتم^۴ شست^۵ و پنج
 چو پنج از بر^۷ سالی شستم^۸ نشست^۹
 رخ لاله‌گون گشت برسان گاه
 بدانگه که بُد سال پنجاه و هشت^{۱۳}
 خروشی شنیده ر گیتی بلند
 ۴۵ که ای نامداران و گردن‌کشان
 فریدون بیدار دل زنده شد
 به داد و به بخشش گرفت این جهان
 فروزان شد آثار^{۱۹} تاریخ او
 از آن‌گاه^{۲۱} که گوشم شنید این^{۲۲} خروش
 ۵۰ بیستم^{۲۴} این نامه بر نام او^{۲۵}

فروزنده‌ی مُلک بر تختِ عاج
 به چون و چرا نیز دانا بود
 گمانش به دانش روان پرورد^۲
 همیشه پناهِش به یزدان بود
 به درویشی و، زندگانی به^۶ رنج
 تن^{۱۰} اندر نشیب و سرم سوی پست^{۱۱}
 چو کافور شد رنگِ مُشک^{۱۲} سیاه
 - نوان تر شدم^{۱۴} چون جوانی گذشت^{۱۵} -
 - که اندیشه شد تیز و تن بی‌گزند^{۱۶} -
 که جُست از فریدونِ فرخ‌نشان^{۱۷}؟
 زمان و زمین^{۱۸} پیش او بنده شد
 سرش برتر آمد ز شاهنشهان
 که جاوید بادا بن^{۲۰} و بیخ او
 نهادم بدان فرخ‌آواز^{۲۳} گوش
 همه بهتری^{۲۶} باد فرجام او^{۲۵}

۱- ل (نیزب): افسرو؛ (وز: یاره و)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲- بیت‌های ۳۸ و ۳۹ درل، ق، ل، پ، آ پس از بیت ۶ و درل در هر دو جا آمده‌اند؛ لن بیت‌های ۳۸ و ۳۹ و ل، و بیت ۳۹ را ندارند ۳- س: ی؛ (ق: بر؛ لن، ب: بد) ۴- س: بگذشت بر ۵- ف، ل (نیزلن، پ، لن، آ، ب): شصت؛ (ل: سی)؛ متن = ل، س، ق (نیزق، ل، آ، و) ۶- س: و؛ (ق: ناتوانی و)؛ س: بیت‌های ۴۰-۷۲ را ندارد ۷- ل: سر؛ متن = س، ق، ل (نیزلن، ل، ب) ۸- س، ق، ل (نیزلن، ب): ستین؛ (لن: رقتن؛ آ: شصت)؛ متن = ل (نیزلی، ل، پ، و) ۹- س، ل (نیزل، آ، و، لن): گذشت؛ متن = ل، ق (نیزلن، ل، پ، آ، ب) ۱۰- ل (نیزلن، ل، آ): من؛ متن ← ۱۱- س، ل (نیزلی، پ، و، لن، آ، ب): من از شصت (شصت) و شش (ل: سه؛ ل، و، آ: شست او) ست گشتم چومست؛ ق: مده می که از سال شد مرد مست؛ متن = ل (نیزلن، ل، آ) پس از تصحیح من به تن؛ ف، ق بجای این بیت افزوده‌اند:

ف: خود از شصت و نه سال بودم چومست
 ق: ز سستی خیم آورد بالای راست
 کنون پنج بر سال سبعین نشست
 هم از نرگان روشنایی بکاست

۱۲- ف (نیزلن، ب): ریش؛ ل: رویش (ریش)؛ متن = ل، س، ق (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۳- ل، ق (نیزلن، ل، و، آ): پنجاه و هفت؛ متن = ف، س، ل (نیزل، پ، لن، آ، ب) ۱۴- ف، س، ق، ل (نیزلن، ل، پ، و، لن، آ، ب): جوان تربدم (ل: شدم)؛ (ل: توانا شدم)؛ متن = ل (نیزآ) ۱۵- ل، ق (نیزلن، ل، و، آ): برفت؛ متن = ف، س، ل (نیزل، پ، لن، آ، ب) ۱۶- س: درگزند؛ ل، ق، لن، ل این بیت را ندارند ۱۷- ل، ق، س (پ ۶)، لن، ل، پ بیت ۴۵ را و لن، آ، ب بیت‌های ۴۵-۵۱ را ندارند؛ متن = ف، س، ل (نیزق، ل، و، آ) ۱۸- س: زمین و زمان ۱۹- ق (نیزب، آ): آثار و؛ ف: شد آن تار (؟)؛ س: شده مار (واژه دوم نقطه ندارد)؛ ل: فزون شد ز آثار؛ (لن، ل: فراوان شد آثار و؛ ق: فریدون که آثار و؛ و: فزون زان شد آثار)؛ متن = ل (نیزلی) ۲۰- س، ل (نیزق، آ): پی؛ (ل، آ: تن جبین)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، ل، پ، و) ۲۱- ل، س، ل (نیزق، آ، و، آ): پس؛ متن = ف ۲۲- ل: آن ۲۳- ل، س (نیزل، پ، و): بخوایم نهادن (س: گشادن) با آواز؛ ل: نهادم دل و جان با آواز؛ (ق: نهادم بران تیز آواز)؛ متن = ف، ق، س، ل، لن، ل، آ، ب این بیت را ندارند ۲۴- س: پیوندم ۲۵- ل، س، ل: او ۲۶- ل، س، ل (نیزق، ل، پ، و، آ): مهتری؛ (ل: نیکویی)؛ متن = ف، ق، س، ل، لن، ل، ب این بیت را ندارند

خداوند شمشیر و تاج و سریر^۱
 که چندان بماند تنم^۲ بی‌گزند،
 بگوم، نمانم سخن در نهان^۳
 روان^۴ روان معدن پاک راست
 کزویست پیدا به گیتی هنر
 خداوند ایران و توران زمین
 ازو^۵ دور پیغاره^۶ و سرزشر
 به دریا ننگ و به خشکی پلنگ
 ز بخشش ندارد دلش^{۱۳} هیچ^{۱۴} باک
 به رزم اندرون شیر شمشیرکش
 میان گوان^{۱۵} سرفرازی دهد
 به کام دلش گردش^{۱۷} بخت اوی^{۱۶}
 کسی کو ستاید بیارد^{۱۹} شود
 چو بر تارک مشتری افسرست
 که ماند ز من^{۲۱} در جهان یادگار
 ز باران و از^{۲۲} تابش آفتاب
 که از باد و باران نیابد^{۲۵} گزند
 که باشد به پیری مرا دستگیر
 همی خواهم از کردگار بلند
 که این نامه بر نام شاه جهان
 و زانپس^۴ تن جانور خاک راست
 جهاندار بخشنده و^۶ دادگر
 خداوند هند و خداوند چین
 خداوند زیبای^۷ برترمش
 بدرد از^{۱۱} آواز او کوه و سنگ^{۱۱}
 چه دینار در بزم پیش^{۱۲}، چه خاک
 جهاندار محمود خورشیدفش
 مرا از جهان بی‌نیازی دهد
 که جاوید بادا سر و تخت اوی^{۱۶}
 دلیر آنک او را بیارد^{۱۸} ستود
 که شاه جهان از گمان^{۲۰} برترست
 یکی بندگی کردم ای شهریار
 بناهای آباد گردد خراب
 بی افکندم^{۲۳} از نظم^{۲۴} کاخی بلند

۱- بیت های ۵۱-۶۰ در دستنویس ها در هم ریخته اند. ف: ۵۱-۵۶، ۵۹، ۶۰، ۵۸ (بیت ۵۷ را ندارد): ل، ق، ل، ل: ۵۴، ۵۵، ۵۱.
 ۲- ۵۶ (بیت های ۵۲ و ۵۳ را ندارند): ل، آ: ۵۲-۵۵، ۵۱، ۴۴، ۴۵، ۵۶-۶۰ (بیت ۵۱ را ندارند): ب: ۵۴، ۵۵، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۸،
 ۶۱، ۶۲، ۵۹، ۶۰ (بیت های ۵۲ و ۵۳ را ندارد): ل، ب: ۵۳-۶۰ (بیت های ۵۱ و ۵۲ را ندارند): بیایی بیت های متن = س، ل، ق: یا =
 ل، ب پس از افزودن بیت های ۵۱ و ۵۲ ۲- س: که چندین بماند همی: متن = ف، ل (نیز ق، ل، و، آ): ل، ق، س، ل، ب، ل، ل،
 ب این بیت را ندارند ۳- ل، ق، س، ل، ل، ل این بیت را ندارند ۴- ل: زانپس ۵- س: روانم ۶- (ق، ل، ل، آ، ب:
 [و]): ل، ق (نیز ل، ل، ب): همان نیز بخشنده: متن = ف، س، ل (نیز و) ۷- س، ق، ل (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب): زیبا: و:
 بدار: متن = ل (نیز ق، ل) ۸- س، ق: وزو ۹- ل: پیرایه: ف این بیت را ندارد ۱۰- ل: ز ۱۱- ل، ق (نیز ل): کوه
 سنگ: س، ل (نیز ب): گوش سنگ: (ق: سخت سنگ: ل: گوش ننگ): متن = ف (نیز ل، ل، ب، آ) ۱۲- ل: در پیش
 بزمش ۱۳- (ل، آ: کفش: و: بدل) ۱۴- س (نیز ل، ب): ترس و ۱۵- ق (نیز ل، ب): یلان: س، ل این بیت را
 ندارند ۱۶- ل، ق: او ۱۷- ف (نیز ب): افسرو: (ل، آ: بخشش و: کوشش): متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ل،
 ب) ۱۸- ف، س: بیارد (حرف یکم نقطه ندارد): (ل: نداند: ب: ندارد): ل (نیز ب): که داند و را در جهان خود: ق: دگر آنکه او را
 که یارد: ل (نیز و): دلیری که او را که یارد (و: ندارد): متن = (ل، ق، ل، ل، آ) ۱۹- ف: دارد (حرف یکم نقطه ندارد): ل: که
 یارد: (و: نیاید): ل (نیز ل، ل، ب): کسی کش ستاید که یارد (ل: بیارد: ل، ب: ندارد): س، ق (نیز ل، ل، ب): وگر من ستایم که یارد:
 (ق: کسی کو نیارد نباشد: آ: کسی کش ستایش بداند): متن = ف ۲۰- ل، ق (نیز ل، و، آ): که شاه از گمان و توان (ل: زهان):
 متن = س، ل (نیز ل، ب): ف این بیت را ندارد ۲۱- ق (نیز ل، ق، ل، ل، آ): تو: متن = ف، ل، س (نیز ب، و): ل، ل، ل، ب این
 بیت را ندارند ۲۲- ل، ق، ل: وز ۲۳- ق: بفرکنده ۲۴- (ل: فکنده بنام تو) ۲۵- ل، ق: بارانش ناید: (ل: آتش
 نیابد): متن = ف، س، ل (نیز هشت دستنویس دیگر)

۷۰ برین نامه بر عمرها^۱ بگذرد
کنند^۳ آفرین بر جهاندارشاه^۴
مرو را ستاینده^۵ کردار اوست
چو این مایه دیدم، سزای^۶ وُرا
زمانه سراسر بدو زنده باد!
همی خواندش هر^۲ که دارد خرد
که بی او^۵ میناد کس پیشگاه^۶
جهان سربسر پُر ز آثار^۸ اوست
پرستش^{۱۰} کنم خاک پای وُرا
خرد تحتِ او را فروزنده باد!^{۱۱}

۷۵ کنون زین سپس نامه‌ی باستان
چو پیش آورم گردش روزگار
چو پیگارِ کیخسرو آمد پدید
بدین داستان در بارم^{۱۴} همی
کنون خطبه‌یی یافتم^{۱۶} پیش از آن^{۱۷}
بیوندم از گفته‌ی راستان^{۱۲}
نباید مرا پندِ آموزگار
ز من جادوی‌ها بیاید شنید^{۱۳}
به سنگ^{۱۵} اندرون لاله کارم همی
که مغز^{۱۸} سخن^{۱۹} یافتم^{۲۰} بیش از آن:

ایا آزمون را نهاده دو چشم
گهی شادمانی و گاهی به^{۲۱} خشم

۱- ل، س (نیز پ): سالها؛ (ق: سالیان)؛ متن = ف، ق، ل^۱ (نیز هفت دستویس دیگر) ۲- ل، س، ق (نیز لن - ب): خواند آنکس؛ ل^۲: خواند آنرا که؛ متن = ف ۳- ق (نیز لن - ب، لن، آ، ب): کند؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیز و) ۴- ل^۲: جهانجوی شاه ۵- س (نیز لن، ل، ب): تو ۶- س، ل^۲ (نیز لن، ب): پایگاه ۷- س: شناسنده ۸- ل (نیز لن، ل، آ): زیر آثار؛ (ق: پرز پیکار)؛ ق: سراسر جهان زیر آثار؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز ب، و، لن، ب) ۹- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن - و، آ، ب): چو مایه ندارم (ل، ل^۲: بدارم؛ ب: نداری) ثای؛ متن = ف ۱۰- ل: نیایش؛ ق (نیز لن - و، آ): ستایش؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیز ب) ۱۱- ل، س، ق، لن، ق، ل، ل^۲: پ، آپس از بیت ۷۲ چهار بیت و ل، لن، ب تنها بیت‌های دوم و چهارم را افزوده‌اند:

دلش شادمانه چو (ق: به) خرم بهار

همیشه برین (ق: خوش از؛ ق: بکام دلش؛ ل، آ: ابا؛ س: همه سر بر از) گردش روزگار

ازو شادمانه دل انجمن

بهر کار پیروز و چیره بتن (ل، لن، ل، ب، پ: ب: سخن)

همی تا بگردد فلک چرخ وار

بود اندرو مشتری را (پ: اخترانرا؛ س: بود مشتری را بروبر) گذار

بقاباد (ل، ق، لن، ب: بماناد) جاوید در عز و ناز؛

ل، پ: شهنشاه ماباد با جاه (پ: عز) و ناز

ازو (وزو) دور چشم بد و نیاز (ق، ق: بدی و نیاز)

ف، س، و هیچیک از این بیت‌ها را، و ل، لن، ب بیت‌های یکم و سوم را ندارند ۱۲- درس این بیت پس از بیت ۹۵ آمده است ۱۳- درس^۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴- ق، س، ل^۲ (نیز لن، ل، ب): بیارم؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیز ق، آ) ۱۵- س: بچنگ؛ س بیت‌های ۷۶-۷۸ را ندارد؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر خطبه رزم بزرگ جنگ کیخسرو و افراسیاب؛ ل: گفتار اندر رزم افراسیاب با کیخسرو؛ ق: آغاز داستان رزم بزرگ؛ س: رزم کیخسرو با افراسیاب و این را جنگ بزرگ خوانند ۱۶- ل: خامه یافتم؛ ق: خامه یافتم؛ (لن، ل: خامه برتافتم؛ پ: دیبه یافتم)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ق، ل، لن، آ، ب) ۱۷- ل^۲ (نیز ب، ب): زین نشان ۱۸- ل^۲ (نیز لن^۲): معنی؛ (ب: جان) ۱۹- (ل: اندرون) ۲۰- ل (نیز ق^۲): یافتم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ف را هم یافتم میتوان خواند و هم یافتم و دیگر دستنویس‌ها یافتم دارند ۲۱- ل، ق (نیز ل^۲): گهی درد و؛ ل^۲ (نیز ل، آ): و گه پرز؛ س^۲ (نیز ب، و، لن، ل^۲): گهی پرز؛ (ق: شادمان و گهی پرز)؛ متن = ف

شِگفت اندرین گنبد تیزگردا
 چُنین بود تا بود دورا زمان
 یکی را همه بهره^۷ شهدست و قند
 یکی را همه رقتن اندر وُریب^۸
 چُنین پروراندھی^{۱۱} روزگار
 هر آنکس که سالش برآمد^{۱۴} به شست
 ز هفتاد برنگذرد^{۱۶} بس^{۱۷} کسی
 وُ گر بگذرد آن همه^{۱۸} بترست
 اگر شست^{۲۰} ماهی بُدی سال^{۲۱} شست
 نیابیم بر^{۲۴} چرخ گردنده راه^{۲۵}
 جهاندار اگر^{۲۸} چند کوشد به رنج
 همش^{۳۰} رفت باید^{۳۱} به دیگرسرای
 ۸۰
 ۸۵
 ۹۰

بماندی^۱ چُنین، دل پُر از داغ و درد^۲
 به نوی^۵ تو اندر^۶ شِگفتی ممان!
 تن آسانی و ناز و بخت^۸ بلند
 گه اندر فراز و گه اندر^{۱۰} نشیب
 فزون آمد از رنگ^{۱۲} گل رنج^{۱۳} خار
 بیاید کشیدن ز بیشیش^{۱۵} دست
 ز دوران چرخ آزمودم بسی
 برآن^{۱۹} زندگانی بیاید گریست
 خردمند ازو^{۲۲} یافتی راه^{۲۳} جست
 نه بر دامن دام^{۲۶} خورشید و ماه^{۲۷}
 بیازد به کین و بنازد^{۲۹} به گنج،
 بماند همه کوشش ایدر^{۳۲} به جای

۱- ل: لاژورد؛ س، ل (نیزلی، ب، و، لن)؛ نیزرو؛ ق (نیزلی، ل، آ)؛ لاجورد؛ متن = ف، س (نیزق) ۲- ل، س (نیزق، ل، پ، لن، آ)؛ بماند؛ ق؛ بماند؛ ل (نیزلی)؛ نماند؛ (و؛ بماندم)؛ متن = ف، س ۳- (و؛ خو)؛ س، ل (نیزلی، پ، لن)؛ همی دل پر از رنج نو؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ل، آ)؛ در ف، س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ بیایی بیت های متن = ل، س، ق، ل، و، آ ۴- س؛ روزو ۵- س، ق؛ نبودی؛ س (نیزق، ل، و، آ)؛ بنویسی؛ (ل؛ نمائی)؛ متن = ف، ل ۶- ق؛ ایدر؛ ل، لن، ب، لن، ب این بیت را ندارند ۷- س، س (نیزلن، ب)؛ ساله؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزلن، و، آ) ۸- ف، ق (نیزلی، ل، آ)؛ تخت (ق)؛ ل، س، ل، س (نیزلن، و، لن، آ)؛ سخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (ق، ب)؛ در ل پس از این بیت، بیت های ۸۵-۸۷ آمده اند؛ ل، س، س، ق، ل، ب، و، آ، ب پس از بیت ۸۱ و ل پس از بیت ۸۵ افزوده اند:

یکی زو(را) همه ساله با(زو) درد و رنج شده تنگ دل در سرای سپنج
 ف، ق، لن، ل، آ، لن این بیت را ندارند ۹- ل، س، ل، س (نیزب، و)؛ فریب؛ (لن، ق، ل، ل، آ، نیب)؛ ق؛ زرقن همی در نیب؛
 متن = ف ۱۰- ل، ق، ل، س (نیزلن، ل، ل، پ، و، آ)؛ گهی در (بر) فرازو گهی در (بر)؛ س (نیزق)؛ یکی در (بر) فرازو یکی در؛
 متن = ف؛ لن، ب این بیت را ندارند ۱۱- ق؛ چنن بوده از گردش ۱۲- (ق، ل؛ بوی؛ لن؛ رنج)؛ س؛ نامد از بوی ۱۳-
 (لن، و؛ زخم؛ ل؛ رنگ) ۱۴- س؛ درآید؛ (ل؛ درآمد)؛ س (نیزآ)؛ سال اندرآمد؛ ل، ق، ل (نیزلن، ل، پ)؛ هر آنکه که سال اندرآمد
 (ل؛ آید)؛ متن = ف ۱۵- ل، ق (نیزل، پ)؛ بیشیت؛ س؛ بدهاش؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ل، آ)؛ ق، ل، ب این بیت را
 ندارند ۱۶- س (نیزآ)؛ بس نگذرد ۱۷- س (نیزلی، لن، آ)؛ بر؛ ق، ل (نیزلن، ل، آ)؛ هر؛ متن = ف، ل، س (نیزق، پ، و، ب)
 ۱۸- س (نیزلن)؛ آن هم از؛ (لن؛ زان سپس) ۱۹- ق؛ بدان؛ س پس از این بیت افزوده است:
 اگر چه بمانی به گیتی دراز زرنج تن آید برقتن نیاز
 چه افسرت بر سر چه بر سر ترگ برو بگذرد تیر و پیکان مرگ
 ۲۰- ل، س، ل (نیزلی، پ)؛ دام؛ س؛ شصت؛ متن = ف (نیزق، آ) ۲۱- ل؛ بدین جای (!) ۲۲- ل؛ زو ۲۳- س؛
 جای؛ در س پس از این بیت، بیت ۸۲ آمده است؛ ق، لن، ل، و، لن، ب بیت ۸۷ را ندارند ۲۴- س؛ نیابیم بران؛ ل؛ نیابیم بر
 این ۲۵- س؛ رای ۲۶- ل (نیزب)؛ نه بر کار دادار؛ (لن، ل؛ نبرد (ببرد) اهرمن دام)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلی، و، لن، آ، ب)
 ۲۷- س؛ بماند همه کوشش ایدر بجای (۸۸- ب- ۹۰ آرا انداخته و از ۸۸ آ و ۹۰ ب یک بیت ساخته است) ۲۸- ف؛ هر؛ متن =
 ل، س، ق، ل (نیزلن، ب) ۲۹- ق؛ نساژ؛ ل؛ نیازد ۳۰- ف؛ همی؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، ب) ۳۱- س، ل (نیز
 ب، و، لن، ب)؛ رقتن آید؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، ق، ل، ل، آ) ۳۲- س (نیزب، لن، ب)؛ او

تو از کار^۱ کیخسرو اندازه گیر
 که^۲ کین پدر بازجست از نیا
 نیا را بگشت و خود ایدر نماند
 چُنین ست رسمِ سرایِ سپنج
 کهن‌گشته کار جهان تازه گیر
 ز^۳ شمشیر و هم چاره و کیمیا
 جهان نیز منشور او برنخواند^۴
 بدان کوش تا دور مانی ز رنج^۵

آغازداستان^۶

۹۵ چو شد کار پیران و لشکر^۷ بسر
 بیاراست از هر سوی مهتران
 برآمد خروشیدن گره‌نای^۸
 یکی تخت پیروزه بر پشت پیل
 نشست از بر تخت با تاج شاه
 به شهر اندرون جای خفتن نماند^۹
 ۱۰۰ چو بر پشت پیل آن شه نامور
 نبودی به هر پادشاهی روا
 از آن نامور خسرو سرکشان
 به مرزی که لشکر فرستاده بود
 چو لهراسپ^{۱۰} و چون آشکش^{۱۱} نیز چنگ
 دگر نامور رستم^{۱۲} پهلوان

به جنگ دگر شاه پیروزگر،
 برفتند با لشکران گران^{۱۳}
 به هامون کشیدند پرده سرای
 نهادند و شد^{۱۴} گرد^{۱۵} گیتی چون پیل
 خروش آمد از دشت و ز بارگاه
 به دشت اندرون جای^{۱۶} رفتن نماند^{۱۷}
 زدی مهره در^{۱۸} جام و بستی کمر،
 نشستن مگر بر در پادشا
 چُنین بود در^{۱۹} پادشاهی نشان
 بسی پند و اندرزها^{۲۰} داده بود
 که از ژرف دریا ربودی نهنگ
 پسندیده و راد و^{۲۱} روشن روان

۱-س (نیز لن، ل، آ، لن، ب): شاه ۲-س: چو ۳-ل-س (نیز لن-ب): به؛ متن = ف ۴-ف: را نخواند؛ ل، ق (نیز لن، ل): را بخواند (حرف سوم نقطه ندارد)؛ س، ل (نیز ق، و، لن، ب): بر نخواند (حرف سوم نقطه ندارد)؛ (ب: را بخواند)؛ متن = س (نیز ل، آ) ۵-ل: پس از این بیت افزوده است: بگویم کنون من یکی داستان برانسان که بشنودم از باستان
 ۶-ف: آغاز داستان رزم بزرگ؛ متن = ل، س، ل، آ، س ۷-ل، ق (نیز لن، لی، ل، آ): پیران و بیه؛ س، ل (نیز ب، لن، ب): گودرز و پیران؛ متن = ف، س (نیز ق، و)؛ درس پس از این بیت، بیت ۷۳ آمده است ۸-ل، ق (نیز لن، ق، لی، ل، و، آ): لشکری بی کران؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ب، لن، ب) ۹-ف، ل: کرتای؛ س، لن، ب این بیت را ندارند؛ درل پس از این بیت، بیت ۱۰۰ آمده است ۱۰-س: نهاده شده ۱۱-ل، ق، س (نیز لن، لی، ل، ب، و، آ): روی؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۱۲-س، ق، ل (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب): نبود؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، ب) ۱۳-ل، س، ق، ل (نیز ب، و، لن، ب): راه؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، لی، ل، آ)؛ درل این بیت پس از بیت ۹۷ آمده است؛ ف، ق پس از بیت ۱۰۰ افزوده اند:
 جهان شد پر از (ق: گشت پر) ناله بوق و کوس زمین آهنین شد هوا (ق: سپهر) آبنوس
 ۱۴-ل (بر): ف، س بیت های ۱۰۱-۱۰۳ را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست: فتسم الفیل علی تحت من الفیروزج قد وضع علی ظهره، و حرک الحُرزة فی الجمام إشعارا بالنفیر العام. فحرم المقام علی جمع الملوک فی جمیع الأطراف. فنفروا وأقبلوا الی خدمته ۱۵-ل: با ۱۶-ل، س (نیز ق، و، لن، ب): بدره و پندها؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز لن، لی، ل، ب، آ) ۱۷-درو با سه نقطه ۱۸-س، ل، س (نیز ق، و، لن، ب): رستم (در ف نیز نخست رسم داشته و در بالا به ضبط متن تصحیح کرده است)؛ ق (نیز لن، بنداری): اشکس؛ (آ: اسکس)؛ متن = ف، ل (نیز لی، ل، ب) ۱۹-س (نیز ق، و، لن، آ): اشکس؛ ل، س (نیز ب): اشکس؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن، لی، ل، ب، آ) ۲۰-ق: شاه و)؛ س: پسندیده بی بود

بفرمودشان بازگشتن به در
 در گنج بگشاد و روزی بداد
 سه تن را گزیدند^۳ از آن^۴ انجمن
 ۱۱۰ چو رستم که بُد پهلوانِ بزرگ^۵
 دگر پهلوان طوس ز رینه کفش
 فرستادگان خواست از^{۱۲} انجمن
 به هر نامداری و خود کامه‌یی
 که پیروز کیخسرو از پشت پیل
 ۱۱۵ مه^{۱۶} آرام بادا شما را مه^{۱۶} خواب
 چو برخواند آن نامه^{۱۷} هر مهتری^{۱۸}
 ز گردان گیتی برآمد خروش
 بزرگان هر کشوری با سپاه
 چو شد ساخته جنگ^{۲۲} را لشکری
 ۱۲۰ از آن پس بگردید گرد سپاه
 گزین کرد از آن^{۲۵} لشکر نامدار
 که باشند با او^{۲۷} به قلب اندرون
 به یک دست مر^{۲۸} طوس را کرد جای

هر آنکس که بُد گرد و پرخاشخبر
 بسی^۲ از روان پدر کرد باد
 بزرگان^۵ روشن دل^۶ رای زن^۷
 چو گودرز بینادل^۹ پیرگرگ^{۱۰}
 کجا^{۱۱} بود با کاویانی درفش
 سخن گوی و روشن دل و تیغ زن^{۱۳}
 نداشتند^{۱۴} بر پهلوی نامه‌یی
 بزد مهره و گشت گیتی^{۱۵} چونیل
 مگر ساختن رزم افراسیاب
 کجا بود در پادشاهی سری،
 زمین همچو دریا برآمد^{۱۹} به جوش
 نهادند سر^{۲۰} سوی درگاه^{۲۱} شاه
 ز هر نامداری و^{۲۳} هر کشوری،
 بیاراست از^{۲۴} هر سوی رزمگاه
 سواران^{۲۶} شمشیرزن سی هزار^{۲۶}
 همه جنگ را دست شسته به خون
 منوشان و خوزان^{۲۹} فرخنده رای

۱- ق، ل؛ [و]؛ س پس از این بیت افزوده است:

بفرمود تا ساز جنگ آورند دل دشمنان را بتنگ آورند

۲- ق: می ۳- ل، ق، س (نیز لن - و آ): گزین کرد؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۴- ل: زان ۵- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب: سخن گوی و؛ (ب: سخن دان)؛ متن ← ۶- س، ل، س (نیز لن، لن، ب): رویین تن؛ (لی، آ: دانادل؛ و: فرزانه)؛ متن ← ۷- ل، ق (نیز لی، ل، آ، ب): تیغ زن؛ متن = ف (نیز ق) ۸- ف: سپاه؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ق، ب) ۹- ق: بیدار دل؛ س: کشواد آن؛ متن ← ۱۰- (لی، آ: شیرگرگ)؛ ف: زیبای تخت و کلاه؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، ب، و، لن، ب)؛ ل، لن این بیت را ندارند ۱۱- ف، س، ق، س (نیز ق، ب): که او؛ متن = ل؛ لن این بیت را ندارند ۱۲- ق: از آن؛ س (نیز لن، ب): جست از آن ۱۳- س (نیز لی، ل، و، لن، آ، ب): رای زن؛ ل (نیز ب): زبان آور و بخرد و رای زن (ب: نیک فن)؛ ق: بزرگان رویین تن رای زن؛ متن = ف، س (نیز ق)؛ ل، لن این بیت را ندارند؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴- ل، س (نیز لی، ل، ب، و آ): نوشتند؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، لن، ب) ۱۵- ل: کشور ۱۶- ق (نیز ل، آ): نه ۱۷- ل (نیز ب): آن نامه برخواند ۱۸- س: سروری ۱۹- ق (نیز ب، و): درآمد؛ س: بیامد ۲۰- س: رخ ۲۱- ق: فرمان ۲۲- ف: رزم؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۲۳- ل (نیز ق، ب): به؛ س، ل (نیز لن، ب): از آن نامداران؛ متن = ف، ق، س (نیز لن، لی، ل، و آ) ۲۴- ل، س، ل، س (نیز ل، ب، و، لن، آ، ب): بر؛ متن = ف، ق (نیز لن، ق، لی، آ) ۲۵- ل: زان ۲۶- ل (نیز ق، لی، آ): صد هزار؛ بنداری: ثلاثین ألف ۲۷- ق: وی ۲۸- ل، س (نیز و، ب): بر ۲۹- ف: که فرخنده پی بود؛ ل: منوشان خوزان؛ س: منوشان و خوزان؛ س: منوشان و حوران؛ (لن، ل، آ): دگر سو منوشان؛ لی، و: منوشان و حوران؛ لن: منوشان و حوزان)؛ متن = ق، ل (نیز ق، ب، آ، ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

منوشان و خوزان به دست دگر دو شیر دلاور، دو پرخاشخبر

<p>متوشان و خوزان^۲ زرین‌کلاه دو شهزاده‌ی^۱ گرد لشکرفروز که رزم با بخت همراه بود^۷ نکردی به دل یاد رای درنگ دگر شیردل ایرج پیل‌تن جهاندار و بیدار و فرمان‌روا^{۱۳} کجا رزم را بسته بودی^{۱۶} میان به هر کار پیروز و لشکرفروز^{۲۰} جهانگیر^{۲۳} و فرزانه و پارسا^{۲۴} بزرگان با دانش و^{۲۶} با نژاد دل‌افروز^{۲۸} را لشکرآرای کرد^{۲۹} زدندی شبِ تار در تیره‌میغ^{۳۱}</p>	<p>که بر کشور پارس بودند^۱ شاه دو تن نیز بودند هم رزم‌توز^۳ یکی آنک بر خوزیان^۵ شاه بود^۶ یکی^۸ شاه کرمان^۹ که هنگام جنگ چو صَبَاح^{۱۰} فرزانه شاهِ یمن که بر شهر کاو^{۱۱} بُد او پادشا^{۱۲} چو شَمَاح^{۱۴} سوری شه سوریان^{۱۵} فروتر^{۱۷} ازو گیوه‌ی^{۱۸} رزم‌پیوز^{۱۹} که بر شهر داور^{۲۱} بُد او^{۲۲} پادشا هر آن کو بُد^{۲۵} از تخمه‌ی کیقباد به دستِ چپِ خویش بر پای^{۲۷} کرد بزرگان کجا از چپ و راست^{۳۰} تیغ</p>
---	--

۱- ل، ق (نیزلن، لی، پ، آ): خوزیان بود؛ س: مرو بودند؛ متن = ف (نیزق) ۲- ل، ق (نیزلن، لی، پ، آ): بسی نامداران؛ س: شاه نامبردار؛ متن = ف (نیزق)؛ س، ل، ل، ل، و، لن، ب این بیت را ندارند ۳- ل (نیزلن، ق، ب): رزم سوز؛ س، ل، س (نیزو، لن، ب): وزو دورتر (س: دگر نامور) آرش رزم‌توز؛ ق: دو تن بود هم گرد و هم رزم‌توز؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۴- ل، ل، س، ق، ل، س (نیزلن، ق، لی، پ-ب): چو کوران (س: خوران؛ ق، لی، آ: کردان) شه آن (ق، لن، لی، آ: شه و)؛ متن = ف؛ ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند: وزو نیوتسر (پ: دورتر) آرش رزم‌زن ۵- ل: کشور؛ س: حوریان؛ ق: عسکری؛ (لن: کشورش؛ پ: کشوری؛ و: حوزیان؛ ل: که بر کشور خوزیان)؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزق، لی، لن، آ، ب) ۶- ق: بود شاه ۷- س: و با گاه بود؛ ق: که بر تخت او را بدی بخت راه ۸- ل: دگر؛ ق: دوم ۹- س: مکران ۱۰- ل، ل، ل، ل، صیاع؛ (لن، لی: سیاع؛ ق: صیاع؛ ل: سیاخ؛ لن: صباخ؛ آ: سیاع؛ ب: صیاح)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزب، و) ۱۱- ف- س (نیزلن-ب): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۲- ق: پادشاه ۱۳- س: فرمان ده و پارسا؛ ق: فرزانه با تاج و گاه؛ ل (نیزلی، پ، و، لن، ب): فرزانه و پارسا؛ (لن، ل: پیروز و فرمانروا)؛ متن = ف، ل، س (نیزق، آ)؛ درل، ق، ل، لن، ل، پ پس از این بیت، بیت ۱۳۳ آمده است ۱۴- ل (نیزلی): صباخ ۱۵- ق (نیزل): تازیان؛ (ق: تیزی سر توزیان) ۱۶- ل: بود بسته؛ ل، و این بیت را ندارند ۱۷- ف (نیزلن): فروتر؛ (ل: فروتر) ۱۸- س: گیوید؛ ق: تیمه؛ (ل: نیو؛ پ، لن، قارن) ۱۹- ف، س، ل: رزم‌توز؛ ل، ق، س (نیزلی، پ، لن، ب): رزم‌زن؛ (ق: رزم‌سوز)؛ متن = (آ) ۲۰- ل، س (نیزلی، پ، لن، ب): لشکرشکن؛ ق: که هرگز ندیدی بکاری شکن؛ متن = ف، س، ل (نیزآ) ۲۱- ق، ل، س (نیزق، لی، ل، پ، لن، آ، ب): خاور؛ متن = ل: داور(?) ۲۲- (لن: حاوید بد) ۲۳- س (نیزلن، ل): جهاندار؛ (ق: سرافراز)؛ متن ← ۲۴- ق (نیزآ): جهاندار و پیروز و فرمان‌روا؛ ل (نیزب، لن، ب): جهاندار و بیدار و فرمان‌روا (= ۱۲۹ ب)؛ (لی: جهاندار پیروز با فرو و جاه)؛ متن = ل؛ ف، س، و این بیت را ندارند ۲۵- س، ل: کس که ۲۶- س، ق: [و]؛ درل، ق، ل، لن، ل، پ این بیت پس از بیت ۱۳۰ آمده است؛ پایی بیت‌های متن = س، ق، لی، لن، ب: و یا = ف، س پس از افزودن بیت ۱۳۲ ۲۷- س، ق، ل (نیزلن، ق، لی، پ-ب): جای؛ متن = ف، ل، س (نیزل) ۲۸- ف: منوچهر؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلن-و، آ) ۲۹- س (نیزلن، ب): که شاه او پسندیده بُد در نبرد ۳۰- ل (نیزل): که از تخم بوسب؛ س: ز تخم سیامک که؛ ق: که از نوز و نورست و؛ ل: که از تخم زراسب؛ س (نیزق): ز تخم پشن آنک؛ (لن: که از تخم بوسب و؛ پ، و: ز تخم زراسب آنک)؛ متن = ف ۳۱- ل، س، ل، س (نیزق، پ، و): تیره بر تیره (ل: باد؛ ل: بار؛ س: تار؛ ق: پاره؛ پ: تاره؛ و: ترگ) میغ؛ ق: تیره تابان چو میغ؛ (لن: تاره در تیره میغ)؛ متن = ف (نیزل)؛ لی، لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ درل، ق، س، ل، لن، ق، ل، پ پس از این بیت، بیت ۱۳۸ آمده است؛ بنداری (۱۲۳-۱۳۵): ورتب علی أحد جانبیه طوس بن نوذر مع جماعه من أصحاب الأطراف، و جعل علی الجانب الآخر أولاد الملوك الذين يتسبون الی کیقباد

دگر بیژن گیوا و رهام گرد
 چو گرگین میلاد و گردان ری
 دگر آنک بود او ز تخم زرسپ
 پس پشت او را نگه داشتند
 ۱۴۰ به رستم سپرد آن زمان^۸ میمنه
 هراَنکس که از زاوَلستان^{۱۱} بُدند
 بدیشان^{۱۳} سپرد آن زمان^{۱۴} دست راست
 سپاهی گزین کرد بر میسره
 سپهدار گودرز^{۱۷} کشواد بود
 ۱۴۵ بزرگان که از بردع و اردبیل^{۱۹}
 سپهدار گودرز را خواستند
 بفرمود تا پیش قلب سپاه
 نهادند صندوق بر پشت پیل
 هزار از دلیران روز نبرد
 ۱۵۰ نگهبان هر پیل سیصد سوار

کجا شاهشان از پلنگان^۲ شمرد
 برفتند یکسر به فرمان کی^۳
 پرستنده^۵ فرخ آذرگشپ
 همه^۶ نیزه از میغ بگذاشتند^۷
 که یک دل سپاهی بُد و یک تنه
 وُگرا^{۱۱} کهتر^{۱۲} و خویش دستان بُدند،
 همه^{۱۵} نام و آرایش جنگ خواست
 چو خورشید تابان ز^{۱۶} برج بره
 هجیر سپهدار و^{۱۸} فرهاد بود
 به پیش جهاندار^{۲۰} بودند خیل
 چپ لشکرش را بیاراستند^{۲۱}
 به پیلان جنگی بیستند^{۲۲} راه
 زمین شد بگردار دریای نیل^{۲۳}
 به صندوق در^{۲۴} ناوک انداز مرد^{۲۵}
 همه جنگ جوی و همه نیزه دار^{۲۶}

۱- ف: گرد؛ متن = ل-س^۲ (نیزلن-و، آ، بنداری) ۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن-و، آ): بزرگان؛ متن = ف، س^۱: ل^۲، ب این بیت را ندارند ۳- ق (نیزق^۱، ل، آ): بفرمان برفتند فرخنده پی؛ س^۱: بفرمان برفتند از پیش کی؛ (لن: برفته بفرمان فرخنده پی)؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیزل^۲، پ، و، ل^۲، ب) ۴- ف: بد او؛ (لن: بدی)؛ ل: هراَنکس که بود او؛ ق: یکی آنک بود او؛ متن = س، ل^۲، س^۱ (نیزق^۲، ل، ل^۲، ل^۲، آ، ب) ۵- س، ل^۲ (نیزلن^۲): پرستنده ۶- س، س^۱: همی ۷- ق: بردشمن افراشتند؛ ل^۲: که با نیزه از میغ بگذاشتند ۸- ف: آنگهی؛ متن = ل-س^۱ (نیزلن-ب) ۹- (پ: بد او؛ ل^۲: سواری بد او)؛ ل (نیزلن): که بود او سپاهی شکن (لن: گشن)؛ ق: که او بد سپه کش یل؛ (ل، و، آ: که او یک سپاهی بدو)؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۱ (نیزق^۱، لن، ب) ۱۰- ف، س، ق، س^۱ (نیزلن-ب) ۱۱- (لی: ویا) ۱۲- س، ق، ل^۲ (نیزلن، پ، لن، ب): مهر ۱۳- ل^۲: بایشان ۱۴- ف: آنگهی؛ متن = ل-س^۱ (نیزلن-ب) ۱۵- ل، ق، ل^۲، س^۱ (نیزلن، ل، ل^۲، آ): همی؛ متن = ف، س^۱ (نیزق^۱، پ، و، ل^۲، ب) ۱۶- ل^۲: به ۱۷- (ل^۲: سپهدارشان پور) ۱۸- ل: هجیر و جوشیدوش و؛ ق (نیزلن، ل، آ): هجیر و سپهدار؛ (و: هجیر سرافراز و)؛ متن = س، ل^۲، س^۱ (نیزق^۱، ل^۲، پ، لن، ب)؛ ف این بیت را ندارد، ولی در ترجمه بنداری هست: وجعل جودرز بن کشواد علی المیسرة مع ولدیه هجیر و فرهاد فی عساکر تفتوت العذ و الحضرة؛ درف پس از بیت ۱۴۳ بیت ۱۴۸ آمده است ۱۹- (و: برده و اردوبیل) ۲۰- ق (نیزلن، ل، آ، ب): سپهدار ۲۱- س^۱، لن بیت های ۱۴۶ و ۱۴۷ را ندارند ۲۲- ق (نیزق^۱، ل، ل^۲، آ): بستند ۲۳- ق (نیزلن): که گر کوه پیش آمدی بر دو میل (= ۱۵۳ ب)؛ درف بیت ۱۴۸ پس از بیت ۱۴۳ آمده است ۲۴- ل، س، ل^۲ (نیزل، ب): بر؛ متن = ف، س^۱ (نیزق^۱، ل^۲، پ، و) ۲۵- ل، س، ل^۲، س^۱ (نیزق^۱، ل، ل^۲، ب): کرد؛ متن = ف (نیزپ، و)؛ درق، لن بیت های ۱۴۹-۱۵۴ درهم ریخته اند: ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۵۴ (بیت های ۱۴۹ و ۱۵۲ را ندارند) ۲۶- س، ق، س^۱ (نیزلن، ل، پ-ب): نامدار؛ متن = ف، ل^۲ (نیزق^۱)؛ ف این بیت را ندارد، ولی در ترجمه بنداری هست: وأمر فصبوا علی ظهور الفیلة صنادیق و شحنوا برماة الحبان و وکل بجمایة کل فیل ثلثمائة فارس

ز بغداد گردان و جنگاوران
 گزیده سپاهی^۲ ز گردان گرخ^۳
 پیاده بودند در^۴ پیش پیل
 دل سنگ بگذاشتندی^۵ به تیر
 پیاده پس پیل کرده به پای
 سپرهای گیلی به پیش اندرون
 پیاده صفی از پس نیزه‌دار
 پس پشت ایشان سواران جنگ
 ز خاور سپاهی گزین کرد شاه
 ز گردان گردنکشان^{۱۳} سی هزار
 ابا شاه شهر دهستان تُوخوار^{۱۴}
 ز بغداد^{۱۵} گردن فرازان گرخ
 به پیش اندرون تیرباران کنند^{۱۷}
 که از تخمهی ناموردشمه^{۱۹} بود
 به دست فریبرز نستوه بود
 بزرگان و^{۲۲} رزم آزموده سران
 سر مایه ور^{۲۴} پیشروشان^{۲۵} زهیر^{۲۶}

۱۵۵
 ۱۶۰
 ۱۶۵

که بودند با زنگهی شاوران
 بفرمود تا با کمان‌های چرخ،
 که گر کوه^۵ پیش آمدی بر دو میل^۶،
 نبودی کس آن زخم را^۸ دستگیر
 ابا نه رشی نیزه‌ی سرگرای^۹
 همی از جگرشان بیالود^{۱۱} خون
 سپردار با تیر جوشن‌گذار
 پُرآگنده^{۱۱} ترکش ز^{۱۲} تیر خدنگ
 سپردار با درع و رومی کلاه
 فریبرز را داد جنگی سوار
 که جنگ بداندیش بودیش خوار
 همه پیش در^{۱۶} با کمان‌های چرخ
 هوا را چُن^{۱۸} ابر بهاران کنند^{۱۷}
 — بزرگی بدانگه در آن^{۲۰} تخمه بود —
 که نزدیک او لشکر انبوه بود^{۲۱}
 ز دشت سواران^{۲۳} نیزه‌وران
 که آهو ربودی ز چنگالی شیر

۱- ل: [و] ۲- ل: سپاهی گزیده ۳- ل: بلغ (!)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزق^۲، ب، بنداری) ۴- ل، ل، س (نیزو، آ، ب)؛ بر: ق (نیزق، ل^۲)؛ از: متن = ف، س (نیزب، لن^۲) ۵- س: کور (!) ۶- ق (نیزلن)؛ بکایک خروشان چو دریای نیل ۷- (ق: بشکافتندی؛ و: بردوختندی) ۸- ق: از زخشان ۹- ق (نیزلن، ل، ل، آ، ب)؛ جان گرای؛ س پس از این بیت افزوده است:

ز گیل و ز دیلمه سری سی هزار
 سوار و پیاده از در کارزار

۱۰- ل- س (نیزلن- ب)؛ بجوشید؛ متن = ف ۱۱- س، ل (نیزل، ل^۲، ب)؛ بیاکنده؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق^۲؛ درف، ق، س^۲ به پیش یکم) ۱۲- س، ل (نیزب، و، لن^۲، ب)؛ به: متن = ف، ل، ق، س (نیزلن، ق، ل، ل، آ) ۱۳- س: و لشکر کشان؛ بیت‌های ۱۶۰-۱۶۳ در دستنویس‌ها در هم ریخته‌اند، ف: ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۱؛ ق، ل، و، آ: ۱۶۰، ۱۶۱ (بیت‌های ۱۶۲ و ۱۶۳ را ندارند)؛ ل: ۱۶۰، ۱۶۳ (بیت‌های ۱۶۱ و ۱۶۲ را ندارد)؛ لن: ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۱ (بیت ۱۶۲ را ندارد)؛ پایانی بیت‌های متن = ل، س، ل، ق، آ، ب؛ بنداری؛ و ضم ثلاثین ألف فارس الی فری برزین کی کاوس مع جماعة من رماة انکرخ، ورتبه علی البسار (بیت‌های ۱۶۱ و سپس ۱۶۳-۱۷۸ را ندارد) ۱۴- (ق: تُوخار)؛ س، ل (نیزلن، ب، لن^۲، ب)؛ ابا شهرة (لن: شهر) شاه دهستان (س: ساد و ردان) تُوخار؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزلی، و، آ) ۱۵- ل: بغداد و ۱۶- ل، ل (نیزب)؛ بفرمود تا با (ب: بر)؛ س: بکایک همه با؛ (ب: بفرمودشان با)؛ متن = ف؛ ق، س، ل، ق، ل، و، لن^۲، آ، ب؛ آ این بیت را ندارند ۱۷- س: کنید ۱۸- ل، س، ل (نیزل^۲، ب، لن^۲، ب)؛ چو؛ متن = ف؛ ق، س، ل، ق، ل، و، آ این بیت را ندارند ۱۹- ف: تخمه (ناخواناست)؛ س: دسمه (حرف دوم پاک شده است)؛ س: شمه؛ (لن: ویشه؛ ق: آ: وشمه؛ ب: و، وشمه؛ آ: سمه)؛ متن = ل (نیزلی، لن^۲، ب) ۲۰- س، ل؛ بدان؛ ل، ق، ل این بیت را ندارند؛ در س پس از این بیت، بیت ۱۷۸ آمده است ۲۱- س، ق، ل، ل، آ این بیت را ندارند ۲۲- ل، ل؛ [و] ۲۳- س: گزیده سواران و؛ س، ق، و، آ این بیت را ندارند ۲۴- ل: مایه بر؛ ل، س (نیزق^۲، ب، لن^۲، آ)؛ مایه و؛ متن = ف (نیزلی، ل^۲) ۲۵- ل: پیش رویان ۲۶- ف، س (نیزق^۲، ل^۲)؛ هجیر (؟) بیت ۱۴۴؛ ل: رهبر؛ (لن: دلیر)؛ متن = ل (نیزلی، ب، آ، ب)؛ (ب: سر مایه ایشان زهیر دلیر)؛ س، ق، لن، و این بیت را ندارند

<p>چپ لشکر شاه چون کوه شد یکی^۲ پیشرو نام لشکرستان برفتند تا ساقه‌ی شهریار^۴ جهانجوی و مردم‌شناسان^۵ بُدند گه نام جستن^۸ نگهدارشان^۹ جهاندار^{۱۱} و ز^{۱۱} تخمه‌ی کیقباد سپهبدل و لشکرافروز بود کجا پشت^{۱۴} پیل آوریدی به زیر^{۱۵} سر تخمه را لشکرآرای کرد ابا نیزه و گیر و لاف^{۱۷} آمدند پُر از خون دل^{۱۸} از تخمه‌ی زادش جهاندار^{۲۱} و ز تخمه‌ی شهریار^{۲۲} بدو^{۲۴} تازه شد دل همه^{۲۵} مرز را کشیدند^{۲۹} جنگی دوگان و سه‌گان^{۳۰} برفتند گردان^{۳۲} بیدار^{۳۲} نیو</p>	<p>بفرمود تانزد نستوه^۱ شد سپاهی بُد از روم و بربرستان سوار و پیاده بُد آن^۳ سی‌هزار دگر لشکری کز خراسان بُدند منوچهر^۶ آرش^۶ سپهدارشان^۷ دگر نامداری کروخان نژاد کجا نام آن شاه پیروز بود شه غرچگان^{۱۲} بود برسان^{۱۳} شیر^{۱۳} به دست منوچهرشان جای کرد بزرگان که از کوه قاف^{۱۶} آمدند سپاهی ز تخم فریدون و جم ازین^{۱۹} دست^{۲۰} شمشیرزن سی‌هزار سپرد این^{۲۳} سپه گویو گودرز را پس گویو بُد^{۲۶} آوه‌ی^{۲۷} و سَمگان^{۲۸} به یاری به پشت سپهدارگویو^{۳۱}</p>
---	--

۱- ل، س^۱ (نیزلن^۱): بستوه؛ ل: بستوه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بفر و بفریز بستوه (!)؛ متن = ف، ق (نیزلن - پ، آ، ب) ۲- ل: کوی؛ ق این بیت را ندارد ۳- ل، س (نیزپ، ب): بدی؛ ل^۱ (نیزلی): برار؛ س^۱: بدش؛ (ق: آ: تن): متن = ف: بدان ۴- ف: یکسر سوی کارزار؛ س، ل^۱ (نیزق^۱، ل^۱، ل^۲، پ، ل^۱، ب): سوی (پ: هم بر) چپ شهریار؛ متن = ل (نیزو)؛ ق، ل^۱، آ این بیت را ندارند ۵- س: لشکرشناسان؛ (ل^۲: یزدان شناسان) ۶- (ل^۳: گرگین) ۷- ل، ل^۱ (نیزپ، و، ب): نگهدارشان؛ س: بدی شاهشان (پساوند ندارد)؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیزلن، ق^۱، ل^۱، آ) ۸- ف: گه رزم جستن؛ س^۱: بهنگام سختی؛ متن = ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن - و، آ، ب) ۹- ل، س، ل^۱ (نیزپ، و، ب): سپهدارشان؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیزلن، ق^۱، ل^۱، آ)؛ س پس از این بیت افزوده است:

به پشت سپاه اندر آورد شاه برانسان بیست از همه روی راه

۱۰- ف: سپهدار؛ (لی، آ: جهانگیر)؛ متن = ل - س^۱ (نیزلن، ل^۲، پ، و، ل^۱، ب) ۱۱- س: و از ۱۲- درپ، و حرف سوم با سه نقطه ۱۳- ف: بسطام نام؛ (ق: بسام شیر؛ پ: دستان شیر؛ و: سام دلیر)؛ س: نام انشان شهر (!)؛ ل: غرچکانان و دستان شیر؛ (ل^۱: غرچه نام آن نزه شیر؛ ب: غرچه بدانام بسطام شیر)؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیزلن، ل^۱، آ) ۱۴- ل، ق، س^۱ (نیزلن، ق^۱، ل^۱، پ، آ): زنده؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزل، و، ل^۱، ب) ۱۵- ف: بدام؛ متن = ل - س^۱ (نیزلن - ب) ۱۶- (لی: قار) ۱۷- ف (نیزپ): کبر و لاف؛ ل، ق (نیزلن، ق^۱، ل^۱، ب): تیغ و لاف؛ ل: تبرلاف؛ (لی: گیر و دار؛ ل^۱: گرزلاف؛ آ: سنج و لاف؛ و: سوی مصاف)؛ س: همه نیزه دار و به لاف؛ متن = س^۱ ۱۸- س: کینه؛ ل: کین دل ۱۹- س: بدین ۲۰- س: بدندی ز ۲۱- س، ل^۱ (نیزلی، ل^۱، ب): جهانجوی ۲۲- ق (نیزلن، ل^۳): دلاور سواران خنجر گزار (۱۷۹ب - ۱۸۳آ را انداخته و از ۱۷۹آ و ۱۸۳ب یک بیت ساخته اند) ۲۳- س: آن ۲۴- س: برو ۲۵- س، ل^۱ (نیزپ): تازه دل کرد هر؛ (لی: تازه دل شد همه)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیزق^۱، پ، و، آ) ۲۶- ف: شد (یا: تند) ۲۷- ف: آره؛ س: ساوه؛ ل^۱ (نیزپ، ل^۱): بیاوه؛ س^۱: کاوه (ق: آره)؛ و: لشکر؛ ب: ماوه)؛ متن = (لی، آ) ۲۸- س (نیزلن^۱): همکنان؛ ل^۲: شمکنان؛ (ق^۱، ب: سمکنان؛ لی، آ: سهمکان؛ و: دشمنان؛ ب: سمکنان)؛ متن = ف، س^۱؛ و: سَمگان - و شَمگان؟ ۲۹- س، ل^۱، س^۱ (نیزق^۱، ل^۱، پ - ب): برفتند؛ متن = ف ۳۰- ل^۱ (نیزلن^۱، ب): سه کان و دوکان؛ س^۱: جنگش یکان و دوکان؛ (ق^۱: خیلش دمان و دان؛ آ: جنگی دو پیل و سه کان)؛ متن = ف، س (نیزلی، و)؛ ل، بنداری این بیت را ندارند ۳۱- ل^۱ (نیزلن^۱، ب): سرافراز گویو ۳۲- ل، س^۱: بیدار و

۱۹۵ وُ گر نیز باید بخواهد^۱ ز شاه
جهان پُر ز گردون بُد و گاومیش
ز^۲ هر سو طلایه پدیدار کرد
ز^۳ هر سو برفتند^۴ کارآگهان
کجا کوه بُد دیدبان^۵ داشتی
همه کوه و غار^۶ و بیابان و دشت
۲۰۰ عنان‌ها یک اندر دگر ساخته^۷
ازیشان کسی را نَبُد بیم^۸ و^۹ رنج
برین گونه چون^{۱۰} شاه^{۱۱} لشکر بساخت
دلِ مردِ بدساز^{۱۲} با نیک‌خوی^{۱۳}

ز^{۱۴} هر کار باشد زبانِ سپاه
ز بهر خورش را^{۱۵} همی‌راند پیش
سرِ خفته از خواب بیدار کرد
همی‌جست بیدار کار جهان
سپه را پراگنده نگذاشتی
به هر سو همی‌گرد لشکر بگشت
همه جنگ را گردن‌افراخته^{۱۶}
همی‌راند^{۱۷} با خویشان شاه گنج
به گردون کلاه کیی^{۱۸} برفراخت،
جز از^{۱۹} جنگ جستن^{۲۰} نکرد آرزوی^{۲۱}

گفتار اندر آگهی یافتن افراسیاب از کشتن پیران و بیه^{۲۱}

۲۰۵ سپهدار ترکان از آن روی^{۲۲} چاج^{۲۳}
دو باره ز لشکر هزاران هزار
نشسته به گل‌زریون با گشان^{۲۴}
نشسته به آرام بر^{۲۵} تختِ عاج
سپه بود با آلتِ کارزار
همه سرفرازان و^{۲۶} گردن‌کشان^{۲۷}

۱- ل-س^۱ (نیز لن-و، آ، ب): بخواهد همه (ل، س، ل، آ، ب: همی) هر چه (ل، ق، لن: هرچ) باید؛ متن = ف ۲- ل-س^۱ (نیز لن-و، آ، ب): به؛ متن = ف؛ در ل، س، ل، آ، ق، ل، ب، و، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پایی بیت‌های متن = ف، ل^۲ ۳- س: او؛ ق، لن این بیت را ندارند؛ در ل این بیت یکبار هم پس از بیت ۱۹۱ آمده است ۴- ل، س، ل^۱ (نیز ل، پ، آ، ب): به؛ متن = ف، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن^۲)؛ ق، لن این بیت را ندارند؛ س پس از این بیت افزوده است:
سپهد در آن رزمگه خیره ماند ستاره ز گردون همی برفشاند

۵- ل، س، ل، آ، س^۱ (نیز ل، پ، و، لن^۱، ب): به؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، آ) ۶- س، ل^۱ (نیز لن، آ، ب): همی رفت؛ (ق): فرستاد؛ و: برافکنند) ۷- ل، ق، ل، آ، س: دیده‌بان ۸- س، ل^۱ (نیز پ، ب): غار و کوه؛ (ل: کوهسار) ۹- ق: یافتند؛ (و: ساختند) ۱۰- ق (نیز و): افراختند؛ س پس از این بیت افزوده است:
ز فرمان او کس نیامد برون بنیک و بیدشان همی رهنمون

۱۱- س: هیچ؛ (ل: درد و)؛ س: ندیدم به ۱۲- س: همی داشت ۱۳- ق: بر ۱۴- س، ل^۱ (نیز لن، آ، ب): کار ۱۵- س، ق (نیز لن، ل، آ، ب): مهی؛ (لن: کیان): متن = ف، ل، ل، آ، س^۲ (نیز ق، پ، و، ب) ۱۶- ل^۱ (نیز لن، آ، ب): بدخواه؛ س: دگر مرد بدخواه ۱۷- س: سنگ و خوی (!): ل: نیک خو ۱۸- س، ل^۱ (نیز و، لن، ب): بجز ۱۹- س، ق، ل^۱ (نیز لن، ل، و، آ، ب): کردن؛ (ل: چیزی؛ لن: گردان)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ق، آ، ب) ۲۰- ل: آرزو؛ درس^۱ این بیت پس از بیت ۲۰۵ آمده است ۲۱- ف (بیت بی‌پایین‌تر): گفتار اندر آگهی یافتن افراسیاب از کشتن پیران و بیهلوانان ترکان و زاری کردن بر ایشان؛ ل: خبر یافتن افراسیاب از کار پیران؛ س: آگاهی یافتن افراسیاب از کشته شدن پیران و سران لشکر؛ ق (بیت بی‌پایین‌تر): آگهی یافتن افراسیاب از حال پیران و پهلوانان و قتل ایشان و آمدن شاه کیخسرو بحرب؛ ل (سی بی‌پایین‌تر): آگاهی یافتن افراسیاب از آن لشکر؛ س: آگاه شدن افراسیاب از کار کیخسرو و لشکر کشیدن؛ متن = آغاز ف ۲۲- ق (نیز ق): سوی ۲۳- ف، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، آ، ب): حاج؛ ل، ق (نیز لن، پ، لن^۱، آ): چاج؛ س (نیز و): حاج؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴- س (لن، آ، ب): بگل‌زریون بود با ۲۵- س (نیز ق، ل، آ، ب): با کسان؛ (ل، آ: سرکشان؛ و: ناکشان): ل (نیز لن، پ): همه خَلَج و (لن: خلخی) سرکشان؛ ق: بخلج ابا سرکشان؛ ل: ز گل‌زریون تا کشان؛ (لن: بکنگ اندرون با کسان)؛ متن = ف، س^۱ ۲۶- ل: [و] ۲۷- ق: کنداوران؛ ب: مردم‌کشان؛ س (نیز لن، آ، ب): نامداران و مردم‌کشان

ز برگِ درخت و ز کشت و درود، جهانی ^۲ همی ^۴ آرزوه کرد مرگ بسی گرد ^۷ او خویش و پیوند بود نشسته به مرزِ گورستانِ زمین ^۸ ز خیمه بُد بر زمین نیز ^۹ جای نشسته به گندز به ^{۱۲} خورد و به خواب که گندز فریدون برآورده بود همه زند و استا ^{۱۶} به زر آرده اگر پهلوانی سَخُن ^{۱۸} بشنوی زمانه پر از بند و ترفند ^{۱۹} گشت ز گندز به رفتن نکردی ^{۲۰} شتاب سپهر از سپاهش همی خیره گشت فراوان به پرده ^{۲۴} ندرون برده بود بر آیین سالارِ ترکان پَشَنگ ^{۲۵} همه پیکر تحت در ^{۲۷} گهر به چنگ اندرون ^{۲۹} گرز ^{۳۰} و بر سر کلاه فراوان درفشِ بزرگان ^{۳۱} به پای که ^{۳۲} نزدیک او آب ^{۳۳} بودش ^{۳۴} بسی	به مرزِ گورستانِ زمین ^۱ هر چه ^۲ بود بخوردند یکسر همه بارو برگ سپهدارِ ترکان به بیگند ^۳ بود همه نامدارانِ ماچین و چین جهان پر ز خرگاه و پرده سرای جهانجوی ^{۱۰} پُردانش ^{۱۱} افراسیاب نشست اندر آن مرز ^{۱۳} از آن ^{۱۴} کرده ^{۱۵} بود برآورده در گندز آتشکده وُرا نام گندز بُدی ^{۱۷} پهلوی کنون نام گندز به بیگند گشت نبیره فریدون بُد افراسیاب خود و ^{۲۱} ویژگیانش ^{۲۲} نشسته به دشت ز دیبایِ چینی ^{۲۳} سراپرده بود به پرده درون خیمه های پلنگ نهاد به خیمه ^{۲۶} ندرون تحت زر نشسته برو ^{۲۸} شاه توران سپاه ز بیرونِ دهلیزِ پرده سرای زده بر درِ خیمه ی هر کسی	۲۱۰ ۲۱۵ ۲۲۰ ۲۲۵
--	---	--------------------------

۱- ف، س، س^۱ (نیز و ب): کورسان زمین؛ ل (نیز ل، پ، آ): کروشان زمین؛ ق: کروسان هم؛ ل: کشامان زمین؛ ق: کورشان زمین؛ ل: کروشان هم؛ ل: کشانی هم؛ ل: بدن مرز کهسار بر؛ متن تصحیح قیاسی است (← ف) ۲- ل، ق: هرچ ۳- ل، ق، س: (نیز ل، ق، آ): جهان را؛ متن = ف، س، ل: (نیز ل، پ، و، ل، آ، ب) ۴- س، ل: براو؛ (پ، ب: پراز؛ و از او) ۵- ل: آرزوی ۶- (ل: دز کند) ۷- ق (نیز ل، ل، آ): پیش ۸- ف، س (نیز و ب): کورسان زمین؛ ل (نیز ل، ل، آ): کروشان زمین؛ ق: کروسان زمین؛ ل: کشانی زمین؛ پ: کشان زمین؛ ل: بر شاه توران زمین؛ س: برز کورسان بیسته زمین (!)؛ متن تصحیح قیاسی است (← ف) ۹- ق (نیز ل، ل، آ): هیچ؛ ل: نبد نیز بردشت؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیز ق، آ، پ، و، ل، آ، ب) ۱۰- ق (نیز ل، ل، و، آ): جهاندار ۱۱- س: بی دانش؛ (ل: با دانش) ۱۲- ق، ل: (نیز ق، ل، آ): به بیگند ابا (ل، آ، ق: با؛ ل، آ: به)؛ (ل: به کنگ او به؛ ل: بخوشی به)؛ س^۱ (نیز و): بگندز نشسته به؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، پ، ب) ۱۳- س، ل: (نیز ل، آ، ب): شهر ۱۴- ل: [از] آن؛ ق: زان ۱۵- ل: کنده ۱۶- ل، س: اسبش (→ استش)؛ (ق: استش) ۱۷- س، ل: بدش ۱۸- س: زبان ۱۹- (ق، آ، و: اروند) ۲۰- س: نکردش؛ ل: نکردی بر رفتن ۲۱- ل: [و] ۲۲- س، ل: ویژگیان بد؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- ل: چین در ۲۴- ف- ل: (نیز ل- ب): پرده درون؛ متن = س: پرد اندرون ۲۵- ف، ق، س: (نیز ل، ل، آ، پ): بشنگ؛ ل، س، ل: (نیز ل، ق، آ، و، ل، آ): بشنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (پ) ۲۶- ل- س: (نیز ل- ل، آ، ب): خیمه درون؛ متن = ف (نیز آ) ۲۷- ل: یکسر؛ س، ل: (نیز ل، ل- ب): زرو؛ متن = ف، ق، س: (نیز ق) ۲۸- س: بدو ۲۹- ق: بچنگش همی ۳۰- ل: برز ۳۱- س، ل: (نیز ل، پ، ل، آ، ب): دلیران ۳۲- س (نیز ل، ل، ل، آ، ب): به ۳۳- س (نیز ل، آ، ب): جاه؛ (پ: جای) ۳۴- ق: بودی

برادر بُد و چندا جنگی پسر^۲
 همی خواست کاید به پشت سپاه^۶
 سحرگه سُواری بیامد چو گرد
 همه خستگان از پس^۸ یکدگر
 ۲۳۰ همی هر کسی یاد کرد آنچه^{۱۰} دید
 ز پیران و لَهَاک و فرشیدورد
 چه روی سپاه و چه پشت^{۱۲} سپاه
 همان روز^{۱۳} کیخسرو آنجا رسید
 به زهار شد لشکر ما همه
 ۲۳۵ چو بشنید شاه این^{۱۴} سَخُن^{۱۵} خیره گشت^{۱۶}
 خروشان فرود آمد از تَحْتِ عاج
 خروشی برآمد ز لشکر^{۱۸} به درد
 ز بیگانه جایش^{۱۹} برداختند
 از آن درد بگریست افراسیاب
 ۲۴۰ همی گفت: زار ای جهان بین^{۲۰} من!
 جهانجوی^{۲۲} لَهَاک و فرشیدورد
 ازین جنگ^{۲۵} پور و برادر^{۲۶} نماند

چو^۳ خویشان شاه^۴ آنک بُد باهنر^۵
 بنزدیک پیران بدان رزمگاه^۷
 سَخُن های پیران همه یاد کرد
 رسیدند گریان و پُر خاک سر^۹
 و زان^{۱۱} بد کز ایران بدیشان رسید
 و زان نامداران روز نبرد
 چه زاری رسید اندر آن رزمگاه
 زمین کوه تا کوه لشکر کشید
 هراسان شد از بی شبانی رمه
 سیه شد رخس، چون دلش^{۱۷} تیره گشت^{۱۶}
 به پیش بزرگان بینداخت تاج
 رخ نامداران شد از درد زرد
 ز خویشان یکی انجمن ساختند
 همی کند موی و همی رخت آب
 سوار سرافراز رویین^{۲۱} من!
 سواران و شیران^{۲۳} روز نبرد^{۲۴}
 بزرگان و سالار لشکر^{۲۷} نماند

۱- س، ل (نیز لن، پ، لن، ب): خویش و؛ ق: بدی چندو؛ س: بدش چندو؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۲- س: پیوند
 بر ۳- ل- س (نیز لن- و، آ، ب): ز؛ (لن: نه)؛ متن = ف ۴- س، ل (نیز لن، پ، لن، ب): بیگانگان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز
 ق، ل، و، آ) ۵- ل (نیز و، ب): نامور؛ ق (نیز ل، ل، آ): پرهیز؛ س (نیز ق): تاجور؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، پ، لن، ب) ۶- ق
 (نیز ق، ل، و، آ): بدان رزمگاه ۷- ف: یکی کینه خواه (؟)؛ ق (نیز ق، ل، ل، آ): بیست سپاه؛ س، ل (نیز لن، و، لن، ب): بیاری
 پیران (س، ب: سپهد) بدان (ل: بران؛ و: در آن) رزمگاه؛ متن = ل، س (نیز پ) ۸- س (نیز ق، ل، ب): بی ۹- ل، ق: وخته
 جگر؛ (ل: پر خاک و پر خون جگر) ۱۰- ل، ل، س: آنچه ۱۱- ق: از آن ۱۲- ل (نیز پ): کزیشان چه آمد بروی؛ متن =
 ف، س، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد ۱۳- ق: گاه ۱۴- ف: آن؛ متن = ل- س (نیز لن-
 ب) ۱۵- س: زمان ۱۶- س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب): شد ۱۷- ل، ق: سیه گشت و چشم دلش؛ س: سیه دل بد و
 چون رخس؛ (ل: جهان پیش چشم اندرش؛ ب: سیه گشت چشم و دلش؛ ب: سیه شد دلش چون رخس)؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ق، ل، ل،
 و، لن، آ) ۱۸- ل: ز لشکر برآمد ۱۹- ل، س (نیز ق، ل، ب، و، آ): خیمه؛ س (نیز ل): خانه؛ متن = ف، ق، ل (نیز لن، ل، لن، ب)
 (ب) ۲۰- ف: جهانیان؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۱- ف: پیران؛ (لن: سرافراز پیران و رویین)؛ متن = ل- س (نیز ق)-
 (ب) ۲۲- س (نیز لن، لن، ب): چو هومان و؛ (ل، آ: جهانگیر؛ و: جهاندار)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، ب) ۲۳- ل:
 گردان ۲۴- س: ز رویین گرد آن سپهر نبرد (= ۲۵۲)؛ (ب): درس پس از این بیت، بیت ۲۵۳ آمده است ۲۵-
 ق: کینه ۲۶- س (نیز و، لن، ب): نیره ۲۷- ل (نیز ل، آ): و لشکر؛ س (نیز و، لن، ب): درفش (و: سلاح) و سپاه
 و تیره؛ ل (نیز لن): سپهدار و سالار لشکر؛ متن = ف، ق، س (نیز ق، ل، ب)؛ س، لن، ل، ب، و، لن، ب پس از این بیت
 افزوده اند

بنسالیید و بر دیگر اندازه گشت غم و درد لشکر بدو (برو) تازه گشت (بیت ۲۶۱)

بنالید و برزد یکی باد سرد^۱
 به یزدان و^۲ بیزارم از تخت و گاه^۳
 قبا جوشن و اسپ تخت منست ۲۴۵
 ازین^۴ پس نخواهم چمید و چرید
 مگر کین آن^۵ نامداران من^۶
 بخواهم ز کیخسرو شومزاد

خروشان همی بود ازین^{۱۲} گفت و گوی^{۱۳}
 که لشکر بنزدیک جیحون رسید ۲۵۰
 بدان^{۱۵} درد و زاری سپه را بخواند
 ز خون برادرش فرشیدورد
 کنون گاه کینست و خون ریختن^{۱۷}
 هم بزنج مهرست و هم درد^{۲۰} کین
 بزرگان ترکان به^{۲۳} افراسیاب ۲۵۵
 که ما سربسر مرترا^{۲۵} بندهیم^{۲۶}
 چو پیران و رویین^{۲۸} ز مادر نژاد

ز کیخسرو آگاهی آمد بدوی^{۱۴}
 همه روی کشور سپه گسترید
 ز پیران فراوان سخن ها براند
 ز رویین گرد آن سپهر نبرد^{۱۶}
 به شیر زبان^{۱۸} اندر آویختن^{۱۹}
 از^{۲۱} ایران و از^{۲۲} شاه ایران زمین
 بگفتند و کردند^{۲۴} مرگان پُر آب
 نگریم ازین کینه تا زندهیم^{۲۷}
 چو فرشیدورد آن فریدون نژاد^{۲۹}

۱- س (نیزلن، ل، پ، و، لن، ب) با پس و پیشی است ها: همی گفت با رنج و تیمار و درد؛ متن = ف، ل، ق، س، ا (نیزق، ل، آ)؛ ل^۱ این بیت را ندارد ۲- ل (نیزق، ل، آ، ب)؛ که؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ا (نیزلن، ل، و، لن، آ، ب) ۳- س، ق، ل، س، ا (نیزق، ل، آ، ب)؛ اگر؛ متن = لن، ق، ل، ل، لن، آ، ب)؛ تخت عاج؛ متن = ف، ل (نیزپ، و) ۴- ل، س، ق، س، ا (نیزلن، ب، لن، آ، ب)؛ اگر؛ متن = ف، ل (نیزو) ۵- س، ق، ل، س، ا (نیزلن، ق، ل، ل، لن، آ، ب)؛ سرد فر (س، ل، لن، ل، ل، لن، آ، ب)؛ دل افروز (تاج)؛ متن = ف، ل (نیزپ، و) ۶- س، از آن ۷- ق؛ و یا ۸- ل، س، ل، ا (نیزلن، لن، آ، ب)؛ خویشتن تاج را؛ متن = ف، ق، س، ا (نیزق، و، آ) ۹- ل؛ این؛ ل؛ کینه ۱۰- ل؛ خویش ۱۱- ل- س، ا (نیزلن، ق، ل، ل، لن، آ، ب)؛ جهانجوی؛ (پ؛ سواران)؛ متن = ف (نیزو) ۱۲- ل، ق؛ زین؛ (ق؛ و یا؛ ل، آ؛ و یا؛ و پر) ۱۳- ق؛ گفت گوی؛ ل؛ گفتگوی ۱۴- ل، س، ا؛ بروی ۱۵- ق؛ پراز ۱۶- (ق؛ و سپاه نبرد؛ و آن سپهدار مرد)؛ ل، ق (نیزل، ل، آ)؛ ز رویین و لهاک شیر نبرد؛ س، ل، ا (نیزلن، ب، لن، آ، ب)؛ ز رویین و گردان (پ؛ شیران) روز نبرد؛ متن = ف، س، ا ۱۷- ل؛ و آویختن ۱۸- س، ق (نیزلن، لن، آ، ب)؛ بشیرین روان؛ متن = ف، ل، س، ا (نیزق، ل، ل، و، آ)؛ بشیر زبان؛ بشیرین روان؟ ۱۹- ل؛ ایا گیو و گودرز خون ریختن؛ (ب؛ جویا گیو و با رسته آویختن)؛ درس^۱ این بیت پس از بیت ۲۴۱ آمده است ۲۰- ل، ا (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب)؛ رنج؛ س؛ درد و ل (نیزق، ل، و، آ)؛ رنج و مهرست و هم درد و؛ س؛ رنج خونست و هم رنج؛ متن = ف، ق ۲۱- ق، ل؛ ز ۲۲- ل، ق، ل، س، ا؛ وز ۲۳- ل (نیزق، ل، ب)؛ ترکان؛ س (نیزپ، و)؛ توران به؛ ق (نیزآ)؛ و ترکان؛ ل؛ و ترکان از؛ س، ا (نیزل)؛ و گردان؛ (لن؛ ترکان و)؛ متن = ف (نیزلن) ۲۴- ل، ق (نیزل، آ)؛ ز گفتن بکردند؛ متن = ف، س، ل، س، ا (نیزهفت دستویس دیگر) ۲۵- س، ل، س، ا (نیزلن، ب، و، لن، آ، ب)؛ شاه را؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، ل، آ) ۲۶- ق (نیزل)؛ کهتری ۲۷- (ل، آ؛ رای تا زنده ایم)؛ ل (نیزق، ب)؛ بغردان و ریاست سرافکنده ایم؛ ق (نیزل)؛ اگر سرفرازه اگر مهتری (= ۲۵۸)؛ (و؛ اگر سرفراز را پراکنده ایم)؛ متن = ف، س، ل، س، ا (نیزلن، لن، آ، ب) ۲۸- ل، س، ق؛ چو رویین (س؛ رویین و) پیران ۲۹- ل، ق (نیزب)؛ فرشیدورد گرامی نژاد؛ (ل؛ فرشیدورد آن گو کی نژاد؛ ق، ل، آ؛ چو لهاک گرد (ل؛ گرد آن) فریدون نژاد)؛ متن = ف، س، ل، س، ا (نیزلن، و، لن، آ، ب)

۲۶۰ کنون ما همه پیش شاه اندریم^۱
 ز خون گر در و کوه^۲ دریا شود
 یکی برنگردیم ازین^۳ رزمگاه^۴
 اگر سرفرازم و گر کهتریم^۵
 درازای^۶ ما همچو پهنا شود،
 اگر یار باشد خداوند ماه

۲۶۵ دل شاه ترکان از آن تازه^۷ شده
 در گنج بگشاد و روزی بداد
 گله هر چه بودش به دشت و به کوه
 ز گردان^۸ شمشیرزن صد هزار^۹
 سوی بلخ بامی^{۱۰} فرستادشان
 که گسهم نوذر بُد آنجا به پای
 گزین کرد شمشیرزن^{۱۱} سی هزار^{۱۲}
 به جیحون فرستاد^{۱۳} تا بگذرند
 بدان تا شب تیره بی ساختن^{۱۴}
 ۲۷۰ فرستاد بر هر سوی^{۱۵} لشکری
 چنین^{۱۶} بود فرمان یزدان پاک
 شب تیره بنشست با بخردان
 ز هر گونه با او^{۱۷} سخن ساختند
 برآن برنهادند یکسر که شاه

بخندید و^{۱۸} بر دیگر اندازه شده^{۱۹}
 دلش پُر ز کین و سرش^{۲۰} پُر ز باد
 ببخشید بر لشکرش همگروه^{۲۱}
 گزین کرد شاه^{۲۲} از در کارزار
 بسی پند و اندرزها دادشان
 سواران روشن دل^{۲۳} رهنمای
 سواران گرد^{۲۴} از در کارزار
 به کشتی رخ آب را بسپردند
 نیارد به کشتی کسی تاختن^{۲۵}
 بسی چاره بر ساخت^{۲۶} از هر دری
 که بیدادگر شاه گردد هلاک
 جهان دیده و رای زن موبدان
 جهان را چپ و راست انداختند
 برآن^{۲۷} سوی جیحون^{۲۸} گذارد سپاه

۱-س: توبنده ایم ۲-س: وزینده ایم؛ ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب): اگر کهتریم؛ متن = ف (نیز آ)؛ ل، ق، ل این بیت را ندارند؛ درس ۱، بیت های ۲۵۷-۲۶۰ درهم ریخته اند: ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۵۸، ۳-س: سر بر دشت؛ ق: گر همین دشت ۴-ل، ق، ل (نیز ق، ل، ب): درازی؛ درس این بیت پس از بیت ۲۶۳ آمده است ۵-ل: زین ۶-س، ل (نیز لن، ق، ل، ب): کنگاه ۷-س: زنده ۸-ل: گشت ۹-ل: از آن کار؛ س، س (نیز ب): بیاید (بنالید) و؛ متن = ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب، و، آ) ۱۰-ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب): سرش پُر ز کین و دلش؛ متن = ل، س، س (نیز ل، و، لن) ۱۱-درس پس از این بیت، بیت ۲۵۹ آمده است ۱۲-س، ق، ل (نیز لن، ل، لن، ب): ترکان؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، ب، و، آ) ۱۳-ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب): سی هزار؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ)؛ صداری؛ ثم اختار عشرة آلاف من الفرسان ۱۴-ل، س: سواران گرد (= ۲۶۷)؛ س ۲۶۴-ب-۲۶۷ را انداخته و از ۲۶۴ آ و ۲۶۷ ب یک بیت ساخته است ۱۵-ل (نیز ل، ب، ب): نامی (!)؛ (آ: نامین (!))؛ درق، ل پس از این بیت، بیت ۲۷۰ آمده است ۱۶-ل: روشن دل و؛ ق، ل، ل این بیت را ندارند ۱۷-س، ل (نیز لن، ل، ب): دیگر سپه؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ب) و؛ ل در بالا ضبط دیگر را افزوده است) ۱۸-ف (نیز و): صد هزار؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن-ب، آ، ب)؛ صداری؛ و اختار ثلاثین ألف فارس ۱۹-س، ل (نیز لن، ل، ب): ترک ۲۰-س، ل (نیز لن، ل، ب، و، لن، ب): بفرمود؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، آ) ۲۱-ق، ل: بی تاختن؛ و بر ساختن) ۲۲-س: یکی تاختن؛ (ل: کسی آختن)؛ ل: ز ایران نیاید یکی تاختن؛ س (نیز ل، ب، ل، ب): بکشتی نیارد کسی تاختن (ل: ساختن)؛ (ق: نیاید بکشتی یکی تاختن؛ و بکشتی نیاید یکی تاختن)؛ متن = ف، ل (نیز لن)؛ ق، آ این بیت را ندارند ۲۳-س، ل، س: سویی ۲۴-ل، ق (نیز ق، آ): چارها ساخت؛ متن = ف، س، ل، س (نیز هفت دستویس دیگر)؛ در ق، ل این بیت پس از بیت ۲۶۵ آمده است ۲۵-ق، س: چنان ۲۶-ق (نیز ق، ل، ل، آ): وی ۲۷-ق (نیز ل): از آن؛ متن ← ۲۸-ل، س، ل، س (نیز ق، ل، ب، ب): ز جیحون برآن (ل، ق، ل، و، بدان؛ س، ل، ب، برین؛ ل، ب، آ: بدین) سو؛ متن = ف

<p>سپه را به دو نیم^۱ کرد آن زمان بفرمود تا رفت پیش^۴ پدر به بالا و دیدار و فرهنگ و رای جهان دیده و نامداران^۷ گرد به پشت پدر کوه خارا بود^۸ خورش اشتران^{۱۱} نگسلاند ز^{۱۱} راه دمان تا^{۱۳} لب رود جیحون کشید^{۱۴} بیاورد کشتی و زورق هزار سپه بود یکسر همه کوه^{۱۷} و دشت گذرهای جیحون پُر از باد و دم^{۲۰} بیابان آموی لشکر کشید بر اندیشه‌ی رزم بگذاشت آب^{۲۳} یکی مرد هشیار^{۲۶} روشن روان که پهنای و بالای^{۲۸} لشکر کجاست چنین گفت با^{۳۰} شاه گردن‌فراز علف باید و ساز و رای و^{۳۲} درنگ چراگاه اسپان و جای نشست</p>	<p>۲۷۵ همی چاره جُست از بد بدگمان قراخان^۲ کجا^۳ بود مهترپسر پدر بود - گفتی - به مردی^۵ به جای ز چندان سپه نیمه^۶ او را سپرد بفرمود تا در بخارا بود^۸ ۲۸۰ دَمادَم فرستد سلیح^۹ و سپاه سپه را ز بیگند^{۱۲} بیرون کشید سپه بود سرتاسر رودبار به یک^{۱۵} هفته بر^{۱۶} آب کشتی گذشت به آموی^{۱۸} پیلان و شیران به زَم^{۱۹} ۲۸۵ ز کشتی همه^{۲۱} آب شد^{۲۲} ناپدید بیامد پس لشکر افراسیاب برافگند^{۲۴} هر سو هیونی دوان^{۲۵} بینید^{۲۷} - گفت - از چپ و دست راست چو بازآمد از هر سوی^{۲۹} رزمساز ۲۹۰ که چندین سپه را برین^{۳۱} دشت جنگ ز یک سوبه^{۳۳} دریای گیلان رهست^{۳۴}</p>
---	---

۱- س، ل (نیز لن، ل، لن، آ، ب): نیمه؛ ل این بیت را ندارد ۲- (ل: قزاقخوان) ۳- ف- ل (نیز لن- ب): که او؛ متن = س ۴- ق: نزد ۵- س: پدر گفتی هر چه بایست و (!) ۶- س، ل، س (نیز لن، ل، ب): نیمی ۷- س: نامداران و ۸- ق: شود ۹- س (نیز ل، و): سلاح ۱۰- ل، ق، س (نیز ق، آ، ب): خورش را شتر؛ س: خورش نامزمان (!)؛ ل (نیز لن، ل، ب): خورش باز پس؛ (ل: خورش ز اشتران؛ و: خورش را بسی)؛ متن = ف ۱۱- ق: بگسلانید ۱۲- (لن: کندر) ۱۳- س، ل (نیز لن، پ، و لن، آ، ب): بر؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، آ) ۱۴- ق (نیز ل، آ): رسید ۱۵- س (نیز ق، و): یکی ۱۶- س (نیز لن، آ، ب): در؛ (ل، و: از) ۱۷- ل (نیز لن، آ): رود ۱۸- ل (نیز ل، آ، ب): به (ل، آ): ز (خرطوم؛ (لن: باهو و)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، و، ب) ۱۹- ف، ل (نیز لن): برم؛ ل: بدم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز ق، آ، ب، لن، آ): بدم؛ (ل: دژم؛ ل: زم؛ و: برم (نقطه ندارد)؛ آ: شیر دژم)؛ متن = س (نیز ب) ۲۰- ل: باد کرم؛ س (نیز ل): باددم؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ل: همی ۲۲- ل (نیز لن، ل، ب): بد ۲۳- ل: بگفتند و کردند مرگان پُر آب (= ۲۵۵ ب)؛ (ل: بی اندیشه بگذشت چون شیرز آب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- ل، س، ل (نیز لن، پ، لن، آ، ب): پراکند؛ متن = ف، ق، س (نیز ق، ل، آ) ۲۵- ق، س (نیز ل، آ): دمان؛ (ق: روان) ۲۶- ل (نیز لن، ل، ب): بیدار و ۲۷- س: بیستند ۲۸- ل، س، ل (نیز لن، ل، ل، پ، لن، آ، ب): بالا و پهنای؛ س (نیز لن): پهنای و بالای؛ متن = ف، ق ۲۹- س، ل، س (نیز ل، آ، ب): سوبی ۳۰- ف: کای؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۳۱- س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، ل، پ، آ، ب): بدین؛ (و: درین)؛ متن = ف، ل (نیز لن) ۳۲- ل، ق (نیز ل، آ): جای؛ س، س (نیز و): رای؛ (لن: روز)؛ ل: رای و ساز؛ (ل: ساز کردن)؛ متن = ف (نیز ق، لن) ۳۳- س (نیز لن، و، ب): روی ۳۴- س (نیز لن، آ، ب): که هست؛ (لن: بدست)؛ و: دریای کمال هست)؛ ل: ز یک روی این تا بگیلان شهت (!)

خورش باید و ^۲ مرد روشن‌روان سراپرده و ^۴ خیمه بر جای ^۵ کاخ	برین ^۱ روی جیحون و آب روان میان اندرون ریگ و دشتی ^۳ فراخ
بیالید برسان سرو سهی ^۷ نرفتی ^{۱۰} به گفتار آموزگار طلایه که دارد ز دشمن ^{۱۱} نگاه دل میسر، نازش میمنه ^{۱۴} به قلب اندرون تیغزن صد هزار ^{۱۵} سپهد بُد و ^{۱۷} لشکر آرای خویش کجا ^{۲۰} داشت زور و چنگ ^{۲۱} هنگ ^{۲۲} به هر کار ^{۲۳} چون او سواری ^{۲۴} نبود گرفتی، بکندی به ^{۲۶} نیروی چنگ و زآوای ^{۲۸} او شیر بگریختی به آورد بر ^{۳۰} کوه بگذاشتی که شیده به خورشید تابنده ماند	دلش تازه تر گشت از آن ^۶ آگهی سپهدار خود ^۸ دیده بُد روزگار ^۹ بیاراست قلب و جناح سپاه همان ساقه ^{۱۲} و جایگاه ^{۱۳} بنه بیاراست لشکرگهی شاهوار نگه کرد بر ^{۱۶} قلبگه جای خویش گزین کرد دست چپش را ^{۱۸} پشنگ ^{۱۹} به لشکر چنو نامداری نبود برانگیختی اسپ و، دُم ^{۲۵} پلنگ [همی با پلنگان برآویختی ^{۲۷} همه ^{۲۹} نیزه‌ی آهنین داشتی پشنگ ^{۳۱} ست نامش، پدر شیده خواند
	۲۹۵
	۳۰۰
	۳۰۵

۱- ل- س^۱ (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ب): بدین؛ (آ: ازین)؛ متن = ف ۲- ل، س^۱ (نیزق، ل، ل، پ): خورش آورد؛ ق: خورش باید ای؛ (آ: خورش آورده)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، و، ل، ب) ۳- ل، ق، س^۱ (نیزق، ل، ل، پ، آ): دشت؛ س، ل^۱ (نیزلن، ل، ب): جای؛ متن = ف (نیزو) ۴- س: سراپرده ۵- ف (نیزو): و جای (؟): ل (نیزل، ل، آ): بر سوی؛ ق: برسان؛ متن = ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ب) ۶- ل: زان؛ س (نیزلن، ب، و، ل، ب): ازین؛ ق (نیزل، آ): شد بر چنین؛ (ق: گشت خرم ازین)؛ متن = ف، ل، س^۱ ۷- ل، ق (نیزل^۲): بیامد بدرگاه (ق: ابرگاه) شاهنشهی؛ س، ل، س^۱ (نیزلن، ل، ب): بیالید (س: بیالند؛ ل، ل، ب: بنالید؛ س: بیاکند) برگاه شاهنشهی؛ متن = ف (نیزق) ۸- س، ل^۱ (نیزلن، ل، ب): سپهد بسی ۹- ق: کارزار ۱۰- س: سرفت او (حرف یکم نقطه ندارد) ۱۱- ف: لشکر؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن- ب) ۱۲- س: سایه (ج- ساقه)؛ متن ← ۱۳- ف: همان جای گردان و گاه و بنه؛ متن = ل، ق، ل، س^۱ (نیزلن- ب) ۱۴- ل، ق، س^۱ (نیزق، ل، ب، آ): همان میسر نیز با (ل: راست با؛ پ: بارس) میمنه؛ (ل: دگر میسر تا سر میمنه)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، و، نارس)، ل^۱ (نارس)، ب: نازش (؟) ۱۵- ل، ق (نیزآ): سی هزار ۱۶- س (نیزلن، پ، ل، ب): در ۱۷- ل: بد او؛ س: سپهد و (وزن ندارد) ۱۸- ل: بفرمود تا پیش او شد؛ س^۱ (نیزل^۲): بفرمود تا رفت پیشش؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۹- حرف یکم در ف، ق، ل، ق، ل، ب، ل، ب، بنداری بایک نقطه، در ل، س، س، ل، ل، و آبی نقطه و در ب با سه نقطه ۲۰- ل- س^۱ (نیزلن- ب): که او؛ متن = ف ۲۱- ف، ل، س^۱ (نیزق): جنگ و زور؛ س، ق (نیزلن، ل، ب): زور و جنگ؛ ل^۱ (نیزب، آ): زور جنگ؛ (ل^۱: روز جنگ)؛ متن = (و) ۲۲- س، س^۱ (نیزلی، ل، ب، و، ل، ب): پلنگ؛ متن = ف، ل، ق، ل^۱ (نیزق، ل، ل، آ)؛ درس^۱ پس از این بیت، بیت ۳۰۴ آمده است ۲۳- س، ل^۱ (نیزلن، ق، ل، ب، ل، آ، ب): جای؛ متن = ف، ل (نیزل، و) ۲۴- س: برای و خرد هوشیاری (و یکبار هم برابر ضبط متن پس از بیت ۳۱۵)؛ ق این بیت را ندارد ۲۵- (ل، ل): دنب (دنب) ۲۶- ل، س (نیزلی، ب): ز؛ ق این بیت را ندارد ۲۷- س^۱ (نیزق، ل، آ): بخروطوم پیل اندراویختی؛ متن = ف ۲۸- س^۱ (نیزق، ل، آ): آواز؛ متن = ف؛ ل، س، ق، ل، ل، ل، ب، و، ل، ب، ل، ل، ب این بیت را ندارند ۲۹- ل: همان؛ ق: هو ۳۰- (ق: از)؛ درس^۱ این بیت پس از بیت ۳۰۲ آمده است ۳۱- حرف یکم در و، آ با سه نقطه و در دیگر دستنویس ها با یک نقطه؛ درس^۱ پس از این بیت، بیت ۳۱۱ آمده است

ز گردان و گردنکشان صد هزار
 ز شیده یکی بود کهنتر به سال
 دلیری کجا جهن بُد نام اوی^۴
 که بودی به پیش پدر رای زن
 بدو داد از آن^۵ چینیان^۶ صد هزار^۷ ۳۱۰
 بفرمود تا شیده از میمنه
 همان^{۱۰} میسره جهن را داد و گفت
 چو افراسیاب آن چهارم^{۱۱} پسر
 بدو داد تُرک چِگِل صد هزار^{۱۳}
 که باشد نگهبان پشتِ پَشَنگ^{۱۵} ۳۱۵
 سپاهی به جنگی گهیلا^{۱۸} سپرد
 نبیره جهاندیده افراسیاب
 دو جنگی که^{۲۴} توران سواران^{۲۵} بُدند

بدو داد شاه ازدر^۲ کارزار
 برادر بُد او را و فرخ همال^۳
 پراگنده گرد جهان کام اوی^۴
 به دانش سرش برتر از انجمن
 سواران شایسته‌ی کارزار^۸
 سواران فرستد به سوی بنه^۹
 که نیک اخترت باد هر جای جفت
 کمر بسته^{۱۲} آمد به پیش پدر
 زره دار با گرزهای گاوسار^{۱۴}
 نیچد اگر^{۱۶} بارد از ابر سنگ^{۱۷}
 یکی نیز بر بُرزیلا^{۱۹} سپرد^{۲۰}
 که از پشتِ شیران^{۲۱} بریدی^{۲۲} کباب^{۲۳}
 هزبر در و نامداران بُدند^{۲۶}

۱- ل (نیزق، آ، ب): [و] ۲- ق: سواران شایسته؛ (و: بدو داد شایسته)؛ س^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری (۳۰۷-۳۰۱): فضه الی ابنه بشنک، و کان یلقب لحسن وجهه شیده التي هی الشمس، مائة ألف فارس ۳- ل، ق بیت های ۳۰۷-۳۱۱ را ندارند؛ بنداری (۳۰۷-۳۱۰) تنها در دستنویس های ک، ط، ک (و): و اُضَاف الی ابن له آخریسمی جهنا مائة ألف فارس ۴- س: او ۵- س، ل (نیزق) (نیزق ل، پ، ل، آ، ب): از [آن]؛ متن = ف، س^۲ (نیزو) ۶- س، ل، س^۲ (نیزل، ل، پ، و، ل، ب): جنگیان؛ متن = ف (نیزق، ل، آ) ۷- س: سسی هزار ۸- ف: بدو داد شاه ازدر کارزار (= ۳۰۶ ب)؛ س، ل (نیزق، ل، ب): زره دار و با گرزهای گاوسار (= ۳۱۴ ب)؛ متن = س^۲ (نیزل، پ، و، آ) ۹- ل، ق، ل، و این بیت را ندارند؛ در س^۲ این بیت پس از بیت ۳۰۵ و در ل^۲ پس از بیت ۳۰۶ آمده است ۱۰- س: همه؛ س، ل، و این بیت را ندارند و در آ پس از بیت ۳۱۰ آمده است؛ بنداری: فجعل الأول علی المیمنة والثانی علی المیسرة (= ۳۱۱-۳۱۲) و رتب مائة ألف فی القلب (= ۲۹۸) ۱۱- ل: قراخان سالار چارم؛ س: قراخان که او بد چهارم؛ ل (نیزل، پ، ل، ب) قراخان جنگی چهارم؛ (ق: بد افراسیاب چهارم؛ آ: بد افراسیاب آن چهارم)؛ متن = ف (= ق، آ) ۱۲- ل (نیزق)؛ کمر بست و؛ ق، س، ل، و بیت های ۳۱۳ و ۳۱۴ را ندارند و در ل این بیت ها پس از بیت ۳۱۹ آمده اند ۱۳- ل (نیزق، ل، آ): سسی هزار؛ ل (نیزب): چل هزار؛ متن = ف، س (نیزب، ل) ۱۴- ل، س، ل (نیزق، پ، ل، آ، ب): سواران شایسته (آ: پرورده) کارزار (= ۳۱۰ ب)؛ (ل: سواران گرد ازدر کارزار)؛ متن = ف ۱۵- حرف یکم در ف، ل، س، ق، س، ل، پ، و بی نقطه، در ل، ل، ق، ل، ل با یک نقطه و در آ، ب با سه نقطه است ۱۶- ل، س، ل (نیزل، پ، و، ل، ب): سراز؛ متن = ف ۱۷- ق: شود ابر و زان ابر بارد خدنگ؛ س: نیچد سراز باد و از ابر و سنگ؛ (ق: بدر دل شیر و جنگ پلنگ؛ ل، آ: شود ابر و از ابر بارد پلنگ؛ ل: نیچد سراز باد و آورد جنگ) ۱۸- ف- ل (نیزل، ل، ل، آ، ب): بجنگ کهیلا؛ (ق: بشاه کهیلا؛ ل: بدست کهیلا؛ ب: بجنگی کهیلا)؛ متن = س^۲ (نیزو) ۱۹- س، ل (نیزل، ب): برزویلا؛ (ق: نیزل، آ): پور ایلا؛ (ل، ب): پور ایلان؛ و: سپاهی دگر همه به ایلا)؛ متن = س^۲ ۲۰- س (نیزل، ل): شمرد؛ ل: یکی تیزتر بود ایلاک گرد؛ (ق: سرافراز گردان با دستبرد) ۲۱- س (نیزل، ل، ب، آ): پیلان ۲۲- ل، س، ق (نیزل-آ): ربودی؛ (ق: شیرانش بودی)؛ متن = ف، س^۲ ۲۳- س: دلاب (ق)؛ ل: که خوردند از پشت شیران کباب؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۴- ل: ز ۲۵- س (نیزآ): توران سوارا (→ تور و سورا)؛ س: برنا (→ تور و سورا) و سورا؛ (ل: هر دو سواران؛ ق: چون تیر تازان؛ و: توران سپهرا؛ ب: پور سوارا)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزل، پ): توران سواران (→ تور و سورا) ۲۶- ل- س (نیزل، ق، ل، پ، و، آ، ب): بدل یک بیک کوه ساران (س، ل، آ، و، آ، ب: سنگ خارا؛ ق، ق، ل، ق: جنگ سازان؛ س: کوه خارا؛ ب: کوه خاران؛ ل: بدریک بیک پشت یاران) بدند؛ متن = ف

۳۲۰	سوی میمنه ^۱ لشکری برکشید ^۲ تتاری ^۳ و غزی ^۴ و خَلْج سوار که سالارشان بود ^۵ پنجم پسر وُرا خواندندی گو گردگیر دمور و خرنجاش ^۸ با او برفت ز گردان و ^{۱۰} جنگاوران سی هزار جهاننیده نستوه ^{۱۱} سالارشان ^{۱۲}	که خورشید گشت از جهان ناپدید همان سی هزار ازدر کارزار ^۵ یکی نامورگرد پرخاشخر که بر کوه بگذاشتی تیغ ^۷ و تیر به یاری جهن ^۹ سرافراز تفت برفتند با خنجر کارزار پشنگ ^{۱۳} دلاور نگهدارشان ^{۱۴}
۳۲۵	همان سی هزار از یلان ^{۱۵} بدگمان ^{۱۶} سپهد چو اغریرت ^{۱۷} جنگجوی وُ زان نامور ^{۱۸} تیغزن چل هزار ^{۱۹} سپهدار ^{۲۱} کرسیوز ^{۲۲} پیل تن ^{۲۳} بدو داد پیلان و سالارگاه وُ زان ^{۲۵} پس گزید از یلان ده هزار بفرمود تا در میان دو صف پراکنده بر لشکر اسپ افکنند سوی باختر بود پشت سپاه چنین ساخت ^{۳۱} سالار گیتی فروز ^{۳۲}	برفتند با گرز و تیر و کمان که با خون یکی داشتی آب جوی گزین کرد شاه ازدر کارزار ^{۲۰} جهانجوی و سالار آن انجمن سر ^{۲۴} نامداران و پشت سپاه که سیری نداند کس ^{۲۶} از کارزار بر ^{۲۷} آوردگه بر لب آرند ^{۲۸} کف دل و پشت ایرانیان بشکنند ^{۲۹} شب آمد ^{۳۰} به پیلان بیستند راه که دارد سپه چشم بر نیمروز

۱- س، ل، س، س (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، ب): میسره؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ب) ۲- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): برگزید؛ متن = ف، س، آ؛ درل پس از این بیت، بیت های ۳۱۳ و ۳۱۴ آمده اند ۳- ل (نیز ب): طرازی؛ س (نیز لن): بیاری (تتاری)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن - و، آ، ب) ۴- ل، س، س (نیز ب): عری؛ س: غوری؛ ل (نیز ق، و، لن، آ): غزی؛ لن: وهری؛ لی: عزی؛ ب: عزی؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۵- ل: آزموده سوار ۶- ق: سالار بودیش ۷- ل، س، س (نیز ق): گرز ۸- ل: جرنجاش؛ س: جرنجاس؛ ل (نیز ب): جرنجاش؛ س (نیز آ): جرنجاس؛ ق: جوخشماس؛ لی: جرنجاس؛ و: خرنجا؛ ق: دمور سپهدار؛ ل: دمور خروشان؛ متن = ف (نیز لن، ب) ۹- ف: گرد؛ متن = ل - س (نیز لن - و، آ، ب) ۱۰- ل: [و] ۱۱- ل، س، ل: ستوه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بستوه؛ (لی، آ: جرجاس)؛ متن = ف، ق (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، ب) ۱۲- س: سالار شاه ۱۳- حرف یکم در آ، ب با سه نقطه و در دیگر دستنویس ها با یک نقطه ۱۴- س: نگهدار شاه ۱۵- س: یل ۱۶- ل (نیز لی، آ، ب، آ): ترکمان؛ متن = ف، س، ل، س، س (نیز لن، ق، آ، ب): بدگمان - ترکمان؟! ق بیت های ۳۲۶ و ۳۲۷ را ندارد؛ بنداری بیت های ۳۱۳-۳۲۷ را ندارد ۱۷- س (نیز و): اغریرت (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ (لن، ق، آ، لن، آ: اغریرت)؛ متن = ف، ل، ل، س، س (نیز لی، آ، ب) ۱۸- س (نیز لن، لن، ب): سپاهی چنین؛ ل: سپاهی گزین ۱۹- ل، ق (نیز ق، ل، آ): سی هزار؛ (لن: صد هزار)؛ متن = ف، س، ل، س، س (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب) ۲۰- ق، س، س (نیز ل): برفتند با تیغ زهر آبدار (س: جوشن گذار) ۲۱- ل: سپهد چو ۲۲- (و، لن، آ: کرسیوز) ۲۳- س، ل (نیز لن، لی، لن، ب): شوم تن؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، آ، ب، آ): بنداری؛ و جعل آخاه کرسیوز مع اربعین ألف فارس من فرسان الصین علی الفیلة ۲۴- س (نیز ق): در؛ س: دل؛ ل، لن، و، لن، ب این بیت را ندارند ۲۵- ل: از آن ۲۶- ل، س، س (نیز لی، آ): ندانند؛ ق: ندانست سیری وی؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، آ، ب، ب) ۲۷- ل - س (نیز لن - پ، لن، آ، ب): به؛ (و، ز): متن = ف ۲۸- ل، ل (نیز ل، و): آورده؛ متن = ف، س، ق، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۹- ف این بیت را ندارد ۳۰- س: چو شب شد ۳۱- ل (نیز ب): گفت؛ (و: داشت) ۳۲- س: لشکر فروز

گفتار اندر آگهی یافتن کیخسرو از گذشتن افراسیاب از رود جیحون^۱

<p>ز گفتار بیدارکار آگهان، که لشکرگه آورد زین روی^۴ آب، که شد ریگ و سنگ^۶ از جهان ناپدید، همه گفتی^۸ پیش ایشان براند بزرگان ایران چنان چون سزید^۱ به یاری گشته^{۱۰} نودر به بلخ برد لشکر و پیل و گنج^{۱۳} درم کند رای شیران ایران^{۱۵} تباه بزد کوس روین و لشکر براند که تیزی پشیمانی آرد به جنگ گرازیدن و ساز لشکر بدید همه ریگ نرم^{۱۹} آذر رزم^{۲۰} بود میان ریگ و پیش اندر افراسیاب ز لشکر بسی^{۲۲} نامداران^{۲۳} نیو</p>	<p>چن^۲ آگاه شد شهریار جهان ز ترکان و از^۳ کار افراسیاب سپاهی ز جیحون بدین سو^۵ کشید چو بشنید خسرو، یلان^۷ را بخواند سپاهی ز جنگاوران برگزید چشیده^{۱۰} بسی از جهان شور و تلخ به آشکش^{۱۱} بفرمود تا سوی زم^{۱۲} بدان تا پس اندر نیاید^{۱۴} سپاه و زان^{۱۶} پس یلان را همه برنشاند همی رفت با رای و هوش^{۱۷} و درنگ سپهدار چون در بیابان رسید سپه را سوی راست^{۱۸} خوارزم بود به چپ بر دهستان و سنار^{۲۱} آب خود و رستم و طوس و گودرز و گیو</p>	<p>۳۴۰</p> <p>۳۴۵</p>
---	---	-----------------------

۱- ف: گفتار اندر آگهی یافتن کیخسرو از گذشتن افراسیاب از رود جیحون و رفتن با لشکر ایران و مردی کردن ایرانیان؛ ل: جنگ بزرگ افراسیاب و کیخسرو؛ س، ق، ل: آگهی (س: خبر) یافتن کیخسرو از کار (ق: حال؛ ل: لشکر) افراسیاب (ق: و رسیدن بیکدیگر)؛ س: آراستن لشکر افراسیاب بچنگ ایران؛ متن = آغاز ف ۲- ل- ل- س (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۳- ف، ل، ق، ل، س: وز؛ متن = س ۴- ل: سوی؛ س (نیز لن، پ، لن، ب): ازین روی؛ (ق: ازین سوی)؛ س: ز لشکر که آورد از آن روی؛ ق (نیز لی، ل، و، آ): که لشکر بیاورد از این (زین) سوی (روی)؛ متن = ف، ل ۵- س: برین سو؛ س، ل (نیز لن، پ، لن، ب): بدین سوی (ب: روی) جیحون؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۶- ق: خاک؛ س (نیز لن، پ، لن، ب): سنگ و ریگ؛ (لی، آ: رنگ خاک)؛ متن = ل، ل، س (نیز ق، ل، و)؛ ف: این بیت را ندارد ۷- س، ل (نیز لن، و، لن، ب): کوان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، ل، پ، آ) ۸- ق (نیز و): گفت ها؛ س، ل (نیز لن، پ، لن، ب): شنیده همه؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، ل، آ) ۹- ق بیت های ۳۴۰ و ۳۴۱ را ندارد ۱۰- (ق: کشیده) ۱۱- ل، ق (نیز ق، لن): اشکس؛ س (نیز آ): اسکس؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ل، ل، پ، ب) ۱۲- ف: ژم؛ س: حرد؛ ل: دم؛ س (نیز لن، ل، و، لن، ب): رزم؛ (آ: رزم)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ل، پ) ۱۳- ل (نیز لن، ق، ل، ل، ل، و، آ): گنج و؛ ق، س (نیز ب): گنج و پیل و؛ متن = ف، ل، س (نیز ب) ۱۴- س: نتازد ۱۵- س: توران؛ (لی، آ: ترکان) ۱۶- ل، س: از آن ۱۷- س، ق، ل، س: هوش و رای ۱۸- ل، ق، س (نیز لی، ل، و، آ): گذر سوی؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ق، ل، ب) ۱۹- س: برم (نقطه ندارد)؛ ل: رزم؛ س: را؛ ل (نیز ل): ریگ و دشت؛ (ق، ل، آ: رنگ و بوی؛ پ: ریگ دشت)؛ متن = ف (نیز لن، و، لن، ب) ۲۰- ف، س (نیز لن، ق، و، لن): بزم؛ متن = ل، س، ل (نیز لی، ل، پ، آ، ب)؛ ق: که ریگ و همه دشت از در رزم (وزن ندارد) ۲۱- ل، ق، س (نیز ل، آ): و بر راست؛ س، ل (نیز لن، پ، لن، ب): و بسیار؛ (ق: و بس رود؛ لی: بر آراست؛ و: و سنباد)؛ متن = ف (هو) ۲۲- س (نیز لن، ب): بسی لشکر از ۲۳- ل: نامداران؛ (و: پهلوانان)؛ ق بیت های ۳۴۹-۳۵۴ را ندارد؛ درل بیت های ۳۴۹-۳۵۹ درهم ریخته اند: ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۵۸ بنداری (۳۴۹-۳۵۴): فرکب یوما مع رستم و طوس و جودرز و جیو و جماعه من الفرسان، و آتی قریبا من تخم جدّه فنظر الی سواده و کثرة جحافله، و تدبرهم و تأملهم حتی اطلع علی أحوالهم. فرجع الی معسکرة و أمر فحفروا حول العسکر خندقا و طرحوا فیها الماء

- ۳۵۰ همی گشت بر گرد آن رزمگاه
 چو آگاه شد زآن^۲ سپاه نیا
 که لشکر فزون بود زآن کو^۳ شُرد
 به گِرد سپه بر یکی کنده کرد
 شب آمد به گنده ندر افگند^۴ آب
 بیابان نگه کرد و^۱ بی راه و راه
 دل پادشا شد پُر از کیمیا
 همان زنده پیلان^۴ و مردانِ گرد
 طلایه به^۵ هر سو پراگنده کرد
 برآن^۶ سو که بُد رویِ افراسیاب
- ۳۵۵ چو خورشید برزد^۸ ز برج بره
 سپهدار ترکان سپه را بدید
 جهان شد پُرآوای^۱ بوق و سپاه
 تو گفتی که روی زمین ز آهن ست^{۱۱}
 دو لشکر چُنین^{۱۲} هم دوروز و دو^{۱۳} شب
 از آن روی وزین^{۱۶} روی بر پشت زین
 تو گفتی جهان کوه آهن شده ست^{۱۷}
 ستاره شمر پیش دو شهریار
 همی باز جستند راز سپهر
 سپهر اندر آن جنگ نظاره بود
 به روز چهارم چو^{۲۳} شد کار تنگ
- ۳۶۰ بیاراست روی زمین بکسره،
 بزد نای رویین و صف برکشید
 همه بر نهادند از آهن^{۱۱} کلاه
 ز نیزه هوا نیز در جوشن ست
 ازیشان^{۱۴} یکی را^{۱۵} نجبید لب
 پیاده به پیش اندرون همچنین
 همان پوشش چرخ جوشن شده ست^{۱۸}
 پُراندیشه^{۱۹} و زیجها بر^{۲۰} کنار
 به صُراب^{۲۱} تا بر که گردد به مهر
 ستاره شمر^{۲۲} سخت بیچاره بود
 به پیش پدر شد دلاور پشنگ^{۲۴}

۱- س، ل، س، س (نیز لن - لن، ب): [و]: متن = ف، ل (نیز آ) ۲- س: از؛ ل: چو خسرو بدید آن ۳- ف: زانک او؛ س: از آن کو ۴- ف: همه دید پیلان؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن - ب) ۵- س، ل، س، س (نیز لن - ب): ز؛ متن = ف، ل (نیز ب) ۶- ف، ل، س، ل (نیز لن - ب): بکنده در افکند؛ متن = س: بکنده اندر افکند ۷- ل، س، ل، س (نیز لن - ب): بدان؛ متن = ف: س، ل، س، ل، ل، ل، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

خسک بر پراکند بر گرد دشت

چو خورشید تابان ز گنبد بگشت (ل: بدان تا برایشان نشاید گذشت)

ف، ل، ق، ق، ل، ب، و، آ این بیت را ندارند ۸- ل: سرزد؛ (ق: زد سر)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن - و، آ، ب) ۹- ف، س، ل: آواز؛ متن = ل، ق، س، س ۱۰- ل، س: ز آهن؛ ق: گردان؛ متن = ف، ل، س ۱۱- س، ق: زمین آهنست ۱۲- س، ق، ل، س (نیز لن - لن، ب): چنان؛ متن = ف، ل ۱۳- س، ل (نیز لن، ل، لن، ب): شد سه (ل: دو) روز و سه؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، ب، و، آ)؛ بنداری: و بق الفریقان یومین و لیلین ۱۴- ل: کز ایشان ۱۵- س (نیز لن، ب): یکی را از ایشان ۱۶- ق: ازین؛ ل: وین؛ س: رو ازین؛ ل، س: ازین روی و زان؛ متن = ف ۱۷- ف: کوه مساسی (؟) متن ← ۱۸- ف: فلک نابه طوق مساسی (؟)؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۹- حرف یکم در پ، و، ل، آ با سه نقطه ۲۰- ق، ل: در ۲۱- ف: بصُراب (؟)؛ ل، ل، س (نیز لن - و): بصلاب؛ س: صطراب؛ متن = ق (نیز آ، لغت شهنامه، شماره ۱۶۸۷ و شماره ۱۲۳۵) ۲۲- س: ستاره همی ۲۳- ق: که ۲۴- حرف یکم در ف، ل، س، ل، و بی نقطه، در ق، س، ل، ق، ل، ل، ل، با یک نقطه و در ل، ب، ب با سه نقطه

بدو گفت کای کدخدای^۱ جهان
 به فر تو زیر فلک شاه^۲ نیست
 شود کوه آهن چو دریای آب
 زمین برنتابد سپاه^۵ ترا
 نیاید ز شاهان کسی پیش تو
 سیاوخش^۸ را چون پسر داشتی
 پیرودی آن را که باد هوا^{۱۱}
 ازو سیر گشتی چو کردی^{۱۳} درست
 گر او را نگشتی جهاندارشاه
 کنون این که پیش تو آمد^{۱۷} به جنگ
 هراآکس^{۲۰} که نیکی فراموش کند
 پیرودی این^{۲۲} شوم ناباک^{۲۳} را
 همی داشتی تا برآورد^{۲۵} پر
 ز توران چو طغرل بدایران^{۲۷} پرید

سرافرازترمهتر اندر مهان^۲،
 ترا ماه و خورشید بدخواه^۴ نیست
 اگر بشنود نام افراسیاب
 نه خورشید تابان^۶ کلاه ترا
 مگر این بد بی پدر^۷ خویش تو
 برو^۸ رنج و مهر^۹ پدر داشتی
 برو برگزشتی نبود^{۱۲} روا
 که او تخت و تاج^{۱۴} و سپاه^{۱۵} تو جُست
 بدو بازگشتی نگین و کلاه^{۱۶}
 به^{۱۸} گیتی نیابد فراوان^{۱۹} درنگ
 همی رای جای^{۲۱} سیاوش کند
 پدروار نَسپردیش^{۲۴} خاک را
 شد از مهر شاه ازدر تاج و فر^{۲۶}
 تو گفتی که هرگز نیا را ندید

۱- س، ل (نیز لن، لن، ب): نامدار؛ (ل: شهریار)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، پ، و، آ) ۲- ل، ق (نیز آ): سرافراز بر کهران و مهان؛ س، ل (نیز لن، ق، ل، و، ل، ب): سرافرازتر (ل: سزاوارتر) کس میان مهان؛ (ل، پ: سرافراز از (پ: بر) مهتران و کهان)؛ متن = ف، س؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر آمدن شیده پسر افراسیاب بنزدیک پدر و خواستن جنگ کیخسرو را و فرستادن پدر او را بیخام ۳- س: اندر فلک ماه ۴- ق: جز از ماه و خورشید همراه ۵- ف: نیابد همی چرخ ماه (؟)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۶- س: گردان ۷- ل، ق، س (نیز لن، ق، ل، ل، ل، آ): جزین بی پدر (ق، لن، ل، بی هنر) بد (ل: بی) گهر: س (نیز ب): جزین بدگهر بی هنر؛ ل: چنین بدگهر بی پدر؛ (پ، آ: جزین بدگهر بی پدر؛ و: جزین بی پدر بدکنش؛ لن: جزین بدگهر نامور)؛ متن = ف ۸- ف، ل، س، ق (نیز ل، لن، آ): سیاوش؛ (لن، ل، پ: سیاوش)؛ متن = ل، س (نیز ق، و، ب، بنداری) ۹- ق (نیز لن، ل، پ): بدو ۱۰- س (نیز ق، و): مهر و رنج ۱۱- ل- س (نیز لن- پ، لن، آ، ب): یکی باد ناخوش ز روی (س، ل، لن، ب: باد) هوا؛ متن = ف ۱۲- س: برگزشتن ندیدی؛ س: برگزشتن نبود؛ (ل، آ: برگزشتن نکردی؛ لن: بدو برو زبندی نبود)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز ق، ل، پ، لن، ب) ۱۳- س (نیز لن): گشت؛ (ق: اوشد؛ ل: گشت)؛ س: چو زوسیر گشتی چو گشت او (!) ۱۴- ل- س (نیز لن، ق، ل، ب): تاج و تخت؛ متن = ف (نیز ل)؛ بنداری: صح عندک أنه یرید أن یتزک التاج والتخت ۱۵- ل، س (نیز لن، آ): کلاه ۱۶- درق، ل، ل، آ، پس از این بیت، بیت ۳۷۷ آمده است ۱۷- ل، ق (نیز ل، ل، پ، لن، آ): اینک (ل: آنک؛ لن: آنکه) آمد بیشت؛ س، ل (نیز لن، ق، و، ب): آنک (ق: اینک؛ و: چونک) پیش تو آمد؛ متن = ف، س ۱۸- س: ز؛ متن ← ۱۹- ل (نیز لن، ل): فراوان نیابد؛ ل (نیز ل، و): نیابد بگیتی فراوان؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، پ، لن، آ، ب) ۲۰- ق (نیز ل، ل): که هر کس ۲۱- ف: رای و جای (؟)؛ ل (نیز ق، ل، پ، آ): رای جان؛ س (نیز و): رای کین؛ متن = ق، س (نیز ل، ل، لن، ل، ب این بیت را ندارند ۲۲- س: آن ۲۳- ل (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب): ناپاک؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیز ق، ل، و) ۲۴- ف: بدو داد بسپردیش (پدروار نَسپردیش)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب)؛ درق، ل، ل، آ این بیت پس از بیت ۳۷۴ آمده است ۲۵- ل، ق، ل (نیز ق، ل، پ، ب): بر؛ س (نیز ل، ل): سر؛ (و: فر)؛ متن = ف، س (نیز لن، آ)؛ بنداری: و هذا المشو ابه الذی جاء لقتالک أحسنت الیه ایضا وربته حتی قوی جناحه واشتدت قوادمه ۲۶- ل، س، ل (نیز ل، و، لن، ب): تاج زره؛ (ق، آ: تاجور؛ ل: تاج و بر)؛ متن = ف، ق، س (نیز ب) ۲۷- ل- س (نیز ق، ل، ل، ل، آ، ب): چو مرغی بایران؛ (پ: چو جغدی ز ایران توران؛ و: چو جغدی ز توران بایران)؛ متن = ف؛ بنداری: طار من توران الی ایران

- | | |
|--|--|
| <p>بدان^۱ بی‌وفا ناسزاوارمرد
پُراز کین دل و سر^۲ پُراز جوش کرد
چنان مهربان پهلوان را بگشت
بیامد به پیش نیا تیزچنگ
نه اسپ و نه شمشیر و گنج و سپاه^۳
سخن جز بدینسان نگوید^۴ همی
بدین^۵ راست گفتار من بر گواست
سپه را چنین دل شکسته^۶ مکن!
به شمشیر جویند مردان هنر
همه جنگ را یک‌دل و یک‌تند
ازیشان غنم کسی^۷ پارسا
نیندیشم^۸ از گنده و آبگیر</p> <p>بدو گفت: مشتاب^۹ و تندی مکن!
جز از^{۱۰} راستی را نشاید^{۱۱} ستود
به گیتی همه رای^{۱۲} نیکی سپرد
نجستی جز از^{۱۳} داد و ز^{۱۴} راستی
چو دریا دل و رخ چو تابنده هور</p> | <p>ز خوبی نگه کن که پیران چه کرد
همه مهر^{۱۵} پیران فراموش کرد
همی بود خامش چُن^{۱۶} آمد به مشت
از ایران^{۱۷} کنون با سپاهی به جنگ
نه دینار خواهد همی، نه^{۱۸} کلاه
ز خوبیشان جز از^{۱۹} جان^{۲۰} نجوید^{۲۱} همی
پدر شاه و^{۲۲} فرزانه تر^{۲۳} پادشاست
از ایرانیان نیست چندین سخن
بدیشان^{۲۴} چه باید ستاره شمر
سواران که بر^{۲۵} میمنه با مند
چو دستور باشد مرا پادشا
بدوزم سر و ترک ایشان به تیر</p> <p>چو بشنید افراسیاب این سخن
سخن هر چه^{۲۶} گفتی همه راست بود
ولیکن تو دانی که پیران^{۲۷} گُرد^{۲۸}
نبُد در دلش کژی و کاستی
همان پیل بُد روز جنگ او به زور^{۲۹}</p> |
|--|--|

۱-س (نیزلن، ب): بران؛ ق (نیزلن، آ): بدین ۲-ل: کاز ۳-ل، ق (نیزلن، لی، ل، آ، ب): کینه سردن (ل: بر): متن = ف، س، ل، س، ل، س (نیزق، ب، و، ل، ن) ۴-ل-س (نیزلن - و، آ، ب): چو: متن = ف ۵-ل (لن: ازو کین؛ لی، لن، ب): از آن کین ۶-س، س، س (نیزلن، و، لن، ب): با: ق: فی: ل (نیزلی): یا: ل: خواهد نه تخت و: متن = ف (نیزق، ب) ۷-ل، پ: و نه گنج و گاه؛ س: نه شمشیر و گنج و نه اسپ سیاه؛ ل (نیزلن، لی، و، لن، ب): و گر اسپ و شمشیر و گنج (و: گرز) و سپاه: س: و گر تخت و شمشیر و تاج و سپاه: متن = ف، ل، ق (نیزق) ۸-س: بجز ۹-ل، س (نیزلن): خون ۱۰-ل، ق (نیزل، آ): نخواهد؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب) ۱۱-ل (نخواهد: آ: نکاهد): س (نیزب): بران برنگوید؛ ل: برین برنگوید؛ (لن: بزوبین نگوید؛ ق: برانسان نگوید؛ ب: برینسان نگوید؛ ل: سخن را ازین در بکااهد؛ ق: سخن را ازینسان نکاهد؛ متن = ف، س (نیزو) ۱۲-ف: او ۱۳-س (نیزق، آ): فرزانه و: ل (نیزب): فرزانه بر؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزلن) ۱۴-س، س، س (نیزو، لن): برین ۱۵-س (نیزلن، ب): دل جنگجویان چنین بد ۱۶-س، ل، س (نیزلن، ب، لن، ب): سپه راه؛ ق: بدینسان؛ ل: آ: برایشان؛ متن = ف، ل، ق (نیزل) ۱۷-ل، س، ق، ل (نیزلن، لی، ب، و، لن، ب): در: متن = ف، س (نیزق، ل، آ) ۱۸-س، ق، س (نیزق، لی، ل، آ، ب): یکی: متن = ف، ل، ل (نیزلن، لن، ب) ۱۹-ف، ل، س، ل (نیزلن، ل، ب، لن): نه اندیشه؛ متن = ق، س (نیزق، لی، و، آ، ب) ۲۰-س، ل (نیزلن، لن، ب): مندیش؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق) - و، آ؛ بنداری: لا تعجل ولا تطش ۲۱-ل: هرچ ۲۲-س: بجز ۲۳-ل، ق (نیزق، ل، آ، ب): نیاید؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، لی، و، لن، آ، ب) ۲۴-ق (نیزل) چه کرد ۲۵-ل-س (نیزلن - ب): راه؛ متن = ف ۲۶-ل، ق، ل، س (نیزلن، لی، ل، ب، لن، آ، ب): بجز؛ متن = ف، س (نیزق) ۲۷-ل، س، ل، س (نیزلن، ب، لن، ب): خوبی و؛ ق: داد و جز؛ ق: داد و از؛ ل، آ: داد و هم؛ ل: رادی و؛ متن = ف (س، ق) ۲۸-س: همان روز نیک و بد و جنگ و زور

برادش هومان^۱ پلنگ نبرد
 ز ترکان سواران کین صد هزار
 برفتند از ایدر پُر از جنگ و جوش^۳
 از آن^۷ کو بر آن^۸ دشت کین گشته شد
 همه مرز توران شکسته دلند
 نبینند جز مرگ پیران به خواب^{۱۱}
 بباشیم تا نامداران ما
 ببینند ایرانیان را به چشم
 هم ایرانیان نیز چندین سپاه
 ۴۰۵
 دو لشکر^{۱۸} برین گونه با^{۱۹} درد^{۲۰} و خشم
 بدانبوه^{۲۱} جستن نه نیکست^{۲۲} جنگ
 مبارز پراکنده بیرون کنیم

چون داد پاسخ که ای^{۲۴} شهریار
 چو زین گونه جویی^{۲۷} همی کارزار

۱- س: رویین؛ ل: برادرت رویین ۲- ل: ناجو ۳- ف، ل: جنگ جوش (؟)؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز ل- ب) ۴- س: دل ۵- ل، ق (نیز ل): ایدر نوان؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۶- ل، س (نیز ل، ل، ب): با غم و با؛ (لن: با غم و بر؛ ل: بر غم و در؛ پ، و: پر غم و پر؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز ق) ۷- س، ل: از این ۸- ل (نیز ق): کوبیرین؛ س، ل: (نیز ل، ب): کینه بر؛ س: (نیز ل، پ، و): گونه بر؛ (ل: کوبیدین؛ لن: ز کینه چو بر؛ متن = ف، ق (نیز آ) ۹- س: و زمان؛ ل، س: (نیز ل، ل، ب): زیرشان؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق- و آ) ۱۰- س (نیز ل، ب): دلها همه؛ (ق: او را همه؛ ل: جان را همی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س: (نیز ل، ل، پ، و آ) ۱۱- ل: مرگ افراسیاب؛ (ل: ایران بخواب) ۱۲- س: که خواند همی ۱۳- ل: نام پیران بخواب ۱۴- س: بزرگان و؛ ل: (نیز ل): مهانان و (!)؛ س: دلیران؛ (ل، ب: بزرگان)؛ متن = ف، ل، ق (ق- و آ) ۱۵- ق: به ۱۶- س، ل: (نیز ب): بیم و این درد؛ س: درد و آزار؛ (لن: بیم با درد؛ ق: سوز و آرام؛ ل، آ: سوگ و آزار؛ و: کینه و درد؛ لن: درد و تیمار)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ب) ۱۷- ف (نیز ق): ببینند این تخت و گنج؛ ل، س: (نیز لن): ببینند آیین تخت؛ س (نیز ب): ببینند آیین تخت؛ ق (نیز ل، آ): ببینند این گنج و تخت؛ ل: ببینند و آیین و تخت؛ (ل: ببینند ازین تاج و تخت؛ ب: ببینند و آیین تخت)؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، آ) پس از افزودن یک حرف و (ل، ب) ۱۸- ف، س، ل: (نیز ل، ق، آ، ب): کشور (؟)؛ متن = ل، ق، س: (نیز ل، پ، آ) ۱۹- ل، ل، س: (نیز ق): بر؛ (پ: پر)؛ س: بدین جنگ سر؛ ق (نیز ل، آ): بدین گونه بر؛ متن = ف ۲۰- س: کین؛ ل، و، لن: این بیت را ندارند ۲۱- ل- س: (نیز لن- ب): بانبوه؛ متن = ف ۲۲- ف، س (نیز ق): ننگست (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل (نیز ل): نیکوست؛ ل (نیز ل): ننگست؛ س: (نیز و): خوبست؛ متن = ق (نیز ل، پ، ل، آ، ب) ۲۳- ق: شود ۲۴- س: بودمان همی زان؛ درس، ل، ل، لن، ل، ب این بیت پس از بیت ۱۰۹ آمده است ۲۵- ل: ازیشان ۲۶- ف: که گر؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۲۷- ف: ببینند؛ (ق: خواهی)؛ س، ل: جز این گونه جویی (س: گویی)؛ متن = ل، ق، س: (نیز ل، ل، ب)؛ درس، ل، ل، لن، ل، ب پس از این بیت، بیت ۱۰۷ آمده است و درس پس از آن بیت ۱۱۳ آمده است

- ۱۱۰ مبارز نخستین ز لشکر^۱ منم
کسی را ندانم^۴ که روز نبرد
مرا آرزو^۷ جنگی کیخسروست
اگر جوید او بیگمان جنگی من
و گر دیگری پیشم^{۱۱} آید به جنگ
دل و پشت ایشان^{۱۲} شکسته شود^{۱۳}
- ۱۱۵ بدو گفت کای^{۱۵} کارناده مرد
اگر جویدی^{۱۷} همنبردش منم
چُن^{۲۰} او با من آید به آوردگاه
بدو شیده گفت^{۲۲}: ای جهاندیده مرد
پسر پنج زنده ست^{۲۴} پشت به پای
نه لشکر پسندد، نه ایزدپرست^{۲۶}
- که اسپ افکنم، پیل^۲ روین تنم^۳
نشاند^۵ بر اسپ من از دور^۶ گرد
که او در جهان شهریار^۸ نوست
رهایی نیابد هم^۹ از جنگی^{۱۰} من
به خاک اندرآرم سرش بیدرنگ
برآن^{۱۴} انجمن کار بسته شود^{۱۳}
شهنشاه کی جوید از تو^{۱۶} نبرد؟
تن و نام^{۱۸} او زیر پای^{۱۹} افکنم
برآساید از جنگ هر دو^{۲۱} سپاه
چشیده ز گیتی بسی گرم و سرد^{۲۳}،
بنام^{۲۵} تو کنی رزم رای؟
که تو جنگ او را کنی پیش دست

گفتار اندر پیغام فرستادن افراسیاب به شاه کیخسرو^{۲۷}

۱- س، ق: ز لشکر نخستین؛ ل: نخستین ز لشکر مبارز؛ س: نخستین مبارز ز لشکر ۲- س (نیزو، لن، آ، ب): اسپ افکن و گرد؛ ق (نیزلی، آ): اسپ افکن و شیر؛ ل: اسپ افکنم بیش و؛ س: اسپ افکنم نیزو؛ (لن: اسپ افکن و بیش؛ ق، آ، ب: اسپ افکن و پیل)؛ متن = ف ۳- ل: که بر شیر و بر پیل اسپ افکنم ۴- س: ندارم؛ (لن: ندیدم) ۵- ل، ق (نیزلی): فشانده؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ب- ب) ۶- س، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، ل، ب- ب): از زیاد؛ متن = ف، ل، ق: از دور (?) ۷- ل: آرزوی ۸- ق، س: (نیزق، آ، ب): شهریاری؛ س پس از این بیت افزوده است:

نگیرم و را باز شاهمی همی

بگویم بر و بر تبااهی همی

۹- ف، ق: وی؛ (ق: کس؛ ل: خود)؛ ل: نبیند؛ متن = س، س، آ: (نیزلن، ل، ب- ب) ۱۰- ل: ز چنگال (پساوند ندارد) ۱۱- س: پیش؛ درل، ل، آ: آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- س: (نیزل، آ): ایران ۱۳- ف: کنم؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیزلن- ب) ۱۴- س: بدان؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- ق: ای ۱۶- ق: از تو نجوید؛ (ل: چون با تو جوید) ۱۷- ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب): جوید او؛ س: چون بدی (جویدی)؛ متن = ف، س، ل، آ: (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ، ب) ۱۸- س، ل، آ، س: (نیزلن، ب، لن، آ، ب): همه نام؛ ق: تن و یال؛ (و: تن و جان)؛ متن = ف، ل (نیزق، آ، ل، آ) ۱۹- س (نیزلی، ب، لن، آ، ب): او را بخاک؛ ق: او را زیای؛ متن = ف، ل، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، و) ۲۰- ل- س: (نیزلن- ب): گر؛ متن = ف ۲۱- س: چندین ۲۲- ق: چنین گفت خه ۲۳- (ل، ب، و، آ): گر آیدونک او از تو جوید نبرد) ۲۴- س، ل: (نیزلن، لن، آ، ب): ماندست؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، و، آ) ۲۵- ل، ق (نیزق، ل، آ): نمائیم تا؛ س: نمائیم اگر؛ ل: نمائیم گر؛ س: نمائیم تا؛ (لن، و، لن، آ، ب): نمائیم اگر؛ ل: نمائیم که تا؛ ب: بیاییم اگر؛ متن = ف ۲۶- س، ل: (نیزلن، ل، لن، آ، ب): یزدان پرست؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، ل، ب، و، لن، آ) ۲۷- ف: گفتار اندر پیغام فرستادن افراسیاب بدست فرزند خویش شیده بشاه کیخسرو و آمدن شیده و پیغام گزاردن؛ ل: پیغام آوردن شیده بشاه کیخسرو؛ ل: پیغام فرستادن افراسیاب نزد کیخسرو؛ س: پیغام افراسیاب بکیخسرو از شیده؛ متن =

ف

بدو گفت شاه^۱: ای پسندیده پور^۲
از ایدر برو تا میان سپاه
به کیخسرو از من^۵ پیامی رسان
نیره که رزم^۸ آورد با نیا
چنین بود رای جهان آفرین
سیاوش نه بر بیگنه گشته شد
گنه گر مرا بود، پیران چه کرد
که بر پشت زینشان بیایست بست
گر^{۱۴} ایدونک گویی^{۱۵} که تو بدتی
به گوهر نگر^{۱۷} گر^{۱۷} ز تخم منی^{۱۸}
تو این کین به کاوس و گودرز^{۲۱} مان
نه زان گفتم این کز تو ترسان شدم
همه ریگ^{۲۳} دریا مرا لشکرند
هر آنکه که فرمان دهم^{۲۵} کوه گنگ^{۲۶}
همی ترسم از دادگر کردگار^{۲۸}
که چندین^{۳۰} سر نامور بیگناه

که بادا بد روزگار از تو دور^۳،
و زیشان^۴ یکی مرد دانا بخواه
که گیتی جزین^۶ دارد آیین و سان^۷
سرش^۹ بر بدی^{۱۱} باشد و کیمیا
که گردد جهان پر ز پرخاش و کین
از^{۱۱} آموزگاران سرش گشته شد
چو^{۱۲} روین و لَهاک^{۱۳} و فرشیدورد،
پُر از خون بگردار پیلانِ مست؟
بداندیش و از^{۱۶} تخم آهرمنی،
نکوهش همی^{۱۹} خویشان را کنی^{۲۰}
که پیش من آرند لشکر دمان
و گر پیر گشتم، دگرسان^{۲۲} شدم
همه نره شیران^{۲۴} گنداورند
چو دریا کنند ای پسر بی درنگ^{۲۷}
ز خون ریختن وز^{۲۹} بد روزگار
جدا گردد از تن بدین رزمگاه

۱- س، ل (نیز لن، ب): بشیده بگفت: ق: بدو شاه گفت: متن = ف، ل، س (نیز لن، و، آ) ۲- ل: سرافراز مرد؛
س، س: جهاننیده پور: ل (نیز لن، ل، ب): جهاندار پور: (ب، و: سرافراز پور): متن = ف، ق (نیز ق، ل، آ) ۳- ل: نه گره آزموده
ز گیتی نه سرد (۱۹۹ ب): درس این بیت یکبار هم با ضبط جهاندار پور پس از بیت ۱۸ آمده است ۴- ل:
ازیشان: س: وزانجا ۵- س: ما ۶- ق، س: دگر: متن ← ۷- (و: شد بآیین و سان): س (نیز لن، ل، ب):
بگوش که گیتی دگر شد بان: متن = ف، ل، ل (نیز ق، ل، ب، آ) ۸- (و: لغت فرس، ص ۲، لغت دری، ص ۲۶،
معجم شاهنامه، ص ۶، لغت شهنامه، شماره ۲۴۴۵ و ۲۵۹۴: جنگ) ۹- ل، س (نیز و): دلش: متن = ف، س، ق، ل
(نیز هشت دستویس دیگر) ۱۰- ل: پرز کین: (ل، ب، پ، ب: بر بدی: لغت فرس، لغت دری، معجم شاهنامه، لغت شهنامه: هم از
ابلهی: دریکی از دستویس های لغت دری: زنی دانشی، و دریک دستویس دیگر آن کانیاء دارد بجای کیمیا) ۱۱- ف، ل:
ز: متن = ل، س، ق، س: ۱۲- س: چه ۱۳- س: لَهاک و روین ۱۴- س، ق، س: و ۱۵- ل (نیز ل):
گوی ۱۶- ف- ل: و: متن = س: ۱۷- ل، ق (نیز ل): نگه کن: (ق: نگر تو): س (نیز لن، ل، ب): بگوش (لن،
لن: بداندیش) چون تو: متن = ف، س (نیز ل، ب، و، آ) ۱۸- ل: بتخمه من: متن = ف، س، ق، س (نیز لن- آ) ۱۹-
س: همان ۲۰- ل: کم: متن = ف، س، ق، س (نیز لن- آ): ب این بیت را ندارند: بدار (۴۳۰-۴۳۱): واعلم أنك
مها نسبتی الی الشر والقدور غیرتی بها فانما تعیر نفسک. لأنک شعبه منی و غصن من دوحتی ۲۱- ل- س (نیز لن، ل- ب): بگودرز و
کاوس: متن = ف (نیز ق): بدار: کیکاوس و جودرز ۲۲- س، ل (نیز لن، ب، ل، ب): هراسان: متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل،
ل، آ) ۲۳- ل، ق، ل (نیز ق، و): ریگ و: س (نیز لن، ل، ب): کوه و: متن = ف، س (نیز آ) ۲۴- ل (نیز ل): نره شیرند و:
س (نیز ق): نره شیران و: ق (نیز ل): پرستیزند و: متن = ف، ل، س (نیز لن، ب- ب) ۲۵- ف: دهد (!): متن = ل- س (نیز لن-
ب) ۲۶- س: کوه و سنگ: (ل: روز جنگ) ۲۷- ل، س، ق، ل (نیز لن، ل، ب، ل، آ، ب): روز جنگ: (ل: کوه کنک):
متن = ف، س (نیز ق، و) ۲۸- ل- س (نیز لن- ب): ولیکن همی ترسم از کردگار: متن = ف ۲۹- ل: از ۳۰- س (نیز
ل، ب): چندان

گر از پیش من بزرگدی به^۲ جنگ
 چو باه^۵ من به سوگند پیمان کنی
 بدین کار باشم ترا رهنمای
 چو کار سیاوش فراموش کنی
 برادر بود^۱ جهن و جنگی پشنگ^{۱۰}
 هر آن بوم و بر را کز^{۱۲} ایران نهی
 ز گنج نیاگان ما هر چه^{۱۴} هست
 ز اسپ و سلیح^{۱۷} و ز بیش و ز کم
 فرستم همه همچین پیش تو
 دو لشکر برآساید از رنج^{۲۰} رزم
 و ر ایدونک^{۲۳} جان ترا آهرمن
 جز از رزم کردن ترا^{۲۵} رای نیست
 تو از لشکر خویش بیرون خرام
 بگردیم هر دو به آوردگاه

۱۱۰
 ۱۱۵
 ۱۵۰

بترسی^۳ همانا که آیدت^۴ ننگ،
 بکوشی که پیمان من^۶ نشکنی،
 که گنج و سپاهت^۷ بماند به جای
 نیا را به توران سیاوش^۸ کنی
 که در جنگ دریا کند کوه سنگ^{۱۱}
 به فرمان کم آن^{۱۳} ز ترکان تهی
 ز دینار و از^{۱۵} تاج و تخت^{۱۶} نشست،
 که میراث ماند از نیا^{۱۸} زادش،
 پسر پهلوان و پدر خویش تو^{۱۹}
 همه رزم^{۲۱} ما بازگردد به بزم^{۲۲}
 بیچدهمی تا بیوشی^{۲۴} کفن،
 به مغز تو پند مرا^{۲۶} جای نیست،
 مگر خود برآیدت^{۲۷} زین کار کام
 برآساید از جنگ چندین سپاه^{۲۸}

۱- س، س، ۲ (نیز، ل، ب): وراز؛ ق (نیز، ل، ۲): اگر: متن = ف، ل، ل (نیز، ل، پ، آ) ۲- ل (نیز، ل، آ، ب): ز؛ ق: نزد من تونیایی
 به: متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز، ل، پ، ل، ن) ۳- ل، ل، س (نیز، ل، ن): نگریدی؛ (پ: نترسی): متن ← ۴- (ل، ۲): که آید همانا؛
 س: همانا که آید برین کار؛ ل (نیز، ل، ل، ب): همانا که آیدت ازین کار (ق: جنگ): متن = ف، ق (نیز، ل، آ): در ق پس از این بیت،
 بیت ۴۴ آمده است ۵- ق: ابا ۶- س: ما ۷- ل: که اسب و سلیحت: ق این بیت را ندارد ۸- ل (نیز، ل، پ):
 برامش؛ در ق این بیت پس از بیت ۴۳ آمده است ۹- ق: بوی ۱۰- حرف بکه در ل، س بی نقطه، در و، آ، ب با سه نقطه و در
 دیگر دستنویس ها با یک نقطه ۱۱- ف، س: کوه و سنگ (؟): س (نیز، ل، پ، ل، آ): کوه کنگ (بیت ۴۳): متن = ل، ق،
 س (نیز، ل، ب) ۱۲- ل، ل، س (نیز، ل، ل، ب): کان ز؛ متن = ف (نیز، ل، ۱) ۱۳- ف: من: س (نیز، ل، ب): کنیش؛ متن = ل، س،
 ق، ل (نیز هشت دستنویس دیگر): س، ل، ل، ل، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:
 ز گنج (ل: سلاح) نیاکان برترمنش

فرستم بنزد سوی سرزنش
 ۱۴- ل، س: هرچ ۱۵- ف، ل، ق، ل، ل، س: وز؛ متن = س ۱۶- ل (نیز، ل، ل، ن): تخت و ۱۷- س: سلاح ۱۸- س:
 از که؛ ل، س، ل، ل، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:
 ز نجاج (ل، ل، پ: گنج) بزرگان و تخت و کلاه
 ف، ق، س این بیت را ندارند ۱۹- س این بیت را ندارد ۲۰- ل، س (نیز، ل، ب): رنج و؛ (ل: درد و) ۲۱- ف، ق (نیز، ل،
 پ): رنج (؟): متن = ل، س، ل، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۲- ق (نیز، ل، آ): گردد ای شاه بزم؛ س، س، ق، ل، ل، آ پس از این
 بیت افزوده اند:

وگرتو (ق: کجا گر) بدین گفت من بنگری (ق: بگروی)

دو لشکر برآساید از دآوری (ق: بدل اندرون نیست بدخوی)

۲۳- س: گر ایدون که ۲۴- س، ل، ل، س (نیز، ل، پ، آ، ب): بیوشد؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ل، ل، و، ل، ن) ۲۵- ل، س (نیز، ل، ب): رزم و خون کردنت (ق: ریختن؛ ل، آ: جتنت): متن = ف ۲۶- ل، س (نیز، ل، ب): تو در پندرا؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز، ل، آ) ۲۷- ل، س، س (نیز، ل، ب): ازین؛ ق، ل: برآید ازین؛ متن = ف ۲۸- س (نیز، ل، و، ل، ب): هر دو سپاه؛ ق: گر
 آبی بتابی تو با من براه؛ متن = ف، ل، ل، ل، س (نیز، ل، ق، ل، ب، آ)

چو بدخواه پیغام تو بشنود^۱ بیچده، بدین پند ما نگرود^۲،
 به تنها تن خویش^۳ ازو رزم خواه به دیدار دور از میان سپاه

۴۷۰ پسر^۴ آفرین کرد و آمد برون
 گزین کرد از آن بخردان^۵ چار مرد
 گزین کرد از آن نامداران هزار^۶
 ز^۷ ره چون طلایه بدیدش ز دور
 ز ترکان هر آنکس که بُد پیشرو
 به ره با طلایه برآویختند ۴۷۵

تنی چند از ایرانیان خسته^۸ شد
 هم اندر زمان شیده آنجا رسید
 دل شیده گشت اندر آن کار تنگ
 به ایرانیان گفت: نزدیک شاه
 بگویند^۹ روشن دل^{۱۰} شیده نام ۴۸۰
 از^{۱۱} افراسیاب آن سپهدار چین
 سواری دمان از طلایه برفت

پدر میزه^{۱۲} پر آب و^{۱۳} دل^{۱۴} پر ز خون
 چشیده^{۱۵} بسی از جهان^{۱۶} گرم و سرد
 خردمند و شایسته‌ی کارزار
 درفش و نشان^{۱۷} سواران^{۱۸} تور،
 ز ناکار دیده جوانان^{۱۹} نو،
 بناگاه بی شیده^{۲۰} خون ریختند
 و زان روی پیگار پیوسته شد
 نگهبان ایرانیان^{۲۱} را بدید
 همه^{۲۲} بازخواند آن^{۲۳} یلان را ز جنگ
 سواری فرستید^{۲۴} با رسم و راه،
 به شاه آوریده ست چندی^{۲۵} پیام،
 پدرمادر^{۲۶} شاه ایران زمین

بر شاه ایران گذارید و^{۲۷} تفت

۱- (پ، و: نشنود)؛ در ل، س، س، ل، ن، آ، حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ف، ق، ل (نیز ق، ل، ل، ب) ۲- ف، ق (نیز و): بند ما نگرود (ف: بگرود)؛ ل (نیز پ): گفتا نگرود؛ س (نیز ل، ب): پند (س: بند) من بگرود (ب: نگرود)؛ (ق: بندها نگرود؛ ل: بندها بگرود)؛ ل: بگفتار تو بگرود؛ س (نیز آ): برین بند (آ: پند) ما نگرود؛ متن = ق، و، آ ۳- ل: خود ۴- س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، پ-ب): بسی؛ (ل: همی)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل) ۵- ل، ل، ل (نیز پ): دیده؛ س، ق، س (نیز ل- ل، و-ب): مره؛ متن = ف ۶- ل، ل، ل [و] ۷- (ق، ل، رخ)؛ درس، ل، ل، و، ل، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ل: از موبدان؛ ف (نیز ل)؛ ز گردان گزین کرد او؛ متن = س، ل، س (نیز ل، پ-ب) ۹- ل: کشیده ۱۰- س، ل (نیز ل، ب): ز گیتی بسی؛ ق، ل، ق این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۱- ق (نیز ل): چهار؛ ل: ترکان نامی هزار؛ ل: و زان نامداران لشکر هزار؛ (و: بخود برد از آن نامداران هزار)؛ متن = ف، س، س (نیز ل، ل، ق، آ، ب)؛ پ این بیت را ندارد؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ بنداری: فاستصحاب شیده ألف فارس؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: آمدن شیده برسولی نزدیک لشکر شاه کیخسرو؛ ق: آمدن شیده پسر افراسیاب برسالت نزد کیخسرو؛ ل: پیغام آوردن شیده از نزد افراسیاب ۱۲- ل (نیز ل): به ۱۳- ل، ق (نیز ل، و، آ): سنان؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ق، آ، ب، ل، ب) ۱۴- س، ل (نیز پ، ل، ب): سپهدار ۱۵- س، ل (نیز ل، ب): سواران ۱۶- ل، ق (نیز پ، و): بنام از بی شیده؛ س، ل (نیز ل، ب): بنا کام بی شیده؛ (ل: بنا کار بی شیده؛ ق: ز گردان بران دشت)؛ متن = ف، س (نیز ل، آ) ۱۷- س، س، س: کشته ۱۸- ل: ایران سپه ۱۹- ل (نیز ق، ل، ل، ب): همی ۲۰- ق (بازخواندش) ۲۱- ل: فرستیم ۲۲- ل، ل، ل (نیز ل، ل، ب): بگویند که؛ متن = ف (نیز ق، ل، ل) ۲۳- ل: روشن روان ۲۴- ل: چندین ۲۵- ف، ل، س، ز: س: به؛ متن = ل، ق ۲۶- ل (نیز ل، ل، ل، ب): خرامید و؛ س، ل (نیز ل، ب، و، آ): خرامید؛ ق: گرایید و؛ س: گذارید؛ (ق: گریید)؛ متن =

که پیغامبر^۱ شاه توران سپاه
 همی شیده - گوید که - هستم به نام
 رخ^۵ شاه شد زآن^۶ سخن پر ز شرم
 چنین گفت کین شیده خال من ست
 نگه کرد گردنکشی زان میان^۸
 بدو گفت: رو پیش او^{۱۱} شاد کام
 چو قارن بیامد ز پیش سپاه
 بیامد^{۱۳} بر شیده، دادش درود^{۱۴}
 جوان تیز بگشاد شیرین زبان
 بگفت آنچه^{۱۶} بشنید از^{۱۷} افراسیاب
 چو بشنید قارن^{۲۰} سخن های نغز
 بیامد بر شاه ایران بگفت
 چو بشنید خسرو ز قارن سخن
 بخندید^{۲۴} خسرو ز کار نیا
 از آن پس چنین گفت کافر اسیاب
 ورا چشم پُر^{۲۷} آب و لب پُر سخن
 بکوشد همی تا^{۲۸} بتخاندم^{۲۹}

گوی بَرمنش^۲ با درفش سیاه،
 کسی بایدم^۳ تا گزارم^۴ پیام
 فروریخت از دیدگان^۶ آب گرم
 به بالا و مردی هَمال من ست
 بُد پیش جز^۹ قارن کاویان^{۱۰}
 درودش ده از ما و بشنو پیام
 بدید آن درفشان درفش^{۱۲} سیاه،
 ز شاه و ز ایرانیان بر فرود^{۱۵}
 که بیدار دل بود و روشن روان
 از^{۱۸} آرام و ز بزم و رزم^{۱۹} و شتاب
 از آن نامور بچه^{۲۱} پاک مغز^{۲۲}،
 که پیغام ها با خرد بود جفت
 به یاد آمدش گفت های^{۲۳} کهن
 از آن جستن چاره^{۲۵} و کیمیا
 پشیمان شده ست از گذشتن بر^{۲۶} آب
 مرا دل پُر از دردهای کهن
 به بیشی^{۳۰} لشکر بترساندم^{۳۱}

۱- ل، ل (نیز لن، پ): پیغمبر؛ متن = ف، س، ق، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- (لن: بر رکبش؛ ل، پ، لن، ب: بَرمنش) ۳- ل (نیز لن، ق، و): بایدش ۴- ل: گزارم؛ ل: گذارد؛ (لن، ق، ل، ب، و، آ: گزارد)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، لن، ب)؛ س پس از این بیت افزوده است:

از افراسیاب آن سپهدار چین پیام آوریده به شاه زمین
 ۵- ل، س، ق، س (نیز لن، ق، ل، ب): دل؛ متن = ف، ل ۶- س: زمین ۷- ل: دیده گان؛ دل پس از این بیت، بیت
 پیشین دوباره آمده است ۸- س، ل (نیز لن، ب): از گوان ۹- ق: کجا نام او ۱۰- س، س (نیز و): کاوگان؛ (لن، ب: پهلوان) ۱۱- ل: آن ۱۲- س، ل (نیز ق، ل، لن، ب): درفش درفشان؛ (و: درخشان درفش)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز لن، ل، ب) ۱۳- ل، س (نیز لن، پ، لن، ب): چو آمد؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، ل، و، آ) ۱۴- (ل: سلام) ۱۵- (ل: بگفتش بگو تا چه داری پیام) ۱۶- ق، ل، س: آنچه ۱۷- ل: ز ۱۸- ل، ق، س: ز ۱۹- ق: و بزم و زرم؛ س: و زرم و بزم ۲۰- ق: چو قارن شنید ۲۱- س (نیز ق): بخرد ۲۲- س (نیز لن، ب): تیز مغز ۲۳- ق، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ب): دردهای؛ (ل، و، لن، آ: روزگار)؛ متن = ل، س (نیز ب)؛ ف این بیت را ندارد و در ترجمه بنداری هم نیست ۲۴- ف: چو بشنید؛ متن = ل - س (نیز لن - پ، لن، آ، ب)؛ بنداری: فتبسم ۲۵- ق، س (نیز ق، ل، ب): چاره و حيله (س): حيلت) ۲۶- ل (نیز ل، ب): ز؛ س، س (نیز لن): به؛ ل: شد از برگزشتن بر؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، ب، لن، آ، ب) ۲۷- س، ق، ل، س (نیز لن، ل، لن، آ، ب): بی؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، ب)؛ درس این بیت پس از بیت ۵۰۰ آمده است ۲۸- ل، س، ل (نیز ب): بکوشد که تا دل؛ (لن، لن): بکوشد مگر دل؛ ق: بکوشد همی تا؛ ب: بکوشید تا دل؛ متن = ف، ق، س (نیز لن، و، آ) ۲۹- ل، ق، ل، س (نیز ل، ل، ب، لن، آ، ب): بیچاندم؛ س: بیچاندم؛ (لن، و: بیخشايدم؛ ق: بنخشاندم (!))؛ متن = ف ۳۰- ف: چنين پيش؛ متن = ل - س (نیز لن - ب)؛ بنداری: فجاء يفرعنا بكثرة جنوده و جموعه ۳۱- س: بترساندم؛ (لن، و: بفرسایدم)؛ درس، لن، ل، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

<p>نگردد^۲ بیابست روز گزند که من دل پُر از کین شوم پیش اوی به هنگام جنبش^۶ نسازم درنگ به آواز گفتند کین نیست^۸ راه جز از چاره چیزی^{۱۱} نیند^{۱۱} به خواب فریب و^{۱۴} بداندیشی و بدخوی^{۱۵} که این دید بند بدی^{۱۶} را کلید بدان تا کند روزمان^{۱۷} پُر ز درد^{۱۸} از^{۲۲} ایران و از^{۲۳} تاج سیری مگیر^{۲۱}! بدآورد^{۲۴} گستاخ با وی^{۲۵} مگرد! یکی نامور کم شود زآن سپاه از^{۲۶} ایران برآید یکی تیره خاک نه شهر و بروبوم^{۲۸} ایران به پای که کین را ببندد کمر بر میان به توران و چین در^{۳۰} پسندیده^{۲۹}، ز بیچارگی جُست خواهد نبرد</p>	<p>نداند^۱ که گردنده چرخ بلند کنون چاره جز این مرا^۳ نیست روی بگردم بدآورد^۴ با وی^۵ به جنگ همان^۷ بخردان و ردان سپاه جهاندیده پُردانش^۹ افراسیاب نداند^{۱۲} جز از تنبلی و جادوی^{۱۳} ز لشکر کنون شیده را برگزید همی خواهد از شاه ایران نبرد تو بر^{۱۹} پیری^{۲۰} او دلیری مگیر^{۲۱}! و گر شیده از شاه خواهد نبرد به دست تو گر شیده گردد تباه و گر دور از ایدر تو گردی هلاک نه یکی ز ما زنده ماند^{۲۷} به جای کسی نیست ما را ز تخم کیان نیای تو پیری جهاندیده^{۲۹} بی همی پوزش آرد بدین بد که کرد</p>
--	--

۱- ف، ل (نیزق، ل)؛ بدانگه (؟)؛ متن = س، ل، س، ل (نیزلی، پ-ب) ۲- ف (نیزل)؛ بگردد؛ ل، س (نیزق، ل، ن، ب)؛ بگردد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل، س، ل (نیزلی، پ، آ)؛ ق، ل، ن، بنداری این بیت را ندارند ۳- ل (نیزپ)؛ چاره ما جزین؛ س، ل، س، ل (نیزق، ل، ن، ب)؛ کار ما (ل: ها) را جزین؛ (ل: ن) کار با وی جزین؛ ل، آ، چاره این مرا)؛ متن = ف، ق (نیزل) ۴- ل- ل- س (نیزلن ب-ب)؛ باورد؛ متن = ف ۵- ل، ل، س، ل، س، ل، س، ل، س، ل؛ او؛ متن = ف، ق ۶- ل (نیزق، ل، ب)؛ کوشش؛ س (نیزلن، ل، و، ل، آ، ب)؛ جستن؛ ق: رزمش؛ (ل: جنگش)؛ متن = ف، ل، س، ل، س، ل ۷- ل- ل- س (نیزلن-ب)؛ هم؛ متن = ف ۸- ل؛ است ۹- ف، س؛ بی دانش (؟)؛ (ل: پسر ز آتش)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزق، ل، ب) ۱۰- ل (نیزق، ل، ل)؛ جستن؛ س (نیزب)؛ سازی؛ متن = ف، ق، س (نیزلی، پ، و، آ) ۱۱- ل؛ نیند جز از چاره چیزی ۱۲- ل؛ نیند ۱۳- ل، س، ل، س، ل؛ جادویی ۱۴- ل؛ [و] ۱۵- ل، س، ل، س، ل؛ بدخویی ۱۶- (ق: بلا؛ و دیده بد بندد؛ ل، آ؛ که آرد مگر بندد) ۱۷- ف: دردمان (د- روزمان)؛ ل- س (نیزلی، ل، پ، ل، ن، آ، ب)؛ روز ما؛ (ق: و جان ما)؛ متن تصحیح قیاسی است ← ف ۱۸- ل، س، ل (نیزلن، ل، ب)؛ گردد؛ ل، ق (نیزل، ل، ب)؛ را بگرد؛ متن = ف، س (نیزق، ل، و، آ)؛ س، ل، ن، ب پس از این بیت افزوده اند: باورد گستاخ با او مگردد

نیاید که یابیم ما رنج و درد (← ۵۰۹)

۱۹- س؛ با ۲۰- ف، س، ق، س؛ سری (نقطه ندارد)؛ ل، ل (نیزل)؛ تیزی؛ متن = (ق، ل، پ، و، آ) ۲۱- ل، س، ق، ل (نیزق، ل، و، آ)؛ مکن؛ متن = ف، س ۲۲- ف، س، ق، ل؛ زد؛ متن = ل، س ۲۳- ف، ل، ق، ل، س؛ وز؛ متن = س ۲۴- ل، ق، ل، س (نیزو)؛ باورد؛ (ق: برآورد؛ ل، آ؛ تو در جنگ)؛ متن = ف ۲۵- ل، ل، س، ل؛ او؛ متن = ف، س؛ س، ل، ل، ل، ن، ب این بیت را ندارند ۲۶- ل؛ ز ۲۷- ل، ل، س، ل (نیزب، و، ل، ن، ب)؛ یکی زنده از ما نماند؛ ق (نیزق، ل، ل، آ)؛ نماند یکی زنده از ما؛ س؛ نه یکن ز ما زنده ماند؛ متن = ف ۲۸- ل؛ بروم ۲۹- ل، س، ق، ل (نیزق، ل، ل، ن، آ)؛ است؛ متن = ف، س (نیزب، و، ب) ۳۰- (ق، و، بایران و توران)

همی گوید اسپان و گنج^۱ درم
همان تخت زرین و تاج سران
سپارد به گنج تو از گنج خویش
هر آن شهر کز بوم^۵ ایران نهی
۵۲۰ به ایران خرامیم پیروز و شاد
بدین^۱ گونه^{۱۰} بودند^{۱۱} پیر و جوان
که رستم همی زآشتی^{۱۳} سر بگاشت^{۱۴}
همی^{۱۷} لب به دندان بخاید شاه
و زان پس چنین گفت کین نیست^{۱۹} راه
۵۲۵ کجا آن همه رسم^{۲۱} و سوگند^{۲۲} ما^{۲۳}
چو بر تخت بر زنده افراسیاب
به کاوس یکسر چه پوزش بریم
شیدی که بر ایرج^{۲۷} نیک بخت
سیاوخش^{۳۰} را نیز بر بی گناه

که بنهاد تور از بی^۲ زادشم،
کمرهای زرین^۳ و گرز گران،
همی بازخرد بدین^۴ رنج خویش
همی کرد خواهد^۶ ز توران^۷ تهی
ز کار گذشته نگیرم یاد^۸
جز از رستم آن نامور پهلوان^{۱۲}
ز درد^{۱۵} سیاوش به دل کینه داشت^{۱۶}
همی کرد در روی ایشان^{۱۸} نگاه
به ایران خرامیم ازین^{۲۰} رزمگاه
همان بدره و برده و پند^{۲۴} ما^{۲۳}
بماند جهاندار و، ایران خراب^{۲۵}،
بدان دیدگان درد خود بنگریم^{۲۶}
چه آمد ز^{۲۸} تور از بی^{۲۹} تاج و تخت؟
بکشت از بی گنج و تخت^{۳۱} و کلاه^{۳۲}

۱- ف، ل، آ، س (نیزق، پ، لن، آ، ب): گنج و؛ ق (نیزلی، آ): از (لی: آن) اسب و گنج و؛ (ل: اسب و سلیح و): متن = ل، س (نیز و) ۲- ق: آن از نیا؛ (لی: تورانی): س (نیزلن، آ، ب): که میراث بود از نیا؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیزق، ل، پ، و، آ) ۳- ق (نیز ل، ل، آ، س): شاهی ۴- ق: بدان ۵- ل، س (نیزب): مرز؛ س: بوم و برکان ز؛ متن = ف، ق، ل، آ (نیزق، و، آ) ۶- س (نیز ق، آ): خواهد ۷- ل- ل- س (نیزق، و، آ، ب): ترکان؛ متن = ف ۸- (ق: تبارم یاد): ل: نگیرم کار گذشته یاد ۹- ل، ل، آ، س: برین ۱۰- ل، ل، ق (نیزق، ل، آ، پ، و): گفته؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلی، لن، آ، ب) ۱۱- س (نیزلن، آ، ب): گفتند ۱۲- ل- ل- س (نیزق، ل، ل، لن، آ، ب): نامور رستم پهلوان؛ (ب، و: رستم نامور پهلوان؛ ل: مگر نامور رستم پهلوان): متن = ف؛ در س، ل، آ، و، لن، آ، ب، ل، تن های این بیت پس و پیش شده اند ۱۳- ف: دانش (؟): س: استی (!): (لن: داشتی): متن = ل، ق، ل، آ، س (نیزق، و، آ، ب) ۱۴- س: نداشت؛ ل: بر بکاشت (حرف سوو نقطه ندارد) ۱۵- ق (نیزل، آ): کار؛ ل: خون؛ متن ← ۱۶- س (نیزلن، آ، ب): که درد سیاوش ز (ب: به) دل برداشت (ب: بداشت): متن = ف، ل، س (نیزق، و، آ) ۱۷- ق: همه ۱۸- ل، ل، س، ق (نیزل، آ، پ، و، لن، آ، ب): خیره بدیشان؛ ل: خیره در ایشان؛ س: بر روی ایشان؛ متن = ف (نیزق، ل، ل، آ): در س، ل، تن های این بیت پس و پیش شده اند ۱۹- س، ل، آ، س (نیزلن، آ، ب): کابنست؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، لن) ۲۰- ف، ل (نیزلی): زرین؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیزق، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۲۱- ل: رسم؛ س، ل (نیزلن، ق، ل، آ، ب): عهد و؛ س: رنج و؛ متن = ف، ق (نیزلی، پ، و، آ) ۲۲- س (نیزب): پیوند ۲۳- ل: ها ۲۴- ف، ل (نیزق، آ، پ، و): بند؛ ل: گفته و بند؛ ق: گفتن و بند؛ (آ: بند و پیوند): س (نیزلن، ل، ب): گفت و اندرز و آن بند (ب: سوگند): (ل: برده و بدره و بند): متن = س ۲۵- ل: جهان گردد از وی خراب؛ ل: سپهدار ایران خراب؛ (لن: که هرگز میناد شادی بخواب): متن = ف، س، س (نیزلن - و، آ، ب): ق این بیت را ندارد ۲۶- ل، ل، س، ق (نیزلن - پ، لن، آ، ب): بدین دیدگان (ل، ق، ل، آ، ب: کارها؛ ل، آ: کارها) چون بدو (لن: تویی) بنگریم؛ ل: بدین دیده نیز چون بنگریم؛ س: بچه دیدگان ما بدو بنگریم؛ (و: بدین دیده در کاخ چون بنگریم): متن = ف: بنداری؛ و اذنا فعلنا ذلک فبای ناظر نبصرو چه کی کاوس، و بای شیء نعتذر الیه؟ ۲۷- ل: نوذر ۲۸- ل، س (نیزلی، لن، آ، ب): به ۲۹- ف: توران ازین؛ متن = ل- س (نیزق، آ): س (نیزلی، پ، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

بننوذر چه آمد ز افراسیاب بکردند ایران چو دریای آب (لی: بیکیبارگی کرد ایران خراب؛

ب: که هرگز میناد شادی بخواب؛ لن، آ، ب: بماند جهاندار و ایران خراب)

۳۰- ل، س، ق، ل (نیزلی، ل، لن، آ، ب): سیاوش؛ (پ: سیاوش): متن = ف، س (نیزق، آ، ب) ۳۱- ف، ق: تخت و گنج؛ ل: تاج و گنج؛ (ق، ل: تاج و تخت): متن = ل، س، س (نیزلی، پ، ب) ۳۲- ل (نیزق): سپاه

۵۳۰ فریبنده ترکی از آن^۱ انجمن
گر^۲ از من همی جست خواهد نبرد
همی از شما این شگفت آیدم
گمانی نبردم که ایرانیان
کسی را ندیده^۷ از^۸ ایران سپاه
که از جنگ ایشان گرفت^{۱۰} شتاب^{۱۱}

۵۴۰ چُن^{۱۳} ایرانیان این سَخُن^{۱۴} ها شاه
گرفتند پوزش که^{۱۶} ما بنده ییم
نخواهد شهنشاہ جز نام نیک
ستوده^{۱۹} جهاندار برترمنش
که گویند از ایران^{۲۰} سواری نبود
سپاهی خروشان^{۲۲} به دشت نبرد
بخواهد^{۲۵} مگر خسرو موبدان

۵۴۵ بدیشان چُن^{۲۸} پاسخ آورد شاه
بدانید کین شیده روز نبرد
سلیحش^{۲۷} پدر کرده از جادوی^{۲۸}
که ای موبدان^{۲۶} نماینده راه،
پدر را ندارد به هامون به مرد
ز کژی و تاری و از بدخوی^{۲۹}

۱- ل: ازین ۲- س: که ۳- ق: چرا شد شمارا ۴- ل: هین: (پ: همه: و: ب: همی): متن ← ۵- س: همی کین به
بشی: (ل: آ: همانا کزین کین: لن: همی کین پیشی): متن = ف: ل: س: (نیزق): ق: این بیت را ندارد ۶- ق: (نیزلی، ل: پ، و:
آ): ازین کین: س: (نیزلن، ب: آ): ازین (لن: از) کینه بکسر (س: هرگز): متن = ف: ل: ل: س: (نیزق) ۷- ل: ندیدند ۸-
ف: کز: ل: (نیزلی، آ): ز: متن = س: ق: ل: س: (نیزل، پ، و: لن، ب) ۹- ل: درین: ل: ق: (نیزل، آ): بود اندرین: س: ترکی
بدین: (ل: بد اندرین): متن = ف: س: (نیزب، و: ب) ۱۰- س: گرفتند تاب ۱۱- س: ز: ۱۲- ف: فرستاده: متن = ل:
س: (نیزق، ب): بنداری: و فیم اصفرت وجوهکه بقول ترکی خذاع جاءنا بزعمه أنه یطلب مبارزتنا؟ ۱۳- ل: س: (نیزق، و: آ): چو:
متن = ف: ۱۴- س: راز: س: هئی ۱۵- ل: س: (نیزب): شنندند: متن = ف: ق: ل: س: (نیزق، ل، ل، و: آ) ۱۶- س:
ل: (نیزلن، ب): بیپوزش بگفتند: متن = ف: ل: ق: س: (نیزق، و: آ) ۱۷- ل: ق: س: (نیزق، ل): سرافکنده ایم: متن = ف: س: ل:
(نیزب، ب) ۱۸- س: کار ما را: س: ل: (نیزلن، ب): ز (لن: به) هر کارها جز: (ق: همان کارها و: ل: وزیر کارها جز): متن =
ف: ل: ق: (نیزلی، پ، و: آ) ۱۹- س: (نیزلن، ب): که شاید ۲۰- س: ایشان ۲۱- س: جنگ: س: (نیزلن، ب): با او
نبرد: متن = ف: ل: ق: ل: (نیزق، و: آ) ۲۲- ل: ق: (نیزلی، ل، آ): که (ق: چو) آمد (ل: آ: نیامد) سواری: (پ: سواری نیامد):
متن = ف: س: ل: س: (نیزلن، ق، و: لن، ب) ۲۳- ل: بجز ۲۴- ق: س: (نیزل، آ): کس: ل: آن: متن = ف: ل: س: (نیزلن،
ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۵- ل: س: ق: ل: (نیزق، ل): نخواهد (حرف یکم نقطه ندارد): س: (نیزلن، ل، پ، و: لن، ب): نخواهد:
متن = ف: (نیزآ) ۲۶- (ق: بخردان) ۲۷- ف: سلج: (ل: و: سلاحش): متن = ل: س: (نیزهفت دستویس دیگر) ۲۸-
س: جادویی ۲۹- ف: (نیزق): نابخردی (پساوند ندارند): ل: س: (نیزب): بی راهی و بدخوی: ق: (نیزلی): نادانی و بدخوی: (ل: ز:
ناپاکی و بدخوی: و: از تازی و بدخوی: آ: نادانی و بخردی): متن = س: ل: (نیزلن، لن، ب): بنداری: این شیده هذا فارس شجاع قد الیه آیه
سلاحا من السحر والشرا والحیفة والکر

برآن^۱ جوشن و خود پولادسر^۲ نباشد سیلیح^۳ شما کارگر
همان اسپش از باد^۴ دارد نژاد گرازیدن شیر و تیزی باد^۵
کسی را که یزدان نداده است فر نباشدش با جنگ او^۶ پای و پر^۷
همان با شما او نیاید به جنگ ز فر و نژاد خود^۸ آیدش ننگ
نیره فریدون و پور قباد ۵۵۰
بسوزم برو^۹ تیره جان^{۱۰} پدرش^{۱۱}
سواران^{۱۵} و شیران ایران زمین

گفتار اندر پاسخ دادن شاه کیخسرو پیغام های افراسیاب^{۱۶}

بفرمود تا قارن نیک خواه^{۱۷} شود باز و پاسخ گزارد^{۱۸} ز شاه،
که این کار ما دیر و^{۱۹} دشوار^{۲۰} گشت سخن ها از^{۲۱} اندازه اندر گذشت
هنر یافته مرد سنگی^{۲۲} به جنگ نجوید که^{۲۳} رزم چندین^{۲۴} درنگ
کنون تا خداوند خورشید و ماه که را شاد دارد بدین رزمگاه^{۲۵}
نخواهم ز تو بوم ایران و^{۲۶} گنج که بر کس نماند سرای سپنج
به زور جهان آفرین کردگار به دیهیم کاوس پروردگار،
که چندان غمناک شما را زمان^{۲۷} که بر گل جهد تند باد دمان^{۲۸}
بدان خواسته نیست ما را نیاز ۵۶۰
که از جور و بیدادی^{۲۹} آید^{۳۰} فراز

۱- ل (نیز لن، ق، ل، پ، آ): بدان ۲- ل، س، ق، ل (نیز لن، ل، ل، پ، و، ب): بر؛ س (نیز ق، ل، ن): خود و پولاد بر؛ متن = ف (نیز آ) ۳- س (نیز و): سلاح؛ در ل-س، ل، ن، ل-ب لست های این بیت پس و پیش شده اند؛ یایی لست های این بیت = ف، ق ۴- س، ق (نیز لن، ب): ابر؛ (ل: دیو)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، آ) ۵- س (نیز لن): تندی زیاد؛ (ق: تیزی زیاد)؛ و ب: تندی باد؛ ل، ق (نیز ل، آ): بدگ همچو شیر و برقتن چو باد؛ ل: گراییدن شیر و تندی باد؛ (لن: گراییدن تیز و تندی و باد)؛ متن = ف، س (نیز ب) ۶- ل: وی ۷- ق (نیز ل): نباشد بدو (ل: بدان) زخم او کارگر ۸- ف: ز درد نژاد نو (ز فر و نژاد خود)؛ س: ز نام و نژاد خود؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن - ب) ۹- ق، ل، س (نیز لن - ب): بدو ۱۰- ق (نیز ق، ل، ل، آ): ویژه جان؛ ل: خیره جان؛ (لن: نیز جان)؛ متن = ف، ل، س، س (نیز لن، ب، و، ب) ۱۱- ق (نیز ق، و): پدر ۱۲- س: که ۱۳- ل: جان بر؛ س: جان؛ (ق: بهر؛ ب: دل بر؛ آ: هم)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز لن، ل، و، ل، ب) ۱۴- ق (نیز ق، و): پر ۱۵- ل (نیز ب): دلیران ۱۶- ف: گفتار اندر پاسخ دادن شاه کیخسرو پیغام ها افراسیاب بر دست شیده و خواستن جنگ شیده از افراسیاب؛ س، ل: پاسخ دادن کیخسرو افراسیاب و شیده راه؛ ق: پاسخ فرستادن کیخسرو بشیده بزبان قارن؛ متن = آغاز ف ۱۷- ل: رزمخواه ۱۸- ف، ل، ل (نیز لن، ل): گذارد؛ متن = س، ق، س (نیز ق، ل، ل، ب، آ، ب) ۱۹- س: بیاتو؛ (ق: دور و؛ و؛ بر تو) ۲۰- ل-س (نیز لن - ب): دشوار؛ متن = ف ۲۱- ل، ق، س: از ۲۲- س، س: جنگی ۲۳- ف: همی؛ متن = ل-س (نیز لن - ب) ۲۴- س، س (نیز ق، و): جستن؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۵- در س، ل، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۶- س، ق، س (نیز لن - ب): توران و (لن، ل، ل، ن): نه؛ ل: ایران نه؛ ل: اسب و دینار؛ متن = ف (ل: نیز-بیت ۵۱۹) ۲۷- ل: ترا شادمان ۲۸- (ق: خزان؛ ل: وزان؛ آ: بزبان؛ و: بادی دمان)؛ ل (نیز ل): جهد باد تند رزان (ل: دمان)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ب، ل، ب) ۲۹- س، ل (نیز لن، ل، ب): بیداد ۳۰- ل-س (نیز لن، ق، ل، ل، ب، ل، ن): آمده؛ متن = ف (نیز ل، و، آ)

گرم^۱ پشت گرمی به یزدان بود
 بر و بوم و گنج و سپاهت مراست^۳
 پشنگ^۵ آمد و خواست از من^۶ نبرد
 سپیده دمان هست مهمان من
 کسی را نخواهم^{۱۰} از^{۱۱} ایران سپاه
 ۵۶۵ من و شیده و^{۱۳} دشت^{۱۴} و شمشیر تیز
 گر ایدونک^{۱۶} پیروز گردم^{۱۷} به جنگ
 مبارز خروشان کنیم^{۲۰} از دو روی
 و زان پس یلان را همه همگروه
 چن^{۲۳} این گفته باشی به شیده بگوی
 ۵۷۰ تو تنها نه ایدر به جنگ^{۲۶} آمدی،
 نه از بهر پیغام افراسیاب،
 جهاندارت انگیخت از آن^{۲۹} انجمن

همیشه لب^۲ بخت خندان بود
 همان تخت زر با کلاهت مراست^۴
 زره دار و^۷ با^۸ لشکر و داروبرد
 به خنجر ببیند سرافشان^۹ من
 که با وی^{۱۲} بگردد به آوردگاه
 برآرم به فرجام^{۱۵} ازو رستخیز
 نازم^{۱۸} - بر آنسان^{۱۹} که گفتی - درنگ
 ز خون دشت گردد پر از رنگ و بوی^{۲۱}
 به جنگ اندرآرم برسان^{۲۲} کوه
 که ای پُر^{۲۴} خردمهر نامجوی^{۲۵}،
 نه از جستن نام و ننگ^{۲۷} آمدی،
 که کردار بد^{۲۸} کرد بر تو شتاب
 ستودانت ایدر بُد و هم^{۳۰} کفن

۱- ل، ق، س (نیز ل، پ، و): که را؛ متن = ف، س، ل (نیز ق، ل، ل، ن، آ، ب) ۲- ل- س (نیز ق، ب): دل و؛ متن = ف (ضبط
 ف را دل هم میتوان خواند، ولی حرف و را ندارد) ۳- ف: گنجت سپاه منست (!): متن = ل- س (نیز ق، ب) ۴- ف: تاج و
 گرز تو گاه منست (!): ل، ل (نیز پ): تخت و زرین کلاهت مراست؛ س (نیز ل، ب): گرز و تخت و کلاهت مراست؛ ق، س (نیز آ): تخت
 زر و کلاهت مراست؛ ل: تخت و بوم و کلاهت مراست؛ ل، و: تخت زرین و گاهت مراست؛ متن = (ق، ب- ق، س، آ) ۵- حرف
 یکم در ف، ق، ل، س، ل، ن، ق، ل، آ با یک نقطه، در ل، س بی نقطه و در ل، پ، و، ل، ب با سه نقطه است ۶- س، ل (نیز ل، ل، ن،
 ب): ما ۷- ل، س، ق، ل (نیز ل، ل، آ): [و]؛ متن = ف، س (نیز ق، ب) ۸- ل: بی ۹- ل: بی بیند دل و زور
 میدان ۱۰- ق: نگوم ۱۱- ل: ز ۱۲- ل، س، س: او؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۳-
 س: بر ۱۴- (و: دست) ۱۵- س: بآورد ۱۶- س: ایدونکه ۱۷- س، ل (نیز ل، ب): باشم ۱۸- ف، س:
 سازم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیز ق، ب، پ): بازم؛ ق (نیز ل): نخواهم؛ متن = ل (نیز ل، ل، و، ل، آ) ۱۹- ل، س (نیز
 ل، ق، ل، ن، ب): برین سان؛ ق، ل (نیز ل، آ): بدینسان؛ (و: ازینسان)؛ متن = ف، س؛ بیت ۵۶۷ در ف پس از بیت ۵۶۸ و در ل، آ
 پس از بیت ۵۶۹ آمده است؛ پیاپی بیت های متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۵۶۷-۵۶۹): و اذا ظفرت به یكون ما امرت به من تبارز
 المبارزين من الجانين على الخصوص ثم يكون بعده القتال بين الجمعین علی العموم ۲۰- س، ل، س (نیز ق): کم ۲۱- ق (نیز ل،
 ل، آ): گفتگوی؛ س، ل، س، ل، پ، ل، ن، ب پس از این بیت افزوده اند:

بویژه که رستم بود پیشرو
 نماند برین بوم و برخار و خو(ل، س): اباگرد گیران و شیران(نو)
 ف، ل، ق، ل، ن، ق، ل، و، آ این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۲۲- س (نیز ل، ب): آرم بکردار ۲۳- ل- س (نیز
 ق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): چو؛ متن = ف ۲۴- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، ل، پ، آ، ب): که؛ متن = ف، س (نیز ل، ب) ۲۵-
 ل: کاججوی؛ ق: گرد پر خاشجوی؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۶- س: بکام؛ ق: باید بدم؛ (ل):
 باید بکام؛ ل (نیز و): نه تنها تو ایدر بکام؛ س، ل (نیز ل، ب): تو ایدر به تنها بدم؛ (ق): تو تنها ز توران بدم؛ ل: تو تنها تن
 خود بدم؛ پ: به تنها نه ایدر بکام؛ آ: نه ایدر تو تنها بدم؛ متن = ف ۲۷- (ل، و، ل، آ: ننگ و نام)؛ ل- س (نیز ل، پ،
 ب): نه برجستن ننگ و نام؛ (ق): نه برجستن نام و ننگ (پساونند ندارد)؛ متن = ف ۲۸- س (نیز ل، ب): که روز
 بدت؛ ل: کجا بخت بد؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، ل، پ، و، آ) ۲۹- ل (نیز ق، ل، آ): از [آن]؛ ل، س (نیز ل، پ،
 و، آ): زان؛ متن = ف، س (نیز ل، ب) ۳۰- ل، س، ل، س (نیز ق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): بود هم؛ (و: بود بسا)؛ متن = ف؛
 ق این بیت را ندارد

گزند آیدت زآن سرا بی‌گزند
 ۵۷۵ بگرید چنان زار بر تو پدر
 که از تن بریدند^۲ چون گوسپند^۱
 که کاوس گریدهمی بر پسر^۳

بیامد دمان قارن از نزد شاه
 ۵۸۰ سَخُن هر چه^۵ بشنید با وی^۶ بگفت
 بشد شیده نزدیک افراسیاب
 بُد شاه ترکان به^۹ پاسخ دُرُم
 از آن خواب کز روزگار دراز
 سرش گشت گردان و دل پُرَنِیب^{۱۱}
 بدو گفت: فردا بدین رزمگاه
 به شیده چُنین^{۱۴} گفت کز بامداد
 بدین رزم^{۱۶} بشکست^{۱۷} گویی دلم
 ۵۸۵ پسر گفت کای^{۲۰} شاه ترکان و چین^{۲۱}
 چو خورشید تابان^{۲۳} برآرد درفش
 من و خسرو و دشت آوردگاه
 به نزدیک آن درفش سیاه
 مانند ایچ نیک و بد اندر نهفت
 دلش چون بدآتش^۷ نهاده^۸ کباب
 غمی گشت و^{۱۰} برزد یکی تیزدم
 بدید و زهر کس همی داشت راز،
 بدانست کامد به تنگی نشیب
 از^{۱۲} افکنده توران^{۱۳} نیابند راه
 مکن تا دو روز ای پسر جنگ^{۱۵} یاد
 برآتم^{۱۸} که دل را ز تن^{۱۹} بگسلم
 دل خویش را بد مکن روز کین^{۲۲}
 درفشان کند روی چرخ بنفش،
 برانگیزم از شاه گرد^{۲۴} سیاه

گفتار اندر آمدن شیده به جنگ شاه کیخسرو^{۲۵}

چو روشن شد آن چادر لاژورد^{۲۶}
 جهان شد چو دریای^{۲۷} یاقوت زرد،

۱- ف: سپس؛ (ق: آید از پور آن)؛ متن = ل، س، ل، س، ل، س (نیزلی - ب) ۲- ف: که خونت بریزند؛ (ب: کت از تن برزند)؛ متن = ل، س، ل، س، ل، س (نیزق، ل، ل، و، لن، آ، ب) ۳- ف، ل، س، ل، س، ل، س، ل، س، ل، س (نیزق - لن)؛ گوسفند؛ متن = س (نیزآ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۴- ل این بیت را ندارد ۵- ل: هرچ ۶- ل: س (نیزلن، ل، ب)؛ او؛ متن = ف (نیزق) ۷- ل: س (نیزلن - ب)؛ بر آتش؛ متن = ف ۸- س: نهاده بر آتش؛ س، ل، لن، ب پس از این بیت افزوده اند:
 همه هرچ دید (لن: بد) آشکار و نهفت به پیش پدریک بیک بازار گفت
 ۹- ل، س، ق، س (نیزلن - ب)؛ ز؛ متن = ف، ل، ل، ۱۰- ف: گشته؛ (ل، آ: همی گفت و)؛ متن = ل: س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۱- ف: ل (نیزلن، ق، ل، و، آ)؛ برنهب؛ س: ناشکیب؛ متن = (ل، ب، لن، آ، ب) ۱۲- ف، ل، ق، س: ز؛ متن = س، ل، ل، س (نیزق، ل، ب)؛ مردان؛ ق: گردان؛ ل، س (نیزلن، ل، آ، ب)؛ موران؛ (و: مردم)؛ متن = ف (نیزلن): توران - موران؟ ۱۴- ل، س، ل (نیزلن، لن، ب)؛ وزان پس (لن: سپهد) بدو ۱۵- س (نیزق، آ)؛ رزم؛ س: ناتوانی پسر رزم؛ بنداری: و آمر شیده بأن یمک عن القتال یومین ۱۶- (لن: روز) ۱۷- س: بگست ۱۸- س (نیزلن، لن، ب)؛ ندانم؛ ق، ل: بدانم؛ متن = ف، ل، س (نیزق - و، آ) ۱۹- ق: که تن را همی ۲۰- ف، ق: ای؛ متن = ل، س، ل، س (نیزلن - ب) ۲۱- ل: ترکان چین؛ س: توران زمین ۲۲- ق: گاه کین؛ س (نیزلن، ل، لن، ب)؛ بد مگردان چین (ل: ازین)؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزق، ل، ب، و، آ) ۲۳- ل: فردا؛ ق: روشن ۲۴- س: از گرد رزم ۲۵- ف: گفتار اندر آمدن شیده بجنگ شاه کیخسرو و رفتن کیخسرو بنزدیک او و نبرد کردن و کشته آمدن بشنگ پسر افراسیاب؛ ل: رزم شیده با شاه کیخسرو؛ ق: نبرد شیده و کیخسرو و کشتی گرفتن ایشان و قتل شیده؛ س: رزم بشنگ با کیخسرو و کشته شدن بشنگ؛ متن = آغاز ف ۲۶- ف، س، ق، ل، س (نیزلن - ب، لن، آ، ب)؛ لاجورد؛ متن = ل (نیزو) ۲۷- ل (نیزل، ب، و)؛ بگردار؛ ق: چو دینارو؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، لن، آ، ب)

گهی برا فرازیم و گه بر^۲ نشیب
 گهی شاد و امین، گهی با^۳ نهیب
 برانگیخت شبرنگِ بهزاد را
 میان بسته با نیزه و خود و گبر
 میان دو صف شیده او را بدید
 بدو گفت: پورِ سیاوخش^۴ رد
 ۶۱۰ نیره سپهدار^۵ توران سپاه^۶
 جز آنی که بر تو گمانی برد
 که گر^{۱۲} مغز بودیت با خال خویش
 اگر^{۱۴} جنگ جویی به^{۱۵} پیش سپاه
 ۶۱۵ کز ایران^{۱۷} و توران نبینند کس
 چنین داد پاسخ بدو شهریار
 منم داغ دل پورِ آن بی گناه^{۲۰}
 بدین دشت از ایران^{۲۱} به کین آمدم
 ز پیش پدر چون به پا خاستی^{۲۲}

که اندر نوشتی^۴ به تگ باد را
 همی گرد اسپش^۵ برآمد به ابر
 یکی بادِ سرد از جگر برکشید
 توی^۷ ای پسندیده ی پُرخرد
 که سایدهمی ترگ با^{۱۰} چرخ ماه^{۱۱}
 جهانندیده یی کو خرد پرورد
 نکردی چنین جنگ^{۱۳} را دست پیش
 برو دور بگزین یکی رزمگاه^{۱۶}
 نخواهم یاران و^{۱۸} فریادرس
 که ای شیر درنده ی^{۱۹} کارزار،
 سیاوش که شد کشته بر دست شاه
 نه از بهر گاه و نگین آمدم
 ز لشکر^{۲۳} نبرد مرا خواستی

۱- ف، س، ق: در؛ متن = ل، س، س: س (نیزق^۱ - ب) ۲- ف، س: س (نیزق^۲): در؛ ل، س، ق، ل: ل (نیزل - لن، ب): فراز و گهی در (ل، ل، ل: لن، ل: بر)؛ متن = (آ) ۳- ف، س: س: در؛ ل، س (نیزل، و، ب): شادکامی (س، ب: شادمانه؛ ل: شادمانی؛ و: شادمان و) گهی با؛ ل: شادمانی و گاهی: متن = ق (نیزق^۱، ل، آ)؛ س، ل، ل، ل، پ، لن، ب: پس از این بیت سه بیت و س: تنها بیت سوم را افزوده اند:

اگر زانک پیروز گردد بشنگ
 همه پیش او بنده فرمان شوید
 به را که چون او نگهبان (س: نگهدار) بود
 ز رسم بچوئید فرمان جنگ
 وزان درد نزدیک درمان شوید
 همه چاره جنگ آسان (س: دشمنان خوار) بود

۴- ل: که دریافتی روز؛ س: اندر رسیدی؛ متن = ف، س، ق، ل: ل (نیزل - ب) ۵- س: نعلش ۶- ل، س، ق، ل: ل (نیزل، ل، پ، لن، آ، ب): سیاوش؛ متن = ف، س (نیزق^۱، ل، و) ۷- س، ق، ل، س: تویی؛ س: پس از این بیت افزوده است:
 نیره سپهدار توران نژاد

که چون او زمانه ندارد بیاد

۸- ل (نیزل^۲): جهاندار ۹- س: نیره سپهد گو شیر و شاه ۱۰- ل، س، ل، س: ل (نیزل - لن، ب): بر؛ متن = ف ۱۱- س: (نیزل، ل، پ، لن، ل): چرخ و ماه؛ ق، آیت های ۶۱۱ و ۶۱۲ را ندارند ۱۲- ل، ق (نیز، پ، آ): اگر؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۳- ف: دست (!)؛ س: جز این جنگ؛ متن = ل، ق، ل، س: ل (نیزل - ب) ۱۴- ل: کون ۱۵- ل، س، ل، س: ل (نیزل، ل، آ، ب، و، لن، ب): ز؛ متن = ف، ق (نیزق^۱، ل، آ) ۱۶- س، ل: ل (نیزل، پ، و، لن، ب): جایگاه؛ متن = ف، ل، ق، س: ل (نیزق^۱، ل، آ): درق، ل، آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- ق: که ز ایران ۱۸- ل (نیزل، ل، پ، آ، ب): [و]؛ ق: ما یارو؛ س: (نیزو): یارونه؛ متن = ف، س، ل: ل (نیزل، ق، ل، لن) ۱۹- س، ق، ل، س: ل (نیزل، لن، آ، ب): درنده در؛ متن = ف، ل (نیزل، ق، ل، پ، و) ۲۰- س: نیکیخواه ۲۱- س، ل: ل (نیزل، پ، لن، ب): از یسان؛ ق: توران؛ ل: ز ایران؛ ل: ز یسان؛ و: مرز توران؛ متن = ف، ل، س: ل (نیزق^۱، آ) ۲۲- ل، ق (نیزل، ل، آ): چونکه (ل: چونک) برخاستی؛ س، ل: ل (نیزل، پ، و، لن، آ، ب): چون بیازستی؛ (ق: چون تن آراستی)؛ متن = ف، س: ل ۲۳- س: ل: ز گیتی؛ س، ل: در اینجا سرنویس دارند. س: رزم کیخسرو با شیده افراسیاب و کشته شدن شیده؛ ل: نبرد کیخسرو با شیده

<p>۶۲۰</p> <p>ما خواستی، کس نبودی روا کنون آرزو کن یکی رزمگاه</p> <p>۶۲۵</p> <p>نهادند پیمان که از هر دو روی هم این‌ها^۵ که دارند با ما درفش برفتند هر دو ز لشکر به دور بیابان که آن از در رزم بود</p> <p>۶۳۰</p> <p>رسیدند جایی که شیر و پلنگ نپزید^۹ بر آسمانش عقاب نهادند آوردگاهی بزرگ سواران^{۱۲} چو شیران هخته زهار^{۱۳} بگشتند با نیزه‌های دراز نماند ایچ بر نیزه‌هاشان سنان به رومی عمود و به شمشیر و تیر^{۱۵} زمین شد ز خون^{۱۸} سواران سیاه چو شیده دل و زور خسرو بدید بدانست کان قره ایزدبست</p> <p>۶۳۵</p> <p>همان اسپش از تشنگی شد غمی</p>	<p>که پشت فرستادمی ناسزا به دیدار دور از^۲ میان سپاه</p> <p>به یاری نیاید کسی^۳ جنگ جوی^۴ ز بد روز ایشان نگردد بنفش چنان چون رود^۶ مرد شادان به سور بدانجایگه مرز^۷ خوارزم بود بدان^۸ شخ بی‌آب نهاد چنگ ازو بهره‌یی شخ و بهری سراب^{۱۰} دو اسپ و دو جنگی بسان دو گرگ^{۱۱} که باشند پُر خشم روز شکار، چو خورشید تابنده گشت از فراز، پُر از آب برگستوان و عنان^{۱۴} بگشتند یک با دگر^{۱۶} ناگیر^{۱۷} نگشتند سیر اندر آوردگاه^{۱۹} سرشکش ز مژگان^{۲۰} به رخ برچکید ازو بر تن خویش باید^{۲۱} گریست به زور سوار^{۲۲} اندرآمد کمی</p>
---	---

۱- ل: آرزوی ۲- ف: که خود دور باشد؛ س، ق، ل، س^۱ (نیز لن - ب): که باشد بدور (ل: بدید) از؛ متن = ل ۳- س: یکی ۴- ل، س، ل^۱ (نیز لن، پ، لن، ب): کینه جوی؛ متن = ف، ق، س^۲ (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۵- س، ل^۱ (نیز لن، ل - ب): ایشان؛ س^۱ (نیز پ): این را؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل)؛ ق این بیت را ندارد ۶- ل - س^۲ (نیز ل): شود؛ (ل، پ، و، آ: بود)؛ متن = ف (نیز ل، لن، ب) ۷- ق: ریگ؛ (لن، ق، ب: دشت) ۸- س، ل^۱ (نیز لن، ق، و، لن، ب): بران؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیز ل، ل، پ، آ) ۹- ف، س^۱ (نیز ق): نه پزید ۱۰- (لن: ویک بهره آب)؛ در س، ل، لن، ب لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۱- ل^۱ (نیز ل، پ، لن، ب): بکردار گرگ؛ (و: چو شیر سترگ؛ لغت دری، ص ۷۱: دو جنگی بکردار درنده گرگ)؛ متن = ف، ل، س، ق، س^۱ (نیز لن، ق، آ) ۱۲- ق، س^۱ (نیز ل، آ، لغت شهنامه، شماره ۲۷۵۰): سنوران ۱۳- ف، ل: بخته (= بخته) زهار؛ س (نیز ب): در کارزار؛ ق (نیز لن، ق): اخته زهار؛ س: اهخته زهار (!)؛ (پ: گشته نهار)؛ متن = ل^۱ (نیز ل، و، لن، آ، لغت شهنامه) ۱۴- س (نیز ب): بچپ باز بردند هر دو عنان ۱۵- ل - س^۱ (نیز ل، ل، لن، آ، ب): شمشیر تیز؛ (پ: به تیر و به تیغ)؛ متن = ف (نیز ق، و) ۱۶- ل، س، ق (نیز ل، پ، و): با یکدگر؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ق، ل، لن، آ، ب) ۱۷- ل: ناگیریز؛ س، ق، ل^۱ (نیز ل، ل، لن، آ، ب): بر (ل): با؛ لن: (پر) ستیز؛ س: بی‌گریز؛ (پ: بی‌دریغ)؛ متن = ف (نیز ق، و) ۱۸- س^۱ (نیز ل، آ): جوش؛ س، ل^۱ (نیز لن، ب): هوا شد ز گرد؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، ل، پ، و) ۱۹- ف: اندر آن رزمگاه؛ متن = ل، س، ل، س^۱ (نیز لن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ل: ز مژگان سرشکش ۲۱- ل: خواهد ۲۲- ل، س، ل^۱ (نیز ب، لن، ب): بنیروی مرد؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیز لن، ق، ل، و، آ)

چوزو تنگ^۱ شد با دل^۲ اندیشه کرد
 بیا تا به کُستی^۳ پیاده شوم
 پیاده نگردد که عار آیدش
 بدین چاره گر زو نیام^۴ رها
 ۶۴۰
 بدو گفت: شاها به تیغ و سنان
 پیاده به آید که جویم^۱ جنگ
 جهاندار^{۱۱} خسرو هم اندر زمان
 چُنین^{۱۲} گفت کین^{۱۳} شیر بازور^{۱۴} جنگ^{۱۴}
 ۶۴۵
 گر آسوده گردد سرافشان^{۱۶} کند
 اگر من پیاده نگردم به جنگ
 بدو گفت رُهام کای تاجور
 چو خسرو پیاده کند کارزار
 اگر پای بر خاک باید نهاد
 ۶۵۰
 که تا من شوم^{۲۳} پیش^{۲۴} او جنگ ساز^{۲۵}
 به رُهام گفت آن زمان شهریار
 چو شیده^{۲۸} دلاور ز تخم^{۲۹} پشنگ^{۳۰}
 ترا نیز با رزم او پای نیست

که گر شاه را گویم اندر نبرد،
 ز خوی هر دو آهارداده شوم،
 ز شاهی تن خویش خوار آیدش^۵
 شدم^۷ بی گمان در دم آژدها
 کند هر کسی جنگ و پیچد^۸ عنان
 بکردار شیران بیازم^{۱۰} جنگ^{۱۰}
 بدانست اندیشه‌نی بدگمان
 نبیره فریدون و پور پشنگ^{۱۵}،
 بسی شیردل را خروشان^{۱۷} کند
 بر^{۱۸} ایرانیان بر کند جای^{۱۹} تنگ^{۲۰}
 بدین کار ننگی مگردان^{۲۱} گهر^{۲۱}
 چه باید برین^{۲۲} دشت چندین سوار
 من از تخم گشواد دارم نژاد
 نه شاه جهاندار گردن فراز
 که ای مهربان پهلوان^{۲۶} سوار^{۲۷}،
 چنان دان که با تو نیاید به جنگ
 به^{۳۱} ترکان چنو^{۳۲} لشکر آرای نیست

۱- ل (نیزب): چو درماند؛ س: از او دور؛ ق: جنو تنگ؛ ل: (نیز و لن، ب): چوزو دور؛ س: (نیزآ): چو ترسیده: (ق): چوزان تنگ؛ ل: چو ترسیده؛ ل: (بدانندیش): متن = ف (ق، ل، ق) ۲- (لن: بدو تنگ دل شیده) ۳- ل- س: (نیزلن- ب): کشتی: متن = ف ۴- ف (نیزب، و): ز خون هر دو؛ س (نیزل): به (ل: ز) خون و خوی؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، لن، آ، ب) ۵- س بیت‌های ۶۳۹- ۶۴۱ را ندارد ۶- ق: نگردد ۷- ل: (نیزق، ل، پ، لن، آ، ب): شوم؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزلن، ل، و) ۸- ف: کسی و پیچد (!): متن = ل، ق، ل، س: (نیزلن- ب) ۹- ق: پیاده بیا تا بجویم ۱۰- ق: بگردان و شیران نمایم جنگ ۱۱- س: جهاندیده ۱۲- ل، س، ق، ل: (نیزلن- لن، ب): بدل؛ متن = ف، س: (نیزآ) ۱۳- س: پس ۱۴- ف، س، ق، ل: (نیزلن، ل، و، لن، ب): جنگ؛ س: (نیزق، آ): زور و جنگ؛ ل: شیر شرزه (حرف سوم با سه نقطه) بجنگ؛ متن = (ب) ۱۵- حرف یکم در ف، س، ل، س، لن، و، آبی نقطه، در ق، ل، لن، بایک نقطه و در پ، ب با سه نقطه؛ ق: بایرانیان برکند کار تنگ (۶۴۴- ب- ۶۴۶ را انداخته و از ۶۴۴ آ و ۶۴۶ ب یک بیت ساخته است) ۱۶- ل (نیزب): تن آسان ۱۷- ل (نیزل، ب): هراسان ۱۸- ل، ق (نیزلی): به ۱۹- ف: او کند جای؛ س: (نیزلی): برکنم روز (س: جای؛ ل: کار)؛ ق، ل: (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، ب): برکند (ب: افکند؛ لن، ب: او کند) کار؛ متن = ل (نیزآ) ۲۰- ل، س: (نیزلن، ق): ننگ ۲۱- س: هنر ۲۲- س، ق (نیزلن، ب، آ، ب): بدین؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیزو، لن) ۲۳- ل، ق (نیزلن، ل): همان تا شوم؛ ل: بتمان شوم (!): س: پیاده شوم؛ (ق): بدان تا شوم؛ ل: آ: کنون من شوم؛ و: شوم من کنون؛ لن: همی من شوم؛ متن = ف، س (نیزب، ب) ۲۴- ق: نزد ۲۵- س، ل، س: (نیزلن، ل، لن، ب): رزم ساز ۲۶- س: پهلوان مهربان ۲۷- ل: هوشیار؛ (ق): نامدار ۲۸- س، ل: (نیزلی): بشنگ؛ (و، لن، ب): پشنگ؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، ل، پ، آ) ۲۹- ف: پشت (ق)؛ متن = ل- س: (نیزق- ب) ۳۰- حرف یکم در ف، ل، ق، س: بی نقطه، در س، ل، ق، ل، بایک نقطه و در ل، ب با سه نقطه ۳۱- س، ل: (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ، ب): ز؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزل، و) ۳۲- ف (نیزو): چنان؛ (ق): چواو؛ متن = ل- س: (نیزهفت دستویس دیگر)

- یکی مرد جنگی فریدون نژاد
 نباشد مرا ننگ رفتن به جنگ ۶۵۵
- که چون او دلاور ز مادر نژاد
 پیاده بسازیم جنگی پلنگ
- و زان سو بر شیده شد ترهان
 جز از بازگشتن ترا رای نیست
 بهنگام کردن ز دشمن گریز
 بدان نامور ترهان شیده گفت
 چنان دان که تا من بیستم کمر
 بدین زور و این قره و^۱ دستبرد
 ولیکن ستودان مرا از گریز
 هم از گردش چرخ برنگذرم^{۱۲}
 گر ایدر مرا هوش بر دست اوست
 ندانم من^{۱۶} این زور و مردی ز چیست
 پیاده مگر دست یابم بر او^{۱۹} ۶۶۰
- که دوری گزین از بد بدگمان^۲
 چو^۳ با جنگی خسرو ترا پای نیست
 به از گشتن^۴ و جستن^۵ رستخیز^۶
 که آواز^۷ مردان نشاید نهفت
 همی برفرازم به خورشید سر،
 ندیدم بد آوردگه^۹ نیز^{۱۰} گرد
 به آید، چو گیرم به کاری^{۱۱} ستیز
 و گر^{۱۳} دیده‌ی آژدها بسپر^{۱۴}
 نه دشمن ز من^{۱۵} بازدارد، نه دوست
 بدین^{۱۷} نامور قره^{۱۸} ایزدبست
 به پیگار خون اندرآرم به جوی
- چنین گفت با شیده^{۲۰} شاه جهان
 ز تخم کیان بیگمان کس نبود
 ولیکن ترا گر چنین ست کام
- فرود آمد از اسپ شبرنگ شاه
 به رهام داد آن گرانمایه اسپ ۶۷۰
- که ای نامدار از نژاد میهان^{۲۱}
 که هرگز پیاده نبرد آزمود
 نیچم ز رای تو هرگز^{۲۲} لگام
- ز سر برگرفت آن کیانی کلاه
 پیاده بیامد چو^{۲۳} آذرگشپ

۱- ق: رزم ۲- ق بیت‌های ۶۵۶-۶۵۸ را ندارد ۳- ل (نیز، و، ب): که ۴- یا: گشتن؟ ۵- ف، ل: جستن و؛ ل: حستن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لن: کشتن؛ ل، آ: حستن؛ ل: شورش؛ و: حستن و) حرف یکم نقطه ندارد؛ ق: کشته و خسته و؛ متن = (پ) ۶- س (نیز): به از با تن خویش کردن ستیز؛ س^۱ (نیز لن): به آید چو گیرم بکاری ستیز (= ۶۶۲ ب) ۷- ف، س: که او را ز(?)؛ ل (نیز ق، ل، پ، آ): که آورد؛ س: که او را (!)؛ ق: که او آرزو؛ ل: که مردی؛ متن = ل (نیز لن، و؛ لن، ب: س، ق) ۸- س (نیز ق، پ، و، ب): فرو این ۹- ل- س^۱ (نیز لن- ب): باوردگه؛ متن = ف ۱۰- (ل، پ، و؛ هیچ) ۱۱- س: بچستن؛ س این بیت را ندارد ۱۲- س، ل (نیز، آ، ب): برنگذرم ۱۳- س، ل: اگر ۱۴- س، ل (نیز، آ، ب): بسپریم ۱۵- س (نیز، آ): مرا؛ ل (نیز، و): کسی؛ س: زما ۱۶- س، ل (نیز ق، پ، و؛ لن، ب): بدانستم؛ س (نیز): ندانم که؛ (لن: بدانم من)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، آ) ۱۷- ل، س^۱ (نیز، پ، ب): برین؛ (لن، و؛ بران) ۱۸- ل (نیز، لن، آ، ب): قره ۱۹- ل- س^۱ (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب): بدوی؛ متن = ف (نیز، و) ۲۰- ل (نیز): بشیده چنین گفت ۲۱- س (نیز، و): کیان ۲۲- س، ل (نیز لن، آ، ب): ز (س: به) کام تو هرگز نیچم ۲۳- ف: پیاده بیام چو (!)؛ س، ق، ل، س^۱ (نیز لن- ب): بیامد (ق): پیاده؛ ل: برآمد (بکر دار؛ متن = ل- ف، ق)

پیاده چو از دور دیدش ^۱ پشنگ ^۲ به هامون چو پیلان برآویختند چو شیده بدید آن بر و زور ^۶ شاه همی جست ^۷ کاید مگر زو رها چُن ^۹ آگاه شد خسرو از رای ^{۱۰} او گرفتش به چپ گردن و راست ران ^{۱۲} همه مهری پشت او همچو ^{۱۴} نی یکی تیغ تیز از میان برکشید برو ^{۱۶} کرد جوشن همه چاک چاک به زهام گفت این بد ناهمال ^{۱۷} پس از کشتنش ^{۱۸} مهربانی کنید سرش ^{۱۹} را به دبق ^{۲۰} و به مشک ^{۲۱} و گلاب به گردنش بر ^{۲۴} طوق زرین ^{۲۵} نهید نگه کرد پس ترجمانش ز راه که با خون از آن ^{۲۶} ریگ ^{۲۷} برداشتند	فرود آمد از اسپ ^۳ جنگی نهنگ ^۴ همه ^۵ خاک با خون برآمیختند همان ایزدی قر و آن دستگاه، که چون سر بشد، تن ندارد ^۸ بها و زان پستگردنده آوای ^{۱۱} او، برآورد و زد بر زمین ناگهان ^{۱۳} شد از درد ریزان و بگست پی ^{۱۵} سراسر دل نامور بردرید همی ریخت بر تارگ از درد خاک دلیر و سبک سر، مرا بود خال یکی دخه ی خسروانی کنید بشوید ^{۲۲} و تن را ^{۲۳} به کافور ناب گله بر سرش عنبر آگین نهید بدید آن تن نامبردارشاه سوی لشکر شاه ^{۲۸} بگذاشتند
---	---

۱- س، ل^۲ (نیز لن، ل^۱، ب)؛ چو از دور دیدش پیاده
 بی نقطه و در لن، ل^۲، ب با سه نقطه ۳- ل: باره ۴- ل، س (نیز ل^۳): پلنگ ۵- ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن- ل^۲، و- ب)؛ همی؛
 متن = ف، س^۶ (نیز پ) ۶- ل، س، ل^۲ (نیز ل، ل^۲، پ، ل^۱، ب)؛ برز؛ (و: یال؛ لن: یل برز)؛ متن = ف، ق، س^۷ (نیز ق^۲، آ) ۷-
 س^۸ (نیز ل، ل^۲): خواست ۸- ل، ق (نیز ل^۲): نیارد؛ س، ل^۲ (نیز لن، ل^۱، ب)؛ دلا چاره گر خود کی آرد (س: نیارد)؛ (ق^۱): که خون سر
 تن ندارد؛ و: دل و جان مگر زین نیارد)؛ متن = ف، س^۹ (نیز ل، ب، آ) ۹- ل- س^{۱۰} (نیز لن- ب)؛ چو؛ متن = ف ۱۰- س (نیز لن،
 ل^۱، ب)؛ راز ۱۱- ل، ق: زور و آن برز بالای؛ س (نیز لن، پ، و، ل^۱، ب)؛ بایر (و: لن^۱، ب: ناب) آورده آواز (پ: و: آوای)؛ (ق^۱، ل،
 آ: پست گردیده آوای؛ ل^۲: تیز گردنده آوای)؛ متن = ف، س^{۱۲} (ق^۱، ل، ل^۲، آ)؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ س، لن پس از این بیت سه بیت و
 س^{۱۳}، ل، پ، لن^۱، ب تنها بیت های دوم و سوم را افزوده اند:

ز سر تا پایش بازید چنگ	چو خسرو چنان دید دل کرد ننگ
بزد دست کیخسرو نامدار	بزور جهان آفرین کردگار
زند دست و گور اندر آرد (س: آید) بر	بکردار شیری که برگور نر

۱۲- ل- س^{۱۳} (نیز ل- لن^۱، ب)؛ پشت؛ (ق^۱): دست؛ لن: پشت راست)؛ متن = ف (نیز آ) ۱۳- ل، س، ل^۲ (نیز و، لن^۱، ب)؛ زمین بر
 درشت؛ ق (نیز آ)؛ زمینش درست (آپاوند ندارد)؛ س^{۱۴}؛ زمین درشت؛ (لن: زمین بر چو خواست؛ ق^۲: زمین بر درست؛ ل، ل^۲، ب: زمینش
 درشت)؛ متن = ف ۱۴- ق، س^{۱۵}؛ پشت برسان ۱۵- ق: پر از درد ریزان و بشکست پی؛ (ق^۱): بشد خرد و از تنش بگست
 پی) ۱۶- س: برون؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، ق (نیز ل، آ)؛ بدسگال؛ (لن: بی همال؛ ل^۲: بدهمال)؛ متن = ف، س، ل^۱، س^۲
 (نیز پ، و: لن^۱، ب)؛ بنداری؛ و قال لرهاد: إن هذا الفارس الخفيف الرأس كان خالی ۱۸- (ل، و: آ: مردنش؛ ب: رفتنش) ۱۹-
 ل: تنش ۲۰- ف، س^۲ (نیز ق^۲): دبق؛ ل، ق (نیز ل، پ، و)؛ مشک؛ س، ل^۲ (نیز آ)؛ دق (حرف دود نقطه ندارد)؛ متن = لن، ل^۲،
 ب) ۲۱- ل: عبیر؛ ق (نیز ل، و: لن^۲): بدبق (در و: لن^۲ حرف سود نقطه ندارد)؛ متن = ف، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۱، ل^۲، آ،
 ب) ۲۲- ق: بیوشید ۲۳- ل: بشوید مغزش ۲۴- س^۲: بگردن برش ۲۵- ل، ق (نیز ق^۱، ل، ل^۲)؛ مشکین؛ متن = ف،
 س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، پ- ب) ۲۶- س (نیز پ)؛ که تا چون از آن: (ق^۱): که با خوشش از) ۲۷- ف، ق، س^۲ (نیز ق^۱، ل، ل^۲، ب،
 آ)؛ خاک؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، و: لن^۱، ب) ۲۸- ف، ق (نیز ق^۱، ل، ل^۲، آ)؛ خویش؛ متن = ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، پ، و: لن^۱،
 ب)؛ بنداری؛ فبدر حامل رایة شیده الی الملک

بیامد خروشان بنزدیک شاه
یکی بنده بودم من او را روان^۲
به من بر ببخشای شاهها به مهر
بدو گفت شاه: آنچه^۴ دیدی ز من
۶۹۰

دو چشم همه نامداران^۷ به راه
سوار می شد بر آن^{۱۰} ریگ نرم
برآورد پوشیده^{۱۱} راز از نهفت
جهاندار^{۱۴} گشت از جهان ناامید
۶۹۵
به سر برپراگند ریگی روان
رخ شاه ترکان هر آنکس که دید
خروشی برآمد میان^{۱۸} سپاه
چنین گفت با موبد^{۱۹} افراسیاب
مرا اندرین سوگ یاری کنید

۱- س (نیزلن): پرهیز؛ (ق: با گهر)؛ ق: دادگر نامور ۲- ل، س، ل (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): نوان؛ ق، س (نیزق، ل، پ، و):
دوان؛ متن = ف ۳- ف: سوارم اگر؛ ل- س (نیزلن- ب): سواری ونه؛ متن = ف پس از تصحیح سوارم به سوارم ۴- ق، ل:
آنچه ۵- ف، س: بیازو (جتازو)؛ ل، س (نیزلن، ق، پ- ب): نیا را؛ ل: بیاور (جتازو)؛ متن = ق (نیزل)؛ بتداری: بلغ الی
افراسیاب ما جری علی ولده ۶- س: اندرین؛ ل پس از بیت ۶۹۰ افزوده است:

زمین را ببوسید و کرد آفرین
وزان دشت کیخسرو کینه جوی
خروشی برآمد ز ایران سپاه
بیامد هم آنگاه گودرز و گیو
۵ همه بوسه دادند پیش زمین
س، ق، ل پس از بیت ۶۹۰ افزوده اند:

بشد شاه و بردشت کرد آفرین
بدان بخت بیدار و فرخ زمین
۷- ل: وزان روی ترکان؛ س، ل، س (نیزلن- ب): دل و دیده نامداران؛ متن = ف، ق ۸- ل- س: ز؛ متن = ف ۹- ل: بشد
ترجمان بر؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن- ب) ۱۰- س: بدان؛ ل پس از این بیت افزوده است:

بیامد بنزدیک افراسیاب
دل از درد خمسته دو دیده پرآب
۱۱- ف (نیزو): برشیده (؟)؛ متن = ل- س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۲- ل: همی ۱۳- س، س (نیزلن، لی، پ، و، آ):
توران ۱۴- س، ل (نیزلن، لن): سپهدار ۱۵- ل (نیزلن): ریش ۱۶- س، ل (نیزلن، لن، ب): ببرد ۱۷- ق:
همی ۱۸- ق: همی از؛ س، ل، س (نیزلن، ق، لی، و، لن، آ، ب): بد اندر؛ متن = ف (نیزب)؛ ل این بیت را ندارد ۱۹- س، ل:
(نیزلن، پ، لن، ب): مویه؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، لی، و، آ): موبد- مویه؟ ۲۰- ف: سر؛ متن = ل- س (نیزلن-
ب) ۲۱- ق (نیزلن، لی): یام؛ (ل: گیرم)؛ ل- س، ل، لی، ل پس از این بیت افزوده اند:

مگر کین آن پور باز آورم
سپه را بدین دست (رزم) ساز آورم
ف، ق، ل، پ- ب این بیت را ندارند ۲۲- ل- س (نیزلن، ق، لن، ب): همه؛ متن = ف (نیزلی، آ)؛ ل پس از این بیت، بیت ۶۹۷
دوباره آمده است

۷۰۰	نبیند سر تیغ ما را نیام بیندیم ^۲ دامن یک اندر دگر ز مردم شمر باز ^۳ دام و دده مباد اندر آن دیده در آب شرم ^۴ از آن ماه دیدار ^۵ جنگی سوار
۷۰۵	همی ریخت از دیده خونین سرشک همه نامداران پاسخ گزار ^۱ که این دادگر بر تو آسان کناد ^{۱۱} ز ما نیز یک تن نمازد درنگ سپه را همه دل خروشان کنیم
۷۱۰	ز خسرو بُد پیش ما نیز ^{۱۶} چیز سپه دل شکسته پر از درد ^{۱۸} شاه
	نه هرگز بوم زین سپس ^۱ شاد کام نمانیم ^۲ از ^۳ ایران زمین بود بر ^۴ دل ^۵ کو نباشد به درد آزده که از درد ما نیست پُر خون گرم از آن سرو بُن بر لب جویبار ز دردی که درمان نداند بزشک زبان برگشادند بر شهریار بداندیش را دل ^{۱۲} هراسان کناد ^{۱۱} شب و روز بر مرگ ^{۱۳} و کین پشنگ ^{۱۴} بر ^{۱۵} آورد گه بر سرافشان کنیم کنون کینه بر کینه بفرود ^{۱۷} نیز خروشان و جوشان همه رزمگاه ^{۱۹}

گفتار اندر رزم دوم کیخسرو با افراسیاب^۲

ز هامون برآمد خروش چکاوا ^{۲۱} ، همان ناله‌ی بوق ^{۲۳} با گره‌نای ^{۲۴} بیاورد جهن از در کارزار	چو خورشید برزد سر از برج گاو تیره برآمد ز هر دو سرای ^{۲۲} ز گردان شمشیرزن ده هزار ^{۲۵}
---	--

۱- س (نیز ب): سخن ۲- ق: بنیدید ۳- ل: نمانیم ۴- ف: زه: متن = س، ق، ل، س ۵- س (نیز لن، و، لن، ب): ایران بر (لن: سر؛ و: بی) و بود و بر (!): ل این بیت را ندارد ۶- ف، ل: (نیز ل، ب): شماریا زه: ل: شمار از (در بالا به ضبط متن تصحیح کرده است): س: شمار از: س: (نیز ل، ب، و، آ): شمر گرز: (لن: شمر تا ز): ق: نه مرده شمیرا زه: (ق: نه مرده بمانم نه): متن = (لن) ۷- (ب: کسی) ۸- ف (نیز ق): دیده‌ی (ق: دیده) آب شرم: ل، س، ق (نیز لن، ل، ب): مبادا در آن (ل، س، ل، و، آ: بدان) دیده در آب (ل، و، ب: آب و) شرم: متن = ل، س ۹- ل، س: دیدار و: ل این بیت را ندارد ۱۰- ف: گذار: متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۱- س، ل: کند ۱۲- س: دل بدسگالان: (لن، ب: دل بدسگالت) ۱۳- ل- س: (نیز لن- ب): درد: متن = ف ۱۴- حرف یکم در ف، ل، س، لن، و، لن، آ: بی نقطه، در ق، س، ق: با یک نقطه و در ل، ل، ب، ب با سه نقطه است ۱۵- ق، ل: (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب): به ۱۶- ل (نیز ب): پیش ازین کینه: س، ق، س: (نیز لن، ل، لن، آ، ب): پیش مانند: (ل: پیش مانده: ق: زیران و هومان نید مانده): متن = ف، ل ۱۷- ل (نیز لن): کین بفرود ۱۸- ل: شد از بهر ۱۹- ق: کینه‌گاه ۲۰- ف: گفتار اندر رزم دوم کیخسرو با افراسیاب برزایلا و استقیلا فرزندانگان افراسیاب بر دست کیخسرو: ل: رزم کیخسرو با افراسیاب و هزمت ترکان: س: جنگ اول شاه کیخسرو با افراسیاب: ق: گفتار در نبرد ایرانیان و تورانیان: ل: جنگ ترکان با ایرانیان: متن = آغاز ف ۲۱- حرف یکم در همه دستویس‌ها با یک نقطه: (نیز ← لغت دری، ص ۲۰۷) ۲۲- س، ل: (نیز لن، ب): ز پرده سرای ۲۳- س (نیز لن، ب، پ): کوس: س: بوق و ۲۴- ف، ل: کرنای ۲۵- ل، س، ق (نیز لن، ق): سی هزار: (ل: صد هزار): متن = ف، ل، س: (نیز ل- ب): س، س، ل، لن، ل: پس از بیت ۷۱۴ سه بیت، ل، ل، لن: تنها بیت یکم. ب تنها بیت یکم و سوم، ف، آ: تنها بیت دوم و ق: تنها بیت دهم و سوم را افزوده‌اند:

سواران ترکان کمانها بچنگ
بیامد جهانجوی جنگی بچنگ (س: نهنگ)
چو آمد (ف: چن آمد؛ س، لن: بیامد) جهانجوی (ف، س، آ: جهان سوز) جنگی برون
زبان پر ز دشنام و دل پر ز خون
اباده (لن، ق: سی) هزار آزموده سوار
بزرگان چین از در کارزار
ل، ق، ل، ب، و هیچیک از این بیت‌ها را ندارند

تو دانی اگر^۱ من ستم دیده‌ام
 مکافات کن^۲ بدگنش را به خون
 و زآنجا بگه با دلی پُر ز غم^۳
 بیامد خروشان به قلب سپاه ۷۳۵
 خروش آمد و ناله‌ی گاودُم
 و زآن روی لشکر بکردار کوه
 سپاهی بکردار دریای آب
 چو هر دو سپاه اندر آمد ز جای
 سیه شد ز گرد سپاه^{۱۲} آفتاب ۷۴۰
 ز بس ناله‌ی بوق و بانگ^{۱۴} سپاه
 همی آب گشت آهن و کوه و سنگ^{۱۶}
 زمین پُر ز جوش و^{۱۷} هوا پُر خروش
 جهان سربسر گفתי آهر من است^{۱۹}
 به هر جای بر توده بر^{۲۱} کوه کوه ۷۴۵
 همه ریگ ارمان^{۲۳} سرو دست و پای
 همه بوم^{۲۶} شد زیر نعل اندرون
 و زآن پس دلیران افراسیاب
 به صندوق^{۲۸} پیلان نهادند روی

بسی روز بد را پسندیده‌ام
 تو باش این^۲ ستم دیده را رهنمون
 پُر از کین سر^۵ از تخمه‌ی^۶ زادشم^۷،
 به سر بر نهاد آن^۸ خجسته کلاه
 دم نمای سرغین^۹ و رویینه خُم
 برفتند جوشان گروه‌ها گروه
 به قلب اندرون جَهن و^{۱۰} افراسیاب
 تو گفתי که دارد در و دشت پای^{۱۱}
 ز پیکان پولاد^{۱۳} و پَر عقاب
 ز گرد سپاه اندر آن^{۱۵} رزمگاه،
 به دریا ننگ و به هامون پلنگ
 هزبر^{۱۸} ژیان را بدرید گوش
 و گر آسمان بر زمین دشمن است^{۲۰}
 ز گردان ایران^{۲۲} و توران گروه
 ز می^{۲۴} را همی دل بر آمد ز جای^{۲۵}
 چو کرباس آهار داده به خون^{۲۷}
 برفتند برسان کشتی بر آب
 کجا ناوک انداز بود^{۲۹} اندروی

۱- ل: کز و؛ (ل، پ: که گر)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ درس^۲ بیت های ۷۳۲ و ۷۳۴ پس و پیش شده اند ۲- ق: بدان ۳- ل، ق (نیز ق، ل، پ، و): باشی؛ متن = ف، س، ل، س^۴ (نیز لن، لی، لن، آ، ب) ۴- س^۵ (نیز ق، آ): درد ۵- ق (نیز ق، آ، و): دل ۶- ف: کینه؛ متن = ل، س^۷ (نیز لن، ب) ۷- س^۸ (نیز ق، آ): سرو (دل و) لب پر از باد سرد ۸- ق (نیز ل، آ): بر نهاده ۹- ل، س^۹ (نیز لن، ب، ل، آ، پ): روین؛ (و: هندی)؛ متن = ف ۱۰- س: گرد ۱۱- ل: مگردست و پای ۱۲- س، ق، س^{۱۲} (نیز لن، ب، ل، آ، پ): سپه؛ متن = ف، ل، ل (نیز و، ب) ۱۳- ل، س، ل^{۱۳} (نیز لن، پ، و، لن، ب): الماس؛ متن = ف، ق، س^{۱۴} (نیز ق، لی، ل، آ، آ) ۱۴- ل (نیز لی، پ): گرد ۱۵- ل (نیز پ): زبانگ سواران در آن ۱۶- ل، س، ل^{۱۶} (نیز ق، لی، و): کوه سنگ؛ متن = ف، س^{۱۷} (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل: [و] ۱۸- (لن، لی، ب: هزبر) ۱۹- ل: از آهنست؛ (ق، و: اهریمن است)؛ متن = ف، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰- ل، س^{۲۰} (نیز لن، لن، آ، ب): بدامن بر از آستی (ل، لن، ب: آستین) دشمن (ل: جوشن) است (رزم بازده رخ، بیت ۲۸۴)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، آ، و، آ، لی، ویا؛ ق: با زمین)؛ س^{۲۱} بیت های ۷۴۴ و ۷۴۵ را ندارد ۲۱- ل، س، ل^{۲۱} (نیز لن، ق، ل، آ، ب، ل، آ، ب): چون؛ متن = ف، ق (نیز لی، و) ۲۲- س: ز ترکان و گردان ۲۳- س: ریگ و آمو ۲۴- ل، س، س^{۲۴} (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، لن، ب): زمین؛ متن = ف ۲۵- ل: برفتند برسان کشتی بر آب (۷۴۶ ب-۷۴۸ آ را انداخته و از ۷۴۶ آ و ۷۴۸ ب یک بیت ساخته است)؛ ق بیت های ۷۴۶ و ۷۴۷ را ندارد ۲۶- (ق، لغت شهنامه، شماره ۹۴: ریگ) ۲۷- نیز لغت دری، ص ۱۰۶ ۲۸- ل: بصندوق و ۲۹- ف: بد؛ درس^{۲۹} بیت های ۷۴۹-۷۵۷ در هم ریخته اند: ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹

<p>برآورده از پیل و بر بسته راه^۲ برآمد خروشیدن داروگیر هم از قلب لشکر سپاهی گران بدان لشکر و جنگِ صندوق و پیل^۷ جهان تیره شد^۸، روشنایی نماند چه دارید بر خویشتن کار^{۱۲} تنگ؟ سپاهست بیکار^{۱۵} بر چند میل سوی میمنه میسره برکشید^{۱۶} رود^{۱۷} با تگینان^{۱۸} لشکر ز^{۱۹} جای همه مرد مردانه در^{۲۲} کارزار بشد تیز با نامداران^{۲۵} گرد^{۲۵} که^{۲۷} خورشید گشت از جهان ناپدید، که بودند شیران^{۲۹} پرخاشجوی بتابید^{۳۰} چون آفتاب از بره همه رزمجوی و همه نامدار^{۳۱} که از نامداران^{۳۱} ایران سپاه،</p>	<p>حصاری بُد از پیش قلب^۱ سپاه ز^۲ صندوق^۲ پیلان^۲ بیارید^۵ تیر برفتند پیلان^۶ و^۶ نیزه‌وران نگه کرد افراسیاب از دو میل همه^۸ زنده پیلان^۹ و^۹ لشکر براند ۷۵۵ خروشید کای نامداران^{۱۱} جنگ همه مانده بر^{۱۳} پیش صندوق^{۱۴} پیل ز قلب و ز صندوق برتر کشید بفرمود تا جهن رزم آزمای برد ده هزار^{۲۰} آزموده سوار^{۲۱} سوی^{۲۳} میسره شیر جنگی^{۲۴} گبرد^{۲۴} چو کیخسرو آن زور^{۲۶} ترکان بدید سوی آوهی و سمگان^{۲۸} کرد روی بفرمود تا بر سوی میسره برفتند با نامور ده هزار ۷۶۵ به شمشاخ^{۳۲} سوری بفرمود شاه</p>
--	--

۱- ل: از پیل پیش؛ (لی، آ، آن (ج) از) پیش قلب؛ ل، ل، ل: از قلب پیش؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیزلن، ق، ب، و، ب) ۲- ف، س (نیزلی، ب): بر بسته (ج) بر بسته راه؛ ل: بر قلب و بر بسته راه؛ ق (نیزل): پیلان و بر بسته راه؛ (ق: از پیل در پیش شاه)؛ متن = ل، ل، س: (نیزلن، ب، و، ل، ن) ۳- س: نه ۴- س: صندوق و ۵- ل: گشادند ۶- ل: گردان؛ س: پیلان؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ب) ۷- ق (نیزآ): صندوق پیل؛ ل، ل، س: (نیزق، ل، ل، ل، ن): جنگ و صندوق و پیل؛ ل (نیزلن): لشکر جنگ و صندوق پیل؛ (و، ب: لشکر جنگ (و: گشتن) و صندوق و پیل)؛ متن = ف، س (نیزب) ۸- س: همان؛ (لی، آ: سبک) ۹- ف (نیزلی، و): [و]؛ (ل، آ، ز): متن = ل، س، ق، س: (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ب) ۱۰- س: جهان دیده را ۱۱- س: پهلوانان ۱۲- ل، ل، س: (نیزلن، ل، ل، و، ب): جای؛ متن = ف (نیزب) ۱۳- ل: مانند بر؛ ق: همه مانده ابر؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیزلن، ب) ۱۴- ل (نیزلن، ب): صندوق و؛ (ق: پیل صندوق و؛ ل: پشت صندوق و؛ گرد صندوق) ۱۵- ل (نیزآ): بسار ۱۶- دل، ق، ب، و: آلت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ف این بیت را ندارد ۱۷- س (نیزلن، ب): شود ۱۸- س (نیزلن، ب): بزرگان؛ ق: نقیبان؛ ل (نیزق، ل، ب، آ): نگهبان؛ (لن: دستان)؛ متن = ف، ل، س: (نیزل، و، لغت شهنشاه، شماره ۶۷۰) ۱۹- س: به ۲۰- ل: دو هزار ۲۱- س: از گزیده سوار ۲۲- ل، س، ل، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب، پ): همه نیزه دار (س: مردمان)؛ و: نامدار) از در؛ ق: سوی بسته از در؛ متن = ف ۲۳- ل: بر ۲۴- ل: طبرد؛ ل (نیزب): نبرد؛ س: (نیزلی، آ): طورد؛ (ل: طورک)؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، ل، و، ل، ب) ۲۵- (ل: چو کرک)؛ ق: بیت های ۷۶۰-۷۶۴ را ندارد؛ س: پس از این بیت افزوده است؛ همه ده هزار از گزیده سوار همه رزمجوی و همه کینه دار

۲۶- ل، ل، ل (نیزلن، ب، ل، ل، ب): رزه؛ (لی، ل، آ: جنگ)؛ متن = ف (نیزو) ۲۷- س: جو؛ س: این بیت را ندارد ۲۸- س (نیزب): سمکان؛ ل: و سمکان؛ (لی، آ: سهمکان؛ لن: و همکان)؛ س: کاه و شمکان؛ (ق: قارن کاوران)؛ و: لشکر و سمکان؛ ب: بجوی سمکانسان؛ متن = ف، ل ۲۹- س: گرگان؛ (لن، ب، ب: گردان) ۳۰- ل، ل، س، ل، ل، س: (نیزلن، ل، ل، ب، آ): بتابند؛ (ق: برفتند)؛ متن = ف (نیزلی، و، ل، آ) ۳۱- (و: نیزه دار)؛ ل، س، ل (نیزلی، ب، ل، ب): زره دار یا گزیده گاو سار (= ۷۶۶ ب)؛ (لن: جوانان گرد از در کارزار؛ ل: همه نیزه داران خنجر گزار)؛ متن = ف، س (نیزق) ۳۲- ل: شمشاخ

زره‌دار با گره‌ی گاوسار ^۲ مبیند کس را، سر اندرکشید چنان شد که گفتی برآمیختند ز پرخاش خون اندرآمد به جوی جهاندار خفتانِ جنگی ^۴ بخواست جهان شد بکردار دریای نیل منوشان و خوزان ^۸ لشکرپناه ^۹ به یک دستِ خسرو سپهدارطوس، همه پهلوانانِ زرینه‌کفش، چپ شاهِ ایران ^{۱۱} بیاراستند ^{۱۲} بزرگانِ ایران ^{۱۳} و آزادگان، زرسپ و منوشان ^{۱۵} فرخنده‌رای نبیند برآن ^{۱۶} گونه کس کارزار پی ^{۱۷} را ندیدند بر خاکِ راه ^{۱۸} کسی را کجا روز برگشته بود یکی بی سر و دیگری سرنگون ز بانگِ تیره همی ^{۲۰} برگذشت زمی ^{۲۱} با سوارانِ پیردهمی جرنگیدن ^{۲۳} گرزهای گران همی جست خورشید راهِ گریز	گزین کن ز جنگاوران ^۱ ده‌هزار میان دو صف تیغ‌ها برکشید دو لشکر بدینسان ^۳ برآویختند چکاچاک برخاست از هر دو روی چو برخاست گرد از چپ و دست راست به یکسو کشیدند صندوق و ^۵ پیل بجنید ^۶ با رستم از قلب شاه ^۷ برآمد خروشیدن بوق و کوس بیاراست با ^{۱۰} کاویانی درفش؛ به درد دل از جای برخاستند جهاندیده‌گودرز کشوادگان بودند ^{۱۴} بر دستِ رستم به پای برآمد ز آوردگه گیرودار ز بس کشته بر دشتِ آوردگاه همه ریگ پُر خسته و کُشته بود بیابان بکردار جیحون ز ^{۱۹} خون خروش سواران و اسپان ز دشت دل کوه گفتی بدردهمی سر بی‌تنان و تن بی‌سران ^{۲۲} درخشیدن خنجر و تیغ ^{۲۴} تیز	۷۷۰ ۷۷۵ ۷۸۰ ۷۸۵
--	---	--

۱- ف، ق: ناماوران؛ متن = ل، س، ل، س، ل، س، ل، س (نیز ق^۲ - ب) ۲- ل: سواران گرد اذر کارزار؛ ق: هم رزمجوی و هم نامدار (= ۷۶۴ ب)؛
 ل^۱ (نیز ل، لن، ل، ب): جوانان گرد اذر کارزار؛ (ب: هم رزمجویان نیزه گزار)؛ متن = ف، س (نیز ق^۲، ل، و، آ) ۳- ل- س (نیز لن،
 ق^۲): برانسان؛ (ل^۲: بدانسان؛ پ، آ: برینسان)؛ متن = ف (نیز ل، و، لن، ل، ب) ۴- ل: رومی ۵- ل، ق (نیز لن، ل، ل، آ):
 [و] ۶- ل: برفتند ۷- ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، ق، ل، ل، پ، لن، ب): قلبگاه؛ متن = ف، س (نیز و، آ) ۸- ل: حوزان؛ ل^۱:
 خوزان؛ س^۲: جوران؛ متن = ف، س، ق (نیز لن - ب) ۹- (ل، آ: زرین کلاه) ۱۰- ل: یاراسته ۱۱- ل: لشکر؛ ق: و لشکر؛
 متن ← ۱۲- (ق^۲): چپ لشکر شاه آراستند؛ ل^۳: چپ شاه را یکسر آراستند؛ متن = ف، س، ل، س، ل، س (نیز لن، ل، ب - پ) ۱۳-
 ل، س، ل^۱ (نیز لن، پ، لن، ل، ب): بسیار؛ ق، س (نیز ق^۲، ل، ل، و، آ): بیدار؛ متن = ف ۱۴- ف: برفتند؛ متن = ل - س (نیز لن -
 ب) ۱۵- س (نیز لن، ب): منوشان و خوزان ۱۶- ق: از آن؛ (ل، ل، آ: بدان)؛ ل، س، ل^۱ (نیز لن، پ، ب): ندیدند از (ل: ز) آن؛
 متن = ف، س (نیز ق^۲) ۱۷- ل^۲: همی؛ (لن، لن، ل، ب: تنی؛ ل: کسی؛ ل^۳: یکی)؛ متن ← ۱۸- ل، ق: همی راندند اسب بر
 کشته‌گاه (ق: راه)؛ متن = ف، س، س (نیز ق^۲، پ، آ)؛ درل، ق، ل، پ، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۹- ل^۱: به؛
 (لن: دریای) ۲۰- س: [همی] (وزن ندارد) ۲۱- ل- س (نیز لن - ب): زمین؛ متن = ف ۲۲- س: سر
 بی‌تنان (!) ۲۳- ق، س (نیز ق^۲، ل، ل، آ): گرائیدن؛ متن = ف، ل، س، ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن، ل، ب) ۲۴- س: درخشیدن تیغ و
 زوبین

تو گفتی که ابری برآمد سیاه
 خرنجاس^۲ بر میسر^۳ شد تباہ
 به دست منوچهر بر میمنه^۵
 یکی باد از ایران^{۱۰} سوی^{۱۱} نیمروز
 ۷۹۰ بپوشید و روی زمین^{۱۲} تیره گشت^{۱۳}
 بدانگه که شد چشمه سوی نشیب
 ز جوش سواران هر کشوری
 دگرگونه جوشن، دگرگون درفش
 نگه کرد کرسیوز از پشت شاه
 سپاهی فرستاد بر میمنه
 ۷۹۵ سوی میسر^{۱۴} همچین لشکری
 سواران شمشیرزن چل هزار^{۲۱}
 چو کرسیوز از پشت لشکر برفت
 برادر چو روی برادر بدید
 ۸۰۰ برآمد ز لشکر ده و دار و گیر
 چو خورشید را پشت باریک شد
 فریبنده کرسیوز پهلوان
 که اکنون ز گردان که جوید نبرد
 سپه بازکش چون شب آمد مکوش
 بیارید خون اندر آوردگاه^۱
 به دست^۴ فریبرز کاوس شاه
 گهیلا^۶ که صد^۷ شیر بد^۸ یک تنه^۹
 برآمد، رج هور گیتی، فروز،
 همان^{۱۴} دیده از تیرگی^{۱۵} خیره گشت^{۱۳}
 دل شاه ترکان^{۱۶} بخت^{۱۷} از نهب
 ز هر مرز و هر بوم و هر مهتری^{۱۸}،
 جهانی شده سرخ و زرد و بنفش
 به جنگ اندر آورد یکسر سپاه
 گرانمایه و^{۱۹} یک دل و یک تنه
 پراکنده بر هر سوی^{۲۰} مهتری
 گزیده ز ترکان خنجرگزار^{۲۲}
 به پیش برادر خرامید^{۲۳} تفت
 بنیرو شد و لشکر اندرکشید
 بپوشید روی هوا پر^{۲۴} تیر
 ز دیدار شب روز تاریک شد،
 بیامد به پیش برادر نوان،
 زمین پر ز خون و هوا^{۲۵} پر ز گرد^{۲۶}
 که اکنون برآید ز ترکان^{۲۷} خروش

۱- س، ق، ل (نیز، ل، ل، ل، ل، آ، ب): اندر آن رزمگاه؛ متن = ف، ل، س (نیز، ق، ب، و)؛ درل بیت های ۷۸۶-۷۸۹ درهم ریخته اند:
 ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۸۶-۲- ل (نیز، ل، ل): جرنجاس؛ س، ل، س، ل، س (نیز، ل، آ): جرنجاس؛ ق: جرنجاس؛ ل: خرزواش؛ ب:
 خرنجاش؛ ب: جرنجاش؛ متن = ف، ق (نیز) ۳- ل، ق (نیز، ل، ل، و، آ): میمنه؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ل، ل، پ، ل، ل،
 ب) ۴- ق: ز زخم ۵- س، ق (نیز، ل، ل، آ): میسر ۶- (پ: کهیلان) ۷- ف، س (نیز، و): خود؛ ل: بد؛
 متن = ل، س، ق (نیز هشت دستویس دیگر) ۸- س (نیز، ل، پ، ل، ب): پیل بد؛ ل: صد دل و؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز، ل، ل،
 ل، و، آ) ۹- ق (نیز، ل، ل، ل، آ): یکسر ۱۰- ل، س، ل، س (نیز، ل، ل، پ، ل، ب): باد و ابری؛ متن = ف، ق (نیز، ل،
 ل، و، آ) ۱۱- ق (نیز، ل، آ): گه ۱۲- ل، س، ل، س (نیز، ل، ب): زمین؛ متن = ف، ق ۱۳- س: کرد ۱۴- ل (نیز
 ل، ل، آ): همی؛ (ل: همه) ۱۵- ل: تیره گی ۱۶- س: توران ۱۷- در بیشتر دستویس ها روشن نیست که بخت است یا
 بخت، نخت، نخت؛ متن = ف، س ۱۸- ق: لشکری؛ ل پس از این بیت افزوده است:

سواران شمشیرزن سی هزار گزیده سواران خنجرگزار

۱۹- ق: هم؛ ل (نیز، آ): گرانمایگان ۲۰- ف، ل: سری؛ س، ل، س (سوی؛ متن = ق ۲۱- ل (نیز، ب): جنگاوران سی (پ:
 چل) هزار ۲۲- ف: گذار؛ ل (نیز، ب): گزیده همه از در کارزار؛ س، ق، ل، س (نیز، ل، ق، ل، و، ل، ب) گزیده (و: گزین) بزرگان
 خنجرگزار؛ متن = (ل، آ؛ ف) ۲۳- ل، ق، س (نیز، ل، ل، آ): خرامید و ۲۴- ل، س (نیز، ل، و، آ): هوا را به؛ (ل: هوا
 پرز)؛ متن = (نیز، ل، ب) ۲۵- ل (نیز، ل، پ): خون آسمان ۲۶- ق (نیز، ل، آ): لاجورد ۲۷- ل (نیز، ل، آ): ز
 ترکان برآید

- ۸۰۵ تو در جنگ باشی، سپه در گریز
دل شاه ترکان پر از خشم^۱ و جوش
برانگیخت اسپ از میان سپاه
از ایرانیان چند نامی بگشت^۲
دو شاه^۳ دو کشور چنان^۴ کینه دار
ندیدند کرسیوز و جهن روی
۸۱۰ عیناش گرفتند و برتافتند
چُن^۵ او بازگشت استقیلا چو گرد
همان شاه ایلاک^۶ جنگی پلنگ
کجا هر سه نامی سواران^۷ بدند
چُن^۸ آن دید شاه از میان گروه
۸۱۵ بزد نیزه‌یی، استقیلا^۹ گرد
دمان شاه ایلاک^{۱۰} پیش سپاه
بُند کارگر نیزه بر جوشنش
چو خسرو دل و زور او را بدید
۸۲۰ بزد بر میانش به دو نیم کرد
سبک بُرزایلا^{۱۱} چُن^{۱۲} آن زخم شاه
- مکن با تن خویش چندین ستیز!
ز تندی نبودش^۱ به گفتار گوش
بیامد دمان با درفش سپاه^۲
چو خسرو بدید اندرآمد به پشت
برفتند با خوارمایه سوار
که او پیش خسرو شود جنگ جوی^۳
بر آن^۴ ریگ آموی بشتافتند
بیامد که با شاه جوید نبرد
دگر بُرزایلا سواران^۵ جنگ
جفایشه و نامداران^۶ بدند
برانگیخت اسپ اندرآمد چو کوه
ز زین برگرفت و^۷ زمین را سپرد
یکی نیزه زد بر کمرگاه^۸ شاه
نه ترس آمد اندر دل روشنش
سبک تیغ تیز از میان برکشید
دل بُرزایلا^۹ پر از بیم کرد
بدید آن دل و زور^{۱۰} و آن دستگاه،

۱- (ق، ل، آ، و: جنگ؛ لی، آ: درد) ۲- ف: که بودش؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن- ب) ۳- س (نیزلن، لن، آ، ب): بیامد بجنگ اندرون (س: بجنگ اندرآمد همه) کینه خواه ۴- ف: تایی بجست؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن- ب) ۵- ل: شاه و ۶- س، ق (نیز ق، آ، لی، آ، ب): چنین ۷- ل: رزمجوی؛ س، ق، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، لی، و، لن، آ): کینه حوی؛ متن = ف، س^۱ (نیزل، آ، ب) ۸- ل، ق (نیزق، آ، لی، آ، پ، آ): سوی؛ س (نیزلن، و، لن، آ، ب): بدان؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ ۹- س، ق، ل^۱ (نیزلن- ل، و- ب): چو؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیزب) ۱۰- س: ایلا چو؛ (ل: ایلان و؛ پ: ایلان)؛ س، ل^۱ (نیزلن، لن، آ): دمان (ل: دما) شان ویلا چو؛ (ق: بران نیز ایلا؛ ب: دمان شد سهیلا چو)؛ متن = ف (نیزلی، و، آ) ۱۱- س، ل^۱ (نیزلن، لن، آ، ب): برز ویلا چو پیلان (س: شیران)؛ (لی، آ: پور ایلا سرافراز؛ ل: پور ایلا سواران؛ ب: برز ایلان سواران)؛ متن = ف، س^۱ (نیزق، آ، و)؛ ل، ق بیت های ۸۱۳-۸۱۶ را ندارند ۱۲- ف: که هر چند نامی سواران؛ س: که هر دو سوار از بخارا؛ ل^۱ (نیزلن، ب) که هر سه (ب: دو) سواران سوارا (لن: سواران)؛ (ق، آ، لی، پ، و، آ): که هر چار نامی (پ: توران؛ آ: جنگی) سواران؛ ل: کجا هر سه یاران سواران)؛ متن = س^۱ (ل- آ) ۱۳- س، ل^۱ (نیزلن، ب): بی مدارا؛ (ل: کینه داران؛ لی، آ: جهانجوی و از نامداران)؛ متن = ف، س^۱ (نیزق، آ، پ، و) ۱۴- س، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، لی، و، آ، ب): چو؛ متن = ف، س^۱ (نیزل^۲) ۱۵- س (نیزلی): نیزه بر استقیلا چو؛ ل، آ، س^۱ (نیزلن، ق، آ، پ، و، آ، ب): نیزه (ل، لن، ب: نعره) بر استقیلا؛ (ل: نیزه بر اسب ایلا؛ ب: متن = ف ۱۶- س، ل^۱ (نیزلن، پ، آ، ب): برگرفتش؛ متن = ف، س^۱ (نیزق، آ، لی، آ، و) ۱۷- ف، س^۱: ایلا به: س: ویلا به؛ (ق، آ، پ: ایلان به؛ ل: باز ایلان به؛ آ: پور ایلا به؛ ب: برز ویلا به)؛ ق: دمان اندرآمد ز؛ ل: دماسان ویلا به؛ (لن، لی: دماشان و ویلا به)؛ متن = (و- بیت ۸۱۳) ۱۸- س، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب): کمر بستند؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیزل^۲) ۱۹- س، ل^۱ (نیزلن، لی، لن، آ، ب): برز ویلا؛ ق: نامداران؛ (پ: برز ایلان؛ آ: شاه ایلاک)؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیزق، آ، و) ۲۰- س، ل^۱ (نیز لن، لن، آ، ب): پور ایلا؛ (ل: پور ایلان؛ پ: برز ایلان؛ آ: پور ایلا)؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیزق، آ، لی، و) ۲۱- ل- س^۱ (نیزلن- ب): چو؛ متن = ف ۲۲- س: دست

<p>همی پوست بر تنش گفتی بگفت بر^۲ آوردگه بر نماند ایچ گرد کجا پشت خویش او^۴ بدیشان نمود^۵ بفرمود تا^۷ بانگ^۸ برداشتند، مرا بازگشتن ز جنگ^{۱۰} شبست^{۱۱} ترا جُست و^{۱۳} شادی ترا^{۱۴} در گشاد، درفشِ دل افروزِ ما را بین! ز خورشیدِ تابانِ ثریا^{۱۷} کنیم به لشکرگه خویش گشتند^{۱۹} باز</p>	<p>به تاریکی اندر گریزان برفت سپه چون بدیدند ازو^۱ دستبرد بر افراسیاب آن^۳ سَخُن مرگ بود چُن^۶ آوردگه خوار بگذاشتند که این شیرمردی ز رنگ^۹ شبست گر ایدونک امروز یک راه^{۱۲} باد چو روشن شود رودبار و زمین^{۱۵} همه روی صحرا^{۱۶} چو دریا کنیم دو شاه^{۱۸} دو کشور چنان رزمساز</p>	<p>۸۲۵</p> <p>۸۳۰</p>
---	---	-----------------------

گفتار اندر پیروز شدن شاه کیخسرو بر افراسیاب^{۲۰}

<p>سپهر از^{۲۲} بر گوی^{۲۳} ساکن^{۲۴} بگشت، سپه را همه ترگ و جوشن بداد</p>	<p>چو نیمی^{۲۱} ز تیره شب اندرگذشت سپهدارِ توران^{۲۵} بُنه بر نهاد</p>
--	--

۱- ل: زو؛ ل: بدیدند آن ۲- ل، س، ق (نیزلی، ل، و): به؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، ق، پ، ل، آ، ب) ۳- س (نیزلی، ق، ب): این ۴- ل (نیزو): خود را؛ متن ← ۵- س (نیزل): جوشن برایشان (ل: بیاید) نمود؛ س، ل (نیزلی، ب): کجا کار ناساز و بی برگ بود؛ (ل، آ: که بایست پشتش بخسرو نمود؛ پ: کجا خویشش را بدیشان نمود)؛ متن = ف (نیزق): ق، ل، این بیت را ندارند؛ ل، س، ل، س (نیزلی - ب) پس از این بیت افزوده اند:

ل، پ، و: ز تورانیان او (پ، و: ز توران سواران) چو آگاه شد

تو گفستی برو روز (و: عمر) کوتاه شد

س، ل، ل، ل، ق، ل، ل، ل، ل، آ، ب:

ز توران سواران (ل: سواران توران) چو آگاه شدند

بجمله (س: یکایک) همه دست (س: تو گفستی برو عمر؛ ق: تو گفستی که از روز)

کوتاه شدند (ل، آ: همه نامداران به بی ره شدند؛ ل: ز شادی بدل جمله گفته شدند)

ف، ق این بیت را ندارند ۶- ل - س (نیزلی - ب): چو؛ متن = ف ۷- س: همه مهتران ۸- ف: باک (ببانگ)؛ متن = ل - س (نیزلی - ب) ۹- ف: برنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: ز رنگ؛ ق: ز جنگ؛ س (نیزلی): ز رنگ (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ل (نیزلی، ق، ل، پ، آ، ب) ۱۰- ل: ز رنگ؛ س: ز رنگ (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ق: ز رنگ؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، ق، ل، پ - ب) ۱۱- (ل: که لشکر ز کیخسرو اندر نیست)؛ بنداری: و امر منادیه آن بقول: إنما ننصرف لهجوم الظلام، و سترون صنیعنا بکه فی غد ۱۲- ل (نیزب): بار؛ (ل: باره؛ ق، و: روز)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلی، ل، ل، آ، ب) ۱۳- ف (نیزق)، ل (ل: [و]؛ متن = ل - س (نیزلی، ل، پ - ب) ۱۴- ق: شادیت را؛ (آ: از خرمی) ۱۵- س: روی ما را بین (پساوند ندارد)؛ ل: روز در ما بین؛ س (نیزق، ل، پ، ل، آ، ب): روز ما را بین؛ (ل: روز گردد زمین؛ ل: روز گاران بین؛ و: روز در ما بین)؛ ل، ق (نیزلی، آ): کند روز روی زمین؛ متن = ف ۱۶- ل - س (نیزق، ل، پ - ب): ایران؛ (ل، ل: هامون)؛ متن = ف ۱۷- س (نیزب): ز بالای بدخواه پهنای ۱۸- ل: شاه و ۱۹- ل، س، ق، ل (نیزلی، ق، ل، ل، ل، آ، ب): رفتند؛ متن = ف، س (نیزب، و) ۲۰- ف: پیروز شدن شاه کیخسرو بر افراسیاب و بهزیمت شدن او بچین و ماچین بزمین ترکستان؛ س، س: هزیمت شدن افراسیاب از شاه کیخسرو؛ ق: گفتار در هزیمت افراسیاب از جنگ کیخسرو؛ س: بهزیمت شدن افراسیاب؛ متن ← ف ۲۱- ق: پاسی ۲۲- ل: سپهدار (سپه از) ۲۳- ل، س، ق (نیزلی، ق، ل، آ، پ، ل، ل): کوه (بگویی)؛ (ل، آ: چرخ؛ و: خاک)؛ متن = ف، ل، س (نیزب) ۲۴- (ل، آ: گردان؛ ل: تیره؛ پ: نیمی؛ و: چندی؛ ل: لختی)؛ متن = ف - س (نیزلی، ق، آ، ب): ساکن (ق) ۲۵- ل (نیزلی): ترکان

- ۸۳۵ طلایه بفرمود تا ده هزار
چنین گفت با لشکر افراسیاب
دُمادُم شها از پسم بگذرید
شب تیره با لشکر افراسیاب
همه روی کشور به بی‌راه و راه
سپیده چُنْ از باختر^۸ بردمید
بیامد به مژده^{۱۰} بر شهریار
همه دشت خیمه‌ست^{۱۲} و پرده‌سرای
چو بشنید خسرو دوان شد به خاک
همی‌گفت کای^{۱۶} روشن کردگار
تو دادی مرا فَرّ و دیهم و زور
ز نیکی ستمگاره را دور دار^{۱۹}
- ۸۴۰ بود تُرک^۱ بَرگُستوان و ر سوار
که من چون^۲ گذریام از رود^۳ آب،
به جیحون و زورق^۴ زمان^۵ مشمرید
گذر کرد از آموی و بگذاشت^۶ آب
سرپرده و خیمه بُد بی‌سپاه
طلایه سپه را به هامون ندید^۹،
که پرداخته شد شه از^{۱۱} کارزار
ز دشمن سُواری نینم^{۱۳} به جای
ستایش‌کنان^{۱۴} پیش بزدان^{۱۵} پاک
جهاندار و بیدار و^{۱۷} پروردگار،
تو کردی دل و چشم^{۱۷} بدخواه کور
ز بيمش همه ساله رنجور دار^{۱۹}
- ۸۴۵ چو خورشید زرین سپر برگرفت
جهاندار بنشست بر تختِ عاج
نیایش‌کنان پیش او شد سپاه
شد این^{۲۶} لشکر از خواسته بی‌نیاز
همی‌گفت هر کس که اینت فسوس
شب تیره از^{۲۸} دشت^{۲۹} آزادگان^{۳۰}
- ۸۵۰ شب آن^{۲۰} شعر پیروزه بر^{۲۱} سر گرفت،
به سر بر نهاد آن^{۲۲} دلارای^{۲۳} تاج
که جاوید بادی^{۲۴} سزاوار^{۲۵} گاه
که از لشکر شاه چین ماند باز
که او رفت با لشکر و بوق و کوس^{۲۷}
بشد^{۳۱} نامداری چُنْین رایگان

۱- (و، ب: ترک و)؛ س (نیزب): برد ترک و ۲- س، ق، ل، (نیزلن، ل، و، لن، ب): که چون من ۳- س: جوی؛ س (نیزل، و): روی؛ (لن، ب: رود و)؛ ف بیت‌های ۸۳۴ و ۸۳۵ را ندارد، ولی در ترجمه بنداری هست: ولما أظلم الليل أركب عشرة آلاف من الفرسان على رسم لطلیعة و قال: اذا علمت منی بعبور الماء فبادروا العبور ورائی ۴- س: رود و؛ ق: دوید و؛ ل، س (نیزلن، لن، ب): روز و؛ (ق، و، آ: روید و)؛ متن = ل (نیزب) ۵- ل (نیزب): شبان ۶- س (نیزلن): بگذشت از ۷- ل، س (نیزلن، ب): چو؛ متن = ف ۸- س، ل (نیزلن، لن، ب): از کوه سر؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، و، آ) ۹- س: کشید ۱۰- س: بمژده بیامد ۱۱- ل، س (نیزلن، ب): که پرداخته شد شاه ازین (ل: زین؛ ق، ل: از)؛ متن = ف ۱۲- س، ل (نیزلن، لن، ب): همه خیمه بینیم؛ متن ← ۱۳- س، ل (نیزلن، لن، ب): نمانده؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، و، آ) ۱۴- ل (نیزق، لن، ب): نیایش‌کنان ۱۵- س، ل (نیزب): دادار ۱۶- ل: ای ۱۷- ق: [و]؛ (ق: دانا و)؛ س (نیزلن، لن، ب): جهاندار دادار ۱۸- س، ل (نیزلن، لن، ب): جان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، و، آ) ۱۹- ل: کن؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ف: از (ج: آن)؛ متن = ل، س (نیزلن، ب) ۲۱- ق: از؛ س (نیزلن، ق، ل، آ، ب): در؛ س (نیزلن): چادر شعر در؛ متن = ف، ل، ل (نیزل، و) ۲۲- ل: نهاده ۲۳- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب، ل، س، آ، ب): دل افسوز؛ متن = ف، س (نیزل، و) ۲۴- ل، ل، ل (نیزلن، ب): بساد این؛ س: بساد آن؛ ق: بساد؛ متن = ف (نیزلن، ق، ل، ل، و، آ) ۲۵- ق: سرافراز ۲۶- س: آن ۲۷- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل، س (نیزلن، ب) ۲۸- س: در ۲۹- ل، س (نیزلن، ق، ل، و): دست؛ متن = ف (نیزل، ب، ل، آ، ب) ۳۰- ل: پرمایگان؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ب) ۳۱- ف: شده؛ متن = ل، س (نیزلن، ب)

بدیشان چُنین گُفت بیدار شاه
 چو دشمن بود شاه را، گُشته به
 چو پیروزگر دادمان^۲ قرهی
 ز گیتی ستایش مرو را^۵ کنید
 ۸۵۵ که آنرا که خواهد کند شوربخت^۸
 برین^{۱۰} پرسش و جنبش و^{۱۱} رای نیست
 بیاشم برین^{۱۳} رزمگه پنج روز
 برآید^{۱۵}، برانیم^{۱۶} از ایدر^{۱۷} سپاه
 بدین^{۱۹} پنج روز اندر آن^{۲۰} رزمگاه
 ۸۶۰ بشستند ایرانیان را ز گرد

که ای نامداران ایران سپاه،
 گر آواره از پیش^۱ برگشته به
 بزرگتی و دیهم^۲ و شاهنشهی،
 شب آمد^۶ نیایش مرو را^۷ کنید
 یکی بی هنر برنشاند^۹ به تخت
 که با داد^{۱۲} او بنده را پای نیست
 ششم روز هر مزد^{۱۴} گیتی فروز،
 که او کین فزایست و ما^{۱۸} کینه خواه
 همی^{۲۱} گُشته جُستند از^{۲۲} ایران سپاه
 سزاوار آن گُشتگان^{۲۳} دَخه کرد

گفتار اندر نامه فرستادن شاه کیخسرو بنزدیک کیکاوس^{۲۴}

بفرمود تا پیش او شد^{۲۵} دبیر
 نبشتند^{۲۶} نامه به کاوس شاه
 سر نامه کرد از نخست آفرین^{۲۸}
 بیاورد قرطاس و مُشک و عیر
 چنان چون سزا بود از آن^{۲۷} رزمگاه
 ستایش سزای جهان آفرین^{۲۹}

۱- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، ب): جنگ؛ متن = ف، س (نیزل، آ)؛ ل پس از این بیت افزوده است:
 یکی کارکرد جهانست این

کنون روز نزد مهانست بین (!)

۲- ف: دان زمان (دادمان)؛ متن = ل - س (نیزلن - ب) ۳- ل، س، ق، ل (نیزق، و، آ، ب): [و؛ متن = ف، ل (نیزلن، لن) ۴- ق: ز ۵- س، ل (نیزلن، ل، لن، ب): مرو را ستایش؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزلی، پ، و، آ) ۶- ل، ق، ل (نیزل، ل، لن، ب): آید؛ متن ← ۷- ق، ل (نیزل، لن، ب): مرو را نیایش؛ س (نیزب): شب و روز او را نیایش؛ س: شب اندر نیایش هم او را؛ (لن: شب در مرو را نیایش)؛ متن = ف (نیزب، و) ۸- س (نیزب): نیکبخت ۹- ف، ل (نیزلن، لن، ب): برنشاند؛ متن = ل، س، ق، س (نیزق، و، آ، ب) ۱۰- ل (نیزل، ب): ازین؛ س، ق، ل، س (نیزلن، ق، و، لن، آ، ب): بدین؛ متن = ف ۱۱- س: جستش؛ س (نیزق): کوشش و؛ (لن: جستت؛ و: کوشم؛ ب: جستن و)؛ ل، ق (نیزب): کوشش و پرشست؛ (ل: کوشش و جوریر؛ لن: جنبش و پرشش و)؛ متن = ف، ل (نیزآ) ۱۲- س: رای؛ (ق: حکم) ۱۳- ل - س (نیزلن - ب): بدین؛ متن = ف ۱۴- (ق: در بزم) ۱۵- ف: بهشم؛ س، ل، س (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب): بهشم؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل، آ) ۱۶- ف: برانم؛ متن = ل - س (نیزلن - ب) ۱۷- ل: زاید ۱۸- س، ل (نیزلن، و، لن، ب): من؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ل، ل، ب، آ) ۱۹- س (نیزق، ل، ل، آ): بدان؛ س: برین ۲۰- ف: اندرون (!)؛ ل، ل، ل، س (نیزل، و، لن، ب): اندرین؛ متن = س، ق (نیزلن، ق، ل، آ) ۲۱- ق: همه ۲۲- ف: ز ۲۳- ل، ق (نیزق، ل، ل، و، آ): هریک یکی؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، پ، لن، ب) ۲۴- ف (چند بیت پایین تر): گفتار اندر نامه فرستادن شاه کیخسرو با اسیران و خواسته بنزدیک شاه کیکاوس و رفتن بر آن سوی جیحون؛ ل: فتح نامه کیخسرو بکیکاوس؛ س، ق، ل، س: نامه شاه کیخسرو بکاوس شاه (س، س): بفروری؛ ق: پیروزی؛ متن = آغاز ف ۲۵- س: تارفت پیشش ۲۶- ل (نیزب، و، آ): نوشتند؛ س: نویسد؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، ل، ل، لن، ب) ۲۷- ل: زان؛ س: سزاوار آن؛ ق این بیت را ندارد ۲۸- س، ل (نیزلن، ل، لن، ب): آفرین خدای؛ س (نیزق): آفرین از نخست؛ متن ← ۲۹- س، ل (نیزلن، ل، لن، ب): ستایش مر (لن، لن، آ: هم) او را مورهنمای؛ س (نیزق): بران کوجهان از بدیا بست؛ (ل: که اویست بر نیک و بد رهنمای)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، پ، و، آ)

- دگر گفت: شاه آن جهانبان^۱ من
 ۸۶۵ بزرگیش با کوه^۲ پیوسته باد!
 رسیدم از^۵ ایران به ریگ^۶ قَرَب
 شمارِ سوارانِ افراسیاب
 بریده چو^۸ سیصد سرِ نامدار
 برادر بُد و خویش و پیوند اوی^{۱۰}
 ۸۷۰ وُزین^{۱۲} نامدارانِ گردان^{۱۳} دویست
 همه رزم^{۱۴} بر دشتِ خوارزم باد^{۱۵}
 برفت او و ما از پس اندر^{۱۸} دمان
 نهادند بر نامه مَهری^{۲۰} ز مُشک
 برین^{۲۳} رزمگاه^{۲۴} آفرین باد - گفت -
 ۸۷۵ چو زان روی جیحون شد افراسیاب
 سپه در^{۲۶} سپاه قراخان رسید
 سپهدار ترکان^{۳۰} چه مایه گریست
 ز بهر گرانمایه فرزندِ اوی^{۳۳}
 پدروار لرزنده^۲ بر جان من
 دلِ بدسیگالان او^۴ خسته باد!
 سه جنگ گران کرده شد در سه^{۱۷} شب
 نیند خردمند هرگز به خواب
 فرستادم اینک بر^۱ شهریار
 گرامی^{۱۱} بزرگان و فرزند اوی^{۱۰}
 که صد شیر با جنگ هریک یکیست
 ز چرخ آفرین بر چُنان^{۱۶} رزم^{۱۷} باد^{۱۵}
 گذشتیم^{۱۹}، تا بر چه گردد زمان
 از آن پس گذر کرد بر^{۲۱} ریگ^{۲۲} خشک
 همه ساله با اختر نیک جفت
 چو باد دمان تیز بگذاشت^{۲۵} آب
 همی گفت هر کس^{۲۷} به^{۲۸} جنگ آنچه^{۲۹} دید
 بر آنکس که از تخمه وی^{۳۱} نریست^{۳۲}
 بزرگان و خویشان و پیوند اوی^{۳۳}

۱- ل، ق (نیزلن، ق، ل، ل، و، آ): شاه جهانبان؛ س: شاه ای جهانبان؛ متن = ف، س، ل (نیزب، لن، ب) ۲- ف: لرزنده؛ ل، س: (نیزلن): لرزنده (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ق: اورنده؛ آ: ارزنده)؛ متن = س، ق، ل (نیزلی- لن، ب) ۳- (ق: هر روز؛ پ: همواره) ۴- ف: وی؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۵- ف: به؛ ل، ق، ل، س (نیزآ، ب): ز؛ متن = س (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن) ۶- (لن: بکوه) ۷- س: دو ۸- س: دو ۹- (ق: سوی) ۱۰- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، س ۱۱- (ق: گزین) ۱۲- ل، س، س (نیزب): وزان؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن- آ) ۱۳- ل، س، ق، ل (نیزلن- لن، ب): بسته؛ س: ویسه؛ (لی، آ: بسته)؛ متن = ف ۱۴- ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، ب): جنگ؛ متن = ل، ق (نیزلی، ب، آ) ۱۵- ل، ل (نیزلی، ل، ب، آ، ب): بود؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلن، ق، و، لن) ۱۶- ق، س: چنین ۱۷- ف (نیز ق): مرز (پساوند ندارند)؛ متن = ل- س (نیزلن، ل- ب) ۱۸- س: او ۱۹- ل، ق: کشیدیم؛ (ق: برفتم؛ و: بتازیم)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزهفت دستویس دیگر) ۲۰- س: بر مهر نامه ۲۱- ف: از آن؛ متن = ل، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، ب) ۲۲- ق: که عنوان شد از باد؛ درل، ق، ل، ل، ب، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن = ف، س، ل، س، ل، ق، و، لن، ب) ۲۳- س: بدان؛ ق، ل، س (نیزلن، ل، ل، آ، ب): بدین؛ (لن: بران)؛ متن = ف، ل (نیزق، ب، و) ۲۴- ف، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، لن، ب): رزمگه؛ متن = ل، س (نیزلی، ب، و، آ) ۲۵- (لن: بگذشت از)؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۶- ل، ق (نیزلی، ب، آ): به پیش؛ ل: سپه را در (وزن ندارد)؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، ب) ۲۷- (ق: و، هریک) ۲۸- ل، ق، س (نیزق، ل، ب، و، آ): ز؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، لن، ب) ۲۹- ق، ل، س: آنچه ۳۰- س: توران ۳۱- ل، ق، س (نیزق- آ): او؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ب) ۳۲- ل (نیزلی، ب- ب): نریست؛ ق، ل (نیزلن، ق): نریست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، س، س ۳۳- ف، س (نیزب): او؛ ل، ق (نیزق، ل، و، آ): خویش؛ متن = ل، س (نیزلن، ل، ب، لن)

<p>برفتند از آن روی^۱ بیهشت کنگ^۲ یکی کنگ بود از نژاد^۳ بهشت بدان^۵ جایگه شاد و خندان بخت^۶ سپه خواند^۸ از هر سوی^۱ بی کران^{۱۰} می و گلشن و بانگ چنگ و ریاب همی بود تا بر که^{۱۴} گردد جهان^{۱۵} چو کیخسرو آمد بدین^{۱۷} روی آب سپه چون گذر کرد^{۱۸} از آن^{۱۹} سوی^{۲۰} رود که زین^{۲۲} آمدن کس مدارید باک گرامیایه گنجی به درویش داد و زان سو^{۲۴} بیامد سوی مرز سفد^{۲۵} بیخشید گنجی بدان^{۲۸} شهر نیز به هر منزلی زینهار سوار و زان^{۲۹} پس چن^{۳۰} آگاهی آمد به شاه که آمد بنزدیک او یک دله^{۳۲} که از تخم تورست پُرکین و درد^{۳۵}</p>	<p>به جایی نبودش فراوان درنگ گیلش مُشک سارا^۴ بُد و زر خشت تو گفتی که با ایمنی بود^۷ جفت بزرگانِ گردنکش و مهتران^{۱۱} گل و سنبل^{۱۲} و رطل و^{۱۳} افراسیاب برین^{۱۶} آشکارا چه دارد نهان ازو دور شد خورد و آرام و خواب فرستاد هر کس به هر سو^{۲۱} درود بخواهید ما را ز یزدانِ پاک کسی را کزو شاد شد^{۲۳} بیش داد یکی نوجهان دید آرام^{۲۶} جغد^{۲۷} همی خواست کاباد گردد به چیز همی آمدندی بر شهریار ز گردان^{۳۱} افراسیاب و سپاه، ابا لشکری چون^{۳۳} هزبر^{۳۴} یله، بجویدهمی^{۳۶} روزگار نبرد^{۳۷}،</p>
--	---

۱- ل (نیز لن، لن، ب)؛ سوی؛ (ق: سو؛ و: جای)؛ متن ← ۲- ل، ق (نیز لی، پ، آ): از (ل: ز) آجایگه سوی کنگ؛ متن = ف، س ۳- س، ل (نیز لن، ق، و، لن، ب): آن بسان؛ ل، ق (نیز لی، ل، پ، آ): شهر (ل: جای) بود آن (پ: بودش) بسان؛ س: که شهری بود آن بسان؛ متن = ف ۴- س: خارا ۵- ف: بران؛ متن ← ۶- ف: بکفت (ق)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۷- ل (نیز ق، لی، و، آ): گشت؛ درس^۱ پس از این بیت، بیت های ۸۹۳ و ۸۹۴ آمده اند ۸- ق: خواست ۹- س، ل، س: سوی میوه؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، پ) ۱۰- س: بی درنگ ۱۱- س: بزرگان و گردنکشان را بچنگ ۱۲- س، ق، ل (نیز ق، لی، لن، آ، ب): مجلس؛ (و: میوه)؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، پ) ۱۳- ل، س، ل، س (نیز لی، ل، پ، لن، آ): [و؛ متن = ف، ق (نیز ق، ب) ۱۴- ل، س، ق، س (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب): چه؛ متن = ف، ل (نیز ق، لی، آ) ۱۵- س: زمان ۱۶- ل، ق، س (نیز لن، ل، پ، و): بدین؛ س (نیز آ): بران؛ (ق، لی: بدان)؛ متن = ف، ل (نیز لن، ب)؛ ق، س (نیز آ) در اینجا سرنویس دارند: رفتن کیخسرو از عقب (س: بی) افراسیاب بتوران زمین ۱۷- ل، ل (نیز ق، لن): برین؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب) ۱۸- س (نیز ب): فرستاد؛ (لی، آ: چو خسرو گذر کرد) ۱۹- ل: زان ۲۰- س (نیز لن): روی ۲۱- ل، ق (نیز و): از (ل: ز) آن پس بهر کس؛ س (نیز لن، لی، لن، آ، ب): از آن سو بهر کس؛ ل: نزد بزرگان؛ (ل، پ: هر سو بهر کس)؛ متن = ف، س ۲۲- ل- س (نیز لن- ب): کزین؛ متن = ف ۲۳- ل، س، ل (نیز لن- ب): بد؛ متن = ف، ق، س ۲۴- ل (نیز ق): جا؛ س، س (نیز آ): پس؛ متن = ف (نیز ل، پ، آ) ۲۵- (ل: بمرز خزر)؛ بنداری: ولما وصل الی المغد ۲۶- ل (نیز ب): رسته ز؛ متن = ف، س، س (نیز ق، لی، ل، آ) ۲۷- (ل: خور)؛ ق، ل، لن، و، لن، ب این بیت را ندارند ۲۸- ل- س (نیز لن، ق، لی، پ، لن، آ، ب): بران؛ متن = ف (نیز ل، و) ۲۹- ل: از آن ۳۰- ل- س (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف ۳۱- ل (نیز لی، پ، و، آ): ز کنگ وز؛ ل (نیز لن، ب): ز کردار؛ س: ز گردان؛ (ق: ز دز کنگ)؛ متن = ف، س، ق (نیز لن) ۳۲- ل: کلکله؛ س، ل (نیز لن، ق، لی، و، لن، آ، ب): کاکله؛ ق (نیز ل): باکله؛ متن = ف، س (نیز ب) ۳۳- س: سپاهی بسان ۳۴- (لی، لن، ب: هزبر) ۳۵- س: پردرد و کین ۳۶- ق (نیز لی، و، آ): مگر ۳۷- س: روزگاران کین (!)

فرستاد بهری ز گردان به چاج^۱
 سپاهی به سوی بیابان بزرگ^۲
 پذیرفت ازین^۳ هر یکی^۴ جنگ شاه
 جهاندار کیخسرو آن خوار داشت
 سپاهی که از بردع و اردبیل^۵
 بیایند و بر^۶ پیش او بگذرند
 برفتند و سالارشان گشته^۷
 همان^۸ گفت تا^۹ لشکر نیمروز
 بفرمود تا بر هیوان^{۱۰} مست
 به سفندرون بود یک ماه شاه
 سپه را درم داد و آسوده^{۱۱} کرد
 هر آنکس که بود از در کارزار
 بیاورد و با خویشن یار کرد
 و ز آجایگه گردن افراخته
 ز سفد و^{۱۲} کشانی سپه برگرفت
 خبر شد به ترکان^{۱۳} که آمد سپاه
 همه سوی دزها نهادند روی

بجوید^{۱۴} همی تخت ایران^{۱۵} و تاج،
 فرستاد^{۱۶}، سالار ایشان طورگ^{۱۷}،
 که بر نامداران ببندند راه،
 خرد را بر^{۱۸} اندیشه سالار داشت
 بیامد، بفرمود تا خیل خیل،
 رد و موبد و مرزبان بشمرند
 که در جنگ شیران نبودی دژم
 برفتند با رستم نیوسوز
 نشینند^{۱۹} و گیرند اسپان به دست
 همه سفد شد شاه را نیک خواه
 همی جست هنگام روز نبرد
 بدانست نیرنگ بند و^{۲۰} حصار،
 سر بدگشش پُر ز تیمار کرد^{۲۱}
 کمر بسته و جنگ را ساخته،
 جهانی بدو^{۲۲} مانده اندر شگفت
 جهانجوی کیخسرو نیک خواه
 جهان شد پر از جنبش و گفت و گوی^{۲۳}

۱- ف-س (نیزلی-ب، ل، آ، ب): چاج؛ متن = (و) ۲- ل: که جوید ۳- ل (نیزلی، ب): ترکان؛ ق: گردان ۴- ل: سترک ۵- س، ق، ل، س (نیزلی، ب، ل، س): فرستاد و ۶- س (نیزب): طبرک ۷- ل: زین؛ (ق): از؛ ل، آ: از آن ۸- س (نیزق): کسی؛ ق بیت های ۹۱۴ و ۹۱۵ را ندارد ۹- ل، س (نیزلی): به ۱۰- ل (ن: اردویل) ۱۱- ق، ل، س (نیزلی، ل، ب، آ): در؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، و، ل، ب) ۱۲- س (نیزق): همی ۱۳- ف، ل، س (نیزو): تا (نقطه ندارد): س (نیزق، ل، ب): بیا؛ متن = ق، ل (نیزلن، ب) ۱۴- ف، س: نشینند (!)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلن-ب)؛ س، س، ق، ل، آ پس از این بیت افزوده اند:

بران واژگونه (باشگونه) دو لشکر دهان
 برفتنند آن هر دو زیبای تاج
 ۱۵- س: خشود ۱۶- ل، س، ق، ل (نیزلن): نیرنگ و بند؛ ل: نزدیک بند (!)؛ (ق، ل، و): که دانست بند و گشاد؛ متن = ف (نیزلن): بند و حصار (بند حصار؟) ۱۷- س پس از این بیت افزوده است:

همه از خود و شمشیر و سرگسوان
 ببخشید بر لشکرش بی شمار
 چو آسوده شد زان بشادی نشست
 پرستنده هر روز صد جنگ زن
 5 شب و روز چون مجلس آراستی
 بیاورد لشکر ز بهر نبرد

۱۸- ل-س (نیزلن، ب، ل، آ، ب): [و]؛ متن = ف (نیزق، ل، و، آ) ۱۹- ل: درو ۲۰- ق: توران ۲۱- ل: گفت گوی:
 ق، ل: گفتگوی؛ (ق، و): بهرجا (و: دز) که بودی یکی ناجوی؛ ل، آ: فتاد اندر آن بوم و بر گفت و گوی

نه دز ماند آباد و جای نشست ^۲ به هر سو که بُد دید ^۳ با رهنمون در و دشت و کوه و زمین پُرنگار جهان از در مردم نیک بخت بدان تا نماند بدی در نِهان ^۴ کشیدند بر ^۵ پیش آب روان خود و نامدارانِ خسروپرست همی مرده برخاست ^۶ از تیره خاک	برین گونه فرسنگ صد برگذشت ^۱ چُن ^۲ آورد لشکر به گل زریون جهان دید برسان باغ بهار همه کوه نخچیر و هامون درخت طلایه فرستاد و ^۳ کارآگهان سراپردهی شهریار جوان ^۴ جهاندار بر تخت زَرین نشست شبی کرد و ^۵ جشنی که تا روز پاک	۹۴۵ ۹۵۰
--	--	--

گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن کیخسرو^{۱۲}

به رخشنده روز و به هنگام خواب، بزرگانِ بیدار و ^{۱۵} بسیاردان، به گنگ اندرون چون توان آرید؟ که اکنون که نزدیک شد بدگمان، زبونی نه خوبست و چندین سپاه ^{۱۷} همه شب همی لشکر آراستند ز درگاه ^{۱۹} برخاست آوای ^{۲۰} کوس که بر مور و بر پشه شد راه ^{۲۲} تنگ زمین شد بسان گه بیستون	و زان سو به ^{۱۳} گنگ اندر افراسیاب همی گفت با هر که بُد کاردان ^{۱۴} که اکنون که دشمن به بالین رسید همه برگشادند گویازبان جز از جنگ چیزی نبینم راه ^{۱۶} بگفتند و از ^{۱۸} پیش برخاستند سپیده دمان گاه بانگِ خروس سپاهی بیامد به هامون ز گنگ ^{۲۱} چُن ^{۲۳} آمد بنزدیکِ گل زریون	۹۵۵
---	--	-----

۱- ل: بر صد گذشت ۲- ل (نیز، پ، و): آباد جای و (ل: جایی) نه دشت؛ س، ق، ل، س، آ (نیز، ل، ن، آ، ب): آباد و نه کوه (س: بوم) و دشت؛ ق: آباد و نه جای دشت؛ ل: آباد نه جای نشست؛ آ: آباد نه جای دست؛ متن = ف ۳- ل- ل- س، آ (نیز، ل، ق، ل، پ، ب): چو؛ متن = ف ۴- ل- ل- س، آ (نیز، ل، ق، ل، پ، ب): که بد دید- بگردید؟ ۵- ل (نیز، ل، پ): [و] ۶- س، ق، ل، آ (نیز، ل، ن، آ، ب): بدان تا بدانند کار نهان (ل: جهان)؛ متن = ف، ل، س، آ (نیز، ق، ل، پ، و، آ) ۷- ل، ل، س، آ (نیز، ل، آ): جهان؛ متن = ف، س، ق (نیز، ل، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب) ۸- ل- ل- آ: در ۹- ل، آ: ابا) ۱۰- ل (نیز، ل، ق، ل، پ، ب): [و]؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ ۱۱- (ق: همی بانگ نوش آمد) ۱۲- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن کیخسرو و ترتیب مصاف دادن بکنگ بهشت و این دوم جنگ است؛ ل: رسیدن کیخسرو بگل زریون؛ س: رسیدن کیخسرو بکنگ دز و رزم او با افراسیاب؛ ل: دیگر جنگ کیخسرو با افراسیاب؛ متن = آغاز ف ۱۳- ل: سوی ۱۴- ف: بدگمان؛ متن = ل- س، آ (نیز، ل، ق، ل، پ، ب) ۱۵- س، ق، ل، س، آ (نیز، ل، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): [و]؛ متن = ف، ل (نیز، ل، آ) ۱۶- ق (نیز، ل، ل): رای: (پ: ما) ۱۷- ق (نیز، ل، ن، ل): مپای؛ (پ: زبونی چرا برگزینیم ما) ۱۸- ف، ل، ق، ل، آ: وز؛ متن = س، س، آ ۱۹- (و: خرگاه) ۲۰- س (نیز، پ): آواز ۲۱- ف (نیز، ل، پ، و، آ): ز هامون بکنگ (؟)؛ س، آ: بهامون بکنگ؛ ل: سپاهی بهامون بیامد ز کنگ؛ (ل: پس آگاهی آمد بهامون ز کنگ)؛ متن = س، ق، ل، آ (نیز، ق، ل، ن، آ، ب) ۲۲- ف: کار؛ (ق: جای)؛ متن = ل- س، آ (نیز، ل، ل، پ، ب) ۲۳- ل- ل- س، آ (نیز، ل، ق، ل، پ، ل، ن، آ، ب): چو؛ متن = ف

جهان شد پُرازشورو ^۱ جنگ و جَلَب ^۲	همی لشکر آمد سه روز و سه شب	۹۶۰
فزون گشت مردم ^۳ ز مور و ملخ	کشیدند بر هفت فرسنگ نخ	
ز دریا برآمد به خورشید تف	چهارم سپه برکشیدند صف	
همی نیزه بگذاشت از آفتاب ^۵	سوی میمنه جَهَن ^۴ افراسیاب	
ابا کاردیده سواران ^۶ گرد ^۷	سوی میسره شیر جنگی گرد ^۸	
سواران گردنکش و بخردان	به قلب اندر افراسیاب و ردان	۹۶۵
که دارد سپه را ز دشمن نگاه	پس پشت کرسیوز کینه خواه	
همی داشت چون کوه پشت ^۹ سپاه	و زین روی کیخسرو از قلبگاه ^۸	
منوشان و خوزان ^{۱۱} فرخ نهاد ^{۱۱}	چو گودرز و چون طوس نوذر نژاد ^{۱۰}	
هَجیر و چو شیدوش ^{۱۳} گردِ دلیر	چو گرگین میلاد و گشته ^{۱۲} شیر	
سپاهی همه یک دل و یک تنه	فربرز کاوس بر میمنه	۹۷۰
که با جنگ هر جنگی ^{۱۴} پای داشت	منوچهر بر میسره جای داشت	
که پشتِ نهنگان ^{۱۶} هر مرز بود	به پشتِ سپه گیو ^{۱۵} گودرز بود	
همه ^{۱۹} دشت دریا شد و نعل لعل ^{۲۰}	زمین کوه ^{۱۷} آهن شد از میخ ^{۱۸} نعل	
به نیزه دل سنگِ خارا بخت	به سربرز گرد ^{۲۱} سیه ^{۲۲} ابر ^{۲۳} بست	
ستاره غمی گشت از ^{۲۶} آوای ^{۲۷} کوس	جهان ^{۲۴} گشت چون چادری ^{۲۵} آبنوس	۹۷۵
تو گفتی همی برتابد سپاه	زمین گشت ^{۲۸} جنبان چُن ابری ^{۲۹} سیاه	
همانا نبُد بر زمین نیز جای ^{۳۱}	همه دشت مغز و سرو دست و پای ^{۳۰}	

۱- ل، س (نیزق، و، لن، و)؛ پ، آ، ب)؛ پر آشوب؛ و؛ س؛ پر جوش و؛ متن = ف ۲- (ق؛ سلب) ۳- ق (نیزب)؛ لشکر ۴- ف، ل، س (نیزب)؛ جهن و (سهبیت ۹۶۵)؛ متن = ق، ل، س؛ (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۵- س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب)؛ کجا نیزه بگذاشتی ز آفتاب؛ متن = ف، ل، س؛ (نیزب)؛ بیت های ۹۶۳-۹۶۴ در دستنویس ها درج نشده اند؛ ل: ۹۶۳، ۹۶۵ (بیت های ۹۶۴ و ۹۶۶ را ندارد)؛ س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب)؛ ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶؛ پیایی بیت های متن = ف، س؛ ۶- (ل، آ؛ طورد؛ پ؛ طورگ) ۷- (ب؛ چو کرگ) ۸- س؛ کیخسرو کینه خواه ۹- س؛ قلب ۱۰- (ل، آ؛ لشکرپناه) ۱۱- ف؛ فرخنده باد (ب؛ یاد؟)؛ (ل، آ؛ فرخنده راه)؛ ل: منوشان خوزان پیروز و داد؛ (ق؛ منوشان و خوزان پیروز و شاد؛ پ؛ منوشان و خوزان و پیروز داد؛ و؛ منوشان خوزان پیروز داد)؛ متن = س، ق، ل، س؛ (نیزلن، لن، ب) ۱۲- ل (نیزق، ب)؛ رهام ۱۳- (ق؛ گسته)؛ س؛ هزبر سپهدار ۱۴- ف، ل (نیزق)؛ جنگی (ب؛ جنگی)؛ متن = س، ق، ل، س؛ (نیزلن، ل، ب، و، لن، آ، ب) ۱۵- ل؛ گیو ۱۶- س؛ پلنگان؛ ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، ب، و، لن، آ، ب)؛ که پشت (ق؛ گرد) و نگهبان؛ متن = ف ۱۷- ل؛ کان ۱۸- (ل، ب، لن؛ میخ و) ۱۹- ل، س؛ همی ۲۰- ق؛ سنگ لعل؛ (ب؛ از نعل لعل)؛ ف؛ دشت و دریا شد از نعل لعل؛ ل (نیزب)؛ آب دریا شد از خون (ب؛ خون چو) لعل؛ س؛ (نیزق، ل، و، آ)؛ روی دریا (ل، آ؛ هامون) شد از تیغ لعل؛ متن = س، ق، ل (نیزلن) ۱۱- ق؛ ابر؛ ل؛ گرز ۲۲- س؛ سیاه؛ ل، س؛ (نیزو، لن، ب)؛ سپاه؛ (ق؛ سپه)؛ متن = ف، ل، ق (نیزل، ب، آ) ۲۳- ل؛ پرده؛ ق؛ گرد ۲۴- ف، ل، س، ل، س؛ (نیزب، لن، ب)؛ زمین (ق)؛ متن = ق (نیزق، ل، و، آ) ۲۵- ل، س، ل، س؛ (نیزل، ق، ب، ب)؛ چادری؛ متن = ف، ق، س؛ ۲۶- ل؛ ز ۲۷- س؛ آواز ۲۸- س؛ (نیزلن)؛ گسته ۲۹- ل؛ س؛ (نیزق، ل، ب، ب)؛ چو ابر؛ متن = ف؛ درق بست هستای ۹۷۶-۹۷۸ درج نشده اند؛ ۹۷۸، ۹۷۶، ۹۷۷ ۳۰- ل؛ سرو پای بود؛ ل (نیزلن، لن)؛ دست و سرو مغز و پای؛ متن = ف، س، ق، س؛ (نیزق، ل، ب، و، آ، ب) ۳۱- ل؛ همانا مگر بر زمین جای بود

- همه دشت بی تن سر و یال و دست^۲
 دو لشکر برین^۳ همچو^۴ خستو شدند،
 بماند برین دشت با درد و کین،
 همانا سپهر اندرآید ز پای^۵
 روانها همی داد بر تن^۸ درود
 جهان بر دل خویش بر^۹ تنگ دید
 به پیش جهاندار^{۱۰} شد دادخواه
 جهاندار و بر پادشا^{۱۲} پادشا،
 چُن^{۱۳} آهن به کوره اندرون^{۱۴} تافته،
 نه بر دادگر^{۱۵} بر کم جای^{۱۶} تنگ
 جهان شد پُر^{۱۷} از ناله ی زار اوی
 که بشکست شاداب^{۱۸} شاخ^{۱۹} درخت
 بزد بر رخ شاه^{۲۰} توران سپاه
 چُن^{۲۲} افراسیاب آگهی یافتی^{۲۳}،
 جز از خاک و ریگش نبود کفن
 فراوان ز ترکان گرفتار شد
 پوشید تا کس نیاید به جنگ
 چو روی زمین ز آسمان تیره گشت^{۲۸}
- همه نعل اسپان سر گشته خست
 خردمند مردم به یکسو شدند
 که گر یک زمان نیز لشکر چُنین
 ۹۸۰ بماند یکی زین سواران به جای^۵
 ز بس چاک چاک تبرزین^۷ و خود
 چو کیخسرو آن پیچش جنگ دید
 بیامد به یکسو ز پشت سپاه
 که ای برتر از دانش پارسا^{۱۱}
 ۹۸۵ اگر نیستم من ستم یافته
 نخواهم که پیروز باشم به جنگ
 بگفت این و بر خاک مالید روی
 همانگه برآمد یکی باد سخت
 ۹۹۰ همی خاک برداشت از رزمگاه
 کسی کو سر از جنگ برتافتی^{۲۱}
 به خنجر بریدی^{۲۴} سرش را ز تن
 چُنین تا سپهر و زمین تار^{۲۵} شد
 برآمد شب و چادر مُشک رنگ
 ۹۹۵ سپه بازچیدند^{۲۶} شاهان ز دشت^{۲۷}

۱- ل، ق، س، آ (نیزق، ل، ی، پ): همی؛ متن = ل، ق، س، آ (نیزلن، و، ل، ن، آ، ب) ۲- ل (نیزو، آ): پای و دست؛ ق، س، آ: ز نعل آتش اندر
 هوا می بجست؛ (ق): همی بود بی تن سر و پای و دست؛ ل: همه دشت بی بر همه پای و دست؛ متن = ف، س، ل، آ (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب) ۳-
 س، ق (نیزلن، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب): بدین؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، آ (نیزق، ل) ۴- ل: کار؛ س، ق (نیزلن، و، ل، ن، آ، ب): هر دو؛ س، آ (نیزق، آ،
 آ): گونه؛ (ل): کشته؛ پ: کینه؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، آ (نیزق، ل) ۵- (و: پای؛ ل: ازین پس سواری بجای؛ ق: برین بر سواری بیای؛ متن = ف، س، آ
 (نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب) ۶- ف، ق (نیزق، و): ز حای (ف، ق پساوند ندارند)؛ متن = ل، س، ل، آ، س، آ (نیزلن، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب، آ،
 ب) ۷- ل: طبرزین ۸- ل، س (نیزپ): تن را؛ س (نیزلن، ب): دلها؛ ق، ل، آ (نیزو، ل، ن، آ): تنها؛ (ق): جان را؛ ل: گفتی؛ آ:
 جانها؛ متن = ف ۹- ل (نیزلن، ل، ی، پ): خویشتن؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیزق، ل، ن، آ، ب) ۱۰- ل: خداوند ۱۱-
 ف، ل: دانش و پادشا؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیزلن، ق، ل، ی، پ، ب) ۱۲- ل (نیزپ): بر هر کسی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س، آ (نیز
 ل، ن، ق، ل، ی، و، ل، ن، آ، ب) ۱۳- ل، س، آ (نیزلن، ق، ل، ی، پ، ب): چو؛ متن = ف ۱۴- ل: بکوره درون؛ س، ق، ل، آ (نیزلن، ق، ل،
 ل، و، آ، ب): بیوته درون؛ س، آ: بکوره اندرون؛ (ب): بیوته برون؛ متن = ف ۱۵- س، آ: بیدادگر ۱۶- س، ق، ل، آ
 (نیزلن، ل، ی، و، ل، ن، آ، ب): کار؛ متن = ف، ل، س، آ (نیزق، ل، ی، پ، و، آ) ۱۷- ل، س، ق، ل، آ (نیزلن، پ، و، ل، ن، آ، ب): پرشد؛ متن = ف، س، آ
 (نیزق، ل، ی، آ) ۱۸- ق: سیراب ۱۹- س، آ (نیزق، ل، ن، آ): برگ ۲۰- ق (نیزلن، ب): رخ (ب: سر) و چشم ۲۱-
 س، آ: برگاشتی ۲۲- ل، س، ق، ل، آ (نیزلن، ق، ل، ی، پ، ب): چو؛ متن = ف، س، آ ۲۳- س، آ: داشتی ۲۴- ل: بریدی
 بخنجر ۲۵- ف: قار؛ (ب: بار)؛ متن = ل، س، آ (نیزلن، ق، ل، ی، و، ل، ن، آ، ب) ۲۶- س، ق، ل، آ، س، آ (نیزلن، ق، ل، ی، پ، ب):
 باز خواندند؛ متن = ف، ل ۲۷- (ق، ل، ی، پ، و، آ: ز جنگ) ۲۸- (ق): چو شد آسمان همچو پشت پلنگ؛ ل، و، آ: چو از تیره شب
 شد جهان تیره رنگ؛ پ: بشد چون زمین آسمان تیره رنگ

همه دامن کوه تا پیش رود
برافروختند آتش از هر سوی^۲
همی^۶ جنگ را ساخت افراسیاب
برآید، رخ کوه رخشان کند
جهان آفرین را دگر بود رای
شب تیره چون روی زنگی سیاه
که شاه جهان جاودان زنده باد
بدین^۸ نامداران^۹ افراسیاب
ازیشان سواری طلایه نبود
چو بیدار گشتند ازیشان^{۱۲} سران
چو شب روز شد جز قراخان نماند
همه دشت ازیشان^{۱۵} سرون^{۱۶} سرست

به مژده ز رستم هم اندر زمان
که ما در بیابان خبر یافتیم
شب و روز رستم یکی داشتی
بدیشان^{۲۱} رسیدیم هفتاد^{۲۲} روز
تهمن کمان را به زه بر نهاد
نخستین که از کِلک بگشاد^{۲۴} دست

هیونی بیامد سپیده دمان،
بدان آگهی تیز بشناقتیم
چو تنها شدی^{۱۸} رخس^{۱۹} بگذاشتی^{۲۰}
چو برزد سر از چرخ^{۲۳} گیتی فروز،
چو نزدیک شد ترگ بر سر نهاد
بیابان ز پیکان^{۲۵} ترکان برست^{۲۶}

۱- (ق: تیغ) ۲- ق (نیزو): از هر دو روی ۳- ل، ق (نیزلی، آ): بیامد ۴- ف (نیزق، ؟): به (؟): متن = ل- س^۲ (نیزلن، لی، ل، ل، آ، ب) ۵- ق: پرده بکوی؛ (و: برون آمد از هر دو سوی) ۶- ل (نیزل، ب): همه ۷- س، ق (نیزلن، ب): ابا رای او از بنه (ق: بنده را): متن = ف، ل، ل، ل، س^۲ (نیزق، لی، ب، و، لن، آ): ق در اینجا سرنویس دارد: آمدن خبر از گشتم نوذر و رستم پیروزی نزد شاه ۸- ل- س^۲ (نیزلن- ب): بدان؛ متن = ف ۹- (ق، ل، ب: و، بدهمالان) ۱۰- ف: به (؟): ل، س، ق (نیزق، لی، ب، و): ز؛ متن = س^۲ (نیزلن، آ، ب) ۱۱- س (نیزلن): ز مردان ایشان فراوان نبود (= ۱۰۰۶ ب): ل^۲ بیت های ۱۰۰۴-۱۰۰۶ را ندارد ۱۲- ل: زیشان؛ ق (نیزب، و، ب): از ایران ۱۳- (ل، ب: و، شمیرهای): س (نیزلن، لن، ب): کشیدند شمیرهای ۱۴- س: کسی را ز اندیشه مایه نماند (= ۱۰۰۴ ب)؛ (لن: کسی را از اندیشه جان نماند (!): لی، آ: ز گردان ترکان فراوان نماند) ۱۵- ل: زیشان ۱۶- س^۲ (نیزل، ب): تن بی؛ (ب: سرین و) ۱۷- ل، س، ل^۲ (نیزق، ب، لن، آ، ب): خاکشان؛ (لی، ل، آ: گورشان → گردشان): متن = ف، ق، س^۲ (نیزو) ۱۸- (ل، آ: بدی) ۱۹- ل، ق (نیزب): راه؛ متن = ف، س، ل، ل، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۰- ل، س (نیزو): بگذاشتی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لن: نگذاشتی): متن = ف، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۱- س، ل^۲ (نیزلن، لن، ب): همانجا؛ ق (نیزق، لی، و، آ): بدیشان؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزل، ب) ۲۲- ل- س^۲ (نیزلن- ب): هنگام؛ متن = ف ۲۳- ل، س: برج؛ (ق: کوه) ۲۴- ف: بر کِلک بگشاد (؟)؛ س، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ، ب): بر کِلک بنهاد؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب، آ) ۲۵- ل، ل، س^۲ (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ، ب): پیکار؛ متن ← ۲۶- س: بخت؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ، ب، آ): قراخان ز پیکان (ب: پیکار) رستم بخت (ب: بخت)؛ متن = ف، س

به توران زمین شد کنون^۱ کینه خواه
 ۱۰۱۵ به شادی ز لشکر برآمد خروش؛
 هر آنکس که بودند خسروپرست
 سواری بیامد هم اندر شتاب
 که از لشکر ما قراخان بچست^۲
 سپاهی به توران نهادند^۳ روی
 ۱۰۲۰ چنین گفت با رای زن شهریار
 چو رستم بگیرد سر گاه^۴ ما
 چُن^۵ آتش^۶ بریشان شیخون کنیم
 چو کیخسرو آید ز لشکر دو بهر
 سراسر همه لشکر این دید رای^۷
 ۱۰۲۵ بُنه هر چه^۸ بودش همانجا^۹ بماند
 همانگه طلایه بیامد به^{۱۰} دشت
 همانا که آگاهی آید^{۱۱} به شاه
 سپهدار ترکان همی داشت گوش
 ز ترکان، بفرمود تا برنشست^{۱۲}
 خروشان بنزدیک افراسیاب
 رسیده ست^{۱۳} نزدیک با^{۱۴} مرد شست
 کزیشان شود ناپدید آب جوی^{۱۵}
 که بیکاریخت اندرآمد به کار^{۱۶}
 به بیکارگی گم شود راه ما^{۱۷}
 ز خون روی هامون^{۱۸} چو جیحون کنیم
 نبیند، مگر باد^{۱۹} و دیوار^{۲۰} شهر
 همان مرد فرزانه ی^{۲۱} رهنمای^{۲۲}
 چُن^{۲۳} آتش از آن دشت لشکر براند
 که از گرد لشکر هوا تیره گشت^{۲۴}

۱- س: بتوران شد اکنون چنین ۲- ل (نیزق، ل، و، لن، ب): آمد ۳- ل، ق (نیزلی، آ): بشادی و رامش گشادند دست؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، پ، و، لن، ب) ۴- ل، ق: برست (حرف یکم نقطه ندارد): (ل، پ، رست: ب: برست): متن = ف، س، ل، س (نیزهفت دستویس دیگر) ۵- ف، ل، س (نیزلن): رسیدند: متن = ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، ب، و، ب) ۶- ل (نیز ل): ما ۷- ق، س (نیزق، ل، ل، آ): نهادست ۸- ف: ناپدیدار جوی؛ (ل، آ: سپهدارشان رستم جنگجوی): متن = ل - س (نیز هفت دستویس دیگر) ۹- (لن: پس شاه افراسیاب: و: با مویید افراسیاب) ۱۰- ل (نیزلن): ز کار: (لن، ب: بخواب): ق (نیز ل، پ، آ): که این بار بخت بدآمد بکار: متن = ف، ل، س، س (نیزق، ل، ل) ۱۱- س: تخت ۱۲- س: بیکار گردد بنوبخت ما؛ ل، س، ل، س (نیزلن، ق، پ، و، لن، ب) پس از این بیت افزوده اند:

کنون او گماند که (ل: کنونش گمان آنک؛ ق: کنون او چه داند که) ما نشنوم (بشنوم)

کجا (س: که ما؛ و: همی) در غم ورنج کیخسرو

ل، پ: چنین کز (ل: کار) در جنگ کیخسرو

س: کنون او ندانند که ما ایدرم شب و روز در جنگ این لشکر

ف، ق، ل، ل، آ این بیت را ندارند ۱۳- ل، س، ق، س (نیزلن - ب): چو: متن = ف ۱۴- ل: بیانا ۱۵- ل: کشور؛ ق (نیز ق، ل، ل، پ): گیتی؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، و، لن، آ، ب): س، لن پس از این بیت افزوده اند:
 بیاید ز ناگه بر او شدن

یکی خنجر بر دل او زد

۱۶- ل، ق: بسام؛ (پ: نام): متن = س، س (نیزلن، ق، ل، ل، و، آ) ۱۷- ل (نیزلن، ق، ل، آ): دیوار و: متن = س، ق، س (نیزلی، ب، و، آ): ف، ل، لن، ب این بیت را ندارند ۱۸- ق: روی ۱۹- ل، ل، س (نیزب): فرزانه و ۲۰- ق: راه جوی ۲۱- ل: هرچ ۲۲- س: بدانجا ۲۳- ل - س (نیزلن - ب): چو: متن = ف ۲۴- ل، س، ق، س (نیز ل، ل، ب): ز: متن = ف، ل (نیزق) ۲۵- ل (نیزل، و، آ): که گرد سپاه از هوا برگذشت (ل: تیره گشت): ق (نیزل): همی گرد ایشان (ل: اسبان) زمانی بگشت: متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، پ، ب): ق، ق، ل، ل، ل، پ، لن، ب پس از این بیت افزوده اند:

ز ترکان جهان پاک دیدش (ق: دیدم) هم

خبر شد بنزدیک شاه ربه

ف، ل، س، ل، س، ل، و، آ این بیت را ندارند

- همه دشت خرگاه و خیمه ست و^۱ بس
بدانست خسرو که سالار چین
ز گسته^۶م و رستم^۶ خبر یافته ست
نوندی برافگند هم در زمان
۱۰۳۰ که برگشت ازین^۷ کینه^۸ افراسیاب
سپه را بیارای و آزریر^۹ باش!
- نوند جهاندار^{۱۱} شایسته بود
همی رفت، چون پیش رستم رسید
سپه گرزها برنهاد به دوش
۱۰۳۵ به رستم بگفت آنک^{۱۵} پیغام بود
- نشته به آرام بر^{۱۷} گفت و گوی^{۱۸}
سراپرده و خیمه و تخت^{۲۱} و گاه
کفن کرد و از^{۲۳} خون و گلشان بشست
که^{۲۴} برداشت از خون و خاک^{۲۵} نبرد
دمان از پس شاه ترکان^{۲۶} براند
برآن^{۲۹} بُد که رستم بشد^{۳۰} سیرخواب^{۳۱}
- ۱۰۴۰
۱۰۴۵
۱۰۴۰
۱۰۴۵
۱۰۴۰

۱- ف، ل، ق: [و] ۲- ل: ازیشان ۳- ل-س^۱ (نیز ل-ب): بخیمه درون؛ متن = ف: خیمه اندرون؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: دیگر هزمت شدن افراسیاب از شاه کیخسرو؛ ق: آگه کردن کیخسرو رستم را از مراجعت افراسیاب؛ س^۱: گریختن افراسیاب در کنگ دز ۴- ل-س^۱ (نیز ل-ب): بیگاه (بیکار؟)؛ متن = ف: بیکار (بیکاه؟) ۵- ل: زان؛ س (نیز ل، و، ب): ازین؛ ل^۱، س^۱ (نیز ب، ل^۱): از آن؛ متن = ف، ق: (نیز ق، ل، آ) ۶- ف، ل^۱: گسته نودر؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیز ل-ب) ۷- ل: زین؛ س، ل^۱ (نیز ل، ل^۱، ب): از؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیز ق، ل، پ، و، آ) ۸- ق: (نیز ق، ل، و): گونه؛ (ل، آ: جنگ)؛ متن = ف، ل، س، ل^۱، س^۱ (نیز ل، پ، ل^۱، ب) ۹- ف: هشیار؛ ل: ق: بیدار؛ ل^۱ (نیز ل^۱): باویر؛ (ل: از ریر-آزیر)؛ متن = س، س^۱ (نیز ق، ب-ب) ۱۰- ف: کار (؟)؛ ل: برو خویشتن را نگهدار؛ ق: تن خویشتن زو؛ متن = س، ل^۱، س^۱ (نیز ق، ب) ۱۱- ل، س^۱ (نیز ق، و، آ): جهان دیده؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیز ل^۱، ب) ۱۲- ل، س، ق، س^۱ (نیز ل^۱، ب): بدان؛ (ق: همان)؛ متن = ف، ل^۱ ۱۳- ف (نیز ب): ز ترکان بگفت آنچه دید و شنید؛ متن = ل-س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۴- س^۱: باواز بنهاد ۱۵- ل، س، س^۱ (نیز ق، ل^۱): آنچه؛ ل^۱ (نیز ل، ل-ب): آنچه؛ متن = ف: ق بیست های ۱۰۳۶-۱۰۴۱ را ندارد ۱۶- س^۱: جنگجوی؛ (ل^۱: ناججوی) ۱۷- ل، س (نیز ل، ق، ل، و، آ، ب): بی؛ ل^۱، س^۱ (نیز ل^۱، ل^۱): با؛ متن = ف (نیز ب) ۱۸- ل: گفت گوی ۱۹- س: همه ۲۰- س^۱: با؛ ل: همی کرد بخشش همه بر ۲۱- ل، ل^۱: ناچ؛ متن = ف، س، س^۱ (نیز ل، ق، ل، ب-ب) ۲۲- ف، س: ز ۲۳- ف، ل، ل^۱: وز ۲۴- ل، س، س^۱ (نیز ل، ق، ل، ب، و، ب): چو؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، ل^۱، آ) ۲۵- (ق: دشت)؛ ل: زان خاک و خون ۲۶- س: توران ۲۷- ف: تخت؛ متن = ل-س^۱ (نیز ل، ل، ب) ۲۸- (ق: رستم شد) ۲۹- ق، ل^۱ (نیز ل، ل^۱، پ، آ، ب): بدان ۳۰- ل: شود؛ س، ق، ل^۱ (نیز ل، ق، ل، و، ل^۱، آ، ب): بود؛ متن = ف (نیز ب) ۳۱- س^۱: کجا هست رستم بخواب

کنون ما بریشان شیخون کنیم^۱ ز دل کینه و ترس بیرون کنیم^۲
 به تاریکی اندر طلایه بدید به شهراندر آواز^۳ اسپان شنید^۴
 ۱۰۴۵ فروماند از^۵ کار رستم شیگفت همی راند^۶ و اندیشه اندرگرفت
 همه کوفته لشکر و ریخته^۷ به شیرین روان اندرآویخته
 به پیش اندرش^۸ رستم تیزچنگ پس پشت شاه و سواران جنگ
 کسی را که نزدیک بُد پیش خواند و زانندیشه ی دل فراوان^۹ براند
 ۱۰۵۰ پرسید کین را چه بیند روی؟ چُنین گفت با نامور چاره جوی،
 که بیهشت کنگ^{۱۰} آن همه گنج^{۱۱} شاه چه بایست^{۱۲} و اکنون چُنین^{۱۳} رنج راه؟
 زمین هشت^{۱۴} فرسنگ بالای او همانا که چارست^{۱۵} پهنای او
 زن وزاده^{۱۶} و گنج^{۱۷} و چندین^{۱۸} سپاه ترا رنج و بدخواه را تاج و گاه^{۱۹}
 برآن^{۲۰} باره ی دز نبرد عقاب نبیند کسی آن بلندی به خواب
 خورش هست و ایوان^{۲۱} و گنج و سپاه^{۲۲} بزرگی و فرمان و تخت و کلاه^{۲۳}
 ۱۰۵۵ همان بوم^{۲۴} کو^{۲۵} را بهشت نام همه جای شادی و آرام و کام^{۲۶}
 به هر گوشه ی چشمه و^{۲۷} آبگیر

۱- ل، ق، س، (نیزق، ل، آ): من شیخون کم برسرش؛ (و: همانگه شیخون کند برسرش)؛ متن ← ۲- ل، ق، س، (نیزو): برآرم
 (و: برآزند) گرد از سر (ق: سرو؛ س، و: وی و) لشکرش؛ (ق: برآرم ازو گرد و از لشکرش؛ ل، آ: برآرد دماز از همه لشکرش)؛ متن = ف، س
 (نیزلن، پ، لن، ب) ۳- ق (نیزق، ل، و): آوای؛ متن ← ۴- ف: رسید؛ ل، ق، س، (نیزق، ب، لن): ایشان شنید؛ س، ل
 (نیزلن، ل، ب): رستم شنید؛ (ل، آ: هم از شهر آواز اسپان شنید)؛ متن ← ف، و ۵- ل: زان ۶- س: ماند ۷- (و: بیخته)
 ۸- ل، س، ق، ل، (نیزلن، ق، ل، ل، ل، ل، آ، ب): اندرون؛ متن = ف، س، (نیزب، و) ۹- ل: وزیران فراوان سخنا؛
 متن = ف، س، ل، س، (نیزلن، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۰- ل، ق (نیزل، ب): که در کنگ دز؛ متن = ف، س، ل، س، (نیزهفت
 دستویس دیگر) ۱۱- س: آنج گنجست ۱۲- ف (نیزلن، لن، ب): چنانست (چجایست)؛ متن = ل- س، (نیزق، ل، ب،
 آ) ۱۳- ل، ق، س، (نیزلی، ب، لن، آ): [و] اکنون همه؛ متن = ف، س، ل، (نیزلن، و، ب)؛ س، پس از این بیت افزوده
 است:

یکی کنگ داری توای نیک نام

بگردان بدان کوه فتح لگام

۱۴- (ق: هفت) ۱۵- ق (نیزق، ل، و، آ): همانا چهارست؛ س: همانا کجایست ۱۶- ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ،
 ب): کودک؛ متن = ف، س، (نیزو) ۱۷- س (نیزب، لن، ب): مرد ۱۸- ل، ق (نیزلن، ل، ب، لن، آ): چندان ۱۹- ل،
 ق (نیزب، آ): بزرگی و فرمان و تخت و کلاه (= ۱۰۵۴ ب)؛ س: بران تا بدان نامور بارگاه؛ متن = ف، س (نیزهفت دستویس دیگر)؛ ل
 بیت های ۱۰۵۲-۱۰۵۴ را ندارد ۲۰- س (نیزلن): برین؛ ق (نیزق، ل، ب): بدان ۲۱- ف: هست بسیار؛ متن = ل، س، ق، س، (نیز
 لن، ق، ل، ب، و، لن، ب)؛ بنداری: و فیه ایوان شاهی ۲۲- س (نیزلن، ب): تخت (ب: گنج) و کلاه ۲۳- س (نیزلن، ب):
 گنج (ب: تخت) و سپاه؛ ل، ق (نیزب): ترا (ل: پراز) رنج و بدخواه را تاج و گاه (= ۱۰۵۲ ب)؛ متن = ف، س، (نیزق، ل، و،
 لن) ۲۴- ل: کنگ ۲۵- س، ق (نیزلن، ل، و): کان ۲۶- ق: نام ۲۷- ل، س، (نیزق، ل، ب، و، لن، آ):
 چشمه؛ متن = ف، س، ق، ل، (نیزلن، ل، ب) ۲۸- ق: بالای و ۲۹- ف: پهنای؛ متن = ل- س، (نیزلن-
 ب)

همه^۱ موبد آورده از^۲ هند و^۳ روم
همانا کز آن باره فرسنگ بیست
ترا زین جهان بهره جنگست و بس
بهشتی^۴ برآورده^۵ آبادبوم^۶
جهان بین ببیند^۷ که بردشت^۸ کیست^۹
به فرجام گیتی نماید به کس

۱۰۶۰ چو بشنید گفتارها شهریار
بیامد دلی^{۱۱} شاد بیهشت گنگ^{۱۲}
همی گشت بر گیرد آن شارستان^{۱۴}
یکی کاخ بودش سر اندر هوا
به ایوان فرود آمد و بار داد
فرستاد بر هر دری^{۲۰} لشکری
پیاده بر آن دیده بر^{۲۲} دیدبان^{۲۳}
رد و موبدش بود بر دست راست
یکی نامه نزدیک^{۲۶} فغفور^{۲۷} چین
چنین گفت کز گردش روزگار
پروردم آن را که بایست گشت
۱۰۷۰ چو فغفور چین گر^{۳۱} بیاید رواست
و گر^{۳۳} خود نیاید فرستد سپاه
خوش آمدش و این شد از کارزار^{۱۰}
ابا آلت و^{۱۳} لشکر و ساز جنگ
بدستی^{۱۵} ندید اندر^{۱۶} خارستان^{۱۷}
برآورده^{۱۸} شاه^{۱۹} فرمان روا
سپه را درم داد و دینار داد
نگهبان هر لشکری^{۲۱} مهتری
نگهبان به روز^{۲۴} و، به شب پاسبان
نیسنده^{۲۵} نامه را پیش خواست
نیشند^{۲۸} با صد هزار آفرین
نیامد مرا بهره جز کارزار
کنون شد چنین^{۲۹} روزگارم درشت^{۳۰}
که بر دوستی او^{۳۲} روانم گواست
که زین^{۳۴} سو خرامد^{۳۵} همی^{۳۶} کینه خواه

۱- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ل، و، لن، ب): همی؛ (پ: همان)؛ متن = ف، س (نیز آ) ۲- ف: [از] (وزن ندارد)؛ (لی - و، آ: آوردی از)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، لن، ب) ۳- س: موبد آنرا ز هند و ز ۴- س: ز پسی ۵- (ق) - و، آ: بر آوردی) ۶- س (نیز لن، لن، ب): ز آباد بود ۷- ل (نیز ب): ببیند آسان؛ س: جهاندار ببیند؛ (ق): جهان بین بداند؛ ل: جهانی ببیند؛ ب: جهان بین که ببیند؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لی، لن، آ) ۸- ف، ل، س، س (نیز ق، لن): دست؛ متن = ق، ل (نیز لن، لی، ل، پ، آ، ب) ۹- س: چیت ۱۰- ل (نیز آ): روزگار؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، ل: نامه فرستادن افراسیاب بنزد فغفور چین؛ س: نامه افراسیاب ب فغفور و مدد خواستن ۱۱- ل (نیز ق، پ، و): بدل؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، لن، آ، ب) ۱۲- ق: در پیش کنگ ۱۳- ل، ل (نیز و، لن، آ) ۱۴- ق (نیز لی، ل، پ، لن، ب): شارسان ۱۵- س (نیز ل، آ): بدشتی؛ (لن: بزشتی) ۱۶- س (نیز لن، ب): اندران؛ (ق): ندیدند از آن) ۱۷- ق (نیز لی، ل، پ، لن، ب): خارسان ۱۸- س (نیز ل): بر آورده بند ۱۹- ل: تور ۲۰- ل، ق، س (نیز لی، ل، پ): سوی؛ (ق): و ز رهی)؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، لن، ب) ۲۱- ق (نیز لی، ل، آ، ب): کشوری؛ بنداری (۱۰۶۵-۱۰۶۶)؛ و جعل الطلائع والحفظه علی طرق البلد ۲۲- ف: دیده و؛ ل، ق (نیز ب): باره بر؛ (ق): باره بد؛ ل، آ: دیده بد؛ و: باره و؛ س: بدان دیده بر؛ س، ل (نیز لن، لن، ب): بهر جای بر باره (لن: بر پای) بد؛ (ل): نشسته بر آن باره بر)؛ متن = س، ل، ق، ل، س (نیز ب، آ): نگهبان روز؛ متن = س، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۵- ل، س، ق (نیز لن، ل، و- ب): نویسنده؛ متن = ف، ل، س (نیز ب) ۲۶- س (نیز لن، لن، ب): نامه سوی ۲۷- بندازی؛ بغبور ۲۸- ل، ق (نیز لن، لی، ل، آ، و): نوشتند؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ق، پ، لن، ب) ۲۹- ل (نیز ق، ب): ازو؛ س، ق، س (نیز لن، لی، ل، و، لن، آ، ب): گشت ازو؛ متن = ف، ل ۳۰- س (نیز لن، لن، آ): درست ۳۱- س (نیز لن، ق): از؛ (و: خود) ۳۲- ل، ق (نیز ل، پ): بر مهر او بر؛ (لی، آ): بر دوستیش)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، و، لن، ب) ۳۳- س (نیز ق، ل، آ): اگر ۳۴- ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، آ، ب): کزین؛ (ل، و: ازین)؛ متن = ف (نیز لن) ۳۵- ق: گراید ۳۶- س، ل (نیز لن، لن، ب): سوی

<p>به چین اندرآمد به هنگام خواب^۲ گرفتش برآن نامدار آفرین] سراسر همه راز او^۴ برگشاد] یکی خرم ایوان پرداختش برآمد از آرام و از خورد^۸ و خواب به برج اندرون رزم را جای کرد کشیدند بر باره افسون گران سپاهی به دیوار دز برنشانند برآن باره عراده و مَنجَبِئِق همه برج ها پُر ز خفتان^{۱۰} و ترگ ز پولاد بر هر سوی^{۱۲} پنجه کرد که هر کس که رفتی بر^{۱۳} دز فراز، و گرنه ز دز دور^{۱۷} بگریختی به هر^{۱۸} شهر^{۱۹} با هر کسی داد کرد سپه های چینی و تیر و کمان، بویژه برآن^{۲۴} کو کند کارزار خود و جنگسازان^{۲۷} خسروپرست</p>	<p>فرستاده از پیش^۱ افراسیاب [چو شد نزد ایوان^۲ فغفور چین [بگفت آنچه بشنید و نامه بداد ۱۰۷۵ سزاوار^۵ فغفور بنواختش و زان^۶ سو به^۷ گنگ اندر افراسیاب به دیوار عراده بر پای کرد بفرمود تا سنگ های گران ۱۰۸۰ بسی^۹ کاردانان رومی بخواند برآورد بیداردل جاثلیق کمان های چرخ و سپه های گرگ گروهی از^{۱۱} آهنگران رنجه کرد بیستند بر نیزه های دراز ۱۰۸۵ بدان^{۱۴} چنگ تیر^{۱۵} اندرآویختی^{۱۶} سپه را درم داد و آباد کرد هم از^{۲۰} خود و شمشیر^{۲۱} و برگستوان بیخشید بر لشکرش^{۲۲} بی شمار^{۲۳} چُن^{۲۵} آسوده شد زان^{۲۶}، به شادی نشست</p>
--	---

۱- ل: نزد ۲- (ل، و، آ: همی رفت بی خورد و آرام و خواب) ۳- س: چون نزدیک ایوان؛ (ق: چو آمد بنزدیک)؛ متن = ف، س (نیز
لن، لی، آ)؛ ل، ق، ل، ل، پ، و، لن، ب این بیت را ندارند ۴- س: را؛ (ق، آ: ها؛ لی: همه رازها را بدو)؛ متن = ف، س (نیز
لن)؛ ل، ق، ل، ل، پ، و، لن، ب این بیت را ندارند ۵- ل- س: (نیزلن- ب): سراقراز؛ متن = ف؛ س، س، ل: لن پس از این بیت
افزوده اند:

فرود آورید و فرستاد چیز

کرامت بیفزود و کردش عزیز
۶- ق (نیزلی، پ، و، آ): وزین ۷- ل (نیزپ): سوی ۸- ل، ق (نیزلی، پ، آ): نه آرام بودش نه خورد؛ (ق: همی بود بی کام و
آرام)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، لن، ب؛ ف، ل، لن، ز) ۹- س: همی ۱۰- ق (نیزلی، آ): جوشن و درغ؛ (لن: زیر
خفتان؛ ق، ل: جوشن و خود؛ و: پیر مردان)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیزپ، لن، ب) ۱۱- ل، س، س، ل: ز ۱۲- ق:
کسی؛ س (نیزلن): بر سوی دز ۱۳- (ق: بدان) ۱۴- ق: بران ۱۵- ف: دز؛ ل: سز (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛
ل، س: تیر؛ (آ: نیز)؛ متن = س، ق (نیزلن، لی، ل، پ، لن، ب): نیز-نیزه؟ ۱۶- (ق، و: نیزه درآویختی) ۱۷- ل، ق (نیزلی،
ل، پ، آ): زود؛ (ق: از آورد)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، و، لن، ب) ۱۸- (ق: بران) ۱۹- ل، ق (نیزلی، ل، پ، آ):
کار؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، و، لن، ب): شهر (؟)؛ درس، لن، لن، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۰- ل-
س (نیزلن، لی، لن، آ، ب): همان؛ (ل: همه)؛ متن = ف (نیزق، پ، و) ۲۱- س: خود وزین ۲۲- س: لشکر ۲۳- ل:
زین شمار ۲۴- ل، س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، ب): کسی؛ ل (نیزپ، لن، آ): بدان؛ متن = ف، س (نیزق، و) ۲۵- ل، س، ق، ل (نیزلن- ب):
چسو؛ متن = ف، س ۲۶- ل (نیزق- و، آ): زین؛ س: کرده شد خود؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، لی، لن، آ،
ب) ۲۷- س، ل (نیزلن، لن، ب): نامداران

۱۰۹۰ پری چهره^۱ هر روز^۲ صد^۳ چنگ زن
به روز و به شب^۵ مجلس آراستی^۶
همی داد^۸ هر روز^۹ گنجی به باد
اگر بودنی بود دل را به غم
شدندی به درگاه شاه انجمن^۱
سرود و^۷ لب ترک و می خواستی
بر امروز^{۱۰} فردا نیامدش یاد^{۱۱}
سزد گر نداری، نباشی دژم^{۱۲}

گفتار اندر رسیدن کیخسرو به گنگ بهشت^{۱۳}

دو هفته برین^{۱۴} گونه شادان بزیست
سیم^{۱۶} هفته کیخسرو آمد به جنگ^{۱۷}
بخندید و برگشت گرد حصار
چنین گفت کان^{۲۲} کو چنین باره کرد
که^{۲۴} خون سر شاه ایران بریخت
شگفت آمدش کان چنان جای دید
به رستم چنین گفت کای پهلوان
که با ما جهانداریزدان چه کرد
بدی را^{۲۷} کجا نام بُد^{۲۸} بر بدی
گریزان شد از دست ما در^{۳۰} حصار
که داند که فردا دل افروز کیست^{۱۵}؟
شنید آن غونای^{۱۸} و آوای^{۱۹} چنگ^{۲۰}
بماند اندر آن گردش^{۲۱} روزگار
نه از بهر بیکار و^{۲۳} پتیاره کرد
به مابر چنین آتش کین بیخت
سپهری^{۲۵} دلارام^{۲۶} بر پای دید
سزد گر بینی به روشن روان،
ز خوبی و پیروزی اندر نبرد:
به تندت و کزتی^{۲۹} و نابخردی،
برینسان برآسود^{۳۱} از روزگار^{۳۲}

۱- س: پرستنده ۲- ف: هر روز ۳- ف: ده؛ س: چل؛ (ق: هر چند بد)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ل-ب) ۴- س، ق، ل، س (نیز لن، ل، ل، ل، آ، ب): بشادی بدرگه شدی انجمن؛ (ق: بدرگاه افراسیاب انجمن)؛ متن = ف، ل (نیز پ، و)؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در ف از بیت ۱۰۹۰ تا پایان دستویس (برگ ۲۴۸ - ۲۶۴ ب) به خطی دیگر، ولی نزدیک به خط اصلی است ۵- ل، س، ل، س (نیز ق، آ، ب، و، لن، آ، ب) شب و روز چون؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۶- (لن، ل، آ): شب و روز مجلس بیاراستی (۹)؛ (ق، ل، ل، آ، و، آ، ب: از)؛ متن = ل، آ، س (نیز لن، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۸- ل: کرد ۹- ف: هر روز ۱۰- ل- س (نیز لن- آ): بر (ق، ل، آ، ز؛ لن: وز؛ پ، و: از) امروز؛ متن = ف (نیز ب) ۱۱- ق: فرداش نامد یاد؛ (و: فردا نکرد ایچ یاد) ۱۲- ل این بیت را ندارد ۱۳- ل، ق: رسیدن کیخسرو بکنگ بهشت (ق: بجنگ افراسیاب)؛ ل، آ، س: آمدن کیخسرو بجنگ (س: از بی) افراسیاب؛ ف، س سرنویس ندارند؛ متن ← ل ۱۴- ق (نیز ل): بدان؛ ل، س (نیز ق، آ، و، لن، آ): بران ۱۵- س: که خواهد گریست؛ ف: همی گفت فردا که داند که چیست؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ل، پ- ب) ۱۶- س، ق (نیز ل، آ، ب): سوم؛ ل (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب): سیوم؛ متن = ل، س، ف، ل، س (نیز ق، آ) ۱۷- س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): کنگ؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، و، آ) ۱۸- (ق: آغانی؛ ل، ب: غونای؛ و: هیاهوی)؛ متن ← ۱۹- س (نیز ل، ب): آواز؛ س: غریویدن نای و؛ متن ← ۲۰- ق (نیز آ): پراز خشم و کینه بسان پلنگ؛ (ل: شنید ارغنون را به آوای چنگ)؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، پ، لن) ۲۱- (ق: شگفتی بماند اندر آن) ۲۲- ق، ل: آن ۲۳- ل (نیز آ): [و]؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیز لن- ب، پ، لن، آ، ب)؛ س، و این بیت را ندارند؛ در لن، ق، آ، ل، آ، ب بیت ۱۰۹۷ پس از بیت ۱۰۹۹ آمده است ۲۴- ل- س (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۵- ف، س (نیز پ، ب): سپهر؛ (ل، آ: بهشت)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، و، لن) ۲۶- س (نیز لن، ل، ل، آ، و، لن، آ، ب): دلارای؛ س (نیز ق): دل افروز؛ متن = ف، ل، ل (نیز پ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۷- (و: بد) ۲۸- ق: زد؛ (ل: او) ۲۹- ف: بکزی و تندت ۳۰- ل، ق (نیز ل، آ): بر؛ س: پیش مادر؛ س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): شدست اوز مادر؛ متن = ف (نیز ق، ل، پ، و، آ) ۳۱- س (نیز لن، ب): برآسوده؛ متن ← ۳۲- (لن، پ: کارزار)؛ ف: بماند اندرین گردش روزگار (= ۱۰۹۶ ب)؛ متن = ل، س، ل (نیز ق، ل، ل، آ، و، لن، آ)؛ ل- س



برین ^۱ گر ^۲ ندارم ^۳ ز یزدان سپاس کروبیست ^۶ پیروزی و دستگاه	۱۱۰۵
مبادا که شب زنده مانم ^۴ سه ^۵ پاس هو آفریننده ی هور و ماه	
ز یک سوی آن شارستان ^۷ کوه بود به روی دگر رود و آب ^۸ روان کشیدند بر دشت پرده سرای زمین هفت فرسنگ لشکر گرفت سراپرده زد رستم از دست راست به چپ بر فربرز کاوس و طوس ^{۱۷} برفتند و بستند ^{۱۹} پرده سرای شبانگه ^{۲۱} برآمد ز هر سو جرس ^{۲۲} زمین را همی دل برآمد ز جای چو خورشید برداشت از چرخ ^{۲۶} زنگ ^{۲۷}	۱۱۱۰ ۱۱۱۵
ز پیگار لشکر بی اندوه بود که روشن ^۹ شدی ^{۱۰} مرد ^{۱۱} را ز روان ز ^{۱۲} هر سوی دز ^{۱۳} پهلوانی ^{۱۴} به پای ز لشکر زمین دست بر سر گرفت ^{۱۵} ز شاه جهاندار ^{۱۶} لشکر بخواست درفش ^{۱۸} دل افروز بر پای و کوس ^{۱۸} سوی رود گودرز بگزید جای ^{۲۰} خروشیدن پاسبان ^{۲۳} پیش و پس ^{۲۴} ز بس ناله ی پیل ^{۲۵} و شیپور و نای بدزید پیراهن ^{۲۶} مُشک رنگ،	

۱- ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب): بدین؛ س: بدی (!)؛ متن = ف، س (نیز ل، پ، و) ۲- ق: چون ۳- (لن، پ):
بدارم) ۴- ل (نیز ق): باشم؛ ق (نیز لن): خفته مانم؛ (ل: دیده باشم)؛ س، ل (نیز پ، لن، ب): نباید که شب خفته مانم (پ: باشم)؛
متن = ف، س (نیز ل، و، آ) ۵- ل (نیز لن): دو؛ درف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ل- س (نیز لن- ب)
۶- ف: ازویست؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۷- ق، ل (نیز ل، ل، پ، لن، ب): شارسان ۸- ل: بودش
آب؛ ق (نیز ل): آب بودی؛ ل (نیز لن): رود آب؛ (و: آب و رود؛ آ: آب و رودی)؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، پ، لن، ب) ۹- ف:
زنده؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۱۰- ق (نیز ل): بود ۱۱- ف، ل، س (نیز پ): مرده؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستویس
دیگر) ۱۲- س، س (نیز لن، ب): به ۱۳- ل (نیز ق، آ): در؛ (ل: هر دریکی؛ و: هر سودری) ۱۴- س: پهلوانان؛ (پ:
هر سودریش کیانی) ۱۵- ف پس از این بیت افزوده است:

برفتند و بستند پرده سرای (= ۱۱۱۲ آ)
به هر جای کرده درفشی به پای
۱۶- ف: جهان گیر؛ متن = ل- س (نیز ق- ب) ۱۷- ل، ق (نیز ل، پ): کاوس بود؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ق، ل، و، لن، آ،
ب) ۱۸- س، ل، س (نیز ق، ل، و، لن، آ، ب): با (ل: بر) بوق (ل، آ: پیل) و کوس؛ ل، ق (نیز ل، پ): دل افروز با بوق و با کوس
بود؛ متن = ف ۱۹- ل، ق (نیز ق، ل): بردند؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، پ- ب) ۲۰- ف، ل، ق (نیز ق، ل، و، آ):
سیم (ق، ق، ل، سوم؛ ل، و: سیوم) روز (ل، ق: روی) گودرز بگزید (ق: بگزید گودرز) جای؛ س، ل (نیز پ، لن، ب): نبرد عدورا (س:
دلیران) بکردند رای (پ: جای)؛ س: سوی رود بگزیده کردند جای؛ متن تصحیح قیاسی است (س- س)؛ بنداری (۱۱۱۰-۱۱۱۲): فنزل
رستم علی الجانب الأيمن من المدينة، ونزل فری برزین کیکاوس علی یسارها، ونزل جودرز علی جانب من المدينة ۲۱- (ق: شب آمد)؛
متن ← ۲۲- ل: خروش؛ س، ق، ل، س (نیز لن، ل، پ، لن، ب): شب آمد ز هر سو برآمد خروش؛ متن ← ۲۳- (ق: نای
از)؛ متن ← ۲۴- ل: تو گفתי جهانرا بدزید گوش؛ س، ل، س (نیز لن، پ، لن، ب): زمین گشت یکسر پیراز جنگ و جوش؛ ق:
خروش بلان بس بدزید گوش؛ (ل: خروشیدن نای روین و کوس)؛ متن = ف (نیز ل، آ)؛ بنداری: ولما جن الليل قامت القيامة من خفق الطبول
و نعرات الحرس من جميع أطراف البلد ۲۵- ل، ق (نیز ق، پ): بوق؛ س، ل، س (نیز لن، ل، پ، لن، ب): کوس؛ (ل: شورش اسب؛ آ:
شبه اسب)؛ متن = ف ۲۶- (ق: دشت) ۲۷- ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، لن، ب): رنگ (پساوند ندارد)؛ ل (نیز آ): رنگ
(نقطه ندارد)؛ س، س (نیز ل، و): زنگ (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = (پ)

(نیز لن- ب) پس از این بیت افزوده اند: بدی کوبدان جهان را سرست به پیری رسیده کنون برست (ل: برترست؛ لن: بدترست)
ف این بیت را ندارد

نشست از بر اسپ شبرنگ شاه
 چنين گفت با رستم پيل تن
 چنان^۲ دارم اوميد^۳ کافراسياب
 اگر گشته گر^۵ زنده^۶ آيد به دست
 برآتم که او را ز هر سو سپاه
 ۱۱۲۰ بترسند و از^۹ ترس ياری دهند^{۱۱}
 بکوشيم تا پيش از آن کو سپاه
 همه باره‌ی دز فرود آوريم
 سپه را کنون روز سختی گذشت
 ۱۱۲۵ چو دشمن به ديوار گيرد پناه
 شکسته دلست او بدین شارستان^{۱۵}
 چو گفتار کاوس ياد آوريم
 چنين^{۱۹} گفت کين کين^{۲۰} با شاخ و برد^{۲۱}
 پسر بر پسر^{۲۴} بگذراند^{۲۵} به دست^{۲۶}

بيامد بگردید گرد سپاه^۱
 که ای نامورمهر^۲ انجمن،
 نیند جهان نیز هرگز^۴ به خواب
 بیند سر تیغ یزدان پرست
 بیاید که هستش^۷ چنين دستگاه^۸
 نه از کين و از^{۱۱} کامگاری دهند^{۱۰}
 بخواند^{۱۲}، بروبر بگیريم راه
 همه سنگ و خاکش به رود آوريم
 همان رنج رزم^{۱۳} ایدر^{۱۴} آرام گشت
 ز پیگار و کینش نترسد سپاه
 کزین پس بود^{۱۶} بی گمان خارستان^{۱۷}
 روانها^{۱۸} همه سوی داد آوريم
 نپوشد^{۲۲} زمانه^{۲۳} به زنگار و گرد
 چنين تا شود سال صدبار^{۲۷} شست

۱- س (نیزلن، لن)؛ بگردار گرد سپاه ۲- ل: چنين ۳- ل- س (نیزلن- ب): امتید؛ متن = ف ۴- س (نیزلن، ب): دیگر؛
 ق (نیزل)؛ ازین پس بزرگی؛ (ل، آ: دگر تخت شاهی)؛ س: ازین پس بزرگی نیند؛ متن = ف، ل، ل (نیزق، پ، و، لن)؛ درس بیت های
 ۱۱۱۸-۱۱۲۳ پس از بیت ۱۱۲۷ آمده اند ۵- ف، ق (نیزلی، ل، آ): یا؛ متن = ل، س، ل، س (نیزلن، ق، پ، و، لن، ب) ۶-
 ق (نیزلی، ل، آ): زنده یا کشته ۷- س (نیزلن، ب): دارد؛ متن ← ۸- (ل، آ): کنون دستگاه؛ ل، ق (نیزل)؛ بیاری بیاید بدین
 رزمگاه؛ ل: بخواند بروبر بگیريم راه (= ۱۱۲۲ ب)؛ (ق): بگرد اندرآید کنون کینه خواه؛ متن = ف، س (نیزپ، و، لن، ب)؛ بیت های
 ۱۱۲۰-۱۱۲۴ در دستنویس ها درهم ریخته اند، ف: ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱ (بیت ۱۱۲۴ را ندارد)؛ ق: ۱۱۲۰-۱۱۲۲، ۱۱۲۴ (بیت
 ۱۱۲۳ را ندارد)؛ ل: ۱۱۲۰+ ۱۱۲۲ ب (۱۱۲۰- ۱۱۲۲ آ را انداخته و از ۱۱۲۰ و ۱۱۲۲ ب یک بیت ساخته است)، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴؛
 پایی بیت های متن = ل، س، لن- و، آ، ب که با ترجمه بنداری نیز میخواند (۱۱۱۵-۱۱۲۳): و حين أصبح الملك كیخسرو ركب و طاف في
 المعسكر و قال لرستم: إن افراسياب قد فرق الرسل في الأطراف يستجد الملوك، و قعد متحصنا بهذه المدينة. والرأى أن نجد و نجهد حتى نفرغ من أمره و
 أخذ بلده قبل وصول مدده ۹- ل: وز ۱۰- ل، ق، س (نیزق)؛ کتند؛ متن = ف، س (نیزلن، لی- ب) ۱۱- ل، ق، س: وز؛ (ق):
 کینه و)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۲- ق: یارد ۱۳- ل (نیزل)؛ روز رزم؛ س، ل (نیزلن، پ، ب): روز رنج؛ ق: جای رزم؛ (ق):
 روز بزم؛ متن = س (نیزلی، آ) ۱۴- ل، س، ق، ل (نیزلن- ب، پ): اندر؛ متن = س (نیزآ)؛ ف این بیت را ندارد ۱۵- ل (نیز
 لی، ل، پ): شارسان ۱۶- ل، س، ل، س (نیزلن، پ، و، ب): شود؛ متن = ف (نیزق، ل، آ) ۱۷- ل (نیزلی، ل، پ):
 خارسان؛ ق این بیت را ندارد ۱۸- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، پ، و، ب): را؛ متن = ف، ق (نیزلی، ل، آ) ۱۹- ل: کجا؛ (پ):
 که او) ۲۰- س، ل (نیزلن، ب): گیتی (لن: کینی) که ۲۱- ل (نیزق، ل، آ): با دارو برد؛ ل: با شاخ زرد؛
 متن = ف، س، ق، س (نیزلن، لی، پ، آ، ب) ۲۲- ف، ل، س، ق (نیزلن، ق): سپوشد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیز
 ل، پ، آ، ب): سپوشد؛ متن = (ل) ۲۳- س، ل (نیزلن، ب): زمانه سپوشد ۲۴- س: پدر بر پدر؛ ل (نیزلن، لی، ب):
 پدر بر پسر؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ل، پ، و، آ) ۲۵- ل، ق (نیزلی، ل، پ، و، آ): بگذرانم؛ متن = ف، س، ل، س (نیز
 ل، ق، و، ب) ۲۶- (لن، ل: بدشت) ۲۷- ل، ق (نیزل، پ): بر پنج؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، آ، ب)

۱۱۳۰ بسان درختی بود تازه برگ
 پدر بگذرد کین بماند به جای
 بزرگان برو آفرین خواندند
 که کین پدر بر تو آید به سر^۱
 دل^۱ کین شاهان نترسد ز مرگ
 پسر باشد آن^۲ کینه^۳ را رهنمای
 ورا خسرو پاک دین خواندند
 مبادی^۵ بجز شاد^۶ و پیروزگر^۷

گفتار اندر پیغام فرستادن افراسیاب به کیخسرو^۸

دگر روز چون خور برآمد ز^۱ راغ^{۱۱}
 خروشی برآمد بلند از حصار
 همانگه در دز گشادند باز
 بیامد بدر^{۱۶} جهن با ده^{۱۷} سوار
 بشد پیش دهلیز پرده سرای
 بیامد بر شاه سالار بار
 شهنشاه بنشست^{۲۱} بر تخت عاج
 و زان^{۲۲} پس بیامد منوشان^{۲۳} گرد
 خردمند چون پیش^{۲۴} خسرو رسید
 بماند اندرو جهن جنگی شگفت
 چو آمد بنزدیک تختش فراز
 چنین گفت کای نامورشهریار
 برو بوم ما بر تو فرخنده باد!
 ۱۱۳۵ نهاد از^{۱۱} بر چرخ زرین چراغ^{۱۲}،
 پُراندیشه شد زان سخن^{۱۳} شهریار
 برهنه^{۱۴} شد آن^{۱۵} روی پوشیده راز
 خردمند و^{۱۸} با دانش و مایه دار
 همی بود با نامداران به پای^{۱۹}
 بگفت آنک^{۲۰} جهن ست با ده سوار
 به سر بر نهاد آن دل افروز تاج
 خرید یافته جهن را پیش برد
 شد از آب دیده رخس ناپدید
 کلاه بزرگی ز سر برگرفت^{۲۵}
 برو آفرین کرد و بردش نماز
 همیشه جهان را به شادی گذار!
 دل و چشم بدخواه تو کنده باد!

۱- س: بدل؛ ق این بیت را ندارد؛ در س: ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲- ل (نیزلی، ل، آ): این ۳- ل- س: (نیز لن، پ، و، لن، ب): درد؛ متن = ف (نیزلی، ل، آ) ۴- س: بازخواهد پسر ۵- س: مبادا ۶- ل: شاه ۷- ق (نیز ق): جزاز (ق: بجز) خسرو دادگر؛ (ل، آ): بود یا ورت ایزد دادگر؛ و: که جاوید بادی و پیروزگر) ۸- ف: پیغام فرستادن شاه افراسیاب بردست جهن پسر خویش به کیخسرو و عذرخواستن و پوزش نمودن و پشیمان شدن؛ ل: پیام آوردن جهن به کیخسرو؛ س: آمدن جهن برسول بنزدیک شاه کیخسرو؛ ق: آمدن جهن افراسیاب برسالت نزد کیخسرو؛ ل: آمدن جهن نزد کیخسرو برسول؛ س: پیغام افراسیاب به کیخسرو برسول؛ متن = ف ۹- (ق: به) ۱۰- ل: باغ؛ (پ، و: زاغ) ۱۱- ق (نیزلی، لن، آ): نهادند ۱۲- ف (نیز پ): جناغ؛ متن = ل- س: (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۳- س، س: (نیز لن، لن، ب): دل ۱۴- (ل، پ: گشاده) ۱۵- ف، ل، س (نیز ق، ب): از (؟)؛ متن = ق، ل، آ، س: (نیز لن، لی- آ) ۱۶- ل- س: (نیز پ، و، ب): زد ز؛ (ل، ل، لن): زدر؛ متن = ف (نیز ق، لی، آ) ۱۷- ف: دو؛ متن = ل- س: (نیز لس- ب) ۱۸- س، ق، س: (نیز ق، لی، ل، ب): [و] ۱۹- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب)؛ بنداری (۱۱۳۸-۱۱۴۱): فلما قرب من باب سرادقه وأعلم الملك بمجيئه أمر منوشان أحد أصبهذيته فخرج اليه وأخذ بيده ودخل به ۲۰- ق (نیزلی، پ، آ): بگفتا که: (ل: بگفتش که؛ لن: بگفت آنکه)؛ متن = س، ل، س: (نیز لن، ق، و، ب)؛ ف، ل این بیت را ندارند ۲۱- ف: شهنشه نشست از؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن- ب)؛ ل این بیت را ندارد ۲۲- ل، ق: از آن ۲۳- ل: نوشان ۲۴- س، ل: (نیز لن، لن، ب): نزد ۲۵- ق این بیت را ندارد

همیشه بزى^۱ شاد^۲ و یزدان پرست!
 به شاهی نشستن و شاد آمدن!^۴
 پیامی گزارم از^۶ افراسیاب
 چو از جهن گفتار بشنید^۸ شاه
 ۱۱۵۰ نهادند زیر خردمندمرد
 چنین گفت با شاه کافر آسیاب
 نخستین درودی رسانم به^{۱۲} شاه
 که یزدان سپاس و بدوم پناه
 ۱۱۵۵ ز راه پدر شاه تا کیقباد
 ز شاهان گیتی سرش برترست
 به ابراندرون تیزپران عقاب
 همه پاسبانانِ تختِ تواند^{۱۷}
 بزرگان که با تاج و با زیورند^{۱۸}
 ۱۱۶۰ شگفتی ترا^{۲۱} از کار دیو نژند
 بدان مهربانی و آن راستی
 که بر دست من پور کاوس شاه

به رادی برین بوم گسترده دست!^۳
 به نیکی همه داستان‌ها زدن!^۵
 اگر شاه را زان^۷ نگیرد شتاب
 بفرمود زرین یکی زیرگاه^۹،
 نشست و پیام پدر یاد کرد
 نشسته‌ست با^{۱۱} درد و مژگان پُر آب^{۱۱}
 از آن داغ دل‌شاهِ توران سپاه
 که فرزند باشد^{۱۳} بدین پایگاه
 ز مادر سویی تور دارد نژاد
 به چین نام او تخت را^{۱۴} افسرست
 نهنگِ دلاور به^{۱۵} دریای آب^{۱۶}،
 دد و دام شادان به بخت تواند^{۱۷}
 به^{۱۹} روی زمین مرترا چاگردند^{۲۰}
 که هرگز نخواهد به ما^{۲۲} جز گزند
 چرا شد دل من^{۲۳} سویی کاستی
 سیاوخش^{۲۴} رد گشته شد بی‌گناه

۱- ل: بدی ۲- س: شاه ۳- ل، ق (نیزل، پ)؛ و: برو بوم ما بیش (ق: بر تو؛ پ: هم تو) گسترده دست؛ س، ل، س^۲ (نیزلن، ق^۲، ل^۲، ب): برین بوم ما بیش (س: نیز؛ ق: شایسته) گسترده دست (س، ل: کرده دو دست)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۴- ل، ق (نیزل، پ): خجسته شدن باد (ق، پ: باز) و باز آمدن؛ س (نیزلن، ق^۲، ل، و، ل^۲، آ، ب): خجسته نشستی و شاد آمدی؛ ل: خجسته شدن شاد باز آمدنت؛ س: خجسته نشسته‌ست و شاد آمدست؛ متن = ف ۵- ل: زدنت؛ س: زدست؛ (ق: ل، و، آ: زدی)؛ س (نیزلن، ل^۲، ب): همه داستان‌ها نیکی زدی؛ متن = ف، ل، ق (نیزل، پ) ۶- ف، ل، س: ز ۷- س (نیزلن، ب): زرین؛ (ق: دل) ۸- ف (نیزل، آ): پیغام بشنید (= ۱۲۰۷)؛ س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، پ، ل^۲، ب): بشنید گفتار؛ (ل: بشنید پیغام)؛ متن = ل (نیزق، و) ۹- ل (نیزل، پ): پیشگاه؛ س (نیزلن، ب): همی کرد خندان بدو در نگاه (= ۱۲۰۷)؛ متن = ف، ق، ل، س^۲ (نیزق، ل، و، ل^۲، آ)؛ س، ل، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بفرمود زرین یکی پیشگاه

نهادند نزد خردمندشاه

۱۰- ل، ق، س^۲ (نیزل، و): بر؛ متن ← ۱۱- (ق: دیده پر آب)؛ س (نیزلن، ل^۲، ب): با دیدگان پر ز (ل: پر) آب؛ متن = ف، ل^۲ (نیزلی، پ، آ) ۱۲- ف: ز؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ب) ۱۳- ل، ق (نیزلی، آ): دیدم؛ س: بینم؛ (و: بیند؛ ل: که دیدم نیره)؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، ق^۲، پ، ل^۲، ب)؛ ل، ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند:
 که لشکر کشد شهر یاری کند

به پیش سواران (ل^۲، پ: بدین چرخ گردان) سواری کند

۱۴- س (نیزلن، ب): تخت را نام او ۱۵- ق (نیزلی، آ): ز ۱۶- س: دد و دام شادان نبیند در آب ۱۷- ل: وی اند؛ س^۲ این بیت را ندارد ۱۸- س، ل، س^۲ (نیزلن، ل^۲، ب): افسرند؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل^۲، پ، و، آ) ۱۹- ق، ل: ز ۲۰- ل- س^۲ (نیزلن، ق^۲، ل^۲، پ، و، ل^۲، ب): کهترند؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۲۱- ل: تو ۲۲- س (نیزو): مرا؛ (ل: بن) ۲۳- س: ما ۲۴- ف، ل، ق، ل^۲ (نیزل، ل^۲، آ): سیاوش؛ (ل، پ: سیاوش)؛ متن = س، س^۲ (نیزلن، ق^۲، و، ب)

<p>نشسته ز یکسو، نه خواب و نه خورد^۲ ببرد از دلم ترس گیهان خدیو به جنگ^۳ اندرون این^۴ فسانه مرا پذیرنده‌ی مردمِ پارسا^۵ پر از باغ و ایوان و میدان^۶ و کاخ بهانه سیاوخش^۷ و افراسیاب به تن همچو پیل و به زور نهنگ سری نیز نزدیک تن شان^۸ نبود به^۹ کشور جز از دشت ویران^{۱۰} نماند نماند ز ما^{۱۱} نام تا رستخیز به فرجام پیچان شویم از گزند نیاساید از کین دلت یک زمان جز او را مکن بر دل آموزگار سری پُر ز کین، دل^{۱۲} پُر از خون تراست برآورده‌ی بوم و^{۱۳} کشت من ست هم ایدر نگین و هم ایدر کلاه هم انجام شیران^{۱۴} روز^{۱۵} نبرد گل^{۱۶} و لاله و رنگ و شی گذشت که بر نیزه‌ها گردد افسرده دست</p>	<p>جگرخسته‌ام زین^۱ سخن پُر ز درد نه من گشتم او را که ناپاک دیو ۱۱۶۵ زمانه وُرا بُد، بهانه مرا تو اکنون خردمندی و پادشا نگه کن که تا چند شهر فراخ شدند^۲ اندرین^۳ کینه جستن خراب همان^۴ کارزاری^۵ سواران جنگ ۱۱۷۰ که جز کام شیران کفن شان نبود یکی منزل اندر بیابان نماند جز از کینه و زخمِ شمشیر تیز نیاید جهان آفرین را پسند اگر^۶ جنگ جویی همی^۷ بی گمان ۱۱۷۵ نگه کن بدین گردش روزگار که ما در حصاریم و هامون تراست همی گنگ خوانم^۸، بهشت من ست هم ایدر مرا گنج و ایدر^۹ سپاه هم انجام کشت و هم انجام^{۱۰} خورد ۱۱۸۰ ترا گاه^{۱۱} گرمی و خوشی^{۱۲} گذشت زمستان و سرما به پیش اندرست</p>
---	--

۱- س: زان ۲- ل، ق (نیزل): بیکسوز خواب و ز خورد: س، ل (نیزل، آ، ب): بیکسو (س: بیکجا) ابی خواب و خورد: س: بیکسو
 بر از خواب و خورد: (ق: بیک گوشه بی خواب و خورد: ب: بیکسوی از خواب و خورد: و: بیکسوپر از خون و گرد: ل: بیکسونشتم نه خواب و
 نه خورد): متن = ف ۳- پ: جنگ ۴- ل، ل، س، ل (نیزل، ق، آ، ل، پ، و، لن، آ، ب): بد: ق: شد: س: [این]: متن = ف (نیزل،
 آ) ۵- ق این بیت را ندارد ۶- س، ل، س، ل (نیزل، ل، ل، و، لن، آ، ب): میدان و ایوان: ق این بیت را ندارد ۷- ل، ل، س، ل، ل،
 س (نیزل-ب): شدست: متن = ف ۸- ق: جهان شد ازین ۹- ف، ل، س، ق (نیزل، آ، ب): سیاوش: (ل، پ: سیاوش):
 متن = ل، س، ل (نیزل، ق، آ، و) ۱۰- س: همه ۱۱- س، ق، ل (نیزل، آ، ب): کارزار: متن = ف، ل، س، ل (نیزل-و،
 آ) ۱۲- ف (نیزب): سرشان (!): متن = ل-س (نیزل-آ) ۱۳- ق، س (نیزق، ل، آ): ز ۱۴- س: بیران ۱۵-
 (ق، و، متن): ف، ق این بیت را ندارند ۱۶- ل، ل، س، ق، ل (نیزل-ب، پ، لن، آ، ب): وگر: متن = ف، س (نیزو) ۱۷- س:
 جنگ جویان همی ۱۸- س (نیزل): کین و: (ق، ل، و، آ: دل پرز کین و): متن = ف-ل (نیزب، لن، آ، ب): ف در اینجا سرنویس
 دارد: رسیدن جهنم پسر افراسیاب پیش شاه کیخسرو و استقبال کردن لشکر او را و پیغام گزاردن او: س پس از بیت ۱۱۷۶ افزوده است:
 من این شهر آباد و میدان و کاخ برینسان برآورده جایسی فراخ
 ۱۹- (ل: خوانی) ۲۰- ق: برآورده این بوم: س: برآورده از بوم: (ل، ل، پ: برآورده و بوم و): متن = ف، ل، س، ل (نیزل، ق، آ، و،
 لن، آ، ب) ۲۱- ف: گنج و تخت و: (ق: گنج و خیل و): متن = ل-س (نیزل، ل، ب) ۲۲- س: انجام برگشت و
 انجام ۲۳- ل: مردان: ق: شرمردان (وزن ندارد): متن = ف، س، ل، آ، س (نیزل-ب، پ، لن، آ، ب) ۲۴- ف: دشت: متن = ل-
 س (نیزل-ب، پ، لن، آ، ب) ۲۵- ف: روز: متن = ل-س (نیزل-ب) ۲۶- ق (نیزل): خشکی ۲۷- س (نیزل، ب): همان

- ۱۲۱۰ درودی که دادی از^۱ افراسیاب
 شنیدم، همان^۲ باد بر تاج و تخت!
 دگر^۳ آنک او گفت^۴: یزدان سپاس
 ز شاهان گیتی دل‌افروزتر
 مرا داد یزدان همه^۵ هرچ^۶ گفت
 ۱۲۱۵ ترا چند^۷ خواهی سخن چرب^۸ هست
 کسی کو به دانش توانگر^۹ بود
 فریدونی فرخ ستاره نگشت
 تو گویی^{۱۰} که من برشوم بر سپهر
 دلت جادوی را^{۱۱} سر مایه گشت
 ۱۲۲۰ زبان چرب و گویا و دل^{۱۲} پردروغ
 پدرگشته را شاه گیتی مخوان
 همان مادرم را ز پرده به راه^{۱۳}
 مرا نوز^{۱۴} نازاده از مادرم
 هر آنکس که بد پیش^{۱۵} درگاه تو
 ۱۲۲۵ که هرگز به گیتی کسی آن^{۱۶} نکرد
 که بر^{۱۷} انجمن بر^{۱۸} زنی را گشان
- که گفتی^۱ که او کرد^۲ مژگان پُرآب
 مبادم بجزه شاد و پیروز بخت!
 که بینم^۳ همی پور یزدان شناس
 پسندیده‌تر، شاد^۴ و پیروزتر
 که با این^۵ هنرها خرد باد جفت
 به دل نیستی پاک و یزدان پرست
 ز گفت او به کردار^۶ بهتر بود
 نه از خاک تیره پی^۷ برگذشت^۸
 بشتی برین^۹ گونه از شرم چهر
 سخن بر زبانت^{۱۰} چو پیرایه گشت
 بر مرد دانا نگیرد فروغ
 کنون کز^{۱۱} سیاوش نماند استخوان
 کشیدی و گشتی چنین^{۱۲} کینه خواه^{۱۳}
 همی آتش افروختی بر سرم
 بنفرید بر جان بدخواه^{۱۴} تو
 ز شاهان و گردان و مردان مرد،
 سپارد بزرگی به مردم گشان،

۱- ف، ل، س: ز ۲- ل، ق، ل، س: (نیز ل، آ): بگفتی: س (نیز ل، ب): تو گفتی: متن = ف (نیز ق، ل) ۳- (ق): که کردست ۴- ل: همین: س (نیز ل، ب): چنین: ق: چنان: متن = ف، ل، س: (نیز ق، ل، پ، لن، آ) ۵- ل: س: (نیز ل، ق، ل، پ، لن، آ، ب): مگر: متن = ف (نیز ل) ۶- ل: دم (دوم): ل (نیز پ، لن، ب): نخست: متن = ف، س، ق، س: (نیز ل، ق، ل، ل، و، آ) ۷- ل، ل، ل (نیز ل، پ، لن): گفتی ز: س (نیز ل، ب): کردی ز: (ل، آ: گوید که: و: گفتی که): ق: آنچه گفتی که: متن = ف، س: (نیز ق) ۸- (ق: بند) ۹- ل، ق، س: (نیز ق، ل، پ، و): شاه: (ل، آ: نیز): ل (نیز ل): پسندیده شاه: متن = ف، س (نیز ل، ب) ۱۰- ف: همان: متن = ل: س: (نیز ل، ب) ۱۱- ق، ل، س: هرچه ۱۲- ل (نیز ل): آن ۱۳- (ق: هرچه) ۱۴- ف، ل، س: (نیز ق، لن): خوب: متن = ل، س (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب): ق، ل: این بیت را ندارند ۱۵- س: تونگر ۱۶- ل (نیز ل، ل، لن): ز گفتار و کردار: س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، پ، آ، ب): ز گفتار کردار: س: ز گفتار باید که: متن = ف ۱۷- ل، ل، س: (نیز پ): همی: س (نیز ل): به پی: (ق، ل، آ: تنی: ل، آ: سرش): متن = ف (نیز ل، ب) ۱۸- س (نیز ق، ل): درگذشت: ق: پی اندرگذشت ۱۹- ق (نیز ل، پ): گفتی ۲۰- ق، س: (نیز ل، ل، آ): بدین ۲۱- ف: جادوی ها: ل: جادوی را چو: س: یار جادو: (ل، آ: جادوی چون): متن = س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، پ، و، لن، ب) ۲۲- ف: زفانت: درو بیت های ۱۲۱۹-۱۲۵۴ پس از بیت ۱۵۷۷ آمده است ۲۳- ف (نیز و): زبان چرب گویا و دل: ل، ق (نیز پ): پر ز گفتار و دل: س (نیز ل، لن، ب): چرب و گویا دلت: س: (نیز ل): چرب گویا دلت: متن = ل (نیز آ) ۲۴- ف: از: متن = ل: س: (نیز ل، پ، لن، آ، ب) ۲۵- س (نیز ل، ل، ب): ز پرده سرای ۲۶- ق: چنان ۲۷- س: تیره رای: ل: بیگناه: (لن: تیره جای: ل: ناسزای) ۲۸- ف (نیز ل): نیز: (ق): خود به: لن: (توز): متن = ل: س: (نیز ل، پ، و، آ، ب) ۲۹- ل: او بد به ۳۰- ل، ق، ل (نیز ق، ل، و، لن، ب): بی راه: متن = ف، س، س: (نیز ل، ل، پ، آ) ۳۱- ل: کس آن بد ۳۲- س: بر آن: (ب: ابر) ۳۳- ل (نیز ل، پ، لن، آ):

که تا دخترش^۱ بچه را بفگند
 خردمندپیران بدانجا رسید
 چُنین^۴ بود فرمانِ یزدان که من
 گزند و بلای^۷ تو از من بگاشت^۸ ۱۲۳۰
 و زان^{۱۰} پس که^{۱۱} گشتم ز مادر جدا
 بنزد^{۱۴} شبانان فرستادیم
 بُران دایه و پیشکارم^{۱۷} شبان
 چُنین بود تا روز بر من گذشت^{۱۸}
 به پیش تو آورد^{۱۹}، کردی نگاه ۱۲۳۵
 بسان سیاوش سرم را ز تن
 زبان مرا پاک یزدان بیست
 مرا بی دل و بی خرد یافتی
 سیاوش نگه کن که از راستی
 ز گیتی پناه^{۲۴} ترا برگزید ۱۲۴۰
 بپرداخت ایران و تخت و کلاه^{۲۵}
 وفا جست و بگذاشت آن انجمن
 زننده همی تازیانه زند^۲
 بدید آن ز هر گونه گفت و شنید^۳
 سرافراز^۵ باشم^۶ به هر انجمن
 که با من زمانه یکی^۹ راز داشت
 چنان چون بود بچه^{۱۲} بی بها^{۱۳}،
 به پروار^{۱۵} شیر بُران^{۱۶} دادیم
 نه آرام روز و نه خوابِ شبان
 مرا اندر آورد پیران ز دشت
 که هستم سزاوار تخت و کلاه؟
 بیری^{۲۰} و تن هم نیابد^{۲۱} کفن
 همان خیره ماندم به جای نشست
 به کردار بد تیز نشافتی^{۲۲}
 چه کرد و چه دید از بد و کاستی^{۲۳}:
 چنان کز ره نامداران سزید
 بیامد ز گیتی ترا خواند شاه
 بدان تا نخوانیش^{۲۶} پیمان شکن

- ۱- (پ: که دخترش مر) ۲- ل: خورد (پس او نداشت): در ل، پ لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ س، لن پس از این بیت افزوده اند
 گر از سوی (لن: شوی) این بچه پرورش بود نه با آن گرانمایه دخترش بود
- ۳- ل- س: (نیز لن- ب): بدید آنک (آنکه) هرگز ندید و شنید: متن = ف ۴- س، ق، ل: چنان ۵- ف: سزاوار: متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۶- ل، ق، ل: (نیز ل: ۲): گردم: متن = ف، س، س: (نیز لن، ق، آ، ل، پ- ب): ف، ل، آپس از این بیت افزوده اند:
 بخواهم ز تو کین آن شهریار (ل، آ: باب بزرگ) که او را بند در جهان نیز بار (ل، آ: که تا بعد ازین شاه نبود سترگ)
- ۷- س (نیز لن، ب): بلای و گزند: ل، س: (نیز ب): که ایزد بلای: متن = ف، ق (نیز ل، ل، و، لن، آ) ۸- ل (نیز ل، ل، و، ب): بکاست: ل: نگاشت: (آ: بگشت): متن = ف، س، ق، س: (نیز لن، پ، لن، آ): (ق: کز ایذر بلایت زمن بازداشت) ۹- ف: چو با من زمانه چنین: متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۰- ل: از آن ۱۱- ف: چو: متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۲- (پ، و: زاده: لن: مردم) ۱۳- س (نیز ل: ۲): ازدها ۱۴- ل (نیز ب): پیش ۱۵- ل، س (نیز و): بیرواز: ق، س: (نیز لن): پروار: (ل، آ: پروار: ل: بیروار: ل: بیرواز): متن = ف، ل: (نیز لن، آ، ب) ۱۶- ف، ل (نیز ل: ۲): شیران نر (؟): س، ل: (نیز لن، آ): شیر نران (ه- بزبان؟): متن = ق، س: (نیز لن، ل، پ، ب): (ق: خورش شیر میش و بزبان) ۱۷- (ق: پیشکارو، ل، آ: پیشکاران: پ، و: پیشکاره): ل: مرا دایه و پیشکاره: متن = ف، س، ل، س: (نیز لن): (ق، ب این بیت را ندارند ۱۸- ل (نیز ق: ۲): روز من برگذشت: (ل: روز اندرگذشت) ۱۹- ل- س: (نیز لن، ق، آ، پ- ب): آورد و: متن = ف (نیز ل، ل) ۲۰- س، ل: (نیز لن، ب): ببرتند ۲۱- ف: تن را نباشد: ق، ل: (نیز ل: ۲): هم تن نیابد: متن = ل، س، س: (نیز لن، ق، آ، ل، پ- ب) ۲۲- ل (نیز لن، و): نشافتی: (حرف یکم نقطه ندارد): س، ل، س: (نیز ق، آ، ل، ل، آ، ب): بشافتی: متن = ف، ق (نیز ب) ۲۳- ل (نیز ق، و): (و): [و]: ف: چه دید و چه کردی تو از: س: چه دید و چه کرد از بدو: (ل: چه دید و چه آمد بدو): متن = س، ق، ل: (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۴- (لن: بیامد): ق (نیز ل، ل، آ): بیامد ز گیتی: متن = ف، ل، س، ل، س: (نیز ق، پ، و، لن، آ، ب) ۲۵- ل: ز بهر تو پرداخت آیین و گاه: س، ل، س: (نیز لن، پ، لن، آ، ب): ز بهر تو بگذاشت (س: پرداخت: پ: بهر تو پرداخت) تخت و کلاه: متن = ف، ق (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۲۶- ف: نخوانندش: متن = ل- س: (نیز لن- ب)

سُترگی ^۱ و گردی ^۲ و راه وُرا، بیفگندی آن پاک‌تن ^۳ را ز پای بریدند همچون ^۴ سرِ گوسپنده ^۵ نبودی مگر بدتن و بدگمان کجا با پدر ^۷ دستِ بد را بشت نه راهِ بزرگی، نه آیینِ دین ^۸ پدر شاه و از ^{۱۱} تخمِ شهریار کجا نیک‌نامی بُدش ^{۱۴} آرزوی ^{۱۵} ، به بدگوهر از راه ^{۱۶} آهرمنی فزون آید از گردشِ روزگار نه گویی که ^{۲۰} از مردمان ^{۲۱} زاده‌بی ^{۲۲} دل و رای من سوی زشتی ^{۲۳} کشید چو شدشان دل از نیکوی ناامید، ز هر نیکوی ^{۲۵} دست کوتاه کرد ز بدگوهر و گفت ^{۲۶} آموزگار نبیند دلش کژی و ^{۲۸} کاستی که پیران بکشت اندر آوردگاه ^{۳۰} نجویی جز از رنج ^{۳۲} و راهِ زیان ^{۳۳}	چو دیدی بر و گردگاه وُرا بجنیدت آن گوهر بد ز جای سر تاجداری چنان ارجمند ز گاهِ منوچهر تا این زمان ز تور اندرآمد زیان ^۶ از نخست پسر بر پسر بگذرد همچون ^۸ زدی گردنِ نوذر تاجدار ^{۱۰} برادرتِ اغریب ^{۱۲} نیک‌خوی ^{۱۳} بگشتی و تا بوده‌یی بدتنی کسی کز ^{۱۷} بدیهات گیرد ^{۱۸} شمار نیالی به دوزخ فرستاده‌یی ^{۱۹} دگر آنک گفتی که دیو پلید همین ^{۲۴} گفت ضحاک و هم جمشید که ما را دل ابلیس بی‌راه کرد نبرگشت ازیشان بد روزگار کسی کو نتابد ^{۲۷} سر از راستی به جنگ پشن ^{۲۹} نیز چندان سپاه زمین ^{۳۱} گِل شد از خونِ گودرزیان	۱۲۴۵ ۱۲۵۰ ۱۲۵۵ ۱۲۶۰
--	---	------------------------------

- ۱- ل (نیزلی، پ، آ): بزرگی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزق، ل، آ، ل، ب) ۲- ف: شاهی؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۳- ل، ق، ل (نیزق، ل، ب-پ): دل؛ س: شیردل؛ متن = ف، س (نیزلن، ل) ۴- ل: بریدی بیان؛ س (نیزل): بریدی زتن چون؛ (پ: بریدی تو همچون)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ل، آ، ب) ۵- ف، ل، س، ل (نیزق، ل، ل، پ، ل): گوسپنده؛ متن = ق، س (نیزلن، آ، ب) ۶- ق: بیداد (وزن ندارد) ۷- ف: بریدی؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۸- (ب: همچون بگذرد) ۹- (ب: نه دین و خرد) ۱۰- ل، ل، ل، س (نیزلن-ل): نامدار؛ متن = ف، س، ق (نیزآ، ب) ۱۱- ف، ل، ق، ل، آ: وز ۱۲- س: اغریب (حرف پین نقطه ندارد)؛ (و، ل، آ، بنداری: اغریب): متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، ل، آ، پ، ب) ۱۳- ف، ل، آ: خو؛ س، س (نیزلن): آن نیکخوی ۱۴- (ل، ل: بدیش؛ ل: نیک نامیش بد) ۱۵- ف، ل، آ: آرزو ۱۶- ل، ق (نیزل): نه از آدم از تخم؛ س، ل (نیزلن، ل، ب): تو بر گوهر و راه؛ متن = ف، س (نیزلی، پ، آ) ۱۷- ل، س: کس (= گر؟ کز؟)؛ (ل: کو)؛ متن = ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، ل، آ، ب) ۱۸- ف: کو گرفت آن بدتو؛ س این بیت را ندارد ۱۹- (ق: دری از بدی ها تو بگشاده) ۲۰- س، ل، آ، س (نیزلن، ل، و، ل، آ، ب): تو گویی نه؛ متن = ل، ق (نیزل، آ، ب) ۲۱- (ل، آ: آدمی) ۲۲- (ق: نیالی دوزخ فرستاده)؛ ف این بیت را ندارد ۲۳- ف: کژی؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۲۴- س، ق (نیزلن، ل، آ، ب): چنین ۲۵- ق، ل، آ، س (نیزل، و، ل، آ): نیکی ۲۶- (و: پند) ۲۷- ل، س، ق، ل (نیزلن-ب): بنابد؛ متن = ف، س ۲۸- ل، ق (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ): گزیند (پ: بیند) همی کژی و؛ س، ل (نیزلن، ل، آ، ب): کژی گیردش کار و هم؛ س: نبندد در کژی و؛ (ق: نبیند جز از کژی و)؛ متن = ف ۲۹- ف، ل، س (نیزو): بشن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: پین؛ ل، آ، س (نیزلن، ق، ل، ل، ل، آ): بشن؛ متن = ل، پ، آ، ب) ۳۰- ق (نیزق، ل، ل، پ، و، آ): آن رزمگاه ۳۱- (آ: زمی) ۳۲- (ق: جنگ) ۳۳- س (نیزلن، ل، ب): بیفزود چندین (س: چندی) زیان بر زیان

کنون آمدی با هزاران هزار
 به آموی لشکر کشیدی به جنگ
 فرستادیش تا بریده^۲ سرم
 جهاندار یزدان مرا یار گشت
 ۱۲۶۵ مرا گویی اکنون^۷ که از بخت^۸ تو
 نگه کن کنون تا^{۱۱} بود باورم^{۱۲}
 ازین پس مرا جز به شمشیر تیز
 بکوشم به نیروی و^{۱۵} گنج و سپاه
 همان پیش یزدان بیاشم به پای
 ۱۲۷۰ مگر کز بدان باغ بیخو کنم
 سخن هرج^{۱۸} گفتم نیا را بگوی
 ز ترکان سوار از در کارزار
 و زیشان به پیش من^۱ آمد پشنگ^۲
 بینی و بیران^۴ کنی کشورم
 سر^۵ بخت دشمن نگوسار^۶ گشت
 دل افروز و شادم، هم^۹ از تخت^{۱۰} تو
 چو از کردهای^{۱۳} تو یاد آورم؟
 نباشد سخن نیز^{۱۴} تا رستخیز
 به نیک اختر و گردش هور و ماه
 نخواهم ز گیتی^{۱۶} جز او رهنمای
 جهان را^{۱۷} به داد و دهش نو کنم
 که در جنگ چندین بهانه مجوی

گفتار اندر رسیدن جهن پیش پدر^{۱۹}

یکی تاج دادش ز برجدنگار
 یکی^{۲۰} طوق زرین و دو گوشوار
 همانکه بشدا^{۲۱} جهن پیش پدر
 بگفت آن سخن ها همه در به در^{۲۲}

۱- س: نو ۲- ل، س، ق، ل (نیز، و، آ): شننگ (حرف یکم نقطه ندارد): س (نیز، ل، ق، ل، ی، پ): بشنگ؛ متن = ف (نیز، ل، ب) ۳- ل، س (نیز، ل، ب): ببرد؛ متن = ف ۴- ل، س، ق، ل (نیز، ل، ق، ل، ی، و، ل، ن، آ، ب): وزان (ل، و، از آن) پس تو ویران؛ س (نیز، ب): بیایی (ب: بیچی) و ویران؛ متن = ف ۵- ق (نیز، ل): سرو ۶- ل، س (نیز، ل، ب): نگوسار؛ متن = ف ۷- س: مرا چند گویی ۸- (ل، ل: تخت) ۹- ل، س (نیز، ل، ق، ل، ی، پ، و، آ، ب): شادانم؛ (ل): شادم من؛ ل: سازانم؛ متن = ف ۱۰- (ل، ل: بخت) ۱۱- ل، س (نیز، ل، ق، ل، ی، پ، و، ل، ن): که تا چون؛ (ل، آ): نگر تا چگونه؛ متن = ف ۱۲- ف: باورم (باورم) ۱۳- ل، س (نیز، ل، ب): چو کردارهای؛ متن = ف ۱۴- ل، ق (نیز، ق، ل، ی، ل، و، ل، ن، آ): با تو؛ س: گفت؛ متن = ف، س، ل (نیز، ل، پ، ب) ۱۵- ل، س، س (نیز، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): [و]؛ ق (نیز، ل، ق، ل، و): بنیرو؛ (آ): بنیرو؛ متن = ف، ل ۱۶- ل، س، ل، س (نیز، ل، ق، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب): بگیتی؛ ق (نیز، ل): نباشد بنیکی؛ (ق): نباشد بگیتی؛ متن = ف (نیز، و)؛ ل، س، ق، ل (نیز، ل، ب) پس از این بیت افزوده اند:
 مگر کز (پ: همان از) بدان پاک گردد جهان

بداد و دهش من (ل: می) ببیندم میان
 ف، س این بیت را ندارند ۱۷- س: جهانی؛ ل، ق، ل، و، آ این بیت را ندارند؛ در س، ل، ن، ل، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ س، س، ل، ق، پ پس از این بیت و ل، ق، ل، و، آ پس از بیت پیشین افزوده اند:
 بداندیش را از میان (س، س، ل، ن، ق، و: جهان) برکنم

سر بد نشان (س، ل، ن: بی نشان؛ س، آ، ق، و، آ: بد نشان؛ ل: باتنان) را بی افسر کنم
 ف، ل، ل، ن، ب این بیت را ندارند ۱۸- س، ق، ل، آ، س: هر چه ۱۹- ف: رسیدن جهن پیش پدر و حکایت کردن شاه کیخسرو و عظمت او و چاره جتن که بکجا روم؛ ل: گفتار اندر گرفتار شدن جهن و کرسیوز؛ س: دیگر جنگ شاه کیخسرو با افراسیاب؛ ق: ترتیب دادن کیخسرو لشکر را بجهاربت بهشت کنگ؛ ل: جنگ کیخسرو و حصار گرفتن و فرار افراسیاب؛ س: رزم کیخسرو با افراسیاب و ستدن حصار کنگ دز؛ متن = آغاز ف ۲۰- ف: همان؛ متن = ل، س (نیز، ل، ب) ۲۱- س، ل (نیز، ل، ن، آ، ب): که شد ۲۲- (و: سر بر سر)

دش گشت پُر درد و سر پُرشتاب ^۲	برآشفت از آن پامخ ^۱ افراسیاب	
همان ترگ ^۴ و شمشیر و تخت و ^۵ کلاه	بیخشد گنج ^۳ درم بر سپاه	۱۲۷۵
بشد ^۶ کوه چون پشت پیل سید،	شب تیره تا برزد از چرخ شید	
سُوری ز ترکان نپمود خواب ^۷	همی لشکر آراست افراسیاب	
زمن آهنین شد، هوا ^۸ آبنوس،	چو از کنگ برخاست آوای ^۹ کوس	
نشست از بر زین سپیده دمان	سر موبدان شاه ^{۱۰} نیکی گمان	
نگه کرد تا چون کند کارزار	بیامد بگردید گرد حصار	۱۲۸۰
بیامد به یکسوی دز با گروه ^{۱۲}	به رستم بفرمود تا همچو کوه ^{۱۱}	
سیدگر ^{۱۴} چو گودرز فرخنده رای	دگر سوی ^{۱۳} گشته ^{۱۳} نودر به پای	
ابا کوس و پیلان ^{۱۶} و چندی ^{۱۷} سوار	به سوی چهارم شه نامدار ^{۱۵}	
بکرد و بیامد بر ^{۱۹} دز فراز	سپه را همه هرچ ^{۱۸} بایست ساز	
یکی گنده کندن به گرد حصار	به لشکر بفرمود پس شهریار	۱۲۸۵
به جنگ دز اندر توانا بُدند،	بدان ^{۲۰} کار هر کس که دانا بُدند	
چه ^{۲۱} رزم آزموده ز هر سو گوان ^{۲۳}	چه ^{۲۱} از روم و چین و چه از هندوان ^{۲۲}	
بگشتند و جستند هرگونه بند	همه ^{۲۴} گرد آن شارستان ^{۲۵} چون نوند	

۱- (ل: سخت)؛ ل (نیزب)؛ ز پامخ برآشفت؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیزهفت دستویس دیگر) ۲- (ق: دیده پرآب)؛ ف، ل، ق (نیزب)؛ سواری ز ترکان کجا یافت (ف: نپمود) خواب (ف ۱۲۷۴ ب- ۱۲۷۷ آ را انداخته و از ۱۲۷۴ آ و ۱۲۷۷ ب یک بیت ساخته است؛ در ل، ق، پ ۱۲۷۴ ب و ۱۲۷۷ ب پس و پیش شده اند)؛ س (نیزلن)؛ دلش پر ز درد و سرش پر شتاب؛ (ل، آ: بدانسان که دریا بجوشد ز آب)؛ متن = ل، س^۱ (نیزل، آ، و، ل، ن، آ، ب) ۳- ق، س^۱ (نیزلی، ل، آ، آ)؛ گنجی ۴- (ق: خود) ۵- ل، س^۱؛ خود؛ و؛ ق (نیزب)؛ تخت و شمشیر و زرین (ب: خود و)؛ (ل، آ، ل، آ: گرز و شمشیر و تیر و (آ: آهن)؛ ف این بیت را ندارد ۶- س، ق، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل، آ، و- ب)؛ بید؛ متن = ل (نیزب)؛ ف این بیت را ندارد ۷- س (نیزلن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب)؛ کجا یافت خواب؛ ل، ق، ل^۱ (نیزل، آ، ب)؛ دلش گشت (ل: بود) پر درد و سر (ل: دلی پر ز درد و سری) پر شتاب (= ۱۲۷۴ ب)؛ متن = س^۱ (نیزآ)؛ ف این بیت را ندارد (← ۱۲۷۴ ب)؛ بنداری؛ فلما وقف افراسیاب علی جواب الرسالة احتة واحتمد وأمر العساكر بالإعداد فكانوا طول ليلتهم في أخذ الأهبة لقتال ۸- س: آواز ۹- س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، آ، ب)؛ سپهر؛ متن = ف، ل، ق (نیزل، آ، ب) ۱۰- ف (نیزلی، آ)؛ شه نامبردار؛ متن = ل- س^۱ (نیزهفت دستویس دیگر) ۱۱- س: تا بگروه ۱۲- ف، س، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، ب، ل، ن، آ، ب)؛ بیارد ز (ف: برآرد ز؛ ل، آ، ل، ن: بیامد ز؛ ب: بیاورد) یکسوی دریا (← دز با؟) گروه؛ ل (نیزلی، ل، آ، و، آ)؛ بیامد به (ل، آ: برآید ز؛ ل، آ، و: بیاید ز) یکسوی دز با (← دریا؟) گروه؛ ق: بیامد ز یکسوی دریای و کوه؛ س^۱: برآمد ز یکسوی دز همچو کوه؛ متن = ل ۱۳- ل، ق، س^۱ (نیزو، آ)؛ دگر سوش؛ س، ل^۱ (نیزلن، ل، ن، آ، ب)؛ ز یکسوش؛ متن = ف (نیزق، ل، ل، آ، ب) ۱۴- ل (نیزق، ل، ل)؛ سه دیگر؛ س، ل^۱ (نیزلن، ل، ن، آ، ب)؛ دگر سو؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیزل، آ، ب، و، آ) ۱۵- س، ل^۱ (نیزلن، ب، ل، ن، آ، ب)؛ کامکار ۱۶- س: ابا پیل و با کوس ۱۷- س (نیزلن، ب)؛ جنگی؛ ل^۱ (نیزق، آ، ل، ن، آ)؛ چندین؛ (ل، و، آ: چندان)؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیزل، آ، ب) ۱۸- س، ق، ل، آ، س: هرچه ۱۹- ف (نیزب، ل، ن، آ، آ)؛ در (؟)؛ ق: سوی؛ متن = ل، س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، آ، ل، آ، و، ب) ۲۰- س (نیزلن، ل، آ، ب)؛ بدین ۲۱- ل: چو ۲۲- س، ق (نیزلن، ل، ل، آ، و، ل، ن، آ، آ، ب)؛ از (وز) چین و از (وز) هندوان؛ ل: وز مسندوز هندوان؛ س: و هند و چه از چینیان؛ (ق: و سند و چه از هندوان)؛ ل (نیزب)؛ چه از چین وز (واز) روم وز (واز) هندوان؛ متن = ف ۲۳- س: کیان؛ (ل، ل، آ: سران؛ ل: یکایک گزیده ز هر سوسران) ۲۴- س: همی ۲۵- ق، ل^۱ (نیزلی، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب)؛ شارسان

<p>سپه را به گردش پراکنده کرد ز ترکان نیاید یکی^۲ تاختن دو صد مَنجَنیق، از پیش^۴ لشکری ز دیوار دز چون سر بدگمان، چو زاله همی کوفتی بر سرش ابا چرخ‌ها تنگ بسته میان کشیدن ستون‌ها^۸ به گرد^۱ حصار بکند و نهادند زیرش ستون بدان چوب‌ها^{۱۳} برگرفته ز^{۱۱} جای برین گونه بر بود نیرنگ^{۱۷} شاه رخ سرکشان گشته^{۲۰} همچون زیر زبر سو^{۲۲} به گرز گران داروکوب^{۲۳} چنان چون بود ساز^{۲۵} جنگ^{۲۶} حصار بیامد به پیش جهان‌آفرین^{۲۷}</p>	<p>دو نیزه به بالا^۱ یکی گنده کرد ۱۲۹۰ بدان تا شب تیره بی ساختن دو صد ساخت عراده از^۳ هر دری دو صد گرد^۵ بر هر دری با کمان^۶ پدید آمدی مَنجَنیق، از برش پس مَنجَنیق اندرون رومیان^۷ ۱۲۹۵ دو صد پیل فرمود پس شهریار یکی گنده‌یی^{۱۰} زیر باره‌اندرون^{۱۱} بدان مُنکری باره^{۱۲} مانده به پای پس آلود^{۱۵} بر چوب نفت^{۱۶} سیاه به یکسور از^{۱۸} مَنجَنیق و ز تیر^{۱۱} ۱۳۰۰ به زیر اندرون آتش و نفت^{۲۱} و چوب به هر چار سو ساختند^{۲۴} کارزار و ز آنجایگه شهریار زمین</p>
---	---

۱- ق (نیز ل)؛ بدو (ل؛ بدان) نیزه بالا؛ (ل، آ)؛ بیلا دو نیزه ۲- ل (نیز ل)؛ نیارند ترکان یکی؛ س (نیز ل، ب)؛ نیارد بکشتی (ل)؛ بلشکر) کسی؛ ق، ل، س (نیز ق، ل، آ، پ، و، ل، ن)؛ نیاید (ق، ل؛ نیارد) ز ترکان یکی؛ متن = ف (نیز آ) ۳- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب)؛ بر؛ س (نیز پ)؛ باره عراده بر؛ متن = ف ۴- ل، ق، س (نیز ل، آ، آ)؛ پس؛ (ق؛ پی)؛ متن = ف (نیز پ، و)؛ س، ل، ل، ل، ن، ل، ب بجای این بیت افزوده اند:

دو صد باره عراده و منجنيق نهاد از برش هر سوی جانشلیق

بنداری؛ و امر فصبوا علی کل باب من ابوابها مائتی عراده و مائتی منجنيق، و وکل بکل واحد منها جماعة من المقاتلین ۵- ل- س (نیز ل- ل، ن، ب)؛ چرخ؛ متن = ف (نیز آ)؛ کرد ۶- س؛ ناگهان؛ (ل، ل، ن، آ؛ بی کمان) ۷- ف؛ روسیان؛ س؛ سوریان؛ (لن؛ رامیان)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب)؛ رومیان (رامیان؟)؛ ل، ن، بنداری؛ بنداری؛ و رتب مائتی فیل لنقل الأعداد والأخشاب، و رتب علی کل باب مائتی رام من الرماة عن الجرخ ۸- ل، س، ق، ل (نیز ل، ل، ب)؛ ز (ل، ل، آ، پ، آ، ب)؛ هر سو؛ س؛ ستون‌ها کشیدن؛ (ق؛ کشیدن هر سو)؛ متن = ف ۹- س؛ پیش؛ س؛ پس از این بیت افزوده است:

بیاورد یکچند کاربزرگن ازیشان گروهی بکرد انجمن

۱۰- ق؛ کنده در ۱۱- ل- س (نیز ل- پ، ل، آ، ب)؛ درون؛ (و؛ بار اندرون)؛ متن = ف؛ باره اندرون (و) ۱۲- ل، ق (نیز ل)؛ باز؛ (پ؛ بدان چاره آن باره)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ل، آ، ب) ۱۳- ل، ق، ل، س (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ)؛ نیزه‌ها؛ (ب؛ ابا چوب‌ها)؛ متن = ف، س (نیز ل، پ، ل، ن) ۱۴- س؛ برگرفتند ۱۵- ق (نیز ق)؛ پراکند؛ (پ، ل، ن)؛ پس آلوده؛ و؛ برآلوده) ۱۶- ف- س (نیز ل، ل- ب)؛ نطق؛ متن = (ق) ۱۷- ل، ق (نیز ل)؛ بدین گونه فرمود بیدار؛ س، ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، ن، آ، ب)؛ بدان (ل، آ، س، آ؛ بدین؛ ق؛ برین) گونه فرمود (س؛ سازید) نیرنگ؛ (پ، و؛ بدین گونه نیرنگ فرمود)؛ متن = ف ۱۸- (ل، ن، ق؛ بران؛ ل، ن، آ، ب؛ پراز)؛ س؛ یکی سوپراز ۱۹- (ل؛ و نغیر) ۲۰- س، ل (نیز ل، ل، آ، ب)؛ بود؛ (ق، ل، آ، و؛ گشته) ۲۱- ف- س (نیز ل، ل- ب)؛ نطق؛ متن = (ق) ۲۲- ف؛ دگر سو؛ (پ؛ زبر سو)؛ متن ← ۲۳- ل، س، ق، ل (نیز ل- ل، و- ب)؛ زبر (س؛ زبس) گرزهای گران کوب (ل؛ چوب) کوب؛ متن = س (و یا = ف پس از تصحیح دگر به زبر؛ و یا = پ پس از تصحیح سربه سو) ۲۴- ل، ق (نیز ل، ل، آ، پ، آ)؛ ساخت آن؛ س، ل (نیز ل، ق، آ، و، ل، ن، آ، ب)؛ ساخته؛ س؛ بهر جای برساخته؛ متن = ف ۲۵- ف؛ رسم؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۲۶- س (نیز ل)؛ جنگ؛ (آ؛ رسم) ۲۷- ف؛ همی خواند بر کردگار آفرین (= ۱۳۰۴)؛ متن = ل- س (نیز ل- ب)

<p>ابا کردگار جهان گفت راز^۱ همی خواند بر کردگار آفرین^۲ به هر سختی یارمندی^۳ ز تُست مگردان ازین جایگه^۴ پای من مرا دار شادان دل و نیک بخت به جوشن بپوشید روشن^۵ برش به جنگ اندرآمد بکردار دود به جنگ اندرآید یکی^۶ لشکری ز برشان همی سنگ^۷ بر سر زدند شده روی^۸ خورشید^۹ تابان کبود زمین نیلگون شد، هوا لاژورد^{۱۰} درخشیدن تیغ و گرز گران، ز باریدن تیر و گرد سیاه به فرمان یزدان چو هیزم بسوخت، بکردار کوه اندرآمد ز جای نگون اندرآمد، بکردار شیر^{۱۱}، سر آرد برو^{۱۲} شوربختی^{۱۳} جهان</p>	<p>ز لشکر بشد تا به جای نماز ابر خاک چون مار پیچان ز کین همی گفت: کام^{۱۴} و^{۱۵} بلندی ز تُست اگر داد بینی همی رای من نگون کن سر جادوان را ز تخت چو برداشت از پیش یزدان^{۱۶} سرش کمر بر میان بست و برجست زود بفرمود تا سخت^{۱۷} بر هر دری بدان چوب و^{۱۸} نفت^{۱۹} آتش اندرزندند ز بانگ کمان های چرخ و ز دود ز عراده و مَنجَنیق و ز گرد خروشیدن پیل^{۲۰} و بانگ سران تو گفتی برآمیخت^{۲۱} با شید ماه^{۲۲} ز نفت^{۲۳} سیه چوب ها برفروخت نگون^{۲۴} باره گفتی که برداشت پای وُزان باره چندی ز ترکان دلیر^{۲۵} که آید^{۲۶} به دام اندرون ناگهان</p>
--	---

۱- ق، ل، س، ل، ل، ل، ل، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، ل، ل، پ، و) ۲- ف: بمالید از درد روی و جبین؛ متن = ل، س (نیزلن، ق، ل، ل، پ، و)؛ ق، ل، ل، س، ل، ل، ل، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۳۰۲-۱۳۰۴): و تنحی الملك الی ناحية من الصحراء، و نزل و سجد لله تعالی و سأله أن ينصره و يخذل عدوه و يسهل عليه الفتح و يعجل له الظفر ۳- ل (نیزو): [و] ۴- س: آرمندی؛ (لن: ارزمندی؛ ق: آرمندی) ۵- ق، ل (نیزو، ل، ل): پایگه ۶- ف: از خاک تیره؛ متن = ل، س (نیزلن-ب) ۷- س، ل (نیزلن، ق، ل، ل، ل، آ، ب): رومی؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزب، و، ل، آ) ۸- س (نیزلن): زود؛ (ق: ساخت) ۹- (و: دگر)؛ س (نیزلن، ق، ل، ب): آمد گران؛ ق این بیت را ندارد ۱۰- ل: [و] ۱۱- ف-س (نیزلن، ل، ب): نفظ؛ متن = (ق) ۱۲- (لن: چوب) ۱۳- (ق: شد از بیم) ۱۴- ف: خورشید ۱۵- س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ل، ل، آ، ب): لاجورد؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، ل، ب) ۱۶- (ق، ل، ل، ل، و، آ، سب)؛ ق: خروشنده اسبان؛ متن = ف، ل، س، ل، ل، س (نیزلن، پ، ل، ل، ب) ۱۷- ل، ل (نیزل-ب): برآویخت؛ (ق: برانگیخت)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلن) ۱۸- ق: شاه؛ س، ق، آ پس از این بیت افزوده اند:

بدان گرد(ق: بران گونه) گشت آسمان ناپدید کجا چشم روشن جهان را ندیدید

۱۹- ف-س (نیزلن، ل، ب): نفظ؛ متن = (ق) ۲۰- س (نیزلن): سر؛ ق (نیزب): همی؛ (ل: همه)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س (نیزق، ل، و، ل، آ، ب)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: حصار دادن شاه کیخسرو قلعه کنگ را و بستن و گریختن افراسیاب و تاراج دادن خزینه آنچ در دز بود؛ س: حصار شدن کیخسرو و گریختن افراسیاب؛ ق: گرفتار شدن کرسیوز و جهن بدست رستم ۲۱- س، ل (نیزلن، ل، ب): بنزیر؛ س: در؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، و، آ) ۲۲- ل (نیزب، و): چوباران (و: زبالا) بنزیر؛ س: زبانه بسره؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۳- ف، ل (نیزل، ب): آمد (؟)؛ متن = س (نیزق، ل، آ) ۲۴- ل: بران؛ (ل: بدو؛ ل: بدان)؛ متن = ف، س (نیزق، آ) ۲۵- (ب: سرآمد بدان شوربختان)؛ ق، و این بیت را ندارند؛ درس، ل، ل، ل، ل، آ، ب این بیت چنین آمده است: که آرد برو شوربختی جهان بدم اندرآید سرش ناگهان

برآمد خروشیدن کارزار	به پیروزی ^۱ لشکر شهریار	۱۳۲۰
بیامد دمان رستم ^۲ کینه جوی ^۳	سوی رخنه‌ی دز نهادند روی	
کجا باره‌ی شارستان شده خراب	خبر شد بنزدیک ^۴ افراسیاب	
به جهن و به کرسیوز آواز کرد،	پس افراسیاب اندرآمد چو گرد	
سپه ^۵ را ز شمشیر باید ^۶ حصار!	که با باره‌ی دز شما را چه کار	
بکوشید و ^۷ از بهر پیوند خویش ^۸	ز بهر بروبوم و فرزند ^۹ خویش	۱۳۲۵
مانید بدخواه پیرامنا ^{۱۰}	ببندید یک در دگر دامنا ^{۱۱}	
سوی رخنه رفتند گشته گروه ^{۱۵}	سپاهی ز ترکان ^{۱۳} بکردار کوه ^{۱۴}	
خروش از دو رویه برانگیختند	بکردار شیران برآویختند	
نوان گشته، از ^{۱۶} بوم و بر ^{۱۷} ناامید	سواران ترکان بکردار بید	
پیاده هر آنکس که بُد نیزه دار ^{۱۸} ،	به رستم بفرمود پس شهریار ^{۱۸}	۱۳۳۰
همیدون پس نیزه ور ^{۲۱} کینه خواه،	به ^{۲۰} پیش اندرآید بدان رخنه گاه	
دو رسته پیاده پس نیزه ور ^{۲۴}	ابا ترکش و تیر و تیغ ^{۲۲} و تبر ^{۲۳}	
بدانگه که شد سخت پیگارشان ^{۲۵}	سواران جنگی نگهدارشان	
به جنگ اندرآمد بکردار کوه ^{۲۷}	سوار و پیاده ز هر دو گروه ^{۲۶}	

۱- ل (نیز آ): پیروزی از؛ درس، ل، ل، ل، ل، ب ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۲- ف: گستم؛ متن = ل- س (نیز لن- ب)؛ بنداری: و حصلت به ثلثه فبادرها رستم بأصحابه ۳- س، ل، ل، س (نیز لن، ل، ب، ل، آ، ب): جنگجوی؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ل، و) ۴- ف، س، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، ل، ب): هم آنکه به؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ، آ) ۵- ف (نیز ل، آ): که دیوار دز شد سراسر؛ س: کجا باره دز همه شد؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر؛ ق، ل، ل، ب، ل، آ، ب: شارسان) ۶- س (نیز لن، و، ب): شما ۷- ل: باشد ۸- ل: پیوند ۹- ف: [و] ۱۰- ل- س (نیز لن، ق، ب، و، ل، ب) همان از پی گنج (و: بوم) و پیوند (ل: فرزند) خویش؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۱- ل، ق (نیز ل، آ، آ): ببندید (ق، ل، آ، ب: ببندید) دامن یک اندر دگر؛ متن ← ۱۲- ل، ق (نیز ل، آ، آ): نمانید (ق، ل، آ، ب: نمانید) برد دشمنان بوم و بر؛ متن = ف، س، ل، ل، س (نیز ق، ب، و، ل، ل، ب) ۱۳- (ق: گردان): س (نیز ب): بیامد سپاهی؛ متن ← ۱۴- ل، ق (نیز ق، ل، آ، ب، و): گروهها گروه؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ل، ل، آ) ۱۵- ل- س (نیز ق، ل، آ، ب، و، ل، ب): بدان (ق، ل، آ، ب: بران) رخنه رفتند برسان کوه (س: بیکر گروه، ل، ل، ل، ب: گردان گروه؛ س: کردند گردان گروه)؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۶- ف (نیز لن): وز؛ متن = س، ق، ل، ل، س (نیز لن- و، آ، ب) ۱۷- ل: شده لرز لرزان و دل؛ س، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

برستم بفرمود تا همچو کوه بیارد سپاهی همه همگروه

۱۸- س (نیز لن، ب): بیاورد رستم سوی کارزار ۱۹- ل، ق، س (نیز ل، آ، ب): نامدار؛ متن = ف، س، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰- ل، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، آ، ب): که؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، آ، ب) ۲۱- س (نیز لن، ب): پیاده همه؛ ل (نیز لن): همه نیزه ور؛ (ل، و، آ: بسی نیزه ور؛ ل: پس نیزه در؛ ب: بسی نامور)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، ل، آ، ب، ل، آ، ب): تیغ و تیر ۲۲- ل، س (نیز لن، ق، آ، ب): کمر؛ (ل، آ، لفت شهنامه، شماره ۱۲۰۰: سپر)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ل، ل، آ، ب، و) ۲۳- ف: نیزه در؛ س: یکدگر؛ (ل: نامور)؛ ل (نیز و): ز پس نیزه ور؛ ل: سوار ایستاده پس نیزه ور؛ (ب: سواران ستاده بسی نامور)؛ متن = س (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب، لفت شهنامه)؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۵- ف، ل، س (نیز لن، ق، و، آ): ز (ل: به) هر سو گروه (؟): ق: پیاده بیامد بکردار کوه؛ متن = ل، ل، س (نیز ل، ل، آ، ب، ل، ل، ب) ۲۶- ق: گروهها گروه

- ۱۳۳۵ به رخنه درآورد یکسر سپاه پیاده به باره برآمد چو^۱ گرد نشان سپهدار ایران بنفش به پیروزی شاه ایران سپاه فراوان ز تورانیان^۲ کشته شد
- ۱۳۴۰ بدانگه کجا رزمشان شد درشت چو کرسیوز و جهن رزم آزمای^۳ برادر یکی، پور فرخ دگر^۴ بدان شارستان^۵ اندرآمد سپاه به تاراج و کشتن نهادند روی زن و کودکان بانگ برداشتند^۶
- ۱۳۴۵ چه مایه زن و کودیک نارسید همه شهر توران گریزان چو باد به زاری همه دیدگان پُر ز خون زن و خویش^۸ و فرزند گشته اسیر به ایوان برآمد^{۲۰} پس^{۲۱} افراسیاب برآن باره برشد که بُد کاخ اوی دو بهره ز جنگاوران گشته دید
- چو شیر ژبان رستم کینه خواه^۱ درفش سیه را نگوسار^۲ کرد برآن باره زد شیرپیکردرفش برآمد خروشیدن از رزمگاه سر بخت از آن کینه برگشته^۵ شد
- دو تن رستم آورد ازیشان^۶ به ممت که بُد تحت توران بدیشان^۸ به پای چُنین آمد از شوربختی به سر چنان لشکری داغ دل^{۱۱} کینه خواه^{۱۲} برآمد خروشیدن^{۱۳} های وهوی^{۱۴} به ایرانیان جای بگذاشتند که زیر پی پیل شد ناپدید نیامد کسی را بروبوم یاد شده^{۱۶} بخت گردان ترکان^{۱۷} نگون ز گردون روان خسته و تن به تیر^{۱۹} پُر از خون دل از درد و مرگان^{۲۲} پُر آب بیامد سوی شارستان^{۲۳} کرد روی دگر یکسر^{۲۴} از جنگ برگشته دید

۱- ف: نیک خواه؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن- ب)؛ در ف، ل^۲ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل^۲، پ، لن، ب)؛ پیاده برآمد (ل، ل^۲، پ: بیامد) بکردار؛ (لن، ق، آ، و: بباره برآمد بکردار)؛ متن = ف، س^۱ (نیز ل، آ) ۳- ل- س^۱ (نیز لن- ب)؛ نگوسار؛ متن = ف؛ بنداری: فصعد رستم فی الثلة الی السور، و نکس رایة سوداء کانت علیه من رایات افراسیاب، و نصب علیه علم الملک کیخسرو ۴- ل، س، ق، س^۱ (نیز لن- ب)؛ توران سپه؛ متن = ف ۵- ل (نیز پ)؛ تورانیان گشته؛ س، ق، س^۱ (نیز لن- ل، آ، و- ب)؛ بخت آن کینه ور (ق: کینه گه) گشته؛ متن = ف؛ ل^۲ بیت های ۱۳۳۹-۱۳۴۳ را ندارد ۶- س، ق: زیشان ۷- س: کار آزمای ۸- ق (نیز ل، ل^۲، پ، آ)؛ از ایشان ۹- ل، س، ق، س^۱ (نیز لن- پ، لن، آ، ب)؛ بود و فرخ (س: ل، آ: دیگر) پسر؛ متن = ف (نیز و) ۱۰- ق (نیز ل، ل^۲، پ، لن، ب)؛ شارسان ۱۱- ل: داغ دل لشکری؛ س: جنگجولشکری؛ متن = ف، ق (نیز ق- و، آ) ۱۲- س (نیز لن، ب)؛ برآمد خروشیدن از رزمگاه؛ (لن: برآمد خروشی از ایوان شاه) ۱۳- س، ق (نیز پ، و، لن)؛ خروشیدن و؛ متن ← ۱۴- ل: های هوی؛ ق (نیز و، لن)؛ هوی هوی؛ متن = ف، ل، س^۱ (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۵- ف: خوار بگذاشتند (پساوند ندارد)؛ متن = ل- س^۱ (نیز لن- ب) ۱۶- ل: بشد؛ (ل: سرو) ۱۷- س، ق، س^۱ (نیز لن، ل- ب)؛ توران؛ متن = ف، ل، ل^۲ (نیز ق)؛ در ل لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸- ل، ق، ل، ل^۲، س^۱ (نیز ق- لن، ب)؛ گنج؛ س (نیز لن)؛ مرد؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۹- (ق: زانده روان جوان گشت پیر) ۲۰- س (نیز لن، و)؛ درآمد ۲۱- س: از ایوان برون آمد ۲۲- ل (نیز ق)؛ دیده؛ ق: دل و کرده مرگان؛ (پ: دل و هر دو دیده)؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۳- ل، ل^۲، س^۱ (نیز ل، ل^۲، پ، لن، ب)؛ شارسان؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- (و: بهره)

خروش سواران و بانگ زنان ^۱	ابر ^۲ پشت پیلان تیره زنان
همی پیل بر زندگان ^۲ راندند	همه ^۴ پشتشان بر زمین ماندند
همه شارستان ^۶ بانگ ^۷ و فریاد دید ^۸	همه آتش و غارت و ^۱ باد دید ^۸
یکی شاد و دیگر پُر از درد و رنج ^{۱۰}	چنان چون بود در سرای سپنج ^{۱۱}
چو افراسیاب آن چنان دید کار	بدان هول برگشتن ^{۱۲} کارزار ^{۱۳} ،
نه پور ^{۱۴} و برادر، نه بوم و نه بر	نه تخت و نه شاهی، نه تاج و کمر ^{۱۵} ،
همی گفت یک ^{۱۶} دل پُر از داغ و درد	که چرخ فلک خیره ^{۱۷} با من ^{۱۸} چه کرد؟
بدیدم به دیده ^{۱۹} همان روزگار	که آمد ^{۲۰} مرا کشتن و مرگ خوار
پُر از ^{۲۱} درد از آن باره آمد فرود	همی داد تخت مهی را درود
همی گفت: کی ^{۲۲} بینمت نیز ^{۲۳} باز	ایا روز شادی ^{۲۴} و آرام و ناز!
و ز آجایگه خیره شد ناپدید	هش و رای او همچو مرغان پرید ^{۲۵}
در ^{۲۶} ایوان که در دز برآورده بود	یکی راه زیر زمین کرده بود
که از لشکرش کس نه آگاه بود	که زیر دز اندر چنین ^{۲۷} راه بود
از آن نامداران دو ^{۲۸} صد برگزید	بدان ^{۲۹} راه بی راه شد ناپدید
و ز آن روی ^{۳۰} راه ^{۳۱} بیابان گرفت	همه لشکرش ^{۳۲} مانده ^{۳۳} اندر شگفت

۱- س، ل (نیز، ل، ی، ل، آ، ب): سران؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز، ق، ب، و، آ، ب) ۲- ل، س، ل، س (نیز، ل، پ، ل، ب): هم از؛ ق (نیز، ق، ل، آ): بران؛ (لی: بدان)؛ متن = ف (نیز، و) ۳- س، ل (نیز، ل، ی، ل، ب): کشتگان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز، ق، ب، آ) ۴- ل، س (نیز، ل، پ، ل، آ، ب): همی؛ متن = ف (نیز، ل، ق، آ) ۵- س: راندند (!)؛ بنداری (۱۳۵۵-۱۳۵۴): فارتغ بها ضحیح الرجال و صیاح النساء، و جعلت الفیلة تدوسهم بأخفافها و تحفظهم بخراطیمها و أنباها ۶- ق، ل (نیز، ل، پ، ل، ب): شارسان ۷- ل، ق، ل (نیز، ل، ی، ل، آ، ب): دود؛ س (نیز، ل): درد؛ س: همه شهر پر دود؛ متن = ف (نیز، ق، و) ۸- س: خاست؛ ل (نیز، ل، ق، آ، و، ل، ب): بود؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز، ل، پ، آ) ۹- ل (نیز، پ): همان کشتن و غارت و؛ س: همه آتش و آب و هم؛ ق (نیز، ل، آ): همه غارت و کشتن و؛ ل (نیز، ل، ق، و، ل، ب): همه غارت و آتش و؛ متن = ف، س ۱۰- س: رنج و درد ۱۱- ل (نیز، ل): رسم و رای سپنج؛ ق: رای جای سپنج؛ س: رسم و راه نبرد؛ (لی، و: چنین (لی: همین) است رسم سرای سپنج)؛ متن = ف، س، ل (نیز، ل، ق، آ، ب)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: هزمت شدن افراسیاب و تورانیان از شاه کیخسرو؛ ق: گریختن افراسیاب از بهشت کنگ و آمدن اهل حرم او نزد شاه؛ س: هزمت شدن افراسیاب از کنگ دز ۱۲- ل، س، ل (نیز، ل، پ، ل، ب): چنان هول (پ: مرگ) و برگشتن؛ ق (نیز، ل): پر از هول برگشت از؛ (ق: بران هول برگشتن؛ و: بدان هول برگشت از آن)؛ متن = ف، س (نیز، ل، آ) ۱۳- (ق، ل، ی، پ، آ: روزگار) ۱۴- س، ل، س (نیز، ل، پ، ل، ب): جهن؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ق، ل، و، آ) ۱۵- ل: نه تاج و نه گنج و نه تخت و کمر ۱۶- ل (نیز، پ، و): با؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز، هفت دستنویس دیگر) ۱۷- ق (نیز، ل، و، آ): بین که؛ (ق: که افزاشته چرخ) ۱۸- س، ل، س (نیز، ل، ق، آ، ل، آ، ب): ما؛ متن = ف، ل، ق (نیز، پ، و) ۱۹- ل، س (نیز، ل، ق، آ، ل، پ، و، ل، آ): بدیده بدیدم؛ متن = ف (نیز، ل، آ، ب) ۲۰- ف: خوش (؟)؛ متن = ل، س (نیز، ل، ب) ۲۱- س: بران ۲۲- س: گر ۲۳- ق: کی بو که بینمت ۲۴- س، ل (نیز، ل، ل، آ، ب): خوشی ۲۵- ل: تو گفتی چو مرغان همی بر پرید؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ل، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- س: به؛ س: وز ۲۷- س، ق، ل، س (نیز، ق، آ، ل، پ، و، ل، ب): چنان؛ (لی: یکسی)؛ متن = ف، ل، ل، ل، آ این بیت را ندارند ۲۸- ق: سه ۲۹- ل، ل، ل: بران؛ (پ: وزان) ۳۰- ل، س: جای؛ متن = ف، ق، س (نیز، ق، ل، ل، و، آ) ۳۱- ل (نیز، ل، آ، ب): از آجای بیامد ۳۲- ل، س (نیز، ق، ل، آ، پ، و، ل، ب): کشورش؛ متن = ف (نیز، ل، آ) ۳۳- ل: ماند

<p>برین^۱ گونه آواره شد ناگهان^۲ به پای^۵ اندرآورد کیوان اوی^۴ به جستش بر کرد^۷ هر سو سپاه^۸ نیامد ز سالار گردن کشان ز کار سپهدار توران سپاه^{۱۰} نهان گشته از ایدر^{۱۱} پناهش کجاست؟ نیامدهمی روشنایی^{۱۲} پدید که دشمن چو^{۱۳} آواره گردد ز گاه، ورا مرگ با زندگانی یکی ست جهان دیده و رای زن^{۱۶} موبدان^{۱۷} شما راتن و، دل^{۲۰} پُر از^{۲۱} داد باد^{۱۹}! شما را سپردم^{۲۳}، بکشید^{۲۴} سخت بتابد ز چرخ بلند^{۲۵} آفتاب نخواه که آید ز پرده^{۲۷} به کوی^{۲۸} که بودند بر گرد دزبر^{۲۹} یله چنان چون بود درخور پیشگاه سپه شد سراسر پُر از گفت و گوی^{۳۳}</p>	<p>نشانی ندادش کس اندر جهان چو کیخسرو آمد به^۳ ایوان اوی^۴ ابر^۶ تخت زربش بنشست شاه ۱۳۷۰ فراوان بجستند، جایی نشان ز کرسیوز و جهن پرسید شاه که چون رفت و آرامگاهش کجاست؟ ز هرگونه گفتند و خسرو شنید ۱۳۷۵ به ایرانیان گفت پیروزشاه ز گیتی برو^{۱۴} نام و کام^{۱۵} اندکی ست ز لشکر گزین کرد پس بخردان بدیشان^{۱۸} چنین گفت کاباد باد^{۱۹} دز و^{۲۲} گنج این ترک شوریده بخت ۱۳۸۰ نباید که بر کاخ افراسیاب هم آواز پوشیده رویان اوی^{۲۶} نگهبان فرستاد سوی گله ز خویشان او^{۳۰} کس نیازد شاه چو زآن گونه دیدند گردان^{۳۱} اوی^{۳۲}</p>
--	---

۱- ل، س، ق، ل (نیز پ، و، آ): بدان؛ س (نیز ل، ل): بدین؛ (ق، ل، ن، ب: بران): متن = ف ۲- ل، ق (نیز ل، و): در نهان: (ل): در جهان: متن = ف، س، ل، س (نیز ق، ب، ل، ن، آ، ب) ۳- ل (نیز و): در ۴- ل، س: او ۵- ف، ل: پا: متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ب) ۶- س: بر ۷- ق: بیرون کرد: (و): فرموده: ل: بجستن گرفتند: ق: بجستن گرفتار شد: ل: آ: بجستن فرستاد: متن = ف، ل، س (نیز ل، ب، ل، ن، آ، ب) ۸- ل، س: ز کار سپهدار (س: ز کردار سالار) توران سپاه (= ۱۳۷۲ ب) ۹- س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ل، ن، آ، ب): بجستند و: متن = ف، ل (نیز ل، ب): و این بیت را ندارند ۱۰- ل: کجا بودشان جایگاه پناه: (ل، ن، ب: که چون شد کجا یافت) ۱۱- ل، س: زایدتر: ق، س (نیز ق، و، آ): گشت از (ل: ز) ایدر: متن = ف: س، ل، ل، ل، ن، آ، ب این بیت را ندارند، ولی در س آنرا در کناره افزوده اند ۱۲- س (نیز ب): هیچ جایی: ق (نیز ل، ل، ب، ل، ن، آ): زو نشانی (روشنایی؟): متن = ف، ل، ل، ل، س (نیز ل، ق، و): روشنایی (زو نشانی؟) ۱۳- ل (نیز ل): که ۱۴- ق: بدو: س: ورا ۱۵- ف: کام و نام: متن = ل، س (نیز ل، ب) ۱۶- ل، ق (نیز ل، ب، آ): کاربین: س: هوش ور: (ل: نامور): متن ← ۱۷- (ل، و): کار کرده ردان: س، ل (نیز ق، ل، ن، ب): جهان گشته و کار دیده ردان (ب: گوان): متن = ف: بنداری: فاستدعی الموابدة والنقات ۱۸- س: بریشان ۱۹- ل: بید: س: بوده: متن = ف، ق، ل، س (نیز ل، ب) ۲۰- س، ل (نیز ل، ل، ن، ب): همه دل: ق: سرو دل: س: دل و دین: (ل، و، آ: دل و جان): متن = ف (نیز ق، ل، ب) ۲۱- ل: همیشه بهر کار یا ۲۲- ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، ب، و، ل، ن، آ، ب): در: متن = ف (نیز آ): بنداری: و جعلهم علی خزائن افراسیاب ۲۳- س (نیز ل، آ): سپرده شما را ۲۴- (آ: مکوشید): متن = ف، س (نیز ل، ق، ل، ل، ب، و، ل، ن، آ، ب): بکشید (مکوشید؟) ۲۵- س، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): برین: ق: سپهر: متن = ف، ل، س (نیز ق، و، آ) ۲۶- ق: او ۲۷- ل، س (نیز ق، ب): ایوان: متن = ف، ق، ل، ل، س (نیز ل، ل، آ) ۲۸- ق: بکو ۲۹- ل، س (نیز ل، ب): بودند گرد (ل: سوی) دز اندر: متن = ف ۳۰- ف: خود (؟): متن = ل، س (نیز ل، ب) ۳۱- ق: گفتار: ل (نیز ل، ب، ل، ن، آ، ب): کردار: متن = ف، ل، س، س (نیز و) ۳۲- ق: او ۳۳- ل: گفت گوی: ق: گفتگو

<p>۱۳۸۵ که کیخسرو ایدون^۱ بدان^۲ سان شده است همی یاد نایدش خونِ پدر همان مادرش را که از تخت و گاه شبان پروریده ست و از^۶ گوسپند^۷ چرا چون پلنگان به چنگالِ تیز^۸ ۱۳۹۰ فرود آورد کاخ و ایوان^{۱۲} اوی^{۱۳} ز گفتار ایرانیان پس خبر^{۱۵} فرستاد^{۱۷} بس^{۱۸} بخردان را بخواند که هر جای تندی نباید^{۲۰} نمود همان به که با کینه داد آوریم ۱۳۹۵ که نیکی ست^{۲۱} اندر جهان یادگار همین چرخ گردنده با هر کسی</p> <p>که آرند پوشیدگان را نهان کسی کو نیامد ز پرده^{۲۸} به کوی پُر از کین سوی کاخ بشتافتند که خسرو بریشان سر آرد^{۲۹} زمان</p>	<p>۱۴۰۰ وُزان^{۲۵} پس بفرمود شاه جهان همه^{۲۶} دختِ شاهان و^{۲۷} پوشیده روی چو ایرانیان آگهی یافتند بر آن گونه بردند گردان گمان</p>
---	---

۱- ل-س^۱ (نیزلن، ل-ب): ایدر: متن = ف (نیزق^۱) ۲- ف: بدین: س-ل^۱ (نیزلن، لن، ب): بران: متن = ل، ق، س^۱ (نیزق^۱، ل، ل، پ، آ) ۳- ف: ... کاخ (واژه نخستین پاک شده است)؛ (لی: سوی یاز: پ: بریاب): متن = ل-س^۱ (نیزهفت دستویس دیگر): بنداری: کآن کیخسرو جاء الی ضیافه آیه ۴- س، ل، س^۱ (نیزلن، ل، ل، لن، آ، ب): بخنجر (→ بخیره؟): (ق: آ: بختی): ل (نیز پ): بخیره بریده: متن = ف، ق (نیزو): بخیره (→ بخنجر؟) ۵- ل (نیزل): کشیدند یکسو: س، ق (نیزلن، ب): بگیسو کشیدش: ل: کشید او ز گیسو: س^۱ (نیزپ): کشیدند یکسر: (لن: بگیسو کشیدش ز پرده: ق: آ: کجا میکشیدند یکسو: ل، آ: برهنه کشیدند ترکان): متن = ف (نیزو) ۶- ف، ل، ق، ل، س^۱: وز: متن = س ۷- ف، ل، ق، ل (نیزلن-ب): گوسفند: متن = س، ل، ۸- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، ب): مزیدست: س^۱ (نیزل): مکیدست: متن = ف ۹- ل: هوشمند: متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیزلن-ب) ۱۰- ق: چنان چون بزرگان بچنگ و ستیز ۱۱- ف: جان (حرف یکم نقطه ندارد): س، ل، آ، س^۱ (نیزق^۱، لن، آ): جان: متن = ل، ق (نیزلن، ل، پ، و، ب) ۱۲- (ق: میدان) ۱۳- ل، س، او ۱۴- ل، ق (نیزپ، و): کیوان: (ق: ایوان: لی: جولان): متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، ل، لن، آ، ب): بنداری: ولا یهدم القصر والایوان، ولا یطرح فی مساکن عدوه النیران ۱۵- ق (نیزل، آ): دربدر ۱۶- ق (نیزل، آ): هم آنگه خبر ۱۷- س^۱: فرستاد و ۱۸- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، پ، لن، ب): کس: (و: پس: آ: و مر): متن = ف، س^۱ (نیزق^۱) ۱۹- ف: پس آن: متن = ل-س^۱ (نیزلن-ب) ۲۰- ق (نیزلن، ل، آ): نشاید ۲۱- ق (نیزپ): نیاید: س، ل (نیزلن، لن، آ، ب): بسی (لن: کسی) بی خرد را نیاید: متن = ف، ل، س^۱ (نیزق^۱، ل، ل، و، آ) ۲۲- س^۱: درود ۲۳- س، ل (نیزلن، ب): بگاه ۲۴- س، ل (نیزلن، لن، ب): نداد است ۲۵- ل: از آن ۲۶- ق (نیزل، آ): همان ۲۷- س، ل، س^۱ (نیزلن، ل، ل، پ، آ، ب): [و]: (ق: و: همان (و: همد) دخترشاه): متن = ف، ق ۲۸- س (نیزپ): ز ایوان نیامد: (ق: نیامد از ایوان: ل، آ: که کس شان ندیدی ز پرده): متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ل، پ، و، لن): ل این بیت را ندارد ۲۹- ل-س^۱ (نیزلن-ب): سر آرد بریشان (لن، ل، آ، ب: بدیشان): متن = ف: ل در اینجا سر نویس دارد: نشستن کیخسرو بر تخت افراسیاب

به خواری همی بردشان^۱ خواستند
از^۲ ایوان برآمد به کیوان^۳ خروش
تو دانی که ما سخت بیچاره‌یم
بر شاه شد مهتر بانوان
پرستنده‌یی^۵ پیش هر دختری
چو خورشید تابان ازیشان گهر
همه^۷ جام زرین گرفته به دست
پُر از^۹ مُشک و یاقوت و زر و گهر^{۱۰}
به یک دست میجر، به یک دست جام
تو گفتی که کیوان ز چرخ برین
مه^{۱۲} بانوان شد بنزدیک تخت
همان^{۱۳} پروریده بتان طراز^{۱۴}
همه یکسر زار بگریستند
کسی کونندیده ست جز^{۱۸} کام و ناز

به تاراج و کشتن بیاراستند
که شاهها به بیداد چندین مکوش^۴!
نه بر جای خواری و بیچاره‌یم
ایا دختران اندرآمد نوان
ز یاقوت بر هر سری افسری
برآن بافته جامه‌های به زر^۶
— همه دل ز هول^۸ شهنشاه پست —
به پیش اندرافکنده از شرم سر^{۱۱}
برافروخته عنبر و عود خام
ستاره فشاند همی بر زمین
ابر شهریار آفرین کرد سخت
برآن^{۱۵} گونه بردند پیش نماز
بدان^{۱۶} زارواری^{۱۷} همی زیستند
بروبر بیخشای روز نیاز

۱- ل، س (نیز ل): نزدشان؛ متن = ف، ق، ل، س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر): بردشان (= برده‌شان؟)؛ ول در ف، س^۲ به پیش
یکه) ۲- ف، ل، ق، ل: زه متن = س، س^۳ - ۳- س، ق، ل، س^۴ (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب): بزاری؛ ل (نیز ق، پ): بزاری برآمد؛
(لی: برآمد ز ایوان بزاری)؛ متن = ف ۴- ل- ل- س^۵ (نیز لن- ب): که ای دادگر شاه (ل، لن، ل، ن: مرد) بسیار (ق: بازار) هوش؛ متن =
ف ۵- ل، س، ق، ل^۶ (نیز لن- ب): پرستنده صد (ق، لن: در؛ ق، ل، و: شد؛ لی، پ، آ: بد)؛ متن = ف، س^۷؛ ل^۸ در اینجا سز نویس
دارد: آمدن دختران افراسیاب نزد کیخسرو ۶- ل، س^۹ (نیز ق، و): به پیش اندرافکنده از شرم سر (= ۱۴۰۸ ب)؛ متن = ف، س، ل^{۱۰} (نیز
لن، ل، پ، لن، ب)؛ ق، لی، آ این بیت را ندارند؛ ل، و ۱۴۰۶- ۱۴۰۸ آ را انداخته و از ۱۴۰۶ و ۱۴۰۸ ب یک بیت ساخته اند ۷-
ل^{۱۱} (نیز لن، ب): همان ۸- س (نیز لن، ب): بیج؛ س^{۱۲}: سوگ؛ (لن: نیش؛ ق: همه سر ز شرم)؛ متن = ف، ل^{۱۳} (نیز لی، ل، پ)؛ ل، ق،
و، آ این بیت را ندارند؛ در س^{۱۴} بیت‌های ۱۴۰۷ و ۱۴۰۸ پس از بیت ۱۴۱۰ آمده اند ۹- (ل: بدان)؛ متن = ۱۰- ف: بزرو به
یاقوت و مشک و گهر؛ ق (نیز لی، آ): به چهره چو خورشید با زیب و فر؛ (ب: پر از زر و یاقوت و مشک و گهر)؛ متن = س، ل، س^{۱۱} (نیز لن،
ق، لن، ب) ۱۱- س^{۱۲} (نیز ق): بران بافته جامه‌های بزر (= ۱۴۰۶ ب)؛ ل، و، آ این بیت را ندارند (= ۱۴۰۶ پ)؛ بنداری
(۱۴۰۹-۱۴۰۴): فدخلت علیه زوجته، و کانت ملکه نساء توران، و معها بناتها الأبنکار کأهنن الأقرار، و علی رء و سهنن أکالیل الیاقوت، و بأیدیهن
أطباق من الذهب مملوءة بالمسک و العنبر، و هن نواکس الأبصار خواضع الأعناق هیهة له؛ ف پس از بیت ۱۴۰۹ سز نویس دارد: گفتار اندرز زاری
کردن دختران و خویشان افراسیاب که از قلعه آورده بودند و رحمت فرمودن شاه و شفقت نمودن ۱۲- س، ل، س^{۱۳} (نیز لن، ل، ب)؛ سر؛
(ل: شه)؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، لی، پ، و، آ) ۱۳- ف، س (نیز ق، و): همه؛ متن = ل، ق، ل، س^{۱۴} (نیز هفت دستنویس
دیگر) ۱۴- س، س^{۱۵} (نیز لن، پ، و، لن، ب): بناز؛ (ق: بنان را بناز)؛ ل: پرورانیده بنان بناز (!)؛ متن = ف، ل، ق
(نیز لی، ل، آ) ۱۵- ل: برین؛ (لی، و: بدان) ۱۶- س، س^{۱۷}: بران ۱۷- ل، س، ق، س^{۱۸} (نیز ق، لی، پ، آ): شوربختی؛
ل، لن، ل، لن، ب این بیت را ندارند؛ در س^{۱۹} بیت‌های ۱۴۱۳-۱۴۱۵ درهم ریخته اند: ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵ و پس از آن افزوده
است:

چنین گفت پس مهتر بانوان

کای نامور شهریار جوان

۱۸- ف، س، ل، س^۱ (نیز لی، پ، لن، ب): نبیند جز از (ف: بجز)؛ متن = ل، ق (نیز ق، لی، و، آ)

<p>که ای نیک دل خسرو^۱ زادمرد^۲ نبودی به دلت اندرون درد و^۳ کین، ز شاهت^۴ درود و پیام^۵ آمدی، به تختِ نیا گرد کرده دو پای^۶، ولیکن^۷ چنین گشت^۸ خورشید^۹ و ماه که پیش تو پوزش نبیند به خواب به خیره همی سر ز پندم بگاشت که بارید خون از دو بیننده^{۱۰} ام^{۱۱} که سایید دو پایش همی^{۱۲} بند تو چه تیمار بُد بر دل و جانِ من^{۱۳} بسی^{۱۴} پند بشنید و سودش^{۱۵} نکرد شده^{۱۶} پادشاهیش زیر و زبر شده روز تار و نگون گشته سر^{۱۷} خُتک آنک بر تن بدرَدش پوست^{۱۸}!</p>	<p>همی خواندند آفرینی به درد چه نیکو بُدی گر ز توران زمین تو ایدون^۱ به جشن و خرام آمدی، برین بوم ما شاه و هم کدخدای^۲، سیاوش نگشتی به خیره تبا^۳؛ چنان کرد بدگوهرا فراسیاب همی^۴ دادمش پند سودش^۵ نداشت گوا^۶ی من ست آفریننده ام دگر نامور جَهَن^۷ پیوند تو ز بهر سیاوش که در خانِ من که فراسیاب آن بدانیش مرد بدان تا چنین روزش آمد^۸ به سر به تاراج داده کلاه و کمر^۹ چنان زندگی بتر از^{۱۰} مرگ اوست</p>
---	---

۱- س، ل، ن (نیز لن، پ، ل، ن، ب): نیک پی خسرو؛ ق: شاه و کیخسرو؛ (ق، ل، ل): شاه نیک اختر؛ ل، آ: شاه رد خسرو؛ متن =
 ف، ل، س، ۲- ل، ق، س، ۱ (نیز لن، پ): زادمرد؛ متن = ف، س، ل، ۱ (نیز ق، ل، ل، ل، ل، آ، ب) ۳- ل: ایچ؛ (ق، ل):
 خشم و؛ ل، ۳: رنج و) ۴- ل، س، ۱ (نیز لن، ق، ل، ل، پ، ب): ایدر؛ (ل، ۳: بتوران)؛ متن = ف ۵- ل، ل، س، ل، س، ۱ (نیز
 لن، ق، ل، ل، پ، و، ل، ن، ب): شاهان؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۶- (پ، و، سلام) ۷- ف: برین خانه اکنون تویی
 کدخدای؛ ل (نیز ل، پ): برین بوم و بر (پ: بوم ما) نیست خود (ل، ۳: نیستی) کدخدای؛ ق: برین بوم ما بر شدی کدخدای؛
 س، ۱: برین بوم و بر گرد کردی تو پای؛ متن = س، ل، ۱ (نیز لن، ق، ل، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۸- ف: اندر آورده پای؛ ل (نیز
 ل، پ): بر نهادی تو پای؛ ق (نیز آ): بر نهاده دو پای؛ ل، ۱: گرد کردی دو پای؛ س، ۱: همچنو کدخدای؛ متن = س (نیز لن، ق، ل، ل،
 و، ل، ن، ب): در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های متن = ل، س، ۱ (نیز لن، ب)؛ بنداری
 (۱۴۱۶-۱۴۱۹): ما احسن ما کان یکون لو قدمت الی ممالک توران و أنت غیر مستور و لم یکن سیاوش مقتولا، ولیکن
 قضی الله امرنا کان مفعولا. ۹- س، ل، ۱ (نیز لن، ل، ن، ب): سیاوش که شد کشته بری گناه؛ ق (نیز ل، ل، و، آ): سیاوش بخیره نگشتی
 تبا^{۱۰}؛ متن = ف، ل، س، ۱ (نیز ق، پ) ۱۰- ف: ولیکن ۱۱- س، ۱: رفت؛ (ل: است؛ ق: خواست) ۱۲- ف: خرشید؛ در
 س، ل، س، ل، ن، ل، ن، ب، ل، ت، های این بیت پس و پیش شده اند ۱۳- ل: بسی ۱۴- ل، س، ق، ل، ۱ (نیز ق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب):
 و سودی؛ س، ۱ (نیز لن، ل، و): سودی؛ متن = ف ۱۵- س (نیز ل، پ، آ، ب): گواه ۱۶- س (نیز ب): خواب از دیده اه ۱۷-
 ل: چو کرسوز و جهن؛ س، ق، س، ۱ (نیز ق، ل، ل، و، ل، ن، ب): دگر (ق: همان؛ ل، ۳: مگر) بر زمین (پ: پور من؟) جهن؛ (ب: دگر پور من جهن
 - بنداری)؛ متن = ف (نیز ل، آ): بنداری؛ و کذلک ولدی جهن اسیرک و قریبک ۱۸- ل: بزاری کنون؛ س، س، ۱ (نیز ق، ل، ل، و، ل، ن، آ،
 ب): بزاری همی؛ ق: همی هر زمان؛ (پ: بخواری همی)؛ متن = ف؛ ل، ل، ن، این بیت را ندارند ۱۹- س، ۱: در دل انجمن ۲۰-
 س، ۱: همی ۲۱- ف (نیز ل، و، ل، ن، ب): سودی؛ متن = ل، س، ۱ (نیز لن، ق، ل، ل، پ، آ، ب) ۲۲- ل: آبد ۲۳- ل، س، ق، ل، ۱
 (نیز ل، ل، ن، ب): شود؛ (ل: بشد؛ ق: کجا؛ و: شد این)؛ متن = ف، س، ۱ (نیز پ، آ) ۲۴- (ب: کلاه مهی) ۲۵- س، ۱:
 نگون کرده سر؛ ل: روز او تار و برگشته سر؛ (ل، آ: تار روز نگون کرده سر؛ ل، ۳: زور بازو نگون گشته سر؛ ل، ۳: بید روز گارش نگون سر بر؛
 ب: ازو گشت برگشته روز بی)؛ متن = ف، س، ق، ل، ۱ (نیز لن، ق، ل، پ) ۲۶- ل، ق: چنین زندگانی همی (ق: ترا)؛ متن = ف، س، ل، ۱،
 س، ۱ (نیز لن، ق، ل، ل، ب، ب) ۲۷- ل، ق، س، ۱ (نیز ق، ل، ل، پ، آ): شگفت آنک بر تن ندرش (ق، ق: ندرید) پوست؛ س، ل، ۱ (نیز لن،
 ل، ن، ب): زمانه بدرید بر تنش پوست؛ متن = ف

کنون از درا بی‌گناهان به ما همه ^۳ پاک پیوسته‌ی خسرویم ز ^۵ بد کردن جادو و افراسیاب به خواری، به ^۶ زخم و به خون ریختن که از شهریاران سزاوار نیست ترا ^۸ شهریارا جز نیست جای ^۹ همان کن، چو ^{۱۱} پرسد ز تو ^{۱۲} کردگار	نگه کن به ^۲ آیین شاهان به ما جز از ^۴ نام او در جهان نشنوم نگیرد برین بی‌گناهان شتاب، چه بر ^۷ بی‌گنه خیره آویختن بریدن سری کان گنهار نیست نماند کس اندر ^{۱۰} سپنجی سرای نیچی تو سر زان به ^{۱۳} روز شمار ^{۱۴}
چو بشنید خسرو ببخشود ^{۱۵} سخت از آن درد پوشیده رویان و داغ ^{۱۸} بپیچید دل بخردان را ز درد همی خواندند آفرین ^{۲۲} بزرگ کزیشان شه نامبردار کین چنین گفت کیخسرو هوشمند نیاریم کس را همان ^{۲۵} بد به روی چو از کار آن نامدار بلند که بد کرد با پُرهنر ^{۳۰} مادرم	بر آن ^{۱۶} خوب رویان برگشته بخت ^{۱۷} شده لعل ^{۱۹} رخسارشان ^{۲۰} چون چراغ، ز فرزند و زن ^{۲۱} هر کسی یاد کرد سران سپه، مهتران سترگ، نخواهد، ز بهر جهان آفرین ^{۲۳} که هر چیز کان نیست ما را پسند ^{۲۴} ، اگر ^{۲۶} چند باشد جگر ^{۲۷} کینه جوی بر اندیشه مانم ^{۲۸} نیاید ^{۲۹} پسند، کسی را همان ^{۳۱} بد به سر ناورم

۱- ل: از بی؛ س، ق، ل، س (نیز ل-ب): از ره؛ متن = ف-ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، ل، ل، ل، ل، ل، آ) ۳- (ل، آ: کجا) ۴- ف (نیز ل): بجز؛ متن = ل-س (نیز ل، ق، ل، ب) ۵- ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ل، ل، پ، و، ل، س، ب): به؛ متن = ف، س (نیز ل، آ) ۶- ل (نیز ل، س): [به]؛ س، ق، ل، س (نیز ل، ل، ل، پ، و، آ، ب): و؛ متن = ف ۷- س، س (نیز ق، ب): با ۸- ق (نیز ل): مرا؛ (ل: مکزن) ۹- ق (نیز ل، پ): رای ۱۰- ف، ل (نیز ق، ل، ل، پ، آ): کسی در؛ (ل: نماند بکس این): متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ل، ل، پ، و، ل، آ، ب): که؛ متن = ف ۱۲- (ل: گر پرسدت؛ ق: بگیتی چنان زی که از) ۱۳- ل-س (نیز ل-ب، ل، آ، ب): نیچی سر از (ل، پ: از آن؛ ل: تواز؛ س: بدان) شرم؛ متن = ف ۱۴- (ل: پروردگار) ۱۵- ف، س (نیز ل، ل، ل، ل، آ، ب): بیچید (؟): ق، س: بیخشید؛ متن = ل، ل (نیز ق، ب، و) ۱۶- س: از آن؛ س (نیز ل، ل): بدان ۱۷- (ل: که بوده بخت) ۱۸- ل، ق (نیز ل، ل، آ): که پوشیده رویان از آن (ل: بدان) درد و داغ؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ق، ب، و، ل، آ، ب) ۱۹- ف: زرد (؟): متن = ل-س (نیز ل-ب) ۲۰- س، ل (نیز ل، ل، ل، آ، ب): رخسارگان؛ (ق: رخسار او): متن = ف، ل، ق، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ): در سلت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۲۱- س، ل (نیز ل، ل، آ، ب): فرزند خود؛ (ق: فرزند و از) ۲۲- ل، ق، س (نیز ل، و، آ): آفرینی ۲۳- س: پس از این بیت افزوده است:

بفرمود خسرو بایرانیان

که تا باز گشتند جنگ‌اوران

۲۴- ق: مرا گزند (در بالا به پسند تصحیح کرده است) ۲۵- س (نیز ب): همی ۲۶- ل، س، ل (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ل، ل، ل، ل، وگر؛ متن = ف، س (نیز ل) ۲۷- س، ل (نیز ل، ل، و، ل، ل، ب): دلد؛ (ق: روان)؛ متن = ف، ل، س (نیز ب): ق، ل، آ این بیت را ندارند ۲۸- ل (نیز ل، ل، پ): بر اندیشه اینم؛ س، ل، س (نیز ل، و، ل، ل، ب): بر اندیشه آتم؛ متن = ف ۲۹- ق: بر اندیشه از عقل ناید ۳۰- س: با من ابا ۳۱- ق: چنان

<p>چنان پاک‌زاده جهان‌کدخدای ز گوینده گفتار بد مشنویدا^۱ مرا بی‌وفایی و بدخیم^۲ نیست چو خواهد زمانش نباشد^۳ بسی به یزدان سپرده^۴ تن و جان^۵ خویش به ما داد^۶ بوم‌وبر و^۷ تاج و تخت شماراست ایران سرای نشست^۸ به مهر اندرین کشور^۹ افسون کنید ز خون ریختن گرد^{۱۰} کشور گلست برآن گنج‌دادن^{۱۱} سپاسی نهم چو دیدید^{۱۲} سرما بهار آورید کنم یکسر از گنج^{۱۳} دینار سیر سر بی‌گناهان نباید^{۱۴} برید به زیر اندرآورده را کوفتن هر آنکس که پوشیده دارد، به کوی که دشمن شود دوست از بهر چیز</p>	<p>۱۱۱۵ بفرمودشان بازگشتن به جای بدیشان چنین گفت کایمن شوید کزین پس^۱ شما را ز من بیم نیست تن خویش را بد نخواهد کسی بیاشید این به ایوان خویش به ایرانیان گفت: پیروزبخت همه شهر توران گرفته به دست ز دل‌ها همه کینه بیرون کنید که از ما چنین ترستان^{۱۱} در دلست همه گنج ترکان^{۱۳} شما را دهم بکوشید و چربی^{۱۵} به کار آورید من این لشکر خود^{۱۷} یکایک نه دیر ز خون ریختن دل بیاید^{۱۹} کشید نه مردی بود خیره آشوفتن ز پوشیده‌رویان بیچید^{۲۱} روی ز چیز کسان سر بتاید^{۲۲} نیز</p>
--	--

۱- س، ل (نیز، لن، ب): من بشنوید؛ (پ: او مشنوید؛ آ: کس مشنوید)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز، ل، و) ۲- س (نیز، ق، ب): بد ۳- ف: [و] بدخیم؛ ل، س (نیز، ل، پ، و، آ، ب): و دژخیم؛ (ق: مرا با کسی خوی دژخیم)؛ متن = ق، ل، س (نیز، لن، ل، س) ۴- س (نیز، لن، آ): نباید ۵- س (نیز، لن، ب): سپرده یزدان ۶- ل: سپرده تن و جان یزدان ۷- ل، س، ل، س (نیز، لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): باناد؛ متن = ف (نیز، آ) ۸- ل (نیز، ب): تا جاودان؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، هفت دستویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد ۹- ل، س، ل، س (نیز، لن، ق، پ، و، لن، ب): به (س، پ: چو) ایران شما را سرای (ل: سرای و) نشست؛ متن = ف (نیز، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۰- س، ق، ل (نیز، و، ب): کینه؛ (ق، ل، لن، آ: اندرون کینه؛ ل: اندر از کینه)؛ متن = ف، ل، س: درس پس از این بیت، بیت ۱۴۵۹ آمده است ۱۱- ل (نیز، ق): دردشان؛ ق (نیز، ل): که گرما چنین دردمان؛ ل: گر از ما چنین ترستان؛ متن = ف، س، س (نیز، لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۲- ف: درد؛ متن = ل- س (نیز، لن، پ، لن، آ، ب) ۱۳- ل، س، ل، س (نیز، لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): توران؛ متن = ف (نیز، آ) ۱۴- ف (نیز، ق، پ، و): گنج داران؛ س، ل، س (نیز، لن، ب): نه زان بر شما بر؛ (ل: بدان نیز بر سر)؛ متن = ل (نیز، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- ل، س، ل، س (نیز، لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): خوی؛ متن = ف (نیز، آ) ۱۶- ل، ل (نیز، لن): دیدند؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- س، ق، ل، س (نیز، لن، ب): لشکر؛ (لن: لشکری) را؛ ل: من ایرانیان را؛ متن = ف ۱۸- ق (نیز، ل، پ، لن، آ، ب): گنج و ۱۹- س (نیز، ب): دست باید؛ (لن، ق: سرباید) ۲۰- ف: نشاید؛ متن = ل، س، ل، س (نیز، لن، ق، ل، پ، ب)؛ ق، ل بیت‌های ۱۴۵۷-۱۴۵۹ را ندارند؛ بنداری: وأمر العساكر بأن يكفوا أيديهم عن القتل والأسروا الهب، وألا يتعمرضوا لأهل بيت أفراسياب ۲۱- ف، س: بیوشید (؟)؛ (لن، ق، ل، و، آ: بتاید)؛ متن = ل، س، ل (نیز، پ، لن، ب)؛ درس پس از این بیت، بیت ۱۴۵۲ آمده است ۲۲- ف، س، ل (نیز، لن، آ، ب): بیچید؛ متن = ل، ق، س (نیز، ل، پ، و)؛ ق پس از این بیت دو بیت و س پس از بیت ۱۴۵۵ تنها بیت یکم را، افزوده‌اند:

نباید با‌غاز پیکار جست
که از آ‌ز باشد تننت را گزند

بهر کار خوی (ق: نیکی) بیاید نخت
تو آن کن که آید خرد را پسند

دبیرِ نبیسنده^۱ را پیش خواند
 ۱۴۷۵ سرِ نامه کرد آفرین از نخست
 سرِ جادوان را نگوسار^۲ کرد
 توانایی و دانش و داد ازوست
 دگر گفت کز بختِ کاوس کی
 گشاده شد^۷ این^۸ گنگِ افراسیاب
 ۱۴۸۰ به یک رزمگاه^{۱۱} از نبرده سران^{۱۲}
 همانا که افکنده شد چل هزار^{۱۳}
 وُزان پس برآمد^{۱۵} یکی بادِ سخت
 به آب اندرافتاد^{۱۷} چندی سپاه
 وُز آنجا یگه رفت^{۱۹} بیهشت گنگ^{۲۰}
 ۱۴۸۵ همان بُد که بیدادگر بود مرد
 همه روی کشور سپه گسترید
 ازین^{۲۶} پس فرستم به شاه آگهی

سَخُن هرچ^۲ بایست با او^۳ براند
 برآن^۴ کو زمین از بدی‌ها بشت
 چنان اختر خفته بیدار کرد
 به گیتی^۶ ستم یافته شاد ازوست
 بزرگ و جهان دیده ونیک پی،
 سر بختِ او^۹ اندرآمد^{۱۰} به خواب
 سرافراز با گرزهای گران،
 به گل زربون در گه^{۱۴} کارزار
 که بر کند ازو شاخ و بیخ^{۱۶} درخت
 که جُستند بر ما همی^{۱۸} دستگاه
 حصارِ پُر از^{۲۱} مردم و جای تنگ^{۲۲}
 وُرا دانش و بخت^{۲۳} یاری نکرد
 شده ست او کنون^{۲۴} از^{۲۵} جهان ناپدید
 ز روزی^{۲۷} که باشد مرا فرهی

۱- ف- ل (نیز لن، ل- ب): نویسنده: (ق: جهان دیده: ل: خردمند): متن = س^۱ ۲- س، ق، ل، ا، س: هرچه ۳- س: وی: س، ق: پس از این بیت افزوده اند:

بکائوس پس نامه فرمود (ق: کی نامه کرد) شاه
 که چون بود با او مرا کارزار
 ز توران و ز شاه (ق: کار) توران سپاه
 چه آورد پیشش بد روزگار

۴- ل، ق، س (نیز ق، ل، ل، ب، آ): بدان: متن = ف، س، ل (نیز لن، و، لن، ب) ۵- ل- س (نیز لن- ب): نگوسار: متن = ف: در
 ل، ب ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۶- س (نیز ب): بهرجا ۷- ق (نیز ل): گشاده ۸- ل، س (نیز ب):
 آن ۹- (ق: و ز بخت بد او: ل: که بخت بدش) ۱۰- ق: چو بخت بد او درآمد ۱۱- س، س (نیز لن، لن، ب):
 رزمگه ۱۲- ل: برین رزمگاه نبرد سران ۱۳- ل (نیز ب): صد هزار ۱۴- ل (نیز ب): در یکی: س (نیز لن، ب): در صف:
 ق (نیز ق، ل، ل): از در: ل (نیز لن): در دگر: (و، آ: در در): متن = ف، س، ق: پس از این بیت افزوده است (ب: کعباده، بیت ۵۲ پ):

فرورفت و بسررفت روز نبرد
 بماهی نم خون و بسم ماه گرد

۱۵- ق: بیامد ۱۶- ف: که از بیخ بر کند شاخ: ل: که بر کند شاداب بیخ: س: که افکنده شد بیخ و شاخ: (ل، ب، آ: که بر کند ازو بیخ
 و شاخ): متن = س، ق، ل (نیز لن، ق، و، لن، ب) ۱۷- س، ل، س (نیز لن، لن، ب): افکنده: متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، ب، و،
 آ) ۱۸- ل (نیز ب): یکی: ل: همه: ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

باورد گه در چندان شد سوار
 که از ما یکی را دو صد شد شکار

۱۹- س: شد ۲۰- ق (نیز ل): اوسوی کنک ۲۱- ق: حصارِ شد آن ۲۲- س، ق (نیز ق، و، لن، آ، ب): جنگ: س: خنک
 خنک (ق): متن = ف، ل، ل (نیز لن، ل، ب: بیت ۸۹۲): ل، س، ق، س، ق، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

بجنگ حصار اندرون سی هزار

همانا: که شد کشته در کارزار

ف، ل، لن، ل، و، لن، آ، ب این بیت را ندارند ۲۳- ل: بخت و دانش چو ۲۴- ف: کنون او شدست: متن = ل- س (نیز لن-
 ب) ۲۵- س، س: در ۲۶- س: ازان ۲۷- ل، س (نیز و): روی: س: پس از این بیت افزوده است:

بران نامه بر مهر زربین نهاد

فرستاد نزدیک کاوس شاد

۱۴۹۰ وُزآن^۱ پس بیامد به شادی نشست
بید تا بهار اندرآورد روی
درو^۲ دشت چون پرنیان شد^۳ به رنگ
گرازیدن^۴ گور و آهو به دشت
به نخچیر یوزان و پرنده باز
همه چارپایان بکرادر گور
به گردن بکرادر شیران^۵ نر^۶

۱۴۹۵ به^{۱۵} هر سو فرستاد کارآگهان
پس آگاهی آمد ز^{۱۶} چین و ختن
که فغفور^{۱۷} چین با وی انباز گشت
ز چین^{۱۸} تا به گل زرّیون لشکرست
نداند کسی ارج آن^{۱۹} خواسته
که او را فرستاد خاقان^{۲۰} چین
همه^{۲۱} گنج پیرانش آمد به دست
چو آن^{۲۲} خواسته برگرفت از ختن
چو زین گونه آگاهی آمد ز راه^{۲۳}
همه بازگشتند از^{۲۴} ایرانیان

پرستنده^۲ پیش اندرون می به دست
جهان شد بهشتی به رنگ و به بوی^۳
هوا گشت برسان^۴ پشت پلنگ
برین^۵ گونه بر چند خورشید گشت^۶
همه^۷ مُشک بویان^۸ بتان طراز
پراگنده، آگنده^۹ گردن^{۱۰} به زور
بسان گوزنان به گوش و به سر^{۱۱}

همی جست بیدار کار جهان
از^{۱۲} افراسیاب اندر آن^{۱۳} انجمن
همه کشور چین^{۱۴} بدو بازگشت^{۱۵}
بریشان چو خاقان چینی سرست^{۱۶}
پرستنده و اسپ آراسته،
به شاهی برو خواندند آفرین
شتروار دینار صد^{۱۷} بار شست^{۱۸}
یکی لشکری شد برو انجمن^{۱۹}
بنزدیک آن زینهار^{۲۰} سپاه^{۲۱}،
ببستند کین خواستن^{۲۲} را میان

۱- ل (نیزق، و): از آن ۲- ل: پری روی؛ س، ق، ل، س^۱ (نیزلن-ب): پری چهره؛ متن = ف ۳- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل-ب): پراز رنگ و بوی؛ س^۱ (نیزق): جهان (س: چنان) چون بهشتی شد از رنگ و بوی؛ متن = ف ۴- ل-س^۱ (نیزلن-ب): همه؛ متن = ف ۵- ل: بد ۶- ل، ق (نیزل): گرازیدن ۷- ل: بدین ۸- ل، س، ق، ل (نیزلن-ب): خوشی (ل: روزی) گذشت؛ س: ز کوه و کمر در بصره گذشت؛ متن = ف (: خورشید) ۹- ق: همان؛ متن = ۱۰- ل، س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، پ-ب): می (پ: همه) مشکبوی؛ متن = ف، ل (نیزل) ۱۱- ل، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ): واکنده؛ متن = ف، س، س^۱ (نیزل، ل، ل، ل، آ، ب) ۱۲- ل: کرده ۱۳- ل، س، ل (نیزلن، ل، ل، ب): گوزان نر؛ ق: شیرزیان ۱۴- ف: بیز (؟): ق: بران؛ س: بیای و بیز (لن: بگوش بیز)؛ متن = ل، س، ل (نیزق-ب) ۱۵- ل (نیزب): ز: ل در اینجا سرنویس دارد: خبر یافتن کیخسرو از افراسیاب و رزه ۱۶- س (نیزب): به ۱۷- ل، س، ل (نیزلن، ق، آ، ب): وزه (ل: که؛ لن: ز) ۱۸- ل: وزان ۱۹- بنداری: بغبور (= بغبور) ۲۰- ل: همه روی کشور ۲۱- ل-س^۱ (نیزلن، ل-ب): پراز آواز گشت؛ متن = ف (نیزق) ۲۲- ل، ل: زمین ۲۳- ل: چین سرورست؛ (ق: چین مهترست)؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ل-ب) ۲۴- ل (نیزل): راز آن؛ ق: زان همه؛ ل، س^۱ (نیزلن، و، ل، آ، ب): ارز آن؛ (ل: راز آن)؛ متن = ف، س (نیزق، پ) ۲۵- ل، س، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ): فغفور؛ متن = ف، ل (نیزل، پ، ب) ۲۶- ل، ق (نیزل): همان ۲۷- ق: سی؛ ل: شد (جسد = صد؟) ۲۸- ق (نیزلن، لن): شصت ۲۹- ل: چنان (چنان آن) ۳۰- ف: سپاهی برو بر شدند انجمن؛ ل، س^۱ (نیزق، ل، پ، و، آ): سپاهی بیاورد لشکرشکن (= ۱۵۰۵ ب)؛ متن = س، ق، ل (نیزلن، ل، ل، ل، ب): در ف، لن^۱ پس از بیت ۱۵۰۳، بیت ۱۵۰۶ آمده و در لن^۱ بیت ۱۵۰۶ در جای خود هم آمده است ۳۱- ف، ل، س^۱ (براه (؟): ل (نیزق، ل، ب): بشاه؛ متن = س، ق (نیزلن، و، لن، آ، ب) ۳۲- ل (نیزب): زینهار داده سپاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۳۳- ل: ز؛ س^۱ (نیزق): [از] ۳۴- ف، ل: خون ریختن؛ متن = س، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، پ-ب)

<p>سپاهی بیاورد لشکرشکن^۲ ستاره شمارش^۱ نیابدهمی^۵ پر از درد با لشکری کینه‌جوی^۶ طلایه فرستاد چندی به راه دگر گیو و رُهام و فرهاد را^۷ طلایه شب و روز کرده به پای چو کار آید اندر^۹ پناه تواند که یاد آرد از دشمنان^{۱۱} اندکی، دو پایش ز بر، سر نگوسار^{۱۲} کن! نگهبان این^{۱۵} لشکر^{۱۶} و گنج باش!</p>	<p>۱۵۰۵ چو برداشت^۱ افراسیاب از ختن که گفتی زمین^۳ برنتابدهمی ز چین سوی کیخسرو آورد روی چو کیخسرو آگاه شد زآن سپاه بفرمود گودرز^۴ کشواد را ۱۵۱۰ که ایدر بباشید با داد و رای^۸ به گودرز گفت: این سپاه تواند ز ترکان هر آن گه^{۱۰} که بینی یکی هم اندر زمان زنده بر دار کن! چو بی رنج باشند^{۱۳}، بی رنج^{۱۴} باش!</p>
<p>خروشیدن زنگ با گره‌نای^{۱۷} که خورشید را آرزو^{۱۹} کرد جنگ به سوی ختن^{۲۰} لشکر اندرکشید^{۲۱} جهاندار گردن‌گشان را بخواند</p>	<p>۱۵۱۵ تبیره برآمد ز پرده‌سرای سپاهی برون کرد ازآنسان ز گنگ^{۱۸} چو بیرون شد از شهر صف برکشید میان دو لشکر دو منزل بماند^{۲۲}</p>

۱- ف: وزان روی؛ (ق:؛ چونزدیک)؛ متن = ل-س^۱ (نیزلن، لی، پ-ب) ۲- ل، س^۱ (نیزق، لی، پ، و، آ)؛ یکی لشکری شد
بروانجمن (= ۱۵۰۲ ب)؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیزلن، لن، ب) ۳- ف: که دریای چین؛ ق (نیزلی، ل، ق)؛ که گویی زمین؛
متن = ل، س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ب-پ) ۴- (ق:؛ شناسش) ۵- ف: نداند همی (پساوند ندارد)؛ ل: نیارد همی
(پساوند ندارد)؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیزلن - ب)؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۵۰۲ آمده است و در اینجا بجای آن افزوده
است:

که گفتی کجا برنتابد زمین

که و دشت یکم رشده آهنین

۶- س، س^۱ (نیزلن، لن، ب)؛ جنگجوی ۷- ل-س^۱ (نیزلن - ب)؛ سپه‌دار آن مرزو (ل، پ: گرگین و؛ ق، س، ل، آ)؛ و آن شهر؛ ق:
مردان و؛ آ: ایران و) فرهاد را؛ متن = ف: بنداری؛ و آمر جودرز این کشواد و ولده فرهاد و غیرها ۸- ق: با دل بجای ۹- (ل، پ:
اندرآید)؛ س (نیزب)؛ شب و روز اندر؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ق، لی، و، لن، آ)؛ اندر (ج-ایدر؟) ۱۰- ف (نیزلی، ل، پ،
لن، آ)؛ کس (؟)؛ متن = ل-س^۱ (نیزلن، ق، و، ب) ۱۱- ق (نیزق، ل، ق)؛ دشمن او ۱۲- ل-س^۱ (نیزلن - ب)؛ نگونسار؛
متن = ف ۱۳- ل، س، ل^۱ (نیزلن، ق، لی، پ-ب)؛ یابی (ل، پ: باشد؛ لن، آ: باشی) تو؛ متن = ف، ق، س^۱ (نیزل^۲) ۱۴- ق:
کم رنج ۱۵- ف (نیزل^۲)؛ آن ۱۶- س، ق (نیزب)؛ کشور ۱۷- ل (نیزل^۲)؛ و هندی درای ۱۸- ل (نیزب)؛
بدینسان (پ: بدانسان) سپاهی بیامد ز کنک؛ س، ق، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، لن، آ، ب)؛ سپاهی بیامد (ق: بیاورد) برانسان ز (ق، س،
لن: بدانسان ز؛ ق: زانسان ز؛ ل: بسان؛ لن: بدانسوی) کنک (ل، ل، پ: پلنگ)؛ (لی: سپاهی برون رفت زانسان بکنک؛ و: سپاهی درآمد
تن آسان ز کنک)؛ متن = ف ۱۹- ل: آرزوی ۲۰- ل: سوی کوهها؛ س، ل^۱ (نیزلن، لن، ب)؛ سوی او کجا؛ ق: سوی کولجان؛
س: سوی که کجا؛ (لی: بسوی که او؛ ل: سوی کولجان؛ پ: سوی کوهها؛ و: سوی کوه کسی؛ آ: سوی کوخجا)؛ متن = ف:
سوی ختن ۲۱- (ق:؛ سپهبد سوی کوه لشکر کشید)؛ بنداری؛ و خرج من کنک و ساربعسا کره حتی نزل علی مرحلتین من
نجم افراسیاب فأقام أسبوعا یعدو ویستعد ۲۲- س (نیزلن، ق، لی، پ، لن، ب)؛ فرسنگ مانند؛ متن = ف، ل، ق، ل، س^۱ (نیزل^۲)، و،
(آ

<p>نه خوب آید آسایش^۱ اندر بسیج همه شب همی گرد لشکر بگشت همی کرد^۴ آرایش و ساز جنگ به خسرو چُنین گفت^۶ کامد سپاه که نظاره گشتند^۸ خورشید و ماه بیامد برابر صنی برکشید به دل بر^۹ مرا چون خرامست^{۱۰} و بزم چو رزم^{۱۱} نبودی شتاب آمدی سری پُر ز کینه، دلی پُرستیز وگر^{۱۳} بر سرم روزگاری نوست؟ اگر^{۱۵} کام دل یابم ار^{۱۶} مرگ و درد اگر^{۱۷} خویش بود، ارز^{۱۸} بیگانه بود، چرا باید این لشکر و دار و برد^{۲۰} زیبگانگان گر^{۲۳} ز خویش^{۲۴} تویم^{۲۲} بر اینیم و این^{۲۷} بود پیمان ما تن^{۲۹} خویش را خوارمایه مدارا! که زنده به فر^{۳۰} کلاه^{۳۰} تویم</p>	<p>چُنین گفت کامشب محسبید هیچ طلایه پراگند^۲ بر گرد دشت به یک هفته بودش همانجا^۳ درنگ به هشتم طلایه بیامد^۵ ز راه سپه را برآسان^۷ بیاراست شاه چو افراسیاب آن سپه را بدید به فرزندگان گفت کین دشتِ رزم مرا شاد بر گاه خواب آمدی کنون مانده گشتم چُنین در^{۱۱} گریز ندانم که این^{۱۲} بخت کیخسروست برآتم^{۱۴} که با او شوم همنبرد بدو گفت هر کس که فرزانه بود که گر شاه را جست باید^{۱۹} نبرد همه چین و ترکان^{۲۱} به پیش تویم^{۲۲} فدای^{۲۵} تو بادا تن و^{۲۶} جان ما اگر صد شود گشته آید هزار^{۲۸} همه سربر نیک خواه تویم ۱۵۲۰ ۱۵۲۵ ۱۵۳۰ ۱۵۳۵</p>
---	---

۱- ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): آرامش؛ متن = ف، ق (نیز ل، و)؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، س، ل^۳: دیگر رزم شاه (ل: دیگر جنگ) کیخسرو با افراسیاب؛ س^۴: لشکر کشیدن کیخسرو بجنگ افراسیاب دیگر بار ۲- ل: برافکنده؛ س^۵: پراکنده ۳- س، ق، س^۶ (نیز ق، ل، ی، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): بدانجا؛ ل^۷: در آنجا؛ (لن، آ: آنجا)؛ متن = ف، ل (نیز پ) ۴- ل، س (نیز ب): ساخت ۵- ل: بیامد طلایه ۶- ل: خبر داد ۷- ل، ق، ل^۸ (نیز لن، ل، ی، ل، آ، پ، آ): بدانسان ۸- س (نیز ب): که رزم آرزو کرد؛ ل^۹: نظاره برو گشت ۹- ل، ق، س^{۱۰} (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ): مرا؛ متن = ف، س، ل^{۱۱} (نیز لن، ق، ل، و، ب) ۱۰- ف: [چون] خرامست؛ س (نیز لن، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): همچو خوابست؛ ق: همچو آبست؛ متن = ل، ل، آ، س^{۱۲} (نیز ق، ل، ی، ل، پ، آ) ۱۱- ق (نیز ل^{۱۳}): بر؛ ف: هماندم اکنون دزی بر (؟)؛ متن = ل، س، ل، آ، س^{۱۴} (نیز لن، ق، ل، آ، پ- ب) ۱۲- ق (نیز ل^{۱۵}): از؛ ل: ندانم که از؛ متن = ف، س، ل، آ، س^{۱۶} (نیز لن، ق، ل، ی، ل، آ، پ- ب) ۱۳- س، ق (نیز لن، ل، ی، ل، آ، ل، ن، آ، ب): و یا؛ (ق: اگر)؛ متن = ف، ل، ل، آ، س^{۱۷} (نیز پ، و، آ) ۱۴- س: ندانم ۱۵- (پ: ازو) ۱۶- ف، س، ل^{۱۸} (نیز ل، ل، ن، آ، ب): از (ح-ار)؛ ل، ق (نیز ق^{۱۹}): کام یابم اگر؛ متن = س^{۲۰} (نیز لن، پ، و) ۱۷- ل (نیز ب): گراز؛ متن ← ۱۸- س (نیز لن، آ، ب): بد گرز؛ ق (نیز ق^{۲۱}، و): گراز خویشتن گرز؛ (ل، آ: اگر خویش و گرزانکه)؛ متن = ف، ل، آ، س^{۲۲} (نیز لن) ۱۹- ف: شاه با شاه جوید (← ۱۵۷۶ آ)؛ متن = ل- س^{۲۳} (نیز لن- ب) ۲۰- ل^{۲۴}: وگر کام دل یابد از مرگ و درد (= ۱۵۲۹ ب) ۲۱- ق (نیز ل، پ، آ): توران ۲۲- ل، س، ق، ل^{۲۳} (نیز لن- ب): تواند؛ متن = ف، س^{۲۴} ۲۳- ل، س (نیز ب): ار ۲۴- س^{۲۵}: که زنده بفر کلاه (۱۵۳۴ ب- ۱۵۳۵ آ را انداخته و از ۱۵۳۲ آ و ۱۵۳۵ ب یک بیت ساخته است) ۲۵- ل: فدی ۲۶- ل، ق، ل^{۲۷} (نیز لن، ق، ل، آ، ل، ن، آ): همه؛ متن = ف، س، س^{۲۸} (نیز ل، و، آ، ب) ۲۷- ل، س، ق، ل^{۲۹} (نیز لن- ب): چُنین (و: برین) بود تا؛ متن = ف؛ س^{۳۰} این بیت را ندارد ۲۸- ل، ق، ل^{۳۱} (نیز لن- و، آ): گر (آ: ار) صد (پ: ده) هزار؛ متن = ف، س (نیز لن، آ، ب) ۲۹- ق (نیز ق^{۳۲}، ل، و): سر؛ س^{۳۳} این بیت را ندارد ۳۰- ق: بفرمان و راه

گفتار اندر پیغام فرستادن افراسیاب به کیخسرو^۱

<p>زمان وزمین^۲ شد پُر از جنگ و جوش^۴ رخ زرد خورشید شد لاژورده^۵ گزین کرد کارآزموده دوه^۶ تن که کردی فراوان پس پشت راه^۷ سوی گنگ دز اندرآید شمار^۸ دو لشکر^۹ برینسان^{۱۰} چومور و ملخ، ز گنگ و ز چین تا به ایران زمین به ژرفی^{۱۱} برد رای یزدان پاک، دو لشکر به خون اندرون گم شود و گر^{۱۲} بوم ترکان^{۱۳} و تخت و کلاه، جز از بند جان کان ندارم کلید^{۱۴} ز تخم فریدون افسونگرم چنین آب من نزد تو^{۱۵} تیره شد، مرا دل پُر از درد و تیمار بود که هم با پناهند^{۱۶} و هم با گزند که با نامداران^{۱۷} نرفتم^{۱۸} به دشت</p>	<p>و زان پس ز لشکر برآمد^{۱۹} خروش ستاره پدید آمد از تیره گرد سپهدار ترکان از آن انجمن پیامی فرستاد نزدیک شاه همانا که فرسنگ از ایران هزار^{۲۰} ز کوه^{۲۱} و بیابان و زریگ^{۲۲} و شیخ زمین ها چو^{۲۳} دریا شد از خون کین اگر خون آن^{۲۴} گشتگان را ز خاک همانا که^{۲۵} دریای قلم شود اگر گنج خواهی ز من گر^{۲۶} سپاه سپارم ترا، من شوم ناپدید مکن گر ترا من پدر مادرم ز خون^{۲۷} پدر گر دلت خیره شد از آن بد سیاوش گنهکار بود دگر گردش اختران بلند مرا سال بسیار^{۲۸} بر سر گذشت</p>
--	---

۱- ف (بیست و بی بی پایین تر): پیغام فرستادن افراسیاب بکیخسرو که من با تو در میدان بتنها رزم جویم اگر مرا اجل بدست تو باشد و اگر ترا بدست من؛ ق: پیغام فرستادن افراسیاب نزد کیخسرو؛ س: پیغام افراسیاب بکیخسرو؛ متن - آغاز ف ۲- ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، و لن، آ، ب): برآمد ز لشکر؛ ق (نیز ل، آ): بزاری برآمد؛ متن = ف (نیز ل) ۳- ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، و لن، آ، ب): زمین و زمان؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ) ۴- ل: جنگ جوش ۵- س، ق، ل، آ، س (نیز لن - پ، و لن، آ، ب): لاژورده؛ متن = ف، ل (نیز و) ۶- س (نیز پ، آ): سه ۷- ق (نیز ل، آ): بسی رزمگاه؛ ق: که ای شاه ایران و پشت سپاه ۸- ل: ز ۹- س: باشد چهار ۱۰- ل - س (نیز لن - ب): بود تا (س: از ایدر) بکنک اندر (آ: ایدر؛ س: تابندز کنک؛ ل: تا بدین جای) ای شهریار؛ متن = ف ۱۱- ل: ریگ ۱۲- ف، ل: کوه؛ ق (نیز ل): دشت؛ متن = س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ - ب) ۱۳- ف: سپاهی؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۱۴- س، ق (نیز لن، ل، آ، پ، و لن، آ، ب): بدینسان؛ (ل: بدانجا؛ آ: بدینجا)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ق) ۱۵- ل (نیز و): زمین همچو؛ (ل: بیابان چو)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستویس دیگر)؛ ق بیت های ۱۵۴۲ - ۱۵۴۴ را ندارد ۱۶- ف: این؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن - ب) ۱۷- س: بدریا ۱۸- ل (نیز پ): چو ۱۹- ف، س، ق، س (نیز لن - پ، آ، ب): یا؛ ل (نیز و لن): با؛ متن = ل ۲۰- ف: اگر؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۲۱- س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، پ، و لن، آ، ب): توران؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، آ) ۲۲- ل - س (نیز لن، ل، آ، پ، و لن، آ، ب): جز از تیغ جان را (پ: خارا) ندانم (ل، س، آ، پ: ندارم) کلید؛ ق: جز از تیغ کوهی نباشد کلید؛ ل، آ: کجا بند جان را ندارم کلید؛ متن = ف ۲۳- ل - س (نیز لن - ب): کین؛ متن = ف ۲۴- ل، ق، ل، آ، س (نیز لن - آ): پیش تو؛ س (نیز پ): پیش تو آب من؛ متن = ف ۲۵- ف: باگناهند؛ متن = ل - س (نیز لن - ب) ۲۶- ل، س، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و لن، آ، ب): سالیان شست (شصت؛ ل: چند)؛ ق: سال دو شست؛ متن = ف، ل (نیز ل، آ) ۲۷- ق (نیز لن، ق، آ، ل، و لن، آ، ب): نامداری ۲۸- ل: نرفتم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل (نیز ل، آ، پ): نرفتم

به انبوه لشکر به جنگ^۱ اندرآر سخن بگسل آلوده و^۲ نابکار

۱۵۷۰ ز رستم چو بشنید خسرو سخن
به گوینده گفت: آن^۳ بداندیش مرد
فزون کرد ازین^۵ با سیاوش وفا
سپهد به کژی نگیرد^۶ فروغ
گر ایدون که^۱ رایش^{۱۰} نبردست و پس
۱۵۷۵ تهمتن به جایست و گیو دلیر
اگر شاه با شاه جوید نبرد
یکی دیگر اندیشه افگند بُن
چنین با من آویخت اندر^۴ نبرد
زبان پُرفسون، دل پُر از کیمیا^۷
زبان تیر پرتاب^۸ و دل پُردروغ
جز از من نبرد ورا^{۱۱} هست کس
که پیگار جویند با نزه شیر^{۱۲}
چرا باید^{۱۳} این دشت پُرمرد کرد^{۱۴}

۱- س: 'بند ۲- (ل: آلوده)؛ ل (نیز ل، پ): سخن چند آلوده؛ ق: سخن چند آلا بدان؛ متن = ف، س، ل، س، ' (نیز ل، ق، و، ل، آ، ب)؛ بنداری (۱۵۶۴-۱۵۶۸): فتنه رستم من ذلك وقال: لو كانت الملوك تبارز بعضهم بعضا، ويقاتل أحدهم خصمه بنفسه لم يكن هم حاجة الى جمع العساكر ورجالها فل ۳- ف (نیز ل، ل، ب): ای؛ ل، س، ل، ' (نیز پ): این؛ متن = ق، س، ' (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ) ۴- ف: آویخته در؛ متن = ل- س، ' (نیز ل- ب) ۵- ل: 'زین ۶- ل- ل- س، ' (نیز ل- ب): پرفسون داشت (ل: بود و؛ ق، ل، ل، آ: است و) دل پر جفا؛ متن = ف؛ س، ' پس از این بیت افزوده است:

بروز ایدر آن بد کنش را بگویی کزین پس ازین ره که رفتی مپوی

۷- ق: نگیرد بکژی ۸- ف: نر پرتاب (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، س، ' تیره برتاب؛ (ل، آ: نیز برتاب)؛ س، ل، ' (نیز ل، ل، ب): روان خیره بر (ل: پرتاب؛ ق (نیز ق، پ، و): روان تیره بر (پ: پرتاب؛ متن = (ل: 'سه ف) ۹- ل، س، ق، ل، ' ایدونک ۱۰- س، ق، ل، ' (نیز ق، ل، آ، و، ل، ب): رایت ۱۱- س، ق، ل، ' (نیز ل، ق، ل، آ، و، ل، ب): ترا ۱۲- ل: پیل و شیر؛ ل: ' که بر نام گیوست آن نزه شیر؛ س پس از این بیت افزوده است:

دگر بیژن گیو گرد هزیر که تا زاد نگر بخت از شیر و ببر

۱۳- ل: ' باشد ۱۴- ق، س، ' و گرد؛ ف، س، ل، ' (نیز پ، و، ل، ب): این لشکر و دارو برد (= ۱۵۳۱ ب)؛ متن = ل (نیز ق، ل، ل، آ)

→ تویکبار (آ: یکباره) از گاه برخاستی برت را بچوشن بیارستی
برفتی دلاور بچنگ بشنگ نیامد پسندیده از شاه جنگ
هم لشکرت بود پیچان چومار سپاهی چنین را پر از (ل: زاربا) غم مدار (آ ندارد)
نیای نوگر (ل: نیابت اگر) شد چنین نیز چنگ
همی آرزو آیدش خیره (ل: با تو) جنگ (آ ندارد)
منم بسنه کین را (ل، آ: بسنه کین) کمر بر میان
ببیند دگر باره گرز گران (آ: کیان)

[چو بد نارسیده ز مانش بر

بجست از کفم چند بر خاک سر (ف ندارد)]

[مگر مرگش این بار دامن گرفت

بخیره دل از جان و تن برگرفت (ف ندارد)]

چه باید کشیدن سخن ها دراز

نمانم من ای شاه گردن فراز

که زین پس ببیندی تو بر کین کمر

به پیشت یلانی (ل، آ: پیشت یلان) چنین جنگ خر (ل: با هنر)

ل- س، '، ل، ق، ل، آ، پ، و، ل، آ، ب این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست، ولی در ل^۲ آنها را به خطی دیگر در کناره افزوده اند

به انبوه لشکر درآرم به جنگ^۱ بمانم بدو^۲ روز تاریک و تنگ

فرستاده برگشت و آمد چو باد
پُر از درد شد جانِ افراسیاب
سپه را به جنگ اندرآورد شاه
یکی با درنگ و یکی^۵ با شتاب
ز باریدن تیر گفتی ز^۶ ابر
ز شبگیر تا گشت خورشید لعل^۸
سپه بازچیدند^{۱۱} چون تیره گشت
سپهدار^{۱۱} با قر و نیرنگ^{۱۲} و ساز
چنین گفت با طوس کامروز جنگ
گمانم که امشب شیخون کند
یکی کنده فرمود کردن^{۱۸} به راه
بفرمود^{۲۱} کآتش مسوزید^{۲۲} کس
ز لشکر سواران که بودند گرد
دگر^{۲۴} بهره بگزید از^{۲۵} ایرانیان

۱۵۸۰
۱۵۸۵
۱۵۹۰

سراسر شنیده^۳ برو^۴ کرد یاد
نکرد ایچ بر جنگ جستن شتاب
بجینید ناچار دیگر سپاه
زمین شد بکردار دریای آب
همی ژاله بارد ز کام هزبر^۷
زمین پر ز خون بود در زیر نعل^۹
که چشم سواران همی خیره گشت
چُن آمد^{۱۳} به لشکرگه خویش باز،
نه بر آرزو^{۱۴} کرد پور^{۱۵} پشنگ^{۱۶}
ز دل کین^{۱۷} دیرینه بیرون کند
بدانسو^{۱۹} که بُد راه^{۲۰} توران سپاه
نباید که آید خروش جرس
گزین کرد خسرو به رستم^{۲۳} سپرد
که بندنند^{۲۶} بر تاختن^{۲۷} میان

۱- ل، ق (نیزق، ل، و): نباشد مرا با توزین بیش جنگ؛ س، ل، س (نیزلن، پ، ل، ب): نباشد مرا زین سپس با تو جنگ؛ متن = ف (نیزلی، آ)
۲- ل- س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): بیینی کنون؛ متن = ف (نیزلی، آ)؛ درو پس از این بیت، بیت های ۱۲۱۹-۱۲۵۴ آمده است؛ ف، ل، آ پس از بیت ۱۵۷۷ افزوده اند:

چو خشنود گشتی برین پور زال
جگرگاه (ل، آ: تهی گاه) او را چو آن بشنگ
بیدان کینه بسیدی مهال
بدشنه بدریدی روز جنگ (ل، آ: چون هنگ)

ل- س، ل، ق، ل، ب، و، ل، ب این بیت ها را ندارند، ولی در ل آنها را به خطی دیگر در کناره افزوده اند ۳- ل (نیزب، و): شنیده
سراسر ۴- ق، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): بدو ۵- س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): دگر؛ متن = ف، ل (نیزلی، ل، ب، و) ۶- ف، س، ل (نیزلن، ل، ل، ب، و، ل، ب): که (؟)؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، ب، و) ۷- ق (نیزلی، ب): هزبر؛ ل (نیزب):
بارید بر خود و بر؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب) ۸- س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): زرد؛ متن = ۹- س، ل (نیزق، ل، ب): مرد؛ (لن: روز نبرد)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزلی، ل، ب، و، آ) ۱۰- ل، ق (نیزلی، ل، ب، و، آ): گشتند؛ س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): گردید؛ س: جستن؛ متن = ف ۱۱- ق، س (نیزلی، و، آ): شهشاه ۱۲- س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، ب): اورنگ؛ (و: ارونند)؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، ب، و، آ): نیرنگ (؟) ۱۳- ف، ل، س، ق: چو آمد؛ ل: بیامد؛ متن = س ۱۴- ل: آرزوی ۱۵- ف: دیو (!)؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۱۶- ل، س (نیزو): بشنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛
ق، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): بشنگ؛ متن = ف، ل (نیزب، ل، ب) ۱۷- ل، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): درد؛
متن = ف، س (نیزلی، آ، ب) ۱۸- ق، ل (نیزلی، ل، ب، و، ل، ب): کندن؛ متن = ف، ل، س، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب) ۱۹- ف (نیزلی): بدانسان؛ س (نیزب): برانسو؛ ق: از آنسو؛ متن = ل، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، آ) ۲۰- ل، ق (نیزلی): شاه؛ متن = ف، س، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۱- ل: چنین گفت ۲۲- ل، ق (نیزلی): نسوزید ۲۳- ل (نیزب): شاه و برستم؛ ل: لشکر بدیشان؛ (لن: رستم بخسرو)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۴- س: یکی ۲۵- ف، ل: ز؛ متن = س، ق، ل، س ۲۶- ق، ل، س (نیزق، ل، ب، و، ل، ب): بستند؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب) ۲۷- ق، ل (نیزلن، ل، و، ل، ب): ها؛ س (نیزق، ب): مرتااختن را؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، آ)

به طوس سپهد سپرد^۱ این^۲ گروه
 همتن سپه را به هامون کشید
 بفرمود تا دور بیرون شوند
 ۱۵۹۵ طلایه ندارند و^۶ شمع و چراغ
 بدان تا اگر^۸ سازد افراسیاب
 چو آید^{۱۰} سپاه، اندرآید ز پس
 بفرمود تا رفت بر پیش^۳ کوه
 سپهد سوی کوه بیرون کشید^۴
 چپ و راست هر سو^۵ به هامون شوند
 نه بر طرف کوه و نه بر روی^۷ راغ
 بدو بر^۹ شیخون به هنگام خواب،
 ماند، نباشدش^{۱۱} فریادرس^{۱۲}

گفتار اندر شیخون کردن افراسیاب بر کیخسرو^{۱۳}

به ره گنده^{۱۴}، پیش و پس اندر سپاه^{۱۵}
 سپهدار ترکان چو شب در شکست^{۱۷}
 ۱۶۰۰ ز لشکر جهاندیدگان را بخواند
 چنین گفت کین^{۱۹} شوم پُرکیمیا
 کون بی گمان خفته اند آن گروه^{۲۲}
 به مردی^{۲۴} ز دل ترس^{۲۵} بیرون کنیم
 گر امشب بریشان بیابیم^{۲۶} دست
 پس گنده با لشکر و پیل شاه^{۱۶}
 میان با^{۱۸} سپه تاختن را بیست
 ز کار گذشته فراوان براند
 چنین چیره^{۲۰} شد بر^{۲۱} سپاه نیا
 پراکنده لشکر همه دشت و کوه^{۲۳}
 سحرگه بریشان شیخون کیه
 ز پستی ابر تحت^{۲۷} باید نشست^{۲۸}

۱- ل: سپهدار داد ۲- ل-س: (نیزلن، ب): آن: متن = ف ۳- ل-س: (نیزلن، لی-ب): سوی: (ق: روتا سرتیغ): متن =
 ف ۴- ق: خزید ۵- ل-س: (نیزلن، ق، پ، و، لن، ب): دو: متن = ف (نیزل، آ) ۶- ف، ل: (نیزب، آ): [و]: ل (نیز
 لن): مدارند و؛ ق: نرانند و؛ متن = س، س: (نیزق، لی، و، ب) ۷- ل، س، ل: (نیزلن، ق، پ، لن، ب): یکی سوی دشت و
 یکی سوی: ق: نه از سوی دشت و نه از سوی: (و: یکی سوی کوه و دگر سوی): متن = ف (نیزلی، آ، لغت شهنامه، شماره ۱۱۶۳) ۸- س،
 ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، لن، ب): مگر: متن = ف، ل (نیزلی، پ، و، آ) ۹- ل، س، ق، س: (نیزل، ب، و، ب): بروبر: (ق:)
 برایشان: لی، آ: بمابر): متن = ف، ل (نیزلن، لن) ۱۰- ل، س، ق، ل: (نیزلن، ق، لن، ب): گر آید: (ل: که آیدر: پ: از آیدر):
 متن = ف، س: (نیزلی، و، آ) ۱۱- ق (نیزل): نمادش: متن ← ۱۲- س: (نیزب): ماند چو باز نو اندر قفس: متن = ف، ل، س، ل
 (نیزهفت دستویس دیگر) ۱۳- ف: تاختن کردن افراسیاب بر لشکر شاه کیخسرو و خبر شدن لشکر را و مصاف دادن و هزیمت افراسیاب
 دیگر بار: س: شیخون آوردن افراسیاب بر سر ایرانیان: ق: گفتار در شیخون افراسیاب بر کیخسرو: ل، س: شیخون کردن افراسیاب با
 ایرانیان (س: بکیخسرو): متن ← ق ۱۴- ق (نیزل، ب): پراکنده: متن ← ۱۵- س، س: (نیزب): و پیش و پس در سپاه: (ق:)
 و پیش اندر سپاه: ف: پراکنده پیش و پس اندر گروه: متن = ل، ل: (نیزلن، لی، و، لن، آ) ۱۶- ف: لشکر همه دشت و کوه (← ۱۶۰۲):
 س: لشکر ابا پیل و شاه: (ل: با لشکر کینه خواه): متن = ل، س، ق، ل: (نیزلن، ق، لی، ب-ب): نداری: و ركب و وقف بنفسه مع القبلة
 والعساكر من وراء الحفيرة ۱۷- ل، س: (نیزلی، ل، و، آ، ب): درگذشت (ق نیز نخست درگذشت داشته و آنرا به در شکست تصحیح کرده
 است) ۱۸- ق: [با] ۱۹- ق: کان ۲۰- ف، ل، س، ق، س: (نیزو): حیره (حرف بیکه نقطه ندارد): ل: (نیزلن، ق، آ، ب،
 لن، آ، ب): خیره: متن = (لی، ل، ل) ۲۱- (لن، ب: با) ۲۲- ل: جمله ایرانیان خفته اند ۲۳- (ق: بدشت و بکوه): و: همه
 همگروه: ل: همه لشکر ما برآشفته اند: ق (نیزل): پراکنده از جنگ و گشته ستوه: متن = ف، س، ل، س: (نیزلن، لی، پ، لن، آ،
 ب) ۲۴- ل-س: (نیزق، لی، ل، پ، لن، آ، ب): کون ما: (لن: بیاتا: و: اگر ما): متن = ف ۲۵- ل: بیم ۲۶- س، ل:
 (نیزلن، ق، لن، ب): نیابیم ۲۷- ل: به پیشی ابر تحت: س، ل: (نیزلن، لن، ب): به پستی بر خاک: ق: نشستن بر تخت: (لی، آ: ابر
 تحت: با کام: ل: پس آنگه بر آن تخت: پ: بیستی که بر تخت: و: پس آنگاه بر تخت): متن = س: (← ل) ۲۸- (ق: دگر تخت شاهی
 نیاید بدست): ف این بیت را ندارد

۱۶۰۵	وگر کار ما زین نگیرد ^۱ فروغ برین برنهادند و برخاستند ^۲ ز لشکر گزین کرد پنجه هزار برفتند کارآگهان پیش او ^۵ ز کارآگهان آنک بُد رهنمای
۱۶۱۰	به ^۷ جایی عَو ^۱ پاسبانی ^۱ ندید ^{۱۰} ظلايه نه و آتش و باد نه بدید آن و ^{۱۳} برگشت و آمد دوان همه خفتگان همچنان ^{۱۴} مرده اند به جایی ظلايه پدیدار نیست
۱۶۱۵	چو افراسیاب آن ^{۱۹} سخن ها شنود سپه را فرستاد و خود برنشست برفتند ترکان ^{۲۱} چو دریای آب برآن ^{۲۳} تاختن جنبش و ساز نه چو رفتند ^{۲۴} نزدیک پرده سرای
۱۶۲۰	عَو ^{۲۶} طبل بر ^{۲۷} کوهی زین بخاست ز لشکر هر آنکس که بُد پیشرو
	همه چاره بادست و مردی دروغ ز بهر شبیخون بیاراستند ^۳ جهان دیده مردان ^۴ خنجرگزار ^۴ جهان دیده مردان ^۶ پرخاشجوی ^۶ بیامد بنزدیک پرده سرای بجز آرمیده جهانی ندید ^{۱۱} ز ترکان ^{۱۲} کسی را به دل یاد نه کزیشان کسی نیست روشن روان مگر دی ^{۱۵} همه روز ^{۱۶} می خورده اند برآن ^{۱۷} دشت برپای جز خار نیست ^{۱۸} به دلش اندرون روشنایی فرود میان یلی ^{۲۰} تاختن را بیست بکردند ^{۲۲} بر تاختن بر شتاب همان ناله ی بوق و آواز نه برآمد خروشیدن گره نای ^{۲۵} درفش سیه سر ^{۲۸} برآورد راست برانگیختند اسپ و برخاست عَو ^{۲۹}

۱- ل (نیزب): وگر بختمان برنگیرد: س، ق، ل (نیزلن، ل، ل، ب): اگر (ق: وگر) بخت تازی (ل: یاری) نگیرد: س: اگر بختمان زین نگیرد: متن = ف (نیزق، ل، و، آ) ۲- ل: برانختند ۳- ل: پیرداختند: (ق: برآراستند): در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- س، ق، ل (نیزلن، ل، و، ب): گرد اذر کارزار: س: گردان خنجرگزار: متن = ف، ل (نیزب) ۵- ل (نیزب): شاه ۶- ل (نیزب): با فروجه ۷- ق، س: نه ۸- ق، ل (نیزق، ل، ب): عَو ۹- ل، س: (نیزلن، ب، ل، آ، ب): پاسبانان: (و: پاسبان را): متن = ف ۱۰- ق، س: شنید: (ق: رسید) ۱۱- ق، س: (نیزل، و، آ): جهان را (آ: جهانبان) ندید: ل: تو گفتی جهان سرسبز آرمید: س، ل (نیزلن، ق، ل، ل، ب): چنان (ل: بخواب) آرمیده جهان را ندید: (ب: جز از آرمیدن جهانی ندید): متن = ف ۱۲- ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): توران: متن = ف (نیزل، آ) ۱۳- ل، ق (نیزل): چو از دیده: س، ل، س: (نیزلن، ل، و، ل، آ، ب): چو آن دید: (ق: چنان دید و: ب: چنان دید): متن = ف ۱۴- ل، س: (نیزلن، ق، ل، ل، ب، و، ل، آ): سرسبز: متن ← ۱۵- ل، س: (نیزلن، ق، ل، ل، ب، و، ل، آ): وگر نه: متن = ف (نیزل، آ) ۱۶- (ق: وگر روز گویی که): بنداری: کأنهم شربوا طول نهارهه المدا حتى حالقوا لیلهمه المتام ۱۷- س، ل، س: (نیزلن، ق، ل، و، ب): همه: متن ← ۱۸- ل: کس آن خفتگان را نگهدار نیست: (ل: آ: بدان (آ: در آن) دشت جز خار بر (آ: بی) بار نیست: ب: همه دشت بر جای جز بار نیست): متن = ف، ق، ل: این بیت را ندارند ۱۹- ل، س (نیزآ، ب): این ۲۰- ل: یلان: س، ق، ل (نیزب): بایلان: متن = ف، س: (نیزق، ل، و، آ، ب) ۲۱- ل، س، ل، س: (نیزلن، ق، ل، و، ل، ب): گردان: ق: پویان: متن = ف (نیزل، ب، آ) ۲۲- ل (نیزب): گرفتند: س: (نیزق، ل، ب): نکردند: متن = ف، س، ق، ل (نیزل، ل، و، آ، ب) ۲۳- س، ل (نیزلن، ل، ب): همان: ق (نیزق، ل، ل، و): در آن: س: (نیزل): بدان: متن = ف، ل (نیزب، آ) ۲۴- ق: برفتند ۲۵- ف، ل، س: کترای ۲۶- ق، ل (نیزق، ل، ب): عَو ۲۷- ق (نیزق، ل، ل، آ): از: متن = ف، ل، س، ل، س: (نیزلن، ب، و، ل، ب) ۲۸- ل، س (نیزل، ب) سیه راه: ق (نیزل، ب): سیه راه: س: (نیزق، ل، آ): سپه سر: متن = ف، ل (نیزلن، ل، ب، و) ۲۹- ل (نیزق، ل، ب): عَو

به گنده درافتاد چندی سوارا^۱ بیچید دیگر سر از کارزار^۲
 ز یکدست رستم برآمد^۳ ز دشت - ز گرد سواران هوا تیره گشت^۴ -
 ز دست دگر گیو و^۵ گودرز و طوس به پیش اندرون شاه با پیل و^۶ کوس
 ۱۶۲۵ شهنشاه با کاویانی درفش هوا^۷ شد ز تیغ سواران بنفش
 برآمد ده و گیر و دار و بکش^۸ نه با اسپ جان بُد^۹، نه با مرد هُش^{۱۰}
 ز ترکان^{۱۱} ز صد نامور ده نماند کسی^{۱۲} را که ماند^{۱۳} اختر بد براند^{۱۴}
 چو آگاهی آمد از آن^{۱۵} رزمگاه چنان خسته شد^{۱۶} شاه توران سپاه،
 کرو^{۱۷} خستگان زار و^{۱۸} گریان شدند ز درد دل شاه بریان شدند
 ۱۶۳۰ چُنین^{۱۹} گفت کر گردش آسمان نیابد گذر دانشی بی گمان^{۲۰}
 چو دشمن همی جان ستاند^{۲۱} نه چیز بکوبیم یک زخم ناچار نیز^{۲۲}
 اگر سربسرتن به کشتن دهیم وگر ارج تاج کیی برنیم^{۲۳}
 برآمد خروش از دو پرده سرای جهان پُر شد از ناله‌ی گره‌نای^{۲۴}
 گرفتند^{۲۵} شمشیر و ژوپین^{۲۶} به کف کشیده سپه بر^{۲۷} سه فرسنگ صف
 ۱۶۳۵ بگردار دریا شد آن رزمگاه نه خورشید تابید روشن، نه ماه^{۲۸}
 سپاه اندرآمده می فوج فوج برآسان^{۲۹} که برخیزد از باد^{۳۰} موج
 در و دشت گفتی همه^{۳۱} خون شده‌ست خور از چرخ گردنده بیرون شده‌ست

۱- ق، س (نیزق، ل، و)؛ سپاه ۲- ق، س (نیزق، ل، و)؛ رزمگاه ۳- ل، ل، س؛ به ۴- س؛ درآمد ۵- (و؛ همه کارترکان دگرگونه گشت) ۶- ل، ق، س؛ [و] ۷- ل، س (نیزب)؛ ناله بوق و؛ س، ق (نیزب)؛ بوق و آواز؛ ل (نیزلن، ق، ل، ل، و لن)؛ بوق و آوای؛ (لی) سپاه اندرون پیل و)؛ متن = ف؛ بنداری؛ و تلقاهم الملك بالفیلة فیمن معه ۸- ل؛ زمین ۹- ل، ق؛ بر بند و کش؛ س (نیزق، پ)؛ بند و بکش؛ س، ل (نیزلن، لی، لن، ل)؛ دار و بند (لی، لن، ل)؛ گیر) و بکش؛ (ل)؛ دار و بر بند و گیر)؛ متن = ف (نیزو، آ) ۱۰- ل (نیزق، ل، آ)؛ تاب و؛ س، س (نیزو، لن، ل)؛ جان و؛ ق (نیزل)؛ ناو و؛ متن = ف، ل (نیزلن، پ) ۱۱- (ل)؛ ویر) ۱۲- ل- س (نیزلن- پ، لن، آ)؛ ب)؛ ازیشان؛ متن = ف (نیزو)؛ بنداری؛ حتی لم یفلت منهم من العشرة إلا واحد ۱۳- (ق)؛ یکی؛ و؛ همان)؛ متن ← ۱۴- ل، س (نیزلن، لن، ل)؛ ب)؛ بد؛ (آ)؛ کوبانند؛ لی؛ هر آنکوبانند)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزل، پ) ۱۵- ل (نیزآ)؛ بماند (پساوند ندارد)؛ ل، ل، س؛ غماند (پساوند ندارد) ۱۶- ل (نیزب)؛ بدین؛ س، ل (نیزب)؛ ازین؛ س (نیزو)؛ بدان)؛ لن، ق، لن، ل)؛ برین)؛ متن = ف (نیزلی، ل، آ) ۱۷- ل؛ بد ۱۸- ق؛ بران؛ س (نیزق، ل، پ، و آ)؛ کجا؛ (ل)؛ چنان)؛ متن ← ۱۹- ق؛ [و]؛ ل؛ که از خستگی جمله؛ س، ل (نیزلن، لن، ل)؛ که آن (ل)؛ که از جنگیان زار و؛ متن = ف ۲۰- ل؛ همی ۲۱- (ل)؛ نشاید گذشت آشکار و نهان؛ و؛ بدانش نیابی گذر بیگمان) ۲۲- ل؛ بیچید؛ س، ل (نیزلن، ق، و لن، ل)؛ ب)؛ پسندد؛ متن = ف، س (نیزلی، پ، آ) ۲۳- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ل، پ، و لن، ل)؛ ب)؛ بکوبیم (ل، س، ل، پ، و؛ بکوشیم) ناچار یک دست (پ)؛ زخم؛ و؛ چند) نیز؛ (لی)؛ بکوشیم این (لی)؛ یک) باره ناچار نیز)؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- ل، ق، س (نیزق، ل، پ، و)؛ وگر ابرجی (ق)؛ سربسرتن) تاج بر سرنیم؛ س، ل (نیزلن، لن، ل)؛ وگر نیز تاج شهی (ل، لن، ل)؛ بلی؛ لن؛ یکی) برنیم؛ (لی)؛ ویا تاج شاهی بر سرنیم؛ آ)؛ وگر تاج شاهنشهی برنیم)؛ متن = ف ۲۵- ف، ل، س؛ کرتای؛ ق، ل این بیت را ندارند ۲۶- س، ل (نیزلن، ل)؛ ب)؛ برفتند ۲۷- ل (نیزب)؛ خنجر ۲۸- ل؛ کشیدند لشکر؛ ق، لن، ل این بیت را ندارند ۲۹- ل، س، ل، س (نیزلی، پ، لن، ل)؛ ب)؛ تابنده روشن (ل، ل)؛ پیدا)؛ نه ماه؛ ق؛ از آن خسته شد شاه توران سپاه؛ متن = ف (نیزق، و) ۳۰- ق (نیزلن، لی، لن، ل)؛ بدانسان ۳۱- س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ل، ل، ل، آ)؛ ب)؛ آ)؛ متن = ف، ل (نیزب، و)؛ درق این بیت پس از بیت ۱۶۴۰ آمده است ۳۲- س، ل (نیزلن، ق، لن، ل)؛ ب)؛ که پر؛ ق این بیت را ندارد

به قیراندر اندود^۲ چهر^۲ سپهر
 همانگه برآمد یکی تیزباد^۳
 ۱۶۴۰ همی خاک برداشت^۵ از آوردگاه
 ز سرها همه^۷ ترک‌ها برگرفت
 همه دشت مغز سر و^۸ خون گرفت
 سوارانِ ترکان که روز درنگ
 ندیدند با چرخ روی^{۱۱} نبرد
 ۱۶۴۵ چو کیخسرو آن جنبش و باد^{۱۳} دید
 ابا رستم و گيو و^{۱۴} گودرز و طوس
 دهاده برآمد ز قلب سپاه
 شد اندر^{۱۸} هوا گرد برسان میغ
 تلی گشته هر جای چون کوه کوه
 ۱۶۵۰ هوا گشت چون چادر نیلگون
 ز تیر آسمان شد چو پَران^{۲۴} عقاب
 بدید آن درفشان درفش^{۲۶} بنفش
 سپه را رده برکشیده^{۲۷} بماند

کسی را بُد بر تن خویش مهر
 که هرگز ندارد کس آن باد یاد^۴
 بزد بر سر و روی^۶ توران سپاه
 بماند اندر آن شاه ترکان شیگفت
 رخ خاک^۹ رنگی ظبرخون گرفت
 زبون داشتندی شکار پلنگ^{۱۰}،
 همی خاک برداشت از جنگ مرد^{۱۲}
 دل و بخت ایرانیان شاد دید
 ز قلب^{۱۵} سپاه اندر آورد کوس
 ز یک دست رستم^{۱۶}، ز یک^{۱۷} دست شاه
 چه میغی^{۱۹} که باران او تیر و تیغ
 برش^{۲۰} چشمه‌ی خون زهر دو گروه^{۲۱}
 زمین شد^{۲۲} بکردار دریای خون^{۲۳}
 نگه کرد روشن دل^{۲۵} افراسیاب،
 نهان کرد بر قلبگه بر درفش
 خود و نامدارانِ ترکان^{۲۸} براند

۱- ل: اندوده؛ س: (نیزب): آلود ۲- ل: گفنی؛ ق، ل: این بیت را ندارند؛ در ل، پ لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳- ل: (نیزو): تیره باد؛ س، ل: س: (نیزلن - پ، لن، آ، ب): نندباد؛ متن = ف ۴- ف: چنان باد یاد (!)؛ ل: (نیزب): کسی آن بیاد؛ (ل، آ): کس آنرا بیاد؛ س، ل: س: (نیزلن، ق، آ، ل، و، لن، ب): کسی آن (س، ل: کس آنرا) ندارد بیاد؛ متن = ف پس از تصحیح چنان به کس آن: ق این بیت را ندارد ۵- ق: برخاست؛ ل: همی خاست (وزن ندارد) ۶- ل، ق، س: (نیزق، ل، پ، و): چشم؛ (ل): بر رخ شده؛ متن = ف؛ س، ل، لن، ل، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: فثارت ریح عاصف لم یسمع بملها فکانت تحضر التراب و ترمیه فی وجوه التورانیین و تستلب لشدتها البیض من رء و سهم ۷- ق: همی؛ س: (نیزل، ب): ز سرشان همی؛ در س، ل، ل، لن، ب بیت‌های ۱۶۴۱-۱۶۴۳ درهم ریخته‌اند: ۱۶۴۳، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲ ۸- س: (نیزلن، لن، ب): یابان همه سر بر ۹- ل: دل سنگ؛ س، ل: (نیزلن، ق، پ، و، ب): دل ریگ؛ س: دل خار؛ (ل، آ): دل خاک؛ متن = ف؛ ق، ل، لن، این بیت را ندارند ۱۰- ق، ل: این بیت را ندارند ۱۱- ل، س، ق، س: (نیزلن - ب): گردان؛ متن = ف ۱۲- ف، ق: برخاست از جنگ مرد (؟)؛ ل: برخاست از دشت مرد؛ (ل): برخاست از آورد و گرد؛ پ: برخاست از دشت و گرد؛ متن = س، س: (نیزهفت دستنویس دیگر)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۳- ف، س: (نیزب، و): جنبش باد؛ ل، ق: (نیزل، ب): خاک و آن باد؛ س: بخشش باد؛ (ل): چشمه آباد؛ ق: چشمه و باد؛ لن: پیش باد؛ ب: جستن باد؛ متن = (ل، آ)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۴- ل، ق، س: [و] ۱۵- ل: پشت ۱۶- ق: (نیزآ): دشمن ۱۷- س: دگر ۱۸- (لن): بیست در ۱۹- ق: (نیزو، لن، ب): ابری؛ س، ل، س: (نیزلن، ق، آ، ل، آ): چو ابری؛ متن = ف، ل ۲۰- س: روان؛ (ل): زمین؛ متن ← ۲۱- ل: زمین گشته از خون ایشان ستوه؛ متن = ف، س، ل: (نیزلن، ق، آ، ل، و، لن، آ، ب)؛ ق، پ این بیت را ندارند ۲۲- س، ق، ل: (نیزلن، ق، آ، ل، و، لن، ب): هم؛ متن = ف، ل: (نیزل، آ) ۲۳- س: زمین همچو دریای جوشان ز خون ۲۴- ل - س: (نیزلن - پ، لن، آ، ب): پیز؛ متن = ف (نیزو) ۲۵- ل: (نیزب): خیره سر؛ س، ل: (نیزلن، لن، ب): تیره دل؛ متن = ف، ق، س: (نیزق، ل، ل، و، آ)؛ ق، ل: در اینجا سرنویس دارند، ق: گریختن افراسیاب دگر باره از کیخسرو؛ ل: گریختن افراسیاب از لشکر ایران ۲۶- س: (نیزلن، لن، ب): درفش درفشان؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۷- ف: (نیزل، آ): چنان صف کشیده؛ متن = ل - س: (نیزهفت دستنویس دیگر؛ ل: زده) ۲۸- ل، ل: (نیزق، ب): توران؛ س: (نیزلن، و، لن، ب): و گردان؛ متن = ف، ق، س: (نیزل، ل، آ)

۱۶۷۰ فراوان بمالید بر خاک روی
 و زانجا بیامد سوی تاج و تخت
 از ایران سپه^۳ هرک^۴ افکنده بود
 از آن خاک آورد برداشتند^۵
 همه رزمگه دخمه‌ها ساختند
 ز چیزی که دید^{۱۰} اندر آن رزمگاه^{۱۱}
 ۱۶۷۵ و زانجا بشد شاد^{۱۳} بی‌هشت گنگ^{۱۴}

۱۶۸۰ چو آگاهی آمد به ماچین و چین
 بیچید فغفور^{۱۷} و خاقان به درد
 از آن یاوری‌ها پشیمان شدند
 همی‌گفت فغفور کافر آسیاب
 ز لشکر فرستادن و خواسته^{۲۱}
 پشیمانی آمد^{۲۳} همه بهر ما
 ز چین و ختن^{۲۵} هدیه‌ها ساختند
 فرستاده‌یی نیک‌دل را بخواند
 یکی مرد بُد یک‌دل و^{۲۸} نیک‌خواه

ز ترکان و ز^{۱۶} شاه ایران زمین،
 ز تخت مهی هر کسی یاد کرد
 پُراندیشه^{۱۹} دل سوی درمان شدند
 ازین پس نبیند بزرگی^{۲۰} به خواب
 شود کار ما بی‌گمان کاسته^{۲۲}
 کزین^{۲۴} کار ویران شود شهر ما
 بر آن^{۲۶} کار گنجی پرداختند
 سخن‌های شایسته چندی^{۲۷} براند
 فرستاد فغفور نزدیک شاه

۱- ل، س، ق، ل (نیز لن، لی، ل، پ، لن، ب): بر نهاد از دو؛ (و: بر براند از دو): متن = ف، س (نیز ق): بنداری (۱۶۶۵-۱۶۶۹): و خلا
 بنفسه فی مکان خال، و مثل قائما بین یدی ربه عز و جل یحمده و یدعوه و یشکره علی ما أسدی الیه و أنعم به علیه، من أول اللیل الی أن طلعت
 الشمس (?) ۲- ل- س (نیز لن، ق، ل، ب، ب): خرامان: (ل: خروشان): متن = ف ۳- ل- س (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب):
 ایرانیان: متن = ف (نیز ل، آ) ۴- س، ق، ل، س: هرکه: متن = ف، ل ۵- ل- س (نیز لن، ب): کشته: متن = ف ۶-
 ل: گسر: (ق، ل، آ: در خاک اگر: ب: بود و اگر) ۷- ف: برداشتشان: متن = ل- س (نیز لن، ب) ۸- ل: سر: (و:
 سر) ۹- ف: بگذاشتشان: متن = ل- س (نیز لن، ب) ۱۰- ل (نیز ب): بود: س: یافت: متن = ف، ق، ل، س (نیز لن-
 آ) ۱۱- (لی، آ: اندر آوردگاه) ۱۲- ل: شاه جهان: س، ل (نیز لن، ل، ب): پاک آن همه: س (نیز ق، ب): شاه آن همه: (لی،
 آ: دیگر همه: ل: شادان همه: و: بکسر همه): ق: بیخشدشان آن همه: متن = ف ۱۳- ل، ل: شاه: (لن، ب: شه: ق: تا: ب: برفتند):
 س: وز آنجاییکه شاد: س: وز آنجای شد شاه: متن = ف (نیز لی، و، آ) ۱۴- (ل: برسوی کنک: ل: شه زیبشت کنک): ق: وزانبو
 بشد شاد برسوی کنک ۱۵- ل- س (نیز لی، ب، و، لن، آ): [و]: (ق: همه سائله آباد): متن = ف (نیز لن، ل، ب) ۱۶- س (نیز
 ب): ز ایران و از ل این بیت را ندارد ۱۷- بنداری: بغفور ۱۸- ل، س، ل، س (نیز لن، ل، ب): وز ۱۹- (لی، آ: پراز
 درد) ۲۰- س: بزرگی نبیند: س: نبیند ازین پس بزرگی ۲۱- س: خواستن ۲۲- ف: بکسر آراسته (!): س، ق (نیز لن،
 ق، ل، پ، لن، آ، ب): بی گمان کار ما کاسته: س: بچنگش سپه را بیازاستن: متن = ل، ل (نیز لی، و) ۲۳- (ب، ب):
 آید ۲۴- ف: ازین: س (نیز ب): وزین: ل: برین: متن = ل، ق، س (نیز لن- ب، لن، آ) ۲۵- (ل: ز ماچین و
 چین) ۲۶- ل، ل، س، ل، س (نیز لن، لی، ب، لن، ب): بدان: متن = ف، ق (نیز ق، و، آ) ۲۷- س (نیز و، ب): با او: (لن، لن، ل، با
 وی): متن = ل، ق (نیز ق، لی، ل، پ، آ): ف، ل، س (نیز لن، لی، ب، لن، ب): نیک‌دل: (ب، لن، ب): نیک‌دل:
 (و: دانادل): ف، ل، س: فرستاده یک دل و (= ۱۶۸۳ + ۱۶۸۴ آ): متن = ل (نیز لی، ب، آ): ل این بیت را ندارد

- ۱۶۸۵ طرایف^۱ به چین اندرون آنچ^۲ بود
 به پوزش^۵ فرستاد نزدیک شاه
 بزرگان^۶ چین^۷ بی درنگ آمدند
 جهانگیر^۸ پیروز بنواختشان
 پذیرفت^{۱۰} چیزی که آورده بود
 فرستاده را گفت کو را بگوی
 نباید که نزد تو^{۱۳} افراسیاب
- ۱۶۹۰ فرستاده برگشت و آمد چو گرد^{۱۵}
 چو بشنید فغفور^{۱۸} هنگام خواب
 که از مرز چین و ختن^{۱۹} دور باش!
 هر آنکس که او گم کند راه^{۲۰} خویش
 چو بشنید افراسیاب آن^{۲۲} سخن
 به بی راه راه بیابان گرفت
 چو با درد و با رنج و غم دید^{۲۴} روز
 ز بدخواه روز و شب آزریر بود^{۲۵}
- ز دینار^۳ و ز^۴ گوهر نابسود،
 فرستادگان^۶ برگرفتند راه
 به یک هفته از چین به گنگ آمدند
 چنان چون بیایست بنشاختشان^۹
 طرایف^{۱۱} بُد و بدره و برده^{۱۲} بود
 که خیره بر ما مبر آب روی
 بیاید شب تیره هنگام^{۱۴} خواب
- به فغفور^{۱۶} بر گفت ها یاد کرد^{۱۷}
 فرستاد کس نزد افراسیاب
 ز بد کردن خویش رنجور باش!
 بد آید ز بد کردنش کار پیش^{۲۱}
 پشیمان شد از کردهای گهن
 بیفگند نام و غم^{۲۳} جان گرفت
 بیامد دمان تا به کوه اسپروز
 به هر جای خوردنش نخچیر بود^{۲۶}

۱- (لن، ق، آ، ل، ل، لن؛ طرایف) ۲- س، ق، ل، آ، س؛ هر چه ۳- ف: هم از دره؛ (ل: ز دنیا)؛ متن = ل- س- آ (نیز هشت دستویس دیگر) ۴- س: و از ۵- ف: سراسر؛ متن ← ۶- ف: گرانایگان؛ متن = ل- س- آ (نیز لن- ب) ۷- ق (نیز ل، ل، آ): فرستادگان ۸- ل- س- آ (نیز لن- ب): جهاندار؛ متن = ف ۹- س، ل، آ (نیز ل، ل، آ، ب): بر ساختن ۱۰- ق، س، آ: پذیرفت ۱۱- (لن، ل، ل، لن؛ طرایف) ۱۲- س: برده و بدره ۱۳- ق: نزدیک ۱۴- ف: بیاید شب تیره آرام و خواب؛ (لن: بیاید گه شب هنگام خواب)؛ متن = ل- س- آ (نیز ق- ب) ۱۵- ل- س- آ (نیز لن- ل، ل، آ، ب): باد؛ متن = ف (نیز آ) ۱۶- بنداری: بنغور ۱۷- (ل: کرد یاد)؛ ل- س- آ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): یکسر (ق: یک یک؛ لن: چینی) پیامش بداد؛ متن = ف (نیز آ)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

از آن یآوری ها پشیمان شدند

به درد دل از سوی درمان شدند (۱۶۷۸)

۱۸- ق: فغفور بشنید ۱۹- ق (نیز ل): که از چین و مرز ختن؛ س: که از مردم چین و چین (!) ۲۰- (ل، آ: رای) ۲۱- ل، س، ق، ل، آ (نیز ق، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): بدآید بدانندش را کار (ق: راه؛ ل: آ: رای) پیش؛ س: بدآید چو آمد سرو کار پیش؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۲۲- ل، س، ق، س، آ: این؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: دیگر هزیمت شدن افراسیاب از شاه کیخسرو؛ ل: فرستادن خاقان چین خواست نزد کیخسرو؛ س: گریختن افراسیاب و رفتن بکنک دز ۲۳- ل، س، ق، ل، آ (نیز لن- ب): نام (لن: تخت) مهبی؛ س: نام و گهر؛ متن = ف؛ در ل، پ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۴- ق: بود ۲۵- ل، ق (نیز پ): اندیشه کرد؛ ل: آزریر بود؛ (ل: آزریر بود)؛ متن = ف، س، س، آ (نیز هفت دستویس دیگر) ۲۶- س (نیز ب): با ترکش و تیر بود؛ ل، ق (نیز پ): شب و روز را دل یکی بیشه کرد؛ (ق، آ، ل، و، آ: شب و روز با ترکش و تیر بود)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ل)؛ س، ب پس از این بیت افزوده اند:

همان خار رفتن نیز نخچیر بود

بدان کار رفتن بدیر بود

- ۱۷۰۰ بیامد چُنین^۱ تا به آبِ زره
چو نزدیک آن ژرف دریا رسید
بدو گفت ملاح کای شهریار
مرا سالیان هست هشتاد^۶ و هشت
بدو گفت پُرمايه افراسیاب
مرو را^۱ به شمشیر دشمن نکشت
۱۷۰۵ بفرمود تا مهتران هر کسی
سوی گنگ دز بادبان برکشید^{۱۳}
چو آنجا شد امین بخفت و بخورد^{۱۵}
چُنین گفت کایدرباشیم شاد
چو روشن شود تیره گونِ اخترم
۱۷۱۰ ز دشمن بخواهم هم^{۱۷} کینِ خویش

- چو کیخسرو آگاه شد زآن^{۱۸} سَخُن
به رستم چُنین گفت: افراسیاب
بکردار کرد آنچه^{۲۱} با ما بگفت
به کشتی به^{۲۲} آبِ زره^{۲۳} برگذشت
۱۷۱۵ مرا با نیا جز به خنجر سَخُن
به نیروی یزدانِ پیروزگر
- که کار^{۱۹} نو آورد مرد گهن،
سوی گنگ دز شد به^{۲۰} دریای آب
که ما را سپهرِ بلندست جفت
همه رنج ما سر بر باد گشت
نباشد، نگردانم^{۲۴} این کین گهن
بیندم به کین سیاوش کمر^{۲۵}

۱- ل در بالا به زچین تصحیح کرده است؛ س: دمان ۲- ل (نیزق، ل، ل، ل): رنج و بند گره؛ س: ق (نیزو، آ): رنج و بند و گره؛ ل (نیزلن، پ): رنج بند و گره؛ س: (نیزلن، ب): بند و رنج و گره؛ متن = ف ۳- ل، س، ق، س: مران: متن = ف، ل ۴- ق: کران و میانه ۵- ل، ق، ل، س: بدین: متن = ف، س ۶- ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، پ، و، ل، ب): هفتاد؛ متن = ف، س (نیزل، ل، آ) ۷- ل، س: کشتی برو (س: برین) بر؛ س، ل (نیزلن، ل، ب): کشتی بدین (س: بران؛ ل، ب: برین) سو؛ متن = ف، ق (نیزق، و، آ) ۸- ل (نیزلن، ل): به ۹- ل (نیزب): مرا چون ۱۰- (ل: بگیرد)؛ س: نگیرد جهانبا؛ ل: بکشتن نگرده؛ (ل: نکشتش نگیرد؛ ق: بکشتن نگیرد؛ ب: من و تونگید)؛ ف: چو کشتش نگیرد جهان را (حرف دوم و سوم واژه دوم و حرف یکم واژه سوم نقطه ندارند)؛ ل (نیزب): چنان چون نکشتش نگیرد (ل: بگیرد)؛ س: چو دریا بکشت او بگیرد؛ متن = ل، ق، و این بیت را ندارند ۱۱- ق (نیزق، ل، و، آ): انداخت ۱۲- س (نیزب): بسازند کشتی و زورق ۱۳- ل: درکشید ۱۴- ل: ویدیا؛ س: و به بد او ۱۵- (ق، ل: بخورد و بخفت)؛ ف: رسید امین و خوش بخورد؛ ل، ق: چو آنجا بگه شد بخفت و بخورد؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ل، ب) ۱۶- ل، ق (نیزق، ل، ل، پ، آ): روزگار نبرد (ق: نهفت)؛ س، ل (نیزب): آورد گاه نبرد؛ متن = ف، س (نیزو، ل، ل، ق، ل، س: (نیزلن، ق، پ، و، ل، ب): همان؛ س (نیزل): همی؛ متن = ف (نیزل، آ) ۱۸- ل، س: زین ۱۹- ق، س: کاری ۲۰- ل، ق (نیزب): ز ۲۱- ق، ل، س: آنچه ۲۲- ق، ز؛ س: بر ۲۳- س: رزه ۲۴- ل: بگردانم ۲۵- (و: بیازوی بخت و بفر و هنر)؛ ف این بیت را ندارد

<p>همه چین و مُکران^۱ سپه گستر^۲ چو گردد مرا راست ماچین و چین ز^۶ آب زره^۷ بگذرانم^۸ سپاه اگر نیز چندی^۹ درنگ آیدم^{۱۰} فراوان شما رنج^{۱۲} برداشتید هم این^{۱۳} رنج بر خویشان برنید^{۱۴} بماند ز ما نام تا رستخیز شدند اندر آن^{۱۷} پهلوانان دژم که دریای با موج و چندین سپاه که داند که بیرون کی^{۲۳} آید ز آب به خشکی درون ما به جنگ^{۲۵} اندریم همی گفت هر گونه یی^{۲۷} هر کسی^{۲۸} چُنین گفت رستم که ای مهتران نباید که این رنج بی بر شود و دیگر که این^{۳۳} شاه پیروزگر از^{۳۴} ایران رسیدیم^{۳۵} تا پیش کنگ [همه شاد و پیروز بودیم و گش ز^{۳۸} کاری که سازدهمی بر خورد</p>	<p>به دریای کیماک^۲ بر بگذرم^۲ بخواهیم^۴ یاری^۵ ز مُکران زمین اگر چرخ گردان بود نیک خواه مگر مردِ خونی به^{۱۱} چنگ آیدم^{۱۰} برو بوم آباد بگذاشتید، از آن به^{۱۵} که گیتی به دشمن دهید^{۱۶} به پیروزی و دشمن اندر گریز دهان^{۱۸} پر ز باد، ابروان پُر زخم^{۱۹}، سر و کار با آب^{۲۰} و^{۲۱} شش ماهه^{۲۲} راه، بد آمد سپه را از^{۲۴} افراسیاب به دریا به کام نهنگ^{۲۶} اندریم بدانگه که گفتارها شد بسی^{۲۹}، جهان دیده و رنج برده^{۳۰} سران، به ناز و^{۳۱} تن آسانی^{۳۲} اندر شود بیابدهمی زاختر نیک بر ندیدیم جز جنگ یا رای^{۳۶} جنگ نزد بر دل ما ز اندوه تش^{۳۷} برین^{۳۹} آمد و هم برین^{۳۹} بگذرد</p>	<p>۱۷۲۰ ۱۷۲۵ ۱۷۳۰ ۱۷۳۵</p>
--	--	---

۱- ل (نیزو): ماچین ۲- ق: گستریم ۳- ف، ل، س (نیزو): کمال (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق، ل (نیزی، ل، پ، لن، آ، ب): کیماک؛ س: لهماک؛ (لن: کیماک)؛ متن = (ق) ۴- ف- ل (نیزق): بخواهیم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: (نیزب، لن): نخواهیم؛ متن = (لن، ل، ل، آ، ب) ۵- ل: بازی؛ ل (نیزق): باری؛ (آ: باور)؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلن، ل، ل، پ، لن، ب) ۶- ل، ق، س (نیزل، ب، لن): به؛ س، ل (نیزلن، ل، و، آ، ب): بی؛ متن = ف ۷- ف، س: رزه ۸- ل: بگذرانم ۹- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، لن): چند جایی؛ ق (نیزب، ب): چند گاهی؛ (و: چندی اینجا)؛ متن = ف (نیزی، آ) ۱۰- ق: آوریم ۱۱- س: مگر خونی خود ۱۲- ل: شاه رنج بسیار ۱۳- ل: همه؛ (و: کنون)؛ دستویس های دیگر: همین ۱۴- ق: برنیم ۱۵- ل: [به] (وزن ندارد) ۱۶- ق: دهیم ۱۷- ف: آن زمان؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۱۸- س، ل (نیزلن، و، لن، آ، ب): لیان؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ل، ب) ۱۹- (ق: و روان پر زغم) ۲۰- ف: موج (؟)؛ ل- س (نیزلن، ق، پ، و، لن، ب): باد (؟)؛ متن = (ل، آ) ۲۱- ل: [و] ۲۲- ل: ماه؛ (آ: ساله) ۲۳- ل، س (نیزق، ل، و، لن، آ، ب): که؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ب) ۲۴- ف- ل: ز؛ متن = س ۲۵- ل، س، ق، ل (نیزق، ل، پ، لن، آ، ب): چو خشکی بود ما بچنگ (ل: برنج)؛ س: بخشکی بود ما بچنگ؛ (ل، آ: بخشکی همیشه بچنگ؛ و: بخشکی بچنگ پلنگ)؛ متن = ف ۲۶- ل: وگر چند با بوم و گنج ۲۷- ل: هرگونه با ۲۸- س: هرگونه هرکس سخن ۲۹- س: بین ۳۰- س: دیده ۳۱- س (نیزل، ب): یاد؛ ق، و، لن: بیاد؛ متن = ف، ل (نیزی، ب، آ) ۳۲- ل: بیاداش آسانی ۳۳- ق: دگر آنک این؛ س: بدانید کین ۳۴- ق: ز ۳۵- ل- س (نیزلن، ق، ل، ب): برقیم؛ متن = ف (نیزآ) ۳۶- ل، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ): جنگ (ق: دشت؛ ب: چنگ) یا زان (سازان، یاران، تازان، چیزی)؛ س (نیزب): کامکاری و؛ متن = ف، س ۳۷- ل- س (نیزلن- ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف ۳۸- ف در بالا افزوده است: که ۳۹- ل، ق، س (نیزب، آ): بدین

چو بشنید لشکر ز رسم سَخُن
بزرگانِ داننده برخاستند
که ما شاه را سربسر^۲ بنده ییم
به خشکی و بر آب فرمان تُراست^۳
از آن شاد شد شاه و^۴ بنواختشان
در گنج‌های نیا برگشاد
ز دیا و دینار^۵ و گوهر هزار^۶
ز گاوانِ گردون‌کشان ده هزار^۷
همیدون ز گنجِ درم دوهزار^۸
بفرمود از آن^۹ پس به^{۱۰} هنگام خواب
ز خویش وز^{۱۱} پیوند چندانک^{۱۲} هست
همه در عماری به راه آورند^{۱۳}
صد^{۱۴} از نامداران^{۱۵} گردن‌کشان
همه خویش و پیوند افراسیاب
نواها^{۱۶} که از شهرها یادگار^{۱۷}

یکی پاسخ نو فگنند بُن
به خوبی زبان را بیاراستند^۱
ابا بندگی دوست دارنده ییم
همه کهترانیم^۲ و پیمان تُراست^۳
یکایک به^۴ اندازه بنشاختشان^۵
ز پیوند و مهرش نکرد ایچ یاد
هیونانِ شایسته کردند بار^۶
ببرند با^۷ آلتِ کارزار^۸
شتر بار کردند با شهریار^۹
ز^{۱۰} پوشیده رویانِ افراسیاب،
اگر دخترانند و گر^{۱۱} زبردست،
از^{۱۲} ایوان به میدان شاه آورند^{۱۳}
که بودند هر یک^{۱۴} به مردی نشان،
ز تیمار او دیدگان پُر ز آب^{۱۵}،
گروگان سِتد ترک و^{۱۶} چینی هزار،

۱- ل، س^۲ این بیت را ندارند؛ بنداری: فقاموا فی حضرة الملك وقالوا (نیز ب): سربرشاه را ۳- ل: وراست ۴- س (نیز ب): بندگانیم ۵- ل: وراست؛ (لن: و او پادشاست؛ ق، ل، آ: و کیهان تراست) ۶- ف: [و] ۷- ل (نیز و، آ، ب): بر ۸- ف: بنواختشان (در بالا به ضبط متن تصحیح کرده است) ۹- ق (نیز ق): دینار و دیا؛ متن ← ۱۰- ل (نیز ل، آ، ب): ز دینار و دیای گوهرنگار؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، و، ل، آ، ب) ۱۱- ف، ل: شتر بار کردند با شهریار (= ۱۷۴۴ ب)؛ س^۲: ببرند با آلت کارزار (= ۱۷۴۳ ب)؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز لن - ب)؛ بنداری (۱۷۴۱-۱۷۴۲): و أمر الملك ففتحوا أبواب خزائن أفراسیاب فأوقر ألف جبل من الذهب والفضة والجواهر والنياب ۱۲- ف (نیز و): دو هزار؛ س^۲: سه هزار؛ س، ل^۲ (نیز لن، ل، آ، ب): گردون هزاران هزار؛ ل: همیدون ز گنج درم صد هزار (= ۱۷۴۴ آ)؛ متن = ق، ل، ب، آ (۱۳- ف: پره؛ متن ← ۱۴- س^۲: هیونان شایسته کردند بار (= ۱۷۴۲ ب)؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، ب - ب)؛ ق، ل^۲ این بیت را ندارند؛ بنداری: وأدخلوا عشرة آلاف ثور تحت العجل وأوقروها بآلات الحرب ۱۵- ف: ده هزار؛ س، ل^۲ (نیز لن، ل، آ، ب): بی شمار؛ ل: ز گاوان گردون‌کشان ده هزار (= ۱۷۴۳ آ)؛ متن = س^۲ (نیز ق، آ، ب) ۱۶- ف: از بهر کار؛ ل: ببرند تا خود کسی آید بکار؛ (ق): کمرهای زرین و هم گوشوار؛ متن = س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ب، ل، آ، ب)؛ ق، ل، ل، آ، و آ این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ل پس از این بیت افزوده است:

هیونان ز گنج درم ده هزار
بسی بار کردند با شهریار

۱۷- ف، ل، ق: زان ۱۸- ف (نیز ل، آ): که؛ متن = ل - س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹- ل، ق (نیز ق، ل، آ، ب): که ۲۰- ل: ز خویشان و ۲۱- س (نیز ب، ب): او هر که؛ ل^۲: هر کس که؛ س^۲: چندانکه؛ (لن، ل): همه خویش و پیوند او هر که) ۲۲- ل، س، س^۲ (نیز ق، آ، ب، و، ل، آ، ب): اگر؛ ق، ل^۲ این بیت را ندارند ۲۳- س، ق، ل^۲ (نیز ل، آ، ل، ب): آورید ۲۴- ل، س، س^۲: ز ۲۵- ل: دو ۲۶- س، ل^۲، س^۲ (نیز ل، ب، و، ب): نامداران و؛ ق: شدند آن بزرگان و ۲۷- س، ل^۲ (نیز لن، ل، آ، ب): هر کس ۲۸- ل: ز تیمارشان دیده کرده پرآب؛ (ل، آ): همه دل پر از خون و دیده پرآب؛ درل بیت‌های ۱۷۴۹-۱۷۵۱ درهم ریخته‌اند: ۱۷۵۱، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰ ۲۹- ق (نیز ل، و، آ): بزرگان؛ متن = ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز ق، آ، ب، ب) ۳۰- ق: بی شمار؛ (ل، آ): روزگار؛ ل^۲: شهریان؛ متن = ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز ق، آ، ب، و، ب) ۳۱- ق (نیز ل، آ، ب): ترک و؛ س (نیز ب): اسیران (ب: گروگان) ز ترک وز؛ متن = ل، ل^۲، ل^۲، س^۲ (نیز ق، آ، ب، و)؛ ف، لن، ل^۲ این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۷۴۸-۱۷۵۱): و تجهيز مائة نفس من الأكابر الصيد من أقارب أفراسیاب ومائة نفس من أكابر أهل تلك الأقاليم من الذين كانوا رهائن عنده. ثم أمر بإخراج ولده جهن وأخيه كرسوز بقیودها، و حملها فی المهود

چو جَهن و^۱ چو گرسبوز ارجمند
سپرد آن زمان گیو را شهریار
بدو گفت کای مرد فرخنده‌بی
به مهداندرون پای کرده به بند،
گزین کرد از ایرانیان ده هزار^۲
برو با سپه پیش^۳ کاوس کی

گفتار اندر فرستادن کیخسرو مر گیورا پیش شاه کاوس^۴

<p>بفرمود تا پیش او شد دبیر یکی نامه از قیر و مُشک^۵ و گلاب چو شد خامه از قیر و از مُشک^۶ تر که دارنده و برسرآرنده^۷ اوست هو آفریننده‌ی مور و پیل^۸ همه با توازیی او یکیست کسی را که او پروراند به مهر ازو^۹ باد بر شاه^{۱۰} ایران^{۱۱} درود رسیده بدین^{۱۲} دز که افراسیاب بدوی^{۱۳} اندرون بود تخت و کلاه چهل روزمان جنگ پیوسته گشت^{۱۴} بگوید کنون گیو یک یک به شاه</p>	<p>۱۷۵۵ ۱۷۶۰ ۱۷۶۵</p>
<p>بیاورد قرطاس و^{۱۵} چینی حریر^{۱۶} بفرمود در^{۱۷} کار افراسیاب نخست آفرین کرد بر دادگر زمان و زمین^{۱۸} را نگارنده اوست ز خاشاک تا پیش^{۱۹} دریای نیل^{۲۰}، خداوند هست و خداوند نیست بروبر نگردد^{۲۱} به تندی سپهر کزو خیزد آرام را تار و پود همی داشت از بهر آرام و خواب بزرگی و دیبه و گنج^{۲۲} و سپاه بسی گشته گشت و بسی خسته گشت^{۲۳} سُخن هرچ^{۲۴} رفت اندرین رزمگاه</p>	<p>۱۷۵۵ ۱۷۶۰ ۱۷۶۵</p>

۱- ف: [و] ۲- ل: دو هزار: نداری: عشرة آلاف فارس ۳- س، ل، آ، س (نیز ل، ف، آ، ب، و، ل، ن): سویی: ق (نیز ل، ن): نژده: (ن، آ): بیژ نامه من به: متن = ف، ل (نیز ب) ۴- ف: گفتار اندر فرستادن مر گیورا پیش شاه و اسیران جهن و کرسوز و خوبشان افراسیاب: ل: فتح نامه شاه کاوس بایران: س، س، س: نامه کیخسرو بکاوس شاه با اسیران و خواسته: ق: نامه کیخسرو بکاوس از بیست کتک و رفتن گیو با خواسته و بندیان و پسر و برادر افراسیاب: ل: نامه فرستادن کیخسرو نزد کیکاوس: متن = آغاز ف ۵- ف: [و] ۶- س (نیز ل، ف، ل، آ، ب): مشک و عبیر: متن = ف، ل، ق، ل، س، س (نیز ق، ب، و، آ) ۷- ل (نیز ق، ل، آ): مشک و قیر ۸- ق (نیز و، ل، ن): از ۹- ل- س (نیز ل- ب، ل، ن، آ، ب): مشک و از (ز) قیر: متن = ف (نیز و) ۱۰- ل: و همه برآورده (!): (ل، ن): و همه برآورده: ب: او و سرآورنده: و: که آورنده اویست و دارنده ۱۱- ل: زمین و زمان ۱۲- ل: پیل و مور ۱۳- س، س، س (نیز ل، ل، ن، ل، آ، ب): ناچیز و: (ق: تاریک و: ل: تا آب: و: تا موج): متن = ف، ق، ل (نیز ب) ۱۴- ل: تا آب دریای شور ۱۵- ل: برآنکس نگردد: (ق: بیرون نگردد بر) ۱۶- س، ل (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): ازو ۱۷- ق: شاهی ۱۸- ل- س (نیز ل، ق، ل، آ، ب، و، ل، ن، ب): گیتی: متن = ف (نیز ل، آ) ۱۹- ق (نیز ل، ل، آ): بدان ۲۰- ف- س (نیز ل، ن، ل، ب): بدو: متن = (ق) ۲۱- س، ل (نیز ل، ق، ل، ن، ب): تاج: متن = ف، ل، ق، س (نیز ل، ل، ب، و، آ) ۲۲- ل: چهل پیل زیشان همه بسته گشت: س، ل (نیز ل، ل، ن، ب): چهل روز یا (ل، آ، ب): راه: ل، ن: (بر) بارها گشت بست: ق: چهل میل از ایشان برگشته گشت (!): (ل، ن): چهل روز بازارها کرده بست: ب: چهل روز در بارها پشته گشت): متن = ف، س (نیز ل، آ) ۲۳- ل، ق: هر آنکس که برگشت تن خسته (ق: سرگشته) گشت: س، ل (نیز ل، ل، ن، ب): بد آن بد که دشمن نیامد بدست: س: هر آنکس کجا مرد بد بسته گشت: (ل، ن): هر آنکس که بد کرد برگشت بست: ب: هر آنکس که بد کرده بد گشته گشت): متن = ف (نیز ل، آ): در ق: این بیت چنین آمده است:
جهان بر بداندیش بر تنگ بود
هر آنکس که برگشت دل خسته گشت

چو بر^۱ پیش یزدان گشایی دو لب
کشیدیم لشکر به ماچین و چین
و زان پس بر^۲ آب زره بگذرم

ز پیش شهنشاه برگشت گیو
چو باد هوا گشت و برید^۶ راه
پس^۸ آگاهی آمد به^۹ کاوس کی
پذیره فرستاد چندی سپاه
چو آمد بز شاه^{۱۱} گیو دلیر
چو چشم سپهد برآمد به^{۱۲} شاه
ورا دید کاوس بر پای جست^{۱۵}
پرسیدش از شهریار و^{۱۹} سپاه
بگفت آن کجا دید گیو سترگ
جوان شد ز گفتار او شاه^{۲۲} پیر
چو آن نامه بر شاه ایران بخواند
فرود آمد از تخت کاوس شاه
بیامد بغلتید^{۲۵} بر تیره خاک^{۲۶}
و ز آنجایگه شد به جای نشست

نیایش کن از بهر من روز و شب
و زان روی رانم^۲ به مکران زمین
اگر پاک یزدان بود یاورم^۴

ابا لشکری گشن و مردان^۵ نیو
بیامد^۷ بنزدیک کاوس شاه
از آن پهلوان زاده ی نیک پی^{۱۰}
گرانمایگان برگرفتند راه
سپاهی ز گردان چویک دشت شیر^{۱۱}،
زمین را بیوسید و هم^{۱۴} پیشگاه
بخندید^{۱۶} و بسترد^{۱۷} رویش به دست^{۱۸}
ز گردنده خورشید و رخشنده ماه^{۲۰}
ز گردان و از^{۲۱} شهریار بزرگ
پس آن نامه بنهاد پیش دبیر
همه انجمن در شگفتی بماند^{۲۳}
ز سر برگرفت آن کیانی کلاه^{۲۴}
نیایش کنان پیش یزدان پاک
به گرد دل^{۲۷} آدین^{۲۸} شادی^{۲۹} بست

۱- س (نیز لن، و، لن، ب): در ۲- ق: سو برانم ۳- س، ق (نیز ل، آ): به ۴- ف (نیز لن): داورم (۴): س: باورم؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن - و، آ، ب) ۵- ف: لشکر نامبردار؛ متن = ل- س (نیز لن - ب) ۶- ف: شد پیمود؛ س (نیز لن، لن، ب): گشت بر (س: مر) شاه: ل: گشت بریند (!): س: تیز برید؛ (و: شد برید): متن = ل، ق (نیز ق، ل، ب، آ) ۷- ف: چو آمد؛ س (نیز لن، ب): رسیدش؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز ل - آ) ۸- (ل، ب، آ: چو): متن ← ۹- ف: از آن آگاهی یافت؛ متن = ل- س (نیز لن، ق، ل، و، لن، ب) ۱۰- ف: که آید زره گیو فرخنده پی؛ متن = ل- س (نیز لن - ب) ۱۱- ل، ق (نیز ل): شهر (ل) در بالا ضبط متن را افزوده است) ۱۲- ف: ز ترکان چویک بیشه شیر: ق (نیز لن): ز گردان چو بگذشت شیر؛ (و: بگردش بکردار شیر): متن = ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، آ، ب) ۱۳- ل- س (نیز لن، ق، ل، ب، آ، ب): چو گیو (آ: شاد) اندر آمد بنزدیک؛ متن = ف (نیز ل، ب، و) ۱۴- ل، س، ل، س (نیز لن، ب، لن): بیوسید بر؛ ق (نیز ق، ل، ب، و، آ، ب): بیوسید در؛ متن = ف ۱۵- ل: خاست ۱۶- (ل: پرسید و): متن ← ۱۷- (ق: پیمود): متن ← ۱۸- ل: بمالید بر روی او دست راست؛ (ل، آ: بخندید و بگرفت (آ: بیسرد) دستش بدست): متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب): بنداری؛ و لما وصل الی حضرة کیکاوس و ثب و تلقاه و مسح وجهه بیده ۱۹- ق: پی رسید از شهریار؛ بنداری؛ و سایله عن أحوال ولده ۲۰- ل (نیز ق، و): تابنده ماه ۲۱- ف، ل، ق، ل، س: وز؛ متن = س ۲۲- ل، ق: مرد؛ (ب: شیر؛ لن: کاوس): متن = ف، س، ل، س (نیز هفت دستویس دیگر) ۲۳- ل، ب پس از این بیت افزوده اند: همه شاد گشتند و خرم شدند ز شادی دو دیده پراز نم شدند همه چیز دادند درویش را بنفریده کردند (ب: بنفرین بکردند) بدکیش را ۲۴- س، ل (نیز لن، و، لن، ب): خجسته کلاه ۲۵- (ل، ب: بغلطید) ۲۶- ف: گریان بخاک؛ متن = ل- س (نیز لن - ب) ۲۷- ل: دز؛ (ب: در) ۲۸- ل، ق، س (نیز ل، ب): آیین؛ ل (نیز ق، ل): آدین؛ متن = ف (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۹- س (نیز ل، ب، ب): شاهی؛ (و: بر آیین شاهان میان را)

سَخُن نیز کز ^۲ شاه ایران شنید ^۳	همی گفت با شاه گویو آنچه ^۱ دید
و زایران نبرده سران را بخواند	می آورد و رامشگران را بخواند
چنین تا شب تیره اندرخمید ^۵	همه شب همی گفت ^۴ و پاسخ شنید
دلی شاد و خرم ^۷ به ایوانِ خویش	برفتند - با شمع داران ^۶ ز پیش -
بپیچید شب گرد کرده عینان،	چو برزد خور از چرخ گردان سنان ^۸
برفتند گردان بدان بارگاه	تیره برآمد ز درگاه شاه
برآن نامور تختِ شاهی ^{۱۰} نشاند	جهانگیر ^۹ پس گویو را پیش خواند
همان نامور سرفرازانِ گرد	بفرمود تا خواسته پیش برد ^{۱۱}
پس پرده اندر ^{۱۳} ستم دیدگان ^{۱۴}	همان بی گنه روی پوشیدگان ^{۱۲}
که او برد پای سیاوش ز جای ^{۱۶}	همان جَهَن و گرسیوز رهنمای ^{۱۵}
برو ^{۱۷} کرد نفرین که ^{۱۸} نفرین سزید ^{۱۹}	چو گرسیوز بدگنش را بدید
ببردند نزدیک ^{۲۰} تختِ بلند ^{۲۱}	همان جَهَن را پای کرده به بند
بیاراست مر هر یکی را نوا ^{۲۳}	اسیران و آنکس که بود از ^{۲۲} نوا
چنان چون که بُد رای شاه بلند ^{۲۴}	یکی را نگهبان، یکی را به بند
نگه کرد کاوس مژگان پُر آب	بدان دخترانِ ردافراسیاب
وکیل و ^{۲۶} پرستنده بر پای کرد ^{۲۷}	پس پرده‌ی شاهشان جای کرد ^{۲۵}

۱- ق، ل: آنچه ۲- ل: سخن کزلب؛ متن = س، ل، س: (نیز لن - ب) ۳- ف، ق: چنین تا شب تیره اندرخمید (ق: چمید)؛ در ۱۷۸۳ ب با ۱۷۸۵ ب پس و پیش شده اند؛ در ق ۱۷۸۳ ب - ۱۷۸۵ آ را انداخته و از ۱۷۸۳ آ و ۱۸۷۵ ب یک بیت ساخته اند ۴- ل: ز هرگونه گفت؛ (پ: همه روز می گفت) ۵- ل، س (نیز لن، ق:): حمید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ل، پ، و: چمید؛ در آ حرف بکم در بالا یک نقطه و در زیر سه نقطه دارد)؛ متن = ل، س: (نیز لن، ب): اندرخمید (ق:): ف: سخن نیز کز شاه قزخ شنید (= ۱۷۸۳ ب) ۶- ف (نیز ب): با شمع و یاران (ق:): ل - س: (نیز ق، ل، ل، ل، ب): با شمع یاران (ق:): (لن: با شمع نازان؛ و: با شمع گردان)؛ متن = (آ) ۷- (ل: خورم) ۸- ل: رخسارشان (ح: رخشان سنان)؛ (لن: رخشان سنان)؛ ل، س، ق، س: (نیز لن - و، آ، ب): سراز برج (س، لن، ل: چرخ؛ ق: کوه) رخشان (ل: گردان) سنان؛ متن = ف ۹- ل - س: (نیز لن - ب): جهاندار؛ متن = ف ۱۰- (ل: و ز زین) ۱۱- ق: هر چه بود (!) ۱۲- ف، ل: پوشیده گان ۱۳- س: پس اندر بیست ۱۴- ف، ل: دیده گان ۱۵- ل، س، ق، س: (نیز لن، ق، ل، ل، و، لن، آ، ب): بندسای؛ ل: بدنمای؛ (پ: بدن پای)؛ متن = ف ۱۶- (و: که برد او سیاوخش را دل ز جای) ۱۷- ق: بدو ۱۸- (ق: و) ۱۹- س: کرد نفرین برو گسترید (!) ۲۰- (ق:، ل، آ: از پیش)؛ متن ← ۲۱- ق، س: (نیز ل، پ): چنان چون بود رای شاه بلند (= ۱۷۹۶ ب)؛ ق ۱۷۹۴ ب - ۱۷۹۶ آ را انداخته و از ۱۷۹۴ آ و ۱۷۹۶ ب یک بیت ساخته است؛ متن = ف، ل، س، ل: (نیز لن، و، لن، ب) ۲۲- ف (نیز ل): که او بد؛ (و: هر کس که بد بی)؛ متن = ل، س، س: (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۳- ل (نیز ل، پ، آ): جدا؛ (لن: سزا؛ ق: از نوا)؛ س (نیز ب): کسی را سزا؛ متن = ف، س: (نیز و، لن، ق:؛ ل، ل، ل: بیت های ۱۷۹۵ و ۱۷۹۶ را نداشتند و در ل، پ این بیت ها پس از بیت ۱۷۹۸ آمده اند ۲۴- ل، س: (نیز ق، ل، پ، آ): ببردند از پیش تخت (ل: شاه) بلند (= ۱۷۹۴ ب)؛ س: همه درد و تیمار و رنج و گزند؛ (لن: ببردند در بارگاه بلند؛ و: نگه کرد بیدار شاه بلند؛ لن، ب: نهاده بگردن درون غل و بند)؛ متن = ف ۲۵- س: کرد جای ۲۶- ف، س: [و]؛ ل، ق: همانگه؛ (لن: برشان؛ ق: و نیکن)؛ متن = س، ل: (نیز ل - ب) ۲۷- س: را کرد پای؛ در ل، پ پس از این بیت، بیت های ۱۷۹۵ و ۱۷۹۶ آمده اند؛ بنداری (۱۷۸۳-۱۷۹۸): فسرده علیه جیوا جیع ماجری له ثم ادخل الأساری علیه. فأمر بإدخال المحذرات الی ماوراء السور؛ ف، ل، آ پس از بیت ۱۷۹۸ افزوده اند: فراوان همان دلخوشی داد شاه (ل، آ: فراوانشان دلخوشی ها بداد)

نکو کرد در کار ایشان نگاه (ل، آ: ز دادار دارنده می کرد یاد) ←

<p>ازا انبوه^۲ بخشش^۴ ندیدند راه نشست اندر آرام با فرهی همی داد گل^۷ جام می^۸ را درود همی موج برخاست از سرخ می^{۱۱} همه زر و پیروزه اندر نشاخت^{۱۲} کمرهای زرین و^{۱۳} زرین ستام همان یاره^{۱۵} و تاج گوهرنگار ز رنگ و زبوی و پراگندنی^{۱۷} بر اورنگ زرینش بنشانند بمالید گیو اندر آن تخت روی^{۱۹}</p>	<p>به دو هفته در پیش درگاه شاه سیم^۵ هفته بر جایگاه مهی ز بس ناله‌ی نای و بانگ سرود به یک هفته از جام^{۱۰} کاوس کی سر ماه نو خلعت گیو ساخت طبق‌های زرین و پیروزه جام پرستار^{۱۴} با طوق و با گوشوار همان جامه‌ی تخت و^{۱۶} افگندنی فرستاد تا^{۱۸} گیو را خواندند ببردند خلعت بنزدیک اوی</p>	<p>۱۸۱۵ ۱۸۲۰</p>
--	---	---

گفتار اندر پاسخ نامه‌ی کیخسرو از نزد کاوس شاه^{۲۰}

<p>بیاورد قرطاس و مشک و عبیر به دادیم و خشنودم از روزگار^{۲۳} سزای مهی، از در^{۲۵} تاج و تخت^{۲۶}</p>	<p>و زان پس بیامد خرامان دبیر نیشند^{۲۱} پاسخ^{۲۲} که از کردگار که فرزند ما گشت پیروز بخت^{۲۴}</p>	<p>۱۸۲۵</p>
---	--	-------------

۱- س، ل (نیزلن، لن، ب): بر ۲- س، ق، ل، س: ز ۳- س (نیزلی، و، لن): انبوه و ۴- ل: بخش (حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ف این بیت را ندارد؛ درس^۲ بیت‌های ۱۸۱۲-۱۸۱۴ درهم ریخته‌اند: ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴ ۵- س، ق، س: (نیز ق، ل، ب): سوم؛ ل (نیزلن، ل، و، لن، ب): سیوه؛ (آ: سه‌ام)؛ متن = ف، ل ۶- (ل: در) ۷- س، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب - ب): دل؛ ق: می؛ متن = ف، ل (نیزل): گل - دل؟ ۸- ق: دل ۹- س: در ۱۰- ل (نیزب): کاخ؛ ق، س: (نیزق): خان؛ متن = ف، س، ل (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۱- ل، س: جام می؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن - ب) ۱۲- س، ل: بساخت ۱۳- (و: کمرها و اسپان) ۱۴- س (نیزلن، ب): فرستاد ۱۵- س (نیزق، و): یاره (نقطه ندارد)؛ ق، ل: یاره؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۶- س، ل (نیزآ): او؛ س: خلعت تخت و؛ (ل: جامه و رخت؛ ب، و، لن: جامه و تخت و؛ ب: جامه و تخت)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، ق، ل) ۱۷- ل: وزیرا کندن؛ س (نیزلن، ب): ز گستردنی؛ (و: چه از رنگ و بوی و چه از خوردنی)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزق، ل، ب، لن، آ) ۱۸- (و: کسی) ۱۹- ف، ل، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

بدو گفت شاه این همه فرهی بزرگی و دیم شاهنشهی
زرنج تو و خواب گودرز بود (ل، آ: خاست)

همه ملک را از شا ارز بود (ل، آ: همه پشت ملک (ل: شاه) از شا راست گشت)

بسبب تخت آفرین کرد (ل، آ: بدان تخت بر آفرین خواند) گیو

بران (ل: بدان) نامور شاه بیدار نیو

۲۰- س، ق، ل: پاسخ نامه کیخسرو از نزد کاوس شاه (ق: و مراجعت گیو از ایران)؛ س: پاسخ کیخسرو از کاوس کی؛ ف، ل سرنویس ندارند؛ متن = س ۲۱- ل، ق (نیزلی، ل، ب، و): نوشتند؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، لن، آ، ب) ۲۲- ل، ق (نیزو): نامه؛ متن = ف، س، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۳- ل، س (نیزق، ل، ل، ب، لن، آ، ب): بدادیم و (ق، ل، ب، آ: او) خشنود از (س، ل، ب: ازین؛ ق: و از؛ ب: وز) روزگار؛ (لن: شدم شاد و خشنود و ز روزگار؛ و: بدادیم خشنودی از روزگار)؛ متن = ف ۲۴- ق: پیروزگر ۲۵- ل (نیزق، ل، آ): وز در؛ ق: از پی؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ب، و، لن، ب) ۲۶- ق: فر

<p>جِهَان از پی^۲ غارت و جنگ داشت، نگویند نامش مگر در^۳ نِهان خوی نامبردار پالیز^۴ بود ز شاهان و ز باستان^۵ یادگار بداندیش و بدنام و شوریده هُش^۶ به ترکان^{۱۱} و مُکران و دریای چین خوی باغبان را بهایی^{۱۳} بود ترا بود خواهدهمی^{۱۴} رهنمای، ز گفتار و کردار نابخردان، جِهَان را یکی تازه بنیاد باش! پُر از درد^{۱۶} گردد دل بدگمان نباشم^{۲۰}، کزویست اومید^{۲۱} و باک^{۲۲} سرت سبز باد و^{۲۳} دلت پُر ز داد همیشه سرِ تخت جای تو باد^{۲۴}!</p>	<p>بدی را که گیتی همی تنگ^۱ داشت، ز دست تو^۲ آواره شد در جِهَان همه ساله تا بود خونریز بود بزد گردنِ نوذر تاجدار^۶ برادرگش و بدتن^۸ و شاهگش ۱۸۳۰ مانش که پی برهند^{۱۰} بر زمین جِهَان را مگر^{۱۲} زو رهایی بود اگر داور دادگریک خدای که گیتی بشویی ز رنج^{۱۵} بدان به دادِ جِهَان آفرین شاد باش! ۱۸۳۵ مگر بازییم ترا شادمان ازین^{۱۷} پس بجز^{۱۸} پیش یزدانِ پاک^{۱۹} بدان تا تو پیروز باشی و شاد جِهَان آفرین رهنمای تو باد!</p>
<p>بر^{۲۵} ایوان او^{۲۶} گویو بگزید راه بنزدیک کیخسرو آمد به کنگ</p>	<p>نهادند بر نامه بر مُهر شاه به رهبر نبودش به جایی^{۲۷} درنگ</p>

۱- ف، ل، س^۱ (نیزلن، ق، و، ل، ن، ب): ننگ (در برخی شاید یک نقطه افتاده باشد)؛ ق: وزانکس که گیتی هم تنگ؛ متن = ل، س (نیزلی، پ، آ) ۲- ل، ق (نیزق، ل، و، آ): جِهَان را پُراز؛ متن = ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، ل، پ، ل، ن، ب) ۳- ق: ز دشوار (!) ۴- ل، س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، ن، ب): جز اندر؛ متن = ف، ق (نیزلی، پ، و، آ) ۵- ف، س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، ن، ب، ل، ن، ب): خوی (س، ل، ق، چنان؛ لن: جوی؛ ل: چنین؛ پ: جوی؛ لن: خوی) نامبردار (پ، ل، ن: نام بردار) پالیز؛ ل، ق (نیزلی، آ): بدنامی و زشتی آویز؛ (و: سبکسار و بدگوهر و تیز)؛ متن = ف، س، ل، س^۱؛ خوی → نحو؟ (← ۱۸۳۲ ب) ۶- س، ق، س^۱ (نیزلی، و، آ): نامدار؛ متن = ف، ل، ل (نیزلن، ق، ل، ن، ب) ۷- ل، س^۱ (نیزق، ل، و، آ): راستان؛ ق: موبدان؛ س، ل (نیزلن، پ، ب): پیشین (ل: پیشی) بد او؛ (ل: گیتی یکی؛ لن: و پیشنگان)؛ متن = ف ۸- ف: بد هُش؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن- ب) ۹- ل: بدراه و آشفته هُش؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیزلن- ب) ۱۰- ل- س^۱ (نیزلن- ب): پی (پ: به پی) او همان تا نهد؛ متن = ف ۱۱- ل، س، س^۱ (نیزپ، و): بتوران؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ن، ب) ۱۲- س: جهاندارگر ۱۳- ل، ق (نیزپ): سری بهایش بهایی؛ س، ل (نیزلن، ل، ن، ب): چنان باغبان را بهایی؛ س: چن ازین سرش را جدایی؛ (ق: بداد و دهش رهنمایی؛ ل، آ: بآخر ز جانش جدایی؛ ل: چنو باغبان آشنایی؛ و: سرش پیش تیغت بهایی)؛ متن = ف: خوی → نحو؟ (← ۱۸۲۸ ب) ۱۴- ل: همی بود خواهد ترا؛ متن = ف، س، ق، ل، س^۱ (نیزلن- ب) ۱۵- ف: نخه؛ (ب: رنگ)؛ متن = ل- س^۱ (نیزلن- آ) ۱۶- ف: گرد (؟)؛ متن = ل، س، ل، س^۱ (نیزلن- ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل: وزین؛ ل، س: از آن؛ متن = ف، ق ۱۸- ل، س، ل، س^۱ (نیزلن، ق، ل، پ، و، ل، ن، ب): جزاز؛ ق: چودر؛ متن = ف (نیزلی، ل، آ) ۱۹- (لن: پیای) ۲۰- ق (نیزق): بیاشم ۲۱- ل- س^۱ (نیزق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): امید؛ متن = ف ۲۲- (لن: فرهای؛ و: کمرسته با ترس و باک) ۲۳- ق: باشد ۲۴- درق پس از این بیت، بیت ۱۸۴۴ آمده است ۲۵- ق، س^۱ (نیزب): از؛ (ل: ز؛ ل، پ: و)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ق، ل، ن، آ) ۲۶- ل، ق: شه ۲۷- ق (نیزلی، آ): زمانی؛ (ل: بدانجا)؛ س: نبودیش جایی

برو آفرین کرد و نامه بداد
 ز گفتار او شاد شد شهریار
 همی خورد پیروز^۱ شادان سه روز
 سپه را همه ترگ و جوشن بداد ۱۸۴۵
 جهانی^۲ به گسهم نوذر سپرد
 ز گنگ گزین^۳ راه چین برگرفت
 بُد روز بیکار و^۴ تیره شبان
 برین^۵ گونه تا شارستان^۶ پدر
 همی گرد باغ سیاوش بگشت ۱۸۵۰
 همی گفت کز دادگر^۷ یک خدای
 کزین هم نشان^۸ خون افراسیاب
 و ز آجایگه شد سوی تخت باز
 ز لشکر فرستادگان برگزید
 فرستاد کس نزد^۹ خاقان چین ۱۸۵۵
 که گر داد گیرید و فرمان کنید
 خورش ها فرستید پیش^{۱۰} سپاه

پیام نیا^۱ پیش او^۲ کرد یاد
 می آورد و^۳ رامشگر و می گسار
 چهارم چو بفروخت گیتی فروز،
 به لشکرگه آمد دل افروز و شاد^۴
 یکی لشکری نامبردار و^۵ گرد
 جهانی^۶ به شمشیر در بر گرفت
 طلایه به روز و به شب پاسبان
 همی رفت گریان پُر از کینه سر^۷
 به جایی که بنهاد خونریز تشت^۸
 بخوادم که باشد^۹ مرا رهنمای،
 بریزم هم ایدر^{۱۰} بکردار آب
 همی گفت با داور پاک راز
 که گویند و دانند گفت و شنید
 به فغفور^{۱۱} و سالار مکران زمین
 ز کردار بد دل پشیمان کنید،
 ببینید^{۱۲} ناچار^{۱۳} ما را به راه

۱- ف، س (نیزلن، ل، ل، ل، ب): پدر؛ متن ← ۲- ل (نیزب): نیایششان؛ (ل، آ: نیایش بدو؛ و: نیایش برو)؛ متن = ل، س (نیزق)؛
 قی بیت های ۱۸۴۲ و ۱۸۴۳ را ندارد؛ بنداری (۱۸۴۰-۱۸۴۴): فرجع جیوالی حضرته و هو بعد بمدینه کنک، فخرج بکتاب جدّه و جلس فی مجلس
 الأنس مع الملوك و الأمراء ثلاثة أيام. و لما كان اليوم الرابع فرق السلاح علی العسکر، و خرج من المدینة متوجها نحو الصین، و أقام کسهم بن نوذر فی
 عسکر عظیم هناك ۳- س: بیاورد؛ درس^۱ پس از این بیت، بیت ۱۸۴۷ آمده است ۴- ل، ق، ل (نیزلن، ق، و، پ، ل، ب):
 پیروز و؛ س: بود پیروز و؛ متن = ف، س (نیزلی، آ): درق این بیت پس از بیت ۱۸۳۹ آمده است ۵- ل (نیزب): پیام نیایششان کرد یاد
 (= ۱۸۴۲ ب)؛ س، ل (نیزلن، ل، ل، آ، ب): چنان چون بود رسم شاهان داد؛ متن = ف، س (نیزق، و)؛ ق، ل این بیت را ندارند؛ س، ق،
 پس از این بیت افزوده اند:

از آن بهلوانان آزاد مرد

که بودند با خسرو اندر نبرد

۶- ل (نیزب): مرانرا ۷- س، ق، ل، ل، س: [و]؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ف: برین؛ متن = ل-
 س (نیزلن - ب) ۹- ل، س (نیزو): جهانرا؛ درس^۱ این بیت پس از بیت ۱۸۴۳ آمده است ۱۰- ق: بشد روز روشن همان (وزن
 ندارد)؛ ف این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق، س: بدین؛ س، ل: بران؛ متن = ف ۱۲- ق (نیزلن، ل، ل، پ، ل، ب):
 شارسان ۱۳- ل، ق، ل، س (نیزق، ل، ل، و، آ): و پر کینه سر؛ س (نیزلن، ل، ب): و پر خاک سر؛ (پ: و پر خون جگر)؛ متن =
 ف ۱۴- س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب): طشت؛ متن = ف، ل (نیزل) ۱۵- ل: داور؛ (پ: داور آن) ۱۶- ل (لن):
 بخواید شدن مر ۱۷- ل: مگر همچین؛ (ق، و: که هم زین نشان)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزهفت دستویس دیگر) ۱۸-
 س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ل، ل، آ، ب): من ایدر؛ ل (نیزب): هم ایدر بریزم؛ (ل: بریزم ایدر)؛ متن = ف (نیزو) ۱۹-
 س (نیزق): فرستاد نزدیک ۲۰- بنداری: بغفور ۲۱- ل، ل، ل: نزد ۲۲- ف، س: ببینید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س:
 نبینید؛ متن = ل، ق، ل (نیزلن، ل، ب) ۲۳- (ق: بیایند و ببینند)؛ بنداری: و آمرهم أن یذلوا له الطاعة و یلقوا مواکبه اذا قدم الی
 بلادهم

<p>نخستین برین^۲ بوم تابد به مهر بزرگتی و مردی^۳ و نیروی دست کجاه^۴ جانور بر زمین پادشاست زیانی مکن برگذر با^۵ سپاه بدین^۶ پادشاهی ترا نیست بهر وزین^۷ مرز جایی به پی بسپری وگر یابی از اختر نیک بر</p>	<p>چو خورشید تابان شود^۱ بر سپهر همم دانش و گنج آباد هست گر از من همی راه جویی^۴ رواست نبدیم گر^۶ بگذری بر تو راه ور ایدونک^۸ با لشکر آیی به شهر غانم که بر خاک من بگذری غانم که باشی^{۱۱} تو پیروزگر</p> <p>۱۸۷۵</p>
<p>از آنجایگه لشکر اندرکشید جهانگیر^{۱۵} با نامدارانجمن بر شاه با پوزش و آفرین خود و نامداران به راه^{۲۰} آمدند در و دشت چون جایگاه نشست^{۲۳} از^{۲۵} آرایش بزم^{۲۶} و^{۲۷} گستردنی ببستند آدین^{۲۹} به بی راه و راه به پی^{۳۰} زعفران و درم ریختند^{۳۱} به پیش^{۳۳} اندرآمد سوی کاخ شد</p>	<p>برین گونه چون^{۱۲} شاه پاسخ شنید بیامد گرازان^{۱۳} به راه^{۱۴} ختن برفتند فغفور^{۱۶} و خاقان^{۱۷} چین سه منزل ز چین^{۱۸} نزد^{۱۹} شاه آمدند پل و^{۲۱} راه آباد کرده چو دشت^{۲۲} همه راه پُر^{۲۴} پوشش و خوردنی چو نزدیک شهر^{۲۸} اندرآمد سپاه به دیوار دیبا برآویختند چو با شاه فغفور^{۳۲} گستاخ شد</p> <p>۱۸۸۵</p>

۱- ق: رود ۲- ق: بدین ۳- ف: دیهم؛ (ل: بزرگان و مردان)؛ متن = ل- س ۴ (نیزهشت دستویس دیگر) ۴- ل، ق (نیز
 لن): جوید ۵- ل- س ۶ (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، لن، ب): که هر؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۶- ل، س، ل، س، ل، س ۷ (نیزلن، پ، لن،
 ب): اگر؛ (ق، و: نبندم اگر)؛ متن = ف، ق (نیزلی، ل، آ) ۷- ل، آ: بر؛ ل: درگذرزین؛ ق: زین گذر با؛ متن = ف، س، س ۸ (نیزلن-
 ب) ۸- ف، س: ایدونکه ۹- ل، ل، ل، س ۱۰ (نیزق): برین؛ س (نیزلن، پ، و، لن، ب): ازین؛ ق (نیزلی، آ): درین؛ متن = ف
 (نیزل) ۱۰- ل: وزان؛ (ق: ورین) ۱۱- ل: مانی؛ (و: آیی)؛ س، ق، س ۱۲ پس از این بیت افزوده اند:
 س: رسولش بیامد بکردار باد / شنیده سخنا مه کرد یاد
 ق: فرستاده برگشت و آمد براه / بگفت آنچه بشنید در پیش شاه
 س: فرستاده آمد بگفت آنچه گفت / سخنا مه با خرد بود جفت
 ۱۲- ل: از؛ لن، لن، آ: بر؛ ل: برانگونه بز؛ و: برانگونه چون؛ ب: وزین گونه بر)؛ ف: برانسان چوازه؛ متن = ل، س، ق، س ۱۳ (نیزق، ل، پ،
 آ) ۱۳- ف: برون برد لشکر؛ متن = ل- س ۱۴ (نیزلن- ب) ۱۴- ل: بسوی؛ س (نیزپ، لن، ب): بشهر؛ ل (نیزلن): بشاه؛ متن =
 ف، ق، س ۱۵ (نیزق، ل، ل، و، آ) ۱۵- ل (نیزپ): جهاندار؛ س، ل: جهانگیر و؛ متن = ف، ق، س ۱۶ (نیزهشت دستویس
 دیگر) ۱۶- بنداری: بغفور ۱۷- ف (نیزلن): خاقان و فغفور؛ متن = ل- س ۱۸ (نیزلن- و، آ، ب)؛ درق لک های این بیت پس و
 پیش شده اند ۱۸- ف (نیزق): زمین؛ متن = ل- س ۱۹ (نیزلن، ل، ب) ۱۹- ل، ق (نیزلی، پ، آ): پیش ۲۰- ق: جهانگیر با
 تخت و گاه ۲۱- ل، ق، ل (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن، ب): همه؛ (ل، آ: یکی؛ ل، آ: بدو)؛ متن = ف، س ۲۲- س: همه شهر آراست
 چون بهشت ۲۳- س: کشت ۲۴- ل: همه بوم و بر ۲۵- ف، س: ز؛ ل: وز؛ متن = ل، س ۲۶- ف (نیزلی، ل):
 آرایش و بزم؛ س، ل (نیزلن، لن، ب): آسایش (لن: آسایش و) بزم؛ متن = ل، س ۲۷ (نیزق، پ، و، آ) ۲۷- ل: [و]؛ ق بیت های
 ۱۸۸۶-۱۸۹۱ راندارد ۲۸- ل: شاه ۲۹- ل (نیزق، ل، ل، لن): آدین ۳۰- ل (نیزل، پ، و): زبیر؛ ل: زبس؛
 متن ← ۳۱- س، س ۳۲ (نیزلن، ق، ل، ل، لن، آ، ب): زبر (ل، آ: می و) مشک و غیر همی ریختند (لن، ق، لن، ب: بیخند)؛ متن =
 ف ۳۲- بنداری: بغفور ۳۳- س: ززین

نوا^۱ چون نیابند جنگ آورند^۲ جهان بر بداندیش تنگ آورند^۲
گر ایدون که^۳ گفتار^۴ من^۵ نشنوی همه تیز و^۶ مُکران تو ویران کنی^۷
به خون فراوان کس اندر شوی چو بی^۸ کینه آهنگ شیران کنی^۷

فرستاده آمد پیامش بداد ۱۹۱۰
سر بی خرد زان سخن تیزگشت^{۱۱} نَبُد در^۹ دلش جای پیغام و داد^{۱۰}
پراگنده لشکر همه گیرد کرد بچو شد و مغزش بدآمیز گشت^{۱۲}
فرستاده را گفت: برگرد و رو بیاراست بر^{۱۳} دشت جای نبرد
بگوش که از گردش تیره روز بنزدیک آن بدگمان باز شو
بینی چو آبی ز ما^{۱۴} دستبرد تو گشتی چُنین^{۱۴} شاد و^{۱۵} گیتی فروز
بدانی^{۱۷} که مردان کدامند و^{۱۸} گرد

گفتار اندر رزم شاه کیخسرو با شاه مُکران^{۱۹}

فرستاده‌ی شاه چون بازگشت ۱۹۱۵
همه شهر مُکران^{۲۰} پُر آواز گشت زمین کوه تا کوه لشکر گرفت
همه تیز و^{۲۱} مُکران سپه برگرفت^{۲۲} بیاورد پیلان جنگی دو بست
تو گفتی که اندر زمین راه^{۲۳} نیست از^{۲۴} آواز اسپان و جوش سپاه
همی ماه بر چرخ گم کرد راه طلایه پیامد بنزدیک شاه
که مُکران سیه شد ز گرد سپاه همه روی کشور درفش است و پیل ۱۹۲۰
بیند کنون شهریار از دو میل

۱- ف (نیزلی): ترا؛ ل. ق (نیزب): علف؛ س. ل (نیزلن. ب): شها؛ (ق: همان): متن = س (نیزو، آ) ۲- س، ل (نیزلن، ل: ب): آورید ۳- ل، ل، س، ق: ورایدونک؛ ل: گرایدونک؛ متن = ف، س ۴- س: فرمان ۵- س: ما ۶- ف: بود؛ ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ب، ل، ب): شهر؛ س (نیزلی): تیزو؛ (و: کیج و؛ آ: نیزو): متن تصحیح قیاسی است ۷- ف: کنه؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۸- ل: بره؛ (و: پا) ۹- ل (نیزق، ب): بر ۱۰- ق: پیغام شاد؛ (ق: پیغام داد؛ ل: پیغام یاد؛ و: بیداد داد؛ آ: پیغام باد)؛ س: جای و پیغام داد؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ل، ب، ل، ب) ۱۱- ل، س (نیزلی، و، آ): خیره شد (س، ل، و: گشت)؛ متن ← ۱۲- ل (نیزلی، و، آ): از آن (ل، آ: بدان) تیره شد (و: خیره گشت)؛ س: چو بشنید مغزش همه خیره گشت؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ب): ق این بیت را ندارد ۱۳- ل (نیزق، ب): در ۱۴- س: چنان؛ (و: بدل) ۱۵- ف: شاه؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۱۶- س (نیزلن): من ۱۷- ل: بینی ۱۸- ف، ق، ل (نیزلن، ل، ب): [و]: متن = ل، س، س (نیزق، ل، ل، ب، آ) ۱۹- ف: گفتار اندر رزم شاه کیخسرو با شاه مکران و کشته شدن شاه مکران و غارت کردن آن بوم و بر او گرفتن؛ ل: رزم کیخسرو با شاه مکران و گذشتن بر آب زره؛ س: رزم کیخسرو با شاه مکران و کشته شدن شاه مکران؛ ق: رسیدن کیخسرو بکران زمین و محاربت او با شاه مکران؛ ل: جنگ شاه کیخسرو با شاه بکران و قتل بکران (!): متن = آغاز ف ۲۰- ق (نیزق): شهر و برزن؛ (ل، آ: شهر ویران) ۲۱- ل: سر (نقطه ندارد)؛ س (نیزب): دشت؛ ق: شهر؛ ل (نیزق، ل، ل، ب، ل، ب): تیزو؛ س (نیزلن): ترو (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (و: کیج و؛ آ: نیزو): متن = بنداری: جمع ممالک التیزو مکران مملوۀ من العساکر ۲۲- س، س (نیزلن، ل، ب): درگرفت ۲۳- ل، ق، س (نیزق، و، آ، ب): جای؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ل، ب) ۲۴- ف، ق، س: ز ل پس از این بیت افزوده است:

تو گفتی برآمد زمین با آسمان وگر گشت خورشید اندر نهان

<p>گرفتند گویال گردان^۱ به کف همه شب همی گرد لشکر بگشت که بودی بنزدیک او رزم خوار چو شیر سرافراز و پیل^۵ دژم دل شاه مکران پُر از بیم کرد که از گرد شد آسمان ناپدید^۷ بهم برشکستند^۹ هر دو گروه جهان شد پر^{۱۱} از ناله‌ی بوق و کوس پس شاه^{۱۲} گردان^{۱۳} زرینه کفش زمین^{۱۵} شد بکردار دریای قیر^{۱۶} به زوین^{۱۷} و، زآن خستگی هم نرست^{۱۸} بدو گفت شاه: اندرین^{۱۹} ننگرم مگر بتر از بچه‌ی^{۲۱} آهرمن چنان چون بود شاه را جای خواب برآن^{۲۳} هم نشان خسته در جوشنش، که مرگ^{۲۴} بزرگان بود همچین</p>	<p>بفرمود تا برکشیدند صف ز مکران بیامد طلایه^۲ به دشت ز ایرانیان بُد نگهبان^۳ تُخوار^۴ بیامد برآویخت با او بهم بزد تیغ و او را به دو نیم کرد دو لشکر برآن^۶ گونه صف برکشید سپاه اندرآمد دو رویه چو^۸ کوه ز^۱ قلب اندرآمد سپهدارطوس به پیش اندرون کاویانی درفش هوا پُر ز پیکان شد و پَر تیر^{۱۴} به قلب اندرون شاه مکران بخت یکی گفت: شاهها سرش را بریم سر شهریاران نبرد^{۲۰} ز تن یکی دخمه سازید و^{۲۲} مُشک و گلاب برهنه نباید که گردد تنش پوشید رویش به دیبای چین</p>
--	--

۱- ل- س^۲ (نیزلن- ب): کوبال (پ، و، لن، ب: کوبال) و خنجر؛ متن = ف ۲- ل- س^۲ (نیزلن، لی- ب): طلایه بیامد؛ متن = ف (نیزلن) ۳- ل، س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب): نگهبان لشکر از (ز) ایران؛ س^۲: نگه کرد لشکر ز ایران؛ (لی، آ): ز ایران سپه بد طلایه؛ ل^۲: نگهبان ایران بیامد؛ متن = ف ۴- ف (نیزلن): تخار؛ ل، س (نیزو، لن): خوار (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق: تخار)؛ متن = ق، ل، س^۲ (نیزلن، لی، پ، آ، ب): ف پس از این بیت افزوده است: طلایه کجا بد ز مکران زمین یکی نامور بود هنگام کین
۵- ل (نیزلی، ل، پ، آ): پیل سرافراز و شیر؛ ق بیت‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ را ندارد ۶- س: برین؛ ق، ل: بدان؛ متن = ف، ل، س^۲ ۷- س، ق، ل^۲ (نیزلن، ق، و، لن، ب): چشم آسمان را ندید؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزلی، ل، پ، آ) ۸- ل: چو دو رویه؛ س، ق (نیزلن، ق، لی، لن، آ، ب): دورویه سپاه اندرآمد چو؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزلن، پ، و) ۹- ل، ق (نیزلی، و، آ): رده برکشیدند؛ س، ل^۲ (نیزلن، ق، لن، ب): بهم (لن: همه) برکشیدند؛ متن = ف، س^۲ (نیزلن، پ): بهم برشکستند (؟) ۱۰- ل: به ۱۱- ق، ل، س^۲ (نیزو): پر شد ۱۲- ل- س^۲ (نیزلن، ق، لی، پ، لن، آ، ب): پشت؛ متن = ف (نیزلن، و) ۱۳- س: گردان و؛ ق، س: مردان ۱۴- ل: بزو تیر؛ س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ق، لی، لن، آ، ب): ز پیکان (س، ل، لن: ز تیر و) زمین پر ز پیل؛ متن = ف (نیزلن، پ، و) ۱۵- ل- س^۲ (نیزلن، لی، لن، آ، ب): جهان؛ متن = ف (نیزلن، ل، پ، و) ۱۶- س، ق، ل، س^۲ (نیزلن، ق، لی، لن، آ، ب): لن، آ، ب: نیل؛ متن = ف، ل (نیزلن، و) ۱۷- ف: بشمیر؛ متن = ل- س^۲ (نیزلن- ب): زوین ۱۸- (آ: بخت)؛ ق: وزان او بزخمی نرست؛ (لن: و از خستگی هم نرست)؛ ل (نیزلن): وزان خستگی جان او هم برست؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلن، لی، لن، و، لن، آ، ب) ۱۹- ل، ل، س^۲ (نیزلن): اندرو؛ س (نیزلن، ق، ب): زشت اندرو؛ ف: دگر گفت شاهها درین (شاه اندرین؟)؛ (لی، آ): و را گفت شاه اندرو؛ لن: یکی گفت زشت اندرو؛ متن = ق (نیزو) ۲۰- س، ل^۲ (نیزلن، و، لن، ب): که برد؛ ق: نبرد سرشهریاران؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزلن، لی، لن، پ، آ) ۲۱- ل، ق (نیزلن): نیز از تخمه؛ (لن: بی خرد بچه؛ لی، آ: بدتن از تخمه؛ ل: دیویا بچه؛ لن: بدتر از بچه؛ و: وگر نیز باشد ز تخم)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلن، ب) ۲۲- ل- س^۲ (نیزلن، لی، لن، آ): [و]؛ متن = ف (نیزلن، ل، لن، ب، و، ب)؛ درل، ق، لی، پ، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۳- ق، س: بدان ۲۴- ف: رسه؛ متن = ل، س، ل، س^۲ (نیزلن- ب)؛ ق این بیت را ندارد

۱۹۴۰ و زان انجمن کشته شد دوهزار
 هزار و صد و چهل گرفتار شد
 بردند پیلان و آن خواسته
 بزرگان ایران توانگر^۶ شدند
 و زان^۸ پس دلیران پر خاشجوی^۹
 خروش زنان خاست از شهر و دشت^{۱۱}
 به درها همه^{۱۵} آتش اندرزند
 بختند ازیشان^{۱۷} فراوان به تیر
 ۱۹۴۵ چو کم شد از آن^{۱۹} انجمن خشم شاه
 بفرمود تا^{۲۱} آشکش^{۲۱} تیزهوش
 کسی را نماند که زشتی کند
 از آن^{۲۵} شهر هر کس که بُد پارسا
 که ما بی‌گناهییم و بی‌چاره‌ییم
 ۱۹۵۰ گر ایدون که^{۲۹} بیند، سر بی‌گناه
 خروشی برآمد ز پرده‌سرای
 ازین پس گر آید ز جایی^{۳۱} خروشی

سواران و^۲ گردان^۳ خنجرگزار
 سر زندگان^۴ پُر ز تیمار شد
 سرآپرده و گاه^۵ آراسته
 بسی نیز با تخت^۷ و افسر شدند
 به تاراج مکران نهادند روی^{۱۰}
 همه تیز و^{۱۲} مکران پُر از رنج^{۱۳} گشت^{۱۴}
 همه تیز و مکران بهم^{۱۶} برزدند
 زن و کودک خرد کردند^{۱۸} اسیر
 بفرمود تا بازگردد سپاه
 بیار آمد از غارت و جنگ و جوش^{۲۲}
 و گر^{۲۳} با نژندی^{۲۴} درشتی کند
 بیامد به پوزش^{۲۶} بر پادشا
 همیشه به رنج از^{۲۷} ستمگاره‌ییم^{۲۸}
 بیخشد^{۳۰} سزاوار باشد ز شاه
 که ای پهلوانان فرخنده‌رای،
 ز بیداد و ز^{۳۲} غارت و جنگ و جوش^{۳۳}؛

۱- ل، ق (نیزلن، پ، ب): ده هزار؛ ل: کشتن (گشتی) هزار؛ متن = ف، س، س (نیزق، ل، ل، ل، ل، ل، ل، آ)؛ بنداری: و قتل صاحب مکران
 مع آلفی فارس ۲- ل: [و] ۳- س: گردان و ۴- ل (نیزلن): زیرکان؛ (لن: بدگمان) ۵- ق، س (نیزق، ل، آ):
 خیمه؛ (و: کاخ)؛ متن = ف، ل، س، ل (نیزلن، ل، ل، پ، ل، ل، ب) ۶- س (نیزلن): تونگر ۷- ف، ل، س (نیزلن): بخت (حرف
 یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزلی)؛ بخت؛ متن = ق، ل (نیزق، ل، ل، ب) ۸- ل: از آن ۹- ف: پر خاشخرا؛ متن ← ۱۰- ف:
 سر؛ متن = ل - س (نیزلن - ب) ۱۱- ل: دشت و شهر ۱۲- ف، ق (نیزلن): شهر؛ س، ل، س (نیزلن - ب، پ، ب): تیرو؛ (و:
 کیج و)؛ متن = (آ) ۱۳- ل (نیزب، لن): بی؛ س، ق، س (نیزلن، ق، ل، آ، ب): پر آواز؛ (ل: پر آوای)؛ متن = ف (نیز
 و) ۱۴- ل: چشیدند زان رنج بسیار زهر ۱۵- ل - س (نیزب، لن، ب): بدرهای شهر؛ (ق: بدر وازها؛ و: بدزها همه)؛ متن = ف
 (نیزلی، ل، آ) ۱۶- ف: همه بوم و برشان بهی؛ ل، ق، ل، ل، س (نیزق - آ): همی (ق، ل: همه) آسمان بر زمین؛ س (نیزب): همه تیرو
 مکران بهم؛ متن تصحیح قیاسی است (س، ب) ۱۷- ل: زیشان ۱۸- ف: گشته: ل (نیزق، ل، ل، آ): بردند؛ ق: خرد
 کودک ببرند؛ متن = ل، س، س (نیزلن، پ، و، لن، ب) ۱۹- س، ل (نیزلن، لن، ب): بران ۲۰- س (نیزلن، لن، ب): هران
 نیزتا (با) ۲۱- ف، س (نیزق، و، آ): اشکس؛ ل، س، ل: لشکر؛ (لغت شهنامه، شماره ۷۳: اشکن)؛ متن = ل (نیزلن، ل، ل، ب، لن، ب)
 (ب) ۲۲- ل: جنگجوش؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- س (نیزب): ویا ۲۴- ل: تژ [ند]ی؛ س (نیزلن، لن، ب): تژندان؛ ق:
 بزند؛ (ل: نوندی)؛ متن = ف، ل، س (نیزق، ل، پ، و، آ) ۲۵- ق: بدان ۲۶- ل، س: بیوزش بیامد ۲۷- ل (نیزق، ل، ب):
 ل، ب: برنج و؛ س، ل، س (نیزلن، پ، و، لن، ب): برنج؛ متن = ف ۲۸- ق (نیزلی، آ): برنجیم و غمخواره‌ییم ۲۹- ل - س:
 ایدونک؛ متن = ف ۳۰- س (نیزلن، ب): نیرد؛ (لن: بیرد)؛ ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

ازیشان چو بشنید فرخنده‌شاه

بفرمود تا بانگ زد بر سپاه

۳۱- ف: ازین پس از ایدرز جای (!)؛ (و: نباید ازین پس که آید)؛ متن = ل - س (نیزهشت دستویس دیگر) ۳۲- ل، س، ق، ل (نیز
 لن - ل، و - ب): بیدادی و؛ متن = ف، س (نیزب) ۳۳- ل: جنگجوش

ستمگارگان^۱ را کم به^۲ دو نیم

کسی کو ندارد ز دادار بیم

سپهدار^۳ سالی به مُکران بماند
 ۱۹۵۵ چو آمد بهار و زمین گشت سبز
 چراگاه اسپان و جای شکار
 به آشکش^۷ بفرمود تا با سپاه
 نجوید جز از^۸ خوبی و راستی
 وُزآن شهر^{۱۱} راه بیابان گرفت
 ۱۹۶۰ چنان شد به فرمان یزدان پاک
 هوا پُر ز ابر و زمین پُر ز خوید^{۱۲}
 خورش‌های مردم همی رفت^{۱۴} پیش
 به دشت اندرون سبزه و جای خواب
 چو آمد بنزدیک آب زره
 ۱۹۶۵ همه^{۱۸} کارسازان^{۱۹} دریا به راه
 به خشکی بکرد آنچه^{۲۰} بایست کرد
 بفرمود تا توشه برداشتند
 سپهدار^{۲۳} نیک اختر^{۲۴} راه جوی
 برآن^{۲۷} بندگی بر فرایش^{۲۸} گرفت

ز هر جای کشتی‌گران را بخواند
 همه کوه پُر لاله و^۴ دشت سبزه،
 بیاراست باغ از گل^۶ میوه‌دار،
 به مُکران بباشد به آیین شاه^۸
 نیارد به داد^{۱۰} اندرون کاستی
 همه رنج‌ها بر دل آسان گرفت
 که اندر بیابان ندیدند خاک
 جهانی پُر از لاله و شنبلید^{۱۳}
 به گردون و^{۱۵} زیر اندرون گاو میش
 هوا پُر ز ابر و زمین پُر ز آب^{۱۶}
 گشادند گردان زره را^{۱۷} گره
 ز چین و ز مُکران همی برد شاه
 چو کشتی به آب اندرافگند مرد،
 به^{۲۱} یکساله تا آب^{۲۲} بگذاشتند
 برفت از لب آب پُر^{۲۵} آب روی^{۲۶}
 جهان آفرین را ستایش^{۲۹} گرفت

۱- ف: ستمکاره گان ۲- ق (نیزلن، لی، و، لن، آ): بر؛ س (نیزق): من؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزل، ب، پ) ۳- ل-س (نیزلن-ب): جهاندار؛ متن = ف ۴- ق: کوه لاله همه ۵- ل: نغز ۶- ق، ل: دره؛ ق، ل، ب: گل (و)؛ متن = ف، ل، س، س (نیزلن، لی، و، لن، آ، ب) ۷- ف، س (نیزق، لن، بنداری): اشکس؛ ق: اسکش؛ (آ: اسکس)؛ متن = ل، ل، س (نیزلن، لی، ل، پ، و، ب) ۸- ل، ق (نیزلی، آ): یکی (ق: همی) چندگاه؛ س، ل (نیزلن، لن): بماند یکی چندگاه؛ س (نیزب): بباشند (ب: بمانند) یکچندگاه؛ متن = ف (نیزق، ل، ب، و) ۹- ف (نیزلی، ل): بجز؛ س: نجوید جز؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ب-ب) ۱۰- ل: بکار؛ (لی، آ: بدل) ۱۱- ق: جای ۱۲- ل (لن: خون)؛ ق، ل (نیزب): پرخوید ۱۳- ل (لن: لاله نیلگون) ۱۴- ل، ق، س (نیزلی، آ): ببردند؛ (ل: همی راند)؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب) ۱۵- ل: به ۱۶- ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، س، ل، س (نیزلن، ق، لی، ل، و، لن، آ): میان از؛ ق (نیزب، ب): میان را؛ متن = ف ۱۸- ل: همان ۱۹- ل: چاره سازان؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: برگزشتن شاه کیخسرو از آب زره از پی افراسیاب؛ ق: گذشتن کیخسرو از آب زره ۲۰- ل: آنچه ۲۱- س، ل (نیزلن، ق، لن، ب): ز ۲۲- ف (نیزلن، لی، ل، آ): یکسال تا (لی، آ: از؛ ل: بر) آب؛ ل: یکساله ره راه؛ ق: یکساله راه؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب) ۲۳- ل-س (نیزلن-ب): جهاندار؛ متن = ف ۲۴- ل، ل، س (نیزل): نیک اختر و ۲۵- ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ق، لی، لن، آ، ب): بر؛ ل (نیزو): ما (نقطه ندارد)؛ (ب: بنا)؛ متن = ل ۲۶- ل (لن: آبروی) ۲۷- ق (نیزلی، و): بدان؛ س: مران ۲۸- ل (نیزل، ب): نیایش ۲۹- س، ق (نیزلن، ق، لی، و، آ، ب): نیایش؛ متن = ف، ل، ل، س (نیزل، ب، لن)

<p>که او را^۱ به خشکی برد بی‌گزند بزرگانِ ایران و گاه وُرا شناسنده‌ی آشکار و نهان، خداوند چرخ و^۶ ثریا توی^۵ همان گنج و تخت^۸ و کلاه مرا کزو کس زرفتی به دل ناشخود^{۱۰} کزو ساختی هر کسی جای خواب شدی کژ و بی‌راه بادِ شمال خَله^{۱۵} پیشِ ملاحِ بگذاشتی^{۱۶} که خواندش ملاح^{۱۹} فَمَ الاسد^{۲۰} نشد کژ با^{۲۲} اختر پادشا نمودی به انگشت هر کس^{۲۳} به شاه همی داشتی گاو با شیر^{۲۴} تاو همه تن پُر از پشم^{۲۵} چون گوسپند^{۲۶} دو دست از پسِ پشت و دو پای^{۲۷} پیش</p>	<p>همی خواست از کردگار بلند همان ساز جنگ و سپاه وُرا همی گفت کای^۲ کردگار^۳ جهان نگهدار^۴ خشکی و دریا توی^۵ نگهدار جان و^۷ سپاه مرا پُر آشوب دریا بر^۹ آن گونه بود به شش ماه کشتی برفتی بر^{۱۱} آب به هفتم^{۱۲} چو^{۱۳} نومید گشتی^{۱۴} ز سال سِر بادبان تیز برگاشتی به راهی^{۱۷} کشیدی ز راه جرد^{۱۸} چُنان ساخت^{۲۱} یزدان که باد هوا شِگفت اندر آن آب مانده سپاه به آب‌اندرون شیر دیدند و گاو همان مردم و موی‌ها چون کمند گروهی سران چون سِرِ گاو میش</p>
---	--

۱- ل: کز آتش: متن = س، ق، ل، س' (نیز لن - ب): ف بیت‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ را ندارد ۲- ق: همی خواست از ۳- ف: کردار (کردگار) ۴- ف (نیز و): نگهبان (?): س' : نگهبان به: متن = ل، س، ق، ل' (نیز لن - ب، ل، ن، آ، ب) ۵- ف، س، ق، ل، س' (نیز لن - ب): تویی: متن = ل ۶- ل - ل - س' (نیز لن، ق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): خدای ثری و (لن: تا): (و: خداوند داد و): متن = ف (نیز ل، آ): بنداری: أنت مالک الشریا والثری، والحافظ برا وجمرا ۷- (لن، ق: [و]) ۸- ق: تاج: ل (نیز ل، ب، و، آ): تخت و گنج: بنداری: احفظی وعساکری وتاجی وتحتی ۹- ل، ل، س (نیز لن، ل، ل، ن، آ، ب): از: متن = ف، ق، ل، س' (نیز ق، ل، ل، پ، و، ل، ن) ۱۰- (ق: نابود): ل: نرسنی بدان برشخود: س، ل' (نیز لن، ل، ن، آ، ب): نرسنی چنانکه شنود: س' (نیز ل، ب، آ): نرسنی بدل ناشخود: (و: کین نرسنی نه آیین نمود): متن = ف، ق ۱۱- ل: به ۱۲- ق: بهشم ۱۳- ل، ل، س، ل' (نیز لن، ل، ن، آ، ب): که: متن = ف، ق، س' (نیز ق، و، آ) ۱۴- ل - ل - س' (نیز لن - ب): نیمی گذشتی: متن = ف: نومید گشتی - نیمی گذشتی؟ ۱۵- ف (نیز ل، آ): حله: ل: خلل: (لن: جمله): متن = س، س' (نیز ق، ل، ل، ب، و، ب) ۱۶- ل، ق: چو بوق درخشنده بگماشتی ۱۷- س، ل، س' (نیز ق، و، آ، ب): بجایی: متن ← ۱۸- س: حدد: ل' (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ب): جدد: س': خرد: (و: خزد: ل: زروی خرد: ق: سرو راه و حد): ل، ق: براهی کشیدش موج مدد: متن = ف: براهی کشیدی ز راه جرد - بجایی کشیدش از راه خود؟ ۱۹- ل: ملاح خواندش: س، ق (نیز ل، آ، ب): ملاح خواندیش: ل، س' (نیز ل، ب): خواندیش ملاح: (لن: ملاح خواندی): متن = ف (نیز ق) ۲۰- (و: که خواندی ملاح هر نیک و بد): بنداری: و كان هذا البحر اذا سارت فيه السفينة ستة أشهر ردتها الرياح المختلفة وألقها الى موضع يسميه الملاحون فم الاسد ۲۱- ل، ق: خواست ۲۲- ق: همی ز ۲۳- ل، ل، س، ل' (نیز ب، و، ل، ن، آ، ب): هر یک: (ل، آ: بک یک): ف: نمودند هر کس عجائب: متن = ق، س' (نیز ق، ل، ل، آ) ۲۴- ل، ل، س' (نیز ق، ل، ل، آ): شیر با گاو ۲۵- س (نیز ب): موی ۲۶- ف، ل، ق، ل، ل، س' (نیز ق، ل، ل، ن): گوسفند: متن = س (نیز آ، ب) ۲۷- ف (نیز ل): پشت دو پای: ل، ل، س' (نیز ق، ل، پ، و، ل، ن، آ، ب): پس مردم و (س: [و]) پای: س: پس پشت و پا پس و: ق: پس دست و مردم ز: متن = (آ: ف، ل، ل): بنداری (۱۹۸۲-۱۹۸۴): وشاهدوا في البحر عجائب كثيرة كالأسود والثيران وإنس الماء بالشعور المتبدلة كالجبال متربلين بالأصواف والأشعار لبعضهم رءوس كراءوس الجواميس ویدان من خلف ورجلان من قدام

یکی تن چو ماهی و سرچون پلنگ ^۱	۱۹۸۵
نمودی همی این بدان، آن بدین	
به بخشایش کردگار سپهر	
گذشتند بر آب بره هفت ماه	
چو خسرو ^۷ زد دریا به خشکی رسید	
بیامد ^۱ به پیش جهان آفرین	۱۹۹۰
برآورد کشتی و زورق ز ^{۱۲} آب	
بیابانش ^{۱۳} پیش آمد ^{۱۴} وریگ و دشت	
همه شهرها دید برسان چین	
بدان شهرها در ^{۱۵} بیاسود شاه	
سپرد آن زمین ^{۱۶} گیو را شهریار	۱۹۹۵
درشتی مکن با گنهار نیز	
ازین پس ندارم کسی را به کس	
ز لشکر یکی نامور برگزید	
فرستاد نزدیک شاهان پیام	
بیابند ^{۲۱} خرم ^{۲۲} بدین بارگاه	۲۰۰۰
یکی تن چو گور و سرش چون نهنگ ^۲	
همی خواندندی به داد ^۳ آفرین	
هوا راه شد، باد نمود ^۴ چهر	
که بادی نکرد اندر ایشان نگاه	
نگه کرد و ^۵ هامون جهان را ^۶ بدید	
بمالید گرینده ^{۱۱} رخ بر زمین	
شتاب آمدش، بود جای شتاب	
تن آسان به ریگ روان برگذشت	
زبانها بکردار ^{۱۷} مکران زمین	
خورش خواست چندی ز بهر سپاه	
بدو گفت: بر خوردی از روزگار	
که بی ارج شد بر ده شهر و چیز ^{۱۷}	
پرستش کنم پیش فریادرس ^{۱۸}	
که گفتار هر کس ^{۱۹} بداند شنید	
که هر کس که او جوید ^{۲۰} آرام و کام،	
دلی شاد و نیکی دهش پیشگاه ^{۲۳}	

۱- س. ل. (نیز آ. ب): کنگ: ف (نیز ق. و): پلنگ: ل. س. : یکی سرچو ماهی و تن چون نهنگ: متن = ف (نیز ل. ل.) ۲- ل. (نیز آ): پلنگ: ل. ق. س. (نیز ق.): یکی پانی چون گور و تن چون پلنگ: س (نیز ب): یکی سرچو گور و تن چون پلنگ: (و): یکی نش چون شیر و سرچون پلنگ: متن = ف (نیز ل. ل.): ل. ب. ل. ن. این بیت را ندارند: نداری: و آخرون ره و سپه کرده و س التماس و آیدانهم کابدان انور و ارجنهم کارجل خضر الوحش: س. ل. س. ق. آ. ب. پس از این بیت و ب. ل. بجای این بیت افزوده اند:

یکی راسر (س: تن) خوک (ق: خرس) و تن (س: سر: س: یکی سرچو خوک و تنش) چون بره

همه آب از اینها (س: آبها) بادی یکمهره

ف. ل. ق. ل. ن. و. و. نداری این بیت را ندارند ۳- ل. ق. س. (نیز ق. و. آ): بدادار بر خواندند: متن = ف. س. ل. (نیز ل. ب. و. ل. ن. ب) ۴- ل. ق. (نیز ق.): هوا شد خوش و ۵- ل. س. : بنمود (حرف بکه نقطه ندارد): ل. (نیز ب): بنمود ۶- س. (نیز ل.): دره: ف: در آب دره: ق: ز آب دره: متن = ل. س. ل. (نیز ق. ل. ل. آ. ب) ۷- س: کشتی ۸- ل. ق. ل. س. (نیز ق. ل. ل. ب. ل. ن. آ): [و]: متن = ف. س (نیز و. ب) ۹- س: هامون و صحرا: (و: روی زمین را): ف در اینجا سر نویسی دارد: رسان شاه کخسرو بوزایت چین و ملاحین و سردن آن ولایت بگیوگ در ز و فرودن که بر کس ظلم نکند ۱۰- ل. : برآمد ۱۱- ل. س. ل. س. (نیز ق. ل. و. ل. ب): بر خاک: ف: در خاک: (و. آ: گویان دوه: ب: فراتوان بمالید): متن = ف (نقطه ندارد) ۱۲- ل. آ: ب: ف: بیت های ۱۹۹۱-۱۹۹۳ را ندارند: نداری (۱۹۹۱-۱۹۹۳): و لما خرج الملك الى البرزائی بلاداً عامرة على ترتيب بلاد الصين و ناسا نمانهم کلمان اهل مکران ۱۳- ف: بیابان به: متن = ل. ل. ل. س. (نیز ق. ب) ۱۴- س: بیابان بدش پیش و هم ۱۵- ق: بر ۱۶- ل. س. ق. ل. (نیز ل. و. ل. آ. ب): زمان: متن = ف. س. (نیز ق. ب): بداری: قلند تلک الممالک جیوا ۱۷- س: گنج و چیز: (ل. ن.): مهر چیز: ب: بر جهان گنج و چیز: ل. ق: که بی رنج شد مردم از گنج و (ق: رنج) چیز: ل. : که بی ارزش شد بر دم مهر چیز: متن = ف. س. (نیز ق. ل. ل. ب. و. آ: ل. بی اوز) ۱۸- س (نیز ق.): یزدان و بس ۱۹- س: هر یک ۲۰- ف: کوشد (در بالا ضبط متن را افزوده است) ۲۱- ق: نیابند: (ل: بیابند) ۲۲- (ل: خورده) ۲۳- س. (نیز ل. و): نیکخواه: (ق: نیکی ده و نیکخواه): ل. ق. (نیز ب): برفتند یکسر فرمان شاه (ب: همه نیکخواه): س. ل. (نیز ل. آ. ب): بدل شاد و نیکی دهش نیکخواه (آ: دادخواه): متن =

- که هر کس که اوزین سخن بگذرد
یکی سر نیچید^۲ از آن^۳ مهتران
چو دیدار بُد^۴ شاه بنواختشان
پس از گنگ دز باز جست آگهی
چنین گفت گوینده‌یی ز آن گروه
اگر بشمری سر بسر نیک و بد
بدان سو^۵ که سالار توران براند^{۱۱}
کنون تا برآمد ز دریای آب
از آن آگهی شاد شد شهریار
بر آن مهتران^{۱۳} خلعت آراستند
بفرمود تا بازگشتند^{۱۵} شاه
سپه را بیاراست و روزی بداد^{۱۷}
همی گفت: هر کس که جوید بدی
نباید که باشید^{۲۰} یک تن به شهر
- ز رای بد خویش کیفر برد
به درگاه رفتند چون کهتران
به خورشید گردن برافراختشان
از ه افراسیاب و ز تخت مهی
کز^۶ ایدر نه آبت پیش و^۷ نه کوه
فزون نیست^۸ تا^۹ گنگ فرسنگ صد
ز بیداد، مردم فراوان نماند
به گنگست با مردم افراسیاب
همه رنج‌ها بر دلش گشت خوار^{۱۲}
پس اسپ جهاندیدگان^{۱۴} خواستند
سوی گنگ دز رفت خود با^{۱۶} سپاه
ز یزدان نیکی دهش کرد یاد^{۱۸}
بتابد ز^{۱۹} بادافره ایزدی
گر از رنج یابد تن^{۲۱} مور بهر
- ۲۰۰۵
۲۰۱۰
۲۰۱۵
- شده از آب دیده^{۲۳} رخس ناپدید
همی کرده^{۲۵} بر کردگار آفرین

۱- س، ل، س، س (نیز ق، ب): هر آن متن = ف، ل، ق این بیت را ندارند؛ س، ل، ل، ل، ل، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:
یکی سر نیچید از آن بارگاه

برفتند یکسر بفرمان شاه

- ۲- س، ل، ل (نیز ل، ب): کسی سرنگرداند ۳- ل: زان ۴- س (نیز ل، ل): شد ۵- ف، ل، س، ق، س: ز؛ متن =
ل ۶- ل- ل- س (نیز ل، ل، پ، ل، ب): که؛ (پ: وز؛ آ: که ز)؛ متن = ف (نیز ق، و) ۷- ل- س (نیز ق، ب): پشت؛
متن = ف ۸- ف، ق: فزون نیست؛ س: فزونست؛ (ق: فرو نیست)؛ متن = ل، ل، ل، س (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب)؛ بنداری: و آن ینه و
بین تلک القلعة مائة فرسخ ۹- ل (نیز ل، ب): با ۱۰- ل: بدان ره؛ آ: بران ره؛ متن = ۱۱- ل- س (نیز پ، و، ل، ب):
بران سو (س: بدان سو؛ و: برانسان؛ ل: بدانسان) که پور سیاوش براند؛ (ق: بدانگه که خون سیاوش فشانند)؛ متن = ف (نیز ل، آ)؛ درل
این بیت پس از بیت ۲۰۱۱ آمده است ۱۲- ل- س (نیز پ، و، ل، ب): شد آن رنجها بر دلش نیز (س، ل، ن: زارو؛ س: شادو؛ ق،
پ، و: پاک) خوار (ل: خوار و زار)؛ (ل: شد آن رنجهای کهن جمله خوار)؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۳- ل، س، ل (نیز ل، و، ل، ب):
مردمان؛ ل، ق (نیز ق، ل، ب، آ): در آن (ق: بدان) مرزها؛ س: بدان مژده ده؛ (ل: بدان مردمان)؛ متن = ف ۱۴- ل: جهان دیده گان؛
ق، ل در اینجا سر نویسی دارند: رفتن (ل: رسیدن) کیخسرو بکنک دزو گریختن (ل: گریز) افراسیاب ۱۵- ل، س، ل (نیز ل، پ، ل، ب):
ب: بازگشتند و؛ س: بار بستند و ۱۶- ل: با آن؛ ق: شه با؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ل، ب): درل پس از این بیت، بیت
۲۰۰۷ آمده است ۱۷- ف: و دلها بداد؛ متن = ل- س (نیز ل، ب، ل، آ، ب) ۱۸- س: سوی کنک دز رفت خود
بامداد ۱۹- ل، س، ل (نیز ل، پ، ل، آ، ب): بیچید ز؛ س (نیز ق، آ): بیابند؛ (ل: بیابند به)؛ متن = ف (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق
بیت‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ را ندارد ۲۰- س (نیز ل، پ، آ، ب): باشد ۲۱- ل، س، ل (نیز ل، ق، ب، ل، ب): بی؛ (ل، آ: دل؛
ل: یکی)؛ متن = ف، س ۲۲- ل، س، ل (نیز ق، ل، و، ب): جهاندار ۲۳- (ق، ل، ل: رنگ) ۲۴- ل، ق (نیز ل، آ): رخ؛
متن = ف، س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۵- س: گفت؛ (ل، ل، ب، و، ب: خوانند)

همی گفت کای داور داد و پاک^۱ یکی بنده ام دل پُر از ترس و پاک^۲
 تو دادی مرا بُرز^۳ و آیین و فر سپاه و دل و اختر و پای و پر
 که این باره ی شارستان^۴ پدر بدیدم برآورده تا ابره سر
 سیاوش که از فر یزدان پاک چُنین باره یی برکشید از مفاک^۵،
 ۲۰۲۰ ستمگر بُد آن کوبه بد یاخت^۶ دست دل هر کس از کشتن او بخت
 بر آن باره بگریست یکسر سپاه ز درید^۷ سیاوش که بر^۸ بی گناه،
 به دست بداندیش بر کُشته شد چُنین^۹ تخم کین در جهان کشته شد

گفتار اندر رسیدن کیخسرو به کنگ دز^{۱۱}

پس آگاهی آمد به افراسیاب که شاه جهانجوی^{۱۲} بگذاشت^{۱۳} آب
 شنیده همی داشت اندر نهفت ۲۰۲۵ بیامد شب تیره با کس نگفت
 همه خویش و بیگانه^{۱۴} آنجا بماند دلی پُر ز تیمار تنها^{۱۵} براند
 چو کیخسرو آمد به کنگ اندرون سری^{۱۶} پُر ز تیمار و^{۱۷} دل پُر ز خون،
 بدید آن دل افروز باغ بهشت شمرهای او^{۱۸} چون چراغ بهشت
 به هر گوشه یی چشمه و گلستان زمین سنبل و شاخ بلبلستان^{۱۹}
 همی گفت هر کس که اینت نهاد! ۲۰۳۰ هم ایدر بباشیم تا مرگ شاد!
 و زان پس بفرمود بیدار شاه نگه^{۲۰} کردن شاه توران سپاه
 بچستند بر دشت و راغ^{۲۱} و سرای ببردند هر سو یکی^{۲۲} رهنمای

۱- ل: یا داور داد گر (!) ۲- ق: چُنین باره برکشید از مفاک (= ۲۰۲۰) ب) ۳- س، ل، ل، س: (نیز لن، لن، ب): زورده متن = ف (نیز لی، ل، پ، آ): ل، ق، و این بیت را ندارند: س: پس از این بیت افزوده است:
 پس آنگه بلشکر چُنین گفت شاه که دارید گفتار ما را نگاه
 ۴- ق (نیز لی، ل، پ، لن، ب): شارسان ۵- ل: از ماه: س، ل: (نیز لن، ب، لن، ب): از خاک: ق (نیز لی، آ): از دور: ق: از درد: ل: از باد: س: برآوردم از درد: متن = ف ۶- ق بیت های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ را ندارد ۷- ل: آخت: (ل: آ: تاخت): ل (نیز ق): کوبید تاخت: (لی: آنگونه بد تاخت): س: ستمگر که بروی بید یاخت: س: ستم کرد آنکوبید تاخت: (ل: ستم کن بدان کوبید تاخت: ب: ستمگر بر او بر بید تاخت: ب: ستمگر کسی کوبید تاخت): متن = ف (نیز لن: ل، لن، آ) ۸- ل، ق، س: (نیز ق): خون: (لی، آ: بهر): متن = ف، س، ل: (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب) ۹- ل (نیز ق: و، آ): س: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، لن، ب) ۱۰- س: چنان ۱۱- ف (چند بیت پایین تر): رسیدن شاه کیخسرو به زمین ترک بقعه کنگ و خوش آمدن شاه را آن ولایت و طلب کردن خویشان افراسیاب: ل: خبر یافتن افراسیاب از رسیدن کیخسرو: س: گریختن افراسیاب از پیش شاه کیخسرو: س: رسیدن کیخسرو بکنک دز: متن = س ۱۲- ل، ق (نیز پ): جهاندار: س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، و، لن، ب): جهانگیر: متن = ف (نیز لی، آ) ۱۳- ق (نیز ق، ل، آ): بگذشت ز ۱۴- ل- س: (نیز لن- لن، ب): جهاننندگان راه: متن = ف (نیز لی، آ) ۱۵- ف: زانجا: متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۱۶- س: سرش ۱۷- ل: او ۱۸- ف: چمنب او: ل- س: (نیز لن، ق، ل، لن، ب): چمنهای او: (لی، آ: چمنهای هم: ل: شمرهای او: ب: همان میوه اش): متن = (و) ۱۹- س: سنبلستان: (و: غنفلستان: ل: باغ بلبلستان): ق: بلبل و شاخ غنفلستان ۲۰- ل، ق (نیز لی، ب، آ): طلب: متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، و، لن، ب): بنداری: و فرق العساكر في طلب افراسياب ۲۱- ل، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ): باغ: (لی، آ: در باغ و دشت): متن = ف، ق (نیز پ) ۲۲- س: بر هر سویی: ل، س، ق، ل: (نیز لن- ب): گرفتند (لی، آ: گرفتند) بر هر سویی (لی، لن: سوی): متن = ف

همی رفت جوینده چون بیهشان	مگر زو بیابد به جایی ^۱ نشان
چو بر جستش تیز بشتافتند	فراوان ز کس‌های او یافتند
بکشتند بسیار کس بی‌گناه	نشانی نیامد ^۲ ز بیدادشاه
همی بود در گنگ‌دز شهریار	چو یک ^۳ سال با رامش و می‌گسار
جهان ^۴ چون بهشت ^۵ دلاویز بود	پر از گلشن و باغ و پالیز بود
به رقتن همی شاه را دل نداد	همی بود در گنگ پیروز و شاد ^۶
همه پهلوانان ایران سپاه	برفتند یک روز نزدیک ^۷ شاه،
که گر شاه را دل نخبند ز جای	سوی شهر ^۸ ایران نیایدش رای،
همانا بداندیش ^۹ افراسیاب	گذشته‌ست از آن ^{۱۰} سوی ^{۱۱} دریای آب
چنان پیر بر گاه کاوس شاه	نه اورنگ و فرو نه گنج ^{۱۲} و سپاه،
گر او سوی ایران شود پر ز کین	که باشد نگهبان ^{۱۳} ایران زمین؟
گر او باز با تخت و افسر شود	همه رنج ما پاک بی‌بر شود ^{۱۴}
از آن ^{۱۵} پس به ایرانیان شاه گفت ^{۱۶}	که این پند با سودمندی‌ست جفت ^{۱۷}
از آن شارستان ^{۱۸} پس مهان ^{۱۹} را بخواند	و ز آن رنج برده ^{۲۰} فراوان براند
ازیشان کسی را که شایسته‌تر	گرامی‌تر از شهر ^{۲۱} و بایسته‌تر،
تنش را به خلعت بیاراستند	ز در ^{۲۲} باره‌ی مرزبان ^{۲۳} خواستند
بدو ^{۲۴} گفت کاید ^{۲۵} به شادی بمان!	همیشه بر اندیشه‌ی ^{۲۶} بدگمان!
ببخشید چندانک ^{۲۷} بُد خواسته	ز اسپان و از ^{۲۸} گنج آراسته
همه شارستان زو ^{۲۹} توانگر ^{۳۰} شدند	چه با یاره و تخت و افسر شدند

۱- ل، س، ل (نیز ب، و، ل، ب)؛ بیابند جایی؛ متن = ف، ف، س (نیز ل، ق، ل، ل، آ)؛ در ل پس از این بیت دو بیت بی‌پس و پیش شده است ۲- س؛ نیامد نشانی ۳- ل، ق (نیز ب)؛ یکی؛ س (نیز ق، ل، ل، و، آ)؛ بیک؛ متن = س، ل (نیز ل، ل، ب)؛ در ف از بیت ۲۰۳۶ تا ۲۷۵۶ افتاده است ۴- (ق؛ کجا) ۵- ل؛ بهشتی ۶- س (نیز ل، ب)؛ سوی تخت ایران نیامدش یاد ۷- ل (نیز ب)؛ بکر نزدیک؛ متن = س، ق، ل، س (نیز هشت دست‌نویس دیگر) ۸- س، ل، س (نیز ل، ق، ل، ب، و، ل، ب)؛ تخت؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ)؛ بنداری؛ والرأی أن ترجع الی ممالکنا أخذنا بالحزبه ۹- س، ل (نیز ل، ل، ب)؛ نیای تو؛ (ل؛ تواند رد)؛ متن = ل، ق، س (نیز ق) ۱۰- ل (نیز ق)؛ زان ۱۱- ل (نیز آ)؛ سوبه؛ (ل؛ سوز؛ ل؛ روی)؛ متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ق، ب، ب)؛ (ل؛ گذارد بکران به؛ و؛ گذشتی زمکران به) ۱۲- (ل، آ؛ تخت)؛ ق (نیز ق)؛ تخت و نه فر ۱۳- (ق، ل؛ نگهدار) ۱۴- درس^۱ آت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ برخی از دست‌نویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، ق، س؛ بازگشتن کیخسرو از کنک‌دز (ق؛ بتوران و مراجعت بایران)؛ ل؛ بازگشتن کیخسرو از توران بایران زمین ۱۵- ق؛ وزان ۱۶- ق؛ گفت شاه ۱۷- ق؛ راه ۱۸- ق، ل (نیز ل، ل، ب، ل، ب)؛ شارسان ۱۹- ق؛ مهتران ۲۰- ل؛ بردن؛ متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ب) ۲۱- ل؛ گرامی‌تر شهر؛ (و؛ گرامی و دانا) ۲۲- (ل؛ دز) ۲۳- ل؛ پهلوان؛ (ل، آ؛ مهتران؛ و؛ خسروی) ۲۴- ل، ق؛ چنین؛ متن = س، ل، س (نیز ل، ب، ل، آ، ب) ۲۵- س؛ از ایسره؛ ل (نیز ل، ل، ل، ب)؛ ایسره ۲۶- (ل؛ از)؛ ل، ق (نیز ب)؛ ز دل برکن اندیشه؛ (ق؛ همی بر بندانیش با)؛ متن = س، ل، س (نیز ل، ل، ل، آ، ب) ۲۷- س؛ چندانکه ۲۸- ل، ق، ل، س؛ وزه؛ متن = س ۲۹- ل؛ همه شهر زیشان؛ متن = س، ل، س (نیز ق)؛ ب؛ ل، ل، ب، ل، ب؛ شارسان) ۳۰- س (نیز ل، ب)؛ توانگر؛ ق این بیت را ندارد

بدانگه ^۱ که بیدار گردد خروس	
سپاهی شتابنده و راهجوی	
همه نامداران هر کشوری	
خورش‌ها بردند چندی به راه ^۴	۲۰۵۵
به راهی ^۵ که لشکر همی برگذشت	
به کوه و بیابان و جای ^۷ نشست	
بزرگان ابا ^{۱۰} هدیه و با نثار	
چو خلعت فراز آمدیشان ز گنج	
پذیره شدش گیو با لشکری	۲۰۶۰
چو دید آن سر و فرّه ^{۱۳} سرفراز	
جهاندار بسیار ^{۱۵} بنواختشان ^{۱۶}	
چو خسرو بنزدیک کشتی ^{۱۹} رسید	
دو هفته برآن ^{۲۱} روی دریا بماند	
همی ^{۲۳} گفت: هر کون دیده‌ست گنگ	۲۰۶۵
بفرمود تا کار بر ساختند	
شناسای کشتی هر آن کس که بود	
بفرمود تا بادبان برکشید ^{۲۹}	
ز درگاه برخاست آوای ^۲ کوس	
به سوی بیابان نهادند روی	
برفتند، جایی ^۳ که بُد مهتری	
که بود از در شهریار و سپاه	
در و دشت یکسر چو بازار ^۶ گشت	
کسی را بُد دل ^۸ که نگشاد ^۹ دست	
پذیره شدند بر شهریار	
نهشتی ^{۱۱} که با او برفتی ^{۱۲} به رنج	
و زان شهر هر کس که بُد مهتری	
پیاده شد و برد پیشش ^{۱۴} نماز	
به رسم کیان ^{۱۷} جایگه ساختشان ^{۱۸}	
فرود آمد و بادبان برکشید ^{۲۰}	
ز دیدار با ^{۲۲} گیو چندی براند	
نباید ^{۲۴} که خواهد ^{۲۵} به گیتی ^{۲۶} درنگ	
دو ^{۲۷} زورق به آب اندر انداختند	
که بر ^{۲۸} ژرف دریا دلیری نمود،	
به دریای بی پایه ^{۳۰} اندر کشید ^{۲۹}	

۱- (لن: هانگه) ۲- ل (نیزل): آواز ۳- ل، ق (نیزب): هرجا؛ متن = س، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر): برفتند-
 برفتند؟ ۴- ل، ق: نزدیک شاه؛ (ل: پیش سپاه)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۵- ق: باهی ۶-
 (لی، آ: پراواز) ۷- ل (نیزآ): راه؛ (لی، پ: راه و)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب) ۸- ل: بد کس (حرف یکم نقطه
 ندارد)؛ (ل: که دل بود؛ پ: یکی را نبند دل)؛ متن = س، ل، س (نیزق، ل، لن، آ، ب) ۹- ل، س: نگشاد (حرف یکم نقطه
 ندارد)؛ ل (نیزلن - پ، لن، آ، ب): بگشاد؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، ب، لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛
 پیایی لت‌های این بیت در متن = ل، ل، آ، ق، و این بیت را ندارند ۱۰- س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ، ب): که با؛ (و: چو
 با)؛ متن = ل، ق (نیزب) ۱۱- ل: نهشتی (حرف یکم نقطه ندارد) ۱۲- س، ل، س (نیزق، ل، ب): با وی برفتی؛ (لی، آ: که
 کس بازگشتی)؛ ق بیت‌های ۲۰۵۹ و ۲۰۶۰ را ندارد ۱۳- ل (نیزلن، ب): فرّه؛ (لی، آ: افسر)؛ ق: دیدند آن سروران؛ (ل: دیدند آن
 فرّه؛ پ: دیدار شه دید آن؛ و: دیدش ز دور آن سر)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق) ۱۴- ق: پیاده شدند و بردند. نزدش (وزن
 ندارد) ۱۵- س، ق، ل (نیزلن، لن، ب): بیدار؛ متن = ل، س (نیزق، ل، ب، آ) ۱۶- س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ، ب):
 بنواختش؛ متن = ل، ق، س (نیزل، ب) ۱۷- س، ل (نیزلن، ل، لن، ب): بدر؛ س (نیزق): سران؛ متن = ل، ق (نیزلی، ب،
 آ) ۱۸- س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ، ب): ساختش؛ متن = ل، ق، س (نیزل، ب) ۱۹- (لی، و، آ: دریا) ۲۰- س، ل،
 س (نیزلن - پ، لن، آ، ب): بادبانها بیدید (ق: کشید)؛ متن = ل، ق ۲۱- س، ق، ل (نیزل، ل، لن، ب): بدان؛ متن = ل، س (نیز
 لن، ق، ل، و، آ) ۲۲- ل، ق (نیزب): ز گفتار؛ س (نیزلی، آ): از آن کتک؛ (ق: پس از کتک؛ ب: ز دریا ابا)؛ متن = س، ل (نیز
 لن، ل، لن، آ) ۲۳- ل: چنین؛ (ب: بدو) ۲۴- ل: باید (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۵- س (نیزق): یابید؛ (پ:
 جوید) ۲۶- (لی، ل): خواهد که یابد بگیتی؛ لن: خواهد که یابد زمانی؛ آ: خواهد بگیتی که یابد) ۲۷- س، ق، ل، س (نیزلن،
 ل، لن، آ، ب): چو؛ متن = ل (نیزق، ل، ب، و) ۲۸- (ق: ابر؛ ل: بر) ۲۹- س (نیزو): کشند؛ (لن، ب: -
 کشد) ۳۰- ل (نیزلی، ل، آ، ب): بی مابه (ق: بی مابه)؛ س (نیزلن): بی پایه؛ ق: بر مابه؛ (ق: بی باره)؛ متن = س (نیزلن)؛ س، لن، ل
 بیت‌های ۲۰۶۸ و ۲۰۶۹ را ندارد

- همان آب^۱ دریای^۲ یک ساله راه
 ۲۰۷۰ که آن شاه و لشکر بدین^۷ سو گذشت
 سپهدار چون سوی خشکی رسید^۹
 بیامد بمالید رخ را به خاک
 خورش کرد و پوشش فراوان^{۱۱} یله
 بفرمود دینار و خلعت ز گنج
 ۲۰۷۵ وُزآن آب راه^{۱۵} بیابان گرفت
 چو آگاه شد آشکش^{۱۷} آمد به راه
 پیاده شد از اسپ و روی زمین
 همه تیز و^{۱۸} مُکران بیاراستند
 همه راه و^{۲۰} بی راه^{۲۱} آوای^{۲۲} رود
 ۲۰۸۰ به دیوار دیبا برآویختند^{۲۶}
 به مُکران هر آنکس که بُد مهتری
 برفتند با هدیه و با نثار
 وُزآن مرز چندانک^{۲۹} بُد خواسته
 از^{۳۱} آشکش^{۳۲} پذیرفت^{۳۳} شاه آنچه دید
 ۲۰۸۵ وُرا کرد مهر به مُکران زمین
- چنان^۳ تیز^۴ شد باد^۵ در^۶ هفت ماه،
 که از بادِ کُز آستی تر^۸ نگشت
 بیستند کشتی و هامون بدید،
 نیایش کنان پیش یزدانِ پاک^{۱۰}
 به ملاح و آن کس که کردی^{۱۲} خله
 ز کشتی^{۱۳} کسی را که بردند^{۱۴} رنج
 جهانی ازو^{۱۶} مانده اندر شگفت
 ابا لشکری ساخته پیش شاه
 بیوسید و بر شاه کرد آفرین
 ز^{۱۹} هر جای رامشگران خواستند
 تو گفتی هوا^{۲۳} تار شد^{۲۴}، رود^{۲۵} پود
 شکر با درم^{۲۷} زیر پی^{۱۸} ریختند
 وُگر نامداری و گنداوری،
 بنزدیک پیروزگر شهریار
 فراز آورید آشکش^{۳۰} آراسته
 وُزآن نامداران یکی برگزید
 بسی خلعتش داد و کرد آفرین

۱- ل: راه؛ س: (نیزو)؛ نیز (تیز؟)؛ متن = س (نیزلن - پ، لن، آ، ب) ۲- س (نیزلن، لن، ب)؛ دریا و؛ س: (نیزق) - و، آ، ب)؛ دریای؛ متن = ل ۳- ل: چنین ۴- ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: (نیزلی، و، آ)؛ راست؛ متن = س (نیزلن، ق، پ، لن، ب) ۵- (پ: باز) ۶- (ق: تا؛ لن: بر؛ ل: جهاندار ببرد بر)؛ ق بیت های ۲۰۶۹ و ۲۰۷۰ را ندارد ۷- (لن، ق، ل، پ، و، آ: بدان) ۸- س: (نیزلی)؛ آستین تر؛ (ب: آستین بر؛ ق: یک روز کشتی؛ ل: راستی باد کُز بر)؛ س، ل: (نیزلن، لن، ب)؛ که در هفت مه باد او کُز؛ متن = ل (نیزآ: س، ل، ب) ۹- س: کشید؛ ل، ق (نیزق، ل، پ، آ)؛ لشکر بخشکی کشید؛ متن = س، ل: (نیزلن، ل، و، لن، ب) ۱۰- ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما خرج سجد لله تعالی وشکره وحده، ثم خلع علی الملاحین وأعطاهم أموالا وافرة ۱۱- ل: همانجا ۱۲- ل: بودی؛ (و: کردش)؛ ق این بیت را ندارد ۱۳- ل، ق (نیزب)؛ ز گیتی؛ س (نیزلن، و، لن، ب)؛ بکشتی؛ ل: بگیتی؛ متن = س: (نیزق، ل، ل، آ، آ) ۱۴- (ق: برداشت) ۱۵- ل: راه روی؛ ق: آب روی؛ (ل: جای راه)؛ متن = س، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: وسلک طریق البریه متوجها الی مکران ۱۶- س (نیزلن، و، ب)؛ بدو ۱۷- س، ق (نیزق، و، آ، بنداری)؛ اشکس ۱۸- ل: تیر؛ س، ل: (نیزق، ل، ل، آ، پ، ب)؛ تیر و؛ ق (نیزلن)؛ شهر؛ س: (نیزلن)؛ تسرو (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (و: کیج و؛ آ: نیزو)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- س: به ۲۰- ل (نیزب)؛ [و] ۲۱- س: (نیزلی، آ)؛ راه بی راه از ۲۲- ق (نیزل، پ)؛ آواز ۲۳- (ل، آ: شب) ۲۴- س، ل: (نیزلن، لن، ب)؛ بد ۲۵- س: (نیزلی، آ)؛ روز ۲۶- ق: بیاویختند؛ (و: درآویختند) ۲۷- ل (نیزب)؛ درم با شکر ۲۸- س: می؛ ق: درم را بشارک فرو ۲۹- س: چندانکه ۳۰- س، ق (نیزق، و، لن، آ)؛ اشکس ۳۱- ل، س، ق، س: ز؛ متن = ل ۳۲- س (نیزق، و، لن، بنداری)؛ اشکس؛ ق: لشکر؛ (آ: اسکس) ۳۳- (ق: پذیرفت)

خود و سرفرازان^۱ ایران زمین،
 سپاهی گشاده دل و شادکام
 سوار سرفراز چترش بدید^۲،
 گرفتش به بر شاه گردن فراز
 ز گم بودن جادو افراسیاب
 به یک هفته از چین به^۳ ماچین براند
 به ماه سفندارمذ روز ارد^۴
 دو رخساره پُر آب و خسته جگر،
 گروی بنفرین^۵ مردم کُشان،
 بیامد بدانجایگه شهریار
 همی کرد روی و بر^۶ خویش چاک
 به نفرین سیه کرد جان^۷ گروی
 مرا^۸ ماندی اندر^۹ جهان یادگار
 به رنج^{۱۰} اندرم^{۱۱} تا جهانست نیز
 ازین^{۱۲} پس نه آرام جویم نه خواب،
 جهان پیش او تار و تنگ آورم

چُن آمد ز^۱ مُکران بنزدیک^۲ چین
 پذیره شدش رستم زالی سام
 چُن^۳ از دور کیخسرو آمد پدید
 پیاده شد از باره^۴ بردش^۵ نماز
 بگفت آن شِکفتی که دید اندر آب
 به چین نیز مهمان رستم بماند
 همی رفت سوی سیاوخش گرد^۶
 چُن^۷ آمد بدان^۸ شارستان^۹ پدر
 به جایی که کرسیوز بدنشان
 سر شاه ایران بریدند^{۱۰} خوار
 همی ریخت بر سر از^{۱۱} آن تیره خاک
 بمالید رستم بر آن^{۱۲} خاک روی
 همی گفت کیخسرو: ای شهریار
 نماندم^{۱۳} ز کین تو مانند^{۱۴} چیز^{۱۵}
 بپرداختم تخت^{۱۶} افراسیاب
 بر او مید^{۱۷} آن کهش به چنگ آورم

- ۱- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): چو؛ متن = س^۱ ۲- ل: به ۳- ل (نیز پ): و توران به؛ س (نیز لن، ل، ب): به توران و؛ ل: ز توران و؛ متن = ق، س^۲ (نیز ق، ل، و، آ): بنداری؛ و اقبل الی أن قرب من بلاد الصين ۴- (ل، آ: نامداران) ۵- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): چو؛ متن = س^۱ ۶- ل: کشید؛ ق: رسید؛ ل: اخترش دید؛ (ق: رخش بدید)؛ متن = س، س^۱ (نیز لن، ل - ب) ۷- س، ق، ل (نیز لن، پ، ل، آ، ب): دور و؛ س^۲ (نیز ق، ل، و): اسب و؛ متن = ل ۸- ق: کردش ۹- ق: دوم ۱۰- س، ق، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، پ، و، ل، آ، ب): و؛ متن = ل (نیز ل، آ): س پس از این بیت افزوده است:
 بفسفور و خاقان سپرد آن زمین
 بسی خلعت و پندها دادشان
 بسی شاه را خواندند آفرین
 به اندازه هریک سزاوارشان
- ۱۱- ل - س^۲ (نیز لن، ل - ب): سیاوش کرد؛ متن = (ق، بنداری) ۱۲- درق به زیر یکم و در لن^۱ به پیش یکم؛ (و: بدل خسته و لب پر از باد سرد) ۱۳- ل، س، ق، ل (نیز لن - ب): چو؛ متن = س^۱ ۱۴- ل: بران؛ متن = س، ق، ل، س^۲ (نیز لن - ب) ۱۵- ق، ل (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب): شارسان ۱۶- س (نیز پ): بنفرین و؛ ل (نیز ل، آ): کرو آن بنفرین (آ: بنفرین و)؛ ل: کروی و بنفرین و؛ متن = ق، س^۱ (نیز لن، ق، ل، و، ل، آ، ب) ۱۷- (ق: بپرید) ۱۸- (ل: مر؛ آ: بر) ۱۹- ل: تن ۲۰- (و: همه جامه بر خویشتن کرد)؛ بنداری؛ و یثّر علی رأسه التراب و یضرب صدره و یلطم وجهه ۲۱- ق (نیز ل، ل، آ، ب): بدان ۲۲- (پ: روی)؛ ل: بنفرید بر جان ناکس؛ متن = س، ق، ل، س^۲ (نیز هشت دستویس دیگر) ۲۳- (ق: ترا) ۲۴- ل، ق، س^۲ (نیز لن): در؛ (ل، و: بماندی مرا در)؛ متن = س، ل (نیز ق، ل، پ، ل، آ، ب)؛ بنداری (۲۰۹۸ - ۲۱۰۱): فقال کیخسرو و هو یکی: أیها الشهریار! إنک قد خلقتنی فی هذه الدنیا ولم أزل فی العناء والتعب للطلب بئارک حتی نکست رایة أفراسیاب، و أزعجتہ عن سریر ملکہ. ولست أقر حتی أظفر به واقتص منه ۲۵- ل: بماندم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل (نیز لن): بماندم؛ (ل: تمام؛ و: نباشد)؛ متن = س، س^۲ (نیز لن، ق، ل، پ، آ، ب) ۲۶- ل (نیز ق): مانند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز لن): مانند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل - ب): مانند - مانید؟ مانیده؟ (س: ضحاک ۴۸۰، جنگ مازندران ۲۰۱) ۲۷- ق: شیر ۲۸- (ل، و: برزم) ۲۹- ل (نیز لن): اندرون ۳۰- س (نیز ب): تخت از ۳۱- س، ق (نیز لن - پ، ل، آ، ب): وزین؛ ل: و زان؛ متن = ل، س^۲ (نیز و) ۳۲- ل - س^۲ (نیز لن - ب): امید؛ متن تصحیح قیاسی است

از آن^۱ پس بدان گنج بنهاد سر
 در گنج بگشاد و روزی بداد
 به رستم دو صد بدره دینار داد
 چو بشنید گشتهم نودر که شاه
 پذیره شدش با سپاهی گران
 چُن^۷ از دور دیدش سر و^۸ تاج شاه
 سپه^۹ یکسر خواندند آفرین
 به گشتهم فرمود تا برنشست
 کشیدند از آن^{۱۴} روی بیهشت گنگ^{۱۵}
 وفا چون درختی بود میوه دار
 نیاسود^{۱۹} یک تن^{۲۰} ز خورد و شکار
 ز ترکان هر آنکس که بُد سرفراز
 به رخشنده روز و به هنگام خواب
 ازیشان کسی زو نشانی نداد
 ۲۱۰۵
 ۲۱۱۰
 ۲۱۱۵

جهاندار یک شب سر و تن بشست
 همه شب به پیش جهان آفرین
 همی گفت کین بنده ی ناتوان
 جهان، کوه و ریگ^{۲۶} و بیابان و آب
 بشد دور^{۲۴} با دفتر زند و اُست
 همی بود گریان و سر^{۲۵} بر زمین
 همیشه پر از درد دارد روان
 همی یویم از بهر^{۲۷} افراسیاب

۱- س، ل، س، ل (نیز لن، ل، ل، و، ل، آ، ب): وزان؛ ق: وزین؛ متن = ل (نیز ق، ب) ۲- س، ق، ل (نیز لن، ل، ل، و، ل، آ، ب):
 بدان؛ (آ: بران): متن = ل، س (نیز ق، ب) ۳- ق، ل (نیز ل، ل، آ، ب، ل، پ، ل، ن، آ، ب): شارسان ۴- ق، ل (نیز ل، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب):
 شارسان ۵- ل، ق، س: ز: متن = س، ل ۶- س، ق، ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ل، ن، آ، ب): بزرگان و؛ (ل: و ترکان؛ و ز و
 توران ز): متن = ل ۷- ل، س، ق، ل (نیز لن- ب): چو: متن = س، ل ۸- ل: دید افسر؛ ق، س (نیز ق، آ- و): دید آن سرو: متن =
 س، ل (نیز لن، ل، ن، آ، ب) ۹- (ل، آ، و: گرازان) ۱۰- ل (نیز ب، و): همه ۱۱- س، ل، س (نیز لن، ل، آ، ب): بدان؛ متن =
 ل، ق (نیز ق، ل، پ، و، ل، آ، ب) ۱۲- ل (نیز ق، آ): همه (ق: همی) راه؛ س، ل (نیز لن، پ، و، ل، ن، آ، ب): همی رفت؛ متن = ق، س (نیز
 ل، ل، آ، ب) ۱۳- (ق: دو) ۱۴- ل: زان: متن = س، ل، س، ل ۱۵- (ل، آ، و: در (ل: بر) دشت کنک) ۱۶- س، ل، آ،
 س (نیز لن، ق، ل، ل، ن، آ، ب): شه: ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، ق: همی؛ متن = س، ل، س (نیز لن- ب) ۱۸- ق: نو آورد:
 س: هر زمان نو بر آید ز: متن = ل، ل، س (نیز لن- ب) ۱۹- س: بر آسود ۲۰- س (نیز ل، آ، ب): دد ۲۱- (ب: سوار و): ق
 بیت های ۲۱۱۲ و ۲۱۱۳ را ندارد ۲۲- ل: ز: متن = س، ق، ل، س، ل ۲۳- ق: هیچ ۲۴- ق: پاک: بنداری: قاغتل ذات
 لیلۃ وأخذ کتاب الیّزد معه، و خلا بنفسه فی مکان خال ۲۵- (ل: رخ: آ: دورخ) ۲۶- ل، ق: همه کوه و رود؛ س، ل (نیز لن، ق، ل،
 ب): جهان (ق: همه) ریگ و کوه: (ل: همان کوه و دریا؛ ب: همان کوه و ریگ؛ آ: همان کوه و در): متن = س (نیز و، ل، آ) ۲۷- ل
 (نیز ب): نبیند نشانی ز: س (نیز لن، آ، ب): همی کوب (لن: گوی) از بهر: ق (نیز ل، آ): نبیند نشانی از: س: نشانی نبیند از: (ق، ل، آ): همی
 آگهی جست از: و: نشانی نیام ز: متن = ل (نیز لن): بنداری (۲۱۱۹-۲۱۲۱): طاف الدنيا فسلک رهاها و قفارها، و قطع جاناها و بحارها

- ۲۱۲۰ که او راه تو دادگر نپرد
تو دانی که او نیست بر داد و راه
مگر باشدم دادگریک خدای
تو دانی که من خود سراینده‌ام^۲
به گیتی ازو نام و آواز نیست
اگر زو تو خشنودی ای دادگر
بکش در دل این آتش کین من
- کسی را ز گیتی به کس نشمرد
بسی^۱ ریخت خونِ سر بی‌گناه
بنزدیک آن بدگنش رهنمای
پرستنده‌ی^۳ آفریننده‌ام
ز من راز باشد، ز تو راز نیست
مرا بازگردان ز پیگار سر
به آیین خویش آور! آیین من
- ز جای نیایش بیامد به تخت
همی بود یک سال بیهشت گنگ^۷
چو بودن به گنگ اندرون شد دراز
به گُستهم نوذر سپرد آن زمین
بی‌اندازه لشکر به گُستهم داد
به چین و به مُکران زمین دست یاز
همی جوی^{۱۲} از^{۱۳} افراسیاب آگهی
وُز آجایگه خواسته هرچ^{۱۵} بود
ز مُشک و پرستار و زرین ستام
ز گستردنی‌ها و آلات^{۱۹} چین
ز گاوانِ گردون‌گشان چل‌هزار
- جوانِ سرافراز و^۵ بیدار بخت^۶
برآسود^۸ از جنبش^۹ و ساز جنگ
به دیدار کاوش آمد نیاز
ز قَجقار^{۱۰} تا پیش دریای چین
بدو گفت: بیدار دل باش و شاد
به هر کس فرستاده و^{۱۱} نامه ساز
مگر زو شود روی گیتی^{۱۴} تهی
ز دینار و از^{۱۶} گوهر نابسود،
همان جامه و اسب و تخت^{۱۷} و غلام^{۱۸}،
ز چیزی که خیزد ز مُکران زمین
همی راند پیش اندرون شهریار

۱- س: همی ۲- (لی، آ: ناسزا بنده‌ام)؛ س، ل: س^۱ (نیز لن، ق: ل، ن: ب): وگر نیز من ناسزا بنده‌ام؛ متن = ل (نیز پ) ۳- (لی، آ: همان بنده)؛ ق، ل: آ، و این بیت را ندارند ۴- ل: خوش و به ۵- ل: [و]؛ متن ← ۶- ل، ق: پیروز بخت؛ س: آبا سرفرازان بیدار بخت؛ (لی، آ: دل افروز و شادان و پیروز بخت)؛ متن = س، ل: (نیز هفت دست نویس دیگر) ۷- ل، ق: در حصن کنک؛ متن = س، ل: س^۱ (نیز لن - ب) ۸- س (نیز ق: ل، ن: ب): برآسوده ۹- (ق: کوشش) ۱۰- ل: قجقار؛ س: قجقار؛ ق (نیز ل، ل: آ): قجقار؛ س: (نیز پ، بنداری): قجقار؛ (لن: قجقار؛ ق: ل، ن: آ: قجقار)؛ متن = ل: (نیز ب) ۱۱- ل: بهر سو فرستاده؛ متن = س، ق، ل: س^۱ (نیز لن - ب): بنداری؛ و امره بتفریق أصحاب الأخبار فی أطراف بلاد مُکران والصین و غیرها من البلاد ۱۲- س (نیز ل، آ): جست؛ بنداری؛ و امره بالبحث عن افراسیاب ۱۳- ل، ق: ز؛ متن = س، ل: س^۱ ۱۴- س (نیز لن): کشور ۱۵- س، ق، ل: س: هرچه؛ متن = ل ۱۶- ل، ق، س: وز؛ متن = س، ل: س^۱ ۱۷- س: تخت و اسب ۱۸- س: همان تخت و هم اسب زرین ستام؛ (ل: همان تخت و با زین اسب و لگام)؛ بنداری (۲۱۳۴-۲۱۳۷): و أمره بشد العجل علی أربعین ألف ثور، و أن تحمل علیها الأثقال والغنائم من الذهب والجوهر والسک والعنبر والملابس والمفارش والأسلحة والعُدود و سائر ما یجلب من أرض مُکران والصین، الی غیر ذلك من الخیل والجواری والغلمان ۱۹- س، ل: (نیز لن، ق: ل، ل: آ، ب): واز (ل: وز) بزم؛ (ل: و دیبای؛ پ: های آن بود؛ و: که در رو و)؛ متن = ل، ق، س:
→

طالباً لأفراسیاب الذى أنت تعلم أنه سالک غیر طریق السداد، و سافک بغیر الحق دماء العباد؛ ل، پ پس از بیت ۲۱۱۹ افزوده‌اند:
همی گفست کای داور دادگر
تو دادی مرا نازش (پ: یاری) و زور و فر

همی گفت هر کس که کس^۱ پیش ازین^۲ سپه بود چندانک^۳ بر^۴ کوه و دشت
 ۲۱۴۰ چو دمدار برداشتی، پیشرو
 بیامد برین^۵ هم نشان تا به چاج^۶
 به سغد اندرون بود یک هفته^۷ شاه^۸
 و ز آنجا به شهر بخارا کشید^۹
 بخورد و بیاسود و یک هفته بود^{۱۰}
 ۲۱۴۵ بیامد خروشان به آتشکده
 که تور^{۱۱} فریدون برآورده بود
 بگسترد بر موبدان سیم و زر
 و ز آنجایگه^{۱۲} سر به رفتن نهاد

ندید و بُد^۱ خواسته بیش ازین
 همی در^۲ شب و روز لشکر گذشت
 به منزل رسیدی همی نوبه نو^۳
 بیاویخت تاج از بر تخت عاج
 همه سغد شد شاه را نیکخواه^۴
 ز لشکر هوا شده می ناپدید^۵
 دوم هفته با جامه می نابسود^۶،
 - غمی^۷ بود^۸ از آن^۹ روزهای^{۱۰} شده^{۱۱} -
 بدو اندر ایوانها^{۱۲} کرده بود
 بر آتش پراگند^{۱۳} چندی گهر
 همی رفت با کام دل شاه شاد

گفتار اندر بازگشتن کیخسرو از ترکستان به ایران^{۱۴}

به^{۱۵} جیحون گذر کرد بر سوی بلخ
 ۲۱۵۰ به بلخ اندرون بود یک ماه^{۱۶} شاه
 چشیده ز گیتی بسی شور و تلخ
 سر^{۱۷} ماه^{۱۸} بر^{۱۹} بلخ بگرید راه

۱- ل، ق: هرگز کسی؛ س^۱ (نیز، ل، آ): لشکر که کس؛ متن = س، ل^۱ (نیز، ل، ق، آ، ب، ل، ن، ب) ۲- (و: هرکس که بد پیش
 بین) ۳- ق: ندیدست مر: (ل، آ: بدیده نبد؛ و: ندیدی کسی)؛ متن = ل، س، ل، س^۱ (نیز، ل، ق، آ، ل، پ، ل، ن، ب) ۴- س^۱:
 چندانکه ۵- ل^۱ (نیز، ل، ن): در ۶- ل: ده؛ متن = س، ق، ل، س^۱ (نیز، ل، ن، ب) ۷- نیز ← لغت شهنامه، شماره ۹۵۷؛ ق
 این بیت را ندارد؛ بنداری: و کانون من الکثرة بحيث اذا ارتحلت الساقه من منزل نزلت المقدمة في المنزل الآخر ۸- ل (نیز، ب): بران؛ ق:
 بدان؛ ل، س^۱ (نیز، ل، ن): بدین؛ متن = س (نیز، ل، ق، آ، ب) ۹- حرف یکم و سوم ذر همه دستنویس ها با یک نقطه یا
 بی نقطه ۱۰- ق (نیز، ق): ماه ۱۱- س، ل^۱ (نیز، ل، ب، ب): بیش؛ متن ← ۱۲- س، ل^۱ (نیز، ل، ب، ب): تلیمان
 (ل، آ: بکیمال؛ ل، ن: بلیمان) و خوزان همی رفت پیش؛ (و: تکیان لشکر بر رفتند پیش): متن = ل، ق، س^۱ (نیز، ق، ل): بنداری: و لا انتهى الى
 السفد اقام فيها أسبوعا ۱۳- ل، ق (نیز، ل، آ): رسید؛ متن = س، ل، س^۱ (نیز، ل، ق، آ، ب، و، ل، ن، ب) ۱۴- ل، ق: هو ارا همی
 کس ندید؛ س، س^۱ (نیز، ل، ق، آ، ب): زمین (س: جهان) شد همه (ل، آ، ب: همی) ناپدید؛ (ل، آ: ز گرد سپه شد هوا ناپدید): متن = ل^۱ (نیز
 پ، و، ل، ن) ۱۵- (ل): بگروز بود؛ و: شهنشاه یک هفته آنجا بیود) ۱۶- (ل): بدو اندر ایوان نوروز بود؛ و: به آتشکده زند و اسنا
 ستود) ۱۷- ل^۱ (نیز، ل): غمین ۱۸- س، ق، ل، س^۱ (نیز، ل، ل، ب، ل، ن، آ، ب): شد؛ (ق: بد)؛ متن = ل (نیز
 و) ۱۹- ل: زان ۲۰- ل، ق (نیز، ل): ازدهای (ق): وردهای (ق): دردهای؛ پ، و: روزگار؛ متن = س، ل^۱ (نیز، ل، ن، ب)
 ل، ل، آ، ب) ۲۱- (ل: سده)؛ در س، ل، ل، ل، ل، و، ل، آ، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ پیاپی لت های این بیت در
 متن = ل، ق، س^۱ (نیز، ق، آ، ب) ۲۲- ل: پور ۲۳- ل (نیز، ب): اندرون کاخ ها؛ (ل، آ: اندرون رنج ها)؛ متن = س، ل، س^۱ (نیز، ل، ن، ب، ق، آ، ل، ن، ب): ق، و این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۱۴۳-۲۱۴۶): و ارتحل منها الى بخارا فدخل بيت النار الذي بناه تور بن افریدون
 هناك ۲۴- س^۱: برافکنند بر پیش ۲۵- ق: چوروز دگر ۲۶- ل: بازگشتن کیخسرو از ترکستان بایران؛ س: باز آمدن شاه
 کیخسرو بایران زمین بنزد کاوس شاه؛ ق: رسیدن کیخسرو از توران و استقبال کردن کاوس شاه؛ ل: رسیدن کیخسرو نزد کاوس شاه؛ متن ←
 ل ۲۷- س، ل (نیز، ل، ب): ز: متن = ل، ق، س^۱ (نیز، ق) ۲۸- س، ل^۱ (نیز، ل، ن، ب): هفته؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیز، ق، و، آ): بنداری: و ارتحل منها الى بلخ و اقام فيها شهرا ۲۹- (ل، آ: از)

به هر شهردر^۱ نامورمهتری
 بیستند آذین^۲ به بی‌راه و راه
 سوی طالقان آمد و مرورود
 همه شهر یکسر^۳ بیاراستند
 ۲۱۵۵ درم ریختند از بر و^۵ زعفران
 و زان سو به راه^۷ نشابور شاه
 به شهراندرون هر که درویش بود
 درم داد مر هر یکی^{۱۰} را ز گنج
 سر هفته را کرد آهنگ ری
 ۲۱۶۰ دو هفته به ری^{۱۴} نیز بخشید مرد
 هیونان فرستاد چندی ز ری
 دل پیر^{۱۹} از آن^{۲۰} آگهی تازه^{۲۱} شد
 به ایوانها تحت زرین نهاد
 بیستند آذین^{۲۴} به دشت^{۲۵} و به راه

ماندی سرافراز با لشکری
 به جایی که بگذشت شاه و سپاه
 جهان پر شد از نای و آوای^۳ رود
 می و رود و رامشگران خواستند
 چه^۶ دینار و مشک از کران تا کران
 بیاورد پیلان و گنج و سپاه^۸
 و گر سازش^۹ از گوشش خویش بود،
 پراکنده شد بدره پنجاه و پنج^{۱۱}
 همه راه با رامش و رود و^{۱۲} می^{۱۳}
 سیم^{۱۵} هفته^{۱۶} آهنگ بغداد^{۱۷} کرد
 سوی پارس نزدیک کاوس کی^{۱۸}
 تو گفתי که بر دیگر اندازه^{۲۲} شد
 به خانه در^{۲۳} آرایش چین نهاد
 همه برزن و کوی و بازارگاه

- ۱- س: سوی در؛ (ل: سو که شد؛ و: شهربر) ۲- ل (نیزق، ل، ل، ل، ب): آذین؛ (لن: آیین) ۳- س: جام و آواز؛ (ق، ل، آ: ناله نای و): ل: جهان بود بریانگ آوای: متن = ل، س، ل، س (نیزل، ب): ق، ل، ل، ل، ب این بیت را ندارند؛ درل این بیت و بیت ۲۱۵۶ پس از بیت ۲۱۶۸ آمده‌اند؛ بنداری (۲۱۵۵-۲۱۵۶): ثم ارتحل منها بعد أن ترک فیها إصهدا وعسکرا، و كذلك فعل فی البلاد الأخر المذكورة، فوصل الی الطالقان و مرو الروذ فاستقبله الأكابر ینثرون علی مواکبه المسک و الزعفران و الملو و المرحان: س پس از بیت ۲۱۵۳ افزوده است:
 به هر کوی بیستند آذین بر راه از آنجا چون بگذشت شاه و سپاه (← ۲۱۵۲)
- ۴- ل: بوم کشور؛ ق: شهر و برزن؛ متن = س، ل، س، ل، س (نیزلن-ب): در س این بیت یکبار هم پس از بیت ۲۱۵۲ آمده است ۵- س، ق، ل (نیزل، لن، آ): [و] ۶- (لن، ق، ل، ل، ل، و، آ: چو) ۷- ل (نیزب): و زانپس بر راه: س: بیامد بشهر؛ (ق، آ: و زانجا بسوی؛ ل: و زان رو بسوی): متن = س (نیزق، و) ۸- ل: بدیدند مر یکدگر را بر راه؛ ق، ل، ل، لن، ل، ب این بیت را ندارند؛ درل این بیت و بیت ۲۱۵۳ پس از بیت ۲۱۶۸ آمده‌اند؛ بنداری (۲۱۵۹-۲۱۵۸): و أقبل منها بفیئته و عاکره الی نشابور فأقاده بها و فریق فیها أموالا کثیرة علی فقرائها ۹- س، ل (نیزلن، لن، ب): خوردش؛ (و: رنجش): متن = ل، ق، س (نیزق، ل، ل، ب، آ) ۱۰- س، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، ب): هر برزنی؛ متن = ل، ق (نیزل، ب، آ) ۱۱- س، ل (نیزلن، ل، ل، آ، ب): هر جای (ل، آ: صد بار) پنج؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ب، و): س پس از این بیت افزوده است:
 و زانجا سوی دامغان برکشید همه راه زرد و دره گسترید
 بیک هفته آنجا بیاسود شاه همان زند پیلان و اسب و سپاه
- ۱۲- س، ل (نیزلن، ب): دست؛ (ق، ل، ل، آ: جام؛ لن: دشت): متن = س (نیزل، و) ۱۳- ل، ق: سوی پارس نزدیک کاوس کی (= ۲۱۶۱ ب): (ب: نزدیک آن شاه فرخنده پی ← ۲۱۶۱ ب) ۱۴- س، ل (نیزلن، ق، ل، ل، لن، ب): برین؛ (ل، آ: سه هفته بدین): متن = ل، س (نیزو) ۱۵- س (نیزق، ل، ل، ب): سوم؛ (لن، و، لن، ب: سیود): متن = ل، ل، س (نیزق، ل، ل، ب، آ) ۱۶- (ل، آ: چهارمش) ۱۷- (ل: شیراز)؛ ق، ب این بیت را ندارند ۱۸- ل، ق: نزدیک کاوس (ق: آن شاه) فرخنده پی: متن = س، ل، س (نیزلن-ل، و-ب): ب این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۱۵۹-۲۱۶۱): و ارتحل منها فی الأسبوع الثانی متوجها الی الرقی حتی وصل الیها و أقاده بها أسبوعین مستمرا علی عادته فی الإحسان و الإنعاد علی الفقراء و المحتاجین. ثم أقبل منها الی بغداد، و نفذ التجارین الی کیکاوس بأرض فارس ۱۹- س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، ب): شاه؛ متن = ل، ق (نیزل، ل، و، آ) ۲۰- ل: زان ۲۱- س (نیزب): شاد ۲۲- س (نیزب): زبند و غم و درد آزاد؛ در ب این بیت یکبار هم برابر ضبط متن آمده است ۲۳- س: بخوان اندر؛ (ل، آ: بکاخ اندر) ۲۴- ل (نیزق، ل، ل، لن، آ): آذین ۲۵- ل، ق (نیزل، ل، آ): شهر؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب)

<p>۲۱۶۵ پذیره شدندش همه مهتران همه راه و بی‌راه گنبد^۲ زده همه^۴ مُشک باه گوهر آمیختند چو بیرون شد از شهر کاوس‌کی نیا را بدید^۸ از کران شاه نو</p> <p>۲۱۷۰ همی هر دوان زار بگریستند همی^{۱۲} آفرین کرد^{۱۳} کاوس‌کی همی‌گفت: بی تو مبادا جهان که خورشید چون تو ندیده‌ست شاه ز جمید تا بافریدون^{۱۸} رسید</p> <p>۲۱۷۵ نه زینسان کسی رنج برد^{۲۰} از مِهان رَوشن^{۲۲} جهان بر تو فرخنده باد سیاوش گرش روز^{۲۳} بازآمدی بدو گفت شاه: این به^{۲۵} بخت تو بود زبرجد بیاورد و یاقوت و زر</p>	<p>بزرگان هر شهر و گنداوران^۱ جهان شد چو دیا به^۲ زر آرده ز گنبد به سرها فروریختند^۶ ابا نامداران فرخنده‌پی^۷، برانگیخت آن باره‌ی تیزرو^۹ چو^{۱۱} یکچند بی آرزو زیستند برآن^{۱۴} شاه نیک‌اختر^{۱۵} نیک‌پی مه^{۱۶} تخت بزرگی، مه تاج^{۱۷} مِهان نه جوشن نه اسپ و نه تخت و کلاه سپهر و^{۱۹} زمین چون تو شاهی ندید نه دید آشکارا نِهانِ جهان^{۲۱} دل و جان بدخواه تو کنده باد به فر تو او را^{۲۴} نیاز آمدی برومندشاهی^{۲۶} درخت^{۲۷} تو بود همی ریخت بر تارک شاه‌بر</p>
--	---

۱- درس^۱ امت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲- (ل، آ، لغت شهنامه، شماره ۲۰۴: کله) ۳- ق: چو دریا به: ل^۱ (نیزق، ل، ن):
زدیا به: س^۱: بدیا چو: (و: بدیا و): س (نیزل، ب): جهانی زدیا به: (ل، آ: زمین پرزدیا و: لغت شهنامه: زمین پرزدیای): متن = ل (نیز
ل، ب): بنداری: و امر بضرب الشائر و نصب القباب علی الطرق و تجلیها بالمدیاج و الحریر ۴- س، ل، س^۱ (نیزل، ب): همی: (و: می
و): متن = ل، ق (نیزق، ل، ل، ب، ل، ن، آ) ۵- س^۱ (نیزل، ل، ل، ن): بر ۶- س، س^۱ (نیزل، ل، آ، ب): همی ریختند: متن =
ل، ق، ل^۱ (نیزق، ل، ل، ب، و، ل، ن) ۷- در ل پس از این بیت، بیت‌های ۲۱۵۳ و ۲۱۵۶ آمده‌اند ۸- ل: چو دید: متن =
س، ق، ل، ل، س^۱ (نیزل، ب) ۹- ل (نیزل، ب): نندرد: متن = س، ق، ل، ل، س^۱ (نیزق، آ): ل، ق، و پس از این بیت
افزوده‌اند:

ستایش سزای جهان آفرین
بسی بوسه دادش بیروی و بیرو: دادند بر روی و سر)

ل: برو بر نیاید برگرفت آفرین
ق، و: گرفتند مریکدگر را بر

۱۰- س^۱ (نیزل، ب، و): که: متن = س، ق، ل^۱ (نیزل، ق، ل، ل، ن، آ، ب) ۱۱- س (نیزل، ب): با: (و: در): متن = ق، ل، ل، س^۱
(نیزق، ل، ل، ب، ل، ن، آ): ل بیت‌های ۲۱۷۰ و ۲۱۷۱ را ندارد ۱۲- (ل، آ: بسی) ۱۳- س (نیزب): خواند ۱۴- ق (نیز
ل، ب): بدان ۱۵- ق (نیزل، ب، آ): فرخنده ۱۶- ل، س، ق (نیزق، ل، ل): نه: متن = ل، س^۱ (نیزل، ل، ب، ل، ن، آ،
ب) ۱۷- ل، س (نیزل): نه تاج: ق (نیزب): و جای: س^۱ (نیزق): و تاج: متن = ل (نیزل، ل، ل، ن، آ، ب) ۱۸- س، ل^۱ (نیز
ل، ق، ل، ن، ب): بر فریدون: متن = ل، ق، س^۱ (نیزل، ب، آ) ۱۹- ل: [و] ۲۰- س: دید ۲۱- س: نه اندر نِهان: (ب):
کسی نه نِهان: ل^۱ (نیزل، ل، ن): آشکار جهان و نِهان: (ب): آشکار و نِهان و جهان: ق: بدید آشکار و نِهان جهان: متن = ل، س^۱ (نیزل، ل،
آ): ق، و این بیت را ندارند ۲۲- ل، ق، ل^۱ (نیزل، ل، ب، و، آ): که روش: س، س^۱ (نیزل، ق، ل، ن، آ، ب): گراو شد: متن تصحیح
قیاسی است: درس، س، ل، ن، ل، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۳- ل^۱ (نیزل، ق، ب): سیاوش روزی که:
س^۱ (نیزو): سیاوش را روز: (ل، آ: سیاوش اگر روز: ل^۱: سیاوش گراو دَخه: ل، ن: سیاوش روزی که): متن = ل، س، ق (نیز
ب) ۲۴- س، ق، ل^۱ (نیزل، ق، ل، ل، ل، ن، آ، ب): بدیدار شاهش: متن = ل، س^۱ (نیزب، و) ۲۵- ل: زه: متن = س، ق، ل، ل،
س^۱ (نیزل، ب) ۲۶- س (نیزل، ب، و، آ): شاخ: س^۱ (نیزل): شاخ از: متن = ل، ق، ل^۱ (نیزل، ق، ل، ن، آ) ۲۷- (ب): درخت
برومند شاخ: درس، ل^۱ بیت ۲۱۸۶ پس از این بیت هم آمده است

۲۱۸۰	بدین ^۱ گونه تا تخت گوه‌رنگار بفرمود پس کانهجن را بخوان نشستند در گلشن زرنگار همی گفت شاه آن ^۷ شیگفتی که دید ز دریا و از گنگ دز یاد کرد
۲۱۸۵	از آن خرمی ^{۱۱} شهر و آن دشت ^{۱۱} و راغ بدو ^{۱۴} ماند کاوس کی در ^{۱۵} شیگفت بدو گفت: روز ^{۱۷} نو و ماه نو نه چون تو کس ^{۲۰} اندر جهان شاه دید کنون تا ^{۲۲} بدین ^{۲۳} اختری ^{۲۴} نو کنیم
۲۱۹۰	بیاراست آن گلشن زرنگار به یک ^{۲۷} هفته زایوان ^{۲۸} کاوس کی به هشتم در گنج بگشاد شاه بزرگان که بودند با او هم بر ^{۳۴} اندازه شان خلعت آراستند برفتند هر یک ^{۳۶} سوی کشوری
۲۱۹۵	
	بشد ^۲ پایه‌ها ناپدید از نثار ^۳ به ایوان دیگر ^۴ بیارای ^۵ خوان بزرگان پرمایه ^۶ با شهریار به دریا در و ^۸ نامداران شنید لب نامداران پُر از باد کرد شمرها ^{۱۲} و پالیز او ^{۱۳} چون چراغ ز کردارش اندازه‌ها برگرفت ^{۱۶} چو ^{۱۸} گفتارهای نو و ^{۱۹} شاه نو، نه این داستان گوش هرگز ^{۲۱} شنید به مردی همه ^{۲۵} یاد خسرو کنیم می آورد و یاقوت لب ^{۲۶} می‌گسار همی موج ^{۲۹} برخاست از جام ^{۳۰} می ^{۳۱} همی ساخت آن ^{۳۲} رنج را پایگاه به رزم و به بزم ^{۳۳} و به شادی و غم، ز گنج آنچ ^{۳۵} پرمایه‌تر خواستند سرافراز ^{۳۷} با نامور لشکری ^{۳۸}

۱- س، ل (نیز ق، و آ): برین؛ (لن، ب: بران): متن = ل، ق، س (نیز ل، پ، لن) ۲- س (نیز لن، لن، ب): شدش؛ ل، س: شده؛
 (ل، آ: بید): متن = ل، ق، س (نیز ل، پ، لن) ۳- س: دنار ۴- (و: در ایوان زرین) ۵- ق (نیز لن): بر آرای ۶-
 ل: پرمایه ۷- ل: این ۸- س، ق، ل، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): به (س، ب: ز) دریا و از (ق: وزان؛ ل: وزه؛ س: و آن؛
 لن: دراز؛ ل، آ: که از): متن = ل ۹- ل، س: وز ۱۰- (ل: خورمی) ۱۱- ل، س (نیز و): دشت و آن شهر ۱۲-
 س (نیز ل): شمرها؛ (لی، آ: سمنها؛ پ: چمنها): متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، و، لن، ب) ۱۳- ل (نیز پ): ها؛ ق این بیت را
 ندارد ۱۴- س: از او ۱۵- س: چنین گفت کاوس کی کین ۱۶- س: که دبیر اندازه باید گرفت؛ در س این بیت یکبار
 هم برابر ضبط متن پس از بیت ۲۱۷۸ آمده است ۱۷- س: روزت ۱۸- س، س (نیز ل، آ): چه؛ ل (نیز لن، ق، لن، ب): ز:
 متن = ل، ق (نیز ل، ب) ۱۹- س: از؛ (آ: تو) ۲۰- ل (نیز پ): نه کس چون تو؛ ق: نه چون تو (وزن ندارد): متن = س، ل،
 س (نیز لن، ق، ل، ل، لن، آ، ب) ۲۱- ل (نیز ل، لن، آ): هر کس؛ متن = س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ب) ۲۲- س،
 ل (نیز لن، ق، ل، ب، آ، ب): ما؛ متن = ل، ق (نیز ل، لن) ۲۳- س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب): برین؛ متن = ل، ق (نیز ل، ب، لن،
 آ، ب) ۲۴- س، ل (نیز ل، ب، ب): اختر؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ل، آ) ۲۵- ق: همی؛ (ل: بسی در همه؛ ب: بی در
 همه) ۲۶- ل، ق (نیز پ): یاقوت بیاه؛ س: رامشگرو؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب) ۲۷- س: بدو ۲۸- (لن،
 ب: از جام) ۲۹- (ب: نعره) ۳۰- س، ق (نیز ل، ب): سرخ؛ متن = ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، لن): به بیت
 (۱۸۱۶) ۳۱- (لی، آ: همیرفت آواز از چنگ و نی): بنداری؛ ثم لما رفع السماط أحضروا الشراب واستنطقوا الخنک والریاب ۳۲-
 س، ل (نیز لن، لن، آ): این؛ (ب: ساختی) ۳۳- ل، س (نیز ق، ل، لن، آ): بیزه و بیزه ۳۴- ل (نیز ق، ل، ب، آ): به؛ متن =
 س، ق، ل، س (نیز لن، ل، لن، آ، ب) ۳۵- س، ق، ل، آ: آنچه ۳۶- ل، ق: هر کس؛ متن = س، ل، س (نیز لن، ب) ۳۷-
 ل: سرافراز ۳۸- س، ل (نیز ق، ل، و، لن، آ): مهتری؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ل، ب، آ، ب)؛ س، ل پس از این بیت افزوده‌اند:
 بستند آدین (ل: آیین) به بیراه و راه

بجای دگر بود (ل: بجایی که بگذشت) شاه و سپاه

پردخت از آن^۱ پس به کار^۲ سپاه
 وُزآن^۳ پس نشستند بی^۴ انجمن
 چُنین گفت خسرو به کاوس شاه
 بیابان و یکساله دریا و کوه
 به هامون و کوه و به دریای^{۱۰} آب
 ۲۲۰۰ گر او یکزمان^{۱۲} اندرآید به گنگ^{۱۳}
 همین^{۱۶} رنج و سختی به پیش اندرست
 نیا چون شنید از نبیره سَخُن
 بدو گفت: ما همچنین بر دو^{۱۷} اسپ
 ۲۲۰۵ سر و تن بشویم و برسم به دست^{۱۹}
 ابا باز با^{۲۰} کردگار جهان
 بیاشیم بر^{۲۳} پیش آتش^{۲۴} به پای
 به جایی که او دارد آرامگاه
 برین^{۲۷} راز^{۲۸} گشتند هر دو یکی
 ۲۲۱۰ نشستند چون باد^{۳۱} هر دو بر اسپ

درم داد یکساله از گنج شاه
 نیا و جهانجوی با^۵ رایزن
 جز از^۶ کردگار^۷ از که جویم راه
 برفتم با^۸ داغ دل یک^۹ گروه،
 نشانی ندیدیم از^{۱۱} افراسیاب
 سپاه آرد^{۱۴} از هر سوی بی درنگ^{۱۵}،
 اگر چندمان دادگر یاورست
 یکی پند پیرانه افگند بُن
 بتازیم تا خان^{۱۸} آذرگشپ
 - چنان چون بود مرد یزدان پرست -
 به زَمَزَم کنیم^{۲۱} آفرین مِهان^{۲۲}
 مگر پاک یزدان^{۲۵} بود رهنمای
 نماید نماینده ی داد راه^{۲۶}
 نگردید^{۲۹} یک تن ز راه^{۳۰} اندکی
 دمان تا در^{۳۲} خان^{۳۳} آذرگشپ

۱- ل: زان ۲- (ق: ز کار)؛ ق (نیزلی): کار و آنکه؛ (پ، آ: پیرداخت از آن (آ: زان) کار و آنکه) ۳- س: از آن ۴- ل: ل (نیزلن): با ۵- س: بی ۶- س: (نیزق: ل، لی، ل: آ): بجز؛ (و: که جز) ۷- ل: ل (نیزلن، لن، ل: ب): که جز از خدا (وزن ندارد) ۸- ق: بر؛ (ل: و: برفتم چنین) ۹- (ق: ه: ل: و: با) ۱۰- س، ل: س، ل: س (نیزلن - ل: و: ب): بکوه (ل: و: بغار) و هامون (س، لن، لن، ل: ب: بیابان) و (ل: به) دریای؛ متن = ل، ق (نیزب) ۱۱- ل: ز؛ س (نیزو، آ): ندیدم ز؛ (لن، ل: ب: ندیدم از؛ ل: ندیدم نشانی ز)؛ متن = ق، ل، ل، س (نیزلن، ق، ل، لی، پ) ۱۲- س: گر ایدونک او؛ (لن، ب: گر او این زمان؛ ق: گر ایدون زمان؛ لی، آ: که او یکزمان)؛ متن = ق، ل، ل، س (نیزل، ل: پ، و، لن) ۱۳- ق: بچنگ ۱۴- (ل: آ، پ، و: آید)؛ ق: سپه آورد (وزن ندارد) ۱۵- (ل: سو و مرد جنگ)؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: وانه این عباد الی کنک و اقام بها و لوساعة واحدة ثابت الیه عساکره ۱۶- ل، ق (نیزلن، و): همه؛ (لی، آ: همان؛ ب: همی)؛ متن = س، ل، ل، س (نیزق: ل، ل، پ، لن) ۱۷- (ق: مرد و) ۱۸- س: ل (نیزلن، لن، ل: ب): خوان؛ (لی، آ: خاک)؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال له کیکاوس: الرأی أن أُرکب أنا وأنت معا و نصیر الی بیت نار آذرگشپ ۱۹- ل، س، ق، ل: ل (نیزق: ل، لی، آ، ب): با پای و (ل: پا و؛ لی، آ: پاک) دست؛ س: و برسن بدست؛ متن = (پ، و، لغت شهنامه، شماره ۳۵۹؛ س: ل، لن، ل: بیت های ۲۲۰۵ - ۲۲۱۰ را ندارند؛ بنداری (۲۲۰۵ - ۲۲۱۰): فنتهل الی الله تعالی و نتضرع الیه فلعله یدینا الی الموضع الذی هوفیه ۲۰- س، ل: ل (نیزق: ل، پ، آ، ب): همین (ق: همان؛ آ: همی) راز با؛ ق: ابا درد و بر؛ س: ابا راز بر؛ (لی، همی باز با؛ ل: از آن تا بر؛ و: بزاری ابا)؛ متن = ل ۲۱- ل، ق: بدو (ق: برو) بر کنیم؛ (ق: بخوانیم پس)؛ متن = س، ل، ل، س (نیزلی، ل، ل، پ، و، آ، ب) ۲۲- ل، س (نیزب، آ): نهان؛ ل: از مهان؛ (ق: بر مهان؛ ل: از نهان)؛ متن = س، ق (نیزلی، و، ب) ۲۳- ق، س (نیزلی، و، آ): در ۲۴- س، ل: ل (نیزلی، ل، آ، ب): یزدان؛ متن = ل، ق، س (نیزق: ل، پ، و) ۲۵- (ق: ایزد) ۲۶- س، ل: ل (نیزب): دادخواه؛ س (نیزق: ل، لی، آ): داد و راه؛ متن = ل، ق (نیزب، و) ۲۷- س، ق (نیزلی، ل، پ، و، آ، ب): بدین؛ (ق: بدان)؛ متن = ل، ل، ل، س (نیزق: ل، لی، پ، و، آ، ب) ۲۹- (و، آ: نگشتند) ۳۰- س (نیزب): ازین؛ (ق: رای) ۳۱- ل، ق (نیزب): با باز؛ (ق: در ل حرف یکم و سوم نقطه ندارند)؛ متن = س، ل، ل، س (نیزق: ل، لی، و، آ، ب) ۳۲- ل، ق (نیزب): دوان تا سوی؛ (لی، و، آ: برفتن تا)؛ متن = س، ل، ل، س (نیزق: ل، ل، ب) ۳۳- ل (نیزب): خوان؛ (لی، آ: خاک)

برفتند با جامه‌های سپید^۱
 چو آتش بدیدند گریان شدند
 بدانجایگه^۵ زار و گریان دو شاه^۶
 جهان آفرین را همی خواندند
 چو خسرو به آب مژه رخ بشت
 به یک^{۱۱} هفته بر^{۱۲} پیش یزدان بُدند
 که آتش بدان^{۱۳} گاه محراب بود
 اگر چندت^{۱۴} اندیشه گردد^{۱۵} دراز
 به یک^{۱۶} ماه در آذرآبادگان

۲۲۱۵

پُر از ترس^۲ دل یک بیک^۳ پُر امید
 چو بر آتش تیز بریان شدند
 بودند با درد و فریادخواه^۷
 بدان^۸ موبدان^۹ گوهر افشانند
 برافشانند^{۱۰} دینار بر زند و اُست
 میندار کاتش پرستان بُدند!
 پرستنده را دیده پُر آب بود
 هم از پاک یزدان نهی بی نیاز
 بودند شاهان و آزادگان

گفتار اندر گرفتار شدن افراسیاب بردستِ هوم^{۱۷}

۲۲۲۰ وُزآن^{۱۸} پس چنان بُد که افراسیاب
 نه ایمن به^{۲۰} جان و نه تن^{۲۱} سودمند
 همی از جهان جایگاهی بجست
 بنزدیک بردع یکی غار بود
 ندید^{۲۶} از برش جای پرواز باز^{۲۷}
 خورش برد و از^{۳۱} بیم جان جای ساخت
 ۲۲۲۵

همی گشت^{۱۹} هر جای بی خورد و خواب
 همیشه هراسان^{۲۲} ز بیم گزند
 که باشد به جان^{۲۳} ایمن و تن درست
 سر کوه غار^{۲۴} از جهان نابسود^{۲۵}
 نه زیرش پی^{۲۸} شیر و آن^{۲۹} گراز^{۳۰}
 به غار^{۳۲} اندرون جای بالای ساخت^{۳۳}

۱- (لی، وه، لن: سفید) ۲- ل: بیم ۳- (ل: یک روان) ۴- (و: با)؛ حرف یکم تنها در ل، پ، لن، با سه نقطه؛ در ل، لی، آ
 لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری: فلپسائیب البیاض، و رکبا و سارا الی ذلک المتعبد بقلوب مملوءة من الخوف والرجاء ۵-
 ل: (نیز ق:): بر آنجایگه ۶- ل: ماه ۷- س، ل: (نیز لن، لن، ب): به پیش خداوند خورشید و ماه؛ س: (نیز ق:): به پیش خداوند
 فریادخواه؛ متن = ل، ق (نیز لی، لی، ل، پ، آ)؛ در ق، لی، آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۸- س، ق، ل: (نیز ق، وه، لن، آ): بران؛
 متن = ل، س: (نیز لن، لی، ل، پ) ۹- س (نیز لن، ب): مهتران؛ بنداری: وینشران الجواهر علی الموابضة ۱۰- (ل):
 پراکند ۱۱- (لی، آ: یکی) ۱۲- (لی، وه، آ: در) ۱۳- س: بران؛ بنداری: و زعم صاحب الکتاب أنهم لم یکنوا یعدون النار
 وإنما یعدون الله عزوجل و النار لهم کالقبلة ۱۴- ل (نیز پ، و): چند ۱۵- ق (نیز لی): باشد؛ (آ: بودی) ۱۶- (ب):
 یکی ۱۷- ل: گرفتار شدن افراسیاب؛ س، ل، س: گرفتار شدن افراسیاب بردست هوم (س: هوم زاهد)؛ ق: صفت غاری که
 افراسیاب در بردع اختیار کرد و نوحه او بر حال خود و گرفتاری او بردست هوم زاهد؛ متن = ل، س: ۱۸- ل (نیز و): از آن ۱۹-
 ل: بود؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن، ب) ۲۰- ق (نیز ل): ز؛ متن ← ۲۱- س: و تن؛ (ق، ل، ل: بتن؛ لی، آ: نبد ایمن از جان و
 تن؛ پ: مر او را نه جان و نه تن؛ و: نه ایمن ز جای و نه تن)؛ متن = ل، ل، س: (نیز لن، لن، ب) ۲۲- ل (نیز لی، پ، آ): هراسان
 همیشه ۲۳- ق: همی ۲۴- س: سرو کوه و غار؛ ق: سرتنگ غار؛ ل: سر غار و کوه؛ (لی: سرو کوه غار؛ لن، آ: سر کوه و غار)؛
 متن = ل، س: (نیز لن، ل، و) ۲۵- س: تیار بود؛ (آ: ناپدید)؛ س: (نیز ل): هوا نابسود؛ (و: هوا ناپدید)؛ متن = ل، ق، ل: (نیز لن، لی،
 لن، ب)؛ (ق): که در روز روشن چو شب تار بود؛ پ: سر کوه خارا هوا را بسود ۲۶- س: نبود ۲۷- ق: بود؛ (ق): نبود آن خود
 آرام و جای نیاز ۲۸- (لی، آ: ره) ۲۹- س، ل: (نیز لن، ل، پ، لن، ب): جای؛ س: (نیز ق): راه؛ (و: چنگ)؛ متن = ل (نیز
 لی، آ) ۳۰- ق: تو گویی که با چرخ انباز بود؛ س، ق: پس از این بیت افزوده‌اند:

بنزدیک آن کوهسار (ق: کوهساری) بلند کز آنجا بگردون رسیدی کمند

۳۱- ق، ل: وز ۳۲- س: بهنگ ۳۳- ل: پیلان بساخت؛ (لن: بنگاه ساخت؛ لن: بیگاه ساخت)؛ در س: این بیت با بیت
 سپین پس و پیش شده است

ز هر شهر دور و بنزدیک آب
همی بود چندی به هنگ^۱ اندرون^۲
چو خونریز گردد دل^۳ سرفراز^۴
چنان شهریاری خداوند تخت
چو خونریز شد دشمن آمد پدید ۲۲۳۰

که خوانی ورا هنگ^۱ افراسیاب
ز کرده پشیمان و دل پُر ز خون
به تخت کیی بر^۵ نماند دراز^۶
جهاندار^۷ و نیک اختر و نیک بخت،
خُتک شاه کو^۸ خون شاهان ندید!

یکی نیک مرد^{۱۱} اندر آن روزگار
پرستنده^{۱۲} با قر و برز کیان
پرستش گهش کوه بودی همه
کجا نام آن نامور هوم بود
یکی کاف^{۱۷} بود اندر آن بُرزکوه^{۱۸} ۲۲۳۵

ز تخم فریدون آموزگار،
به هر^{۱۳} کار با شاه بسته^{۱۴} میان،
ز شادی شده دور و دور از رمه^{۱۵}،
پرستار^{۱۶} دور از برویوم بود
بدو سخت نزدیک و دور از گروه
ز کافش^{۲۰} یکی ناله^{۲۱} آمد به گوش
بزرگا^{۲۲} و بر داوران داورا!
رسیده به هر جای پیمان تو^{۲۶}
کجات آن سرو تاج^{۲۸} و مردان جنگ
دلیری و نیروی^{۳۰} و فرزانشگی ۲۲۴۰

پرستش گهی کرده^{۱۹} پشمینه پوش
که شاها^{۲۲} سرا^{۲۳} نامور مهتر!
همه ترک و چین زیر^{۲۵} فرمان تو^{۲۶}
یکی غار داری نهیره^{۲۷} به چنگ
کجات آن همه زور^{۲۹} و مردانگی

۱- س (نیزق، ل)؛ همی هنگ؛ (لی، و، آ؛ همی کنک)؛ ق (نیزب)؛ چو خوانی همی هنگ؛ ل (نیزلن، ل، ب)؛ چو خانه همی کندی (لن) کردی)؛ متن = ل، س؛ بنداری؛ و هذه المغارة تسمى هنک افراسیاب ۲- س (نیزلن، ب)؛ بغار؛ (لی، و، آ؛ بکنک)؛ متن = ل، ق، س؛ (نیزق، ل، ب) ۳- ل (نیزلن)؛ بنخانه درون ۴- ل، ق (نیزل)؛ سر؛ (لی، آ؛ بدل)؛ متن = س، ل، س؛ (نیزلن، ق، ب، و، ل، ب) ۵- (ق؛ شهریار) ۶- ل؛ کیان بر؛ ق؛ شهری بر؛ متن = س، ل، س؛ (نیزلن، ق، ب، و، ل، ب) ۷- ل (نیزلن)؛ نگردد دراز؛ (لن)؛ ز گیتی نباید کشیدش بناز؛ ق؛ به تخت کیی چون بود پایدار) ۸- (لی، آ؛ جهانگیر)؛ ل، ق بیت های ۲۲۳۰ و ۲۲۲۹ را ندارند؛ س؛ پس از بیت ۲۲۲۹ افزوده است؛ بکشتت و ز فرجام نامدش یاد اگر خوش ریزند باشد بداد ۹- ل (نیزلن)؛ که ۱۰- س؛ او؛ ل؛ آنک کو؛ (لن)؛ او که او؛ ل؛ آنکه او؛ ب؛ آنک او)؛ متن = س (نیزق، و، آ) ۱۱- ل، ق؛ مرد نیک؛ (لی، آ؛ مرد بد)؛ متن = س، ل، س؛ (نیزهفت دستویس دیگر) ۱۲- س، س؛ (نیزب، و)؛ پرستنده؛ ل (نیزلن، ل، ب)؛ بد استاده؛ (ق؛ همی بود)؛ متن = ل، ق (نیزل، ل، آ) ۱۳- ل، ل؛ س؛ (نیزق، ل، ب)؛ بدین؛ متن ← ۱۴- س (نیزلن، ب)؛ ز بهر پرستش بسته؛ (لی، آ؛ بزئار شماس بسته؛ ل، و؛ بزئار کی شاه بسته)؛ متن = ل، ق (نیزب؛ ل) ۱۵- (ب)؛ ز گیتی بی اندوه بودی همه) ۱۶- (ل، آ؛ بسی سال) ۱۷- ل؛ کاخ؛ س (نیزو، ل)؛ غار؛ (لن، ب؛ جای؛ ق؛ یک اشکاف)؛ متن = ق، ل، س؛ (نیزق، ل، ب، آ، پ، آ، لفت شهنامه، شماره ۲۰۰۵) ۱۸- (لی؛ ناف کوه) ۱۹- س، ق (نیزلن، ل)؛ کرد؛ س؛ (نیزق، ل، و)؛ پرستش همی کرد؛ (لی، آ؛ پرستش گهش بود)؛ متن = ل، ل؛ (نیزب، ب) ۲۰- س (نیزلن، ل، و، ب)؛ غار؛ متن = ل، ق، ل، ل؛ س؛ (نیزق، ل، ب، ل، آ) ۲۱- س، ل؛ (نیزلن، ب)؛ نالش؛ ل، آ؛ پس از این بیت یازده بیت افزوده اند ۲۲- س، ق، ل، س؛ (نیزلن، ل، و، ب)؛ زارا؛ متن = ل (نیزب) ۲۳- ق؛ گسوا؛ (پ؛ ردا) ۲۴- ل، س؛ (نیزآ)؛ بزرگان؛ متن = س، ق، ل؛ (نیزلن، ل، ب) ۲۵- س؛ بدبه؛ (و؛ ترک بدزیر) ۲۶- (لی؛ نست) ۲۷- ل (نیزق)؛ بهره (نقطه ندارد)؛ ق (نیزآ)؛ برهنه؛ س؛ بهره؛ (و؛ تو بهره)؛ متن = س، ل؛ (نیزلن، ل، ل، پ، ل، ب) ۲۸- ل، س؛ سر تاج؛ س، ل؛ (نیزلن، ل، ب)؛ بزرگان؛ (و؛ از آن تاج و آن گنج)؛ متن = ق (نیزق، ل، ل، پ، آ) ۲۹- س؛ رزم؛ ل، س؛ (نیزلن، ل، و)؛ گنج؛ (ق، ب؛ جنگ)؛ متن = ل، ق (نیزلن، ل، ب، آ) ۳۰- س، ل؛ (نیزلن، ل، ل، پ، آ)؛ نیرو؛ (و؛ گردی)؛ متن = ل، ق، س؛ (نیزق، ل، ب)؛ درس، ق؛ این بیت با بیت سپین

پس و پیش شده است و س، ل، آ؛ پس از آن افزوده اند (لی، آ؛ بیت را ندارند)؛ ←

۲۲۵۰ همی رفت و او را پس اندر کشان همی تاخت با رنج^۱ چون بیهشان

شگفت ار مماتی بدین در^۲ رواست؛ هر آنکس که او بر^۳ جهان پادشاست،
جز از نیک نامی^۴ نباید گزید بیاید^۵ چمید^۶ و بیاید^۷ چرید^۸
ز گیتی یکی غار بگزید راست چه دانست^۹ کان هنگ جای^{۱۰} بلاست

۲۲۵۵ چو آن^{۱۱} شاه را هوم بازو^{۱۲} بیست بدو^{۱۴} گفت کای^{۱۵} مرد باهوش^{۱۶} و پاک^{۱۷}
چه خواهی زمن، من^{۲۰} کیم در جهان بدو گفت هوم: این نه آرام^{۲۱} تست
ز شاهان گیتی برادر که کشت؟ چو اغریرت^{۲۲} و نوذر نامدار
همی بردش از جایگاه نشست^{۱۳}، پرستار^{۱۸} دارنده^{۱۹} یزدانی پاک^{۱۹}،
نشسته بدین غار اندر نهان^{۲۱} جهانی سراسر پُر از نام^{۲۱} تست
که شد نیز با پاک یزدان درشت؟ سیاوش که بُد در جهان^{۲۳} یادگار^{۲۴}

۱- ق: بر رنج؛ ل: (نیز لن)؛ ا: اوراست؛ س: (نیز لن، ب): تاختش راست؛ متن = ل، س: (نیز ق: ۱- و، آ) ۲- س: همان بدین بد؛ ق: (نیز و):
بانی برین بر؛ ل: (نیز لن، لن، ب): جانید (ب: همانند) ازین پس؛ س: همانند ازین بد؛ ق: (ب: همانند بدین در؛ ل، آ: بانی بدین در؛ ل: بانی ازین
بد؛ ب: غمانی بدین بر)؛ متن = ل ۳- ل: (نیز ق: ۲، ل، ب، و، لن)؛ در ۴- (ب: نام نیکش) ۵- س: (نیز ل، ب، لن)؛
ناید ۶- ل: (نیز و): چرید ۷- ق، س: (نیز ل، ب، لن)؛ نیاید ۸- ل: (نیز و): چمید؛ (لن: خید)؛ س: پس از این بیت
افزوده است: از آن پس که خندان بدین نام و کام توانایی و لشکرو گنج و نام
۹- ق: ندانست؛ (ب، ب: چو دانست) ۱۰- ل: غار هنگ؛ ل: (نیز ب): غار جای؛ (ق، ل: غار دام؛ ل: جای بند و؛ و: هنگ دام)؛
متن = س، ق، س: (نیز لن، لن، ب): بنداری (۲۲۵۱-۲۲۵۳): قال صاحب الكتاب: وما أجدركل من كان صاحب ملك و جلاله أن يقضى
من هذه الحالة، فلا يؤثر غير حسن الأحدث في الدنيا الفانية و دولها المستعارة ۱۱- (ب: چنان چو چن آن) ۱۲- ل:
بازوی ۱۳- س، ق: (نیز ق، ل، ل، ب، آ): از جای خواب و نشست؛ ل: از کوه و جای نشست؛ س: از جای چون آب پست؛ (لن،
لن، ب: او را ز) (ب: به) جای نشست؛ و: همی خوار بردش بجای نشست؛ متن = ل ۱۴- ق: (نیز ب): همی ۱۵- ل:
ای ۱۶- ق: ترس ۱۷- (ب: پاس) ۱۸- س، س: (نیز لن، و، لن، ب): داننده؛ متن = ل، ق، ل: (نیز ق، ل، ل،
آ) ۱۹- (ب: پرستنده دارنده یزدان شناس) ۲۰- س: (نیز لن، لن، ب): خود؛ (و: همی من)؛ متن = ل، ق، س: (نیز ل، ل، ل،
ب، آ) ۲۱- ل: با اندهان؛ (ل: تاری نهان؛ و: بی بین نهان؛ آ: غاری تاری نهان)؛ ق: درین غار بر برنهان؛ س: درین غاری بین نهان؛
(ل: برین غار بر او نهان؛ ب: چه خواهی بدین غار مانده نهان)؛ متن = س، ل: (نیز لن، ق، لن، ب)؛ بنداری: قال له: أيا العابد! ماذا تريد من
رجل اختل في مغارة ضيقة؟ ۲۲- س: اغریرت (حرف سین نقطه ندارد)؛ (ق، ل، آ، بنداری: اغریرت)؛ متن = ل، ق، س، ل: (نیز لن،
ل، ل، ب، ب) ۲۳- ق، ل: (نیز لن، ل، ل، ب): از کیان؛ (ل، آ: بود از جهان)؛ س: جهان را از ایرج یکی؛ متن = ل، س: (نیز ق،
ب، و) ۲۴- (ب: بردبار)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

و دیگر سیاوش که چون او سوار
نبندد کمر نیز یک نامدار
→ مر او را هنگ اندرون باز جست
چنین تا بدیده بدیدش درست
برآویخت با هوم افراسیاب
همی کرد در چاره جستن شتاب
چنین تا زمانی برآویختند
ز تن ها همی خوی فرور یختند
برآویختند آن زمان سخت دیر
بآخسر ورا هوم آورد زیر
ورا هوم بفسکند بر خاک پست
چو افکنده شد بازوی او بجست

ل، ق، ل: این بیت ها را ندارند؛ بنداری (۲۲۴۵-۲۲۴۹): فقام و ثمر و خلع العباء الذي كان به متخللا، و حل زنارا كان في وسطه، و تتبع
الصوت حتى دخل المغارة فهجم على أفراسياب، و كنف يديه بزناره، و شد وثاقه

۲۲۶۰	تو خونِ سر شهریاران ^۱ مریز بدو گفت کاندِر جهان بی‌گناه چنین راند بر سر ^۴ سپهر بلند ز فرمانِ یزدان کسی نگذرد بیخشی بر من که بیچاره‌ام	نه اندر بُن ^۲ غار ^۳ بی‌بن گریز که را دانی ای مرد بادستگاه؟ که آید ز ^۵ من درد و رنج و گزند ^۶ وگر دیده‌ی ^۷ آژدها بسپرد ^۸ وگر چند بر تن ^۹ ستمگاره‌ام ز بندِ کمندِ تو می‌بشکنم ^{۱۰} نترسی ز یزدان به ^{۱۱} روز شمار؟ همانا فراوان نماندت زمان ترا هوش بر دستِ کیخسروست برو سست کرد ^{۱۳} آن کیانی‌کمند بیخشود بر ناله‌ی شهریار به دریای چیچست ^{۱۷} شد ^{۱۸} ناپدید
۲۲۶۵	نبره فریدونی فرخ منم کجا برد خواهی مرا بسته خوار؟ بدو گفت هوم: ای بد بدگمان سخن‌هاست چون در گلستانِ خوست ^{۱۲} پیچید دل هوم را زآن گزند	
۲۲۷۰	بدانست ^{۱۴} کان مرد پرهیزگار پیچید ^{۱۵} و زو ^{۱۶} خویشان درکشید	

گفتار اندر رسیدن گودرز بنزدیکِ هوم^{۱۹}

چنان بُد که گودرز کشوادگان گرازان و پویان ^{۲۱} بنزدیک ^{۲۲} شاه	همی رفت با گیو ^{۲۰} آزادگان به دریادرون کرد چندی نگاه ^{۲۳}
---	---

۱- ل، ق (نیزلی، لن، آ): بی گناهان؛ متن = س، س، ل، ل (نیزلن، ق، آ، ل، پ، و، ب)؛ بنداری: فقال له لا ترق دماء الملوك والسادات وأنت في غنى عن سكنى الكهوف والمغارات ۲- س، ل، س، ل (نیزلن، ق، آ، پ، لن، ب): مه (س، ل، س، آ: نه) آنگاه در (پ: بر)؛ (ل: نه از گاه در؛ و: پس آنگاه در)؛ متن = ل، ق (نیزلی، آ) ۳- (ل، آ: چاه) ۴- ل (نیزلن، لن، ب): رانده شد بر (لن: در) ۵- س: به ۶- ل (نیزلن، لن، ب): این عنا و (ل: غبار) گزند؛ س، ل، آ این بیت را ندارند ۷- س، ل، س، ل (نیزلن - ب): گردن؛ متن = ل ۸- س، ل، س، ل (نیزلن، ق، آ، لن، ب): بشکرد؛ متن = ل (نیزلی، ل، پ، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۹- ل، ق (نیزلی، آ): خود؛ متن = س، ل، س، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- ل، ق (نیزل، و): کمندت همی بگسلم (بساوند نادرست است)؛ س، س، آ: کمندت همی بشکم؛ (پ: کمندت همی بفکنم)؛ متن = ل (نیزلن، ق، آ، لن، آ، ب) ۱۱- (و: و) ۱۲- س: خوشست (خوست)؛ (لن، لن، آ: نوست)؛ ل، ق (نیزلی، ل، پ، آ): چون (پ: بر) گلستان نوست؛ متن = س، ل (نیزلی، و، ب)؛ س، س، آ پس از این بیت افزوده‌اند: بسی (س: همی) کرد خواهش به هوم دلیر که بخشای بر من ایا (س: که بر من بخشای ای) تزه شیر ۱۳- ق: بدو کرد سست ۱۴- س، ل (نیزلن، لن، ب): چودانست؛ متن = ل، ق، س، ل (نیزلی، ل، پ، و، آ) ۱۵- (لن): بخشید؛ لغت شهنامه، شماره ۷۰۲: بجنید) ۱۶- ل (نیزلن، ق، آ، لن): واز ۱۷- س (نیزلن، لی، آ): بنجشت (درس سه حرف نخستین و در لن حرف یکم و سوم نقطه ندارند)؛ ق، ل (نیز بنداری): خنجست؛ (لن، ب: بیخشت، بنچشت، پنچشت؟ لغت شهنامه: جیخشت)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- ل، س، ل (نیزل، پ): بدریا درون جست و (ل: [و]) شد؛ (ق: بدریا بجست و بشد؛ و: بدریا درون رفت و شد)؛ س، آ پس از این بیت افزوده است: شگفتی بماند اندر آن هوم سخت بگفتا چه بینم همی من زبخت ۱۹- س، ل: رسیدن گودرز بنزدیک هوم زاهد؛ ق: گریختن افراسیاب از کمند هوم و در آب پنهان شدن و رسیدن گودرز بکنار آب و هوم؛ متن = س ۲۰- ل (نیزلن - لن، ب): گیو؛ (آ: گیواز)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: واتفق أن جودرز بن کشواد و ولده جیوا ۲۱- ل (نیزلی، و، لن، ب): گویان ۲۲- س: بدرگاه؛ ق: ز نزدیک ۲۳- س، ل، س، ل (نیزلن، ق، و، لن، ب): بدریا نگه کرد چندان (لن: خندان؛ ق: چندی) براه (س: نگاه؛ س، آ، و: ز راه)؛ ق (نیزلی، ل، پ، آ): بدریا نگه کرد خود با سپاه (ل: بس نیکخواه)؛ متن = ل

<p>نوان بر لب آب بر^۲ مستمند پرستنده را^۴ دیدگان خیره دیده^۵ ز دریای چیچست^۷ گیرد شکار^۸! به دیدار او مانده^{۱۱} اندر شگفت؟! نهانی چه داری بکن^{۱۳} آشکار مگر تیره تن را بشوی همی^{۱۴}? نگه کن یکی اندرین^{۱۵} کارکرد: پرستشگه بنده^{۱۸} دور از گروه همه شب از ایزدپرستان^{۲۱} بدم یکی ناله^{۲۴} زارم آمد به گوش که من بیخ کین از جهان بگسلم نشاید که باشد جز^{۲۷} افراسیاب بدیدم در هنگ آن سوگوار^{۳۰} همی زار بگریست بر تاج و تخت^{۳۱} همان سنگ^{۳۲} خارا گرفتش دو پای بدانسان^{۳۳} که خونریز بودش^{۳۴} دو چنگ^{۳۵}</p>	<p>به چشم آمدش هوم با آن^۱ کمند همان گونه^۲ی آب را تیره دید^۳ به دل گفت کین^۴ مرد پرهیزگار هنگی^۱ مگر دم^۱ ماهی گرفت بدو^{۱۲} گفت کای مرد پرهیزگار ازین آب دریا چه جویی همی? بدو گفت هوم: ای سرافرازمرد یکی جای دارم^{۱۶} بدین^{۱۷} تیغ کوه شب^{۱۹} تیره بر^{۲۰} پیش یزدان بدم بدانگه که خیزد ز مرغان^{۲۲} خروش^{۲۳} هم آنکه گمان برد روشن دلم بدین^{۲۵} گونه آواز^{۲۶} هنگام خواب به جستن گرفتم^{۲۸} همه کوه و غار^{۲۹} به هنگ اندرون خفته آن شوربخت چو در هنگ رفتم بجست او ز جای دو دستش به زنار بستم چو سنگ</p>
---	--

۱- س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب): هوم را بیا؛ متن = ل (نیزلی، ل، ب، و، آ) ۲- س، س (نیزلی - آ): چون؛ ق: بس؛ متن = ل، ل (نیزلن، ق، ب) ۳- س: کرد ۴- س: پرستندگان ۵- س: پرستندگان دیده را خیره کرد ۶- ل: کای؛ ق: نیز (ل): بدو گفت کای ۷- ل: ححب (نقطه ندارد)؛ س (نیزلن): ححب (حرف یک، دوم، سوم و پنجم نقطه ندارند)؛ ق: خنجست؛ (ل، ب: بیخست، پنجست، پنحشت؟)؛ س: همی زاب خنجست (حرف دوم واژه پسین نقطه ندارد)؛ (ل، آ: همی زاب پنجست)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- ق: گیری شکار؛ (ل، آ: جوید شکار)؛ ل (نیزب): نهانی چه دانی (پ: داری) بکن آشکار (= ۲۲۷۸ ب): (ق): همی زاب تیره چه گیرد شکار؛ ل: همی بر لب آب گیری شکار؛ و: همی زاب و ازشت گیرد شکار ۹- س: بخشکی ۱۰- س، س: دام ۱۱- س: ماند؛ س (نیزلن، ق، ل، ل، ل، آ، ب): بدید و بدو (ق: وزان، ل، ل، ل، و: آواز آن) ماند؛ (ل، و: بدیدست و زو مانده)؛ متن = ل (نیزب): ق، ل این بیت را ندارند ۱۲- ق: چنین ۱۳- (ق: بگو)؛ ق: چه جویی بگو؛ ل، س این بیت را ندارند؛ ل: و بیت های ۲۲۷۸-۲۲۹۴ را ندارند ۱۴- س این بیت را ندارد ۱۵- ق: یکی نو ازین ۱۶- س: بود ۱۷- س: برین ۱۸- س، ل (نیزق): پرستش گهی نیز (ل): است؛ ق: نیزو)؛ س: پرستش کننده به؛ (ل، ب: پرستش کنان نیزو)؛ متن = ل، ق (نیزلی، ب، آ) ۱۹- ل (نیزلن، ب): شبی ۲۰- س، س (نیزلن - ب): در؛ متن = ل ۲۱- ل: ز یزدان پرستان؛ متن = س - س (نیزلن - ب) ۲۲- س: مردم؛ ل: خروش از؛ (ق، ل، ل، آ: خروش؛ ب: مردان)؛ متن = ل، ق، س (نیزلن، ل، ب، آ) ۲۳- (ق، ل، ل، آ: خروش) ۲۴- س، ل، س (نیزلن، ق، ب): خروشدنی؛ (ل، ل، آ: خروشدن)؛ متن = ل، ق (نیزلی، ب، آ) ۲۵- س (نیزلن، آ، ب): برین ۲۶- س، ل (نیزلن، ل، ب): نوحه به؛ ق، س (نیزق، ل، آ): این نوحه؛ (پ: این ناله)؛ متن = ل ۲۷- ق، ل، س (نیزلن، ق): سازد جز؛ (ل، آ: نباشد مگر زان؛ ل، آ: نباشد مگر آن؛ ب: نباید که سازد جز)؛ متن = ل، س (نیزب) ۲۸- س، ل (نیزلن، ب): بجم بجم؛ س (نیزلن): برفتم بجم؛ متن = ل، ق (نیزق، ل، ب، آ) ۲۹- س: غار و کوه ۳۰- س، ل (نیزلن، ل، ب): نامدار؛ (ق: ناهوشیار)؛ س: آن سوی کوه؛ متن = ل، ق (نیزلی، ب، آ) ۳۱- ل، ق بیت های ۲۲۸۲ و ۲۲۸۳ را ندارند ۳۲- ل: سخت ۳۳- س: برانسان ۳۴- س: کفتش؛ ق، ل (نیز ق، ب، ب): گشتش؛ س: کردش؛ (ل، آ: بندد)؛ متن = ل (نیزلن) ۳۵- (ل، آ: دیدم بچنگ)

۲۲۹۰	زا کوه اندر آوردمش تازنان ^۲ ز بس ناله و بانگ ^۴ و سوگند اوی ^۵ بدین ^۸ جایگه بر ^۱ ز چنگم بجست بدین ^{۱۱} آب چچمت ^{۱۲} پنهان شده ست ^{۱۳}
۲۲۹۵	چو گودرز بشنید این داستان ^{۱۶} پُراندیشه شد ^{۱۸} سوی آتشکده نخستین بر آتش ستایش ^{۲۰} گرفت پیردخت و بگشاد راز از ^{۲۲} نهفت هم آنکه نشستند شاهان بر اسپ پُراندیشه شد زان سَخُن شهریار ^{۲۷}
۲۳۰۰	چو هوم آن سر ^{۲۹} تاج شاهان بدید همان ^{۳۲} شهریاران برو ^{۳۳} آفرین چُنین گفت با هوم کاوس شاه که ^{۳۵} دیدم رخ مرد یزدان پرست چُنین داد پاسخ پرستنده هوم
۲۳۰۵	بدین ^{۳۸} شاه نو روز فرخنده باد! پرستنده بودم بدین ^{۴۰} کوهسار
	خروشان و نوحه گنان ^۳ چون زنان یکی ^۶ سست تر کردم آن ^۷ بند اوی ^۵ دل و جانم از جستن ^{۱۰} او بخت بگفتم ترا راست ^{۱۴} چونانک هست ^{۱۵} به یاد آمدش گفته ی باستان ^{۱۷} چنان چون بود مردم دلشده ^{۱۹} جهان آفرین را نیایش ^{۲۱} گرفت همه ^{۲۳} دیده ^{۲۴} با ^{۲۵} شهریاران بگفت برفتند از ^{۲۶} ایوان آذرگشپ بیامد بنزدیک پرهیزگار ^{۲۸} بریشان ^{۳۰} به داد آفرین ^{۳۱} گسترید همی خواندند از جهان آفرین که یزدان سپاس و بدویم پناه ^{۳۴} توانا ^{۳۶} و بادانش و زوردست که آباد بادا به داد ^{۳۷} تو بوم دل بدیگالان ^{۳۹} او ^{۳۹} کنده باد! که بگذشت بر گنگ دز شهریار

۱- س: به ۲- ل، س، ل (نیز ق، آ): تازنان (حرف چهاره نقطه ندارد)؛ (لن: تازیان)؛ متن = ق، س (نیز لن، ی، ب، پ) ۳- ل: نوحه زنان؛ (پ: زاری گنان)؛ متن = س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، ی، لن، آ، ب)؛ نوحه (ق): ناله و بند)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز ل، س، ق: او؛ متن = ل، س (نیز ل، ی، آ: برو) ۶- ل، س، ل (نیز لن، ل، ب)؛ سست کرده من آن (ل: همی)؛ ق: سهل تر کرده آن؛ متن = س (نیز ق، ی، ب، آ) ۸- س: بدان؛ ل (نیز ق، آ): برین؛ (ب: درین) ۹- ل: در ۱۰- ل: رستن؛ (لن: رفتن) ۱۱- س، ق (نیز ق): درین ۱۲- ل، س: حنجست (حرف یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س: حنجست (سه حرف نخستین نقطه ندارند)؛ ق، س (نیز ب): حنجست (در ق حرف دوم نقطه ندارد)؛ (ق: حست او و بی: حنجست: آ: حنجست)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- س (نیز ق): بیود؛ س: بود ۱۴- ق (نیز ی، آ): راز؛ متن ← ۱۵- س، س (نیز ق): بگفتمت این راز چونانک بود؛ متن = ل (نیز ب)؛ ل، لن، لن این بیت را ندارند ۱۶- س: جویشید ازو پهلوان سپاه ۱۷- ل، ق: راستان؛ س: بیامد خرامان بنزدیک شاه؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ی، ب، لن، آ، ب) ۱۸- ل: از آنجا بشد؛ ق: پراش شد او؛ متن = س، ل، س (نیز لن - ب) ۱۹- (ل: آرده)؛ س: مرد دل یک تنسه (!) ۲۰- س (نیز ل، و): نیایش ۲۱- س (نیز ل، و): ستایش ۲۲- ل: [از] ۲۳- ل (نیز ب): همان ۲۴- (ل، آ: راز) ۲۵- ل، ق: بر ۲۶- ل، ق: ز ۲۷- س، ل، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، ب): شهریار جهان؛ متن ← ۲۸- س، ل (نیز لن، و، لن، ب): هوم آن زمان؛ س (نیز ق): هوم از پنهان؛ (ل: بر هوم همه در زمان)؛ متن = ل، ق (نیز ی، ب، آ) ۲۹- س، ق، ل (نیز لن، و، آ، ب): سرو؛ متن = ل، س (نیز ل، ب): بدیشان ۳۱- (ل: فراوان ثنا) ۳۲- ل: همه؛ ل: چنان ۳۳- س، ق (نیز ی): بدو؛ لن، و این بیت را ندارند ۳۴- ق: این بیت و بیت سپین را ندارد ۳۵- س، ل (نیز لن): چو ۳۶- (ل): سرافراز ۳۷- ق: بدست ۳۸- س، ل (نیز لن، و، لن، آ، ب): برین؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، ی، ب، ل، آ، ب) ۳۹- س (نیز ل، ل، و، ب): تو؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز ق، ی، ب، لن، آ) ۴۰- س: بران؛ (لن، و، ب: بدان؛ ق: برین)

همی خواستم تا جهان آفرین
 چو باز آمد او^۱ شاد و خندان شدم
 سروش خجسته شبی^۴ ناگهان
 از آن^۵ غار بی بن برآمد خروش
 ۲۳۱۰
 کسی^۶ زار بگریست بر تختِ عاج^۷
 ز تیغ^{۱۱} آمدم سوی آن غار تنگ
 بدیدم سر و گوش^{۱۲} افراسیاب
 به بند کمندش بیستم چو سنگ
 ۲۳۱۵
 ز^{۱۷} خواهش برو^{۱۸} سست کردم کمند
 به آب اندرست او کنون^{۲۰} ناپدید
 ورا گر به بر بازگیرد^{۲۳} سپهر
 چو فرمان دهد شهریار بلند
 بیارند و^{۲۵} بر کتف او^{۲۶} خام^{۲۷} گاو
 ۲۳۲۰
 چو آواز او یابد افراسیاب
 بفرمود تا روزبانان^{۳۰} در
 به دژخیم فرمود تا برکشید
 برفتند با تیغ و گیلی سپر^{۳۱}
 ز رخ^{۳۲} پردهی شرم را بردرید

۱- ق: زید پاک گرداند او بر زمین؛ (لن: برو دارد امید روی زمین) ۲- (لن: باز آمدم؛ ق: ل، و، آ: باز آمدی) ۳- ق: نزد
 ۴- ق: شیم ۵- ل (نیز ل): ازین ۶- (پ، و: یکی؛ ب: بسی) ۷- س: (نیز ق: پ، و): گنج و تاج؛ (ل، آ: تاج و تخت)؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز لن، ل، ل، ب) ۸- س: (نیز پ، و، لن، ب): چو ۹- ق (نیز ق، ل، ب): لشکر و کشور
 ۱۰- س، ل: (نیز لن، ل، ب): گاه و تاج؛ س: (نیز ق، پ، و): تخت عاج؛ (ل: تخت و تاج؛ ل، آ: بر لشکر و گنج و پیروزیخت)؛ متن = ل، ق ۱۱- ل: کوه ۱۲- ل: بودم؛ س (نیز ب): چو زَنار دارم؛ (ل، آ: که دارم همیدون)؛ متن = ق، ل، س: (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن) ۱۳- س: هنگ ۱۴- (ل: که بد) ۱۵- س: خور آتش از ساخته جای خواب (!)؛ (ق: در آنجا بگه ساخته جای خواب؛ ل، آ: خورش ساخته نیز هم جای خواب؛ پ: بغار اندرون ساخته جای خواب؛ و: نشستن گهش بود و آرام و خواب)؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز لن، ل، ل، ب) ۱۶- س، ل: (نیز لن، ق، ل، ب): از غار؛ ق، س: از جای؛ (ل، آ: زان غار؛ پ: زمین غار؛ ل: از آن غار تاریک و)؛ متن = ل (نیز و) ۱۷- ل، س، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، ب): به؛ متن = س: (نیز ل، ل، پ، و، آ) ۱۸- ل (نیز ل، ل): بدو؛ ق: همی ۱۹- س (نیز لن، ل، آ، ب): جست او ز؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز ق، ل، پ، و، لن) ۲۰- ل (نیز پ، و): این زمان؛ (ل: اندرون جست و شد)؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب) ۲۱- ل، ق (نیز ب): بد؛ متن = س، ل: (نیز لن، ق، ل، ل، آ) ۲۲- س: ازین گونه هرگز که دید و شنید؛ (ل: ندانم که او خود کی آید پدید؛ پ: بدادار گیتی توان آرمید؛ و: پیروار کشتی نیاید بدید (!)) ۲۳- (پ: پیرواز گیرد؛ لن: گر او را ز سر باز گیرد) ۲۴- (ق: [و] ۲۵- ل: بیازند (یا: بیارند)؛ س: سارند و (نقطه ندارد)؛ ل: بیازید؛ س: بارند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل: بیارید و؛ آ: بیارید؛ ب: بیازند)؛ متن = ق (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن) ۲۶- س، ل: (نیز لن، ق، ل، ب): گردنش؛ س: (نیز و): کفت او؛ متن = ل، ق (نیز ل، ل، پ، آ) ۲۷- س (نیز لن، ب): چرم ۲۸- س: سارند (نقطه ندارد)؛ ق: بریزند؛ ل: بیارند؛ متن = ل (نیز ل، پ، و) ۲۹- س (نیز لن، ب): توش؛ س: چنین تا مانند بتن زور؛ (ق، ل، آ: چنان (ل، آ: زنان) تا مانندش نیرو) ۳۰- (ل: رودبانان؛ و: زوربانان) ۳۱- (ق، ل، آ: تیر؛ و: زرین کمر؛ ل، آ: شمع و گیلی سپر؛ ل: تیغ هندی ببر)؛ لن بیت های ۲۳۲۱ و ۲۳۲۲ را ندارد ۳۲- س (نیز ل، آ): رخ

همی دوخت^۱ بر کتف^۲ او خام^۳ گاو
 برو^۴ پوست بدرید^۵ و زهار خواست
 ۲۳۲۵ چو بشنید آوازش افراسیاب
 به دریا همی کرد پای^۱ آشناه
 ز^{۱۲} خشکی چو بانگ برادر شنید
 چو گرسوز او را بدید اندر آب
 فغان کرد کای شهریار جهان
 کجات آن همه رسم و آیین و راه^{۱۸}
 ۲۳۳۰ کجات آن همه دانش و زوردست
 کجات آن به رزم اندرون فر و نام^{۲۳}
 که اکنون به دریا نیاز آمدت
 چو بشنید بگریست افراسیاب
 ۲۳۳۵ چنین داد پاسخ که گرد جهان
 کزین بخشش بد مگر^{۲۶} بگذرم^{۲۷}
 مرا زندگانی کنون^{۳۰} خوار گشت
 نیره فریدون و پور پشنگ^{۳۲}
 همی پوست درند بر وی به چرم^{۳۴}

چنین^۱ تا نماندش به تن هیچ^۵ تاو
 جهان آفرین را همی یار خواست
 پُر از^۸ درد گریان برآمد ز آب^۹
 بیامد^{۱۱} به جایی که بُد پایگاه
 برو^{۱۳} بتر^{۱۴} آمد ز مرگ^{۱۵} آنچ^{۱۶} دید
 دو دیده پُر از خون و دل پُر شتاب،
 سر نامداران^{۱۷} و تاج مِهان،
 کجات آن سر تاج^{۱۹} و گنج و سپاه^{۲۰}
 کجات آن بزرگانِ خسرو پرست^{۲۲}
 کجات آن به بزم اندرون کام^{۲۴} و جام
 چنین اختر دیرساز^{۲۵} آمدت
 همی ریخت خونین سرشک اندر آب
 بگشتم همی آشکار و نهان،
 ز بد بتر آمد^{۲۸} کنون^{۲۹} بر سرم
 روانم ز تو پر ز^{۳۱} تیمار گشت
 بر آویخت زینسان^{۳۳} به کام نهنگ
 کسی را نبینم به چشم آبِ شرم^{۳۵}

۱- س: بارید (نقطه ندارد): ق (نیز، ل، آ): همی کوفت: س (نیز، ق، ل، ن): همی ریخت: (ل: بارید: ب: بیازید): متن = ل، ل (نیز، ل، ب، و) ۲- س (نیز): کفت ۳- س (نیز، ل، آ، ب): چرد ۴- س، ق، ل (نیز، ل، ل، ن، ب): چنان ۵- س (نیز، ق، ل، پ، ب): زور و ل: توش و؛ (ل، ل، ن: نیز: و؛ بسی زور و ل: نماندش بتن زور و): متن = ل، ق (نیز، آ): س: بارید تا کم کند زور و ۶- س، ق، بدو ۷- س: برید ۸- (ل، ل، ن: بران: ب: ازان) ۹- س (نیز، و): هم آنگه برآمد ز دریای آب: (ب: همانگه پدید آمد افراسیاب): متن = ل، ق، ل، س (نیز، ل، آ) ۱۰- ل، ق، با: (ل، آ، او: ل: پا: ب: تا): متن = س، ل، س (نیز، ل، ق، و، ل، ب) ۱۱- ق (نیز، ل، و): برآمد ۱۲- س: به ۱۳- ق، ل (نیز، ل): بدو ۱۴- (ل، و، ل، ن: بدتر) ۱۵- س: از مرگ بد ۱۶- ق، ل: آنچه ۱۷- س (نیز، و): تاجداران ۱۸- ل: رسم و آیین و گاه ۱۹- س، ق، ل (نیز، ل، ق، ل، پ، ل، ن، ب): سرو تاج: (ل، آ: سرو گاه): متن = ل، س (نیز، ل، چندان ۲۱- (ل، آ: کلاه) ۲۲- (و: همه مرد یزدان پرست): ق این بیت را ندارد ۲۳- (ق: کاد: و: نام و کاد) ۲۴- (ل: نام: ق: نام: و: رود) ۲۵- ل: دیرساز (حرف چهاره نقطه ندارد): ق: دیوساز: (ل، و، آ: دیرباز): متن = س، ل، س (نیز، ل، ق، ل، ب، ل، ن، ب) ۲۶- (ب: همی): س، ق، ل، س (نیز، ل، ق، ل، و، ل، ن، آ، ب): ازین (ل، آ: که از) بخشش بد همی: متن = ل (نیز، ل) ۲۷- ل، س: بگذره (حرف یکه نقطه ندارد): ق، ل، س (نیز، ل، ق، ل، ن، ب): بگذره: (و: بنگرد): متن = (ل، ل، ب، آ) ۲۸- س، ق (نیز، ل، ق، ل، و، ل، ن، ب): آید: س: برین بد: متن = ل، ل (نیز، ل، ب، آ) ۲۹- س، ق، ل، س (نیز، ل، ق، ل، ب، ل، پ، ب): همی: متن = ل (نیز، ل) ۳۰- س: همی ۳۱- ل: پر از درد و: متن = س، ق، ل، س (نیز، ل، ب) ۳۲- حرف یکه در ل، س، ل، ل، ن، آبی نقطه، در ق، س، ق، ل، ل، ل، ب، با یک نقطه و در ب، و، ل، ب، با سه نقطه ۳۳- س: ناگه: ل: بر آویخته سر: متن = ق، ل، س (نیز، ل، ب) ۳۴- س، ل (نیز، ل، ن، ب): درید بر تن به (س، ل، آ: چو) چرم: س (نیز، ل، ب، آ): درند بر تو بچرم: (ق: درید بر خون گره: ل: همی بر تو دوزند زین گونه چرم): متن = ل ۳۵- س، ل، س (نیز، ل، ب، ل، آ، ب): نبینم کسی را بدل رای و شرم: متن = ل، ق، و این بیت را ندارند

۲۳۴۰ زبان دو مهر پر از گفت و گوی^۱
 چو یزدان پرستنده او را بدید
 ز راه جزیره برآمده یکی
 گشاد آن کیانی کمند^۲ از میان
 بینداخت آن گِرد کرده^۳ کمند
 به خشکی کشیدش ز دریای آب
 گرفته وُرا مرد دین دار دست^۴
 سپردش بدیشان^۵ و خود بازگشت

روان پرستنده پُر^۶ جست و جوی^۷
 چُنین نوحه‌ی زار او را شنید،
 چو دیدش مرو را ز دور اندکی^۸،
 دو تابی^۹ بیامد چو شیرِ ژبان^{۱۰}
 سرِ شهریار اندرآمد به بند
 بشد توش و هوش از ردافراسیاب^{۱۱}
 به خواری ز دریا کشید و بست^{۱۲}
 تو گفتی که با باد انباز گشت

گفتار اندر گشتن شاه کیخسرو افراسیاب و کرسیوز را^{۱۵}

بیامد جهاندار با تیغ تیز
 چُنین گفت بی دانش^{۱۷} افراسیاب
 سپهر بلند ار^{۲۰} فراوان کشید
 به آواز گفت: ای بد کینه جوی
 چُنین داد پاسخ که ای بدگنش
 ز خون^{۲۲} برادرت گویم نخست

سری پُر ز کینه، دلی^{۱۶} پُرسیز
 که این^{۱۸} روز خود^{۱۹} دیده بودم به خواب
 کنون^{۲۱} پرده‌ی رازها بردرید
 چرا گشت خواهی نیا را؟ بگویی!
 سزاوار بیفاره و سرزنش،
 که هرگز بلای میهان را نجُست^{۲۳}

۱- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۲- درپ- ب با سه نقطه ۳- ل: جست جوی ۴- ل: ایشان؛ ق: و آوا؛ (پ: ناله زار و آوا؛ ق: بدانسان همی گفت و گویش)؛ متن = س، س (نیزلی، آ): نوحه (۹) ← پ؛ ل، ل، ل، ل، ل این بیت را ندارند ۵- س، ق، ل، ل (نیز ل، ل، ق، ل، ل، ب): درآمد؛ س: آ: براه جزیر اندرآمد؛ متن = ل (نیزلی، ل، پ، و آ) ۶- (و: نغیدیدش از دور شاه اندکی) ۷- س: آ: کمند کیان؛ س (نیز ل، و): که بگشاد گردی کمند ۸- ق: دوتاهی ۹- ل (نیز ق، پ، و، ل، ل): بر بیان ۱۰- س (نیز ل، ل، پ، و، ب): تاب داده؛ متن = ل، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، ل، ل، آ) ۱۱- س، ل (نیز ل، ل، ل، ل، ب): هوش و توش شه افراسیاب؛ ق، س (نیز ل، آ): هوش و هم توش از افراسیاب؛ (ق، ل، پ: توش و هم هوش از افراسیاب؛ ل: دانش و هوش از افراسیاب؛ و: توش و وهم از شه افراسیاب)؛ متن = ل ۱۲- (ل، آ: و بست؛ و: پشت)؛ س، ل، ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، ب): دین یال و پشت (ل: دست)؛ (پ: دین پا و دست)؛ ق: مرد پای و دودست؛ متن = ل ۱۳- س (نیز ل، ق، ل، ل، ب): کشیدش بشت؛ ل، ل، س: کشیدش بدشت؛ (ل، آ: ز خواری بیلا کشیدش بدست؛ و: ز دریا کشیدش بخواری درست)؛ متن = ل، ق (نیز پ) ۱۴- س، س (نیز ل، ل، ل، آ، ب): بشاهان؛ ل (نیز ق، ل، ل): بایشان؛ متن = ل، ق (نیز پ) ۱۵- ل (چند بیتی پایین تر): کشته شدن افراسیاب؛ س، س: کشتن شاه کیخسرو افراسیاب و کرسیوز را؛ ق: گرفتن هوم افراسیاب را دوم نوبت از آب و کشته شدن افراسیاب و کرسیوز بحکم کیخسرو؛ ل: کشته شدن افراسیاب و کرسیوز بردست کیخسرو؛ متن ← س ۱۶- (ل، آ: دلی پرز کینه سری) ۱۷- ل، ق: بی دولت؛ متن = س، ل، ل، س (نیز ل- ب) ۱۸- (ق: چُنین) ۱۹- ل (نیز ل، ل، ل، و، آ): را؛ متن = س، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل، پ، ل، ل، ب) ۲۰- ل: بلندم؛ (ل، آ، پ، و: بلند این)؛ متن = س، س (نیز ل، ق، ل، ل، ل، آ، ب) ۲۱- س: مران؛ (ل، ل، آ، ب: همان)؛ متن = ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، پ، و، ل، ل)؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی گویا بنداری هم آنرا داشته است: فلما راه افراسیاب قال: إني رأيت هذا اليوم في المنام، والآن تحقق وإن تطاول مدى الأيام؛ درس پس بیت ۲۳۵۰ بیت های ۲۳۲۳-۲۳۲۶ دوباره آمده اند ۲۲- ل، ق (نیز و): جان؛ متن = س، ل (نیز ل- ب، ل، آ، ب) ۲۳- ل، ق (نیز ل، ل، آ): که هر کوبخون یلان دست شست؛ (و: که شاید نجویی چنان دست شست)؛ متن = س، ل (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ل، ب)؛ س: بیت های ۲۳۵۳-۲۳۵۷ را ندارد؛ س، ل، آ پس از بیت ۲۳۵۳ افزوده اند:

س: که کردی تو او مستمند و فکار
 و گره چند روزی بگیتی بتاخت

شبیخون بکردی سرش روزگار
 و گره چند روزی بگیتی بتاخت

جهاندار و از ایرج او ^۲ یادگار ^۳ برانگیختی از جهان رستخیز ^۴ نبندد کمر نیز یک نامدار ^۵ همی برگذشتی ^۶ ز چرخ بلند ^۷ چنین روز بد را ^۸ نکردی نگاه مکافات آن بد کنون ^۹ یافتی کنون داستام بیاید شنود: بینم، پس این داستانها ^{۱۰} بخوان ^{۱۱} نگر تا چه بد ساختی ^{۱۲} بر سرم: چه رفت از گزند تو اندر جهان برو ^{۱۳} زار ^{۱۴} گریان شد و ^{۱۵} تخت ^{۱۶} عاج ^{۱۷} مکافات بد را ز یزدان ^{۱۸} بدی ست به خاک اندرافگند ^{۱۹} نازک ^{۲۰} تنش برادرش گشت از جهان ناامید سرآمد برو ^{۲۱} روزگار مهی ^{۲۲} مجوی ^{۲۳} ای پسر بند بد را کلید!	دگر نودر آن ^۱ نامور شهریار زدی گردنش را به شمشیر تیز سدیگره سیاوش که چون او سوار بریدی سرش چون سر گوسپند ^۲ تو باب مرا از چه کردی تباه به کردار بد تیز ^۳ بشتافتی بدو گفت: شاها بود آنچه ^۴ بود بمان تا مگر مادرت را رخان ^۵ بدو گفت: کز خواهش ^۶ مادرم پدر بیگنه بود و من در نهان سر شهریاری بریدی ^۷ که تاج کنون روز بادافره ایزدی ست به شمشیر هندی بزد گردنش ز ^۸ خون لعل شد ریش و موی ^۹ سپید ^{۱۰} تهی ماند ازو ^{۱۱} گاه ^{۱۲} شاهنشهی ز کردار بد بر تنش بد رسید
---	--

۱- ق (نیزلی، ل، پ، آ): [آن] ۲- ق: آن؛ ل (نیزب): که از تخم ایرج بد او: (ق، ل، آ، و: جهان را ز ایرج یکی؛ ل، آ: جهاندار از ایرج یکی): متن = س، ل (نیزلن، ل، ب) ۳- (ق: نامدار) ۴- ق این بیت را ندارد ۵- ل: سه دیگر ۶- ل، ق، ل (نیز ق، ل، ل، آ): نبیند (ل، آ: نبینی) کسی از مهان (ق، ل، ل، آ: جهان) یادگار؛ س: نبود و نبیند کسی شهریار؛ متن = (ل، ب، و) ۷- ل- ل (نیزق، ل، ل): گوسفند؛ متن = (ل، آ، ب) ۸- س: سرکشیدی ۹- (ل، آ: بنفرید بر تو سپهر بلند) ۱۰- ق: روز را خود؛ ل، ل این بیت را ندارند ۱۱- (ق: چنین تیزیکبار) ۱۲- س، ل (نیزلن، ل، ب): بد را بدی؛ س: بد را کنون؛ (ق: کنون آنچه جستی همه): متن = ل، ق (نیزل، ب، آ): ل، پ پس از بیت ۱۳۵۹، ق، ل، آ، و پس از بیت ۲۳۵۷ و س پس از بیت ۲۳۶۵ افزوده اند:

چنین داد پاسخ که بر (ق: نرسیدی از اختر) بد کنش

نیاید جز از کشتن و (ق: ز دادار گیتی و از) سرزنش

۱۳- ق: آنچه ۱۴- ل (نیزل، و): بجان؛ ل: جوان؛ س: (نیزآ): ز خان؛ (ق، ل: ز جان)؛ متن = س، ق (نیزلن، ب، ل، آ، ب)؛ بنداری: اصبر علی مقدار ما انظر وجه أمک ثم امض لأمرک ۱۵- ق (نیزلن، ق): را ۱۶- ل (نیزب): بران ۱۷- ل، ق (نیز ب): گر خواستی؛ س، س (نیزلن، ل، آ): گر خواهش؛ متن = ل (نیزق، ل، و، ب) ۱۸- (ب: خواستی)؛ ل: چرا آتش افروختی؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، ل، ب) ۱۹- ل: ربودی ۲۰- ل، ق، ل (نیزلی، ب): بدو ۲۱- س، س (نیزق، ل، ل، ب): زار و ۲۲- ل: زار و گریان شد از؛ (و: زار گرید ابا) ۲۳- (ل: زار بگریست تاج و کلاه) ۲۴- (ق: از ایزد) ۲۵- ل: افکنده ۲۶- س، س: باری (نقطه ندارد)؛ ق (نیزلن، و، ب): تازی؛ ل (نیزلن): تازی؛ متن = ل (نیزق، ل، ل، آ، ب) ۲۷- س (نیزلی، ل، آ): به ۲۸- س (نیزب): روی و ریش؛ ق، ل (نیزلن، ل، و، ل، آ، ب): گوش و ریش؛ (ق: لعل گون گشت ریش)؛ متن = ل ۲۹- ل (نیزلی، و، ل، آ): سفید؛ س این بیت را ندارد ۳۰- ل، ق: زو ۳۱- س، ق، ل، س (نیزلن، ب): تخت؛ متن = ل ۳۲- س، ل، س (نیزلن، ل، ب): همه؛ (ل، آ: بدو)؛ متن = ل، ق (نیزق، ل، ب، و، آ) ۳۳- س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ب): بهی ۳۴- ل (نیزل، آ): مجوی؛ س این بیت را ندارد

۲۳۷۰ چو جویی بدانی^۲ که از کار بد
سپهد که با فر یزدان بود
چو خونریز گردد بماند نژند
چنین گفت موبده^۵ به بهرام تیر^۶
چو خواهی که تاج تو ماند به جای
نگه کن که خود^۷ تاج با^۸ سر چه گفت
۲۳۷۵

به کرسیوز آمد ز کار نیا
کشیدنش از پیش دژخیم خوار^{۱۲}
ابا روزبانان^{۱۳} مردمکشان
چو در پیش کیخسرو آمد به^{۱۵} درد
شهنشاه ایران زبان برگشاد
۲۳۸۰ ز تور و^{۱۹} فریدون و سلم سترگ
به دژخیم فرمود تا تیغ تیز
میان سپهد به دو نیم کرد
بهم برفکنندشان همچو کوه^{۲۴}
دو رخ زرد و یک دل پُر از کیمیا
به بندِ گران و به بدروزگار
چنان چون بود مردم بدنشان^{۱۴}
بیارید خون بر رخ لاژورد^{۱۶}
و زان تشت^{۱۷} و خنجر همی^{۱۸} کردیاد
از^{۲۰} ایرج که بُد پادشاه^{۲۱} بزرگ
کشید و بیامد دلی پُرسیتز
سپه را همه^{۲۲} دل پُر از بیم^{۲۳} کرد
ز هر سو به دور ایستاده^{۲۵} گروه

۲۳۸۵ ز یزدان چو شاه آرزوها بیافت
بسی زر بر آتش برافشانند^{۲۶}
ز دریا سوی خانِ آذر شتافت
به زمزم همی آفرین خواندند

۱- ق: چه ۲- س (نیز لن): بدانی (حرف یک نقطه ندارد): ق، ل، س: ندانی: (ق: نگویی: و نیایی): متن = ل (نیز لی، پ، لن، آ، ب) ۳- ق بیست‌های ۲۳۷۱، ۲۳۷۲، ۲۳۷۴، س بیست‌های ۲۳۷۱-۲۳۷۵، و بیست‌های ۲۳۷۱، ۲۳۷۲، ۲۳۷۴، ۲۳۷۵ و لن بیت ۲۳۷۵ را ندارند: بنداری (۲۳۶۹-۲۳۷۲): فذاق و بال امره و حاق سوء عمله. فلا تکن ایها العاقل لیباب الشرفمفتاحا. و من کان من الملوک مخصوصا بعناية الحق فلن یحمله الغضب علی اکثر من القید و الحیس. و مهها صار سفا کالدعاء فلا بحالة من یر یوما یربه ۴- س، ل (نیز لن، ق، و، لن، ب): ییابد مکافات: متن = ل (نیز لی، پ، آ) ۵- (ل: بهمین) ۶- ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد): ل: نیز ۷- (لن: شهریاران) ۸- ل: نیک رای ۹- س، ق، ل (نیز لن، ل، آ، ب): نا: (ق: با): متن = ل (نیز ل) ۱۰- (ل: بره: پ: که تن خود ایا) ۱۱- ل: نیست (در زیر به باد تصحیح کرده است) ۱۲- ل، ق (نیز پ): زار: متن = س، ل، س: (نیز لن، ل، و- ب) ۱۳- س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): روزبانان و: (ل: روده بانان: و زوربانان): متن = ل، ل (نیز ق) ۱۴- (ل، ل: لن: بی نشان: ب: بی نشان): س این بیت را ندارد ۱۵- (لن، ل، آ، و، لن، ب: ز) ۱۶- س، ق، س: (نیز لن، ق، ل، ل، لن، آ، ب): لاچورد: متن = ل (نیز پ، و): ل این بیت را ندارد ۱۷- س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ق، ل، ب): طشت: متن = ل (نیز لی) ۱۸- ل: بسی: متن = س، ق، ل، آ، س: (نیز لن- ب) ۱۹- س (نیز لی، پ، آ): [و] ۲۰- ل، س: ز ۲۱- س، ل (نیز لن، ب): نامداری: (ق: پادشاهی: ل، آ، و، لن: نامدار): متن = ل (نیز لی، پ، آ): ق: (لی، آ: ازو) ۲۲- ل: بدو نیم (بدو نیم) ۲۳- (لن، ب: هم ستوه: ل، و: چون دو کوه): ق: برفکنند شاهان چو کوه: متن = ل، س، ل، س: (نیز ق، لی، پ، لن، آ): بنداری: و رمی بچخته علی جثة اخیه ۲۴- (ل: بریشان نظاره) ۲۵- ق: افشانند: بنداری: و طفق بزمزم حول النار، و یشر الذهب علی اللهب: س بیست‌های ۲۳۸۶-۲۳۹۶ را ندارد

بودند یک روز و یک شب به پای
 چو گنجور کیخسرو آمد زرسپ
 برآن^۲ موبدان خلعت افگند نیز
 به شهراندرون هرک^۱ درویش بود ۲۳۹۰
 برآن نیز گنجی پراکنده کرد
 و زان^۶ پس به تخت کیی^۷ برنشست^۸
 نبشتند^{۱۱} نامه به هر کشوری
 ز خاور^{۱۲} بشد نامه تا^{۱۳} باختر
 که روی زمین از بد آژدها ۲۳۹۵
 به نیروی یزدان پیروزگر
 روان سیاوش بدو^{۱۵} زنده گشت^{۱۶}
 و زان^{۱۹} پس چنین گفت شاه جهان^{۲۰}
 زن و کودک از شهر^{۲۳} بیرون برید^{۲۴}
 ۲۴۰۰ همی^{۲۷} چیز بخشید درویش را
 پردخت از آن، سر^{۲۸} به رامش نهاد^{۲۹}
 هر آنکس که بود از نژاد^{۳۱} زرسپ
 چهل روز با^{۳۴} شاه کاوس کی

به پیش جهانداور رهنمای
 بخشید گنجی بر^۱ آذرگشپ
 درم داد و دینار و هرگونه^۲ چیز
 و گر خوردش از کوشش خویش بود،
 جهانی به داد و دهش بنده^۵ کرد
 در بار^۹ بگشاد و لب را بست^{۱۰}
 به هر نامداری و هر مهتری
 به جایی که بد مهتری با^{۱۴} گهر
 به شمشیر کیخسرو آمد رها
 نیاسود و نگشاد هرگز کمر
 همه بوم گیتی و را^{۱۷} بنده گشت^{۱۸}
 که ای نامداران^{۲۱} فرخ مهان^{۲۲}،
 خورش ها^{۲۵} و رامش به هامون^{۲۶} برید^{۲۴}
 پرستنده و مردم خویش را
 برفتند گردان^{۳۰} خسرو نژاد^{۳۰}
 پیامد^{۳۲} به ایوان^{۳۳} آذرگشپ
 همی بود با رامش^{۳۵} و رود و^{۳۶} می

۱-س (نیز، ل، ب): به ۲-ق، ل (نیز، ل، ن): بدان ۳-ل، ق (نیز): بسیار؛ (ق: داد بسیار و دینار و)؛ متن = س، ل (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۴-ق، ل: هرکه ۵-س، ق، ل (نیز، ل، ب): زنده؛ متن = ل (نیز، ل) ۶-ل: ازان ۷-ل: کیان؛ ق: مهی؛ متن = س، ل (نیز، ل، ب) ۸-ق، ل (نیز): بیامد به تخت (ل: جای) نشست ۹-ل، آ: گنج ۱۰-س (نیز، ل، ب): و بگشاد دست؛ متن = ل، ل (نیز، ل، آ): لب را بست (؟)؛ ق: زد در بار بگشاد و در را بست (!) ۱۱-ل، ق (نیز، ل، آ، و، آ): نوشتند؛ متن = س، ل (نیز، ل، ب، ل، ن، آ) ۱۲-ل، ق (نیز، ل، ب، ل، ن، آ، و، و): تا در؛ متن = ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و) ۱۳-س (نیز، ل، ل، ن، آ، ب): مهور؛ متن = ل، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۱۴-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): زنده کرد؛ متن = س، ق، ل، ل (نیز، ل، ب) ۱۵-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ متن = ل، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۱۶-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): زنده کرد؛ متن = س، ق، ل، ل (نیز، ل، ب) ۱۷-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ متن = ل، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۱۸-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): زنده کرد؛ متن = س، ق، ل، ل (نیز، ل، ب) ۱۹-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۰-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): زنده کرد؛ متن = س، ق، ل، ل (نیز، ل، ب) ۲۱-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۲-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۳-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۴-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۵-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۶-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۷-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۸-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۲۹-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۳۰-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۳۱-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۳۲-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۳۳-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۳۴-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۳۵-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ) ۳۶-ل، ق، ل (نیز، ل، ب، و، نامور)؛ ل: مهور و نامور؛ س (نیز، ل، ب): مهر جا که بد مهتری (ل: مهور) نامور؛ متن = ل، ق (نیز، ل، آ)

چو رخشنده^۱ شد بر فلک ماه نو^۲ ۲۴۰۵
 بزرگان سوی پارس کردند روی
 به هر شهر^۸ کاندر شدند ز راه
 گشادی سر بدره‌ها شهریار
 چو زرافسری^۴ بر سر^۵ شاه نو،
 برآسوده از رزم و از^۶ گفت و گوی^۷
 شدی انجمن مرد بر پیشگاه^۹
 توانگر^{۱۱} شدی مرد پرهیزگار

گفتار اندر سپری شدن روزگار کاوس^{۱۱}

چو با اینی گشت کاوس جفت
 چنین گفت کای برتر از روزگار
 ز تو یافتم فر و اورنگ^{۱۳} و تخت
 نکردی^{۱۵} کسی را چو^{۱۶} من بهر مند^{۱۷}
 ز تو خواستم تا یکی کینه ور^{۱۹}
 نیره بدیدم جهان بین خویش^{۲۰}
 جهانجوی با فر و برز^{۲۲} و خرد
 چو سالم سه پنجاه بر سر گذشت،
 همان سرو نازنده^{۲۵} شد چون کمان،
 همه راز دل پیش^{۱۲} یزدان بگفت
 تو باشی به هر نیکی آموزگار
 بزرگی و دیهم و هم تاج^{۱۴} و تخت
 ز گنج و ز تخت^{۱۸} و ز نام بلند
 به کین سیاوش ببندد کمر
 به فرهنگ و تدبیر و آیین^{۲۱} خویش^{۲۰}
 ز شاهان پیشینگان^{۲۳} بگذرد
 سر^{۲۴} موی مُشکین چو کافور گشت،
 ندارم گران گر^{۲۶} سر آید زمان

بسی برنیامد برین^{۲۷} روزگار
 جهاندار کیخسرو آمد ز^{۳۰} گاه
 کزو^{۲۸} ماند نام از جهان^{۲۹} یادگار
 نشست از بر تیره خاک سیاه^{۳۱}

۱- ل، ق (نیزلی، پ، آ): خورشید ۲- ق: سربرزد از گاه نو ۳- ل (نیزلی، آ): ز ۴- ق: روزافسروش؛ ل، آ: در افسری) ۵- س: نهاد افسری بر سر آن ۶- ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = س ۷- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۸- ل: کار؛ (لی، آ: سو)؛ متن = س، ل، آ، س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۹- س: مردم پیشگاه؛ (ق: و: مرد بی دستگاه)؛ ق: بیت های ۲۴۰۶ و ۲۴۰۷ را ندارد؛ بنداری: و کان کیخسرو کلاما مر بمیدنه تلقاه السؤال و أهل الحاجة فأغنا من خزانته ۱۰- س (نیزلن): تو نگر ۱۱- ل: سپری شدن روزگار کاوس؛ س، ق: گفتار اندر (ق: در) وفات یافتن کاوس شاه؛ ل: وفات یافتن شاه کیکاوس؛ متن ← ل ۱۲- س، ق، ل: (نیزلن، ق، ل، ل، آ، ب): یکسربه؛ متن = ل، س: (نیزل، پ، و) ۱۳- ل، آ، س: (نیزلن، پ، و، ل، آ، ب): آورند؛ (لی، آ: نیرنگ)؛ متن = ل، س، ق (نیزق، ل، آ) ۱۴- ل، س، ل: (نیزلن، ق، ل، و، ل، آ، ب): دیهم با تاج؛ س: گردی و دیهم؛ متن = ل، ق (نیزلی، ل، پ، آ) ۱۵- ل: تو کردی؛ س: بکردی؛ متن ← ۱۶- ق (نیزق، ل): تو کردی بسی راز؛ متن = س، ل: (نیزلن، ل، ب) ۱۷- س، ق، ل، آ، س: (نیزلن - پ، ل، آ، ب): بهره مند؛ (و: ارجمند)؛ متن = ل ۱۸- س: زیخت و ز گنج ۱۹- س (نیزلن): نامور؛ ب بیت های ۲۴۱۲-۲۵۱۹ را ندارد ۲۰- س، ل: (نیزلن، ل، آ): من ۲۱- س، ق (نیزلن): تدبیر و راه و آیین؛ (ل، ل، و، آ: کجا دین (و: کین) من کرد چون دین)؛ متن = ل، ل، آ، س: (نیزق، ل، پ، ل، آ) ۲۲- ق: بازور و قر ۲۳- س، ل، آ، س: (نیزلن، ق، ل، پ، ل، آ): گیتی همی؛ ق: گیتی همه؛ (لی، و، آ: پیشین همی؛ ل: به پیشی ز شاهان همی)؛ متن = ل ۲۴- س، ق، ل، آ، س: (نیزلن، پ، و، ل، آ): سرو؛ متن = ل (نیزق، ل، ل، آ) ۲۵- ل: مازنده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ل: (نیزق، ل، پ): یازنده؛ ق: یازنده؛ (لی: یازیده)؛ متن = س: (نیزلن، و، ل، آ) ۲۶- ق: برانم کران سر؛ (پ: برانم کرانپس) ۲۷- ق (نیزلن): بدین؛ (لی: بدان؛ آ: بران) ۲۸- (پ: بدو)؛ متن ← ۲۹- ق: نامش همی؛ س، ل: (نیزلن، ق، ل، و، ل، آ): کزو نام شد در؛ متن = ل (نیزلی، آ) ۳۰- ل، س (نیزلن، پ، ل، آ): به؛ (لی، ل، آ: از تخت و: و: از تخت)؛ متن = ق، ل، آ، س: (نیزق، ل، ل، ق (نیزلی، آ): زیرگه با سپاه؛ س (نیزلن): گاه و پیش سپاه؛ ل: (نیزپ، ل، آ): زیرگاهش سپاه؛ (و: زیرگاه سپاه)؛ متن = س: (نیزق، ل، آ): بنداری: فقعد الملك کیخسرو له ماتما ونزل من التخت و جلس علی التراب

- از ایرانیان هر که^۱ بُد ناجوی
 همه جامه‌هاشان^۲ کبود و سیاه
 ز بهر ستودانش کاخی^۵ بلند
 ببردند پس پایکاران^۸ شاه
 برو تاخته^{۱۱} دِبق^{۱۲} و کافور و مُشک
 نهادند زیر اندرش تختِ عاج
 چو برگشت کیخسرو از پیشِ تخت
 کسی نیز کاوس‌کی را ندید
 ۲۴۲۰
- پسین‌ست رسمِ سرای سپنج
 نه دانا گذر یابد از چنگِ مرگ
 اگر شاه باشی^{۱۹} و گُر^{۲۰} زردهشت
 بیاز و بناز^{۲۲} و همه کام جوی!
 چنان دان که گیتی ترا دشمن‌ست
 ۲۴۳۰
- چهل روز سوگِ نیا داشت شاه
 پس آنکه^{۲۸} نشست از بر تختِ عاج
 سپاه انجمن شد به درگاه شاه
 به شاهی برو^{۲۹} آفرین خواندند
 ۲۴۳۵
- پیاده برفتند بی رنگ و بوی^۲
 دو هفته بی‌بودند با سوگ^۴ شاه
 بکردند^۷ بالای او^۷ ده کمند
 دَبِق^۹ و دیبای رومی سیاه^{۱۰}
 تنش را بدو^{۱۳} درنوشتند^{۱۴} خشک
 به سربر ز مُشک و ز کافور^{۱۵} تاج
 در خوابگه را بستند سخت
 ز کین و ز آوردگاه^{۱۶} آرمید
 نمائی درو^{۱۷} جاودانه^{۱۸}، مرنج!
 نه جنگاوران زیر خفتان و ترگ
 نهالی^{۲۱} ز خاکست و بالین ز خشت
 اگر کامِ دل یافتی نام جوی^{۲۳}!
 زمین بستر و گور^{۲۴} پیراهن‌ست
 ز شادی شده دور^{۲۵} و از^{۲۶} تاج و گاه^{۲۷}
 به سر بر نهاد آن دل‌افروز تاج
 ردان و بزرگانِ زَین کلاه
 بر آن^{۳۰} تاج بر^{۳۱} گوهر افشانند^{۳۲}

۱- ل: هرک ۲- ق (نیزلی، پ، آ): بر (لی، آ: با؛ پ: پر) گفتگوی؛ س^۱ (نیزلی): نزدیک اوی؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیزلی، ق، ل، لن) ۳- ل: جامه‌ها را؛ س^۱ (نیزلی، ق، ل، لن): جامه‌های؛ (ل: جامه کرده)؛ متن = ل، س، ق (نیزلی، پ، آ) ۴- س^۱ (نیزلی): نزدیک؛ (ق: چهل روز بودند با سوگ) ۵- ق، س: کاخ ۶- (ل: برآورد) ۷- س: آن؛ ق: وی ۸- ل، ق (نیزپ): نامداران؛ (ل: کارداران)؛ متن = س، ل، س^۱ (نیزلی، ق، ل، و، لن، آ) ۹- (ق: دقیق) ۱۰- (ل، آ: دیبا و رومی کلاه)؛ بنداری (۲۴۲۲-۲۴۲۳): و کفوه بالثياب اللدبقيّة والدبابيج الرومية بعد أن ذروا فيها المسک والكافور والذبق ۱۱- ل (نیزپ، آ): تافته؛ ل^۲: سوخته؛ (لن: آخته؛ ق، ل، ل، ل^۲: بافته؛ و: ریخته؛ لن: ساخته)؛ س: برآمخته؛ ق: بدو ریخته؛ متن = س^۱ ۱۲- ل، س، ق، ل^۲ (نیزل، ق، ل، ل، لن، آ): عود؛ س^۱ (نیزو): دبق (ج-دبق)؛ متن = (ل، پ، بنداری) ۱۳- (پ: بدان) ۱۴- ل (نیزپ): در بکردند؛ س (نیزل، لن): در بستند؛ (ل، و: در بپوشید)؛ ل^۲: بدبیا بستند؛ متن = ق، س^۱ (نیزق، ل، آ) ۱۵- ل (نیزپ): ز کافور و ز مشک؛ (ل، آ: سربرش مشک و ز کافور) ۱۶- ق، س^۱ (نیزلی، ل، و، آ): آوردگه ۱۷- س: بدو ۱۸- (پ: جاودانی) ۱۹- س، ل، س^۱ (نیزل، و، لن): باشیم؛ (لی، آ: یابی)؛ متن = ل، ق (نیزق، ل، پ) ۲۰- س، ق، س^۱ (نیزل، و): اگر؛ متن = ل، ل^۲ (نیزق، ل، ل، پ، لن، آ) ۲۱- (پ: نهالین) ۲۲- س: بیارو بسیار (!)؛ ق: بناز و بناز (!)؛ ل^۲: بیارو بناز؛ س^۱ (نیزل): بشادی نشین؛ (ق: بیخش و نیاز؛ لی: نیاز و بناز؛ پ: تو در وی نیاز؛ آ: بناز و نیاز)؛ متن = (لن، و، لن): نیاز (!)؛ ۲۳- (ل، آ: خواهی (آ: جویی) آرام جوی)؛ ل این بیت را ندارد ۲۴- ق، س^۱ (نیزل): خاک ۲۵- س^۱ (نیزل): شده دور از آرام ۲۶- ل، ق، ل^۲: وز ۲۷- (لی، لن، آ: تخت گاه) ۲۸- س، ق (نیزل، ق، ل، پ، آ): چل و یک؛ ل^۲ (نیزل): چهل یک؛ متن = ل، س^۱؛ بنداری: و جلس الملك أربعين يوما لعزائه ثم عاود التاج والتخت بعد انقضائه ۲۹- (ل: بدو) ۳۰- ق (نیزل): بدان ۳۱- (ل، و، لن: تو) ۳۲- ل، س^۱ (نیزلی): تاج گوهر برافشانند

یکی سور بُد در جهان سربسَر چو بر تخت بنشست پیروزگر

گفتار اندر سیر شدن کیخسرو از پادشاهی^۲

<p>جهان شد همه^۶ شاه را زیر دست از آن رفتنِ کار^۸ و آن دستگاه ز هند و ز چین اندرون تا به روم،^{۱۰} ز کوه و بیابان و از^{۱۲} خشک وتر، مرا گشت فرمان و گاه^{۱۴} مهی^{۱۵} فراوان مرا روز بر سر گذشت^{۱۷} و گر دل همی^{۲۰} سوی کین^{۲۱} تافتم بداندیشی^{۲۵} و کیش^{۲۶} آهرمنی^{۲۷} که^{۲۹} با تور و سلم^{۳۰} اندر آمد^{۳۱} به زم^{۳۲} دگر سو چو^{۳۵} تور، آن پر از کیمیا^{۳۶} که جز روی^{۳۷} کزئی نیند به خواب به روشن روان اندر آرم^{۴۰} هراس گرامیم به کزئی و راه بدی^{۴۳}</p>	<p>برین^۳ گونه تا سالیان گشت^۴ شست^۵ پُراندیشه شد مایه ورجان^۷ شاه همی گفت: هر جا از^۹ آبادبوم هم از^{۱۱} خاوران تا در باختر سراسر^{۱۳} ز بدخواه کردم تهی جهان از بداندیش بی بیم گشت^{۱۶} ز یزدان همه^{۱۸} آرزو^{۱۹} یافتم روانم^{۲۲} نباید^{۲۳} که آرد منی^{۲۴} شوم بدگنش همچو ضحاک^{۲۸} و جم به^{۳۳} یک سو چو کاوس دارم نیا^{۳۴} چو کاوس و چون جادو افراسیاب به^{۳۸} یزدان شوم یک زمان^{۳۹} ناسپاس ز من بگسلد^{۴۱} فرّه^{۴۲} اینزدی</p>
--	---

۱- س، ل، س، س^۲ (نیز لن، ل، و): که؛ متن = ل، ق (نیز لی، پ، آ) ۲- س: توبت کردن شاه کیخسرو از پادشاهی: ل: سخنان کیخسرو با ایرانیان: س^۴ (چند بیت پایین تر): سیر شدن کیخسرو از پادشاهی: متن = س^۳ ۳- ق (نیز لی، ل، پ): بدین: (لن: بران) ۴- (لی: آ: رفت) ۵- (لن: آ: شصت) ۶- ق: جهانی شده ۷- س^۶ (نیز لی، ل، آ): نامورجان: (ق: جان بیدار) ۸- (ق: شاه: پ: روز: ل: ایزدی کار: و: ایزدی فر) ۹- ل، س^۹ (نیز ق، پ): جایی از: ق (نیز ل): جایی از: (ل: چندین از: و: هر جای: آ: چندی ز): متن = س، ل (نیز لن) ۱۰- س: چین و زترک و زروم: ل، ق: ز چین و زهند و زتوران و روم: (ق، ل، ل، آ: ز چین و زهند اندرون تا بروم): متن = ل، س^{۱۰} (نیز لن، پ، و) ۱۱- س: همه ۱۲- ل، ق، ل، س: و: متن = س ۱۳- ق: بیکسر ۱۴- س، ق، ل (نیز لن، ل، و، ل، و، لن، آ): تخت: س: مهر: (ق: مهر: پ: فرمان دهی و): متن = ل ۱۵- ق: شهی ۱۶- ل: شد ۱۷- ل: دل اهرمن زین به دونه شد: متن = س، ق، ل، س^{۱۷} (نیز لن - آ): بنداری: و قضیت اوطاری و ادرکت ۱۸- (و، آ: همی) ۱۹- ل: آرزو ۲۰- ل (نیز ق، ل، پ، و، آ): همه: متن = س، ق، ل (نیز لن، ل، لن) ۲۱- س: و گرچه دل از کین همی ۲۲- س: زبانه ۲۳- ق: نشاید ۲۴- (پ: نیاید ز آرمین) ۲۵- س، ل (نیز لن، ق): بداندیشه: ق، س^{۲۵} (نیز ل، پ): بر (پ: پر) اندیشه: متن = ل (نیز لی، و، لن، آ) ۲۶- ق: دین: (ل، آ: کار) ۲۷- ل، س، ل، س^{۲۷} (نیز لن، ل، ل، پ، لن، آ): اهرمنی: (ق، و: اهرمنی): متن = ق ۲۸- ل، ق: شوم همچو ضحاک تازی (ق: تازان): متن = ۲۹- ل، ق: چو: متن = س، ل، س^{۲۹} (نیز لن - آ) ۳۰- ل، س: سلم و تور ۳۱- ل: آیم: (ل، و: آید) ۳۲- ل، ل (نیز لن، لن): برم: س: نرم (حرف یکم نقطه ندارد): ق (نیز ق): ستم: س^{۳۲} (نیز لی، ل، و، آ): بهم: متن = (پ) ۳۳- س، ل، س^{۳۳} (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن): ز: متن = ل (نیز لی، آ) ۳۴- ق، س^{۳۴} (نیز ق): سوز: (س: سوی) کاوس دارم نژاد ۳۵- ل: ره چو: (لی، پ، آ: سوی: ل: زیکوبه) ۳۶- ق، س: زتوران پر از (س: پر) کین و باد: (ق: زتور پر از کین و داد: و: زیکو چو توران پر کیمیا): متن = ل، س (نیز لن، لن): درس بیت های ۲۴۴۶ و ۲۴۴۸ پس و پیش شده اند ۳۷- ل، س^{۳۷} (نیز لی، ل، آ): جور و: (پ، و: خون و): متن = س، ل (نیز لن، ق، لن): ق این بیت را ندارد ۳۸- (ق: ز) ۳۹- (و: ناگهان): ق: ز یزدان اگر بیکرمان من شوم (وزن ندارد) ۴۰- س (نیز لن): بدلم اندر آید زهر سو: متن = ل، ق، ل، س^{۴۰} (نیز ق - آ) ۴۱- ق: بگذرد ۴۲- ل، ل (نیز لی، و، لن، آ): فرّه ۴۳- س، ل (نیز لن، پ، لن): نابخردی: متن = ل، ق، س^{۴۳} (نیز ق، ل، ل، و، آ)

<p>۲۴۵۰ از آن^۱ پس برآن^۲ تیرگی^۳ بگذرم به گیتی بماند ز من نام بد تبه گردد این گوشت و رنگ^۴ رخان هنر کم شود، ناسپاسی به جای گرفته کسی تاج و تخت مرا ز من مانده نام بدی^۵ یادگار</p> <p>۲۴۵۵ من اکنون چو کین پدر^{۱۲} خواستم بگشتم کسی را که بایست گشت به^{۱۶} آباد و ویران^{۱۷} درختی^{۱۸} نماند بزرگان گیتی مرا کهترند</p> <p>۲۴۶۰ سپاسم ز یزدان که او داد فر کنون آن به آید که من راه جوی مگر هم بدین خوبی اندر نهان^{۲۵} روانم بدان جای نیکان برد نیابد کسی^{۲۹} زین فزون^{۳۰} نام و کام^{۳۱}</p> <p>۲۴۶۵ رسیدیم^{۳۳} و دیدیم راز جهان کشاورز دیدیم اگر^{۳۵} تاجور</p>	<p>به خاک اندرآید سر و افسرم، همان پیش یزدان سرانجام بد بریزد به خاک اندرون^۵ استخوان روان تیره ماند^۶ به دیگرسرای به پای^۷ اندرآورده بخت^۸ مرا گل^{۱۰} رنج های کهن گشته خار^{۱۱} جهانی^{۱۳} به خوبی بیاراستم که بُد کز و^{۱۴} با راه یزدان^{۱۵} درشت که منشور بخت^{۱۹} مرا برنخواند و گز^{۲۰} چند با گنج^{۲۱} و با افسرند^{۲۲} بدین^{۳۳} گردش اختر و پای و پیر^{۳۴} شوم پیش یزدان پر از آب روی پرستنده ی کردگار جهان^{۲۶}، که این تاج و تخت^{۲۷} مهبی^{۲۸} بگذرد بزرگی و خوبی و آرام و جام^{۳۲} بد و نیک، هم^{۳۴} آشکار و نهان سرانجام بر مرگ باشد گذر</p>
---	---

۱- س، ق (نیز، لن، پ، ل، ن): وزان؛ ل (نیز، آ): وزیر ۲- س، ق، ل (نیز، لن، و): بدان؛ س: کزین؛ (آ: بدین)؛ متن = ل (نیز لن) ۳- س، ل (نیز، آ): بتری؛ (ق: بدگی؛ لن: بدتری)؛ متن = ل، ق، س (نیز، ل، پ، و) ۴- (پ: رنگین؛ لن: گونه رنگ؛ ل: گوش و رنگ)؛ ق: تازه چشم و ۵- س: اندر این؛ (ل، آ: بخاک اندرون ریزد این) ۶- ل، س (نیز، ل): گردد؛ متن = س، ق، ل (نیز، لن، ق، ل، پ، ل، ن، آ) ۷- ل: پیا؛ س: بیاد ۸- (ق: رخت)؛ ل: بیت های ۲۴۵۴ و ۲۴۵۵ را ندارد ۹- ل (نیز، آ): ناه مانده بدین؛ (و: مانده نام بدم)؛ متن = س، ق، س (نیز، لن، ق، ل، پ) ۱۰- ل، س (نیز، آ): گل و؛ متن = س، ق (نیز، لن، ل، پ، و) ۱۱- (ل، ل، آ: خوار؛ ق: همان گل چمنها همه گشته خار) ۱۲- (ق: که کین کهن) ۱۳- س، ل، آ، س (نیز، لن، ق، ل، ل، و، لن): جهانرا؛ متن = ل، ق (نیز، آ) ۱۴- س، ل (نیز، آ): که بد کرد؛ متن ← ۱۵- ق: که بد بود و با پاک یزدان؛ (ق: که بد کثری و راه ایزد)؛ متن = ل، س (نیز، لن، ل، پ، و، لن) ۱۶- س: ز ۱۷- ل، س، ق، ل (نیز، لن، آ): آباد ویران ۱۸- (لن: بآباد و ویرانه جایی) ۱۹- س، ق، ل (نیز، لن، ل، ن، آ): تیغ؛ س (نیز، ل، و): رنج؛ متن = ل (نیز، لن، ق، ل، پ) ۲۰- س (نیز، لن، ق، ل، پ، و): اگر ۲۱- س (نیز، لن، ق، ل): تخت ۲۲- س (نیز، و): لشکرند؛ (پ: گوهرند) ۲۳- ل (نیز، پ): همان؛ (ق: برین؛ و: ابا)؛ متن = س، ق، ل، ل، س (نیز، لن، ل، ل، ن، آ) ۲۴- ل (نیز، و): بر نقطه ندارد؛ س، ق، ل، س (نیز، لن، ل، ل، ن، آ): بر؛ (ق: سر)؛ متن = (ل، پ) ۲۵- س، ل، س (نیز، لن، ل، ن): جهان؛ متن = ل، ق (نیز، ق، ل، و، آ) ۲۶- (ل، و: کامکار جهان)؛ س، ل (نیز، لن، ل): بماند ز من آشکار و (ل: نام نیکی) نهان؛ متن = ل، ق، س (نیز، ق، ل، ل، پ، آ؛ س: بساوند ندارد) ۲۷- س: تخت و تاج ۲۸- س (نیز، لن): کیسی؛ ق: مهان؛ ل: تخم همی ۲۹- ل: بگیتی نبود ۳۰- س: نیاید فزون زین مرا ۳۱- ل: کام و نام؛ (ل، آ: کام و ناز) ۳۲- س: کام (!)؛ (ق: نام (!)؛ ل، آ: آرام باز) ۳۳- س، ل (نیز، لن، پ، ل، ن): شنیدیم؛ متن = ل، ق، س (نیز، ل، ل، و، آ) ۳۴- س: و هم؛ ل، س (نیز، لن، ق، ل، پ، و): او؛ (ل: را)؛ متن = ل، ق (نیز، لن، آ) ۳۵- ل: گر؛ س، ل (نیز، لن، ل): دیدیم و هم؛ ق (نیز، آ): باشد اگر؛ متن = س (نیز، ق، ل، پ، و)

که هر کس که آید بدین بارگاه، همه مردمی جوی ^۲ و تندی مکن!	به سالار نوبت بفرمود شاه سَبک بازگردان به نیکوسخن ^۱
خروشان بیامد ^۳ گشاده میان ^۴ به شمع خرد راه یزدان بجست نیایش گنان رفت، دل ^۵ پُر امید همی گفت با داور پاک راز برآزندهی آتش از تیره خاک ^۶ ، هم اندیشهی نیک و بد ده مرا ^۷ بدین ^۸ نیکوی ها فزایش کنم ز کژی بکش دستگاه مرا همان چارهی دیو آموزگار نگیرد هوا بر ^۹ روانم ستم به نیرو شود کژی و کاستی بدان تا ندارد روانم تباه نگهدار بر من همین راه ^{۱۰} و سان	بیست آن در بارگاه کیان ز بهر پرستش سر و تن بشت ۲۴۷۰ پوشید پس جامه‌ی نو سپیده بیامد خرامان به جای نماز چنین ^۷ گفت کای برتر از جان پاک مرا بین و چندی ^۱ خرد ده مرا ترا تا بیاشم نیایش ^{۱۱} کنم ۲۴۷۵ بیامرز کرده گناه ^{۱۳} مرا بگردان ز جانم بد روزگار بدان تا چو کاوس و ضحاک و جم چو بر من بپوشد در ^{۱۵} راستی ۲۴۸۰ بگردان ز من دیو را دستگاه روانم بدان جای نیکان رسان

گفتار اندر خواهش کردن ایرانیان از کیخسرو^{۱۷}

تن آنجا ^{۱۸} و جانش دگر جای بود به جای پرستش نماندش ^{۱۹} توان	شب و روز یک هفته بر پای بود سر هفته را گشت خسرو نوان
--	---

۱- ل: ورا بازگردان به نیکی سخن؛ متن = س، ق، ل، س^۱ (نیز لن-آ) ۲- ق: جو؛ (ق: گوی)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: ملول شدن کیخسرو از پادشاهی و آغاز ترک او مرشاهی را ۳- ق: خروشی برآمد ۴- (ق: ل، آ: زبان) ۵- س (نیز ل، و: لن): سفید ۶- س، ل، س^۲ (نیز ق، ل، و: و): رفت و دل؛ (پ: با دلی)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، ل، آ) ۷- ل، ق، س^۱ (نیز ق، ل، ل، پ): همی؛ متن = س، ل^۲ (نیز لن، ل، و: لن، آ) ۸- س (نیز لن): آتش و باد و خاک؛ ق: نیکی از تیره خاک؛ (ل، آ: آرایش تیره خاک؛ پ: آتش و تیره خاک)؛ متن = ل، ل، س^۱ (نیز ق، ل، و: لن) ۹- س، ل، س^۲ (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ): نگهدار و (ق، ل، آ: [و] چندی (س: چندان؛ لن، ق: چندین)؛ ق: نگهدار جان و؛ متن = ل ۱۰- ق: بکزی مده دستگه مرمر (۲۴۷۴) ب- ۲۴۷۶ آ را انداخته و از ۲۴۷۴ آ و ۲۴۷۶ ب یک بیت ساخته است)؛ ل، و بیت های ۲۴۷۴ و ۲۴۷۵ را ندارند ۱۱- س (نیز لن، ل): با نیایش ستایش؛ ل^۱ (نیز لن): تا با آتش ستایش؛ (آ: من به نیکی ستایش)؛ متن = ل، س^۲ (نیز ق، پ) ۱۲- س، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، آ): برین؛ متن = ل، س^۲ (نیز ل، پ)؛ درس^۱ بیت های ۲۴۷۵ و ۲۴۷۶ پس و پیش شده اند ۱۳- ل: رفته گناه؛ (ل: نگهدار آیین و راه؛ و: به نیکی نگهدار راه)؛ متن = س، ل، س^۱ (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ) ۱۴- (لن: نجوید؛ ل، و: خرد بر) ۱۵- ق: بیوشی ره؛ س^۲ (نیز ل): ببند در ۱۶- س: رای؛ (لن: هم آیین؛ ق: همان رای)؛ در لست های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- ل: خواهش کردن ایرانیان از کیخسرو؛ س، ق، ل، س^۱ سرنویس ندارند؛ متن = ل ۱۸- س (نیز ل): اینجا؛ درس^۱ پس از این بیت، بیت ۲۴۸۷ آمده است ۱۹- س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، لن): نبودش؛ (و: نماندش بجای پرستش)؛ متن = ل (نیز ل، ل، پ، آ)؛ س^۱ این بیت را ندارد

۲۴۸۵	به هشتم ز جای پرستش برفت همه پهلوانانِ ایران سپاه از آن نامدارانِ روزِ نبرد چو بر ^۵ تخت شد نامورشهریار بفرمود تا پرده برداشتند برفتند با دست کرده به کش
۲۴۹۰	چو طوس و چو گودرز و گئو دلیر چو دیدند ^{۱۲} بردند پیشش نماز که شاها دلیرا سرا ^{۱۴} داورا ^{۱۵} !
۲۴۹۵	چو تو شاه نشست بر تختِ عاج فروزنده ^{۱۸} جوشن و زین ^{۱۹} و اسپ ترسی ز رنج و ننازی ^{۲۱} به گنج همه پهلوانان ترا بنده ^{۲۳} یم
۲۵۰۰	همه دشمنان را سپردی به خاک به هر کشوری لشکر و گنج تُست ندانیم کاندیشه ^{۲۶} ی شهریار ترا زین جهان روزِ بر خوردنِ ست گر از ما به چیزی بیازرد شاه بگوید به ما تا ^{۲۹} دلش خوش کنیم
	بر تختِ شاهی خرامید و ^۲ تفت شِگفتی فرومانده از ^۳ کار شاه همی هر کسی ^۴ دیگراندیشه کرد بیامد به درگاه ^۶ سالار بار سپه را ز ^۷ درگاه ^۸ بگذاشتند بزرگانِ پیل افگن ^۹ شیرفش ^{۱۰} چو گرگین و بیژن، چو رُهامِ شیر ^{۱۱} از آن ^{۱۳} پس همه برگشادند راز جهاندار و بر مهتران مهتر! فروغ از تو گیرده ^{۱۶} می ^{۱۷} مهر و تاج فرازنده ^{۲۰} ی فرخ آذرگُشپ به گیتی ز گنجت فزون ست رنج ^{۲۲} سراسر به دیدار تو زنده ^{۲۳} یم نماندت به گیتی ^{۲۴} ز کس ترس ^{۲۵} و باک به جایی که پی برهنی رنج تُست چرا تیره گشت ^{۲۶} اندرین روزگار نه هنگامِ تیمار و پُرمردنِ ست وز ^{۲۷} آزار او نیست ^{۲۸} ما را گناه، پُر از خون دل و رخ ^{۳۰} پُر ^{۳۱} آتش کنیم

۱- ق: ابر ۲- س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، آ): [و]: متن = ل، س (نیز ل) ۳- س: در ۴- س، ل، س، ل (نیز ل، ل، ل، ل، آ): یکی؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، پ، و) ۵- (ق: بر) ۶- ل: برگاه؛ در س این بیت پس از بیت ۲۴۸۲ آمده است ۷- ق، س (نیز ل): به؛ متن = ل، س، ل (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، آ) ۸- (و: درشاد) ۹- ل (نیز ل، ل، و، ل، آ): اسب افگن ۱۰- ل (نیز ل): شاه فاش؛ س این بیت را ندارد ۱۱- ق بیت های ۲۴۹۰ و ۲۴۹۱ را ندارد؛ بنداری: فدخل علیه الملوك و الاكابر خاضعين له و ضارعين. و هم طوس و جودرز و جیو و بیژن و جرجین و رُهام. فلما راوا وجه الملك سجدا ۱۲- ل: دیدند و ۱۳- ل، س (نیز ل، ل، و، ل، آ): وزان ۱۴- ل، ق (نیز پ): گوا؛ متن = س، ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، و، ل، آ) ۱۵- س (نیز ق، ل، آ): سرورا؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ) ۱۶- س (نیز ل، و): همه ۱۷- س: شهر: (ق: فر) ۱۸- (و: براننده)؛ متن ← ۱۹- ل (نیز پ): فرازنده نیزه و تیغ؛ متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، و، ل، آ) ۲۰- ل، ق (نیز پ، و): فروزنده؛ (ل، آ: پرستنده)؛ متن = س، ل، س (نیز ل، ق، ل، ل، آ) ۲۱- ل: سازی (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل: نیازی؛ (ل، ق: نیازی (حرف دوم نقطه ندارد))؛ متن = س، ق، س (نیز ل، پ، و، آ) ۲۲- ق: زرنجت فروزست گنج (پس او نداند) ۲۳- س (نیز ل، و): اند ۲۴- س، ل، س (نیز ل، ق، ل، و، ل، آ): بگیتی نماندت؛ متن = ل، ق (نیز ل، پ، آ) ۲۵- ل: بیم: (ل: درد) ۲۶- ل: شد ۲۷- ل، ق (نیز ل، و، آ): از؛ س: ز؛ متن = س (نیز ل، ق، ل، پ، ل، آ) ۲۸- س، ل (نیز ل، پ، ل، آ): هست؛ ق: چیست؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۲۹- (ق: بگوید که تا ما) ۳۰- ق، ل، س (نیز ل، ق، ل، آ): رخ و دل: (ل، آ: رخ و جان: ل: دل خود)؛ متن = ل، س (نیز پ) ۳۱- (و: پر از شرم رخ را چو)

و گر دشمنی دارد اندر نهان
 همه^۱ تاجداران که بودند شاه
 ۲۵۰۵ که گر سرستانند و گر^۴ سردهنده
 نهانی که^۶ دارد بگوید به ما
 چنین داد پاسخ گرانمایه^{۱۰} شاه
 به گیتی ز دشمن^{۱۲} مرا نیست رنج
 نه آزار دارم ز کار^{۱۶} سپاه
 ۲۵۱۰ ز دشمن^{۱۸} چو کین پدر خواستم
 به گیتی پی^{۲۰} خاک تیره نماند
 شما تیغها در^{۲۲} نیام آورید
 به جای خروش^{۲۴} کمان، نای و چنگ
 به یک هفته من^{۲۶} پیش یزدان به پای
 ۲۵۱۵ یکی آرزو^{۳۰} دارم اندر نهان
 بگویم گشاده، چو پاسخ دهد^{۳۱}
 شما پیش یزدان نیایش کنید
 که او داد بر نیک و بد دستگاه
 و زان^{۳۷} پس به می^{۳۸} شادمانی کنید

بگوید به ما شهریار جهان
 بدین^۲ داشتند ارج گنج و سپاه^۳،
 چو ترگ دلیران به سر برهنند
 همان چاره‌ی آن^۷ بجوید به^۸ ما
 که ای پهلوانان جوینده راه^{۱۱}
 نشد^{۱۳} نیز جایی^{۱۴} پراکنده^{۱۵} گنج
 نه اندر شما هست مرد^{۱۷} گناه
 به داد و به دین گیتی^{۱۹} آراستم
 که مهر^{۲۱} نگین مرا برنخواند
 بر آیین شمشیر^{۲۳} جام آورید
 بسازید با باده و بوی و رنگ^{۲۵}
 بپوشم به^{۲۷} اندیشه و^{۲۸} پاک رای^{۲۹}
 همی خواهم از کردگار جهان
 به پاسخ مرا روز^{۳۲} فرخ نهد^{۳۳}
 برین^{۳۴} کام و شادی^{۳۵} ستایش کنید
 ستایش مرو را که بنمود راه^{۳۶}
 ز بدها روان بی گمانی کنید

۱-ق: همان ۲-س، ل (نیز لن، و): بر برین؛ ق (نیز ق، ل، آ): بدان؛ متن = ل، س (نیز ل، پ، لن) ۳-س (نیز لن): ارج و
 (لن: [و]) تخت و کلاه؛ ل: ارج و گنج و سپاه: س (نیز ل): ارج و گنج و سپاه؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، پ، و، لن) ۴- (پ: اگر)؛
 س، ل، س (نیز لن، ق، ل، لن، آ): که تا (س: یا) سرستانند اگر (س: ق: و یا؛ لن، ل، آ: یا)؛ متن = ل ۵- (ل، و): که تا برستانند
 و بارش دهند) ۶-ق: چه ۷-ل (نیز ق، ل، آ): او؛ (ل، آ: چاره‌ها را) ۸-ل، ق (نیز لن، ل، ل، آ): ز (پساونند ندارند)؛
 متن = س، ل، س (نیز ق، پ، لن) ۹- (و: جهاندار)؛ متن ← ۱۰-ل، ق (نیز ل، آ): بدیشان (ق: بایشان) چنین گفت پس
 شهریار؛ متن ← ۱۱- (و: با دستگاه)؛ ل، ق (نیز ل، آ): که با کس نماندستمان (ل: ندارید کس) کارزار؛ متن = س، ل، س (نیز لن،
 ق، پ، لن)؛ بنداری؛ فقال الملک: أیها الأكابر ۱۲-س: ز دشمن بگیتی ۱۳-ل: شد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل:
 شد ۱۴-ل: جام (حرف یکم نقطه ندارد) ۱۵- (ل: نه جایی پراکنده گشتت)؛ درس بیت‌های ۲۵۰۸ و ۲۵۰۹ پس از بیت
 ۲۵۱۱ آمده‌اند ۱۶-ل: بکار؛ ل: ز گاه و ۱۷-س: کس را ۱۸-س: بگیتی ۱۹- (و: کشور) ۲۰-س:
 (نیز ل): کنی؛ ق: نه بی (!)؛ ل: همی؛ آ: بسی) ۲۱-س (نیز ل، آ): مهر و؛ ق: بیت‌های ۲۵۱۱ و ۲۵۱۲ را ندارد ۲۲-ق:
 با) ۲۳-ل: می سرخ و سیمینه؛ متن = س، ل، س (نیز لن-آ) ۲۴- (ق: جزنگ) ۲۵-ق: باده گل بزنگ ۲۶-
 س، ل (نیز لن، ق، و، لن): بر؛ متن = ل، ق، س (نیز ل، پ، آ) ۲۷-س، ل (نیز لن-ل، آ): بر؛ (لن: پر)؛ متن = ل، س (نیز
 پ، و) ۲۸-ل: [و] ۲۹-س (نیز لن، ل، آ): نیک رای ۳۰-ل: آرزوی ۳۱-ل، ل (نیز لن، ق، ل، پ، لن): دهید؛
 س: دهی؛ (آ: نهند)؛ متن = س، ق (نیز ل، و) ۳۲- (پ، و: رای) ۳۳-ل، ل (نیز لن، ق، ل، پ، لن): نهند؛ س: نهی؛ (آ:
 نهند)؛ متن = س، ق (نیز ل، و)؛ بنداری: وأنا فان لی الی الله تعالی حاجة قد عرضتها علیہ ۳۴-س، ل (نیز لن، ل، پ، لن): بدین؛ (ل:
 بدان)؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، و) ۳۵- (ق: رامش؛ و: کامکاری) ۳۶-ق: بیت‌های ۲۵۱۸ و ۲۵۱۹ را ندارد ۳۷-ل:
 ازان ۳۸-ل (نیز ل، و): بن؛ س: یکی؛ متن = س، ل (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ)

۲۵۲۰ بدانید کین چرخ ناپایدار
همی بدرود^۲ پیر و برنا^۳ بهم

نداندهمی کهر از شهریار^۱
ازو داد بینم^۲ و زو هم^۴ ستم

همه پهلوانان ز نزدیک شاه
به سالار بار آن زمان گفت شاه
کسی را مده بار در پیش من
بیامد به جای پرستش به شب^۸

۲۵۲۵
همی گفت کای برتر از برتری
تو باشی به مینو مرا رهنمای
به کزی^{۱۲} دلم هیچ ناتافته^{۱۳}

برون آمدند از غمان جان تباه^۵
که بنشین پس پرده^۶ بارگاه،
ز بیگانه و مردم^۷ خویش من
به دادار^۱ دارنده بگشاد لب^{۱۰}
فرایندهی پاکی و مهتری^{۱۱}،
مگر بگذرم زین سپنجی سرای
روان جای^{۱۴} روشن دلان یافته^{۱۵}

گفتار اندر رفتن گیوه زاوستان به آگاه کردن زال ورسم از کار شاه^{۱۶}

چوبک هفته^{۱۷} بگذشت و^{۱۸} نمود^{۱۹} روی
همه پهلوانان شدند انجمن

۲۵۳۰
چو گودرز و چون طوس نوذر نژاد
ز کردار شاهان برتر قمش
همه داستانها زدند از مهان^{۲۷}
پدر گیو را گفت کای نیک بخت
از ایران^{۲۹} بسی رنج برداشتی

برآمد یکی^{۲۰} غلغل و گفت و گوی^{۲۱}
بزرگان^{۲۲} فرزانه و^{۲۳} رای زن
سخن رفت^{۲۴} چندی ز^{۲۵} بیداد و داد
ز یزدان پرستان و از^{۲۶} بدگوش
بزرگان و فرزانهگان^{۲۸} جهان
همیشه پرستندهی تاج و تخت،
بروبوم و پیوند بگذاشتی،

۱- ق، ل، س^۱ (نیز ق، ل، ل، ل، آ): لشکر و شهریار؛ (ل، پ، و: کهر و شهریار)؛ س (نیز ل، ب): نه پرورده داند نه پروردگار؛ متن = ل ۲- س، ل، س^۱ (نیز ل، ق، ل، و، ل، ب): پرورده؛ متن = ل، ق (نیز ل، ب، آ) ۳- (ل، ل، آ: بینم) ۴- س، ق، ل، س^۱ (نیز ل، ق، و، ل، ب): و هم زو؛ متن = ل (نیز ل، ل، پ، آ) ۵- ق، س^۱ (نیز ق، ل، آ): دل تباها؛ س، ل (نیز ل، ب، و، ل، ب): بر رفتند بر (ب، و، ب: پر؛ ل، آ: با) درد و تاریک راه؛ (ل: بر رفتند بیجان و پر غم براه)؛ متن = ل ۶- س (نیز ل، ب): بر پرده و؛ ق: بر پرده؛ س^۱: بدین پرده؛ (ق: برین پرده و؛ ل، آ: بره برد؛ ب: تو بر پرده و)؛ متن = ل، ل (نیز ل، آ) ۷- س (نیز ل، ل، آ، ب): زیبگانگان مردم و؛ ل (نیز ل، آ): زیبگانه مردم و (!)؛ س^۱: زیبگانه مردم چه از؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، پ، و) ۸- س (نیز ل، ب): بدشت؛ (آ: نشست) ۹- (ق: بدارای) ۱۰- س (نیز ل، آ): دست ۱۱- ق (نیز ق، ل، آ): بهتری ۱۲- ل: بکردی (نقطه ندارد)؛ متن = س، ل، س^۱ (نیز ل، ب) ۱۳- ل، س (نیز ل، ب): ما یافته (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند)؛ ل (نیز ق، ل، ل، ل، آ، ب): نایافته؛ س^۱: نایافته (!)؛ متن = (ب، و) ۱۴- (ل: وگر جان؛ ق، ل، آ: وزان جای) ۱۵- ل، س (نیز ق، و): یافته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س^۱: یافته؛ (ل، ل، آ: تافته)؛ متن = ل (نیز ل، ب، ل، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۶- س (بیت پایین تر): رفتن گیو زابلستان باگاه کردن زال و رسم از کار شاه؛ ق: فرستادن ایرانیان گیو را نزد زال و رسم بیستان؛ ل: رفتن گیو باگاه گردانیدن زال و رسم؛ س^۱: پیغام ایرانیان نزد زال و رسم؛ متن = س ۱۷- س^۱: یکچند ۱۸- ل (نیز ق، آ): [و]؛ (ل، و: بنشست) ۱۹- ل: نمود ۲۰- (ل: بسی) ۲۱- ل: گفت گوی؛ ق: گفت گوی ۲۲- س^۱: بزرگان و ۲۳- س، ق، ل، س^۱ (نیز ل، ل، پ، و، ل، ب): [و]؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ) ۲۴- ل (نیز ل، آ): گفت ۲۵- س: هرگونه ۲۶- ل، ق، ل، س^۱: وز؛ متن = س ۲۷- (ل: اندران) ۲۸- (ل، آ: پرمایگان) ۲۹- س (نیز ل، ل، ل، ب): ز ایران؛ س^۱: فراوان؛ (ل، آ: بایران)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، ب، و)

به پیش آمد^۱ اکنون یکی تیره‌کار^۲
 بیاید شدن سوی زاولستان^۵
 به زال^۸ و به رستم بگویی که شاه
 در بار بر نامداران بیست
 ۲۵۱۰ بسی پوزش و خواهش^۹ آراستیم
 فراوان شنید ایچ^{۱۲} پاسخ نداد
 بترسیم کو^{۱۴} همچو کاوس شاه
 شما پهلوانید و داناترید
 کون هر که^{۱۸} دارید^{۱۹} پاکیزه‌رای
 ۲۵۱۵ ستاره‌شناسان^{۲۳} کاولستان^{۲۴}
 به ایران خرامید و^{۲۸} با خویشتن
 شد این پادشاهی پُراز گفت و گوی^{۳۱}
 فگندیم هر گونه‌یی رای^{۳۴} بُن

ز لشکر گزین کرد مردانِ نیو
 از^{۳۵} ایران ره سیستان برگرفت
 سَخُن‌های گودرز بشنید گیو
 ۲۵۵۰ برآشت و اندیشه اندرگرفت

۱- (ل: است) ۲- ق: زشت کار؛ (ل: آ: کارزار) ۳- س: (نیزل: و): این ۴- ق: (نیزل: آ): گیریم ۵- ل- س: (نیزل: ق: آ، ل، پ، لن، آ، ب، بنداری): زابلستان؛ متن = (ل: و) ۶- ق: (ق: به پیش سپه‌دار: ل، آ: دوانید مردی به) ۷- ل- س: (نیزل: ب): کاابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- ل: بزابل؛ متن = س، ق، ل، س: (نیزل: ب): بنداری؛ و اعلام رستم و داستان؛ درس^۱ پس از این بیت، بیت ۲۵۴۳ آمده است ۹- س، ل، س: (نیزل: ل، آ، و، لن، آ، ب): خواهش و پوزش ۱۰- ل: زین ۱۱- س: (نیزل: ب): داد ازو؛ ق: رای او؛ ل: (نیزل: پ، لن، آ): داد او؛ س: (نیزل: ل، آ): راز او؛ ل: آرزو؛ و: وزان آرزو زو (سخن)؛ متن = ل ۱۲- ق: او و ۱۳- (ل: گشت و سرش؛ ل: دیدم و لب؛ و: دیدم سرش؛ آ: گشتت و سر؛ ب: بینی و سر؛ ق: تیره دیدم سر)؛ متن = ل- س: (نیزل: پ، لن، آ) ۱۴- ل: (نیزل: لن، آ، ب): کین؛ س: بترسیم که این؛ ق: (نیزل: ل، آ، و، آ): بترسیم که او؛ متن = ل، س: (نیزل: ب) ۱۵- (لن: گردن) ۱۶- (ل: و: زیزدان بیچید و گم کرد راه = ۲۵۳۸ ب) ۱۷- درس^۱ این بیت پس از بیت ۲۵۳۸ آمده است ۱۸- ل: هرک؛ س: (نیزو): هرچه ۱۹- ل: او هست؛ س: (نیزل): دارند؛ (پ: راهست؛ و: دارند)؛ متن = ق، ل، س: (نیزل: ل، آ، ب) ۲۰- ل، ق، ل، س: (نیزل: س: و: متن = س ۲۱- ل: دور (نقطه ندارد)؛ (ق: بربر؛ ل: دیر) ۲۲- ل: هر آنکس که هستند اخترگرای؛ (پ: خرد را به نیکی شود رهنمای)؛ س، لن، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ستاره‌شناسان پاکیزه‌رای

هر آنکس که هستند اخترگرای

۲۳- س: خردمند مردم ز ۲۴- ل، س، ق، ل: (نیزل: پ، لن، آ، ب): کاابلستان؛ س: زابلستان؛ (و: زاولستان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵- ق: (نیزل: آ): همان؛ س: (نیزل: آ): هم از ۲۶- ق: تیزرایان ۲۷- ل، س، ق، ل: (نیزل: پ، لن، آ، ب): زابلستان؛ س: (نیزو): کاابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸- ل، ق: (نیزل: پ، و، لن، آ): [و]: (ل: بیارید؛ ق: بیاید خرامید)؛ متن = س، ل، س: (نیزل: ب) ۲۹- س: بیارند ۳۰- ل، س: زین؛ (ل: آ: از آن)؛ درل، پ: لست‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۱- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۳۲- (ل: و: بنهفت) ۳۳- س: پاک ۳۴- ل: هرگونه رایی ز؛ (ل: آ: دلیران فکندند هرگونه)؛ متن = س، ق، ل، س: (نیزهفت دستوبس دیگر) ۳۵- ل، س، ق، ل: ز: متن = س

بگفت آن شگفتی که دید و شنید
که گشتم با رنج بسیار جفت
ستاره‌شناسان و هم موبدان،
بدان^۸ تا بیایند با ما به راه^۹

چو نزدیک دستان و رستم رسید
غمی^۱ گشت پس^۲ نامور زال^۳ گفت
به رستم چنین^۵ گفت کز بخردان
ز زاول بخوان و ز کاول بخواه^۷

ز هر گونه‌یی دانشی موبدان^{۱۰}،
ز زاول^{۱۱} به ایران^{۱۲} نهادند روی^{۱۳}

۲۵۵۵ شدند انجمن موبدان و ردان
همه سوی دستان نهادند روی

به هشتم چو بفروخت گیتی فروز،
نشست از بر تخت زر^{۱۷} شهریار
برفتند نزدیک شاه جهان^{۱۹}
بزرگانِ بادانش و^{۲۰} رهنمای^{۲۱}
به رسمِ کیان پایگه^{۲۲} ساختشان
کس از پای نشست و نگشاد دست
جهاندارِ باداد و^{۲۴} روشن روان^{۲۵}
ز خورشید تا بخش^{۲۶} ماهی تراست

جهاندار^{۱۴} بر پای بُد هفت^{۱۵} روز
ز در^{۱۶} پرده برداشت سالار بار
همه پهلوانان ابا موبدان^{۱۸}
۲۵۶۰ فراوان بیودند پیشش به پای
جهاندار چون دید بنواختشان
از آن نامداران خسروپرست
گشادند لب کای سپهر روان^{۲۳}
توانایی و فرّ شاهی تراست

۱- (لی: غمین) ۲- س، ل^۱ (نیز لن، لی، ل^۲، و، لن، ب): و با؛ ق، س^۱ (نیز ق، آ): با؛ متن = ل (نیز پ)؛ بنداری: فسار
جیوال زابلستان، و آخر رستم بما دهام من حال الملك. فاهم رستم و ذکر الحال لأبیه ۳- (پ: زال و) ۴- ق:
با درد و تیمار ۵- (لی: آ: پدر) ۶- ق: وز ۷- ل، س^۱ (نیز لی، پ، آ): ز زابل بخوان و ز کابل بخواه؛ س، ق،
ل^۲ (نیز لن، ق، ل^۲، و، پ): ز کابل بخوان و ز (ق: به) زابل بخواه (ق: نشان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- (پ: همی) ۹-
ق: چنان ۱۰- س: هنرمند و بیداردل موبدان؛ ق، ل، س^۱ (نیز لن، ل، ب): ستاره‌شناسان و هم بخردان؛ (ق، و):
بزرگان و پردانش (و: پرمایه) و بخردان؛ متن = ل؛ لی، پ، لن، آ این بیت را ندارند ۱۱- ل، س^۱ (نیز لن، پ، لن، آ، ب):
زابل؛ متن = (و) ۱۲- س^۱: بسایوان؛ بنداری: واستصحابهم الی ایران ۱۳- ق: همه راه جوی؛ (لی: آ: ابا
گفت و گوی) ۱۴- (لی: آ: سپهدار) ۱۵- س، ل^۲ (نیز لن، لن، ب) یک هفته؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیز ق، و، آ) ۱۶-
س، ق، ل^۲ (نیز لن، لن، ب): در؛ متن = ل، س^۱ (نیز ق، لی، ل، پ، آ) ۱۷- س^۱ (نیز ل، پ، لن، آ): بر ۱۸- س:
بخرم نهان؛ (ق: و: خرم نهان؛ ل^۲: خورم نهان؛ و: خرم نهان)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۱۹- س
(نیز لن، ب): ردان ۲۰- ق (نیز و): [و]؛ س (نیز لن، لن، ب): پردانش؛ ل^۲ (نیز پ): پردانش و؛ متن = ل (نیز ق، لی، ل، آ،
آ) ۲۱- (ق، ل، ل^۲، و: نیک رای)؛ س^۱: چه کردیم و بر ما چه داری تورای ۲۲- ق (نیز ق): جایگه؛ (لن: مهی جایگه؛ لی،
آ: نیا پایگه؛ ل^۲، و: کهن پایگه؛ پ: کیی جایگه)؛ س، ل^۲ (نیز لن، ب): برسمی که بد جایگه؛ متن = ل؛ س^۱ بیت‌های ۲۵۶۱-۲۵۶۳ را
ندارد ۲۳- (ل، و: شه موبدان) ۲۴- ق (نیز لن، ق، پ): [و]؛ ل^۲ (نیز ل، و): پر (ل: بر) داد؛ متن ← ۲۵- (لی، آ:
بدانی بکردار و نیکو گمان)؛ متن = ل، س (نیز ب) ۲۶- ل، ق (نیز پ): پشت؛ (لن: برج؛ آ: تخت → بخش)؛ ل^۲: در گاو تا
پشت؛ س^۱: ز گل تا بر برج؛ (لن، ب: ز خورتا پی بخش؛ ل^۲: ز گل تا پی گاو؛ و: زمه تا پی بخش)؛ متن = (لی)؛ س، ق^۱ این بیت را
ندارند

۲۵۶۵ همه بودنی‌ها به روشن‌روان^۱
 همه بندگانیم پشت به پای
 بدانی، بگردان به دانش زوان^۲
 همه پهلوانان فرخنده‌رای^۳،
 چه کردیم و بر ما چرا بست راه^۴؟
 دل ما پر آزار^۵ و تیمار گشت
 برین^۶ مرزبانان^۷ گم‌کرده‌راه
 همه چادرِ خاک مُشکی کنیم^۸
 به خنجر دل دشمنان بشکنیم^۹
 نبیند ز گنج^{۱۰} درم نیر^{۱۱} رنج
 پر از درد گریان ز رنج تویم
 همه پاسبانان گنج تویم

۲۵۷۰ چنین داد پاسخ جهاندار باز
 ولیکن ندارم همی دل به رنج
 نه از^{۱۲} کشوری دشمن آمد پدید
 یکی آرزو خواست روشن‌دل
 بدان^{۱۳} آرزو^{۱۴} دارم اکنون امید
 چو یابم بگوم همه راز خویش
 که از پهلوانان نیم بی‌نیاز
 ز نیروی دست و ز مردان و^{۱۵} گنج
 که تیمار آن بد^{۱۶} بیاید^{۱۷} کشید
 همی بر دل آن آرزو^{۱۸} نگسلم^{۱۹}
 شب تیره و گاه^{۲۰} روز سپید^{۲۱}
 برآرم نهان‌کرده‌آواز خویش

۱- ل (نیزلی، آ): تواندر نهان ۲- (ل: زبان)؛ ل، ق (نیزب): بدانی بگردان و دانش جوان (پ: روان؛ ق: آتش روان)؛ س: بدانی ز گردون بدانش روان؛ ل (نیزلی، آ): ببینی بدانی به روشن‌روان؛ س: جهاندار و بیدار و روشن‌روان (!)؛ (و: بدانی بدانش بگردان زبان)؛ متن تصحیح قیاسی است (ل: و؛ نیز-س، ل، ق، پ)؛ ل، ق، ل، ن این بیت را ندارند؛ س، ل، ل، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:
 همه پهلوانان ترا بنده‌ایم

بگفتار و رایست سرافکننده‌ایم

۳- (ق، ل، آ): و: نو ما را بدین آرزو رهنمای؛ ل، آ: چه کردیم و دیگر چه آمد ز رای)؛ متن = س، ل (نیزب، ل، ن، ب)؛ ل، ق، س، ل، ن این بیت را ندارند ۴- ل، ق: در پیش شاه؛ س، ل (نیزلن، ل، ن، ب): بدان تا ز ما خود بدین بارگاه (لن: پایگاه)؛ (پ: بگوید بما شاه تا از گناه)؛ متن = س (نیزق، ل، ل، آ، و، آ) ۵- س، ل (نیزلن، ل، ن، ب): چه آمد که بر ما بستنی توراه؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، و، آ) ۶- (ل، پ: بدین) ۷- (لن، آ، ب: پر از درد)؛ ل، ق، ل، آ، و بیت‌های ۲۵۶۸ و ۲۵۶۹ را ندارند ۸- ل، ل، س (نیزب): بدین ۹- (ل، آ: پهلوانان) ۱۰- (ل، آ: غمگین) ۱۱- (ق، ل، آ: مشکین کنیم؛ ل، ن، آ، و: بخنجر دل ازدها (لن: دشمنان) بشکنیم)؛ س این بیت را ندارد ۱۲- س: برکنیم؛ (ق: ازدها بشکنیم؛ ل، آ، و: بنیزه بدریا سیر افکنیم) ۱۳- س (نیزق، ل، ل، آ، و، ل، ن، آ): ز؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، پ، ب) ۱۴- س (نیزلن، ل، ل، آ، ب، و، آ، ب): گنج و ۱۵- س (نیزق، ل، آ، و): شاه؛ (ل، آ: ایچ) ۱۶- ل، ل، ل (نیزق، ل، ن، آ، ب): [و] ۱۷- ل، ل، س (نیزلن، آ): در؛ متن = س (نیزب) ۱۸- (ق: آنرا؛ ل، آ: آم؛ ب: آن بر) ۱۹- س: نشاید؛ ل، ق بیت‌های ۲۵۷۶ و ۲۵۷۷ را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: فقال له: إنه ليس بي شيء مما تذكرون. و لكن في نفسي أمنية أرجو أن أبلغها من الله عز وجل. وهأنا أسأله ذلك طول الليل والنهار ۲۰- (ل: از آرزو؛ ل، آ: کز آن آرزو دل همی) ۲۱- س، ل (نیزلن، ل، آ، و، ب): بگسلم؛ س (نیزلی، ل، ن، آ): بگسلم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = (ق، ل، ب) ۲۲- ل: بکی؛ س: چنان؛ ق: بران؛ (ق: وزان)؛ متن = ل، ل، س (نیزلن، ل، ب) ۲۳- ل: آرزوی ۲۴- ل، ق، ل (نیزل، ل، ب، ب): تا گاه؛ س: بر گاه؛ (ل، آ: و نیز)؛ متن = س (نیزلن، ق، آ، و، ل، ن؛ -بنداری) ۲۵- (و، ل، ن: سفید)

۲۵۸۰ شها بازگردید پیروز و شاد
همه پهلوانانِ آزادمرد
چو ایشان برفتند پیروزشاه^۴
فروهشت و بنشست گریان به در^۵
بداندیشه بر دل مگیرید^۱ یاد
برو^۲ خواندند آفرینی^۳ به درد
بفرمود تا پرده‌ی بارگاه،
به نومیدي^۶ شاه پیروزگر^۷

گفتار اندر خواب دیدن شاه کیخسرو سروش را^۸

۲۵۸۵ جهاندار شد^۹ پیش برترخدای^{۱۰}
همی گفت کای^{۱۱} کردگار سپهر
ازین شهریاری مرا سود نیست
ز من نیکوی گر پذیرفت و زشت^{۱۳}
چنین پنج هفته خروشان به پای
شب تیره از رنج^{۱۸} نغنود شاه
بخفت او و روشن روانش نخفت^{۲۰}
چنان دید در خواب کورا به گوش
که ای شاه نیک اختر^{۲۱} نیک بخت
اگر زین جهان تیر^{۲۴} بشتافتی^{۲۵}
به همسایگی^{۲۷} داور پاک، جای

همی خواست تا باشدش رهنمای
فروزنده‌ی نیکی و داد و مهر،
گر از من خداوند خشنود نیست^{۱۲}
نشستن^{۱۴} مرا جای ده^{۱۵} در بهشت
همی بود بر^{۱۶} پیش گیهان خدای^{۱۷}
بدانگه که برزد سر از برج^{۱۹} ماه،
که اندر جهان با خرد بود جفت
نهفته بگفتی خجسته سروش،
بسوده^{۲۲} بسی یاره^{۲۳} و تاج و تخت،
کنون آنچه^{۲۶} جُستی همه یافتی
بیابی، بدین^{۲۸} تیرگی^{۲۹} در میای!

۱- ل (نیزق^۲): مدارید؛ ق: ز اندیشه بد مگیرید؛ ل: بر اندیشه دل بر مگیرید؛ س: (نیزل^۲، ل^۲، ل^۲): وز (ل^۲، ل^۲): ز) اندیشه بر دل مگیرید؛ (ل)
آبر (آ: پر) اندیشه درد دل مگیرید؛ متن = س (نیزلن، پ، و، ب) ۲- (ل، آ: بدو؛ ل^۲، و: همی) ۳- س، ق، ل (نیزق^۲، ب، ل^۲، ب)
ب: (آفرین ها؛ (و: آفرین)؛ متن = ل، س (نیزل، ل^۲، آ) ۴- س، ل (نیزق^۲ - ب): بیدار شاه؛ متن = ل، ق، س ۵- ل، س (نیز
ل^۲، ب): بدرد؛ متن = س، ق، ل (نیزلن، ق^۲، ل، و، ل^۲، ب) ۶- (لن، و، ل^۲): بنومیدي (از)؛ متن ← ۷- (ل^۲): پیروز کرد؛ ل (نیز
پ): همی بود بیجان و رخ لاژورد؛ س: بنزد جهانداور دادگر؛ متن = ق، ل^۲، س (نیزق^۲، ل، و، آ): و، ب؛ س (پساوند ندارد) ۸- ل: ستایش
کردن خسرو به یزدان؛ س، س: بخواب دیدن کیخسرو (س: شاه کیخسرو) سروش را؛ متن ← س ۹- ل: بر ۱۰- (ق): جهاندار
از دادگریک خدای (۱۱- (ق): با) ۱۲- درس پس از این بیت، بیت ۲۵۸۷ آمده است ۱۳- س، ل (نیزلن، پ، ل^۲، ب)
ب: نیکویی در پذیری و (پ: تو) زشت؛ س (نیزق^۲، ل، و، آ): نیکویی رفت (س: بود) بسیار و (ل^۲): و بسیار) زشت؛ متن =
ل ۱۴- س، ل^۲، س (نیزلن، ق^۲، ل، و، ل^۲، ب): نشست؛ متن = ل (نیزل^۲، آ) ۱۵- (ل، آ: کن)؛ ق این بیت را
ندارد ۱۶- س، س (نیزل، پ، آ): در ۱۷- س (نیزلن، ب): برترخدای؛ ل (نیزلن^۲): همی بود پیش جهان کدخدای؛ درس پس
از این بیت، بیت ۲۵۸۶ آمده است ۱۸- ل: درد ۱۹- ق، س (نیزل، پ، و، آ): چرخ؛ متن = ل، س، ل (نیزلن، ق^۲، ل^۲، ل^۲، ب)
۲۰- ل، س، ق، س (نیزلن، و، ل^۲): نخفت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل (نیزب): بخفت؛ متن = (ق^۲، ل، و، ل^۲، پ، آ) ۲۱-
ل: نیک اختر و ۲۲- ل، ق (نیزب): بسودی؛ س: بسوده؛ متن = س، ل (نیزلن - ل^۲، و- ب) ۲۳- ل (نیزو): باره (نقطه ندارد)؛
ق (نیزل^۲): باره؛ متن = س، ل^۲، س (نیزهفت دستویس دیگر) ۲۴- ل، ل (نیزو، آ): سز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س: بیز
(حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = س، ق (نیزلن - پ، ل^۲، ب) ۲۵- ل، س (نیزلن، و): بشتافتی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ب: بشتافتی)؛
متن = ق، ل^۲، س (نیزق^۲، ل، و، ل^۲، آ) ۲۶- ق، ل: آنچه ۲۷- ق، س (نیزل^۲، پ): همسایه ۲۸- ق (نیزق^۲):
درین ۲۹- ل: تیره گی

۲۵۹۵ چوبخشی^۱، به^۲ ارزانیان^۳ بخش گنج^۴
 توانگره شوی، چون که^۵ درویش را
 کسی گردد این ز چنگ^۶ بلا
 هر آنکس که از بهر تو^۷ رنج برد
 چوبخشی^۸ به^۹ ارزانیان بخش^{۱۰} چیز
 ۲۶۰۰ سرِ تخت را^{۱۱} پادشاهی گزین
 چو گیتی ببخشی میاسای هیچ

ز خوی دید جای پرستش پُرآب
 همی خواند^{۱۲} بر کردگار آفرین
 ز یزدان همه^{۱۳} کام دل^{۱۴} یافتم
 یکی جامه‌ی نابسوده^{۱۵} بچُست^{۱۶}،
 جهاندار بی باره و طوق^{۱۷} و تاج
 چو بیدار شد رنج دیده ز خواب
 همی بود^{۱۸} گریان و رخ بر زمین
 همی گفت: اگر^{۱۹} تیر^{۲۰} بشتافتم^{۲۱}
 ۲۶۰۵ بیامد سر^{۲۲} تختِ شاهی بشت^{۲۳}
 بپوشید و بنشست بر تختِ عاج

گفتار اندر آمدن زال و رسم به ایران و پند دادن زال کیخسرو را^{۲۴}

سر هفته را^{۲۵} زال و رسم بهم رسیدند بی کام^{۲۶} و دل پُر ز غم

۱-س^۱ (نیز ل^۲): آبی ۲-ل^۱ (نیز ق^۲، و): بر ۳-س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، و): ایرانیان ۴-ق^۲: تخت و گنج؛ لن: چوبخشی
 ببخش آن سزاوار گنج؛ بنداری: و فرق الأموال علی المحتاجین والفقراء والمساکین ۵-س (نیز لن، ل^۱): تونگر ۶-ل: شود از تو؛ س^۱
 (نیز ل^۲): بکن مرد؛ ق^۲: شوی گرتو؛ پ: کنی مرد؛ و: شود آنک؛ ل^۱: آ: که باشد نگهدار؛ متن = س، ل^۲ (نیز لن، ل^۱، ب) ۷-ل (نیز
 پ): کنی شادمان؛ س (نیز لن، ب): نوازی و هم؛ س^۱: بکن شادمان؛ ل^۱: آ: کند شادمان؛ ل^۲: زیگانه و؛ و: کند شاد و هم؛ متن = ل^۱ (نیز
 ق^۲، ل^۲): ق بیت های ۲۵۹۶-۲۵۹۹ را ندارد ۸-س (نیز ق^۲): جنگ و؛ حرف یکم تنها در پ، لن^۱ با سه نقطه ۹-پ: ازم؛
 س^۱ (نیز ل^۲): رهایی ازین ۱۰-ل (و: مهر تو؛ ل^۱: آ: که او بهره از) ۱۱-س، س^۱ (نیز لن، پ، ب): که رنج؛ متن = ل، ل^۱ (نیز ل^۲،
 ل^۲، و) ۱۲-س، ل^۱ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، و، لن^۱، ب): ببخش و؛ متن = ل، س^۱ (نیز ل^۲، پ) ۱۳-ل (نیز ل^۲): بر ۱۴-ق^۲:
 ایرانیان ده تو؛ ل^۱: و؛ ایرانیان بخش؛ بیت ۲۵۹۵ ۱۵-ل: چیز (پساوند ندارد) ۱۶-ل: از ۱۷-س، ل^۱ (نیز لن، ل^۱،
 ب): شود؛ متن = ل، ق، س^۱ (نیز ق^۲، ل^۱، ب) ۱۸-ق: در؛ ل^۲: دیوار و در ۱۹-ل (و: گشت) ۲۰-ق (نیز ق^۲):
 کرد ۲۱-ل: گر ۲۲-ل: سز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س^۱ (نیز و، آ): تیر؛ متن = س، ل^۱ (نیز لن-پ، لن^۱،
 ب) ۲۳-ل (نیز و): بشتافتم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز لن): نشافتم؛ متن = ل^۱، س^۱ (نیز هفت دستویس دیگر) ۲۴-ل^۲:
 همی ۲۵-ل (و: آرزو) ۲۶-ل، ق: بر؛ س^۱ (نیز ق^۲): بران؛ ل^۱: آ: ابر؛ ل^۲: بدان؛ متن = س، ل^۱ (نیز و، لن^۱، ب) ۲۷-
 ل، ق، ل^۱، س^۱ (نیز ق^۲، ل^۱، لن^۱، آ): نشست؛ متن = س (نیز لن، و، ب؛ درس، ب به پیش دوم؛ در لن حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: سرو
 تن ز شاهی بشتست ۲۸-س^۱ (نیز و): نابسوده ۲۹-ل، ق، س^۱ (نیز ق^۲، ل^۱، آ): بدست؛ ل^۱: نخست (حرف یکم نقطه
 ندارد)؛ لن^۱: نخست؛ متن = س (نیز لن، پ، و، ب؛ در ب به پیش دوم؛ در و حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند) ۳۰-ل، ق، س^۱ (نیز ل^۲،
 ل^۲، و، آ): گرز؛ متن = س، ل^۱ (نیز لن، ق^۲، لن^۱، ب)؛ بنداری: فنجی التاج عن رأسه و خلع السوار و لبس ثوبا جدیدا و جلس
 علی التخت ۳۱-ق، ل^۱: آمدن زال و رسم بایران (ق: و پند دادن زال کیخسرو را)؛ س^۱: آمدن ایرانیان با زال و رسم بنزدیک کیخسرو؛
 متن = ق ۳۲-س: پس از هفته؛ ل^۱ (نیز ق^۲، و): پسین هفته را؛ س^۱ (نیز ل^۲): ششم هفته را؛ (لن، لن^۱، ب: پس هفته)؛ متن = ل، ق (نیز
 ل، پ، آ) ۳۳-ل، ل، س^۱: [و]؛ ل^۲: و؛ بیگاه و؛ پ: بیگاه

<p>همه داغ دل پیش^۱ بشتافتند همان^۲ موبدان فراوان هنر، پذیره شدن را^۳ برانگیخت^۴ اسپ همه نامداران^۵ زرینه کفش سرشکش ز مژگان به رخ برچکید ز خسرو همه دل پر از داغ و درد به گفتار ابلیس گم کرد راه شب و روز او را ندیده ست کس گشایند^۶ و پویم و یایم راه^۷ که دیدی تو شادان^۸ و روشن روان گرفته گل سرخ رنگی بهی چرا پزمرید آن چو گلبرگ^۹ روی و گر شاه را زاختر^{۱۰} آمد زیان که باشد که شاه آمد^{۱۱} از گاه سیر گهی خوشی و گه نژندی بود^{۱۲} که از غم شود جان خرم^{۱۳} دژ به پند^{۱۴} اختر سودمندش دهم^{۱۵} برفتند هر کس^{۱۶} سوی بارگاه^{۱۷} بر اندازه شان شاد^{۱۸} بگذاشتند چو طوس و چو گودرز و آن انجمن هرآنکس که رفتی ز^{۱۹} گردان بهم به^{۲۰} پرده در آوای^{۲۱} رستم شنید،</p>	<p>چو ایرانیان آگهی یافتند چو رستم پدید آمد و زال زر هر آنکس که بود از نژاد زرسپ همان طوس^{۲۲} با کاویانی درفش چو گودرز پیش تهمتن رسید سپاهی همی رفت^{۲۳} رخساره زرد بگفتند با زال و رستم که شاه همه بارگاهش سپاهست و بس ازین هفته تا آن، در بارگاه جز آنست^{۲۴} کیخسرو ای پهلوان شده کوژ بالای سرو سهی ندانم چه^{۲۵} چشم بد آمد بر او^{۲۶} مگر تیره شد بخت ایرانیان بدیشان^{۲۷} چنین گفت زال دلیر درستی و هم دردمندی بود شا دل مدارید چندین به غم بگویم بسیار و^{۲۸} پندش دهم و زان پس هرآنکس که آمد ز^{۲۹} راه هم آنگه ز در^{۳۰} پرده برداشتند چو دستان و چون رستم پیلتن چو گرگین و چون بیژن و گشته^{۳۱} شهنشاه چون روی دستان^{۳۲} بدید</p>
---	---

۱- ل (نیزلی، ل، و): تیز؛ س این بیت را ندارد ۲- س، ل (نیزلن، و، لن): همه؛ ق: ابا؛ متن = ل، س (نیزلی، ل، و، آ، ب) ۳- س: شدند و ۴- ل (نیزق، ب): بیاراست؛ متن = س، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر)؛ ق بیت های ۲۶۱۰-۲۶۱۳ را ندارد ۵- س (نیزلن، ب): طوق؛ ل بیت های ۲۶۱۱ و ۲۶۱۲ را ندارد؛ بنداری: و لما لقی طوس رستم... ۶- (ل، آ: دلیران برفتند) ۷- س: گشادست؛ متن ← ۸- (و: پویم با رسم و راه؛ ل، آ: گشاییم و پویم جوینده (آ: چندی به) راه)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیزلن، ب، لن، آ، ب)؛ ق: ل، س (نیزلن، ب) ۹- ل: جوانست؛ (ق: نه آنست؛ و: چنان نیست) ۱۰- ل: شاداب؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، ب) ۱۱- س: که ۱۲- س، ل (نیزق، ل، لن، آ): بدوی؛ متن = ل، ق، س (نیزلن، ل، ب، و، ب) ۱۳- (ب: آن گل تازه) ۱۴- ق، ل (نیزق، ب): را اختر ۱۵- (ل، آ: بگردان) ۱۶- س (نیزلن، ق، ب، لن، ب): آید؛ متن = ل، ق، س (نیزلی، ل، و، آ) ۱۷- ق این بیت را ندارد ۱۸- ق (نیزلی، ل، آ): مردم ۱۹- ل، ق (نیزب): بگویم و بسیار؛ (لن: بگویم و بسیار)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، آ، ب) ۲۰- ل، ق (نیزب): بلند؛ (ل: بنیک)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۲۱- ق: نیم ۲۲- ل: به ۲۳- س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، ب): پویان؛ ق: یکسر؛ (ل، آ: هر یک)؛ متن = ل ۲۴- (ل: بدرگاه شاه) ۲۵- (لن: گه در) ۲۶- (ق: یلان را بر شاه) ۲۷- ل: رفتند؛ (ل، لن: بودی ز؛ و: بودند)؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، آ، ب) ۲۸- ل، ق (نیزق، و):

پرسید ^۲ بر پای ^۳ و پیسود دست ^۴ ز قَنوج و از ^۷ دَنبَر ^۸ و کاوی ^۹ ، به رسمِ مهی جایگه ^{۱۰} ساختشان بر ^{۱۳} اندازه‌شان پایگه برفزود که شادان بدی ^{۱۵} تا بود ماه و سال از آن نامداران که دارم یاد ^{۱۶} ، بزرگان و شاهان فرخنده‌پی ^{۱۸} ، که با قر و با برز و اورند ^{۱۹} بود، بدین برز ^{۲۱} و این قره ^{۲۲} ایزدی که شاهیت ^{۲۴} بادا همیشه به جای ^{۲۵} به بار ^{۲۸} آمدن باد ^{۲۹} پیروز و شاد چه زهر آنک ^{۳۱} نام توتریاک نیست بدان ^{۳۲} آگهی تیز بشتافتم زهر کشوری آنک ^{۳۳} دیدم سران ^{۳۴} ، برفتند با زیج هندی ز جای کز ایران ^{۳۷} چرا پاک ^{۳۸} برید مهر	پُراندیشه از تحت برپای جست ^۱ ز داندگان هر که ^۵ بُد زاوی ^۶ یکایک پرسید و بنواختشان همان نیز از ^{۱۱} ایرانیان هر که ^{۱۲} بود برو ^{۱۴} آفرین کرد بسیار زال ز گاهِ منوچهر تا کیقباد ^{۲۶۳۵} همان زوطه‌ماسپ ^{۱۷} و کاوس کی سیاوش مرا خود چو فرزند بود ندیدم کسی ^{۲۰} را بدین بخردی به پیروزی و مردی و مهر و رای ^{۲۳} بکشتی ^{۲۶} همه روی گیتی ^{۲۷} به داد چه مهتر که پای ^{۳۰} ترا خاک نیست یکی ناسزا آگهی یافتم ستاره‌شناسان و گُنداوران ز قَنوج و از ^{۳۵} دَنبَر ^{۳۶} و مرغ و مای بدان تا بجویند راز سپهر ^{۲۶۴۵}
---	---

۱- ل: خاست؛ متن = س، ق، ل، س (نیز لن - ب) ۲- (ب: پرسید و)؛ متن ← ۳- ل: از پای؛ (ل: برباد)؛ متن ← ۴- ق: دستش بدست؛ س (نیز ل، پ، و)؛ بنمود دست؛ ل: چنان پشت خمیده را کرد راست؛ (ل: آ: پرسید و بسید دستش بدست؛ لن: بیوسید و بسپرد رویش بدست)؛ متن = س (نیز لن؛ نیز ل، ب) ۵- ل: هرک؛ ل: هر چه ۶- ل- ل- س (نیز لن، ق، ل، ل، لن، ب)؛ زابلی؛ ق (نیز ل، پ، آ)؛ کابلی؛ متن = (و) ۷- ل، ق، س؛ ل: وز ۸- (ل: ویل) ۹- ل- ل- س (نیز لن، ق، ل، ل، و، لن، ب)؛ کابلی؛ ق (نیز ل، پ، آ)؛ زابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ل، س (نیز ل، ب)؛ پایگه؛ متن = س، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- ل: ز؛ س (نیز لن، ل، ب)؛ [از] ۱۲- ل: هرک ۱۳- ل، ق (نیز ل، آ)؛ به ۱۴- (ل، ل: بدو) ۱۵- س، ق، ل، س (نیز لن - ب)؛ بز؛ متن = ل؛ س، ل در اینجا سرنویس دارند، س: آمدن زال و رسم بایران زمین بنزد شاه کیخسرو؛ ل: بند دادن زال کیخسرو شاه را ۱۶- ق (نیز پ)؛ دارم بیاد ۱۷- س: روز طهماسب؛ (ل، پ: زو و طهماسب؛ لن: دور طهماسب) ۱۸- (ل: آ: منوچهر و هم نوذرنیک پی) ۱۹- س (نیز لن، و)؛ ارونند؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر، لغت دری، ص ۷۳، معجم شاهنامه، ص ۲۲، لغت شاهنامه، شماره ۵۹) ۲۰- س: بدیدیم کس ۲۱- س، ل، ل، س (نیز لن، ل، ل، ب، لن، آ، ب)؛ نام؛ متن = ل، ق (نیز ل، و) ۲۲- ل، ل، ل (نیز ل، ل، آ، ب) ۲۳- (ق: داد؛ لن: کام و فرهنگ و رای)؛ س: بنیوی و مردی و مهر و برای ۲۴- س: شاه است؛ ق، ل، س (نیز لن، و، لن، ب)؛ شاهت و؛ متن = ل (نیز ل، ل، پ، آ) ۲۵- (ق: که بادی همیشه تو پیروز و شاد)؛ درس، ق، لن، ب ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۶- س: بگشتن؛ جز س، لن دیگر دستنویس ها را باید بگشتی خواند ۲۷- (ل، آ: کشوره؛ ل: همی گرد گیتی؛ لن: نوری زمین را) ۲۸- ق، ل، س (نیز ل، ب)؛ بیازد؛ متن = س (نیز لن) ۲۹- ق (نیز ل، ب، ب)؛ باز؛ ل: بار؛ س: بود؛ (ل، آ: داش؛ و، لن: نیز)؛ متن = س (نیز لن)؛ ل این بیت را ندارد ۳۰- س: چه مهر آن که پای؛ (لن: چه بهتر که پای؛ لن: چه بهتر که جای) ۳۱- ق: اینک ۳۲- ق: از آن ۳۳- ق: آنچه؛ س: آنکه ۳۴- (ق: و بد مهتران) ۳۵- ل، ق، ل، ل، س؛ و؛ متن = س ۳۶- ل: دیوره؛ ل: دمیر؛ (ل: دین) ۳۷- (ب: ایشان) ۳۸- س (نیز لن، ل، ب)؛ شاه؛ متن = ل، ق، ل، ل، س (نیز ل، ل، ب، و، لن، آ)

ایشان؛ متن = س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ و لما رأی الملك رستم و زالا با درهما بالمصافحة والمعاينة ۲۹- س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، آ، ب)؛ ز؛ متن = ل (نیز ل، آ) ۳۰- س، ق، ل، ل، س (نیز ل، ب)؛ آواز؛ متن = ل (نیز لن)

از ایران^۱ کس آمد که پیروز شاه
 نبرد دارد از پیش سالار بار
 من^۲ از درد ایرانیان چون عقاب
 بدان تا پرسم ز^۳ شاه جهان
 به سه چیز هر کاره نیکو شود^۴ ۲۶۵۰
 به گنج و به رنج^۵ و به مردان مرد
 چهارم به یزدان ستایش^۶ کنیم^۷
 که اویست فریادرس بنده را
 به درویش بخشیم بسیار چیز
 بدان تا روان تو روشن کند ۲۶۵۵

بفرمود تا پرده‌ی بارگاه،
 بپوشد ز ما چهره‌ی شهریار^۸
 همی تاختم همچو کشتی بر آب،
 ز چیزی که دارد همی در نهان
 همان^۹ تخت شاهی بی‌آهو شود^{۱۰}
 جزین نیست آیین ننگ و نبرد^{۱۱}
 شب و روز پیشش^{۱۲} نیایش^{۱۳} کنیم^{۱۴}
 همو باز دارد گزاینده را
 اگر چند چیز ارجمندست نیز
 خرد پیش مغز تو جوشن کند

گفتار اندر پاسخ دادن کیخسرو زال را^{۱۵}

چو بشنید خسرو ز دستان سخن
 بدو گفت کای^{۱۶} پیر^{۱۷} پاکیزه مغز
 ز گاه منوچهر تا این زمان
 همان نامور رستم پیلتن
 سیاوخش را^{۱۸} پرورانیده^{۱۹} اوست^{۲۰} ۲۶۶۰
 سپاهی که دیدند گوپال^{۲۱} او
 بسی^{۲۲} جنگ ناکرده بگریختند
 به پیش نیاگان من کینه خواه

یکی دانشی پاسخ^{۲۳} افگند بُن
 همه رای و گفتارهای تو نغز،
 نه‌ی جز بی‌آزار و نیکی گمان^{۲۴}
 ستون کیان، نمازش انجمن
 بدو نیکوی‌ها^{۲۵} رسانیده^{۲۶} اوست^{۲۷}
 سر و میغفر و پیل فش^{۲۸} یال او،
 همه^{۲۹} دشت تیر و کمان ریختند
 چو دستور فرخ نماینده راه

۱- (پ: از آنپس)؛ س، ل، بیت‌های ۲۶۴۶-۲۶۴۹ را ندارد ۲- س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، پ-ب): شاهوار؛ متن = ل (نیز ق) ۳- (لن: پس) ۴- ل (نیز پ، و): که؛ متن = س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب) ۵- س: را کار؛ س: کار تو؛ (لی، آ: ها کار)؛ متن = ل، ق، ل (نیز هفت دستویس دیگر) ۶- (ق: بود) ۷- س، ل (نیز لن، ل، لن، آ): وزان؛ (ب: وزو)؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، ل، پ، و، آ) ۸- ق: برنج و بگنج ۹- (ق: آیین مردان مرد (!))؛ ل، ق: بجز این نشاید همی کار کرد؛ متن = س، ل، س (نیز لن، ل، ب) ۱۰- س (نیز ل، آ): نیایش ۱۱- س، ل، س (نیز لن، لن، آ، ب): کم ۱۲- ل (نیز لن): او را ۱۳- س (نیز ل، آ): ستایش؛ ل، بیت‌های ۲۶۵۲-۲۶۵۶ را ندارد ۱۴- ق، ل: پاسخ دادن کیخسرو زال (ق: زال سام) را؛ متن = ل ۱۵- ل، ق: پاسخ دیگر؛ متن = س، ل، س (نیز لن-ب) ۱۶- ق: ای ۱۷- (لن: مرد)؛ بنداری: آیا الشیخ الجلیل ۱۸- (لی، آ: نیکو گمان)؛ ق: تو دوری ز آزار و نیکو گمان ۱۹- ل، ق (نیز لن، ل، لن، آ): سیاوش را؛ س: سیاوش رد؛ (لی، پ: سیاوش را)؛ متن = ل، س (نیز ق، و، ب) ۲۰- ل، س (نیز ل، و، آ): پروراننده؛ متن = ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب) ۲۱- س، ل، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب): بود؛ متن = ل، ق (نیز ل، پ، آ) ۲۲- س، ق، ل، س (نیز لن-ب): نیکویی‌ها؛ متن = ل ۲۳- ل، س (نیز ل، و، آ): رساننده؛ متن = ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۴- ل، ق، ل، پ، و، لن، آ، ب با سه نقطه ۲۵- (و: وش)؛ ل: سرتیگ و برزو فرو؛ ق (نیز ل، آ): سرو مغزیلی وش و؛ س: سرو بازو و مغزو؛ (ق: سرو مغزو آن پیل فش؛ ب: سرو مغزیلی و بش)؛ متن = س، ل (نیز لن، لن، ب) ۲۶- ل، س، ل، س: همه ۲۷- س، ل، س (نیز لن، پ، ب): درو؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، و، آ)

۲۹۶۵	اگر نام ^۲ رنج تو گیرم به یاد ^۳ ز گفتار چرب ^۴ ار پژوهش بود ^۵ دگر هر چه ^۶ پرسیدی از کار من به یزدان یکی آرزو ^۷ داشتم کنون پنج هفته است تا من به پای که بخشد ^۸ گذشته گناه مرا	بماند سخن تازه تا صد ^۹ نژاد ترا این ستایش نکوهش بود ^{۱۰} ز نادادن بار و آزار من، جهان را همه ^{۱۱} خوار بگذاشتم همی خواهم از داور رهنمای، درخشان کند ^{۱۲} تیره ماه ^{۱۳} مرا نماند ز ^{۱۴} من در جهان درد ^{۱۵} و رنج چو شاهان پیشین بیچد ^{۱۶} سرم بباید بسیچید کامد خرام ^{۱۷} ز یزدان بیامد خجسته سروش، سر آمد نژندی و ناخفتنت غم ^{۱۸} لشکر و تاج و تخت ^{۱۹} و کمر
۲۹۷۰	برد مرمر ازین سرای سپنج نماند ^{۱۵} کزین راستی بگذرم کنون یافتم هرچ ^{۱۷} جستم ^{۱۸} ز ^{۱۹} کام سحرگه مرا چشم بغنود ^{۲۱} دوش که بر ساز کامد گه رفتنت کنون بارگاه ^{۲۲} من آمد به سر	
۲۹۷۵		

گفتار اندر پند دادن زال کیخسرو را^{۲۵}

غمی^{۲۶} شد دل ایرانیان را^{۲۷} ز شاه
چو بشنید زال این سخن بردمید
همه^{۲۸} خیره گشتند و گم کرده راه
یکی باد سرد از جگر برکشید

۱- ل: وگر ۲- ق، س: (نیزلن، و، آ): نام و ۳- ق (نیزق، و): گیرم یاد ۴- ق: دارد؛ ل: (نیزلن): با صد ۵- س: (نیزق، ل، و، آ): خوب؛ س، ل: (نیزلن، ب): کردار خوب؛ (پ: که گفتار خوب)؛ متن = ل، ق ۶- ل (نیزب): کم؛ ق: کنیم؛ متن = س، ل، س: (نیزلن، ق، ل، و، آ، ب) ۷- ل: هرچ؛ ل، س، ق، و، آ، ب: و پس از این بیت افزوده اند:
بگویم ترا این سخن سربر
بدان تا بدانی همه در بدر (س): که تا تو بدانی ایا پرهز

۸- ل: آرزوی ۹- ل، س: (نیزلن، ق، آ، پ، و، ب): همی ۱۰- س: (نیزلن): بیخشد ۱۱- س (نیزلن، ل، ب): بیفروزد (س: برافروزد) این؛ س: (نیزلن، و): درخشان کنند؛ متن = ل، ق، ل: (نیزق، ل، و، آ) ۱۲- ل: گاه؛ س: (نیزلن، ب، آ): راه؛ متن = س، ق، ل: (نیزلن، ق، ل، و، ل، ب) ۱۳- ل: (نیزب): به؛ متن ← ۱۴- ل: گرم؛ (پ: بنرم؛ ل: نرم)؛ س (نیزلن، ب): نماند بن درد و تیمار؛ (ل، آ): بگیتی نماند زمن درد؛ ل: بماند بگیتی زمن درد؛ متن = ق، س: (نیزق، و)؛ ل بجای این بیت و پ پس از آن افزوده اند:

برد مرمر ازین سپنجی سرای (پ: ز باغ بهشتم دهد خوب جای)

بود در همه نیکویی رهنمای

۱۵- س، ل، س: (نیزلن، پ، ب): نباید؛ (ل: بماند)؛ متن = ق (نیزق، ل، و، آ) ۱۶- ق، ل: نیچد؛ ل، ل: این بیت را ندارند، ولی بنداری نیز آنرا داشته است: وینقلنی من هذه الدنيا الغرارة الى جواره الکرم قبل أن أعدل عن سنن السداد، ویزیفنی الشیطان عن لقم الرشاد مثل من سبق من الملوك ۱۷- س، ق، ل، س: هر چه ۱۸- ق: گفتم ۱۹- (ق، ل، و، آ): به؛ پ: بست از جهان آنچه جستم) ۲۰- س (نیزلن، ب): راه خرام؛ (پ: کاید خرام)؛ ل: بسیچیدن کار خرام؛ متن = ل، ق، س: (نیزق، ل، و، آ) ۲۱- ل (نیزلن، ب، آ): نغنود؛ س، ل: (نیزو): نغنود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، س: (نیزلن، ق، ل، ب) ۲۲- (و: پایگاه) ۲۳- (و: همان) ۲۴- س: گنج و تاج ۲۵- ل، س: پند دادن زال سام (س: شاه) کیخسرو را؛ ق: نکوهش کردن زال سام کیخسرو را؛ ل: پاسخ دادن زال کیخسرو را؛ متن ← ل، س ۲۶- ل (نیزلن): غمین ۲۷- س، ل: (نیزلن، ل، ب): پهلوانان؛ (ل، آ: ایران سپه را)؛ متن = ل، ق، س: (نیزق، ل، ب، و) ۲۸- (ل، آ: همی)

<p>خرد را به مغزاندرش^۲ جای نیست پرستنده‌اد پیشِ تختِ کیان، چون^۳ گفت، ما را نباید^۴ نهفت که او هیچ^۵ راند چُنین داستان که از راه یزدان سرش بازگشت نبردند هرگز بدین شاخ^۶ دست گر آید^۷ به جان‌اندرون کاستی کزینسان سَخُن کس نگفت از کیان مبادا که او گم کند رسم و راه^۸ چُنین گفت کای خسرو^۹ داد و راست^{۱۰}، چو کُر آورد رای^{۱۱} پاسخ^{۱۲} مکن ببندد^{۱۳} به^{۱۴} تلخی در^{۱۵} کاستی ازین^{۱۶} راستی پیش این^{۱۷} انجمن همانجا بُد آرام و آبشخورت که جز جادوی را^{۱۸} ندیدی به خواب پر از رنگ رخ، دل^{۱۹} پُر از کیمیا بزرگی و شاهی و تاج و کمر همه^{۲۰} گردش اختران^{۲۱} بشمرد همین^{۲۲} تلخ‌گفتار بگشادمش</p>	<p>به ایرانیان گفت کین^۱ رای نیست که تا من^۲ بیستم کمر بر میان ز شاهان ندیدم کسی کین^۳ بگفت نبايد بدن بیش^۴ همدستان مگر دیو با او هم‌آواز گشت فریدون و هوشنگ یزدان‌پرست بگویم بدو من همه راستی چُنین یافت پاسخ از^{۱۱} ایرانیان همه با تویم^{۱۲} آنچه^{۱۳} گویی به شاه شنید این^{۱۴} سَخُن زال^{۱۵} برپای خواست ز پیر جهان‌دیده بشنو سَخُن که^{۲۱} گفتار تلخست با^{۲۲} راستی نبايد^{۲۴} که آزار گیری^{۲۵} ز من به توران‌زمین^{۲۶} زادی از مادرت ز یکسو نییره ردافراسیاب چو کاوس بدخیم^{۲۷} دیگر نیا ز خاور وُرا بود تا باختر همی‌خواست کز آسمان بگذرد بدان^{۲۸} بر بسی پندها دادمش</p>
---	--

۱- ق: این ۲- (ب: اندرون) ۳- ق: که من تا ۴- س (نیزب): که کس این: ل (نیزل، لن): که این کس: متن = ل،
ق، س (نیزق: و، آ) ۵- ل، ق (نیزق: و): چو او: متن = س، ل، آ، س (نیزل، لن، آ، ب) ۶- ل (نیزآ): بیاید ۷- ل
(نیزل، ب، آ): بدین بود: ق: برین بود: س (نیزل): بدن هیچ: (ل: بدن نیز: و، لن: شدن پیش): متن = س، ل (نیزق، آ، ب) ۸- س (نیزل): بیش ۹- ل (نیزل، آ): کار: س (نیزل، ب): بنین (س: بدان) شاخ هرگز نبردند: متن = ق، ل، س (نیزق، ل، ب، و،
لن) ۱۰- ق (نیزل، آ): آرد ۱۱- ل، ق: ز ۱۲- ل: توام: (ب: تویی) ۱۳- ق، ل: آنچه ۱۴- س: رای و
راه: (ق، و: راه و گناه) ۱۵- ق: آن ۱۶- ل، س (نیزل): زان و ۱۷- س (نیزل، لن، ب): داور: بنداری: فقدا زال و
قال: أیضا المنک العادل ۱۸- ق (نیزل، ل، و، لن، آ، ب): داد (لن: راد) راست ۱۹- ل (لن، لن، رای و): آرد
ایچ ۲۰- س، ق، ل، س (نیزل، ل، ب، و، لن، ب): فرمان: متن = ل (نیزق، ل، آ) ۲۱- (ب: چو) ۲۲- ل (لن):
تا ۲۳- ل: بندد (حرفیای یک و دود نقطه ندارند): (ل، ب، و، لن، آ: بندد): متن = س، ق، ل، س (نیزل، ق، ب) ۲۴- ق
(نیزل، ل): ز ۲۵- ل (لن: دم: ب: درون): س (نیزل): ببندد در کثری و ۲۶- ل: نشاید: متن = س، ق، ل، س (نیزل،
ب) ۲۷- س: که این راز ۲۸- ل: برین: (ل: بدین): متن = س، ق، ل، س (نیزل، ق، ل، ب) ۲۹- ل:
آن ۳۰- ل (لن: زمی) ۳۱- س، ق، ل، س (نیزل، ب): شب: متن = ل ۳۲- ل (نیزل، ل، و، آ): درخیم (?): متن = س،
ق، ل، س (نیزل، ق، ب، لن، ب) ۳۳- ل (ل: سر): س (نیزب): پر آژنگ دل رخ: ل (نیزق، ب، و، لن): پر آژنگ رخ دل: ل:
پر از رنگ رخ دل: متن = ل، ق، س (نیزل، آ): بنداری: و من الضرف الأخرالی کیسک نوس النذی کان معروف بشراسة الخلق بین
الأفراد ۳۴- ق (دگر: ل: همی) ۳۵- (و: آسمان: ل، آ: همی اختران یک بیک) ۳۶- س، س (نیزل، ق، ل، و، ب):
بران: (ل، آ: برین): متن = ل، ق، ل (نیزب، لن) ۳۷- س (نیزو): بسی: (ل، ل، آ: همی)

ازو بازگشتم پُر از داغ ^۱ و درد بیخشود بر جانش ^۵ یزدانِ پاک سری پُر ز گرد و ^۸ دلی پُر هراس زره دار با گره‌ی گاوسار بیاراستی ^{۱۰} دشتِ خوارزم را پیاده ^{۱۴} شدی پیش ^{۱۵} جنگِ پشنگ ^{۱۶} به ایران کشیدی ردافراسیاب نرستی، نبستی به کین کس ^{۱۹} میان بیخشود و رای تو پیوسته کرد به دادار دارنده بُد ^{۲۱} ناسپاس که ^{۲۳} بخشش و پوشش و جام ^{۲۴} بود، فزون تر بدی، دل ^{۲۷} پُر آزارتر، به کژی گذشتی ^{۳۰} و راه بدی نیاید ^{۳۲} جهان آفرین را پسند	بسی ^۱ پند بشنید ^۲ و سودش ^۳ نکرد چو برشد، نگون اندرآمد به خاک بیامد ^۶ به یزدان شده ^۷ ناسپاس تو رفتی و شمشیرزن صد هزار چو شیرِ ژبان ساخته ^۹ رزم را ز پیش سپه تیز ^{۱۱} رفتی ^{۱۲} به جنگ ^{۱۳} گر او را بدی بر تو بر ^{۱۷} دست یاب زن و کودکی خرد ^{۱۸} ایرانیان ترا ایزد از دست او رسته کرد بگشتی کسی را کزو بُد ^{۲۰} هراس چو گفتم که ^{۲۲} هنگام آرام بود به ^{۲۵} ایران کنون کار دشوارتر ^{۲۶} که تو ^{۲۸} برنوشتی ^{۲۹} ره ایزدی ازین بد ^{۳۱} نباشد تنت سودمند
---	---

۱-س: می ۲-ل، ل، س (نیز، ل، ق، و): شنید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز، پ، ل، ن): نشنید؛ (ل، آ: دادمش پند)؛ متن = ل (نیز ل، ب) ۳-ل (نیز، ل، ن، آ): سودی؛ (ل: فرمان)؛ متن = س، ل، س (نیز، ل، ق، پ، و، ب) ۴-ل، آ: پرآزار؛ ق بیت های ۲۶۹۷ و ۲۶۹۸ را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:

بهندوق و کرکس می شد بچرخ که گیرد از آن گردش چرخ برخ

۵- (ل: تنش) ۶-ق: نیامد ۷-ق (نیز، ل، آ): یزدان و شد ۸-س (نیز، ل، آ، ب): ز کینه؛ (ل، ن، ل، ن: ز کین و)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز، ل، پ، و) ۹-ل، ق (نیز، ل، آ): ساختی؛ متن = س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰-س: بیاراسته؛ (و: برآراستی)؛ س پس از این بیت افزوده است:

چو شیر دمان جنگ را ساخته چو پیل ژبان گردن افراخته

۱۱-ل: یز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، ل، س (نیز، ل، ن، آ): نیز؛ متن = س، ق (نیز، ل، پ، ب) ۱۲-ق: باآواز شیده برفی) ۱۳- (و: باآورد شیده شدی نیز جنگ) ۱۴- (ل: بیازی) ۱۵-ل: پس به؛ ق: نزد؛ متن = س، ل، س (نیز، ل، ب) ۱۶-حرف یکم در، ب با سه نقطه؛ س پس از این بیت افزوده است:

همان شیده کوبود جادو پسر بتر بود از جادویی بر پسر

۱۷-س: آن؛ (ل، آ: خود) ۱۸-س: از مرز؛ (ل، پ، و، ل، ن، ب: خرد از؛ ق: خرد و)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز، ل، آ) ۱۹-ق: نبستی کسی زان؛ (ل، و: نبستی کمر در؛ ل: بستی برین کین؛ ق: بپردی که بستی بکینه)؛ ل: پردی بکین کس نبستی؛ متن = س، ل، س (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۰-س (نیز، ل، آ): که زو بد؛ ق: که بد زو) ۲۱-ق، و: شد) ۲۲-ل، ل، س (نیز، ل، ب): گفتیم؛ (ل: گفتیم و) ۲۳-ل: گه ۲۴- (ل، ل، آ: کام)؛ ق: پرش (حرف یکم نقطه ندارد) و جام؛ س: کوشش و کام؛ ق: پوشش (حرف یکم نقطه ندارد) جام)؛ س، ل (نیز، ل، ب): کوشش و پوشش و (ل، ل، ن: [و]) کام؛ (ل، پ: پوشش و کوشش و کام)؛ متن = ل (نیز و: درو حرف یکم پوشش نقطه ندارد)؛ س پس از این بیت افزوده است:

بیاسود از رنج شاه و سپاه بی تازه داریم جان سال و ماه

۲۵-ق (نیز، ل، آ): از؛ (پ، و: بر) ۲۶-ل-س (نیز، ل، و-ب) دشوارتر؛ متن = (پ) ۲۷-ق: بدی و؛ (ل: بدین دل)؛ س: فزون آمده و دل ۲۸-س، ل، س (نیز، ل، ب): کنون؛ متن = ل، ق ۲۹- (آ: درنوشتی) ۳۰- (ل: رسیدی) ۳۱-ق (نیز، ل، ل، ل، و، آ): پس ۳۲-ق (نیز، ل، پ، آ): نباشد

گر^۱ این باشد ای شاه سامان^۲ تو
 پشیمانی آید ترا زین سَخُن
 و گر نیز جویی چُنین^۳ راه^۴ دیو
 بمانی پُر از درد و تن^۵ پُرگناه^۶
 به یزدان پناه و به یزدان گرای
 گر این پند من سربر^۷ نشنوی^۸
 بماندَت درد و نماندَت بخت^۹
 خرد باد جان تو را رهنمای^{۱۰}!

سَخُن های دستان چو^{۱۱} آمد به بُن
 که ما هم برآئیم^{۱۲} کین پیر^{۱۳} گفت^{۱۴}
 ۲۷۱۵
 ۲۷۲۰
 یلان برگشادند یکسر سَخُن
 نباید^{۱۵} در راستی را^{۱۶} هفت

گفتار اندر پاسخ دادن کیخسرو زال را^{۱۷}

چو کیخسرو آن گفت ایشان^{۱۸} شنید
 پُر^{۱۹} اندیشه گفت: ای^{۲۰} جهانندیده زال
 اگر سرد گویمت^{۲۱} بر^{۲۲} انجمن
 زمانی بیاسود^{۲۳} و اندرشمید^{۲۴}
 به مردی بی اندازه^{۲۵} پیموده^{۲۶} سال،
 جهاندار نپسندد این^{۲۷} بد ز من

۱- (ق: که) ۲- ق: آرام؛ (ل: پیمان) ۳- س، ل: (نیز، ق، ل، ب، و، ل، ب)؛ فرمان؛ ق: آرام (!)؛ (ل، آ: درمان)؛
 متن = ل، س؛ درس؛ ل: پس از این بیت، بیت ۲۷۱۴ آمده است ۴- س: همی؛ (ل، آ: وگر بسپری این جهان) ۵- ل: (نیز، ل):
 کار؛ متن = س، ق، ل، س؛ (نیز، ق، ل، ب) ۶- س: (نیز، ل، ب)؛ راه ۷- ل، ق: دل؛ متن = س، ل، س؛ (نیز، ل، ب،
 ل، آ، ب) ۸- (ب: بیگناه؛ و: ترس و گناه)؛ درس؛ ل: این بیت پس از بیت ۲۷۱۱ آمده است ۹- ل، ق: (نیز، ل، آ): یک
 بیک؛ متن = س، ل، س؛ (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۰- ل، س، ل: بشنوی (حرف بیکه نقطه ندارد)؛ (ق، ل، ل، آ، ب: بشنوی)؛
 متن = ق، س؛ (نیز، ل، ب، و) ۱۱- س، ل: (نیز، ل، آ، ب)؛ بدان؛ (ل: آ، ب)؛ متن = ل، ق، س؛ (نیز، ل، ب، و) ۱۲-
 ل- س؛ (نیز، ل، ب، ل، آ، ب)؛ (و: اهرمن)؛ (و: اهرمن)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- (ق، آ، ب: نگروی؛ ل، ل، ل: همچو چه
 نگروی)؛ متن = ل- س؛ (نیز، ل، ب، و) ۱۴- ق: بمانی بدرد و نمائی به تخت؛ س: نماندت ملک و نماندت بخت؛ (ل: نماندت تاج و
 نماندت تخت) ۱۵- ل: (نیز، ق، ل، و، ل، آ): نه اورنگ شاهی؛ س: نه کشور نه لشکر؛ (ل: نه ایوان شاهی)؛ متن = س، ق، ل: (نیز،
 ب، آ، ب)؛ بنداری؛ هذه نصیحتی. فان قبلت فقد اقلحت، و ان لم تقبل سلبت التاج والتخت ۱۶- ق: نام و نه بخت ۱۷- س: (نیز
 ل، ل، آ، ب)؛ رهنمون؛ متن ← ۱۸- س: (نیز، ل، ب، و، ل، آ، ب)؛ که راهی درازست پیش اندرون؛ متن = ل، ق، ل، س؛ (نیز، ل، ب، و،
 ل، آ، ب)؛ س، ل، ل، آ، ب پس از این بیت افزوده اند: خردممنند بادی و پیروز رای بپاکی بماناد مغزت بجای
 ۱۹- ق: آن پیر ۲۰- (ق: برینیم) ۲۱- س، ل: (نیز، ل، ب)؛ گرد؛ متن = ل، س؛ (نیز، ل، ب، و)؛ بنداری؛ انا موافقون
 لهذا الشيخ فيما يقول ۲۲- ق: که شاه سخن زال ز راست گفت ۲۳- (و: نشاید) ۲۴- ق: در ۲۵- ل، س، ق، ل:؛
 پاسخ دادن کیخسرو (س، ق: شاه کیخسرو) زال را ۲۶- س: ایدون ۲۷- (ل: ل: برآسود)؛ س: برآشفت زمانی؛
 متن ← ۲۸- ق: (نیز، ل): چمید؛ (ب: خید؛ ل، آ: زمانی بیچید و دم درکشید)؛ متن = ل، س، ل: (نیز، ق، ل، ب، و)؛ بنداری؛ فأطرق
 کیخسرو عند ذلك ساعة وجعل يتفكر في نفسه ۲۹- ل: (نیز، ب)؛ بر؛ س، ق، ل: (نیز، ق، ل، و، ل، آ): به؛ متن = (ب،
 آ) ۳۰- س، ق: (نیز، ل)؛ این؛ س: چنین گفت شاه ای ۳۱- (ق: باندازه) ۳۲- س: پیمود؛ ق: بشمرده؛ ل: بنمود؛ (ق،
 ل، آ: بشمرده)؛ متن = ل، س؛ (نیز، ل، ب، و، ل، آ، ب) ۳۳- س، ق: (نیز، ق، ل، ل)؛ گویمش؛ (ل: گویم)؛ متن = ل، ل، س؛ (نیز
 ل، ب، و، آ، ب) ۳۴- (ل، ب: در) ۳۵- ق: آن

<p>ز درد وی آید به^۱ ایران گزند فزون^۲ آید از نامور گنج^۳ اوی^۴ بُد^۵ خواب و خوردن^۶ بداندیش را دلت را به گفتار تو نشکیم^۷ که ای سرفرازان^۸ پیروزبخت^۹، که بیدار بگشاد^{۱۰} پیش رمه که من دورم^{۱۱} از راه و^{۱۲} فرمان دیو که آن^{۱۳} دیدم از رنج^{۱۴} درمان من خرد شد^{۱۵} ز بدهای او^{۱۶} جوشم بر اندازه باید که رانی سخن خردمند و بیدار^{۱۷} هرگز نژاد ز تخم کیان شاه^{۱۸} رویین تنم^{۱۹} دل افروز با^{۲۰} دانش و^{۲۱} نیکببی که با خشم او گم شدی خورد و خواب^{۲۲}</p>	<p>دگر آنک رستم شود دردمند دگر آنک گر^{۲۳} بشمیری رنج اوی^{۲۴} سپر کرد^{۲۵} پیشم تن خویش را همان پاسخت را به خوبی کنیم^{۲۶} چنین^{۲۷} گفت از آن پس^{۲۸} به آواز سخت سخن های دستان شنیدم همه به دارنده یزدان^{۲۹} گیهان خدیو به یزدان گرایده می جان من بیدید این^{۳۰} جهان را دل روشنم به زال آنگهی گفت: تندی^{۳۱} مکن نخست آنک^{۳۲} گفتی: ز توران نژاد جهاندار پور^{۳۳} سیاوش منم نبیره جهاندار کاوس کی به^{۳۴} مادر هم از تخم^{۳۵} افراسیاب</p>
---	---

۱- (و: بر) ۲- (ل: اگر)؛ س: و دیگر اگر ۳- ل، س، ق: او؛ متن = ل، س ۴- (لن: برون)؛ متن ← ۵- ل، ق (نیزی، آ): بگیتی (ل: همانا) فزون آید از گنج؛ متن = س، ل، س ۶- (نیزلن، ق، ل، آ، و لن، ب): کرده؛ (ل: آ: سپرده به)؛ متن = ل (نیزب) ۷- ل (نیزآ، ب): بید ۸- س، ل (نیزلن، ل، ل، ب): خورد؛ س: خور بر؛ متن = ل (نیزق، ل، ی، پ، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۹- ق، س (نیزق، و، آ): همان (س، ل، ب: همه) پاسخت (ق، ق، آ، و: پاسخش) را بخونی کنیم (ق، ل، ی، پ، و، آ: کنیم)؛ س، ل (نیزلن، لن، ب): همه پاسخ او بچربی کم؛ متن = ل ۱۰- س، ق، ل، س (نیز لن، ب): دل او (ق: وی؛ ل: آ: تو؛ پ: دلت را) بگفتارها (ق، ق، آ، و: بد؛ س، ل، آ: تو؛ ل: او) نشکیم (ق، س، ل، آ: نشکیم؛ ل، آ: بشکیم)؛ متن = ل؛ بنداری: فالاً ولی أن الأطفه ولا أکسر قلبه ۱۱- ل: بدو ۱۲- ل (نیزی): زانپس؛ س، ل، س (نیزلن، ل، لن، ب): خسرو؛ متن = ق (نیزق، ل، پ، و، آ)؛ بنداری: ثم أقبل علی الحاضرین وقال ۱۳- س، ل (نیزلن، و، لن، ب): بیدار بخت؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، ی، ل، پ، و، آ، ب): که برخواند آنرا به؛ س: که بیداد بگشاد؛ (ل: که بگشاد پیداز؛ و: که بگشاد بیدار)؛ متن = ل، ق (نیزق) ۱۴- س (نیزلن، لن، ب): که دورم من ۱۵- ل: [و] ۱۶- ل: [و] ۱۷- ل، آ: این ۱۸- س: درد؛ (ق: رنج و) ۱۹- ل، س، ل (نیزلن، ب): آن (؟)؛ متن = س؛ بنداری: وقد أبصرت بنور قلبی المنور ذلک العالم، و تحصنت بعقلی عن المکاره ۲۰- (پ، و: خروشد) ۲۱- س: تو؛ ق این بیت را ندارد؛ س: پس از این بیت افزوده است:

نبود و نباشد بدی کیش من

زدستان دژم شد دل ریش من

۲۲- (ل، آ: تیزی) ۲۳- ل: آنکه ۲۴- س: فرزانه؛ در برخی از دستویس های ۲۷۳۴-۲۷۳۹ درهم ریخته اند، ل، ق: ۲۷۳۶، ۲۷۳۷، ۲۷۳۸، ۲۷۳۹، ۲۷۳۴، ۲۷۳۵، ۲۷۳۷ (بیت ۲۷۳۶ را ندارند)؛ س: ۲۷۳۴، ۲۷۳۵، ۲۷۳۸، ۲۷۳۹، ۲۷۳۷ (بیت ۲۷۳۶ را ندارد)؛ پایی بیت های متن = ل، ق، آ: بنداری: أما ما زعمت من أنه لم یولد ذو عقل بتوران فإنی من الشجرة الکیانیة: سلاله سیاوخش و حافد کیکاوس. و أنتسب من جهة الأم إلی أفراسیاب حافد أفریدون. ولا عارفی الانتساب إلیه ۲۵- ل (نیزی، پ، آ): راد و باهش منم؛ (ق، ل، آ، و: شاه روشن تنم)؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، لن، ب) ۲۶- ق (نیزق، و، لن، آ): و پیر؛ ل (نیزی، آ): پیر؛ (پ: و با)؛ متن = ل (نیزل) ۲۷- ل (نیزی، آ): [و]؛ س، س، ل، ب این بیت را ندارند ۲۸- س (نیزی، ل، ل، آ): ز ۲۹- ق: نسل ۳۰- س: آفتاب

نبره فریدون و پور پشنگ^۱
 که شیران ایران به^۲ دریای آب^۳
 دگر آنک کاوس صندوق ساخت ۲۷۴۰
 چنان دان که^۴ اندر فرونی منش
 کنون من چو کین پدر خواستم
 بگشتم کسی را کزو بود کین
 به گیتی مرا نیز کاری نماند
 هر آنکه که اندیشه گردد دراز ۲۷۴۵
 چو کاوس و جمشید^۵ باشم^۶ به راه
 چو^۷ ضحاک ناپاک^۸ و تور^۹ دلیر
 بترسم که چون روز^{۱۰} برنخ^{۱۱} کشد^{۱۲}
 دگر آنک گفتمی که با شیده جنگ
 از آن بُد کز ایران ندیدم^{۱۳} سوار ۲۷۵۰
 که تنها بر او به جنگ آمدی
 کسی را کجا فر یزدان نبود^{۱۴}
 همه^{۱۵} خاک^{۱۶} بودی به جنگ پشنگ^{۱۷}

ازین گوهر از بُن مرا^{۱۸} نیست ننگ
 نشستی^{۱۹} تن^{۲۰} از بیم افراسیاب
 سر از پادشاهی همی برفراخت
 نسازند^{۲۱} بر پادشا سرزنش^{۲۲}
 جهان را به پیروزی آراستم،
 و زو جور و بیداد بُد^{۲۳} بر زمین^{۲۴}،
 ز بدگوهران یادگاری^{۲۵} نماند
 ز شادی^{۲۶} و از دولت دیرباز^{۲۷}،
 چو ایشان^{۲۸} ز من گم شود^{۲۹} پایگاه
 که از جور ایشان جهان^{۳۰} گشت سیر^{۳۱}
 چو ایشان مرا سوی دوزخ کشد
 بیاراستی^{۳۲} چون دلاور پلنگ^{۳۳}،
 نه اسپ افگنی از در کارزار،
 چو رفتی به رزمش^{۳۴} درنگ آمدی
 و گر اختر نیک^{۳۵} خندان^{۳۶} نبود^{۳۷}،
 ازیرا بدانسان^{۳۸} شدم من به جنگ^{۳۹}

۱- در پ، ل، آ، ب حرف یکم با سه نقطه ۲- ل (نیز ق، ل، آ): گوهران چنین؛ س (نیز ل، ل، پ، ل، ب): گوهران خود (ل، پ، ل، ن: مر) مرا؛ متن = ل، ل، س (نیز و): ق بیت های ۲۷۳۸ و ۲۷۳۹ را ندارد ۳- س، ل (نیز ل، ل، آ، ب): ز؛ متن = ل (نیز ل، پ، و) ۴- س: ایران و جیحون بر آب؛ (ق: که شیر زبان خود بدریای آب) ۵- ل، ل، س: بشتی ۶- س: دل؛ (ل، ل، ن: سر) ۷- س: دانک ۸- ل: بسازند ۹- س: پادشاهی زنش (?) ۱۰- (پ: شد) ۱۱- س: وزو جور ایشان پذیرد زمین (!) ۱۲- س، ل، ل، س (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، ب): شهر یاری؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ) ۱۳- س (نیز ق، ل، و): زشاهی؛ متن ← ۱۴- ق: تیز تازد، س، ل (نیز ل، ل، ن، ب): همی گشت باید (س: ماند) سوی خاک باز؛ متن = ل (نیز پ، آ، ل، ق، س: وز) ۱۵- ق: جمشید و کاوس ۱۶- س: گردم ۱۷- س (نیز ق): چو زیشان ۱۸- (پ: نشد): بنداری (۲۷۴۲-۲۷۴۷): و بعد از آن در کت ثاری فی ابی. و بلغت من عدوی نهاية اربی فلا حاجة لی فی هذه الدنيا التي ان طال فيها املی و تراخی اُجلی و امتدت فیها مدة ملكی خشیت علی نفسی من الزیغ و اتباع هوی النفس مثل من سبق الملوك كالضحاک و جمشید و تورین افریدون الذین سفکوا الدماء و خربوا الدیار ۱۹- س: نه ۲۰- ل، ل، س (نیز ل، ق، ل، و): ناباک؛ متن = (پ، ل، آ، ب) ۲۱- ق: ناباک شاه ۲۲- (ل: سرم؛ آ: زمین) ۲۳- ق: زیر ۲۴- (و: رنج) ۲۵- س، ل (نیز ق، ل، و): برنخ (حرف سوم نقطه ندارد): ق، س: من یخ (حرف سوم نقطه ندارد): (ل: برنخ؛ ل: من یخ؛ ل: برنخ؛ متن = (پ، آ، ب) ۲۶- ل: روزیخ (حرف یکم نقطه ندارد) بر کشد (بساوند ندارد) ۲۷- س، ل، ل، س (نیز ل، ق، ل، ب): بر آراستی؛ ق: تو آراستی؛ متن = ل (نیز ل) ۲۸- س، ق، ل، ل، س (نیز ل، و، ل، ن، آ، ب): نهنگ؛ متن = ل (نیز ل، ق، ب) ۲۹- ل: بدیده ۳۰- ل، ق: بر او؛ س (نیز ل): بچنگش؛ متن = س، ل (نیز هشت دستنویس دیگر) ۳۱- س (نیز ل، ل، ن، آ): بود ۳۲- س: تیز؛ (ل: سز)؛ س، ل (نیز ل، ل، ن، ب): اخترش نیز؛ (و: اختری نیز)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ب، آ) ۳۳- س: گردان؛ (ل: چندان) ۳۴- س (نیز ل): همی؛ ق: همان ۳۵- س (نیز ل، ب): خوار؛ (ل: باد)؛ متن = ل، ق، ل، ل، س (نیز ق، ل، پ، و، ل، ن) ۳۶- در ل، پ، آ، ب حرف یکم با سه نقطه؛ (ل: نهنگ) ۳۷- س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ن، ب): از (ز) ایران از آنسان (س: برانسان؛ ل، ل، ن: بدانسان؛ ل: توران)؛ (پ: ازیرا بر او)؛ متن ← ۳۸- ل (نیز ل، و): از ایران بدانسان (ل: بدانسان) شده تیز جنگ؛ (ل، آ: ز ایران بدین کین شدم پیش جنگ)؛ متن = س

بدین پنج هفته که من روز و شب
 ۲۷۵۵ بدان تا جهاندار یزدان پاک
 شدم سیر ازین لشکر و تاج و تخت
 تو ای پیر بیدار^۳ دستانِ سام
 به تاری^۴ و کزی بگشتم^۵ ز راه
 ندانم^۸ که بادافره^۹ ایزدی
 همی بافرین برگشادم دو لب،
 رهند مرا زین غم تیره خاک
 سبک بار^۱ گشتم و بستیم رخت
 مرا دیو گویی که بنهاد دام
 روان گشت^۶ بی‌مایه و دل سیاه^۷
 کجا یابی و^{۱۰} روزگار بدی

گفتار اندر پوزش خواستن زال از کیخسرو^{۱۱}

چو دستان شنید این سخن خیره گشت^{۱۲}
 ۲۷۶۰ خروشان شد از شاه^{۱۵} و بر پای جست^{۱۶}
 ز من بود تیزی^{۱۸} و نابخردی
 سزد گر ببخشی گناه مرا
 مرا سالیان شد فزون از شمار^{۲۱}
 ۲۷۶۵ ز شاهی^{۲۳} ندیدم که زین^{۲۴} گونه راه
 کنون گشت کیخسرو آموزگار
 نخواهم که باشم ز خسرو جدا
 همه^{۱۳} چشمش از روی او^{۱۴} تیره گشت^{۱۲}
 چنین گفت کای شاه یزدان پرست^{۱۷}
 توی^{۱۹} پاک و فرزانه و^{۲۰} ایزدی
 اگر دیو گم کرد راه مرا
 کمر بسته ام^{۲۲} پیش هر شهریار
 بجستی به^{۲۵} دادار خورشید و ماه
 که زو^{۲۶} دور بادا^{۲۷} بد روزگار
 خرد هست^{۲۸} بر تیره جانم^{۲۹} گوا

۱- ل، ق، ل (نیزل)؛ زین ۲- ل (نیزلن، ل، و، ب)؛ باز ۳- س، ل (نیزلن، لن، ب)؛ فرخنده؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق)؛
 - و، آ) ۴- ف (نیزلی، لن، آ)؛ بیازی؛ س: بیازی؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، آ، پ، و، ب) ۵- (لن، لی، پ، لن، آ، آ:
 نگشتم) ۶- (لن: گشته) ۷- ل، س، ل (نیزلن، پ، لن، ب)؛ تباہ؛ متن = ف، ق، س (نیزق، ل، ل، و، آ)؛ بنداری؛ و أنت
 تزعم أن الشيطان قد نصب لك الحباله وأمال قلبك إلى الزيف والضلاله ۸- (ل: بدانم؛ ب: غنام) ۹- س، ل (نیزلن، ق، ل، و،
 لن، ب)؛ با قره؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزلی، پ، آ) ۱۰- ل: یایم و؛ س: یاقی؛ ل (نیزلن، لن، آ: یابی آن؛ ق، ل، و، یابی این؛ ب:
 یایم آن)؛ متن = ف، ق، س (نیزلی، پ، آ)؛ بنداری؛ فلا أدري بأى المكاره والأساء تجازى على ذلك يوم الجزاء؛ س: پس از بیت ۲۷۵۹ افزوده
 است:

بپیچد روانت ازین گفته‌ها
 بدین خام گفتاری آب و شرم
 چوپیدا شود بر تو بنفته‌ها
 که گفتی و بر من بجوشید چرم
 تن و دودمان تو چونان شود
 که آشفته از خشم یزدان شود

۱۱- ق: پوزش خواستن زال از کیخسرو و رفتن شاه با پهلوانان بصره؛ ل: پوزش خواستن زال کیخسرو را؛ ف، ل، س، س: سرنویس ندارند؛
 متن = ق ۱۲- ل، ق (نیزق، ل، ل، آ)؛ شد ۱۳- ل، س، ق (نیزپ، و، ب)؛ همی؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، ل، ل،
 لن) ۱۴- (لی، آ: جهان پیش چشم همه) ۱۵- س: راه؛ (پ: جای) ۱۶- ل، ق (نیزلی)؛ خاست؛ متن = ۱۷- ق
 (نیزلی)؛ با داد راست؛ ل: داور داد و راست؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب) ۱۸- س: کزی؛ (پ، لن، آ:
 پیری) ۱۹- ف، س، ق، ل، س (نیزلن - ب)؛ تویی؛ متن = ل ۲۰- (لن، پ، لن، آ): فرزانه؛ ل، س، ل (نیزق، و، ب)؛ پاک
 فرزانه؛ ق: پاک فرزانه و؛ (لی، آ: بلکه فرزانه)؛ متن = ف، س ۲۱- (لی، آ: همی بی شمار؛ ل، و: فزون از هزار) ۲۲- ف: بسته؛
 (به پیش پنجم)؛ س: بسته در ۲۳- ل، س (نیزلن، ق، ل، ب)؛ شاهان؛ متن = ف (نیزل) ۲۴- ل، س (نیزلن - ل، و -
 ب)؛ کزین؛ (پ: ازین)؛ متن = ف ۲۵- ل، س (نیزلن - ل، و - ب)؛ ز؛ (ب: که جستی ز)؛ متن = ف ۲۶- س، س (نیزلن -
 ب)؛ کزو؛ متن = ف ۲۷- (لن: دور شد همه)؛ ل بیت‌های ۲۷۶۶ - ۲۷۶۸ را ندارد؛ درس، ل، ل، لن، ل، ب بیت ۲۷۶۶ پس از بیت
 ۲۷۶۹ آمده است ۲۸- س، س (نیزلن، ق، ل، ل، ب)؛ باد؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۲۹- ق: بر جان پیرم

۲۷۷۰ سَخُن‌های دستان چو بشنید شاه سپهبد بدانست کان ^۷ جز به مهر بیازید و بگرفت دستش به دست چُنین گفت پس شاه با ^۹ زالِ زر تو و رستم و طوس و گودرز و گیو ۲۷۷۵ سراپرده از شهر بیرون برید ز خرگاه و از ^{۱۴} خیمه چندان که ^{۱۵} هست درفشِ بزرگان و ^{۱۶} پیل و سپاه چُنان کرد رستم که خسرو بگفت به هامون کشیدند ایرانیان ۲۷۸۰ زمین کوه تا کوه پُر خیمه بود میان اندرون کاویانی درفش سراپرده‌ی زال نزدیک شاه به دستِ چپش رستمِ پهلوان به پیش اندرون طوس و گودرز و گیو ۲۷۸۵ پسِ پشت او بیژن و گستم	به ایران بنزدیک هر نیک‌خواه ^۳ ، ازین دادگر خسرو ^۵ نیک‌خوی پسند آمدش پوزشِ نیک‌خواه ^۶ نپیوست بر ^۸ شاهِ خورشیدچهر بر خویش بردش به جای نشست که اکنون ببندید ^{۱۰} یکسر کمر دگر هرک ^{۱۱} او نامدارست و ^{۱۲} نیو، درفشِ همایون ^{۱۳} به هامون برید بسازید بر دشت جای نشست بسازید روشن ^{۱۷} یکی بزمگاه ^{۱۸} بردند پرده‌سرای از نهفت ^{۱۹} به فرمان بیستند یکسر ^{۲۰} میان سید ^{۲۱} و سیاه و بنفش و کبود جهان زو شده سرخ و زرد و بنفش برافراخته زو ^{۲۲} درفشِ سیاه ^{۲۳} ز کاول ^{۲۴} بزرگان ^{۲۵} روشن روان چو گرگین و خراد ^{۲۶} و شاپور ^{۲۷} نیو بزرگان که بودند با او بهم ^{۲۸}
---	--

۱- س، ل، آ (نیزب، و): [و]؛ (ق: گنج و) ۲- (ل، آ: تیمار؛ و: گفتار) ۳- (ق، و: کینه‌خواه)؛ ق بیت‌های ۲۷۶۸ و ۲۷۶۹ را ندارد ۴- ل (نیزب، و): نبود ۵- (ل، آ: از آن نامور مهتر)؛ در س، ل، لن، ل، ب این بیت پس از بیت ۲۷۶۹ آمده است ۶- ف این بیت را ندارد ۷- ل، س، ل، س، آ (نیزلن، ق، ل، ب، و): بدانست کوا این (س، ل، ب: آن؛ ق: زان) سخن؛ متن = ف ۸- ل (نیزلن، ل، ب، و): نپمود با؛ س، ل، س، آ (نیزق، ب): نپمود بر؛ متن = ف؛ ق، ل، لن، آ این بیت را ندارند؛ در ل، س، ل، س، ل، لن، ق، ل، ب، و ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت‌های متن = ف ۹- ف: گفت با مهربان؛ متن = ل - س، آ (نیزلن - ب) ۱۰- ق: ببندیم ۱۱- س، ق، ل، س، آ: هرکه ۱۲- ل، ل، آ (نیزلن، ق، ل): [و] ۱۳- ل: درفش و سپه را؛ در ل، ق بیت‌های ۲۷۷۵ و ۲۷۷۷ پس و پیش شده‌اند ۱۴- ف، ل، ق، ل، س، آ: وز؛ متن = س ۱۵- ل، س، ق: چندانک ۱۶- ف: ز کوس و درفش وز؛ متن ← ۱۷- ف: خرم؛ متن = ل - س، آ (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، ب) ۱۸- ف: بارگاه؛ ل، ل، آ (نیزلن، ب): رزمگاه؛ (ل: جشنگاه)؛ متن = س، ق، س، آ (نیزق، و، لن، ب)؛ ل، آ این بیت را ندارند؛ در س، ل، لن، پ، لن، ب این بیت‌های ۲۷۷۷ - ۲۷۸۰ درهم ریخته‌اند: ۲۷۸۹، ۲۷۸۰، ۲۷۷۸، ۲۷۷۷ ۱۹- ل، ق بیت‌های ۲۷۷۸ - ۲۷۸۲ را ندارند ۲۰- س (نیزب): یک یک؛ ل: هر یک؛ (ل، آ: ببستند یکسر بفرمان) ۲۱- (و، لن: سفید)؛ در ق، و، ل، آ این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری: ثم أشار علیه بأن ييرزمع رستم و طوس و جودرز و جميع الملوك والأمراء والقواد بالسراقات والحيم، ويخيموا في الصحراء، ويخرجوا معهم الألوية والأعلام فامشوا أمره في ذلك ۲۲- ل: برافراختند آن ۲۳- س، آ: تا برآید سپاه ۲۴- ف، ل، ق، ل، س، آ (نیزلن، ق، ل، ب - ب): کابل؛ س: زابل؛ (ل: یکایک)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵- ف: بزرگان و ۲۶- س (نیزلن): فرهاد؛ متن ← ۲۷- (ب: شاپور و خراد؛ ب: شاپور و فرهاد)؛ ل، س، آ (نیزلن): رهام و شاپور و گرگین؛ ق (نیزق، و): رهام و شاپور و گردان؛ (ل، آ: رهام و گرگین و شاپور)؛ متن = ف، ل، آ (نیزلن) ۲۸- ف، ل، آ بیت‌های ۲۷۸۵ - ۲۷۸۷ را ندارند

ندیدم که ایدر بماند ^۱ کسی ^۲	بکشیدم و رنج بردم بسی
بکندم، سرآوردم این ^۴ درد و رنج	کنون جان و دل ^۳ زین سرای سپنج
ز تخت ^۵ کیی روی برتافتم ^۶	کنون آنچه ^۵ جسم همه ^۶ یافتم
بمانم ^۱ بدو ^{۱۰} هر چه ^{۱۱} خواهد ز گنج ^{۱۲}	هر آنکس که در پیش من برد رنج ^۸
بگوم به ^{۱۴} یزدان ^{۱۳} نیکی شناس	ز گردان زهر کس که دارم ^{۱۳} سپاس
سلیح ^{۱۶} و در ^{۱۷} گنج آراسته	بر ^{۱۵} ایرانیان بخشم این خواسته
ببخشم به هر مهتری کشوری	هر آنکس که هست از شما مهتری
براندیشم ^{۲۰} آرم شمارش به جای ^{۲۱}	همان بدره و برده ^{۱۸} و چارپای ^{۱۹}
و زین تیرگی دل بپرداختم ^{۲۲}	ببخشم که من راه را ساختم
به یک هفته ^{۲۴} ایدر ^{۲۵} چمید و چرید	شما دست شادی و ^{۲۳} خوردن برید
گذر یابم و دور مانم ز رنج	بخواهید ^{۲۶} تا زین سرای سپنج
بمانند گردان ^{۲۸} ایران ^{۲۷} شگفت	چو کیخسرو این پندها برگرفت ^{۲۷}
خرد با دلش سخت ^{۳۰} بیگانه شد ^{۲۹}	یکی گفت کین شاه دیوانه شد ^{۲۹}
کجا خواهد این تاج و تخت ^{۳۲} آرمید	ندانم بدو بر ^{۳۱} چه خواهد رسید
نه از راه کژی و از بی خودی ست ^{۳۳}	[دگر گفت: گفتار او ایزدی ست
همه دشت لشکر بُد و راغ ^{۳۴} و کوه	۲۸۰۵ ۲۸۱۰ ۲۸۱۵ برفتند یکسر گروه‌ها گروه

۱- س (نیزب): بماندی ۲- س: برانم که ایدر مانم بسی (!) ۳- ف: تن؛ متن = ل- س (نیزلن- ب): بنداری: و من أجل ذلك قلعت قلبی من هذا الدار الفانیة ۴- س، ل (نیزلن، لن، ب): برآوردم از؛ س (نیزق، ب): برآوردم این؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، ل، و) ۵- ق، ل: آنچه ۶- س: همان آنچه جسم کنون ۷- ل، آ: اگر زین جهان تیزشتافتم ۸- ل: رنج برد ۹- ل (نیزب، و): ببخشم؛ ل، آ: بماند؛ ل: بماندم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزق، لن، ب) ۱۰- س: برو ۱۱- ل: هر چه ۱۲- ل: چنان دان که رنج از بی گنج برد ۱۳- ل، ل (نیزلن، ل، ب، لن، آ): ز کردار هر کس که دارد (ل، لن، ب، لن، آ: دارم)؛ س، س (نیزو، ب): ز گردان هر آنکس که دارم؛ متن = ف (نیزق) ۱۴- ف: [به]؛ ق این بیت را ندارد ۱۵- ل- س (نیزلن، ق، ل، ب- ب): به؛ متن = ف (نیزل) ۱۶- س: سلاح ۱۷- ل: دزد؛ س (نیزلن، ب): همان؛ ق، ل (نیزلی، ل، آ): دزد؛ س (نیزب، و، لن، آ): زرو؛ (ق: آ: درو)؛ متن = ف ۱۸- س (نیزب): پرده؛ (ل: آ: برده و بنده) ۱۹- س: برده و بدره و بارگاه ۲۰- ف: براندیشه؛ متن = ل- س (نیزلن- ب) ۲۱- ق: شما را بجای؛ و: یکایک بجای؛ س: براندیشم و نیست ما را نگاه ۲۲- ف، ق این بیت را ندارند؛ بنداری: فانی قد صممت عزمی علی الرواح، و فرغت قلبی من عالم المساء و الصباح ۲۳- ل، س (نیزلن، ل، ل، آ): به؛ ق: سر بشادی و؛ متن = ف، س، ل (نیزق، ب، و، لن، ب) ۲۴- ف: جای؛ (و: یکی هفته؛ آ: دو سه هفته)؛ متن = ل- س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۲۵- ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ، ب): اندر؛ متن = ل، ق (نیزل، و) ۲۶- ل، ق (نیزق، و): بخواهم که (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزل، آ): بخواهم که؛ (ل: بخواهم که؛ لن: نخواهید)؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ب، ب: درف، س، ل، لن حرف یکم نقطه ندارد) ۲۷- ل، س (نیزب): پندها را بگفت؛ (و: اندر زها درگرفت)؛ ف: چو خسرو چنین پندها برگرفت؛ متن = س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ل، لن، آ، ب؛ ق، لن، ق، آ، لن، آن) ۲۸- س: برودر؛ (لن، ب: ازودر؛ ل، آ: همه در) ۲۹- ل، آ: گشت ۳۰- س، ل (نیزلن، لن، ب): همچو ۳۱- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، ب، آ، ب): برودر؛ (ق: بدودر؛ و: بدوتا)؛ س (نیزل، آ): ندانم کورا؛ متن = ف (نیز لن) ۳۲- ق: تخت و تاج ۳۳- ل- س (نیزلن- ب) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: فلما سمعوا ذلك تحيروا فی أمره و نسبوه الی الجنون. و بعد أسبوع...؛ متن = ف ۳۴- ل، ق (نیزلی، آ): غار؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزهفت دستنویس دیگر)

عَوای و آوازِ ۲ مستانِ ۳ ز دشتِ ۴
 تو گفتی همی از هوا ۵ برگذشت ۶
 بیوند یک هفته زین گونه شاد ۷
 نیامد کسی را ۸ غم و رنج یاد ۹

گفتار اندروسی کردن کیخسرو گودرز گشواد را ۱۰

<p>۲۸۲۰ ۲۸۲۵</p>	<p>به هشتم نشست از بر گاه شاه ۱۱ چو آمدش رفتن به تنگی ۱۴ فراز چو بگشاد آن ۱۶ گنج آباد را بدو گفت: بنگر به کار ۱۷ جهان گهی ۱۹ گنج را روز آگندن ست ۲۰ نگه کن رباطی که ویران بود ۲۳ دگر آبگیری که باشد خراب دگر کودکانی که بی مادرند دگر هر ۳۰ که ش آید ۳۱ به پیری ۳۲ نیاز بریشان ۳۴ در گنج بسته مدار دگر ۳۵ گنج که ش نام باد آورست ۳۶</p>	<p>ابی ۱۲ یاره و گرز و زرین کلاه ۱۳ یکی گنج را ۱۵ در گشادند باز وصی کرد گودرز گشواد را که با آشکارا چه دارد ۱۸ نهان به سختی ۲۱ و، روزی پراگندن ست ۲۲ پُلی ۲۴ کان بنزدیک ایران بود ۲۵ از ایران ۲۶ و از ۲۷ رنج افراسیاب زنانی که بی شوی ۲۸ و بی غم خورند ۲۹ ز هر کس همی دارد آن رنج راز ۳۳ بخشش و بترس از بد روزگار پُر از ۳۷ افسر و گوهر و زیورست ۳۸</p>
---------------------------------------	---	---

۱- ل (نیزقی، لی، ب): غو ۲- ل (نیزلسن، لی، ل، و): آوای ۳- ف (نیزل، ق): اسبان؛ متن = ل- س (نیزلسن، پ، لن، ب) ۴- (ق، لی، و، آ، رامشگران) ۵- ف: فلک؛ متن = ل- س (نیزلن، ل، پ، لن، ب) ۶- (لن): درگذشت؛ ق، لی، و، آ: شده در هوا از کران تا کران) ۷- س: شاه ۸- ل، ق، ل، ل، س (نیزلسن، ق، لی، پ- ب): کسی را نیامد؛ متن = ف (نیز ل، ل) ۹- س: ابی یاره و گرز و رومی کلاه (۲۸۱۸ ب و ۲۸۱۹ آ را انداخته و از ۲۸۱۸ آ و ۲۸۱۹ ب یک بیت ساخته است) ۱۰- ل: بخش کردن گنج و ولایت بایرانیان؛ ق: وصی کردن شاه کیخسرو گودرز را؛ ل: وصی کردن گودرز گشواد را؛ س: وصی کردن کیخسرو گودرز را و منشور دادن؛ ف: س سرنویس ندارند؛ متن = ق، ل، ل، س (لن): بر بارگاه) ۱۱- (لن): بر بارگاه) ۱۲- ف: نید؛ س: نه با؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزقی، ب) ۱۳- (پ: رومی کلاه؛ لن: از دور تاج و کمر با کلاه) ۱۴- ل: بیکی ۱۵- س: [را] ۱۶- ل، ق، ل (نیزلسن، لی، پ، لن، آ، ب): دره؛ (ل: گشاد او در)؛ متن = ف، س (نیزقی، و) ۱۷- (ق): ز کاره؛ لی، آ: بگرد) ۱۸- ل، ق (نیزلی، آ): چه در آشکار و چه اندر؛ متن = ف، س، ل، س (نیزهفت دستویس دیگر) ۱۹- (لن): بهره؛ لی، آ: کهن؛ متن ← ۲۰- ل، ق، س (نیزپ): که هر گنج را روزی آگندست (س، پ: آگندست)؛ (ق): کهن گنج روز پراگندست؛ متن = ف، س، ل (نیزل، لن، ب؛ ب؛ لن، لی، آ) ۲۱- ل: بشادی ۲۲- ف: گاهی پراگندست؛ ل، ق: سستی پراگندست؛ (ق): روزی بس آگندست؛ لی، آ: گاه پراگندست؛ متن = س، ل، س (نیزلسن، پ، لن، ب) ۲۳- س: شدت ۲۴- ل (نیز لن، لی، و، لن): یکی؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزقی، پ، آ، ب)؛ بنداری؛ و اوصی الیه بانفاقه فی عمارة الخانات والقناطر والمعابر التي خرجت فی عهد افراسیاب ۲۵- س: نشست پلنگان و شیران شدت؛ در ل یک برگ از بیت ۲۸۲۴ تا ۲۹۲۱ افتاده است ۲۶- ف: ز بیداد؛ (ق، و: بایران)؛ متن = ل- س (نیزلسن، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۷- ف، ل، ق، س: وزه؛ (لی، آ: هم از) ۲۸- ل: شو ۲۹- ل، ق، ل، س (نیزقی، لی، پ- ب): بی چادرند؛ س (نیزلن): بی باورند؛ متن = ف ۳۰- ل، س، ل (نیزلسن، ق، لی، پ- ب): آن؛ متن = ف ۳۱- (ق): آمد؛ ق: دگر آنک دارد؛ س: دگر آنک آمد ۳۲- ل، س، ق، ل (نیزلسن، ق، لی، پ، و، لن، ب): بچیزی؛ متن = ف، س (نیزلی، آ) ۳۳- ف، ل، س (نیزو): باز؛ س، ل (نیزلن، پ، لن، ب): او رنج باز؛ ق: از شرم راز؛ (لی، آ: ز مردم همی دارد آن راز باز)؛ متن = (ق) ۳۴- ف: برینها (یا: بزینهار)؛ متن = ل- س (نیزهشت دستویس دیگر) ۳۵- ل (نیز لن): در؛ س: دوم ۳۶- س (نیزلن): داد آورست؛ (لی: با دیورست؛ آ: او دیورست)؛ بنداری؛ با ذاور ۳۷- ف: در آن؛ ل: برو؛ متن = ل- س (نیزهشت دستویس دیگر)؛ بنداری؛ و کان مملوء من الجواهر والاکالیل والحلی ۳۸- ل (نیزقی، پ، و): افسر و زیور و گوهرست؛ س (نیزلسن، ب): گوهر و افسر و زیور و افسرست؛ متن = ف (نیزلی، لن، آ)

نگه کن به شهری که ویران شده است ^۱	۲۸۳۰
دگر هر کجا رسم آتشکده است ^۲	
سدیگر کسی کو ز تن ^۳ بازماند	
دگر چاهساری که بی آب گشت	
بدین ^{۱۱} گنج بادآور ^{۱۲} آباد کن	
دگر ^{۱۳} گنج که ش خواندندی عروس	۲۸۳۵
به گودرز فرمود کان ^{۱۴} را ببخش	
همه ^{۱۸} جامه های تنش برشمرد	
همان یاره و طوق گنداوران	
از ^{۲۱} اسپان به جایی که بودش ^{۲۲} یله	
همه باغ و گلشن به گودرز داد	۲۸۴۰
سلیح ^{۲۵} تنش هرچ ^{۲۶} در گنج بود	
سپردند یکسر به گویو دلیر	
از ^{۲۸} ایوان و خرگاه و پرده سرای	
فریبرز کاوس را داد شاه	
یکی طوق روشن تر از مشتری	۲۸۴۵
کنام پلنگان و شیران ^۲ شده است ^۱	
ابی هیربد جای ^۴ ویران شده است ^۵	
به روز جوانی درم برفشانده ^۸	
فراوان برو ^۹ سالیان برگذشت ^{۱۰}	
درم خوار کن، مرگ را یاد کن	
که کاوس آگند ^{۱۴} در شهر سوس ^{۱۵}	
به زال و به گویو ^{۱۷} و خداوند رخش	
نگه کرد یکسر به رستم ^{۱۹} سپرد،	
همان جوشن و گرزهای گران ^{۲۰} ؛	
به طوس سپهبد سپردش ^{۲۳} گله	
به هر مرز و هر جای کامدش یاد ^{۲۴}	
که او را بدان خواسته رنج بود،	
بدانگه که خسرو شد از جنگ ^{۲۷} سیر	
همان خیمه و آخر ^{۲۹} چارپای،	
همان ^{۳۰} جوشن و ترگ و زرین کلاه ^{۳۱}	
ز یاقوت رخشان دو ^{۳۲} انگشتی،	

۱- ف: بود؛ متن = ل- س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲- س: سراسر کنام پلنگان؛ (لن: نشست بزرگان و شیران) ۳- ق: آتشکده ۴- ل: که بی هیرمندست؛ س: که بی هیربد بود؛ ق: که از هیرمندست؛ ل، س^۱ (نیز لن، ل، ب): که بی هیربد جای؛ (ق: که بی بهره بد جای؛ ل، آ: که بی هیزمست آن؛ پ: که بی هیرمندست و)؛ متن = ف ۵- ق: شده؛ ل: سیرال بدست؛ (ب: بیران بدست) ۶- ل (نیز ق، ل، آ): سه دیگر؛ س (نیز لن): و دیگر ۷- (لن: زین؛ پ: کردم) ۸- (ل، و، آ: ابی کام دل ماند و بی ناز ماند) ۹- (ل، لن: بدو) ۱۰- (لن: درگذشت؛ ق: ازبیت ۲۸۳۳ تا ۲۹۱۷ را ندارد) ۱۱- ف، ق: ازین؛ (لن: برین)؛ متن = ل، س، ل، س^۱ (نیز ل، پ- ب) ۱۲- س: دادآور؛ ق (نیز ل، پ، لن، آ): آباد؛ (لن: بشتاب و) ۱۳- ل، س^۱ (نیز و، لن: آ): در ۱۴- ل- س^۱ (نیز لن، ل، پ- ب): که (کش) آکند (ل، آ: افکند) کاوس؛ متن = ف ۱۵- ف، ل، ق، س^۱ (نیز ل، پ، آ): طوس؛ متن = س، ل^۱ (نیز لن، و، لن، ب)؛ بنداری؛ و امره آن یفتح باب الکنز المعروف بالعروس الذی کنزه کیکاوس فی مدینه السوس ۱۶- س: که این ۱۷- س (نیز لن، ب): بگیو و بزال ۱۸- (ل، آ: همان) ۱۹- ل، ق: بیژن؛ س- ل^۱ (نیز لن، لن، ب): بدیشان؛ متن = ف، س^۱ (نیز ل، پ، و، آ)؛ بنداری؛ ثم سلم ثیابه و أسلحته الی رستم ۲۰- ق این بیت را ندارد ۲۱- ف، ل، س، ق: ز؛ س: وز؛ متن = ل ۲۲- ف: که بودند جایی؛ س: که بودند هر جا؛ (ل، آ: هر جا که بودش؛ پ: بجایی که بودی؛ ب: که بودش بجایی)؛ متن = ل، س، ق، ل^۱ (نیز لن، و، لن) ۲۳- ف (نیز ل، آ): سپرد آن؛ متن = ل- س^۱ (نیز لن، پ، و، لن، ب)؛ بنداری؛ و أعطی خيله و رعیله طوس بن نوذر؛ درق بیت های ۲۸۳۹-۲۸۴۲ پس از ۲۸۴۷ آمده اند ۲۴- ل، ق (نیز ل، آ): بگیتی و مرزی که آمدش یاد؛ س، ل^۱ (نیز لن، پ، و، لن، ب): ز (وز) ایوان هایی که او کرد (پ: که آمدش) یاد؛ س: بگیتی و مرزی کش آمد یاد؛ متن = ف؛ بنداری؛ و وهب بستانه و مجلسه لجودرز بن کشواد ۲۵- س (نیز ل، پ): سلاح ۲۶- س، ق، ل، س^۱: هر چه؛ (لن: آنچه) ۲۷- ل: گنج؛ س، ل، س^۱ (نیز لن، پ، لن، ب): گاه؛ ق: تاج؛ متن = ف (نیز ل، و، آ)؛ بنداری این بیت را ندارد ۲۸- ف، س: ز ۲۹- س^۱ (نیز ل، پ، و، ب): آخر؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیز لن، لن، آ)؛ ل، ق بیت های ۲۸۴۳ و ۲۸۴۴ را ندارند؛ بنداری؛ و وهب سرادقه و خیمه و دوابه المربوطة عنده لفری بزرین کیکاوس ۳۰- س، ل^۱ (نیز لن، پ، لن، ب): بسی؛ س^۱ (نیز و): یکی؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۳۱- س^۱ (نیز لن): رومی کلاه ۳۲- ف: ده؛ متن = ل- س^۱ (نیز لن، ل، پ- ب): بنداری؛ و سلم الی بیژن بن جیو طوقا مرصعا و خاتمین من الیاقوت مکتوبا علیها اسم

نَبشته^۱ برو^۲ نامِ شاهِ جهان
به بیژن چُنین گفت کین یادگار
— که اندر جهان آن^۳ نبودی^۴ نَهان —
همی دار و جز تخمِ نیکی مکاره^۵

گفتار اندر خواهش کردن ایرانیان از کیخسرو^۶

<p>۲۸۵۰ همه مهتران زار و گریان شدند همی گفت هر کس که تا^۱ شهریار چو بشنید دستانِ خسروپرست چُنین گفت کای شهریارِ جهان تو دانی که رستم به ایران چه کرد چو کاوس کی شد به مازندران که^{۱۴} دیوان بستند کاوس را تهمن چو بشنید تنها برفت بیابان و تاریکی و دیو^{۱۷} و شیر بدان^{۱۹} رنج و تیمار ببرید راه ۲۸۶۰ بدرید پهلوی دیو سپید^{۲۰}</p>	<p>به ایرانیان گفت: هنگام من بخواهید چیزی که باید ز من ز دردِ شهنشاه^۸ بریان شدند که را مانند^{۱۰} این تاج را یادگار؟ زَمین را بیوسید و بر پای جست سَزد کارزوها ندارم^{۱۱} نَهان به رزم و به رنج^{۱۲} و به ننگ و نبرد رهی دور و فرسنگ‌های گران^{۱۳}، چو گودرز گردنکش و^{۱۵} طوس را، به مازندران روی بنهاد^{۱۶} تفت، زین جادو و^{۱۸} آژدهای دلیر، به مازندران شد بنزدیک شاه جگرگاهِ کولادِ غندی^{۲۱} و بید</p>
--	---

۱- ل، س^۲ (نیزلی، پ، و، آ): نوشته؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیزلن، لن، ب) ۲- ق (نیزلی): بدو ۳- (لن: او) ۴- (ل، آ): زمین آن نمندی) ۵- ل^۱ این بیت را ندارد؛ درق پس از این بیت، بیت‌های ۲۸۳۹-۲۸۴۲ آمده‌اند ۶- ف: تشریف دادن طوس را و گودرز و پهلوانان لشکر را و قسمت کردن ولایه ابرایشان و وصیت کردن. تشریف دادن شاه کیخسرو به بیژن گیو و او را نواختن فرمودن و سپردن او را به پهلوانان لشکر خویش؛ ق، ل^۱: خواهش کردن ایرانیان از (ق: زال و ایرانیان از شاه) کیخسرو؛ ل، س، س^۲ سرنویس ندارند؛ متن = ل^۲ ۷- (ل، آ: نام؛ لن: جان)؛ س^۲ ۲۸۴۸ ب و ۲۸۴۹ آ را انداخته و از ۲۸۴۸ آ و ۲۸۴۹ ب یک بیت ساخته است ۸- (ل، آ: بدرد دل از شاه؛ و: زرد دل شاه) ۹- ل (نیزلی، آ): ای؛ (پ: این)؛ متن = ف، س، ق، ل^۲ (نیزلن، و، لن، ب) ۱۰- ل (نیزلی، آ): مانی؛ متن = ف، س، ق، ل^۱ (نیزلن، پ، و، لن، ب)؛ س^۲ این بیت را ندارد ۱۱- س، ل^۲ (نیزلن، ل، لن، ب): نماد؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزپ، و، آ) ۱۲- ل، ق (نیزلی، پ، آ): بیزم؛ س^۲: برنج و برزم؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، و، لن، ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

نخستین کجا خسرو افراسیاب	به ایران خرامید و بگذاشت آب
سپاهی بکردار دریای چین	که می‌برنستابید آن را زمین
بیامد تن او ز زمین برگرفت	سپاهش همه دست بر سر گرفت

ل- س^۲، لن، ل، پ- ب این بیت‌ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل^۲ در اینجا افتادگی دارند ۱۳- (ل، آ): چه سختی کشید او همی اندران) ۱۴- ل- س^۲ (نیزلی، آ، ب): چو؛ متن = ف (نیزلن، پ، آ) ۱۵- (و: و گرگین و چون) ۱۶- ل، ق، س^۲ (نیزلی): بنهاد؛ متن = ف، س، ل^۲ (نیزلن، پ- ب) ۱۷- ق (نیزلن): پیل؛ (و: ببر) ۱۸- ل: همان جادوی و؛ س، ل^۲ (نیزلن، لن، ب): چه جادوزن و؛ ق: همان جادو و؛ س^۲ (نیزلی، پ، و، آ): چه جادو و چه؛ متن = ف ۱۹- (ل، آ: پراز) ۲۰- (ل، و، لن): سفید) ۲۱- ل: غندی؛ س، ق (نیزپ، آ، ب): اولاد غندی؛ ل^۲ (نیزلی): اولاد و غندی؛ س^۲ (نیزو، لن): اولاد غندی؛ (لن: پولاد غندی)؛ متن = ف

سر سنجه را ناگه^۱ از تن^۲ بکند
 چو سهراب^۳ فرزند، کاندر جهان^۴
 بگشت از پی کین کاوس شاه
 و زان پس کجا رزم کاموس^۵ کرد
 ز کردار او چند^۶ رانم سخن
 اگر شاه سیر آمد^۷ از تاج و گاه
 چنین داد پاسخ که کردار اوی^۸
 که داند مگر کردگار سپهر
 خروشش برآمد به ابر^۹ بلند
 کسی را نبود از نژاد مهان^{۱۰}،
 ز دردش بگریده^{۱۱} سال و ماه
 به مردی به ابر اندر آورد^{۱۲} گرد
 کجا داستانش^{۱۳} نیاید به بن
 چه مانند^{۱۴} بدین شیردل نیک خواه^{۱۵}؟
 بنزدیک من^{۱۶} رنج و تیمار^{۱۷} اوی^{۱۸}
 نماینده ی داد^{۱۹} و آرام و مهر

۱- (و: سنجه دیو) ۲- (لن: بن) ۳- (و: چرخ)؛ ل، آ این بیت را ندارند؛ س، ل، ن، پ، لن، آ، ب پس از این بیت ولی، آپس از بیت سپین افزوده اند:

چو کاوس شد سوی هاماوران (ل، آ: مازندران)
 ابا طوس و گودرز و با گیورا
 تهمتن بشد با سپاهی گران
 رها کرد از بسند کاوس را
 بستند او را به بسند گران
 دلیران فرزانه نیورا
 ز ایران و زابل گزیده سران

چو گودرز و هم گیو و هم (س، ل، آ: چون گیو و چون؛ ل، آ: با گیو و با) طوس را
 ف، ل، ق، س، و این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل، آ در اینجا افتادگی دارند ۴- ف: سرخاب ۵- س، آ:
 فرزانه کز روزگار ۶- ل، س، ق، ل (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): از کهان و مهان؛ س، آ: بند در جهان نامدار؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۷-
 ف: همه؛ ل، آ این بیت را ندارند؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به هاماوران رفت کاوس را
 به کین سیاوش به توران زمین
 به نیزه تن پیل سُم را ز زمین
 ل - س، ل، ن، پ - ب این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل، آ در اینجا افتادگی دارند ۸- ف (نیز لن):
 کاوس ۹- (ل، آ: بر آورد از ابر؛ پ: بر آورد از آن مرز)؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ ف، ل، آ پس از این بیت افزوده اند:

سنگاره دیوی چو پولادوند
 بکشتی بیفکند و بگشاد بند (ل، آ: گرفتش میان و بکشتی فکند)
 گرفتش کمر بند افراسیاب
 وزان پس دگر باره اکوان دیو
 ز درگاهت ای شاه تنها برفت
 چو از رنجش آمد به خفتن شتاب 5
 ز دریا بمردی به یکو کشید
 به فرمان تو دردم ازدها
 ز زمین برگرفتش هم اندر شتاب (ل، آ ندارند)
 بر آورد چون نره گوران (ل، آ: از زرف دریا) غریبو
 بر آن دیو و بر شاه ترکان (ل، آ: توران) چه رفت
 بیفکند دیو نژدش به آب (ل، آ ندارند)
 بران (ل: بدان) گورخر جرم را (ل، آ: چون) بردرید
 شد و بیبزن آمد ز سختی رها

ل - س، ل، ن، پ، و، لن، آ، ب این بیت ها را ندارند؛ و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل، آ در اینجا افتادگی دارند؛ بنداری (۲۸۵۵-۲۸۶۵): و
 من ذلک نهوضه الی مازندران و قتلہ للک الجن و تخلیصه لکیکاوس و جودرز و طوس، و قتلہ لولده سهراب فی طاعة کیکاوس ثم ما فعل فی وقعة
 کاموس، الی غیر ذلک من مقاماته المشهورة و وقائعه المذكورة فی خدمة هذه الدولة القاهرة ۱۰- (ل، آ: چندانکه) ۱۱- ل، س، ل، آ (نیز
 لن، پ، و، لن، آ، ب): که هم (پ: همی؛ و: همان؛ لن: همه) داستانش؛ ق: همانا که این داستانش (وزن ندارد)؛ س: همان داستانش؛ (ل، آ: که
 هم داستانش)؛ متن = ف ۱۲- ف: آید؛ متن = ل - س (نیز لن، ل، پ - ب) ۱۳- ل: مایه (ج: ماند) ۱۴- س (نیز لن، لن، آ،
 ب): کینه خواه ۱۵- ل، س، ق، ل، آ: او؛ متن = ف، س ۱۶- ل - س (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب): ما؛ متن = ف (نیز
 پ) ۱۷- (لن: یکار) ۱۸- ل، ق (نیز ل، و، آ): کام؛ ف: کزویست او مید؛ متن = س، ل، س (نیز لن، پ، لن، آ، ب)

ز گاهِ منوچهر تا کعباد
به پیش بزرگان کمر بسته‌ام
نیره پسر بود هفتاد و هشت
همان گیو بیدار دل هفت سال
۲۸۸۵ به دشت اندرون گور بُد خوردنش
به ایران رسید، آنچ بُد شاه دید
جهاندار^۸ سیر آمد از تاج و گاه
چنین داد پاسخ که بیشست ازین!
خداوند گیتی وُرا یار باد!
کم و بیش من^{۱۱} پاک در^{۱۵} دست تُست ۲۸۹۰

بفرمود تا عهدِ قم و^{۱۶} اصفهان
نیسد^{۱۷} ز مُشک و ز^{۱۸} عنبر دبیر
یکی مُهر زَرین برو^{۲۰} بر نهاد
که یزدان ز گودرز خشنود باد!
۲۸۹۵ به ایرانیان گفت: گیو^{۲۵} دلیر
بدانید کو^{۲۷} یادگار منست
مرو را همه پاک فرمان برید
ز گودرزبان هرک^{۲۹} بُد پیشرو

نهاد بزرگان و جای میهان،
یکی نامه از^{۱۹} پادشا بر حریر
بر آن^{۲۱} نامه^{۲۲} بر^{۲۳} آفرین کرد یاد،
دل بدسگالانش پُرودد باد^{۲۴}!
مبادا که آید ز کردار^{۲۶} سیر
بنزد شما زینهار^{۲۸} منست
ز گفتار گودرز بر مگذرید
یکی آفرین گستریدند^{۳۰} نو

۱- ل، س (نیزلن، لن، ب): گاه؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلی، پ، و، آ) ۲- ل، س، ل (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): بی آزار؛ متن = ف، ق، س (نیزو) ۳- (و: زین؛ لن؛ از او)؛ متن ← ۴- ل، ق (نیزلی، پ، آ): ماند هشت (آ: شت) و دگر بر (پ، لی، آ: در) گذشت؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، لن، ب) ۵- ق (نیزلی): حال؛ (آ: یال)؛ س: و می خورد هال (!) ۶- س، ق، ل، س (نیزلن، و، لن، ب): همان؛ متن = ف، ل (نیزلی، پ، آ) ۷- ل، س (نیزلن، لی، پ، ب): که (لی، آ: ز) تیمار او (ق: شه) گیو چندی (ل، و: چندین) کشید؛ متن = ف ۸- ف: اگر شاه؛ متن = ل، س (نیزلن، لی، پ، ب) ۹- س: همی ۱۰- س، ل (نیزلن، لن، ب): همی چشم دارم ۱۱- ل، ق (نیزلی، پ، آ): بنیکی ۱۲- س: این بیت را ندارد ۱۳- ل، ق (نیزپ): بدسگالانش پر؛ ل، س (نیزلن، لی، لن، آ، ب): بدسگالان پراز؛ متن = ف، س ۱۴- ل، س (نیزلی، آ): ما ۱۵- ل: بر ۱۶- س، س (نیزلن، و، لن، ب): عهد بوم؛ (پ: بفرمود عهد قم و)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزلی، آ)؛ بنداری: و امر بان یقعد له علی ممالک قم و اصبهان ۱۷- ل، ق (نیزلی، و، آ): نویسد؛ (پ: نوشتش)؛ متن = ف، س ۱۸- س، ل (نیزلن، ب): نبشتند بر مشک و؛ (لن: نبشتند نامه به مشک و) ۱۹- (لن: عهد از؛ و: نامه و) ۲۰- (لی: بدو) ۲۱- س، ل (نیزلن، لن، ب): ابر؛ (لی: بدان؛ و: در آن)؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزپ، آ) ۲۲- (لن، لن، نام) ۲۳- ل، س (نیزلن، پ، و، ب): شاه؛ (لن: شه)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۲۴- ف، س، ق این بیت را ندارند ۲۵- (لی، پ، آ: شاه)؛ بنداری: ثم قال للحاضرين: اعلموا أن جیوا... ۲۶- (لن: گفتار؛ لی، آ: که دلتان ز من گشت) ۲۷- س، ل (نیزلن، لی، و، لن، آ، ب): کین ۲۸- س: یادگار (پساوند ندارد) ۲۹- س، ق، ل، س: که ۳۰- ل، ق: آفرینی بگترد

گفتار اندر منشور دادن کیخسرو طوس نوذرا^۱

<p>بنزدیک^۲ خسرو زمین داد بوس همیشه ز تو دور دست بدی! ز ما قَرخان^۳ تا پیامد قباد که یک روز نگشودم از کین میان^۴ بخست و بُد هیچ^۵ پیراهنم بدم هر شبی پاسبان سپاه همی بودم^۶ اندر دم آژدها دگر بند بر گردن طوس بود نه از من کسی کرد هرگز گله^{۱۱} همی بگذرد زین سرای سپنج تو دانی هنرها و^{۱۴} آهوی من که بیشست ازین رنجت از^{۱۵} روزگار تو باشی سپهدار ز رینه کفش و زین^{۱۷} نامداران تن آسان تراست</p> <p>به پیش بزرگان^{۲۱} گردن کشان^{۲۲} یکی طوق ز رین و زرین کمر</p>	<p>چو گودرز بنشست برخاست طوس بدو گفت: شاهانوشه بدی! منم زین بزرگان فریدون نژاد کمر بسته ام پیش ایرانیان به کوه هَمَاون ز جوشن تنم ز^۶ کین سیاوش بدان^۷ رزمگاه به لاون^۸ سپه را نکردم رها به مازندران^{۱۰} بسته کاوس بود نکردم سپه را به جایی یله کنون^{۱۲} شاه سیر آمد از تاج و گنج چه فرمایدم^{۱۳} چیست نیروی من؟ چنین داد پاسخ بدو شهریار همی باش با کاویانی درفش بدین سر ز^{۱۶} گیتی خراسان تراست</p> <p>نشستند^{۱۸} عهدی بر آن^{۱۹} هم نشان^{۲۰} نهاده به قرطاس بر^{۲۳} مهر زر</p>
---	--

۱- ق: منشور دادن کیخسرو طوس نوذرا؛ ف، ل، س، ل، آ، س^۱ سرنویس نداشتند؛ متن = ق ۲- ل- س- آ (نیزلن، پ، لن، ل، ب): بشد پیش؛ (و: بشد نزد)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۳- (لن: قرخان)؛ ل، ق (نیزب، و): زنامااوران؛ (ل، آ: هم از فرخان)؛ متن = ف، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ب)؛ س این بیت را ندارد ۴- ل- س- آ (نیزلن، ل، پ- ب): که نگشادم (ل، آ: نگشودم)؛ س^۲: نه بگشادم از بند (ق: رزم) هرگز (ل، آ: کینه روزی) میان؛ متن = ف ۵- ل، ق (نیزلی، آ): همان بود؛ س، ل^۱ (نیزلن، و، لن، ب): نبود ایچ؛ س^۲: یاغشت خفتان و؛ متن = ف (نیزب) ۶- ل، س، س، س^۱ (نیزلن، ل، پ- ب): به؛ متن = ف، ل^۱ ۷- ل: بران؛ (آ: بدین)؛ ق این بیت را ندارد ۸- (ل، پ، آ: یلان) ۹- ف: سودم (یا: بودم) ۱۰- س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، ل، پ- ب): هاماوران؛ متن = ف، ل، ق ۱۱- درف لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ق این بیت را ندارد و در ل، آ با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۲- ل: کنو ۱۳- ل: فرماید و ۱۴- (لن: هنرهای و؛ پ: شود این هنرها گر) ۱۵- ل (نیزلی، پ، آ): رنج تورا؛ ق، س^۱ (نیزلن، ب): رنجت ازین؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، و) ۱۶- س: ازین پس ز؛ ل^۱: بدین مرز؛ (و: ازین مرز) ۱۷- ل- س- آ (نیزلن، پ، و، لن، ب): ازین؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۱۸- ل، ق (نیزلی، پ، و، آ): نوشتند؛ متن = ف، س، ل، آ، س^۱ (نیزلن، لن، ب) ۱۹- س، ل^۱ (نیزلن، لن، ل، ب): بدان؛ ق، س^۱ (نیزلی): بدین؛ (آ: برین)؛ متن = ف، ل (نیزب، و) ۲۰- س، ل^۱ (نیزلن، لن، ب): انجمن؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیزلی، پ، و، آ) ۲۱- ف: سپردند (ناخواناست) گردان؛ س^۲: که بودند گردان و؛ (ل، آ: که فرمود سالار؛ و: که بود او ز گردان و)؛ متن = ل، ق (نیزب) ۲۲- س، ل^۱ (نیزلن، لن، ب): که بودند گردان لشکرشکن ۲۳- ل (نیزب): نهادند بر عهد بر؛ متن = ف- س^۱ (نیزلن، ل، و، لن، آ، ب)

۲۹۱۵ بدو داد و کردش بسی^۱ آفرین که از تو مبادا دلی پُر ز کین

گفتار اندر پادشاهی دادن کیخسرو لهراسپ را^۲

ز کار بزرگان چو پردخته^۳ شد
از آن مهتران نام لهراسپ ماند
به بیژن بفرمود تا با^۴ کلاه
چو دیدش جهاندارا^{۱۱} برپای جست^{۱۲}
۲۹۲۰ فرود آمد از نامور تخت^{۱۶} عاج
به لهراسپ بسپرد و کرد آفرین
که این تاج نو بر تو فرخنده^{۱۹} باد!
سپردم ترا^{۲۱} پادشاهی^{۲۲} و گنج
مگردان زبان زین سپس^{۲۴} جزبه داد
۲۹۲۵ مکن^{۲۶} دیو را آشنا با روان
خردمند باش و بی آزار باش!

شهنشاه از آن^۴ رنج‌ها^۵ رخته^۶ شد^۷
که از دفتر شاه کس برنخواند^۸
بیاورد لهراسپ را پیش^{۱۰} شاه
برو^{۱۳} آفرین کرد و بگشاد^{۱۴} دست^{۱۵}
ز سر برگرفت آن دل‌افروز تاج^{۱۷}
همه^{۱۸} پادشاهی ایران زمین
جهان سربسر مر ترا^{۲۰} بنده باد!
از آن پس که بردم^{۲۳} بسی درد و رنج
که از داد باشی تو پیروز و شاد^{۲۵}
چو خواهی که بخت بماند^{۲۷} جوان
همیشه زبان^{۲۸} را نگهدار باش!

۱- ف: داد بسیار و کرد؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

چو گرگین و چون زنگه شاوران
دگر نامداران و کنداوران
یکی عهد مرهریکی را بداد
ز خسرو همه سروران گشته شاد

ل- س^۲، لن، لی، پ- ب این بیت‌ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، ل^۳ در اینجا افتادگی دارند ۲- ف: آوردن لهراسپ را
پیش شاه کیخسرو و تاج بر سر او نهادن و بر تخت نشاندن و فرمودن که خدمت او کنید؛ ل: ولی عهد کردن کیخسرو لهراسپ را؛ ق: سپردن
پادشاهی کیخسرو بلهراسپ شاه و محاکای زال و ایرانیان و جواب فرمودن کیخسرو؛ ل^۲: پادشاهی دادن کیخسرو لهراسپ را؛ س^۲: دادن
کیخسرو پادشاهی ایران بلهراسپ؛ متن = ل^۲ ۳- (لی: پردخت) ۴- ل: زان ۵- ف: کارها؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، لی، پ،
لن، آ، ب) ۶- ف: خسته؛ س (نیز لن، پ، آ، ب): سخته؛ ق (نیز لن): رسته؛ س: دخته؛ (لی: سخت)؛ متن = ل، ل^۲ (نیز لغت شهنشاه،
شماره ۱۲۰۱؛ کاموس کشانی، بیت ۲۲۰۰) ۷- (و: همه کارها خام بد پخته شد) ۸- ف- س^۲ (نیز لن، و): برنخواند (حرف
سوم نقطه ندارد)؛ (پ: چیزی نخواند)؛ متن = (لی، لن، آ، ب) ۹- ق: بی ۱۰- ل، س، ل^۲ (نیز لن، و، لن، ب): نزد؛ متن = ف، ق،
س^۲ (نیز لی، پ، آ) ۱۱- ف: سپهدار؛ (لی، آ: جهانجوی چون دید)؛ متن = ل- س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۱۲- (ب:
خواست) ۱۳- (لی: بدو) ۱۴- ف، ل، س، س^۲ (نیز و): بگشاد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، ل^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ،
آ) ۱۵- (ب: استاد راست) ۱۶- (لن: بهاگیر تاج) ۱۷- ق: او از بر تخت؛ در ف، لی، آلت‌های این بیت پس و پیش
شده‌اند؛ بنداری: ثم نزل من التخت و أخذ التاج عن رأسه و وضعه علی رأس لهراسپ ۱۸- س: همان؛ ل، ق، لی، پ، آپس از این بیت
افزوده‌اند:

همی کرد بدو رود آن تخت عاج
برو آفرین کرد و بر (ق، لی، آ: بدو گفت دادم بتو) تخت و تاج

۱۹- س^۲: تاج بر تو فروزنده ۲۰- ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، لی، پ- ب): پیش تو؛ (ل^۲: پیش تو سربسر)؛ متن = ف؛ ق این بیت را
ندارد ۲۱- ل، ق، ل^۲، س^۲ (نیز پ، و، لن): بتو؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، ل^۲، آ، ب) ۲۲- ل: شاهی و تاج؛ س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز
لن، و، لن، ب): تاج شاهی؛ متن = ف (نیز لی، ل^۲، پ، آ) ۲۳- ل: دیدم؛ س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، پ، و، لن): دیدم؛ (لی، آ: دیدی)؛
متن = ف (نیز لن، ب) ۲۴- ق: زبانرا همی ۲۵- (لی، آ: باشد روان تو شاد) ۲۶- س: مگر ۲۷- (لن: بخت تو باشد)؛
ق این بیت را ندارد؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۸- ل، ق (نیز لی، و، آ): روان (→ زوان؟)؛ متن = ف، س،
ل^۲، س^۲ (نیز لن، پ، لن، ب)؛ بنداری: و کن حافظا للسانک

بیاشید شادان، هم ^۳ از بخت ^۴ او ^۲	به ایرانیان گفت کز تخت ^۱ او ^۲
برآشفت ^۵ هر یک چو شیرِ ژیان که لهراسپ را شاه بایست خواند بگفت آنچه بودش به دل راهِ راست ^۸ سزد گر کنی خاک را ^{۱۰} ارچند روان وُرا ^{۱۲} خاک تریاک باد ^{۱۳} ، ز بیداد هرکس ^{۱۵} نگیریم یاد ^{۱۶} فرومایه‌یی دیدمش با یک ^{۱۷} اسپ سپاه و درفش و کمر ^{۱۸} دادیش نیامد کسی ^{۱۹} بر دلِ شاه یاد برین گونه نشنید کس ^{۲۱} تاجور شدند ^{۲۳} انجمن با سخن‌گوی جفت ^{۲۴} که زین ^{۲۶} پس نبندیم ^{۲۷} شاها میان چو ^{۲۹} لهراسپ را برکشد روزگار ^{۳۰} بدو گفت: مشتاب و تندی مکن	شگفت اندرو مانده ایرانیان همی هر کسی در ^۶ شگفتی بماند ز پیش یلان ^۷ زال بر پای خاست ۲۹۳۰ چنین گفت کای ^۹ شهریار بلند سرِ بخت ^{۱۱} آنکس پُر از خاک باد که لهراسپ را شاه خواند به داد ^{۱۴} به ایران چو آمد بنزدِ زرسپ به جنگ الانان فرستادیش ۲۹۳۵ ز چندین بزرگان خسرو نژاد نژادش نبینم، ندیدم گهر ^{۲۰} چو دستانِ سام این ^{۲۲} سخن‌ها بگفت خروشی برآمد از ^{۲۵} ایرانیان ۲۹۴۰ نجومیم کس بزم و نه ^{۲۸} کارزار چو بشنید خسرو ز دستانِ سخن

۱- ف- ل (نیزلن، و): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزلی، آ، ب): بخت؛ متن = (ل، پ، ل، ن) ۲- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، س، ۳- ل، س، ق، ل (نیزلن، لن، ل، ب): دل؛ (ب: واز؛ و: شاد و هم)؛ متن = ف، س (نیزلی، ل، آ) ۴- ف- ل (نیزلن، و): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزلی، آ، ب): بخت؛ متن = (ل، پ، ل، ن) ۲- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، س، ۳- ل، س، ق، ل (نیزلن، لن، ل، ب): دل؛ (ب: واز؛ و: شاد و هم)؛ متن = ف، س (نیزلی، ل، آ) ۴- ف- ل (نیزلن، و): بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزلی، آ، ب): تخت؛ متن = (ل، پ، ل، ن) ۵- ل، س، ل (نیزلن، لی، ل، ل، آ، ب): برآشفت؛ متن = ف، ق، س (نیزب، و) ۶- (لی، آ: همه لشکر اندر) ۷- ل: از آن انجمن؛ س، ق، ل، س (نیزلن، لی، ل، آ، ب): از (ز) ایرانیان؛ متن = ف ۸- س: در بخواست؛ ق (نیزلن، و، ب): رای راست؛ س: راز راست؛ متن = ف، ل، ل (نیزلی، ل، پ، ل، آ، آ) ۹- (پ: با) ۱۰- (پ: دل زجان) ۱۱- ف، ق، س (نیزل، ل): سرو بخت؛ (لی، ل، آ: سر تخت)؛ متن = ل، س، ل (نیزلن، پ، و، ب) ۱۲- ف (نیزب): دهان ورا (بیت ۲۹۵۴)؛ س (نیزلن، ب): مرا ورا همان؛ متن = ل، ل، س (نیزلی، ل، و، ل، آ) ۱۳- ق: که لهراسپ را شاه خواند بداد (۲۹۳۲ ب و ۲۹۳۳ ب را انداخته و از ۲۹۳۲ آ و ۲۹۳۳ آ یک بیت ساخته است) ۱۴- (لن: بایست خواند) ۱۵- ل، س، ل، س (نیزلی، ل، ب): هرگز؛ متن = ف: هرکس (ج-هرگز؟) ۱۶- (لن: بدل این چنین باد بایست راند) ۱۷- س، ق (نیزلن، ب): دو؛ (ل: بریک)؛ ف: فرومایه دیدمش با یک دو؛ ل، س (نیزلی، و، آ): فرومایه دیدم ورا با یک (لی، آ: دو)؛ متن = ل (نیزب، لن، ل): بنداری: این لهراسپ قدم و لم یکن له إلا فرس واحد؛ درس پس از این بیت، بیت ۲۹۳۷ آمده است ۱۸- (لی، آ: کله؛ لن: درفش و کلاه و کمر) ۱۹- (ل: یکی) ۲۰- ل، ق، س (نیزلی، ل، آ): ندانم ندیدم (لی، آ: نبینم) هنر (ل: گهر)؛ س، ل (نیزلن، پ، و، ل، ب): ندیدم ندانم گهر؛ متن = ف ۲۱- ل- س (نیزلن، لی، ل، آ، ب): ازین (ل: بدین) گونه نشیده‌ام؛ متن = ف؛ درس پس از بیت ۲۹۳۴ آمده است ۲۲- ف: آن ۲۳- ف: شد آن؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، لی، ل، پ- ب) ۲۴- (ل: شه انجمن پاسخش بازجفت)؛ ل این بیت را ندارد ۲۵- ف، ل، س: ز ۲۶- ل- س (نیزلن، لی- ب): کزین؛ متن = ف ۲۷- ل: ندیدم ۲۸- ل، ق: نام در؛ س، ل (نیزلن، پ، ل، ب): رزم در؛ (لی، آ: بزم یا؛ ل: رزم یا؛ و: نام یا)؛ س: ما نام با؛ متن = ف ۲۹- ل: که ۳۰- (ل: پ: شهریار)؛ ل: کی کند شهریار؛ (و: کی کند روزگار)؛ ق: نیاریم ازین پس زدشمن دمار؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، لن، ل، ب): روزگار-شهریار؟

که هر کس که بیداد گوید همی
 که نپسندد از ما بدی کردگار^۳
 چو یزدان کسی را کند نیک بخت
 خرد دارد و فر و شرم^۷ و نژاد
 ۲۹۴۵ جهان آفرین بر زبانم گواست
 نبیره جهاندار^{۱۲} هوشنگ هست^{۱۳}
 پی^{۱۶} جادوان بگسلاند ز خاک
 زمانه جوان^{۱۸} گردد از پند او^{۱۹}
 ۲۹۵۰ به شاهی برو آفرین گسترید
 همان^{۲۴} کس که از پند^{۲۵} من درگذشت
 بجز دود^۱ از آتش نجوید همی
 بیچد بد^۴ از گردش روزگار^۵
 سزاوار شاهی و زیبای تخت،
 بود راد^۸ و پیروز و از داد^۹ شاد
 که گشت این^{۱۱} هنرها^{۱۱} به هراسپ راست
 همان راد^{۱۴} و بینادل و پاک دست^{۱۵}
 پدید^{۱۷} آورد راه یزدان پاک
 بدین^{۲۰} هم بود پاک فرزند او^{۱۹}
 وزین^{۲۱} پند با مهر^{۲۲} من^{۲۳} مگدرید
 همه رنج او پیش من^{۲۶} باد گشت

۱- س: داد ۲- ل: ز؛ س^۱ (نیزلی، آ): و ۳- ل، ق (نیزلن، ل): دادگر؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلی، پ-ب) ۴- ف (نیزلی، آ): سر؛ متن ← ۵- (لی، آ: دانش روزگار)؛ ل، ق: نه هر کوبدی کرد بیند گهر (ق: ظفر)؛ (لن: بیچد زبدهای گیتی بسر؛ ل: زبدها بآخر بدآید بسر)؛ متن = س، ل، س^۱ (نیزپ، و، لن، ب) ۶- ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن، ل، پ، لن، ب): که؛ متن = ف، س^۱ (نیزلی، و، آ) ۷- س (نیزلن، لن، ب): که دین دارد و شرم و فر: که دارد همی دین و شرم؛ ل^۱ (نیزلی، و، آ): که دین دارد و فر و شرم؛ (ل: خرد باشد و مغز و فر)؛ متن = س^۱ ۸- ق: شاد؛ س^۲: زاد؛ متن ← ۹- س (نیزب): و آزاد و؛ (آ: و از بخت؛ لن: بیدار و آزاد و)؛ متن = ف، ل^۱ (نیزلی، ل، و، لن، آ): ل، پ این بیت را ندارند؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت خسرو بایرانیان

کسای نامداران و ارزانان

۱۰- س: که جمله؛ س^۱ (نیزل): که هست این ۱۱- ل، ق (نیزو، ب): سخنها؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلن، لی، ل، پ، لن، آ)؛ بنداری: والله شاهد علی لسانی أن هذه الخصال الحميدة والسير المرضية مجموعة فی هراسپ؛ ل، پ پس از این بیت افزوده اند (بیت ۲۹۴۵):
 که دارد همی شرم و دین و خرد (پ: نژاد)

ز کردار نیکی همی برخوردار (پ: بود راد و پیروز و از داد شاد)

۱۲- ف: سپدار ۱۳- (لی، آ: هوشنگ شاه؛ ل: هوشنگ و جم؛ پ: هوشنگ اوست)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، و، لن، ب)؛ ل، ق، س^۱: نبیره پیشین پور اوزرد (ق: اورند؛ س^۲: ارونند) هست؛ بنداری: و هو حافد أوشهنج ۱۴- ل: زاد؛ ل، ق، س^۱ (نیزو): خردمند؛ متن = ف، س (نیزلن، لی، ل، پ، لن، ب) ۱۵- (لی، آ: نیک خواه؛ ل: و داناست بر بیش و کم؛ پ: و بینا و فرهنگ اوست)؛ س^۱ پس از این بیت افزوده است:

نشین کی که از تخمه کیقباد

دلی پسر ز دانش سوری پسر ز داد

۱۶- ق (نیزق، لی، و، آ): تن؛ متن = ف، ل، ل، س^۱ (نیزل، پ، لن، آ) ۱۷- ف: بیاد؛ متن = ل، ق، ل، س^۱ (نیزق، آ)؛ س، ل، ب این بیت را ندارند و در ق با بیت سپین پس و پیش شده است؛ بنداری: و هو الذي يقطع دابر السحرة من وجه الأرض و يظهر الطريق الى الله عز و جل ۱۸- ف: جدا؛ (ل: چنان)؛ متن = ل- س^۱ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: و يرجع به الى الزمان شبابه الناصر ۱۹- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، س^۱ ۲۰- س، ق، ل، س^۱ (نیزلن- ل، و- ب): برین؛ متن = ف، ل (نیزب)؛ س^۱ پس از این بیت و س پس از بیت سپین افزوده اند:

که ایشان پذیرند دین همی

کنند از بدان (س: بدی) روی گیتی همی

۲۱- س: از آن؛ (پ: بدین) ۲۲- ل، ق (نیزلی، ل، آ): پند و اندرز؛ س^۱: پند و این مهر؛ (پ: پند از مهر)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، ق، و، لن، ب)؛ بنداری: فحیوه بتحیة الملوك، ولا تحالفوا موعظتی الصادرة عن الشفقة والخلوص ۲۳- س: او ۲۴- ل- س^۱ (نیزلن- ب): هر آن؛ متن = ف ۲۵- ل، س، ق، ل^۱ (نیزلن، ق، ل، پ، لن، ب): کز اندرز؛ متن = ف، س^۱ (نیزلی، و، آ) ۲۶- (ل، آ: نزد من؛ و: سر بر)؛ ل: رنج من پیش او

چنین هم^۱ به^۲ یزدان بود^۳ ناسپاس
 چو بشنید زال این^۴ سخن های پاک
 بیالود لب را به خاک سیاه
 به شاه جهان گفت: خرم^۶ بدی^۸!
 ۲۹۵۵ که دانست جز شاه پیروز و^{۱۱} داد^{۱۲}
 چو سوگند خوردم به خاک سیاه
 بزرگانش گوهر برافشانند
 به دلش اندرآید ز هر سو هراس
 بیازید انگشت و^۵ برزد^۶ به خاک
 به آواز هراسپ را خواند شاه
 همیشه ز تو دور دست^۱ بدی^{۱۰}!
 که هراسپ دارد ز شاهان نژاد؟
 لب آلوده شد، مَشَمَر آن از^{۱۳} گناه
 به شاهی برو آفرین خواندند^{۱۴}

گفتار اندراندرز کردن کیخسرو ایرانیان را^{۱۵}

به ایرانیان گفت فرخنده شاه^{۱۶}
 ۲۹۶۰ چو من بگذرم زین فرومایه خاک
 به پدروود کردن رخ هر کسی
 یلان را همه پاک در بر گرفت
 همی گفت: کاجی^{۲۰} من این انجمن
 خروشی برآمد از^{۲۱} ایران سپاه
 ۲۹۶۵ پس^{۲۳} پرده ها کودک خرد^{۲۴} و زن
 که فردا شما را همین است راه^{۱۷}
 شما را بخواهم ز یزدان پاک
 ببوسید^{۱۸} با^{۱۹} آب مژگان بسی
 به زاری خروشدن اندرگرفت
 توانستی برد با خویشان
 که خورشید بر چرخ گم کرد^{۲۲} راه
 به کوی و به بازار بر^{۲۵} انجمن،

۱- س: چو مردم؛ (ق: و: چنین هم) ۲- ل، س، ل، س (نیزلن - پ، ل، آ، ب): ز؛ متن = ف (نیزو) ۳- (و: شود)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۹۵۱-۲۹۵۲): فان من بخالف وصیتی کان سعیه هباء منثورا و کان بریه کفورا، و لن یزال مذة حیاته مروعا مذعورا ۴- ف، ق (نیزل، آ): آن ۵- ف، س، ق، س (نیزلن، ل، پ- ب): بیازید انگشت و (؟)؛ متن = ل، ل (نیزق، ل) ۶- ق: درزد ۷- (ل: خورم) ۸- (ل، ل، آ: بز) ۹- ل، س (نیزب): چشم؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ق، ل) ۱۰- (ل، ل، آ: تو داری همی دانش ایزدی)؛ س این بیت را ندارد ۱۱- ق، ل، آ، س: [و] ۱۲- ف (نیزل): شاد؛ ل (نیزب، و): راد؛ ل: زاد؛ متن = ق، س (نیزق، و، ل، ن)؛ س، ل، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: من ذا یعرف انتساب لهراسب الی اوشهنج لولا الملک؟ ۱۳- ف: آنرا؛ ق، س (نیزل): از من؛ (پ: این از)؛ متن = ل، س، ل (نیزلن، ق، آ، ب)؛ ل، آ این بیت را ندارند ۱۴- ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فقام عند ذلك الملوك والاکابر، و حیوه بتحیة الملوك، و نثروا علی تاجه الجواهر؛ س، ق، ل، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

چو از کار لهراسب پرداخت شاه

از آن پس نگه کرد کار سپاه

۱۵- ف: گفتار خاک بر دهان انداختن زال و با شاه کیخسرو گفتن که ما لهراسب را به پادشاهی قبول نکنیم؛ س: اندرز کردن شاه کیخسرو ایرانیان را و بدرود کردن؛ ق: آمدن کیخسرو از صحرا برای حرم جهت وداع و سپردن اهل حرم به هراسب شاه؛ ل: پند دادن کیخسرو ایرانیان را؛ س (سی بیتی پایین تر): اندرز کردن کیخسرو ایرانیان را؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = س، س، س ۱۶- ل: پیروز شاه؛ (و: پس آنکه به ایرانیان گفت شاه) ۱۷- ل، ق، س (نیزق، و، آ): که بدرود باد این دل افروز (ل، آ: بادا دل و قرو) گاه؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ل، آ، ب)؛ بنداری: ثم قال الملک وقال: شاعکم السلام أیها الکرام ۱۸- (ل، ب: ببوسید) ۱۹- (ق: در) ۲۰- ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، آ، و، ل، ن، ب): باری؛ (پ: کاشی)؛ متن = ل (نیزل، آ): ق این بیت را ندارد ۲۱- ل- س: ز؛ متن = ف ۲۲- (ل: گم کرد بر چرخ) ۲۳- س: زهر ۲۴- س، ق، ل، آ، س (نیزلن - ب): کودک و مرد؛ متن = ف، ل ۲۵- ل (نیزب): شد؛ ف: بیازار مرد و به کو؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیزهشت دستویس دیگر)

ابا ناله و با غم و آه بود^۱ به هر برزنی ماتم شاه بود^۲
 به ایرانیان آن زمان گفت شاه^۳ که فردا^۴ شما را همین‌ست راه^۵
 هر آنکس که دارید نام^۶ و نژاد به دادِ خداوند^۷ باشید شاد^۸
 من اکنون روان را همی پرورم که بر^۹ نیک‌نامی همی^{۱۰} بگذرم
 نبستم دل اندر سپنجی سرای^{۱۱} بدان تا سروش آمدم رهنمای^{۱۲}
 بگفت این و از^{۱۳} پایگه^{۱۴} اسپ‌خواست ز لشکرگه^{۱۵} آواز^{۱۶} فریاد خواست
 بیامد^{۱۷} به ایوانِ شاهی دژم به آزادسرو^{۱۸} اندرآورده^{۱۹} خم
 کنیزک بُدش چار چون آفتاب ندیدی مرو را کسی جز^{۲۰} به خواب
 ز پرده بتان^{۲۱} را بر^{۲۲} خویش خواند همه راز دل پیش ایشان براند
 که من رفتی ام^{۲۳} ز جای سپنج شا دل مدارید با درد و رنج
 نبینید جاوید ازین^{۲۴} پس مرا کزین^{۲۵} خاکِ بیدادگر بس مرا
 سُوی داور^{۲۶} پاک خواهی شدن نینم همی روی^{۲۷} باز آمدن^{۲۸}
 بشد هوش از آن^{۲۹} چار خورشیدچهر خروشان شدند از غم و درد و مهر
 شخوندند روی و بکنند^{۳۰} موی گسستند^{۳۱} پیرایه و^{۳۲} رنگ و بوی
 و زان^{۳۳} پس هر آنکس که آمد^{۳۴} به هوش بدو^{۳۵} گفت با ناله و با خروش،
 که ما را بر زین سپنجی سرای^{۳۶} تو باش اندرین نیکوی رهنمای^{۳۷}

۱- ل. ق. س. (نیزق. و. آ): خروشدن و ناله و آه بود؛ متن =
 ف. ۲- ل. (نیزل. ب): خاست؛ ق. (نیزل. آ): همه سرزها دامه شاه خاست؛ س. (نیزق. و.): به (س. ز.) هر برزنی شیون شاه خاست؛
 متن = ف. س. ل. (نیزل. ل. ب) ۳- ق. شاه گفت ۴- (ب. که آخر): متن ← ۵- ق. جفت؛ ف. که بدرود بادا همین
 تاج و گاه (= ۲۹۵۹ ب)؛ س. ل. (نیزل. ل. ب): کشید اندرین بند یک یک نگاه؛ (ق. و.) که اکنون شمر را جز این نست راه؛ متن = ل.
 س. (نیزل. ل. آ. ب. ق. ب) ۶- س. ل. (نیزل. ل. ب): ق. ۷- ل. بیدادگر خورشید ۸- س. (نیزق. آ. بی. و. آ): خرسند
 باد؛ ف. ق. این بیت را ندارد ۹- س. با ۱۰- ل. مگر ۱۱- ف. س. (نیزل. آ): سرای سپنج؛ س. همشه ده بد بیدگر سرای؛
 متن = ل. ق. س. (نیزهشت دستویس دیگر) ۱۲- (ل. نه رنج): ف. بدان تا گزارش بی درد و رنج؛ س. بدان تا نیاشم بمنو رنج؛
 متن = ل. س. ق. ل. (نیزهشت دستویس دیگر)؛ ب. در س. این بیت یکبار هم برابر ضبط س آمده است ۱۳- ف. ل. ق. ل. س. ل. و. ز.
 متن = س. ۱۴- ف. ق. س. (نیزل. ل. آ): بارگه؛ س. (نیزل. آ): بیکره؛ (ق. ج. بیکره): ب. بیکره؛ ل. شه دادگر؛ متن = ل. ل. (نیز
 ب. و. درل نقطه ندارد) ۱۵- س. ل. (نیزل. ب. ل. ب): و زان لشکر ۱۶- ل. (نیزل. ب): آواز و ۱۷- (بی. آ):
 درآمد ۱۸- (ق. آ. زاده سرو) ۱۹- ف. س. ق. ل. (نیزل. ل. ب): آورد؛ متن = ل. س. (نیزق. و. آ) ۲۰- (ل. یکی
 جز)؛ ل. کسی چهر ایشان؛ س. ق. ل. س. (نیزل. ق. ب. و. ل. ب): یکی (س. ق. و. کسی) جز مرو را؛ متن = ف. (نیز آ) ۲۱-
 (ق. و. سرت) ۲۲- (ب. سوی) ۲۳- ف. که [من] رفتی او؛ ل. ق. که رفتم اینک؛ متن = س. ل. س. (نیزل. ب)
 ۲۴- ف. ل. ل. س. زین؛ متن = س. ۲۵- س. زین؛ ق. این بیت را ندارد ۲۶- ل. دادگر ۲۷- ل. س. ق. ل.
 (نیزل. ق. بی. ل. آ. ب): راه؛ س. (نیزل. ب): رانی؛ متن = ف. (نیزو) ۲۸- (ب. اندر بدن) ۲۹- ل. ق. ل. ل. زان؛ متن = ف. س.
 س. (ق. و. رخسار و کفاند) ۳۱- س. (نیزل. آ): کشند ۳۲- ف. پیراهن و؛ س. (نیزل. ل. و. ل. آ): پیرایه؛
 متن = ل. ل. س. (نیزق. بی. ب. ب): ق. این بیت را ندارد ۳۳- ل. از آن ۳۴- ل. که آمد همانگه ۳۵- ل. س. (نیزل. ب)
 ب: چنین؛ متن = ف. ۳۶- ل. ق. س. (نیزل. آ): سرای سپنج؛ متن ← ۳۷- ل. ق. س. (نیزل. آ): رها کن تو ما را ازین (س. ل.)
 تو دل دستگیر از چنین؛ بی. آ. رهائی مگر زین غم و) درد و رنج؛ متن = ف. س. ل. (نیزهشت دستویس دیگر)

بدیشان چُنین گفت پُرمايه شاه
 کجا خواهرانِ جهاندار^۲ جم
 کجا مادرمِ دختِ افراسیاب
 کجا دخترِ تور ماه آفرید
 ۲۹۸۵ همه خاک دارند بالین و^۶ خشت
 مجوید ازین رفتن^۸ آزارِ من
 خروشید و لهراسپ را پیش خواند
 به لهراسپ گفت: این بتان^{۱۲} منند
 ۲۹۹۰ برین هم نشست، اندرین^{۱۴} هم سرای
 نباید که یزدان بخواند^{۱۵} پیش
 چو بینی مرا با سیاوش بهم
 پذیرفت^{۱۸} لهراسپ زو هرچ^{۱۹} گفت
 که فردا^۱ شما را همین است راه
 کجا تاجداران^۳ با باد و دم
 که بگذشت از آن سان به دریای آب^۴
 که چون او کس اندر^۵ زمانه ندید
 ندانم که دوزخ نوید^۷ ار بهشت؟
 که آسان^۹ شود راه دیدار^{۱۱} من
 و زیشان^{۱۱} فراوان سخن ها براند
 فروزنده ی شبستان^{۱۳} منند
 همی دارشان تا تو باشی به جای
 روان شرم دارد ز کردار^{۱۶} خویش
 ز شرم دو خسرو بمائی^{۱۷} دژم
 که با^{۲۰} دیده شان دارم اندر نهفت

۱- ف، ل، ق، س^۱ (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ): کزین (ف: که زین) پس: متن = س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب، ← ۲۹۵۹، ۲۹۶۷، ب) ۲-
 ف: جهانجوی ۳- س، ل^۱ (نیزلن، ل، آ، لن، ب): نامداران؛ (لی، آ: ماه رویان)؛ متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق، آ، پ، و)؛ س، س^۱ پس از
 این بیت افزوده اند:

کجا شد فرانک (س^۲: فرانک کجا شد) که چون او دگر

نباشد میان زمان (س^۲: بتان) نامور

۴- ف، س^۲: که بگذشت زان (س^۲: بگذشت از آن) سان به جیحون بر آب؛ س، ل^۲ (نیزلن، لن، آ، ب): که بگذشت ازین (ازان) سوی (لن^۲:
 روی) جیحون بر آب؛ (لی: کزان سو بیرون شد ز دریای آب)؛ متن = ل، ق (نیزق، آ، ل، پ، و) ۵- ف: دو چشم؛ متن = ل، س، ل^۱، س^۱
 (نیزلن - ب)؛ ق این بیت را ندارد ۶- ق، س^۱ (نیزلن، آ): دارند و بالین ز ۷- ف: بوند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل^۱: ندید (حرف
 یکم نقطه ندارد)؛ س^۲: نوبد (حرف سوه نقطه ندارد)؛ ل، س، ق (نیزلن - لن، آ، ب): بدوزخ درند؛ متن تصحیح قیاسی است: نوید؟ پدید؟
 پدید؟ ۸- ل^۱ (نیزل، لن، آ): جست؛ (پ: بیم؛ ق: از رفتن)؛ متن = ف، ل، س، س^۲ (نیزلن، لی، و، آ، ب) ۹- س، ل^۱ (نیزلن،
 لن، آ، ب): روشن؛ (پ: بریشان)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیزق، آ، لی، و، آ) ۱۰- ل: دشوار؛ (لی، آ: راه و دیدار؛ ق: بود رفتن کار؛ و: بود
 رفتن و کار)؛ متن = ف، س، ل، س^۲ (نیزلن، ل، آ، پ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق، س^۲ (نیزلی، آ): از ایشان ۱۲-
 (ق: کمان (حرف دوم نقطه ندارد)؛ لی: کمان؛ آ: سپاه) ۱۳- ف: دلستان؛ ل، ق، ل^۲ (نیزلی، آ): پاک جان؛ س (نیزلن، لن، آ، ب):
 بوستان؛ (ق: دل بتان؛ و: دلستان؛ ل: فروزنده روز و شبان؛ پ: شبتان فروزندگان)؛ متن = س^۲ (?) ۱۴- س، ل^۱ (نیزلن، پ، و،
 لن، آ، ب): بدین هم نشست و بدین: متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزق، آ، لی، و، آ) ۱۵- ل (نیزب، و): چو خواندت؛ ق، س^۲ (نیزل، آ): چو
 یزدان بخواندت؛ (لی، آ: نیایدت یزدان چو خواندت)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، ل، ب) ۱۶- س، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، و، ب): گفتار؛
 متن = ف، ل، ق، س^۲ (نیزلی، ل، آ، پ، لن، آ) ۱۷- (لی: نمائی)؛ س^۲: نمائی ز شره دو خسرو ۱۸- ل، ق، س^۲ (نیزلی، پ، آ):
 پذیرفت؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، ق، آ، ل، و، لن، آ) ۱۹- ل، آ، س^۲: هرچه؛ س، ق: از هرچه؛ متن = ف، ل ۲۰- س (نیزلن،
 ب): چون؛ (ب: نا)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بمردم بود پس جهن را پیش او
 ز پوشیده رویان افراسیاب
 هم دادشان خست و خوابسته
 یکی تاج لرگه هرتد هوار
 همه آمدند تا این که رتین ستاد
 5 سر آمدند جهنم سر از زاناد
 ببردند و آنکس که بُد خویش او
 ببردند سی تن دو دیده پُر آب
 همان حمامه و اسب آرامسته
 همان بانده و طوق با گوشوار
 همان تبغ هندی که ز زین نید
 ببردند روی و دلتش کرد شد ←

بگردید بر گرد ایرانیان ^۲	و زانجایگه تنگ بسته میان ^۱	
مدارید در دل ز ما داغ و دود ^۴	که زاید ^۳ به ایوان خرامید زود	۲۹۹۵
که او تیرگی ^۵ دارد اندر نهان	مباشید گستاخ با این جهان	
ز من جز به نیکی ^۷ مگیرید یاد	مباشید جاوید جز راد و شاد ^۶	
چو رفتن بود ^{۱۱} شاد ^{۱۲} و خندان ^{۱۳} شوید ^{۱۴}	همه شاد و خرم ^۸ به ایوان ^۹ شوید ^{۱۰}	
نهادند سر بر زمین پیش ^{۱۵} شاه	همه نامداران ^{۱۶} ایران سپاه	
بداریم تا جان بود ^{۱۸} جاودان	که ما پند ^{۱۶} او ^{۱۷} را بکردار جان	۳۰۰۰
بدو گفت: روز من اندرگذشت	به هراسپ فرمود تا بازگشت	
به گیتی جز از ^{۲۰} تخم نیکی مکار!	تو شو ^{۱۹} تخت شاهی به آیین بدار!	
بیازی ^{۲۲} به تاج ^{۲۳} و بنازی ^{۲۴} به گنج،	هر آن گه که باشی تن آسان ^{۲۱} زرنج	
به بودن ^{۲۵} ترا راه باریک ^{۲۶} شد	چنان دان که رفتنت نزدیک شد	
ز بدها ^{۲۷} تن مهتر ^{۲۸} آزاد کن!	همه داد جوی و همه داد کن!	۳۰۰۵
زمین را ببوسید و زاری ^{۳۰} نمود	فرود آمد از اسپ ^{۲۹} هراسپ زود	

۱- ف: سپهدار پس گرد ایرانیان؛ متن ← ۲- ف: همی راند گریان کمر بر میان؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۳- ل، س، ق، ل (نیز لن-ب): کز ایدر؛ س: از ایدر؛ متن = ف ۴- ل: مرا جز درود؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن-ب) ۵- ل، س، ل (نیز لن، ق، پ، ب): بتری؛ ق، س (نیز و لن): بدتری؛ (ل: بودنی): متن = ف (نیز ل، آ) ۶- ل: داد شاد ۷- ف: زمن [جز] به نیکی؛ ق، ب این بیت را ندارند ۸- (ل: خورم) ۹- ف، ل، ل، س (نیز ق، ل، پ، و لن): یزدان؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، آ) ۱۰- ف، ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، و لن): بویید؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، پ، آ) ۱۱- (ل، آ: رسد) ۱۲- ف: باد؛ س: شاه؛ متن = ل، ل، ل، س (نیز لن-آ) ۱۳- (لن: خرم؛ ل: خورم) ۱۴- ف، ل، ل، س (نیز لن، ق، و لن): بویید؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، پ، آ)؛ ق، ب این بیت را ندارند ۱۵- س: گردن بفرمان ۱۶- ف: نیز؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۱۷- س، ق، ل (نیز لن، ل، ل، لن، آ، ب): شه؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، و) ۱۸- ق: در جان تا؛ (ق، ل، و، آ: ناچار تا)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز لن، ل، ل، پ، لن، ب) ۱۹- ل (نیز ل، پ، آ): رو ۲۰- ف، ل، ل، س (نیز ل، پ): بجز؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، ل، و آ)؛ لن، لن، ل، ب بیت های ۳۰۰۲-۳۰۰۴ را ندارند و درس این بیت ها پس از بیت ۳۰۰۷ آمده اند ۲۱- ف: هر آن وقت کاسوده باشی؛ متن = ل، س، ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، پ، و، آ) ۲۲- ف: بیازی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیز ل، پ): نازی؛ س: ساری (نقطه ندارد)؛ ل (نیز ق): نازی؛ (و، آ: نازی (حرف دوم نقطه ندارد))؛ متن ← ف ۲۳- (ل، آ: بمال) ۲۴- ل (نیز ل، پ، و، آ): نازی؛ س: ساری (نقطه ندارد)؛ ل: بیازی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: نازی؛ متن = ف (نیز ق)؛ ق، ل بیت های ۳۰۰۳ و ۳۰۰۴ را ندارند ۲۵- ل، س، ل، ل، س (نیز ق، ل، پ، و، آ): یزدان؛ متن = ف ۲۶- ف: باریک (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: تاریک؛ س: نزدیک (پس او ندارد)؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، پ، و، آ)؛ بنداری (۳۰۰۲-۳۰۰۵): اینک أن تزوع فی الدنیا غیر الخیر. ومتی رأیت أن نفسک رغبت فی الراحة، وزهدت فی الملک و المال فاعلم أن وقتک قد انتهى فلا تعدل عن العدل والإنصاف، وخلص نفسك عن المکاره والأسوء ۲۷- ل-س (نیز لن، ل، ل، ل، پ، لن، آ، ب): گیتی؛ متن = ف (نیز ق، و) ۲۸- س (نیز ب): بهتر ۲۹- ل: باره ۳۰- ل (نیز ق، ل، و، آ): شادی؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، لن، ل، پ، لن، ب)

→ به گنهم نوذریکسی نامه کرد
خرد را گذر بر سر خامه کرد
که برگرد و آهننگ خوارزم کن
نشین خرم و روز و شب بزم کن
بشد جهنم و پوشیدگان را ببرد
بسی آفرین خواند بر شاه گرد
ل-س (نیز لن-ب) این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: فتقبل هراسب وصیه (= ۲۹۹۳). ثم خرج و رکب و طاف علی
الإیرانیین (= ۲۹۹۴) وعزاهم عن نفسه ووعظهم و نصحهم

بدو گفت خسرو که پدرود باش! به داداندرون تاره و^۱ پود باش!^۲

برفتند با او^۳ از^۴ ایران سران چو دستان ورستم، چو گودرز و گیو
 ۳۰۱۰ به هفتم فریبرز کاوس بود همی رفت لشکر گروه‌ها گروه
 بیودند^۵ یک هفته دم برزدند خروشان و پیچان^۶ ز کردار شاه
 همی گفت هر موبدی در نهفت چو خورشید برزد سر از تیغ^۷ کوه
 ۳۰۱۵ زن و مرد از^۸ ایرانیان صد هزار^۹ همه کوه پُر^{۱۰} ناله و پُر^{۱۱} خروش
 همی گفت هر کس که شاهها چه بود گر از لشکر آزار داری همی
 ۳۰۲۰ بگوی^{۱۲} و تو از گاه ایران مرو همه خاک باشیم اسپ تُرا
 کجا شد تُرا دانش و رای و هوش همه پیش یزدان ستایش^{۱۳} کنیم
 مگر پاک یزدانت بخشد به ما

بزرگان بیداره^۱ و گنداوران دگر بیژن گرد^۲ و گشتهم نیو
 به هشتم کجا^۳ نامورطوس بود ز هامون بشد تا سر تیغ کوه
 یکی بر لب خشک نم برزدند کسی را بُد سوی آن^۴ رنج راه
 که زین در سخن کس نیارست گفت^۵ ز هر سو ز گیتی بیامد^۶ گروه
 خروشان برفتند با شهریار^۷ همی سنگ خارا برآمد^۸ به جوش
 که روشن دلت شد پُر از داغ و دود بدین^۹ تاج را خوار داری همی،
 جهان کهن را مکن^{۱۰} شاه نو پرستنده آذرگشپ تُرا
 که نزد فریدون نیامد سروش^{۱۱} به آتشکده ندر^{۱۲} نیایش^{۱۳} کنیم
 دل موبدان^{۱۴} بردرخشد به ما

۱- ل: تارگر؛ س: (نیزلی): تاروهم؛ (ق: پ: تاربا؛ ل: تاربا؛ و: تاربا؛ ل: آ: تاروتو)؛ متن = ف، ق، ل، ۲- س (نیزب): همیشه
 تو در بند به بود (ب: بدرود) باش؛ (لن: بدادت همیشه تو پیروز باش) ۳- ق (نیزلی، آ): وی ۴- ل- س: ز: متن = ف ۵-
 ف: بزرگان و گردان؛ متن = ل- س: (نیزلن- ب) ۶- ل (نیزلی، پ، آ): گیو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ،
 ب) ۷- ف: رد؛ (ل: گزین؛ و: کی)؛ متن = ل- س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۸- (لن: بیودند و) ۹- ل، س: (نیزلی،
 آ): جوشان؛ متن = ف، س، ل: (نیزلن، ق، آ، و، لن، آ، ب) ۱۰- س: سود جز؛ (ب: سود از)؛ ل: نبود اندران؛ متن = ف، ل، آ، س: (نیز
 لن، ق، آ، ل، و، لن، آ)؛ ق، پ این بیت را ندارند ۱۱- ل- س: (نیزلن- و، آ، ب): کزینسان سخن (ل، ق: همی) در جهان کس
 نگفت؛ متن = ف ۱۲- ل، ق، س: (نیزق، ل، و): تیره؛ (ب: برج)؛ متن = ف، س، ل: (نیزلن، ل، پ، لن، آ) ۱۳- ل: بیامد به
 پیش زهر سو؛ س، ل: (نیزلن، ق، آ، ل، پ- ب): ز گیتی (س، ق، آ، و: لشکر) بیامد زهر سو؛ ق: بیامد ز گیتی بهر سو؛ س: (نیزل، آ): ز گیتی به
 (ل: ز) هر سو بیامد؛ متن = ف ۱۴- ل، س، ق، ل: (نیزلن، ل، پ- ب): [از]؛ متن = ف، س: (نیزق، ل، آ) ۱۵- س، ل: (نیز
 لن، لن): سه هزار؛ (ل: آ: سی هزار؛ ب: ده هزار)؛ متن = ف، ل، ق، س: (نیزق، ل، آ، پ، و): بنداری: مائة ألف ۱۶- ق: بر کوه‌ها؛
 (ق: بر شهریار) ۱۷- (ل، لن، آ: با) ۱۸- ل (نیزل، آ): با ۱۹- (و: درآمد) ۲۰- ل، س، ق، ل: (نیزلن، ل، پ،
 لن، آ، ب): مرین؛ متن = ف، س: (نیزق، آ، و) ۲۱- ف، ل، ق: بگو ۲۲- ف: نویی؛ متن = ل- س: (نیزق، آ- ب) ۲۳-
 ق، ب بیت‌های ۳۰۲۲-۳۰۲۴ را ندارند ۲۴- س: (نیزق): نیایش ۲۵- ف، ل، س، ل، آ، س: (نیزلن، ل- آ): آتشکده در (لن:
 بر)؛ متن = (ق: آتشکده اندر) ۲۶- س: (نیزق): ستایش ۲۷- س، ل: (نیزلن، ق، آ، پ، لن): موبدت

<p>از آن^۲ انجمن موبدان^۳ را بخواند ابر نیکوی ها چه باید گریست^۴ مباشید جز پاک و^۵ یزدان شناس^۶ مباشید ازین^۷ رفتن من^۸ دژم همه بازگردید بی شهریار نباشد گیاه و نه^۹ برگ درخت روان را سوی روشنی ره کنید مگر فزه و بُرز دارد بسی شنیدند گفتار و^{۱۰} گشتند باز جهانجوی و گوینده^{۱۱} و یادگیر فریرز و بیژن، چو گشته^{۱۲} نیو شدند از بیابان و خشکی دژم جهان دیده^{۱۳} کیخسرو آنجا رسید بخوردند چیزی و^{۱۴} دم برزدند که امشب نرانیم^{۱۵} ازین^{۱۶} جایگاه کزین پس نبینید^{۱۷} ما را^{۱۸} بسی چو زراب گردد زمین بنفش، مگر^{۱۹} با سروش آشنایی بود</p>	<p>شهنشاه از آن^۱ کار خیره بماند چنین گفت: از ایدر^۲ همه نیکویست^۳ ز یزدان شناسید یکسر سپاس که گرد آمدن زود باشد بهم^۴ بدان مهتران گفت: ازین^۵ کوهسار که راهی درازست و^۶ بی آب و^۷ سخت به آمدن^۸ راه کوتاه کنید برین^۹ ریگ برنگذرد هر^{۱۰} کسی سه گرد^{۱۱} گرانمایه و^{۱۲} سرفراز چو دستان و رستم، چو گودرز پیر نگشتند ازو^{۱۳} باز چون^{۱۴} طوس و گيو برفتند یک روز و یک شب^{۱۵} بهم به ره بر یکی چشمه آمد پدید بر آن^{۱۶} آب روشن فرود^{۱۷} آمدند بدان^{۱۸} مرزبانان^{۱۹} چنین گفت شاه بگویم^{۲۰} کار گذشته بسی چو خورشید تابان برآرد درفش مرا روزگار جدایی بود</p>
---	---

۱-س: ازین ۲-س: وزان ۳-(پ: مهتران) ۴-ل-س: (نیزلن-ب): کایدر: متن = ف ۵-ل-س: نیکویست ۶-ل-س: (نیزلن-ب): برین (بدین) نیکویا نباید (س: ل، ل، ب، آ: بیاید) گریست: متن = ف ۷-ل (نیزب): [و]؛ س، ل: (نیزلن، ب): شاد و؛ (لن: شاه و)؛ متن = ف، س: (نیزق، ل، ل، و، آ) ۸-س: نیکی شناس: ق این بیت را ندارد ۹-س: تم ۱۰-ف، ل: زین؛ متن = س، ل، س: ۱۱-ق: ازین رفتن من مباشید ۱۲-ف، ل: زین؛ متن = س، ق، ل، س: ۱۳-س، ق: (نیزق، ل، ل، و، لن): [و] ۱۴-ق، ل: (نیزلن، ل، ب-ب): [و] ۱۵-س، ل: (نیزلن، ل، ب، لن): گیاه: (ق: برین راه)؛ ل: مانا که داند (تنها حرف چهارم نقطه دارد)؛ ق: مانا که یابند؛ س: نه مانا که یابند؛ (لی: آ: نه شاخ گیاه و نه)؛ متن = ف (نیز و، ب): بنداری: این آماننا طریقا صعبا لا ماء فيه ولا عشب ۱۶-ل، س: (نیز و): زبا من شدن (در ل حرف دوم نقطه ندارد)؛ (ق: ابا من شدن؛ لی: آ: ازین آمدن؛ ل: نباید شدن)؛ متن = ف، س، ل: (نیزلن، ب، لن): ق، ب این بیت را ندارند ۱۷-ل: آ: بدین؛ ل: ازین) ۱۸-(ب: بس) ۱۹-ل، ق: (نیزلی، آ): مرد ۲۰-س، ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، آ، ب): [و]؛ متن = ف، ل ۲۱-ل: [و] ۲۲-ل، س: (نیزلی، و، آ): بیننده: ق: (نیزب): جوینده: (ق: دانده)؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزلن، ل، ب) ۲۳-ل: زو ۲۴-(و: پس) ۲۵-ل، ق: همان بیژن و هم فریرز: س، ل: (نیزلن، ق، و، لن، ب): فریرز و بیژن گردد: (ل: فریرز و گسته و فرهاد)؛ متن = ف، س: (نیزلی، ب، آ) ۲۶-لن: برفتند با او یک امشب) ۲۷-ل، ق: (نیزلن، لی، ب، لن، آ): جهانجوی؛ س: (نیزق، و، ب): جهانداری؛ متن = ف، ل، س: (نیزل) ۲۸-ل-س: (نیزق، ل، ل، و، آ): بدان: (لن، ب: بر)؛ متن = ف (نیزلن، ب) ۲۹-س: (نیزق، و): فراز ۳۰-ل، ل، س: (نیزق، ب، و): ویکانه: (ل: بکروزو) ۳۱-ل: (نیزلن، ل): بدین ۳۲-(و: پهلوانان) ۳۳-ل: (نیزق، ل، ل، ب، آ): برانیم ۳۴-ل: زین ۳۵-ل: نجویم: (ق: نگویم؛ ل: بگویم زه: و نگویم) ۳۶-ق: (نیزلن، لی، ب، لن، آ، ب): نبینند ۳۷-(ق: نبیند مرا خود) ۳۸-(ل: مرا)

ازین راه^۱ اگر^۲ تاب گیرد دم^۳ دل تیرهگشته ز تن بگسلم

گفتار اندر ناپدید شدن شاه کیخسرو از ایرانیان^۴

<p>کی^۵ نامور پیش چشمه^۶ خمید^۷ همی خواند اندر نهان^۸ زند و اُست که باشید پدرودا^۹ تا جاودان نبیند زآن پس^{۱۳} مرا^{۱۴} جز به خواب مباشید^{۱۶} اگر^{۱۷} بارد از ابر مُشک کجا^{۱۸} بشکند^{۱۹} برگ و شاخ^{۲۰} درخت شما سوی ایران نیاید راه بختند با درد گنداوران ز چشم میهان شاه شد^{۲۳} ناپدید به ریگ و بیابان نهادند روی ز ره بازگشتند چون بیهشان^{۲۶} سپرده زمین، شاه نیافته پر از غم دل و پر^{۲۸} گداز آمدند</p>	<p>چو بهری ز تیره شب اندرچمید^۴ بدان^۸ آب روشن سر و تن بشت چنین گفت با نامور بخردان^{۱۱} کنون چون برآرد سنان^{۱۲} آفتاب شما نیز فردا برین^{۱۵} ریگی خشک ز کوه اندرآید یکی باد سخت بارد یکی^{۲۱} برف از^{۲۲} ابر سیاه سر مهتران زآن سخن شد گران چو از کوه خورشید سر برکشید بجستند^{۲۴} از آن^{۲۵} جایگه شاه جوی ز خسرو ندیدند جایی نشان همه تنگ دل گشته و تافته خروشان بدان^{۲۷} چشمه بازآمدند</p>
--	---

۱- ل، س، س (نیزق، ل، ی، ب، و، آ): رای؛ (ل، و، ز): متن = ف، س، ل (نیزلن، لن، ب) ۲- ل، س (نیزل): گر؛ ق این بیت را ندارد ۳- ف: بدروود کردن شاه ایرانیان را و ناپدید شدن او از لشکر و پهلوانان و گریستن لشکر از جهت او؛ ل: ناپیدا شدن کیخسرو از ایرانیان؛ س: ناپدید شدن شاه کیخسرو از ایرانیان و لشکر؛ ق: پاسخ دادن کیخسرو ایرانیان را و بیرون رفتن او از میان پهلوانان و لشکر و پند دادن که در کوه توقف نمایند و بازگشتن زال و رستم و گودرز؛ ل، س: سرنویس ندارند؛ متن = س ۴- ل، س (نیزلن، ل، ی، آ، ب): حمید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیزو، لن، ب): خمید؛ متن = ف، ق (نیزل، ب) ۵- ف: شه؛ (لی، آ، یکی؛ لن؛ گو): متن = ل، س (نیزلن، ل، آ، پ، و، ب) ۶- س، ل، س (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن، ب): بیزدان؛ متن = ف، ل، ق (نیزلی، آ) ۷- ل (نیزلی، ل، آ): رسید؛ س، ل، س (نیزو): حمید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: خرید (!)؛ (لن: حمید)؛ متن = ف (نیزب، لن)؛ بنداری: و لا كان في الثلث الأخير من الليل قام الملك و دخل العين و اغتسل ۸- ل (نیزب): بران ۹- ق: جهان؛ (لن: او بر زبان: پ: بر خویشتن) ۱۰- ف: موبدان؛ متن = ل، س (نیزلن، ب) ۱۱- ف (نیزل): که بدروود باشید ۱۲- (لی، و، آ: سپهر) ۱۳- ل، ق، س (نیزق، و، آ: دیگر؛ س، ل (نیزلن، ل، ی، ب، و، لن، ب): ازین پس؛ متن = ف ۱۴- (لی، آ: ما را دگر) ۱۵- س، س (نیزلن، ل، ی، ب): بدین؛ ل (نیزلی، آ): ازین؛ ل، ق: شهاباز گردید زین (ق: ازین)؛ متن = ف (نیزق، و، لن) ۱۶- (ل: میاید) ۱۷- ف (نیزو): گر ۱۸- ف، س، ل (نیزلن، لن، ب): کزو؛ (ل: که او)؛ متن = ل، ق، س (نیزق، ل، ی، ب، و، آ) ۱۹- س، ل (نیزلن، لن، ب): نگسند؛ (لی، ل، آ): برکشند؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزق، ب، و) ۲۰- ف: تر شاخ (؟)؛ ل، ق (نیزب، ب): شاخ و برگ؛ (لی، آ: شاخ و بیخ؛ ل: بیخ و شاخ؛ لن: بیخ و شاخ)؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ق، و) ۲۱- ل، ق (نیزق، ل، ی، و، آ): بسی؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ی، ب، و، لن، ب) ۲۲- ل، ق: ز؛ ف پس از این بیت افزوده است:

چو من گم شوه از میان سپاه
اگر نشنوبد این و مویش کنید
شتابان برانید ازین جایگاه
بمانید در برف و جانرا کنید

۲۳- ل: شد جهان؛ (و: شد هوا) ۲۴- ل: بیودند؛ ق: دویلدند؛ (لی، ل، آ: برفند؛ ب: بگشتند)؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، و، لن، ب) ۲۵- ل: زان ۲۶- ف، ل، ق: گردنکشان؛ متن = س، ل، س (نیزلن، ب) ۲۷- ل: بران ۲۸- ل: با

برآن ^۱ آب هر کس که آمد فرود فریبرز ^۲ گفت: آنچه خسرو بگفت زمین گرم و نرمست و روشن هوا ^۳ چُن ^{۱۱} آسوده گردیم ^{۱۲} و چیزی خوریم ^{۱۳} بر ^{۱۶} چشمه یکسر فرود آمدند که چونین ^{۱۸} شگفتی نبیند کسی کزین ^{۲۰} رفتن شاه ما ^{۲۱} دیده‌یم دریغ آن بلند اختر و رای ^{۲۲} او خردمند ازین کار خندان ^{۲۴} شود که داند ز ^{۲۶} گیتی که او را ^{۲۷} چه بود بدان ^{۲۹} نامداران چُنین گفت گیو به مردی و بخشش، به داد ^{۳۲} و هنر به رزم اندرون پیل بُد با سپاه	همی داد شاه جهان را درود نه با ^۳ جان پاکش ^۴ خرد بوده جفت ^۶ برین ^۸ رنجگی ^۱ نیست رفتن روا ^{۱۰} بخشیم ^{۱۴} و بر چشمه پس بگذریم ^{۱۵} ز خسرو همی ^{۱۷} داستان‌ها زدند — و گر در ^{۱۹} زمانه بماند بسی — ز گردن گشان نیز نشیده‌یم بزرگی و دیدار و بالای ^{۲۳} او که زنده کسی پیش ^{۲۵} یزدان شود چه گویم و گوش این نیارد شنود ^{۲۸} که هرگز چنو ^{۳۰} نشنود گوش ^{۳۱} نیو به دیدار و بالا و فر ^{۳۳} و گهر ^{۳۴} به بزم اندرون ماه ^{۳۵} بُد با کلاه
---	--

- ۱- س^۱ (نیزق، ل، و): بدان؛ (لن: بر)؛ ف، ق این بیت را ندارند؛ س پس از این بیت سه بیت و لن، ب تنها بیت‌های دوم و سوم را افزوده‌اند: همه نامداران ایران سپاه همی بازگفت آنچه خسرو بگفت که ما شاه را خود چنین درخوریم
- ۲- ل^۱ (نیزلن): همی باز ۳- ل، ل، ل، س^۱ (نیزق: آ): که با؛ ق: ابا؛ متن = ف، س (نیزب) ۴- ف: پاک؛ س: پاک و ۵- ل، ل، ل، س^۱ (نیزلی، ل، پ، ل، س): باد؛ متن = ف، س، ق (نیزق، و، آ، ب) ۶- (لن: همی راز گردون زما می‌نهفت) ۷- س: روان ۸- ل، س، س^۱ (نیزق، ل، و، آ، ب): بدین؛ متن = ف (نیزلن) ۹- ف، س، س^۱ (نیزق): خستگی؛ (و: رنج در؛ لن: رنج کی)؛ متن = ل (نیزلی، آ، ب) ۱۰- س: نوان؛ (لن: بدین راه رفتن نیم روا؛ پ: ازین جای رفتن نیم روا)؛ ق، ل، ل، ل این بیت را ندارند؛ درل، س^۱، ق، ل، ل، پ، و، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ف پس از این بیت افزوده است: بدو گیو گفتا نشاید بدن بران پسند خسرو ببايد شدن
- ۱۱- ف، ل، س، ق (نیزلن-ب): چو؛ متن = س^۱ ۱۲- ل (نیزب): باشیم ۱۳- ف: دم برزیم (بساوند ندارد)؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیزلن-ب) ۱۴- س (نیزل، ب): [و]؛ ل: نجیم؛ (لن: نخفیم)؛ متن ← ۱۵- ل، ق، س^۱ (نیزلی، پ، آ): یک امشب ازین چشمه برنگذریم؛ (ق: نخستین ازین چشمه بر بگذریم؛ و: نجسیم بر چشمه و بگذریم؛ لن: نجسیم و زین چشمه بر بگذریم)؛ متن = ف (بیت ۳۰۷۰) ۱۶- ل: بران ۱۷- ل (نیزب): بسی ۱۸- ف: چندین؛ ل: چنین؛ متن = ل، س، ق، س^۱ (نیزلن-ب) ۱۹- س^۱ (نیزق، و): با ۲۰- س، ل^۱ (نیزلن، لن، ب): چنین؛ (لی، آ: نه زین؛ پ: بدین)؛ متن = ف، ل، ق، س^۱ (نیزق، ل، و) ۲۱- س، ل^۱ (نیزلن، لن، ب): کسی ۲۲- س: بلندی و آن کار ۲۳- س، س^۱: بالا و دیدار ۲۴- ق: حیران ۲۵- ق: نزد؛ (لن: سوی) ۲۶- ل، س^۱ (نیزلی، پ، آ): به ۲۷- ق، و: که با او) ۲۸- ل، ق (نیزق، ب): ز خوردن سوی خواب (ق: آب) رفتند زود (= ۳۰۷۰)؛ س، ل^۱ (نیزلن، ل): چه گویم کین را نشاید (ل: که یارد) شنود؛ (پ: چه گویم کس آن نیارد شنود؛ و: چه گویم گوش که یارد شنود؛ لن: چه گویم کانرا بشاید ستود)؛ متن = ف، س^۱ (نیزلی، آ) ۲۹- ل: بدین ۳۰- ل، ق، س^۱ (نیزب): چنین؛ متن ← ۳۱- ق، س^۱ (نیزب): مرد؛ (ل: که چون او بگیتی نبودست؛ و: که هرگز نباشد چنو مرد)؛ متن = ف، س، ل^۱ (نیزلن، لی، لن، آ) ۳۲- ف: رای؛ متن = ل، س، س^۱ (نیزب، و) ۳۳- ف: رای؛ س، س^۱ (نیزب): نام؛ متن = ل ۳۴- (و: فرهنگ و فر)؛ ق، ل، ل، لن، لی، لن، آ این بیت را، ق، ب بیت‌های ۳۰۶۷-۳۰۷۰ را و ل^۱ بیت‌های ۳۰۶۷-۳۰۶۹ را ندارند ۳۵- س، ق، س^۱ (نیزلن): نیل؛ ل: پیل؛ (لی، آ: شیر؛ پ: شاه)؛ متن = ف، ل (نیزو، لن)

گفتار اندر مردن طوس و فربرز و گیوویژن [و گستم] در برف^۱

۳۰۷۰ وُزآن پس بخوردند^۲ چیزی که بود
همانگه برآمد یکی باد و ابر
چو برف از زمین بادبان برکشید
یکایک به برف اندرون ماندند
زمانی تپیدند^{۱۱} در زیر برف
نماند ایچ کس^{۱۳} را ازیشان توان

۳۰۷۵

ز خوردن سُوی خواب^۳ رفتند زود^۴
هوا گشت^۵ برسانِ کام^۶ هزبر^۷
بُند نیزه‌ی نامداران پدید^۸
ندانم^۹ برآن جای چون ماندند^{۱۰}
یکی چاه هر جای بُد کنده^{۱۲} ژرف
برآمد به فرجام شیرین روان

۱- ف: در برف مردن پهلوانان لشکر ایران و گریستن گودرز از بهر گیوویژن و فرزندان دیگر؛ ل: مردن ایرانیان در برف؛ س، ل: مردن طوس و فربرز و گیوویژن در (س: در میان) برف؛ ق: ناپدید گشتن کیخسرو از پهلوانان و وفات طوس و فربرز و گیوویژن در برف؛ متن ← س، ل: ۲- ف: بیودند و خوردند؛ متن = ل- س: ۱ (نیزلن، ل- آ) ۳- ف (نیزل، آ): آب؛ متن = ل، س، ل، آ، س: ۱ (نیزلن، ل، آ، پ، و، لن) ۴- ق: همه دل پر از درد و جان پر زدود؛ بنداری: ثم تناولوا شینا کان معهم و ناموا ساعة ۵- (ق، و، خشک) ۶- ل، ق، س: ۱ (نیزل، ل، آ، پ، و، آ): چشم؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): چرم؛ ل: چرخ؛ متن = ف (نیزق) ۷- (لن، ل، ب: هزبر) ۸- (ق): شدند آن دلیران همه ناپدید؛ پ: بشد نیزه سرکشان ناپدید؛ و: نید هیچ از آن نامداران پدید؛ بنداری: فتغیمت السماء، واشتد الهواء، و مطروا ثلجا غابث فیه من کثرته رماحهم القائمة؛ س، ل، آ، لن، ل، ب، لن، آ، ب پس از بیت ۳۰۷۲ افزوده اند:

برآمد یکی تند برف گران

زمین راسته شد (س: راست شد از؛ ب: زان مته شد) کران تا کران

بیودند بیچاره گردان نیو

چو طوس و چو بیژن، فربرز و گیو

ف، ل، ق، س، آ، ق، آ، ل، آ، و این بیت‌ها را نداشتند ۹- س، ق، ل: ۱ (نیزلن، ق، آ، لن، آ، ب): بدان؛ متن = ف، ل، س: ۱ (نیزب) ۱۰- ل، ق، س: ۱: بزاری بران (ق: بدان) جای خون رانند (ل: ماندند)؛ (و: بدام بلا بین که چون ماندند)؛ متن = ف، س، ل: ۱ (نیزلن، ق، آ، پ، لن، آ، ب)؛ ل، آ، آ این بیت را نداشتند ۱۱- همه دستنویس‌ها: تپیدند ۱۲- ل، ق، ل، آ، س: ۱ (نیزق، آ، پ، و): چاه شد (ل: بد) کنده هر (س: آ، بر؛ پ: مر) جای؛ س (نیزلن، ل، لن، آ، آ، ب): چاه کنند هر (ل: مر؛ آ: بر) جای؛ (ل: آ: چاه شد برف هر جای)؛ متن = ف ۱۳- ق: هیچ یک؛ بنداری: و بقوا یضطربون تحت الثلج حتی هلكوا أجمعین؛ ف پس از بیت ۳۰۷۵ افزوده است:

هشوار و دانسا و بسا رسم و راه
به هرکس همی پند او برگشاد
بجست و مران راه را ساز کرد
نیاسود روز و شبان سیاه
به صد حیل ز چشمه ساری رسید
دگر بساره بنهاد سرسوی راه
ستورش زنا خو... بماند
چو برزد سراز کوه تابنده شید،
زمین دید پر خویید و آب و گیاه
همه کوه پر لاله و خویید و کشت
هر آنکس که بشنید ماند او شگفت
زمانه سرآمد بر آن سرفراز

یکی بنده بُد در میان سپاه
سخن‌های خسرو گرفته بیاد
چو آن برف باریدن آغاز کرد
سه روز و سه شب بود سویان براه
5 چهارم چو ریگ بیابان برید
بخورد آب و لختی چرید او گیاه
چو یک روز دیگر شتابان براند
پیاده همی شد ز جان ناامید
به آباد جایی رسید او ز راه
10 دهی دید ز آباد همچون بهشت
همه حال با مردم ده بگفت
چو خورد و برآسود و بگشاد راز

این بیت‌ها در هیچیک از دستنویس‌های دیگر و نیز در ترجمه بنداری نیست

همی بود^۱ رستم برآن^۲ کوهسار
 برآن^۵ کوه^۶ بودند گریان^۷ سه روز
 بگفتند کین^۸ کار شد با درنگ
 اگر شاه شد^{۱۱} از جهان ناپدید^{۱۲}
 همان^{۱۵} نامداران کجا رفته اند؟
 ۳۰۸۰
 ببودند یک هفته بر پشت^{۱۷} کوه
 بریشان^{۱۹} همه زار و^{۲۰} گریان شدند
 همی کند گودرز کشواد موی
 همی گفت: هرگز کس این بد^{۲۴} ندید
 نبیره^{۲۵} پسر داشتم لشکری
 ۳۰۸۵
 به کین سیاوش همه کشته شد
 کون دیگر از چشم شد ناپدید
 سخن های دیرینه^{۲۸} داستان بگفت
 مگر بازگردند و یابند راه
 شاید برین^{۳۰} کوه سربر بدن
 ۳۰۹۰
 پیاده فرستم چندی به راه
 برفتند از آن^{۳۳} کوه^{۳۴} گریان به درد

همان^۳ زال و گودرز^۴ و چندی سوار
 چهارم چو بفروخت گیتی فروز،
 چنین چند باشیم بر^۹ کوه و^{۱۰} سنگ
 چو باد از میان یلان^{۱۳} بردمید^{۱۴}،
 مگر پند خسرو نپذرفته اند^{۱۶}؟
 سر هفته گشتند^{۱۸} یکسر ستوه
 برآن^{۲۱} آتش تیز^{۲۲} بریان شدند
 همی ریخت آب^{۲۳} و همی خست روی
 که از تخم کاوس بر من رسید
 جهانجوی و بر هر سری سروری^{۲۶}
 همه دوده را روز برگشته^{۲۷} شد
 که دید این شگفتی که بر من رسید؟
 که با داد یزدان خرد باد جفت
 گشاده کند برف راه سپاه^{۲۹}
 خورش نیست زایدرا^{۳۱} بیاید شدن
 بیابند روزی نشان سپاه^{۳۲}
 همی هر کسی از کسی^{۳۵} یاد کرد

۱-س (نیز، ل، ب): وزان (ب: وزین) روی ۲-ق، ل، ل، س (نیز، ل، ل، ب، و): بدان: متن = ف، ل، س (نیز، ل، آ، ب) ۳-
 ق، ل، ل، ابا: ۴-س (نیز، ل، ب): همی بود با زال ۵-ل، ق (نیز، ل، ل، ب، و): بدان: (ق: برین): متن = ف، س، ل، س (نیز
 ب، ل، آ) ۶-ل (نیز، ل، آ): گونه ۷-ل (نیز، ل، آ): یکسر: ق: یکسان: متن = ف، س، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس
 دیگر): بنداری: و اما زال و رستم و جودرز فتنه اقاموا ثلاثة ايام على ذلك الجبل الذي ذكرنا مفارقة الملك اياه عليه يكمن وينتجون
 ف: كان ۹-ق (با): ۱۰-ل، س، ق، ل (نیز): [و] ۱۱-س، ل (نیز، ل، ل، ب، آ، ب): گشت ۱۲-ل (نیز، ل، آ):
 ناپدید ۱۳-ل، س (نیز، ل، ل، ب، آ، ب): باد هوا از میان: متن = ف (نیز، ل، و) ۱۴-س (نیز، ل، ل، آ):
 بریرید ۱۵-ل، س (نیز، ل، ق، ل، ب، ب): دگر: (ل: همه): متن = ف ۱۶-ف، س، ل، س (نیز، ل، و، ل، ب): نپذرفته اند
 (حرف سو نقطه ندارد) ۱۷-ف: باغبه به: س (نیز، ل، ل، ب): بربرزه: (ل: دریش): متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز، ل، ل، ب،
 و) ۱۸-ل: ببودند از آن کار ۱۹-ل: بدیش: س، ل (نیز، ل، ل، ب): بدان غم: متن = ف، ق، س (نیز، ل، و،
 آ) ۲۰-ق: [و] ۲۱-ل (نیز، ل، ل، ب): بدان: (ل: جویر) ۲۲-ل، س (نیز، ل، ب، آ): از دود: س، ل (نیز، ل، ل، و،
 ل، ب): دود: متن = ف، ق (نیز، ل، ب) ۲۳-ف: اشک: متن = ل، س (نیز، ل، ب) ۲۴-ل، ق (نیز، ل، آ): گودرز کین کس:
 (ق، ل، آ، ب، و): هرگز کس این: متن = ف، س، ل، ل، س (نیز، ل، ل، ب) ۲۵- (وز خنده) ۲۶-ل، س (نیز، ل، ب):
 جهاندار و بر (ل، آ): جهانگیر و از: هر سری آفری: متن = ف ۲۷-ل، ق (نیز، ل، ب): همه (ب: بکن) دوده زیر و زیر گشته: متن = ف،
 س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۸-ف: مر لته (ق): متن = ل، س (نیز، ل، آ): بنداری: و أخذ زال بعزبه و سبله ۲۹-
 ل، س (نیز، ل، آ): چو از (ق، و: وزین) سرف پیدا شود (ل: کت): راه شاه (س، ل، ل، ل، ل، ل، آ): شاه راه: س: رای شاه: ب: پایگاه):
 متن = ف: غر ل، ق، س، ل، ل، آ، آت های این ست پس و پیش شده اند ۳۰-ل، ق، س (نیز، ل، و): بدین ۳۱-ف: لا بد:
 س (نیز، ل، آ): از ایند: (ب: ایند): متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز، ل، ل، و، ل، آ) ۳۲-ف: آتخ نشان از سپاه: (ل: روزی نشانی ز
 شاه: ل، آ: جایی نشان سپاه): متن = ل، س، ل، آ، س (نیز، ل، ل، ب، و، ل، آ): ق: این بیت را ندارد ۳۳-ف: از: ل، زان ۳۴-
 ل: گونه ۳۵- (ق: یکی: و: هر کس از یکدیگر)

ز فرزند و خویشان و از ا دوستان و زان شاه چون سرو در بوستان

جهان را چُنین ست آیین و دین^۲ نمانده ست^۳ همواره در به گزین^۴
 یکی را ز خاک سیه برکشد^۵ یکی را ز تخت کیان^۶ درکشد^۷
 نه زان شاد باشد، نه زین^۸ دردمند^۹ چُنین ست رسمِ سرایِ گزند^{۱۰}
 کجا آن یلان و کجا آن گوان^{۱۱} از^{۱۲} اندیشه دل دور کن تا توان^{۱۳}

گفتار اندر عهد بستن هراسپ با ایرانیان^{۱۴}

چو هراسپ آگه شد از کار شاه ز لشکر^{۱۵} که بودند با او^{۱۶} به راه،
 نشست از بر تخت با تاج زر برفتند گردانِ زرین کمر
 نشستند هر کس که پرمایه بود و زان نامداران گران سایه^{۱۷} بود
 نگه کرد هراسپ^{۱۸} بر پای خاست به خوبی بیاراست گفتار راست
 به آواز گفت: ای سران سپاه شنیده همه پند و اندرز شاه،
 هر آنکس که از تخت من نیست شاد ندارد همی^{۱۹} پند خسرو^{۲۰} به یاد
 مرا^{۲۱} هرچ^{۲۲} فرمود و گفت آن کم^{۲۳} بکوشم^{۲۴} به نیکی و فرمان^{۲۵} کم^{۲۶}

۱- ف، ل، ق، ل، س: و، ز، متن = س؛ ل، ن، ل، آ، ب پس از این بیت و ل^۲ پس از بیت ۳۰۸۱ افزوده اند:

برفتند که چونند از ایشان نشان همه زیر برف اندرون دیدشان

س، پ پس از بیت ۳۰۹۳ افزوده اند:

پساده برفتند و دیدندشان از آن جایگه برکشیدندشان
 بدان حال بردندشان تا به (پ: باز) شهر از آن مهتریشان چنین بود بهر
 از آن هریکی دخت ساختند پس از سوگ ایشان پیرداختند

۲- س^۲ (نیز و): داد ۳- ف، س: همانندست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل، س^۲ (نیز ل، ق، آ، ب): همانندست؛ متن = ل (نیز ل، ن)
 ۴- س: همواره بنیاد باد؛ (ل: بگردد همی این بدان آن بنین؛ و: که نفرین برین بی وفایی بیاد) ۵- (ق: آورد سوی گاه)
 ۶- س: کیی ۷- (ق: یکی را ز گاه افکند سوی ماه)؛ ق، ل^۲ این بیت را ندارند ۸- ل- س^۲ (نیز ل، ق، آ، و، ل، ن، ب): نه زین شاد باشد نه زان؛ متن = ف (نیز ل)
 ۹- (ل: مستمند؛ ل، آ: نه زین شادمانی نه زان مستمند؛ پ: نه زین در بود شاد و زان در برنج)
 ۱۰- ف (نیز ل، آ): بلند؛ س، ل^۲ (نیز ل، ل، ن، آ، ب): سپهر بلند؛ (پ: چنین است رسم سرای سپنج)؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق، آ، و)
 ۱۱- س، ل: کیان؛ ل، ق (نیز ل، ق، آ، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب): یلان و کیان جهان؛ س^۲: یلان جهان و گوان؛ (ل: کیان و گوان و یلان)؛ متن = ف ۱۲- ف: ز ۱۳- ف: گرتوان؛ (پ: در نهان؛ ل، آ: کز اندیشه دورند زین بدگمان)؛ متن = ل- س^۲ (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ، ب)؛ در س پس از این بیت، بیت های ۳۱۳۸-۳۱۴۱ آمده است؛ در ل، آ نیز پس بیت ۳۰۹۷ هشت بیت افزوده اند ۱۴- ل: عهد بستن هراسب با ایرانیان؛ س، ل: بر تخت نشستن هراسب و سخن گفتن او (س: با ایرانیان)؛ ف، ق، س^۲ سرنویس ندارند؛ متن = ل
 ۱۵- ف: گردان؛ متن = ل- س^۲ (نیز ل- ب) ۱۶- ف (نیز ق، آ، و): وی ۱۷- س (نیز ل، ن): پایه؛ (ل، آ، ب: مایه)؛ متن = ف، ل، س^۲ (نیز ق، آ، ل، ی، پ، و، ل، ن)؛ ل، ق، بیت های ۳۱۰۰ و ۳۱۰۱ را ندارند ۱۸- س، ل، س^۲ (نیز پ، ب): هراسب و ۱۹- (ق: کسی) ۲۰- ل- س^۲ (نیز ل، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب): شاهان؛ متن = ف (نیز ل، پ، آ) ۲۱- (ل: س: با) ۲۲- س، ق، ل، س^۲: هرچه ۲۳- (ل: کنیم) ۲۴- (ل، آ: بگویم) ۲۵- ق: پیوم نیکی و پیمان؛ (ل: بکوشم و نیکی و پیمان)

<p>مدارید و از^۳ من مدارید^۴ راز^۵ که اندرز شاهان نخواند^۶ بسی سراسر به من^۸ بر باید گشاد که خسرو ترا تاج^{۱۰} برده ست نام^{۱۱} نیابد گذر پای بر^{۱۳} مرز او^{۱۲} ز رای و ز فرمان تو نگذیریم به^{۱۷} مهر تو برنگذرانیم^{۱۸} دست ز نیکی و^{۲۱} را^{۲۱} دست کوتاه بود برو^{۲۲} آفرین کرد و سر برکشید^{۲۳} شا را مبادا^{۲۴} بد و^{۲۵} کاستی که روی^{۲۷} بدی ها شود ناپدید شا را سپرد آن زمان نیمروز بگیرد چندانک^{۳۲} باید به دست تن و دوده و پادشاهی یکیت بگوی از دل ای پهلوان جهان^{۳۵} که^{۳۶} بی گوی و بهرام^{۳۷} و بی بیژم</p>	<p>۳۱۰۵ شا نیز از اندرز او^۲ دست باز گنهکار باشد به یزدان کسی بد و نیک ازین هرچ^۷ دارید یاد چنین داد پاسخ و^۹ پور سام^۹ پذیرفته ام پند و اندرز او^{۱۲} ۳۱۱۰ تو شاهی و ما یکسره کهریم من ورستم و^{۱۴} زاوی^{۱۵} هرک^{۱۶} هست هر آنکس که او جز^{۱۹} برین^{۲۰} ره بود چو هراسپ گفتار دستان شنید چنین گفت کز داور راستی ۳۱۱۵ که یزدان^{۲۶} شا را بدان آفرید جهان بخش^{۲۸} نیک اختر^{۲۹} شادروز^{۳۰} کنون پادشاهی جز آن هرچ^{۳۱} هست مرا با شا گنج^{۳۳} بخشیده نیست به گودرز گفت: آنچه^{۳۴} داری نهان ۳۱۲۰ بدو گفت گودرز: من یک تنم</p>
---	---

- ۱- ف: [از]؛ س: پند و؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن - ب) ۲- س: من ۳- ف، ل، ق، س: وز؛ متن = س، ل، ۴- ف، س: نپوشید؛ (پ: مپوشید؛ و: ممانید)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب) ۵- (ق: ل، باز) ۶- ل (نیز ل، آ): ندارد؛ ق: نداند؛ ل: نجوید؛ (ق: نماند)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ل، پ، و، ل، ب) ۷- س، ق، ل، س: هرچه ۸- س: ما ۹- (ل: زال شاد) ۱۰- ل، س، ق (نیز لن، ل، پ، ل، آ، ب): شاه؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، و) ۱۱- س (نیز ق، ل، آ): دادست و نام؛ (ل: بر سر نهاد) ۱۲- ل، س، ق: او؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل: با؛ س، ق، س (نیز پ): از؛ (ق: گذر کردن از؛ ل، آ: نیاید گذریام از؛ و: بشاهی تو باشی بدین)؛ متن = ف، ل (نیز لن، ل، ب) ۱۴- ف- ل (نیز لن، ل، ل، ل، آ): [و]؛ متن = س (نیز ق، پ، و، ب)؛ بنداری: و قبلت وصیته و لست بر اجمع عن ذلک و لا رستم ۱۵- ل، س، ق، ل (نیز لن، ل، ب): زایل؛ متن = ف، س (نیز ق) ۱۶- س، ق، ل، س: هرکه؛ متن = ف، ل ۱۷- ل- س (نیز لن- ب): ز؛ متن = ف ۱۸- ل: برنگسلانیم؛ س، ق، ل (نیز لن، ل، ب): ما برنگیریم؛ (ق: جان را نگیریم؛ ل، آ: بر ما نگیریم؛ و: دل برنگیریم)؛ متن = ف، س (نیز ل، پ) ۱۹- ل: نه ۲۰- س (نیز لن، ل، ب): بدین ۲۱- (لن: و آن؛ ق: مرا) ۲۲- ل: بدو ۲۳- ل (نیز ل، پ، آ): دم درکشید؛ ق (نیز ل، ل، آ): سر درکشید؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، آ، و، ب) ۲۴- س: میادا شا را ۲۵- ل (نیز ل، آ، ب): کم و؛ ق: کمی و؛ (لن: بدل؛ ل: همی)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ق، پ، و، ل، ب) ۲۶- (ق: و: جهانان) ۲۷- ف، س، ل (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، ل، ب): رنج و؛ متن = ل، س (نیز ل، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۸- ل- س (نیز لن- ب): جهاندار؛ متن = ف ۲۹- ل، ل، ل (نیز ق، ل، آ): نیک اختر و ۳۰- س (نیز پ): نیک روز ۳۱- س، ق، ل، س: هرچه؛ متن = ف، ل ۳۲- ف، س: چندانکه؛ متن = ل، س، ق، ل ۳۳- ل: بخشود؛ س: پوشیده ۳۴- ق: آنک؛ ف: گفتا چه ۳۵- ف، ق: بگو از دلت ای جهان پهلوان؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن- ب؛ ل، ل، بگو)؛ س: پس از این بیت افزوده است:
 خداوند گیتی ترا یار باد
 دل و پشت دشمن پراز خار باد
 ۳۶- ل: چو ۳۷- ل (نیز پ، و): رهام؛ س، ل، س، ل، ل، ق، آ، ل، پ، و، آ، ب پس از این بیت چهار بیت و لن تنها بیت چهارم را افزوده اند: بگفت این و جامه ز سرتا به پای
 به آزادگان نیز (پیر) گودرز گفت
 بدزید رومی و چینی (ق: بر تنش و رومی) قبای
 که فرخ کسی کش بود خاک (لن: شاه) جفت ←

برآتم سراسر^۱ که دستان بگفت
چنان هم^۲ که با شاه گفتم نخست
توی شاه^۵ و ما سربر^۶ کهتریم
همه مهتران خواندند آفرین
ز گفتار ایشان دلش تازه گشت^۹ ۳۱۲۵
[برآن نامداران گرفت آفرین
ازو^۲ من ندارم سخن در نرفت
بدین مایه نشکست عهد^۴ درست
ز فرمان و پیمان تو^۷ نگذریم^۸
به فرمان نهادند سر بر زمین
بیالید^{۱۰} و بر دیگر اندازه گشت^۹
که آباد بادا به گردان زمین^{۱۱}]

گزیدش یکی روز فرخنده‌تر
چنان چون فریدون^{۱۳} فرخ‌نژاد^{۱۳}
بدین^{۱۵} مه‌ماه^{۱۶} گزین، روز مهر
بیاراست ایوان کیخسروی ۳۱۳۰
چنین‌ست گیتی فراز و نشیب
ازو شادمانی و زو^{۲۰} دردمند
ازین کار خسرو به^{۲۲} بیرون شدیم

کجا^{۱۲} برهند تاج شاهی به سر
برین مهرگان^{۱۴} تاج بر سر نهاد،
کز آن^{۱۷} راستی رفت مهر سپهر،
برافروخت ایوان بدو از^{۱۸} نوی
یکی آزور، دیگری بانهبیب^{۱۹}
نماند به کس چند و چونیش چند^{۲۱}
سوی کار^{۲۳} لهراسپ باز آمدیم

۱- س (نیزق، و): که من هم برانم ۲- ل، ق: جزین؛ ف، ل^۲ این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست: ثم أفاق وقال: أنا موافق لدستان فبا قال ۳- ل، ل، ل (نیزلی، آ): چنانم؛ ق: همانم؛ (ل: برانم)؛ متن = ف، س (نیزق، پ، و، ل، ب) ۴- ق: عهدی؛ ف، س (نیزق، پ): بنوشت عهدی؛ (لی، آ: بستند عهدی؛ و: پیوسته عهدی)؛ متن = ل، س، ل (نیز ل، ل، ب)؛ بنداری: و بمثل لأمر الملك کیخسرو فبا دبر و اختاره لن بیت های ۳۱۲۲ و ۳۱۲۳ را ندارد ۵- ل (نیزق، و): توشاهی ۶- س: یکسره ۷- (لن: تیمار تو)؛ ف: ز فرمان تو یک بیک؛ ل، ق (نیزلی، ل، آ): ز پیمان و فرمان تو؛ متن = س (نیزو، ب) ۸- (ق: رای تو برنگذریم)؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: أنت الملك ونحن كلنا لك أتباع وأشیاع ۹- ق: شد ۱۰- ل، ف، ل: سالید (حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ (لی، لن، آ، ب: بنالید)؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ، و) ۱۱- ل، ق، ل، س، ق، ل، پ، و، لن^۲ این بیت را ندارند؛ متن = س، لن، ل، آ، ب ۱۲- ل (نیزب): که تا؛ متن = س، س (نیزلن، لی، ل، لن، آ، ب)؛ ف، ق، ق، و، بیت‌های ۳۱۲۷-۳۱۳۶ را ندارند و ل تنها بیت ۳۱۳۴ را دارد، ولی بنداری نیز این بیت‌ها را داشته است: وانشرح صدره بما استب له من ذلك الأمر لکنه أخر التتوح بتاج السلطنة الی یوم المهرجان اقتداء بأفریدون ۱۳- س (نیزلن، ب): نهاد ۱۴- ل (نیزلی): بدین مهرگان؛ س: بدان مژدگان (?)؛ متن = س (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۵- س: بدین ۱۶- ل (نیزلی، ب): مهرگان؛ س: مه‌ماه این؛ متن = س (نیزلن، ل، لن، آ، ب) ۱۷- ل (نیزلی، ل، پ، لن، آ): کزین؛ س: کزی (که زی؟)؛ متن = س (نیزلن، ب) ۱۸- (پ: بروز؛ لن: ازو بر؛ لی، آ: کیوان به بدر؛ ل: رخ را بدان از)؛ ل: بیاراست دیوان او از؛ متن = س، س (نیزلن، ب) ۱۹- ل (نیزل، پ، لن، ب): یکی آورد (آزور؟) دیگری با (ل: را) نهیب؛ س: یکی آورد یک برد بانهبیب؛ (لن: یکی راز درد و یکی نانهبیب؛ لی، آ: یکی کامرانی دگر بانهبیب)؛ متن = س ۲۰- س: ازو ۲۱- س (نیزلن، ب): تاج و تخت بلند؛ س: نیاید بکس چند و چون بیش و چند؛ (لی، آ: گهی بر سر تخت گاهی به بند)؛ متن = (لن، ل، پ؛ س)؛ ل این بیت را ندارد ۲۲- س، س (نیزلن، لی، ل، پ، لن، آ، ب): چو؛ متن = ل ۲۳- س (نیزلن، لن، ب): گاه؛ متن = ل، س (نیزلی، ل، پ، آ)

→

دریغا گوا گبوروین تننا

جهانجوی و شمشیرزن (پ: شیراوزنا) بیژنا

چو (س: چن) از درد آن دوده آمد مجبوش (ل: بهوش؛ ق، و: درد آمد سپهد بهوش)

چنین گفت باناله و باخروش

ف، ل، ق، ل هیچیک از این بیت‌ها را و لن^۱ سه بیت نخستین را ندارند، ولی گویا بنداری هم آنها را داشته بوده است: فذكر أولاده بهرام و جیوو بیژن، و مزق ثیابه، و بقی ساعة یندبهم و ینوح علیهم

کون تاج و اورنگ هراسپ شاه
 ۳۱۳۵ به پیروزی شهریار بلند
 به نیکی رساند دلِ دوستان
 جهان را چنین ست آیین و سان
 سرای سپنج ست با درد و رنج
 ازین^۷ کار کیخسرو اندازه گیر
 ۳۱۴۰ سوی نیکی و نیک نامی گرای
 چنین بود تا بود کار جهان
 بیارایم و برنشام به گاه^۱
 کزویست اومید و بیم^۲ گزند
 گزند آید از وی به ناراستان^۳
 بگرددهمی زآن برین^۴، زین بدان^۵
 تو با رنج او ناز و خوشی^۶ مسنج
 کهن گشته کار جهان تازه گیر^۸
 جزین نیست توشه به دیگرسرای^۹
 گرافه نکردند نامش جهان^{۱۰}

۱- ل، س^۱ این بیت را ندارند؛ متن = س، ل^۲ (نیز ل، ل، ل، ل، ل، ل، ل، آ) ۲- ل، س^۱: امید نیک و؛ س (نیز ل، ل، ب): امید و بیم؛ (ل، ل، ل، پ، آ: امید و بیم و؛ ل^۲: امید بیم و)؛ متن = س، ل، ل، ب با تصحیح امید به اومید ۳- (ل، آ: بماناد این سرو در بوستان)؛ س، س، ل، ل، ل، ل، ل، آ پس از این بیت افزوده اند:

برین (بران، بدین) نیز یاداد دلش مهربان
 که بر آفرینش گشاید زبان
 ۴- ق، س^۱ (نیز ق، ل، و، ل، آ): بدین؛ (ل^۲: زین برین)؛ متن = ل (نیز پ) ۵- ل، س^۱ (نیز پ): بران؛ (ل^۲: زان بران)؛ متن =
 ف، ق (نیز ق، ل، و، ل، آ)؛ ل، ل، ب بیت های ۳۱۳۷-۳۱۴۱ و ل، ق، ق، ل، پ، و، ل، ل بیت های ۳۱۳۸-۳۱۴۱ را ندارند و این بیت ها
 تنها در ف، س^۱، ل، ل، آ، و درس پس از بیت ۳۰۹۷ آمده اند ۶- (ل: بازجویی؛ ل^۲: باز و خوبی؛ آ: نازجویی)؛ متن = ف، س،
 س^۱ ۷- س^۱: تواز ۸- ف: جهان را کهن دان و غم تازه گیر؛ س (نیز ل، آ): جوانه مخوان گیتی گنده پیر؛ (ل^۲: چو آمد بدین گیتی
 گنده پیر)؛ متن = س^۱ (= ۹۱)؛ س^۱ پس از این بیت افزوده است:
 نیا را بکشت و هم ایدر نماند
 جهان نیز منشور او برنخواند (= ۹۳)
 ۹- ف پس از این بیت افزوده است:

چنین است کار جهان جهان

جهان است از آن خواندندش جهان (= ۳۱۴۰)

۱۰- ل^۲ این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، س^۱، ل، ل، آ، ق، و بجای بیت های ۳۱۳۸-۳۱۴۱ یا در آغاز پادشاهی هراسپ افزوده اند:

کنون زان سخن ها فزایش کنیم
 بران آفرین کافرین آفرید
 هم افراز ازویست و هم نام ازو
 سپهر و ستاره زمین کرده است
 5 زخاشاک ناچیز تا عرش راست
 جز او را مخوان کردگار جهان
 ونو بر روان محمد درود
 سرانجمن بُد زیاران علی
 نباشد جز از بی پدر دشمنش
 10 هم پاک بودند و پرهیزکار
 هزاران درود و هزاران سلام
 کنون تاج و اورنگ هراسپ شاه
 ز گفتار گوینده دهقان پیر

جهان آفرین را ستایش کنیم (ق ندارد)
 سپهر و زمان و زمین آفرید
 هم آغاز ازویست و فرجام ازو
 کم و بیش گیتی برآورده است
 سراسر به هستی یزدان گواست
 شناسنده آشکار و نهان
 به یارانش بر هر یکی برفزود
 که شاعیش (و: شعیش) خواند علی ولی
 که یزدان به آتش بسوزد تنش
 سخن های ایشان گذشت از شمار
 ز ما بر محمد علیه السلام (و: بر نبی و ولی والسلام)
 بیارایم و برنشام به گاه (= ۳۱۳۴)
 سخن ها همه یک یک یادگیر (ق ندارد)

شاهنامه خوانی با خوانش و تفسیر استاد زاگرس و دکتر محبوب

کتاب صوتی شاهنامه و شاهنامه خوانی با صدای استاد قائم مقامی

دانلود کتاب صوتی شاهنامه - شاهنامه خوانی با صدای استاد کزازی

شاهنامه خوانی و شرح و تفسیر اشعار شاهنامه توسط استاد حیجونی

کتاب صوتی شاهنامه فردوسی با صدای استاد قادرپناه

داستان های صوتی شاهنامه به زبان ساده

کتاب صوتی شاهنامه به نثر نوشته محبوبه زمانی

کتاب صوتی شاهنامه برای نوجوانان

شاهنامه خوانی کودکان صوتی

فہرستاها

فهرست نام کسان

- بزرگ ۱۰۵، ۳۴۲، ۱۹۴۶، ۱۹۵۷،
 ۲۰۷۶، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴
 اشکن - جنگ بزرگ ۱۹۴۶ پ
 اغربوت^۱ - جنگ بزرگ ۱۲۵۰، ۲۲۵۹
 اغربوت^۲ - جنگ بزرگ ۳۲۷
 اغربوت ← اغربوت
 افراسیاب^۱ - یازده رخ ۳۷، ۵۸، ۶۱، ۶۶،
 ۱۱۲، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۹۸، ۲۰۱،
 ۲۲۵، ۲۵۸، ۳۳۵، ۴۰۶، ۷۲۱،
 ۹۵۰، ۹۹۵، ۱۰۱۲، ۱۰۱۹، ۱۰۳۵،
 ۱۰۴۹، ۱۰۵۹، ۱۱۳۰، ۱۲۴۲،
 ۱۳۶۰، ۱۴۰۳، ۱۴۷۵، ۱۵۲۹،
 ۱۶۵۸، ۱۷۴۵، ۱۷۶۴، ۱۸۰۱،
 ۱۹۲۷، ۲۰۱۰، ۲۰۶۵، ۲۱۰۱،
 ۲۱۵۲، ۲۱۸۷، ۲۴۰۳، ۲۴۱۲،
 ۲۴۲۷، ۲۴۳۰ جنگ بزرگ ۱۱۵،
 ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۳۹، ۲۵۵، ۲۸۶
- آبدان (?) - جنگ بزرگ ۱۹۲ پ
 آذرگشسپ - فهرست نام جای ها
 آرش - جنگ بزرگ ۱۲۵ پ
 آره - آوه
 آفریدون - فریدون
 آوه (- وسمگان) - جنگ بزرگ ۱۸۱، ۷۶۲
 ابوالقاسم - جنگ بزرگ ۲۰
 اخواست ← اخواست
 اخواست - یازده رخ ۳۳۸، ۱۸۲۴، ۱۹۴۱
 اروند - جنگ بزرگ ۲۹۴۷ پ
 استقیلا - جنگ بزرگ ۸۱۲، ۸۱۶
 اسکس ← اشکش
 اسکس ← اشکش (بنداری همه جا اشکش
 دارد)
 اشکش - یازده رخ ۱۱۶، ۹۵۶، ۱۰۲۶،
 ۱۰۳۱، ۱۰۶۳، ۱۱۴۹، ۱۲۸۵ جنگ

اوخواست ے اخواشت	،۳۶۸ ،۳۵۴ ،۳۴۸ ،۳۳۷ ،۳۱۷
اورند - جنگ بزرگ ۲۹۴۷ پ	،۴۹۷ ،۴۹۲ ،۴۸۱ ،۴۰۲ ،۳۹۲
اوزرد - جنگ بزرگ ۲۹۴۷ پ	،۵۷۸ ،۵۷۲ ،۵۳۵ ،۵۲۶ ،۵۰۴
اولادغندی ے کولادغندی	،۷۵۳ ،۷۴۸ ،۷۳۸ ،۷۱۹ ،۶۹۸
ایرج ۱ - یازده رخ ۱۵۶، ۱۱۶۱، ۱۲۳۸	،۸۷۵ ،۸۶۷ ،۸۳۶ ،۸۳۴ ،۸۲۴
جنگ بزرگ ۵۲۸، ۱۱۹۹، ۲۳۵۴	،۹۶۵ ،۹۵۱ ،۹۳۸ ،۹۰۹ ،۹۰۰
۲۳۸۱	،۱۰۳۱ ،۱۰۱۷ ،۱۰۰۳ ،۹۹۸ ،۹۹۱
ایرج ۲ - جنگ بزرگ ۱۲۸	،۱۱۴۹ ،۱۱۱۸ ،۱۰۷۳ ،۱۰۴۲
ایلا ے برزایلا	،۱۲۷۴ ،۱۲۱۰ ،۱۱۶۸ ،۱۱۵۲
ایلاد - جنگ بزرگ ۸۱۶ پ	،۱۳۵۰ ،۱۳۲۳ ،۱۳۲۲ ،۱۲۷۷
ایلاک - جنگ بزرگ ۸۱۳	،۱۴۲۵ ،۱۴۲۰ ،۱۳۸۰ ،۱۳۵۷
	،۱۴۹۶ ،۱۴۷۹ ،۱۴۶۵ ،۱۴۳۱
بارمان - یازده رخ ۱۸۲۰، ۱۸۹۶، ۱۹۰۲	،۱۵۹۶ ،۱۵۷۹ ،۱۵۲۴ ،۱۵۰۵
برازہ (گرازہ؛ بنداری ہمہ جا برازہ دارد) -	،۱۶۹۱ ،۱۶۷۹ ،۱۶۵۱ ،۱۶۱۵
یازده رخ ۱۲۰ پ، ۳۰۲ پ، ۱۸۷۲ پ	،۱۷۱۳ ،۱۷۰۴ ،۱۶۹۶ ،۱۶۹۳
برنہ ے برنہ	،۱۷۵۵ ،۱۷۴۹ ،۱۷۴۵ ،۱۷۲۷
برزایلا - جنگ بزرگ ۳۱۶، ۸۱۳، ۸۲۰	،۲۰۰۴ ،۱۸۵۲ ،۱۷۹۷ ،۱۷۶۲
۸۲۱	،۲۰۹۰ ،۲۰۴۱ ،۲۰۲۴ ،۲۰۰۸
برسان (?) - جنگ بزرگ ۱۷۵	،۲۱۳۳ ،۲۱۱۹ ،۲۱۱۴ ،۲۱۰۰
برنہ - یازده رخ ۱۸۲۴، ۱۹۷۲، ۱۹۷۴	،۲۲۸۵ ،۲۲۴۴ ،۲۲۲۰ ،۲۲۰۰
۱۹۷۵ جنگ بزرگ ۱۸۵	،۲۳۴۵ ،۲۳۲۵ ،۲۳۲۰ ،۲۳۱۳
بستوه ے نستوه	،۲۷۰۳ ،۲۶۹۲ ،۲۴۴۷ ،۲۳۴۹
بسطام - جنگ بزرگ ۱۷۵ پ	۲۹۸۴ ،۲۸۲۵ ،۲۷۳۹ ،۲۷۳۷
بلیمان - جنگ بزرگ ۲۱۴۲ پ	افراسیاب ۱ - جنگ بزرگ ۳۱۳
بغبور - فغبور (بنداری ہمہ جا بغبور = بغبور دارد)	اکوان دیو - جنگ بزرگ ۲۸۶۴ پ
بورسب - جنگ بزرگ ۱۳۵ پ	آندریمان - یازده رخ ۳۳۸، ۱۶۰۳، ۱۶۰۶
بویہ ے برنہ	۱۸۲۲، ۱۹۵۹، ۱۹۶۷ جنگ بزرگ
بہرام ۱ (بہرام گودرز؟) - یازده رخ ۸۰ پ،	۱۹۲ پ
۲۳۲ پ، ۱۷۱۳ پ جنگ بزرگ ۳۱۲۰	اندمان - جنگ بزرگ ۱۹۲ پ
	اندیان - جنگ بزرگ ۱۹۲ پ

پشین — جنگ بزرگ ۲۹۴۷ پ
 پولادوند — جنگ بزرگ ۲۸۶۴ پ
 پیران (- ویره) - یازده رخ ۲۰، ۵۳، ۶۹،
 ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۰۹،
 ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۵،
 ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۶،
 ۲۷۰، ۳۲۷، ۳۶۰، ۳۷۲، ۴۱۷،
 ۴۴۸، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۷۳، ۶۳۲،
 ۷۴۵، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۷۲، ۸۷۴،
 ۹۱۴، ۹۲۰، ۹۳۷، ۹۴۲، ۹۵۴،
 ۱۰۰۵، ۱۰۰۹، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰،
 ۱۰۳۸، ۱۰۴۵، ۱۰۴۸، ۱۱۰۵،
 ۱۱۹۹، ۱۲۰۴، ۱۳۳۵، ۱۳۴۲،
 ۱۳۴۳، ۱۴۰۱، ۱۴۰۵، ۱۴۰۹،
 ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۸۱، ۱۴۹۳،
 ۱۵۲۵، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴،
 ۱۵۴۵، ۱۵۴۷، ۱۵۵۲، ۱۵۵۵،
 ۱۵۵۶، ۱۵۵۸، ۱۵۶۳، ۱۵۶۹،
 ۱۶۳۰، ۱۶۳۳، ۱۶۶۵، ۱۶۷۹،
 ۱۶۸۲، ۱۶۹۲، ۱۷۰۵، ۱۷۴۲،
 ۱۷۹۸، ۱۸۰۰، ۱۸۲۷، ۱۸۳۶،
 ۱۹۱۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۳،
 ۱۹۹۹، ۲۰۱۳، ۲۰۲۱، ۲۰۲۴،
 ۲۰۴۴، ۲۰۵۱، ۲۰۸۶، ۲۰۸۸،
 ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۱۲۱، ۲۱۳۴،
 ۲۱۴۲، ۲۱۸۹، ۲۱۹۹، ۲۳۸۳،
 ۲۳۹۲، ۲۳۹۴، ۲۵۲۱، جنگ بزرگ
 ۹۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۵۱، ۲۵۷،
 ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۲۸،
 ۱۱۲۸، ۱۲۳۴، ۱۲۵۹، ۱۵۰۱

بهرام^۲ - جنگ بزرگ ۲۳۷۳
 بهزاد (اسب کیخسرو) - جنگ بزرگ ۶۰۷
 بید - جنگ بزرگ ۲۸۶۰
 بیژن (- گیو) - یازده رخ ۴۲، ۸۱، ۳۶۲،
 ۳۸۵، ۴۰۱، ۵۹۷، ۶۱۹، ۶۴۷،
 ۶۵۵، ۶۶۰، ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۹۰،
 ۷۰۲، ۷۱۶، ۷۱۹، ۷۳۷، ۷۴۶،
 ۷۴۸، ۷۵۹، ۷۹۸، ۸۰۶، ۸۰۸،
 ۸۱۳، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۳۳، ۸۳۵،
 ۸۴۳، ۸۴۶، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۶۲،
 ۸۶۴، ۸۹۲، ۸۹۶، ۹۰۲، ۹۰۵،
 ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۴۸، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷،
 ۱۵۳۲، ۱۵۹۸، ۱۶۰۱، ۱۶۳۲،
 ۱۶۸۹، ۱۸۲۳، ۱۹۱۱، ۱۹۲۰،
 ۲۱۹۱، ۲۱۹۲، ۲۲۰۳، ۲۲۰۷،
 ۲۲۱۵، ۲۲۲۵، ۲۲۲۷، ۲۲۴۲،
 ۲۲۵۱، ۲۳۱۱، ۲۳۱۶، ۲۳۲۱،
 ۲۳۲۶، ۲۳۳۵، ۲۳۴۷، ۲۳۴۸،
 ۲۳۶۱، ۲۴۸۲، ۲۴۸۵، ۲۴۸۸،
 ۲۵۱۳، ۲۵۱۷، جنگ بزرگ ۱۳۶،
 ۲۴۹۰، ۲۶۲۸، ۲۷۸۵، ۲۸۴۷،
 ۲۹۱۸، ۳۰۰۹، ۳۰۳۵، ۳۱۲۰

پشنگ^۱ - یازده رخ ۱۴۲۰، جنگ بزرگ
 ۲۲۱، ۲۴۴، ۲۵۲، ۱۵۶۳، ۱۵۸۶،
 ۲۳۳۸، ۲۷۳۸

پشنگ^۲ (نیز - شیده^۱) - جنگ بزرگ
 ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۱۵، ۳۲۵، ۳۶۵،
 ۴۴۲، ۴۵۶، ۴۶۳، ۵۸۹، ۵۹۴،
 ۷۰۸، ۱۲۶۲، ۲۷۰۲، ۲۷۵۳

خاقان - یازده رخ ۱۰۲۴ جنگ بزرگ

۱۴۹۸، ۱۵۰۰، ۱۶۷۷، ۱۸۵۵،

۱۸۸۳، ۱۸۶۱

خداونیدرخش (رستم) - جنگ بزرگ ۲۸۳۶

خراد - جنگ بزرگ ۲۷۸۴

خرداد - یازده رخ ۱۷۱۳ پ

خرنجاس - جنگ بزرگ ۷۸۷، ۳۲۳

خسرو - کینخسرو

خوزان - جنگ بزرگ ۱۲۳، ۱۲۴، ۷۷۲،

۲۱۴۲، ۹۶۸ پ

دستان (- سام) - یازده رخ ۸۰ جنگ بزرگ

۱۴۱، ۱۵۵۹، ۲۵۴۸، ۲۵۵۱، ۲۵۵۶،

۲۶۲۷، ۲۶۲۹، ۲۶۵۶، ۲۷۱۹،

۲۷۲۹، ۲۷۵۷، ۲۷۶۰، ۲۷۷۰،

۲۸۵۲، ۲۹۳۸، ۲۹۴۱، ۳۰۳۴،

۳۰۸۸، ۳۱۱۳، ۳۱۲۱

دشمه - جنگ بزرگ ۱۶۴

دل افروز - جنگ بزرگ ۱۳۴

دهور - جنگ بزرگ ۳۲۳

دیزه (اسب بیژن) - یازده رخ ۵۹۹، ۲۱۹۴

دیوسپید - جنگ بزرگ ۲۸۶۰

رخش - جنگ بزرگ ۱۰۱۰، ۲۸۳۶

رستم نیز - پلتن، تهمتن، خداونیدرخش) -

یازده رخ ۱۷، ۳۵، ۸۰، ۱۰۶، ۳۶۸،

۴۱۴، ۹۵۶، ۱۰۲۶، ۱۰۳۰، ۱۱۴۳،

۱۲۸۱، ۱۲۸۲ جنگ بزرگ ۱۰۶،

۱۱۰، ۱۴۰، ۳۴۹، ۵۲۱، ۵۲۲،

۷۷۲، ۷۷۷، ۹۱۹، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰،

پیروز - جنگ بزرگ ۱۷۴

پلتن (رستم) - جنگ بزرگ ۲۸۷۲

تخار - تخوار

تُخوار - جنگ بزرگ ۱۶۱، ۱۹۲۳

تلیمان - جنگ بزرگ ۲۱۴۱ پ

تور (- فریدون) - یازده رخ ۴۶، ۵۰۲،

۱۱۶۰، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۴۲۰ جنگ

بزرگ ۵۱۶، ۵۲۸، ۹۱۱، ۱۱۵۵،

۱۱۹۹، ۱۲۴۷، ۲۱۴۶، ۲۳۸۱،

۲۹۸۵، ۲۷۴۷، ۲۴۴۶، ۲۴۴۵

تورا - جنگ بزرگ ۳۱۸ پ

تہمتن (رستم) - جنگ بزرگ ۱۰۱۲،

۱۵۷۵، ۱۵۹۳، ۲۶۱۲، ۲۸۵۷

نیمه - جنگ بزرگ ۱۳۱ پ

جرجاس - جنگ بزرگ ۳۲۵ پ

جرنجاس - خرنجاس

جم - یازده رخ ۱۱۰۰ جنگ بزرگ ۷۸،

۱۱۸۹، ۲۴۴۵، ۲۴۷۸، ۲۹۸۳

جمشید (نیز - جم) - یازده رخ ۲۴۹۹

جنگ بزرگ ۱۲۵۵، ۲۱۷۴، ۲۷۴۶

جہن (- افراسیاب) - جنگ بزرگ ۳۰۸،

۳۱۲، ۳۲۳، ۴۴۲، ۷۱۶، ۷۲۳،

۷۳۸، ۷۵۸، ۸۱۰، ۹۶۳، ۱۱۳۷،

۱۱۳۹، ۱۱۴۱، ۱۱۴۳، ۱۱۵۰،

۱۲۰۷، ۱۲۷۳، ۱۳۲۳، ۱۳۴۱،

۱۳۷۲، ۱۴۲۳، ۱۷۵۱، ۱۷۹۲،

۱۷۹۴، ۱۷۹۹، ۲۹۹۳ پ

،۲۶۱۴ ،۲۶۰۹ ،۲۶۰۷ ،۲۵۵۲	،۱۰۳۰ ،۱۰۲۹ ،۱۰۲۸ ،۱۰۲۱
،۲۷۲۲ ،۲۶۸۷ ،۲۶۷۷ ،۲۶۲۱	،۱۰۴۵ ،۱۰۴۲ ،۱۰۳۶ ،۱۰۳۴
،۲۷۸۷ ،۲۷۸۲ ،۲۷۷۳ ،۲۷۳۳	،۱۱۱۷ ،۱۱۱۰ ،۱۱۰۰ ،۱۰۴۷
،۲۹۵۳ ،۲۹۳۰ ،۲۸۷۷ ،۲۸۳۶	،۱۳۳۵ ،۱۳۳۰ ،۱۳۲۱ ،۱۲۸۱
۳۰۷۶	،۱۵۹۰ ،۱۵۷۰ ،۱۵۶۴ ،۱۳۴۰
زرسپ - جنگ بزرگ ۱۳۵ پ، ۱۳۸	،۱۷۱۳ ،۱۶۴۷ ،۱۶۴۶ ،۱۶۲۳
۲۹۳۴ ،۲۶۱۰ ،۲۴۰۲ ،۲۳۸۸ ،۷۷۷	،۲۰۸۷ ،۱۸۹۸ ،۱۷۳۶ ،۱۷۳۰
زنگالہ - زنگالہ	،۲۵۳۸ ،۲۱۰۴ ،۲۰۹۷ ،۲۰۹۱
زنگولہ - زنگالہ	،۲۶۰۹ ،۲۶۰۷ ،۲۵۵۳ ،۲۵۵۱
زنگالہ - یازدہ رخ ۳۴۲	،۲۶۵۹ ،۲۶۲۹ ،۲۶۲۷ ،۲۶۱۴
زنگلہ - یازدہ رخ ۱۸۸۸ ،۱۸۸۴ ،۱۸۲۵	،۲۷۸۳ ،۲۷۷۸ ،۲۷۷۴ ،۲۷۲۴
۱۸۹۱ ،۱۸۹۰	،۲۸۷۶ ،۲۸۵۴ ،۲۸۳۷ ،۲۷۸۷
زنگہ - (- شاوران) - یازدہ رخ ۸۱ ،۱۲۰	۳۱۱۱ ،۳۰۷۶ ،۳۰۳۴ ،۳۰۰۹
،۱۹۴۱ ،۱۹۳۹ ،۱۸۲۴ ،۱۵۱۶ ،۳۱۲	روبین (- پیران) - یازدہ رخ ۳۴۴ ،۳۴۸
۱۹۵۱ جنگ بزرگ ۱۵۱ ،۲۹۱۵ پ	،۱۲۰۰ ،۱۱۹۵ ،۱۱۹۳ ،۱۱۹۱
زوارہ - یازدہ رخ ۱۲۱ ،۳۰۲ ،۵۰۵ جنگ	،۱۳۳۰ ،۱۲۷۴ ،۱۲۰۶ ،۱۲۰۵
بزرگ ۱۸۷	،۱۶۸۲ ،۱۵۳۸ ،۱۳۴۲ ،۱۳۳۷
زوطھماسپ - جنگ بزرگ ۲۶۳۶	،۱۸۲۳ ،۱۹۱۱ ،۱۹۱۳ جنگ بزرگ
۲۷۹۷ پ	۲۵۷ ،۲۵۲ ،۲۴۰
زھیر - جنگ بزرگ ۱۶۷	زھام (- گودرز) - یازدہ رخ ۸۰ ،۱۲۱ ،۲۳۲
سام - جنگ بزرگ ۳۱۰۸	،۱۷۱۳ ،۵۴۸ ،۴۸۲ ،۴۷۳ ،۳۰۴
ساوہ - جنگ بزرگ ۱۸۱ پ	،۲۰۵۴ ،۱۹۰۰ ،۱۸۹۶ ،۱۸۲۰
سباخ - سباخ	۲۰۵۷ جنگ بزرگ ۱۳۶ ،۵۹۶
سباخ - سباخ	،۶۸۱ ،۶۷۱ ،۶۵۱ ،۶۴۷ ،۶۰۳
سپہرم - یازدہ رخ ۳۴۲ ،۱۸۲۶ ،۱۹۲۸	۲۷۸۸ ،۲۴۹۰ ،۱۵۰۹
۱۹۳۱	رھیر - زھیر
سرخاب - سھراب	زادشم - جنگ بزرگ ۱۷۸ ،۴۴۵ ،۵۱۶
سلم - یازدہ رخ ۱۱۶۰ ،۱۲۳۹ جنگ بزرگ	۱۱۸۹
۲۴۴۵ ،۲۳۸۱	زال (نیز - دستان) - جنگ بزرگ ۲۵۳۸

شباہنگ (اسب بیژن)۔ یازده رخ ۷۴۹

شبرنگ^۱ (اسب بیژن)۔ یازده رخ ۶۰۰،

۲۳۲۶، ۲۲۲۶

شبرنگ^۲ (بہزاد اسب کیخسرو)۔ جنگ

بزرگ ۶۷۰، ۱۱۱۶

شقاخ (۔ سوری)۔ یازده رخ ۹۷۲ جنگ

بزرگ ۱۳۰، ۷۶۵

شیدوش۔ یازده رخ ۸۰، ۳۲۳، ۱۷۱۵

جنگ بزرگ ۹۶۹

شیدہ^۱ (نیز۔ پشنگ^۲)۔ یازده رخ ۲۰،

۵۰، ۷۱، ۱۱۸، ۱۰۳۲، ۱۲۸۵ جنگ

بزرگ ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۱، ۴۱۹، ۴۷۵،

۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۶،

۴۹۰، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۴۰،

۵۴۴، ۵۵۶، ۵۷۰، ۵۷۸، ۵۸۳،

۶۰۹، ۶۳۴، ۶۵۲، ۶۵۶، ۶۵۹،

۶۶۷، ۶۷۴، ۶۹۱، ۱۵۶۲، ۲۷۴۹

شیدہ^۲ (اسب گیو)۔ یازده رخ ۷۰۸، ۷۴۹،

۸۲۰

صباح۔ جنگ بزرگ ۱۲۸

صباخ۔ صباح

صباغ۔ صباح

صباح۔۔ صباح

صباغ۔ صباح

ضحاک۔ یازده رخ ۱۶۵۰، ۱۶۵۷ جنگ

بزرگ ۱۲۵۵، ۲۴۴۵، ۲۴۷۸، ۲۷۴۷

طبرد۔ جنگ بزرگ ۷۶۰ پ

سقاخ۔ شقاخ

سمند (اسب گتہم)۔ یازده رخ ۲۳۱۸،

۲۳۶۷

سنجہ۔ جنگ بزرگ ۲۸۶۱

سوارا۔ جنگ بزرگ ۳۱۸ پ

سہراب۔ جنگ بزرگ ۲۸۶۲

سیاع۔ صباح

سیامک^۱۔ یازده رخ ۱۸۲۱، ۱۸۷۲، ۱۸۸۱

سیامک^۲۔ جنگ بزرگ ۱۳۵ پ

سیاوخش (نیز۔ سیاوش)۔ یازده رخ ۱۶۰،

۱۷۶، ۵۰۰، ۶۳۶، ۶۷۲، ۷۱۵،

۱۲۴۵، ۱۲۷۱، ۱۶۶۰، ۱۷۸۴ جنگ

بزرگ ۳۷۱، ۵۲۹، ۶۱۰، ۱۱۶۲،

۱۱۶۸، ۲۶۶۰

سیاوش (نیز۔۔ سیاوخش)۔ یازده رخ ۶۱۰،

۶۸۴، ۷۰۲، ۷۰۸، ۸۱۸، ۸۲۹،

۱۲۵۹، ۱۲۶۲، ۱۳۰۱، ۱۶۶۸،

۱۸۰۱، ۱۸۰۴، ۱۸۱۸، ۱۹۰۵،

۲۰۳۶، ۲۲۵۴، ۲۳۹۹، ۲۴۲۵،

۲۴۲۷، ۲۴۳۹ جنگ بزرگ ۲۴۸،

۳۷۶، ۴۲۷، ۴۴۱، ۵۲۲، ۶۱۷،

۱۲۲۱، ۱۲۳۶، ۱۲۳۹، ۱۴۱۹،

۱۴۲۴، ۱۵۴۹، ۱۵۷۲، ۱۷۱۷،

۱۷۹۲، ۱۸۵۰، ۲۰۲۰، ۲۰۲۲،

۲۱۷۷، ۲۲۵۹، ۲۳۵۶، ۲۳۹۷،

۲۴۱۲، ۲۶۳۷، ۲۷۳۵، ۲۹۰۴،

۲۹۹۲، ۳۰۸۶

سیاوش۔ سیاوخش

شاہور۔ جنگ بزرگ ۲۷۸۴، ۲۷۸۸

۱۸۹۲، ۱۸۸۵، ۱۸۸۴
 فرہاد۔ یازدہ رخ ۸۰، ۱۲۱، ۲۳۲، ۳۲۳،
 ۶۶۲، ۱۵۱۵، ۱۷۱۳ جنگ بزرگ
 ۱۵۰۹، ۱۴۴
 فریبزرز (- کاوس)۔ یازدہ رخ ۳۰۱، ۳۰۳،
 ۴۹۵، ۵۰۷، ۵۴۸، ۱۷۰۳، ۱۷۱۴،
 ۱۸۱۹، ۱۸۴۹ جنگ بزرگ ۱۶۰،
 ۱۶۵، ۷۸۷، ۹۷۰، ۱۱۱۱، ۲۸۴۴،
 ۳۰۵۸، ۳۰۳۵، ۳۰۱۰
 فریدون۔ یازدہ رخ ۱۵۵، ۱۱۶۱، ۱۲۴۰،
 ۱۶۵۵، ۱۷۰۰ جنگ بزرگ ۴۵، ۴۶،
 ۱۷۸، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۵۷، ۵۵۰،
 ۶۴۴، ۶۵۴، ۱۱۸۹، ۱۲۱۷، ۱۵۴۷،
 ۱۵۶۳، ۲۱۷۴، ۲۲۳۱، ۲۲۶۵،
 ۲۳۳۸، ۲۳۸۱، ۲۶۸۳، ۲۷۳۸،
 ۲۹۰۱، ۳۰۲۲، ۳۱۲۸
 فضل بن احمد۔ جنگ بزرگ ۲۷
 فغفور۔ یازدہ رخ ۴۰ جنگ بزرگ ۱۰۶۸،
 ۱۰۷۱، ۱۰۷۶، ۱۴۹۷، ۱۶۷۷،
 ۱۶۷۹، ۱۶۸۴، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳،
 ۱۸۵۵، ۱۸۶۱، ۱۸۸۳، ۱۸۸۹،
 ۱۸۹۴، ۱۸۹۷
 قارن (- کاویان)۔ جنگ بزرگ ۱۳۱ پ،
 ۱۸۹، ۱۹۱، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۳،
 ۴۹۵، ۵۵۳، ۵۷۶، ۷۱۵، ۷۲۳
 قباد۔ کقباد
 قراخان۔ یازدہ رخ ۲۰ جنگ بزرگ ۲۷۶،
 ۳۱۳ پ، ۸۷۶، ۱۰۰۶، ۱۰۱۸

طبرک۔ طورگ
 طورد۔ جنگ بزرگ ۷۶۰ پ، ۹۶۴ پ
 طورگ۔ جنگ بزرگ ۷۶۰ پ، ۹۱۳،
 ۹۶۴ پ
 طوس (- نوذر)۔ یازدہ رخ ۱۳۰، ۱۰۴۲،
 ۱۰۴۴، ۱۰۵۵، ۱۰۶۴، ۱۰۶۹،
 ۱۴۴۱، ۱۴۴۴، ۱۷۰۳ جنگ بزرگ
 ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۹۲، ۳۴۹، ۷۷۳،
 ۹۶۸، ۱۱۱۱، ۱۵۸۶، ۱۵۹۲، ۱۶۲۴،
 ۱۶۴۶، ۱۹۲۸، ۲۴۹۰، ۲۵۳۱،
 ۲۶۱۱، ۲۶۲۷، ۲۷۷۴، ۲۷۸۴،
 ۲۷۸۸، ۲۸۳۹، ۲۸۵۶، ۲۸۹۹،
 ۲۹۰۶، ۳۰۳۵، ۳۰۱۰
 طہمورت۔ یازدہ رخ ۲۴۹۹
 طہمورث۔ طہمورت
 علی۔ جنگ بزرگ ۳۱۴۱ پ
 فرامرز۔ یازدہ رخ ۱۱۰، ۱۲۱
 قرخان۔ جنگ بزرگ ۲۹۰۱
 قرشیدورد۔ یازدہ رخ ۳۴۰، ۱۴۹۳، ۱۴۹۹،
 ۱۵۰۳، ۱۵۱۷، ۱۵۶۴، ۱۵۷۲،
 ۱۵۷۷، ۱۵۸۷، ۱۵۹۴، ۱۵۹۹،
 ۱۷۷۳، ۲۰۹۳، ۲۱۰۴، ۲۱۱۴،
 ۲۱۱۷، ۲۱۵۵، ۲۱۷۰، ۲۱۹۳،
 ۲۲۲۷، ۲۲۶۹، ۲۲۷۴، ۲۲۹۱،
 ۲۳۵۸، ۲۴۵۸، ۲۴۸۳، ۲۴۸۸ جنگ
 بزرگ ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۵۲، ۲۵۷، ۳۹۷،
 ۴۲۸
 فروہل۔ یازدہ رخ ۳۰۹، ۴۷۸، ۱۸۲۵،

کزدهم - کزدهم
 کشواد - جنگ بزرگ ۶۴۹
 کشماره - گنماره
 کلباد - گلباد
 کوشیار - جنگ بزرگ ۱۸۵ پ
 کولادغندی - جنگ بزرگ ۲۸۶۰
 کوهیار - جنگ بزرگ ۱۸۵
 گنهرم - یازده رخ ۱۸۲۴، ۱۹۷۲، ۱۹۷۵،
 ۱۹۷۸
 گهیلا - جنگ بزرگ ۳۱۶، ۷۸۸
 کبخسرو - یازده رخ ۱۰۶، ۱۹۵، ۱۹۶،
 ۲۳۵، ۴۱۹، ۴۲۰، ۹۴۲، ۹۵۳
 ۹۵۵، ۹۷۱، ۹۷۶، ۹۷۹، ۹۸۲
 ۹۹۰، ۹۹۱، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۱۳۴
 ۱۱۴۸، ۱۱۵۴، ۱۱۵۶، ۱۲۶۹
 ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۷
 ۱۲۸۶، ۱۳۶۸، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶
 ۱۴۲۳، ۱۴۲۷، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰
 ۱۴۴۴، ۱۴۴۶، ۱۴۶۷، ۱۴۷۷
 ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۸۶۲، ۱۹۱۰
 ۲۱۴۶، ۲۳۷۰، ۲۳۸۰، ۲۳۸۲
 ۲۴۱۶، ۲۴۸۵، ۲۴۸۶، ۲۵۲۱ جنگ
 بزرگ ۷۵، ۹۱، ۱۱۴، ۲۳۳، ۲۴۸
 ۲۴۹، ۳۳۹، ۴۱۲، ۴۲۴، ۴۹۵
 ۴۹۶، ۵۸۷، ۶۳۴، ۶۴۳، ۶۵۷
 ۶۷۶، ۷۱۰، ۷۱۵، ۷۱۹، ۷۶۱
 ۷۷۳، ۸۰۸، ۸۱۰، ۸۱۹، ۸۴۱
 ۸۹۰، ۹۰۲، ۹۱۵، ۹۲۷، ۹۶۷
 ۹۸۳، ۱۰۲۳، ۱۰۲۸، ۱۰۳۷، ۱۰۹۵
 ۱۱۳۲، ۱۱۴۲، ۱۳۶۹، ۱۳۷۴

کاموس - جنگ بزرگ ۲۸۶۴
 کاوس - یازده رخ ۱۰۵۵، ۱۲۴۴، ۲۴۲۴
 جنگ بزرگ ۴۳۲، ۵۲۷، ۵۵۱،
 ۵۵۸، ۸۶۲، ۱۲۲۷، ۱۱۶۲، ۱۲۰۲
 ۱۴۷۸، ۱۷۵۳، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱
 ۱۷۷۵، ۱۷۸۰، ۱۷۹۷، ۱۸۱۶
 ۲۰۴۲، ۲۱۲۹، ۲۱۶۱، ۲۱۶۸
 ۲۱۷۱، ۲۱۸۶، ۲۱۹۱، ۲۱۹۸
 ۲۳۰۲، ۲۴۰۳، ۲۴۰۸، ۲۴۲۶
 ۲۴۴۶، ۲۴۴۷، ۲۴۷۸، ۲۵۴۲
 ۲۶۳۶، ۲۶۹۳، ۲۷۳۶، ۲۷۴۰
 ۲۷۴۶، ۲۷۹۷، ۲۸۳۵، ۲۸۵۵
 ۲۸۵۶، ۲۸۶۳، ۲۸۸۱، ۲۹۰۶
 ۳۰۸۴
 کاوه^۱ - جنگ بزرگ ۱۸۱ پ
 کاوه^۲ - آوه
 گنبرد - جنگ بزرگ ۷۶۰، ۹۶۴
 گنماره - گنماره
 کرسیون - کرسیون
 کرسنون - کرسیون
 کرسیوز - یازده رخ ۲۰ جنگ بزرگ ۳۲۹،
 ۷۹۴، ۷۹۸، ۸۰۲، ۸۱۰، ۹۶۶
 ۱۳۲۳، ۱۳۴۱، ۱۳۷۲، ۱۷۵۱
 ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۸۰۱، ۲۰۹۴
 ۲۳۱۷، ۲۳۲۸، ۲۳۳۴، ۲۳۷۶
 کرسیون - یازده رخ ۲۰
 کرسیوز - کرسیوز (لن^۲)، وهمه جا کرسیوز
 دارند
 کرسیون - کرسیون
 کروخان - جنگ بزرگ ۱۷۳

جنگ بزرگ	۱۹۶۷، ۱۹۶۴	۱۳۸۵، ۱۳۹۱، ۱۴۰۰، ۱۴۱۵
	۱۳۷، ۹۶۹، ۲۴۹۰، ۲۶۲۸، ۲۷۸۴	۱۴۳۰، ۱۴۳۶، ۱۴۴۱، ۱۵۰۷
	۲۷۸۸، ۲۹۱۵ پ	۱۵۰۸، ۱۵۲۲، ۱۵۲۸، ۱۵۵۳
گروی (- زره) - یازده رخ ۱۸۱۷، ۱۸۵۷		۱۵۵۹، ۱۵۷۰، ۱۵۹۰، ۱۶۴۵
	۱۸۶۳، ۲۰۷۴، ۲۳۸۳، ۲۴۲۱	۱۶۶۰، ۱۶۷۴، ۱۷۱۲، ۱۸۴۱
	۲۰۹۷، ۲۰۹۴، ۲۴۲۸	۱۸۹۶، ۱۹۸۹، ۲۰۲۷، ۲۰۶۳
گزدهم - یازده رخ ۸۱، ۳۰۹		۲۰۸۶، ۲۰۸۸، ۲۰۹۸، ۲۱۸۹
گستهم ^۱ (- گزدهم) - یازده رخ ۸۱، ۱۲۰		۲۱۹۸، ۲۲۱۵، ۲۲۶۸، ۲۳۷۹
	۳۰۸، ۴۷۸، ۱۵۳۲، ۱۶۰۱، ۱۶۰۴	۲۳۸۸، ۲۳۹۵، ۲۴۱۸، ۲۴۲۵
	۱۶۰۵، ۱۷۱۷، ۱۷۲۰، ۱۷۲۴	۲۴۸۳، ۲۵۴۷، ۲۶۱۳، ۲۶۱۷
	۲۱۷۵، ۲۱۸۴، ۲۱۸۶، ۲۱۹۱	۲۶۵۶، ۲۶۸۷، ۲۷۲۱، ۲۷۶۶
	۲۱۹۳، ۲۲۰۰، ۲۲۰۵، ۲۲۱۲	۲۷۶۷، ۲۷۶۹، ۲۷۷۸، ۲۸۱۲
	۲۲۱۳، ۲۲۱۷، ۲۲۲۸، ۲۲۴۵	۲۸۴۲، ۲۸۷۱، ۲۸۷۵، ۲۸۹۹
	۲۲۷۱، ۲۲۸۳، ۲۲۸۶، ۲۲۸۸	۲۹۴۱، ۳۰۰۷، ۳۰۳۷، ۳۰۵۴
	۲۲۸۹، ۲۲۹۲، ۲۲۹۷، ۲۲۹۹	۳۰۵۸، ۳۰۶۱، ۳۰۸۰، ۳۱۰۳
	۲۳۰۴، ۲۳۳۵، ۲۳۵۴، ۲۳۶۱	۳۱۰۸، ۳۱۳۳، ۳۱۳۹
	۲۳۶۴، ۲۴۸۴، ۲۴۸۸، ۲۴۸۹	کیباد - یازده رخ ۵۱۱، ۱۲۴۳ جنگ بزرگ
	۲۴۹۰، ۲۴۹۲، ۲۴۹۴، ۲۵۰۱	۱۳۳، ۱۷۳، ۵۵۰، ۱۱۵۵، ۲۶۳۵
	۲۵۰۲، ۲۵۰۵، ۲۵۱۱، ۲۵۱۶	۲۸۸۱، ۲۹۰۱
۲۵۱۷ جنگ بزرگ ۱۹۱، ۹۶۹		کیماره - گنماره
گستهم ^۲ (- نوذر) - جنگ بزرگ ۲۶۶		گنماره (- قارنان) - یازده رخ ۳۲۴، ۱۷۱۴
	۳۴۱، ۷۱۷، ۹۱۸، ۱۰۰۱، ۱۰۲۹	گراز - گرازه
	۱۲۸۲، ۱۸۴۶، ۲۱۰۵، ۲۱۰۹	گرازه (- گیوگان) - یازده رخ ۱۲۱، ۳۰۲
	۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۶۲۸، ۲۷۸۵	۵۰۵، ۱۵۳۲، ۱۵۹۴، ۱۵۹۶، ۱۵۹۸
	۳۰۳۵، ۳۰۰۹	(گراز)، ۱۸۲۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۸
گلباد (- ویه) - یازده رخ ۳۴۲، ۱۸۱۹		۱۸۸۰
	۱۸۵۴، ۱۸۵۰	گردگیر - جنگ بزرگ ۳۲۲
گلگون (اسب هومان) - یازده رخ ۷۴۷		گرگین (- میلاد) - یازده رخ ۸۱، ۱۲۰
گودرز (- کشواد، - کشوادگان) - یازده رخ		۲۳۲، ۳۱۲، ۱۵۱۸، ۱۸۲۲، ۱۹۵۹
	۸۰، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۱	

۳۱۲۰، ۳۱۱۹	،۲۵۳ ،۲۳۲ ،۲۲۶ ،۲۱۱ ،۱۴۵
گیو (- گودرز، - آزادگان) - یازده رخ ۳۵،	،۲۵۷ ،۲۶۷ ،۲۸۰ ،۳۱۸ ،۳۲۶
،۸۰ ،۱۲۱ ،۱۴۸ ،۲۱۰ ،۲۱۵ ،۲۲۱	،۳۶۰ ،۳۶۸ ،۳۷۵ ،۳۹۸ ،۴۲۱
،۲۳۲ ،۲۳۹ ،۲۴۹ ،۲۵۰ ،۲۵۲	،۴۵۵ ،۴۶۷ ،۴۹۱ ،۵۱۲ ،۵۲۲
،۲۵۷ ،۲۶۰ ،۲۶۶ ،۳۱۰ ،۳۱۲	،۵۳۵ ،۵۴۲ ،۵۴۳ ،۵۵۰ ،۵۸۰
،۳۸۵ ،۵۲۶ ،۶۰۲ ،۶۱۲ ،۶۳۶	،۵۸۲ ،۵۹۲ ،۶۰۳ ،۶۱۳ ،۶۲۱
،۶۳۸ ،۶۵۴ ،۶۶۰ ،۶۶۲ ،۶۶۵	،۶۵۳ ،۶۶۹ ،۶۷۸ ،۶۸۶ ،۸۶۳
،۶۸۶ ،۷۳۰ ،۷۵۱ ،۸۵۳ ،۹۴۳	،۸۸۶ ،۹۷۸ ،۱۰۷۱ ،۱۰۸۲ ،۱۱۱۲
،۹۴۴ ،۱۲۳۲ ،۱۳۸۲ ،۱۵۰۸ ،۱۵۱۰	،۱۱۹۲ ،۱۱۹۷ ،۱۲۰۱ ،۱۲۰۲
،۱۵۱۴ ،۱۵۴۳ ،۱۵۴۶ ،۱۵۵۴	،۱۲۰۹ ،۱۳۳۰ ،۱۳۳۶ ،۱۳۳۸
،۱۵۵۵ ،۱۵۵۶ ،۱۵۵۷ ،۱۵۶۲	،۱۳۴۸ ،۱۳۷۳ ،۱۴۴۴ ،۱۴۵۴
،۱۵۷۲ ،۱۵۷۳ ،۱۵۷۵ ،۱۵۷۶	،۱۴۸۱ ،۱۵۰۲ ،۱۵۰۶ ،۱۵۶۰
،۱۵۷۸ ،۱۵۷۹ ،۱۵۸۳ ،۱۵۸۴	،۱۶۲۳ ،۱۶۲۸ ،۱۶۳۴ ،۱۷۱۰
،۱۵۹۰ ،۱۵۹۴ ،۱۶۲۸ ،۱۶۶۱	،۱۷۳۶ ،۱۷۵۷ ،۱۷۸۲ ،۱۷۹۸
،۱۶۸۲ ،۱۸۱۶ ،۱۸۱۷ ،۱۸۵۷	،۱۸۲۷ ،۱۸۳۴ ،۱۸۵۷ ،۱۹۲۸
،۱۸۶۱ ،۱۸۶۳ ،۱۸۶۴ ،۲۲۲۷	،۱۹۹۷ ،۲۰۰۳ ،۲۰۰۴ ،۲۰۱۸
جنگ ۲۳۸۳، ۲۲۲۹، ۲۲۴۹، ۲۲۵۶، ۲۳۸۳	،۲۰۲۳ ،۲۰۳۱ ،۲۰۳۳ ،۲۰۴۴
بزرگ ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶	،۲۱۰۴ ،۲۱۰۹ ،۲۱۲۵ ،۲۱۴۹
،۳۴۹ ،۹۷۲ ،۱۵۰۹ ،۱۵۷۵ ،۱۶۲۴	،۲۱۷۰ ،۲۱۸۰ ،۲۱۹۴ ،۲۲۰۲
،۱۶۴۶ ،۱۷۵۲ ،۱۷۶۵ ،۱۷۶۹	،۲۲۰۷ ،۲۲۱۰ ،۲۲۲۱ ،۲۳۷۶
،۱۷۷۳ ،۱۷۷۷ ،۱۷۸۳ ،۱۷۸۹	،۲۳۸۰ ،۲۳۸۹ ،۲۴۰۸ ،۲۴۱۰
،۱۸۱۷ ،۱۸۲۱ ،۱۸۲۲ ،۱۸۴۰	۲۴۳۳ جنگ بزرگ ۱۱۰، ۱۴۴،
،۱۹۹۵ ،۲۰۶۰ ،۲۰۶۴ ،۲۱۰۴	،۱۴۶ ،۳۴۹ ،۴۳۲ ،۷۷۶ ،۹۶۸
،۲۲۷۲ ،۲۴۹۰ ،۲۵۳۴ ،۲۵۴۹	،۱۱۱۲ ،۱۲۸۲ ،۱۵۰۹ ،۱۵۱۱
،۲۷۷۴ ،۲۷۸۴ ،۲۷۸۸ ،۲۸۳۶	،۱۶۲۴ ،۱۶۴۶ ،۲۲۷۲ ،۲۲۹۴
،۲۸۴۲ ،۲۸۸۴ ،۲۸۸۸ ،۲۸۹۵	،۲۴۹۰ ،۲۵۳۱ ،۲۵۴۹ ،۲۶۱۲
۳۱۲۰، ۳۰۶۷، ۳۰۳۵، ۳۰۰۹	،۲۶۲۷ ،۲۷۷۴ ،۲۷۸۴ ،۲۷۸۸
گیوه - جنگ بزرگ ۱۳۱	،۲۸۲۱ ،۲۸۳۶ ،۲۸۴۰ ،۲۸۵۶
لشکرستان - جنگ بزرگ ۱۶۹	،۲۸۷۹ ،۲۸۹۴ ،۲۸۹۷ ،۲۸۹۹
	،۳۰۰۹ ،۳۰۳۴ ،۳۰۷۶ ،۳۰۸۳

- لَهَاک - یازده رخ ۳۴۰، ۱۲۷۴، ۱۴۹۳، ۱۴۹۸، ۱۵۰۳، ۱۵۶۴، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۷، ۱۵۸۳، ۱۵۸۷، ۱۷۷۳، ۲۰۹۳، ۲۱۱۴، ۲۱۱۷، ۲۱۵۵، ۲۱۸۲، ۲۱۹۱، ۲۱۹۳، ۲۲۶۹، ۲۲۷۳، ۲۲۷۴، ۲۲۹۴، ۲۳۵۸، ۲۴۸۳، ۲۴۸۸، جنگ بزرگ ۲۳۱، ۲۴۱، ۳۹۴، ۴۲۸
- لَهْرَاسِپ - یازده رخ ۱۱۳، ۹۵۶، ۱۰۲۶، ۱۰۳۳، ۱۱۴۷، ۱۲۷۹، جنگ بزرگ ۱۰۵، ۲۹۱۷، ۲۹۱۸، ۲۹۲۱، ۲۹۲۹، ۲۹۳۳، ۲۹۴۰، ۲۹۴۶، ۲۹۵۴، ۲۹۵۶، ۲۹۸۸، ۲۹۸۹، ۲۹۹۳، ۳۰۰۱، ۳۰۰۶، ۳۰۹۸، ۳۱۰۱، ۳۱۱۳، ۳۱۳۳، ۳۱۳۴
- مَآه آفَرِید - جنگ بزرگ ۲۹۸۵
- مَحْمَد - جنگ بزرگ ۳۱۴۱ پ
- مَحْمُود - جنگ بزرگ ۲۱، ۶۰
- مَشْکَان - جنگ بزرگ ۱۸۴
- مَنُوجَهْرَا - یازده رخ ۲۴، ۱۱۳۲، ۱۲۴۳، ۱۳۷۴، جنگ بزرگ ۱۲۴۶، ۲۶۳۵، ۲۶۵۸، ۲۸۸۱
- مَنُوجَهْرَا^۱ (- آرش) - جنگ بزرگ ۱۷۲، ۱۷۶، ۷۸۸، ۹۷۱
- مَنُوجَهْرَا^۲ - جنگ بزرگ ۱۳۴ پ
- مَنُوشَان - جنگ بزرگ ۱۲۳، ۱۲۴، ۷۷۲، ۷۷۷، ۹۶۸، ۱۱۴۱
- نَسْتَوَه^۱ - جنگ بزرگ ۱۶۸
- نَسْتَوَه^۲ - جنگ بزرگ ۳۲۵
- نَسْتِیَهَن - یازده رخ ۸۷۵، ۸۸۱، ۸۸۴، ۹۰۲، ۹۰۵، ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۲۷، ۹۴۷، ۱۰۴۶، ۱۳۵۴، ۱۳۸۶
- نَصْر - جنگ بزرگ ۲۷ پ
- نَوذِر - یازده رخ ۱۲۴۳، جنگ بزرگ ۱۲۴۹، ۱۸۲۹، ۲۲۵۹، ۲۳۵۴
- وَسْمَه - دشمه
- وَشْمَه - دشمه
- وِیْسَه - یازده رخ ۲۱۰۷
- وِیْشَه - دشمه
- هَجِیر - یازده رخ ۳۲۴، ۹۶۰، ۹۷۳، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۸۲، ۹۸۶، ۹۸۹، ۱۰۵۷، ۱۰۷۳، ۱۰۸۸، ۱۰۸۷، ۱۵۱۲، ۱۵۳۲، ۱۶۰۶، ۱۸۲۶، ۱۹۲۶، ۱۹۳۱، ۱۹۳۵، جنگ بزرگ ۱۴۴، ۹۶۹
- هوشنگ (بنداری همه جا اوشهنج دارد) - یازده رخ ۲۴۹۹، جنگ بزرگ ۲۶۸۳، ۲۷۹۷، ۲۹۴۷
- هَوم - جنگ بزرگ ۲۲۳۴، ۲۲۴۳، ۲۲۵۴، ۲۲۵۷، ۲۲۶۷، ۲۲۶۹، ۲۲۷۴، ۲۲۸۰، ۲۳۰۰، ۲۳۰۲، ۲۳۰۴
- هَومان (- ویسه) - یازده رخ ۳۳۷، ۴۰۵، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۹۲، ۵۱۸، ۵۴۲، ۵۵۷، ۵۶۴، ۵۷۴، ۵۸۳، ۵۸۹، ۵۹۲، ۵۹۷، ۶۲۰

،۹۴۷ ،۹۲۶ ،۸۷۹ ،۸۷۲ ،۸۶۳

،۱۳۸۲ ،۱۳۸۰ ،۱۳۵۳ ،۱۰۴۶

۳۹۷ جنگ بزرگ ،۱۶۸۹، ۲۱۹۹

،۷۰۰ ،۶۹۴ ،۶۵۷ ،۶۵۱ ،۶۴۳

،۷۵۱ ،۷۴۵ ،۷۲۸ ،۷۱۶ ،۷۰۳

،۸۲۴ ،۸۱۲ ،۸۰۶ ،۸۰۳ ،۷۵۶

،۸۶۱ ،۸۴۱ ،۸۳۹ ،۸۳۲ ،۸۲۹

فهرست نام جای‌ها

اندراب - یازده رخ ۱۱۳۶	آذربادگان - جنگ بزرگ ۲۲۱۹
ایران - یازده رخ ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۵۴، ۶۰،	آذرگشپ (آتشکده، ایزد آتش) - یازده رخ
۶۳، ۶۸، ۷۵، ۷۹، ۱۲۰، ۱۵۶،	۱۸۸۰ جنگ بزرگ ۱۳۸، ۶۷۱،
۱۶۶، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۲۴، ۲۲۶،	۲۲۰۴، ۲۲۱۰، ۲۲۹۸، ۲۳۸۸،
۲۳۳، ۲۳۴، ۲۸۶، ۳۴۶، ۴۰۸،	۳۰۲۱، ۲۴۹۴، ۲۴۰۲
۴۴۱، ۴۴۷، ۴۵۷، ۴۷۴، ۴۹۸،	آهوی - یازده رخ ۳۴، ۱۱۴۰ جنگ بزرگ
۵۳۸، ۵۷۸، ۷۵۸، ۸۴۰، ۸۴۹،	۲۸۴، ۲۸۵، ۸۱۱، ۸۳۶، ۱۲۶۲
۸۷۱، ۸۸۴، ۸۸۷، ۹۱۵، ۹۳۱،	
۹۳۵، ۹۵۱، ۹۷۱، ۱۰۴۷، ۱۰۶۹،	آبرشهر - یازده رخ ۱۵۱۵
۱۱۰۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۳،	اردبیل - جنگ بزرگ ۱۴۵، ۹۱۶،
۱۱۳۵، ۱۱۳۷، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵،	اردویل ← اردبیل
۱۲۳۲، ۱۲۴۴، ۱۲۴۷، ۱۲۶۵،	ارمان - جنگ بزرگ ۷۴۶
۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴،	اسپروز (کوه) - جنگ بزرگ ۱۶۹۸
۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۹۸، ۱۴۰۰،	اصفهان (بنداری همه جا اصفهان = اسپهان
۱۴۱۹، ۱۴۲۳، ۱۴۴۵، ۱۴۶۴،	دارد) - یازده رخ ۲۴۳۳ جنگ بزرگ
۱۴۷۷، ۱۵۰۴، ۱۵۲۳، ۱۶۰۱،	۲۸۹۱
۱۶۱۱، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱،	آلان - یازده رخ ۱۱۳، ۱۰۳۴، ۱۱۴۷،
۱۶۶۵، ۱۶۸۱، ۱۷۴۹، ۱۸۰۳،	جنگ بزرگ ۲۹۳۵

بخارا - یازده رخ ۱۱۴۰ پ، ۱۱۴۱ جنگ	۱۸۱۳، ۱۸۱۶، ۱۸۳۲، ۱۸۸۵
بزرگ ۲۷۹، ۸۸۰، ۲۱۴۳	۱۹۸۷، ۲۱۰۸، ۲۱۳۹، ۲۱۵۳
بدخشان - یازده رخ ۱۱۳۹ جنگ بزرگ	۲۱۶۰، ۲۱۷۲، ۲۲۶۰، ۲۲۷۹
۹۹۹	۲۳۱۲، ۲۴۰۰، ۲۴۵۶، ۲۴۸۰
بربرستان - جنگ بزرگ ۱۶۹، ۲۵۴۴ پ	۲۴۸۱، ۲۵۰۳ جنگ بزرگ ۵۶
بردع - جنگ بزرگ ۱۴۵، ۹۱۶، ۲۲۲۳	۲۳۰، ۲۵۴، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۷۹
بردگرد - یازده رخ ۱۱۴۰ پ	۳۸۳، ۴۴۳، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۹۴
برم - یازده رخ ۱۱۴۰	۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۹
برین - یازده رخ ۱۰۸	۵۲۰، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۳۴، ۵۴۰
بشن ← پشن	۵۵۲، ۵۵۷، ۵۶۵، ۵۹۲، ۶۱۵
بغداد - یازده رخ ۲۵۰۳ جنگ بزرگ ۱۵۱،	۶۱۸، ۶۴۸، ۷۰۱، ۷۲۹، ۷۴۵
۲۱۶۰، ۱۶۲	۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۹، ۸۵۱، ۸۵۹
بلخ - یازده رخ ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۱۱۳۶	۸۶۶، ۹۱۲، ۱۰۹۸، ۱۲۴۱، ۱۳۳۷
جنگ بزرگ ۲۶۵، ۳۴۱، ۲۱۴۹	۱۳۳۸، ۱۴۵۱، ۱۵۴۰، ۱۵۴۲
۲۱۵۰	۱۵۵۲، ۱۶۶۵، ۱۶۷۱، ۱۶۷۶
بهشت کنگ - جنگ بزرگ ۸۹۲، ۸۹۶	۱۷۳۳، ۱۷۶۱، ۱۷۷۹
۸۹۷، ۹۵۱، ۹۵۳، ۹۵۸، ۱۰۵۰	۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۸۰۶، ۱۸۷۲
۱۰۵۵، ۱۰۶۱، ۱۱۷۷، ۱۴۸۴	۱۸۹۶، ۱۸۹۸، ۱۹۴۰، ۱۹۷۱
۱۶۷۵، ۱۶۸۷، ۲۱۱۰، ۲۱۲۸	۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۳، ۲۰۹۵
۲۱۲۹	۲۱۰۶، ۲۳۸۰، ۲۴۸۵، ۲۵۳۵
بیستون (کوه) - جنگ بزرگ ۹۵۹	۲۵۴۶، ۲۵۵۰، ۲۵۵۶، ۲۶۴۵
بیکند - جنگ بزرگ ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۸۱	۲۶۴۶، ۲۷۰۳، ۲۷۰۸، ۲۷۲۴
پارس - جنگ بزرگ ۱۲۴، ۲۱۶۱، ۲۴۰۵	۲۷۳۹، ۲۷۵۰، ۲۷۶۸، ۲۸۱۲
پاریاب - یازده رخ ۱۱۳۵	۲۸۲۴، ۲۸۲۵، ۲۸۵۴، ۲۸۸۶
پَشن - یازده رخ ۵۴۴، ۶۴۹، ۱۶۶۹ جنگ	۲۹۲۱، ۲۹۳۴، ۲۹۶۴، ۲۹۹۹
بزرگ ۱۲۵۹	۳۰۰۸، ۳۰۲۰، ۳۰۵۰
پنجهیر - یازده رخ ۱۱۳۷	
پیروزگرد - یازده رخ ۱۱۴۱ پ	ایلمان - یازده رخ ۱۰۷ پ
	باریاب ← پاریاب
	باهیان - یازده رخ ۱۱۳۷

تیز- جنگ بزرگ ۱۹۰۸، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳،
۲۰۷۸

چاج - چاج

جدد - جرد

جرجان - گرگان

جرد- جنگ بزرگ ۱۹۷۹

جیحون- یازده رخ ۳۳، ۶۴، ۶۵، ۲۲۰،

۲۲۱، ۸۷۵، ۸۸۱، ۹۵۱، ۱۰۲۳،

۱۰۳۵، ۱۴۴۳ جنگ بزرگ ۲۵۰،

۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۲،

۳۳۸، ۷۸۱، ۸۳۵، ۸۷۵، ۸۸۷،

۱۰۲۲، ۲۱۴۹

جیخشت - دریای چیچست

جیلان- یازده رخ ۱۱۴۰ پ

چاج- یازده رخ ۲۰۰ جنگ بزرگ ۲۰۵،

۸۸۹، ۹۱۲، ۲۱۴۱

چگل- جنگ بزرگ ۳۱۴

چیچست - دریای چیچست

چین- یازده رخ ۳۰، ۴۳، ۵۳، ۸۲۵،

۱۰۲۳، ۱۴۱۹، ۲۵۰۳ جنگ بزرگ

۵۶، ۲۱۱، ۵۱۴، ۵۸۵، ۸۴۸،

۱۰۲۸، ۱۰۶۸، ۱۰۷۱، ۱۰۷۴،

۱۱۵۶، ۱۱۸۶، ۱۲۰۰، ۱۲۸۷،

۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۵۰۰،

۱۵۰۷، ۱۵۳۲، ۱۵۴۲، ۱۶۶۱،

۱۶۷۶، ۱۶۸۲، ۱۶۸۵، ۱۶۸۷،

۱۶۹۴، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۶۷،

۱۸۱۱، ۱۸۴۷، ۱۸۵۵، ۱۸۶۱،

ترمد- یازده رخ ۱۱۴۱

تور- توران

توران- یازده رخ ۲۴، ۶۰، ۶۹، ۱۱۵،

۱۲۲، ۱۲۹، ۱۵۴، ۲۰۰، ۲۸۰،

۳۱۷، ۳۵۰ (تور)، ۵۰۲، ۵۲۶، ۵۸۶،

(تور)، ۵۹۱، ۶۳۰، ۷۲۱، ۷۲۲،

۸۲۶، ۷۵۸ (تور)، ۸۳۶ (تور)، ۸۴۴،

۸۴۷، ۸۹۹، ۹۰۰ (تور)، ۹۱۳، ۹۱۸،

۹۳۷، ۹۴۸، ۱۰۱۱، ۱۰۲۵، ۱۱۱۸،

۱۱۸۲، ۱۲۵۱، ۱۲۶۸، ۱۲۷۰،

۱۳۶۲، ۱۳۷۴، ۱۴۲۳، ۱۵۰۰،

۱۵۲۶، ۱۵۳۳، ۱۵۹۳، ۱۶۰۲،

۱۶۰۳، ۱۶۱۱، ۱۶۲۹، ۱۶۶۱،

۱۶۷۳، ۱۶۸۹، ۱۷۰۵، ۱۷۳۰،

۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۷،

۱۷۸۱، ۱۷۸۴، ۱۷۹۴، ۱۸۱۰،

۱۸۱۲، ۱۸۳۲ (تور)، ۱۸۳۹، ۱۸۷۲،

۱۹۵۹، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۲۰۹۷،

۲۱۱۵، ۲۱۲۷، ۲۱۴۲، ۲۱۷۲،

۲۱۷۶، ۲۱۹۸، ۲۲۲۸، ۲۳۱۳،

۲۳۹۰، ۲۴۱۰، ۲۴۳۵، ۲۴۴۲ جنگ

بزرگ ۵۶، ۲۲۳، ۲۵۴، ۳۷۹، ۴۰۱،

۴۷۳ (تور)، ۴۸۳، ۵۱۴، ۵۱۹،

۶۱۱، ۶۱۵، ۷۲۱، ۷۴۵، ۸۳۲،

۸۹۵، ۹۹۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹، ۱۱۵۳،

۱۳۴۱، ۱۳۴۷، ۱۳۷۲، ۱۴۱۶،

۱۴۵۱، ۱۴۶۴، ۱۴۶۹، ۱۵۸۸،

۱۶۲۸، ۱۶۴۰، ۲۰۰۷، ۲۰۳۱،

۲۶۹۱، ۲۷۳۴، ۲۸۸۴

تیر- تیز

دریای کیماک - جنگ بزرگ ۱۱۹۳، ۱۷۱۸	۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۹۶، ۱۸۹۸
دریای گیلان - جنگ بزرگ ۲۹۱	۱۹۳۶، ۱۹۶۵، ۱۹۹۳، ۲۰۸۶
دریای نیل - یازده رخ ۲۰۷۸ جنگ بزرگ ۷۷۱، ۱۴۸	۲۰۹۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۶، ۲۲۳۸
دشت آزادگان (ایران؟) - جنگ بزرگ ۸۵۰	۲۴۳۹
دغوی - دغوی	حد - جرد
دغوی - یازده رخ ۲۱۸۸، ۲۱۹۲	حزتلان - یازده رخ ۱۱۴۰ پ
دمبر - دمبر	خاور - جنگ بزرگ ۱۳۲ پ، ۱۵۹
دمبر - جنگ بزرگ ۲۵۴۴، ۲۶۳۱، ۲۶۴۴	ختلان - یازده رخ ۱۱۴۰
دهستان - یازده رخ ۱۰۴۳، ۱۰۶۲، ۱۲۸۳، ۱۴۴۱ جنگ بزرگ ۱۶۱، ۳۴۸	ختن - یازده رخ ۴۰، ۴۳، ۳۴۴ جنگ بزرگ ۱۴۹۶، ۱۵۰۲، ۱۵۰۵، ۱۵۱۷
۱۸۹۹ پ	۱۶۸۲، ۱۶۹۴، ۱۸۸۲
دیر - دیر	خراسان - جنگ بزرگ ۱۷۱، ۱۲۰۱، ۲۹۱۲
دیل - دیر	خزد - جرد
دیل - جنگ بزرگ ۱۵۵ پ	خزر - یازده رخ ۱۰۳۴ پ، ۱۲۷۹
دیور - دیر	خلخ - یازده رخ ۱۸، ۱۰۳۲ پ جنگ بزرگ ۲۰۷ پ، ۳۲۰
رای برین - برین	خنجست - دریای چیچست
رعوی - دغوی	خوارزم - یازده رخ ۵۲، ۵۳، ۷۰، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۰۳۱، ۱۰۶۲، ۱۲۸۳ جنگ بزرگ ۳۴۷، ۸۷۱، ۲۷۰۱
رعوی - دغوی	
رم - زم	دامغان - جنگ بزرگ ۲۱۵۸ پ
روم - یازده رخ ۹۲، ۲۵۰۳ جنگ بزرگ ۱۶۹، ۱۰۵۷، ۱۲۸۷، ۲۴۳۹	داور - جنگ بزرگ ۱۳۲
ری - جنگ بزرگ ۱۳۷، ۲۱۵۹، ۲۱۶۰، ۲۱۶۱	دریای چیچست - جنگ بزرگ ۲۲۷۱، ۲۲۷۶، ۲۲۹۳
رید - زید	دریای چین - جنگ بزرگ ۱۸۳۱
زابل - زابل	دریای قلزم - جنگ بزرگ ۱۵۴۴

شکنان - شکنان	زابلستان - زاولستان
شهروبر (?) - یازده رخ ۱۰۴۳	زاول - جنگ بزرگ ۲۵۵۶، ۲۵۵۴
طالقان - یازده رخ ۱۱۳۶ جنگ بزرگ	زاولستان - جنگ بزرگ ۱۴۱، ۲۵۳۷، ۲۵۴۵
۲۱۵۳	زره (دریا) - جنگ بزرگ ۱۷۰۰، ۱۷۱۵، ۱۷۲۰، ۱۷۶۸، ۱۹۶۴
طراز - جنگ بزرگ ۱۴۱۲، ۱۴۹۲	زَم - یازده رخ ۱۱۴۰ جنگ بزرگ ۲۸۴، ۲۴۴۵، ۳۴۲
غَرچگان - یازده رخ ۱۱۳۵ جنگ بزرگ	زیبد - یازده رخ ۱۴۵، ۱۵۲، ۲۶۷، ۲۷۵، ۲۰۷۵، ۱۶۲۲، ۱۳۷۵، ۹۳۵، ۷۵۷، ۲۵۱۹، ۲۰۹۰
۱۷۵	
غُردز - یازده رخ ۱۱۳، ۱۰۳۴، ۱۱۴۷	
غزنی - غزنین	
غزنین - یازده رخ ۱۰۸	
	زَم - زَم
فاریاب - پاریاب	سبنار - جنگ بزرگ ۳۴۸
قَرَب - یازده رخ ۱۱۴۰ پ جنگ بزرگ ۸۶۶	سُغد - یازده رخ ۱۱۴۲ جنگ بزرگ ۹۰۶، ۲۱۴۲، ۹۲۶، ۹۲۱
قَم الاسد - جنگ بزرگ ۱۹۷۹	سکنان - شکنان
قاف (کوه) - یازده رخ ۱۱۴۸ جنگ بزرگ	سمرقند - یازده رخ ۱۱۴۱ پ
۱۷۷	سمنگان - یازده رخ ۱۱۴۱ پ
قجقار - جنگ بزرگ ۲۱۳۰	سنباد - سبنار
قجقار - قجقار	سند - یازده رخ ۱۱۴۶ پ، ۱۲۸۰
قجقاق - قجقار	سکنان - شکنان
قلم - دریای قلم	سوس - جنگ بزرگ ۲۸۳۵
قَم - جنگ بزرگ ۲۸۹۱	سیاوخش گرد - جنگ بزرگ ۲۰۹۲
قندهار - یازده رخ ۱۱۴۶	سیاوش کرد - سیاوخش گرد
قَنوج - یازده رخ ۱۱۴۶ پ جنگ بزرگ	سیستان - یازده رخ ۱۰۷ جنگ بزرگ ۲۵۵۰
۲۶۴۴، ۲۶۳۱، ۲۵۴۴	
قهستان - دهستان	
	شاش - چاج (بنداری همه جا شاش دارد)
	شکنان - یازده رخ ۱۱۴۱
کابل - کاول	

کوه بزرگ - کوس بزرگ	کابلستان - کاولستان
کهماک - دریای کیماک	کاسه رود - یازده رخ ۱۶۶۸
کیابند - گنابند	کاول - یازده رخ ۱۱۱، ۱۰۳۰، ۱۱۴۶
کیج - تیز	جنگ بزرگ ۱۲۹، ۲۵۵۴، ۲۷۸۳
کیماک - دریای کیماک	کاولستان - جنگ بزرگ ۲۵۴۷، ۲۵۴۵
کیمال - دریای کیماک	گرخ - جنگ بزرگ ۱۵۲، ۱۶۲
	گرکاج - گرگانج
گرگان - یازده رخ ۱۰۴۳	کرمان - جنگ بزرگ ۱۲۷
گرگانج - یازده رخ ۱۰۳۲	کروسان - کورستان
گل زربون - جنگ بزرگ ۲۰۷، ۸۹۱	کروشان - کورستان
۸۹۴، ۸۹۵، ۹۴۴، ۹۵۹، ۱۴۸۱	کشان - جنگ بزرگ ۲۰۷، ۹۲۶
۱۴۹۸	کشمیر - جنگ بزرگ ۱۱۱، ۱۰۳۰، ۱۱۴۶
گنابند - یازده رخ ۲۵۱، ۲۷۰، ۲۷۵، ۵۵۹	کتابد - گنابند
۷۵۷، ۷۶۲، ۸۳۵، ۹۳۰، ۹۴۵	کندز - جنگ بزرگ ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵
۱۳۷۲، ۱۶۲۲، ۲۰۸۲	۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸
گوزگانان - یازده رخ ۱۱۳۸	کنگ (کوه) - جنگ بزرگ ۴۳۵، ۴۴۲ پ
گیل - جنگ بزرگ ۱۵۵ پ	کنگ (بهشت کنگ؟ کنگ دز؟) - جنگ
	بزرگ ۱۴۷۹، ۱۷۳۳، ۱۸۴۱، ۱۸۴۷
لاون - یازده رخ ۳۷۰، ۵۴۵، ۱۶۶۹ پ	۲۲۰۱
۲۲۴۴ جنگ بزرگ ۲۹۰۵	کنگ بهشت - بهشت کنگ
	کنگ دز - جنگ بزرگ ۱۱۹۴، ۱۲۷۸
ماچین - جنگ بزرگ ۲۱۱، ۱۲۰۰	۱۵۴۰، ۱۵۴۲، ۱۷۰۷، ۱۷۱۳
۱۶۷۶، ۱۷۱۹، ۱۷۶۷، ۲۰۹۱	۲۰۰۴، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱
مازندران - یازده رخ ۱۵۹۳ جنگ بزرگ	۲۰۱۵، ۲۰۲۷، ۲۰۳۶، ۲۰۳۸
۲۸۵۵، ۲۸۵۷، ۲۸۵۹، ۲۹۰۶	۲۰۶۵، ۲۱۸۴، ۲۳۰۶
های - جنگ بزرگ ۲۵۴۴، ۲۶۴۴	کورسان - کورستان، یازده رخ ۱۱۴۵ پ
مرغ - جنگ بزرگ ۲۵۴۴، ۲۶۴۴	کورستان - جنگ بزرگ ۲۰۸، ۲۱۱
مرو - جنگ بزرگ ۱۲۴ پ	کورشان - کورستان
مرورود - جنگ بزرگ ۲۱۵۳	کوس بزرگ (?) - یازده رخ ۱۱۷
مکران - جنگ بزرگ ۱۲۷ پ، ۱۲۰۱	کولجان - جنگ بزرگ ۱۵۱۷ پ

ویل - دبر	،۱۷۱۸ ،،۱۷۱۹ ،،۱۷۶۷ ،،۱۸۲۹
ویسه گرد - یازده رخ ۲۱۲ پ، ۱۱۴۱	،۱۸۵۵ ،،۱۸۶۹ ،،۱۸۹۸ ،،۱۸۹۹
ویشگرد - یازده رخ ۲۱۲	،۱۹۰۰ ،،۱۹۰۸ ،،۱۹۱۵ ،،۱۹۱۶
هاماوران - جنگ بزرگ ۲۸۶۳ پ،	،۱۹۱۹ ،،۱۹۲۲ ،،۱۹۲۵ ،،۱۹۳۱
۲۹۰۶ پ	،۱۹۴۱ ،،۱۹۴۲ ،،۱۹۴۳ ،،۱۹۵۴
هماون (کوه) - جنگ بزرگ ۲۹۰۳	،۱۹۵۷ ،،۱۹۶۵ ،،۱۹۹۳ ،،۲۰۷۸
هند - یازده رخ ۲۵۰۳ جنگ بزرگ ۵۶،	،۲۰۸۱ ،،۲۰۸۵ ،،۲۰۸۶ ،،۲۱۳۲
۱۰۵۷ ،، ۲۴۳۹	۲۱۳۶
هندوستان - یازده رخ ۱۰۷، ۱۱۴۶	مولتان - یازده رخ ۱۱۳۹
هنگ افراسیاب - جنگ بزرگ ۲۲۲۶،	مولیان - یازده رخ ۱۱۳۹ پ
،۲۲۲۷ ،، ۲۲۴۶ ،، ۲۲۴۹ ،، ۲۲۸۶،	نشابور - جنگ بزرگ ۲۱۵۶
۲۲۸۸، ۲۲۸۷	نیل - دریای نیل
یزدگرد - یازده رخ ۱۱۴۰ پ	نیمروز - یازده رخ ۱۱۴۳، ۱۲۸۰ جنگ
یمن - جنگ بزرگ ۱۲۸	بزرگ ۹۱۹، ۲۸۷۴، ۳۱۱۶
یونان - یازده رخ ۲۵۰۳ پ	واشجرد - ویشگرد